

اصفهان در پستانها



نرم افزار گردشگری مجازی فیروزه

نگارش ویژه نسخه یک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصفهان در یک نگاه

نویسنده:

حسین غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۵	اصفهان در یک نگاه
۴۵	مشخصات کتاب
۴۵	موقعیت جغرافیایی اصفهان
۴۵	تاریخچه
۴۸	اصفهان در گذر زمان
۴۸	اصفهان در دوره مرداوید زبیری
۴۸	اصفهان در دوره مرداوید زبیری
۴۹	کاخهای پذیرایی مرداوید در اصفهان
۵۰	اصفهان در دوره دیالمه
۵۰	اصفهان در دوره دیالمه
۵۲	اصفهان در اواخر دوره دیالمه "دوره حکمرانان کاکوی"
۵۳	اصفهان در عهد غزنویان
۵۴	اصفهان در دوران پادشاهان سلجوقی
۵۴	اصفهان در دوره ملکشاه
۵۶	ادیان در اصفهان
۵۶	ادیان
۵۷	دین اسلام
۵۷	دین مردم اصفهان و اسلام
۵۸	شیعه در ایران
۵۸	نویسنده
۵۸	مقدمه
۵۸	آغاز تشیع در ایران
۶۲	فرمانروایی طاهریان در هرات
۶۴	دولت علویان
۶۴	دولت علویان قسمت اول
۷۷	دولت علویان قسمت دوم
۹۶	پاورقی ها
۱۰۱	شیعه و سابقه تاریخی آن
۱۰۱	نویسنده

۱۰۱	معنی لغوی شیعه
۱۰۹	دعوت به تشیع از چه زمانی آغاز شد؟
۱۱۲	انتشار تشیع
۱۱۶	علنی شدن دعوت به تشیع
۱۱۹	فلسفه نماز
۱۱۹	اشاره
۱۲۶	نمازهای مردود
۱۲۶	نمازهای معصومین
۱۲۷	آداب نماز
۱۲۸	نماز و همراه هایش
۱۲۸	نماز پرواز روح
۱۲۹	فلسفه عبادات
۱۲۹	اشاره
۱۳۲	اما فطرت
۱۳۲	اما علم
۱۳۴	بهانه یا تحقیق
۱۳۴	پاورقی
۱۳۷	فلسفه سجده بر خاک چیست؟
۱۳۷	سوال
۱۳۷	پاسخ
۱۳۷	تعریف سجود
۱۳۸	گزیده راهنمای حقیقت
۱۳۸	مشخصات کتاب
۱۳۸	مقدمه
۱۴۱	فصل اول
۱۴۱	تاریخ شیعه و گسترش آن
۱۵۲	شیعه در عصر رسالت
۱۵۵	فصل دوم
۱۵۵	عقاید شیعه مقامات اولیای خدا و قدرت های غیبی
۲۱۰	فصل سوم
۲۱۰	منزلت قرآن نزد شیعه
۲۲۴	فصل چهارم

۲۲۴	امامت نزد شیعه
۲۵۲	فصل پنجم
۲۵۲	اهل بیت علیهم السلام
۲۶۹	فصل ششم
۲۶۹	مهدویت در اسلام
۲۸۵	فصل هفتم
۲۸۵	مسائل فقهی
۳۱۹	فصل هشتم
۳۱۹	مسائل تاریخی
۳۲۶	فصل نهم
۳۲۶	صحابه
۳۳۵	پاورقی
۳۴۹	حوزه های علمیه و مساجد اصفهان
۳۵۰	اولین مسجد اصفهان
۳۵۲	امام زاده های اصفهان
۳۵۲	اقلیتهای دینی و مذهبی در اصفهان قدیم
۳۵۲	اشاره
۳۵۳	دین مسیح
۳۵۳	اشاره
۳۵۷	فرمان شاه عباس اول، جهت بنای کلیسای وانک جلفا
۳۵۸	کلیسای دوازده گانه ارمنیان اصفهان
۳۵۹	قبرستان ارمنیان
۳۵۹	دین یهود
۳۵۹	دین یهود
۳۶۳	کنیسه های کلیمیان اصفهان
۳۶۳	دین زرتشت
۳۶۳	دین زرتشت
۳۶۴	پرستشگاه های زرتشتیان
۳۶۴	آتشکده های اصفهان
۳۶۵	آیین افروختن آتش در آتشکده ها
۳۶۶	خارجیان در اصفهان
۳۶۶	سرگذشت خارجیان مدفون در اصفهان

۳۷۲	آرامگاه خارجیان
۳۷۸	تاریخ آرامگاه خارجیان
۳۷۸	قرن «۱۷»
۳۸۱	قرن «۱۸»
۳۸۴	قرن «۱۹»
۳۸۶	قرن «۲۰»
۳۹۳	وجه تسمیه
۳۹۳	اشاره
۳۹۶	جمعیت شهر اصفهان
۳۹۶	در دوره های مختلف
۳۹۷	کتاب شناسی اصفهان
۳۹۷	لیست کتاب ها
۴۰۳	مشاهیر و مفاخر اصفهان
۴۰۳	شعرا
۴۰۳	ابوالفرج اصفهانی
۴۰۳	راغب اصفهانی
۴۰۳	جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی
۴۰۳	کمال الدین اسمعیل بن جمال الدین عبدالرزاق
۴۰۳	ابن مسکویه
۴۰۴	حمزه اصفهانی
۴۰۴	سید احمد هاتف اصفهانی
۴۰۴	صائب تبریزی
۴۰۴	حکیم شفایی
۴۰۴	عاشق اصفهانی
۴۰۵	وحید دستگردی
۴۰۵	شیخ اوحدالدین بن حسین اوحدی مراغی اصفهانی
۴۰۵	میرزا محمد علی سروش اصفهانی
۴۰۵	میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی
۴۰۶	علمای بزرگ اصفهان
۴۰۶	سلمان فارسی
۴۰۶	میرداماد
۴۰۶	شیخ بهایی

- ۴۰۶ میر ابوالقاسم فندرسکی
- ۴۰۷ ملا اسماعیل خواجوی
- ۴۰۷ سید محمدباقر درجه ای اصفهانی
- ۴۰۷ سید ابوالحسین اصفهانی
- ۴۰۷ حاج آقا رحیم ارباب
- ۴۰۷ سید حسن مدرس
- ۴۰۷ سیده نصرت امین
- ۴۰۸ آقا محمد بیدآبادی
- ۴۰۸ حاجی محمد ابراهیم کلباسی
- ۴۰۸ ابونعمیم اصفهانی
- ۴۰۸ فاضل هندی
- ۴۰۹ حکیم جهانگیر خان قشقایی
- ۴۰۹ علامه محمد باقر مجلسی (ره)
- ۴۰۹ حجه الاسلام سید شفتی
- ۴۰۹ سید عطاء الله امامی
- ۴۰۹ هنرمندان
- ۴۱۰ محورهای گردشگری اصفهان
- ۴۱۰ محور حسن آباد به تخت فولاد
- ۴۱۱ محور جویباره
- ۴۱۱ توضیحات
- ۴۱۲ جویباره
- ۴۱۲ اشاره
- ۴۱۲ جویباره
- ۴۱۳ مسجد جامع دشتی
- ۴۱۴ مسجد جامع کاج
- ۴۱۴ مسجد درب جویباره
- ۴۱۴ مسجد سلطان ابوسعید بهادر خان
- ۴۱۵ مسجد شعیا
- ۴۱۵ مسجد مصری
- ۴۱۶ امامزاده اسماعیل
- ۴۱۶ بقعه جعفریه
- ۴۱۶ مقبره خواجه سید حسن

۴۱۶	مقبره کمال الدین اسماعیل
۴۱۷	مناره باغ قوشخانه
۴۱۷	مناره چهل دختران
۴۱۷	دو مناره دارالضیافه
۴۱۷	مناره ساریان
۴۱۹	خانه های یهودی
۴۲۱	بازار غاز
۴۲۱	بازار و حمام و خانه شاه اسداله
۴۲۱	حمام زعفران
۴۲۱	دروازه طوقچی
۴۲۳	محور جنوب نقش جهان
۴۲۳	محور جماله
۴۲۳	محور جلفا
۴۲۳	توضیحات
۴۲۵	جلفا
۴۲۵	اشاره
۴۲۵	جلفا
۴۲۸	کلیسای بیدخم
۴۲۹	کلیسای مریم
۴۳۰	کلیسای گیورک
۴۳۰	موزه کلیسای وانک
۴۳۱	کلیسای هاکوپ
۴۳۱	کوچه نمازخانه مریم
۴۳۱	کوچه خواجه عابد
۴۳۱	مدرسه کاتارینیان مقدس
۴۳۲	مدرسه کاناتیان
۴۳۲	میدان جلفا
۴۳۲	چهارسو
۴۳۲	خاقانی
۴۳۴	دیر سیاه پوشان
۴۳۴	حمام قدیمی
۴۳۴	باشگاه قدیم ارامنه

۴۳۴	محور دردشت
۴۳۴	توضیحات
۴۳۴	در دشت
۴۳۴	اشاره
۴۳۵	دردشت
۴۳۶	مسجد جامع اصفهان
۴۳۸	امامزاده و مسجد شوری
۴۳۹	مسجد چاره دردشت
۴۳۹	کاروانسرای دردشت
۴۳۹	بازار دردشت
۴۳۹	مسجد آقانور
۴۴۰	مدرسه بابا قاسم
۴۴۱	مقبره بابا قاسم
۴۴۲	آرامگاه سلطان بخت آغا
۴۴۲	بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاءالدین محمد
۴۴۲	حمام دردشت
۴۴۲	حمام وزیر
۴۴۲	مجموعه درب امام
۴۴۴	مسجد و بازار حاج محمد جعفر
۴۴۵	مسجد صفا
۴۴۵	مسجد پاگلدسته
۴۴۵	گنبد ابن سینا
۴۴۵	مدرسه نوریه
۴۴۶	سرای خانی
۴۴۶	هارون ولایت
۴۴۷	مسجد علی
۴۴۸	منار مسجد علی
۴۴۹	محور اصفهان
۴۴۹	محور هارونیه، نظام الملک
۴۴۹	محور بیدآباد
۴۴۹	توضیحات
۴۵۰	بید آباد

- ۴۵۰ اشاره
- ۴۵۰ بید آباد
- ۴۵۰ علیقلی آقا
- ۴۵۰ مسجد علیقلی آقا
- ۴۵۱ حمام علی قلی آقا
- ۴۵۲ بازارچه و چهار سوق علیقلی آقا
- ۴۵۲ کاروانسرای علیقلی آقا
- ۴۵۲ جوی بابا حسن
- ۴۵۲ خانه بخردی
- ۴۵۲ بقعه شیخ ابو مسعود رازی
- ۴۵۲ درب کوشک
- ۴۵۲ اشاره
- ۴۵۲ درب کوشک
- ۴۵۲ مدرسه درب کوشک (پاشیر، باقریه)
- ۴۵۲ مسجد درب کوشک (پاشیر)
- ۴۵۴ سردر درب کوشک
- ۴۵۴ خیابان کوشک قدیمی
- ۴۵۴ یخچال قدیمی
- ۴۵۴ مسجد رحیم خان
- ۴۵۶ مسجد سید
- ۴۵۸ مدرسه میرزا حسین
- ۴۵۹ بازارچه بیدآباد
- ۴۵۹ بازارچه شاطر باشی
- ۴۵۹ خانه شفتی
- ۴۵۹ خانه پناهنده
- ۴۶۰ جنوب میدان امام
- ۴۶۰ هارونیه-نظام الملک
- ۴۶۰ جماله
- ۴۶۰ حسن آباد به تخت فولاد
- ۴۶۰ تخت فولاد و قبرستان های قدیم و جدید اصفهان
- ۴۶۰ تخت فولاد
- ۴۶۱ تاریخیچه تخت فولاد

۴۶۲	سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی تخت فولاد
۴۶۴	وجه تسمیه تخت فولاد
۴۶۵	لسان الارض
۴۶۵	تکایای معروف تخت فولاد
۴۶۵	اشاره
۴۶۶	تکیه بابا رکن الدین
۴۶۶	تکیه میرفندرسکی
۴۶۸	آرامگاه عبدالمجید
۴۶۸	تکیه آقا حسین خوانساری
۴۶۹	تکیه خاتون آبادی
۴۶۹	تکیه سید العراقرین
۴۷۱	تکیه فاضل سراب
۴۷۱	تکیه واله
۴۷۲	مسجد رکن الملک
۴۷۳	تکیه تویسرکانی
۴۷۴	تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی
۴۷۵	تکیه لسان الارض
۴۷۵	تکیه ملک
۴۷۷	تکیه فاضل هندی
۴۷۸	مقبره فیض
۴۷۸	تکیه مادر شازده
۴۷۸	آب انبارهای تخت فولاد
۴۸۰	گورستان تخت فولاد در گذر تاریخ
۴۸۰	تخت فولاد پیش از اسلام
۴۸۱	تخت فولاد در قرون نخستین اسلامی
۴۸۳	تخت فولاد در قرون پنجم تا نهم هجری
۴۸۳	تخت فولاد در دوره صفویه
۴۸۳	تاریخچه
۴۸۴	اوایل دوره صفوی
۴۸۵	اواسط دوره صفوی
۴۸۷	اواخر دوره صفوی
۴۸۷	تخت فولاد در دوره افشاریه و زندیه

۴۸۷	تخت فولاد در دوره قاجاریه
۴۸۷	اوایل دوره قاجار
۴۸۸	اواسط دوره قاجار
۴۸۹	اواخر دوره قاجار
۴۸۹	تخت فولاد در دوره پهلوی
۴۹۱	تخت فولاد در دوره معاصر
۴۹۲	تکیه های گلستان شهدا
۴۹۲	تاریخچه گلستان شهدا
۴۹۵	تکایای کهن
۴۹۵	تاریخچه تکایای کهن
۴۹۵	تکیه لسان الارض
۴۹۷	تکیه فاضل هندی
۵۰۱	تکیه خواجهی
۵۰۳	تکیه ملک
۵۰۴	تکیه بروجنی ها
۵۰۵	تکیه میر محمد صادقی
۵۱۰	تکیه میرزا احمد خان محیی
۵۱۰	تکیه کوهی
۵۱۱	گورستانهای اصفهان
۵۱۴	اصفهان محل دفن برخی از نامداران
۵۱۴	صاحب بن عباد
۵۱۴	حضرت بوشع
۵۱۴	شعیای پیغمبر
۵۱۴	میرعماد
۵۱۴	خواجه نظام الملک
۵۱۴	عبدالمجید درویش
۵۱۴	محمد هاشم
۵۱۴	کمال الدین اسماعیل
۵۱۵	میر سیدعلی مشتاق
۵۱۵	صائب
۵۱۵	زین العابدین
۵۱۵	انصاری

۵۱۵	سید محمدباقر درجه
۵۱۵	حاجیه خانم امین
۵۱۵	استاد جلال همایی
۵۱۵	استاد جلال تاج
۵۱۵	حاج آقا رحیم ارباب
۵۱۶	یاور
۵۱۶	الفت
۵۱۶	دکتر مرتضی حکمی
۵۱۶	دکتر نواب
۵۱۶	حاج مصور الملکی
۵۱۶	محمد صدر هاشمی
۵۱۶	حاج میرزا عباس
۵۱۶	حاج زین العابدین
۵۱۶	حاج حسین ختایی
۵۱۶	حاج میرزا آقا امامی
۵۱۷	میرزا عبدالحسین قدسی
۵۱۷	بدرالدین کتابی
۵۱۷	حسین عریضی
۵۱۷	واله اصفهانی
۵۱۷	صمصام
۵۱۷	بابا فولاد حلوابی
۵۱۷	عبدالحسین سینتا
۵۱۷	میرزا آقا امامی
۵۱۷	عبدالجواد فلاطوری
۵۱۸	محمد حسین امام نجفی
۵۱۸	سید محمود موسوی درب امامی
۵۱۸	سید محمد مهدی درجه ای
۵۱۸	شیخ احمد بیدآبادی
۵۱۸	آیت الله سید ابوالحسن طباطبائی بروجردی (درب کوشکی)
۵۱۸	حاج منیر الدین بروجردی
۵۱۹	میرزا مسیح چهار سوقی
۵۱۹	سید اسدالله دادخواه (بهشتی)

- ۵۱۹ شیخ محمدحسن داور پناه خوانساری
- ۵۱۹ حاج آقا مصطفی بهشتی نژاد
- ۵۱۹ آیت الله میرزا محمد جواد بید آبادی
- ۵۱۹ ملا کاظم مروج بید آبادی
- ۵۲۰ شیخ محمدرضا نجفی
- ۵۲۰ آیت الله فقیه احمد آبادی
- ۵۲۰ محمدعلی امین التجار
- ۵۲۰ میرزا بدیع درب امامی
- ۵۲۰ شیخ احمد بیان الواعظین
- ۵۲۰ آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی
- ۵۲۱ میر سید عبدالحسین سید العراقین
- ۵۲۱ حاج سید ابوالحسن آل رسول مشهور به شمس آبادی
- ۵۲۱ شیخ محمد باقر صدیقین
- ۵۲۱ شیخ جمال الدین نجفی
- ۵۲۲ شیخ حسینعلی صدیقین
- ۵۲۲ حاج سید محمدعلی صادقی
- ۵۲۲ سید محمد باقر درجه ای
- ۵۲۲ آیت الله سید محمدرضا خراسانی
- ۵۲۲ شیخ عبدالکریم گزی
- ۵۲۲ آیت الله شهید اشرفی اصفهانی
- ۵۲۳ میرزا جمال الدین کلباسی
- ۵۲۳ سید محمد لطیف خواجویی
- ۵۲۳ سید محمد صادق مدرس خاتون آبادی
- ۵۲۳ سید محمدرضا خراسانی
- ۵۲۳ سید صدرالدین کوبایی
- ۵۲۴ شیخ احمد مشکات
- ۵۲۴ سید محمدعلی مبارکه ای
- ۵۲۴ شیخ محمود مفید
- ۵۲۴ حاج سید محمد مقدس
- ۵۲۴ سید محمد نجف آبادی
- ۵۲۴ سید حسین نایب الصدر
- ۵۲۵ شیخ محمدباقر فقیه ایمانی

۵۲۵	محمدحسین کازرونی
۵۲۵	زین العابدین رضوی
۵۲۵	شیخ محمود سالک
۵۲۵	سید عبدالغفار تویسرکانی
۵۲۶	میرزا محمد باقر تویسرکانی
۵۲۶	سید محمد صادق صدیق الاطباء
۵۲۶	جلال الدین همایی
۵۲۷	سید مصلح الدین مهدوی
۵۲۷	میرزا حسن خان جابری انصاری
۵۲۷	رکن الملک
۵۲۷	میرزا علی مشفق
۵۲۷	مرحوم ثقه المحدثین شیخ لطف الله شمس الواعظین ریزی
۵۲۸	عباس خان شیدا
۵۲۸	میرفندرسکی
۵۲۸	آیت الله شیخ محمد حسین فشارکی
۵۲۸	سید آقاجان نوربخش
۵۲۸	آخوند کاشی
۵۲۹	میر سیدعلی آیت نجف آبادی
۵۲۹	فاتح الملک
۵۲۹	میرزا ابوالهدی کلباسی
۵۲۹	ملا محمد همایی
۵۲۹	حاج آقا رضا هرندی
۵۳۰	شیخ مرتضی حجت نجفی
۵۳۰	شیخ محمد حسین اشنی قوچانی
۵۳۰	سید عطاء الله امامی
۵۳۰	زندگی نامه
۵۳۰	خانداں امامی
۵۳۰	محل سکونت
۵۳۱	شهرت
۵۳۲	خانداں علمی
۵۳۶	فرزنداں
۵۳۹	وفات و مدفن

۵۴۱	فهرست منابع
۵۴۲	باغ رضوان
۵۴۲	تاریخچه
۵۴۲	فصل اول
۵۶۴	فصل دوم
۵۷۸	مرمت و بازسازی اصفهان
۵۷۸	پروژه احیاء بدنه شرقی چهار باغ عباسی
۵۸۰	مرمت و احیای عصار خانه شاهی
۵۸۰	پروژه احیاء میدان عشیق
۵۸۱	مرمت و احیای بازارچه علیقلی آقا
۵۸۱	بازارچه ها
۵۸۱	مرمت برج کیوتر
۵۸۲	بقعه ها و امام زاده ها
۵۸۲	ساماندهی گلستان ها
۵۸۲	گذرهای تاریخی
۵۸۲	حمام های تاریخی
۵۸۲	اشاره
۵۸۲	مرمت و احیای حمام علیقلی آقا
۵۸۳	مرمت و احیای حمام شاهزاده ها
۵۸۳	حمام شیخ بهایی اصفهان
۵۸۴	پروژه های پیشنهادی برنامه پنج ساله سوم شهرداری اصفهان
۵۸۴	مقدمه
۵۸۴	پروژه احداث هتل در زمین کاروانسرای نخجوانیها
۵۸۵	مرمت دیوار کلیسای وانک
۵۸۵	خانه های تاریخی
۵۸۵	اشاره
۵۸۵	مرمت و احیای خانه تاریخی کدخدایی
۵۸۶	مرمت خانه تاریخی مشروطیت
۵۸۷	مرمت منار تاریخی ساربان
۵۸۷	تکایا
۵۸۷	اشاره
۵۸۷	مرمت و بازسازی تکیه فاضل سراب

۵۸۷	نوروزنامه ایرانیان
۵۸۷	پیدایش جشن نوروز
۵۸۸	روزها یا ماه جشن نوروز
۵۸۸	چهارشنبه سوری
۵۸۸	میر نوروزی
۵۸۸	قصه عمو نوروز
۵۹۱	روزهای مردگان و پنجشنبه آخر سال
۵۹۲	خانه تکانی
۵۹۲	کاشتن سبزه
۵۹۳	سفره هفت سین
۵۹۳	پوشیدن لباس نو
۵۹۴	خوراک های نوروزی
۵۹۴	دید و بازدید نوروزی، یا عید دیدنی
۵۹۵	نوروز اول
۵۹۵	هدیه نوروزی، یا عیدی
۵۹۶	سبزه بدر
۵۹۶	باورهای عامیانه
۵۹۷	آثار تاریخی اصفهان
۵۹۷	مجموعه میدان امام
۵۹۷	درباره میدان
۵۹۷	قسمتهای دیدنی میدان
۵۹۹	مسجد امام
۵۹۹	گستره ای از معماری اصیل اسلامی در پوششی از لعاب فیروزه ای فام
۶۰۰	ویژگیهای مسجد
۶۰۱	سردر ورودی
۶۰۲	ویژگی های گنبد مسجد
۶۰۳	مسجد شیخ لطف اله
۶۰۳	گوهری صدر نشین در گنجینه شاهکارهای معماری اصفهان
۶۰۴	از ویژگی های این مسجد
۶۰۷	کاخ عالی قاپو
۶۰۷	رفیع ترین بنای عهد صفوی
۶۰۷	ویژگی های ساختمان

۶۰۷	کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی
۶۰۷	ساختمان کاخ
۶۰۹	ویژگی خاص کاخ
۶۱۱	سر در قیصریه
۶۱۱	موقعیت
۶۱۱	از ویژگی های این بازار
۶۱۳	چاه حاج میرزای اصفهان
۶۱۳	آشنائی اجمالی با این اثر تاریخی:
۶۱۴	عاقبت اندوهبار حاج میرزا آقاسی، طراح سیستم آبرسانی این چاه:
۶۱۵	طرزکار چاههای حاج میرزا، در نقاط مختلف ایران:
۶۱۵	سبب مشهور شدن چاه حاج میرزا در اصفهان:
۶۱۷	ریشه یابی شایعات توهین آمیز علیه مرحوم حاج میرزا آقاسی:
۶۱۷	مناره ها
۶۱۷	منار جنبان
۶۱۹	منار مسجد امام
۶۱۹	منار ساریان
۶۲۰	منار مسجد علی (ع)
۶۲۱	منار چهل دختران
۶۲۲	دو مناره دارالضیافه
۶۲۲	منار باغ قوشخانه
۶۲۳	منار خواجه نظام الملک
۶۲۳	منار مسجد شعیا
۶۲۳	منار گلبار
۶۲۴	منار ته برنجی
۶۲۴	منار مسجد جمعه
۶۲۴	منار هارون ولایت
۶۲۴	منار شاخ
۶۲۴	منار دشتی
۶۲۴	منار شیخ مسعود
۶۲۴	منار مسجد سین
۶۲۵	منار زیار
۶۲۶	منارگار با دو دستگاه پله

۶۲۶	منار برسیان
۶۲۷	منار رهروان
۶۲۷	منار گز
۶۲۷	مساجد
۶۲۷	لیست مساجد
۶۳۰	مسجد جامع
۶۳۰	موقعیت
۶۳۱	بناهای مسجد
۶۳۵	مسجد امام
۶۳۵	گستره ای از معماری اصیل اسلامی
۶۳۵	ویژگیهای مسجد
۶۳۷	سردر ورودی
۶۳۸	ویژگی های گنبد مسجد
۶۴۰	مسجد شیخ لطف اله
۶۴۰	گوهری صدر نشین در گنجینه شاهکارهای معماری اصفهان
۶۴۰	از ویژگی های این مسجد
۶۴۳	مسجد حکیم
۶۴۳	برانگیزاننده خالصترین احساسات عارفانه
۶۴۶	مسجد سید
۶۴۶	موقعیت
۶۴۶	بناهای این مسجد
۶۴۸	مسجد آقا نور
۶۴۹	مسجد رکن الملک
۶۵۲	مسجد حاج محمد جعفر آباده ای
۶۵۳	مسجد ذوالفقار
۶۵۴	مسجد علی
۶۵۵	مسجد صفا
۶۵۶	مسجد خان
۶۵۷	مسجد رحیم خان
۶۵۸	مسجد ایلچی
۶۵۹	مسجد مقصود بیک
۶۶۱	مسجد علیقلی آقا

- ۶۶۲ مسجد مصری
- ۶۶۲ قطیبه
- ۶۶۴ مسجد لبنان
- ۶۶۴ مسجد آقا میرزا محمدباقر سوقی
- ۶۶۴ مسجد آقامیرزا محمد هاشم
- ۶۶۴ مسجد بابا سوخته
- ۶۶۴ مسجد باغ حاجی
- ۶۶۴ مسجد بزرگ ساروتقی
- ۶۶۵ مسجد جارچی
- ۶۶۵ مسجد جامع ازبران
- ۶۶۵ مسجد جامع برسیان
- ۶۶۵ مسجد جامع جورجیر
- ۶۶۵ مسجد جامع خوزان (سده)
- ۶۶۵ مسجد جامع کاج
- ۶۶۵ مسجد جویباره
- ۶۶۵ مسجد حاج سیدجواد
- ۶۶۶ مسجد حاج محمد امید
- ۶۶۶ مسجد حاج محمدمهدی
- ۶۶۶ مسجد حاج منوچهر
- ۶۶۶ مسجد حاج میرزا محمد صادق
- ۶۶۶ مسجد حاج یونس
- ۶۶۶ مسجد خلوت نشین (شیشه)
- ۶۶۶ مسجد دروازه حسن آباد
- ۶۶۶ مسجد دشتی
- ۶۶۷ مسجد سرخی (سفره چی)
- ۶۶۷ مسجد سعید بن جبیر
- ۶۶۷ مسجد سلیمان بیک
- ۶۶۷ مسجد سین
- ۶۶۷ مسجد شعیا
- ۶۶۷ مسجد ظلمات (مسجد مقصود بیک)
- ۶۶۷ مسجد فتح
- ۶۶۷ مسجد کوچک ساروتقی

۶۶۸	مسجد گار
۶۶۸	مسجد گز
۶۶۸	مسجد محله نو
۶۶۸	مسجد نمکی
۶۶۸	مسجد نو
۶۶۸	مسجد هفشویه
۶۶۸	مدارس قدیمی
۶۶۹	لیست اسامی مدارس قدیمی اصفهان
۶۷۰	مدرسه چهارباغ
۶۷۰	مدرسه چهارباغ
۶۷۰	قسمتهای دیدنی مدرسه
۶۷۴	مدرسه آقا کافور
۶۷۴	مدرسه امامی
۶۷۵	مدرسه جده بزرگ
۶۷۵	مدرسه جده کوچک
۶۷۶	مدرسه جلالیه
۶۷۶	مدرسه سلیمانیه
۶۷۷	مدرسه شفیعیه
۶۷۷	مدرسه صدر بازار
۶۷۸	مدرسه کاسه گران
۶۸۰	مدرسه ملاعبدالله
۶۸۱	مدرسه میرزا حسین
۶۸۱	مدرسه ناصری یا مدرسه عباسی
۶۸۲	مدرسه نیم آورد
۶۸۳	مدرسه بابا قاسم (امامیه)
۶۸۳	مدرسه دریکوشک (باقریه)
۶۸۳	مدرسه ترکها
۶۸۳	مدرسه ثقه الاسلام
۶۸۳	مدرسه حاجی حسن
۶۸۳	مدرسه شمس آپاد
۶۸۴	مدرسه نوریه
۶۸۴	مدرسه هارونیه

۶۸۴	پل ها
۶۸۴	سی و سه پل
۶۸۵	خواجه
۶۸۷	شهرستان
۶۸۹	مارنان
۶۹۰	جویی
۶۹۱	کاخ ها تالار ها عمارتها
۶۹۱	لیست کاخهای اصفهان
۶۹۱	کاخ چهل ستون
۶۹۱	با ماده تاریخ "مبارک ترین بناهای دنیا" چهل چراغی بر سراسر معماری عصر صفوی
۶۹۲	وجه تسمیه کاخ
۶۹۲	ساختمان کاخ
۶۹۵	کاخ عالی قاپو
۶۹۵	رفیع ترین بنای عهد صفوی
۶۹۵	ویژگی های ساختمان
۶۹۵	کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی و مدخل کلیه قصرهای محدوده میدان امام
۶۹۵	ساختمان کاخ
۶۹۶	ویژگی خاص کاخ
۶۹۸	کاخ هشت بهشت
۶۹۸	هزارتویی خیال انگیز
۶۹۸	از آثار قابل توجه این کاخ
۶۹۸	زیباترین کاخ عالم
۶۹۸	ساختمان کاخ
۷۰۰	عمارت رکیب خانه
۷۰۱	تالار اشرف
۷۰۲	تالار تیموری
۷۰۴	کلیساها و کنیسه ها
۷۰۴	کلیساها
۷۰۴	اشاره
۷۰۸	کلیساهای جلفا
۷۰۹	کلیسای وانک
۷۰۹	مشخصات

۷۰۹	از ویژگیهای ساختمان
۷۰۹	بزرگترین کلیسای جلفا
۷۰۹	ساختمان نماز خانه کلیسا
۷۱۰	ساختمان کلیسا
۷۱۰	قسمتهای مختلف کلیسا
۷۱۱	کلیسای مریم
۷۱۱	کلیسای بیت اللحم
۷۱۱	کلیسای هاگوب مقدس
۷۱۲	کلیسای گیورک
۷۱۲	کلیسای سن استپانوس
۷۱۲	کلیسای یوحنا
۷۱۲	کلیسای گریگور
۷۱۲	کلیسای سرکیس
۷۱۲	کلیسای نرسس
۷۱۲	کلیسای نیکوگایوس
۷۱۲	کلیسای بیدخم
۷۱۳	کنیسه ها
۷۱۴	خانه های قدیمی
۷۱۴	انگورستان ملک
۷۱۵	سرتیپی
۷۱۶	اعلم
۷۱۷	شیخ الاسلام
۷۱۸	قدسی
۷۱۹	نعلیندها
۷۲۰	حاج رسولیها
۷۲۱	حقیقی
۷۲۳	یداللهی
۷۲۴	قزوینی ها
۷۲۷	حاج مصور الملکی
۷۲۸	خانه بخردی
۷۲۹	خانه ارسطویی
۷۳۰	توحید خانه

۷۳۰	خانه حاج حسن غفوری
۷۳۰	پطروس
۷۳۳	داوید
۷۳۴	سوکیاس
۷۳۵	مارتا پیترز
۷۳۶	آتشگاه
۷۳۶	آتشگاه
۷۳۷	ویژگی بنا
۷۳۷	در مورد ساختمان آتشگاه
۷۳۸	آرامگاه ها و بقاع
۷۳۸	لیست اسامی
۷۳۹	هارون ولایت
۷۴۰	درب امام
۷۴۲	امام زاده شاه زید
۷۴۳	امامزاده احمد
۷۴۵	امامزاده اسماعیل
۷۴۶	امامزاده حسین-امامزاده ابراهیم-بقعه الراشد خلی
۷۴۷	امامزاده جعفر (بقعه جعفریه)
۷۴۸	بقعه ستی فاطمه و مقبره شاهزادگان
۷۴۹	آرامگاه خواجه نظام الملک (دار البطیخ)
۷۵۰	بقعه شهشهان
۷۵۱	بقعه شیخ ابومسعود رازی
۷۵۲	مقبره بابا رکن الدین
۷۵۴	مقبره بابا قاسم
۷۵۶	حسینیه، تکایا و مصلی ها
۷۵۶	لیست اسامی
۷۵۷	حسینیه شیخ الاسلام
۷۵۷	تاریخچه زورخانه و ورزش باستانی
۷۵۷	اسامی زورخانه های اصفهان
۷۵۷	ساختمان زورخانه
۷۵۸	شر دم
۷۵۸	افزارهای ورزش باستانی

۷۵۹	جامه های ورزش باستان
۷۶۰	گردانندگان زورخانه
۷۶۱	مقام ورزشکاران در زورخانه
۷۶۲	شیوه ورزش باستانی
۷۶۴	جای ایستادن ورزشکاران در گود
۷۷۱	کتباده کشیدن
۷۷۳	دعا کردن
۷۷۴	گل ریزان
۷۷۴	پهلوانان به بنام
۷۷۵	بازارها
۷۷۵	بازارها
۷۷۶	توصیف بازارها
۷۷۷	عناصر موجود در بازار
۷۷۸	دیگر بازارها
۷۷۹	بازار بزرگ اصفهان
۷۷۹	بازار قیصریه یا شاهی
۷۷۹	بازار سماورسازها یا مثقالی فروشها
۷۷۹	بازار گلشن یا جارچی باشی
۷۷۹	بازار درخت سوخته
۷۷۹	بازار لواف ها و آهنگران
۷۷۹	بازار غاز
۷۷۹	بازار کلاهدوزها
۷۸۰	بازار قنادها
۷۸۰	بازار مجلسی
۷۸۰	بازار جماله کله
۷۸۰	بازار هارونیه
۷۸۰	بازار بوریا بافت ها
۷۸۰	بازارچه چهارسوق شیرازیها
۷۸۰	بازار میدان میر
۷۸۰	بازار خیار
۷۸۰	بازار سار و تقی
۷۸۱	بازار مرغ

- ۷۸۱ بازار منشی
- ۷۸۱ بازار نجارها
- ۷۸۱ بازار گندم فروشان
- ۷۸۱ بازار علیقلی آقا
- ۷۸۱ بازار گلشن یا جارچی
- ۷۸۱ بازار دروازه اشرف
- ۷۸۲ بازار کفشدوزها
- ۷۸۲ بازار رنگرها
- ۷۸۲ بازار چهارسو نقاشی
- ۷۸۲ بازار مقصود بیک
- ۷۸۲ بازار ریسمان
- ۷۸۲ بازار نجف آبادی ها
- ۷۸۲ بازار مقابل بازار عربان
- ۷۸۳ بازار نیم آورد
- ۷۸۳ بازار زرگرها
- ۷۸۳ بازار حبیب الله خان
- ۷۸۳ بازار دومنار
- ۷۸۳ بازارچه ها
- ۷۸۳ بازارچه ها
- ۷۸۳ بازارچه در دشت
- ۷۸۴ بازارچه بید آباد
- ۷۸۴ بازارچه حمام قاضی
- ۷۸۴ بازارچه رحیم خان
- ۷۸۴ بازارچه آقا
- ۷۸۴ بازارچه حاج محمد جعفرآبادی
- ۷۸۴ بازارچه چهارسوق شیرازنیا
- ۷۸۴ بازارچه اسماعیل کوسه
- ۷۸۴ بازارچه حسن آباد
- ۷۸۶ چهار سوق ها
- ۷۸۶ تاربخچه
- ۷۸۸ کاروانسرا ها
- ۷۸۸ کاروانسرا ها

۷۸۹	کاروانسرای مادرشاه(مهمانسرای عباسی)
۷۹۰	کاروانسرای مقصود عطار
۷۹۱	کاروانسراهای اصفهان
۷۹۱	عصارخانه ها
۷۹۱	تاریخچه
۷۹۴	عصارخانه شاهی
۷۹۵	برج های کبوتر
۷۹۵	تاریخچه
۷۹۶	سقاخانه ها
۷۹۶	سقاخانه عزیز الله
۷۹۶	سقاخانه سر در مجلسی
۷۹۷	سقاخانه طوقچی
۷۹۸	سقاخانه آقا میرزا اسداله روضاتی
۷۹۹	سقاخانه دردشت
۸۰۱	سقاخانه حاج آقا شجاع
۸۰۲	سقاخانه پنجشنبه دین
۸۰۴	سقاخانه مسجد جورجیر
۸۰۵	سقاخانه درب امام
۸۰۵	موقعیت
۸۰۵	سقاخانه دالان درب امام
۸۰۵	سقاخانه صحن شمالی درب امام
۸۰۶	سقاخانه مجاور درب امام
۸۰۶	سقاخانه مسجد حکیم
۸۰۶	سقاخانه هارونیه
۸۰۷	سقاخانه درب کوشک
۸۰۷	سقاخانه بید آباد
۸۰۷	سقاخانه حاج محمد جعفر
۸۰۸	سقاخانه قصر دردشت
۸۰۹	سقاخانه گرگ یراق
۸۰۹	سقاخانه گذر هارونیه
۸۰۹	سقاخانه حاج علی
۸۱۰	سقاخانه آقا نور

۸۱۰	سقاخانه ترکها
۸۱۱	سقاخانه مسجد سید
۸۱۱	سقاخانه تاج الدین
۸۱۱	سقاخانه مسجد لنیان
۸۱۲	سقاخانه مسجد ذکراالله
۸۱۲	سنگابها
۸۱۲	تاریخچه
۸۱۸	شیر سنگها
۸۱۸	تاریخچه
۸۲۰	گرمابه ها
۸۲۰	تاریخچه
۸۲۸	لیست حمامهای معروف اصفهان
۸۲۹	حمام خسرو آقا
۸۲۹	حمام شاه
۸۲۹	حمام علی قلی آقا
۸۲۹	حمام خواجه ها
۸۳۰	حمام شاهزاده ها
۸۳۰	حمام بیگدلی
۸۳۰	حمام خواجه
۸۳۰	حمام شیخ بهایی
۸۳۰	حمام سنگ حمام چیت سازها
۸۳۰	حمام ذوالفقار
۸۳۰	حمام رستم خان
۸۳۰	حمام سیف الدین
۸۳۰	حمام میرزا روح الله
۸۳۰	حمام الله بیک
۸۳۱	حمام ساروتقی
۸۳۱	حمام شیخ لطف الله
۸۳۱	حمام تراشها
۸۳۱	حمام مشیرالملک
۸۳۱	حمام شیر علی
۸۳۱	حمام کربلایی

۸۳۲	باغ ها
۸۳۲	تاریخچه
۸۳۳	باغهای اصفهان
۸۳۳	باغ نقش جهان
۸۳۳	باغ بادامستان
۸۳۳	باغ بهشت آیین
۸۳۳	باغ انگورستان
۸۳۳	باغ کجاوه خانه
۸۳۳	باغ احمد سیاه
۸۳۳	باغ کاران
۸۳۴	باغ تاج آباد
۸۳۴	باغ تخت
۸۳۴	باغ طاووس خانه
۸۳۴	باغ نسترن
۸۳۴	باغ میرزا مهدیخان
۸۳۴	باغ بابا امیر
۸۳۵	باغ نظر
۸۳۵	باغ کل عنایت
۸۳۵	باغ قوشخانه
۸۳۵	باغ شاه
۸۳۵	باغ زرشک
۸۳۵	باغ منوچهر خان معتمد الدوله
۸۳۵	باغ داروغه
۸۳۵	باغ چینی خانه
۸۳۶	باغ فرح آباد
۸۳۶	باغ هزار جریب
۸۳۶	باغ کومه
۸۳۶	باغ حاجی
۸۳۶	باغ خلف
۸۳۶	باغ عدن
۸۳۷	باغ کاج
۸۳۷	باغ مستوفی

۸۳۷	باغ انارستان
۸۳۷	باغ نگارستان
۸۳۷	باغ غدیر
۸۳۷	درختان کهن اصفهان
۸۳۸	درخت چنار
۸۳۸	چنار امام زاده اسماعیل
۸۳۸	چنار گلدون
۸۳۸	چنار دستگرد
۸۳۸	چنار زهران
۸۳۸	چنار باغ زرشگ
۸۳۹	چنار آپادانا
۸۳۹	چنار دارالبطیخ
۸۳۹	چنار پاچنار
۸۴۰	محله ها
۸۴۰	خیابانهای اصفهان
۸۴۱	محله های قدیم اصفهان
۸۴۲	خیابانهای اصفهان
۸۴۳	اصفهان پایتخت ایران
۸۴۹	آسیاب ها
۸۴۹	مقدمه
۸۵۰	اسامی آسیاب های اصفهان
۸۵۲	ساختمان آسیاب
۸۵۵	یخچال ها
۸۵۵	تاریخچه
۸۵۵	طرز تهیه یخ به طریق سنتی
۸۵۷	صنایع دستی اصفهان
۸۵۷	تاریخچه صنایع دستی در اصفهان
۸۵۷	خاتم
۸۵۸	مینا
۸۵۹	گچبری
۸۶۱	گره چینی
۸۶۲	قلمدان سازی

۸۶۳	مسگری
۸۶۴	منبت کاری
۸۶۵	نقاشی
۸۶۵	نقاشی باستانی
۸۶۸	نقاشی در اسلام
۸۷۵	سبک اصفهانی
۸۷۷	قلمدان
۸۸۶	هنرستان نقاشی در اصفهان
۸۹۱	نقاشی آبرنگ
۸۹۵	سوخت و معرق
۸۹۹	صحافی
۹۰۱	سفالگری
۹۰۱	مینیاتور
۹۰۳	قالی و قالیچه
۹۰۳	تاریخچه قالی و قالیچه در اصفهان
۹۰۵	طرح نقشه های قالی و قالیچه در ایران و اصفهان
۹۰۸	طرز ساختن رنگهای طبیعی فرش
۹۰۹	زری و مخمل بافی
۹۱۱	قلمکار
۹۱۳	قلمزنی روی مس و برنج
۹۱۸	جاذبه های گردشگری اصفهان
۹۱۸	باغ پرندگان
۹۱۸	مقدمه
۹۱۸	جزیره باغ پرندگان
۹۱۸	ماکت
۹۱۸	ساختمان اداری
۹۱۸	ساختمان برج
۹۱۹	ورودی های باغ
۹۲۰	پوشش
۹۲۰	انواع درختان
۹۲۰	انواع درختچه ها
۹۲۲	واحد های اجرایی در باغ پرندگان

۹۲۲	تغذیه
۹۲۲	اشاره
۹۲۲	پرندگان دانه خوار
۹۲۲	پرندگان ماهیخوار
۹۲۳	پرندگان گوشتخوار
۹۲۳	پرندگان میوه خوار
۹۲۳	پرندگان همه چیز خوار
۹۲۳	کلینیک
۹۲۵	قرنطینه
۹۲۶	بهداشت
۹۲۷	آمار
۹۲۷	تحقیقات
۹۲۷	واحد تکثیر
۹۲۷	اشاره
۹۲۹	انواع طوطی ها
۹۲۹	انواع ماکیان
۹۲۹	انواع فنچ ها
۹۲۹	انواع پرندگان
۹۲۹	واحد پرورش
۹۳۱	تاکسیدرمی
۹۳۱	اشاره
۹۳۳	مشخصات پرندگان خریداری شده در سال ۱۳۸۲
۹۳۳	طوطی های آرا
۹۳۵	توکان
۹۳۵	کوکاتوی تاج زرد
۹۳۶	جوجه شتر مرغ
۹۳۶	مرغ و خروس لهستانی
۹۳۶	باغ غدیر
۹۳۶	تاریخچه باغ غدیر
۹۳۶	بناها
۹۳۷	بنای یادبود علامه امینی
۹۳۷	کتابخانه عمومی علامه امینی

۹۳۷	مجموعه ورزشی باغ غدیر
۹۳۷	خانه کودک و نوجوان
۹۳۷	مجموعه سر درب
۹۳۷	باغ گلها
۹۳۸	تاریخچه باغ گلها
۹۴۰	معرفی قسمتهای مختلف مجموعه باغ گلها
۹۴۰	پاویون ورودی
۹۴۰	باغ صخره ای
۹۴۰	آبشار باغ
۹۴۰	برکه
۹۴۰	محوطه مخصوص کودکان
۹۴۰	محوطه باغ
۹۴۱	باغ رز
۹۴۱	آمنی تئاتر روباز
۹۴۱	گلخانه
۹۴۱	زرده های اطراف باغ
۹۴۱	باغ گیاهانی دارویی و خوراکی
۹۴۱	باغ سوزنی برگها
۹۴۱	باغ گیاهان پیازی
۹۴۲	مجموعه گونه های زنبق
۹۴۲	مجموعه پرچینه منظور جداسازی و تفکیک قطعات مختلف از پرچینههای متفاوت با گونه مورت، انواع شمشاد، و زرشک استفاده گردیده که طول عملیات اجرایی در این بخش به ۱۵۴۰ متر بالغ می گردد.
۹۴۲	مجموعه گونه های داوودی
۹۴۲	آب نما
۹۴۲	مشخصات فنی باغ گلها
۹۴۴	باغ فدک
۹۴۴	تاریخچه
۹۴۵	زاینده رود و مادیهای آن
۹۴۵	خلاصه
۹۴۵	زاینده رود
۹۵۲	پلهای احداث شده بر روی زاینده رود
۹۵۹	چشمه های اصفهان
۹۶۳	کوه صفه

۹۶۳	تاریخچه
۹۶۶	تحولات تاریخی کوهستان صفه
۹۶۶	تحولات تاریخی کوهستان صفه
۹۶۶	کوهستان صفه در دوران باستان
۹۶۶	کوهستان صفه در قرون میانه اسلامی
۹۶۹	کوهستان صفه در دوره صفویه
۹۷۰	کوهستان صفه در دوره حاضر
۹۷۱	منابع و جاذبه های گردشگری
۹۷۱	منابع و جاذبه های گردشگری
۹۷۱	منابع و جاذبه های طبیعی
۹۷۲	منابع و جاذبه های تاریخی فرهنگی
۹۷۲	منابع و جاذبه های ورزشی تفریحی
۹۷۲	منابع و جاذبه های علمی و آموزشی
۹۷۲	اشاره
۹۷۲	منابع و جاذبه های تفرج جمعی و پیک نیک
۹۷۳	آشنایی با نقاط دیدنی کوه صفه
۹۷۳	آشنایی با نقاط دیدنی کوه صفه
۹۷۳	قلعه شاهدز (قلعه دیو)
۹۷۶	چشمه پاچنار و تخت سلیمان
۹۷۸	چشمه درویش (خاچیک)
۹۷۹	چشمه چاه درویش
۹۷۹	چشمه گل زرد و دیوار آینه
۹۸۰	گردنه باد
۹۸۰	آبشار مصنوعی و دیواره سنگی آبگیر
۹۸۰	پوشش گیاهی و فضای سبز
۹۸۱	نازوان
۹۸۱	تاریخچه
۹۸۶	مادیها و انهار نازوان
۹۸۶	تاریخچه مادی های اصفهان
۹۸۷	موقعیت جغرافیایی مادی های اصفهان
۹۸۸	مشخصات مادیهای سطح شهر اصفهان
۹۸۹	مسائل و مشکلات انهار و مادی های سطح شهر اصفهان

۹۸۹ روشهای احیاء و بازسازی های مادی ها
۹۹۰ بازسازی و عمران انهار و مادی ها
۹۹۱ اهداف و راهبردها و اهمیت حفظ و بازسازی مادی ها در اصفهان
۹۹۳ واحد فضای سبز نازوان
۹۹۳ فضای سبز درختان نازوان
۹۹۶ اهداف مدیریت طرح ساماندهی نازوان و صفه
۹۹۹ عنوان پروژه های پارک طبیعی نازوان در سال ۱۳۸۳
۱۰۰۱ سوغات اصفهان
۱۰۰۱ گز اصفهان
۱۰۰۲ مراکز خدماتی رفاهی
۱۰۰۲ شهرداری ها
۱۰۰۲ تاریخچه شهرداری
۱۰۰۵ شهرداری مرکزی
۱۰۰۵ شهرداری های مناطق
۱۰۰۸ آژانس های مسافرتی
۱۰۰۸ بانک ها
۱۰۰۸ پمپ بنزین
۱۰۰۸ سینماها
۱۰۰۸ مراکز فرهنگی
۱۰۰۸ مراکز مذهبی
۱۰۰۹ مراکز آموزشی
۱۰۰۹ بیمارستان ها
۱۰۰۹ امین
۱۰۰۹ حجتییه
۱۰۰۹ دکتر غرضی
۱۰۰۹ مهرگان
۱۰۰۹ احمدیه
۱۰۱۰ اصفهان کلینیک
۱۰۱۰ الزهرا
۱۰۱۰ امام خمینی جرقویه
۱۰۱۰ امام موسی کاظم
۱۰۱۰ امیرالمومنین (ع)

- بهارستان ۱۰۱۱
- جرجانی ۱۰۱۱
- حضرت زهرا (س) ۱۰۱۱
- حضرت سیدالشهدا علیه السلام ۱۰۱۱
- دکتر علی شریعتی ۱۰۱۱
- دکتر چمران ۱۰۱۲
- سپاهان ۱۰۱۲
- سعدی ۱۰۱۲
- سینا ۱۰۱۲
- شهید بهشتی ۱۰۱۲
- عسگریه ۱۰۱۲
- عیسی بن مریم ۱۰۱۲
- فارابی ۱۰۱۲
- فیض ۱۰۱۲
- کاشانی ۱۰۱۲
- نور و علی اصغر ۱۰۱۴
- داروخانه ها ۱۰۱۴
- داروخانه های نیم وقت ۱۰۱۴
- داروخانه های شبانه روزی ۱۰۱۷
- دارالشفاءها و درمانگاه ها ۱۰۱۷
- حضرت زهراى مرضیه (س) ۱۰۱۷
- شهدای مسجد الرسول ۱۰۱۸
- خیریه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ۱۰۱۸
- فرهنگیان ۱۰۱۸
- آتیه دستگرد ۱۰۱۸
- سیدالشهداء ۱۰۱۸
- بعثت (صنایع دفاع) ۱۰۱۸
- فاطمیه (س) ۱۰۱۸
- انجمن مددکاری امام زمان علیه السلام ۱۰۱۸
- نیروی انتظامی ۱۰۱۸
- امام جعفر صادق علیه السلام ۱۰۱۸
- خیریه رضوی نیا سپاهان ۱۰۱۹

- حضرت ابوالفضل علیه السلام ۱۰۱۹
- امید ۱۰۱۹
- خیریه سالار شهدا بسیجیان ۱۰۱۹
- ثامن الاثمه علیه السلام ۱۰۱۹
- جوادلانمه علیه السلام ۱۰۱۹
- پردیس ۱۰۱۹
- دانشگاه صنعتی ۱۰۱۹
- فولاد مبارکه ۱۰۱۹
- آریا ۱۰۱۹
- جی-شرکت نسیم سلامت سپاهان ۱۰۱۹
- درمانگران پاسارگاد ۱۰۲۰
- ورزشگاه ها ۱۰۲۰
- استخرها ۱۰۲۱
- ترمینال های مسافری ۱۰۲۱
- ترمینال زاینده رود ۱۰۲۱
- ترمینال صفه ۱۰۲۱
- فرودگاه ۱۰۲۱
- نمایندگی های خودرو ۱۰۲۱
- آتش نشانی ۱۰۲۲
- ادارات دولتی ۱۰۲۲
- ادارات خصوصی ۱۰۲۲
- هتل ها ۱۰۲۲
- مهمانپذیر ها ۱۰۲۲
- مسافرخانه ها ۱۰۲۲
- کتابخانه ها ۱۰۲۲
- صنایع دستی ۱۰۲۳
- گلدوزی پرچمهای مذهبی ۱۰۲۳
- موزه ها ۱۰۲۳
- موزه چهلستون ۱۰۲۳
- ارتباط با موزه ۱۰۲۳
- تاریخچه ۱۰۲۴
- معرفی مجموعه ها ۱۰۲۵

۱۰۲۵	برنامه های جانبی
۱۰۲۵	برخی از فعالیتهای انجام شده
۱۰۲۵	موزه آموزش و پرورش
۱۰۲۶	ارتباط با موزه
۱۰۲۶	تاریخچه
۱۰۲۶	هدف از تاسیس
۱۰۲۶	معرفی زیر مجموعه ها
۱۰۳۰	موزه هنرهای معاصر
۱۰۳۰	ارتباط با موزه
۱۰۳۰	تاریخچه
۱۰۳۰	اهداف موزه
۱۰۳۰	عمده فعالیتهای موزه
۱۰۳۱	موزه هنرهای تزئینی
۱۰۳۱	ارتباط با موزه
۱۰۳۱	ارائه تسهیلات به گروهها
۱۰۳۲	تاریخچه
۱۰۳۳	بخشهای هفت گانه موزه
۱۰۳۷	ویژگی خاص
۱۰۳۷	کتابخانه تخصصی موزه
۱۰۳۷	برنامه های جانبی
۱۰۳۷	برخی از نمایشگاه های برگزار شده
۱۰۳۹	موزه شهدا
۱۰۳۹	ارتباط با موزه
۱۰۳۹	تاریخچه
۱۰۳۹	معرفی مجموعه ها
۱۰۳۹	وظایف موزه
۱۰۳۹	موزه تاریخی طبیعی
۱۰۴۰	ارتباط با موزه
۱۰۴۰	تاریخچه
۱۰۴۱	اهداف و برنامه های آتی
۱۰۴۱	معرفی مجموعه ها
۱۰۴۲	موزه علوم و فنون آموزش و پرورش

۱۰۴۳	ارتباط با موزه
۱۰۴۳	مقدمه
۱۰۴۴	اهداف موزه علوم و فنون
۱۰۴۴	«بخش ها و محتوای علمی موزه»
۱۰۴۵	موزه کلیسای وانک
۱۰۴۵	ارتباط با موزه
۱۰۴۵	ارائه تسهیلات به گروهها
۱۰۴۵	تاریخچه
۱۰۴۵	تقویت موزه از دیدگاه مدیر موزه وانک
۱۰۴۶	نمایشگاه اداری
۱۰۴۶	اطلاعات آماری
۱۰۴۶	ویژگی خاص
۱۰۴۶	نمایشگاه نصف جهان
۱۰۴۶	معرفی
۱۰۵۰	مشاغل
۱۰۵۰	رستوران ها
۱۰۵۰	کافی شاپ ها
۱۰۵۰	کارخانجات
۱۰۵۰	کلینک های خصوصی
۱۰۵۰	استخر ها
۱۰۵۰	ورزشگاه ها
۱۰۵۰	طلا فروشی ها
۱۰۵۱	شیرآلات
۱۰۵۱	ماشین آلات
۱۰۵۱	رایانه
۱۰۵۱	مبلمان
۱۰۵۱	صنایع چوبی
۱۰۵۱	موبایل
۱۰۵۱	املاک
۱۰۵۱	صنایع سنگ
۱۰۵۲	لوازم خانگی
۱۰۵۲	صنایع چاپ

۱۰۵۲	صنایع ساختمان
۱۰۵۲	پارکینگ ها
۱۰۵۲	تاکسی ها
۱۰۵۲	صنایع فیزی
۱۰۵۲	فرش
۱۰۵۲	پست بانک ها
۱۰۵۲	دفاتر خدمات ارتباطی
۱۰۵۲	خواهر خوانده های اصفهان
۱۰۵۲	لیست اسامی
۱۰۵۴	شیان - چین
۱۰۵۶	کوالالامپور - مالزی
۱۰۵۷	فرایبورگ - آلمان
۱۰۶۴	فلورانس - ایتالیا
۱۰۶۶	یاش - رومانی
۱۰۶۶	بارسلون - اسپانیا
۱۰۶۸	ایروان - ارمنستان
۱۰۶۸	کویت - کویت
۱۰۶۸	هاوانا - کوبا
۱۰۷۳	سن پترزبورگ - روسیه
۱۰۷۶	متروی اصفهان در آینده
۱۰۷۶	اهداف
۱۰۷۶	شهرستانهای استان اصفهان
۱۰۷۶	شهر تاریخی کاشان
۱۰۷۶	تاریخچه
۱۰۷۷	مراکز تاریخی و باستانی
۱۰۷۷	خانه بروجردی ها
۱۰۷۷	آرامگاه سهراب سپهری
۱۰۷۷	آرامگاه بابا افضل کاشانی
۱۰۷۷	آرامگاه محتشم کاشانی
۱۰۷۸	آرامگاه فیض کاشانی
۱۰۷۸	مدرسه آقا بزرگ کاشان
۱۰۷۸	باغ و کاخ تاریخی فین

۱۰۷۸	تپه های سیلک
۱۰۷۹	حمام عبدالرزاق خان
۱۰۷۹	حمام مجموعه اردهال
۱۰۷۹	کاروان سرای سن کاشان
۱۰۷۹	کاروان سرای مرتجاب
۱۰۷۹	جاذبه های طبیعی
۱۰۷۹	آب سرخ فریز هند
۱۰۸۰	غار نیاسر کاشان
۱۰۸۱	اماکن زیارتی و مذهبی
۱۰۸۱	مسجد میرعماد
۱۰۸۱	امام زاده حبیب بن موسی
۱۰۸۱	امامزاده شاهزاده عیسی و یحیی
۱۰۸۱	بقعه ابولؤلؤ (بابا شجاع الدین)
۱۰۸۱	شهر تاریخی نیاسر
۱۰۸۱	تاریخچه
۱۰۸۳	چشمه اسکندریه و آبشار نیاسر
۱۰۸۴	چارتاقی
۱۰۸۴	قبرستان پای چارتاقی
۱۰۸۴	مسجد امام حسن عسگری علیه السلام
۱۰۸۴	چنار تالار
۱۰۸۴	مقسم تالار
۱۰۸۵	باغ تالار و عمارت کوشک
۱۰۸۶	غار ریسی
۱۰۸۶	زیارت حاج کمال و مزار همجوار آن
۱۰۸۶	آسیاب آبی، حمام صفوی و زیارت پنج امامزاده
۱۰۸۷	چارتاقی
۱۰۸۷	غار ریسی
۱۰۹۲	مسجد امام حسن عسگری علیه السلام
۱۰۹۹	شهر تاریخی ابیانه
۱۰۹۹	تاریخچه
۱۱۰۱	شهر تاریخی نائین
۱۱۰۱	تاریخچه

- ۱۱۰۲ - مراکز تاریخی و باستانی
- ۱۱۰۲ - نارتج یا نارین قلعه
- ۱۱۰۲ - قلعه رستم بافران
- ۱۱۰۲ - قلعه مخروبه نیستانک
- ۱۱۰۲ - شهر تاریخی اردستان
- ۱۱۰۲ - تاریخچه
- ۱۱۰۳ - وجه تسمیه اردستان
- ۱۱۰۴ - محلات اردستان
- ۱۱۰۴ - اماکن شهر
- ۱۱۰۴ - شخصیت های برجسته
- ۱۱۰۹ - شهر تاریخی زواره
- ۱۱۰۹ - تاریخچه
- ۱۱۱۰ - شهرستان سمیرم
- ۱۱۱۰ - تاریخچه
- ۱۱۱۱ - روستای آب ملخ
- ۱۱۱۱ - تاریخچه
- ۱۱۱۲ - شهرستان گلپایگان
- ۱۱۱۲ - تاریخچه
- ۱۱۱۶ - مسابقه
- ۱۱۱۶ - سوالات
- ۱۱۱۹ - طریقه ارسال
- ۱۱۱۹ - تاریخ قرعه کشی
- ۱۱۲۰ - درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: اصفهان در یک نگاه (گردآوری در سال ۱۳۸۷) / تهیه کننده: حسین غزالی اصفهانی

مشخصات نشر: اصفهان؛ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: اماکن -- تاریخی

موضوع: شیعه -- معماری

موضوع: اماکن تاریخی

موقعیت جغرافیایی اصفهان

تاریخچه

استان اصفهان با مساحت ۱۰۶۱۷۹ کیلومتر مربع، حدود ۲۵ / ۶ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. این استان بین ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی در ایران مرکزی قرار دارد، در حالی که شهر اصفهان با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی بعد از تهران و مشهد سومین شهر بزرگ ایران است. استان اصفهان با استانهای دهگانه همسایگی دارد، از شمال به استانهای مرکزی و سمنان، از جنوب به استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد از مشرق با استانهای یزد و خراسان و از مغرب به استانهای خوزستان و چهارمحال و بختیاری و لرستان محدود می شود از نظر وسعت، استان اصفهان بعد از استانهای خراسان، کرمان، سیستان و بلوچستان و فارس حائز مقام پنجم است. استان اصفهان از نقطه نظر تقسیمات کشوری پیوسته در حال تغییر و تحول بوده است به طوری که از سال ۱۳۱۶ که تاریخ قانونی شدن تقسیمات کشوری است، به عنوان استان دهم و از دو شهرستان اصفهان و یزد تشکیل شده بود. در طول این مدت، تغییرات متعددی در تقسیم بندیهای کشوری به وجود آمده است. چنانچه بر

اساس آخرین تقسیمات کشوری استان اصفهان در سال ۱۳۷۵ به ۱۸ شهرستان تقسیم شده که شامل ۶۷ شهر و ۳۸ بخش و ۱۱۷ دهستان است. که تعداد بخشها، دهستانها و شهرهای موجود در هر یک از شهرستانهای استان در سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۵ را مشاهده می کنیم. جدول ذیل بیان کننده این واقعیت است که واحدهای اداری این استان و حتی وسعت آن در حال تغییر است و یا پیوسته بر تعداد شهرهای استان اضافه می شود یعنی در خلال سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵، ده شهر به شهرهای استان اضافه شده است.

سال ۱۳۷۲ تعداد شهرستان ۱۷ تعداد بخش ۳۶ تعداد دهستان ۱۱۶ تعداد شهر ۵۷ تعداد آبادی دارای سکنه ۲۳۴۹ مساحت به کیلومتر مربع ۱۰۶۱۷۹۵

سال ۱۳۷۵ تعداد شهرستان ۱۸ تعداد بخش ۳۸ تعداد دهستان ۱۱۷ تعداد شهر ۶۷ تعداد آبادی دارای سکنه ۲۳۴۹ مساحت به کیلومتر مربع ۱۰۷۰۰۳۶

سال ۱۳۸۵ تعداد شهرستان ۲۱ تعداد بخش ۴۴ تعداد دهستان ۱۲۲ تعداد شهر ۹۲ تعداد آبادی دارای سکنه ۲۳۴۹ مساحت به کیلومتر مربع ۱۰۷۰۴۴۳

جدول فوق بیان کننده این واقعیت است که واحدهای اداری این استان و حتی وسعت آن در حال تغییر است و یا پیوسته بر تعداد شهرهای استان اضافه می شود یعنی در خلال سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵، ده شهر به شهرهای استان اضافه شده است. شهر تاریخی اصفهان مرکز استان اصفهان است و اکنون دارای مقام سوم از نظر جمعیت در سطح کشور می باشد. فاصله اصفهان تا تهران ۴۲۵ کیلومتر است و در جنوب آن قرار دارد. ای شهر به دلیل موقع جغرافیایی بسیار مناسب که در قلب فلات ایران قرار دارد. پیوسته مورد توجه سلاطین و مدیران مملکتی بوده است. اصفهان از سطح عمومی دریاها حدود ۱۵۸۰ متر

ارتفاع دارد و در شرق سلسله جبال زاگرس واقع شده است. این شهر در چهارراه شمالی-جنوبی و شرقی-غربی کشور قرار دارد و در طی تاریخ محل رفت و آمد و برخورد اقوام و فرهنگهای مختلف بوده است. منطقه بزرگ اصفهان در قسمت شمالی و شرقی به کویر محدود می گردد و قسمت غربی و جنوبی آن به ارتفاعات زاگرس منتهی می شود. علت وجودی و پیرایش این شهر را باید مدیون آبهای دانست که از کوههای زاگرس مرتفع به نام زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و زاینده رود را به وجود آورده و در نتیجه شهر زیبای اصفهان در دو طرف زاینده رود قرار گرفته است. شهر اصفهان بر روی دشتی نسبتاً "صاف با شیبی حدود ۲ درصد و به طرف شمال شرقی بنا گردیده است توسعه ی شهر در طی قرون متمادی به سمت جنوب غربی بوده، زیرا در این منطقه آب فراوانتر و آلودگی نیز کمتر است. استرابون (معروف آلمانی می گوید: "نام اصفهان در ابتدا (انزان) بوده و سپس به (گایان) تبدیل یافته و از دوره هخامنشیان به بعد به (گی) و بعدها به (جی) تبدیل شده است. با مراجعه به منابع و دلائل موجود تاریخی چنین بر می آید که کلمه (آسپادان) به طلیموس و (سپاهان) پهلوی و اصفهان عرب و اصفهان امروز یک لفظ قدیمی است و به احتمال قریب به یقین اساساً "کلمه پهلوی است و ریشه قدیمتر از پهلوی آن مکشوف نیست. هنگام تصرف اصفهان به دست قوای مهاجم عرب این شهر (جی) نامیده می شده و یا جی یکی از روستاهای بسیار معروف و معتبر شهر بوده که در آبادی به پای شهر می رسیده است. یاقوت حموی

اصفهان را شهر سواران نامیده و حمزه اصفهانی کلمه اصفهان یا اسپاهان را مشتق از سپاه می داند. در کتاب (تقویم البلدان) از ابن حوقل نقل شده است که اصفهان در آخر کوهستان است از جهت جنوب و پرنعمت ترین شهرها است. معدن سرمه دارد. از اصفهان بعد به کاشان و قم می رسند اصل آن (سپاهان) است به معنی لشگرها زیرا که سپاه عجم در وقت بیکاری آنجا جمع بودند.

اصفهان در گذر زمان

اصفهان در دوره مرداویج زیاری

اصفهان در دوره مرداویج زیاری

اصفهان تا ابتدای قرن چهارم هجری در تحت سلطه خلفا باقی بود. در سال ۳۱۹ هجری مرداویج یا (مرداویز) پسر زیار که تابع حکمرانان علوی مازندران بوده و بعد علم طغیان برافراشته و خود را مستقل خوانده بود فرمانروای ری گردید و پس از زد و خوردهایی که با ماکان کاکی سردار دیلمی نمود طبرستان را ضمیمه قلمرو خود کرد و سه پسر بویه ماهیگیر به نام علی و حسن و احمد که در لشکر ماکان خدمت می کردند از این زمان به خدمت مرداویج درآمدند. مرداویج حکومت کرج را به علی داد و در همان سال یعنی ۳۱۹ هجری جبال را فتح نمود بنابراین اصفهان نیز از ایالات جبال بود ضمیمه قلمرو او گردید خلیفه عباسی المقتدر حکومت وی را بر نواحی فتح شده به این شرط پذیرفت که مرداویج اصفهان را تخلیه نماید ولی کمی بعد خلیفه به قتل رسید و مرداویج اصفهان را در قلمرو خویش نگاهداشت. در سال ۳۲۲ هجری خلیفه عباسی القاهر باله مرداویج را به شرط اینکه اصفهان را ترک گوید بر سر کار خویش باقی گذاشت و مرداویج امر خلیفه را اطاعت نموده به برادرش (وشمگیر) حاکم اصفهان فرمان داد شهر را به فرستاده

خلیفه واگذار کرد لکن در همین ایام القاهره‌باله از خلافت افتاد و مرداویج بار دیگر اصفهان را در قلمرو خود نگاهداشت. مرداویج قصد داشت ایران را از استیلای تازیان پاک کند و دوباره دستگاه شاهنشاهی ساسانیان را به جای خلافت خلفای بغداد در کنار دجله بگسترده. شکوه و هیبت او را، در دوره های اسلامی هیچیک از کشورگشایان ایران نداشتند.

کاخهای پذیرایی مرداویج در اصفهان

مرداویج پس از تسخیر همدان شهر (دینور) را که در بیست فرسنگی شمال همدان در کنار رودی به همین نام است فتح کرد و سپس چند تن از سران سپاه خود را با قسمتی از لشگریان خویش به اصفهان فرستاد. آنها چون به اصفهان رسیدند کاخهایی را که احمد پسر (ابودلف) در آن شهر ساخته و زیباترین ساختمان اصفهان بود برای پذیرایی مرداویج تعمیر و آماده کردند. ابودلف و پسرش احراز کارگزاران معروف دربار بغداد در نواحی مرکزی ایران بودند و در اصفهان سراهای بسیار زیبا ساخته بودند که مهمترین ساختمانهای شهر به شمار می رفت و چون چندی متروک مانده بود حاجت به تعمیر داشت و این کاخها را به اینگونه تعمیر کردند تا مرداویج در بازگشت به اصفهان سرای شاهانه ای در اختیار داشته باشد.

همین که تعمیر کاخها به پایان رسید و گرداگرد آنها بستانهای زیبا فراهم شد مرداویج با چهل تا پنجاه هزار سپاهیان خود از همدان به راه افتاد و به اصفهان رسید و در آن کاخها جای گرفت و لشگریان وی در شهر پراکنده شدند. در سال ۳۲۳ مرداویز وسیله فراهم می کرد که به سوی بغداد رود و تاج و تخت خلفای تازی را براندازد و خود به جای شاهنشاهان ساسانی در

بغداد به تخت بنشیند و قصد او آن بود که زمستان آن سال بگذرد و پس از آن به این سفر شگفت آغاز کند. وی پی در پی دستور می فرستاد که هر چه زودتر طاق کسری و ایوان مدائن یعنی کاخ معروف شاهنشاهان ساسانی را در تیسفون تعمیر کنند و آن را به صورتیکه در زمان ساسانیان داشته است برگردانند تا چون بغداد را بگیرد و خلیفه را براندازد در زیر آن طاق مانند شاهان ساسانی بر تخت بنشیند. ولی غافل از آنکه خلیفه بیگانه الراضی باله و ناجوانمردانی که گرد او را گرفته و به طفیل او شکم و کیسه می انباشتند. سرانجام به حيله و خیانت نخواهد گذاشت وی مقصود خود را عملی کرده و بهار آن سال را به چشم بیند مرداويز روز ۱۳ بهمن سال ۳۲۳ در گرمابه به دنبال توطئه ای که به وسیله سران و غلامان ترک او ترتیب داده شده بود به قتل رسید.

اصفهان در دوره دیالمه

اصفهان در دوره دیالمه

پس از قتل مرداويز علی پسر بويه ملقب به عمادالدوله برادر خود حسن معروف به رکن الدوله را به تسخیر اصفهان فرستاد و حسن پس از فتح اصفهان عازم تسخیر همدان و ری و قزوین و قم و کاشان شد. اما در سال ۳۲۷ وشمگیر زیاری اصفهان را از دست حسن بن بويه گرفت و حسن به اصطرخر گریخت امیر زیاری سپس به فتح قلعه الموت نیز نائل آمد و قدرت و شوکتش بالا گرفت و چون ماکان سردار معروف دیلمی که در حیات مرداويز به دربار امیرنصر سامانی پناه برده بود در سال ۳۲۸ امیرنصر را ترک گفتند و تحت امر وشمگیر درآمده و مأمور گرگان شده

بود و امیرنصر سردار معروف خود ابوعلی چغانی را به تسخیر گرگان فرستاده بود و وشمگیر مجبور شده بود قسمت عمده سپاهیان خود را برای جنگ با ابوعلی به کمک ماکان بفرستند حسن پسر بویه و برادرش علی از فرصت استفاده کرده مجدداً اصفهان را در اختیار خود آوردند و جمعی از سران سپاهی وشمگیر را دستگیر نمودند.. اصفهان از این زمان به بعد قلمرو آل بویه گردید و حسن رکن الدوله در بسط و توسعه آن کوشید گفته اند روزیکه قمر در برج قوس بود رکن الدوله دستور داد ساختمان باروئی را به دو شهر آغاز کنند.

دور این بار و ۲۱ هزار گام بوده است. تا چند سال قبل آثاری از باروی فربور و خندق اطراف آن در بیرون دروازه طوقچی تا دروازه جویباره و پایین دروازه باقی بوده است.. در اواخر سال ۳۶۵ رکن الدوله که عمرش نزدیک به هفتاد رسیده بود مریض شد و در اصفهان در ضیافت بزرگی که سه پسر او و سران سپاهی دیلم جمع آمده بودند ابوشجاع پناه خسرو عضدالدوله را به ولیعهد و وارث ملک خویش معرفی نمود و همدان و ری و قزوین و نواحی مجاور آنها را به پسر دیگر خود ابوالحسن علی فخرالدوله و اصفهان را به پسر سوم خود ابومنصور بویه (مؤیدالدوله) وا گذاشت و به فرزندان دوم و سوم خود توصیه نمود که از اطاعت عنصرالدوله خارج نشوند. سپس از اصفهان به ری برگشت و در آنجا در محرم ۳۶۶ درگذشت.. با راه یافتن صاحب اسماعیل بن عباد در دستگاه حکومت مؤیدالدوله و فخرالدوله و وزارت این دو امیر دیلمی اصفهان شهر وسیعی شد. صاحب بن عباد که از منشیان و بلغای بسیار معروف

زبان عربی است (۳۲۶-۳۸۵) مردی کریم و فضل دوست و بخشنده و نسبت به شعرا و بذال و شوق بوده و در ری و اصفهان همه وقت در گرد او جمع کثیری از اهل علم و بحث و شعر و ادبی می زیسته و به نام او شعر می گفته و کتاب می نوشته اند.

اصفهان در اواخر دوره دیالمه "دوره حکمرانان کاکوی"

دو سال بعد از فوت صاحب بن عباد فخرالدوله نیز وفات یافت و چون پسران او به حد رشد رسیده بودند زوجه اش سیده خاتون دختر اسپهبد رستم بن مرزبان متصدی امور مملکت شد و او پسر چهار ساله خود ابوطالب رستم را با لقب مجدالدوله نامزد امارت ری و جانشینی شوهر کرد و همدان و کرمانشاه را هم به پسر دیگر خود ابوطاهر شمس الدوله سپرد.

و حکومت اصفهان را به پسر خال خود که ابوجعفر محمد بن دشمنزیار نام داشت به لقب "علاء الدوله" ملقب گردید و گذاشت. حکمرانان کاکوی شهر اصفهان را وسعت دادند، علاء الدوله کاکویه حصار شهر را که طول آن بیش از پانزده هزار گام بود ساخته و شهر در این موقع دوازده دروازه بزرگ داشت که از مفرغ مستور بود و از جمله مفاخر و زینت داخلی شهر هزار کوشک و سرای بوده است و کاروانسراهای عالی و مساجد خوب داشته. هر روز دو هزار گوسفند و صد رأس گاو ذبح می شده و در محله "کروآن" پنجاه مسجد بوده است. یکی از محلات امروز اصفهان به نام "پشت بارو" معروف است که به محله بیدآباد از محلات قدیمی و پر جمعیت اصفهان اتصال دارد و چنانکه از اسم آن معلوم می شود این قسمت حد خارج باروی علاء الدوله می باشد. محلات دیگری که در خارج

از این بارو واقع می شده اند به ترتیبی که "مافروخی" در محاسن اصفهان آورده است عبارت بودند از: کی آن-برآن-سنبلان-خرچان-فرسان-باغ عبدالعزیز-کروآن-اشکهان-لنجان-ویدآباد. شیخ الرئیس ابوعلی سینا فیلسوف شهیر ایرانی چندی وزارت علاءالدوله را به عهده داشته است و در ضمن اشتغال به شغل وزارت تدریس هم می کرده، قبه مدرس ابن سینا در باب الدشت "در دشت امروز" هنوز باقی است و مردم آن حدود آن را به نام "علی سینا" می خوانند.

اصفهان در عهد غزنویان

در سال ۴۲۰ هجری مجدالدوله دیلمی که از شر لشگریان خویش ایمن نبود به سلطان محمود غزنوی متوسل شد و محمود که منتظر چنین فرصتی بود. علی حاجب را به ری فرستاد و دستور داد که مجدالدوله را دستگیر نماید سپس خود او نیز در ربیع الاخر سال ۴۲۰ به ری رسید و قریب یک میلیون دینار وجه نقد و پانصد هزار دینار جواهرات مجدالدوله را تصرف خود گرفت. حکومت اصفهان در این تاریخ با علاءالدوله کاکویه بود و او چون دید که محمود به ری و قزوین دست یافته و به ممالک او هم نظر داد، پیشدستی نمود و در اصفهان به نام سلطان محمود غزنوی خطبه خواند. محمود هم معترض او نشد و علاءالدوله همچنان در حکومت ولایت خود باقی ماند. پس از مراجعت محمود پسرش مسعود به اصفهان حمله برد و آنجا را از دست علاءالدوله بیرون آورد و از جانب خود کسی را به حکومت اصفهان گماشت و به ری برگشت، اما مردم اصفهان برگماشته مسعود شوریدند و او را کشتند و مسعود بار دیگر از ری به اصفهان آمد و به کشتار مردم اصفهان دست زد و قریب به پنجاه هزار نفر از مردم را

کشت و مجددا شهر را تحت امر خود درآورد و علاء الدوله فراری و متواری شد. در این حمله اصفهان غارت شده و بسیاری از عمارات آن نیز خراب گردیده است.

اصفهان در دوران پادشاهان سلجوقی

در سال ۴۳۸ طغرل مؤسس دولت سلجوقی به عزم تسخیر اصفهان شهر را در محاصره گرفت اما قادر به گشودن آنجا نشد و ابومنصور فرامرز کاکویه بنیره علاء الدوله در مقابل سلطان سلجوقی سخت پایداری کرد عاقبت طغرل خطبه بخواند و از سر فتح اصفهان گذشت.

طغرل بار دیگر در محرم سال ۴۴۲ اصفهان را محاصره کرد و کسال تمال شهر را محصور نمود و مردم را در زحمت شدید انداخت عاقبت در سال ۴۴۳ "محرم" به تسخیر اصفهان نایل آمده دولت دیالمه کاکویه را از این شهر برانداخت و ابومنصور فرامرز را از جانب خود به حکومت یزد و ابرقو فرستاد. ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ هجری) شاعر و جهانگرد و معروف ایران در قرن پنجم هجری که مقارن این ایام اصفهان را دیده است می گوید: من در همه ی زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامع تر و آبادان تر از اصفهان ندیدم طغرل مؤسس دولت سلجوقی از شوال ۴۲۹ تا رمضان ۴۵۵ قریب ۲۶ سال سلطنت کرد و در سن ۷۰ سالگی در ری وفات نمود و وزارت خواجه نظام الملک مورد توجه پادشاه و وزیر او بود...

اصفهان در دوره ملکشاه

ملشکاه به هر جهت بزرگترین سلاطین سلجوقی استاد و دولت سلجوقیان در عهد او به منتهای وسعت و عظمت خود رسیده است. چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال دریاچه خوارزم و دشت قبیچاق تا ماوراء یمن به نام او خطبه می خوانند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان به او خراج و جیزه می دادند و اصفهان در عهد او و خواجه نظام الملک از مهمترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بوده و این پادشاه و وزیر و عمال

و اعیان دیگر سلجوقی به ساختن ابنیه های بزرگ پرداختند که هنوز تعدادی از آنها برجاست. ملکشاه بعد از پدر خود الب ارسلان رسماً "اصفهان را به پایتختی خویش انتخاب نمود و عمارت‌های بسیار از کوشکها و باغها به دستور او به وجود آمد. مانند: باغ کاران، باغ فلاسان و باغ احمد سیاه، باغ بکر، قلعه شهر و دز کوه، مهمت‌ترین این باغها "باغ کاران" بوده است که دو قصر داشته یکی مشرف بر زاینده رود و دیگری به طرف میدان شهر و بین آنها قلعه ها و عمارات قرار داشته است.

می گویند محله خواجوی امروز قسمتی از باغ کاران دوره ملکشاه سلجوقی است. باغ کاران تا قرن هشتم هجری نیز شهرت دوره سلجوقی بوده است. زیرا در سال ۷۲۴ به وسیله استاد سطرالدین هروی در "نسخه فردوس اعلی اصفهان است اصفهان" قصیده ای در وصف اصفهان چنین یاد می کند: هر که را بیتی همه لطف است و احسان و کرم هر کجا باشی همه آب است و باغ و بوستان آب حیوان است گویی پیش بستان ارم زنده رود او که دارد باغ کران بر کران "و حافظ از اصفهان چنین یاد می کند": گرچه صد رود است در چشم مدام زنده رود و باغ کاران یاد باد از مهمت‌ترین آثار دوره ملکشاه سلجوقی یکی گنبد خواجه نظام الملک است و دیگری گنبد تاج الملک که در مسجد جامع اصفهان می باشد گنبد خواجه نظام الملک در طرف جنوب اصفهان و تاج الملک در شمال مسجد که هر دو گنبد به شیوه ساختمان آتشکده ها بنا شده است. و کلاً "مهمت‌ترین بنای تاریخی ایران از دوره سلاجقه با اضافات و الحاقات سلسه های بعد از سلاجقه تا

عصر حاضر، مجموعه ای از سبکهای مختلف معماری و تزئینی چهارده قرن تاریخ اسلامی ایرانی است "تحولات خطوط مختلف کوفی انواع خط ثلث، نستعلیق و خطوط فراوان بنایی را در الواح و کتیبه های این مسجد می توان مطالعه نمود." و مدرسه خواجه نظام الملک که این مدرسه در محله دردشت و نزدیک به مسجد جامع بوده است ولی امروزه وجود ندارد.

ادیان در اصفهان

ادیان

اصفهان همواره محل زندگی ملیتهای گوناگون و مذاهب و دینهای مختلف به شمار می آمده و در مهاجرت های معتقدان دینهای گوناگون نیز جزو شهرهای بزرگ مهاجرپذیر بوده است. بیش از دو هزار و پانصد سال قبل کوروش شاهنشاه هخامنشی با اتخاذ روش و سیاست مدارا در برابر ملت های مختلف و باورهای گوناگون آنها، یهودیان را که به دست بخت النصر (نبوکد نصر) اسیر شده و در بین النهرین به اجبار اسکان داده شده بودند رهایی داد که بخشی از آنان به سرزمین خود بازگشته و عده ای وارد ایران شده و بیشتر آنها در اصفهان اقامت گزیدند. بعدها با ورود اسلام به ایران و قبول آن دین از سوی ایرانیان، در اصفهان نیز معتقدین به اسلام، مسیحیت، یهودیت و پیروان دین زرتشت، در کنار هم می زیستند.

در قرنهای بعد، با پدید آمدن فرقه های مذهبی مختلف در اسلام، اصفهان باز هم محل زندگی فرقه های مذهبی مختلف و متعدد اسلامی بود. در گوشه ای از آن شافعیان، در گوشه ای دیگر حنفیان، در یک قسمت شیعیان و در بخشهایی نیز پیروان مسیح و موسی و زرتشت زندگی می کردند. در عهد صفویان نیز هنگامی که شاه عباس اول، ارمنیان مسیحی را از جلفای ارمنستان به محلی در نزدیکی اصفهان کوچ داد، قوم جدیدی با

دین و فرقه های مذهبی ویژه خود در کنار اقوام و ادیان قبلی جای گرفتند. زیرا این مهاجران تازه نیز پیرو فرقه های مختلفی از دین مسیح بودند. بدین ترتیب اصفهان همواره زیستگاه دهها عقیده مذهبی و دینی بوده است. اما در اینجا تنها دینهای بزرگی که در این شهر بوده و هنوز باقی هستند، برشمرده می شوند.

دین اسلام

دین مردم اصفهان و اسلام

عمر، خلیفه دوم مسلمان متوجه شد یزدگرد پس از شکست نهند در گوشه و کنار ایران سفر کرده و به مخالفت می پردازد و در صدد است مقدمات جنگ مجددی را فراهم کند و به همین منظور وارد اصفهان شده است. عمر به عبدالله بن عثمان فرمان داد تا با قشونی به طرف اصفهان حرکت نماید. در این موقع اصفهان دارای نیروی عظیمی بود که تحت فرمان پادوسپان که عرب او را «فادوسفان» می نامید، اداره می شد. فرمانده قوای مدافع اصفهان نیز مردی سالخورده به نام «شهر برازجادی» بود. او سپاهی جمع آوری نمود و آماده نبرد شد و به رغم پیری و ناتوانی با عبدالله عثمان که مردی شجاع و مبارز بود به جنگ تن به تن پرداخت و کشته شد که سپاه او راه فرار پیش گرفتند.

به علت اینکه «شهر بُراز» سالخورده بود اعراب او را شیخ می خواندند، به همین مناسبت محل این جنگ «رستاق الشیخ» نامیده شد. پس از این شکست، جی که در مشرق اصفهان کنونی است و آن روز از مراکز پرجمعیت و آباد بوده، به محاصره دشمن درآمد. پادوسفان اصفهان که حکم شاه را داشت، از شهر خارج شد و به عبدالله پیغام فرستاد که بهتر آن است که از سپاه من و تو کسی

کشته نشود. تو شخصاً با من مبارزه کن. اگر مرا کشتی این سپاه تسلیم تو خواهد شد و اگر من تو را کشتم آن وقت من دانم و اعراب. عبدالله که مردی مبارز به شمار می آمد، این شرط را قبول کرد. در هنگام مبارزه و حمله اول فاذوسپان اصفهان، عبدالله از اسب به زمین افتاد ولی با سرعت و در کمال چالاکی باز بر اسب پرید و سوار شد. فاذوسپان هم به او گفت من دلیری تو را آزمودم و نخواستم تو را بکشم و گرنه می توانستم نیزه را به قلب تو فرو ببرم، ولی از کشتن تو دریغ دارم، ما آماده صلح هستیم. بدین گونه سپاه عرب بدون هیچ مانع و جنگ و جدالی وارد اصفهان شد و بدین ترتیب دین اسلام به اصفهان راه یافت.

شیعه در ایران

نویسنده

نویسنده: محمدحسین مظفر مترجم: سید محمدباقر حجتی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از آن که ایران را مسلمین فتح کردند مردم آن، پی در پی وارد اسلام شدند و هنوز فتح ایران به پایان نرسیده بود که به صورت یکی از اقطار اسلامی در آمد. ایران در آغاز اسلام آوردن مردم آن، بلکه حتی تا ایام خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تشیع آشنایی به هم نرسانده بود؛ زیرا تاریخ مطلبی را یاد نکرده که شرکت ایرانی ها در جنگ های سه گانه آن حضرت را برای ما بازگو سازد، با این که آن حضرت کارگزاران خود در ایران را به یاری خود طلبیده بود؛ چنان که تاریخ گویای آن نیست که ایرانی ها در زمان خلافت علی علیه السلام حبّ و ولای او را اظهار کرده باشند. در ایام نهضت و خلافت امام حسن علیه السلام که مدتش کوتاه بود اوضاع ایران را در رابطه با تشیع به همین منوال می بینیم؛ بلکه در تاریخ نیامده است که جز غلام ترک، هیچ یک از ایرانیان در روز عاشورا با امام حسین علیه السلام همراه بوده است. این غلام ترک صرفاً برای خدمت با آن حضرت همراه بوده و برای نصرت و یاری او در کربلا حضور نیافت، با این که ایرانی ها در آن زمان در حجاز و عراق به طور پراکنده حضور داشتند.

آغاز تشیع در ایران

آری، تشیع شانه به شانه با اسلام همگام بود و هر جا که اسلام وارد می شد تشیع در کنار آن بدانجا راه می یافت با این تفاوت که گاهی سیر و حرکت تشیع در پاره ای از سرزمین ها به کندی انجام می گرفت؛ چنان که

در ایران در ابتدا، کار چنین بوده است. تشیع در ایران بعد از قرن اول هجری در ایام امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) و همزمان با حکومت بنی امیه ظهور کرد. این دو امام، شیعیانی در ایران داشتند که از طریق مکاتبه مسائلی را با آن حضرت در میان می گذاشتند، و حقوق مالی خود را به سوی آن امامان می بردند و یا می فرستادند. نخستین مرکز ظهور تشیع در ایران را باید در خراسان جستجو کرد؛ یعنی تشیع طلوع خود را در ایران از خراسان آغاز نمود. خراسانی ها سنگ زیر بنای کاخ حکومت عباسی به شمار می روند، و پس از آن که بنی عباس بر بلاد اسلامی تسلط یافتند اکثر مردم خراسان پیرو آن ها بوده اند؛ زیرا تشیع در آغاز ظهورش صرفاً عبارت از دوستی علی و اهل البیت (علیهم السلام) بوده است و اعتقاد داشتند اهل البیت فقط بنی هاشم هستند، و فرقی میان علوی و عباسی نمی دیدند، و این فرق و تفاوت وقتی ظاهر شد و مردم فهمیدند که مقصود از اهل بیت «که خداوند پلیدی ها را از آن ها سترده، و آنان را پاک و پاکیزه ساخته است» و یکی از ثقلین به شمار می روند، و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور داد که به آن ها تمسک جویند و بر کشتی نجات آنان در آیند چه کسانی هستند، مدتی از حکومت بنی عباس گذشته بود؛ اما قبل از آن جز اهل بصیرت و عده ای از خواص شیعه نمی دانستند ولای اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟ و «اهل بیت» عبارت

از چه کسانی هستند. آری! در اینجا فرق آشکاری میان دو فرقه؛ یعنی پیروان بنی امیه و پیروان بنی هاشم وجود داشت. همه ایرانی‌ها پس از آن که از بنی امیه و والیان آن‌ها نیت‌ات سوء و شیوه و رفتارهای نکوهیده‌ای را مشاهده کردند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای از میان بردن چنان نیت و اعمال سوء از سراسر عالم و بیرون کشیدن و نابود ساختن ریشه‌های آن از پیکر جوامع بشری مبعوث گردید آری! همه ایرانی‌ها از آن پس، در خود، نسبت به بنی امیه احساس کینه می‌کردند، و نسبت به بنی هاشم ولا و محبتی را در دل خود داشته و دارند. نهضت ایرانی‌ها با رهبری یحیی بن زید فقط برای آن نبود که صرفاً حسینی علوی است؛ بلکه از آنجا ریشه می‌گرفت که وی یک فرد هاشمی است که با خاندان اموی رویاروی شده است. فقط عده‌قلیلی از بینش کافی برخوردار بودند و با یحیی بن زید به منظور حمایت از اهل البیت علیهم السلام و با شناخت کافی نسبت به آن‌ها همراهی می‌کردند؛ زیرا توده مردم ایران در چنان روزگاری اهل البیت (علیهم السلام) را درست نمی‌شناختند. تشیع با مفهوم خاص خود جز پس از آمدن امام رضا علیه السلام به ایران، ظهور نکرد و مأمون از حضور شیعیان نزد امام رضا علیه السلام و تجمع آن‌ها با آن حضرت ممانعت به عمل نمی‌آورد؛ بنابراین امکان دسترسی به آن امام و تجمع مردم با او، و مناظره علما با وی در فنون مختلف به دستور مأمون، و

محکوم و فلج شدن مناظره کنندگان و ظهور کرامات و مشاهده فضائل آن حضرت نظرهای اهل بصیرت را به شایستگی فزون تر و صلاحیت بیشتر آن حضرت برای احراز مقام خلافت جلب می نمود، و اذهان آن ها را متوجه این حقیقت می ساخت که آن حضرت و آبا و اجداد او سرچشمه علم نبوی و گنجوران وحی و امامان به حق می باشند. در ایام امام رضا علیه السلام بود که مشعل تشیع در قم برافراشته شد و این سرزمین، دوره مهمی را به خود دیده بود که در آن بزرگان و برجستگانی از علما و رُواتِ موثقی به سر می بردند. اقامت امام رضا علیه السلام در خراسان از دو سال تجاوز نکرد و علیرغم کوتاهی این مدت فضائل و کراماتی از آن حضرت به ظهور رسید که اعتقاد به امامت او در مردم بارور گردید. وقتی مأمون بر شناخت و اعتقاد مردم درباره فضائل ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام واقف گشت ترسید این حقیقت چهره بگشاید و یکباره با عمل انجام شده ای مواجه گردد و ببیند مردم پیرامون آن حضرت را گرفته و امامت او را اعلام نمایند؛ لذا درصدد برآمد آن امام را با حيله و نیرنگ مسموم سازد؛ و سرانجام به هدف خود؛ یعنی کشتن و از میان برداشتن آن حضرت دست یافت.

از همین دوره ها بود که تشیع حرکت و انتشار و رواج خود را آغاز کرد؛ لکن می دانیم که بنی عباس تا چه پایه در رویارویی، درگیری و جنگ با فرزندان علی علیه السلام و شیعیان آن ها موضع انتخاب کرده بودند. سیره

و راه و رسم بنی عباس با چنان موضع گیری احیاناً به صورت مانعی لغزنده و رکورد آفرینی بود که در سر راه تشیع نهاده می شد. حکومت ها و فرمانروایی هایی از شیعیان در سرزمین ایران پدید آمد که دست تشیع را برگرفته و بازو در بازوی او قرار داد، و ایران اساس استوار تشیع را بنیاد کرد و ارکان آن را بر سر پا ساخت. این حکومت ها و فرمانروایی ها که در ایران پدید آمدند عبارتند از امثال: امارت و فرمانروایی طاهریان، دولت علویان، سلطنت آل بویه، حکومت مغول ها و دیگران.

فرمانروایی طاهریان در هرات

مؤسس و پایه گذار این فرمانروایی و سرسلسله این خاندان (و آن که خاندان مذکور بدو منسوب است) طاهر بن حسین خزاعی می باشد که مأمون وی را به هرات و بلاد بزرگ آن، یعنی خراسان به سال ۲۰۵ ه. ق گمارد. و این سمت را وقتی به طاهر اعطا کرد که او به فتح بغداد و کشتن برادرش امین، موفق گردید و حکومت مأمون بر سرزمین های اسلامی استقرار یافت و او به پایتخت خلافت بنی عباس؛ یعنی بغداد بازگشت. از طاهریان عده ای عهده دار حکومت هرات بودند، و آن ها عبارتند از: طلحه، عبدالله (دو پسر طاهر)، طاهر بن عبدالله بن طاهر و محمد بن طاهر. در ایام حکومت محمد بن طاهر بود که فرمانروایی طاهریان رو به ضعف نهاد و یعقوب لیث صفار که با او نبرد آغاز کرده بود بر وی استیلا یافت و او و خانواده اش را دستگیر کرد و با دستگیری او حکومت طاهریان در سال ۲۵۹ ه. ق به پایان رسید.

پاره ای از نواحی هرات تحت حکومت عده ای از طاهریان قرار داشت از قبیل عبدالله بن طاهر بن عبدالله بن طاهر، سلیمان بن عبدالله و جز آن ها. ابن اثیر در حوادث سال ۲۵۰هـ. ق راجع به جنگ و نبردی که میان حسن بن زید علوی که در دیلم ظهور کرد و میان سلیمان بن عبدالله طاهری روی داد می نویسد: «وقتی میان آن ها جنگ در گرفت بعضی از فرماندهان حسن بن زید به سوی ساری، روی نهادند و بر آن در آمدند؛ وقتی سلیمان این خبر را شنید خود و همراهانش روی به هزیمت گذاشتند و خانواده و فرزندان و باروبنه و اموال خود را در ساری به جای نهادند، و حسن بن زید و یارانش بر همه این اموال و باروبنه و غیره دست یافتند». تا آنجا که می نویسد: سلیمان با اختیار و اراده و با میل و رغبت این هزیمت را پذیرا گشت؛ زیرا طاهریان همگی شیعی بوده اند. وقتی حسن بن زید به طبرستان آمد سلیمان طاهری از جنگ با او خودداری ورزید چون می دانست عبدالله از شیعیانی استوار در تشیع می باشد؛ و لذا سلیمان در این باره می گوید:

تُبْتُ خَيْلَ بَنِ زَيْدٍ أَقْبَلَتْ حِيناً

تُرِيدُنَا لِتَحْسِينِ الْأَمْرِينَا

يا قَوْمِ ان كَانَتْ الْاَنْبَاءُ صَادِقَةً فَالْوَيْلُ لِي وَ جَمِيعِ الطَّاهِرِيْنَ اَمَّا اَنَا فَاِذَا اصْطَفَتْ كَتَائِبُنَا اَكُوْنُ مِنْ بَنِيهِمْ رَأْسَ الْمُوَالِيْنَ فَالْعِيْذُ عِنْدَ رَسُوْلِ اللهِ مُنْبَسَطٌ اِذَا احْتَسَبْتُ دِمَاءَ الْفَاطِمِيْنَ ۱

کتب تاریخ سرشار از اخبار طاهریان می باشد و برجستگی آن ها در شهادت و دلاوری، بر کسی مخفی و نامعلوم نیست و تشیع به دنبال آن ها هر جا

که حرکت می کردند همراه و همگام بوده است.

دولت علویان

دولت علویان قسمت اول

الف حسن بن زید چهار تن از علویان بر دیلم حکومت راندند و حسن بن زید، اولین فرد از آن ها است که حکومت دیلم را به دست گرفتند. وی در ری می زیست و به دعوت مردم دیلم، بدان سو روی نهاد و مردم دیلم، کلابر (دشت)، چالوس و رویان به اتفاق هم، صلاح بر آن دیدند که با وی بیعت کنند؛ لذا همگی با او بیعت نمودند و کارگزاران «ابن اوس» را از این دیار بیرون راندند و برای جنگ با سلیمان بن عبدالله طاهری (به سوی ساری) روی نهادند، مردم جبال طبرستان مانند جبال سمنگان و قادشان و لیث بن قتاده و جماعتی از مردم دامنه این کوه ها به حسن بن زید پیوستند، آنگاه بر آمل استیلا یافت و جماعت یارانش پس از استیلا بر آمل رو به فزونی نهادند. میان حسن بن زید و طاهریان جنگ هایی روی داد که گاهی بر آن ها غلبه می کرد و احیاناً مغلوب آن ها واقع می شد. سپاهیان، گاهی بر طبرستان پیروز می شدند و احیاناً طبرستان را از دست آن ها می ربودند. سرانجام کار حسن بن زید بالا گرفته و اقتدار فراوانی در خود به هم رسانید تا بر ری و گرگان نیز پیروز شد ۲ وقتی فرمانروایی محمد بن طاهر طاهری رو به ضعف گذارد و یعقوب بن لیث صفار بر او غلبه کرد شوکت و اقتدار حسن بن زید علوی فزونی یافت؛ لکن یعقوب نمی خواست حسن بن زید، بلادی را که به دست آورد به حکومت خود در

آن‌ها ادامه دهد؛ لذا سپاهی را برای جنگ با حسن بن زید در سال ۲۶۰ه. ق تهیه دید، حسن بن زید شکست خورد و به دیلم روی نهاد و یعقوب ابن لیث بر آمل و ساری استیلا یافت و برای جستجوی حسن بن زید به سوی جبال طبرستان حرکت کرد؛ ولی با باران و گل و لای مواجه شد و به سختی از آن نجات یافت. در سال ۲۶۱ه. ق حسن بن زید بازگشت و بر طبرستان دست یافت و همواره بر این سرزمین حکومت می‌راند تا آن‌که در رجب سال ۲۷۰ه. ق مرگ او را در ربود. حکومتش مدت نوزده سال و هشت ماه و شش روز به طول انجامید^۳ ب محمد بن زید علوی آنگاه که حسن بن زید از دنیا رفت برادرش، محمد جانشین وی شد. سراسر ایام حکومت محمد بن زید مواجه با جنگ‌ها و رویدادهای سخت بود. گاهی با صفاریان و زمانی با اسماعیل بن احمد سامانی نبرد می‌کرد، و در یکی از جنگ‌های هولناکی که میان او و محمد بن هارون که از سوی اسماعیل سامانی به جنگ با او آمد روی داد جراحی برداشت. در این جنگ بود که پسرش زید اسیر شد، آنگاه محمد بن زید پس از چندی که جراحی برداشت در سال ۲۸۷ از دنیا رفت^۴ ابن اثیر می‌گوید: دو نفر برای مرافعه که نام یکی از آن‌ها معاویه و نام دیگری علی بود نزد محمد بن زید آمدند. محمد بن زید به آن‌ها گفت: حکم و داوری میان شما روشن است. معاویه گفت: زیر

این دو نام خبری است، محمد بن زید گفت: این خبر چیست؟ معاویه گفت: پدر من یکی از شیعیان راستین بود و نام معاویه بر من نهاد تا مرا از شرّ ناصبی ها و دشمنان علی علیه السلام حفظ کند؛ اما پدر علی، ناصبی بوده و از ترس علویان شیعی، نام او را علی نهاد؛ محمد بن زید تبسمی کرد و به وی نیکی نمود و او را مشمول محبت خود قرار داد.

همین محمد و یا برادرش حسن بود که اموال زیادی برای بنای مرقد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و امام حسین (علیهما السلام) هزینه کرد؛ چنان که به این مطلب در گفتارمان راجع به نجف و کربلا اشاره نمودیم. ج حسن بن علی اطروش وقتی محمد بن زید علوی از دنیا رفت حسن بن علی بن حسن بن عمر بن علی بن حسین علیهم السلام معروف به «اطروش» بر دیلم وارد شد و سیزده سال در آن اقامت داشت و مردم را به اسلام دعوت می کرد. بسیاری از مردم دیلم اسلام آوردند و پیرامون او گرد آمدند. حسن بن علی در بلاد دیلم مساجدی بنا کرد و از مردم دیلم که در پشت سعید رود ۵ تا ناحیه آمل زندگانی می کردند به دست او اسلام آورده و پیرو مذهب حسن بن زید و شیعی بوده اند. علت کری و سنگینی گوش او در شنوایی آن بود. که در جنگ، محمد بن زید اطروش، با شمشیر ضربه ای بر سرش فرود آورد ۶ طبرستان در آن روزگار تحت سلطه سامانیان بود و حسن بن علی در صدد تصرف آن برآمد و

پس از جنگی که میان او و والی دست نشانده سامانیان در طبرستان روی داد بر سپاه سامانیان پیروز شد و طبرستان را به تصرف در آورد و به «الناصر» نامبردار شد؛ آنگاه سپاهیان سامانی به سال ۳۰۴ه. ق از خراسان برای جنگ به سوی او تاختند و وی را به قتل رساندند. د حسن بن قاسم داعی پس از حسن بن علی، داماد او حسن بن قاسم علوی، معروف به «الداعی» به پاخاست، و بر ری استیلا یافت و طرفداران سامانیان را از آن بیرون راند؛ سپس قزوین، زنجان، ابهر و قم را به تصرف خود در آورد. در روزگار وی، اسفار بن شیرویه دیلمی سر بر آورد و قدرت و عظمتی به هم رساند و بر طبرستان استیلا پیدا کرد. داعی، در این زمان در ری به سر می برد. وقتی گزارش مربوط به اسفار برای وی رسید به طبرستان بازگشت و میان آن دو جنگ خونینی در گرفت که «داعی علوی» در آن کشته شد. این واقعه در سال ۳۱۶ه. ق روی داد. انهزام و فرار اکثر یاران و سپاهیان حسن بن قاسم داعی، تعمداً صورت گرفت علتش آن بود که «داعی» به یاران خود دستور می داد درست عمل کنند و آنان را از ظلم به مردم و شرب خمر منع می کرد! به همین جهت کینه داعی را به دل گرفتند و تصمیم داشتند او را با کودتا دستگیر کنند، ابوالحسین بن اطروش را به فرماندهی خود انتخاب نمایند و خطبه به نام او بخوانند. وقتی حسن بن قاسم داعی از توطئه و نیات آن ها، آگاه شد کسانی را

که علیه او توطئه کرده بودند به قتل رسانید. اسفار بن شیرویه، احساس کرد گماشته و مأمور او هارون بن بهرام در صدد دعوت مردم به سوی ابوجعفر علوی بر آمده است؛ لذا او را به سوی خود فراخواند و دستور داد با یکی از خانواده اشراف آمل وصلت کند و ابوجعفر و سایر رؤسای علوی را به مجلس عروسی خود دعوت نماید و آن ها را در آن مجلس احضار کند. روز خاصی را معین کرد و این کار را به انجام رسانید. اسفار در سر موعد معین به آمل رسید و ناگهان به خانه هارون حمله ور شد، ابوجعفر و سایر رجال برجسته علوی را دستگیر کرد و آن ها را به سوی بخارا فرستاد و در آنجا زندانی ساخت، تا آن که در ایام فتنه ابوزکریا از زندان رها شدند ۷ و اوضاع علویان در دیلم و طبرستان متلاشی شد. از رهگذر دعوت علویان، تشیع در پاره ای از سرزمین ایران مقامی ارجمند کسب کرده و رو به رواج و انتشار گذاشت. شیعه و آل بویه ۸ در ایران حکومت و اقتدار آل بویه در شیراز آغاز شد؛ آنگاه نفوذ آن به سراسر ایران و عراق، بلکه به تمام بلاد زیر سلطه بنی عباس نفوذ کرده و در آن ها گسترش یافت. آل بویه در زمان حکومت خود در سراسر مملکت توأم با تدبیر و کارآیی سیاسی نفوذ داشتند و خلیفه عباسی صرفاً یک سمبل تشریفاتی به شمار می رفت. این نکته برای هر کسی که مقداری از تاریخ مربوطه را به مطالعه و بررسی گرفته باشد کاملاً معلوم و روشن است.

ممکن است مطالعه کننده این کتاب تصور کند ما می خواهیم فقط راجع به آل بویه و شیعه در ایران مطابق عنوانی که مطرح شد به بحث و گفتگو پردازیم؛ لکن ما بحث خود را تعمیم داده و عراق و جاهای دیگر را که سلطه آل بویه آن ها را فرا می گرفت یاد کردیم. و هدف ما از اختصاص دادن بحث به ایران برای این است که در این فصل درباره ایران به گفتگو نشستیم. مذهب اهل سنت در زمان آل بویه اکثر بلاد ایران و عراق را زیر پوشش خود داشت و آل بویه علیرغم ظهور و پیدایی آن ها در تشیع و دل بستگی شدید نسبت به آن با تسنن به مخالفت و ستیز برخاستند، به عکس، زمامداران سنی، با شیعه همانگونه رفتار کردند که همه ما از آن آگاهیم. آری! آل بویه با این که از شوکت و اقتداری شگرف برخوردار بودند و بر خلافت و سرزمین های اسلامی کاملاً تسلط داشتند، شیوه و رفتاری نیکو با رعیت در پیش گرفتند و به خاطر تشیع خود با اهل سنت تعصب آمیز عمل نمی کردند؛ بلکه در ایام حکومت آن ها حوادثی میان شیعه و سنی رخ داد که فتنه از سوی اهل سنت به هم رسیده بود، از سلطان شیعی حیا نکردند، و سطوت و قدرت سلطان را مدّ نظر قرار ندادند؛ مع هذا آل بویه در مقام دفاع و حمایت از شیعه اهل سنت را به مجازات نگرفتند. با مطالعه حوادث پس از سال ۴۴۰ هـ. ق در کتاب «الکامل» به این نکته پی می بریم که چرا سرزمین های

اسلامی در برابر فرمانروایان بویه که صاحب قدرت و عطا بودند رام بوده و آنان بدون این که با حلّ مشکلات زیادی رو به رو گردند با اقتدار به حکومت خود ادامه می دادند. آل بویه مانند سایر ملوک و امرایی که به یکی از مذاهب پایبند بودند در خدمت، به مذهب سرشته شده بودند؛ زیرا آل بویه در مقام دفاع از مذهب به اندازه توانایی و به همان مقداری که اطلاعات و معلومات آن ها اقتضا می کرد کوشش خود را مبذول می داشتند؛ لذا سراسر دوران حکومت آل بویه را باید دوران سعی و ترویج مذاهب اهل بیت (علیهم السلام) دانست. در تاریخ می بینید که برای دفاع از این مذهب و بالا بردن مقام عترت پاک رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) از هر راهی بهره می جسته و آن را در می نوردیدند. روز هیجدهم ذی حجه، روز غدیر خم و روزی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) (بر فراز منبری آمد که مسلمانان آن را از محمل شتران پرداخته بودند، آن حضرت در مقام بیان فضیلت اهل البیت و علی مرتضی علیهم السلام خطبه ای ایراد فرمود و ضمن آن فرمود: آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر نیستم؟ مسلمین گفتند: آری. وقتی از مردم راجع به این مطلب اقرار گرفت، فرمود: هر کس که من مولا- و سزاوارتر از خود او بر او می باشم این علی مولای اوست، خدایا! دوست بدار آن که او را دوست می دارد و دشمن بدار آن که او را دشمن می دارد. این جمله پاره ای از سخنان رسول

اکرم صلی الله علیه و آله را تشکیل می دهد که درباره ابوالحسن، علی مرتضی علیه السلام ایراد فرمود. شیعه به چنین روزی به عنوان یکی از اعیاد بزرگ می نگرست؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، علی مرتضی علیه السلام را به عنوان امام، خلیفه و سزاوارتر از مردم نسبت به خودشان منصوب فرمود؛ بنابراین شیعیان سزاوارتر بودند که این روز را بزرگ بر شمرده و از آن تجلیل به عمل آورند. آل بویه این روز را سخت گرامی می داشتند و در تقدیس و گرامی داشت آن آشکارا می کوشیدند و کارهایی در این روز صورت می دادند که در هیچ عیدی جز آن دست به چنان کارهایی نمی زدند، اظهار سرور و شادمانی می کردند، جامه های فاخر در بر می گرفتند و کوشش زیادی در اطعام و گستردن سفره های تشریفاتی به کار می داشتند به طوری که مطبوع ترین خوراک ها را برای مقیم و مسافر بر روی این سفره ها آماده می ساختند و در بخشش و انفاق دست ها را گشاده می کردند؛ امثال اینگونه کارها که ولای و محبت آن ها نسبت به علی مرتضی علیه السلام و تجلیل از چنین روزی آنان را به این کار فرا می خواند. ملوک و فرمانروایان شیعه، از آل بویه در هر نقطه که به سر می بردند پیروی کردند که از آن جمله فاطمین مصر هستند. یکی از شواهد این مطلب که شیعه در چنین روز؛ یعنی «غدیر» اظهار شادمانی می کردند و آن را به عنوان روز عید قرار می دادند گفتار ابن اثیر درباره حوادث

سال ۳۰۸ ه. ق است. وی می نویسد: «در این سال مردم «باب البصره» که محله ای در بغداد است در روز بیست و ششم ذی حجه آذین بندی شکوهمندی بر پا کرده و شادمانی فراوانی نشان می دهند؛ بدینسان در روز هیجدهم محرم دست به کار اعمالی می گردند که شیعیان در روز عاشورا دست اندر کار آن می شوند؛ علت آن این است که شیعیان «گرخ» ۹ در روز هیجدهم ذی حجه که روز غدیر است قبه ها و گنبدها برمی افرازند و جامه های فاخر برای زینت در بر خود می گیرند. همین شیعیان در روز عاشورا در رابطه با سوگواری و نوحه و اظهار غم و اندوه کارهایی انجام می دهند که مشهور است. مردم «باب البصره» در برابر این کار هشت روز بعد از عید غدیر ۱۰ مانند شیعیان جشن و سرور به پا می کنند و می گویند: در این روز نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) (و ابوبکر وارد غار شدند. مردم باب البصره هم چنین هشت روز پس از عاشورا را به مانند شیعیان در روز عاشورا ماتم می گیرند و به عزاداری می پردازند، و می گویند: در این روز مصعب بن زبیر به قتل رسید ۱۱ اگر روز غار روز عید، و روز قتل مصعب روز حزن و اندوه باشد برای شیعه مشکلی به وجود نمی آورد. اما آیا روز قتل مصعب را می توان با روز عاشورا مقایسه کرد؟ آیا روز غدیر همان روزی نیست که بیش از صد هزار مسلمان در آن روز گرد هم آمدند و علی علیه السلام را به خاطر مقام

والایش تهنیت گفتند؟ حتی ابوبکر و عمر در مقام تبریک گویی به علی علیه السلام عرض کردند: بخ بخ لک اصیحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه:» ۱۲؛ بنابراین لازم است همه مسلمین در جشن و سرور برای چنین روزی شریک شادی هم باشند. اما روز عاشورای حسینی، سزااست که تمام مسلمانان عالم برای چنین روزی افسرده و اندوهگین شوند؛ مگر نه این است که حسین علیه السلام سبط رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، و ریحانه او، خامس اصحاب کسا، و از زمره اهل بیتی بود که خداوند پلیدی ها را از آن ها سترد؟ آیا حسین علیه السلام سرور اهل بهشت نبوده است؟ آیا نه این است که حادثه شهادت او حادثه دردناکی است که روزگار مانند آنرا به خود ندیده است؟ برای این که برای حزن و اندوه بر آن حضرت انگیزه ای را یاد کنیم کافی است که بگوییم: باید با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همدردی نماییم و فرمان او را به اجرا در آوریم؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله ده ها سال پیش از واقعه عاشورا برای چنین روزی گریست و اندوهگین گشت، و مردم را به حزن و اندوه و گریستن بر آن حضرت فرمان داد. شیعه همانگونه که این اثر می گوید: در روز عاشورا جهت سوگواری، نوحه و اظهار غم و اندوه کارهایی انجام می دهند که مشهور است؛ لکن آل بویه این کار را در تمام بلاد تعمیم دادند و آن را به شیعه محدود نساختند؛ زیرا معزالدوله، احمد بن بویه به مردم دستور داد در روز عاشورا دکاکین خود را

بیندند، بازار و خرید و فروش را تعطیل نمایند، نوحه و گریستن در پیش گیرند و جامه هایی پشمینه و خشن در بر کنند مردم نیز طبق دستور عمل نمودند). الکامل، در حوادث سال ۲۵۲ه ق (. مقام و موقعیت چنین روزی را باید آنگونه در نظر گرفت که فرمانروایان آل بویه آن را به عنوان روز حزن و اندوه و گریستن انتخاب کردند و مردم را به ماتم گیری و سوگواری تشویق می نمودند. با توجه به این حقیقت چرا نباید شیعیان در سایه استمرار این شعائر، نیرومند نشده باشند در حالی که در اجرای شعائر مزبور، فرمانروایان نیز دست آن ها را به نشانه تأیید می گرفتند؟! این دو روز (غدیر و عاشورا) دو مظهر شیعی بوده است؛ به همین جهت زمامداران شیعی آن دو را تأیید می نمودند و زعمای اهل سنت با آن دو مخالفت میورزیدند و «دو روز دیگری» را مقرر کردند و خواستند با مقرر کردن آن دو روز با شیعیان رویاروی گردند. حق این بود و هست که اهل سنت با شیعه درباره روز غدیر و عاشورا به مخالفت بر نمی خاستند؛ چنان که سزا نبود شیعه راجع به آن دو روزی که اهل سنت یکی را روز شادمانی و دیگری را روز عزا اعلام کردند با آن ها دم از مخالفت زنند (بلکه سزا است بر سر این گونه مسائل به توافق برسند) چنان که می بینیم هم اکنون اهل سنت در بسیاری از مظاهر حزن و سوگواری در روز عاشورا با شیعیان پس از آن که این رویارویی نکوهیده را که ناشی از تعصب کورکورانه است

فراموش کردند هم آواز شده و خود را در غم مصیبت آنان با اجرای مراسم عزاء، شریک و سهیم اعلام می کنند. آل بویه در جهت خدمت به مذهب تشیع، صرفاً به مظاهر سرور در روز غدیر و شعائر حزن و اندوه در روز عاشورا اکتفا نمودند؛ بلکه مساعی خویش را به هر وسیله ممکن و به قدر توانایی در خدمت به اهل البیت مصروف می داشتند؛ آنان علمای شیعه را با تمام وسایل و امکانات گرامی می داشتند و درباره آن ها از هیچگونه تجلیل و ابراز عنایت و بذل اموال فراوان دریغ نمی کردند؛ حتی عضدالدوله با وضع شکوهمندی سوار بر مرکب می شد و به زیارت و دیدار شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (طاب ثراه) می رفت. تا آنجا که ابن اثیر در حوادث سال ۳۷۲ه. ق می نویسد: عضدالدوله دوستدار علم و اهل علم بوده و به علما ارج می نهاد، از احسان به آن ها دریغ نمی کرد و با آنان می نشست تا در مسائل با هم به مناظره پردازند^{۱۳}. در ذیل کتاب «التمهید» باقلانی ضمن شرح حال عضدالدوله ۱۴ آمده است: ابو عبدالله و دیگران گفته اند: عضدالدوله فنا خسرو بن بویه دیلمی دوستدار علم و علما بوده است، و مجلس او مشحون از شمار زیادی از علما و دانشمندان هر فنی بود و اکثر آن ها از فقها و متکلمین تشکل می یافتند، عضدالدوله برای آن ها مجالسی برای مناظره منعقد می ساخت. دانشمندان از هر شهری آهنگ محضر او می نمودند و برای او و به نام او کتاب هایی تألیف می کردند که از

آن جمله «الإيضاح» در نحو، «الحججه فی القراءات»، «الملکی» در طب، «التاجی» در تاریخ و جز آن ها است. (۱۵) این سخن «ابن اثیر» گواه و مؤید آن است که عضدالدوله نسبت به همه اهل دانش اعم از شیعه و سنی محبت میورزید و احترام و محبت او، به علمای شیعه محدود نبود. همین نکته ما را به سخنی که قبلاً راجع به آل بویه یاد کردیم رهنمون ساخت مبنی بر این که آل بویه با مذهب اهل سنت در مقام معارضه و ضدیت بر نمی آمدند؛ بلکه علم را از هر مذهب و مکتبی مشمول تأیید و حمایت خود قرار می دادند. آل بویه شیعیان را در مشاهد مشرفه اسکان دادند و مقرری های منظم و هزینه هایی برای آن ها تعیین نمودند و در عطا و بخشش نسبت به آن ها دستی گشاده داشتند؛ زیرا این مشاهد، آنگاه که از نظر زندگانی برخوردار از آسایش و رفاه می شد مهاجران به سوی آن ها می کوچیدند و اقامت در آن ها برای زائران امکان پذیر و مطبوع می گشت. آل بویه بناهای عظیم و شکوهمندی در مشاهد مشرفه بر پا کردند، و گنبد های رفیعی بر روی ضریح های مقدس برافراشتند؛ حتی عضدالدوله و سپاهیانش قریب به یکسال برای ساختمان مرقد علوی علیه السلام و تکمیل و توسعه آن در نجف اشرف اقامت نموده و آن را در نهایت شکوه و عظمت تکمیل کرد، و خانه ها و رباط ها در آنجا بنا نمود، و با دستی باز علویان، علما، مجاوران، نگهبانان و متولیان این مرقد شریف را از بخشش های فراوان خود بهره مند

ساخت و قناتی را که آل اعین ایجاد کرده بودند اصلاح و بازسازی کرد. و بدینسان در مشهد حسینی (علی من شرفه و آله و اصحابه از کی التحیات) به کارهای جالبی دست زد، و به توسعه و بازسازی و صرف اموال برای زوّار و متولیان و مجاوران مرقد امام حسین (علیه السلام) در کربلا همت گمارد. آل بویه همواره در زمان حیات خود برای زیارت، آهنگ این مرقدهای شریف می نمودند و جنازه های آن ها را پس از مرگ به این مکان های مقدس می بردند تا در جوار آن ها به خاک سپرده شوند. من در صحن مرقد علوی در پشت مرقد کنار در صحن که به «باب الطوسی» معروف است قبور آن ها را دیدار کردم. خلاصه آن که: آل بویه در خدمت به مذهب و مکتب اهل البیت علیهم السلام تا توانستند همه مساعی خود را به کار گرفتند و به اندازه استطاعت خویش در مقام احیای تشیع برآمدند؛

دولت علویان قسمت دوم

حتی پاره ای از مورخین به رواج و انتشار تشیع در زمان حکومت آن ها و فزونی شمار شیعیان در عهد فرمانروایی آنان، زبان به اعتراف گشودند؛ و آثار این خاندان در ایران و عراق گواه بر همین سخن است؛ تاریخ نیز این آثار را جاویدان نگاه داشته است، اگر چه این آثار رو به ویرانی نهادند. کسی که به تاریخ ایران قبل از حکومت آل بویه و همزمان با آل بویه آشنایی دارد نقش عظیم و مؤثر آل بویه در حفظ تشیع و نشر آن را به خوبی می شناسد، همین قدر کافی است بگوییم آل بویه به منظور استقرار و

انتشار تشیع شخصیتی، مانند صاحب بن عباد (۱۶) را به وزارت برگزیدند. علما و شعرای بی شماری گرد او جمع می شدند، اجتماعی بی نظیر که جز برای سیف الدوله آل حمدان برای هیچ زعیم و فرمانروایی فراهم نیامده بود. برای او بود که بابویه (طاب ثراه) کتاب «عیون الاخبار» را نگاشت و ثعالبی کتاب «یتیمه الدهر» را در گزارش احوال او و شعرای او تألیف کرد. ابن خلکان مصنفاتی از صاحب بن عباد یاد می کند، از آن جمله کتاب «الإمامه» است که «صاحب» در این کتاب در تفضیل علی بن ابی طالب علیه السلام و اثبات امامت او بحث کرده است. و دیگری کتاب «المحیط» در لغت. من نسخه ای از این کتاب را در کتابخانه محمد سماوی در نجف دیدم که آن را به قلم خود استنساخ کرده بود. این کتاب، تلخیص کتاب «العین» خلیل می باشد که شواهد شعری در آن حذف و فصول آن به بهترین وجه تبویب و تنظیم شده است. مقام صاحب بن عباد آن چنان رفیع گشته بود که «شریف رضی» وی را در حیاتش مدح گفته و پس از وفاتش مرثیه ای برای او سروده است. صاحب ابن عباد به سال ۳۲۶ه. ق زاده شد، و در سال ۳۸۵ه. ق از دنیا رفت. که تشیع او آشکار بود و در راه نشر آن فداکاری می کرد. اگر بخواهیم سخن را درباره خدمات دینی و مذهبی آل بویه و دفاع و حمایت آن ها از تشیع گسترده سازیم، بحث ما طولانی گشته و از هدف و منظور خود که ایجاز و اختصار است خارج می شویم؛

علاوه بر این، آثار این خاندان آن چنان فراوان و بی شمار است که صحیفه‌هایی این چنین محدود، گنجایش پذیرفتن و نگاشتن آن‌ها را ندارد. شیعه و مغول‌ها (۱۷) در ایران میان حکومت و فرمانروایی آل بویه و مغول‌ها علی‌رغم آن که از نظر زمان مسافتی طولانی، آن‌ها را از هم جدا می‌سازد دولت و حکومت مهم و قابل‌ذکری وجود ندارد که از تشیع حمایت به عمل آورده و از شیعیان دستگیری کرده باشد؛ بلکه احیاناً پاره‌ای از حکومت‌ها که دارای قدرت و شوکت بودند به پا خواستند و با شیعه جنگ و ستیز نموده و آن‌ها را آماج دشمنی‌های خود قرار دادند؛ مانند سلجوقیان که رفتار آن‌ها در ستیزه‌گری و دشمنی با شیعه در بغداد و جز آن در کتب تاریخ ثبت و ضبط شده است (۱۸) سرانجام دولت و حکومت مغول‌ها سربلند کرد و هولاکوخان بر ایران استیلا یافت و بار دیگر بر عراق یورش برد، حکومت و خلافت بنی‌عباس را منقرض ساخت و به همه مذاهب آزادی داد؛ از جمله مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در تمام بلادی که زیر نفوذ او به سر می‌بردند.

هولاکوخان به همه ادیان و پیروانش احترام می‌گذاشت و اهل علم و افراد با لیاقت را ارج می‌نهاد؛ اگر چه با او هم مسلک نمی‌بودند؛ به همین جهت آن روزی که فاتحانه وارد بغداد شد میان علمای شیعه و اهل سنت گردهمایی و همبستگی به هم رساند. کشتارهای او در بغداد از آن رو نبوده است که بغداد

یک شهر اسلامی به شمار می رفت تا بگوییم هولاکوخان در مقام دشمنی با اسلام به این کشتار دست یازیده است؛ بلکه از آن رو بوده است که بغداد با او رویاروی گشته و در مقابل یورش او مقاومت می کرد، هولاکو، ذاتاً جنگجو و سفاک و خونریز بوده و در هر منطقه ای که در برابر او به جنگ بر می خاست هر چند مردم هم اگر با او هم مسلک بودند برای غلبه و پیروزی دست به خونریزی می زد. بنابراین ادیان در زمان هولاکوخان آزاد بوده و فرزندان و نواده های او نیز به همین منوال مذاهب را آزاد گذاشته بودند). ۱۹) اساساً برای حیات و زندگانی شیعه و حیات و پایداری مذهب اهل بیت علیهم السلام کافی بود صرفاً به آنها آزادی عمل اعطا گردد؛ اما حمایت از شیعه و تشیع و همیاری با آن از سوی وزیر و یا امیر را باید فوق خواسته ها و ایده مطلوب شیعه و تشیع بر شمرد. وقتی هولاکوخان به ادیان و مذاهب از آن جمله به مذهب تشیع آزادی اعطا کرد، و گزند و آسیبی بر مردم حله، کربلا و نجف که همه مردم این چند شهر شیعی بودند وارد نساخت در بعضی این تصور به وجود آمد که هولاکوخان اسلام آورده و به مذهب تشیع کردن نهاده است؛ اما یادآور می شویم: چنین تصویری را باید پنداری نادرست بر شمرد؛ زیرا صرفاً آسیب ندیدن مردم شهرهای یاد شده را نمی توان دلیلی برای این امر دانست، به ویژه آن که این آزادی نسبت به همه مذاهب و ادیان گسترش داشت (و اساساً اختصاص

به دین اسلام نداشت تا نوبت به مذهب تشیع برسد؛ اما مصونیت مردم شهرهای مذکور از آسیب و خونریزی های هولاکوخان نتیجه تدبیر علما و رجال با فکر شهرهای یاد شده بوده است؛ زیرا آن ها قبل از فتح بغداد از او امان خواستند و او هم به آن ها قول داد که آسیبی متوجه آنان نسازد. این تصور غلط، از آن رو پدید آمد، چون قبل از هولاکوخان بر شیعیان فشار وارد می شد و شیعیان هم معمولاً وقتی مانعی بر سر راه خود نمی دیدند از اختفا سر بر آورده و قد علم می کردند. و همین عادتی که شیعیان بدان خو گرفته بودند باعث می شد که دشمنان آن ها تزییقاتی برای آن ها فراهم آورند، و در برابر خواسته های آن ها مواعی ایجاد کنند؛ اما نمی دانستند که مانند هولاکوخان اگر آزادی را از مذهب سلب کرده باشد معقول نبود که از مذهب تشیع سلب نماید؛ زیرا بر فرض اگر هولاکوخان بر کفر خویش باقی بود باید او را دشمن همه مذاهب اسلامی بر شمرد. اما چون این نکته بر شیعیان مجهول ماند برخی تصور کردند وی اسلام آورده و به تشیع گردن نهاده است. از پادشاهان مغول چهار تن اسلام آوردند که عبارتند از: تکودار بن هولاکوخان که «احمد» نامیده می شد؛ غازان بن ارغون بن بغا بن هولاکوخان که «محمود» نام داشت؛ نیکولوس برادر غازان که به «سلطان محمد خدابنده» معروف بود و القا آن بهادر خان ابوسعید پسر محمد خدابنده؛ اما احمد، مدت حکومت او دیری نپایید؛ زیرا وقتی برادرش اباقاخان بن هولاکوخان از دنیا رفت بر

تخت نشست؛ لکن برادرزاده اش ارغون ابن اباخان پس از جنگ و گریزی بر وی غلبه کرد. و اما غازان، او آنگاه که بر «بایدو» پیروز گشت و امر حکومتش استقرار یافت همراه لشگریانش که به صد هزار تن و یا بیشتر می رسید اسلام آورد؛ لکن آیا او پس از آن تشیع را پذیرا شد؟ باید گفت این اظهار نظر نمی تواند قاطع باشد؛ ولی باید توجه داشت امارات و نشانه هایی که حاکی از تشیع غازان است وجود دارد که عبارتند از این که: وقتی غازان در سال ۶۹۶ه. ق به عراق آمد در سوی حله روی نهاد و آهنگ مشهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمود، ضریح مقدس آن حضرت را زیارت کرد و دستورداد که وجوه و اموال فراوانی در اختیار علویان قرار دهند. آنگاه برای زیارت به سوی مشهد حسینی در کربلا عازم گشت و در آنجا همان گونه که در مشهد علوی کوشید دستور صادر نمود. همچنین بدینسان در سال ۶۹۸ه. ق که بار دیگر به عراق آمده بود عمل کرد (۲۰) غازان به سال ۶۹۶ه. ق در بغداد خانه هایی برای ضیافت علویان که مقیم بغداد بودند بنا کرد و آنرا «دورالسیاده» نام نهاد، اموال فراوانی برای بنای آن صرف نمود و املاک و زمین هایی بر آن وقف کرد.

وی سه نهر از فرات حفر کرد: که یکی از آن ها به شهر کربلا جاری می شد (۲۱) و امثال این گونه کارها که موجب می شود انسان به ظن قوی، او را شیعی بر شمارد؛ زیرا امثال این کارها را غالباً جز کسی که خون تشیع در

عروق او جریان دارد انجام نمی دهد. و اما نیکولایوس محمد خدابنده، آنگاه که اسلام آورد اسلام او در آغاز امر بر طبق مذهب حنفی بود. وقتی نظام الدین عبدالملک شافعی که عالمترین دانشمندان اهل سنت بود بر او در آمد وی را به عنوان «قاضی القضاة» همه ممالک خویش منصوب کرد. او در محضر سلطان به مناظره با علمای حنفی می پرداخت و آنان را در استدالات خود محکوم می ساخت. وقتی سلطان، غلبه او را در مناظره می دید، و خود او نیز در مقام تحسین از مذهب شافعی برای سلطان بر می آمد محمد خدابنده از مذهب حنفی به مذهب شافعی در آمد؛ اما هنگامی که مناظره میان نظام الدین عبدالملک و علمای حنفی استمرار یافت و هر یک از دو طرف رأی و فتوایی به مذهب طرف دیگر نسبت می داد که امثال آن ها در امر دین ناخوش به نظر می رسید کدورت و رنجش خاطری در سلطان پدید آمد و سخت متأثر شد؛ و گویند اساساً مدتی آیین اسلام را ترک گفته بود. یکی از امرای مقرب او، امیر طرمطار بن نجوبخشی، شیعی بود؛ وی در صدد برآمد سلطان را به محاسن مذهب اهل البیت علیهم السلام آشنا ساخته و او را بدان فرا خواند؛ پس از مساعی او، در سلطان گرایشی به این مذهب پدید آمد. در این اوان سید تاج الدین آوی امامی همراه با جماعتی از شیعه نزد سلطان محمد خدابنده آمد؛ میان سید تاج الدین و نظام الدین عبدالملک در حضور سلطان مناظراتی در گرفت، آنگاه سلطان پس از این مناظره به سوی عراق رفت

و

مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام را در نجف زیارت کرد، خوابی دید که از رهگذر آن مذهب امامیه از دیدگاه او قوی تر از مذاهب دیگر می نمود؛ لذا آن را بر امرای خود عرضه کرد؛ آن دسته از امرایی که شیعی بودند او را به پذیرفتن مذهب اهل البیت علیهم السلام تشویق کردند. محمد خدابنده دستور داد علما به مجلس او بیایند. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر در این مجلس حضور به هم رسانید. سلطان به قاضی القضاة نظام الدین دستور داد با علامه حلی به مناظره پردازد. مجلسی را آماده ساخت که علما و اهل فضل در آن حاضر شدند و مناظره میان علامه و نظام الدین در مسأله خلافت آغاز شد، و سلطان به این مناظره گوش فرا می داد؛ تا سرانجام قاضی القضاة نظام الدین مغلوب گشت و علامه حلی بر او پیروز شد. سلطان محمد خدابنده از همان لحظه تشیع خود را اظهار کرد و سپاهیان و اهل مملکت را به تشیع فرا خواند و در سراسر بلاد اسلامی مراسم مذهب امامی را به اجرا در آورد. و سید تاج الدین محمد آوی را به سمت و عنوان «نقیب الممالک» منصوب و مَعنُون ساخت. همین مناظره باعث رواج و انتشار مذهب آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ایران گشت، تا آنجا که شعاع آن بر سراسر بلاد ایران پرتو افکند؛ اما راجع به پسر سلطان محمد خدابنده یعنی بهادرخان ابوسعید، یادآور می شویم که وی از روزی که زمام حکومت را به دست گرفت بر مذهب اهل البیت علیهم السلام بود، با مرگ او حکومت مغول ها بر

خلاصه آن که: یکی از درخشان ترین عصرهای تشیع، عصر حکومت مغول ها در ایران بوده است؛ زیرا شیعیان در این عصر نسیم آزادی را احساس کردند و علمای آن ها علناً به مناظره و مجادله با پیروان مذاهب دیگر می پرداختند. این عصر به علمای برجسته ای افتخار می کند که نظیر آن ها کمتر در عصری دیگر به چشم می خورد؛ امثال: آل سعید، که از جمله آن ها محقق، صاحب «شرایع الاسلام» و علامه حلی و پدر و پسر او می باشند. آل طاووس، که از جمله آن ها است: دانشمند نیکوکار مجدالدین و دو سید بزرگوار: رضی الدین و غیاث الدین که این دو در عصر مغول ها، نقیب طالبین در عراق بودند. و خواجه نصیرالدین طوسی، پیشوای فلسفه و کلام، همان کسی که در زمان هولاکوخان سرپرستی اوقاف را در ممالک مغول ها در اختیار داشت. و دانشمندان فراوان و برجسته دیگری که در این دوره در ایران به ثمر رسیدند. شیعه و صفویه (۲۲) در ایران وقتی حکومت و فرمانروایی مغول ها منقرض شد، سرزمین های تحت حکومت آن ها به چند دولت کوچک شیعی تقسیم شد که هر دولتی، بخشی از ممالک و سرزمین های تحت حکومت مغول ها را به تصرف و اشغال خود در آورده بود، مانند: دولت چوپانی ها که آذربایجان، عراق عجم، دیار بکر و قسمتی از حدود روم را تصرف کرده بودند؛ و دولت ایلخان ها که بخشی از ایران از حدود آذربایجان غربی تا عراق عرب و فرات غربی را در تصرف خود داشتند و پس از گذشتن

مدتی حکومت آن‌ها فقط به عراق عرب محدود شد. و حکومت سربرداریه که بر خراسان و سبزوار و جز آن‌ها حکم می‌راندند، و دولت مرعشی‌ها که بر آمل و مازندران و بلاد دیگر استیلا یافته بودند. بعد از مغول‌ها تا وقتی که شاه اسماعیل صفوی به حکومت رسید دولت و حکومتی که بر سراسر بلاد ایران حاکم باشد به وجود نیامد شاه اسماعیل صفوی (۲۳) به تصرف تمام سرزمین‌های ایران موفق گردید و عراق عرب را بازگرداند و بر آن استیلا یافت. در زمان شاه اسماعیل، آثار مهمی در اعتبار مقدسه بنا شد، از آن جمله: ساختمان حرم کاظمین علیهما السلام و مسجد بزرگ پشت حرم که هم‌اکنون به «مسجد صفویه» معروف است. او نخستین پادشاه صفوی است که در زمان او به ترویج مذهب امامیه و تشیع در تمام بلادی که حکومت وی در آن گسترش یافته بود اهتمام و عنایتی مبذول داشت او مبلغین را به سرزمین‌هایی که می‌خواست آن‌ها را به تصرف در آورد می‌فرستاد تا مردم آن بلاد را به تشیع و مذهب اهل البیت علیهم السلام دعوت کنند. در زمان شاه اسماعیل نسبت به علما و علویان محبت و دوستی و رفتار مطبوع و خوش‌آیندی، مبذول می‌گردید، و عده‌ای از علما و علویان به عنوان «نقیب» و «صدر» منصوب شدند. از علما برای نشر و ترویج مذهب تشیع و تقویت ارکان آن استمداد می‌شد و به نام ائمه اثنی عشر بر منابر خطبه می‌خواندند. تشیع در این زمان برای پیشرفت خود با گردنه‌های

سخت و ناهمواری مواجه نگردید که سیر و حرکت آن ها را راکد سازد. در زمان سایر سلاطین صفویه نیز وضع به همین منوال بود؛ زیرا نهر حوالی حله در زمان شاه طهماسب). وی در بیست و هشتم ذی حجه سال ۹۱۹ ه. ق به دنیا آمد و در سال ۹۳۰ ه. ق به سلطنت رسید و در سال ۹۴۸ ه. ق از دنیا رفت (به وجود آمده بود. و نیز در زمان او بود که نهری را حفر کردند تا آب آن به نجف برسد؛ لکن علی رغم کوشش های عظیمی که برای آن صرف شد آب به نجف نرسید؛ چون زمین نجف از مجرای نهر بلندتر بود. در زمان شاه عباس اول) او به سال ۹۷۹ ه. ق زاده شد، و در سال ۹۹۶ ه. ق رسماً به تخت نشست و به سال ۱۰۳۷ ه. ق از دنیا رفت (. گام های وسیع تری برای نشر مذهب اهل البیت علیهم السلام برداشته شد که نتایج آن مهم تر از کارهایی بود که در زمان شاه اسماعیل انجام گرفته بود. در این زمان یعنی در دوران شاه عباس اول آثار مهم و خدمات بزرگی جلب نظر می کند که حاکی از مساعی و نصرتی است که نسبت به تشیع مبذول می گردید. این مساعی و کارهای جالب و مهم با رهنمودهای دو دانشمند بزرگ؛ یعنی شیخ محمد بهاءالدین عاملی معروف به «شیخ بهایی» و سید میر محمد باقر داماد صورت پذیرفت. شاه عباس اول (در مقام جلب توجه مردم شیعی ایران) نسبت به اهل البیت علیهم السلام احترام عجیبی نشان می داد؛ از جمله: بارها به زیارت امام رضا علیه

السلام رفت، در یکی از این زیارت ها مسافت میان پایتخت خود؛ یعنی اصفهان تا مرقد امام رضا علیه السلام در خراسان را با پای پیاده طی کرد که بزرگان دولت و حکومت نیز در این سفر او را همراهی می کردند، این مسافت طبق اندازه گیری به یکصد و نود و نه فرسخ می رسید. و در زیارت دیگر به سال ۱۰۲۱ه. ق صحن رضوی را توسعه داده و ساختمان های بلند و قنات های مهمی در کنار مرقد احداث کرد؛ اما آثار دیگری که مربوط به همین زمان می باشد عبارت از سپردن جواهر، تحفه های گران بها، قرآن های نفیس، کتاب های باارزش و امثال آن به خزانه آستان قدس رضوی و خزائن ائمه دیگر در عراق است. از حسنات جاوید وی که از زمان شاه عباس تاکنون باقی ماند مساجد و مأذنه های اصفهان و شهرهای دیگر و نیز قنوات، ابنیه و کاروانسراها در مسیر مسافران مشاهد مقدسه عراق می باشد. و نیز از آثار جالب این زمان بنای صحن کنونی مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام است، و همانگونه که در میان مردم معروف است و زبان به زبان برای هم بازگو می کنند صحن مذکور با مهندسی و معماری شیخ بهایی بنا شد؛ چنان که باید چاه های وسیع متعددی را که تا هم اکنون در نجف باقی است و به «شاه عباسیات» معروف می باشد از آثار مربوط به همین دوره دانست (۲۴) در این زمان بیش از هر وقت به اهل علم ارج می نهادند، و از علما قدردانی می کردند؛ و لذا رواج و رونق بازار علم در

این زمان معروف و از مشخصات آن است. و آنچه در این دوره در جهت خدمت به علما و علویان وقف شد مطلبی است که کمتر کسی از آن بی خبر می باشد به هر حال، ظاهراً نهر معروف به «مُکریه» یا «نهر الشاه» از آثار دوره شاه صفی است، نه شاه عباس اول: زیرا آب از کانال این نهر در سال ۱۰۴۲ه. ق به نجف جریان یافت و شاه عباس اول در سال ۱۰۳۷ه. ق از دنیا رفته بود. خلاصه آن که: حکومت صفوی ها صرفاً یک حکومت سیاسی نبوده است؛ بلکه این حکومت در جهت خدمت به دین و ترویج تشیع اهتمام زیادی نشان می داد، به ویژه در زمان شاه اسماعیل و شاه عباس اول که آثار خدمات دینی در دوران آن ها چشمگیر است. پادشاهان در این عصر و عصرهای ماقبل آن به ترویج دین افتخار می کردند (و در تظاهر به آن سخت پایبند بودند)؛ علت آن نیز جوّ و فضایی بود که مردم در آن به سر می بردند؛ چرا که روح دینی در این فضا حاکم بوده است و یا این که شاید پادشاهان طبعاً به علما احترام می گذاشتند و سعی بر آن داشتند که به آن ها تقرب جستند و از آرای آنان بهره گیرند. اصولاً کار علما، اجرای برنامه دینی و قوانین شریعت در هر دوره ای بوده است. در دورانی که رأی و نظر علما، اقوال و رهنمودهای آن ها در حکومت نقش داشت، برنامه دین بر بلاد و سرزمین ها حاکم بود و قوانین دینی رو به رواج و انتشار می گذاشت و

مردم نیز بدان پایبند می شدند. و اگر در هر زمانی یک پادشاه و زمامدار با احکام شریعت به مخالفت بر می خاست علما در صدد نگاهبانی و دفاع از حریم دین و مظاهر دینی بر می آمدند و به آن زمامدار نسبت به آیین الهی هشدار می دادند. قوام و دوام نشر و ترویج شریعت در این دوران رهین همیاری زمامداران و علمای دینی بوده است. در هر دوره ای که می بینیم بی دینی و مخالفت با شریعت رواج یافت دوره ای است که زمامداران آن دوره از علمای دینی فاصله گرفته اند و به نصایح آن ها گوش فرا نداده اند و از آرا و دعوت های آن ها بهره مند نبوده اند. شیعه و دوران حکومت نادرشاه (۲۵) در ایران همه ما به فتوحاتی که برای نادر شاه به هم رسید آشنا هستیم و می دانیم که وی بر ایران، هند، عراق، بحرین، افغان، بخارا و بلاد دیگر طی مدت نسبتاً کوتاهی استیلا یافت. در زمان نادرشاه آنگونه اهتمام که نسبت به شئون دینی و ترویج از علم و قدردانی از علما که در زمان صفوی ها مبذول می شد دیده نمی شود. نادرشاه به علمای دینی اجازه نمی داد در کار حکومت و دولت دخالت کنند؛ اما در زمان او خدماتی که در مورد مرقد های ائمه و اهل البیت علیهم السلام انجام گرفت کمتر از دوران صفوی ها نیست؛ زیرا بنای گنبد برای مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام که با روکش طلا مزین شده و پر شدن خزانه مرقد امام حسین علیه السلام از پول ها و جواهر و غیره، که

همگی در دوره نادرشاه پس از بازگشت فاتحانه او از هند انجام گرفت نشان می دهد که چه کوشش های جالب و خدمات بزرگی در این دوره مبذول گردید؛ چنان که در همین دوره بوده است که بنای عظیمی در مشهد رضوی ساخته شد که سنگ های مرمر آن را از آذربایجان آورده بودند. نادرشاه براساس شروطی با عثمانی ها صلح کرد که یکی از آن ها این بود که باید دولت عثمانی، رسمیت مذهب جعفری را مثل سایر مذاهب چهارگانه اهل سنت اعلان کند. و دیگر ساختن رکن خاصی برای مذهب جعفری در مکه مکرمه. و سوم، صیانت، حمایت و دفاع از حجاج ایران در راه مکه بود؛ لکن عثمانی ها، به هیچ یک از این شروط به خصوص نسبت به شرط اول و دوم یعنی رسمیت شناختن مذهب جعفری و ساختن رکن ویژه مذهب جعفری در مکه وفا نکردند. وقتی نادرشاه به عراق آمد دانشمندان شیعی و سنی را فراهم آورد و آن ها را به مناظره و وحدت در مذهب واداشت؛ اگر چه در به هم رساندن این اجتماع و گردهمایی و مناظره و استدلال متقابل آنان موفق بود؛ لکن برای ایجاد وحدت مذهب ناکام ماند؛ اگر چه طی مدت کوتاهی از ترس سطوت نادرشاه اظهار وحدت مذهبی می کردند. آنگاه ایران پس از نادرشاه با جنگ ها و فتنه هایی مواجه شد و خاندان افشاریه نتوانستند بیش از چند سالی به حکومت و فرمانروایی خود ادامه دهند. و در این مدت نیز گرفتار جنگ های داخلی و رقابت بوده اند، تا آن که حکومت زندی ها بر سر کار آمد.

در

دوره آن‌ها کارهای مهمی نسبت به مذهب و شیعیان صورت نگرفت؛ زیرا حکومت زندی‌ها آنچنان که باید، همه بلاد ایران را زیر پوشش خود قرار نمی‌داد؛ علاوه بر این‌ها روزگار آن‌ها به جنگ و ستیز با اولین پادشاه قاجاری‌ها؛ یعنی آغامحمد خان سپری شد. شیعه و دوران حکومت قاجاری‌ها (۲۶) در ایران آغاز سر بر آوردن قاجاری‌ها با ایام حکومت نادرشاه مواجه بود، و ایران جز پس از انقراض حکومت زندی‌ها به دست آغامحمد خان در سال ۱۲۰۲ه. ق برای حکومت قاجارها آمادگی نیافته بود. وقتی قاجارها بر فراز تخت حکومت تکیه زدند نفوذ روحانیت در حکومت اعاده شد و از طرق مختلف نسبت به علما خدماتی صورت گرفت، و پاره‌ای از پادشاهان این سلسله در برابر علما نسبتاً از گوش شنوایی برخوردار بودند؛ از قبیل فتحعلی‌شاه که ظاهراً برای تقویت سلطه و حکومتش به علما احترام می‌گذاشت تا از این رهگذر قلوب مردم را به خود جلب کرده باشد. عده‌ای از علما (تحت تأثیر این ظواهر فریبا قرار گرفتند و) کتاب‌های متعددی به نام فتحعلی‌شاه تألیف کردند؛ از آن جمله علامه اکبر، شیخ جعفر که کتاب «کشف الغطا» را برای او تألیف نمود. به هر حال این پادشاه به تجلیل از علم و تقدیر از علما و اهتمام به دین تا آنجا (تظاهر می‌کرد) و به آن‌ها وقع می‌نهاد که شیخ جعفر یاد شده در دیباچه کتاب خود به ستایش او پرداخت، همین شاه به منظور خاطر نشان ساختن احترام خود نسبت به علما و تکریم

آن‌ها روزی که شیخ جعفر از نجف برای دیدار ایران آمده بود با پای برهنه به استقبال وی شتافت. همچنین میرزا محمد جعفر استرآبادی (قدس سره) کتاب «نجم الهدایه» و مولی علی اکبر ایچی اصفهانی، کتاب «زبدہ المعارف» را که این کتاب اخیر، در اصول دین و اخلاق و معارف است به نام این شاه تألیف کردند. و نیز کتاب‌های دیگری به نام او تألیف شده است. از جمله کارهای نیکی که در زمان سلطنت او به انجام رسید عبارتند از: روکش طلا بر گنبد و ایوان مرقد امام حسین علیه السلام و نصب پنجره‌هایی از نقره بر ضریح آن حضرت. بنای گنبد مرقد حضرت عباس علیه السلام پوشش طلا بر گنبد سیده فاطمه (حضرت معصومه) دختر موسی بن جعفر (علیهما السلام) در قم و بنای صحن وسیع برای آن. بنای صحن امام رضا علیه السلام و اهدای قندیل‌های زرین، برای حرم مقدس او. نصب ضریح نقره بر مرقد حضرت عبدالعظیم). (۲۷)، مدفون در نزدیکی تهران (شهر ری). نصب ضریح نقره بر مرقد سید احمد در شیراز (۲۸) بنای مساجد و مدارس و امثال آن‌ها که نشان دهنده اهتمام مردم آن زمان برای خدمت به اهل البیت علیهم السلام و دفاع از مذهب تشیع است. در این زمان تنها به ترویج دین و دانش بسنده نشد؛ بلکه ادب نیز به رواج و رونق خود دست یافت؛ به شعرا و ادبا هدیه‌های فراوانی تقدیم می‌شد؛ حتی تا آنجا این قدردانی پیش رفت که ارباب ادب از ایرانی و عرب به ایران روی آوردند و انجمن‌های ادبی بر سر

پا گردید که در آن ها گفتگوهای ادبی و نوادر و ظرائف سخن رد و بدل می شد؛ در نتیجه همزمان با این دوره، شعرای چیره دست و توانایی پدید آمدند. در زمان ناصرالدین شاه نیز وضع به همین منوال بود. در این دوره ها عنایت و اهتمامی نسبت به روحانیین در عراق و ایران مبذول می گردید و زمامداران نسبت به آن ها ارج می نهادند و آنان را از عطایای خود بهره مند می ساختند در زمان ناصرالدین شاه کارهایی بدین شرح انجام گرفت: پوشش طلا بر گنبد عسکرین (علیهما السلام) در سامرا. پوشش ایوان حرم امام رضا (علیه السلام) (در مشهد رضوی با طلا. پوشش طلا بر گنبد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در ری. کتاب های «مرآت البلدان» و «ناسخ التواریخ» و جز آن ها در زمان این شاه تألیف شد. خلاصه آن که: در دوره قاجارها از مذهب اهل البیت علیهم السلام ترویج و حمایت به عمل آمد، آن ها (برای تقویت پایه های حکومت خود) به یاری علم و علما بر می خاستند و ایران در این دوره از وجود علمای برجسته فراوان، می درخشید. عده ای از دانشمندان ایرانی نیز در این دوره از ایران به نجف مهاجرت کرده بودند که شمار این علمای مهاجر به حدود ده هزار نفر می رسید؛ لذا بوستان علم در ایران و عراق به خاطر اهتمام و عنایتی که نسبت به اهل علم مبذول می گردید سرشار از مناظری خوش و میوه هایی مطبوع بود، تا آن که در زمان محمد علی شاه انقلاب و آشوبی پدید آمد، اهل علم دچار وضع

نابسامانی شدند و ارتباط ایران با علمای مهاجر عراق قطع شد؛ و لذا ناگزیر شدند به ایران مراجعت کنند. در ایام حکومت قاجارها مطابع و چاپخانه های چاپ سنگی پدید آمد، از رهگذر آن بسیاری از کتب فقهی و دینی و سایر فنون علم انتشار یافت و نفوذ روحانیت تمام بلاد ایران و سرزمین این مملکت اعم از شهر و کوه و دشت و بیابان را زیر پوشش داشت تا حکومت قاجارها منقرض گشت. خلاصه سخن آن که: ایران در قرن اول هجری پس از آن که مسلمین آنرا فتح کردند با ولا و محبت نسبت به اهل البیت علیهم السلام آشنایی نداشت. و در قرن دوم همزمان با حکومت امویان بود که تشیع در آن ریشه دوآید و مردم با ولای اهل البیت علیهم السلام تا حدی مأنوس شدند. تشیع در اواخر قرن دوم و سوم در ثلث اول دوران حکومت بنی عباس و پس از اقامت امام رضا علیه السلام در خراسان ظهور خود را آغاز کرد. و در قرن چهارم و پنجم همزمان با حکومت آل بویه انتشار یافت و طی مدتی در عهد سلجوقیان گرفتار رکود و توقف گردید؛ سرانجام در دوره حکومت مغول ها (از قرن هفتم) دامنه تشیع در ایران رو به گسترش نهاد تا آن که شاه اسماعیل صفوی در قرن دهم بر حکومت دست یافت و از همین قرن بود که تشیع همه سرزمین ایران را زیر پوشش خود گرفت؛ البته باید توجه داشت عده ای از افراد در این سرزمین بر مذهب اهل سنت باقی ماندند (و در کردستان به سر می برند) و هم چنین

عده ای از عرب های جنوب (و مردمی از شمال، و نیز گروهی از مردم زاهدان و بلوچستان ایران) پیرو مذهب اهل سنت می باشند. وقتی چنین واقعیتی برای ما به مدد برهان و وجدان روشن شد به این نتیجه می رسیدیم که ایرانی ها، همان مردمی هستند که سال ها پس از پیدایش تشیع آن را پذیرا شدند و تشیع پس از قرن ها توانست همه سرزمین ایران را در بر گیرد. و این تصور که تشیع از ایران شروع شد را باید تصویری واهی بر شمرد. آیا صحیح است بگوییم آن پدیده ای که همزمان با حیات نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) جوشید و در عروق گروهی از صحابه برگزیده او جریان یافت منبع آن را در قرن دهم در ایران جستجو کنیم؟ باید از این تصور واهی و اشتباه و بهتان بزرگ به خدا پناه برد؛ بلکه عناد و اصرار بر اختلاف، انسان را به آنجا می کشاند که دانسته و یا نادانسته وجود آفتاب را در حال طلوعش انکار می کند و دیدگان او در رؤیت ماهتاب در شب چهارده از کار می افتد. هدف ما از این سخن آن است که اهل بصیرت و پویندگان حق را هشدار می باشد تا حقایق را از جاده ای مستقیم و روشن و نه از طریقی گرفتار انحراف و اعوجاج که انسان را از صراط مستقیم به دور ساخته و موجب سقوط در چاه ویل می گردد جویا گردند.

پاورقی ها

۱-الکامل، ج ۷، ص ۴۰. به من گزارش کردند که سواره نظام های حسن بن زید آهنگ ما کرده تا طعم تلخ شکست را به

ما بچشانند. ای یاران من! اگر این اخبار راست باشد، پس وای بر من و همه طاهریان. اما من آنگاه که لشگریانم به صف درآیند من در میان آن‌ها از نظر ولای اهل البیت علیهم السلام سرآمد هستم. بنابراین عذر من نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله چون خون فاطمیان را نریخته‌ام و آن را برای خود در روز قیامت برای دریافت پاداش ذخیره کرده‌ام مقبول و پذیرفته است.

۲- ر. ک: الکامل، ج ۷، ص ۴۰، ۵۳، ۵۷، ۶۶ و ۸۲ در حوادث سال‌های ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷ ه. ق.

۳- الکامل، ج ۷، ص ۱۳۶

۴- الکامل، ج ۷، ص ۱۶۶.

۵- گویا سفید رود

۶- الکامل، ج ۸، ص ۲۶ و ۲۷

۷- الکامل، ج ۸، ص ۵۹

۸- آل بویه از دیلمیان هستند و سلسله نسب آن‌ها به پادشاهان و خسروان ایران قبل از اسلام می‌رسد. همانگونه که اشاره شد حکومت آن‌ها در سال ۳۲۱ ه. ق در شیراز آغاز گردید و در سال ۴۴۷ ه. ق به پایان رسید. اولین فرمانروایی که از این سلسله به حکومت دست یافتند سه برادرند: عمادالدین علی بن بویه که در سال ۳۳۸ ه. ق از دنیا رفت. و معزالدین احمد بن بویه که به سال ۳۵۶ ه. ق دنیا را وداع گفت. و رکن‌الدین حسن بن بویه که وفات او در سال ۳۶۶ ه. ق روی داد. و آخرین فرمانروای این سلسله «الملک الرحیم» است که می‌گویند قبیله خاقان در عراق بدو منسوب اند.

۹- کرخ محله وسیعی در غرب بغداد بود که اطراف آن را دیوار و حصاری احاطه می‌کرد، تمام مردم آن شیعی بودند و فردی غیر شیعی در میان آن‌ها دیده نمی‌شد؛ چنان

که یاقوت در معجم البلدان همین نکته را یاد کرده و این قسمت از بغداد را سراسر به نام «کرخ» نامیده است

۱۰- یعنی روز بیست و ششم ذی حجه

۱۱- الکامل، ج ۹، ص ۵۴

۱۲- آفرین بر تو که هم اکنون سرور ما و سرور هر مرد و زن مسلمان گشتی

۱۳- گویا هدف این شخصیت بزرگوار و دوستدار علم ایجاد حرکت و جنبش علمی، و وادار کردن طلاب و دانشجویان به کوشش و تحصیل علوم بوده است که از این رهگذر شمار دانشمندان رو به فزونی گذارد؛ به همین جهت عضدالدوله مقصد و مقصود رجال علم بوده و سزا بود که کتاب هایی به نام او تألیف شود

۱۴- ص ۲۴۶

۱۵- الکامل، ج ۹، ص ۸، در حوادث سال ۳۷۲. ق

۱۶- وی وزیر فخرالدوله آل بویه و عالم و ادیب و متکلم و شاعر بوده است و در علم، ادب، دین و دنیا از شخصیت های گرانقدر به شمار می رود

۱۷- حکومت هولاکوخان در ایران به سال ۶۵۰ه. ق آغاز شد و با مرگ ابی سعید در سال ۷۳۶ه. ق حکومت این خاندان منقرض گردید

۱۸- در کتاب «تاریخ الحضاره الاسلامیه» که حمزه طاهر آن را از ترکی به عربی ترجمه کرده است در ص ۸۵ آن آمده است: سلجوقیان تفوق اهل سنت را در ایران به عهده گرفتند؛ لکن نتوانستند تشیع را کاملاً از میان ببرند. بنابراین فاصله میان دو قرن پنجم و ششم هجری را باید دوران مجادله سخت دینی در ایران دانست

۱۹- یکی از شواهد اعطای آزادی ادیان در زمان مغول ها این است که عطا ملک جوینی «صاحب دیوان ایلخانان مغول» در ایام سلطان اباقا بن هولاکوخان درصدد برآمد نهری از فرات به نجف حفر کند و

چون سرزمین نجف از مجرای فرات بلندتر بود آب به سرزمین نجف نرسید. آنگاه قناتی از این نهر به سوی نجف حفر کرد و سرانجام از این طریق آب را در سال ۶۷۲ه. ق به نجف رسانید. او رباطی را در نجف بنیاد کرد که در همین سال آنرا پی ریزی نموده بود؛ چنان که در کتاب «فرحه الغری» ابن طاووس طاب ثراه این مطلب یاد شده است؛ با این که اباقا بن هولاکو، بر مذهب جوینی نبوده است

۲۰-ر. ك: الحوادث الجامعه، در حوادث سال های ۶۹۶ و ۶۹۸ه. ق

۲۱-مختصر تاریخ بغداد، ص ۱۴۱

۲۲-حکومت صفوی ها در سال ۹۰۵ه. ق آغاز شد و در سال ۱۱۴۸ه. ق که نادرشاه زمام امور را به دست گرفت به پایان رسید و خطبه به نام شاه عباس سوم را گسست. نادرشاه در آن روزگار صرفاً یک فرمانده و فرمانروا بود و شاهان صفویه چنان که می گویند علوی موسوی بوده اند. بعضی از مورخین برآنند که آبا و اجداد صفوی ها از اقطاب صفویه اهل طریقت بوده و از زمره اهل سنت به شمار می رفتند و نخستین کسی که از این سلسله اظهار تشیع نمود، شاه اسماعیل صفوی است

۲۳-وی در سال ۹۰۵ه. ق به پاخاست، و در اردیبهل به سال ۹۳۰ه. ق از دنیا رفت. در بحث مربوط به صفوی ها، افشاری ها و قاجاری ها به کتاب «آثار الشیعه الامامیه» جزء سوم آن که درباره پادشاهان شیعه است از فاضل و محقق معاصر شیخ عبدالعزیز جواهری استناد جسته و از آن مستفیض هستیم؛ چنانکه در موارد دیگری از کتاب خود از کتاب یاد شده بهره

۲۴- حجه الاسلام سید حسن صدر در کتاب فشرده خود: نزهه اهل الحرمین فی عماره المشهدین آورده که بنای صحن رضوی از آثار زمان شاه عباس دوم است و پدر او شاه صفی به ساختن آن آغاز کرد؛ اما قبل از آن که به اتمام برسد از دنیا رفت و شاه عباس دوم آن را تکمیل نمود.

۲۵- نادرشاه به سال ۱۱۰۰ه. ق زاده شد و در سال ۱۱۴۸ه. ق بر تخت سلطنت جلوس کرد و در جمادی الاولی به سال ۱۱۶۰ه. ق به قتل رسید

۲۶- اولین پادشاه از این سلسله که بر همه سرزمین های ایران استیلا یافت آغامحمد خان بوده است. وی حدود بیست و یک سال سلطنت کرد، و در سال ۱۲۱۱ه. ق به قتل رسید. آخرین پادشاه این سلسله احمد شاه بوده است که در سال ۱۳۴۴ه. ق با دسیسه رضاخان از سلطنت خلع گردید

۲۷- وی فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است. در «ثواب الأعمال» آمده است: مردی از مردم ری بر امام هادی علیه السلام وارد شد. حضرت فرمود: کجا بودی؟ عرض کرد: حسین علیه السلام را زیارت می کردم. فرمود: چون تو قبر عبدالعظیم را که در کنار شما یعنی در ری قرار دارد زیارت کردی، مانند کسی بودی که امام حسین را در کربلا زیارت کرده است

۲۸- امروزه میان مردم به «شاه چراغ!» معروف است؛ وی فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می باشد، پدرش او را دوست می داشت و زمین معروف به «الیسیره» را به او بخشید. گویند: وی هزار برده را آزاد کرد، راجع به فضیلت و نیز توجه و

عنایت امام کاظم علیه السلام نسبت به او مطالبی در کتب رجال جلب نظر می کند

شیعه و سابقه تاریخی آن

نویسنده

تألیف: محمد حسین مظفر

ترجمه: دکتر سید محمد باقر حجتی

معنی لغوی شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم

شیعه از نظر لغت به معنی پیروان و یاران و انصار است، و با همین ساختمان لفظی بر مفرد و تشبیه و جمع و مذکر و مؤنث بدون نیازی به تغییر قالبِ تعبیر آن اطلاق می گردد، و ریشه آن "مُشَايَعَتٌ" به معنی مطاوعه و پیروی کردن است. این واژه اختصاصاً در مورد فرد و یا افرادی به کار می رود که دوستانِ علی و فرزندانِ او علیهم السلام هستند و به امامت آنها اعتقاد دارند تا آنجا که اگر واژه "شیعه" بدون قید و شرطِ اضافی به کار برده شود و قرینه ای در کار نباشد اذهان به چنان افرادی منحصر می شود که قائل به امامتِ امامانِ یاد شده هستند. ابن خلدون در مقدمه "العبر ص ۱۳۸ می نویسد: " شیعه از لحاظ لغوی به معنی یاران و پیروان است، و در اصطلاح فقها و متکلمین اعم از پسینیان و پیشینیان بر پیروان علی و فرزندانِ او (رضی الله عنهم) اطلاق می گردد. سابقه اختصاص عنوان "شیعه" به پیروان ائمه علیهم السلام و روایات مربوط به آن: شاید تصور کنیم عنوان "شیعه" جز پس از گذشت مدتی طولانی از زمانِ ظهورِ اسلام به دوستانِ اهل بیت (علیهم السلام) (اختصاص نیافت بدین معنی آنگاه که دوستانِ اهل بیت) علیهم السلام (رو به فزونی نهادند و در سرزمین های مختلف پراکندند این عنوان بدان ها منسوب گشت تا از سایرین ممتاز و مشخص شوند، لکن این تصور درست نیست؛ زیرا اگر در احادیث نبوی به جستجو پردازیم باز می یابیم که اختصاص این عنوان به دوستانِ اهل بیت) علیهم السلام (همراه با همان روزی که اسلام طلوع

کرد دارای سابقه می باشد، و شاخ و برگِ بارورِ آن مربوط به همان دورانی است که نهالِ آن غرس شد، و نیز به این نتیجه می رسیم که شارع اسلام این نام و عنوان را خود وضع کرده بود. مطالبی که از این پس از نظر می گذرانید درخشش هائی از حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که آنها را رویاروی تو قرار می دهیم تا آنها را به سخن واداری و مآلاً این حقیقت را برای تو گویا گردند. زمخشری در "ربیع الابرار" از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: یا علی اذا كان يوم القيامة اخذت بحجزه الله، وانت اخذت بحجزتي، واخذ ولدك بحجزتك وأخذ شيعه ولدك بحجزهم فنرى اين يؤمرنا؟ (۱) ای علی! وقتی روز قیامت به هم رسد من دامنِ خدا را می گیرم، و تو دامن و بند کمر مرا، و فرزندان تو دامنِ تو را، و شیعه فرزندان تو دامنِ آنها را؛ آنگاه در انتظارِ آن خواهیم بود که دستور دهند ما را به کجا برند. حُجْزَه بِنْدِ لُنْكَ و جامه است، آنگاه به خود لُنْكَ و تن پوشِ پائین تنه، کلمه "حُجْزَه" را از باب مجاورت اطلاق کرده اند، و گرفتن دامن و بندِ کمرِ یکدیگر کنایه از شدتِ نگاهداری یکدیگر و مبالغه در پیروی از همدیگر است. در "الصَّوَاعِقُ الْمُحْرِقَةُ" از ابن حجر آمده است: طبرانی از علی علیه السلام روایت می کند که فرمود: ان خلیلی رسول الله صلی الله علیه و آله قال: یا علی! انک ستقدم علی الله و شیعتک راضین مرضیین، و یقدم علیہ عدوُّک غضاباً مُقمحین، ثمَّ جمع علی یده یُرِیهم الاقماح) (۲) دوست

من رسول خدا) صلی الله علیه و آله) فرمود: ای علی! توبر خدا وارد خواهی شد درحالی که شیعه تو از خدا راضی و خدا نیز از آن ها راضی است، و دشمن تو بر او در می آید در حالی که ناخشنود و خشمناک و سر آن ها به علت تنگی غل در بالا قرار گرفته و یا به دهان آن ها لگام زده اند. آنگاه برای این که این حالت را نشان دهد دستش را در گردنش جمع کرد. جای بسی شگفتی است که ابن حجر پنداشته منظور از شیعه در اینجا عبارت از اهل سنت هستند! من نمی دانم آیا این سخن ابن حجر از آنرو است که شیعه و اهل سنت دو لفظ مترادف به شمار می روند!، و یا گفتار او از وحدت این دو فرقه نشأت گرفته است!، و یا آن که اهل سنت از لحاظ پیروی و دوستی نسبت به اهل بیت در سطح نمودارتری از شیعه قرار دارند!، یا نمی دانم برای چیست؟! ابن حجر همچنین گفته است: حافظ جمال الدین زرندی از ابن عباس آورده است که وقتی آیه زیر نازل شد: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. ابن حجر این حدیث را به دنبال آیه هشتمی که در فضیلت اهل بیت علیهم السلام آورده یاد می کند، و آن آیه عبارت است از: {وَأِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى} (۳): من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و به سوی من بازگردد و ایمان آورده و کارشایسته را پیشه خود ساخته، آنگاه راه را بازیابد. و ابن حجر این آیه را به عنوان یازدهمین آیاتی در کتاب خود آورده که در فضل اهل البیت) علیهم السلام (نازل شده است،

ابن عباس گفت وقتی آیه مذکور نازل گردید رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: هو انت و شیعتک. تأتي أنت و شیعتک يوم القيامة راضين مرضيين، و يأتي عدوك غضاباً مُقْمَحِينَ-منظور این آیه [وخیر البریه = بهترین آفریدگان] تو و شیعه تو است. تو با شیعه خود در روز قیامت به پیشگاه خدا می آید در حالی که از خدا خوشنود هستی و خدا نیز از شما خوشنود می باشد، و دشمن تو بر خدا درمی آید درحالی که خشمگین بوده و لگام بردهان دارند و یا سرشان را به خاطر تنگی غل به بالا گرفته اند} و نیز پس از دهمین آیه از آیاتی که درباره فضیلت اهل بیت ذکر کرده است، یعنی آیه: {وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى}. (۴) پروردگارت آن چنان تو را مشمول عطایای خود خواهد ساخت که خوشنود گردی. ابن حجر می گوید: احمد در "المناقب" آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: آیا دوست نمی داری تو و حسن و حسین با من باشید، و شیعه و پیروان ما مقامی در سوی راست و چپ ما داشته باشند؟ (۵) و همو گفته است: طبرانی چنین آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: "انّ اول أربعة يدخلون الجنة أنا و أنت و الحسن و الحسين، و شیعتنا عن ایماننا و شمائلنا (۶) تحقیقاً اولین [گروه] چهار نفری که وارد بهشت می گردند من و تو و حسن و حسین هستیم، و شیعیان ما از اطراف راست و چپ ما بر آن در می آیند. و از همواست می گفت: طبرانی حدیثی را یاد کرده است که رسول

خدا) صلی الله علیه وآله) به علی) علیه السلام) فرمود: یا علی! قد عُفِرَ لَكَ وَلذَرِيَّتِكَ وَلشِيعَتِكَ وَمُحِبِّي شِيعَتِكَ عَلِي! برای تو و فرزندان و شیعیان تو آمرزش و مرحمت الهی منظور شده است). و همچنین گفته است: دارقطنی حدیثی در کتاب خود آورده که نبی اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: ابا الحسن! أما أنت و شِيعَتِكَ فِي الْجَنَّةِ ابوالحسن! اما تو و شیعه تو در بهشت جای دارید (۷). و نیز دارقطنی از ام سَیَلَمَه حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله را آورده است که به علی علیه السلام فرمود: انت واصحابك في الجنة، وشيعتك في الجنة تو و یاران در بهشت جای دارید، و شیعه تو در بهشت سکنی گزینند. (۸) ابن اثیر جزری در "النهاية في غريب الحديث والأثر" ضمن ماده "قمح" چنین یاد کرده است: در حدیث علی علیه السلام آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه وآله به او فرمود: ستقدم علی الله انت و شِيعَتِكَ راضين مرضيين، و يقدم عليك عدوك غضاباً مقمحين، ثم جمع يده الي عنقه يريهم كيف الاقماح تو و شیعه تو قریباً بر خدا وارد خواهید شد در حالی که خشنود و مورد رضایت خدا هستید، و دشمنان تو [در روز قیامت] در حالی که خشمگین و دست هایشان به گردنشان بسته است بر تو در آیند. آنگاه رسول خدا دست ها را برگردن فراهم آورد تا به آن ها کیفیت به غل کشیدن را نشان دهد). (۹). سیوطی در تفسیرش ضمن تفسیر آیه: * (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) * گفته است: ابن عساکر از جابر بن عبدالله حدیثی در کتاب خود یاد کرده است که

جابر می گفت: ما نزد نبی اکرم صلی الله علیه وآله بودیم، در این اثنا علی علیه السلام وارد شد. نبی اکرم صلی الله علیه وآله با دیدن علی علیه السلام فرمود: والذی نفسی بیده ان هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامه، ونزلت: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... (۱۰)...** { سوگند به آن که جان من در ید قدرت او است این شخص [یعنی علی علیه السلام] و شیعه او در روز قیامت فائز و رستگار و موفق اند، و آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا** } [درباره آنها] نازل شده است. { سیوطی همچنین در این تفسیر گفته است: ابن عدی حدیثی از ابن عباس آورده که وی می گفت: وقتی آیه: *** (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) *** نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: به نام "الدر المنثور فی التفسیر بالمأثورات" انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیین. (۱۱) و همو در همان تفسیر گفته است: ابن مردویه از علی علیه السلام حدیثی آورده که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود: **الم تسمع قول الله: * (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) *** انت و شیعتک، و موعدی و موعدکم الحوض اذا جاءت الأمم للحساب، تدعون غداً غزاً محجلین [ای علی!] آیا این سخن خدا را نشنیدی که فرمود: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** { اینان عبارت از تو و شیعه تو هستند. وعده گاه من و وعده گاه شما کنار حوض [کوثر] است، وقتی که اُمّت ها برای حساب و بازپرسی می آیند شما را در فردای قیامت با عنوان "غزّ محجلین = آبرومندان و روسفیدان" یاد می کنند.

(۱۲) در کتاب "غایه المرام" از "مغازلی" با اسناد به انس ابن مالک آمده است که انس می گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: یدخل من امتی الجنه سبعون الفاً لاحساب (. علیهم، ثم التفت الی علی علیه السلام فقال: هم شیعتک و انت امامهم- از امت من هفتاد هزار نفر وارد بهشت می گردند که حساب و بازپرسی در مورد آن ها به عمل نمی آید، آنگاه رو کرد به علی علیه السلام و فرمود: اینان شیعه تو هستند، و تو امام و رهبر آنها می باشی. در همان کتاب "غایه المرام" از کثیر بن زید آمده است که می گفت: اعمش بر منصور دوانقی در آمد و او برای رسیدگی به شکایات جلوس داشت، وقتی چشمش به اعمش افتاد به او گفت: ای سلیمان! بیا صدر مجلس بنشین. اعمش گفت: من خود، هر جا بنشینم صددم [صدرنشینی به مکان نیست، بلکه به مکین مربوط است، تا کجا بنشینم و باید صدر را در جایگاهی که من نشسته ام جستجو کرد] تا آنجا که ضمن گفتگوش یادآور شد: حدیث کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه وآله و فرمود: اتانی جبرائیل علیه السلام انفاً فقال: تخطموا بالعقیق؛ فانه اول حجر شهد الله بالوحدانیه، ولی بالنبوه، ولعلی بالوصیه، ولولده بالامامه، ولشیعته بالجنه- لحظاتی پیش جبرائیل علیه السلام نزد من آمد و گفت انگشتان خود را با انگشتری عقیق بیارائید؛ زیرا عقیق نخستین سنگی است که برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای علی به وصایت و خلافت، و برای فرزندان او به امامت، و برای شیعیان علی به بهشت گواهی داده است. (۱۳) و نیز در همان کتاب از موفق بن احمد با ذکر

أسناد تا سلمان فارسی آمده: سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده است که آن حضرت فرمود: یا علی! تختم بالیمین تکن من المقربین. قال: یا رسول الله! وما المقربون؟ قال: جبرائیل و میکائیل. قال: فیما اتختم یا رسول الله؟ قال: بالعقیق الاحمر؛ فانه جبل اقر الله بالوحدانیه، ولی بالنبوه، ولک بالوصیه، ولولدک بالامامه، ولمحبیک بالجنه، ولشیعه ولدک بالفردوس (۱۴) ای علی! انگشتی را در انگشت دست راست خود قرار ده که از رهگذر آن از زمره مقربین به شمار روی. عرض کرد: یا رسول الله: مقربین چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرائیل و میکائیل. عرض کرد با چه انگشتی دستم را بیارایم؟ فرمود با انگشتی عقیق سرخ؛ زیرا عقیق کوهی است که برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای تو به وصیت و خلافت، و برای فرزندان تو به امامت و برای دوستداران تو به بهشت، و برای شیعیان تو (۱۵) به فردوس و رودباری در بهشت که در آن از هر گیاهی روید، اقرار کرده است. این احادیث نمی از یم، و اندکی از بسیاری است که در آنها خود رسول اکرم صلی الله علیه وآله دوستان علی و دوستداران اولادش را "شیعه" نامیده است. هدف ما در آگاه ساختن شما بر این روایات چنان نبود که حامل بشارت ها و نویدهایی باشیم که رسول اکرم صلی الله علیه وآله به شیعه علی و شیعه خاندان او ارائه فرموده و این نویدها را به آن ها خاطر نشان ساخته است، اگرچه این بشارت ها در خور حفظ و روایت و نقل است و سزا است شیعه تا روزگار باقی است بدان ها افتخار کند. بلکه

هدف ما آن بود که تو [مطالعه کننده عزیز] نسبت به دوستان و پیروان اهل البیت علیهم السلام پایگاهی از انصاف را گزینش کنی و خویشتن را به هنگام هم آهنگی با شیعه ارزیابی نمایی. بنابراین در یورش بر آن ها به صرف آن که شیعه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند شتاب نگیری؛ زیرا اگر خویشتن را به انصاف و اداری بازمی یابی آنان دارای مفاخر والایی هستند که کتاب و سنت مردم را بدان ها فرا می خوانند، و نیز به این نتیجه می رسی که شتابزدگی و پیش داوری تحقیرآمیز درباره آن ها ستم رانی بر آن ها و برخوردت می باشد.

از رهگذر این احادیث و امثال آن ها خواهی دانست واژه "شیعه" را صاحب شریعت اسلام یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره کسانی به کار برده است که دوستدار و پیرو عترت و خاندان او هستند. پس بنابراین چنانچه این واژه یا اصطلاح بدون قید و شرط به کار رود از همان روزگار و همزمان با حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آن استفاده می شد که منظور از "شیعه" فرد و یا افرادی هستند که دل های آن ها ولای علی و فرزندان او علیهم السلام را پذیرا گشته است. و برای تو روشن خواهد شد که این اسم و عنوان دارای همین مصادیق و مُسَمَّیَات در همان زمان بوده است.

دعوت به تشیع از چه زمانی آغاز شد؟

گراف نیست اگر بگوییم: دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که رهایی بخش بزرگ انسان ها محمد صلی الله علیه و آله در همان روز، بانگ و آوا به کلمه "لا اله الا الله" در دره ها و کوه های مکه برآورد؛ زیرا وقتی آیه: {وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ.} (۱۶) نازل شد و نبی

اکرم صلی الله علیه و آله بنی هاشم را گرد آورد و به آن ها هشدار داد و دل آنان را از عذاب خدا بیمناک ساخت فرمود: ایکم یؤازرنی لیکون اخی و وارثی و وزیر و وصی و خلیفتی فیکم بعدی؟ (۱۷) کدامیک از شما مرا یاری می دهد تا پس از من برادر و وارث و وزیر و وصی و خلیفه و جانشینم در میان شما باشد؟ هیچ یک از حاضران به درخواست آن حضرت جز علی مرتضی علیه السلام پاسخ مثبت نداد. رسول خدا به آن ها فرمود: هذا اخی و وارثی و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما است به امر فاسمعوا له و اطیعوا این [یعنی علی علیه السلام بعد از من برادر و وارث و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما است به امر او گوش فرا دهید و از او فرمان برید. (۱۸) بنابراین دعوت به تشیع و پیروی از ابی الحسن علی علیه السلام از سوی صاحب رسالت، همگام و همزمان با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته است؛ به همین جهت ابوذر غفاری شیعه علی علیه السلام بوده و باید او را چهارمین و یا ششمین فردی به شمار آورد که به اسلام سبقت جست. سخن محمد کردعلی، ما را از تأیید استدلالمان در جهت اثبات هدف و منظور ما بی نیاز ساخته است، چرا که وی می گفت: "گروهی از بزرگان صحابه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به ولایت و دوستی نسبت به علی علیه السلام معروف بوده اند، مانند سلمان فارسی که می گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردیم مبنی بر این که از نصیحت و ارشاد مسلمین دریغ نورزیم و پیرو و دوستدار علی بن ابی طالب علیه السلام باشیم. و

ابوسعید خدری که می گفت: مردم به پنج امر موظف گشتند، اما به چهار امر عمل کردند و یک امر را ترک گفتند. وقتی از او راجع به آن چهار امر سؤال کردند پاسخ داد: نماز، زکات، روزه ماه رمضان، و حج [که مردم بدانها عملاً پای بند بودند]. پرسیدند آن امری را که مردم به آن بی اعتنائی کردند چیست؟ گفت: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام. گفتند: آیا ولایت علی علیه السلام مانند آن چهار امر و در کنار آن ها فرض و واجب است؟ پاسخ داد: آری، همراه آن چهار امر این امر نیز به سان آن ها برخوردار از وجوب و ضرورت است. و ابی ذر غفاری، و عمار بن یاسر، و حذیفه بن الیمان و ذی الشهادتین یعنی خزیمه بن ثابت، و ابویوب انصاری، و خالد بن سعید بن عاص، و قیس بن سعد بن عباده که همگی به ولایت و تشیع نسبت به علی علیه السلام نامور و معروف بوده اند. "آنگاه محمد کرد علی می گوید: "اما نظریه پاره ای از نویسندگان مبنی بر این که پدید آمدن گروهی به عنوان "اهل مذهب تشیع" از بدعت ها و نوآوری های عبدالله بن سبأ، معروف به "ابن السؤداء" می باشد نظریه ای نادرست است و از قلب معرفت این نویسندگان نسبت به حقیقت مکتب "اهل مذهب تشیع" ریشه می گیرد. اگر کسی راجع به این مرد. (۱۹) از دیدگاه شیعه اطلاعی کسب کند و از مراتب تنفر شیعه نسبت به او و گفتار و کردارش آگاه گردد، و سخن دانشمندان شیعه را که بی هیچگونه اختلافی وی را مورد طعن و هدف یورش قرار داده اند مورد مطالعه قرار دهد به این نکته پی می برد که تا چه حد و مقداری نظریه اینگونه نویسندگان به صواب نزدیک است؟

[یعنی متوجه خواهد شد نظریه آنان تهی از واقعیت و فاقد صحت است]. بدون تردید شیعه نخستین بار در حجاز که باید آنرا سرزمین تشیع برشمرد پدید آمد". محمد کردعلی شیعه و یا از مدافعان شیعه نیست؛ لکن امانت و تقوای علمی موجب گشت وی این حقیقت را خالص و بدون شائبه غرض ورزی و بدون این که تحت تأثیر تعصبات مذهبی قرار گیرد، اظهار نماید، تعصباتی که حق را ضایع کرده و چهره حقیقت را دگرگونه ساخته است. محمد کردعلی سپس یادآور می شود که پیدایش شیعه در دمشق به قرن اول هجری می پیوندد". (۲۰) وی با این سخن فشرده و کوتاه و استدلال بر ظهور تشیع همزمان با حیات صاحب رسالت اسلام صلی الله علیه و آله ما را از ادامه استدلال بر این حقیقت بی نیاز می سازد.

انتشار تشیع

بیعت غدیر خم آخرین زمینه ای بود که رسول حکمت صلی الله علیه و آله و اصلاح جامعه برای خلافت و جانشینی علی (علیه السلام) پس از خود آماده ساخت. جریان غدیر خم حادثه ای بود که ناگهان مردم با آن مواجه شدند. برکه و غدیر خم آب هایش نابهنگام فروکش کرد، در آنجا درختان گشن و بزرگ وجود داشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأمور گشت بر روی خارهای زیر این درخت توقف کند، صد هزار نفر و یا بیشتر از مسلمین در آن هنگام در چنین مکانی کنار آن حضرت بودند. غدیر خم بر سر دو راهی قرار داشت و مردم ممکن بود در آنجا بپراکنند. رسول خدا این نقطه را محل مناسبی برای غنیمت شمردن فرصت یافت تا به همه حاضران قبل از آن که پراکنده شوند حقیقت را اعلام و

با آنها بیعت کند، و آنان نیز به نوبه خود این حقیقت را به کسانی که در این محفل عظیم حضور نداشتند خاطر نشان سازند. آنان که غایب بودند و در این جلسه حضور به هم رساندند این حقیقت با توجه به کثرت جمعیت از هر بلادی قطعاً به گوش آنها رسید. آیا در این صورت می توان تصور کرد که فردی از فرزندان اسلام در آن روزها از چنین بیعتی بی خبر مانده باشد؟! در همین مکان بود که قبل از دستور به توقف و تجمع مردم آیه زیر نازل شد: * (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) "ای فرستاده [من] آنچه را که از سوی پروردگارت به تو نازل شد به مردم ابلاغ کن، اگر چنین نکنی [بدان] که رسالت الهی را ابلاغ نمودی). ۲۱ (و چون رساندن سخن به گوش حاضران با چنین شماری عظیم بدون منبر غیرممکن به نظر می رسید دستور داد از محمل و هودج شتران منبری درست کردند. و آیه مذکور همانگونه که برای ما گزارش می کند بیعت گرفتن برای علی از سوی خدا و به دستور او بوده است این نکته را نیز خاطر نشان می سازد که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون بیعت گرفتن برای علی علیه السلام و منهای اعلام امامت او بر مردم ناتمام بود و با اعلام امامت او رسالت آن حضرت کامل گردید. این نکته برای کسی که مطلب را تحت تدبر و بررسی می گیرد کاملاً آشکار است؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله عهده دار وظایف مختلف قانونگذاری و اجرایی و سیاسی

و دینی و اداری و قضا و شمار زیادی از امور دیگر بود، و همه آن‌ها را شخصاً رسیدگی می‌کرد. اما اگر مرگ آن حضرت فرا می‌رسید مردم نمی‌توانستند از مسؤلی برای ادای این وظایف جز قانونگذاری که از ویژگی‌های نبی است بی‌نیاز باشند. و قیام به ادای وظایف در رابطه با شوئن دیگر غیر از قانونگذاری از کسی جز امام معصوم ساخته نبود، امامی که علم و رأی خود را از ملائع‌اعلی استمداد و دریافت می‌کرد. شناسائی چنین امام و اطلاع از کفایت و لیاقت او برای مقام رهبری جز برای کسی که این امام را به ثمر رسانده، یعنی جز برای رسولی که امین بر امت اسلامی می‌باشد غیر ممکن بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و برفراز منبر آمد، و در لحظه‌ای از روز که هوا بسیار گرم بود مردم در این مکان توقف کردند و ناگزیر شدند قسمتی از پیراهن بلند خود را بالای سر و قسمتی دیگر را زیر پا قرار دهند تا از تابش سوزان خورشید دچار آفتاب زدگی نشده و از ریگ داغ زمین صدمه نینند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله به سخنرانی آغاز کرد، و این سخنرانی از ساعات نخستین روز تا هنگام ظهر ادامه یافت، و از مجاهدت‌های خود در راه خدا، و دلسوزی و ارشاد مردم، و انتخاب علی علیه السلام به عنوان امام و راهبر الهی بعد از خود سخن به میان آورد و ضمن خطابه خود فرمود: *الست أولى بالمؤمنین من انفسهم* آیا من از مؤمنین نسبت به خودشان سزاوارتر و برخوردارتر از ولایت نیستم؟ مردم گفتند: خدایا [گواه باش که ما می‌گوییم] آری. *آنگاه فرمود: من کنت مولاه فهذا*

علی مولاہ آن کہ من دارای ولایت نسبت به او ہستم، این علی نیز بہ سان من دارای ولایت نسبت بہ او است۔ بدین طریق برای علی همان مقام و منزلتِ اولویت فراہم آمد کہ برای رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ بہ ہم رسید؛ و آن عبارت از مقام خلافت الہی بود۔ و مردم در همان روز با ہمین علی علیہ السلام بیعت کردند تا آنجا کہ ابوبکر و عمر بہ علی علیہ السلام عرض کردند: ہنئاً لک یا ابن ابی طالب اصیحت مولانا و مولی کل مؤمن و مؤمنہ۔ (۲۲) ابن حجر می گوید: ابوبکر و عمر بہ علی علیہ السلام عرض کردند: "امسیت مولی کل مؤمن و مؤمنہ"^{۱۱۱} این مقام برای تو فرخندہ و گوارا باد ای علی بن ابی طالب۔ تو از این پس مولای ما و مولای ہر مرد و زن با ایمان خواهی بود"^{۱۱۱}۔ ہنوز مردم از ہم نپراکنند کہ آیہ زیر نازل شد: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا۔ (۲۳) ہم امروز آیینِ شما را برایتان کامل کردم، و نعمت و احسانِ خویش را نسبت بہ شما بدون هیچگونہ نقصی محقق ساختم، و اسلام را بہ عنوان آیین و شریعتِ پذیرفتہ و مورد قبول برای شما مقرر و مسجل نمودم"^{۱۱۱}۔ با توجہ بہ این آیہ می توان گفت از رہگذر امامت و ولایتِ علی علیہ السلام بود کہ آیین اسلام و نعمتِ الہی بہ کمال رسید، و اسلام بہ عنوان دینی پسندیدہ و آیینی مورد قبول بہ امت اسلامی اعلام شد۔ اگر کارِ حکومت و ادارہ مردم پس از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در اختیار علی علیہ السلام

قرار می گرفت بعد از چنان بیعت و پس از نزول چنان آیات و ورود چنان روایات که همگی گویای فضیلت آن حضرت بوده اند همه مردم به جای فرقه گرایبی و پریشانی در مکتب و مذهب، آیین تشیع را می پذیرفتند؛ اما چون در جهت رسیدن علی علیه السلام به خلافت موانعی پدید آمد و مردم ناگهان با جریاناتی که قبلاً پیش بینی نمی کردند مواجه شدند دیری نپایید که ابی بکر به عنوان خلیفه اداره امور مسلمین را به دست گرفت، با وجود چنین شرایطی که پدید آمده بود چگونه می توان انتظار داشت مردم بر ولایت و تشیع نسبت به اهل البیت علیهم السلام باقی می ماندند، مردمی که پیرو قدرت و حکومت بودند. آری تنها عده ای از مردم بودند که در آن زمان این جریان ناگهانی و حادثه ناب سامان نتوانست ثابت و پایمردی آنان را بر ولایت و امامت علی علیه السلام متزلزل سازد. لذا تشیع با انزوای علی علیه السلام دچار انزوا گشت، و انتشار آن پس از این حادثه پریشان در سرزمین های پهناور اسلام مانند جنبش مورچه بر روی تخته سنگ بی سر و صدا بود و انتظار را به خود معطوف نمی ساخت. هیچ قبیله و سرزمینی باقی نماند که تشیع نوزادش را در میان آنها نهاده باشد و این نوزاد بتواند در آرامش و آسایش به سربرد.

علی شدن دعوت به تشیع

شیعه خلافت الهی را برای هیچ کسی جز علی و فرزندانش علیهم السلام معتقد نیست؛ به همین جهت دولت ها و حکومت های وقت کمترین مجالی برای رواج و انتشار آن فراهم نمی آوردند، و نمی خواستند این مذهب، نسیم آزاد و هوای پاکیزه ای را استنشاق کند؛ بلکه حکومت های زمان تا می توانستند محیط خفقان آوری برای آن ایجاد می کردند؛

زیرا با ظهور تشیع و نیرومند شدن آن بیم آن می رفت که تشکیلات و سازمان حکومت آنها متزلزل گردد. دنیا عثمان و بنی امیه را از ایجاد موانع در برابر ظهور تشیع به خود سرگرم ساخت و این مکتب به خاطر سرگرم بودن حکومت وقت به دنیاپرستی مجالی برای توجه مردم به سوی خود یافت و توانست خاطره روز غدیر خم و فضایل علی مرتضی و اهل بیت نبوت را در اذهان تجدید کند. و چون عثمان و اقوام و دارو دسته اش در مورد دارایی مملکت در آمد آنرا به خود اختصاص دادند، و پست ها را در اختیار خود گرفتند، و عثمان با بذل و بخشش ضیاع (۲۴) و عقار (۲۵) به اقوام خود و نیز منحصر ساختن خمس و صفایا (۲۶). (و اموال گرانها به آن ها کارهایی را برخلاف راه و رسم سلف خود در پیش گرفته بود که در نتیجه دل های مردم از کینه نسبت به آنان سرشار گشت. عثمان تا می توانست روی خوشی به امثال ابی ذر (رضی الله عنه) نشان نمی داد؛ بلکه با چهره ای متغیر و دگرگونه با ابی ذر و افرادی از قبیل او برخورد می کرد، ابی ذری که علناً ولای علی علیه السلام را به مردم یاد آور می شد، و پیرامون خانه های مردم مدینه به سان طوفان می گشت و با صدای بلند بانگ بر می آورد که: ادبوا اولادکم علی حب علی، فمن ابی فانظروا فی شأن اُمّه. (۲۷) آئین زندگانی را براساس حب و دوستی علی به فرزندان خود تعلیم دهید آن که از این کار خودداری ورزد درباره مادرش مطالعه به عمل آورید [یعنی حق دارید در طهارت مؤلّمه چنین فردی تردید نمایید]. جابر بن عبدالله انصاری نیز همانند

ابی ذر مردم را به ولای علی علیه السلام فرا می خواند. ابی ذر و هم مسلکان او تا می توانستند در مقام انتقاد و اعتراض نسبت به کارهای نادرست برمی آمدند و تبهکاری ها را به باد یورش می گرفتند. همین کار ابی ذر موجب گشت تا عثمان وی را به شام تبعید کند. در شام نیز دست از روش خود برداشت و وعده و وعید نتوانست او را از خط مشی و رسالتش به یکسو نهد. فریادهای اعتراض او در شام به بازدهی مطلوب بارور شد؛ معاویه ترسید مردم شام علیه او شورش برپا کنند و اگر ابوذر به آواهای اعتراض آمیز خود ادامه دهد و مردم را زیر چتر ولای علی و خاندانش علیهم السلام قرار دهد آرزوها و خواب های خوش او را این آزادی عمل ابوذر از میان می برد و پریشان حالش می سازد؛ لذا دستور داد ابی ذر را به مدینه بازگردانند و خشن ترین مرکب را برای بازگشت او به مدینه در نظر گرفتند، و آن را به سرعت می راندند تا آنجا که گوشت کچاله ران هایش از هم دریده شد. [اما مگر ابی ذر در مدینه آرام گشت؟! بلکه زبان خلنده او که تبهکاران را می آزد گویاتر شد] و چون عثمان دید برای سکوت ابی ذر راه چاره ای وجود ندارد و تبعید، یا تطمیع به مال، و یا سرزنش و سرکوفت نمی تواند مانع از ادای وظیفه و انتقادهای او گردد او را به "ربذه" یعنی همان جایی که قبل از اسلام در آن به سر می برد تبعید کرد، و سرانجام در آنجا به علت گرسنگی از دنیا رفت. (۲۸) الله اکبر، سخن حق را ببینید که با انسان چه می کند، و چه مصیبت ها و سختی ها

است که به خاطر ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عاید انسان می گردد. شگفت نیست که ابی ذر دچار چنین سرنوشتی شود، زیرا آن که. تصمیم دارد در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری هراس به خود راه ندهد، و هیچ سرکوفتی او را تحت تأثیر خود نگیرد خویشتن را برای تحمل ناخوشی ها و شکنجه ها و صدمه ها آماده ساخته و با آغوش باز از اینگونه ناراحتی ها استقبال می کند. اما حقاً چنین پایمردی را باید در کنار مصائبی دیگر ناچیز دانست: رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از ابی ذر مصائبی سخت تر و دردناک تر را به خود دید. و امام حسین علیه السلام پس از ابوذر از مصائبی استقبال کرد که به مراتب سوزناک تر و فجیع تر از مصائب ابی ذر بوده است. و بدین سان هر که خواهان و مصمم بر احقاق حق و ابطال باطل است خود را برای اینگونه فداکاری ها آماده می کند. نام این قهرمانان را جز اینگونه فداکاری ها و جانفشانی های پرارزش جاویدان نساخت، اینان بهترین الگوها و افراد نمونه ای به شمار می روند، به ویژه در چنان دورانی که عوامل سقوط و گمراهی بر سر مردم سایه افکنده بود؛ اما باید دید چه کسانی دست اندکار شدند و با پایمردی و استقامت به هیچ وجه تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نگرفتند. نتیجه آن که علنی شدن دعوت تشیع از زمان عثمان درخشیدن آغاز کرد و عثمان نتوانست با حربه تبعید ابوذر، و مجازات عمار و درهم شکستن استخوان های پهلوی این دعوت را در محاق آن خفه کند و به آن خاتمه داد.

فلسفه نماز

اشاره

نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه

ناخواه انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می کند، لذا در حدیثی می خوانیم که پیامبر اکرم از یکی از یاران خود سوال کرد: اگر بر در خانه یکی از شما نهی از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو بدهید، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن شما می ماند؟ در پاسخ عرض کرد: نه! فرمود نماز درست همانند این آب جاری است، هر روز که انسان نمازی می خواند گناهی در بین دو نماز او انجام شده است از بین می رود. ۳- نماز سدی در برابر گناهان آینده است چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می کند و نهال تقوی را در دل پرورش می دهد، و می دانیم ایمان و تقوی نیرومندترین سد در برابر گناه است و این همان چیزی است که در آیه فوق به عنوان نهی از فحشا و منکر بیان شده است. در احادیث مختلف می خوانیم که افراد گناهکاری بودند که شرح حال آنها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند، پیشوایان فرمودند: غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می کند و کرد. ۴- نماز غفلت زد است؛ بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف از آفرینش خود را فراموش می کنند و غرق در زندگی مادی و لذایذ زودگذر می گردند اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف و در هر شبانه روز پنج مرتبه انجام می شود، مرتبا انسان را اخطار می دهد و هدف آفرینش او را به او گوشزد می کند و این نعمت بزرگی است که خدا در اختیار انسان قرار

داده است. ۵- نماز خودبینی و کبر را می شکند چرا که انسان هفده رکعت در هر شبانه روز و در هر رکعت دوبار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد، خود را ذره ای در برابر عظمت او می بیند. پرده های غرور و خودخواهی را کنار می گذارد به همین دلیل امام علی بعد از ایمان نخستین عبادت را که نماز است با همین هدف تبیین می کند و می فرماید: خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان از شک و واجب کرده و نماز را برای پاکسازی از کبر. ۶- نماز وسیله پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد، به ملکوت آسمانها دعوت می کند و با فرشتگان هم صدا و هم آواز می سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می بیند و با او به گفتگو می نشیند، تکرار این عمل در شبانه روز آن هم با تکیه روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او مخصوصا با کمک گرفتن از سوره های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت کننده به سوی نیکی ها و پاکی ها است اثر قابل ملاحظه ای در پرورش فضایل اخلاقی در وجود انسان دارد. لذا در حدیثی از امام علی علیه السلام می خوانیم که در فلسفه نماز فرمودند: نماز وسیله ای برای تقرب هر پرهیزگاری به خدا است. ۷- نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می دهد چرا که نماز روح اخلاص را زنده می کند؛ زیرا نماز مجموعه ای است از

نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموع در شبانه روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می پاشد و روح اخلاص را تقویت می کند لذا در حدیثی معروف می خوانیم که امیرمومنان علی علیه السلام در وصایای خود بعد از آنکه فرق مبارکش با شمشیر ابن ملجم جنایتکار شکافته شد فرمودند: خدا را، خدا را، دربارہ نماز، چرا که ستون دین شماست.

می دانیم هنگامی که عمود خیمه در هم بشکند یا سقوط بکند هر قدر طناب ها و میخ های اطراف محکم باشد اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بنندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر خود را از دست می دهد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: نخستین چیزی که در قیامت از بنندگان حساب می شود نماز است اگر مقبول افتد سایر اعمالشان قبول می شود و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می شود. شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط خلق با خالق است اگر بطور صحیح انجام گردد قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است در او زنده می شود و گرنه بقیه اعمال او مشوب و آلوده می گردد و از درجه اعتبار ساقط می گردد. ۸- نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط صحت، دعوت به پاک سازی زندگی می کند، چرا که می دانیم مکان نماز گزار، لباس نماز گزار، فرشی که بر روی آن نماز می خواند، آبی که با آن وضو می گیرد و غسل می کند، محلی که در آنجا وضو و غسل می کند

باید از هرگونه غضب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غضب، کم فروشی، رشوه خواری و کسب مال حرام باشد چگونه می تواند مقدمات نماز را فراهم کند. بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی به سوی رعایت حقوق دیگران. ۹- نماز علاوه بر شرایط صحت، شرایط قبول و شرایط کمال دارد که رعایت آن ها نیز یک عامل موثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است، در کتب فقهی و منابع حدیثی امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مساله شرب خمر است که در روایات آمده است: نماز شراب خوار تا چهل روز مقبول نمی افتد مگر اینکه توبه کند. و در روایات متعددی می خوانیم از جمله کسانی که نماز آنها قبول نخواهد شد پیشوای ستمگران است. در بعضی از روایات تصریح شده که نماز کسی که زکات نمی دهد قبول نخواهد شد. و همچنین روایات دیگری می گوید: خوردن غذا حرام یا عجب و خود بینی از موانع قبول نماز است. پیداست که فراهم آوردن این شرایط قبولی تا چه حد سازنده است. ۱۰- نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند، چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تاخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است و همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و رکوع و سجود و قعود و مانند اینها که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می سازد. ۱۱- حرکت انسان بسوی کارهای خیر و حرکت بسوی خیر

مطلق در اذان و اقامه چهار مرتبه گفته می شود: بشتاب برای نماز که بهترین کارهاست.

جامعه ای بسوی معنویات می گراید که در آنها کارهای خیر و عام المنفعه مورد توجه باشد، زیرا انجام آنها نیز محبوب خداوند است و انسان را به خداوند نزدیک می سازد. پیامبر اکرم می فرمایند: محبوب ترین بندگان نزد خداوند عزوجل کسی است که نفعش به بندگان خدا بیشتر برسد و حقوق خداوند را بیشتر رعایت کند و کارهای خیر و انجام آنها را در دیدگاه مردم محبوب سازد. ۱۲- خیرخواهی نسبت به دیگران و دعا برای آنها در نماز برای همه انسانها طلب هدایت کرده و راه راست را از خداوند می خواهد. ۱۳- ارتباط قلبی انسان با پیامبر صلی الله علیه و اله و مخلصان و صالحان در کل جهان در سلام های نماز اعلام همبستگی خویش را با پیامبر اکرم و مخلصان و صالحان جهان می نمایم. ۱۴- تولی و تبری در نماز با گفتن ((ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم)) و همچنین سلام ها و... ولایت و دوستی حضرت حق و انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین را هدف قرار داده و بدان سوی حرکت می نمایم و با گفتن ((غیر المغضوب علیهم و لا الضالین)) از راه و روش مغضوبین و رانده شده ها و گمراهان بیزاری و تبری می جویم. ۱۵- آرامش قلبی و قدرت روحی قرآن یاد خدا را تنها عامل آرام بخش دلها معرفی کرده است. تاثیر توجه به خداوند در ایجاد آرامش قلبی از این جهت است که: اولاً خداوند هدف نهایی فطرت انسان است و

انسان خود به خود در طلب این این مطلوب نهایی در تب و تاب است و تا به آن نرسد آرام و قرار نمی گیرد و راضی نمی شود. ثانیاً، کسی که توجه به خداوند ندارد، طبعاً توجه او به دنیا و برخورداری های مادی و ظاهری است، چنین فرد هر قدر در جهت کسب نعمتهای دنیایی تلاش کند و به بهره های فراوانی دست بیابد هرگز راضی نمی شود و در حسرت چیزهای است که ندارد، از طرف دیگر از این که نعمتهای موجودش دستخوش آفات شده و زایل شوند نیز همواره در بیم و هراس است لذا هرگز روی راحتی و آسایش را نمی بیند و دلش آرام و قرار ندارد و در مواجهه با مصائب و مشکلات نیز به سرعت دستخوش اندوه و تالمات روحی می شود. ۱۶- نورانیت دل و عقل در تعالیم اسلامی از یاد خداوند به عنوان نور دلها و جلا قلوب و حیات دلها تعبیر شده است. ۱۷- توجه انسان به روز قیامت و این که آن دنیا نتیجه اعمال این دنیا است. در نماز با گفتن (مالک یوم الدین) انسان به یاد قیامت و عظمت آن روز می افتد. با این که خداوند مالک این جهان و آن جهان است (مالک یوم الدین) گفته شده است. زیرا در جهان مالکیت خداوند متعال ظهور کامل دارد که کسی حق کار و حتی سخن گفتن ندارد مگر اینکه به اذن او باشد. همه اینها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مساله جماعت وجود دارد و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیافزاییم که روح نماز همان جماعت است و برکات

نمازهای مردود

ممکن است عملی صحیح باشد ولی مورد قبول قرار نگیرد، مثل جنس بی مشتری. در احادیث نماز برخی از افراد را فاقد ارزش و مردود به حساب آورده اند که به چند نمونه اشاره می شود. ۱- بی تفاوت ها: امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز کسانی که نسبت به برهنگان و آوارگان جامعه بی تفاوتند، قبول نیست. ۲- حرام خواران: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: نماز حرام خواران، مثل بنای ساختمان بر ریگ است. ۳- بی تعهدان در خانه: رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمایند: نماز زنی که از درآمد شوهر بهره مند می شود ولی به مسئولیت الهی خود عمل نمی کند، پذیرفته نیست. ۴- تارکان زکات: در قرآن در اکثر موارد پرداخت زکات را در کنار برپاداشتن نماز آورده و در احادیث بسیاری آمده که نماز آنانکه زکات مال خویش را نمی دهند پذیرفته نمی شود. ۵- افراد لایابالی: نماز کسی که اهل تقوا نیست یا رکوع و سجودش را در نماز بطور مطلوب انجام نمی دهد، پذیرفته نیست.

۶- حاقن و حاقب: یعنی کسی که بول و غایط خود را نگاه می دارد و بدینوسیله به خود فشار آورده و دچار ضررهای جسمی می شود. ۷- پیشنماز غیر محجوب: گاهی در مسجدی مردم از یک پیشنماز خوششان نمی آید ولی او هم حاضر نیست این مکان را ترک کند، چنین موردی موجب خلوت شدن مسجد می شود. در روایات نماز چنین کسانی مردود شمرده شده است.

نمازهای معصومین

در اینجا به نمونه ای از نماز اولیا دین اشاره می کنیم صدای اذان برای رسول خدا صلی الله علیه و اله چنان جاذبه داشت

و نشاط می آورد، که هنگام اذان به بلال می فرمود: ای بلال ما را از غم و تلخی و اندوه رهایی بخش. و آن حضرت فرمودند که کسی صدای اذان بشنود و بی تفاوت باشد جفا کرده است. هنگام نماز رنگ چهره علی علیه السلام می پرید و می لرزید و می فرمودند: وقت نماز رسیده، وقت امانتی که خدا بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کرد، اما آنها از قبول آن دوری کرده و ترسیدند.

به قول حافظ: آسمان بار امانت نتوان کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند.

امام سجاد علیه السلام همین که در نماز، به جمله مالک یوم الدین می رسید، آنقدر تکرار می کرد، تا بیننده خیال می کرد او در آستانه جان دادن است و نیز در سجده غرق در عرق می شد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: پدرم امام سجاد علیه السلام، در شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند. رسول خدا هر وقت که زمان نماز فرا می رسید، گویا که کسی را نمی شناخت و حال معنوی خاصی پیدا می کرد و می فرمود: گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب سیر می شود ولی من از نماز سیر می شوم. علی علیه السلام در جنگ صفین مراقب خورشید بود و گاهی به آسمان نگاه می کرد. ابن عباس علت آنرا از ایشان پرسید فرمودند: برای اینکه نماز اول وقت از دستم نرود. گفت حالا، فرمودند: آری

آداب نماز

رعایت نکاتی که به آداب نماز مربوط می شود (هیچون مسواک، نظافت و توجه به خداوند و...) در کمال این عبادت موثر است. امام

باقر علیه السلام فرمودند: در نماز، توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز، آن مقدار قبول می شود که با توجه خوانده شود. سپس حضرت می فرماید در هنگام نماز با سر، دست و صورت خود بازی نکن، زیرا همه این کارها، سبب نقص نماز تو می شود و در حالت کسالت و سنگینی مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی، از آن منافقان است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: گاهی پنجاه سال بر انسان می گذرد ولی خداوند، حتی یک نماز او را نپذیرفته است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله نقل شده است: دو رکعت نماز کسی که مسواک کند، از هفتاد رکعت بدون مسواک بهتر است.

نماز و همراه هایش

در موارد متعددی از آیات قرآن که نماز مطرح شده است، در کنار آن فرمان دیگری نیز آمده است مانند زکات، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر، قرض دادن به خداوند، که بصورت وام به محرومان است. این جامعیت احکام عبادی را می رساند که در کنار ارتباط با پروردگار، مسائل اقتصادی و اجتماعی و رسیدگی به نیازمندان و انجام امر به معروف و نهی از منکر هم مطرح است. می توان به این آیات، در زمینه های فوق مراجعه کرد: بقره ۸۳، انفال ۳، توبه ۷۱، لقمان ۱۷ و مزمل ۲۰ و بسیاری از آیات دیگر.

نماز پرواز روح

در احادیث از نماز به عنوان معراج مومن یاد شده است، لیکن این عروج و پرواز نه در فضای آسمان بلکه در فضای معنویت و بندگی است و برای رسیدن به قرب پروردگار است. به نکته هایی که نماز گزار به آن بر می خورد توجه کنید: ۱- در عبادت و نماز، بیشترین سختی و فشار، غلبه بر هوای نفس و شروع عبادت است. ۲- شروع عبادت وقتی با ارزش است که پایان آن سالم و بدون آفت باشد. ۳- معراج روحی نماز گزار محتاج توجه خالص و نفی همه عبودیت هاست (لا لیلیک). ۴- در نماز و بار یافتن به محضر خداوند، قلب سلیم لازم است. ۵- در نماز همراه ارتباط با خدا ارتباط با مردم نیز لازم می باشد. در کنار حق الله، حق الناس را هم باید ادا کرد. ۶- مقدمات نماز، اذان، اقامه و ذکرهای مستحب نیز مقدمه پرواز ملکوتی است. ۷- در عبادت، شرک و ریا انسان را به دره سقوط می افکند. ۸- نماز و عبادت طبق دستور است. ۹- انسان در کنار نیایش

و عبادت، گاهی هم استراحت و لذت‌های مباح دارد. ۱۰- انسان الهی هرچه با عظمت خدا آشنا می‌شود غیر خدا در نظرش کوچکتر می‌شود انگار که در اوج ملکوت می‌باشد.

۱۱- عبادت اولیا الله نیز گرچه نسبت به نماز و بندگی افراد معمولی، همواره در اوج است به قول سعدی: طیران مرغ دیدی؟ تو زیای بند شهوت بدر آی تا ببینی طیران آدمیت

گفتار در فلسفه نماز را با حدیثی از امام رضا علیه السلام پایان می‌دهیم. امام در پاسخ نامه ای که درباره فلسفه نماز پرسیده شده است چنین فرمود: علت تشریح نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت خداوند است و مبارزه با شرک و بت پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت تواضع و فروتنی و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین همه روز برای تعظیم پروردگار و نیز هدف این است که انسان همیشه هوشیار و متذکر باشد، گرد و غبار فراموش کاری بر دل او نشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد، طالب و علاقه مند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد. علاوه بر این که مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد، سبب می‌شود که انسان مولا، مدبر و خالق خود را فراموش نکند، روح سرکشی و طغیان‌گری بر او غلبه نکند و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او انسان را از معاصی باز می‌دارد.

فلسفه عبادات

اشاره

احکام و برنامه های عبادی اسلام، همه حکمت و فلسفه دارد. اولاً بدلیل صدها آیه و حدیث، که مردم را

به تعقل و و تفکر فرا می خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام، به اندیشیدن دعوت نکرده است. ثانیاً یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کورکورانه و بی دلیل از نیاکان است. ثالثاً خود قرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، بدلیل آن هم اشاره کرده است. امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمتها پرداخته و دانشمندان اسلامی، گاهی به تالیف کتابهایی پیرامون این موضوع اقدام کرده اند. بعلاوه با پیشرفت دانش بشری، روز بروز پرده از اسرار احکام الهی و دستورهای دینی برداشته می شود و هرچه از عمر اسلام می گذرد بر عظمت و جلوه آن افزوده می شود. با توجه به نکات فوق، یادآور می شود که: ۱- لازم نیست دلیل همه احکام را همه مردم در همه زمانها بدانند. ۲- در فلسفه احکام، تنها نباید نظر به فواید و آثار مادی آنها داشت و تنها به بعد اقتصادی و بهداشتی و... توجه کرد و از آثار روحی، معنوی و آخرتی آن غافل بود. ۳- کسی که خدا را حکیم و دستورهايش را بر اساس حکمت می داند، نباید بخاطر اینکه امروز دلیل حکمی را نمی داند از انجام آن تخلف کند. ۴- در هر جا از قرآن و حدیث، دلیل محکمی بر فلسفه حکمی نداریم، بهتر است ساکت باشیم و با یک سری توجیهات و حدسیات، دلیل تراشی نکنیم. ۵- اگر از بعضی از اسرار جهان هستی آگاه شدیم، مغرور نشویم و توقع نداشته باشیم که دلیل همه چیز را بدانیم. ۶- از مدار عادی خارج نشویم و به دامن وسوسه ها نیافتیم، در مسائل دینی هم که به قانون

خدا گردن می نهند، باید بپذیرند و و عمل کنند. چرا که خداوند، هم مهربان تر است و هم دانا و حکیم تر، هم آینده را می داند و هم آثار ظاهر و باطنی. ۷- اگر گوشه ای از اسرار حکم خدا را شناختیم، نباید گمان کنیم که بر همه اسرار واقف گشتیم. آنکه فلسفه حکمی را بفهمد، نمی تواند خیال کند آنچه فهمیده، تمام است و دیگر چیزی جز آن نیست. مگر با عقل و فکر محدود انسانی، می توان به عمق احکامی که از علم بی انتهای خدا سرچشمه گرفته، پی برد؟

۸- همان عقلی که ما را به فهمیدن فلسفه احکام دعوت می کند، همان می گوید: اگر جایی ندانستی، از آگاهان بپرس، این همان تعبد در برابر اولیای دین است. اما قرآن: درباره نماز می گوید: نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد. در جای دیگر می گوید: نماز را برای یاد و توجه به من بیا دارید. در جای دیگر می گوید: با یاد خدا دلها آرام می گیرد. درباره روزه می گوید: روزه بر شما واجب شد، تا آنکه اهل تقوا شوید. چون بیشتر گناهان از فوران غریزه غضب و شهوت است. درباره حج می گوید: به زیارت حج بروند، تا منافی فراوان بدست آورند. درباره زکات می فرماید: از مردم و اموالشان زکات بگیر، تا آنان را (از روح بخل و دنیا پرستی) پاک کنی. درباره قمار و شراب می گوید: شیطان توسط آنها میان شما دشمنی و کینه برقرار می کند و شما را از یاد خدا دور می سازد. و قصاص را مایه حیات اجتماع

می داند چرا که در جامعه، اگر جنایتکار به کیفر نرسد آن جامعه مرده و جنایت پرور می شود و ایمنی از بین می رود. اینها نمونه ای از آیات الهی قرآن بود که به آثار و حکمتهای الهی احکام الهی اشاره داشته است. اما حدیث: از میان انبوه احادیث این موضوع، تنها به چند جمله از یکی از سخنان امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه اشاره می کنیم:

خداوند، ایمان را برای پاکسازی از شرک، واجب ساخت و نماز را برای پاک ساختن از تکبر و زکات را بعنوان سبب سازی برای رزق و روزی و...

اما فطرت

فطرت انسان نیز به فلسفه برخی از احکام واقف و معترف است. هر انسان در هر شرایطی و زمانی، بدی و حرام بودن دروغ، خیانت، تهمت، آدم کشی، دزدی، ستم، کم فروشی و... را قبول دارد. و خوبی، عدالت، پاکی، خدمت به دیگران و... را خوب و بجا می داند. اینها از فطریات انسانها و فطرت، برخی از از بدی ها و خوبی ها را درک می کند و این، الهام الهی است که فرموده: (فألهمها فجورها و تقواها).

اما علم

نباید غافل بود که پیشرفت علوم در رشته های مختلف، خدماتی به تبیین فلسفه احکام کرده و پرده های بسیاری را کنار زده است. مثلا وجود کرم کدو و تریشین در گوشت خوک یا زیانهای مواد الکلی برای کبد و بدن انسان بر کسی پوشیده نیست. این گوشه ای از فلسفه تحریم گوشت خوک یا شراب را نشان می دهد. اسلام ادرار در حال ایستادن را نهی کرده و علم نشان داده که ایستادن بول کردن باعث می شود تمام بول به راحتی خارج نشود. یا آنچه درباره غسل است، برای زدودن آثار فعالیت اعصاب سمپاتیک و فشارخون در حال جنابت می باشد و نیز توجه به خدا برای زدودن حال غفلت از خداوند است. اگر اسلام از خلال کردن با چوب درخت انار نهی کرده است، برای آن است که لته ها در مقابل آن حساسیت خاصی دارد. به همین صورت، دستورهای اسلام در مورد واجبات و محرمات و حتی مستحبات و مکروهات، در زمینه های رفتاری و خوراکی، پوشاکی، وسائل و مسائل زندگی، همه و همه حکمتهای بلند و دقیقی دارد که درباره آنها کتابهای زیادی

هم توسط دانشمندان بزرگ نوشته شده است. تسلیم بزرگترین فلسفه: بدون شک، دستورهای خدا و احکام شرح دارای فلسفه و دلیل است ولی لازم نیست در تمام احکام و فرمانهای الهی، در پی یافتن دلیل اقتصادی، بهداشتی و علمی آن باشیم. مسلمان باید در برابر پیام وحی، تسلیم باشد و این روحیه تسلیم و پذیرش، کمال آدمی است و برخی از دستورات برای آزمودن روح تسلیم و بندگی است. فرمان خداوند به ابراهیم، برای قربانی کردن فرزندش اسماعیل نمونه ای از آن می باشد. در دستورهای عبادی و احکام الهی هم، گاهی هدف، تسلیم و پذیرش دستور و تمرین برای جلب رضایت معبود و اطاعت محض از آفریدگار می باشد. هدف عبادت، پرورش روح انسان است، آنگونه که حرکات ورزشی برای تربیت جسم می باشد. امام سجاد علیه السلام و امام علی علیه السلام می گویند: خدایا افتخارم همین بس که بنده تو هستم. در مناجات شعبانیه می خوانیم: خدایا اگر مرا در دوزخ، به دوزخیان اعلام خواهی کرد که من تو را دوست دارم!... ((علی علیه السلام اعلام می دارد که خدایا، عبادت من نه از روی طمع به بهشت یا ترس از دوزخ است، بلکه تو را شایسته عبادت یافته ام و می پرستم.)) اولیا خدا از عبادات او لذت می برند و گناهکاران از شیرینی عبادت عبادت و یاد خدا محروم اند. گاهی کسی علاقه به خدمتگزاری به شخصی را دارد. بدون آنکه چشمداشت مالی و هدف اقتصادی داشته باشد. خود خدمت به آن شخصیت والا برایش هدف و ارزشمند است و نه حتی کسب دانش یا کسب وجهه و رسیدن

بها نه یا تحقیق

با توجه به آنچه گذشت، معلوم می شود که کسانی هستند که روحیه تعبد و تسلیم ندارند و در پی بهانه اند تا شانه از بار تکلیف و دینداری خالی کنند. از این رو مساله تحقیق را عنوان می کنند و برای هر دستور دینی دنبال فلسفه و دلیل می گردند و خیلی هم خود را روشنفکر جا می زنند. قرآن کریم نسبت به برخی از اینگونه افراد درباره اعتقاد به قیامت می فرماید: (گروهی می خواهند راه گناه را در پیش بگیرند، می پرسند: روز قیامت کی است؟) آنان مثل کودکان بهانه گیری هستند که هر لحظه بهانه می گیرند و آن که انجام شد، بهانه ای دیگر می گیرند. قرآن درباره چنین کسان می گوید: (اگر نشانه ای از قدرت خدا و معجزات انبیا مشاهده کنند، اعراض کرده، می گویند: این همان سحر و جادوی معمولی و همیشگی است.) منابع: فلسفه اسرار حکم، نویسنده محمد وحیدی پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی

پاورقی

۱- مناقب اهل بیت:، ص ۱۷۶، به نقل از ربیع الأبرار

۲- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۴۹

۳- طه: ۸۲

۴- الضحی: ۵. اما ترضی انک معی فی الجنه والحسن والحسین وشیعتنا عن ایمانا و عن شمائلنا

۵- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۷ - ۴۶۸

۶- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۶

۷- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۸

۸- الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۶۸

۹- النهایه ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۰۶

۱۰- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹

۱۱- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹، ترجمه این حدیث در صفحه ۱۱ همین کتاب گذشت

۱۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹

۱۳-غایه المرام، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۴

۱۴-غایه المرام، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۶

۱۵-غایه المرام، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۴

۱۶-شعراء: ۲۱۴

۱۷-بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۸ به نقل از علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۰، باب ۱۳۳

۱۸-بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۸ به نقل از علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۰، باب ۱۳۳

۱۹-این شخصیت

را گروه زیادی از محققان ساختگی و افسانه ای می دانند که اصلاً وجود خارجی نداشت. جامع ترین تحقیق در این زمینه کتاب "عبدالله بن سبا" اثر علامه مرتضی عسکری است که اساساً او و حدود صد و پنجاه صحابی دیگر که نام آنها در تواریخ آمده است مجعول و ساخته افسانه سرایان است (بنگرید به "مائه و خمسون صحابی مختلق" از همین دانشمند)

۲۰-خطط الشام، ۵ / ۲۵۱ و ۲۵۶.

۲۱-مائده: ۶۸. نزول آیه مذکور را در روز غدیر گروهی از علماء روایت کرده اند، بنگرید به: الدر المنثور: سیوطی، اسباب النزول: واحدی، تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن: ثعلبی، الحلیه: ابونعیم، التفسیر الکبیر: فخرالدین رازی و امثال آن ها

۲۲-نویسندگان کتب فضائل و حدیث و تاریخ، تهنیت عمر به امیرالمؤمنین علی علیه السلام را یاد کرده و تهنیت ابی بکر را بر آن افزوده اند، بنگرید به: التفسیر الکبیر: فخرالدین رازی ضمن تفسیر آیه {یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...} { و مُسْنَدُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ } که آن را از بُراء بن عازب روایت می کند، و تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن: ثعلبی، والصواعق: ابن حجر در اوائل آن ضمن شبهه یازدهم

۲۳-مائده: ۳. بنگرید به: الدر المنثور، و تاریخ خطیب بغدادی، و ابن عساکر، و نوشته های طبری، و ابن عقده از طُرُقِ حدیثِ غدیر، و ثعلبی، و ابن المغازلی، و حافظ جزری شافعی و دیگران

۲۴-آب و زمین حاصلخیز

۲۵-اموال با ارزش

۲۶-شتر پر شیر، درخت خرما ی پر بار

۲۷-من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۴

۲۸-همه مورخان ترجمه احوال ابی ذر و مصائبی که در راه خدا و احقاق حق به خود دید یاد کرده اند، اگر می خواهید به بخشی از این جریان آگاه شوید به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۷۶

فلسفه سجده بر خاک چیست؟

سوال

فلسفه سجده بر خاک چیست؟ و چرا شیعه بر مهر و تربت کربلا سجده می کند؟

پاسخ

یکی از مسائل جنجال برانگیز علیه شیعه - از روی جهل یا دشمنی - که از طرف مخالفان مطرح می شود و از این طریق شیعه را مورد حمله قرار می دهند، مسئله سجده بر خاک است. در حالی که اگر این مسئله از روی حق و انصاف و به دور از هرگونه تعصب بررسی شود، نتیجه آن درست برعکس آن چیزی است که به شیعه نسبت می دهند؛ زیرا که شیعه بر خاک سجده می کند، نه برای خاک؛ چرا که سجده بر دو قسم است؛ یکی سجده برای چیزی و دیگری سجده بر چیزی. بدون تردید اولی حالتی از حالات شرک است و شیعه این نوع از سجده را حرام می داند؛ برای این که سجود این چنینی برای غیر خدا است و اثباتش نیاز به براهین و تلاش زیاد ندارد، و شما را به فتاوای علمای شیعه در این مسئله ارجاع می دهیم برای روشن شدن مسئله و حقیقت موضوع، به تحلیل و بررسی آن در ضمن مباحث آینده می پردازیم.

تعریف سجود

سجود در لغت به معنای فروتنی، افتادگی و... آمده است. در شرع مقدس به معنای نهادن مقداری از پیشانی بر زمین یا غیر آن در حالی که چیزی بین پیشانی و چیزی که بر آن سجده می شود، حایل و فاصله نباشد. دلیل آن روایتی است که می گوید: "هنگامی که سجده می کنی پیشانی ات را بر زمین بگذار و سریع به زمین نزن؛ (مانند نوک زدن کلاغ بر زمین)". [۱] همچنین در این باره روایت است: "نزد پیامبر صلی الله علیه و اله از حرارت و گرمی

زمین مکه و مدینه در پیشانی و دست هایمان شکایت کردیم و رسول خدا صلی الله علیه و اله به شکایت ما جواب مثبت نداد". [۲] سجده به اجماع تمام علما و فقها واجب است؛ چرا که خدای متعال می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید: رکوع کنید و سجده به جا آورید...". [۳] فقهی بودن مسئله بدیهی است که این موضوع (سجود) از مسائل فقهی است، نه از مسائل کلامی؛ زیرا که سجده به فعل مکلف تعلق و ارتباط دارد. اختلاف در مسائل فقهی (نزد شیعه و اهل سنت) فراوان است و بهترین دلیل آن، این است که مشاهده می کنیم، مذهب اهل سنت خود به چهار مذهب اصلی تقسیم می شود که این چهار مذهب در بسیاری از مسائل فرعی فقهی با هم اختلاف دارند.

گزیده راهنمای حقیقت

مشخصات کتاب

سرشناسه: سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸-

عنوان قراردادی: راهنمای حقیقت: پرسش و پاسخ پیرامون عقاید شیعه. برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور: گزیده راهنمای حقیقت/ جعفر سبحانی.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۷۱ ص.

شابک: ۱۳۰۰۰ ریال ۵-۲۹-۵۴۰-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: شیعه -- عقاید -- پرسشها و پاسخها.

رده بندی کنگره: BP۲۱۱/۵ /س ۱۸ر ۲۰۱۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۷۴۰۶

مقدمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال، رسالت خود را به خوبی انجام داد و با هدایت مرحله به مرحله، اسلام را تبیین

و به مردم معرفی نمود و در هیجدهم ذیحجه سال دهم هجرت نیز، در غدیر خم با معرفی علی ابن ابی طالب علیه السلام به عنوان امام و پیشوای امت اسلامی، رسالت خویش را به پایان برد و چشم از جهان فرو بست. پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از وفات خویش دو گوهر گرانبها؛ یعنی قرآن و عترت را در میان مردم به ودیعت نهاد و از آنان خواست با تبعیت و پیروی از آنها به هدایت و کمال دست یافته و از ضلالت و گمراهی نجات یابند. (إنی تارک فیکم الثقلین؛ کتاب الله وعترتی ما إن تمسکتُم بهما لن تضلّوا بعدی أبداً). لیکن متأسفانه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلایلی که هم اکنون فرصت بیان آن نیست، به وصیت آن حضرت عمل نشد و میان قرآن و پیروی از عترت جدایی افتاد و رفته رفته با گذشت زمان، مشکلات فراوانی برای جامعه اسلامی پدید آمد، اختلافات مذهبی توسعه یافت و دشمنان دین و رسالت با بهره گیری از جهل و نادانی مردم، با فتنه انگیزی و ایجاد شبهه های عقیدتی، مسلمانان را به جان یکدیگر

انداختند و از این رهگذر توانستند ذخایر و منابع کشورهای اسلامی را غارت کنند و ساکنان آنها را در فقر و نادانی و عقب ماندگی نگه دارند. امروز نیز با گذشت بیش از هزار و چهارصد و اندی سال، بار دیگر استعمارگران و غارتگران بین المللی با استفاده از همان حربه به میدان آمده و در تعدادی از کشورها همچون عراق و افغانستان با قساوت و بی رحمی هرچه تمام تر و با بهره گیری از بمب و سلاح های مخرب، مردان، زنان و کودکان بی گناه را به خاک و خون می کشند و آنان را قطعه قطعه می کنند و از این طریق بهشت را می جویند! و یک بار دیگر ماجرای خوارج و جنایات آنان در صدر اسلام را در خاطره ها زنده می کنند. طبیعی است در چنین وضعیتی علما و دانشمندان نقشی بس مهم و ویژه دارند؛ از یک سو باید حقایق را بیان کرده، شبهات را پاسخ دهند تا با ایجاد معرفت دینی، ریشه این گونه افکار را در جهان اسلام بخشکانند و از سوی دیگر از تفرقه و شکاف میان جامعه اسلامی جلوگیری کنند. کتابی که در پیش روی شما است چنین رسالتی را دنبال می کند و به قلم استاد و فقیه متفکر و فرزانه حضرت آیه الله آقای حاج شیخ جعفر سبحانی دامت برکاته به رشته تحریر در آمده است. شخصیت زمان شناس و بزرگواری که عمر خویش را در راه تحقیق و تبیین علوم و معارف اسلامی سپری کرده و آثار گران سنگی در معرفی و دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السلام به طالبان و جویندگان حقیقت ارائه کرده اند. از خداوند متعال برای ایشان سلامتی و طول عمر

و موفقیت روزافزون مسألت داریم. این کتاب پیش از این در ۶۵۹ صفحه به چاپ رسید که با توجه به درخواست های مکرر علاقمندان، گزیده آن، به شکل کنونی تقدیم می گردد.

معاون آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

۱۳۸۶ / ۱ / ۲۰

فصل اول

تاریخ شیعه و گسترش آن

اتشیع در چه زمانی پدید آمده است؟! سؤال: درباره پیدایش شیعه فرضیه ها و نظریات مختلفی مطرح شده است، بفرمایید تشیع از چه زمانی پدید آمده است؟ پاسخ: معمولاً این نوع پرسش ها درباره نحله های کلامی و فرقه های مذهبی مطرح می شود که پس از رحلت پیامبر اسلام پدید آمده اند؛ مثلاً می گویند: مذهب اشعری چگونه و از چه زمانی پدید آمده؟ در پاسخ گفته می شود: مذهب اشعری مکتبی کلامی است که ابوالحسن اشعری {۲۶۰۳۲۴ه} در آغاز قرن چهارم آن را پی ریزی کرد. در مقابل آن، مذهب معتزله قرار دارد که آن هم یک مذهب کلامی است و واصل بن عطا {۸۰ ۱۳۰ه} شاگرد حسن بصری {م ۱۱۰ه} آن را بنیان نهاد. در این موارد، می توان برای پیدایش مذهب، تاریخ مشخصی تعیین کرد. این گفته در خصوص مذاهب فقهی نیز صادق است. مذهب حنفی به وسیله ابوحنیفه {۸۰ ۱۵۰ه} و مذهب شافعی به وسیله محمد بن ادریس شافعی {۱۵۰ ۲۰۴ه} پدید آمد و همچنین دیگر مذاهب فقهی نیز تاریخ پیدایش مشخصی دارند. اما تشیع یک مذهب کلامی و فقهی نیست که پس از پیدایش اسلام و درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله پدید آمده باشد. تشیع، با اسلام تاریخ یکسان دارد. در واقع تشیع همان اسلامی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورده و یکی از تعالیم آن، استمرار رهبری و امامت به وسیله فردی است که از

جانب خدا تعیین و به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می شود. این اصل اساسی که ضامن بقای اسلام است و هویت تشیع را تشکیل می دهد، در زمان خود رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله آن حضرت اعلام شد و گروهی از صحابه پیامبر، آن را پذیرفتند و پس از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همان پیمان باقی ماندند. اینان پیشگامان تشیع در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از او بودند. اما گروهی دیگر، این اصل را نادیده گرفته و رهبری را از آن دیگری دانستند. تشیع به این معنی، تاریخی جز اسلام و واقعیتی جز این آیین ندارد و این اصل؛ یعنی تعیین رهبر و امام از جانب خداوند، جزئی از تعالیم اسلام بوده و در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام شده است. رویکرد عقلانی در شیوه گزینش رهبر پیش از آن که صفحات احادیث و تاریخ را ورق بزنیم، نخست درباره شیوه حکومت اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن می گوئیم. حاصل سخن این که آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای زعامت و اداره امور کشور پس از رحلت، فردی را معین کرد، یا این که آن را به مهاجرین و انصار واگذار نمود، و به لقاء الله پیوست؟ محاسبات اجتماعی به روشنی ثابت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فردی را برای زعامت معین کرد و در این مورد، به امر الهی، «حکم خداوند» را بر «انتخاب امت» ترجیح داد، زیرا به هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سه دشمن قوی و

نیرومند، جامعه اسلامی را تهدید می کرد. از جانب شرق مجوس آتش پرست، از جانب غرب رومیان مسیحی و در داخل، ستون پنجم نفاق که برای خود، قدرت و ریشه های اجتماعی داشت، به گواه این که آیات فراوانی درباره منافقان در سوره های مختلف نازل شده است. در چنین وضعیتی، مصلحت جامعه اسلامی ایجاب می کرد که پیامبر فردی نیرومند، عالم، آگاه، زاهد و پارسا را برای زعامت معین کند، تا پس از درگذشت او، این مسأله خاتمه یافته تلقی شود و همه نیروها تحت فرمان او برای حفظ اسلام و مقابله با مثلث پیش گفته بکوشند. در حالی که اگر در این مورد سکوت می کرد، علاوه بر سه مشکل یاد شده، مشکل دیگری به نام اختلاف در درون مسلمانان پدید می آمد و چه بسا به جنگ داخلی کشیده می شد. با توجه به این حقایق تاریخی، احتمال انتصاب بر انتخاب اولویت می یابد. و به دیگر سخن، در شیوه حکومت، دو نظر بیش نیست، نظریه «تنصیص» و نظریه «گزینش»، آن هم به وسیله مهاجرین و انصار. در این مورد، موضع پیامبر را از نزدیک بررسی می کنیم؛ زیرا مسأله از سه فرض بیرون نیست:

۱. اصولاً پیامبر درباره شیوه حکومت پس از خویش سخنی نگفته باشد. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شیوه حکومت، موضع گرفته و آن را به شورا واگذارد. ۳. فرد لایقی را از میان تربیت یافتگان خود برای رهبری برگزیند. فرضیه نخست، با کامل بودن دین و استمرار آن تا روز رستاخیز سازگاری ندارد؛ زیرا اسلام یک آیین فردی نیست و تعالیم آن منحصر به عبادات شخصی و نیایش های فردی نمی باشد، بلکه یک دکنترین جامع است که

بشر را از هرگونه تقنین و تشریح بی نیاز می کند و به صورت خودکفا تا پایان جهان پیش خواهد رفت. آورنده چنین آیینی نمی تواند نسبت به مسائل حکومت، که ضامن بقای دین است، سکوت اختیار کند و بی تفاوت باشد. و موضع انفعالی به خود بگیرد. نظریه دوم تا حدی نظریه مقبولی است و آن این که پیامبر، موضع مثبت داشته و نسبت به مسائل حکومتی بی تفاوت نبوده، ولی اگر شیوه حکومت بر اساس شورا بود، باید پیامبر صلی الله علیه و آله در کلمات خود به این امر اشاره فرموده، شرایط و ضوابط شورا را به نحو دقیق تبیین نماید و برای آموزش دادن مسلمانان، آن را در طول زندگی خود به صورت های عملی پیاده کند تا مسلمانان پس از درگذشت او دچار حیرت و سرگردانی نشوند، در حالی که در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و احادیث و تاریخ زندگانی او، نص صریحی بر این که نظام حکومت، نظام شورایی است، دیده نمی شود، حتی بعد از خلیفه اول شیوه تعیین خلیفه، غالباً بر اساس شورا نبوده، بلکه با تعیین خلیفه قبلی، فردی زمام امور را به دست می گرفته است. حکومت در اسلام، فصلی کوتاه و گذرا نیست که با یک جمله «وَأْمُرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (۱) پایان پذیرد، بلکه بخش های گسترده ای از احکام و امور را دربر می گیرد، که عنایت پیامبر را برای تبیین جزئیات و شرایط، می طلبد. طبعاً نظریه سوم، بیش از دو نظریه دیگر قابل پذیرش است و اتفاقاً احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و تاریخ حیات آن حضرت به روشنی آن را ثابت می کند. پس از یک تحلیل اجتماعی، اکنون

به پاسخ پرسش از نظر حدیث و تاریخ می پردازیم. ۱. شیعه در کلمات رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نامگذاری پیروان علی علیه السلام به شیعه، از زمان خود پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آغاز شده و روایات فراوانی حاکی از آن است که آن حضرت این نام را بر پیروان علی علیه السلام نهاده است. محدثان و مفسران نقل می کنند آنگاه که آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۲). (فرود آمد، پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: «مقصود از این عبارت، تو و شیعیانت می باشید که روز قیامت خشنود و پسندیده هستید». در حدیث دیگر فرمود: «تو و پیروانت مقصود هستید، وعده من و شما در روز قیامت نزد حوض کوثر است. آنگاه که امت ها برای حسابرسی به آنجا می آیند، شما را فرا می خوانند در حالی که نور از چهره و پیشانی شما تابان است». روایات مربوط به نزول این آیه در حق شیعیان علی علیه السلام و این که پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیروان علی علیه السلام را شیعه نامید، در کتاب های مختلف وارد شده است، برای نمونه به مدارک زیر مراجعه شود. (۳). بنابراین، نامگذاری پیروان علی علیه السلام به شیعه، از جانب رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ انجام شده و این خود مبنایی در تعیین شیوه حکومت پس از پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به شمار می رود. ۲. امامت، همزاد نبوت شکی نیست که مقام امامت با مقام نبوت تفاوت دارد. پیامبر گیرنده وحی و پایه گذار دین است، در حالی که امام نه دریافت کننده وحی است و

نه پایه گذار دین، بلکه وظایفی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در قلمرو بیان احکام و اجرای آنها برعهده داشت، پس از وی برعهده امام می باشد. امام مرجع بیان احکام و عقاید اسلامی و مدیر امور کشور است. با توجه به این اصل و بنابر روایات، روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله نبوت خود را برای بنی هاشم بیان کرد، جانشینی و رهبری علی علیه السلام را نیز اعلام نمود و این حاکی از آن است که نبوت و امامت همزاد بوده و دارنده هر دو منصب از جانب خدا به وسیله وحی الهی معین می شوند. این مسأله در منابع تاریخی چنین آمده است: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سه سال دعوت پنهانی داشت. آنگاه که خدا او را با آیه «وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۴). مخاطب ساخت، او بیش از چهل تن از بستگان خود را که همگی از شخصیت های بنی هاشم بودند، برای ضیافت ناهار دعوت کرد و پس از صرف غذا، سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: (هیچ کس از مردم برای کسان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام، خدایم به من فرمان داده که شما را به توحید و یگانگی وی و رسالت خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟ (آن حضرت این جمله را گفت و اندکی درنگ کرد تا ببیند کدام یک از آنان به ندای او پاسخ مثبت می دهند. در آن لحظات، سکوتی مطلق و آمیخته با

بهت و تحیر بر مجلس سایه گسترده بود و همگی سر به زیر افکنده و در فکر فرو رفته بودند. ناگهان علی علیه السلام که سن او در آن روز از ۱۵ سال تجاوز نمی کرد، سکوت را درهم شکست و برخاست و رو به پیامبر کرد و گفت: (ای پیامبر خدا، من تو را در این راه یاری می کنم). آنگاه دست خود را به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله دراز کرد تا دست او را به عنوان پیمان فداکاری بفشارد. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که علی علیه السلام بنشیند. بار دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله گفتار خود را تکرار کرد. باز علی برخاست و آمادگی خود را اعلام کرد. این بار نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به وی دستور داد بنشیند. در مرتبه سوم نیز مانند دفعات پیشین، کسی جز علی علیه السلام برخاست و تنها او بود که پشتیبانی خود را از اهداف مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این حال دست خود را بر دست علی علیه السلام زد و جمله تاریخی خود را در مجلس بزرگان بنی هاشم درباره او بیان کرد و گفت: (هان! ای خویشان و بستگان من! علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست) (۵) (این حدیث به روشنی تاریخ تشیع و همزاد بودن نبوت و امامت را به معنایی که یادآور شدیم بیان می کند. البته این تنها موردی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله رهبر مسلمانان پس از خود را تعیین می کند، بلکه در موارد دیگری نیز بر این

مطلب تصریح فرمودند که به صورت گذرا به آنها اشاره می کنیم. ۳. حدیث منزلت حدیث منزلت از احادیث معروفی است که محدثان و تاریخ نگاران نقل کرده اند و اجمال آن چنین است. (إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكْمُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا) (۶) "آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله راهی نبرد با رومیان در سرزمین تبوک گردید، علی علیه السلام را همراه خود نبرد؛ زیرا وجود او در مدینه برای جلوگیری از فتنه گری منافقان، لازم و ضروری بود، ولی دشمنان به شایعه پردازی دست زدند و گفتند: روابط پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام به تیرگی گراییده، لذا او را به همراه خود نبرده است. علی علیه السلام خود را به لشکرگاه اسلام رساند و این شایعه را بازگو نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «آنان دروغ گفته اند. من تو را برای حفظ خانه و خانواده ام جانشین خویش ساختم. پس بازگرد و جانشین من در خانواده من و خانواده خودت باش. آیا خوش نداری برای من آن گونه باشی که هارون برای موسی بود، با یک تفاوت که پیامبری پس از من نیست؟» این حدیث به روشنی بیانگر آن است که علی علیه السلام تمام صلاحیت ها و اختیارات هارون علیه السلام را جز نبوت دارا بوده است. یکی از مناصب هارون، وزارت او برای موسی علیه السلام بوده است، چنان که می فرماید: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي». «هارون را که از خاندان من است، وزیر من قرار ده» (۷) استثنای نبوت در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله حاکی از آن است که کلیه مسئولیت های

هارون را علی نیز دارا بود و این جانشینی تنها به جنگ تبوک اختصاص نداشت، بلکه یک ضابطه کلی بود که جانشینی در غزوه تبوک یکی از مصادیق آن به شمار می آمد و اگر مقصود جانشینی در خصوص این سفر بود، نیازی به این ضابطه کلی و استثنای نبوت نبود.

۴. حدیث غدیر از میان دلایل فراوان که بیانگر زعامت علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است، در این بحث به سه دلیل بسنده می کنیم: حدیث «یوم الدار» در آغاز رسالت، حدیث «منزلت» در اثنای رسالت و حدیث غدیر در اواخر عمر رسول خدا. اکنون اجمالی از تعیین جانشین در آخرین روزهای رسالت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت برای انجام فریضه حج و تعلیم مناسک آن به مسلمانان، در قالب یک جمعیت ده هزار نفری حرکت کرد و در روزهای عرفه و منا سخنرانی های جامع و ارزنده ای ایراد فرمود. مراسم حج به پایان رسید، همگان به قصد وطن، مکه را ترک کردند، چون کاروان ها به نزدیک برکه آبی به نام غدیر خم رسیدند، پیک وحی فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله را فرمان توقف داد، خدا به رسول گرامی صلی الله علیه و آله چنین فرمان داده بود: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (۸)** (ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده، به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدای را به جا نیاورده ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند.) در این لحظات حساس طنین

اذان سراسر بیابان را فرا گرفت، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه ای به شرح زیر ایراد کرد: «ستایش از آن خداست و به او ایمان داریم. از او یاری می خواهیم و بر او توکل می کنیم، و از شر خویشتن و بدی کردارهایمان به خدایی پناه می بریم که گمراهان جز او راهنمایی ندارند. خدا هر کس را راهنمایی کند، او دیگر گمراه نمی شود و گواهی می دهیم که خدایی جز او نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. هان! ای مردم، نزدیک است که من دعوت حق را لیک گویم و از میان شما بروم. من مسئولم و شما نیز مسئول هستید... هان! ای مردم، هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی نیز مولا و رهبر اوست (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ)» پیامبر صلی الله علیه و آله جمله آخر را سه بار تکرار کرد و فرمود: «پروردگارا! هر کس علی را دوست دارد، تو او را دوست بدار و هر کس با او دشمنی کند تو با او دشمن باش. هر کس او را یاری کند، تو یاور او باش، و هر کس او را تنها گذارد، تو نیز او را تنها گذار. لازم است حاضران به غایبان خیر دهند و آنها را از این امر آگاه سازند». هنوز این اجتماع با شکوه پایان نیافته بود که فرشته وحی فرود آمد و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را بشارت داد که خداوند امروز دین خود را تکمیل کرد و نعمت خویش را بر مؤمنان به کمال رسانید (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

{مائده / ۳} در این لحظه صدای تکبیر پیامبر صلی الله علیه وآله بلند شد و فرمود: خدا را سپاسگزارم که دین خود را کامل کرد و نعمت خود را به پایان رسانید از رسالت من و ولایت علی علیه السلام پس از من خوشنود شد. پیامبر از جایگاه خود فرود آمد و یاران او گروه گروه به حضرت علی علیه السلام تبریک گفتند و او را سرور خود و سرور هر مرد و زن مؤمنی خواندند. حدیث غدیر از احادیث متواتر است. کافی است که بدانیم ۱۲۰ صحابی، آن را از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده اند و از تابعان ۸۹ نفر به نقل آن پرداخته اند و در مجموع ۱۴ قرن، ۳۶۰ تن عالم و دانشمند سنی آن را روایت کرده اند، و اگر راویان و عالمان شیعی را به آنان ضمیمه کنیم خواهیم دید که حدیث در بالاترین حد تواتر قرار می گیرد (۹) شکل گیری تشیع در پرتو این سفارش ها ما به همین سه حدیث قطعی بسنده می کنیم. این سفارش ها سبب شد که در عصر رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی گرد علی را بگیرند و به پیروی از او مشهور شوند. محقق معروف آقای محمد کرد علی در کتاب «خطط الشام» می نویسد: «در زمان خود پیامبر صلی الله علیه وآله گروهی از بزرگان صحابه به دوستی و موالات علی علیه السلام معروف بودند؛ مانند سلمان فارسی که می گفت: ما با پیامبر صلی الله علیه وآله بیعت کردیم بر دو اصل: خیرخواهی برای مسلمانان و اقتدا به علی بن ابی طالب علیه السلام و ولایت وی. ابوسعید خدری می گوید: مردم به پنج چیز

دعوت شدند ولی چهار تا را گرفتند و یکی را رها کردند. سؤال شد: آن چهار تا را که گرفتند چیست؟ گفت: نماز، زکات، روزه ماه رمضان و زیارت خانه خدا. پرسیدند: آن یکی که رها کردند کدام است؟ گفت: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام. از وی سؤال شد: آیا ولایت علی همانند آن چهار مورد، لازم و واجب است؟ گفت: آری، به سان آنها لازم و واجب است. و از همین افرادند: ابوذر غفاری، عمار یاسر، حذیفه ابن یمان، ذوالشهادتین خزیمه ابن ثابت، ابویوب انصاری، خالد بن سعید و قیس بن سعد بن عباده. (۱۰)

شیعه در عصر رسالت

سفارش های مؤکد پیامبر صلی الله علیه و آله که نمونه های آن را یادآور شدیم و قسمت مهم آن در کتاب های حدیث و تفسیر وارد شده است سبب شد که بذر تشیع در سرزمین اسلام پاشیده شود و به تدریج رشد کند. گروهی در عصر رسالت، ولایت علی را به دل بگیرند و به عنوان شیعه علی علیه السلام مشهور شوند و با پایمردی تمام پیمان خود را با امام پس از عصر رسالت نیز حفظ کنند. این گروه هسته تشیع را در صدر اسلام تشکیل می دادند. سپس تشیع در طول زمان با توجه به شناخت های صحیح از مسأله امامت و جانشینی علی علیه السلام راه خود را باز کرد و پیوسته در حال گسترش بود. تشیع از حجاز آغاز گردید. سرزمین حجاز زادگاه تشیع است و آنگاه که امام علیه السلام مقرّ خلافت را به عراق منتقل کرد، تشیع رشد بیشتری یافت و پیوسته در نقاط مختلف جهان گسترده شد. ۲ اقلیت شیعه و اکثریت سنی سؤال: اگر شیعه

حق است، چرا در اقلیت می باشد و اکثریت، مذهب تسنن را پذیرفته اند؟ پاسخ: هیچگاه اکثریت نشانه حقانیت و اقلیت نشانه خلاف آن نیست، در طول تبلیغ پیامبران، از زمان حضرت نوح علیه السلام تا عصر حضرت خاتم صلی الله علیه وآله مؤمنان در اقلیت بودند. قرآن آنگاه که مبارزات پی گیر انبیا را یاد می کند، پیوسته تذکر می دهد: گروندگان و مؤمنان به آنان بسیار اندک بودند. درباره نوح که نهصد و پنجاه سال (.) فَلَيْتَ فِيهِمْ أَلْفَ سِنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا {عنكبوت / ۱۴} به تبلیغ پرداخت، می فرماید: «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۱۱) (جز اندکی به همراه او ایمان نیاوردند.) در آیه دیگر می فرماید: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشَّكُورِ) اندکی از بندگان من سپاسگزارند) قرآن درباره پیروی از اکثریت، به پیامبر هشدار می دهد و می فرماید: «إِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (انعام / ۱۱۶) اگر از اکثریت مردم روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند». و باز به پیامبر یادآور می شود: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (یوسف / ۱۰۳) هر چند بکوشی، اکثریت مردم ایمان نمی آورند». بزرگترین جمعیت ها در جهان از آن کشورهایی چون چین با حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر و هند با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت است که اکثریت مردم آنها را مادی گرایان و بت پرست ها تشکیل می دهند. اگر مجموع جمعیت مسلمانان را که یک میلیارد و سیصد میلیون تخمین زده می شود نسبت به جمعیت ۶ میلیاردی کره زمین، بسنجیم، از اکثریت برخوردار نیستند. امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در یکی از سخنان حکیمانه خود، درباره شناخت حق و باطل،

بیانی دارد که یادآور می شویم: در جنگ جمل مردی از امیرمؤمنان سؤال کرد: آیا با طلحه و زبیر نبرد می کنی، در حالی که آنان از برجسته ترین اصحاب پیامبرند؟ امام در پاسخ فرمود: تو در اشتباهی. عظمت و بزرگی اشخاص، نشانه حق و باطل نیست، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی؛ و باطل را بشناس، آنگاه اهل آن را خواهی شناخت (۱۲). گذشته از این، شیعه هر چند نسبت به جمعیت کل مسلمانان، در اقلیت است، ولی برای خود، جمعیت عظیمی را در جهان تشکیل می دهند و لذا در غالب نقاط جهان حضور مؤثر دارند. علاوه بر کشورهای ایران و عراق و آذربایجان و بحرین و لبنان که اکثریت آنها را شیعیان تشکیل می دهند، در تمام کشورهای اسلامی، اقلیت قابل ملاحظه ای از شیعیان وجود دارد که برای خود مساجد، مؤسسات، مدارس و برنامه های فرهنگی دارند. اصولاً باید توجه کرد که شیعه به عنوان اپوزیسیون و مخالف نظام حاکم شناخته می شد و نظام های سیاسی برای سرکوب بلکه ریشه کن کردن آنها، به آنان لقب «روافض» داده بودند. به عنوان نمونه، سلطان محمود غزنوی پس از تسلط بر شرق خراسان، به ریشه کن کردن دو گروه، یکی شیعه و دیگری معتزله همت گمارد، چندان که آثار علمی و کتابخانه های آنان را از بین برد تا اثری از تشیع و معتزله باقی نماند. او پیوسته اهل حدیث و کرامیه را تقویت می کرد، و شیعه و معتزله را دشمن اصلی خود می دانست. (۱۳) صلاح الدین ایوبی، پس از خیانت به فاطمیان، تصمیم بر قتل عام شیعه گرفت و گروه بی شماری از آنان را کشت (۱۴) در دوران حکومت عثمانی، در

زمان سلطان سلیم به خاطر فتوای یک فقیه حنفی به نام نوح، ۴۰۰۰۰ شیعه در ترکیه فعلی سر بریده شدند (۱۵) در دوران حکومت جزار در لبنان، در جبل عامل حمام خون به راه افتاد و نسل کشی شیعه صورت گرفت، به گونه ای که کتاب های آنان مدت ها به جای هیزم در تنور نانویان می سوخت. (۱۶) با توجه به این کشتارهای دسته جمعی، بقای شیعه در جهان، آن هم با یک فرهنگ قوی و جامع و داشتن علما و دانشمندان مبرز در تمام رشته های اسلامی و علمی، یکی از معجزات الهی است که در پرتو عنایتش، مظهر اسلام راستین بدون تحریف تا قرن پانزدهم به جای مانده و خوشبختانه روز به روز نور آن، راه گروه بیشتری از انسان ها را روشن نموده و پرده های جهل و تعصب را از چهره تاریخ کنار می زند.

فصل دوم

عقاید شیعه مقامات اولیای خدا و قدرت های غیبی

سؤال: آیا انبیا و اولیا، علاوه بر قدرت های عادی، توان انجام امور خارق العاده را نیز دارند؟ پاسخ: جهان آفرینش، جهان اسباب و مسببات و علّت ها و معلول ها است. هر فردی در کار خود از قدرت الهی بهره می گیرد و اگر پیوند او از آن قدرت لایزال گسسته گردد، عاجز و ناتوان می شود. بنابراین، اگر اولیای الهی کارهای خارق العاده ای را انجام می دهند، همگی از قدرت الهی سرچشمه گرفته و به اذن او می باشد. اگر این پیوند قطع شود، هیچ فردی توان کاری را؛ اعم از عادی و غیر عادی نخواهد داشت. کارهای برون از توان عادی معلول تکامل روحی و روانی «ولّی» خداست که در اثر طی طریق عبودیت و عمل به تعالیم اسلام و پیمودن صراط مستقیم به این مقام می رسد. (۱۷) انسان

در سایه عبودیت و بندگی خدا و اخلاص در عبادت، برای خود سیری در تکامل باطنی دارد که ربطی به زندگی فردی و اجتماعی او ندارد و این سیر از حدود جسم و ماده بیرون است و هر فردی در این سیر معنوی خود، به فراخور حال خویش مقاماتی را به دست می آورد که چه بسا آنها را در این جهان و یا پس از مرگ مشاهده نماید. مقصود از کمال چیست؟ وقتی می گوئیم خداوند کمال مطلق و نامتناهی است، مقصود از آن، همان «صفات جمال» خدا؛ از قبیل «علم» و «قدرت» و «حیات» و «اراده» است. هرگاه بنده ای در پرتو پیمودن راه اطاعت، گام در درجات کمال می گذارد و از نردبان کمال بالا می رود، مقصود این است که کمال وجودی بیشتری به دست آورده و علم بیشتر، قدرت زیادتر، اراده ای نافذتر و حیاتی جاودانه تر پیدا می کند. در این صورت می تواند از فرشته بالاتر قرار گیرد و از کمالات بیشتری بهره مند گردد. بشر، پیوسته خواهان آن است که بر جهان تسلط پیدا کند و کاری را که انسان های عادی از انجام آن عاجزند، انجام دهد. به عنوان مثال، گروهی از مرتاضان از طریق ریاضت های حرام و آزار دهنده به تقویت نفس و روح پرداخته و قدرت هایی را به دست می آورند. اما راه صحیح که موجب سعادت هر دو جهان می گردد، آن است که راه «بندگی» و خضوع در برابر خدای جهان را در پیش گیرد و با پیمودن راه بندگی، مقاماتی به دست آورده و سرانجام قدرت بر تصرف در تکوین پیدا کند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به مقامات بلند سالکان راه حق

و پویندگان راه عبودیت و بندگی اشاره نموده، سخن پروردگار را چنین نقل می فرماید: «هیچ بنده ای به وسیله کاری، نسبت به من تقرب نجسته که محبوب تر از انجام فرایض بوده باشد. {آنگاه فرمود:} بنده من با گزاردن نمازهای نافله آنچنان به من نزدیک می شود که او را دوست می دارم. وقتی او محبوب من شد، من گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می گردم که با آن سخن می گوید، و دست او می شوم که با آن حمله می کند. هرگاه مرا بخواند اجابت می کنم و اگر چیزی از من بخواهد می بخشم (۱۸) دقت در این حدیث، ما را به عظمت کمالی که انسان در سایه انجام فرایض و نوافل پیدا می کند، به خوبی رهبری می کند. در این حالت قدرت درونی انسان به حدی می رسد که با قدرت الهی صدهایی را که با نیروی عادی نمی شنید، می شنود و صور و اشباحی را که دیدگان عادی را یارای دیدن آنها نیست، می بیند. سرانجام خواسته های او جامه عمل پوشیده، حاجت هایش برآورده می شود، در نتیجه دوست خدا می شود و عمل او، عمل خدایی می گردد. جای شک نیست مقصود از اینکه خدا چشم و گوش او می گردد، این است که دیده او در پرتو قدرت الهی، نافذتر و گوش او شنواتر و قدرت او گسترده تر می گردد. آثار بندگی و کمال نفسانی یکی از آثار کمال نفس، تصرف در جهان طبیعت به اذن خداست. توضیح این که در پرتو عبادت و بندگی، نه تنها حوزه بدن تحت فرمان و محل نفوذ اراده انسان قرار می گیرد، بلکه جهان طبیعت نیز مطیع انسان می گردد و آدمی به

اذن پروردگار جهان، در پرتو نیرو و قدرتی که از تقرب به خدا کسب نموده است، در طبیعت تصرف می کند و مبدأ یک سلسله معجزات و کرامات می شود و در حقیقت قدرت تصرف و تسلط بر تکوین پیدا می کند. قرآن و کرامات اولیا: قرآن کراماتی را از انبیای الهی نقل می کند که بر اثر کمال نفسانی، به اذن خداوند می توانستند در تکوین تصرف کنند. اکنون به صورتی گذرا به آنها اشاره می کنیم: ۱. تصرف یوسف برای بینایی پدر یعقوب بر اثر مفارقت یوسف، سالیان دراز گریه کرد و در آخر عمر بینایی خود را از دست داد. پس از سال ها، یوسف به فردی مأموریت داد که به کنعان برود و پیراهن او را بر چهره یعقوب بیفکند تا بینایی خود را باز یابد. مژده رسان آمد و دستور او را عمل کرد و در همان لحظه او بینایی خود را باز یافت. «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا» (یوسف / ۹۶) هنگامی که مژده رسان آمد، پیراهن یوسف را به صورت او افکند او بینایی خود را بازیافت». شکی نیست که مؤثر واقعی خداست، ولی خدا به «سبب» که همان خواست یوسف است، این توان را بخشیده است که اگر اراده چیزی کند، خواسته اش عملی شود. این که او این کار عظیم را با یک سبب ساده {افکندن پیراهن بر چهره پدر} به انجام رسانید، نشان از آن دارد که معجزات و کرامات پیامبران به وسیله امور ساده صورت می پذیرد تا مردم تصور نکنند که او از طریق علمی و صنعتی به این کار دست زده است. ۲. قدرت نمایی یاران سلیمان

همگی می دانیم که سلیمان ملکه سبأ را احضار کرد، ولی پیش از آن که وی به حضور سلیمان برسد، سلیمان به حاضران در مجلس خود چنین گفت: «... يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْكُمُ يَا تَيْنِي بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (نمل / ۳۸) (ای جماعت کدام یک از شما می تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد، پیش از آن که {بلقیس و همراهان} او مطیعانه وارد شوند؟) (یک نفر از جنیان گفت: «... أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (نمل / ۳۹) پیش از آنکه تو از جای خود برخیزی {مجلس به پایان رسد} من آن را می آورم و من بر این کار توانا و امینم». فرد دیگری که مفسران نام او را «آصف بن برخیا» وزیر سلیمان و خواهر زاده او می دانند، اعلام کرد که در یک چشم به هم زدن می تواند آن را بیاورد، چنانکه خداوند می فرماید: «قَالَ الْعَدِيُّ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي. (نمل / ۴۰) کسی که نزد او دانشی از کتاب بود {که درباره حقیقت این کتاب باید در جایی دیگر گفتگو کرد}، چنین گفت: پیش از آنکه تو چشم بر هم بزنی، آن را در این مجلس حاضر می کنم. وقتی تخت را در برابر خود حاضر دید، گفت: این نعمتی است از جانب خدا بر من». باید در مفاد این آیات دقت کنیم تا بینیم عامل این کارهای خارق العاده {احضار «تخت بلقیس» از فرسنگ ها فاصله به مجلس سلیمان} چیست؟ آیا عامل این کار خارق العاده مستقیماً خدا است؟ و او است که این جهش

را در طبیعت انجام می دهد و «آصف برخیا» و دیگران، نمایشگرانی هستند که کوچک ترین تأثیری در آن کارها ندارند؟ یا اینکه عامل این کار به سان هزاران کار دیگر که افراد عادی با قدرت الهی انجام می دهند خود آنها می باشند؛ چیزی که هست آنان این قدرت را از قرب الهی به دست آورده و با اراده نافذ خود عامل این نوع کارهای خارق العاده می باشند. ظاهر آیات سه گانه نظر دوم را تأیید می کند، زیرا: اولاً، سلیمان از آنان می خواهد که این کار را انجام دهند و آنان را بر این کار قادر و توانا می داند. ثانیاً، شخصی که گفت: من تخت بلقیس را، پیش از آنکه سلیمان از جای خود برخیزد حاضر می کنم، خود را با جمله زیر توصیف کرد: «وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ»: «من بر این کار، قادر و توانایم و به خود اطمینان دارم». هرگاه وجود این شخص و اراده او در این کار مؤثر نباشد، دیگر دلیلی ندارد که بگوید: «من بر این کار قادر و امین هستم». ثالثاً، دومی گفت: من آن را در اندک زمانی {یک چشم به هم زدن} می آورم و این کار خارق العاده را به خود نسبت داد و گفت: «آتیک: می آورم». اگر بنا بود که قرآن به این حقیقت تصریح کند که نفوس اولیا و اراده و خواست آنان و دیگر شخصیت های بزرگ، در ایجاد معجزه ها و کرامات و تمام خارق العاده ها مؤثر است، روشن تر از این، چگونه بگوید تا شکاکان زمان آن را بپذیرند و تأویل نکنند. رابعاً: خداوند علت توانایی دومی را بر این کار شگفت آور، آشنایی او به علم کتاب می داند، دانشی که از اختیار افراد عادی خارج

است و از علومی است که مخصوص بندگان خدا می باشد، و ارتباط با چنین دانش هایی محصول قربی است که این نوع افراد با خدا دارند، چنانکه فرمود: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ...»: «کسی که در نزد او دانشی از کتاب بود، گفت...». ۳. باز هم قدرت نمایی سلیمان قرآن مجید درباره سلیمان نبی با صراحت می فرماید: باد به فرمان او به هر طرف که می خواست جریان پیدا می کرد. مسیر باد که جزو نظام آفرینش است، به اراده نافذ سلیمان تعیین می گردید، چنانکه می فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً فَهَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ» (انبیاء / ۸۱) «باد توفنده و تند را برای سلیمان رام کردیم؛ به طوری که به فرمان وی به سوی سرزمینی که برکت دادیم، جریان پیدا می کرد و ما به همه چیز عالم هستیم». نکته قابل توجه این است که این آیه با صراحت هر چه کاملتر، جریان باد و تعیین مسیر و سمت آن را معلول امر سلیمان (اراده نافذ او) می داند چنانکه می فرماید: «تَجْرِي بِأَمْرِهِ»: «به فرمان او جریان داشت» در آیه دیگر ۱ می خوانیم: بادی که سلیمان از آن به عنوان مرکب استفاده می کرد، از صبح تا ظهر مسافت یک ماه و از ظهر تا شب مسافت یک ماه دیگر را طی می کرد و این مرد الهی می توانست مسافتی را که مرکب های آن روز تقریباً در ظرف دوماه طی می کردند، در ظرف یک روز طی کند. درست است که خداوند باد را برای او رام و مسخر کرده بود، اما جمله «تَجْرِي بِأَمْرِهِ» «به فرمان سلیمان حرکت می کرد و از حرکت باز نمی ایستاد» صراحت دارد که امر

و اراده سلیمان در بهره برداری از این پدیده طبیعی، کاملاً مؤثر بوده است؛ مثلاً تعیین وقت حرکت و مسیر آن و باز ایستادن آن از حرکت بستگی به اراده نافذ سلیمان داشت. از آیات مربوط به سلیمان، نکته دیگری نیز استفاده می شود و آن اینکه خداوند بسیاری از پدیده های سرکش طبیعی را برای او رام کرده بود و او هرگونه که می خواست از آنها با کمال سهولت و آسانی استفاده می کرد؛ مثلاً معدن مس با تمام صلابتی که دارد، برای او به فرمان خدا به صورت چشمه روانی در می آید و هر چه می خواهد از آنها استفاده می کند؛ چنانکه می فرماید... وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ... سبأ / ۱۲ (و چشمه مس {مُذَاب} را برای او روان کردیم). موجوداتی مانند جن که با دیدگان عادی دیده نمی شوند، در تسخیر وی بودند و آنچه او از آنها می خواست، انجام می دادند، چنانکه می فرماید... مَنْ يَعْمَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ... (سبأ / ۱۲) (گروهی از جن در برابر او به فرمان خداوند کار می کردند... برای او آنچه می خواست انجام می دادند). ظاهر مجموع آیات این است که چگونگی بهره برداری او از باد و غیره یکسان بوده است. درست است که خداوند بزرگ این پدیده ها را برای او تسخیر کرده بود، اما در عین حال اراده او بی اثر نبود. تا اراده سلیمان تعلق نمی گرفت، معدن مس به صورت چشمه آب روان نمی گشت و جن کاری را انجام نمی داد. همه اینها نوعی ولایت بر تکوین است و معنی آن این است: پیامبری بر اثر قربی که به خدا دارد، منزلتی می یابد که طبیعت و حتی موجودات نامرئی به نام

جن، به اذن خدا به فرمان او باشند و از حوزه نفوذ او خارج نشوند. ۴. تصرف های حضرت مسیح قرآن مجید بعضی از کارهای فوق العاده را به حضرت «مسیح» نسبت می دهد و بیان می کند که همه این کارها از نیروی باطنی و اراده خلاق او سرچشمه می گرفت، چنانکه می فرماید: أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ... (آل عمران / ۴۹). (من برای شما از گِل، شکل مرغی می سازم و در آن می دمم که به اذن خدا پرنده می شود، کور مادرزاد و پیس را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم). در این آیات حضرت مسیح، امور زیر را به خود نسبت می دهد: ۱. ساختن پرنده ای از گِل. ۲. دمیدن در پرنده و زنده کردن آن. ۳. شفای کور مادر زاد. ۴. درمان بیماری پسی. ۵. زنده کردن مردگان. حضرت مسیح خود را فاعل این امور می داند، نه اینکه او درخواست کند و خدا انجام دهد، بلکه می گوید: «این کارها را من به اذن خدا انجام می دهم». اذن خدا در این موارد چیست؟ آیا اذن در این موارد یک اجازه لفظی است؟ به طور مسلم چنین نیست، بلکه مقصود از آن اذن باطنی است. به این معنی که خدا به بنده خود آنچنان کمال و قدرت و نیرو می بخشد که وی به انجام چنین اموری توانا می گردد. گواه این مدعا آن است که بشر نه تنها در امور غیر عادی به اذن خدا نیازمند است، بلکه در تمام امور به اذن خدا نیاز دارد و هیچ کاری بدون اذن او صورت نمی پذیرد. اذن

الهی در تمام موارد، همان برخوردار کردن فاعل از قدرت و رحمت خویش می باشد. در آیه مورد بحث، حضرت مسیح تحقق امور یاد شده را به خود نسبت می دهد و در آیه دیگر، خود خدا نیز صریحاً امور مزبور را به خود او نسبت می دهد و می گوید: **وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي** (مائده / ۱۱۰) هنگامی از گل صورت پرنده ای را به اذن من می سازی و در آن می دمی، و به اذن من پرنده می شود و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می دهی، و مردگان را زنده می کنی...» در جمله های این آیه دقت بیشتری کنیم تا روشن شود که از نظر قرآن، فاعل و انجام دهنده این امور کیست؟ هرگز خدا نمی گوید «من مرغ آفریدم»، «من شفا دادم»، «من زنده کردم» بلکه می گوید: **«إِذْ تَخْلُقُ»**: تو آفریده ای، **«وَتُبْرِئُ»**: بهبودی بخشیدی، **«إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى»**: تو زنده کردی. چه صراحتی بالاتر از این؟ ولی قرآن کریم در بیان این که هیچ بشری در کار ایجاد، استقلال ندارد، و برای رد افکار غیر صحیح «معتزله» و دوگانه پرستان که تصور می کنند بشر در آفرینش خود به خدا نیاز دارد، ولی در افعال و کارهای خود کاملاً مستقل و از خدا بی نیاز است؛ در همه این موارد کارهای حضرت مسیح را مقید به اذن الهی کرده و موضوع توحید در افعال را، که از مراتب توحید به شمار می رود، رعایت نموده است. ولایت تکوینی و مسأله غلو از اندیشه های باطل در مورد ولایت بر تصرف این است که تصور می شود چنین اعتقادی

مایه «غلو» در حق پیشوایان است، در صورتی که چنین اعتقادی ارتباطی به غلو ندارد. «غالی» کسی است که بندگان خدا را از مقام عبودیت بالا برده و صفات خدا و افعال او را برای آنان ثابت کند؛ مثلاً بگوید: «تدبیر نظام آفرینش از آن پیشوایان معصوم است. آنان «خالق»، «رازق»، «محبی» و «ممیت» علی الاطلاق می باشند». حقیقت غلو این است که یا آنها را خدا بدانیم و یا مبدأ افعال خدایی (۱۹) بشناسیم، در حالی که هیچ کدام از این دو ملاک، در ولایت تکوینی موجود نیست؛ زیرا نه کسی آنها را خدا می داند و نه افعال و کارهای الهی را برای آنها اثبات می کند، بلکه می گوئیم آنان در پرتو قرب الهی، دارای قدرتی می شوند که به اذن خداوند می توانند در مواردی که انگیزه ارشاد و اصلاح باشد، در جهان آفرینش تصرف کنند. این دو نوع تفکر، آنچنان با هم فاصله دارند که به زحمت می توان شباهتی بین آن دو تصور نمود؛ زیرا هرگاه خداوند بنده خود را به انجام کاری به منظور ارشاد مردم قادر ساخت، چیزی از قدرت او کم نمی شود و بنده صاحب ولایت، گام از مقام عبودیت فراتر نمی گذارد. موقعیت انسان کامل نسبت به خدا، موقعیت فرزندی است که با سرمایه پدر در تجارتخانه او مشغول بازرگانی است و یا به سان و کیلی است که با سرمایه موکل خویش، کسب و کار می کند. تسلط و قدرت فرزند و وکیل، شاخه ای از اراده و خواست پدر و موکل است. از این جهت، این نوع قدرت و تسلط هرگز مایه شرک نبوده، بلکه بوی شرک را هم نمی دهد. چه بسا خداوند به فرشته و یا

فرشتگانی قدرت بدهد که سرزمین قوم لوط را سنگ باران و همه را زیر و رو کنند، اما اعتقاد به وجود چنین قدرتی در آنها، هرگز مستلزم شرک و همتایی فرشتگان با خدا نمی گردد. بنابراین، اگر خداوند چنین قدرتی را به بنده و یا بندگانی عنایت کند، این نیز سبب نمی شود که گردی بر دامن کبریایی او بنشیند. ۲ توسل به اولیای الهی سؤال: آیا توسل به اولیای الهی صحیح و مشروع است و ریشه در کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد؟ پاسخ: توسل به اولیای الهی نوعی تمسک به «وسیله» است که در قرآن به آن دعوت شده است و قرآن پیوسته به جامعه با ایمان و با تقوا دستور می دهد که به دنبال وسیله بروند، چنان که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده / ۳۵) ای افراد با ایمان، تقوای الهی را پیشه کنید و برای رسیدن به او، وسیله ای فراهم آورید {توسل جوئید} و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید». اکنون باید دید مقصود از تحصیل وسیله چیست؟ تدبّر در آیه می رساند که مقصود از آن، سبب تقرب و وسیله نزدیکی به خداست. برای تقرب به خدا وسایل و اسباب گوناگونی هست که به برخی از آنها اشاره می کنیم. ۱. انجام فرایض انجام واجبات یکی از اسباب تقرب به درگاه الهی است. امیرمؤمنان علیه السلام در یکی از سخنان خود چنین می گوید: «بهترین چیزی که متوسلان به خدا بدان توسل می جویند، ایمان به خدا و به رسول و جهاد در راه خدا و به پا داشتن نماز

که اساس طریقت و شریعت است و دادن زکات می باشد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰. ۲). ((توسل به اسما و صفات خدا یکی از اقسام توسل، خواندن خداوند به اسما و صفات اوست. این نوع توسل در روایات، به خصوص در ادعیه اهل بیت علیهم السلام، فوق العاده بارز و چشمگیر است. در این مورد به دو حدیث بسنده می کنیم: الف. ترمذی در سنن خود از «بریده» نقل می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله شنید مردی چنین می گوید: «خدایا! من از تو درخواست می کنم به گواهی ام بر این که تو آن خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، تو احد و صمد هستی که نه می زاید و نه زاییده شده است و نه برای او ماندی یافت می شود... پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو خدا را به وسیله اسم اعظم او خواندی، که اگر او به آن اسم خوانده شود، اجابت می کند و اگر از او چیزی خواسته شود، عطا می نماید.» (۲۰) ب. در دعایی از امام باقر و صادق علیهما السلام معروف به دعای سمات { چنین وارد شده است: «خدایا! من از تو سؤال می کنم به نام بزرگ و بزرگتر، گرامی تر و برترت، نامی که اگر به آن نام برای باز شدن درهای بسته آسمان خوانده شوی باز می شود، و اگر به آن نام، بر گشایش درهای زمین خوانده شوی گشوده می گردد، و اگر به آن نام برای آسانی خوانده شوی آسان گردد». (۲۱) دعای جوشن کبیر نمونه ای بارز از این نوع توسل است که در شب های قدر می خوانیم. ۳. توسل به قرآن کریم یکی از راه های توسل این است که انسان قرآن را بخواند

و به وسیله آن، از خدا حاجت بطلبید. در حقیقت، این نوع توسل، توسل به فعل خدا است؛ زیرا قرآن کلام خداست که بر قلب رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است. احمد بن حنبل از عمران بن حصین نقل می کند که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «قرآن را بخوانید و از خدا به وسیله آن سؤال کنید، پیش از آنکه گروهی بیایند و به وسیله آن از مردم سؤال کنند» (۲۲) دقت و امعان نظر در حدیث فوق، نکته ای را روشن می سازد و آن اینکه: توسل به هر موجودی که نزد خدا منزلت و کرامت داشته باشد جایز است، لذا در شب های قدر مستحب است انسان قرآن را باز کند و این دعا را بخواند: «پروردگارا! من از تو به وسیله این کتابی که فرو فرستاده ای و آنچه در آن است سؤال می کنم. پروردگارا! نام بزرگت و اسمای زیباییت در این کتاب هست...» (۲۳)

۴. توسل به دعای برادر مؤمن یکی از اسباب توسل و جلب مغفرت خدا، این است که انسان از برادر مؤمن خود بخواهد در حق او دعا کند و این نوع توسل مورد اتفاق همه موحدان جهان است و در این مورد کافی است که بدانیم حاملان عرش الهی درباره افراد با ایمان، طلب مغفرت می کنند «يَسْتَتَعْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا». غافر / ۷) این تنها فرشتگان نیستند که درباره آنان طلب آمرزش می نمایند، بلکه مؤمنان نیز درباره گذشتگان چنین کاری انجام می دهند «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» (حشر / ۱۰) «پروردگارا! بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی

گرفته اند بیخشیای». پیامبر گرامی از امت اسلامی می خواهد که در حق او دعا کنند و می فرماید: «برای من از خدا وسیله بطلبید و آن مقامی است در بهشت که جز بر یکی از بندگان خدا شایسته نیست و امیدوارم که من همو باشم. هر کس برای من چنین مقامی بطلبد، شفاعت من بر او حلال می گردد». مستدرک بحار الأنوار، ج ۴، ص ۶۱ (۵). توسل به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات رسول گرامی صلی الله علیه و آله شریف ترین و گرامی ترین انسانی است که خدا آفریده است. آیات قرآنی به مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله اشارات فراوانی دارند که نقل آنها در این مختصر نمی گنجد. در منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله کافی است که بدانیم خدا او را مایه مصونیت مردم از عذاب می شمارد و تصریح می کند که تا او در میان مردم است خدا آنان را با نزول عذاب مجازات نمی کند: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ». (انفال / ۳۳) «تا تو در میان آنان هستی، خداوند هرگز آنان را مجازات نمی کند، هم چنان که ایشان را تا زمانی که طلب آمرزش می کنند، عذاب نمی کند». در عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله کافی است که خدا نام او را در کنار نام خود و اطاعت او را در کنار اطاعت خویش قرار داده است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب / ۷۱) (این آیات و آیات دیگر، همگی از کرامت و منزلت آن حضرت حکایت می کند؛ منزلتی که برای آن نظیری در عرصه آفرینش نیست. برای همین مقام قدسی پیامبر در

پیشگاه خدا، دعای او رد نمی شود، لذا به گنهکاران دستور داده شده که به محضر پیامبر بروند و از او درخواست کنند که در حق آنان استغفار کند: فراتر از این، حتی خودداری از طلب استغفار از پیامبر را نشانه نفاق می داند. ۱. منافقون / ۵ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». (نساء / ۶۴). «هرگاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده اند نزد تو بیایند و از خدا طلب مغفرت کنند و پیامبر نیز برای آنان طلب مغفرت کند، خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت». از برخی آیات استفاده می شود که امت های پیامبران پیشین نیز از آنان درخواست استغفار می کردند. به عنوان نمونه فرزندان یعقوب آنگاه که خطای آنان آشکار گشت به پدر گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَيُوفَ أَسْتَعْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ». {۱} (یوسف / ۹۷ و ۹۸) «پدرجان! برای مغفرت گناهان ما از خداوند طلب آمرزش کن؛ ما خطاکار بودیم. [یعقوب] گفت: {سوف} از پروردگارم طلب مغفرت خواهم کرد، همانا او آمرزنده و رحیم است». در جواز این نوع توسل، جای هیچ بحث و گفتگو نیست و مخالفتی با آن به چشم نمی خورد. چیزی که مهم است آگاهی از سبب استجابت دعای پیامبران است و آن، منزلت و جایگاه قدسی آنهاست. ۶. توسل به دعای پیامبر صلی الله علیه وآله پس از رحلت با توجه به اصول چهارگانه، که در سؤال مربوط به امکان ارتباط مطرح گردید، ثابت شد که انسان های والا در جهان برزخ، حی و زنده هستند، و ارتباط ما

با آنان برقرار است، در این صورت درخواست دعا از آنان در هر دو حالت؛ حیات دنیوی و برزخی، کاملاً منطقی خواهد بود و آیه مربوط به درخواست استغفار، هر دو حالت را دربرمی گیرد، آنجا که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». (نساء / ۶۴) «و اگر آنان هنگامی که بر خود ستم کرده اند به نزد تو بیایند، و خود از خدا آمرزش بخواهند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش کند، خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت». مسلماً ریشه استجاب دعا پیامبر را باید در روح پاک و نفس کریم و قرب ایشان نسبت به خداوند جستجو کرد. به پاس این کرامت معنوی است که خداوند دعا او را می پذیرد؛ زیرا دعای برخاسته از روح پاک و قلب مملو از مهر الهی، بدون چون و چرا به هدف اجابت می رسد و در این مورد، فرقی بین حیات مادی و حیات برزخی نیست. گواه بر این که آیه یاد شده اختصاص به زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد، این است که مسلمانان جهان از عصر صحابه و تابعان تا به امروز، عملاً این باب رحمت را باز می دانند و زائران روضه مطهر نیز اکنون پس از تقدیم سلام و درود به پیشگاه ارجمند پیامبر، آیه یاد شده را تلاوت می کنند و ضمن استغفار به درگاه الهی، از پیامبر می خواهند که برای آنان طلب آمرزش کند و هر فردی در هر زمانی که به حرم آن حضرت مشرف شود، زائران را در این حالت می یابد. اکنون نمونه هایی از گفتار بزرگان اهل

سنت، درباره این آیه و درخواست دعا و توسل به آن حضرت، پس از رحلت ایشان را ذکر می‌کنیم: ۱. محیی‌الدین نووی که از محدثان برجسته اهل سنت و شارح صحیح مسلم است، می‌نویسد: زائر رو به رسول خدا کند و درباره خویش به او متوسل شود و به وسیله او به سوی خدا شفاعت جوید و از زیباترین چیزها همان است که ماوردی، قاضی ابوالطیب و دیگر اساتید ما از عتبی نقل کرده‌اند. عتبی می‌گوید: روزی کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم، مردی از بیابان آمد و گفت: «السلام علیک یا رسول الله سمعت الله يقول: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» و قد جئتک مستغفراً من ذنبی مستشفعاً بکَ إلی ربی». (نووی، مجموع، شرح مهذب شیرازی و شرح بر صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۵۶، چاپ مکتبه الارشاد) «سلام بر تو ای فرستاده خدا. شنیدم که خداوند می‌فرماید: «هرگاه آنان بر خویش ستم کنند و نزد تو بیایند و از خدا طلب آمرزش کنند و رسول خدا نیز برای آنان درخواست مغفرت کند، خدا را توبه‌پذیر و مهربان خواهند یافت. ای رسول خدا، اکنون به نزد تو آمدم، از گناهم استغفار می‌کنم و تو را شفیع به نزد پروردگرم قرار می‌دهم». ۲. ابن قدامه حنبلی صاحب کتاب «مغنی» در آداب زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ضمن طرح این مطلب که زیارت آن حضرت مستحب است، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: هر کس به من سلام کند، من پاسخ سلام او را می‌گویم. سپس

از «عتبی» سرگذشت عرب یاد شده را که از «نووی» آوردیم، نقل می‌کند و هدف وی از نقل این داستان آن است که زیارت آن حضرت، به این شیوه مستحب است. ۳. غزالی {متوفای ۵۰۵} در بخش مربوط به فضیلت زیارت مدینه، چگونگی زیارت آن حضرت را به تفصیل آورده و می‌گوید: «پس از به پایان رساندن درودها، رو به قبر پیامبر ایستاده، خدا را. حمد و ثنا بگویند و درود فراوانی به پیامبر بفرستد. سپس آیه «ولو أنهم...» را تلاوت کند و بگوید: اللَّهُمَّ اِنَّا سَجِدُكَ وَأَطَعْنَا أَمْرَكَ وَقَصِدْنَا نَبِيَّكَ، متشفعین به إلیک فی ذنوبنا، وَمَا أَثْقَلَ ظَهْرُنَا مِنْ أَوْزَارِنَا...» (احیاء العلوم: ۱ / ۲۵۹، چاپ دارالمعرفه)؛ «پروردگارا، سخن تو را شنیدیم و امر تو را اطاعت کردیم و نزد پیامبر تو آمدیم، در حالی که او را شفیع خود نزد تو برای آمرزش گناهانمان قرار داده ایم و پشت ما از بار گناهان سنگین است». علاوه بر عالمان بزرگ اهل سنت که شیوه زیارت آن حضرت را به نحو یاد شده مورد تأکید قرار می‌دهند، گروهی دیگر نیز در این مورد، با آنان همصدا می‌باشند که برای رعایت اختصار، از نقل آنها خودداری شد. پرسش‌هایی درباره توسل در میان اعمالی که مسلمانان در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و یا نقاط دیگر انجام می‌دهند، توسل بیش از همه مورد انتقاد وهابیان قرار می‌گیرد. آنان در این مورد اعتراض‌هایی دارند که در این بخش به تحلیل آنها می‌پردازیم: ۱. آیا درخواست دعا از میت، پرستش او نیست؟ آنها بر این عقیده اند که: درخواست دعا از انسان زنده که قادر بر انجام خواسته اوست، جایز است

و پرستش نیست، ولی درخواست دعا و یا هر عمل دیگر از فرد در گذشته که قادر بر انجام آن نیست، نوعی پرستش میّت به شمار می رود و طبعاً انجام دهنده آن در شمار مشرکان قرار می گیرد. پاسخ: اولاً، هیچگاه حیات و موت و یا زنده و مرده بودن درخواست شونده، ملاک عبادت و پرستش و شرک و توحید نیست. چگونه ممکن است درخواست دعا از فرد زنده عین توحید باشد، ولی درخواست همان دعا از فرد در گذشته عین شرک به شمار رود، در حالی که ماهیت عمل یکی است، جز این که طرف {درخواست شونده} در یکی در قید حیات است، و در دیگری رخت از جهان بر بسته است و هرگز هیچ موحّدی، حیات و موت را میزان توحید و شرک معرفی نکرده است. آری، حیات و موت می تواند در مفید بودن و نبودن این درخواست مؤثر باشد، اما در توحید و شرک تأثیری ندارد. ثانیاً: اساس استدلال کسانی که درخواست دعا از میت را شرک می دانند، این است که مرگ انبیا و اولیا را پایان زندگانی آنان می دانند و برای آنان، حیات برزخی قائل نیستند، در حالی که در سؤال نخست این فصل به روشنی ثابت شد که شهیدان، انبیا، اولیا و حتی مجرمان، پس از مرگ در حال حیات اند. ثالثاً: هر نوع دعوت و درخواست هنگامی رنگ شرک به خود می گیرد که انسان درباره درخواست شونده، نوعی الوهیت و خداوندگاری و تفویض امور به وی قائل شود، در چنین حالتی است که درخواست از آن فرد؛ زنده باشد یا مرده، پرستش وی به شمار می رود، ولی درخواست دعا از یک شخص، با این عقیده که او

یک انسان وارسته است و خدا پذیرای دعا و درخواست اوست، ارتباطی به شرک ندارد و تمام مسلمانان جهان، در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله او را به این وصف می ستایند. ۲. آیا درخواست دعا از میت بی فایده نیست؟ برخی معتقدند کسی که از دنیا رفته و قادر به اجابت درخواست متوسل نیست، هر نوع توسل و درخواست دعا از او عمل لغو و بیهوده ای می باشد. پاسخ: منشأ این سؤال یک نوع جهان بینی مادی است که مرگ اولیا را پایان زندگی دانسته و برای آنان حیات و زندگی برزخی قائل نیست، ولی با توجه به اصولی که در گذشته یاد آور شدیم، ثابت شد که آنان از حیات بالایی برخوردارند، سخن ما را می شنوند و ارتباط ما با آنان قطع نشده است، بنابراین درخواست دعا امری عقلایی بوده و لغو و بیهوده نیست، اما این که آنان به درخواست ما پاسخ مثبت می گویند یا نه، به وجود وضعیت درخواست کننده و موضوع درخواست بستگی دارد. ۳. آیا میان ما و کسانی که از دنیا رفته اند، مانعی وجود دارد؟ عده ای بر این باورند که میان ما و افرادی که از جهان رخت بر بسته اند، حائلی وجود دارد که مانع از ارتباط ما با آنان می شود، به گواه این که قرآن می فرماید: «وَمَنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (مؤمنون / ۱۰۰) «در پیش روی آنان، تا روز قیامت مانعی وجود دارد». پاسخ: برزخ در لغت عرب به معنی حائل و مانع است، ولی این مانع مربوط به بازگشت مجدد رفتگان، به حیات دنیوی است، نه مانع از ارتباط با آنان، شاهد این مطلب ما این آیه است: «حَتَّى

إِذَا جَاءَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا» (مؤمنون / ۹۹۱۰۰) «تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می گوید: پروردگارا! مرا به دنیا بازگردان، باشد که من در آنچه که وانهادم، کار نیکی انجام دهم. [خطاب می رسد:] هرگز چنین نیست، این سخنی است که او گوینده آن است». با توجه به این که گنهکار، خواهان بازگشت به این دنیا است، قرآن در رد درخواست او می فرماید: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَزْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». «پیش روی آنان حائل و مانعی وجود دارد که از بازگشت به این دنیا و تحقق آرزوی آنان جلوگیری می کند». بنابراین، حائل، مانع از بازگشت به دنیا است، نه مانع از آگاهی و ارتباط میان زندگان و رفتگان. ۳ درخواست شفاعت از اولیای الهی سؤال: آیا درخواست شفاعت از اولیا مایه شرک نیست و نوعی پرستش آنان به شمار نمی رود؟ پاسخ: اعتقاد به شفاعت اولیای الهی در روز رستاخیز، از اصولی است که کسی در آن شک و تردید ندارد و همه فرق اسلامی به شفاعت پیامبران و به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اعتقاد راسخ دارند. تنها اختلافی که پس از ظهور ابن تیمیه در قرن هشتم و محمد بن عبدالوهاب در نیمه های قرن دوازدهم پیش آمد، این بود که آیا می توان در این جهان نیز از شفیعان واقعی که شفیع بودن آنها از نظر کتاب و سنت قطعی است، درخواست شفاعت کرد و مثلاً گفت: «ای محبوب درگاه خدا در روز رستاخیز درباره من شفاعت کن؟» (یا وجیهاً عند الله اشفع لنا عند الله.) همه عالمان دین،

بر صحت درخواست شفاعت از صاحبان آن، اتفاق نظر دارند، جز دو فرد یاد شده و پیروان آن دو که می گویند: «نمی توان از صاحبان شفاعت در این جهان درخواست شفاعت نمود، بلکه باید گفت: خدایا! پیامبر را شفیع من قرار ده». اکنون این مسأله را بر کتاب خدا و سنت پیامبر عرضه می کنیم تا پرده از چهره حقیقت برداشته شود. حقیقت درخواست شفاعت چیست؟ شفاعت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و دیگر شافعان راستین در روز جزا، جز طلب مغفرت از خدا درباره گنهکاران امت چیز دیگری نیست، در این صورت، طلب شفاعت، در واقع طلب دعا از آنان خواهد بود و دعای آنان، در سایه قرب و مقامی که نزد خدا دارند، به هدف اجابت می رسد و طبعاً گنهکار مشمول مغفرت خدا می گردد. از طرفی، درخواست دعا از برادر مؤمن و فراتر از آن، از نبی گرامی کوچک ترین اشکالی ندارد، اگر ما می گوییم: «یا وجیهاً عند الله، اشفع لنا عند الله»، یعنی «ای کسی که در پیشگاه خدا جاه و مقامی داری، در نزد خدا درباره ما شفاعت کن {دعا کن خدا گناه ما را ببخشد یا حاجت ما را برآورده کند}». اصولاً «استشفاع» یعنی طلب شفاعت، در کتاب های حدیثی و تفسیری به معنی درخواست دعا وارد شده است؛ مثلاً بخاری، محدث معروف اهل سنت در صحیح خود، بابی را با این عنوان آورده است: «هرگاه مردم در هنگام قحطی از پیشوای خود بخواهند که برای آنان از خدا باران بطلبد، نباید درخواست آنان را رد کند». با توجه به این اصل، نباید درباره درخواست شفاعت که حقیقت آن درخواست دعاست، شک و تردید

کرد؛ زیرا درخواست دعا از مؤمن از امور پسندیده است، چه رسد به انبیا و اولیا. از این گذشته، برخی از یاران پیامبر از خود آن حضرت در زمان حیات و یا پس از درگذشت ایشان، درخواست شفاعت می کردند، اکنون نمونه هایی را یادآور می شویم: ۱. حدیث انس بن مالک ترمذی یکی از نویسندگان سنن چهارگانه، از انس بن مالک چنین نقل می کند: «از پیامبر درخواست کردم که در روز قیامت درباره من شفاعت کند. وی پذیرفت و گفت: من این کار را انجام می دهم. به پیامبر گفتم: شما را کجا جستجو کنم؟ فرمود: در کنار صراط» سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۱، حدیث ۲۴۳۳) انس با الهام از فطرت خود که درخواست شفاعت جز درخواست دعا چیز دیگری نیست، از پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله درخواست شفاعت می کند، و پیامبر نیز به او قول مساعد می دهد و هرگز تصور نمی کند که درخواست شفاعت، نوعی شرک است، و نیز او را از این درخواست باز نمی دارد. ۲. حدیث سواد بن قارب بن قارب از یاران رسول خداست. درباره پیامبر صلی الله علیه وآله اشعاری سروده و از او درخواست شفاعت می کند و می گوید: وَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ لَا ذُو شَفَاعَةٍ بَعْغِنَ فَتِيلاً عَنْ سَوَادِ بْنِ قَارِبٍ (اصابه ابن حجر، ج ۲، ص ۹۵، شماره ترجمه ۳۵۸۳: این درخواست را با طرق ششگانه نقل کرده است) ای پیامبر گرامی، در روز قیامت شفیع من باش؛ روزی که شفاعت دیگران به حال سواد بن قارب به مقدار رشته وسط هسته خرما، سودی نمی بخشد. ۳. حدیث ابوبکر وقتی پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله درگذشت، بدن مبارک او را با پارچه ای

پوشانیده، منتظر بودند که مسلمانان در کنار مسجد گرد آیند تا مراسم «تجهیز» و تغسیل و نماز و تدفین انجام گیرد. در این هنگام، وقتی ابوبکر وارد خانه پیامبر صلی الله علیه وآله شد، پارچه را از چهره پیامبر برگرفت، خود را روی پیکرش افکند. او را بوسید و چنین گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! تو در زندگی و پس از مرگ پاک و پاکیزه هستی. ما را ای محمد نزد خدایت یاد کن و ما را به خاطر داشته باش. (سیره حلبی، ج ۳، ص ۴۷۴، چاپ دارالمعرفه، بیروت) جمله های «اذکرنا عند ربک» جز درخواست شفاعت چیزی نیست. ۴. حدیث علی علیه السلام محدثان نقل می کنند آنگاه که پیامبر صلی الله علیه وآله درگذشت، علی علیه السلام مشغول تغسیل پیامبر گشت، به هنگام غسل دادن چنین گفت: «پدر و مادرم فدای تو باد! ما را نزد خدایت یاد کن و ما را به خاطر داشته باش) مجالس مفید، مجلس ۱۲، ص ۱۰۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۳۵» ۵. (حدیث نوجوان مصعب بن اسلمی نقل می کند: نوجوانی از خاندان ما به سوی پیامبر صلی الله علیه وآله آمد و به او گفت: من از تو چیزی می خواهم. پیامبر صلی الله علیه وآله: آن چیست؟ نوجوان: «از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که در روز قیامت درباره آنان شفاعت می کنی». پیامبر صلی الله علیه وآله: چه کسی تو را به این کار راهنمایی کرده است؟ نوجوان: هیچ کس. خودم به این فکر افتادم. پیامبر صلی الله علیه وآله: من در روز قیامت در حق تو شفاعت می کنم (مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۳۶۹، وی در این مورد

قضایای زیادی نقل کرده است) نمونه های این نوع قضایا فراوان است که نقل بیشترین آنها موجب اطاله سخن می گردد. ۴
آیا سوگند دادن خدا به مقام اولیا شرک نیست؟ سؤال: برخی در مقام توسل، مقامات انبیا و اولیا را در نظر گرفته و خدا را به
شایستگی های آنان، سوگند می دهند؛ مثلاً می گویند: خدایا! به حق رسول اعظم صلی الله علیه وآله بیمار مرا شفا بده، در
صورتی که هیچ کس بر گردن خدا حق ندارد، تا خدا را به حق آنان سوگند دهیم. پاسخ: مقصود از حق در این تعبیرها،
همان منزلت و مقام والایی است که آنها نزد خدا دارند، و اگر هم این منزلت، حق شمرده شود، حقی است که خدا به آنان
داده است و این مطلب، عین توحید است؛ زیرا خدا در برخی از موارد، بنده خود را ذی حق و خود را بدهکار معرفی می کند،
مثلاً می فرماید: «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصِيرُ الْمُؤْمِنِينَ». (روم / ۴۷) «یاری کردن افراد مؤمن حقی است بر ما». در حدیث نبوی وارد
شده است که فرمود: «بر خداست به کسی که به خاطر حفظ عفت، ازدواج کرده، کمک کند (سیوطی، جامع الصغیر، ص ۳۳.
(مراجعه به آیات و روایات روشن می کند که این نوع حقوق بندگان بر خدا، امری رایج در کتاب و سنت است. مقصود از
این که می گویند کسی بر خدا حقی ندارد، این است که هیچ کس بالذات بر خدا حقی ندارد، ولی این مانع از آن نیست که
خدا از روی تفضل و بزرگواری، افرادی را ذی حق معرفی کند و حتی از آنان وام بخواهد و بگوید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ

اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا». {۱} (حدید / ۱۱) «کیست که به خدا وام نیکو بدهد؟». در حدیث آموزش پیامبر صلی الله علیه وآله به فرد نابینا در بخش توسل خواندیم که پیامبر صلی الله علیه وآله به او آموخت که بگوید: اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ وَاتُوَجِّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. {کلمه بنیّک متعلق به دو فعل پیشین است: «أَسْأَلُكَ» و «أَتُوَجِّهُ اِلَيْكَ» و معنی جمله این است که خدایا من از تو به خاطر پیامبرت محمد صلی الله علیه وآله پیامبر رحمت، درخواست می کنم و به سوی تو روی می آورم. پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله هنگام دفن فاطمه بنت اسد در حق او چنین دعا کرد: «خدایا! مادرم فاطمه بنت اسد را ببخش و جایگاه او را گسترده و فراخ گردان، به حق پیامبرت و پیامبرانی که پیش از من بودند». (مستدرک حاکم: ۳ / ۱۰۸؛ حلیه الأولیاء: ۳ / ۱۲۱؛ استیعاب در حاشیه الاصابه: ۴ / ۳۸۲) در صحیفه سجادیه و دعاهایی که از ائمه اهل بیت به ما رسیده است، این نوع سوگند دادن به فراوانی از آنان نقل شده است، علاقه مندان می توانند به آنها مراجعه فرمایند.. ۵ نذر برای غیر خدا سؤال: شیعیان، بلکه گروهی از مسلمانان، برای اولیای الهی نذر می کنند و می گویند: این گوسفند نذر پیامبر صلی الله علیه وآله و یا حسین بن علی علیه السلام است، در حالی که نذر برای غیر خدا جایز نیست. پاسخ: نذر برای غیر خدا دو صورت دارد: ۱. نذر کردن برای بندگان خدا به نیت تقرب و جلب رضایت آنان {بدون توجه به خشنودی و یا خرسندی خدا}. روشن است چنین

رفتاری، نوعی شرک و به منزله بت پرستی است. ۲. نذر عملی خداپسندان به خاطر تقرب به خدا و جلب رضایت او و هدیه ثواب آن به یکی از اولیای الهی تا از این رهگذر خشنودی خدا به دست آید. بی شک، نذر کردن با چنین قصد و نیت پاک، کاری پسندیده و درخور ستایش است. آنچه موجب سؤال می شود، و احیاناً افراد را به اشتباه می اندازد، تشابه و یکسان بودن دو تعبیر در مقام نذر است. به حکم این که «نذر» یک امر عبادی است، باید برای تقرب به خدا صورت پذیرد و «ناذر» بگوید: یعنی برای کسب رضا و تقرب به خدا تعهد می کنم: اگر حاجت من برآورده شد، این گوسفند را برای پیامبر ذبح کنم. صیغه صحیح نذر این است که گفته شد، ولی غالباً مردم به خاطر ناآگاهی، یا خلاصه گویی می گویند: هذا للنبی، یا نذرتُ هذا للنبی. در هر حال مورد سؤال این است که چگونه برای پیامبر نذر می کنند و می گویند: للنبی، در حالی که نذر باید برای خدا باشد. پاسخ سؤال این است که «لام» در جمله «لله علی» برای تقرب است چنان که قرآن می فرماید: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْنَى وَفُرَادَى» سبأ / ۴۶ «(دو نفر دو نفر یا به تنهایی برای خدا قیام کنید)». در حالی که «لام» در «لله» لام «انتفاع» است چنان که در برخی آیات می خوانیم: «إِنَّمَا الصَّيَدَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ» (توبه / ۶۰) «(زکات برای تهی دستان و مستمندان است)». از اینجا روشن می شود عمل موحدان با عمل مشرکان، تفاوت جوهری دارد؛ آنان قربانی های خود را به نام بت ها و برای تقرب به آنان ذبح می کردند

و قرآن در این مورد می فرماید: «وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ» (مائده / ۳) «و آنچه برای بت ها ذبح می شود... این کار خروج از دین است».. در حالی که موحدان برای خدا نذر می کنند و نام او را به زبان می آورند، اما ثواب کار نیک خود را به اولیا هدیه می کنند و از این طریق به درگاه الهی تقرب می جویند. مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، مادرم از دنیا رفته است و می دانم اگر او زنده بود، صدقه می داد، اگر از طرف او صدقه بدهم او سودی می برد؟ رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: آری. آنگاه گفت: کدام یک از صدقه ها سود بیشتری دارد؟ فرمود: آب. در این هنگام، سؤال کننده چاهی کند و پس از آماده شدن گفت: «هذه لأُمِّ سعد»، «ثواب کردن این چاه برای مادر سعد باشد». لام در «لأُمِّ سعد» همان لام «للنبي صلی الله علیه و آله» است (فرقان القرآن، ص ۱۳۳) (که به اصطلاح «لام» انتفاع است نه لام تقرب. ولی روح نذر این است که برای تقرب به درگاه الهی متعهد شدم حیوانی را ذبح کنم و ثواب آن را به پیامبر اهدا کنم تا از این طریق، به درگاه خداوندی تقرب بجویم شاید خدا بیمارم را شفا دهد.. ۶ بزرگداشت موالید و وفیات اولیای خدا سؤال: بزرگداشت اولیای الهی در سالروز تولد و درگذشت آنها، امر نوظهوری است که در عصر صحابه نبوده و بعدها پیدا شده است. اکنون چگونه ما آن را انجام دهیم؟ پاسخ: تاریخ گواهی می دهد که از زمان های دور، مسلمانان جهان، روز ولادت

پیامبر گرامی را در هر سال جشن می گرفتند و خطیبان به ذکر مدایح آن حضرت می پرداختند. مبدأ این نوع جشن ها دقیقاً روشن نیست ولی صدها سال است که این گونه جشن ها در بلاد اسلامی رواج داشته و دارد. احمد بن محمد، معروف به قسطلانی {متوفای ۹۲ هـ}، از علمای مشهور قرن نهم، درباره جشن هایی که در ماه ولادت پیامبر انجام می گیرد، چنین می گوید: مسلمانان، پیوسته در ماه میلاد پیامبر جشن می گیرند. اطعام می کنند. شب ها به پخش انواع صدقات می پردازند. اظهار شادمانی کرده و نیکی ها را دو چندان می کنند. و به قرائت اشعاری در تهنیت ولادت آن حضرت می پردازند. برکات آن حضرت در هر سال نمایان می شود. رحمت خدا بر کسانی باد که شب های ماه، میلاد او را عید گرفته و دردی بر دردهای کسی که در قلب او مرض هست، می افزایند)) المواهب اللدنیة: ۱ / ۲۷ (حسین بن محمد بن حسن، معروف به «دیاربکری» {متوفای ۹۶۰ هـ} نیز، که از قضات مکه به شمار می رفت، در تاریخ خود می نویسد: مسلمانان پیوسته ماه میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله را جشن می گیرند. اطعام می کنند. شب ها صدقه می دهند. اظهار سرور و شادمانی می کنند. در نیکی به فقیران اصرار می ورزند. به خواندن مولودیه می پردازند و کرامات آن حضرت در هر زمانی نمایان می گردد) تاریخ الخمیس: ۱ / ۳۲۳ (این دو نصّ تاریخی که مربوط به قرن دهم است، نشان می دهد که بزرگداشت روز ولادت اولیای الهی در تاریخ اسلام، ریشه دیرینه داشته و علما و دانشمندان مسلمان بر این عمل صحه می نهاده اند و این عمل مفهومی جز اظهار مودت به ساحت پیامبر ندارد. با توجه به این اصل، دلیل شرعی این بزرگداشت را

متذکر می شویم: مهر ورزی و تکریم به پیامبر صلی الله علیه وآله یکی از اصول اسلام است موذت و مهر به پیامبر صلی الله علیه وآله دستور قرآنی است و هیچ فردی نمی تواند آن را انکار کند و بزرگداشت میلاد او تجسم بخشیدن به این اصل است و ما در این مورد به ذکر دو آیه بسنده می کنیم: ۱. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» توبه / ۲۴) «بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کسادی آن بیمناکید و سراهایی که می پسندید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست داشتنی تر است، پس منتظر باشید که خدا خواسته خود را محقق می سازد و خدا فاسقان را راهنمایی نمی کند». این آیه به روشنی بیان می کند که دوستی پیامبر در کنار دوستی خدا از واجبات الهی است، هر چند این دوستی مقدمه ای است برای عمل به شریعت و احکام او، ولی در عین حال، عمل به شریعت از گذرگاه مهر پیامبر صلی الله علیه وآله می گذرد. ۲. در آیه دیگر مؤمنان را چنین توصیف می کند: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (اعراف / ۱۵۷) «آنان که به پیامبر صلی الله علیه وآله ایمان آورده و به تکریم او پرداخته و او را یاری می رسانند و از نوری که همراه وی فرود آمده پیروی می کنند، آنان همان رستگارانند».

این آیه به مسلمانان، چهار دستور می دهد: ۱. «آمنوا به»: به پیامبر ایمان بیاورند. ۲. «عزروه»: به تکریم و تعظیم او بپردازند. ۳. «ونصروه»: در سختی ها او را یاری کنند. ۴. «واتبعوا النور الّذی أنزل معه»: از قرآنی که با او فرستاده شده، پیروی کنند. با توجه به این دو آیه که مهر پیامبر و تکریم او را از فرائض می داند، اکنون سؤال می شود، آیا گردهمایی مسلمانان در روز تولد پیامبر تحقق بخشیدن به این دو آیه هست یا خیر؟ به طور مسلم، آری. و هر فردی که از این مجالس دیدن کند، آن را نوعی اظهار مهر و مودت و تکریم و تعزیز می داند. بنابراین، عمل مسلمانان ریشه قرآنی و اصل آسمانی دارد. در این صورت طبعاً بدعت نخواهد بود. بدعت آن کار نوظهوری است که در قرآن و سنت برای آن اصل و اساسی نباشد. خدا در سوره «انشراح» یاد آور می شود که ما پیامبر صلی الله علیه و آله را بلند آوازه کردیم، چنان که می فرماید: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ». (انشراح / ۴) «آیا ما نامت را بلند آوازه نساختیم؟». این آیه حاکی است که ترفیع پیامبر صلی الله علیه و آله و بلند آوازه کردن او، یکی از نعمت های الهی بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. یکی از ابزار «ترفیع پیامبر»، نکوداشت میلاد او است و شادمانی به دور از هر نوع لهو و گناه در روز ولادت، همگی نوعی ترفیع نبی صلی الله علیه و آله و بلند آوازه کردن اوست. حضرت مسیح علیه السلام روز نزول مائده سماوی را برای یارانش عید معرفی می کند و می فرماید: «رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ

لَنَا عِيدًا لِأَوْلَانَا وَآخِرِنَا وَآيَةِ مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». (مائده / ۱۱۴) «پروردگارا! از آسمان خوانی برای ما فرود آر تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه ای از جانب تو باشد و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی». به راستی اگر روز نزول مائده {که نعمتی محدود و زودگذر است} استحقاق جشن گرفتن آن روز در تمام سال ها را دارد، چرا و چگونه ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله یا روز مبعث او {که نعمت بزرگ و جاویدان الهی برای بشریت است} استحقاق چنین جشن و سروری را نداشته باشد؟! بنابراین، هرگاه مسلمانان در هر روز و شبی و هر ماه و سالی مجلسی تشکیل دهند و در آن، فضائل و مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله را یادآور شوند و آیاتی که در حق او وارد شده تلاوت کنند و اشعاری را در مدح او بسرایند، در حقیقت فرمان خدا را در زمینه مهرورزی و تکریم و ترفیع وی به اجرا درآورده اند و علت این که تنها روز ولادت را برای این کار اختصاص می دهند، این است که وجود او و تولد او نعمت بزرگی بود. به همین مناسبت در این روز به آن کار می پردازند، بدون این که جشن در خصوص آن روز را به شرع مقدس نسبت بدهند، بلکه انتخاب آن روز نوعی گزینش است و ارتباطی به شرع ندارد. ۷ زیارت قبور پاکان سؤال: آیا زیارت قبور پاکان مستحب است؟ پاسخ: زیارت قبور پاکان، بلکه زیارت وادی خاموشان در هر شهر و روستا، آثار سازنده ای دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم: دیدار

از این وادی، که نشانگر «عجز ذاتی» انسان و زوال قدرت‌ها و مکنات‌های مادی است، آثار سازنده و حیات بخش دارد. انسان هوشمند، با مشاهده این وضع رقت‌بار، ناپایداری جهان را از نزدیک لمس کرده و در مقام چاره‌جویی برمی‌آید و با درک «هدفداری جهان آفرینش» خود را از گرداب غفلت و خودخواهی بیرون می‌کشد و به اندیشه تحصیل سعادت اخروی و «حیات جاوید» می‌افتد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر این نکته تربیتی انگشت نهاده، می‌فرماید: «به زیارت قبور بروید که مایه یاد سرای آخرت است.» سنن ابن ماجه: ۱ / ۵۰۰، حدیث ۱۵۶۹ (و در دیگر سخن خود می‌فرماید: «به زیارت قبور بروید زیرا در آن برای شما درس عبرت است.» (کنز العمال: ۱۵ / ۶۴۷، حدیث ۴۲۵۵۸) آنچه گفته شد درباره زیارت قبور افراد عادی است، ولی بالاتر از آن، زیارت تربت شهیدان است. زیارت تربت مجاهدانی که با خون خویش از شرف و عزت ملتی دفاع کرده و در راه پاسداری از آرمان‌های بزرگ انسانی و الهی جان باخته‌اند، مفهومی فراتر از زیارت قبور عادی دارد. حضور بر تربت شهیدان راه حق، علامه بر آثار سازنده روحی و تربیتی، نوعی پیمان بستن با آنان است. شخص زائر، با این حضور اعلام می‌دارد که به راه شهیدان وفادار است و آرمان مقدس و ارزشمندشان را پاس می‌دارد. برای روشن شدن بیشتر مطلب، به یک مثال زنده توجه می‌دهیم: زائر خانه خدا پیش از طواف، «حجر اسود» را استلام می‌کند و با گذاردن دست بر آن، با ابراهیم خلیل علیه السلام بیعت می‌کند که در «توحید» ثابت قدم باشد و در نشر آن سعی

و تلاش نماید، ولی چون دست زائر به قهرمان توحید نمی رسد، به اثر بازمانده از او، دست نهاده و مراسم بیعت را انجام می دهد. در احادیث اسلامی وارد شده است که زائر خانه خدا به هنگام استلام حجر چنین بگوید: «امانتی که بر ذمه ام بود ادا کردم و بیعت خود را تجدید نمودم تا به ادای آن گواهی دهی». (وسائل الشیعه: ۱۰ / ۴۰۰، باب ۱۲ از ابواب طواف، حدیث ۱) زیارت قبور شهیدان سرزمین بدر و احد و کربلا و دیگر عزیزان خفته به خون، نیز ترسیم گر این حقیقت است و زائران این مَشاهد با حضور در برابر ضریح و قبر آنان و فرستادن درود بر روان پاکشان، تعهد می کنند که تداوم بخش راه ایشان باشند. و به دیگر سخن، زیارت قبر شهید نوعی تکریم و احترام به اوست و از آنجا که شهید، کشته آرمان ها و ایده های خویش است، هر کس نیز به شهید

احترام گذارد در حقیقت آرمان او را مقدس شمرده و خود را پیرو راه و مرام وی دانسته است. حضور در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله حضور در حرم رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا جانشینان پاک او علیهم السلام نیز، علاوه بر تقدیر و سپاس از فداکاری ها و جانفشانی های آنان در هدایت خلق، حکم نوعی بیعت با ایشان را دارد. امام هشتم علیه السلام در یکی از سخنان خود درباره زیارت بارگاه معصومین علیهم السلام چنین فرمود: «هر امامی عهد و میثاقی بر ذمه دوستان و شیعیان خویش دارد و زیارت قبور امامان، بخشی از عمل به این تعهد است». (وسائل الشیعه: ۱۰ / ۳۴۶، باب ۴۴ از

ابواب مزار، حدیث ۲) در واقع، شخص زائر هنگام زیارت قبر پیامبر و امامان علیهم السلام با آنها پیمان می بندد که در زندگی، جز راه و رسم آنان، روشی را تعقیب نکند. زائر حرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِزِيَارَتِهِ حَالِ چنين می گوید: ای رسول خدا، اگر مهاجر و انصار در حُدیبیه با تو بیعت کردند که از حریم رسالت دفاع کنند (لَقَدْ رَضِيَ اللهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ... " {فتح / ۱۸}) و اگر زنان با ایمان مکه با تو بیعت کردند که از شرک و گناه بپرهیزند (إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ " {ممتحنه / ۱۲}) (و اگر مؤمنان گنهکار دستور یافته اند که به حضور تو رسیده و از تو درخواست کنند که در حق آنان طلب آمرزش کنی، (ولو أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهُوا إِلَيْهِ اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا " {نساء / ۶۴}) (من نیز ای رسول گرامی، و ای شفیع امت، با حضور در حرمت و استلام تربت، با تو بیعت می کنم که پاسدار آرمان هایت باشم و از شرک و دیگر گناهان دوری جویم و در ازای این عمل، از تو می خواهم که برایم از درگاه الهی طلب آمرزش کنی. از آنجا که استحباب زیارت قبور در تمام مذاهب فقهی، امری مستحب است، دیگر به نقل روایات آن نمی پردازیم حتی خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ گاهی قصد بقیع می کرد و هرگاه وارد این سرزمین می شد، آنان را چنین خطاب می نمود: «درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان، خداوند آنچه را به شما وعده داده فردا به شما عطا فرماید. شما

میان مرگ و رستاخیز به سر می برید و ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! اهل بقیع را بیامرزا!». (صحیح مسلم: ۳ / ۶۳، کتاب جنائز) ۸ زنان و زیارت قبور و پاسخ به دو پرسش سؤال: آیا زیارت قبور برای زنان، ممنوع نیست؟ پاسخ: زنان و مردان، در زیارت قبور عزیزان خود و یا اولیای الهی، حکمی یکسان دارند؛ زیرا احکام اسلام درباره زن و مرد یکی است، مگر آنجا که دلیلی بر اختصاص باشد و در مورد زیارت زنان نه تنها دلیلی بر اختصاص نیست، بلکه دلیل بر یکسان بودن هر دو جنس وجود دارد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در خطاب خود به جامعه اسلامی می فرماید: «به زیارت قبور بشتابید، زیرا مایه یاد آخرت است». (سنن ابن ماجه: ۱ / ۵۰۰، حدیث ۱۵۶۹) و در حدیث دیگر می فرماید: «به زیارت قبور بروید؛ زیرا در این عمل برای شما درس عبرت است». (کنز العمال: ۱۵ / ۶۴۷، حدیث ۴۲۵۵۸) درست است که این خطاب، به گواهی مذکور بودن صیغه، خطاب متوجه مردان است ولی همان طور که همگی می دانند کلیه خطاب های قرآن و حدیث که به ظاهر متوجه طبقه مرد است، زنان را نیز شامل می شود، مگر اینکه دلیل بر عدم اشتراک باشد و لذا آیاتی که مردم را به نماز و زکات دعوت می کند، هر چند که خطاب به مردان است، ولی زنان را نیز شامل می شود، چنان که می فرماید: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ». (بقره / ۱۱۰) «نماز بپا دارید، زکات بدهید، آنچه که قبلاً به عنوان خیر برای خویش می خواستید، نزد خدا آن را می یابید». خطاب در آن

آیات از نظر قواعد عربی متوجه مردان است ولی نتیجه حکم از آن هر دو گروه است. نتیجه این که: خطاب در هر دو حدیث به عنوان «زوروا القبور» هر چند متوجه مردان است ولی نتیجه آن همگانی است. گذشته از این حدیث، روایات دیگری بر جایز بودن زیارت برای زنان گواهی می دهد. اکنون به نقل این روایات می پردازیم: ۱. مسلم در صحیح خود از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند: جبرئیل فرود آمد و به من گفت: پروردگارت فرمان می دهد به زیارت اهل بقیع بشتابید و در حق آنان طلب آموزش بکنید. پیامبر از رختخواب خود برخاست و به سوی بقیع رفت. عایشه نیز به تعقیب پیامبر صلی الله علیه وآله پرداخت. در این هنگام به پیامبر گفت: من چگونه اهل بقیع را زیارت کنم؟ پیامبر فرمود: بگو درود بر اهالی این سرزمین؛ از مؤمنان و مسلمانان. خدا گذشتگان و آیندگان را رحمت کند (صحیح مسلم: ۳ / ۶۴، باب " ما یقال عند دخول القبور والدعاء لأهلها"، از کتاب الجنائز) محور استدلال، آموزش کیفیت زیارت بر عایشه است. اگر زیارت قبور برای زنان حرام بود، چگونه پیامبر چگونگی زیارت را بر همسر خود آموخت. گذشته از این، آنگاه که عایشه این سرگذشت را برای زنان دیگر نقل می کند، تلقی همگان این است که زیارت بقیع بر همه آنان جایز است و همسر او و دیگر زنان مؤمن در برابر حکم الهی یکسان می باشند. ۲. فاطمه {علیها السلام} دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه وآله و یکی از آل عبا علیهم السلام پس از درگذشت پدر، به زیارت قبر عموی خود در احد می رفت و

در کنار قبر او دو رکعت نماز می گزارد و گریه می کرد. حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می گوید: راویان این حدیث همگی ثقه و عادل اند و از این نظر با راویان صحیح بخاری و مسلم فرقی ندارند) مستدرک حاکم: ۱ / ۳۷۷، چاپ دارالمعرفه) ۳. ترمذی از عبدالله بن ابی ملیکه نقل می کند: وقتی عبدالرحمان فرزند ابو بکر در نقطه ای به نام «حُبشی» درگذشت، جنازه او را به مکه حمل کرده و در آنجا به خاک سپردند. بعدها که خواهر او، عایشه، به مکه آمد به زیارت قبر «عبدالرحمان» رفت و دو شعر، که حاکی از شدت تأثر او بود، بر سر مزار برادر خواند (سنن ترمذی: ۳ / ۳۷۱، ح ۱۰۵۵. ۴. بخاری می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله زنی را در کنار قبری دید که گریه می کند، به وی فرمود: خوددار باش و در فراق عزیزان صبر کن) صحیح بخاری: ۲ / ۹۳، باب "قول الرجل للمراه عند القبر، اصبری"، از کتاب الجنائز (بخاری دنباله حدیث را نقل نکرده، ولی ابوداود در سنن خود حدیث را اینگونه ادامه داده است: آن زن پیامبر را نشناخت و به او اعتراض کرد و گفت: تو با مصیبت من چه کار داری. در این هنگام زنی که در کنار او بود، به او گفت: این مرد را شناختی؟ او پیامبر صلی الله علیه و آله بود آن زن برای جبران کار خود، به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و به ایشان عرض کرد: ای رسول گرامی، مرا ببخش، شما را نشناختم. پیامبر به او فرمود: بردباری در مصیبت، شایسته است (سنن ابی داود: ۳ / ۱۹۲، ح ۳۱۲۳) اگر زیارت

قبر عزیزان حرام بود پیامبر به جای دستور صبر، آشکارا به او می گفت: کار تو حرام است در حالی که دستور به صبر در مصیبت داد، نه دوری از قبر. پاسخ به دو پرسش گروهی زیارت را بر زنان تحریم کرده و به دو حدیث یاد شده در زیر استدلال می کنند: ۱. «خدا زنان زائر قبور را از رحمتش دور کند» (سنن ابن ماجه: ۱ / ۵۰۳، حدیث ۱۵۷۶؛ سنن ابی داود: ۳ / ۲۱۸، حدیث ۳۲۳۶ و در دومی به جای "زوارات"، "زائرات" آمده است (. پاسخ این حدیث فاقد شرط لازم بر استدلال است؛ زیرا به دلایل پیشین باید آن را منسوخ دانست و اتفاقاً برخی از محدثان از اهل سنت آن را منسوخ دانسته اند؛ مثلاً ترمذی ناقل حدیث می گوید: این حدیث مربوط به دوران پیش از تجویز زیارت قبور است و وقتی پیامبر زیارت قبور را بر همگان تجویز کرد، زن و مرد در برابر آن یکسان گشته اند (سنن ترمذی: ۳ / ۳۷۱، باب ما جاء من الرخصة فی زیارة القبور. که این واژه صیغه مبالغه است) قرطبی می گوید: این حدیث مربوط به زنانی است که بیشتر وقت خود را در قبرستان ها گذرانده و از این طریق حقوق شوهر خود را پایمال می سازند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله واژه «زوارات» به کار برده و همه ما می دانیم ۲. ابن ماجه از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و زنانی را در حال نشسته مشاهده کرد و فرمود: برای چه نشسته اید؟ گفتند: منتظر جنازه هستیم. فرمود: غسل خواهید داد؟ گفتند: نه. فرمود: حمل خواهید کرد؟ گفتند: نه. فرمود:

آن را وارد قبر خواهید کرد؟ گفتند: نه. فرمود: برگردید، از گناه کارانید، نه دارندگان پاداش) فتح الباری: ۳ / ۱۴۸، باب ۳۱، زیاره القبور، حدیث ۱۲۸۳ (پاسخ این حدیث از نظر سند و دلالت قابل استدلال نیست؛ زیرا در سند آن، «دینار بن عمرو» وارد شده که از نظر راوی شناسان، مجهول، کذاب، متروک و خطاکار معرفی شده است. آیا حدیثی که راوی آن تا این حد ضعیف باشد، می توان به آن استدلال نمود؟ همچنین مضمون آن بر فرض صحت سند ارتباطی به زیارت قبور ندارد؛ زیرا نکوهش پیامبر متوجه زنانی بود که برای انجام فریضه یا مستحبی به قبرستان نمی آمدند و این ارتباطی به زیارت قبور ندارد. نکته ای که تذکر آن ضروری می نماید آن است که اسلام دین فطرت و دین سهل و سبب است و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود: آیین اسلام آیین استواری است و با آن به رفق و مدارا وارد شوید (انّ هذا الدین متین، فأوغل فیه برفق. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۹۹. ۹) مادر مؤمنی که فرزند رشید خود را از دست داده و جسد او را زیر خروارها خاک دفن کرده اند و قلب او سوزان است، تنها چیزی که می تواند او را تسلی دهد زیارت قبر فرزند است. در این صورت بازداشتن مادر از چنین عمل عقلایی که در همه جهان رواج دارد، مایه فشار روحی وی خواهد بود. آیا ممکن است شریعت اسلام از چنین عملی نهی کند، آنگاه دین را سهل و آسان بنامد؟! اصولاً زیارت قبور جنبه عبرت آموزی و یادآوری آخرت دارد و با قرائت قرآن و فاتحه بر عزیزان همراه است،

چگونه می توان زنان را از این فیض محروم کرد؟ و به دیگر سخن، فلسفه زیارت قبور، که یادآوری آخرت و مایه عبرت است، قابل تخصیص نیست. البته زیارت قبور باید از هر نوع گناه و خلاف پیراسته باشد و اگر به فرض، نهی هم در کار بوده، شاید برای این بوده که در آن زمان، زنان این شرایط را رعایت نمی کردند. ساخت بنا بر روی قبور سؤال: آیا بنا، بر روی قبور جایز است؟ پاسخ: مشروعیت بنا بر قبور پاکان را از راه های گوناگون می توان ثابت کرد. اکنون به مواردی از آنها اشاره می کنیم: ۱. سیره سلف صالح در حفظ قبور پیامبران تاریخ گواهی می دهد که ساخت و حفظ بنا بر روی قبور اولیا و انبیا سنت دیرینه انسانی بوده و قبل از طلوع ستاره اسلام، قبور انبیای بنی اسرائیل و غیره، همگی دارای بنا بوده است و روزی که مسلمانان این مناطق را در فلسطین و اردن و شام فتح کردند، در حفظ و صیانت آنها کوشیدند و تا به امروز به همان حالت باقی مانده است. مسلمانان نه تنها خدشه ای بر این بناها وارد نکردند، بلکه در تعمیر و نوسازی آنها و گماردن افرادی برای خدمت و حفاظت، اهتمام ورزیدند. ۲. حفظ آثار، حفظ اصالت ها است اصولاً در حفظ آثار، به خصوص آثار پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، مانند مدفن وی و قبر همسران و فرزندان و صحابه و یاران او و خانه هایی که در آنجا زندگی کرده و مساجدی که در آنها نماز گزارده، فایده عظیمی است که طی مقدمه ای به آن اشاره می کنیم. امروز پس از گذشت بیست قرن از میلاد

مسیح، وجود مسیح علیه السلام و مادر او مریم و کتاب او انجیل و یاران و حواریون او، در غرب به صورت افسانه تاریخی درآمده است که گروهی از شرق شناسان در وجود چنین مرد آسمانی، به نام مسیح که مادرش مریم و کتاب او انجیل است، تشکیک کرده و آن را افسانه ای به سان «مجنون عامری» و معشوق وی «لیلی»، تلقی می کنند که زاییده پندارها و اندیشه هاست، چرا؟ به خاطر این که یک اثر واقعی ملموس از مسیح در دست نیست؛ مثلاً به طور مشخص، نقطه ای که او در آن متولد گردید و خانه ای که زندگی کرد و جایی که در آن به عقیده نصاری به خاک سپرده شد، معلوم و روشن نیست. کتاب آسمانی او نیز دستخوش تحریف گردیده و این اناجیل چهارگانه، که در آخر هر کدام جریان قتل و دفن عیسی آمده است، به طور مسلم مربوط به او نیست و بی تردید پس از وی تدوین شده اند. از این جهت بسیاری از محققان آن ها را از آثار ادبی قرن دوم میلادی دانسته اند. ولی اگر تمام خصوصیات مربوط به او محفوظ می ماند، به روشنی بر اصالت او گواهی می داد و برای این خیال بافان و شکاکان، جای تشکیک باقی نمی گذارد. ولی مسلمانان آشکارا خطاب به مردم جهان می گویند: هزار و چهارصد سال قبل در سرزمین حجاز مردی برای رهبری جامعه بشری برانگیخته شد و در این راه موفقیت بزرگی به دست آورد؛ و تمام خصوصیات زندگی او محفوظ است، بی آن که کوچک ترین ابهامی در زندگی آن بزرگ مرد مشاهده گردد. حتی خانه ای که او در آن متولد شده مشخص است و این

کوه حرا است که وحی در آنجا بر او نازل می گردید و این مسجد او است که در آن نماز می گزارد و این خانه ای است که در آنجا به خاک سپرده شد و اینها خانه های فرزندان و همسران و بستگان او است و این قبور فرزندان و اوصیا و خلفا و همسران او می باشد و... اکنون اگر همه این آثار را از میان ببریم، طبعاً علایم وجود و نشانه های اصالت او را از بین برده ایم و زمینه را برای دشمنان اسلام آماده ساخته ایم. بنابراین ویران کردن آثار رسالت و خاندان عصمت، علاوه بر این که نوعی هتک و بی احترامی است، مبارزه با مظاهر اصالت اسلام و اصالت رسالت پیامبر نیز می باشد. آیین اسلام، آیین ابدی و جاودانی است و تا روز قیامت آیین هدایت برای انسان ها می باشد. نسل هایی که پس از هزاران سال می آیند، باید به اصالت آن، اذعان کنند. لذا برای تأمین این هدف، باید پیوسته تمام آثار و نشانه های صاحب رسالت را حفظ کنیم و از این طریق گامی در راه بقای دین در اعصار آینده برداریم و کاری نکنیم که نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سرنوشت آیین حضرت عیسی علیه السلام دچار گردد. ۳ ترفیع خانه های پیامبران قرآن مجید، در آیه معروف به آیه «نور»، نور خدا را به چراغی پرفروغ تشبیه می کند که ب سان ستاره فروزان می درخشد. آنگاه در آیه بعدی جایگاه این مشعل فروزان را بیوتی می داند که در آنها مردانی وارسته، صبح و شام خدا را تسیح می گویند، آنجا که می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)...». نور /

۳۷) «[این چراغ فروزان] در خانه‌هایی روشن است که خدا رخصت داده که قدر و منزلت آنها والا گردد و نام او در آنها یاد شود، در آن خانه‌ها بامدادان و شامگاهان تسبیح خدا می‌گویند». اکنون باید دید مقصود از آن بیوت چیست؟ مسلماً بیت غیر از مسجد است؛ زیرا بیت از بیتوته، به معنی شب را به پایان رساندن است و اگر به مسکن انسان بیت می‌گویند، از آن روست که انسان در آنجا شب را به صبح می‌رساند. قرآن، هر جا که درباره معبد و پرستشگاه جمعی مسلمانان سخن می‌گوید، لفظ «مسجد» یا «مساجد» را به کار می‌برد و لذا این واژه در قرآن ۲۸ بار به صورت جمع و مفرد به کار رفته است، در حالی که هرگاه قرآن از «مسکن» و «ماوی» سخن به میان آورد، از واژه «بیت» به صورت جمع یا مفرد بهره می‌گیرد. لذا این واژه ۶۶ بار در قرآن در همین مورد به کار رفته است. نتیجه این که در زبان قرآن «بیت» و «مسجد»، مصداقاً یکی نبوده، و یکی شمردن آن دو، مدعایی بی دلیل است. به طور مسلم، مقصود از این بیوت، بیوت انبیا و اولیا و انسان‌های وارسته است که در آنها، صبح و شام، خدا را تسبیح می‌گویند. جلال‌الدین سیوطی، از انس بن مالک نقل می‌کند: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» را در مسجد تلاوت کرد، فردی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به پا خاست و پرسید: مقصود از این خانه‌ها چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران.

در این هنگام ابوبکر برخاست و گفت: ای پیامبر خدا، این خانه {اشاره به خانه علی و فاطمه {علیهما السلام}} از همین خانه هاست که خدا رخصت بر رفعت و بالا بردن منزلت آنها داده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری از برترین آنهاست». (الدر المنثور: ۶ / ۲۰۳) تا این جا روشن شد که مقصود از بیوت خانه های پیامبران است نه مساجد، اکنون باید دید مقصود از رفع چیست؟ در اینجا دو احتمال است: ۱. مقصود از رفع، رفع حسی است. ۲. مقصود از رفع، رفع معنوی است. بنابر احتمال اول، مقصود، بالا بردن دیوارها و زدن سقف است، چنان که در آیه می فرماید: «رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (نازعات / ۲۸) ولی چون قرآن درباره بیوتی سخن می گویند که دیوار و سقف دارند طبعاً مقصود از «ترفیع»، رفع معنوی است؛ یعنی رفعت و منزلت و بزرگداشت آنها و یکی از مظاهر ترفیع این بیوت آن است که از هر نوع آلودگی حفظ و به هنگام فرسودگی تعمیر شوند. این ویژگی ها به پاس حضور مردان بزرگی است که در آن خانه ها به راز و نیاز پرداخته و خدا را یاد می کنند و داد و ستد، آنان را از بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد. به پاس وجود این شخصیت ها، خدا اذن داده است که به این آثار، از دیده تعظیم و تکریم نگریسته شود و از ویرانی و آلودگی صیانت گردد. همگی می دانیم که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در خانه خود به خاک سپرده شد؛ یعنی در آن نقطه ای که خدا را یاد می کرد و ستایش می نمود. خانه وی، به حکم

این آیه، دارای ارج و احترام بوده و هر نوع ایجاد ویرانی و تخریب و ایجاد آلودگی در آن، دور از شأن آن و بر خلاف دستور قرآن است. بلکه بخشی از بیوت مدینه مدفن و آرامگاه شخصیت های بزرگی است: ۲. "سقف آن را برافراشت و آن را منظم ساخت" (نازعات / ۲۸) و بنابر روایت صحیح ۱، حضرت زهرا {علیها السلام} در خانه خود که تاکنون نیز موجود است به خاک سپرده شد. حضرت هادی و حضرت عسکری {علیهما السلام} نیز در خانه هایی که خدا را پرستش می کردند به خاک سپرده شدند. در این صورت این خانه ها به تصریح آیه، دارای منزلت و رفعت هستند و تخریب آنها با مفاد این آیه ناسازگار است.

در محله بنی هاشم مدینه، تا چندی قبل خانه های حسنین و مدرسه امام صادق علیه السلام برپا بود و نگارنده خود در سال ۱۵هـ. ش به زیارت این بیوت تشریف یافتیم، ولی متأسفانه به عنوان توسعه مسجد نبوی همه این آثار نابود گردید، در حالی که توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله با حفظ این آثار منافاتی نداشت. ۴. صیانت قبور، نشانه مهر و محبت است دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او از اصول مؤکد اسلام است و آیات و روایاتی بر این مورد گواهی می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه چیز است که هر کس آن را دارا باشد، مزه شیرین ایمان را می چشد. یکی از آنها این است که خدا و پیامبر او، نزد انسان از همه چیز محبوب تر باشند...». (جامع الاصول: ۱ / ۳۷، حدیث ۲۲) به حدیث های ۲۰ و ۲۱ نیز مراجعه شود {

مهر ورزیدن به پیامبر صلی الله علیه و آله روش های گوناگونی دارد که به برخی اشاره می کنیم: نشر سخنان و برنامه های آنها. حفظ و صیانت آثار و یادگارهای آنان. بنای یادبود بر قبور آنان. همه این امور، نوعی مهرورزی به آنان شمرده می شود. ترمذی در سنن خود نقل می کند که: «پیامبر صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین {علیهما السلام} را گرفت و فرمود: هر کس مرا و این دو کودک و پدر و مادر آنها را دوست بدارد، روز رستاخیز با من هم رتبه خواهد بود». {جامع الاصول: ۹ / ۱۵۷، حدیث شماره ۶۷۰۶} همگی می دانیم سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین بقیع و سبط اصغر وی در کربلا به خاک سپرده شده اند و مرقدشان پیوسته زیارتگاه مسلمانان بوده و خواهد بود. ساختن هر نوع سایبان برای حفاظت از تربت پاک آنان نوعی ابراز محبت به دو سبط بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله است و این عمل همان پاداش را خواهد داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله در روایت فوق متذکر شده است. امروز ملل زنده جهان سعی می کنند که یاد شخصیت های ملی و مذهبی خویش {سیران نظامی، سیاسی و اصلاح گران عرصه فرهنگ} را به اشکال گوناگون زنده نگه دارند و بدین خاطر پیکر آنان را با عظمت تشییع می کنند و در محلی با صفا تحت بنای مجللی به خاک می سپارند تا آیندگان نیز همچون نسل حاضر، شخصیت های مزبور را همواره مدنظر داشته و گرامی بدانند، ما مسلمانان نیز بایستی با شیوه های گوناگون {ساختن آرامگاه، بنای یادبود و غیره} شخصیت های برتر و بی نظیر خویش را پاس بداریم. با توجه

به این ادله: الف. سیره سلف صالح در حفظ قبور انبیای پیشین. ب. صیانت آثار، حفظ اصالت ها است.. ج. حفظ ابنیه مربوط به اولیا نوعی ترفیع بیوت آنها است. د. حفظ آثار اولیا مظهر مهر و موّدت آنها است. برای احدی جای شک و تردید باقی نمی ماند که بنای بر قبور، نه تنها مشکل شرعی ندارد، بلکه امری مطلوب و مرغوب است. حدیثی از امام صادق علیه السلام در تعمیر قبور اولیا امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش و او از حسین بن علی و او از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! تو را در سرزمین عراق می کشند و در آنجا به خاک سپرده می شوی. علی علیه السلام می گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: کسانی که قبرهای ما را زیارت کنند و در آبادی آن بکوشند و پیوسته به آنجا رفت و آمد نمایند، چه پاداشی دارند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوالحسن! خدا مرقد تو و مرقد فرزندان تو را بخشی از سرزمین بهشت و قسمتی از خاک آن قرار داده است و خدا دل های انسان های بزرگوار و برگزیده از بندگان خود را به شما علاقه مند ساخته است. آنان اذیت و آزار را در راه شما پذیرا می شوند. قبور شما را آباد می کنند و آن هم برای تقرب به خدا و اظهار دوستی به پیامبر صلی الله علیه و آله (شیخ طوسی تهذیب الاحکام ۶ / ۲۲، حدیث ۵) نماز گزاردن نزد قبور اولیا سؤال: آیا نماز و دعا در کنار قبر انبیا و اولیا مشروع

است؟ پاسخ: از جمله مسائلی که وهابیان به آن حساسیت خاصی دارند، دعا نزد قبور اولیا و نماز خواندن در آن مکان ها است. (وسایل الشیعه: از ابواب مزار، باب ۲۶، حدیث ۱ لطفاً دنباله حدیث را مطالعه فرمایید.) مدتی این مسأله به عنوان عمل مکروه در میان آنان تلقی می شد. این مسأله به مرور زمان از مرحله مکروه به مرحله ممنوع سپس به مرحله شرک رسیده است. اکنون این مسأله را بر قرآن و سیره مسلمین عرضه می کنیم تا حکم آن روشن شود. ۱. قرآن به زائران خانه خدا دستور می دهد که در مقام ابراهیم نماز بگذارند و می فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأُمَّنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ...» (بقره / ۱۲۵) «آنگاه که کعبه را زیارتگاه مردم و جایگاهی امن قرار دادیم، و از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود برگزینید.» اکنون سؤال می شود: چرا خدا فرمان می دهد که از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود انتخاب کنند. آیا مطلب جز این است که می خواهد. از جای آن معلّم توحید، تبرک جویم؟ در این صورت آیا میان مقام ابراهیم و مقام پیامبر اسلام، تفاوتی هست؟ ویا میان مقام پیامبران و آرامگاه آنان که اجساد آنان را در برگرفته، فرقی هست؟ ۲. طبق احادیث، پیامبر گرامی در شب معراج، در مدینه و طور سینا و بیت لحم فرود آمد و در آنجا نماز خواند جبرئیل به او گفت: ای پیامبر خدا، می دانی کجا نماز خواندی؟ تو در «طیبه» نماز خواندی که به آنجا هجرت خواهی کرد. و در طور سینا نماز گزاردی که خدا در آنجا با موسی سخن گفته است؛ و در بیت لحم نماز گزاردی که

عیسی در آنجا متولد شده است (جلال الدین سیوطی، خصائص کبری، ۱ / ۱۵۴) (آیا با توجه به این حدیث می توان بین زادگاه و آرامگاه تفاوتی قائل شد؟ یا این که آن آیه و این روایت همگی به یک ضابطه کلی اشاره می کنند و آن این که زمینی که با بدن رجال توحید و مردان خدا در تماس بوده و هست؛ جای مبارکی است و چه بهتر که انسان در آن نقطه خدا را عبادت کند و همه می دانیم، پرستش در این جایگاه ها، عبادت انسان ها نیست، بلکه پرستش خدا در اماکن متبرک است. گاهی تلاش های یک انسان صبور و یک زن باایمان، سبب می شود که جای پای او، عبادتگاه شود و انسان ها در آن نقطه خدا را پرستش کنند، مانند هاجر مادر اسماعیل که چون در راه خدا صبر کرد و رنج ها را تحمل نمود، خدا جای پای او را محل عبادت قرار داد و فرمان داد که زائران خانه خدا، بین صفا و مروه سعی کنند، همچنان که هاجر سعی کرده بود. اگر صبر و بردباری این بانوی بزرگ سبب شده است که جایگاه قدم های او متبرک و محل عبادت زائران خدا گردد، چرا جایگاهی که پیکر مطهر نبی اعظم صلی الله علیه و آله را در بر گرفته، مبارک و مقدس نباشد، در حالی که او بیش از «هاجر» در راه خدا متحیل مصائب و مشکلات شده است! شگفت اینجاست که ابن قیم، شاگرد ابن تیمیه، ناخود آگاه به این حقیقت اعتراف کرده است. وی می گوید: سرانجام، بردباری هاجر و فرزند او بر دوری و تنهایی و آمادگی مادر برای ذبح فرزند، به اینجا منتهی شد

که اثر پای مادر و فرزند، مرکز عبادت مردان و زنان مؤمن قرار گرفت. این سنت خداست که به هر کس از مخلوقات که بخواهد رفعت می بخشد) ابن قیم، زاد المعاد: ۱ / ۱۷، چاپ قاهره، افست، دارالفکر (۳). مسلمانان جهان، چهارده قرن است که در کنار قبر پیامبر به پرستش خدا می پردازند. اگر نماز در کنار قبور پیامبران، مکروه و یا حرام و باطل است، پس چرا احدی از صحابه و تابعان و علما بر این مطلب اعتراض نکرده اند؟ و اگر کسی در مسجد پیامبر در قسمت صفا نماز بگذارد، قبر پیامبر صلی الله علیه و آله پیش روی او قرار خواهد گرفت. آیا می توان گفت: چنین نمازی باطل و یا مکروه است؟ ۴. همگی با مقام والای دخت پیامبر گرامی آشنا هستیم. او بانوی بزرگی است که پیامبر در حق او فرمود: «فاطمه پاره تن من است، پس کسی که او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است». (بخاری، صحیح، ج ۵، باب مناقب قرابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، حدیث ۳۷۱۴) همین دخت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله روزهای جمعه به زیارت قبر عموی خود حمزه می رفت، نماز می گزارد و در کنار قبر او اشک می ریخت (بیهقی، سنن، ۴ / ۷۸، حاکم، مستدرک الصحیحین، ۱ / ۳۷۷ (۵). همسر پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه، سالیانی دراز پس از آن حضرت زندگی کرد و در حجره ای که بدن پیامبر را در آن به خاک سپرده بودند، نماز می گزارد و خدا را عبادت می کرد و احدی به او چنین اعتراضی نکرد. سمهودی در وفاء الوفا یاد آور می شود که

عایشه گفت: تا روزی که عمر را در حجره من به خاک سپردند، فاصله ای میان من و قبور سه گانه نبود، ولی از آن به بعد، دیواری میان من و قبور ساخته شد (سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۵۴۴) این مسأله نشان می دهد که همسر پیامبر قریب پانزده سال در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارده و هرگز در هیچ تاریخی ذکر نشده که وی برای اقامه نماز از حجره خارج می شده است. ۶. همگی می دانیم که «حجر اسماعیل» آرامگاه هاجر و فرزند او، اسماعیل است و هیچ یک از فقها فتوا نداده است که نماز در حجر اسماعیل مکروه و یا باطل است. اما این گروه، نه تنها نماز در کنار قبور شهدا را تحریم می کنند، بلکه معتقدند به هنگام دعا نباید به حجره پیامبر نگریست، بلکه باید رو به قبله ایستاد و دعا کرد، درحالی که ابو جعفر منصور در حرم پیامبر از فقیه مدینه، مالک بن انس پرسید: آیا من روبه قبله بایستم و دعا کنم، یا به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رو کنم و خدا را بخوانم؟ مالک در پاسخ گفت: چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله روی می گردانی، درحالی که او وسیله نجات تو و پدرت آدم است. به سوی پیامبر رو کن و از او شفاعت بخواه. خدا او را شفیع تو قرار می دهد (همان، ج ۴، ص ۱۳۷۶) با توجه به این دلایل ششگانه، دیگر دلیلی ندارد که مشاهد انبیا و اولیا را حتی از زمین های موات هم بی ارزش تر بدانیم، در حالی که نماز در آن اماکن صحیح و مقبول است. ۱۱ سوگواری برای شهیدان سؤال: عزاداری برای

شهیدان راه حق چه فلسفه ای دارد؟ پاسخ: فلسفه عزاداری برای شهیدان راه حق، همان بزرگداشت یاد آنان و حفظ مکتب آنها است؛ مکتبی که اساس آن را فداکاری در راه دین و تن ندادن به ذلت و خواری تشکیل می دهد. منطق آنان چنین بوده است که «مرگ سرخ به از زندگی ننگین است». آنان برای سربلندی دین خدا و عزت مؤمنان به شهادت رسیده اند. گرامی داشت آنان سبب می شود که منطق آنها پا برجا بماند و ملت ها از آنها درس آموخته و راه آنها را ادامه دهند. شهید به سان شمعی است که می سوزد و پیرامون خود را روشن می سازد؛ زیرا با ریختن خون و پایان بخشیدن به حیات مادی، جامعه را از بند بندگی و حکومت ستمگران آزاد می سازد. آیا بزرگداشت چنین افرادی از نظر منطق و عقل، کاری نکو و پسندیده نیست؟ جایی که پیامبر برای از دست رفتگان عادی می گزید و دیگران نیز ناله سر می دهند، آیا جا ندارد که برای احیای مکتب شهادت و تکریم از شهیدان، به مناسبت های گوناگون، بزرگداشتی انجام گیرد و مجالس تشکیل شود؟ در میان شهدای راه حق بیشترین مجالس به نام حسین بن علی علیه السلام ابوالشهداء، رهبر آزادگان، منعقد می گردد؛ زیرا او بیش از دیگر شهیدان راه حق، راه و رسم آزاد زیستن و زیر بار ظلم و ستم نرفتن را به جهانیان آموخت. او مرگ شرافتمندانه و جان سپردن زیر ضربات شمشیر دشمن را بر زندگی ذلت بار برگزید و سرانجام در «بستر شهادت» به لقاء الله پیوست. او دلباخته ایثار و فداکاری در راه اعلاهی کلمه حق بود، از این جهت با چهره باز و

لبي خندان به استقبال شهادت شتافت. نشان مرد مؤمن با تو گویم اگر مرگش رسد خندان بمیرد دشمن دست خود را برای امان دادن به سوی او دراز کرد، ولی او دست رد بر سینه نامحرم زد و امان دشمن را نپذیرفت؛ زیرا می دانست که در پذیرش امان، ذلت و خواری و مرگ واقعی است. آنچه نگارش یافت، ترجمه مطلبی است که محقق تاریخ ابن ابی الحدید درباره سرور آزادگان حسین بن علی علیه السلام دارد. شایسته است با تعبیر او آشنا شویم: «سید أهل الإباء، الذی علم الناس الحمیة والموت تحت ظلال السیوف اختیاراً له علی الدنیه، أبو عبد الله الحسین ابن علی بن أبی طالب علیه السلام. عرض علیه الأمان فأنف من الذل، وخاف من ابن زیاد أن یناله بنوع من الهوان، إن لم یقتله فاختر الموت علی ذلك». (شرح نهج البلاغه: ۳ / ۲۴۹) از این بیان پاسخ دو پرسش دیگر روشن گشت: ۱. آیا مذهب شیعه، مذهب اندوه و گریه است؟ ۲. چرا برای امام حسین علیه السلام عزاداری می کنید، با این که او در بهشت است؟ گریه برای اهل بهشت چه ثمری دارد؟ در پاسخ سؤال نخست یادآور می شویم: مذهب شیعه مذهب حق طلبی و عدالت جویی و جهاد و مبارزه در این راه است و هرگز مذهب گریه و ناله نیست، ولی در عین حال ب سان پیامبر گرامی و یارانش برای عزیزان از دست رفته متأثر می شوند و قلوب آنان از عاطفه به اهل بیت علیهم السلام موج می زند و آثار خود را در زندگی می گذارد. به تعبیری دیگر، سرودن اشعار مذهبی همراه با اظهار عواطف و تأثر، نوعی همدردی و همراهی

با شهیدان راه حق است و از این طریق، خواهان حفظ مکتب آنهاست؛ مکتبی که اساس آن را فداکاری در راه دین و تن ندادن به ذلت و خواری تشکیل می دهد. اگر این مجالس تعطیل شود و یاد شهدا در هر سال تجدید نگردد، مکتب ایثار و شهادت به فراموشی سپرده می شود. شیعیان با برپا کردن مجالس سوگواری در ماه های محرم و صفر، منطق حسین بن علی علیه السلام را که منطق همه شهادت، احیا می کنند. درباره پرسش دوم خاطر نشان می سازیم: گریه بر امام حسین علیه السلام نه به خاطر این است که اکنون در بهشت به سر می برد، مسلماً از این جهت باید خوشحال و شادمان باشیم، گریه ما به خاطر آن ظلم ها و ستم هایی است که بر وی روا داشته شد و دردانه پیامبر صلی الله علیه و آله با لب تشنه با ۷۲ تن از یاران و خاندانش در کنار نهر آب جان سپرده است. گریه پیامبر بر عموی خویش حمزه، نه به خاطر این بود که او با فرشتگان همنشین است، بلکه به خاطر ستم ددمنشانه ای است که بر او روا داشته بودند و هند جگرخوار، همسر ابوسفیان دستور داده بود شکم او را پاره کنند و جگرش را بیرون آورند تا به دندان خویش آن را بسایند. اکنون دامن سخن را کوتاه می کنیم. سخن درباره فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام که با آن اسلام را نجات داد، مجال دیگری می طلبد.

فصل سوم

منزلت قرآن نزد شیعه

۱. منزلت و جایگاه قرآن در نزد شیعه سؤال: می گویند شیعه معتقد است که قرآن تحریف شده، آیا این درست است؟ پاسخ: از نظر شیعه، قرآن یگانه کتاب آسمانی

تحریر شده است که هم اکنون به همان صورت اولیه در اختیار همه مسلمانان جهان قرار دارد. قرآن تنها کتابی است که سراسر آن صحیح است. هیچ کتاب صحیحی جز قرآن در اختیار مسلمانان نیست و غیر از آن، همه کتاب ها، بدون استثنا، قابل نقد و بررسی هستند. قرآن سند عقیده و شریعت است که باید مسلمانان هر دو را از آن کتاب دریافت کنند. اگر اختلافی در مسأله ای رخ داد، حکم و داور در مورد آن مسأله، قرآن است. در سرتاسر تاریخ، در میان شیعیان، غیر از قرآن کنونی و موجود در تمام اعصار، قرآن دیگری نبوده است و هم اکنون صدها هزار قرآن مخطوط و مطبوع در کتابخانه های عمومی و خصوصی و خانه های شیعیان موجود است و جز همین قرآن موجود در نزد همه مسلمانان، قرآنی حتی با اندکی اختلاف در میان آنان وجود ندارد. نسبت تحریر به شیعه، افترا بی ناجوانمردانه است که از ناآگاهی یا دشمنی با شیعه سرچشمه می گیرد. تنها وجود چند روایت در کتب حدیث که به ظاهر حاکی از تحریر است، دستاویز مخالفان قرار گرفته و شیعه را متهم کرده اند که اعتقاد به تحریر دارد، در حالی که این روایات به خاطر تضاد با قرآن، فاقد ارزش است و اگر بنا باشد وجود روایات تحریر در کتب حدیثی، دلیل بر چنین عقیده ای باشد، مذاهب دیگر را نیز باید به تحریر متهم کرد؛ زیرا در کتاب های حدیثی آنان روایات تحریر فراوان است و چنان که بارها گفته ایم، کتاب های حدیثی، کتاب های اعتقادی نیستند و اصول عقیدتی را باید از منابع قطعی مانند قرآن مجید، عقل روشن و قاطع و روایات متواتر

و متضافر اخذ کرد. در این بخش کلمات برخی از بزرگان شیعه را درباره عدم تحریف نقل می کنیم، اما پیش از آن، به اثبات اصل عدم تحریف می پردازیم: زمزمه تحریف قرآن مجید بیشتر از طرف مسیحی ها و یهودی ها ساز شده است. از آنجا که به شهادت مسلم تاریخ، کتب آسمانی این دو قوم با گذشت زمان، دستخوش تحریف و تغییر گشته و اعتبار و ارزش اصلی خود را از دست داده است، آنان کوشش می کنند که قرآن کریم را نیز به شائبه تحریف آلوده سازند! تاریخ با قاطعیت گواهی می دهد که نسخه های «تورات» بارها در جریان حوادث مختلف تاریخی خصوصاً در حمله بخت نصر به بیت المقدس از میان رفته و عدّه ای از رجال مذهبی یهود، آن را بعداً به رشته تحریر درآورده اند. (به کتاب های "قاموس کتاب مقدس" و "الهدی الی دین المصطفی" مراجعه شود) به گواهی تاریخ، انجیل های چهارگانه نیز سالها پس از حضرت مسیح علیه السلام به وسیله عدّه ای به رشته تحریر درآمده و بدین ترتیب از انجیلی که به صورت یک کتاب آسمانی بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده، نشانی در دست نیست. (به کتاب های "قاموس کتاب مقدس" و "الهدی الی دین المصطفی" مراجعه شود (کسانی که تمام معارف و اصول مذهبی خود را بر اساس چنین کتاب هایی بنیان گذاشته اند؛ مایلند قرآن را نیز به همان سرنوشت متهم سازند. از این رو مدعی شده اند که قرآن هم با گذشت زمان دستخوش تحریف شده است. در حالی که نحوه جمع آوری و نگهداری قرآن کریم در تمام ادوار تاریخ اسلامی، اساساً با تاریخ تورات و انجیل در ادوار یهودیت و مسیحیت قابل مقایسه نیست.

تاریخ نشان می دهد که وضع قرآن کریم در هیچ کدام از ادوار اسلامی دچار ابهام و پیچیدگی نبوده است. در این باب باید به دو نکته که پاسخ بسیاری از سؤالات را در خود نهفته دارد، توجه کنیم: ۱. قرآن کریم کتابی بود که در همه شؤون زندگی اجتماعی مسلمانان، انقلابی ایجاد کرد. قرآن زندگی سابق آنها را درهم کوبید و به جای آن یک زندگی نوین، بر اساس ایمان و اصول انسانی پدید آورد. بنابراین، قرآن کتابی بود که با شؤون اصلی زندگی مسلمانان ارتباط داشت و آنها سیاست، اقتصاد، قوانین اخلاقی و حتی آداب و رسوم معاشرت خانوادگی خود را از این کتاب آسمانی می گرفتند. در شبانه روز پنج بار در نمازها با آن سر و کار داشتند و بالاخره در همه حوادث روزمره، اول به قرآن و سپس به سنت و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه می کردند. در این صورت، کتابی که تا این اندازه با زندگی مردم آمیخته و تا این حد مورد مراجعه و استفاده آنها بوده، چگونه ممکن است مورد تحریف واقع شود و افکار عوام یا خواص متوجه آن نگردد؟ احتمال این، که در قرآن تحریف واقع شده و کسی متوجه آن نگردیده، به مانند این است که احتمال دهیم در قانون اساسی ملت بزرگی، تغییری ایجاد شود، ولی کسی متوجه آن نگردد. آیا ممکن است مواد قانون اساسی یک ملت دستخوش تحریف شود، ولی مردم نفهمند و سر و صدای آن بلند نشود؟ نقش قرآن در زندگی اجتماعی مسلمانان، به مراتب بیش از نقش یک قانون اساسی در زندگی ملت های امروز بوده، و بدین

ترتیب آن چنان افکار متوجه آن بود که اگر کمترین تحریف در آن رخ می داد، با عکس العمل شدیدی مواجه می گردید و اعتراض ها از هر ناحیه شروع می شد. ۲. تاریخ مربوط به جمع آوری قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهمیت فوق العاده و ویژه ای که آن حضرت و مسلمانان به حفظ و کتابت قرآن نشان می دادند، ثابت می کند که حتی کم شدن کلمه ای از قرآن کریم به هیچ وجه امکان نداشته است. به شهادت تاریخ، در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله عده زیادی از مسلمانان دانشمند که تعداد آنان را تا چهل و سه نفر نوشته اند (تاریخ القرآن زنجانی، فصل ششم، ص ۲۰) (به دستور آن حضرت هر آیه و یا سوره ای را به محض نزول، می نوشتند و این نوشته ها با اهتمام و کوشش هرچه تمام تر در میان مسلمانان نگهداری می شد. معروف ترین آنها که اهتمامشان به نوشتن قرآن به مراتب بیش از دیگران بود، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و زید بن ثابت بودند و بدین ترتیب از قرآن هایی که به وسیله این افراد نوشته می شد، نسخه های متعددی در میان مسلمانان وجود داشت که در قرائت و استفاده از قرآن، مرجع شبانه روزی همه مسلمانان بود. علاوه بر این، عده زیادی از مسلمانان، آیات و سوره های قرآن را از بر کرده بودند. اینها در کار حفظ قرآن بسیار دقیق بودند و سعی داشتند حتی کلمه ای از این کتاب آسمانی را فروگذار نکنند. این عده که به آنها «قاریان» گفته می شد، پیوسته مورد مراجعه و استفاده مردم در قرائت قرآن بودند. توجه مسلمانان و قاریان به حفظ و نگهداری قرآن به

حدی بود که روزی میان «أبى بن كعب» و «عثمان» خلیفه وقت درباره آیه «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» اختلافی رخ داد، عثمان مدعی بود که وحی الهی «الذین» است بدون واو و باید این کلمه {و} از نسخه های قرآن حذف گردد، ولی «ابی» می گفت ما از رسول خدا این آیه را همان طور که در قرآن ها موجود است شنیده ایم. بگو مگو میان دو نفر در گرفت. ناگهان «أبى» با شدت هر چه تمام تر گفت: «هر کس بخواهد این حرف را از قرآن بردارد، شمشیر بر می گیرم و خون او را می ریزم!» پافشاری «أبى» سبب شد که خلیفه حرف خود را پس بگیرد. { (الدر المنثور: ۴ / ۳۷۹) وقتی بحث بر سر تغییر یک حرف از قرآن به چنین ماجرای منجر شود، آیا می توان گفت که قرآن دستخوش تحریف شده و آیاتی از آن حذف گردیده است؟ علاوه بر دو مطلب اساسی فوق، باید توجه داشت که در آیات متعددی از قرآن کریم، به مسأله عدم تحریف قرآن و این که این کتاب آسمانی از تغییر و تبدیل مصون خواهد بود، تصریح شده است؛ آنجا که می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (سوره حجر، آیه ۹) «ما قرآن را نازل کردیم و به طور قطع نگهدار آنیم!..» علما و دانشمندان اسلامی نیز در کتاب های تفسیر و کلام تصریح کرده اند که دانشمندان مسلمان اجماع دارند که در قرآن تحریفی رخ نداده و اگر احیاناً در میان دانشمندان کسی پیدا شده که معتقد به موضوع تحریف بوده، بر اثر پاره ای از اخبار مجعول است که بعضی از مغرضین در کتب احادیث

وارد کرده اند. بدیهی است این گونه اخبار از درجه اعتبار ساقط است و یا اخباری بوده که معنی و مفهوم واقعی آن را کشف نکرده اند. ۲ مصحف فاطمه {علیها السلام} سؤال: گفته می شود شیعیان قرآنی به نام «مصحف فاطمه {علیها السلام}» دارند، این مطلب تا چه اندازه صحت دارد؟ پاسخ: واژه «صحف» در قرآن به معنای مطلق کتاب آمده است، چنان که می فرماید: «وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ». (تکویر: ۱۰) «آنگاه که نامه های اعمال منتشر گردد». «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى». (اعلی: ۱۸ و ۱۹) «این، در صحیفه های نخستین، در کتاب ابراهیم و موسی است». و همچنین «مصحف» نیز از همین ماده اخذ شده و به معنای دفتر یا کتاب جلد شده به کار می رفت و در صدر اسلام حتی پس از درگذشت پیامبر، مصحف نام قرآن نبود بلکه هر کتاب مجلّدی را مصحف می نامیدند. ابن ابی داوود سجستانی در باب گردآوری قرآن، در مصحفی از محمد بن سیرین نقل می کند: وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله درگذشت، علی علیه السلام چنین گفت: «سوگند یاد کرد علی که ردا بر دوش نیندازد مگر برای نماز جمعه، تا این که قرآن را در مجلّدی جمع کنم». و نیز ابوالعالیه نقل می کند: «آنان قرآن را در خلافت ابوبکر در مصحفی جمع کردند». و نیز نقل می کند: «عمر بن خطاب فرمان به گردآوری قرآن داد و او اول کسی است که قرآن را در مصحف جمع کرد». کتاب مصاحف، نگارش حافظ ابوبکر عبدالله بن ابی داوود سجستانی، ص ۹۱۰ (این جمله ها حاکی است که در آن روزگار، مصحف به معنای دفتر بزرگ و یا کتابی مجلد بوده که

اوراق را از پراکنده شدن حفظ می کرده، سپس به مرور زمان اختصاص به قرآن یافته است. اتفاقاً روایات پیشوایان ما حاکی است که حتی در زمان آنان، لفظ مصحف به معنای کتاب و یا دفتر مکتوب بوده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قرآن را از روی برگ های مجلد بخواند، از چشم خود بهره می گیرد». (اصول کافی: ۲ / ۶۱۳) و نیز در حدیثی دیگر آمده است: «خواندن قرآن از روی برگ های مجلد، عذاب را از پدر و مادر کم می کند». (اصول کافی: ۲ / ۶۱۳) مورخان درباره ترجمه خالد بن معدان می نویسند: «خالد بن معدان دانش خود را در دفتری ضبط کرده بود که آن دکمه ها و دستگیره داشت». (المصاحف سجستانی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵) خالد بن معدان از تابعین بوده و هفتاد صحابی را درک کرده است. و ابن اثیر ترجمه او را در ماده کلاعی آورده است. {۲} (اللباب فی تهذیب الأنساب، ابن اثیر: ۳ / ۶۲ و ۶۳) پس تا اینجا روشن شد که تا پایان قرن اول، لفظ «مصحف» به معنای کتاب مجلد و یا دفترچه جلد شده بود که افراد دانش و آگاهی خود را در آن ضبط می کردند. اگر بعدها قرآن را مصحف گفته اند، چون از ذهن ها بیرون آمد و بر برگ ها نوشته شد و به صورت مجلد درآمد. با توجه به این مسأله، نباید در شکفت باشیم که دخت گرامی پیامبر دارای مصحفی باشد و دانش و آگاهی های خود را، که از پدر بزرگوارش برگرفته بود، در آن بنویسد و برای فرزندان خود، به صورت بهترین میراث، به یادگار بگذارد. خوشبختانه فرزندان فاطمه {علیها السلام} حقیقت و واقع این مصحف را شناسانده

و گفته اند: این مصحف، جز یک رشته آگاهی هایی که از پدر بزرگوارش شنیده و یا از طریق دیگر به دست آورده، چیز دیگری نیست. اکنون برخی از روایات را می آوریم: حسن بن علی {علیهما السلام} فرمود: «نزد ما جامعه ای است که در آن حلال و حرام وارد شده و مصحف فاطمه {علیها السلام} هست در حالی که در آن کلمه ای از قرآن نیست بلکه املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و خطّ علی علیه السلام است و همگی در اختیار ماست». (بصائر الدرجات، الصفار، ص ۱۵۷ و ۱۵۸) امام علیه السلام با عنایت کامل یادآور می شود که در آن حلال و حرامی نیست تا مبادا تصور شود وحی تشریحی بر دخت پیامبر نازل می شده است. امام صادق علیه السلام در روایت دیگر در توصیف مصحف فاطمه می گوید: «به خدا سوگند، کلمه ای از قرآن شما در آن نیست. راوی می گوید: پرسیدم: آیا در آن دانش است؟ امام در پاسخ می گوید: بله، ولی نه از دانش های معمولی». (کافی، همان، حدیث ۱) (با توجه به آنچه گفته شد، روشن می گردد که مصحف فاطمه {علیها السلام} ارتباطی به قرآن ندارد و کسانی که آن را دستاویزی برای تحریف قرآن قرار داده اند، اگر مغرض نباشند، ناآگاهانه و بدون تحقیق درباره واقعیت آن سخن می گویند. اکنون واقعیت را برای خوانندگان بیان می کنیم: «محدّث» در اسلام یکی از معارف مسلم در میان علمای اسلام، وجود افراد «محدّث» در میان مسلمانان است. فرد «محدّث» پیامبر نیست و بر او وحی نازل نمی شود، ولی در عین حال، فرشتگان، با وی سخن می گویند و سخن آنان را می شنود، و لذا او «محدّث» بر وزن اسم مفعول

نام گرفته است؛ زیرا که فرشته با او «حدیث» می گوید. بخاری نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «در میان پیشینیان از بنی اسرائیل، مردانی بودند که با آنها از عالم غیب سخن گفته می شد، بدون این که پیامبر باشند. و اگر در میان امت من چنین فردی باشد، آن عمر بن خطاب است.» (بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۱۹۴، باب مناقب عمر بن الخطاب) (روایت درباره «محدث» در میان امت اسلامی از طریق اهل سنت و سخنان آنان در تفسیر این واژه بیش از آن است که در این جا نقل شود، و شارحان صحیح بخاری در این مورد، توضیحات کافی داده اند. (ارشاد الساری بشرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۹۹) (کلینی در کتاب کافی بابی تحت عنوان «إِنَّ الْأَئِمَّةَ مُحَدِّثُونَ، مُفَهِّمُونَ» آورده و روایاتی در این مورد نقل کرده است. تمام این روایات حاکی از آن است محدث به کسی می گویند که صوت فرشته را می شنود، ولی او را نمی بیند. آنگاه اضافه می کند: ائمه اهل بیت علیهم السلام همگی «محدث» هستند. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۵ ۳۲۷) فاطمه «محدثه» است دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه وآله به خاطر کمال وجودی، از افراد «محدث» به شمار می رود؛ یعنی صدای فرشته را می شنید، ولی او را نمی دید و این جریان، زمانی رخ داد که پدر و الامقامش در گذشت. غم و اندوه او را فرا گرفت. در این هنگام جبرئیل امین به فرمان الهی فرود آمد. اخباری را از آینده، برای او بازگو می نمود و از این طریق، مایه تسلیت و تسلی خاطر او را فراهم می آورد. اکنون ویژگی های مصحف فاطمه {علیها السلام} را از زبان فرزندان

او بیان می کنیم: امام صادق علیه السلام می فرماید: آنگاه که خدا پیامبرش را قبض روح کرد، اندوه فراوانی فاطمه {علیها السلام} را در بر گرفت. خداوند فرشته ای را فرستاد تا او را تسلیت بگوید. فاطمه {علیها السلام} امیر مؤمنان را از آنچه می شنید، آنگاه ساخت. علی علیه السلام فرمود: هرگاه صدای فرشته را شنیدی، مرا آنگاه کن تا آنچه می گوید، بنویسم. این گزارش ها که از طریق فرشته به فاطمه {علیها السلام} می رسید و او در اختیار علی علیه السلام می نهاد، در دفتری جمع شد و نام مصحف به خود گرفت، ولی در آن چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه تنها گزارش هایی از آینده است. (کافی، ج ۱، باب فیه ذکر الصحیفه، حدیث ۲) ۳ مصحف علی علیه السلام سؤال: آیا علی بن ابی طالب علیه السلام مصحفی جداگانه داشته است؟ پاسخ: این سؤال به دو شیوه مطرح می شود: گاهی می گویند مقصود از مصحف علی علیه السلام چیست؟ گاهی هم گفته می شود مقصود از کتاب علی علیه السلام چیست؟ مقصود از مصحف علی علیه السلام جمع آوری قرآن به ترتیب نزول است. ابن ندیم در «فهرست» می نویسد: امیر مؤمنان احساس کرد که مردم درگذشت پیامبر را به فال بد گرفته اند، سوگند یاد کرد که ردا بر زمین نگذارد، مگر این که قرآن را گردآوری کند. او قرآن را در سه روز جمع آوری کرد و به مسجد آورد. (تاریخ القرآن، ص ۷۶، تألیف ابوعبدالله زنجانی {م ۱۳۶۰ه} چاپ قاهره، با مقدمه احمد امین مصری) یعقوبی می نویسد: علی بن ابی طالب علیه السلام پس از درگذشت پیامبر خدا، قرآن را جمع کرد و آن را بر هفت جزء تقسیم نمود. آنگاه همه اجزای هفتگانه

و سوره های وارد در آن را یادآور می شود. (تاریخ یعقوبی {ابن واضح اخبار؟}، ج ۲، ص ۱۲۶) (دقت در فهرستی که یعقوبی از قرآن علی علیه السلام ارائه کرده، نشان می دهد که کوچک ترین اختلافی در عدد سوره ها با قرآن فعلی ندارد، و اگر اختلافی هست در کیفیت جمع سوره های قرآن است. اگر چنین مصحفی دارای واقعیت باشد، کوچک ترین منافاتی با صیانت قرآن از تحریف ندارد، این تنها علی علیه السلام نیست که قرآن را به شکلی که مورد نظرش بود، جمع کرد، بلکه مصحف عبدالله بن عباس نیز چنین تفاوتی داشت. اکنون وقت آن رسیده است که به صورت دوم سؤال پاسخ بگوییم: کتاب علی علیه السلام چیزی است که امیرمؤمنان علی علیه السلام در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را نوشته است وی آنچه از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که به املائی او و نگارش علی علیه السلام بود، «کتاب علی» نام گرفته است و این کتاب دست به خدا صلی الله علیه و آله که به املائی او و نگارش علی علیه السلام بود، «کتاب علی» نام گرفته است و این کتاب دست به دست، در خاندان رسالت می گشت و احیاناً امام باقر و امام صادق {علیهما السلام} با مراجعه به آنها احکامی را بیان می کردند. نجاشی، دانشمند رجالی شیعه، در ترجمه محمد بن عذافر صیرفی از پدرش نقل می کند: با حکم بن عتیبه نزد امام باقر علیه السلام بودم، حکم پیوسته از امام باقر علیه السلام سؤال می کرد. او نیز پاسخ می داد، ولی در موردی، میانشان اختلاف به وجود آمد، امام باقر علیه السلام به فرزندش امام صادق علیه السلام گفت: فرزندم! برخیز و کتاب

علی علیه السلام را بیاور. او رفت و از درون خانه کتاب بزرگی که به صورت طومار پیچیده شده بود، آورد، امام علیه السلام نقطه مورد نظر خود را پیدا کرد و به حکم بن عتیبه گفت: این خط علی علیه السلام و املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. آنگاه رو به او کرد و گفت: تو و دوستت سلمه بن کهیل و دوست دیگر ابوالمقدام، به هر جا روید، دانشی استوارتر از دانش کسانی که جبرئیل بر آنها نازل می شد پیدا نمی کنید. (رجال نجاشی، شماره ترجمه ۹۶۷) از روایات دیگر چنین برمی آید که طول این کتاب هفتاد ذراع و ضخامت آن به اندازه ران شتر و کتاب به صورت طوماری پیچیده شده بود. امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر این کتاب، کتاب دیگری به نام صحیفه دارد که احکام دیات در آن جمع شده است و روایات فراوانی از این صحیفه در کتب حدیثی آمده است. محقق فرزانه، مرحوم جناب میرزا علی میانجی، به گردآوری روایاتی که از صحیفه در کتاب های حدیثی وارد شده، همت گمارده و همه را جمع کرده است. (مکاتیب الرسول، ج ۱، صص ۶۶ و ۷۱) و ما نیز درباره کتاب علی علیه السلام و صحیفه وی، در کتاب «تاریخ الفقه الاسلامی و ادواره» به تفصیل سخن گفته ایم. (تاریخ الفقه الإسلامی و ادواره، ص ۱۱۸) در پایان یادآور می شویم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان و شیعیان او، از نخستین روز درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله که کتابت حدیث تحریم شد، اقدام به کتابت و یا صیانت حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله کردند و به

ممنوعیت های سیاسی، که بعد از ۱۰۰ سال با شکست مواجه شد، اعتنایی نکردند و این موضوع مستقلاً است که در جای خود باید درباره آن گفتگو کنیم. ۴ اندیشه اهتمام به دعا بیش از قرآن سؤال: چرا شیعه به کتاب های دعا بیش از قرآن اهتمام می ورزد؟ پاسخ: در آموزه های دینی، که از ائمه اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، چنین مطلبی که به دعا بیش از تلاوت قرآن باید بها داد، وجود ندارد. قرآن، معجزه جاودان و آخرین حلقه از کتب آسمانی است که پیوسته بر تارک اعصار می درخشد و روایات زیادی در تأکید بر قرائت و حفظ و تلاوت آن با صدای خوش رسیده و در این مورد کتاب های ویژه ای به نگارش درآمده است. کافی است در این مورد به کتاب «قرآن در روایات اهل بیت علیهم السلام» که در ایران و مصر منتشر شده است، مراجعه کنید. مراجعه به این کتاب، عظمت و اهمیت این کتاب آسمانی را نزد پیشوایان به روشنی ثابت می کند. هم اکنون در جمهوری اسلامی ایران، اهتمام فراوانی به حفظ قرآن در میان برادران و خواهران و حتی نونهالان پدید آمده است. تا آنجا که کودکانی در سن ۵ سالگی یا کمی بیشتر، حافظ کل قرآن شده و در مسابقات بین المللی برنده جوایز گشته اند و در داخل کشور نیز همه ساله مسابقات بین المللی برگزار می شود و با دعوت از داوران بین المللی، برگزیدگان رشته های حفظ، ترجمه و تفسیر با اعطای جایزه تشویق می شوند. و نیز رسانه ای ویژه قرآن تأسیس شده که ۲۴ ساعته، برنامه های قرآنی اجرا و پخش می کند. توجه ویژه به ادعیه در میان مردم، بیشتر

در مورد دعای کمیل و ندبه است که به صورت دسته جمعی در شب های جمعه و صبح جمعه خوانده می شود و همین سبب شده است این توهم پیش آید که عنایت به دعا بیش از عنایت به قرآن است. از آنجا که در میان اهل سنت چنین ادعیه بلیغ و رسا و سازنده ای کمتر وجود دارد، لذا عنایت آنان به دعا بسیار کم است و همین سبب شده است که عنایت شیعه به دعا چشمگیرتر به نظر آید. خواندن «دعا» و راز و نیاز با خدا، از والاترین مراتب عبادت و پرستش خدا است که در حق آن گفته شده است: «الدعاء مَخَّ العباده» (سفینه البحار: ۱)، ماده دعا (: «راز و نیاز با خدا، مغز عبادت است»).

فصل چهارم

امامت نزد شیعه

۱ امامت در قرآن سؤال: اگر امامت از اصول است، چرا قرآن در این مورد سخن نگفته است؟ پاسخ: در این که مدیریت جامعه پس از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به شخصیت والایی نیازمند است، جای گفتگو نیست و خرد هر انسان منصفی بر این اصل داوری می کند و اتفاقاً قرآن بر خلاف نظر پرسشگر رهبری امت {امامت} را به صورت کلی مطرح می کند. آیاتی که امامت را مطرح می کنند: ۱. آیه ولایت ۱. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». (مائده / ۵۵) «ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند». شأن نزول آیه را بسیاری از مفسران و اهل حدیث چنین نقل کرده اند: «سائلی وارد مسجد شد و درخواست کمک کرد. کسی

به او چیزی نداد، امام علی علیه السلام در حالی که در رکوع بود، با انگشت خود که انگشتی در آن بود به فقیر اشاره کرد که انگشتی را از دست او درآورد و رفع احتیاج نماید. او نیز جلو آمد و انگشت را از دست امام درآورد و دنبال کار خود رفت. در این هنگام خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. وی از خدا چنین درخواست نمود: «پروردگارا! همان طور که برای موسی از خاندانش وزیری معین نمودی، برای من نیز از اهل بیتم وزیری معین فرما». در این لحظه فرشته وحی فرود آمد و آیه یاد شده را برای پیامبر خواند. این شأن نزول را علاوه بر علمای شیعه، ۶۶ تن از محدثان و متکلمان بزرگ اهل سنت با مختصر تفاوتی، در کتاب های خود آورده اند. محقق فرزانه علامه امینی مصادر آن را در کتاب شریف «الغدیر» آورده است. (الغدیر، ج ۳، ص ۱۵۶ تا ۱۶۲) اکنون باید دید چگونه این آیه مسأله امامت را مطرح می کند: توضیح این که: «ولی» در آیه یاد شده به معنی سرپرست و کسی است که زمام امور را به دست گیرد، لذا پدر و حاکم را ولی می خوانند و می گویند: «الأب ولیّ الطفل»، و «الحاکم ولیّ القاصر». از آنجا که محور سخن «ولی مؤمنان» است، طبعاً مقصود از «ولیکم الله» امام و حاکم آنها خواهد بود، حتی قرائن موجود در آیه و شأن نزول آن، روشن ترین گواه است که مراد از «ولی»، امامت و سرپرستی است. اینک قرائن: ۱. اگر مقصود از «ولی» در «ولیکم» غیر از ولایت و زعامت دینی و مقام سرپرستی باشد، مثلاً

گفته شود مقصود از آن «محبّ» و «ناصر» است، در این صورت منحصر کردن مقام به سه فرد، بی جهت خواهد بود، زیرا همه افراد با ایمان، محب و دوست و ناصر و یار یکدیگرند و اختصاص به این سه نفر ندارد. ۲. ظاهر آیه این است که تنها این سه تن بر جامعه مسلمانان ولایت دارند، در این صورت باید گروهی که ولایت دارند، غیر از گروهی باشند که تحت ولایت هستند. اگر ولی را به معنی رهبر و سرپرست امور مسلمانان بگیریم، طبعاً این دو گروه از هم جدا و متمایز می شوند، اما اگر آن را به معنی دوست و یاور بگیریم، این دو گروه، یکی می شوند؛ زیرا همه افراد، محب و دوست یکدیگر و ناصر و یاور هم هستند. ۳. هرگاه مقصود دوستی و نصرت باشد، می بایست تنها به «الَّذِينَ آمَنُوا» اکتفا شود و دیگر به آوردن این جمله که «در حال رکوع زکات می دهند»، نیازی نباشد، زیرا در جامعه با ایمان، همه افراد با یکدیگر دوست و یاور هستند؛ خواه در حالت رکوع زکات بدهند یا نه. از این رو مفاد آیه، همان است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، در یکی از سخنانش فرموده است: «ای علی! تو پس از من ولی هر فرد با ایمان هستی». (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۷) لفظ «بعدی» گواه بر این است که مقصود از «ولی» همان مقام رهبری و حکومت و سرپرستی در امور دینی و دنیوی است، نه محبت و دوستی؛ زیرا اگر دوستی بود، به زمان درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص نداشت. ۴. آیه

«أولو الامر» آیه پیشین تنها آیه ای نیست که امامت و ولایت را به صورت یک اصل مطرح می کند، بلکه آیه اطاعت «اولو الامر» نیز نمونه ای دیگر است، چنان که می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء / ۵۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود فرمان برید...». «اولو الامر» در آیه که به معنای «فرمانروایان» است، حاکی از فرمانروایی گروهی است که اطاعت آنان در کنار اطاعت خدا و رسول، قرار گرفته است. فخررازی در تفسیر خود، بیان شیوایی دارد و می گوید: از این که اولو الامر در کنار خدا و رسول، قرار گرفته، باید گفت که صاحبان این منصب، معصوم از گناه و پیراسته از خطا بودند؛ زیرا {گذشته از این که در کنار دو فرد معصوم {خدا و پیامبر} واقع شده اند و باید با آن دو همگون باشند}، از این که اطاعت «اولو الامر» بدون قید و شرط لازم شمرده شده، باید گفت این فرمانروایان، انسان های معصومی هستند که پیراسته از گناه و خطا می باشند و اگر غیر آن بود، حتماً باید حدود اطاعت آنها محدود گردد، در حالی که قرآن، بدون حدّ و مرز اطاعت آنها را لازم شمرده است. (مفاتیح الغیب معروف به تفسیر رازی: ۱۰ / ۱۴۴) (این دو آیه {آیه های ولایت و اولو الامر} مسأله امامت را به طور مستقل مطرح می کند، در حالی که برخی از آیات هر چند مسأله امامت را مطرح نمی کند ولی شأن نزول آن حاکی است که در این مورد نازل شده است، مانند آیه «اکمال». ۵. آیه اکمال «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

به نام گاهی وضعیت ایجاب می کند که فردی را به نام معرفی کند، چنان که می فرماید: «وَمُبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (صف / ۶) «عیسی می گوید: { به شما مژده پیامبری را می دهم که پس از من می آید و نامش احمد است». در این آیه، حضرت مسیح، پیامبر پس از خویش را به نام معرفی می کند و قرآن نیز آن را از حضرتش نقل می نماید. ۲. معرفی با عدد و گاهی موقعیت ایجاب می کند که افرادی را با عدد معرفی کند، چنان که می فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا...» (مائده / ۱۱) و خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرگروه برانگیختیم». ۳. معرفی با صفت بعضی اوقات وضعیت به گونه ای است که فرد مورد نظر را با اوصاف معرفی کند؛ چنان که پیامبر خاتم را در تورات و انجیل، با صفاتی معرفی کرده است «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...» (اعراف / ۱۵۷) «کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده ای پیروی می کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می یابند، که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدی ها بازشان می دارد، پاکی ها را برای آنان حلال کرده و ناپاکی ها را تحریم می نماید و آنان را امر به معروف و نهی از منکر می کند و بارهای گران و زنجیرهایی که بر آنان بود، از ایشان برمی دارد...». با توجه به این روش، انتظار این که اسامی دوازده امام

با ذکر نام و اسامی پدر و مادر در قرآن بیاید، انتظاری بی جا است؛ زیرا گاهی مصلحت در معرفی به نام است و گاهی معرفی به عدد و احیاناً معرفی با وصف. اگر این اصل را بپذیریم و بگوییم خداوند باید کلیه مسائل اختلاف آفرین را در قرآن ذکر کند، تا مسلمانان دچار تفرقه نشود؛ در این صورت باید صدها مسأله کلامی و عقیدتی و فقهی و تشریحی در قرآن ذکر شده باشد، مسائلی که قرن ها مایه جنگ و جدل و خونریزی در میان مسلمانان شده است، ولی قرآن درباره آنها به طور صریح و قاطع که ریشه کن کننده نزاع باشد سخن نگفته است، مانند: ۱. صفات خدا عین ذات اوست یا زاید بر ذات؟ ۲. حقیقت صفات خبری مانند استوای بر عرش چیست؟ ۳. قدیم یا حادث بودن کلام خدا. ۴. جبر و اختیار. این مسایل و امثال آنها هر چند از قرآن قابل استفاده است، ولی آن چنان شفاف و قاطع که نزاع را یک سره از میان بردارد، در قرآن وارد نشده است و حکمت آن در این است که قرآن مردم را به تفکر و دقت در مفاد آیات دعوت می کند، بیان قاطع همه مسائل، به گونه ای که همه مردم را راضی سازد، بر خلاف این اصل است. معرفی به نام، برطرف کننده اختلاف نیست پرسشگر تصور می کند که اگر نام امام و یا امامان در قرآن می آمد، اختلاف از بین می رفت، در حالی که این اصل کلیت ندارد؛ زیرا در موردی تصریح به نام شده ولی اختلاف نیز حاکم گشته است. بنی اسرائیل، از پیامبر خود خواستند فرمانروایی برای آنان

از جانب خدا تعیین کند تا تحت امر او به جهاد پردازند و زمین های غصب شده خود را بازستانند و اسیران خود را آزاد سازند. آنجا که گفتند: «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (بقره / ۲۴۶) «آنان به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما فرمانروای معین کن تا به جنگ در راه خدا پردازیم...». پیامبر آنان، به امر الهی فرمانروا را به نام معرفی کرد و گفت: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا...». {۲} (بقره / ۲۴۷) به راستی که خدا طالوت را به فرمانروایی شما برگزیده است». با این که نام فرمانروا با صراحت گفته شد، آنان زیر بار نرفتند و به اشکال تراشی پرداختند و گفتند: «أَنِّي يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةَ مِنَ الْمَالِ...». (بقره / ۲۴۷) از کجا می تواند فرمانروای ما باشد، حال آن که ما به فرمانروایی از او شایسته تریم، و او توانمندی مالی ندارد؟...». این امر، دلالت بر آن دارد که ذکر نام برای رفع اختلاف کافی نیست، بلکه باید موقعیت جامعه، آماده پذیرایی باشد. چه بسا ذکر اسامی پیشوایان دوازده گانه، سبب می شد که آزمندان حکومت و ریاست به نسل کشی پردازند تا از تولد آن امامان جلوگیری کنند، چنان که این مسأله درباره حضرت موسی رخ داد و به قول معروف: صد هزاران طفل سر بیریده شد تا کلیم الله موسی زنده شد درباره حضرت مهدی علیه السلام که اشاره ای به نسب و خاندان ایشان شد، حساسیت های فراوانی پدید آمد و خانه حضرت عسکری علیه السلام مدتها تحت نظر و مراقبت بود تا فرزندی از او به

دنیا نیاید و در صورت تولد، هر چه زودتر به حیات او خاتمه دهند. در پایان یادآور می شویم: همان طور که گفته شد، قرآن به سان قانون اساسی است. انتظار این که همه چیز در آن آورده شود، کاملاً بی مورد است. نماز و روزه و زکات که از عالی ترین فرایض اسلام است به طور کلی در قرآن وارد شده و تمام جزئیات آنها از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته شده است.. ۳ زمان اعتقاد به امامت دوازده تن سؤال: آیا اعتقاد به امامت دوازده تن در عهد رسالت وجود داشته یا پس از وفات امام عسکری علیه السلام پیدا شده است؟ پاسخ: اعتقاد به خلافت دوازده تن از قریش یا از بنی هاشم در عصر پیامبر مطرح بوده، ولی آشنایی به اسامی و هویت آنان به تدریج انجام گرفته است؛ زیرا هر امامی، وصی و امام بعدی را معین و معرفی می نمود. توضیح این که: دلایل قاطع نشان می دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امامت و رهبری علی علیه السلام را در مواقع مختلف و به ویژه در روز غدیر اعلام کرد و تشیع به معنی رهبری علی علیه السلام به صورت یک اصل اعتقادی درآمد، همچنان که امامت و پیشوایی دو نور دیده خود، حسن و حسین {علیهما السلام} را نیز در عصر خود مطرح کرده و فرموده است: «حسن و حسین هر دو پیشوای امتند، خواه زمام امور را رسماً به دست بگیرند، و خواه خانه نشین باشند». (۲۵) پس از شهادت حسین بن علی {علیهما السلام} و رسوایی خلافت امویان، دیدگان امت متوجه فرزند وی امام سجاد علیه السلام شد،

پس از وی، امام باقر و امام صادق {علیهما السلام} احیاگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوای محدثان و فقیهان گشتند و به همین ترتیب، هر امامی در عصر خود، با وجود تمامی خفقان‌ها و تنگناها، وظیفه خود را در حد امکان انجام داد و شیعیان نیز به امامت آنان اعتقاد راسخ داشتند. تصور این که اعتقاد به امامت امامان در دوران حضرت عسکری علیه السلام شکل گرفته باشد، ناشی از ناآگاهی از تاریخ تشیع است و در فصل نخست در این باره به صورت گسترده سخن گفتیم. علاقه مندان برای آگاهی بیشتر به فصل نخست از این کتاب مراجعه کنند. ۴ وصایت امام علی علیه السلام سؤال: چرا علی علیه السلام را وصی پیامبر می دانید؟ پاسخ: امام علی در دو مرحله، وصی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بوده است. ۱. مرحله تجهیز: پیامبر در روزهای پایانی زندگانی خود که در بستر بیماری افتاده بود، به علی علیه السلام سفارش کرد که مراسم تغسیل و تکفین و دفن او را برعهده بگیرد و بدهی های او را بپردازد. لذا امیرمؤمنان علیه السلام پیش از انجام این اعمال، دست به هیچ کاری نزد. وصایت به این معنی را کسی انکار نکرده و همگان بر آن اتفاق نظریه دارند. (۲۶) جانشینی از جانب پیامبر: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسائل مربوط به زعامت و سرپرستی مسلمین، علی علیه السلام را خلیفه و جانشین خود قرار داد و اگر با دیده انصاف و بی طرفی و بدون تعصب بر مسأله بنگریم، خواهیم دید که خلافت و جانشینی امام علی علیه السلام از جانب پیامبر، در همان دوره

نیز مسأله ای واضح و آشکار بود، تا آنجا که واژه «وصی» یکی از القاب امام به شمار می رفت و این لقب در نظم و نثر آن زمان فراوان به چشم می خورد. مفسران در تفسیر آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء / ۲۱۴) و محدثان در بیان شأن نزول آن، چنین نقل می کنند: وقتی آیه یاد شده که به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان می دهد تا نزدیکان خود را به آیین اسلام دعوت کند نازل گردید، پیامبر از بزرگان بنی هاشم دعوت به عمل آورد و آیین خود را بر آنها عرضه کرد. آنگاه فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، من برای شما خوبی های دنیا و آخرت را آورده ام. خدایم مرا مأمور کرده که شماها را به آن دعوت کنم: «کدام از شما مرا در این امر یاری می کند تا او وصی و جانشین من در میان شما باشد». کسی دعوت پیامبر را پاسخ نگفت، جز علی که کوچک ترین آنها بود. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او برادر و وصی و جانشین من در میان شماست، سخن او را بشنوید و اطاعتش کنید». این حدیث، به «حدیث یوم الدار» معروف است و بسیاری از محدثان و سیره نگاران آن را نقل کرده اند (۲۷) دلایل مسأله وصایت امام به آنچه گفته شد منحصر نمی شود، بلکه حدیث «ثقلین»، «سفینه» و «غدیر» همگی گواه بر وصایت او است که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم: امیر مؤمنان در یکی از سخنان خود درباره «اهل بیت پیامبر» می فرماید: «وَفِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَرَاثَةُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲) پیامبر درباره آن وصیت نموده و آنان وارثان پیامبر هستند. وصایت بودن امام

در شعر شعرای عصر رسالت وصی بودن امام در عصر رسالت و پس از آن، از شهرت بسیار بالایی برخوردار بود، تا آنجا که شاعران عصر نخست، «وصی» را یکی از القاب امام دانسته و در اشعار خود او را به این لقب خوانده اند، اکنون چند نمونه از سروده های آنان را در این مورد ذکر می کنیم: ۱. عبدالله بن ابی سفیان وَصِيَّ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَمِّهِ فَمَنْ ذَا يُدَانِيهِ وَمَنْ ذَا يُقَارِبُهُ او وصی پیامبر برگزیده و پسر عموی او است کیست کسی که در ردیف او قرار گیرد؟! ۲. عبدالرحمن جعيل عَلِيًّا وَصِيَّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَمِّهِ وَ أَوْلُ مَنْ صِيَّ أَخَا الدِّينِ وَ التُّقَى عَلِي وَصِيَّ {نبي} مصطفی و پسر عموی او است نخستین کسی که نماز گزارد، دیندار و پرهیزگار است ۳. ابن التيهان از حاضران در جنگ بدر إِنَّ الْوَصِيَّ إِمَامُنَا وَوَلِيِّنَا بَرِحَ الْخَفَاءِ وَبَاحَتِ الْأَشِيرَاءُ وَصِيَّ، امام و سرپرست ما است آنچه مخفی بود آشکار، و رازها بازگو شد ابن ابی الحدید در این فصل، اشعار زیادی نقل کرده که در آنها، شعرای عصر رسالت و پس از وی، امام علی علیه السلام را به عنوان وصی معرفی کرده اند. {۱} (۲۸) تنها سخنی که ممکن است مطرح شود، این است که اشخاصی به عایشه مراجعه کرده و درباره وصایت امام از وی می پرسیدند، او در پاسخ می گفت که پیامبر در خانه من جان سپرد و به کسی وصیت نکرد (۲۹) مراجعات مکرر به عایشه خود حاکی از اشتها این مطلب در آن دوران بود، ولی استدلال کاملاً بی پایه است؛ زیرا به فرض این که پیامبر در خانه عایشه و در کنار او

جان سپرده و در آن حالت به کسی وصیت نکرده باشد، ولی گفته او دلیل بر نفی وصایت نمی شود، چه بسا ممکن است پیامبر در زمان صحت و عافیت و یا اوایل بیماری، که در خانه دیگران بود، علی را وصی خود قرار داده باشد. آیا ممکن است پیامبر به مردم بگوید: «ما حَقُّ امرئِ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ» (۳۰)، ولی خود اصلاً وصیت نکند؟! "بر فرد مسلمان شایسته نیست در موردی که باید وصیت کند دو شب بخوابد مگر این که وصیت او مکتوب در نزد او باشد". ۵ مقصود از اولی الامر کیست؟ سؤال: چرا «اولی الامر» در آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) به افراد خاص تفسیر می شود؟! پاسخ: در این که مقصود از «اولی الامر» چیست، دو نظریه وجود دارد: ۱. مقصود، فرماندهان سپاه اسلام اند. ۲. منظور، علما و دانشمندان هستند. گروهی به خاطر ظاهر لفظ «الامر» که به «فرمان» تفسیر می شود، به معنی اول گرویده و می گویند: مقصود فرماندهان نظامی اند؛ در حالی که این تفسیر به دو جهت صحیح نیست: ۱. اولاً: احتمال دارد لفظ «الامر» به معنای «شان و منزلت» باشد که در این صورت با تفسیر دوم کاملاً سازگار خواهد بود. ۲. آیه مورد بحث، زمینه ساز آیه بعدی است که متن و ترجمه آن را بعداً می آوریم و شأن نزول آن، با تفسیر نخست سازگار نیست، بلکه قول دوم را تأیید می کند. مفسران درباره شأن نزول آن می گویند: فردی به ظاهر مسلمان با یک مرد یهودی بر سر

موضوعی اختلاف پیدا کردند، فرد یهودی گفت: موضوع را نزد «محمد» ببریم، گفتنی است مرد یهودی می دانست که حضرت محمد رشوه نمی پذیرد، اما مرد به ظاهر مسلمان {منافق} گفت: حکم میان من و شما کعب بن اشرف یهودی باشد؛ زیرا می دانست که او رشوه می گیرد و به نفع رشوه دهنده داوری می کند (۳۱) در این ماجرا آیه اولی الامر و آیه پس از آن نازل گردید. متن این دو آیه چنین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا». «ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را، اطاعت کنید پیامبر خدا را و اولی الامر را هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [از او داوری بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایان آن نیکوتر است». «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا». «آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه [از کتابهای آسمانی] بر تو و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده اند ولی می خواهند برای داوری به نزد طاغوت و حاکمان باطل گرا بروند با این که فرمان داده شده اند که به طاغوت کفر ورزند، اما شیطان می خواهد آنها را گمراه کند و به بیراهه های دوردستی بیفکند». با توجه به آنچه گفته شد، نظریه دوم متعین است؛ زیرا مسائل

قضایی مربوط به عالمان دینی است، نه فرماندهان. ولی سخن این جا است که آیا مقصود، همه علما و دانشمندان هستند یا گروهی خاص که خطا بر آنها راه ندارد؟ پاسخ این سؤال را می توان از خود آیه استنباط کرد. ۱. لفظ «أولی الامر» بر لفظ «الرسول» عطف شده، و عامل نصب در هر دو یک فعل است، چنان که فرمود: «أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و این حاکی است که معطوف {أولی الامر}، در مرحله قضاوت و داوری، قرین «رسول» است؛ یعنی همان طور که رسول اعظم صلی الله علیه و آله در قضا و داوری دچار گناه و خطا نمی گردد، «أولی الامر» نیز از این جهت همانند او هستند. در این صورت مقصود، عالمانی خواهند بود که از گناه و خطا معصوم باشند. ۲. آیه مورد بحث، اطاعت «أولی الامر» را مطلقاً و بدون قید و شرط الزامی می داند، بدون این که آن را محدود سازد و مثلاً بگوید: «اطاعت کنید، به شرط این که امر به گناه و خلاف شرع نکنند یا دچار اشتباه و خطا نشوند». از این الزام بی قید و شرط، استنباط می شود که قضاوت و داوری آنان هیچ گاه بر خلاف شرع نبوده و آنان هرگز دچار اشتباه نمی شوند و لازمه آن، عصمت این گروه از هر گناه و خطا است. خداوند اطاعت والدین را محدود ساخته و می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا». (عنکبوت / ۸) «به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر نیکی کند و اگر [آن دو مشرک باشند و] تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی، در حالی که

به آن علم‌نداری، از آنها پیروی مکن». اطاعت پدر و مادر در این آیه مطلق و بی‌قید و شرط نیست، در حالی که اطاعت «اولی الامر» در آیه مورد بحث کاملاً مطلق و فاقد هرگونه قیدی است. از سوی دیگر، می‌دانیم که اطاعت مخلوق در موردی که فرمان به خلاف شرع دهد، حرام است. رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ إِلَهِهِ» (۳۲) خوشبختانه مفاد این حدیث در قرآن نیز آمده است؛ چنان که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ». {۲} (اعراف / ۲۸) با توجه به این دو مطلب: الف: اطاعت اولی الامر در آیه بدون قید و شرط لازم و واجب شمرده شده است. ب: اطاعت از هر کس آنگاه که بر خلاف شرع دستور دهد حرام است. نتیجه می‌گیریم افرادی که قرآن از آنها با تعبیر «اولی الامر» یاد می‌کند، معصوم بوده و هیچ‌گاه بر خلاف شرع دعوت ننموده و در کار خود مرتکب خطا نمی‌شوند و جز ائمه اثنا عشر، کسی مصداق اولی الامر نیست؛ زیرا به اتفاق همه مسلمانان، جز این افراد، کسی معصوم نبوده و پیراسته از خطا نمی‌باشند. علاوه بر مضمون آیه، متجاوز از سی حدیث به صورت مسند و مرسل در تفسیر «اولی الامر» وارد شده و آن را به امامان معصوم تفسیر می‌کنند. (۳۳)

۶ افسانه خان‌الأمین سؤال: آیا شیعیان پس از نماز سه بار می‌گویند: «خان‌الأمین»؟ پاسخ: آنچه در سؤال آمده است، حاکی از نوعی افترا و دروغ بر پیروان اهل بیت علیهم السلام است. فردی که این نسبت را به شیعه داده و ذهن پرسشگر را آلوده ساخته

است از ریشه آن آگاه نیست. توضیح این که یهودیان معتقد بودند که رشته نبوت باید در خاندان یعقوب پیوسته بماند و از این خاندان بیرون نرود، ولی آنگاه که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با دلایل قطعی ظاهر شد، به این فکر افتادند که جبرئیل را به خیانت متهم کنند و این شعار را سر دادند: «خَانَ الْأَمِينِ! خَانَ الْأَمِينِ! خَانَ الْأَمِينِ!» یعنی او در وحی الهی خیانت ورزید و به جای آن که نبوت را در فرزندان اسحاق ابقا کند، به فرزندان اسماعیل منتقل کرد و از همین جهت، یهود از دشمنان سر سخت جبرئیل امین هست. فخر رازی در تفسیر خود می نویسد: جامعه یهود، جبرئیل را فرشته عذاب می نامند، و درباره او می گفتند: خدا به او دستور داده بود که نبوت را در سلسله فرزندان اسرائیل قرار دهد ولی وی آن را به فرزندان اسماعیل داد! اتهام جبرئیل به خیانت مربوط به این گروه است که او را به خیانت در عوض کردن محل نبوت متهم کرده و به عللی او را دشمن می شمردند و به دوستی میکائیل تظاهر می کردند. قرآن در مقام انتقاد از عقیده آنان می فرماید: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ». {۲} (بقره / ۹۷) (بگو هر کس با جبرئیل دشمن باشد [دشمن خداست]، و او مأموری بیش نیست که به اذن خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده، کتاب های پیشین را تصدیق می کند، و مؤمنان را هدایت نموده و مایه بشارت است». اکنون ببینید مطلبی را که یهود با آن بر ضد مسلمانان شعار

می دادند، چگونه برخی از افراد بی تقوا و دشمنان وحدت اسلامی، آن را به شیعه نسبت می دهند و می گویند: شیعه معتقد است که جبرئیل خیانت کرده و به جای این که علی را به مقام نبوت منصوب کند، آن را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عطا کرده است! میلیون ها نفر از شیعیان در جهان نماز می گزارند، و از میان آنان حتی یک نفر چنین عبارتی را بر زبان نمی آورد، بلکه همه آنها با بلند کردن دست ها، سه بار «الله اکبر» می گویند و بسیاری از آنان، حتی از این که چنین اتهامی بر آنان وارد می شود، بی خبرند. ۷ عصمت امامان سؤال: دلیل عصمت امامان شیعه چیست؟ پاسخ: عصمت را به هر معنایی تفسیر کنیم، بالذات از آن خداست، او که در سایه علم گسترده خود، از خطا و اشتباه پیراسته بوده و به خاطر حکمت خویش، از کارهای ناشایست مبرا است. این نکته اختصاص به عصمت ندارد، بلکه دیگر صفات نیز از این قبیل است. او عالم و قادر و حی بالذات است و علم و قدرت و حیات دیگران از آن اوست. به یک تعبیر، او غنی مطلق و غیر او فقیر بالذات است، چنان که می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». (فاطر / ۱۵) «ای مردم! شما همگی به خدا نیازمند هستید و خدا بی نیاز و شایسته هر ستایشی است». و به تعبیر شیخ محمود شبستری: سیه رویی ز ممکن در دو عالم جدا هرگز نشد والله اعلم (۳۴) همین غنای بالذات خدا سبب می شود که دیگر ممکنات از غنای او، تحت عنوان تمثیل. بهره گرفته، زنده

و دانا و توانا باشند. مسأله عصمت نیز از این مقوله است که خدا بنا بر مصلحت، گروهی از بندگان خود را، که معلمان بشر و هدایتگران انسان‌ها هستند، به نیرویی مجهز می‌کند که در عین قدرت بر گناه، از آن بپرهیزند و از خطا و اشتباه مصون بمانند. چه بسا ممکن است این نیرو که از آن به «روح القدس» تعبیر می‌کنند، در درون وجود آنها، یا خارج از آن باشد؛ مثلاً فرشته‌ای آنان را از لغزش باز بدارد. بنابراین، عصمت در عین اختصاص به خدا به معنای عصمت ذاتی مانع از آن نیست که پیامبران نیز پیراسته از گناه و اشتباه باشند، چنان که همه مسلمانان جهان، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در هر دو مرحله {خلاف و اشتباه} معصوم می‌دانند، و ادله عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب‌های کلامی متکلمان اسلامی؛ اعم از امامیه و اشاعره و معتزله بیان شده است. و اما عصمت امامان دوازده گانه، از طریق نقل، قطعی است. ۱. آنان به حکم حدیث ثقلین، عدل و همتای قرآن‌اند و لازمه همتایی، همگونی و همسانی است. از آنجا که قرآن، سخن حق است و سرسوزنی از واقع و درستی منحرف نمی‌شود، همتای آنها نیز باید چنین باشد؛ زیرا در غیر این صورت، همتای قرآن نخواهند بود. به دیگر سخن، از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن و اهل بیت علیهم السلام را تا روز رستاخیز وسیله هدایت معرفی می‌کند، تا زمانی که هر دو در کنار حوض کوثر به وی برسند، باید هر دو از خلاف و اشتباه مصون باشند، زیرا امکان ندارد افرادی

که وسیله هدایت بشر تا روز رستاخیز هستند، خطا و اشتباهی مرتکب شوند. ۲. آیه تطهیر که درباره اهل بیت علیهم السلام سخن می گوید، یادآور می شود که اراده تکوینی و قطعی خدا بر این تعلق گرفته است که آنان را از هر نوع پلیدی پاک گرداند. در بخش های گذشته به این مسأله اشاره شد که اراده تطهیر و پاک گردانیدن اهل بیت علیهم السلام به دو معنا می تواند تفسیر شود: ۱. اراده تشریحی و قانونی، به این معنا که خدا قانوناً می خواهد آنان از پلیدی ها دور شوند. ۲. اراده تکوینی، به این معنا که تطهیر و پاکی با وجود آنان در آمیخته و با جان و روان آنان عجین شده است. اراده به معنای نخست، اختصاص به اهل بیت علیهم السلام ندارد بلکه متعلق به همه انسان هاست؛ زیرا در مقام تشریح، خدا می خواهد همه انسان ها به راه راست بروند و از آن منحرف نشوند، در حالی که در این آیه، خطاب خاصّی در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده و فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». طبعاً این اراده، اراده ویژه ای است؛ زیرا در غیر این صورت، اراده گسترده خواهد بود که بر همگان تعلق گرفته است. از این جهت باید بگوییم که مقصود، اراده تکوینی و آفرینشی است که عوامل پاکی در وجود آنان تعبیه شده، ولی در عین حال قدرت انجام گناه را از آنان سلب نکرده است. مرحوم مفید، برای تشریح معنای عصمت و این که عصمت قدرت انجام گناه را از انسان سلب می کند، با ذکر یک مثال چنین آورده است: انسانی

در حال غرق شدن است، طنابی را به سوی او پرتاب می کنند تا به آن چنگ بزند و دیگران او را از آب بیرون کشند. او در این حال بین نجات و غرق مخیر است، ولی فرد عاقل به آن چنگ می زند و خود را از غرق شدن نجات می دهد. دلائل بر عصمت امامان دوازده گانه فراوان است که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می گردد. ۸ ائمه علیهم السلام و آگاهی از غیب سؤال: علم غیب از آن خداست، چگونه پیامبران و حتی امامان شیعه از غیب آگاهند؟ پاسخ این پرسش، از جواب پیش نیز روشن می شود؛ زیرا علم غیب به دو معنی اطلاق می گردد: ۱. علم غیب ذاتی؛ دانشی که از درون موجود سرچشمه گرفته، اکتسابی نیست و برای آن حد و مرزی وجود ندارد. چنین علم غیبی تنها از آن خداست و هیچ مخلوقی در این نوع علم همتای او نیست؛ زیرا غیر از خدا، آنچه در عالم آفرینش وجود دارد، فقیر بالذات بوده، دانش و توانایی را از خدا می گیرد. در این قسمت، بین علم به محسوس و غیر محسوس تفاوتی نیست. انسان با اراده و قدرت خدا دیده باز می کند و اشیا را می بیند و یا امواج صوتی را می شنود. هرگاه اراده الهی بنا بر مصلحت بر این تعلق بگیرد که انسان والایی را در موارد خاصی از پس پرده غیب آگاه سازد، این امر ممکن و شدنی است و برای آن کوچک ترین مانعی نیست. افراد عادی دریچه های گوناگونی به جهان غیب دارند، تا چه رسد به انسان های والایی مانند انبیا و اولیا. از آنجا که روی سخن در این بحث ها

با گروهی است که در برابر آیات قرآن خضوع بیشتری دارند، آیاتی را مورد بحث قرار می‌دهیم که آشکارا به آگاهی پیامبران از امور غیبی تصریح می‌کند و هیچ فرد مسلمانی که قرآن را وحی آسمانی می‌داند، پس از شنیدن این آیات و دقت در مفاد آن، نمی‌تواند منکر چنین فضیلتی باشد، و بدون علت و دلیل آنها را تأویل کند. آیاتی که در این زمینه وارد شده، دو دسته‌اند: نخست، آیاتی که به طور کلی آگاهی پیامبران را از غیب تصدیق می‌کند و می‌فرماید خداوند پیامبران خویش را از امور پنهان آگاه می‌سازد. دوم، آیاتی که به روشنی گواهی می‌دهند که پیامبران در موارد مخصوصی از غیب خبر داده‌اند و به مضمون گروه نخست {خداوند پیامبران خود را از غیب آگاه می‌سازد} در این آیات جامه عمل می‌پوشاند. آیات گروه نخست ۱. «ما كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ». (سوره آل عمران، آیه ۱۷۹) خداوند مؤمنان را بر این حال که شما هستید نمی‌گذارد، تا پلید را از پاک جدا کند، خدا شما را از غیب مطلع نمی‌سازد، ولی از فرستادگان خویش هر که را بخواهد برمی‌گزیند، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید پاداش بزرگ برای شما است». منظور آیه، این است که هرگز خداوند اجازه نخواهد داد که خبیث از طیب؛ و منافق از مؤمن بازشناسی نشوند و برای انجام این هدف دو کار صورت می‌دهد: الف. از طریق امتحان و آزمایش، مؤمنان

واقعی را از منافقان مشخص می سازد و به این راه با این جمله اشاره می کند: «ما كَانَ اللَّهُ لِيُذِرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلٰى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» و بهترین راه برای جداسازی این گروه، امتحان های الهی در میدان جهاد است. ب. گروهی از رسولان را از پس پرده غیب آگاه می سازد، تا آنان از این طریق این افراد را باز شناسند و به این مطلب با این جمله اشاره می کند: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطَّلِعَ عَلَيْكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ». این جمله حاکی از آن است که خدا برخی از رسولان را برای آگاه ساختن از غیب برمی گزیند و این خود دلیل بر آگاهی آنان از غیب است. اگر در مفاد آیه دقت کنیم، خواهیم دید که این فضیلت از آن همه پیامبران نیز نیست، بلکه از آن گروه برگزیده ای از آنان می باشد و لفظ «مِنْ رُسُلِهِ» بر این مطلب گواهی می دهد؛ زیرا لفظ «مِنْ» در آن به معنی تبعیض و انتخاب است. معنی جمله «يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ» این است که از رسولان خود انتخاب می کند. ۲. «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصِيدًا». (سوره جن، آیه ۲۶ ۲۷) «دانای غیب او است، هیچ کس را از غیب خویش مطلع نمی سازد مگر آن کس که برگزیند از پیامبر...». مفاد آیه روشن است و در حقیقت علم غیب را از آن خدا می داند و می رساند که هرگز کسی را بر غیب مسلط و مطلع نمی سازد، جز رسول خویش که با تعلیم او از غیب مطلع می گردد». اکنون وقت

آن رسیده است به برخی از مواردی که پیامبران از غیب خبر داده اند، اشاره ای گذرا داشته باشیم: مواردی که پیامبران از غیب خبر داده اند با بررسی آیاتی که در مورد آگاهی پیامبران از غیب وارد شده است، می توان گفت که پیامبران الهی در مواردی که مصلحت ایجاب می کرد، از پس پرده غیب گزارش داده اند که برخی از آنها را به اختصار بیان می کنیم: الف: حضرت نوح و آگاهی از غیب نوح فرمود: «رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَي الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلْتَدُوا إِلَا - فَاجْرًا كَفَّارًا». (سوره نوح، آیه ۲۶ و ۲۷) «پروردگارا! از کافران کسی را روی زمین باقی مگذار؛ زیرا اگر آنان را مجال دهی، بندگان با ایمان تو را گمراه می سازند و جز بدکار و ناسپاس به بار نمی آورند». این پیامبر عالی قدر در این آیه از دو مطلب کاملاً مخفی و پنهان خبر داده است: ۱. از این به بعد، هیچ کس از کافران به وی ایمان نمی آورند.

۲. از نسل این گروه، جز بدکار و ناسپاس، کسی متولد نخواهد شد. ب: یعقوب و یوسف و خبرهای غیبی سوره یوسف مالا مال از خبرهای غیبی یعقوب و فرزند عزیز او {یوسف} است و با نگاهی گذرا، آگاهی آنان از اخبار غیبی آشکار می گردد. که در اینجا به دو مورد اشاره می کنیم: یوسف در آخرین ملاقات خویش با برادران، خود را به آنان معرفی کرد و پیراهن خود را به مژده رسانی داد تا آن را به یعقوب برسانند. وقتی برادران یوسف و مژده رسان، مصر را ترک کردند، یعقوب بی درنگ گفت: «إِنِّي لِأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُون». (یوسف / ۹۵) «من

بوی یوسف را می شنوم، اگر مرا تخطئه نکنید». یعقوب علیه السلام از فرسنگ ها فاصله، بوی یوسف را می شنود و از وصال نزدیک خبر می دهد. همچنین یوسف علیه السلام در زندان عزیز، با دو هم بند رو به رو شد که هر دو مشرک بودند و خواب خود را برای وی نقل کردند. یوسف پس از دعوت آنان به توحید، خواب آنان را به درستی تعبیر کرد و پرده از روی غیب برداشت و فرمود: «أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ». (یوسف / ۴۱) «یکی از شما ساقی پادشاه می شود، ولی دیگری را به دار می زنند و پرندهگان مغز سر او را می خورند». ج: این تنها پیامبران الهی نیستند که به اذن خداوند از غیب خبر می دهند، مصاحب موسی که معلم او نیز بود، در سه رویداد از غیب خبر داد: ۱. شکستن کشتی. ۲. کشتن نوجوان. ۳. تعمیر دیوار.

(۳۵) د: خبرهای غیبی حضرت مسیح حضرت مسیح که آخرین حلقه اتصال میان پیامبران پیشین و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است، از آگاهان به غیب به شمار می رود. او خویش را با جمله زیر توصیف کرده، می فرماید: ۱. «وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ». (آل عمران / ۴۹) (من به شما خبر می دهم که چه می خورید و چه چیزهایی را در خانه ذخیره می کنید». و این امر را از معجزات خود برمی شمارد و می فرماید: «وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ»). (صف / ۶) «من نابینایان و متبلیایان به بیماری پیسی را شفا می بخشم و مردگان را به اذن خداوند زنده می کنم

و شما را از آنچه می خورید و در خانه هاتان ذخیره می کنید، خبر می دهم». شاید همین مقدار از آیات، راه را برای اثبات آگاهی برخی از اولیا از غیب، گشوده باشد. اکنون وقت آن رسیده است که به برخی از خیرهای غیبی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان دوازده گانه علیهم السلام اشاره کنیم. ه: خیرهای غیبی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آله ۱. خیر شهادت امیرمؤمنان علیه السلام به دست بدبخت ترین انسان ها: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که اشک در دیدگان او حلقه زده بود، به علی علیه السلام فرمود: در چنین ماهی {ماه رمضان} خون تو حلال شمرده می شود، من می بینم که در حال نماز به دست بدبخت ترین انسان های تاریخ کشته می شوی. او که همانند پی کننده ناقه صالح سنگدل است، ضربتی بر سرت می زند و محاسنت را از خون سرت رنگین می کند. (۳۶) مرگ ابوذر در تنهایی: ابوذر در یکی از جنگ ها از ارتش اسلام عقب ماند، هر چه بر مرکب خود فشار آورد که از جای برخیزد، سودی نبخشید، شتر را رها کرد و اثاث سفر را بر پشت خود نهاد و به راه افتاد تا هر چه زودتر به مسلمانان برسد. ارتش اسلام در نقطه ای به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله منزل کرده و به استراحت پرداخته بودند، ناگهان سیاهی شخصی که با بار گران پیاده می آمد، از دور نمایان شد. یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله از دور او را شناخت و به پیامبر گفت: این مرد که تنها می آید، ابوذر است، در این لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «خدا ابوذر

را رحمت کند که تنها راه می رود، تنها می میرد و تنها برانگیخته می شود». (۳۷) آینده نشان داد که خبر پیامبر صلی الله علیه و آله عین واقع بود؛ زیرا وی در بیابان «ربذه» در تبعید، دور از اجتماع در کنار دختر خویش با وضعی رقت بار جان سپرد. این دو، نمونه ای از خبرهای غیبی پیامبر گرامی است که مطرح گردید و گرنه ذکر خبرهای غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله خود به کتابی مستقل نیاز دارد. بر این اساس، اولیای الهی بر اثر صفای باطن، به اذن الهی از آینده خیر می دهند و چه بسا به خاطر محدث بودن، پرده از چهره غیب بردارند. خبرهای غیبی امیرمؤمنان علیه السلام امیرمؤمنان و امامان یازده گانه علیهم السلام به خاطر محدث بودن، گزارش هایی از غیب داده اند که به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می کنیم: ۱. شهر بصره غرق می شود در جنگ جمل بصره فتح شد و سپاه دشمن تار و مار گردید و طلحه و زبیر کشته شدند، امام علیه السلام وارد مسجد شد و روی منبر قرار گرفت، پس از مقدمه ای، رو به مردم کرده، گفت: «به خدا سوگند شهر شما غرق خواهد شد و مسجد شما به سان سینه کشتی {که بدنه آن در آب فرو می رود، و تنها سینه آن روی آب ظاهر می گردد} دیده می شود. خداوند عذاب خود را از بالا- و پایین به این شهر خواهد فرستاد». (۳۸) ابن ابی الحدید می گوید: «بصره تاکنون دوبار در آب غرق شده است، یک بار در زمان «القادر بالله» و بار دیگر در زمان «القائم بالله» طغیان آب های خلیج فارس و باران های سیل آسا این شهر را

در آب فرو برد و از میان آن همه ساختمان تنها کنگره های مسجد جامع که در بلندی قرار داشت، به سان سینه کشتی یا سینه مرغ در دریا دیده می شد». (۳۹) معاویه بر سرزمین عراق مسلط می گردد امیرمؤمنان علیه السلام از مرگ خود، قبل از مرگ معاویه، خبر داد و اعلام کرد که معاویه پس از آن حضرت بر اهل عراق مسلط می گردد. البته ایشان از معاویه نام نمی برد، ولی صفات او را متذکر می گردد که جز معاویه کسی نیست، سپس می فرماید: «از شما می خواهد که به من ناسزا بگویند و از من بیزاری بجویند اگر از شما بخواهند از من بدگویی کنید، بدگویی بنمایید؛ زیرا آن مایه پاکی من و نجات شما است، ولی هرگز در باطن از من بیزاری نجویند؛ زیرا من بر فطرت اسلام چشم به جهان گشوده ام و قبل از همه اسلام آورده ام و به رسول خدا در مدینه پیوسته ام». (۴۰). (ده نفر از خوارج جان به سلامت نمی برند و از یارانم ده نفر کشته نمی شود در نبردی که میان امام و خوارج در سرزمین نهروان رخ داد، امام پس از اتمام حجت و بازگشت گروهی از خوارج به صفوف امام، رو به یاران خود کرد و چنین فرمود: «قتلگاه آنان کنار آب نهروان است سوگند به خدا از گروه خوارج ده نفر جان به سلامت نمی برند و از شما هم ده تن کشته نمی شود». {۱} (نهج البلاغه، خطبه ۵۸) ابن ابی الحدید می گوید: «این خیر غیبی، یکی از کرامات امام است و صحت آن به طور تواتر نقل شده است و در نبردی که میان سربازان امام و خوارج نهروان

رخ داد، نه نفر جان به سلامت بردند و از میان یاران علی تنها هشت تن به شهادت رسیدند».

فصل پنجم

اهل بیت علیهم السلام

۱ در نظر شیعه اهل بیت چه کسانی هستند؟ سؤال: قرآن از تعلق اراده خدا بر تطهیر اهل بیت از رذائل و پلیدی ها سخن می گوید. در این جا این سؤال مطرح می شود که مصادیق اهل بیت علیهم السلام از نظر شیعه چه کسانی هستند؟ پاسخ: نظر سائل به آیه مبارکه است که می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (احزاب / ۳۳) «خداوند می خواهد پلیدی ها را تنها از شما خانواده دور کند و شما را کاملاً پاک گرداند». برای بررسی آیه «تطهیر» لازم است دو مطلب مورد بحث قرار گیرد: ۱. مفهوم «اهل بیت» چیست و عرب این واژه را در چه موردی به کار می برد؟ ۲. این آیه در مورد چه کسانی نازل شده است؟ تبیین مفهوم «اهل بیت» واژه «اهل بیت» مرکب از دو کلمه است: ۱. اهل. ۲. بیت. مفهوم هر دو کلمه واضح و آشکار است و برای تشریح آن، به نقل سخنان فرهنگ نویسان عرب نیازی نیست؛ زیرا واژه «اهل» هر چند عربی است، ولی به خاطر ورود آن به زبان پارسی و انس ما با این لفظ در طول چند قرن، آن را در ردیف کلمات فارسی درآورده است و از مجموع استعمالات آن به صورت مضاف می توان مفهوم آن را چنین توضیح داد: اهل امر: زمامداران. اهل انجیل: پیروان انجیل. اهل کتاب: پیروان کتاب های آسمانی. اهل اسلام: پیروان اسلام. اهل الرجل: کسانی که با مردی پیوند خویشاوندی دارند. اهل بیت: کسانی که در سایه پیوند خویشاوندی،

در خانه ای به صورت مشترک زندگی می کنند. اهل الماء: موجوداتی که در آب دریا یا کنار آن زندگی می کنند. با توجه به موارد استعمال این کلمه می توان مفهوم این لفظ را به شرح زیر تحدید کرد: هر انسانی که نسبت به موضوعی {مضاف الیه} یک نوع انتساب یا اختصاص و الفت و انسی دارد، به آن «اهل آن شیء» می گویند، از این رو «ابن منظور» در «لسان العرب» می گوید: «أهل الرجل أخص الناس به»؛ «وخصی یصان هر مردی، اهل اوست». به دیگر سخن، هرگاه گفته شود «اهل الرجل» مقصود کسانی هستند که به او وابسته بوده، و از اتباع و متعلقان او به شمار می روند و بر اساس این بیان، باید گفت: اهل بیت مفهوم وسیعی دارد که فرزندان و همسران انسان را نیز دربرمی گیرد، لذا قرآن به روشنی آن را در مورد همسر ابراهیم به کار برده و آورده است که فرشتگان خطاب به او گفتند: «رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ». (هود / ۷۴) «رحمت و برکات الهی بر شما خاندان باد». مقصود از «اهل بیت» چه کسانی هستند؟ اکنون وقت آن رسیده است که مقصود از اهل بیت در آیه تطهیر روشن شود. هرگاه دلیلی بر انحصار این مفهوم بر همسر و همسران یا خصوص فرزندان اقامه نشود، باید آن را بر همان معنی وسیع حمل کرد، ولی قرائن قاطع نشان می دهد که مقصود، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند و دیگر افراد را شامل نیست. شواهد و قرائن این گفته عبارت اند از: ۱. «البیت» به بیت معینی اشاره دارد. «ال» در واژه «البیت»، ال جنس یا

استغراق نیست بلکه اشاره به یک بیت معهود است که مورد عنایت آیه است؛ زیرا اگر مقصود آیه خانه های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، باید می گفت: «أهل البيوت»، و لذا آنجا که درباره آنان سخن می گوید، صیغه جمع به کار می برد، نه صیغه مفرد و می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب / ۳۳) «در خانه های خود قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخست، زیبایی های خود را آشکار نکنید». در این آیه هر اتاقی از اتاق های زنان رسول خدا بیتی محسوب شده که متعلق به یکی از همسران او بود، در حالی که در آیه، یک بیت مشخص مطرح است و طبعاً باید این یک بیت را معین کنیم، نمی توان گفت این «بیت» یکی از بیت های متعلق به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ زیرا در این صورت مفهوم آیه کاملاً در ابهام فرو رفته و مجمل خواهد بود، گذشته از این دلیلی ندارد که یکی از بیت ها را بر هشت بیت دیگر ترجیح دهیم. از این جهت باید این بیت، جدا از بیوت ازواج رسول خدا باشد و آن بیت چیزی جز بیت فاطمه {علیها السلام} نیست که در عین تعلق به وی، به پیامبر نیز تعلق داشت و در آن چهار نفر مشترکاً زندگی می کردند. مؤید این مطلب حدیثی است که سیوطی در تفسیر آیه «فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (نور / ۳۶) آورده است. او می نویسد: وقتی این آیه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مسجد تلاوت کرد، فردی برخاست و از رسول خدا پرسید: این بیوت با عظمت

از آن کیست؟ پیامبر فرمود: «بیوت انبیا و پیامبران است». در این هنگام ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه فاطمه و علی {علیهما السلام} اشاره کرد، گفت: آیا این خانه نیز از آن خانه هاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نعم من أفاضلها» (۴۱) آری! از برترین آنهاست». ۲. مذکر بودن ضمائر قرآن در سوره احزاب از آیه بیست و نهم تا آیه سی و چهارم درباره همسران پیامبر بحث و گفتگو می کند و در تمام آیات، ضمائر مربوط به همسران پیامبر را مطابق قواعد ادبی مؤنث می آورد، در این مورد متجاوز از بیست ضمیر مؤنث به کار می برد و می فرماید: «كُنْتُمْ * فَتَعَالَيْنَ * اُمْتَعُكُنَّ * اُسْرَحُكُنَّ * تُرِدْنَ * لَسْتُنَّ * اَتَّقِيْتُنَّ * فَلَا تَخْضَعْنَ * قُلْنَ * قَزْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ * تَبَرَّجْنَ * آتَيْنَ * اَطْعَنَ * وَاذْكُرْنَ * و...». ولی هنگامی که به آیه مورد بحث که در ذیل آیه سی و سه قرار دارد می رسد، لحن سخن دگرگون می شود و مخاطب عوض می گردد، ضمائر را مذکر می آورد و می گوید: «عَنْكُمُ الرَّجْسَ» و «يُطَهَّرْكُمْ». در این صورت باید دقت کرد که هدف از این دگرگونی چیست؟ این دگرگونی جز این نیست که آیه درباره غیر این گروه {زنان} نازل شده، هر چند در سیاق آیات مربوط به آنها آمده است. این که علت «تداخل» چیست و چرا در اثنای گفتگوی با همسران، ناگهان طرف خطاب دگرگون می شود و مطلب مربوط به غیر آنان به میان می آید و آنگاه، بار دیگر به بحث پیرامون همسران باز می گردد و... را در جای دیگری مورد بحث قرار خواهیم داد. ۳. اهل بیت علیهم السلام

در لسان پیامبر صلی الله علیه وآله روایات متضافر بلکه متواتر از پیامبر صلی الله علیه وآله نشان می دهد که در این آیه، جز خود پیامبر صلی الله علیه وآله و ساکنان خانه فاطمه، احدی مقصود نیست و این روایات را گروهی از صحابه از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده اند که برخی از آنها عبارت اند از: ۱. ابوسعید خدری ۲. انس بن مالک ۳. ابواسحاق ۴. واثله بن الاسقع ۵. ابوهریره ۶. ابوالحمراء ۷. سعد بن ابی وقاص ۸. عایشه ۹. ام سلمه ۱۰. ابن عباس. مضمون احادیث حاکی است که پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله برای روشن کردن مقصود از اهل بیت، دو کار معین انجام داده است که هر کدام در نوع خود قابل توجه است: ۱. کسا و عبا و یا قطیفه ای بر سر پنج تن افکند و ام سلمه را که قصد ورود به زیر کسا را داشت، از دخول تحت کسا بازداشت و این جمله را گفت: «خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پروردگارا! پلیدی را از آنان دور ساز!» ۲. به مدت هشت ماه و یا بیشتر، موقع رفتن به مسجد برای گزاردن نماز صبح، به خانه زهرا می رفت و آنان را برای نماز دعوت می کرد و آیه مذکور را تلاوت می نمود. بنابراین، پیامبر صلی الله علیه وآله با این دو عمل، کاملاً مصادیق آیه را تعیین فرموده است. اکنون به صورت فشرده به ترجمه و نقل برخی از احادیث می پردازیم: ۱. ابو سعید خدری می گوید: «رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: این آیه درباره من و علی و فاطمه و حسن و حسین فرود

آمده است». ام سلمه می گوید: این آیه در خانه من نازل گردید. همان روز زهرا علیها السلام غذایی به حضور پیامبر آورد. پیامبر فرمود: برو پسر عمویت علی و دو فرزند خود را بیاور. زهرا در حالی که دست فرزندان خود را گرفته بود و علی نیز پشت سر او حرکت می کرد، وارد محضر رسول خدا شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله حسنین را در آغوش گرفت و علی علیه السلام در سمت راست پیامبر و دخت او در سمت چپ او نشستند و هر پنج نفر مشغول خوردن غذایی شدند که دخت گرامی پیامبر آماده کرده و به حضور پیامبر آورده بود. ناگهان فرشته وحی نازل شد و آیه تطهیر را فرود آورد. در این هنگام پیامبر کسانی را که شبها آن را به روی خود می کشید، برداشت و همه را زیر آن کسا قرار داد و دست خود را از زیر کسا بیرون آورد و به آسمان اشاره کرد و سه بار فرمود: من با شنیدن این جمله خواستم زیر کسا درآیم و مشمول چنین فضیلتی گردم. از این جهت گوشه کسا را بالا زدم تا به آنان ملحق شوم. پیامبر آن را از دست من کشید. گفتم: ای رسول خدا، آیا من از اهل بیت تو نیستم؟! پیامبر بدون این که یکی از دو طرف قضیه را تصدیق کند فرمود: «تو زن نیکی هستی و از همسران پیامبر می باشی». مضمون حدیث که در کتاب های حدیث و تفسیر نقل شده، همگی بیانگر آن است که مفاد آیه از خصایص این پنج نفر است و غیر آن پنج تن، حتی بهترین و پاکترین همسران او

در این فضیلت شرکت ندارند. رسول گرامی صلی الله علیه وآله به روایتی چهل روز و به روایت دیگر هشت ماه و به روایت سوم، نه ماه، هنگامی که برای گزاردن نماز صبح به مسجد می رفت، به در خانه علی علیه السلام می آمد و می گفت: الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (۴۲) آیا با توجه به این روایات باز می توان برای آیه، تفسیر دیگری جست؟ شکفت از سر دبیر مجله «ترجمان الحدیث» لاهور پاکستان «احسان الهی ظهیر» است که خود را مترجم و سخن گوی احادیث نبوی می داند؛ امّا با بی پروایی خاصی این همه احادیث را که نشانگر اختصاص تطهیر به این گروه است نادیده گرفته و در کتاب «الشیعه و اهل البیت» به روایت {عکرمه} خارجی اعتماد کرده و می گوید: مقصود همسران پیامبر است و می افزاید که فرزندان او نیز مجازاً در آن داخل اند. تنها سؤالی که باقی می ماند این است که چرا آیه تطهیر در لابلای آیات مربوط به همسران پیامبر آمده است؟ پاسخ آن این است که گاهی قرآن در حالی که درباره موضوعی سخن می گوید، آن را رها کرده و به موضوعی دیگر می پردازد و اندکی بعد، دیگر بار به همان موضوع نخست برمی گردد که یک نمونه از آن رامی آوریم: در داستان یوسف، آنگاه که پرده از خیانت همسر عزیز برافتاد و شوهرش از جریان آگاه شد، عزیز رو به همسر خود کرد و گفت: «قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ». (یوسف / ۲۸) «گفت: این کار مکر شما زنان است و حیل های شما بزرگ است». در حالی که با همسر خود سخن می گوید ناگهان خطاب را

به یوسف متوجه می کند و می گوید: «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ». (یوسف / ۲۹)

«یوسف از او درگذر، و تو ای زلیخا! نیز از گناهی که انجام داده ای استغفار کن، تو از خطاکاران بوده ای». و اما در این مورد که چرا در لابلای گفتگو درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مسأله اهل بیت علیهم السلام آمده است، از دو علت می توان یاد کرد: ۱. خدا در حالی که درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می گوید، گاهی آنها را تهدید می کند و می گوید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا». (احزاب / ۳۰) «ای زنان پیامبر، هر یک از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دو چندان خواهد شد، و این برای خدا سهل و آسان است». در این وضعیت، با مطرح کردن اهل بیت و کمالات آنان، می خواهد برساند که این خاندان برای شما بهترین الگو هستند، چه بهتر زندگی آنان، سرخط زندگی شما باشد. ۲. بسیاری از مسلمانان صدر اسلام درباره علی علیه السلام و خاندان او کاملاً حساسیت داشتند. هیچ قبیله و عشیره ای نبود که فردی از آنان به دست امام در غزوه های اسلامی کشته نشده باشد. برای همین بسیاری از آنان از امام سخت دل آزرده و ناراحت بودند و این نوع بغض و کینه، پس از درگذشت پیامبر آشکار شد و گروه های زیادی به نوعی از امام و خانواده او انتقام گرفتند. به خاطر چنین حساسیتی پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا آیه مربوط به طهارت و عصمت این خاندان

را در لابلای آیات مربوط به همسران پیامبر قرار داد تا تجلی زیادی نداشته باشد. آنگاه برای این که ایجاد اشتباه نکند، از طریق سنت و حدیث به توضیح مفاد این آیه پرداخت و پرده از مقصد حقیقی آیه برداشت. این جریان درست مانند این است که افراد خردمند و با تجربه اشیا بسیار قیمتی و گرانبها را در درون خانه در میان اشیایی قرار می دهند که برای بیگانه چندان جلب توجه نکند، هر چند خود اهل خانه از درون آن آگاه هستند. این بحث را با نقل روایتی از سعد بن ابی وقاص به پایان می رسانیم: ترمذی در صحیح خود از سعد وقاص نقل می کند که در ماجرای مباحله، پیامبر، علی و فاطمه، حسن و حسین را خواست و گفت: «اللَّهُمَّ هؤُلاءِ أَهْلِي». وی در بخش دیگری از صحیح خود آورده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حسین و علی و فاطمه علیهم السلام را با پارچه پوشانید و فرمود: «خدایا! آنان اهل بیت من هستند. خدایا! پلیدی را از آنان دور ساز و آنان را به نحو خوبی، پاکیزه گردان! ام سلمه عرضه داشت: ای پیامبر خدا، من هم از آنان هستم؟ فرمود: تو بر جای خود باش {وارد کسا مشو} تو زن خوبی هستی». (۴۳) سخن گفتن فرشته با فاطمه زهرا {علیها السلام} سخن گفتن فرشته با دخت گرامی پیامبر، فاطمه زهرا {علیها السلام} چگونه قابل توجیه است؟ تردیدی نیست که فرشته وحی و یا دیگر فرشتگان با انبیا و اولیا سخن می گویند و وحی الهی را در اختیار آنان می گذارند، ولی سخن گفتن آنان به پیامبران اختصاص ندارد،

بلکه با انسان های والا هر چند نبی نباشند نیز سخن می گویند و گروهی را که فرشتگان در برابر آنها متمثل می شوند و با آنان سخن می گویند، «محدّث» می نامند. در احادیث فریقین گروهی به نام محدّث معرفی می شوند و آنها کسانی هستند که فرشته با ایشان به گفتگو می پردازد. فرد محدّث از نظر کمال باید به پایه ای برسد که بتواند اصوات برزخی را با گوش دنیوی بشنود. جهان، پر از صور و اصوات برزخی است که اغلب انسان ها را به خاطر نداشتن توانمندی، یارای دیدن و شنیدن آنها نیست، اما گروهی که از نردبان کمال و فضیلت بالا رفته اند، می توانند این اصوات و صور برزخی را بشنوند و درک کنند، تا آنجا که فرشته والامقامی چون «روح الامین» با آنها سخن می گوید و آنها سخن او را می شنوند. از این جهت، در روایات، دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله محدّثه (۴۴) معرفی شده که خود حاکی از کمال برتر است. کوتاه نظران، سخن گفتن فرشته با غیر پیامبران را دور از واقعیت می شمارند، در حالی که قرآن کریم یادآور سخن گفتن فرشته با مادر مسیح، حضرت مریم است، آنجا که می فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». (نساء / ۴۲) «آن گاه که ملائکه به مریم گفتند: خدا تو را برگزیده و از آلودگی پاک کرده و تو را بر زنان جهان برتری بخشیده است». سخن گفتن فرشتگان با فرد، نشانه نبوت و رسالت او نیست، بلکه نشانه ارتقای مخاطب به قلّه کمال است که به او توان شنیدن صدای فرشتگان را می دهد. از این گذشته، قرآن کریم، سخن

گفتن فرشتگان را با همسر حضرت ابراهیم، هاجر یادآور می شود و می فرماید: «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (هود / ۷۳) «آیا از فرمان و اراده خدا در شکفت هستی، رحمت و برکات او بر شما خاندان [نبوت] باد...» مسأله الهام و فتوحات غیبی در مورد اولیای الهی مسأله گسترده کلامی و فلسفی است که در این مختصر، مجال بازگویی آن نیست، ولی به طور فشرده می توان گفت که عصر نبوت و رسالت به معنی رهبری انسان ها از طریق وحی تشریحی سپری شده است و پس از رسول خاتم صلی الله علیه و آله نبی و رسولی نخواهد آمد، ولی هرگز باب فتوحات و شکوفایی معرفتی انسان به روی او بسته نشده است. چه بسا انسان هایی با دید برزخی و هوش برتر، آنچه را که دیگران نمی بینند و نمی شنوند، بینند و بشنوند. قرآن مجید می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال / ۲۹) «ای افراد با ایمان اگر از گناه پرهیز کنید، خدا قوه و نوری به شما می دهد که از درون حق را از باطل جدا می سازید». امیر مؤمنان درباره انسان های وارسته، که از طریق تقوا و پرهیزکاری کمال نموده اند، چنین می فرماید: «عقل خود را زنده ساخته و شهوتش را میرانده است تا آن جا که تنش به لاغری گراییده و تندخویی او به نرمی تبدیل شده است. برقی پرنور در وجودش درخشیده و راه هدایت را برای او روشن ساخته و در راه خدا او را به پیش برده است. پیوسته در مسیر تکامل از دری به دری دیگر راه یافته

و در جایگاه امنیت و آسایش پای نهاده و آرام گرفته است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۲) گفتنی است، در پاسخ برخی از این پرسش‌ها به تفصیل درباره افراد «محدث» در اسلام سخن گفته ایم. ۳ کیفیت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال: چگونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستید؟ پاسخ: فرستادن درود بر والاترین انسان‌ها، عملی خدا پسندانه است که خداوند، خود بر این کار سبقت گرفته و فرشتگان و مؤمنان را فرمان داده است که بر او درود بفرستند؛ چنان که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». (احزاب / ۵۶) «خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آوردید بر او صلوات و سلام بفرستید». ذکر صلوات در هر زمان و در تمام حالات، امری مستحب است و آیه مبارکه بدون آن که زمان و مکان خاصی برای آن تعیین کند، به آن فرمان می دهد، به خصوص هنگامی که انسان به هنگام اذان و یا خواندن قرآن نام او را بشنود یا بر زبانش جاری گردد. کیفیت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، در حدیث عبدالرحمان بن ابی لیلی، از کعب بن عجره، از نبی مکرم اسلام وارد و در اصح کتب حدیثی از نظر اهل سنت نقل شده است که به ترجمه بخشی از آن می پردازیم: کعب بن عجره خطاب به عبدالرحمان: آماده ای حدیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده ام به عنوان هدیه ای به تو اهدا کنم؟ عبدالرحمان: حاضر و آماده ام. کعب بن عجره: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردیم، بر شما

اهل بیت چگونه درود بفرستیم، در حالی که از کیفیت دادن سلام آگاهیم. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (۴۵) از این بیان روشن می شود که در موقع فرستادن صلوات، باید آل محمد را نیز ذکر کنیم تا صلوات کامل شود و این که عده ای امروزه در سخنرانی ها و نوشته ها، تنها بر پیامبر درود می فرستند و می گویند: «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، کاملاً برخلاف دستور رسول خدا است. ابن حجر هیثمی {۸۹۹- ۹۷۴} از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل می کند که آن حضرت فرمود: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: «برای من درود مقطوع و بریده نفرستید، عرض شد مقصود چیست؟ فرمود: نگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَسَكَوت کنید، بلکه لازم است بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ». (۴۶) از این رو صلوات شیعه، صلوات کامل و مطابق است با روایت صحیح بخاری که اصح کتب حدیثی اهل سنت است. البته شایسته است که پس از ذکر صلوات، جمله «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ» گفته شود، ولی گاهی به جهت اختصار این جمله ترك می شود، چنان که خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در روایت دوم به آن بسنده کرد. گذشته از این، می توان گفت جمله «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ» جزء صلوات نیست، بلکه تعبیری است برای تعلیم آن؛ یعنی همان طور که بر ابراهیم و آل او صلوات می فرستید بر محمد و آل او نیز صلوات

بفرستید، و این دو را از هم جدا نسازید و شگفت آن که در صحیحین و دیگر کتاب‌ها، نامی از صحابه به میان نیامده، در صورتی که اهل سنت به هنگام فرستادن درود کامل، صحابه را بر آل عطف می‌کنند و می‌گویند: «وعلی آله و صحابه». ۴ غلو درباره اهل بیت علیهم السلام سؤال: آیا عقیده شیعه درباره اهل بیت»،

غلو آمیز نیست؟ پاسخ: «غلو» در فرهنگ عربی به معنای «تجاوز از حد و مرز» است؛ مثلاً پزشک عمومی، به عنوان متخصص قلب و عروق معرفی شود، یا در ستایش زیبایی‌های ظاهری و معنوی فردی، بیش از حد سخن گفته شود. و از آنجا که غلو یک امر نکوهیده است، خداوند اهل کتاب را پند می‌دهد که در دین خود زیاده روی نکنند؛ چنان که می‌فرماید: «يا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ». (نساء / ۱۷۱، مائده / ۷۷) «ای اهل کتاب، در دین خود غلو و زیاده روی نکنید»، آنچه غلوی بالاتر از این که بشر را خدا و فرزند خدا بدانند. امیرمؤمنان، رفتار و گفتار اهل بیت پیامبر را حد و مرز شریعت و عقیده معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ما جایگاه میانه و حد وسط هستیم. عقب ماندگان باید به ما ملحق شوند و تندروان غلو کننده، باید به سوی ما بازگردند». (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۰۹) متهم کردن پیروان اهل بیت به غلو، اندیشه باطلی است که بر اثر ناآگاهی از عقاید آنان و یا مبانی و دلایل آنها پدید می‌آید. در قلمرو توحید، غالی کسی است که امامان را از مقام عبودیت و بندگی فراتر ببرد و آنها را خدا و یا مصدر

افعال خدا بیندارد؛ مثلاً بگوید: آنان خالق زمین و آسمانند {شرک در خالقیت} یا معتقد باشد که تدبیر نظام آفرینش پس از ایجاد به دست آنها است و آنها «رازق»، «محبی» و «ممیت» می باشند. {شرک در تدبیر}. یا بگوید: امر تشریح به آنان واگذار شده و تحریم و تحلیل در دست آنها است {شرک در تقنین}. پیروان اهل بیت در تمام مراتب توحید که برخی را یادآور شدیم، ذره ای از مرز توحید حقیقی تجاوز نکرده، تنها خدا را خالق، مدبر و مشرّع می دانند و امامان را انسان های برتر و والا می شمارند. به عقیده شیعیان، اگر در یک مورد خاص و در پرتو دعای آنان، تحوّلی در جهان آفرینش رخ دهد و یا بیماری شفا پیدا کند، همگی به اذن خدا بوده و شبیه کارهای معجزه آسای حضرت مسیح علیه السلام می باشد. شفاعت آنان در روز رستاخیز هم به اذن خدا است و توسل به آنان، به خاطر موقعیتی است که آنان نزد خدا دارند. ذکر فضایل و مناقب آنان نیز نوعی اظهار مهر و مودت به خاندان رسالت است که مورد تأکید قرآن و سنت پیامبر می باشد. حب عترت و مودت ذوی القربی از اصولی است که قرآن و سنت بر آن تأکید دارند. (۴۷) اعتقاد به آگاهی آنان از غیب نیز به معنای آن است که آنان به اذن الهی و تعلیم وی از غیب خبر می دهند. امیرمؤمنان پس از فتح بصره بفرز منبر رفت و از رویدادهای بزرگی که در آینده در شهر بصره رخ خواهد داد، خبر داد. فردی از یاران گفت: «قد أُعْطِيتَ عِلْمَ الْغَيْبِ؟»: آیا به شما علم غیب داده شده؟

امام

خندید و فرمود: آنچه گزارش می‌دهم علم غیب نیست، بلکه آموزشی از صاحب علم {پیامبر} است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸) بنابراین «علم غیب» ذاتی، {نه اکتسابی و آموزشی} از آن خدا است و آگاهی دیگران از غیب به صورت اکتسابی و آموزشی می‌باشد. اگر قرآن، علم غیب را از آن خدا دانسته و می‌فرماید: «قُلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا اللَّهُ». (نمل / ۶۵) «بگو کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، غیب را نمی‌دانند، جز خدا». مقصود، علم غیب ذاتی و نامحدود است که از آن آفریدگار هستی است و غیر او، در همه چیز نیازمند او می‌باشند. بنابراین، به هیچ عنوان نمی‌توان این عقاید را نشانه غلو و زیاده روی درباره آنان دانست. امامان ما پیوسته از غالیان تبری جسته و آنان را از ساحت خود طرد می‌کردند. امام هشتم علیه السلام، در یکی از دعاهای خویش، از غالیان زمان خود تبری و دوری می‌گزیند. آن حضرت در این دعا از عقیده غالیان، که خلقت جهان و روزی دادن بندگان را به دست امامان می‌دانستند، تبری می‌جوید. این دعا حاکی است که برخی از کوته نظران با مشاهده امور خارق العاده از آنان، اندیشه های ناروا و غیر صحیحی را به خود راه می‌دادند لذا امام برای تبری از اندیشه های باطل، دعایی به شرح زیر دارد: «پروردگارا! من از گفتار کسانی که در حق ما مطالبی را می‌گویند که ما نگفته ایم، تبری می‌جویم. پروردگارا! خلقت جهان و روزی بندگان از آن تو است. تو را می‌پرستیم و از تو کمک می‌طلبیم...». «بارالها! تو آفریدگار ما و آفریدگار پدران و فرزندان ما هستی. پروردگارا! ربوبیت

و الوهیت شایسته تو است، از کسانی که تصور می کنند که ما پروردگار آنها هستیم و یا می اندیشند که خالق و رازق آنها هستیم، براثت و بیزاری می جوئیم. بارالها! ما این سخنان را به آنان نگفته ایم، ما را به گفتار آنان مؤاخذه نکن!». (۴۸) امام با این راز و نیاز، به انتقاد از آن اندیشه های باطل برخاسته و از کسانی که معتقدند سرپرستی و قیمومت جهان هستی به پیامبر و امامان تفویض شده و آنان از جانب خداوند، آفریننده زمین و آسمان، روزی دهنده بندگان و زنده کننده و میراننده آنان در جهان و روز رستاخیز می باشند، بیزاری جسته است. امامان و بهره گیری از اسباب طبیعی هیچ یک از افراد بشر، هر چند که در مقام بالا قرار داشته باشد، جانشین هیچ یک از واسطه های فیض نمی گردد، بلکه خود او فیض را از همان واسطه ها می گیرد، اشعه خورشید، ریزش برف و باران و شکفته شدن غنچه ها، همگی تأمین کننده زندگی پیامبران و پیشوایان معصوم و اولیای الهی است، همچنانکه وحی را فرشته به پیامبر می رساند و جان او را ملک الموت می گیرد (۴۹). و از روز نخست حافظان و نگهبانان برای حفاظت جان او و تکمیل ملکات و فضایل اخلاقی او گمارده می شوند. (۵۰). بنابراین، تمام افراد بشر، حتی انسان های کامل، از نظام علی و معلولی گیتی بهره مند بوده و هرگز جانشین هیچ یک از وسایط فیض مادی و معنوی نمی گردند، ولی این حقیقت، مانع از آن نیست که آنان گاهی بنا بر مصلحت و به دور از هوی و هوس، مبدأ کرامات و تصرفاتی در جهان گردند و به اشاره غیبی، در جهان خلقت، تصرفاتی انجام

فصل ششم

مهدویت در اسلام

۱ امام زمان علیه السلام و تولد او سؤال: آیا امام مهدی علیه السلام متولد شده است؟ و اصولاً آیا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی داشته است؟ پاسخ: تمامی علمای شیعه اتفاق دارند که آن حضرت در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ق. و به قولی ۲۵۶ از مادری به نام نرجس خاتون در سامرا و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام دیده به جهان گشود و در این مورد، روایات زیادی از پدر ارجمندش حضرت عسکری علیه السلام وارد شده که با نقل آنها سخن به درازا می کشد. از آنجا که تولد حضرت مهدی علیه السلام زنگ خطری برای تمام نظام های فاسد آن روز بود، پیوسته عباسیان در صدد بودند که از تولد او جلوگیری کرده و در صورت تولد، به حیاتش خاتمه دهند. یکی از علل این که حضرت عسکری علیه السلام را در سامرا تحت نظر گرفته بودند، این بود که از تولد فرزند او آگاه شوند. تولد او مانند تولد موسی علیه السلام اعجاز آمیز بود. با مراقبت های پیاپی مأموران حکومت عباسی، خدا آخرین وصی خود را از نسل امام عسکری علیه السلام پیش از تولد و پس از آن، از گزند دشمنان محفوظ نگاه داشت. اسامی برخی از کسانی که در زمان تولد آن حضرت حضور داشته و یا آن حضرت را پس از تولد مشاهده نموده اند، از این قرار است: حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی و عمه امام حسن عسکری {علیهما السلام} است. او می گوید: روزی به خانه امام حسن علیه السلام مشرف شدم. می خواستم شبانگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ به منزل بازگردم که امام حسن

عسکری علیه السلام فرمود: عمه جان! امشب در خانه ما باش؛ زیرا ولی خدا و جانشین من در این شب متولد خواهد شد، پرسیدم از کدام یک از کنیزانت؟ فرمود: از سوسن. من هر چه جستجو کردم اثری از بارداری در وی ندیدم، بعد از افطار با سوسن در یک اتاق خوابیدم، طولی نکشید که بیدار شدم، به فرمایش امام حسن علیه السلام می اندیشیدم. مشغول نماز شب شدم. سوسن هم از خواب برخاست و به نماز شب پرداخت. حتی نزدیک سپیده دم، باز هم اثری از وضع حمل نبود. نزدیک بود درباره سخن امام علیه السلام به شک و تردید دچار شوم که صدای امام علیه السلام از اتاق دیگر آمد که فرمود: عمه جان! تردید نداشته باش، تولد فرزندم نزدیک شده است. لحظاتی بعد ولی خدا پاک و پاکیزه به دنیا آمد، ... کودک را نزد امام بردم... (۵۱) به خاطر مراقبت های عباسیان، کمتر کسی موفق شد در حیات حضرت عسکری علیه السلام امام را از نزدیک ببیند، ولی در عین حال گروهی از افراد بسیار نزدیک و مورد اعتماد به زیارت آن حضرت در حیات والدش موفق شدند. اکنون به ذکر اسامی شمار اندکی از آنان می پردازیم: ۱. ابوغانم خادم می گوید: فرزندى برای امام حسن علیه السلام متولد شد که او را «محمد» نامیدند. روز سوم آن کودک را به اصحابش نشان داد و فرمود: این فرزندم پس از من صاحب و امام شماست و این همان قائمی است که همه در انتظارش می باشند. (۵۲) ۲. حسن بن حسین بن علوی می گوید: در سامرا خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، تولد فرزندش را تبریک

گفتم. (۵۳) ۳. حسن بن منذر می گوید: روزی حمزه بن ابی فتح نزد من آمد و گفت: بشارت باد که دیشب خدا به امام حسن علیه السلام فرزندی عطا کرد، لیکن دستور داد که امرش مخفی باشد. نامش را پرسیدم، گفت: نامش «محمد» است. (۵۴) ۴. احمد بن اسحاق می گوید: روزی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم. قصد داشتم از جانشینش سؤال کنم. آن جناب، خود سخن آغاز کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خداوند متعال از هنگامی که آدم علیه السلام را آفرید تا قیامت، زمین را هرگز از حجت خالی نگذاشته و نمی گذارد، به برکت وجود حجت خداست که بلا- از زمین دفع می شود و باران نازل می گردد و زمین برکاتش را بیرون می دهد. عرض کردم: یا ابن رسول الله! بعد از شما، امام و جانشین شما کیست؟ آن جناب به درون خانه رفت و کودک سه ساله ای را با خود بیرون آورد که از زیبایی مانند ماه شب چهاردهم بود. او را بر دوش گرفته بود. فرمود: احمد! اگر تو نزد خدا و امامان گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. بدان که این کودک هم نام وهم کنیه رسول خداست؛ همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند. (۵۵) اینها برخی از شخصیت های برجسته شیعیان بودند که توفیق زیارت امام را در زمان حیات امام عسکری علیه السلام به دست آوردند، هر چند این توفیق منحصر به ایشان نبود و گروه بیشتری آن حضرت را در زمان زندگی پدرش در خانه وی ملاقات کردند. (۵۶) در پایان یادآور می شویم که گروهی از بزرگان اهل سنت

به ولادت او تصریح کرده اند. در این مورد به کتاب منتخب الاثر، چاپ جدید، ص ۷۱ تا ۹۲ مراجعه شود. مؤلف این کتاب ۶۸ نفر از اهل سنت را نام برده است که در کتاب های خود، به ولادت آن حضرت از حضرت عسکری علیه السلام تصریح نموده اند، علاقمندان می توانند به آن مراجعه فرمایند. ۲ علت غیبت امام علیه السلام سؤال: علت غیبت حضرت مهدی چیست و چرا مانند دیگر ائمه در میان مردم حضور ندارد؟ پاسخ: غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از رازهای الهی بوده و ممکن است ما نتوانیم به کُنه آن پی ببریم. غیبت موقت رهبران الهی از میان مردم، در امت های پیشین نیز سابقه داشته است؛ چنان که موسی بن عمران علیه السلام چهل روز از امت خود غایب شد و در میقات به سر برد. (اعراف / ۱۴۲) حضرت مسیح علیه السلام به مشیت الهی از دیدگاه امت خویش پنهان گردید و دشمنان قادر به کشتن او نگشتند. (نساء / ۱۵۸) حضرت یونس علیه السلام نیز مدتی از قوم خود غایب گشت. (صافات / ۱۴۰) اصولاً هرگاه مطلبی از طریق نقل متواتر ثابت شود ولی انسان نتواند به راز آن کاملاً پی ببرد، نباید آن را مورد تردید یا انکار قرار دهد؛ زیرا در این صورت بخش عظیمی از احکام الهی، که از مسلمات و ضروریات دین اسلام به شمار می رود، مورد تردید قرار می گیرد. غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از این قاعده مستثنی نیست و عدم اطلاع از سرّ یا اسرار حقیقی آن، مجوز تردید یا انکار آن نمی تواند باشد.

با این همه، می توان راز غیبت را در حد اندیشه بشر دریافت. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت معصوم الهی است که برای تحقق آرمانی بزرگ {گسترش عدل فراگیر و به اهتزاز درآوردن پرچم توحید در جهان} در نظر گرفته شده است و این آرمان نیاز به گذشت زمان و شکوفایی عقل و دانش بشر و آمادگی روحی بشریت دارد، تا جهان به استقبال موکب آن امام عدل و آزادی رود. ظهور زود هنگام آن حضرت، قیام کلی و گسترده ای را به دنبال نخواهد داشت؛ زیرا اگر ایشان پیش از فراهم شدن مقدمات در میان مردم ظاهر شود، سرنوشتی چونان دیگر حجت های الهی {شهادت} یافته و قبل از تحقق آن آرمان بزرگ، دیده از جهان برخواهد بست. پیشوایان معصوم در روایات نیز به این حکمت اشاره کرده اند. امام باقر علیه السلام فرمود: برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی است قبل از ظهور. راوی از علت آن پرسید. امام فرمود: «برای جلوگیری از کشته شدن (۵۷) گذشته از این، در برخی روایات مسأله امتحان و آزمودن خلق مطرح شده است؛ بدین معنی که مردم در عصر غیبت در بوته آزمایش الهی قرار می گیرند و مراتب استواری آنان در ایمان و اعتقاد سنجیده می شود (۵۸) اجمال سخن این که حضرت مهدی آخرین وصی از اوصیای الهی است که برای تکامل همه جانبه بشر و ایجاد حکومت واحد الهی آفریده شده است. این ایده و آرزو هنگامی تحقق می پذیرد که در جامعه بشری، آمادگی برای پذیرش چنین حجتی وجود داشته باشد و در غیر این صورت، ظهور جز کشته شدن و نابودی نتیجه ای نخواهد

داشت و آن هدف عالی تحقق نخواهد یافت. از این جهت وجود حضرت، در پس پرده غیبت به سر می برد و در حالی که در میان مردم زندگی می کند و مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند و از این طریق از گزند دشمنان حق و عدالت مصون می ماند. از این گذشته، از آنجا که حکومت وی حکومت جهانی خواهد بود و تحقق این امر در گرو ایجاد شرایطی است که در هنگام تولد، وجود نداشته است. این شرایط به مرور زمان تحقق پیدا کرده و یا در حال پیدایش است و ما این شرایط را در پاسخ به پرسش ششم توضیح خواهیم داد. ۳ بهره مردم در زمان غیبت سؤال: مردم از حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت چه بهره ای می برند؟ پاسخ: از نظر قرآن کریم، اولیای الهی دو دسته اند: ولیّ ظاهر، که مردم وی را می شناسند و ولیّ غایب از انظار، که مردم او را نمی شناسند، گرچه او در میان آنها بوده و از حال آنان باخبر است. در سوره کهف، وجود هر دو ولیّ، به طور همزمان بیان شده است: یکی موسی بن عمران و دیگری مصاحب موقت او در سفر دریایی و زمینی که به نام خضر معروف است. این ولی الهی به گونه ای بود که حتی موسی با او آشنا نبود و تنها به راهنمایی خدا او را شناخت و از علمش بهره گرفت؛ چنانکه می فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا * قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا». «موسی و همراهش بنده ای از بندگان ما را {در لب دریا}

یافتند که وی را مشمول رحمت خود قرار داده و از جانب خویش به او علمی آموخته بودیم. موسی به وی گفت: آیا اجازه می دهی همراه تو باشم تا از علوم رشد آفرین خویش به من بیاموزی؟» (کهف / ۶۵۶۶) قرآن سپس شرحی از کارهای مفید و سودمند آن ولی الهی بیان می کند و نشان می دهد که مردم او را نمی شناخته، ولی از آثار و برکاتش بهره مند بوده اند. (سوره کهف، آیات: ۷۱ تا ۸۲) حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به سان مصاحب موسی، ولی ناشناخته ای است و در عین حال مبدأ کارهای سودمندی برای امت می باشد. بدین ترتیب، غیبت امام به معنی انفصال و جدایی او از جامعه نیست، بلکه او همان گونه که در روایات معصومین علیهم السلام نیز وارد شده به سان خورشید در پشت ابر است که دیدگان آن را نمی بینند، اما به اهل زمین نور و گرمی می بخشد. (۵۹) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از او سود می برند و از نور ولایتش در دوران غیبت، بهره می گیرند؛ چنان که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می برند». (۶۰) اشعه معنوی وجود امام علیه السلام در حالی که در پشت ابرهای غیبت نهان است، دارای آثار قابل ملاحظه ای است که علی رغم تعطیل مسأله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، حکمت وجودش را آشکار می سازد. در این جا به بیان برخی از این آثار می پردازیم: الف} پاسداری از آیین الهی با گذشت زمان و آمیختن سلیقه ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایش های مختلف به مکتب های

انحرافی و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره ای از این قوانین از دست می رود و دست خوش تغییرات زیان بخشی می گردد. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن، به تدریج تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می دهد. این نور پرفروغ، با عبور از شیشه های ظلمانی افکار تاریک، کم رنگ تر می گردد. خلاصه با آرایش ها و پیرایش های کوتاه بینانه افراد و افزودن شاخ و برگ های تازه به آن، چنان می شود که گاهی انسان در بازشناسی مسائل اصلی، دچار اشکال می گردد. آن شاعر، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: شرع تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند بس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو بینی شناسی دگر با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناپذیر تعالیم اسلامی را به شکل اصلی اش حفظ و برای آیندگان نگه داری کند؟ می دانیم در هر مؤسسه مهمی، صندوق نسوزی وجود دارد که اسناد مهم را در آن نگه داری می کنند تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند و در صورت آتش سوزی، از خطر حریق مصون باشد؛ چرا که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه در گرو حفظ آن اسناد و مدارک دارد. سینه امام و روح بلند او، صندوقچه حفظ اسناد آیین الهی است که همه اصالت های نخستین و ویژگی های آسمانی این تعلیمات را در خود نگاه داری می کند، «تا دلایل الهی و نشانه های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید»؛ و این یکی دیگر از آثار وجود او است. ب { تربیت

منتظران آگاه بر خلاف آنچه بعضی می پندارند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست، بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی آید، شمار اندکی از آماده ترین افراد که سری پر شور از عشق خدا و دلی پر ایمان و اخلاص فوق العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند با حضرتش در ارتباط اند. معنای غیبت امام علیه السلام، این نیست که آن حضرت به شکل روح نامرئی و یا شعاعی ناپیدا در می آید، بلکه او از یک زندگی طبیعی و آرام برخوردار است؛ به طور ناشناخته در میان همین انسان ها رفت و آمد دارد. دل های بسیار آماده را برمی گزیند و در اختیار می گیرد و آنها را بیش از پیش آماده می کند و می سازد. افراد مستعد، به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدا می کنند. بعضی از آنان چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز و جمعی سال ها با حضرت بقیه الله علیه السلام در تماس بوده اند. آنان کسانی هستند که آن چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز، بر فراز ابرها قرار می گیرند، آن جا که هیچ گاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهان بخش آفتاب نیست، در حالی که دیگران در زیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف به سر می برند. به درستی حساب صحیح نیز همین است. کسی انتظار داشته باشد که آفتاب را به پایین ابرها فرود آورد تا چهره آن را ببیند. چنین انتظاری، اشتباهی بزرگ و پنداری باطل بیش نیست. این ما هستیم که باید

بالا تر از ابرها پرواز کنیم، تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشیم و سیراب گردیم. به هر حال، تربیت این گروه منتظر، یکی دیگر از حکمت های نهفته در غیبت آن حضرت است. ج { نفوذ روحانی و نا پیدا چنان که می دانیم، خورشید یک پرتو مرئی دارد که از تجزیه آن ها، هفت رنگ معروف پیدا می شود؛ و یک سلسله اشعه نامرئی نیز دارد که «اشعه ماوراء بنفش» و «اشعه مادون قرمز» نامیده شده است. هم چنین یک رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد تربیت روحانی دارد که از راه نفوذ معنوی در دل ها و فکرها اعمال می شود و می توان آن را تربیت تکوینی نام گذاشت. در آن جا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار به کار نمی آید، بلکه تنها جاذبه و کشش درونی مؤثر است. وجود مبارک امام علیه السلام در پشت ابرهای غیبت نیز، این اثر را دارد که از طریق شعاع نیرومند و پردامنه «نفوذ شخصیت» خود، دل های آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جاذبه مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل آن ها می پردازد و از آنان انسان هایی کامل تر می سازد. ما قطب های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی بینیم، ولی اثر آن ها روی عقربه های قطب نما، در دریاها، راهنمای کشتی هاست و در صحراها و آسمان ها، راهنمای هواپیماها و وسایل دیگر است. در سرتاسر کره زمین، از برکت این امواج، میلیون ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا می کنند. وسایل نقلیه بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه ظاهراً کوچک از سرگردانی رهایی می یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام علیه السلام در زمان غیبت، با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و جان های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند، هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین، روی هر آهن پاره بی ارزش اثر نمی گذارد، بلکه تنها بر عقربه های ظریف و حساسی که خاصیت آهن ربایی یافته اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده اند، اثر می گذارد. بدین ترتیب دل هایی که ارتباطی با امام علیه السلام دارند و شباهتی را در خود ایجاد نموده اند، تحت تأثیر آن جاذبه روحانی قرار می گیرند. آثار وجودی و برکات آن حضرت در زمان غیبت بیش از آن است که در این مختصر بگنجد، از این رو به همین مختصر بسنده می کنیم. خوشبختانه محققان اسلامی در این باره به نگارش و شرح و بسط پرداخته اند که مطالعه آنها را به علاقمندان توصیه می کنیم. ۴ امام زمان و عمر طولانی سؤال: حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ق. دیده به جهان گشوده است و اکنون از تولد او بیش از ۱۰۰۰ سال می گذرد. چگونه بشر می تواند چنین عمر طولانی داشته باشد؟ پاسخ: این سؤال را از دو راه می توان پاسخ گفت: ۱. روش غیبی با توجه به آنچه که قرآن مجید و روایات از طولانی بودن عمر گروهی گزارش می دهد که هرگز با مقیاس های ما تطبیق نمی کند. می توان به این سؤال پاسخ داد. قرآن درباره نوح علیه السلام می فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا». (عنکبوت / ۱۴) «او در میان قوم خود ۹۵۰ سال زیست». این آیه تنها به

دوران تبلیغ آن حضرت اشاره دارد. اما این که پس از طوفان چه مقدار عمر کرد و یا قبل از تبلیغ چه مقدار عمر کرده بود، آیه متذکر آن نیست. دهمچنین قرآن درباره یونس علیه السلام یادآور می شود که اگر او در شکم ماهی خدا را تسیح نمی گفت، تا روز رستاخیز در شکم آن ماهی می ماند: «وَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (صافات / ۱۴۳ ۱۴۴) «اگر از تسیح گویان نبود، تا روز رستاخیز در شکم آن می ماند». بنابراین، همان خدایی که این دو ولی را تا این حد زنده نگاه داشته یا می توانست زنده نگاه دارد، چرا آخرین وصی و ذخیره خود را تحت عنایات خود، زنده نگاه ندارد؟ در این مورد به آیه شریفه توجه کنید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ». (انعام / ۹۱) «آنها خدا را چنان که شایسته اوست نشناختند». مسأله طول عمر حضرت ولی عصر، مسأله عنایات الهی است و اگر عنایات او نبود، رویدادهای بی شمار و مصائب روزگار و پیامدهای بد در کمین آن حضرت بود. خداست که او را از این حوادث حفظ کرده و عمر طولانی بخشیده است و به قول شاعر: خدایی که جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد ۲. روش طبیعی از آنجا که در علم طب و زیست شناسی، برای عمر انسان حدی معین نشده که تجاوز از آن امکان نداشته باشد، می توان با یافتن علل پیری و مرگ زودرس و مقابله با آنها، طول عمر بشر را افزایش داد، چنان که هم اکنون بر اثر پیشرفت های علم طب و بهداشت عمومی در کشورهای پیشرفته، متوسط

طول عمر انسان‌ها افزایش یافته است، مثلاً در آمریکا در سال ۱۹۰۱، عمر متوسط مردان ۲۳ / ۴۸ سال و زنان ۸۰ / ۵۱ سال بوده، ولی در سال ۱۹۴۴ عمر متوسط مردان به ۵۰ / ۶۳ و زنان به ۹۵ / ۶۸ سال رسیده است. این افزایش بیشتر شامل وضع تغذیه و بهداشت در دوران کودکی و بهبود وضع درمان و پیشگیری مخصوصاً در بیماری‌های واگیردار است ولی در بیماری‌های استحال‌ه‌ای مانند تصلب شرایین هنوز پیشرفت چندانی حاصل نشده است. (۶۱) این آمار مربوط به اعصار پیشین است، ولی اکنون وسایل بهداشت و درمان و تغذیه بهبود یافته و حتی در ایران، میانگین عمر بالا رفته است. طول عمر بیشتر به وراثت، محیط زیست، نوع کار و شغل از نظر فشار روحی و عصبی و نیز تغذیه صحیح بستگی دارد. افزایش طول عمر به خودی خود علت مرگ نیست، بلکه بر اثر بیماری‌ها و عادات مضر، اعضای اصلی بدن فرسوده شده و از کار می‌افتند. هم‌اکنون عمر بالای صد سال فراوان دیده می‌شود و در کشورهای نظیر ترکیه و قفقاز و کشورهای بالکان، به علت شرایط زیست محیطی و تغذیه طبیعی و سالم، افراد بالای صد سال فراوان دیده می‌شوند. در تاریخ زندگی انسان، افراد معمر فراوان دیده شده‌اند، حتی کتاب‌هایی تحت عنوان «المعمرون» نوشته شده است. ۵ تأخیر در ظهور سؤال: چرا حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ پاسخ: برنامه حضرت مهدی علیه السلام با برنامه پیامبران و سایر پیشوایان یک تفاوت کلی دارد و آن این که برنامه وی قانونگذاری نیست، بلکه یک برنامه به تمام معنی اجرایی در تمام جهان است. به این

معنی که او مأموریت دارد تمام اصول تعالیم اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت را در میان جامعه بشری بگستراند. روشن است که پیاده شدن چنین برنامه انقلابی جهانی، که به وسیله آن اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت در میان همه مردم جهان گسترش یابد، به شرایط و مقدماتی نیاز دارد که تحقق آنها جز با مرور و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست؛ برخی از آن مقدمات عبارتند از: ۱. آمادگی روحی در درجه نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول، تشنه و آماده گردند و تا زمانی که در مردم جهان تقاضایی نباشد، «عرضه» هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود. قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکمفرماست، بلکه مشابه این نظام در عرضه برنامه های معنوی و اصول اخلاقی و مکتب های سیاسی و انقلابی نیز حاکم می باشد و تا در اعماق دل مردم برای این نوع امور تقاضا و درخواستی نباشد، عرضه آن با شکست رو به رو شده و کاری از پیش نخواهد رفت. امام باقر علیه السلام می فرماید: «روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، خدا دست خود را بر سر بندگان می گذارد، در پرتو آن خردها را جمع می گرداند و شعور آنان به حد کمال می رسد». (۶۲) البته گذشت زمان و شکست قوانین مادی و پدید آمدن بن بست های جهانی و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ، مردم جهان را به تنگ آورده و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول و قوانین مادی

و سازمان های به اصطلاح بین المللی، نه تنها نمی توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یأس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادی مهیا و آماده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد تا تجربه های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمان های بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امتیّت و آرامش، عاجز و ناتوان می باشند و سرانجام باید بر اثر یأس و نومیدی، این تقاضا در مردم گیتی برای تحقّق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه یک انقلاب جهانی به وسیله یک مرد الهی و آسمانی، از هر نظر مساعد گردد. (۶۳). ۲. تکامل علوم و فرهنگ های انسانی از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی بر اساس عدل و داد، نیاز فراوان به پیشرفت علوم و دانش ها و فرهنگ های اجتماعی و مردمی است که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسر نمی گردد. برقراری حکومت جهانی که در پرتو آن، در سراسر جهان عدل و داد و قانون حکومت کند و همه مردم جهان از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلامی بهره مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شئون بشری امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامه عمل به خود نمی پوشد. این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد. ۳. تکامل وسایل ارتباط جمعی از سوی دیگر، چنین حکومتی به وجود وسایل کامل ارتباط جمعی نیاز دارد تا در پرتو آن بتواند مقرّرات و احکام و اصول انسانی را از طرق

مختلف در مدّت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند. این امر نیز بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان محقق نمی شود. ۴. پرورش نیروی انسانی از همه اینها گذشته، پیشبرد چنین هدفی و پی ریزی چنان انقلابی، به یک نیروی فعال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می دهد. تشکیل چنین ارتشی و به وجود آمدن چنین افراد پاکبخته و فداکاری، که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند، به گذشت زمان نیاز دارد. اگر در برخی از روایات می خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است، ممکن است ناظر به همین نکته باشد؛ زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام به معنی آزمون های معمولی و کشف امور پنهانی نیست؛ بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می باشد. مجموع این جهات چهارگانه (۶۴)؛ و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت جهانی بر اساس حقّ و عدالت در مردم پدید آید؛ آنگاه این برنامه با وسایل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیاده گردد و این است گوشه ای از فلسفه غیبت طولانی امام علیه السلام.. تمام آزمونهای الهی که درباره پیامبران و اولیای وی انجام می گیرد برای همین منظور است. اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظایف سنگینی آزمود، چنان که می فرماید: "وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ" (سوره بقره، آیه ۱۲۴) برای همین هدف بوده است تا این رادمرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد که در صلابت و استقامت به صورت

فصل هفتم

مسائل فقهی

۱ کیفیت شستن دست ها سؤال: چرا شیعیان دست ها را از بالا- به پایین می شویند در حالی که دیگران از پایین به بالا می شویند؟! پاسخ: همگی می دانیم که وضو یکی از مقدمات نماز است. در سوره مبارکه مائده می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسِيحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ». (مائده / ۶) «ای افراد با ایمان هرگاه برای نماز به پا خاستید، صورت و دست های خود را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا کعبین {دو برآمدگی} مسح کنید». در جمله نخست «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» لفظ «أیدی» به کار رفته که جمع «ید» به معنی دست است و با در نظر گرفتن دو مطلب روشن می شود که چرا باید دست ها را از بالا به پایین شست. ۱. کلمه «ید» در زبان عربی استعمالات مختلفی دارد و گاه صرفاً به انگشتان دست، گاه به انگشتان تا مچ، گاه به انگشتان تا آرنج، و بالأخره. گاه به کل دست از سر انگشتان تا کتف، اطلاق می شود. ۲. مقدار واجب از شستن دست در وضو فاصله میان مرفق تا سر انگشتان است، لذا قرآن لفظ «إِلَى الْمَرَافِقِ» را به کار برده تا مقدار واجب را بیان کند. نتیجه می گیریم: چون لفظ «ید» کاربردهای گوناگونی دارد، کلمه «إِلَى» در «إِلَى الْمَرَافِقِ» بیانگر مقداری از اجزاء عضو است که باید شسته شود یعنی باید دستها تا آرنج شسته شود نه کمتر و نه بیشتر و هرگز ناظر به «کیفیت» غسل و شستشوی دست {که مثلاً از بالا به پایین صورت گیرد یا

از پایین به بالا} نیست، اما کیفیت شستشو چگونه است؟ آن مربوط به عرف و عادت است و معمولاً از بالا به پایین می شویند. فی المثل اگر پزشک دستور دهد پای بیمار را تا زانو بشوید، پای وی را از بالا به پایین می شویند، نه بالعکس یا اگر انسانی به رنگ کاری بگوید این اتاق را تا سقف رنگ کن، هیچ گاه از پایین دیوار آغاز نمی کند، بلکه از بالا شروع کرده تا به پایین برسد. از این رو، شیعه امامیه معتقد است که در هنگام وضو، صورت و دست ها را بایستی از بالا- به پایین شست و خلاف آن را صحیح نمی داند. زیرا کلمه «تا» در زبان فارسی، و یا «إلی» در زبان عربی، در این موارد، ناظر به بیان مقدار محل عمل است نه کیفیت انجام آن. گذشته از این، سیره ائمه اهل بیت، که عدل قرآنند، بیانگر کیفیت شستن است و آنان دست ها را از بالا- به پایین می شستند. ۲ مسح پا به جای شستن سؤال: چرا شیعیان به جای شستن، پاها را مسح می کنند؟ پاسخ: مسح پاها در وضو پشتوانه قرآنی و حدیثی دارد، اکنون هر دو را به صورت موجز بیان می کنیم: ظاهر آیه ششم سوره مائده حاکی از آن است که انسان نماز گزار به هنگام وضو دو وظیفه دارد: یکی شستن {در مورد صورت و دست} و دیگری مسح {در مورد سر و پاها}. این مطلب از تقارن و مقایسه دو جمله زیر روشن می شود: ۱. «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»؛ ۲. «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ». چنانچه ما این دو جمله را به فرد عرب زبانی که ذهن او

مسبوق به اختلافات فقهی نباشد ارائه کنیم، بی تردید خواهد گفت که طبق این آیه وظیفه ما نسبت به صورت و دست، شستن؛ و نسبت به سر و پاها، مسح است. از نظر قواعد ادبی، لفظ «أرجلكم» باید عطف بر کلمه «رؤسکم» باشد که نتیجه آن همان مسح پاهاست، و نمی توان آن را بر لفظ پیشین «وَأَیْدِیکُمْ» عطف کرد که نتیجه آن شستن پاها می باشد؛ زیرا لازمه آن این است که میان معطوف «وَأَرجلکم» و معطوفٌ علیه «وَأَیْدِیکُمْ» جمله معترضه ای «فامسحوا برؤسکم» قرار گیرد، که از نظر قواعد عربی صحیح نیست و گذشته از این مایه اشتباه در مقصود می باشد. ضمناً در این قسمت {مسح کردن پاها} فرقی میان قرائت جرّ و قرائت نصب وجود ندارد و بر مبنای هر دو قرائت، کلمه «أرجلکم» عطف بر کلمه «رؤسکم» است؛ با این تفاوت که اگر بر ظاهر رؤسکم عطف شود مجرور، و اگر بر محلّ آن عطف شود منصوب خواهد بود. علمای امامیه در تحقیق مفاد آیه وضو بحث های گسترده ای دارند که طبری در مجمع البیان به برخی از آنها اشاره کرده است. (۶۵) ریشه اختلاف بی تردید ظاهر آیه، حاکی از آن است که وظیفه نمازگزار به هنگام وضو، مسح پاهاست، و مفاد آیه، دو کلمه بیش نیست: ۱. غسلتان: شستن دستها و صورت. ۲. مسحتان: مسح بر سر و پاها. هر گاه از ابن عباس در مورد کیفیت وضو می پرسیدند، او در پاسخ می گفت: نزل القرآن بالمسح: وحی الهی بر مسح بر پا وارد شده است. و نیز می گفت: «مردم اصرار بر شستن کردند، در حالی که مسح فرمان داده است». (۶۶) ولی باید دید چگونه این

اختلاف با ظهور آیه در مسح پدید آمد، ؛ الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف: ۱ / ۱۰۴۰. از بررسی روایات و تاریخ تشریح وضو به دست می آید که دو عامل سبب پیدایش انحراف از ظاهر آیه شده است: ۱. سلطه ها و حکومت ها سلطه ها و حکومت ها بیشترین تأثیر را در تغییر حکم مسح پاها داشتند، بالاخص حجاج بن یوسف که اصرار می ورزید باید پاها شسته شود، زیرا آلودگی پاهای نمازگزاران که غالباً پا برهنه بودند، بسیار ناراحت کننده بود. انس بن مالک، از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که عمری طولانی داشت، مدتی در کوفه زندگی می کرد. به وی خبر دادند که حجاج می گوید: فَاغْسِلُوا بَطُونَهُمَا وَظُهُورَهُمَا: ظاهر و باطن، پاها را بشویند، وقتی وی این جمله را شنید، سخت شورید و گفت: صَدَقَ اللَّهُ وَكَذِبَ الْحَجَّاجُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ». (۶۷) دعوت مردم بر شستن پا از طرف اموی ها بسیار جدی و سرسختانه بود به گونه ای که فقیهان معاصر، جرأت مخالفت نداشتند. احمد بن حنبل از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از ابومالک اشعری نقل می کند که وی به بستگان خود گفت: همدیگر را خیر کنید تا من نماز رسول خدا را برای شما بخوانم، وقتی همگان گرد آمدند، وی گفت: در میان شما بیگانه ای نیست؟ گفتند: خیر، وی ظرف آبی طلبید، پس از شستن دهان و بینی، سه بار صورت و دست ها را شست، آنگاه بر سر و روی پا مسح کشید و نماز گزارد. (۶۸) ۲. تقدیم مصلحت اندیشی بر ظهور آیه تقدیم مصلحت بر نص قرآنی و حدیث پیامبر، اساس بسیاری از بدعت ها است و ما به قسمتی

از آنها در کتاب خاصی به نام «بدعت» اشاره کرده ایم، اتفاقاً همین نظریه، انگیزه عدول از مسح و روی آوردن به غسل شده است. ابوبکر رازی، معروف به جصاص { ۷۰ ۰۵ } در کتاب «احکام القرآن» می نویسد: آیه وضو از نظر وجوب مسح یا غسل، مجمل است، لازمه احتیاط این است که پاها شسته شود؛ زیرا در این صورت، هر دو احتمال انجام می گیرد. (۶۹) ادعای اجمال در آیه با هدف آن که در مقام بیان وظیفه است، سازگار نیست؛ به علاوه اگر بنا بر احتیاط باشد، باید دوباره وضو گرفته شود، زیرا ماهیت مسح با غسل متفاوت است. مؤلف «المنار» از جمله کسانی است که ظهور آیه در لزوم مسح بر پا را انکار نمی کند، ولی از طرف دیگر می گوید: تر کردن پاهای کثیف و آلوده چه سودی دارد؟! (۷۰) او از یک نکته غفلت کرده که آیه وضو تنها از آن بدوی ها و انسان های غیر نظیف نیست، بلکه وحی الهی شهری و بدوی را همزمان شامل می شود و این نور الهی تا روز رستاخیز تابنده است. جا دارد از مؤلف المنار بپرسیم: مسح بر سر، با یک انگشت { که شافعی آن را کافی می داند }، چه سودی دارد؟ به چه دلیل یکی از آن دو، جایز و عقلانی و دیگری نامشروع معرفی می شود؟ گذشته از این، وضو تنها نظافت نیست بلکه آمیخته با عبادت است، نظیف ترین افراد باید برای نماز وضو بگیرند، و انسان غیر نظیف هم باید ابتدا پاها را بشوید و سپس وضو بگیرد. تا این جا گفتگوی ما مربوط به آیه ای از قرآن بود، اکنون دلایل مسح را در روایات مطرح می کنیم:

روایات مسح از پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله شاید برخی تصور کنند که در کتب اهل سنت، روایتی از پیامبر درباره لزوم مسح بر پا وارد نشده است، در حالی که با یک بررسی، بیش از سی روایت یافتیم که بسیاری از آنها بیانگر وضوی رسول خدا و اصحاب او است. دلالت روشن آیه وضو بر لزوم مسح و روایات چشم گیر در این مورد، ایجاب می کند که فقیهان اهل سنت در این مسأله تجدید نظر کنند و از این طریق گامی به سوی وحدت در رفتار بردارند و در این مورد از گروه کثیری از بزرگان صحابه و تابعان که وضوی آنان بر اساس مسح بر پا بود، پیروی کنند، اکنون اسامی برخی از آنان را در این جا می آوریم: ۱. امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَمْسَحُ ظَاهِرَهُمَا.» (۷۱) ۲. جابر بن عبدالله گوید: امام محمد بن علی بن الحسین علیه السلام معروف به باقر العلوم که عظمت و جلالت علمی و فقاقت او مورد اتفاق همگان است (۷۲) به من فرمود: «إِمْسَحْ عَلَي رَأْسِكَ وَقَدَمَيْكَ»، «بر سر و پاهایت مسح بکش.» (۷۳) ۳. بسر بن سعید می گوید: عثمان وضو گرفت و بر سر و پاهای سه بار مسح کشید و گفت: رسول خدا این چنین وضو می گرفت. (۷۴) ۴. حمران بن أبان غلام عثمان از او نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله پس از شستن صورت و دست، بر سر و پاهای مسح می کشید. (۷۵) ۵. عبدالله بن زید مازنی، معروف به ابن عماره می گوید: پیامبر وضو گرفت و «مسح رأسه ورجليه»؛ سر و پاهایش

را مسح کشید. (۷۶) ۶. عبدالله بن عباس، پیوسته می گفت: إِنَّ الْوُضُوءَ غَسْلَتَانِ وَ مَسْحَتَانِ. (۷۷) ۷. عامر الشعبي، می گفت: اساس وضو را دو شستن و دو مسح کشیدن تشکیل می دهد و لذا در تیمم بدل از وضو، مواضع شستن برای تیمم محفوظ مانده و جایگاه مسح الغاء شده است. (۷۸) ۸. رفاعه بن رافع از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، از آن حضرت چنین نقل می کند: پیامبر بر سر و پاها، تا دو برآمدگی مسح می کشید. (۷۹) ۹. ابو مالک اشعری، صحابی رسول خدا، به عشیره خود وضوی رسول خدا را آموزش داد و در پایان بر روی پاها مسح کشید. (۸۰) ۱۰. رفاعه بن رافع، صحابی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، از آن حضرت نقل می کند که فرمود: «نماز هیچ یک از شما پذیرفته نمی شود تا وضوی کامل بگیرد، صورت و دست ها را بشوید و سر و پاها را تا دو برآمدگی مسح کند». (۸۱) ما از میان اعلام صحابه و تابعان به ذکر ده نفر اکتفا کردیم، اسامی شخصیت هایی که مسح بر سر را از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و بزرگان صحابه و تابعان نقل کرده اند، در کتاب «الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف»، ج ۱، ص ۹۵ ۵۶ وارد شده است. ۳ «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان سؤال: چرا شیعیان در اذان و اقامه، ذکر «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» را اضافه می کنند؟! پاسخ: در اذان شیعه، پس از «حَيَّ عَلَي الْفَلَاحِ»، دوبار «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» گفته می شود. در روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام این جمله جزو اذان معرفی شده است، در حالی که در اذان کنونی

اهل سنت چنین جمله ای نیست. اکنون باید دید ریشه این اختلاف کجا است و چگونه این جمله از اذان حذف شده است. یادآور می شویم که در عصر خلیفه دوم، «مصلحت اندیشی» رواج بیشتری داشت، چه بسا مصلحت اندیشی، بر حکم خدا در قرآن و سنت مقدم شمرده می شد. از باب نمونه، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و عصر خلیفه نخست و حتی بخشی از خلافت خلیفه دوم، سه طلاق در یک مجلس، تنها یک طلاق محسوب می شد، اما در نیمه دوم خلافت خلیفه دوم این حکم دگرگون گشت و سه طلاقه کردن زن در یک مجلس، سه طلاق واقعی تلقی گردید و هر نوع حق رجوع از شوهر سلب شد. (۸۲) در ادامه ثابت خواهیم کرد که حذف «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» از فصول اذان، در عصر خلیفه دوم رخ داده است. بررسی تاریخ اذان و اقامه به روشنی ثابت می کند که جمله «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» از فصول قطعی اذان بوده است و مؤذنان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و مدتی پس از آن حضرت، این جمله را ضمن فصول دیگر می گفتند. سپس به علت و یا عللی از اذان حذف گردید. الف. سید مرتضی می گوید: علمای اهل سنت نقل کرده اند که در برخی سال های رسالت، جمله «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ»، گفته می شد ولی بعداً نسخ شده است. (۸۳) "ب. ابن عربی در فتوحات می گوید: در جنگ خندق، آنگاه که صحابه پیامبر خندق می کردند، چون وقت نماز فرا رسید، یک نفر از آنان ندا سر داد: «حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ» و از آن زمان سنت حسنه شد. (۸۴) ج. شرف

الدین معروف به سیاغی {متوفای ۱۲۲۱} در کتاب «الروض النضیر» می گوید: صحیح آن است که اذان با «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» تشریح شده است، گذشته بر این همگان اتفاق نظر دارند بر این که در روز خندق، این جمله جزو اذان بوده است. (۸۵) د. سه طایفه بزرگ امامیه، زیدیه و اسماعیلیه که پیرو مکتب اهل بیت هستند، آن را جزو اذان می دانند. (۸۶) اکنون به برخی از روایات در این مورد اشاره می کنیم: ۱. متقی هندی در کنز العمال از معجم طبرانی نقل می کند: کان بلال یؤذن بالصبح فیقول: «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» (۸۷) بلال در اذان صبح «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» می گفت. ۲. حافظ علوی زیدی {۳۶۷ ۴۴۵} در رساله خاص خود به نام «الأذان بحی علی خیر العمل» به طور مسند از «ابی محذوره» صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که پیامبر به وی اذان آموخت و یکی از فصول آن «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ» بود. (۸۸) و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله اذان را پس از بازگشت از جنگ «حنین» به وی آموخت. (۸۹) و غزوه حنین در اواخر سال هشتم هجری، پس از فتح مکه رخ داد و این حاکی است که این فصل از اذان تا آن روز، جزو این فریضه الهی بوده است. این دو نمونه از روایاتی است که بیانگر وجود این فصل از اذان در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. در دو رساله بسیار محققانه که به قلم فاضلانہ دو عالم زیدی نگارش یافته است به نام های الأذان بحی علی خیر العمل، نگارش حافظ

علوی زید { ۴۴۵ ۷۲ }. الاعتصام بحبل الله، تألیف امام قاسم بن محمد الزیدی {م ۱۰۲۹}؛ از شخصیت های بزرگی از صحابه و تابعان نقل شده که همگی در اذان و اقامه خود ملتمز به گفتن این فصل از اذان بودند. ذکر اسامی و گفته های آنان، در این مختصر نمی گنجد و محققان می توانند به این دو کتاب مراجعه فرمایند. بنابراین، نباید در اصل مشروعیت این فصل از اذان شک کرد. در واقع کسانی که آن را از فصول اذان حذف کرده اند، باید علت آن را بیان کنند. متأسفانه این کار جز «مصلحت اندیشی شخصی» دلیل دیگری نداشته است. حافظ علوی در کتاب «الأذان بحیّ علی خیر العمل» به سندی از «حسن بن یحیی بن الحسین بن زید بن علی» نقل می کند که آل رسول خدا صلی الله علیه و آله بر وجود آن در اذان اتفاق نظر دارند و مؤذنان در عصر ابوبکر نیز به همین شیوه اذان می گفتند، امّا وقتی عمر زمام خلافت را به دست گرفت، گفت: «دعوا حیّ علی خیر العمل لئلا یشغل الناس عن الجهاد فکان أوّل من ترکها» (۹۰) گفتن حیّ علی خیر العمل را ترک کنید تا مردم به بهانه این که نماز بهترین عمل است، جهاد را ترک نکنند. او {عمر} نخستین فردی بود که این فصل از اذان را ترک کرد. محقق شهیر، سعدالدین تفتازانی { ۷۱۲۷۹ } در شرح مقاصد؛ و متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی {متوفای ۸۷۹} می گویند: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد و گفت: «سه چیز در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله رسمیت داشت و من از آنها باز می دارم، و انجام دهنده

آن را مؤاخذه می‌نمایم: ۱. متعه زنان، ۲. متعه حج، ۳. گفتن حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ (۹۱)» مصححت اندیشی خلیفه، علاوه بر این که نوعی اجتهاد در مقابل نص به شمار می‌آید، تنها می‌تواند برای خود او حجت باشد نه برای دیگران و آیندگان. اگر آیندگان از حقیقت امر آگاه شدند، باید سنت را بر بدعت مقدم بدانند، به ویژه آن که ملاک دگرگون گردیده است و دیگر جهادی بر ضد کفر و شرک نیست. از آنجا که تثبیت چنین بدعتی کار آسانی نبود، تنی چند از بزرگان بر این نهی ارزش قائل نشده و همچنان به هنگام اذان این جمله را می‌گفتند. برهان الدین حلبی {۱۰۴۴ ۹۷۵} در سیره خود می‌نویسد: عبدالله ابن عمر و علی بن الحسین در اذان پس از «حَيِّ عَلَى الْفَلَاحِ» جمله «حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» می‌گفتند (۹۲) و از آنجا که گفتن این جمله نوعی شعار مخالفت بود، پیوسته در طول تاریخ، موافق و مخالف از آن بهره می‌گرفتند. در انتفاضه حسنی‌ها، آنگاه که حسین بن علی بن حسن {صاحب فخ} بر مدینه مسلط شد، عبدالله بن حسن أفضس بر بالای مناره ای که روی مرقد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است، قرار گرفت و به مؤذن گفت: بگو: «حی علی خیر العمل» مؤذن نیز این جمله را به زبان راند. (۹۳) و نیز در دولت آل بویه که تمایلات شیعی داشتند، شعار شیعیان بغداد در اذانها جمله «حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» بود، آنگاه که سلجوقی‌ها روی کار آمدند این شعار ممنوع گردید، و شگفت این است که فرمان دادند در اذان صبح، جمله «الصلاه خیر من النوم»

را بگویند، و این جریان در سال ۴۴۸ رخ داد. (۹۴) ۴ شهادت به ولایت علی علیه السلام سؤال: چرا شیعیان در اذان بر ولایت علی علیه السلام شهادت می دهند؟ پاسخ: شیعیان در اذان پس از شهادت بر رسالت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، بر ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام گواهی می دهند، و این مسأله در تمام بلاد شیعی مشاهده می شود، در این باره توضیح چند نکته ضروری است: ۱. تمامی فقهای شیعه بر این نکته اتفاق نظر دارند که شهادت ثلثه «شهادت بر ولایت علی علیه السلام» جزو اذان نیست و لذا هنگامی که فصول اذان را می شمارند، آن را هجده فصل بیشتر نمی دانند که عبارتند از: ۴ تکبیر، ۲ بار شهادت بر وحدانیت خدا، ۲ بار شهادت بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، ۲ بار «حی علی الصلاة»، ۲ بار «حی علی الفلاح»، ۲ بار «حی علی خیر العمل»، ۲ تکبیر و ۲ بار تهلیل و این سخنی است که فقهای شیعه جملگی بر آنند. ۲. اگر فردی شهادت سوم را به عنوان جزئی از اذان بگوید، کار حرامی مرتکب شده و گناه کرده است. ۳. شهادت سوم در اذان، بدون قصد جزئیت جایز و یا مستحب است و این استحباب، دو مبنا دارد: الف: علی علیه السلام به حکم قرآن و حدیث رسول گرامی صلی الله علیه و آله، ولی خداست. ب: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت دادید، بر ولایت علی علیه السلام نیز گواهی دهید. در اثبات اصل نخست و این که علی علیه السلام ولی خداست، گذشته

از حدیث متواتر غدیر و روایات متواتر که پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله کراراً فرموده است: یا علی أنت ولی کل مؤمن بعدی، (۹۵) قرآن مجید نیز بر ولایت علی علیه السلام تصریح کرده است، آنجا که می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.» (مائده / ۵۵۵۶) «تنها ولی و سرپرست شما خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، حزب و جمعیت خدا پیروز است.» مفسران اتفاق نظر دارند که این آیه در حق امیرمؤمنان علی علیه السلام وارد شده است، آنگاه که فقیری وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد و حضرت که در حال رکوع بود، با انگشت خود به فقیر اشاره کرد که انگشتر را از دست او بگیرد و در آن هنگام دو آیه یاد شده فرود آمد. مدارک نزول این حدیث فزونتر از آن است که در اینجا ذکر شود، اما به عنوان نمونه به چند مورد در پاورقی اشاره می کنیم. (۹۶) بدین ترتیب، با توجه به آیه مذکور و آیات و روایات متعدد دیگر، آشکار می گردد که امیرمؤمنان علیه السلام ولی و سرپرست مؤمنان از جانب خدا است. در خصوص نکته دوم نیز قاسم بن معاویه، از اصحاب امام صادق و کاظم {علیهما السلام}، از آن حضرت چنین نقل کرده است: «هر گاه کسی از شما به وحدانیت خدا

و رسالت پیامبر گواهی داد، برای تکمیل شهادت به ولایت علی علیه السلام نیز گواهی دهد». (۹۷) بنابر آنچه گفته شد، احدی از شیعیان آن را به عنوان جزئی از اذان نمی گوید و حتی برخی در اقامه برای اینکه از دیگر اجزا تمیز داده شود، فقط یک بار آن را می گویند و در این صورت مشکلی در این مورد نخواهد بود. شیعیان و نماز با دست باز سؤال: چرا شیعیان با دست باز نماز می خوانند؟ پاسخ: قرار دادن دست راست بر روی دست چپ در نماز {دست بسته نماز خواندن} از اموری است که استحباب آن بین فقهای سه مذهب از مذاهب چهارگانه اهل سنت مشهور است: حنفی ها می گویند: روی هم گذاشتن دست ها در نماز، سنت است و واجب نیست، و برای مرد بهتر است که کف دست راستش را بر پشت دست چپ، زیر ناف قرار دهد، و زن دست ها را بر سینه اش بگذارد. شافعی ها می گویند: گذاشتن دست روی یکدیگر، در نماز، برای مرد و زن سنت است و بهتر است که کف دست راست را بر پشت دست چپ زیر سینه و بالای ناف به سمت چپ قرار دهد. حنبلی ها می گویند: گذاشتن دست ها روی هم، سنت است و بهتر است که کف دست راست را بر پشت دست چپ نهاده، زیر ناف قرار دهند. فرقه مالکیه بر خلاف سه مذهب فوق می گویند: آویختن دست ها در نمازهای واجب، مستحب است، قبل از مالکی ها نیز جماعتی همین قول را گفته اند که از آن جمله اند: عبدالله بن زبیر، سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، عطاء، ابن جریج، نخعی، حسن بصری، ابن سیرین و جماعتی از فقها. از امام اوزاعی

منقول است که نمازگزار، بین آویختن دست‌ها یا روی هم قرار دادن آنها مخیر است. (۹۸) اما مشهور بین شیعه امامیه آن است که قرار دادن دست‌ها روی یکدیگر در نماز، حرام، و موجب بطلان نماز است و به ندرت از فقهای شیعه کسی قائل به کراهت شده، مانند ابو الصلاح حلبی در کافی. (۹۹) کیفیت نماز پیامبر صلی الله علیه و آله با این که به جز مالکی‌ها، مذاهب دیگر اهل سنت، قرار دادن دست چپ بر دست راست در نماز را جایز شمرده‌اند و درباره این مسأله سخن بسیار گفته‌اند، با این حال دلیل قانع‌کننده‌ای حتی بر جواز آن ندارند، چه رسد بر استحباب. بلکه می‌توان ادعا کرد که دلایلی بر خلاف ادعای آنان وجود دارد و روایاتی که از فریقین {شیعه و سنی} بیانگر طریقه نماز گزاردن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، از گذاشتن دست‌ها بر یکدیگر سخنی به میان نیاورده است و امکان ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله امر مستحبی را در طول حیات خود {یا بخشی از آن} ترک نماید. اکنون سه نمونه از این روایات، دو مورد از طریق اهل سنت و دیگری از طریق شیعه امامیه را ذکر می‌کنیم که هر دو روایت، چگونگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند و در هیچ یک کو چکترین اشاره‌ای به روی هم قرار دادن دست نشده، چه رسد به چگونگی آن: الف: حدیث ابی حمید ساعدی حدیث ابی حمید ساعدی را برخی از محدثان {سنی} روایت کرده‌اند و ما از کتاب سنن بیهقی نقل می‌کنیم که گفت: او رو به اصحاب پیامبر کرد و گفت: من

داناترین شما به نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم. گفتند: به چه سبب؟ زیرا تو نه بیش از ما پیرو آن حضرت بوده ای و نه افزونتر از ما مصاحبش کرده ای. گفت: چرا، گفتند: پس {کیفیت نماز آن حضرت را} بر ما عرضه کن. ابو حمید گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست به نماز بایستد، دست ها را تا برابر شانه هایش بالا می برد، سپس تکبیر می گفت و هنگامی که همه اعضایش به حال اعتدال در جای خود قرار می گرفت به قرائت می پرداخت، آنگاه تکبیر می گفت و دست ها را تا برابر شانه بالا می برد، پس از آن به رکوع می رفت و دو کف دست را بر زانوها می گذاشت و در حال اعتدال که نه سرش را بالا می گرفت و نه پایین می انداخت، رکوع را انجام می داد. سپس از رکوع سر بلند می کرد {می ایستاد} و می گفت: سمع الله لمن حمده. آنگاه دست ها را تا برابر شانه ها بالا می برد و تکبیر می گفت، سپس {برای سجده} متوجه زمین شده و دست هایش را {در سجده} از پهلو هایش جدا می گرفت، آنگاه سر از سجده برمی داشت و پای چپش را خم می کرد و بر آن می نشست. انگشتان پاهایش را در سجده باز می نمود و سجده دوم را نیز همین گونه انجام می داد و پس از سجده، تکبیر می گفت، سپس پایش را خم کرده بر آن می نشست در حالی که هر عضوی به حال اعتدال قرار می گرفت. رکعت بعدی را هم به همین کیفیت انجام می داد و پس از دو رکعت در حال قیام تکبیر می گفت و دست هایش را تا برابر شانه ها بالا می برد همانگونه که تکبیر افتتاحیه را انجام می داد و در

بقیّه نمازش نیز همین طور عمل می کرد تا به سجده آخر. پس از آن سلام می گفت، پای چپ را عقب قرار می داد و بر سمت چپ بر وَرِک (۱۰۰) می نشست.

همه گفتند: ابوحمید راست گفت، رسول خدا صلی الله علیه وآله بدین گونه نماز می گزارد. (۱۰۱) این بود حدیثی در مقام بیان کیفیت نماز رسول خدا صلی الله علیه وآله که از طریق اهل سنّت روایت شده که وجه دلالت آن را دانستیم. اکنون به حدیثی که شیعه امامیه روایت کرده توجه کنید: ب: حدیث حمّاد بن عیسی حمّاد بن عیسی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: چه قدر ناپسند است برای مردی که ۶۰ یا ۷۰ سال از عمرش بگذرد و یک نماز با شرایط کامل انجام نداده باشد. حمّاد گفت: از این سخن امام علیه السلام { در دلم احساس حقارت کردم و عرض کردم: فدایت شوم، نماز را {با شرایط کامل} به من تعلیم فرما. پس ابو عبدالله علیه السلام جعفر بن محمد {علیهما السلام} { راست قامت رو به قبله ایستاد و دست هایش را با انگشتان بسته بر روی رانهایش انداخت و پاهایش را نزدیک به هم به فاصله سه انگشت باز قرار داد و انگشتان پاهایش همه رو به قبله بود و آنها را از قبله منحرف نمی کرد و با خشوع و فروتنی تمام بود، پس تکبیر گفت و سوره حمد و قل هو الله احد را با ترتیل قرائت کرد، سپس به اندازه نفس کشیدنی در حال قیام صبر کرد و پس از آن تکبیر گفت در حالی که هنوز ایستاده بود، آنگاه به رکوع

رفت و دو کف دستش را با انگشتان باز روی کاسه زانوهایش قرار داد و زانوها را به عقب داد تا پشتش صاف شد به طوری که اگر قطره ای آب یا روغن بر پشتش ریخته می شد به واسطه راست بودن پشتش به هیچ طرف مایل نمی گشت، امام گردنش را {در رکوع} راست گرفت و چشمانش را بست و سه مرتبه با ترتیل تسبیح {سبحان ربّی العظیم وبحمده} گفت، سپس راست قامت ایستاد و چون کاملاً به حال قیام درآمد، گفت: «سمع الله لمن حمده» و بعد از آن در همان حال قیام، تکبیر گفت و دستها را تا مقابل صورت بالا آورد، و آنگاه به سجده رفت و دستهایش را قبل از زانوها بر زمین گذاشت و سه مرتبه گفت: سبحان ربّی الأعلى وبحمده، و {در سجده} عضوی از بدنش را بر عضو دیگر نگذاشت و بر هشت موضع سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو کاسه زانو، دو انگشت ابهام پا، و بینی،

{ گذاشتن هفت موضع در سجده بر زمین واجب و گذاشتن بینی بر خاک سنت است که ارغام نامیده می شود}. سپس سر از سجده برداشت و هنگامی که راست نشست، تکبیر گفت و ساق پای چپ را خم کرده، روی آن نشست و پشت پای راستش را بر کف پای چپ گذاشت و گفت: «أستغفر الله ربّی و أتوب إليه»، و در همان حال نشسته تکبیر گفت و بعد سجده دوم را مانند سجده اوّل بجا آورد و همان ذکر تسبیح را در سجده دوم نیز گفت و از عضوی از بدنش برای عضو دیگر در رکوع و سجود کمک نگرفت

و در حال سجده دست هایش را به صورت بال از بدنش جدا گرفت و ذراع دستها را بر زمین نگذاشت و بدین ترتیب دو رکعت نماز بجا آورد. سپس فرمود: ای حمّاد، این گونه نماز بخوان، و در نماز به هیچ سوئی التفات مکن و با دست ها و انگشتانت بازی مکن و آب دهان به راست و چپ یا پیش رویت مینداز. (۱۰۲) چنان که ملاحظه می شود هر دو روایت در صدد بیان کیفیت نماز واجب است و در هیچکدام کوچکترین اشاره ای به روی هم گذاشتن دست ها نشده است، زیرا اگر گرفتن دست سنت بود، امام صادق علیه السلام در بیان خود آن را ترک نمی کرد و حال این که آن حضرت با عمل خود، نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای ما مجسم می کرد، چون او از پدرش امام باقر علیه السلام و امام باقر علیه السلام از پدرانش و آنها از امیرمؤمنان علیه السلام و او از رسول اعظم صلوات الله علیهم اجمعین گرفته اند. بنابراین، دست روی دست گذاشتن در نماز بدعت است؛ زیرا گرفتن دست در واقع داخل کردن چیزی است در شریعت که از شریعت نیست. ج. آموزش نماز به کسی که نماز صحیح نمی خواند در میان محدثان اهل سنت حدیثی است به نام «حدیث المسیء صلاته» یعنی حدیث کسی که نماز خود را صحیح نمی خواند، در این حدیث چنین آمده است: ابوهیره می گوید: پیامبر وارد مسجد شد، مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گزارد، سپس به حضور پیامبر آمد و سلام کرد. پیامبر سلام او را پاسخ گفت و فرمود: برگرد و دو مرتبه نماز بخوان، رفت

و نماز گزارد و به سوی پیامبر بازگشت، پیامبر نیز فرمود: برگرد باز نماز بگزار، این کار سه بار تکرار شد، سرانجام آن مرد عرض کرد: سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث کرده است، من جز آنچه انجام می دهم، چیزی نمی دانم، چه بهتر که نماز را به من بیاموزی. در این هنگام پیامبر فرمود: هرگاه به نماز ایستادی تکبیر بگو، سپس آنچه از آیات قرآن می دانی، بخوان، سپس رکوع کن به گونه ای که بدنت آرام گردد، آنگاه پیامبر دیگر اجزا و شروط نماز را به او می آموخت (۱۰۳) و هیچ اشاره ای به گذاردن دست راست بر دست چپ نمی کند، در حالی که اگر این کار واجب و یا مستحب مؤکد بود، از گفتن آن خودداری نمی کرد. نظر ائمه اهل بیت علیهم السلام با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، روشن گردید که سنت بودن دست روی دست گذاشتن در نماز ثابت نشده است، بدین جهت می بینیم که ائمه اهل بیت علیهم السلام از این عمل {گرفتن دست در نماز}، احتراز می کردند و آن را از افعال مجوس در مقابل پادشاه می دانستند. محمد بن مسلم از امام جعفر صادق یا امام محمد باقر {علیهما السلام} روایت کرده، می گوید: به آن حضرت عرض کردم: حکم کسی که دستش را در نماز بر دست دیگر می گذارد، چیست؟ فرمود: این عمل، تکفیر است و نباید انجام شود. {تکفیر به معنی تعظیم در مقابل پادشاهان است}. زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: بر تو باد توجه به نماز، و در نماز تکفیر مکن {دستهایت را بر هم مگذار}، زیرا مجوس این عمل

را انجام می دهند. صدوق به سندی از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مسلمان دستهایش را در نماز جمع نمی کند و در حالی که در مقابل خدای عزّ و جلّ ایستاده است، تشبّه به اهل کفر {یعنی مجوس} نمی ورزد. (۱۰۴) در خاتمه یادآوری می کنیم که آقای دکتر علی سالوس بعد از نقل نظریات و فتاوی‌های شیعه و سنی، {در مورد نهادن دست ها بر یکدیگر در حال نماز} به کسانی که دست روی دست گذاشتن را حرام می دانند حمله کرده و می گوید: «کسانی که قائل به حرمت و مبطل بودن این عمل هستند یا تنها آن را حرام می دانند، به واسطه تعصب مذهبی، بین مسلمین اختلاف و تفرقه ایجاد می کنند». (۱۰۵) جا دارد از ایشان پرسیده شود: اگر تلاش و بررسی و تحقیق در کتاب و سنت، شیعه را به این نتیجه رسانده که گرفتن دست در نماز، امری است که بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله پیدا شده و مردم در زمان خلفا به آن امر می شدند، گناه شیعه چیست؟ و در این صورت هر کس گمان کند که آن عمل جزئی از نماز است چه واجب باشد یا مستحب، تحقیقاً در دین امری را بدعت نهاده که از دین نیست. آیا جزای کسی که در کتاب و سنت اجتهاد و تحقیق نماید این است که با تیر اتهام به تعصب مذهبی و ایجاد اختلاف، مورد هدف قرار گیرد؟ اگر این اتهام بجا باشد، آیا امام مالک را نیز می توان این گونه متهم کرد؟ زیرا او گرفتن دست را مطلقاً، یا در نماز واجب، مکروه می داند. آیا می توان امام

دارالهیجره را به تعصّب مذهبی و ایجاد خلاف متّهم کرد؟ به چه دلیل دست بسته نماز خواندن را نشانه تعصّب مذهبی و میل به اختلاف بین مسلمین نمی دانید؟ قضاوت با شماست. ۶ سجده بر تربت سؤال: چرا شیعه امامیه، در نماز، بر تربت سجده می کند؟ پاسخ: از نظر شریعت مقدس اسلام، سجده فقط برای خدا شایسته و جایز است، و بر غیر او نمی توان پیشانی بر زمین سایید، و این سخنی است که همه فقهای اسلام بر آن اتفاق نظریه دارند. اگر اختلافی وجود دارد، به مورد دیگر مربوط می شود و آن این که از نظر فقه شیعی فقط می توان بر دو چیز سجده کرد: ۱. زمین، مانند خاک و سنگ و مانند آن دو. ۲. چیزی که از زمین می روید، مشروط بر این که پوشیدنی و خوردنی نباشد. از نظر فقه سنی، دایره حکم وسیع تر است، آنها سجده بر منسوجاتی از پشم و پنبه و مو را جایز می دانند، تنها شافعی است که می گوید: بر گوشه دستار و اطراف جامه و آستین پیراهن سجده جایز نیست. (۱۰۶) اکنون باید دید روایاتی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در قلمرو گفتار و رفتار وی وارد شده است، کدام یک از دو نظریه را تأیید می کند. مسلماً پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به حکم قرآن، «اسوه و الگو» است و هیچ فردی نمی تواند رأی خود را بر گفتار و رفتار او مقدم بدارد. بررسی احادیث اسلامی که در صحاح و سنن وارد شده، این مطلب را ثابت می کند که حکم نهایی سجد گاه و به تعبیر فقیهان «ما یصحّ علیه السجود»، در سه مرحله

بیان گردیده است. در مرحله نخست فقط سجده بر زمین تشریح گردید و سجده بر غیر آن جایز نبود، و هر چه هم یاران پیامبر از گرمی سنگریزه های مسجد نبوی شکایت می کردند رسول گرامی صلی الله علیه و آله به شکایت آنان ترتیب اثر نمی داد، و حتی اگر شخصی بر گوشه دستار خود سجده می کرد، رسول گرامی صلی الله علیه و آله آن را از زیر پیشانی او می کشید و کراراً می فرمود: «ترب!» یعنی صورت خود را خاک آلود کن. به خاطر الزامی بودن سجده بر زمین، یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله برای پرهیز از گرما، سنگریزه ها را در دست خود نگاه می داشتند تا مقداری خنک شود آنگاه به هنگام فرود برای سجده، بر آنها سجده می کردند. در این مرحله فقط و فقط سجده بر زمین، آن هم به صورت طبیعی جایز بود. در مرحله دوم، وحی الهی بنابر مصلحت، موضوع را توسعه داد و سجده بر حصیر و بوریا نیز تشریح شد، و همگی می دانیم که حصیر و بوریا از رویدنی ها است و از این جهت گشایشی در امر سجده پدید آمد. در مرحله سوم اجازه داده شد که به هنگام ضرورت و ناچاری، مانند گرمای شدید و غیره، بر گوشه دستار و مانند آن سجده کنند، و در غیر ضرورت از سجده کردن بر غیر زمین و رویدنی ها بپرهیزند. این مراحل سه گانه تشریح در موضوع سجده است. فلسفه سجده بر خاک در بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله نکته لازم به ذکر آن است که شخص رسول گرامی صلی الله علیه و آله فلسفه سجده بر خاک را در حدیثی بیان کرده است و به

روشنی می رساند که اصرار تشریح اسلامی بر سجده بر زمین، جنبه تربیتی داشته است. حضرتش فرمود: «هرگاه کسی از شما نماز گزارد، پیشانی و بینی خود را بر زمین قرار دهد تا ذلت و خضوع خود را آشکار سازد». { (۱۰۷) هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام فلسفه سجده بر زمین را پرسید. امام در پاسخ او چنین فرمود: زیرا سجده، خضوع و فروتنی در برابر خدا است و هرگز شایسته نیست انسان پرستشگر، بر خوردنی ها و پوشیدنی ها سجده کند؛ زیرا معبود دنیاپرستان خوراک و پوشاک است. بنابراین نباید بر آنچه معبود دنیا پرستان است سجده کرد، در حالی که سجده بر خاک و زمین، بالاترین و برترین مظهر فروتنی و خضوع در برابر خداست. (۱۰۸) از آنجا که سجده بر خاک مظهر کامل عبودیت و اظهار بندگی است، عمر بن عبدالعزیز بر حصیر تنها اکتفا نمی کرد، بلکه مقداری خاک بر حصیر می ریخت و بر آن سجده می نمود. ابن حجر در شرح صحیح بخاری می گوید: كَانَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْخَلِيفَةَ الْأُمَوِيَّ لَا يَكْتَفِي بِالْخَمْرَةِ، بَلْ كَانَ يَضَعُ عَلَيْهَا التُّرَابَ وَيَسْجُدُ عَلَيْهِ. (۱۰۹) حتی عروه بن زبیر نیز جز بر زمین بر چیز دیگر سجده نمی کرد. (۱۱۰) مسروق که یکی از تابعان است، به هنگام سفر، خشتی را با خود برمی داشت تا در کشتی بر آن سجده کند. (۱۱۱) ابن ابی شیبه، شیخ بخاری می گوید: نماز بر «طنفسه» {که نوعی فرش کرک دار است} امری است جدید؛ و از رسول خدا به سند صحیح روایت شده است که بدترین امور، امر بی سابقه است و هر امر بی سابقه بدعت است. (۱۱۲) سجده بر تربت امام

حسین علیه السلام در اینجا سؤالی مطرح است که چرا شیعیان از میان سرزمین های جهان، خاک کربلا را برگزیده اند و ترجیح می دهند به هنگام نماز بر آن سجده نمایند و چرا قطعه هایی از تربت یاد شده را در مساجد و خانه های خود یا به هنگام مسافرت با خویش به همراه دارند؟ پاسخ این پرسش روشن است و آن این که سجدگاه باید از هر آلودگی پاک باشد، و چون در همه شرایط سجده بر زمین پاک امکان پذیر نیست، به پیروی از تابعی بزرگ «مسروق بن أجدع» بخشی از خاک پاک را به صورت قطعه درآورده و همراه دارند تا در همه جا سجده بر خاک پاک امکان پذیر باشد، درست مانند کسانی که در حال سفر، مقداری خاک همراه خود می برند که اگر نیازی به تیمم پیدا کردند، بر آن تیمم کنند و اما اینکه چرا از میان خاک ها، تربت کربلا را انتخاب کرده اند، علت آن است که وقتی نمازگزار پیشانی خود را بر آن خاک مقدس می گذارد، فداکاری های بی نظیر بزرگ مرد تاریخ از خاندان رسالت را به یاد می آورد که جان و مال و فرزندان خود را در راه اعتلای اسلام فدا نمود و زیر بار ظلم و ستم نرفت و درس آزادی و حمیت و غیرت دینی به جهانیان آموخت. سجده بر تربت حسین علیه السلام نه تنها انسان را از مسیر توحید خارج نمی سازد، بلکه به سجود او اخلاص می بخشد و او را برای فداکاری در راه دین که نماز جزئی از آن است آماده می سازد. علی بن عبدالله بن عباس که از تابعان است به «رزین» نوشت: **أَنْ أَبْعَثُ إِلَيْ بَلُوحٍ مِنْ**

أَحْجَارِ الْمَرَوَةِ أَشْيُجْدُ عَلَيْهِ (۱۱۳) «قطعه سنگی از سنگ های کوه مروه را برای من بفرست تا بر آن سجده کنم.» چراکه کوه مروه شاهد فداکاری های زن با ایمانی است که برای تهیه آب، هفت بار میان دو کوه دوید، و در راه خدا، سختی ها تحمل نمود. شیخ طوسی با سند خود از معاویه بن عمار نقل می کند امام صادق علیه السلام کیسه زرد رنگی از جنس «دیا» داشت که مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در آن کیسه بود، به هنگام نماز آن را بر روی سجاده خود می ریخت و بر آن سجده می کرد. (۱۱۴) کسانی که سجده بر تربت کربلا را نوعی پرستش انسان تلقی می کنند، «مسجود له» را از «مسجود علیه» باز نشناخته اند، در تمام احوال سجده برای خدا است و او «مسجود له» است، و چیزی که پیشانی بر آن می نهیم مسجود علیه است؛ خاک باشد یا فرش، خاک کربلا باشد، یا خاک مدینه و یا سنگ مروه. ۷ جمع بین دو نماز سؤال: چرا شیعیان نمازهای پنجگانه را در سه وقت می خوانند؟ پاسخ: مسأله «جمع بین الصلاتین» از مسائل مهم فقهی و حساس است که اخیراً از طرف دانشمندان محقق شیعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ زیرا برخی تصور می کنند که جمع بین دو نماز نوعی خواندن نماز در غیر وقت شرعی است، برای روشن شدن موضوع ابتدا نکاتی را یادآور می شویم: (۱۱۵) ۱. همه گروه های اسلامی در این مسأله اتفاق نظر دارند که در «عرفات» می توان هر دو نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر، با هم و بدون فاصله ادا کرد، و در «مزدلفه» نیز جایز است نماز

مغرب و عشا را در وقت عشا بجا آورد. ۲. حنفی ها می گویند: جمع بین نماز ظهر و عصر در یک وقت، و نماز مغرب و عشا در یک وقت، تنها در همان دو مورد «عرفه» و «مزدلفه» جایز است و در سایر موارد، جایز نیست. ۳. حنبلی ها، مالکی ها و شافعی ها می گویند: جمع بین نماز ظهر و عصر و یا جمع میان نماز مغرب و عشا در یک وقت خاص، علاوه بر دو مورد یاد شده، در حال سفر نیز جایز است. برخی از این گروه ها، با هم خواندن دو نماز را در موارد اضطراری؛ مانند زمانی که باران بیارد و یا نمازگزار بیمار یا در هراس از دشمن باشد، جایز می دانند. (۱۱۶) ۴. شیعه بر آن است که هر یک از نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشا، یک «وقت خاص» دارند و یک «وقت مشترک»؛ الف. وقت خاص نماز ظهر، از آغاز ظهر شرعی {وقت زوال} است تا مقدار زمانی که چهار رکعت نماز خوانده می شود، در این مدّت محدود، تنها نماز ظهر را می توان بجا آورد. ب. وقت خاصّ نماز عصر، زمانی است که از آن لحظه تا وقت غروب، تنها به اندازه مدّت خواندن نماز عصر، فرصت باشد. ج. وقت مشترک بین دو نماز ظهر و عصر، از انتهای وقت خاص نماز ظهر، تا ابتدای وقت خاص نماز عصر است. سخن شیعه آن است که در تمام این وقت مشترک، می توان نماز ظهر و عصر را با هم و بدون فاصله خواند. اهل سنت به خاطر دیدگاه خاصی که در تقسیم وقت {از زوال تا غروب} دارند، هیچ گاه به وقت مشترک

میان ظهر و عصر مثلاً قائل نیستند، زیرا معتقدند که از اوّل زوال تا سایه شاخص به اندازه آن گردد، وقت مختص نماز ظهر است و نمی توان نماز عصر را در این وقت به جا آورد، از آن به بعد وقت نماز عصر آغاز می گردد تا غروب، و مختص به آن می باشد با چنین دیدگاهی هرگز نمی توان بین دو نماز جمع کرد، زیرا لازمه آن این است که انجام یکی از آن در غیر وقت خود باشد. شیعیان معتقدند که این تقسیم بندی، مربوط به وقت فضیلت هر دو نماز است، نه وقت اجزاء، یعنی بهتر است نماز عصر را موقعی خواند که سایه شاخص به اندازه آن باشد، ولی اگر کسی قبل از آن هم بخواند مجزی است، دقت فرماید. از طرف دیگر روایات زیادی حاکی است که رسول خدا، در سفر و احیاناً در حضر بدون کوچک ترین عذر، میان دو نماز جمع نموده است و آنان برای حفظ دیدگاه خود در تقسیم وقت ناچار شدند که این روایات را به نحو بسیار بعید از واقع توجیه کنند، به تفسیر این روایات از دیدگاه شیعیان و اهل سنت توجه کنید: الف. شیعه بر آن است که بر مبنای این روایات، پس از اتمام نماز ظهر، می توان نماز عصر را بجا آورد و همچنین پس از خواندن نماز مغرب، می توان نماز عشا را ادا نمود و این مسأله به زمان یا مکان یا شرایط خاصی بستگی ندارد، بلکه در همه جا و همه وقت، جایز است. ب. دیگران به خاطر نفی وقت مشترک و منحصر کردن وقت به وقت اجزاء می گویند: مقصود روایت این است که نماز

ظهر، در آخر وقت آن، و نماز عصر در اوّل وقت آن بجا آورده شود. دقت در فلسفه جمع بین دو نماز، بی پایگی این تفسیر را روشن می سازد، زیرا علت تجویز جمع بین الصلاتین، ایجاد سهولت بر امت اسلامی است که بتوانند در تمام حالات هر دو نماز ظهر و عصر را مثلاً در یک زمان بخوانند و این در صورتی تحقق پیدا می کند که جز به مقدار چهار رکعت از اوّل و چهار رکعت از آخر، بقیه زمان ها «وقت مشترک» هر دو نماز باشد. اما اگر جمع بین دو نماز را مطابق با نظر اهل سنت تفسیر کنیم و بگوییم پیامبر صلی الله علیه و آله ظهر را در وقتی بجا آورد که با پایان آن، سایه شاخص به اندازه خود آن شود و سپس بلافاصله نماز عصر را بخواند، در این صورت به جای تسهیل، کار را مشکل و پیچیده تر کرده ایم، زیرا شناخت اول وقت و آخر آن در تمام اعصار، خصوصاً در مناطقی که ابزار و ادوات دقیق موجود نباشد، بسیار کار مشکلی است. ۸ خمس در غیر غنائم جنگی سؤال: فقیهان سنی خمس را فقط در غنائم جنگی واجب می دانند، چرا فقیهان شیعه آن را توسعه داده اند؟ پاسخ: خمس، همان گونه که در غنائم جنگی واجب است، در دیگر درآمدهای مشروع نیز، با شرایطی که فقها در کتاب خمس گفته اند، واجب و لازم است. اکنون مسأله را بر قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می کنیم. قرآن کریم می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا

أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال / ۴۱) «بدانید هر گونه غنیمتی که به دست آوردید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر به خدا و آنچه که بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل و روز درگیری دو گروه نازل کرده، ایمان دارید، خداوند بر هر کاری تواناست آیا آیه مبارکه تنها ناظر به غنائم جنگی است، یا مدلول وسیع و گسترده دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، باید ماده «غنم» از نظر لغت مورد بررسی قرار گیرد. در کتاب های فقهی هر گاه که لفظ غنیمت به کار رود، معمولاً مورد آن، غنائم جنگی است، ولی این سبب نمی شود که ما دلالت آیه را محدود به درآمدهای جنگی کنیم، بلکه اطلاق آیه که هر درآمدی را شامل است، برای ما حجت می باشد. لغت نویسان عرب برای لفظ غنیمت معنی وسیعی ذکر می کنند که اختصاص به غنائم جنگی ندارد. برخی را یادآور می شویم: ۱. خلیل بن احمد فراهیدی {م ۱۷۰ه} می گوید: «هر چه را که انسان بدون رنج به دست آورد، غنیمت است». (۱۱۷) ۲. ازهری می گوید: «غنم به دست آوردن چیزی است و اغتنام، بهره برداری از غنیمت است». (۱۱۸) ۳. ابن فارس می نویسد: «غنم یک ریشه بیش نیست که حاکی از به دست آوردن چیزی است که پیش تر دارای آن نبوده است و بعد، در مورد غنائم جنگی به کار می رود». (۱۱۹) در این جا به همین مقدار از گفتار بزرگان ادب اکتفا می کنیم، با ذکر این نکته که تفسیر غنیمت به مطلق «درآمد»،

در اغلب لغتنامه های عربی وارد شده است. (۱۲۰) اتفاقاً قرآن این واژه را در مطلق «سود بردن» به کار می برد، آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ (نساء / ۸۹۴) ای افراد با ایمان، هنگامی که در راه خدا گام می زنید برای جهاد سفر می کنید تحقیق کنید. و به کسی که بر شما سلام می کند نگویید مؤمن نیستی، تا بخواهید از این راه به کالاهای دنیوی دست یابید، زیرا نزد خداوند بهره های فراوانی است». جمله «فعند الله مغانم» در این آیه، پاداش های دنیوی و اخروی را شامل می شود، هر چند مربوط به درآمدهای جنگی نباشد، بلکه می توان گفت مراد از آن، پاداش اخروی است، در مقابل «عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، «کالاهای زندگی دنیوی». ابن ماجه در سنن خود، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل می کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به هنگام دریافت زکات می فرمود: «خداوندا! این زکات را برای پردازنده آن سود و پاداش قرار ده و آن را ضرر و زیان قرار مده». (۱۲۱) احمد بن حنبل از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل می کند: «سود مجالس یاد خدا، بهشت است» (۱۲۲) حضرتش ماه رمضان را چنین توصیف می کند: «غنم للجنة» (۱۲۳). (سودی برای بهشت است). روشن ترین گواه بر این که آیه هر چند در مورد غنائم جنگی نازل شده است، ولی حکم آن اختصاص به مورد نزول ندارد، این است که فقهای چهار مذهب اهل سنت، در مواردی که مال به دست آمده از غنائم جنگی نبوده است،

پرداخت خمس را لازم دانسته و با آیه شریفه استدلال نموده اند. خمس در معادن خمس در معادن یکی از مالیات های اسلامی است که اسلام آن را واجب کرده است و فقیهان حنفی به هنگام استدلال بر وجوب خمس در معادن با دو چیز استدلال کرده اند: ۱. آیه غنیمت {که پیش تر آن را ذکر کردیم}. ۲. حدیث پیامبر صلی الله علیه وآله: «وَفِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ» (۱۲۴) «در چیزهای زیر خاکی معدن و گنج خمس واجب است». بررسی کتب حدیث بیانگر آن است که در روایات متعددی جمله یاد شده از پیامبر صلی الله علیه وآله وارد شده است. خمس در آمد کسب و کار از نظر شیعه به کلیه درآمدهای کسبی یک فرد، پس از کسر هزینه سال، خمس تعلق می گیرد. البته در این مسأله شرایط دیگری لازم است که اینجا مجال بیان آن نیست، بلکه هدف این است که نشان دهیم قول امامیه در این جا با روایاتی که اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کنند، کاملاً موافق است. از آنجا که در این مختصر نمی توانیم همه آنچه را که در این مسأله آمده است، نقل کنیم، به نقل برخی از آنها بسنده می کنیم: ۱. هیئت اعزامی «عبدالقیس» قبیله عبدالقیس در منطقه شرق عربستان زندگی می کردند، و امروز نیز مردم قطیف و احساء و حتی بحرین منتسب به همین قبیله می باشند. رئیس قبیله به نام عبدالقیس به حضور پیامبر صلی الله علیه وآله رسید و گفت: میان ما و شما، قبایلی زندگی می کنند که مشرک هستند و اجازه نمی دهند ما، جز در ماه های حرام، به حضور شما برسیم. از شما می خواهیم آموزش های لازم را

به ما بدهید و ما نیز آنها را به دیگران منتقل کنیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من شما را به چهار کار فرمان می دهم و از چهار کار باز می دارم: ۱. فرمان می دهم به ایمان به خدا و می دانید ایمان به خدا چیست؟ شهادت به یگانگی او، ۲. به برپایی نماز، ۳. پرداخت زکات، ۴. پرداخت خمس از غنیمت». (۱۲۵) باید دقت شود که مقصود از مغنم چیست؟ در اینجا دو احتمال وجود دارد: ا. غنائم جنگی. ب. درآمدهای حلال. مسلماً احتمال نخست منفی است، زیرا هیئت عبدالقیسی آشکارا می گفتند که ما توان ملاقات با شما را جز در ماه های حرام نداریم؛ زیرا خروج ما از منطقه و عبور از میان قبایل، مایه خطر و خونریزی است. چنین مردمی چگونه می توانستند به جنگ با دشمن پردازند و از آنها غنیمت بگیرند؟! از این گذشته جهاد با دشمن بدون اذن پیامبر و جانشین او جایز نیست. ممکن است تصور شود که مقصود، شیخون زدن و غارت کردن است. این احتمال نیز صحیح نیست، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هر نوع غارت نهی کرده و سخن ایشان در کتب حدیث وارد شده است که: «نهی النبّی عن النهب...»؛ (۱۲۶) «پیامبر از غارت گری نهی کرد.» در این صورت جز درآمدهای حلال انسان، پس از کسر هزینه ها، چیز دیگری مورد نظر نخواهد بود. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه که عمرو بن حزم را به یمن اعزام کرد، فرمانی برای او نوشت که بخشی از آن چنین است: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي أَمْرِهِ كُلِّهِ، وَأَنْ يَأْخُذَ مِنَ الْمَغَانِمِ خُمْسَ اللَّهِ وَمَا كَتَبَ عَلَيَّ

الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الصَّدَقَةِ مِنَ الْعَقَارِ عَشْرُ مَا سَقَى الْبَعْلَ، وَسَقَتِ السَّمَاءُ، وَنِصْفُ الْعُشْرِ مِمَّا سَقَى الْغَرْبَ (۱۲۷). نخست برخی از واژگان به کار رفته در فرمان را توضیح می دهیم: الف. «العقار» به معنی زمین است و در این جا مقصود، زمین های کشاورزی است. ب. «البعل» درختانی است که نیاز به آبیاری ندارند؛ زیرا ریشه های آنان از آب های سطحی مجاور رودخانه ها استفاده می کند. ج. «الغرب» به معنی دلو بزرگ است و منظور درختانی است که با کشیدن آب با دلو، آبیاری می شوند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این حدیث، پس از امر به تقوا، دو نوع مالیات اسلامی را یادآور می شود: ۱. خمس غنائم. ۲. زکات زمین، گاهی یک دهم و گاه یک بیستم زمینی که به وسیله باران یا آبهای مجاور سیراب می شود. به خاطر کمتر بودن هزینه یک دهم و زمینی که با دلو و کشیدن آب از چاه آبیاری می شود، یک بیستم. پیامبر صلی الله علیه و آله، عمرو بن حزم را به عنوان فرماندار یمن اعزام کرد، نه به عنوان یک فرد نظامی که در آنجا با مشرکان جهاد کند، زیرا اهل یمن اسلام را پذیرفته بودند، طبعاً مقصود از جمله «وَأَنْ يَأْخُذَ مِنَ الْمَغَانِمِ خُمُسَ اللَّهِ» درآمدهای حلال کسب است. در این مورد، عهدنامه های فراوانی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصیت هایی که در اطراف شبه جزیره زندگی می کردند، نوشته شده و در همه آنها پرداخت خمس از غنائم وارد شده است، در حالی که این افراد، فرماندهان نظامی و رجال جنگی نبودند، بلکه در منطقه خود رهبری و ریاست داشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها دستور

می دهد که خمس درآمدها را جمع کنند و برای او بفرستند. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن عهدهی به جهینه بن زید چنین نوشت: «زیر زمین و روی آن و کف دره ها و روی آنها از آن شما باشد، از چراگاه های آن استفاده کنید و از آب آنها مصرف کنید، به شرط آن که یک پنجم درآمد خود را بپردازید». (۱۲۸) گذشته از این، ائمه اهل بیت علیهم السلام که همتای قرآن و هم سنگ آن هستند، در روایات فراوانی پرداخت یک پنجم درآمدها را ضروری و واجب دانسته اند. کسانی که بر حدیث ثقلین مهر صحت نهاده اند، باید پیروی از سخن آنان را لازم و واجب بدانند.

فصل هشتم

مسائل تاریخی

۱ صلح امام حسن علیه السلام سؤال: آیا صلح امام حسن علیه السلام با معاویه نشان دهنده حسن روابط اهل بیت با معاویه نبود؟ پاسخ: صلح امام حسن از رویدادهای تاریخی صدر اسلام است که محققان درباره آن زیاد سخن گفته و کتاب ها و رساله ها نوشته اند و حقایقی را روشن ساخته اند. همه آنها به این نتیجه رسیده اند که امام علیه السلام از روز نخست آماده قیام و دفاع از حریم خلافت بود و هرگز صلح و سازش در برنامه او نبود، لذا وقتی خبر حرکت معاویه از شام به کوفه رسید، دستور داد که در مسجد جمع شوند، آنگاه خطبه ای آغاز کرد و پس از اشاره به بسیج نیروهای معاویه، مردم را به جهاد در راه خدا و ایستادگی در مبارزه با پیروان باطل دعوت نمود و لزوم صبر و فداکاری و تحمل دشواریها را گوشزد کرد. امام علیه السلام با اطلاعی که از

روحیه مردم داشت، نگران بود که دعوت او را اجابت نکنند. اتفاقاً همین طور شد و پس از پایان خطبه مهیج حضرت، همه سکوت کردند و احدی سخنان آن حضرت را تأیید نکرد! این صحنه به قدری اسف انگیز و تکان دهنده بود که یکی از یاران دلیر و شجاع امیرمؤمنان علیه السلام که در مجلس حضور داشت، مردم را به خاطر این سستی و افسردگی به شدت توبیخ کرد و آنها را قهرمانان دروغین و مردمی ترسو و فاقد شجاعت خواند و از آنها دعوت کرد که در رکاب امام برای جنگ با اهل شام آماده گردند. (۱۲۹)

این سند تاریخی نشان می دهد که مردم عراق تا چه حد به سستی و بی حالی گراییده بودند و آتش شور و سلحشوری و مجاهدت، در آنها خاموش شده بود و حاضر نبودند در جنگ شرکت کنند. سرانجام پس از فعالیت ها و سخنرانی های عده ای از یاران بزرگ حضرت مجتبی به منظور بسیج نیروها و تحریک مردم برای جنگ، امام علیه السلام با عده کمی کوفه را ترک کرد و محلی در نزدیکی کوفه به نام «نُخَيْلَه» را اردوگاه قرار داد و پس از ده روز اقامت در «نخیله» به انتظار رسیدن قوای تازه، جمعا «چهار هزار نفر» در اردوگاه حضرت گرد آمدند! به همین جهت امام ناگزیر شد دوباره به کوفه برگردد و اقدامات تازه و جدی تری جهت گردآوری سپاه به عمل آورد (۱۳۰) خستگی مردم عراق پس از سه جنگ جمل، صفین و نهروان از یک طرف و وجود عناصر متضاد در سپاه امام از طرف دیگر و خیانت فرماندهان او از طرف سوم سبب شد که صلح

بر امام تحمیل شود. این حقیقت را امام در یکی از سخنان خود بیان کرده و می فرماید: من به این علت حکومت و زمامداری را به معاویه واگذار کردم که اعوان و یارانی برای جنگ با وی نداشتم. اگر یارانی داشتم، شبانه روز با او می جنگیدم تا کار یکسره شود. من کوفیان را خوب می شناسم و بارها آنها را امتحان کرده ام. آنها مردمان فاسدی هستند که اصلاح نخواهند شد، نه وفادارند، نه به تعهدات و پیمان های خود پایبندند و نه دو نفر از آنان با هم موافقتند. برحسب ظاهر به ما اظهار اطاعت و علاقه می کنند، ولی در عمل با دشمنان ما همراهند. پیشوای دوم که از سستی و عدم همکاری یاران خود به شدت ناراحت و متأثر بود، روزی خطبه ای ایراد فرمود و در آن چنین گفت: درشگفتم از مردمی که نه دین دارند و نه شرم و حیا. وای بر شما! معاویه به هیچ یک از وعده هایی که در برابر کشتن من به شما داده، وفا نخواهد کرد. اگر من با معاویه بیعت کنم، وظایف شخصی خود را بهتر از امروز می توانم انجام بدهم، ولی اگر کار به دست معاویه بیفتد، نخواهد گذاشت آیین جدم پیامبر را در جامعه اجرا کنم. به خدا سوگند {به علت سستی و بی وفایی شما} ناگزیر شدم زمامداری مسلمانان را به معاویه واگذار کنم، یقین بدانید زیر پرچم حکومت بنی امیه هرگز روی خوش و شادمانی نخواهید دید و گرفتار انواع اذیت ها و آزارها خواهید شد. اکنون گویی به چشم خود می بینم که فردا فرزندان شما بر در خانه فرزندان آنها ایستاده و درخواست آب

و نان خواهند کرد؛ آب و نانی که از آن فرزندان شما بوده و خداوند آن را برای آنها قرار داده است، ولی بنی امیه آنها را از در خانه خود رانده و از حق خود محروم خواهند ساخت». آنگاه امام افزود: «اگر یارانی داشتیم که در جنگ با دشمنان خدا با من همکاری می کردند، هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی کردم، زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است (۱۳۱) این بیان، پرده از چهره این رویداد تاریخی برمی دارد و نشان می دهد که: اولاً، امام خواهان صلح نبود، بلکه به خاطر فقدان یاور و سستی مردم کوفه و دیگر عواملی که به آنها اشاره شد، صلح را پذیرا شد. ثانیاً، صلح حضرت نشانه حسن روابط با معاویه و پیروان او نبوده است. ۲ ازدواج ام کلثوم سؤال: آیا ازدواج عمر با ام کلثوم دختر علی علیه السلام گواه بر حسن روابط نیست؟ پاسخ: پرسش یاد شده، یک سؤال تاریخی محض نیست بلکه پیوند ناگسستنی با عقاید و اندیشه های شیعی دربارہ خلفا دارد. ما در گذشته در پاسخ برخی از پرسش ها به روشنی ثابت کرده ایم که پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، خانه حضرت زهرا {علیها السلام}، مورد تجاوز قرار گرفت؛ به گونه ای که خلیفه نخست، در آخرین روزهای زندگی، آرزو می کرد که ای کاش، به خانه وحی تجاوز نمی کرد. خلیفه دوم نیز با آتش در برابر خانه دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شد... با این شرایط چگونه می توان، به آسانی پذیرفت که فرد متجاوز، از دختر زهرا {علیها السلام} خواستگاری کرده و پدر و کسان دختر با دست و

دل باز، دسته گل زهرا را به وی اهدا کرده باشند؟! از این جهت چنین مسائلی به خاطر تعدد ابعاد، بیش از هزار سال مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و چون صفحات کتاب محدود است، تنها نظریات گوناگون پی افکنان کلام و حدیث شیعی را در اینجا می آوریم: ۱. نظریه شیخ مفید شیخ مفید {۴۱۳ ۳۳۶}، در رساله ویژه ای که در این موضوع نوشته، در صحت آن تشکیک کرده و می گوید: خبر تزویج از طریق زبیر بن بکار نقل شده و او مورد اعتماد نیست، به خصوص که او از دشمنان علی علیه السلام بود، طبعاً نقل وی، به ویژه آنچه مربوط به بنی هاشم است، قابل پذیرش نخواهد بود. آنچه مایه انتشار این خبر گردید، این است که ابومحمد، حسن بن یحیی علوی آن را در کتاب «النسب» خود نقل کرده و از آنجا که فردی علوی آن را نقل کرده است، گروهی آن را پذیرفتند. آنگاه شیخ مفید، استاد عقاید شیعه، به وجود تناقض ها و اختلاف های عجیب و غریب در نقل این قطعه از تاریخ اشاره می کند و می گوید: نقل های مختلفی در این باره وجود دارد، از جمله این که: ۱. علی علیه السلام او را به عقد عمر در آورد. ۲. این کار به وسیله عباس عموی علی علیه السلام صورت پذیرفت. ۳. این کار از روی تهدید انجام گرفت. ۴. عروسی صورت پذیرفت و عمر از او دارای فرزندی به نام «زید» شد. ۵. خلیفه پیش از مراسم عروسی کشته شد. ۶. زید نیز دارای فرزندی بود. ۷. او کشته شد و وارثی نداشت. ۸. او و مادرش در یک روز کشته

شدند. ۹. مادرش پس از وی زنده بود (۱۳۲).. ۱۰ مهریه او چهل هزار درهم بود. ۱۱. مهریه او چهار هزار درهم بود. ۱۲. مهریه او پانصد درهم بود. این اختلاف ها شک و تردید را در ذهن انسان زنده کرده و اصل تزویج را زیر سؤال می برد. (۱۳۳) ۲. امّ کلثوم ربیبه امام علیه السلام بود برخی از نویسندگان معتقدند امّ کلثومی که به تزویج خلیفه درآمد، ربیبه امام علی علیه السلام بود، نه دختر صلبی او؛ زیرا اسماء بنت عمیس پس از درگذشت جعفر بن ابی طالب، با ابوبکر ازدواج کرد و از این ازدواج دختری به نام امّ کلثوم متولد شد. پس از درگذشت خلیفه نخست، اسماء با علی علیه السلام ازدواج کرد و دختر خود را به عنوان ربیبه به خانه امام آورد، سپس همین ربیبه به عقد عمر بن خطاب درآمد. این نظریه چندان استوار نیست؛ زیرا درست است که ابوبکر دختری به نام امّ کلثوم داشت، ولی مادر او «حبیبه» دختر یکی از انصار، به نام زید بن خارجه بود. امّ کلثوم دختر ابی بکر را طلحه بن عبیدالله تزویج کرد و از او فرزندان به نام های محمد و زکریا و عایشه به دنیا آمدند. پس از کشته شدن طلحه، عبدالرحمن بن عبدالله وی را تزویج کرد. خلاصه این که اسماء بنت عمیس با ازدواج با ابی بکر، جز یک فرزند به نام «محمد» به دنیا نیاورد. بنابراین، نمی توان گفت امّ کلثوم مورد گفتگو، دختر اسماء بنت عمیس است؛ زیرا اصلاً اسماء دختری از ابو بکر نداشت و امّ کلثوم که دختر ابو بکر بود، از مادری به نام «قتیله» (متولد شده و او

هم با طلحه بن عبيدالله {نه عمر ابن خطاب} ازدواج کرد (۱۳۴) ۳. واکنش های مختلف در برابر خواستگاری خلیفه انگیزه ظاهری خلیفه برای ازدواج، حدیثی بود که از پیامبر نقل می کرد: هر نوع پیوند نسبی و سببی روز قیامت از هم گسسته می شود، جز پیوند با من از طریق نسب یا سبب (۱۳۵) آنگاه خلیفه افزود: من با پیامبر مدت ها زندگی کرده ام، می خواهم این کار انجام بگیرد. ولی در باطن انگیزه دیگری در کار بود و آن این که از این طریق می خواست بر اعمال گذشته خود سرپوش بگذارد و با آن پیوند خویشاوندی، گذشته به فراموشی سپرده شود. آنگاه که خواستگاری انجام گرفت، امیرمؤمنان به صورت های مختلف عذر خواست که این کار انجام نگیرد: الف. فرمود: دخترم کوچک است {فعلاً هنگام ازدواج او نیست}. خلیفه پاسخ داد: به خدا سوگند منظور تو آن نیست، ما می دانیم منظور تو چیست، تو خواستی از این کار جلوگیری کنی. (۱۳۶) ب. بار دیگر عمر بر خواستگاری اصرار کرد، حضرت این بار عذر دیگری آورد. با توجه به آنچه در کتاب های فریقین وارد شده، ازدواج رخ داده و متصدی آن عموی امام، عباس بن عبدالمطلب بوده است، ولی سخن این جا است که آیا این پیوند، با طیب خاطر انجام گرفته و یا فشارهایی از خارج و داخل در آن مؤثر بوده است. شما با یک محاسبه کوتاه و داوری وجدان می توانید پایه این ازدواج را از منظر طیب نفس و طوع و رغبت به دست بیاورید. ۱. شکی نیست که روابط خاندان رسالت با خلیفه وقت کاملاً تیره و تار بود و یورش به خانه وحی و هتک حرمت

دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه وآله چیزی نیست که بتوان آن را انکار نمود و ما مدارک آن را در پاسخ به یکی از پرسش‌ها ارائه کردیم. ۲. عمر فردی خشن و تندخو بود، هنگامی که خلیفه او را بر خلافت برگزید، گروهی از صحابه بر این امر اعتراض کردند و گفتند: یک فرد خشن و تندخو را بر ما مسلط کردی؟ ۳. طبری می‌نویسد: خلیفه، نخست از دختر ابوبکر به نام «ام کلثوم» خواستگاری کرد ولی دختر ابوبکر به خاطر تندی اخلاق خلیفه، دست رد بر این خواستگاری زد. (۱۳۷) بنابراین نمی‌توان این ازدواج را نشانه حسن روابط دانست. آنچه از مدارک شیعی استفاده می‌شود، تنها عقدی بوده و بس. و اما این که مراسم دیگری انجام گرفته یا نه، چندان روشن نیست. حتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی که عمر بن خطاب درگذشت، امیرمؤمنان، دخترش ام کلثوم را به خانه خود آورد. (۱۳۸) مسعودی می‌نویسد: عمر از این ازدواج طرفی نبست و ثمره‌ای به نام فرزند نداشت. (۱۳۹)، می‌گوید: عاصم و عبیدالله وزید از یک مادر متولد شده‌اند در حالی که دیگران می‌گویند: زید از ام کلثوم متولد شده است. در کنار این حادثه، بسیاری از مورخان و رجال نویسان مطالبی را متذکر شده‌اند که هیچگاه قابل پذیرش نیست و با کرامت و عفت خاندان رسالت سازگار نمی‌باشد. از این گذشته اسانید آنها نیز مخدوش و مردود است، و لذا از آوردن آنها خودداری می‌کنیم.

فصل نهم

صحابه

۱ روایات صحابی سؤال: چرا شیعه روایات صحابه را نمی‌پذیرد؟ پاسخ: روایاتی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله به وسیله راویان نقل می‌شود، بر

سه دسته اند: ۱. خبر متواتر. ۲. خبر مقرون به قرائن مفید علم. ۳. خبر واحد. همه عقلای جهان به دو قسم نخست عمل می کنند و هرگز به وضع راوی و شرایط او نمی نگرند؛ زیرا خبر از نظر قوت و قدرت، به حدی است که علم آفرین بوده و هر نوع شک و تردید را از بین می برد. اما خبر متواتر چیست و چه شرایطی دارد و یا خبر مقرون به قرائن که علم آفرین است، کدام است؟ در کتاب های علم اصول و به ویژه علم درایه درباره آنها سخن گفته شده و شیعه هم به عنوان گروهی از عقلای جهان بر این دو دسته از روایات عمل می کند. سخن درباره دسته سوم از روایات است: از آنجا که در مسائل اعتقادی، هدف ایمان و اعتقاد است و خبر واحد در این عرصه فاقد ارزش است؛ زیرا نتیجه مطلوب از آن حاصل نمی شود، ولی اگر خبر مربوط به احکام و مسائل عملی باشد، هرگاه سلسله سند، همگی عادل و پاکدامن و پرهیزگار باشند، شیعه به این حدیث عمل می کند و در این مورد، فرقی میان تابعی و صحابی قائل نیست. ولی اگر یکی از راویان، مخدوش و ضعیف باشد، چنین خبری حجت نبوده و قابل احتجاج نیست، همین ضابطه در روایاتی که به وسیله راویان از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل می شود نیز حاکم و صادق است. خوشبختانه قسمتی از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرق صحیح در اختیار ماست، بخشی از آنها از طریق امامان اهل بیت علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و برخی دیگر از طریق راویان

معتبر و با تقوا، و شیعه به همه اینها عمل می کند. آنچه در سؤال آمده، خیالی بیش نیست. برخی از روایاتی که مورد عمل فقیهان شیعه است، در صحیح بخاری و مسلم و دیگر سنن نیز آمده است، ولی مهم این است که سند پیراسته از نقد و جرح باشد. در پایان یادآوری می کنیم که از نظر فقه ما، کسانی که ناصبی هستند و بغض اهل بیت علیهم السلام را در دل دارند، کافر و غیر قابل اعتمادند، ولی متأسفانه این میزان در برخی از کتاب های حدیثی نادیده گرفته شده، مثلاً عمران بن حطان، که در رأس خوارج قرار دارد، در سلسله سندهای صحیح بخاری و غیره وجود دارد که از نظر ما قابل اعتماد نمی باشد. ۲ انتقاد از صحابه سؤال: با انتقاد از صحابه، دین متزلزل می شود، چون دین به وسیله آنها به ما رسیده است؟! پاسخ: چنین سخنی بر پایه و اساس پذیرفته نشده ای استوار است و آن این که روایات همه صحابه پیامبر، مردود و غیر مقبول است؛ در حالی که این اصل، صحت ندارد. در گذشته یادآور شدیم که یاران پیامبر نیز همانند تابعان، به صالح و ناصالح؛ و مقبول و غیر مقبول تقسیم می شوند و نپذیرفتن روایات صنف دوم، دلیل بر این نیست که همه روایات صحابه پیامبر از درجه اعتبار ساقط است. از این گذشته، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق پیشوایان معصوم علیهم السلام یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندان رسالت، که خود از برترین صحابه بوده اند، در اختیار ما قرار گرفته است و نپذیرفتن روایات انسان های ضعیف یا مجهول و مبهم دلیل بر

نفی کلی نیست و سبب تزلزل دین نمی گردد، زیرا پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دو حجت گرانبها از خود به یادگار نهاده و امت اسلامی با تمسک به این دو، از هر مرجعی بی نیاز خواهند بود. اصولاً این پرسش شگفت آور است، سؤال کننده به جای این که پایه های دین را محکم و استوار سازد، می گوید: اگر صحابه نقد پذیر باشند، دین متزلزل می شود، در حالی که دینی که اساس آن به وسیله خداوند متعال و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گذاشته شده و با وعده الهی تا روز قیامت باقی است، «با نقد چند نفر» هرگز متزلزل نخواهد شد. ۳ امام علی علیه السلام و تأیید خلفا سؤال: امام علی علیه السلام خلفا را تأیید می کرد، به چه دلیل شما شیعیان خلافت آنان را نمی پذیرید؟ پاسخ: رفتار امام علی علیه السلام با خلفا را باید در دو زمینه مورد بررسی قرار داد: ۱. به رسمیت شناختن خلافت آنان. ۲. همکاری امام با دستگاه خلفا در حل معضلات دینی و مشکلات سیاسی. و این دو مطلب باید از یکدیگر تفکیک شود. با قطع و یقین می گوییم که موضع امام در مورد اول کاملاً منفی بود و در مورد دوم مثبت. در مورد دلایل منفی بودن موضع امام در مورد نخست باید گفت: اولاً: علی علیه السلام چگونه می تواند خلافت دیگران را به رسمیت بشناسد، در حالی که وی از جانب خدا در مواضع مختلف و به ویژه روز غدیر، به عنوان ولی مسلمانان و سرپرست آنان معرفی شده است؟ ولایت امام، یک حکم آسمانی بود که جز خدا، هیچ فردی نمی تواند آن را دگرگون سازد، چنان

که می فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ». (احزاب / ۳۶) «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبر او درباره امری حکمی کنند، اختیاری {در برابر فرمان خدا} داشته باشد». امامت امام حق شخصی وی نبود که از آن چشم پوشی کند، بلکه حکم الهی بود که کسی قادر بر تغییر آن نیست، اما اگر شرایط برای اجرای این حکم فراهم نباشد، مصلحت ایجاب می کند که درباره آن سکوت کند، نه این که دیگری را جای خود بنشانند. ثانیاً: تاریخ سقیفه و بررسی زندگی امام علیه السلام حاکی است که آن حضرت با وجود شدیدترین فشارها، دست بیعت به سوی خلفا دراز نکرد. معاویه در یکی از نامه های خود به علی علیه السلام می نویسد: «تو همان کسی هستی که به سان شتر افسار زده به سوی بیعت کشیدند»؛ و این جمله بیانگر آن است که فشار برای بیعت به حدی بود که امام را به زور از خانه خود بیرون کردند و به مسجد بردند. امام علیه السلام در پاسخ نامه معاویه، این بی حرمتی را انکار نمی کند، ولی تصریح می کند که این نشانه مظلومیت اوست، آنجا که می فرماید: «گفتی که همچون شتر، افسار زدند و کشیدند که بیعت کنم، عجباً! به خدا سوگند خواستی مذمت کنی ولی ناخود آگاه ستودی. خواستی رسوا کنی ولی رسوا شدی. برای یک مسلمان نقص نیست که مظلوم واقع شود، مادام که در دین خود تردید نداشته باشد و در یقین خود شک نکند. (نهج البلاغه، نامه ۲۸) ثالثاً: بخاری، که کتاب حدیثی خود

را بر وفق سیاست حاکم بر عصر خویش نوشته، در کتاب «مغازی» به سندی از عایشه چنین نقل می کند: فاطمه دخت پیامبر کسی را به نزد ابوبکر فرستاد تا سه چیز را برگرداند: الف. میراث او از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ب. فدک. ج. آنچه از خمس غنایم خیر مانده است. ابوبکر در پاسخ گفت: از پیامبر شنیده است: «لَا نُورْثُ، مَا تَرَكَناه صدقه»: «ما ارث نمی گذاریم، آنچه از ما باقی می ماند، صدقه است» و زندگی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از همین مال تأمین می شود. تا این که می گوید: فاطمه از موضع گیری منفی ابوبکر خشمگین شد. او را ترک کرد و دیگر با او سخن نگفت و پس از پیامبر شش ماه زنده بود. (۱۴۰) وقتی فاطمه {علیها السلام} درگذشت، شوهرش علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را از درگذشت او آگاه نساخت و تا فاطمه زنده بود، علی با ابوبکر بیعت نکرد. (۱۴۱) حدیث یاد شده حاکی است که امام و همسرش، مدت شش ماه از بیعت با او سرباز زدند. اگر خلافت ابوبکر، شرعی و به اصطلاح جامع الشرایط بود، چرا دختر گرامی پیامبر، فاطمه {علیها السلام} در حالی که بر او خشمگین بود، جهان را وداع کرد و همسر او نیز تا شش ماه با او دست بیعت نداد؟ در این جا نوعی تناقض از نظر اصول اهل سنت وجود دارد؛ زیرا مورخان بر این نظریه اند که دخت گرامی پیامبر، با خلیفه بیعت نکرد و تا آخرین لحظه زندگی، با او سخن نگفت. حتی می گویند مادام که دخت گرامی پیامبر در قید حیات بود، علی علیه

السلام با ابوبکر بیعت نکرد، بلکه پس از گذشتن شش ماه از حادثه سقیفه با او بیعت نمود. (۱۴۲) از طرفی در صحاح و مسانید نقل می کنند که هر کس با امام زمان خود بیعت نکند، مرگ او مرگ جاهلیت است. مسلم در صحیح خود چنین نقل می کند: «هر کس بمیرد و در گردن او بیعت [امامی] نباشد، با مرگ جاهلیت از جهان رفته است». (۱۴۳) و نیز احمد بن حنبل در مسند خود نقل می کند: «هر کس بدون شناخت امام خود بمیرد، مرگ او به سان مرگ افراد در جاهلیت است». (۱۴۴) اکنون این دو گزاره را چگونه تصدیق کنیم؟ از یک طرف، رضایت و خشنودی زهرا {علیها السلام} ملاک خشنودی خدا و خشم او نشانه خشم خداست، و نیز وی از سروران زنان جهان است. (۱۴۵) طبعاً یک چنین فردی، پاک و معصوم خواهد بود. از طرف دیگر او با خلیفه بیعت نکرد و به همان حالت به لقاء الله پیوست. اکنون باید این تعارض را به یکی از دو طریق حل کرد: الف. مرگ زهرا {علیها السلام} که محور رضا و خشم الهی و سرور زنان بهشت بود، بر اثر عدم بیعت با امام عصر خود نعوذ بالله مرگ جاهلیت بوده است. ب. خلیفه وقت، امام زمان خود نبوده و بدون جهت منصب خلافت را اشغال کرده است و امام همان فردی بود که در سرزمین غدیر، بر خلافت او تنصیب شد و زهرا {علیها السلام} از روز نخست با او بیعت کرده و تا جان بر لب و توان در بدن داشت، از یاری او باز نایستاد. رابعاً: کلمات امام در موارد

مختلف حاکی از آن است که او تا آخرین لحظات زندگی، خود را شایسته خلافت می دانست و این که خلافت حق مسلم او بود و از وی گرفته شد. در این مورد، علاوه بر خطبه «ششقیه» که همه با او آشنا هستیم، سخنان دیگر او حاکی از غضب خلافت و عقب زدن او است که ما در این جا به برخی از سخنان آن حضرت اشاره می کنیم: الف. «به خدا سوگند از روزی که خدا جان پیامبر خویش را تحویل گرفت تا امروز همواره حق مسلم من از من سلب شده است». (نهج البلاغه، خطبه ۶) ب: «شخصی در حضور جمعی به من گفت: پسر ابوطالب! تو بر امر خلافت حریصی؛ به او گفتم: «بلکه شما حریص تر و از پیغمبر دورترید و من از نظر روحی و جسمی نزدیک ترم. من حق خود را طلب کردم و شما می خواهید میان من و حق خاص من حائل و مانع شوید و مرا از آن منصرف سازید. آیا آن که حق خویش را می خواهد حریص تر است یا آن که به حق دیگران چشم دوخته است؟ همین که او را در برابر حاضران با نیروی استدلال کوبیدم به خود آمد و نمی دانست در جواب من چه بگوید».

(نهج البلاغه، خ ۱۷۲) معلوم نیست اعتراض کننده چه کسی بوده و این اعتراض در چه وقت مطرح شده است. ابن ابی الحدید می گوید: اعتراض کننده سعد وقاص بوده، آن هم در روز شورا. سپس می گوید: ولی امامیه معتقدند که اعتراض کننده ابو عبیده جراح بوده و در روز سقیفه چنین اعتراض کرده است. حضرت در ادامه می فرماید: «خدایا! از ظلم قریش و همدستان آنها

به تو شکایت می کنم. اینها با من قطع رحم کردند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر نمودند. اتفاق کردند در مورد امری که حق خاص من بود، بر ضد من قیام کنند». (۱۴۶) تا این جا روشن گردید که امام هرگز در مسأله خلافت و امامت با خلفا مصالحه نکرد و پیوسته از مظلومیت خود سخن می گفت و نسل ها را از حقایق آگاه می ساخت. نکته دوم، همکاری امام با خلافت در مسائل دینی و سیاسی و حل مشکلات خلفا است که موضع امام در این مورد کاملاً مثبت بود. ایشان در یکی از نامه های خود، علت همکاری با دستگاه خلافت را به روشنی بیان می کند. اکنون ترجمه نامه امام را در این جا می آوریم: «به خدا سوگند هرگز فکر نمی کردم و به خاطر خطور نمی کرد که عرب بعد از پیامبر؛ امر امامت و رهبری را از اهل بیت او بگردانند {و در جای دیگر قرار دهند و باور نمی کردم} آنها آن را از من دور سازند! تنها چیزی که مرا ناراحت کرد اجتماع مردم اطراف فلان... بود که با او بیعت کنند. دست بر روی دست گذاردم تا این که با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود سازند. {در این جا بود} که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم، شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از رها ساختن خلافت و حکومت بر شما بزرگ تر بود؛ چرا که این بهره دوران کوتاه زندگی دنیا است که زایل و تمام می شود. همان طور که «سراب» تمام می شود

و یا همچون ابرهایی که از هم می پاشند. پس برای دفع این حوادث به پیا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پا برجا و محکم گردید». (نهج البلاغه نامه ۶۲) این نامه به روشنی بیان می کند که امام در عین انتقاد از خلافت، برای صیانت اسلام تا آنجا که امکان داشت با آنان همکاری کرد و معضلات علمی و سیاسی آنان را به نحو احسن، حل و فصل نمود.

باورقی

۱- شوری / ۳۸.

۲- آنان که ایمان آورده و عمل نیکو انجام داده اند، آنان بهترین مردم هستند. {بینه، ۷}

۳- الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۸۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۱؛ نهایه ابن اثیر، ماده قمح، ج ۴، ص ۱۰۶؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۲۹۳؛ و غیر آن. البته سیوطی در الدرالمنثور این احادیث را از تفسیر طبری و تاریخ ابن عساکر نقل کرده است

۴- بستگان نزدیک خود را از عذاب الهی بیم ده! {شعراء، ۲۲۴}

۵- صحیح بخاری، {غزوه تبوک}، ج ۶، ص ۳، چاپ ۱۳۱۴؛ صحیح مسلم، باب فضائل علی، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ابن ماجه، {باب فضائل اصحاب پیامبر}، ج ۱، ص ۵۵؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۱۹، ۵۲۰

۶- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹، ۳۲۱، چاپ دارالمعارف مصر؛ تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۶۲، ۳۶ چاپ دارصادر بیروت؛ سیره حلبی، ج ۷۱ ص ۳۱۱، چاپ البهیة در مصر؛ تاریخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۶۵، حدیث ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، چاپ بیروت، تفسیر خازن، علاء الدین شافعی، ج ۳، ص ۳۷۱، چاپ مصر و غیره

۷- طه / ۲۹، ۳۰.

۸- مائده / ۶۷

۹- ترمذی، صحیح، ج ۵، ص ۲۹۷؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۵، حدیث ۱۲۱؛ الحاکم النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰؛ احمد

بن حنبل، مسند، ... حدیث ۹۶۱، ج ۱، ص ۸۸، ج ۲، ص ۶۷۲؛ و غیره، نسائی، خصائص، ص ۹۴، ۹۵، ۵۰؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۱۲، ص ۷۸، حدیث ۱۲۱۶۷، مشکاه المصابیح، ج ۳، ص ۲۴۶؛ محب الدین طبری، الرياض النضره، ج ۲، ص ۱۶۹، چاپ خانجی، ما به همین مقدار بسنده می کنیم، کسانی که علاقمند به آگاهی از حالات راویان از صحابه و تابعان و دانشمندان باشند، می توانند به کتاب هایی که پیرامون حدیث غدیر نوشته شده مراجعه کنند. از میان آنها مطالعه دو کتاب را پیشنهاد می کنیم: الف. عبقات الأنوار، تألیف میر حامد حسین هندی {متوفای ۱۳۰۶هـ}. ب. الغدیر، تألیف محقق عالیقدر عبدالحسین امینی {۱۳۲۰-۱۳۹۰هـ}

۱۰- محمد کردعلی، خطط الشام، ج ۵، ص ۲۵۱

۱۱- هود / ۴۰. ۳. سبأ / ۱۳

۱۲- اینک لرجل ملبوس علیک... جاذبه و دافعه امام علی به نقل از کتاب علی و بنوه از دکتر طه حسین

۱۳- یکی از مردم خراسان موسوم به عبدالله بن کرام به زهد ریایی و حیل و تزویر، جمعی کثیر را تابع مذهب خود گردانید که از جمله اتباع او یکی سلطان محمود بود که بلائی عظیمی برای شیعه و اهل کلام شد {یادداشت های قزوینی، حواشی، ج ۷، ص ۶۰} به نقل از لغت نامه دهخدا

۱۴- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۰، مظفر، تاریخ الشیعه، ص ۱۹۲

۱۵- البلاد العربیه والدوله العثمانیه، حصری، ص ۴۰، چاپ: ۳۶م؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۳۰ {او به جای ۴۰۰۰۰، عدد ۷۰۰۰۰ را آورده است؛ شرف الدین عاملی، الف؟؟؟ المهمه، ص ۱۴۰، چاپ نجف

۱۶- دائره المعارف اللبنانیه، فؤاد البستانی، در شرح حال ابراهیم یحیی

۱۷- آری برای رسیدن به انجام امور خارق العاده، راه دیگری به نام ریاضت هست ولی پیمودن آن راه حرام و ممنوع می باشد. و گاهی مصالح

غیبی ایجاب می کند که فردی در دوران کودکی، به کمالی برسد که دیگران فاقد آن هستند، و این جنبه استثنایی دارد

۱۸- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲ چاپ دارالکتب الاسلامیه

۱۹- مقصود از "افعال خدایی" این است که فاعل در فعل خود مستقل بوده و در انجام آن به مقامی متکی نباشد، خواه آن فعل به صورت فعل طبیعی انجام گیرد، یا به شیوه خارق عادت

۲۰- سنن ترمذی: ۵ / ۵۱۵، شماره ۳۴۷۵

۲۱- طوسی، مصباح المتعجل: ۳۷۴

۲۲- مسند احمد بن حنبل: ۴۴۵۴

۲۳- ابن طاووس: اقبال: ۴۱

۲۴- الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۵۷؛ ینابیع الموده، ص ۱۲۰؛ تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۳؛ مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير، نزول این آیه را در روز غدیر از مدارک بسیاری نقل کرده است {الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷ ۴۵۸ از ۱۶ منبع نقل کرده است

۲۵- الرساله فی نصیحه العامه، نگارش ابوسعده، المحسن بن کرامه بیهقی، ص ۱۸ و ۶۸؛ احقاق الحق: ۲۶ / ۴۸

۲۶- تاریخ ابن عساکر شافعی: ۲/۴۸۷، حدیث ۱۰۰۶، مستدرک حاکم: ۱/۳۶۲، مسند احمد: ۱/۲۶۰، ط مصر

۲۷- تاریخ طبری: ۲/۳۱۹ ۳۲۱، ط دار المعارف مصر، تاریخ کامل ابن اثیر: ۱۲/۶۲ ۶۳، منتخب کنز العمال در حاشیه مسند احمد: ۴۱/۴۲

۲۸- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱/۱۴۳۱۵۰ چاپ مصر

۲۹- صحیح بخاری، ۱، کتاب وصایا، حدیث ۲۷۴۱

۳۰- همان، کتاب وصایا، حدیث ۲۷۳۸

۳۱- مجمع البیان: ۲/۲۶۴

۳۲- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۵۹، ابواب وجوب الحج، حدیث ۷

۳۳- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۱ ۳۸۶

۳۴- گلشن راز، شیخ محمود شبستری، ص ۴۱

۳۵- به سوره کهف، آیه های ۶۰ تا ۸۲ مراجعه شود

۳۶- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۳۵؛ کامل میرد، ج ۲، ص ۱۳۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱

۳۷- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۲۳

۳۸- نهج البلاغه، خطبه ۱۲

۳۹- شرح حدیدی، ج ۷۱ ص ۲۵۳

۴۰- شرح حدیدی، ج ۷۱ ص ۲۵۳

۴۱- الدر المنثور: ۶/۲۰۳، تفسیر سوره نور؛ روح المعانی: ۱۸/۱۷۴

۴۲- درباره آگاهی از منابع احادیث یاد شده در

متن به تفسیر طبری: ۲۲/۵۷ و تفسیر الدر المنثور: ۱۹۸/۵/۱۹۹ مراجعه فرماید

۴۳-جامع الأصول، ج ۱۰، ص ۱۰۱ ۱۰۲

۴۴-بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۷۹، حدیث ۶۶ ۶۷

۴۵-صحیح بخاری: ۴/ ۱۱۸، کتاب بدء الخلق، و ج ۶ / ۲۷، باب تفسیر سوره احزاب، و ج ۷ / ۱۵۷، کتاب الاموات

۴۶-الصواعق المحرقة، ۱۴۶

۴۷-سنن ترمذی، کتاب مناقب، شماره های ۳۷۷۲ و ۳۷۷۵؛ مستدرک حاکم: ۳/ ۱۷۷

۴۸-بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۴۳

۴۹-در این مورد قرآن کریم در سوره انعام آیه ۶۱ چنین می گوید: "وَيُزِيلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَهُ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا": "نگهبانانی بر شما می گمارد و هنگامی که اجل شما فرا رسيد مأموران ما جان او را می گیرند

۵۰-امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ۲۳۴ (قاصعه) می فرماید "وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَكْبَرًا مَلَكًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسِيلُكَ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَمَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ": "از روزی که پیامبر از شیر گرفته شد، فرشته ای از جانب خدا مأمور گردید که او را به راه های بزرگواری و اخلاق نیکو رهبری کند

۵۱-غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۴۱

۵۲-اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۱

۵۳-اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۳

۵۴-اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۹

۵۵-بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳

۵۶-بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵ و ۷۸ و ۸۶؛ اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۶، ص ۳۱۱ و ۴۲۵ و ج ۷، ص ۱۶؛ ینابیع الموده، باب ۸۲

۵۷-کمال الدین، شیخ صدوق، باب ۱۴، حدیث ۸، ۹، ۱۰

۵۸-مجلسی، بحار الأنوار، ۵۲ / ۱۰۲ / ۱۱۳ / ۱۱۴، باب التمهیص و النهی عن التوقیت

۵۹- کمال الدین، شیخ صدوق، باب ۴۵، حدیث ۴، ص ۴۸۵

۶۰- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳ {به نقل از کمال الدین شیخ صدوق

۶۱- داد گستر جهان، ص ۱۷۷ تا ۱۸۲

۶۲- کافی: ۱ / ۲۵، کتاب العقل، ح ۲۱

۶۳- یکی از نشانه های روشن قیام امام زمان که احادیث

اسلامی همگی بر آن اتفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری فرا می گیرد و ابرهای یأس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می سازد.

۶۴-مجموع این جهات چهارگانه را می توان در امور زیر خلاصه نمود ۱. تکامل روحی، ۲. تکامل فرهنگی، ۳. تکامل وسایل ارتباط جمعی، ۴. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیت پاکباخته و فداکار نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای بگذرد و جهان از بسیاری جهات پیش برود

۶۵-مجمع البیان: ۲ / ۱۶۳ / ۱۶۷

۶۶-الدر المثور: ۳ / ۱۴.

۶۷-تفسیر طبری: ۶ / ۸۲، تفسیر قرآن ابن کثیر: ۲ / ۲۰.

۶۸-مسند احمد: ۵ / ۳۴۲؛ معجم کبیر طبرانی: ۳ / ۲۸، شماره ۳۴۱۲.

۶۹-احکام القرآن: ۲ / ۳۴۶.

۷۰-المنار: ۶ / ۲۳۴

۷۱-مسند احمد: ۱ / ۱۵۳، شماره ۷۳۹، و ص ۱۸۳ شماره ۹۱

۷۲-تذکره الحفاظ: ۱ / ۱۲۴

۷۳-تفسیر طبری: ۶ / ۸۲

۷۴-مسند احمد: ۱ / ۱۰۹، حدیث ۴۸۹

۷۵-کنز العمال: ۹ / ۴۳۶، شماره ۲۶۸۶۳

۷۶-کنز العمال: ۹ / ۴۵۱، حدیث ۲۶۹۲۲

۷۷-تفسیر طبری: ۶ / ۸۲

۷۸-تفسیر طبری: ۶ / ۸۲

۷۹-سنن ابن ماجه: ۱، حدیث ۴۶۰؛ سنن نسائی: ۲ / ۲۲۶

۸۰-مسند احمد: ۵ / ۳۴۲

۸۱-مستدرک حاکم: ۱ / ۲۴۱

۸۲-تفسیر این بخش را در کتاب "الاعتصام بالكتاب والسنه" قرائت بفرمایید، ص ۱۷۵ تا ۲۱۰ و در این مطلب میان مورخان و محدثان اتفاق نظر هست؛ به صحیح مسلم: ۴، باب الطلاق الثلاث، حدیث ۱، ۳؛ سنن بیهقی: ۷ / ۳۳۹؛ الدر المنثور: ۱ / ۲۷۹
مراجعه شود

۸۳-الانتصار: ۱۳۷، باب وجوب قول "حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ"

۸۴-الفتوحات المکیه: ۱ / ۴۰۰

۸۵-الروض

۸۶- حافظ علوی در کتاب الاذان به "حیّ علی خیر العمل": ۹۱

۸۷- کنز العمال: ۳۴۲، ح ۲۳۱۷۴

۸۸- الأذان بحیّ علی خیر العمل: ۲۶، ۲۷، ۲۹ و الاعتصام بحبل الله تألیف الإمام قاسم بن محمد الزیدی المتوفی عام ۱۰۲۹، نشر مطابع الجمعیه عمان

۸۹- مسند احمد: ۳ / ۴۰۸

۹۰- الأذان بحیّ علی خیر العمل: ۲۹

۹۱- شرح مقاصد: ۲۸۳۵، شرح تجرید قوشجی: بحث امامت

۹۲- سیره حلبی: ۲ / ۳۰۵

۹۳- مقاتل الطالبیین: نگارش ابوالفرج اصفهانی {۲۸۴ ۳۵۶}، ۴۴۶، چاپ دار المعرفه

۹۴- سیره حلبی: ۲ / ۳۰۵

۹۵- کنز العمال: ۶ / ۳۹۶، حدیث ۶۰۴۸

۹۶- تفسیر طبری: ۶ / ۸۶؛ ابو بکر جصاص: أحكام القرآن: ۲ / ۵۴۲؛ ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول: ۱۴۸؛ زمخشری در کشاف: ۱ / ۴۲۲ و مرحوم علامه امینی نزول آیه را در حقّ علی ابن ابی طالب علیه السّلام از ۶۶ منبع سنی نقل کرده است، حتّیّ حسان بن ثابت که در واقعه حاضر بود، چند بیتى درباره این رویداد گفت که یکی را یادآور می شویم: فأنت الذی أعطیت إذ أنت راکع فدتک نفوس القوم یا خیر راکع تو کسی هستی که در حال رکوع بخشیدی. ارواح دیگران فدای تو گردد، ای بهترین رکوع کننده

۹۷- احتجاج طبرسی: ۸۳

۹۸- محمّد جواد مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۱۰، وملاحظه شود "رساله مختصره السدل" از دکتر عبدالحمید، ص ۵

۹۹- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام: ۱۱ / ۱۵۱۶

۱۰۰- ورك عبارت است از این که انسان در حال نشستن بر روی پای چپ بنشیند، وروی پای راست را بر کف پای چپ قرار

۱۰۱- سنن بیہقی: ۲ / ۷۲، ۷۳، ۱۰۱، ۱۰۲؛ سنن أبی داود: ۱ / ۱۹۴، باب افتتاح الصَّلاه، حدیث ۷۳۰۷۳۶؛ سنن ترمذی: ۲ / ۹۸،
باب صفه الصَّلاه

۱۰۲- شیخ حرّ عاملی: وسائل الشیعہ، ۴، باب ۱ از ابواب افعال نماز، حدیث ۱، و باب ۱۷، حدیث ۱ و ۲

۱۰۳- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۸۹، شماره

۱۰۴- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه: ۴، باب ۱۵ از ابواب قواطع الصّلاه، حدیث ۱، ۲ و ۷

۱۰۵- فقه الشیعه الإمامیه و مواضع الخلاف بینہ و بین المذاهب الأربعة: ۱۸۳

۱۰۶- خلاف شیخ طوسی ۱ / ۳۵۷ ۳۵۸، مسأله ۱۱۲، ۱۱۳ و مدارک دیگر

۱۰۷- نهاییه ابن اثیر: ۲، ماده رغم

۱۰۸- بحار الأنوار: ۸۲ / ۱۴۷، باب ما یصحّ السجود علیه

۱۰۹- فتح الباری: ۱ / ۴۱۰؛ شرح الاحوذی: ۱ / ۲۷۲

۱۱۰- فتح الباری: ۱ / ۴۱۰؛ شرح الاحوذی: ۱ / ۲۷۲

۱۱۱- طبقات کبری: ۶ / ۷۹، چاپ بیروت

۱۱۲- المصنف: ۲

۱۱۳- اخبار مکّه، تألیف ازرقی ۳ / ۱۵۱

۱۱۴- وسائل: ۳ / ۶۰۸، باب ۱۶ از ابواب ما یصحّ علیه السجود

۱۱۵- درباره جمع بین صلاتین رساله های ارزنده ای نوشته شده است، مانند: رسائل فقهیه نگارش علامه شرف الدین عاملی، و الجمع بین الصلاتین، نگارش نجم الدین عسکری، و الانصاف فی مسائل دامّ فیها الخلاف، از ابن قلم. آنچه در اینجا می خوانید عصاره ای از تحقیقات گذشتگان، به قلم آقای سید رضا حسینی نسب در کتاب "شیعه پاسخ می دهد"، است

۱۱۶- با اقتباس از: "الفقه علی المذاهب الأربعة"، کتاب الصلاه، الجمع بین الصلاتین تقدیماً و تأخیراً

۱۱۷- کتاب العین، ج ۴، ص ۴۲۶، ماده غنم

۱۱۸- تهذیب اللغه، ماده غنم

۱۱۹- مقایس اللغه، ماده غنم

۱۲۰- نهاییه ابن اثیر، و قاموس فیروز آبادی، تاج العروس زبیدی، ماده غنم مراجعه فرماید

۱۲۱- سنن ابن ماجه، کتاب زکات، باب ما یقال عند اخراج الزکاه، حدیث ۱۷۹۷

۱۲۲-مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۰ و ۳۷۴ و ۵۲۴

۱۲۳-مسند احمد، ج ۲، ص ۳۷۷

۱۲۴-الفقه الإسلامی وأدلته، ج ۲، ص ۷۷۶؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۱۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۳۹ چاپ ۱۳۷۳

۱۲۵-صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۵۰، باب "والله خلقکم وما تعملون" از کتاب توحید؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۵ ۳۶، باب الأمر بالایمان

۱۲۶-التاج الجامع للاصول، ج ۴، ص ۳۳۴، به نقل از صحیح بخاری

۱۲۷-فتوح البلدان، ج ۱، ص ۸۱، باب یمن؛ سیره ابن

۱۲۹- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ط ۲، نجف، منشورات المكتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ه. ق، ص ۳۹ احمد بن یحیی البلاذری، انساب الأشراف، ط ۱، ص ۶۰، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ه ق، ص ۳۲

۱۳۰- آل یاسین، شیخ راضی، صلح الحسن، ط ۲، منشورات دارالکتب العراقیه فی الکاظمیه، ص ۱۰۲

۱۳۱- شُتَبْر، سید عبدالله، جلاء العیون، قم، مکتبه بصیرتی، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶ (مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتبه الإسلامیه، ۱۳۹۳ه. ق، ج ۴۴، ص ۱۴۷ طبرسی، احتجاج، نجف، المطبعه المرتضویه، ص ۱۵۷

۱۳۲- زبیر بن بکار از اولاد زبیر صحابی، قاضی عصر معتصم عباسی است که در مکه به سال ۲۵۶ درگذشت

۱۳۳- مصنفات الشیخ المفید: ۷، ۸۶، ۹۰، اختلافات بحث انگیز که شیخ به آن اشاره کرده، در کتاب "الذریه الطاهره" نگارش ابی بشر دولابی ۲۲۴، ۳۱۰، صفحات ۱۵۷، ۱۶۲ آمده است

۱۳۴- اسدالغابه، ج ۵، ص ۳۹۵

۱۳۵- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۳

۱۳۶- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴؛ الذریه الطاهره، ابی بشر دولابی {۲۲۴، ۳۶۰}، ص ۱۵۵

۱۳۷- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۵۸

۱۳۸- کافی، ج ۶، ص ۱۱۵

۱۳۹- مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۲۱، چاپ دار الاندلس

۱۴۰- متن حدیث چنین است: "فوجدتُ فاطمه علی ابی بکر فی ذلك فهجرته فلم تکلمه حتّی توفیت" محقق صحیح بخاری، فعل "فوجدت" را به "غضبت" تفسیر کرده است. بنابراین، فاطمه جان به جان آفرین داد در حالی که از خلیفه وقت خشمگین بود. همچنین بخاری در "باب مناقب قرابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ۳۷۱۴، نقل می کند که آن حضرت فرمود: "فاطمه بضعه منّی، فمن أغضبها، أغضبنی"

۱۴۱- صحیح بخاری، باب غزوه خیبر، حدیث ۴۲۴۱

۱۴۲- صحیح بخاری، کتاب فرض الخمس، حدیث ۳۰۹۳

١٤٣- صحیح مسلم، باب اماره، ص ٥٨، حدیث ٨٨

١٤٤- مسند احمد: ٢ / ٩٤

١٤٥- مستدرک حاکم: ٣ / ١٥٦

١٤٦- بحار الأنوار،

حوزه های علمیه و مساجد اصفهان

پس از اینکه مردم اصفهان دین مبین اسلام را پذیرفتند، با فرهنگ و هنر غنی خود دست به تصفیه آن زدند. آنچه را که به صورت خرافات و ملحقات وارد مکتب اصلی شده بود، زدودند. مراکز مهم و زیبایی به نام حوزه، مدرسه و مسجد جهت نشر افکار و عقاید و آیین اسلام بنا کردند. استادان و دانشمندان مبرز ایرانی و اصفهانی به تدریس و تألیف و ترجمه پرداختند و حاصل زحمات خود را به نام آثار اسلامی در جهان منتشر ساختند. اگرچه بیشتر اهالی اصفهان تا دیرزمانی پیرو اهل سنت و جماعت بودند اما از دوران حکومت صفویه که مذهب شیعه اثنی عشری در اصفهان رواج کامل یافت حوزه ها و مدرسه ها و مساجد، مرکز تعلیم و نشر کتب و آیین شیعه گردید و اکثر سلاطین صفویه نه تنها در توسعه و رواج تشیع تلاش و فعالیت داشتند بلکه دوران تازه ای در اختلافهای مذهبی پدید آوردند و این بار بر خلاف قبل کفه این ترازو به نفع تشیع سنگین شد.

تعصبات مذهبی به حدی بود که تحمل دیدن مردم و ملت‌های غیر شیعه برای آنها غیر ممکن می نمود. جنگهای طولانی و پرتلفات ایران و عثمانی در زمان صفویه بیشتر ریشه مذهبی داشت. همچنین در اصفهان دو گروه معروف حیدری و نعمتی سالها با هم به جدال و کش مکش پرداختند. نعمتی ها در محله های خواجه، باغ کاران، ترواسگان، شیخ یوسف، پاقلعه، کرپان، احمدآباد، یزدآباد، دارالبطیخ، میدان میر گلبهار، میدان کهنه، جویباره، لتور، گود مقصود بیک، چنار سوخته، بیرون دروازه، سید احمدیان و شهشهان زندگی می کردند و حیدریها در محلات دردشت، جماله، نیم آورد، مسجد حکیم، باغ

همایون، دروازه نو، بیدآباد، شیش، محله نو، چهارسو، شمس آباد و لبنان ساکن بودند. این محله ها دائماً با یکدیگر در حال دشمنی به سر می بردند و آتش جنگهای مذهبی میان آنها روشن بود.

اولین مسجد اصفهان

در کتاب «تاریخ اصفهان و ری» در مورد اولین مسجد در اصفهان چنین آمده: در زمان خلافت حضرت امیر علیه السلام در محله گلبهار، آنجا که مرقد شیعا و مقبره امام زاده اسماعیل است، مسجد بزرگی ساخته شده که بر پنجره آن به خط نسخ نوشته شده: اسمعیل بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب. این مسجد سه هزار متر مساحت داشته و دارای کاشیهای معرّق و نقاشیهای منقّح و درهای متبّت چوبی که روی آنها فولادکاری بود و ضریح آن از فولاد طلاکوب ساخته شده و بسیار نفیس و زیبا بود. این قطعات گرانبهای فولاد در سال ۱۳۳۶ شمسی به سرقت رفت و بقیه در سالهای بعد تاراج شد. شبهای جمعه در امام زاده اسماعیل شمعهای کافوری بلند در شمعدانهای طلا روشن می کردند. این شمعها به قدری بلند بوده که جهت روشن کردن آنها از نردبان بالا می رفتند. اما اولین مسجد را اکثر مورخین در اصفهان مسجد جامع دانسته اند که از قدیمی ترین بناهای تاریخی اصفهان به شمار می رود و کتابخانه ای معظم و ایوانها و حجره های متعددی دارد و ابتدا از معابد و آتشگاههای زرتشتیان بوده است. در دوره صفویه بنا به نوشته شاردن، سیّاح فرانسوی تعداد مدارس مذهبی در اصفهان ۵۷ باب ذکر شده، کتاب تاریخچه وقف، تعداد مساجد را ۱۸۰ باب آورده است. همه این مدارس و مساجد و حوزوه های علمیه کتابخانه داشته و مدرسین دانشمند و بزرگی

در آنجا تدریس می نمودند و به وعظ و خطابه می پرداختند.

بیشتر آنها دارای موقوفاتی بودند که مخارج آنها را تأمین می کرده است. بعضی از آنها دارای اطاقهای متعددی بوده که طلاب علوم دینی در آنجا به صورت شبانه روزی زندگی می کردند. اهم دانشمندان و فضلا و عرفایی که در این مراکز دینی به تدریس اشتغال داشتند عبارت اند از: علی بن سهل متوفی به سال ۲۸۰ هجری، ابوالفرج اصفهانی متوفی به سال ۳۶۰ قمری، حمزه اصفهانی متوفی به سال ۳۶۰ قمری، حافظ ابونعیم متوفی در ابتدای قرن چهارم، ابوعبدالله معصومی متوفی در نیمه اول قرن پنجم، راغب اصفهانی متوفی به سال ۵۶۵ قمری، ابوعلی مسکویه متوفی به سال ۲۴۰ هجری، مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، صاحب بن عبّاد و محقق کرکی معروف به محقق ثانی. علاوه بر اینها بسیاری از دانشمندان معروف دیگر از جمله: ابن سینا، ملاصدرا، علامه مجلسی، میرداماد، میرفندرسکی، شیخ بهایی و در این اواخر نیز آیت الله حاج آقا رحیم ارباب و استاد جلال همایی، در حوزه های علمیه اصفهان به تدریس علوم اشتغال داشته اند. از بانوان فاضل و دانشمند، سرکار حاجیه خانم امین مجتهد مشهور و حاجیه خانم همایونی که از مؤسسين مکتب فاطمه در اصفهان بوده اند نیز از مدرسین عالیقدر و فاضل معاصر اصفهان به شمار می آیند. اصفهان به برکت وجود بسیاری از علما و فضلا و عرفا و شعرا و دانشمندان به دارالعلم شهرت داشته است. بیشتر دانش پژوهان و طلاب علوم دینی به این شهر می آمدند و از دریای بی کران علوم دانشمندان اصفهانی کسب فیض می کردند و خود به درجات علمی و فقهی نایل آمده جهت تعلیم و تدریس به

ممالک و شهرهای خود باز می گشتند.

امام زاده های اصفهان

در اصفهان امام زاده های متعددی وجود دارد که شجره نامه برخی از آنها را مشکوک دانسته اند. معروفترین امام زاده های اصفهان که به شاهزاده هم شهرت دارند، عبارت اند از: ۱- امامزاده احمد ۲- امامزاده اسماعیل ۳- امامزاده هارونیه ۴- امامزاده شاهزید ۵- امامزاده باقر ۶- امام زاده درب امام ۷- امام زاده (شاهزاده) ابراهیم ۸- امام زاده شاه امیرحمزه ۹- امام زاده سید علی ۱۰- امام زاده جعفریه ۱۱- امام زاده زینبیه ۱۲- امام زاده سنی فاطمه ۱۳- امام زاده شوری ۱۴- امام زاده دوقلو ۱۵- امام زاده موسی ۱۶- امام زاده محسن ۱۷- امام زاده (شاهزاده) محمد ۱۸- امام زاده اسحق.

اقلیتهای دینی و مذهبی در اصفهان قدیم

اشاره

اقلیتهای دینی و مذهبی در اصفهان قدیم هر چه در جمله آفاق در اینجا حاضر مؤمن و صائبی و گبر و نصارا و یهود البته گفتنی است که در اصفهان علاوه بر زرتشتیان و یهودیان و عیسویان و مسلمانان اقلیتهای مذهبی دیگری نیز وجود داشته اند که بعضی از آنها بقایای ادیان قدیم بوده اند و برخی نیز از شقوق ادیان چهارگانه اصلی پدید آمده اند. آنچه به نام بقایای ادیان گذشته یاد شد، نخست بت پرستان بودند که پیروان دین زرتشت بت های آنها را از پرستشگاه کوه آتشگاه بیرون ریختند و در آنجا آتشدان نهادند و به آتشکده تبدیل گردید. از اقلیتهای دینی دیگر اصفهان صابئین بوده اند. اعتقادات این گروه برخلاف دینهای یهود و نصاری و اسلام بوده و به زرتشتیان نزدیکتر بوده. برخی، آنها را به پرستیدن ماه و ستاره و خورشید می شناسند. همچنین بعضی از فرقه های مختلف دین مسیح نیز میان مسیحیان ارمنی جلفا، به صورت اقلیت وجود داشته اند و از فرقه های دین اسلام هم چندین فرقه در اصفهان بوده اند. قبل از اینکه در زمان صفویه، مذهب رسمی ایران شیعه اثنی عشری شود، بیشتر مسلمانان اصفهانی پیرو اهل سنت بوده اند که هر چهار فرقه حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی

دین مسیح دارای سه فرقه بزرگ کاتولیک، ارتدکس و پروتستان می باشد. قسمت اعظم ارمنیان جلفای اصفهان تابع فرقه ارتدکس می باشند، ولی چون توسط حضرت «گریگور منور»، دین مسیح را پذیرفته اند آنها را «گریگوریان» و یا «جرجیسیان» می گویند که «جرجیس» معرب همان گریگور است. ارمنیان اصفهان ابتدا در ارمنستان زندگی می کردند که پیوسته با دولت عثمانی یعنی ترکیه کنونی در جنگ و جدال بودند و در سال هجری از ارمنستان و نزدیک رودخانه ارس به اصفهان کوچانده شدند و در قصبه «جلفا» ساکن شدند. ارمنیان خود، جلفا را «جوغا» می گویند. این اسم در منابع فارسی، «جولاهه» آمده است. بافت جلفا مانند قصبه ارمنیان در ارمنستان می باشد که به دستور شاه عباس اول ساخته و به همان نام نامیده شده است. پس از کوچ ارمنیان، شاه عباس برای آنها حقوق و امتیازات خاصی تعیین نمود. چنانکه می توانستند برخلاف عیسویان دیگر و یهودیان برای خود خانه بخرند و قاضی و کلانتر انتخاب نمایند و در اجرای مراسم سنتی و مذهبی خود آزادی عمل داشته باشند. هیچ مسلمانی حق نداشت در جلفا ساکن باشد و اگر مسلمانی نسبت به ارمنیان بد رفتاری می نمود، به کیفر می رسید. در ماه شوال سال ۱۰۲۸ هجری، شاه عباس طی فرمانی تمام زمینهایی را که ارمنیان در آن برای خود خانه ساخته بودند به آنها بخشید و در سال ۱۰۲۳ هجری دستور ساختن کلیسای بزرگ و مهمی را جهت پیروان دین مسیح و توجه به مسائل سیاسی در جلفای اصفهان صادر نمود. کوچاندن ارمنیان ارمنستان به اصفهان چند علت داشت: ۱- شاه عباس می خواست با استقرار ارمنیان در جلفا از حملات

عشایر بختیاری به اصفهان جلوگیری کند. ۲- نظر به اینکه ارمنیان تجار با تجربه ای بودند و با هندوستان و ملل دیگر رابطه ای تجاری داشتند، شاه عباس جهت تقویت قدرت و بنیه تجاری کشور به وجود آنها نیاز داشت. ۳- نظر به اطلاع ارمنیان در امور کشاورزی و سخت کوشی آنان در این رشته، وجود آنها جهت آبادی و عمران و همچنین دام داری، شایان کمال اهمیت بود. همه این عوامل موجب کوچاندن آنها از ارمنستان به پایتخت کشور ایران در زمان صفویه گردید و دیری نپایید که ثروتمندان زیادی بین ارمنیان پیدا شدند که منشاء و بانی آبادانیهای زیادی گردیدند، از جمله ساختن ابنیه تاریخی همچون کلیسای معروف «وانک» که تمام مخارج سنگین آن، اعم از معماری و نقاشی و تزئینات را خود به عهده گرفتند. احداث خیابانها از جمله خیابان نظر که به همت و پول یک ارمنی به نام «خواجه نظر» یا «خواجه نازار» احداث گردید. عده زیادی از ارمنیان جلفا که روستایی بودند جهت کشاورزی و دامداری به فریدن اصفهان کوچ کردند و قریب چهل قریه را محل سکونت خود قرار داده، به آبادی و کشاورزی و دامپروری پرداختند. در دوران قاجاریه محدودیتهایی برای ارمنیان قایل شدند، تا آنجایی که ارمنیان حق ورود به بازار و مراکز پرجمعیت را نداشتند، بخصوص در روزهای بارانی، زیرا بعضی از علمای دینی اسلامی معتقد بودند مسلمانان بر اثر تماس با آنها نجس خواهند شد. اکثر زنهای ارمنی در خانه های خود زندانی بودند و چنانچه قصد بیرون رفتن داشتند، بایستی چادر به سر می کردند. به همین مناسبت گروه زیادی از ارمنیان راهی هندوستان شدند. در زمان شاه سلطان حسین

نیز ارمنیان جلفا زیانهای فراوانی دیدند. به خصوص در زمان حمله افغان به اصفهان، ارمنیان به علت نفوذ روحانیون در دستگاه شاه سلطان حسین هم از طرف دستگاه سلطنت زیان فراوانی متحمل شدند و هم به وسیله گروه متجاوز افغان مال و ناموس و زندگی شان مورد دستبر و هجوم وحشیانه قرار گرفت. تا آنجا که دستور قتل عام آنها صادر شد و پس از گریه و زاری و اثبات بی گناهی، به تومان محکوم گردیدند. ولی چون چنین مبلغ سنگینی را نداشتند افغانیان به خانه های آنها هجوم آورده و طلا و جواهرات و اثاثیه شان را به یغما بردند. جلفا فعلاً از هشت محله تشکیل شده است: ۱-میدان بزرگ ۲-میدان کوچک ۳-محله چهارسوق جلفا ۴-محله ها کوپ جان ۵-محله قارا کل ۶-محله سنگتراشها ۷-محله تبریزیها ۸-محله ایروان. در ایران برای ارمنیان سه خلیفه گری وجود دارد. یکی در تهران، دیگری در آذربایجان و سومی در جلفای اصفهان، در محلّ کلیسای وانک. ارمنیان در ایران چهار دیر، یعنی کلیسای بزرگ دارند که دو دیر در آذربایجان غربی و دو دیر دیگر در جلفای اصفهان قرار دارند. دیرهای اصفهان یکی به نام دیر شفادهنده همگان است که همان کلیسای معظم وانک می باشد و دوم دیر سیاه پوشان که مربوط به راهبه ها و دختران تارک دنیا است. ولی از سال ۱۹۵۴ میلادی به بعد، دیگر راهبه ای در آن وجود ندارد. تا اوایل قرن پنجم، انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، به زبان یونانی و اشوری در کلیساها خوانده می شد، اما از این تاریخ شخصی به نام «مسرپ» از ارمنیان، به فکر اختراع خط ارمنی افتاد و در سال ۴۰۶ میلادی، الفبای ارمنی را با ۳۶ حرف اختراع

نمود که بعداً دو حرف دیگر به آن اضافه شد و شامل ۳۸ حرف گردید. این خط از چپ به راست نوشته می شود، دارای حروف بزرگ و کوچک است و هیچ ارتباطی با خطوط اروپایی ندارد. اولین کتاب در ایران و خاورمیانه در سال ۱۶۳۸ میلادی به زبان ارمنی، توسط خلیفه «خاچاتورگساراتسی» در جلفای اصفهان به چاپ رسید، که چند سال قبل سیصد و پنجاهمین سالگرد چاپ آن کتاب را جشن گرفتند. از این دستگاه چاپ هنوز حروفی موجود و قابل استفاده است. اولین مدرسه پسرانه ارمنیان جلفا در قرن نوزدهم تأسیس گردید. این مدرسه به نام «هارطون ابکاریان» بود که در محوطه کلیسای حضرت مریم تشکیل می شد. مدرسه «هاراتونیان» نیز در محوطه کلیسای «میناس» و مدرسه «مارکارسوکیاسیان» در محوطه کلیسای «استپانوس» قرار داشت. این مدارس در سال ۱۸۸۰ در یک جا متمرکز و به نام مدارس ملی مرکزی نامیده شد. اولین مدرسه ملی دخترانه ارمنیان جلفا در سال ۱۸۵۸ میلادی، به وسیله «مانوک هوردانیان» تأسیس شد. این مدرسه در سال ۱۸۹۲ میلادی به مدرسه پسرانه ملحق گشت و به نام مدرسه مختلط ارمنیان جلفا نامیده شد. معظم دی از آن - حدود ۵۰ دارد و تعداد نسخه - نسخه های زبانهای گوناگون خطی بسیار نفیس است. در حدود ۲۵ هزار جلد کتاب از انتشارات مختلف و موزه این کلیسا بیش از ۵۰۰ قطعه اشیاء (عتیقه ترین کتابخانه ارمنیان جلفا، کتابخانه کلیسای وانک می باشد) نفیس و تابلوهای نقاشی اصیل، از گذشته های دور وجود دارد که به نحو احسن از آنها نگهداری شده است. جلفا در گذشته که جمعیت بیشتری در آن ساکن بودند، دارای ۲۴ کلیسا بوده

اما بر اثر مرور زمان بعضی از آنها رو به ویرانی نهاده است و اکنون فقط دارای ۱۳ کلیسا می باشد که مربوط به ارمنیان گریگوری است. بعد از کلیسای وانک مجلل ترین کلیسای جلفا کلیسای «بیدخهم» (بیت الحم) می باشد که «بیدخم» نیز می گویند و مانند کلیسای وانک دیوارها و سقف آن منقش و مزین به تصاویر زیبای مذهبی است و دارای گنبد عظیم دوپوش می باشد. اولین کلیسا در جلفای اصفهان، بنا به فرمان شاه عباس و در محلی که او تعیین کرده بود، به نحو شایسته ای ساخته شد.

فرمان شاه بدین شرح است:

فرمان شاه عباس اول، جهت بنای کلیسای وانک جلفا

«فرمان همایون شد آنکه کشیشان و رهبانان و ملکان و ریش سفیدان و کدخدایان و رعایای ارمنیان ساکنین دارالسلطنه اصفهان به عنایت بی غایت شاهانه و شفقت و مرحمت بی نهایت پادشاهانه مفتخر و سرافراز و مستحضر و امیدوار بوده بدانند که چون میانه نواب کامیاب همایون و حضرات سلاطین رفیع الشأن مسیحیّه خصوصاً سلطنت و شوکت پناه قره السلاطین العیسویه کمال محبت و دوستی است و در میانه ما و طوایف مسیحیّه یگانگی است و اصلاً جدایی نیست و توجه خاطر اشرف به آن متعلق است که همیشه طوایف مسیحیّه از اطراف و جوانب بدین دیار آمد و شد نمایند و چون دارالسلطنه اصفهان پایتخت همایون و از هر طبقه و طوایف مردم هر ملت در آنجا هستند، می خواهیم که جهت مردم مسیحیّه در دارالسلطنه مذکوره کلیسای عالی در کمال رفعت و زینت ترتیب دهیم که معبد ایشان بوده و جمیع مردم مسیحیّه در آنجا به کیش و آیین خود عبادت نمایند و کس نزد حضرت پایا خواهیم فرستاد که از کشیشان و رهبانان ملت

مسیحی بدارالسلطنه صفاهان فرستد که در آن کلیسا به آداب عبادت قیام نموده، طوایف مسیحیه را به طاعت ترغیب نمایند و نیز از ثواب آن عبادت بهره مند باشیم. و چون چند عدد سنگ بزرگ در اوج کلیسای ایروان بوده و عمارت آن کلیسا منهدم گشته، خرابی تمام به آن راه یافته، دیگر شایستگی تعمیر نداشت و کشیش آنجا استخوانهای پیغمبران را که در آن مکان مدفون بودند، از آنجا بیرون آورده به جماعت نصارا و ترسایان فروخته، آن مقام را از شرافت و عزت انداخته بود. بنابراین آن سنگهای مذکور را از آنجا بیرون آورده روانه دارالسلطنه اصفهان فرمودیم که در کلیسای عالی که در آنجا ترتیب دهیم نصب فرماییم. می باید چون سنگهای مذکور را بدانجا آوردند، همگی طوایف مسیحیه را جمع نموده از روی تعظیم و احترام تمام استقبال کرده سنگها را آورده به اتفاق سیادت و وزارت پناه شمساً للوارث العلیا وزیر دارالسلطنه اصفهان و رفعت پناه کمال الرفعه، محب علی بیک آنها را در جایی که مناسب دانند، بگذارند و به اتفاق یکدیگر معماران خاصه شریفه را همراه برده در پشت باغ زرشک در زمینی که جهت کلیسا قرار داده بودیم، طرح یک کلیسای عالی که کشیشان و پادریان عظام قرار دهند، انداخته، طرح در تخته و کاغذ کشیده به خدمت اشرف فرستاده که ملاحظه نماییم و بعد از ملاحظه امر فرماییم که استادان شروع در کار کرده به اتمام رسانند در این باب اهتمام لازم دانسته، به همه جهتی به شفقت بی دریغ خسروانه مبذول باشند.» «شهر شعبان المعظم ۱۰۲۳»

کلیسای دوازده گانه ارمنیان اصفهان

۱- کلیسای ها کوب: واقع در میدان بزرگ، در محوطه کلیسای مریم. زمان ساخت:

سال ۱۶۰۷ میلادی. ۲- کلیسای گگی وُرک: واقع در میدان کوچک در خیابان حکیم نظامی. زمان ساخت: سال ۱۶۱۱ میلادی.
۳- کلیسای مریم: واقع در میدان بزرگ معروف به میدان جلفا. زمان ساخت: سال ۱۶۱۳ میلادی. ۴- کلیسای اتپانوس: واقع در کوچه یعقوب جان. زمان ساخت: سال ۱۷۱۴ میلادی. ۵- کلیسای یوحنا: واقع در محله چهار سوق جلفا. زمان ساخت: سال ۱۶۲۱ میلادی. ۶- کلیسای کاتارینه: واقع در محله چهار سوق جلفا. زمان ساخت: سال ۱۶۲۳ میلادی. ۷- کلیسای بیدخم: واقع در میدان بزرگ در خیابان نظر. زمان ساخت: سال ۱۶۲۸ میلادی. ۸- کلیسای نیکو غایوس: واقع در محله قاراگل. زمان ساخت: سال ۱۶۳۰ میلادی. ۹- کلیسای گریکور: واقع در میدان کوچک. زمان ساخت: سال ۱۶۳۳ میلادی. ۱۰- کلیسای میناس: واقع در محله تبریزیهای جلفا. زمان ساخت: سال ۱۶۵۹ میلادی. ۱۱- کلیسای سرکیس: واقع در محله سنگتراشها. زمان ساخت: سال ۱۶۵۹ میلادی. ۱۲- کلیسای نرسس: واقع در محله سنگتراشها. زمان ساخت: سال ۱۶۶۶ میلادی.

قبرستان ارمنیان

در جنوب اصفهان و در دامنه کوه صفا واقع شده که حجاران زبردست ارمنی سنگهای زیبایی برای قبور آن تراشیده اند. از قدیمی ترین قبور این گورستان قبر «رودلف» ساعت ساز فرانسوی است که از مبارزان دینی بوده و در این راه شهید شده است. ضمناً قبر زاهد دیرنشینی در این محل وجود دارد که زیارتگاه ارمنیان است. هنوز هم قبوری از زمان صفویه به چشم می خورد که متأسفانه بر اثر مخالفت علمای مذهبی بسیاری از سنگهای پر نقوش و خوش خط آن در زمان شاه سلطان حسین شکسته شده است.

دین یهود

دین یهود

از سالهای ۷۴۱ تا ۷۲۰ قبل از میلاد، جنگهای دامنه داری بین آشوریها و قوم یهود واقع گردید و بالاخره این جنگهای دامنه دار به نفع دولت آشور به اتمام رسید و عده زیادی از یهودیان به اسارت آشوریان درآمدند. زمانیکه بخت النصر به استقلال قوم یهود خاتمه داد و عده ای از آنان را از اورشلیم بیرون کرده به بابل برد، در بین اسرای یهود مردمانی فاضل و دانشمند وجود داشت که بعدها نظر کوروش کبیر شاهنشاه ایران و شاهان بعد از او را به خود جلب کردند. کوروش بعد از فتح بابل، در سال ۵۳۸ قبل از میلاد به اسارت قوم یهود پایان داد که این سال را سال آزادی قوم یهود نامیدند. کورش یهودیان را به بازگشت به وطن تشویق نمود که عده ای به وطن بازگشتند و برخی در بابل ماندند و به شغل تجارت پرداختند. بین سالهای ۵۳۵ تا ۵۲۴ قبل از میلاد مهاجرتهای بزرگی از جنوب بابل به شوش و اهواز و پاسارگاد و اکباتان صورت گرفت و چون پادشاه ایران پیوسته از قوم یهود

طرفداری می کرد این قوم بیشتر در نزدیکی های مقرّ حکومت شاهان ایران زندگی می نمودند، مانند استان فارس، استان همدان و حوالی تخت جمشید که در دوران هخامنشیان پایتخت ایران بوده و به احتمال قوی یهودیان اصفهان نیز از همین مناطق به اصفهان آمده اند. به مناسبت خدماتی که کورش پادشاه بزرگ ایران زمین به قوم یهود کرده در تورات که کتاب آسمانی است از کورش به نیکی یاد شده. ابن حوقل می نویسد که «اصفهان اصلی در همین محلی که به نام یهودیه شهرت دارد، قرار گرفته بود و یهودیان به هنگام خروج از سرزمین خود مقداری از آب و خاک شهر خود را همراه داشتند تا محلی را که از نظر آب و هوا و خاک شباهتی به سرزمین خود داشته باشد جهت سکونت انتخاب نمایند و در محل یهودیه اصفهان فرود آمدند و محلی را به نام اشگهان برگزیدند. اشگهان واژه عبری است و به معنای «در اینجای نشینیم». شاید «اشکاوند» که در مشرق اصفهان واقع است تغییر یافته همین واژه باشد. منطقه ای که یهودیان در آن مستقر شدند به «یهودیه» یا «دار الیهود» معرف گردید. از قرن پنجم هجری به نام «جوبیاره» یا «جوباره» تغییر نام یافت و فعلاً یکی از پر جمعیت ترین محلات اصفهان به شمار می رود. از قدیمترین مدارک باستانشناسی که دالّ بر قدمت ورود یهودیان به منطقه اصفهان است، زیارتگاه «استرخاتون» در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان، واقع در آبادی پیر بکران می باشد. یهودیان این قبرستان و زیارتگاه را زیارتگاه «سارابت آشر» می گویند که دارای قبرستان بزرگی است و محل دفن اموات یهودیان است. چنانکه در تورات و همچنین در تاریخ آمده است «استر»

همسر یهودی تبار خشایارشا هخامنشی است که بسیار مورد علاقه شاه بوده و بر اثر نفوذی که داشته یهودیان را مورد حمایت قرار داده و مسبب برخوردهای مذهبی خونینی میان یهودیان و ایرانیان بوده و نزد یهودیان مقدس است. در این قبرستان سنگ نوشته ای به طول عصر سلاجقه که اصفهان پایتخت بوده یهودیان از آزادی بیشتری برخوردار بودند ولی پیدایش فرقه اسماعیلیه نهضت جدیدی علیه یهودیان بود که روی کار آمد و در زمان حمله تیمور و مغول نیز گروه زیادی از یهودیان کشته شدند. در دوران صفویه نیز یهودیان مورد بی مهری سلاطین صفوی قرار داشتند تا آنجا که یهودیان مجبور شدند علامتی به لباس خود الصاق نمایند تا از مسلمانان متمایز باشند کلاه و جوراب آنها نیز با مسلمانان متفاوت بود. در زمان شاه عباس دوم و نفوذ روحانیت اسلام در دستگاه سلطنت، آزار و اذیت یهودیان به اوج خود رسید به طوری که به منازل آنها حمله می کردند و کنیسه های آنها را آتش می زدند که بعضی از آثار آن هنوز باقی است. به همین مناسبت و از ترس مسلمانان افراطی در زمان صفویه وقاجاریه عده ای از یهودیان، مسلمان شدند و به همین علت بعدها اختلاف نژادی در اصفهان پدید آمد چون مشخصات نژادی یهودیان با ایرانیان اصفهانی متفاوت بود. محله یهودی نشین اصفهان یعنی جویباره در شمال شرقی اصفهان واقع شده و از ۹ محله کوچک به نامهای میدان میر، دار البطح (یا بازار خریزه)، سید احمدیان، درب دریچه یا درب درچه، گود مقصود، سلطان سنجر، با شاخ، یازده پیچ و لت فر یا لتور تشکیل یافته است. وجه تسمیه جویباره اینکه، در کنار جوی

آبی قرار داشته. جویباره ابتدا شهری بوده با جمعیت زیاد و از چندین محله بزرگ تشکیل می شده، یکی از آنها محله در دشت بوده که آن را بابلدشت نیز می گفتند. صاحب بن عبّاد، وزیر دانشمند پادشاهان دیلمی که گویند چهارصد شتر کتابهای او را حمل می کرده و در علم و دانش و سیاست و تدبیر سرآمد علمای زمان بوده، در همین محل در دشت دفن است. جویباره یکی از کثیف ترین محلات اصفهان به شمار می رود، کوچه های آن تنگ و تاریک و پرپیچ و خم است. خانه های آن گود، حیاطهای آن محقر و از قلوه سنگ فرش شده است. در هر خانه کوچک چند خانواده و هر خانواده در یک اتاق محقر زندگی می کنند و بیشتر آنها به مشاغلی مانند پارچه فروشی، عتیقه فروشی، تجارت و طبابت اشتغال دارند. در زمان صفویه به وسیله یکی از روحانیون عصر به نام محمدتقی مجلسی مقررات ویژه ای جهت زندگی آنها وضع گردید و به مورد اجرا درآمد که جهت اطلاع به شرح آن مقررات می پردازیم: ۱- یهودیان حق ساختن عمارت زیبا را ندارند ۲- یهودیان نباید اطاقهای خود را به رنگ سفید درآورند ۳- خانه های یهودیان باید کوتاه تر از خانه مسلمانان باشد ۴- خانه های یهودیان نباید سر در داشته باشد ۵- در ورودی خانه یهودیان باید کوتاه تر از در خانه مسلمانان باشد ۶- یهودیان حق بازکردن دکان و مغازه در بازار و خیابان را ندارند ۷- مالیات جداگانه ای به نام جزیه باید از یهودیان دریافت شود ۸- یهودیان اجازه ساختن کنیسه های زیبا ندارند ۹- یهودیان باید در محله مشخص و معینی زندگی کنند ۱۰- مسلمانان حق ندارند خانه های خود را به یهودیان بفروشند ۱۱- ساختن کنیسه های جدید ممنوع است یهودیان فقط حق دارند کنیسه های

قدیمی خود را تعمیر نمایند.

کنیسه های کلیمیان اصفهان

یهودیان امروز اصفهان دارای ۲۱ کنیسه و زیارتگاه می باشند که در نقاط مختلف شهر پراکنده است. زیرا از ابتدای دوران پهلوی یهودیان آزادی بیشتری پیدا کردند و در همه مناطق اصفهان می توانستند سکونت اختیار کرده و شغل داشته باشند. از میان ۲۱ کنیسه یهودیان، ۱۶ کنیسه آن در جویباره، ۲ کنیسه در محله دردشت و یک کنیسه در کوچه گلبهار و یک کنیسه در دبیرستان اتحاد و یک کنیسه هم در چهارراه شاه عباس (فلسطین کنونی) قرار دارد. یهودیان غیر از قبرستان معروف استراخاتون در پیربکران قبرستان دیگری نیز در ۵ کیلومتری مشرق اصفهان دارند که در دهکده ای به نام «گرکون» از محلات قهّاب واقع شده و قبرستان نیز به همین نام است. یهودیان یک حتماً اختصاصی در محله جویباره و در کوچه پیر پاره دوز دارند که سه روز در هفته دایر است و بقیه روزها از حمامهای عمومی و حمامهای منازل خود استفاده می کنند.

دین زرتشت

دین زرتشت

الف - دین زرتشت

از قدیمی ترین دینهایی که مردم را به ستایش خداوند یکتا دعوت نموده و از بت پرستی منع کرد، دین زرتشت است. دین زرتشت از قدیمی ترین دینهای رسمی ایرانیان بوده است. بنیان گذار این دین، زرتشت یا زردشت است که در اوستا «زره توشتره» نیز آمده است. پدرش «پوروشسب» و مادرش «دغدوا»، از خانواده «سپیتمنه» بوده است. او در زمان شهریاری گشتاسب در خوارزم (بلخ) می زیسته. عده ای او را اهل آذربایجان و گروهی اهل ری می دانند. وی در سن سی سالگی به پیغمبری رسید و از سن چهل سالگی به تبلیغ پرداخت. تاریخ تولد زرتشت دقیقاً مشخص نیست. برخی تولد او را ۶۲۸ قبل از میلاد و درگذشت او را سال

۵۵۸ قبل از میلاد می معتقدند در سن ۷۷ سالگی در جنگ با تورانیان که به بلخ حمله کرده بودند کشته شده است. گروهی زندگی زرتشت را به ۱۰۰۰ قبل از میلاد می دانند و یعنی قبل از تشکیل دولت ماد نسبت می دهند.

پرستشگاه های زرتشتیان

پرستشگاههای زرتشتیان را آتشگاه می گویند که مهمترین آنها در اصفهان در کوه آتشگاه بوده است. این کوه در ۸ کیلومتری غرب اصفهان و در سه کیلومتری جنوب سیده است. شهرت سده نیز به واسطه همین کوه آتشگاه است. این کوه در حقیقت تپه ای است به ارتفاع هزار متر که در منطقه حاصلخیز ماریین اصفهان قرار دارد. مسعودی در کتاب «مروج الذهب» درباره کوه آتشگاه نوشته است که؛ این کوه یکی از هفت پرستشگاه بت پرستان بوده است به این معنی که در معبدی که بر روی این کوه ساخته بودند، بت هایی وجود داشته و مورد ستایش و پرستش قرار می گرفته است. حافظ ابونعیم در کتاب «ذکر تاریخ اصفهان» از هفت شهر در منطقه اصفهان یاد می کند که یکی از آنها به نام «مهرین» تا ظهور اسلام نیز وجود داشته و در کنار این کوه بوده است. در زمان ساسانیان این معبد پرستش بت را خراب کردند و لوازم و آلات آن را بیرون ریخته و اردشیر بابکان آن را با تغییراتی تبدیل به آتشگاههای اصفهان به نمود. این آتشکده به صورت قلعه هشت گوشه، با خشتهای بزرگ، روی سنگهای طبیعی ساخته شده است. مدخلها هلالی شکل و کف ساختمان، در وسط برآمدگی داشته که آتشدان بر روی آن ساخته شده بود و به نام «آتش مجوس» شهرت داشت.

آتشکده های اصفهان

به غیر از آتشکده کوه آتشگاه، در اصفهان آتشکده های دیگر نیز وجود داشته که عبارت اند از: ۱-مسجد جامع اصفهان که ابتدا آتشگاه بوده و پس از هجوم و تسلط اعراب به اصفهان با تغییراتی تبدیل به مسجد شده است. ۲-آتشدان سنگی سمیرم که مربوط به دوران هخامنشیان

است. ۳- آتشکده «زُروان» که بنای آن متعلق به زمان ساسانیان است. ۴- آتشکده «مهر» در زمان اردشیر ساخته شده و در منطقه اردستان قرار دارد. ۵- آتشکده «رستاق» که در «انار آباد» قرار دارد و گشتاسب کیانی آن را بنا نهاده است. ۶- آتشکده شاپور ذوالاکتاف نیز در دهکده «جروان» جی قرار دارد و به نام آتشکده «سروش آذران» شهرت داشته است. همچنین چندین آتشکده دیگر که بر اثر مرور زمان و یورش بیگانگان و مخالفان نابود، یا از اهمیّت و اعتبار افتاده است. از جمله، آتشکده «قلعه بزی» که در زمان ملکشاه جز حصار اطراف آن بقیه را خراب کردند. همچنین آتشکده ای در قریه «دارک» یا «ارزنان» که خراب شده است. زرتشتیان به روح اعتقاد دارند و آن را «فَرَوَشی» می نامند و برای فَرَوَشیهای اجداد خود نماز و دعا می خوانند و قربانی می کنند. هر موجود مرده را نجس می دانند و برای اینکه خاک و آب آلوده نشود مردگان خود را در محفظه سرباز قرار می دهند تا طعمه پرندگان شوند. مگس و مورچه و کرم و حشرات موزی را که مردگان را می خورند، پلید می دانند و آنها را مانند شیطان «انگزه مینو» می نامند و پیوسته از سحر و جادو و بت، دوری می جویند. به کشت وزرع، به خصوص کاشتن گندم بسیار علاقه دارند و معتقدند «هر کس گندم می کارد، نیکی می افشاند.» بزرگترین گناه را دروغ می دانند. بازار را محل دروغ و تزویر می انگارند و سعی می کنند بچه ها را از بازار دور نگه دارند و مدارس آنها نزدیک بازار نباشد.

آیین افروختن آتش در آتشکده ها

برای روشن کردن آتشکده ابتدا موبد حَمّام کرده، خود را شست و شو می دهد. سپس لباس سپید می پوشد. قطعات چوب صندل را

که قبلاً تراشیده شده بر روی آتشدان قرار می دهد و بدون دخالت دست، با قاشق بلند مخصوصی که روزنی در وسط آن هست، براده های چوب صندل خوشبو را روی چوبها می ریزد و در حالیکه دعای مخصوص را می خواند، آتشدان را روشن می کند. برای این که آتش را با دم (تنفس) خود آلوده نکنند، جلو دهان و بینی را با پارچه سفید ۱۶ آتشگاه می دانند، مهمترین روز مقدّس ترین آتش را، آتش نیایش را نوروز می شمارند. پس از و نازکی می پوشانند. انجام نیایش و دعا و نماز، موبد به عنوان تیمن و تبرک مقدار کمی از خاکستر آتشدان را به نمازگزاران می دهد و آنها اندکی از این خاکستر را جهت کسب فیض و برکت به صورت خود می مالند.

خارجیان در اصفهان

سرگذشت خارجیان مدفون در اصفهان

شرح کوتاهی از سرگذشت خارجیان مدفون در اصفهان ویلیام بل، عامل شرکت هند شرقی در اصفهان، به سال ۱۶۱۶ در جهت حمل نخستین محموله شرکت مزبور، با کشتی بادبانی جیمز به ایران عزیمت کرد و نخستین سرنشینی بود که پس از لنگرگیری، در بندر جاسک به احل رسید. بنا به استناد گزارش شرکت هند شرقی. بل در پی گذشت ۷ شب ملاقاتهای رسمی آزار دهنده در حال سوزش تب در گذشت. در طی مراسم تشییع جنازه اش اتباع هلند، فرانک های مقیم، کولیا ناظر، رؤسای آرامنه، تمامی پیروان کلیسا... و حداقل به تعداد ۵۰۰۰ تن از دودمان جلفائیان و دیگر مسیحیان غیر بومی شرکت کردند. انگیزه شرکت این جمعیت کثیر در مراسم، همزمانی با مراسم به خاکسپاری ژوهان نورتمبر، سفیر انگلستان نیز می تواند باشد. ۱۶۵۸ وی برت بیوکنز، متخصص الماس، شاغل در شرکت هند شرقی هلند،

مستقر در ایران ۱۶۶۰ میخائیل ماسبروم، بازرگان و زرگر ۱۶۶۵ ویلهم لوکنیس لون، مدیر شرکت هند شرقی هلند ۱۶۸۲ سیمون سعید داوید ساهیدر، ترجمه سنگ قبر وی عنوان می نماید: از سوی شاه فرانسه در کشور پاریس در شرکت هلندی هند شری به مدت ۳۴ سال و بسیار کاتولیک متعصب بود. ۱۶۸۶ تئادر میرانوویچ، به قرار اطلاع سفیر لهستان به دربار صفویه، سنگ قبر او بر خلاف دیگر قبور نصب گردیده و در پای آرامگاه وی قبور آوارگان لهستانی جنگ جهانی دوم به چشم می خورد. ۱۶۹۷ فرانکوس کاستلوجن، مدیر شرکت هند شرقی ۱۷۰۲ پیر پاژت دوس، بر سنگ قبر وی درج گردیده است. فراموش نکنید که شما هم می میرید. دکتر پاژت دوس فارغ التحصیل کالج کمبریج در الهیات و ریاضیات، تمام دنیا خوشحال بودند. مردم در پی چنین ها بودند. دکتر پاژت مشهور بود. تلاش می کرد تا این دنیا زیباتر شود. به مدت ۵۰ سال در اصفهان زندگی کرد در حالیکه میل داشتند به کشورش بازگردد. ۱۷۰۳ ادوارد پاگیت، کشیش دکتر پاگیت دانشجوی ممتاز کالج کمبریج در طی سالهای ۲-۱۶۷۱ عضو آکادمی کالج کمبریج ۱۶۷۹ عضو انجمن سلطنتی ۱۶۸۲، استاد ریاضیات، از اعضاء هیئت امناء بیمارستان حضرت مسیح ۹۵-۱۶۸۲، کشیش شخصی سرویلیام نوریس **Sir William Norris** مأموریت به دربار اورنگ زیب ۱۶۹۹، ۱۷۰۲ **Aurznezeb** و سرانجام بر سر راه بازگشت از هندوستان به موطنش، در اصفهان در گذشت. ۱۷۰۳ ساراژاکوبا، همسر فرانکوس کاستلوجن مدیر شرکت هند شرقی هلند ۱۷۲۱ فرانسیکو ساهید، مترجم شرکت هلند به مدت ۴۵ سال ۱۷۲۲ ژولیانامیدون، در خدمت آقای نیکلاس اسخارور، به نظر می رسد اسخارور نویسنده

باشد. در متن سرگذشت ماتیوس فن لایزیگ به نام وی اشاره شده است. ۱۸۲۱ کلودیوس جیمس، نماینده شرکت هند شرقی در بغداد در طی مسیر راه بمبئی و در شهر شیراز، بر اثر ابتلا به بیماری وبا در گذشت. مقارن تخریب گورستان شیراز بنا به درخواست دوست مهربانش کنل جی، مکدونالد کینیر J. Macdonald Kinneir جنازه اش به اصفهان انتقال یافت. در کتاب انگلیسیان در ایران، به جای جیمس اشتباهاً کلمه ریچ آمده است! از تعریف مندرج در صفحه ۱۵۰، نویسنده بودن جیمس استنباط می شود، و در رابطه با چگونگی نحوه در گذشتش در صفحه ۹۱ عین گزارش روزانه اش اندکی پیش از شیوع بیماری در شیراز آثاری از ترس را نشان می دهد. اخباری از بوشهر؛ وبا در آنجا شایع شده و روزانه سی نفر را می کشد. در سراسر گرمسیر چنین است. آقای استوری در سر راهش از برازجان به بوشهر همه جا با اجساد مردگان روبرو شده. کشتی لیورپول که در بوشهر لنگر انداخته در پانزده ساعت سه نفر از سرنشینانش را از دست داده. شنیده شد که جراح و عده زیادی از خدمه هم مرده اند. ۱۸۲۲ جان تیلور، پزشک ابوابجمعی مؤسسه پزشکی بمبئی، در سال ۱۸۲۲ در شیراز درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. به دلیل تخریب گورستان محل دفنش، در سال ۱۸۲۶ جنازه وی به اصفهان انتقال یافت. ۱۸۳۸ پیر مارتین بوتان، بر سنگ وی درج گردیده است: دانشمندی که قربانی علم خود شد. از این متوفی دانشمند، جعبه کوچکی حاوی دهها شیشه آزمایشگاهی بجا مانده است. ۱۸۷۱ جان استانلی هیوز، کارمند اداره تلگراف ۱۸۷۳

اولین گردون بروس، دختر عالیجناب رابرت بروس، میسیونر انجمن کلیسا سی. ام. اس. در کتاب انگلیسیان در ایران با پدر و مادر وی آمده است که هیئت مرسلین مسیحی لندن که مهمترین وسیله تبلیغات مسیحی انگلیسیان در ایران شد، نخستین قدم محتاطانه را در ۱۸۹۶ برداشت و آن هنگامی بود که یکی از مبلغان خود را به نام عالیجناب رابرت بروس به اصفهان فرستاد تا برای یاد گرفتن زبان فارسی و اصلاح ترجمه انجیل مارتین دو سال در آن شهر بماند. بروس ایرلندی دراز، لاغر و فاضلی بود، که چند سالی را در خدمت هیئت مرسلین مسیحی در هند گذرانده بود و اقامتش در اصفهان با شیوع قحطی و وبا در این شهر مصادف شد. (۷۱-۱۸۷۰). او و همسرش رهبری امور دستگیری مردم، مخصوصاً ارمنیان را بر عهده گرفتند. آنان اعتباراتی را که مردم انگلیس سخاوتمندانه در اختیار بنیاد کمک به ایرانیان می گذاشتند، در اختیار داشتند. بروس به عنوان بخشی از این کار ایجاد پرورشگاه و مدرسه فنی را برای کودکان ارمنی و مسلمان آغاز کرد و به زودی مجبور شد به طور ثابت در ایران بماند. هیئت مرسلین در لندن با این کار موافقت کرد به شرط اینکه کارش را در زمینه اصلاح انجیل دنبال کند و به ترجمه باقی کتاب مقدس هم پردازد. بروس این وظیفه را پذیرفت و تا ۱۸۷۵ در حالیکه بیشتر از درآمد خودش زندگی می کرد کار خود را ادامه داد تا اینکه هیئت مرسلین تصمیم گرفت تسهیلاتی برای هیئت مرسلین در اصفهان فراهم آورد. در ۱۸۸۰ نخستین دستیار بروس به اصفهان رسید و او پزشکی فارغ التحصیل

ادینبرو به نام هورنل E. F. Hoernle بود. پیش از آن تنها بروس و همسرش کارها را اداره می کردند در میان ارمنیان جلفا، یعنی در محل زندگی خودشان به فعالیت مشغول بودند. آقا و خانم بروس با کمک معلمان ارمنی در جلفا یک مدرسه پسرانه و یک دخترانه تأسیس کردند. در ۱۸۷۲ علیرغم مخالفت‌های محلی بروس زمین وسیعی خرید و تا سی سال بعد که مقر هیئت به شهر اصفهان انتقال یافت تأسیسات خود را در آنجا مستقر ساخت. ۱۸۹۸ جسرت ویل بو، نکته شایان توجه در کنار سنگ قبر وی به چشم می خورد! اعضاء خانواده ودوستانش نام خود را بر روی سنگ دیگر در کنار سنگش درج کرده اند. ۱۹۱۴ سزارین شارلین براسور، بر سنگ وی نوشته است: پیرو مذهب ژوزف و با طی ۳۲ سال زندگی ویژه مذهبی. ۱۹۱۴ پاسکال آراکلیان، بر روی سنگ وی که خط ارمنی نیز به چشم می خورد این جمله دیده می شود: ۵۰ سال در ایران خدمت کرده است. ۱۹۱۷ فردریک ناکس هریس، کنسول یار انگلستان در اصفهان ۱۹۲۱ کاترین مری ایرون ساید، پزشک میسیون سی. ام. اس، دختر ادمون و مری ایرون ساید که از سال ۱۹۰۵ در ایران به سر برد و بر اثر ابتلا به بیماری ذات الریه درگذشت. نظر به آنکه محل خدمت وی در میان آرامنه بود در جهت احترام و محبت، او را در کلیسای جامع به خاک سپردند. ۱۹۳۱ امیلی کاتلین هوپ، همسر نماینده انجمن بریتانیایی کتب مقدسه؟ ۱۹۴۰ ماریا الیاس، به قرار اطلاع بر اثر اعمال فشار حکومت نازیها بر یهودیان در آلمان به ایران مهاجرت

می کند. مدتی در سازمان نایبانیان کریستوفل بکار می پردازد و در بین کارکنان هم به شوخی به دوشیزه روباه مشهور می گردد! پس از ترک سازمان از دنیا می رود! ۱۹۴۳ هیلدا نایتینگل، از انجمن سی.ام.اس، به قرار اطلاع سمت سرپرست بخش پرستاری بیمارستان مسیحی اصفهان (عیسی ابن مریم فعلی) را عهده دار بوده است و در اثر ابتلا به بیماری حصبه از دنیا می رود. ۱۹۶۱ ویتچ کوفلر، به قرار اطلاع مهندس کارخانه بوده است و همسرش نیز در آموزشگاه دخترانه نایبانیان نور آئین اصفهان (فاطمه زهرا فعلی) به خدمت اشتغال داشت. ۱۹۶۵ لیدیا توماتور، به قرار اطلاع از پدری روسی و مادری آلمانی متولد شد. همسرش را در جنگ جهانی دوم از دست داد. نامبرده در خدمت سازمان نایبانیان کریستوفل به سر می برد. ۱۹۷۲ ایان تاماس، پزشک شاغل در بیمارستان مسیحی اصفهان (عیسی ابن مریم فعلی) در طی سفری که به شهرهای اطراف اصفهان در جهت درمان بیماران عزیمت کرده بود، با خودرویی که خود رانندگی آن را بعهدہ داشت با کامیونی تصادف کرد. بر اثر شدت جراحات وارده وی و دو پرستار در دم جان سپرده و دو تن دیگر به شدت زخمی می شوند. نامبرده دارای همسر و دو فرزند بود و بنا به درخواست همسرش در اصفهان به خاک سپرده شد. ۱۹۷۴ آدریان روبرت میکائیل هلدن، متولد شهر بت BATH انگلستان، جهانگردی که طی یک تصادف برون شهری درگذشت و بنا به درخواست همراهانش در اصفهان به خاک سپرده شد. همچنین فرد دیگری به نام هارن سون که گویا از اتباع آفریقای جنوبی می باشد در تصادف

بین راه شیراز و اصفهان جان سپرد و در قبری که تاکنون هم فاقد سنگ است به خاک سپرده شد. ۱۹۷۴ دیوید گرنی، کشیش انجمن سی. ام. اس، که به مدت ۳۸ سال در کلیساهای دایره اسقفی ایران خدمت کرد. ۱۹۸۲ گابریله منتظم، متخصص و جراح مشهور مغز و اعصاب. نامبرده در حالیکه ۵ ماهه باردار بود بضرر گلوله از پای درآمد و در تکیه همدانیان آرامگاه تخت فولاد به خاک سپرده شد.

آرامگاه خارجیان

یلیام بل، عامل شرکت هند شرقی در اصفان، به سال ۱۶۱۶ در جهت حمل نخستین محموله شرکت مزبور، با کشتی بادبانی جیمز به ایران عزمیت کرد و نخستین سرنشینی بود که پس از لنگرگیری، در بند جاسک به ساحل رسید. بنا به استناد گزارش شرکت هند شرقی. بل در پی گذشت ۷ شب ملاقاتهای رسمی آزار دهنده در حال سوزش تب در گذشت. در طی مراسم تشییع جنازه اش اتباع هلند، فرانک های مقیم، کولیا ناظر، رؤسای آرامنه، تمامی پیروان کلیسا... و حداقل به تعداد ۵۰۰۰ تن از دودمان جلفائیان و دیگر مسیحیان غیر بومی شرکت داشتند. انگیزه شرکت این جمعیت کثیر در مراسم، همزمانی با مراسم به خاکسپاری ژوهان نورتمبر، سفیر انگلستان نیز می تواند باشد.

۱۶۵۸ وی برت بیوکنز، متخصص الماس، شاغل در شرکت هند شرقی هلند، مستقر در ایران--

۱۶۶۰ میخائیل ماسبروم، بازرگان و زرگر--

۱۶۶۵ ویلهلم لوکنیس لون، مدیر شرکت هند شرقی هلند--

۱۶۸۲ سیمون سعید داوید ساهیدر، ترجمه سنگ قبر وی عنوان می نماید: از سوی شاه فرانسه در کشور پاریس در شرکت هلندی هند شری به مدت ۳۴ سال و بسیار کاتولیک متعصب بود. --

۱۶۸۶ تئادر میرانوویچ، به

قرار اطلاع سفیر لهستان به دربار صفویه، سنگ قبر او بر خلاف دیگر قبور نصب گردیده و در پای آرامگاه وی قبور آوارگان لهستانی جنگ جهانی دوم به چشم می خورد. --

۱۶۹۷ فرانکوس کاستلوجن، مدیر شرکت هند شرقی --

۱۷۰۲ پیر پاژت دوس، بر سنگ قبر وی درج گردیده است. فراموش نکنید که شما هم می میرید. دکتر پاژت دوس فارغ التحصیل کالج کمبریج در الهیات و ریاضیات، تمام دنیا خوشحال بودند. مردم در پی چنین ها بودند. دکتر پاژت مشهور بود. تلاش می کرد تا این دنیا زیباتر شود. به مدت ۵۰ سال در اصفهان زندگی کرد در حالیکه میل داشتند به کشورش بازگردد. ۱۷۰۳ ادوارد پاگیت، کشیش دکتر پاگیت دانشجوی ممتاز کالج کمبریج در طی سالهای ۲-۱۶۷۱ عضو آکادمی کالج کمبریج ۱۶۷۹ عضو انجمن سلطنتی ۱۶۸۲، استاد ریاضیات، از اعضاء هیئت امناء بیمارستان حضرت مسیح ۹۵-۱۶۸۲، کشیش شخصی سرویلیام نوریس Sir William Norris مأموریت به دربار اورنگ زیب ۱۶۹۹، ۱۷۰۲ Aurznezeh و سرانجام بر سر راه بازگشت از هندوستان به موطنش، در اصفهان در گذشت. --

۱۷۰۳ ساراژاکوبا، همسر فرانکوس کاستلوجن مدیر شرکت هند شرقی هلند --

۱۷۲۱ فرانسیکو ساهید، مترجم شرکت هلند به مدت ۴۵ سال --

۱۷۲۲ ژولیانو میدون، در خدمت آقای نیکلاس اسخارور، به نظر می رسد اسخارور نویسنده باشد. در متن سرگذشت ماتیوس فن لایزیگ به نام وی اشاره شده است. --

۱۸۲۱ کلودیوس جیمس، نماینده شرکت هند شرقی در بغداد در طی مسیر راه بمبئی و در شهر شیراز، بر اثر ابتلا به بیماری وبا در گذشت. مقارن تخریب گورستان شیراز بنا به درخواست دوست مهربانش کلنل جی، مکدونالد کینیر J. Macdonald Kinneir جنازه اش به

اصفهان انتقال یافت. در کتاب انگلیسیان در ایران، به جای جیمس اشتباهاً کلمه ریچ آمده است! از تعریف مندرج در صفحه ۱۵۰، نویسنده بودن جیمس استنباط می شود، و در رابطه با چگونگی نحوه درگذشتش در صفحه ۹۱ عین گزارش روزانه اش اندکی پیش از شیوع بیماری در شیراز آثاری از ترس را نشان می دهد. اخباری از بوشهر؛ و با در آنجا شایع شده و روزانه سی نفر را می کشد. در سراسر گرمسیر چنین است. آقای استوری در سر راهش از برازجان به بوشهر همه جا با اجساد مردگان روبرو شده. کشتی لیورپول که در بوشهر لنگر انداخته در پانزده ساعت سه نفر از سرنشینانش را از دست داده. شنیده شد که جراح و عده زیادی از خدمه هم مرده اند. --

۱۸۲۲ جان تیلور، پزشک ابوابجمعی مؤسسه پزشکی بمبئی، در سال ۱۸۲۲ در شیراز درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. به دلیل تخریب گورستان محل دفنش، در سال ۱۸۲۶ جنازه وی به اصفهان انتقال یافت. --

۱۸۳۸ پیر مارتین بوتان، بر سنگ وی درج گردیده است: دانشمندی که قربانی علم خود شد. از این متوفی دانشمند، جعبه کوچکی حاوی دهها شیشه آزمایشگاهی بجا مانده است. --

۱۸۷۱ جان استانلی هیوز، کارمند اداره تلگراف --

۱۸۷۳ اولین گردون بروس، دختر عالیجناب رابرت بروس، میسیونر انجمن کلیسا سی. ام. اس. در کتاب انگلیسیان در ایران با پدر و مادر وی آمده است که هیئت مرسلین مسیحی لندن که مهمترین وسیله تبلیغات مسیحی انگلیسیان در ایران شد، نخستین قدم محتاطانه را در ۱۸۹۶ برداشت و آن هنگامی بود که یکی از مبلغان خود را به نام عالیجناب رابرت

بروس به اصفهان فرستاد تا برای یاد گرفتن زبان فارسی و اصلاح ترجمه انجیل مارتین دو سال در آن شهر بماند. بروس ایرلندی دراز، لاغر و فاضلی بود، که چند سالی را در خدمت هیئت مرسلین مسیحی در هند گذرانده بود و اقامتش در اصفهان با شیوع قحطی و وبا در این شهر مصادف شد. (۷۱-۱۸۷۰). او و همسرش رهبری امور دستگیری مردم، مخصوصاً ارمنیان را بر عهده گرفتند. آنان اعتباراتی را که مردم انگلیس سخاوتمندانه در اختیار بنیاد کمک به ایرانیان می گذاشتند، در اختیار داشتند. بروس به عنوان بخشی از این کار ایجاد پرورشگاه و مدرسه فنی را برای کودکان ارمنی و مسلمان آغاز کرد و به زودی مجبور شد به طور ثابت در ایران بماند. هیئت مرسلین در لندن با این کار موافقت کرد به شرط اینکه کارش را در زمینه اصلاح انجیل دنبال کند و به ترجمه باقی کتاب مقدس هم پردازد. بروس این وظیفه را پذیرفت و تا ۱۸۷۵ در حالیکه بیشتر از درآمد خودش زندگی می کرد کار خود را ادامه داد تا اینکه هیئت مرسلین تصمیم گرفت تسهیلاتی برای هیئت مرسلین در اصفهان فراهم آورد. در ۱۸۸۰ نخستین دستیار بروس به اصفهان رسید و او پزشکی فارغ التحصیل ادینبرو به نام هورنل E. F. Hoernle بود. پیش از آن تنها بروس و همسرش کارها را اداره می کردند در میان ارمنیان جلفا، یعنی در محل زندگی خودشان به فعالیت مشغول بودند. آقا و خانم بروس با کمک معلمان ارمنی در جلفا یک مدرسه پسرانه و یک دخترانه تأسیس کردند. در ۱۸۷۲ علیرغم مخالفت‌های محلی بروس زمین وسیعی خرید

و تا سی سال بعد که مقر هیئت به شهر اصفهان انتقال یافت تأسیسات خود را در آنجا مستقر ساخت. --

۱۸۹۸ جسبرت ویل بو، نکته شایان توجه در کنار سنگ قبر وی به چشم می خورد! اعضاء خانواده و دوستانش نام خود را بر روی سنگ دیگر در کنار سنگش درج کرده اند. --

۱۹۱۴ سزارین شارلین براسور، بر سنگ وی نوشته است: پیرو مذهب ژوزف و باطی ۳۲ سال زندگی ویژه مذهبی. --

۱۹۱۴ پاسکال آراکلیان، بر روی سنگ وی که خط ارمنی نیز به چشم می خورد این جمله دیده می شود: ۵۰ سال در ایران خدمت کرده است. --

۱۹۱۷ فردریک ناکس هریس، کنسول یار انگلستان در اصفهان --

۱۹۲۱ کاترین مری ایرون ساید، پزشک میسیون سی. ام. اس، دختر ادمون و مری ایرون ساید که از سال ۱۹۰۵ در ایران به سر برد و بر اثر ابتلا به بیماری ذات الریه درگذشت. نظر به آنکه محل خدمت وی در میان آرامنه بود در جهت احترام و محبت، او را در کلیسای جامع به خاک سپردند.

۱۹۳۱ امیلی کاتلین هوپ، همسر نماینده انجمن بریتانیایی کتب مقدسه؟ --

۱۹۴۰ ماریا الیاس، به قرار اطلاع بر اثر اعمال فشار حکومت نازیها بر یهودیان در آلمان به ایران مهاجرت می کند. مدتی در سازمان ناینایان کریستوفل بکار می پردازد و در بین کارکنان هم به شوخی به دوشیزه روباه مشهور می گردد! پس از ترک سازمان از دنیا می رود!

۱۹۴۳ هیلدا نایتینگل، از انجمن سی. ام. اس، به قرار اطلاع سمت سرپرست بخش پرستاری بیمارستان مسیحی اصفهان (عیسی ابن مریم فعلی) را عهده دار بوده است و در اثر ابتلا به

بیماری حصبه از دنیا می رود. --

۱۹۶۱ ویتچ کوفلر، به قرار اطلاع مهندس کارخانه بوده است و همسرش نیز در آموزشگاه دخترانه ناینایان نور آئین اصفهان (فاطمه زهرا فعلی) به خدمت اشتغال داشت.

۱۹۶۵ لیدیا توماتور، به قرار اطلاع از پدری روسی و مادری آلمانی متولد شد. همسرش را در جنگ جهانی دوم از دست داد. نامبرده در خدمت سازمان ناینایان کریستوفل به سر می برد. --

۱۹۷۲ ایان تاماس، پزشک شاغل در بیمارستان مسیحی اصفهان (عیسی ابن مریم فعلی) در طی سفری که به شهرهای اطراف اصفهان در جهت درمان بیماران عزیزت کرده بود، با خودرویی که خود رانندگی آن را بعهده داشت با کامیونی تصادف کرد. بر اثر شدت جراحات وارده وی و دو پرستار در دم جان سپرده و دو تن دیگر به شدت زخمی می شوند. نامبرده دارای همسر و دو فرزند بود و بنا به درخواست همسرش در اصفهان به خاک سپرده شد. --

۱۹۷۴ آدریان روبرت میکائیل هلدن، متولد شهرت BATH انگلستان، جهانگردی که طی یک تصادف برون شهری در گذشت و بنا به درخواست همراهانش در اصفهان به خاک سپرده شد.

همچنین فرد دیگری به نام هارن سون که گویا از اتباع آفریقای جنوبی می باشد در تصادف بین راه شیراز و اصفهان جان سپرد و در قبری که تاکنون هم فاقد سنگ است به خاک سپرده شد. --

۱۹۷۴ دیوید گرنی، کشیش انجمن سی.ام.اس، که به مدت ۳۸ سال در کلیساهای دایره اسقفی ایران خدمت کرد. --

۱۹۸۲ گابریله منتظم، متخصص و جراح مشهور مغز و اعصاب. نامبرده در حالیکه ۵ ماهه باردار بود بضرر گلوله از پای درآمد و در تکیه

همدانیان آرامگاه تخت فولاد به خاک سپرده شد--

تاریخ آرامگاه خارجیان

قرن «۱۷»

ژوهان نرتمبر ۱۶۲۴-۱۵۹۱ Johan north umber انگلیس آرامگاه ارامنه ****

ولیوام بل ۱۶۲۴-۱۵۹۱ William Bell انگلیس ****

رودلف اشتدلر ۱۶۳۷-۱۶۰۹ Rodolf stadlor سوئیس ****

دومینیکوس بابلون سیز ۱۶۳۹ Dominicus de babilion siis ****

پیر دیما دلا کریکس ۱۶۳۹ Pere dim dela croix ****

گیوسن ارل الون ۱۶۴۰ Gewesen Arl Aelvan فرانسه ****

جوهانس مالوم (پزشک) ۱۶۴۶-۱۶۰۶ Johannes Malom فرانسه ****

ابراهیم دبایلون ۱۶۴۹ Ebrahim de babilon ****

کریستینا بیت ۱۶۵۲ Christianan Biit ****

جانا دادری ۱۶۵۷ Jeanna de Roy ****

هوی برت بیوکنز ۱۶۵۸ Huy bert Buekens هلند ****

لوسی دبایلون ۱۶۵۹ Lucis de Babylone ****

لوسینا ماترونا بیلون ۱۶۵۹ Lusina Mtrona Babilon ****

نیکلاس پانتالون ۱۶۵۹-۱۶۳۴ Nicolaus Pantaleone ****

جانی دیو ۱۶۵۹ Janiie D. Pove

الکساندر د ورود ۱۶۶۰-۱۵۹۳ Alexandre de Rhodes فرانسه ****

میخائلی ماسبروم ۱۶۶۰ Michael Masbrum فرانسه***

دیونسی اکوراسپی نیفا ۱۶۰۵-۱۶۶۱ Dionyse Acoroa spinifa***

پاتریس دانیال پاما ۱۶۶۱ Patris Daniol Pommre***

مارکوس پانتالو ۱۶۵۳-۱۶۶۲ Marcus Pantaleo***

آنا یووریدا ۱۶۶۳ Anna Ioverida***

ابداله یووریدا ۱۶۶۴ Abdallah Ioverida***

چارلز دوایر ۱۶۶۴ Charles Duvoyer فرانسه***

ماریا گمز د بابلون ۱۵۸۷-۱۶۶۴ Maria Gomez de Babilon***

ویلهلم لوکینس لون ۱۶۶۵ Wilhem Lokins Leven هلند آرامگاه ارامنه***

ولتسن دانگرز ۱۵۹۹-۱۶۶۵ Velentin Dangers***

ویلیام لوک ۱۶۶۵ William Lok***

پیریکا بابلون ۱۶۶۶ Perica Babilons***

لارنس دولتوال ۱۶۶۶ Laurens De Lestoile فرانسه***

الکساندر دولتوال ۱۶۶۶ Alexander De Lestoile فرانسه***

ماریا دولتوال ۱۶۶۶ Maria De Lestoile فرانسه***

مارکوس دولتوال ۱۶۶۷ MaRCUS De Lestoile فرانسه***

ایزاک بوتو دولتوال ۱۵۹۱-۱۶۶۷ Isaac Boute De Lestoile فرانسه***

ماریا دولتوال ۱۶۶۸ Maria De Lestoile فرانسه***

کلارد موزن ۱۶۶۸ Claude Muzen فرانسه***

ژاکوب کمیل ۱۶۷۰ Jacobus Kemel هلند***

پترو ۱۶۷۱ petro***

می ان برنارد ۱۶۷۱ Mie An Bernard*** فرانسه***

کاترین دولتوال ۱۶۷۱ Catherine De Lesoile*** فرانسه***

فردریک بیودونس ۱۶۷۳ Fredrick boudwys***

مانوئل ردریگوز لوسیتا ۱۶۷۳ Manuel Rodrecuiz Luista***

مایکل بوری سوزیل ۱۶۷۳ Michael Bourri***

مارکوس دمارز ۱۶۷۳ Marcus De Marez*** فرانسه***

لویی روپر (زرگر) ۱۶۷۳ Louis Rouper*** فرانسه***

میشل روبرت لراین (زرگر) ۱۶۷۳ Michel Roupert Lorrain*** سوئیس***

کلریک ج س مرشیر ۱۶۷۴-۱۶۴۳ Cleric J. C Mercier*** فرانسه***

جورج ویلمسون Georgh Wilmson

***Maria vxor petki oban ۱۶۷۹ اوبان پتکی وکسوری ماريا وکسوری

***Innoceno Muzen ۱۶۸۰ موزن نیکونو

***Margueritte Muzen ۱۶۸۰ موزن مارگریٹ

***Georgi Ioveri ۱۶۸۱ جورج یوری

***Ignatia Manuel Rodrigioz ۱۶۸۱ ریگوز یگناتا مانوئل آرامگاه آرامنه

***J. B. Casamon Vis. APO ۱۶۸۲ ویس اپو ج ب کازامون ویس

***Simon Said David Sahidor ۱۶۸۴ ساید داوید ساهیدر سیمون ساید

***John Baptist Casmon ۱۶۸۵ کاسمن جان باپتیست

***Maria Robin ۱۶۸۶ روبین ماريا روبین

***Maria Babilions ۱۶۸۶ بابلونس ماريا بابلونس

***Maria Babilions ۱۶۸۶ بابلونس ماريا بابلونس

***Theador Miranovich ۱۶۸۶ میرانویچ تئادر میرانویچ لهستان

***Boris Daniloff ۱۶۸۶ دانیلوف بوریس

***Demetrius heodore Shustoff ۱۶۸۶ شوستوف دیمتریوس

***Michael Ignatius Telyanikoff ۱۶۹۵ تیلینوکوف میخائیل یکناتیوس

***Raphael du Mans ۱۶۹۶ رافائیل دو مان رافائیل دو مان فرانسه حوالی مسجد جامع

***Francois Castelujn ۱۶۹۷ کاستلوجن فرانکوئس هلند آرامگاه آرامنه

***Maria De Guitherme ۱۷۰۰ گوتیرم ماريا دگوتیرم

لویی گیلهرم دولتوال ۱۷۰۱ Lous Guelherme de Lestoile فرانسه****

پیر پاژت دوس ۱۷۰۲ Pierre Paget doc انگلیس****

انیم اسپاهان ۱۷۰۲ Enim Spahan****

ادوارد پاگیت ۱۶۵۳-۱۷۰۳ Edward Paget انگلیس****

سارا ژاکوبا چاندلیر ۱۷۰۳ Sara Jacoba chandelier هلند****

تابراهام موز و سنیک ۱۷۰۳ Tabraha Mvs wisnick****

سارا نومین ۱۷۰۴ Sara Nomine****

کارلوس درمانو ۱۷۱۵ Carluos Dv Romano****

فرانسیسکو ساهید ۱۷۲۱ Franciscus Sahid کلیسا وانک****

ژولیانامیدون ۱۷۲۲ Juliana Meiduan هلند آرامگاه آرامنه****

ژاکوب شورو ۱۷۲۷ Jacob Schorer هلند****

آنتونی هرمت (پزشک) ۱۶۶۴-۱۷۲۹ Antoni Hermeet فرانسه کلیسا قدیم کاتولیک****

ماریا جودیت فن لایپزیگ ۱۷۳۰ Maria Judithe von Iepzig هلند آرامگاه آرامنه****

هلنا ساهید ۱۷۳۰ Gelena Sahid****

اگوب ولیچ ۱۷۳۱ Akob Vlij****

آنتون فن لایپزیگ ۱۷۳۰-۱۷۳۱ Anton Von Lepizig هلند****

یرونی یاکا وکوف ل واشوف ۱۷۳۲ Eropnei Yakavicff Levashoff کلیسا قدیم کاتولیک****

ژوزف سعید (ترجم) ۱۶۹۶-۱۷۳۵ Josefh Said آرامگاه آرامنه****

کلارا وارنیل ۱۷۳۷ Clara Varenel****

هیلی گلت دلکت ۱۷۳۷ Hiligiet Delqtq****

تازوس ۱۷۳۸ Tassus***

ماتیوس فن لایپزیگ ۱۷۳۹ Matheus Van Leipzig هلند***

مندین اندیگی لن ۱۷۳۹ Menden and Belegen***

آنزلا سعید ۱۶۹۴-۱۷۴۴ Angela Said کلیسا قدیم کاتولیک***

آندره دولتوال ۱۷۴۵ Andre De Lestoile فرانسه آرامگاه آرامنه***

الیزابت ماری ست

(راهبه) Elisabeth Marisset ۱۷۵۱ کلیسا قدیم کاتولیک***

ژاکوب روسو Jacob Rousseau ۱۶۹۹-۱۷۵۳ فرانسه آرامگاه آرامنه***

ماریا سعید Maria Said ۱۶۹۱-۱۷۷۴ کلیسا قدیم کاتولیک***

قرن «۱۹»

کلودیوس جیمس Claudius James ۱۸۲۱ انگلیس کلیسا وانک

آندرو جوکس Andrew Jukes ۱۷۷۸-۱۸۲۱ انگلیس

جان تیلور John Taylor ۱۸۲۲ انگلیس

جورج ملاکولم George Malcolm ۱۸۰۵-۱۸۲۶ انگلس

چارلز دارنلی استوارت Charles Darnley Stuart ۱۸۰۵-۱۸۲۶ انگلیس

آرتور استاک (سرگرد) Arther Stock ۱۷۷۶-۱۸۳۱ انگلیس

پیر مارتین بوتان Pierre Marthin botan ۱۷۹۳-۱۸۳۸ فرانسه کلیسا قدیم کاتولیک

بروفسکی ایذیدر Borwsky Isidore ۱۸۳۸ فرانسه

خاویر هومایوئل Xavier Hommair Hell ۱۶۳۱-۱۸۴۸ فرانسه آرامگاه آرامنه

کارلوس دوایر Carus Duvoyer ۱۸۴۹

پیر دردریان Pere Darderian ۱۸۵۲

د ج ترتریان D. J. Terterian ۱۸۵۲

استوارت کومینگ مکدنالد Stuart Cumming Mcdonald ۱۸۶۷-۱۸۶۸ انگلیس کلیسا وانک

جان آفورد John A. DR. Ford ۱۸۵۰-۱۸۶۹ انگلیس

فردریک ویام وادل Fredrick William WaDDELL ۱۸۷۱ ۱۸۷۱ انگلیس

جان استانلی هیوز ۱۸۷۱-۱۸۴۳ John Staley Huhes انگلیس

منتیل ساکردس ۱۸۷۳ Monteil Sacerdos فرانسه آرامگاه ارامنه

اولین گردون بروس ۱۸۷۳-۱۸۷۲ Eveline Gordon Bruce انگلیس کلیسا وانک

باربارا هولتسر ۱۸۷۷-۱۸۷۷ Barbara Heltzer آلمان آرامگاه ارامنه

ئی م هولتسر ۱۸۷۷ E. M Hoeltzer آلمان

جیمز ویلیام ۱۸۷۷-۱۸۷۷ James William آلمان

ا. و هولتسر ۱۸۷۸-۱۸۷۵ O. W Hoeltzer آلمان

الیزابت ویکتوریا ۱۸۸۲-۱۸۸۱ Elizabet Victoria

جورج الن هراتیور ۱۸۸۲-۱۸۷۷ George Allen Horatio

الیزا ه سی ویتینس باخ ۱۸۸۳-۱۸۵۶ Eliza H. C. Whittinc back

امانوئل دوینگنیو ۱۸۸۴ Emanuel Duvigneau هلند

ویلم برنارد کلی گنن ۱۸۸۵ Whilem Bernard Colignon کلیسا قدیم کاتولیک

ایزابیل فوبر ۱۸۸۶ Isabl Fwbr...? آرامگاه ارامنه

آنی فلورا ۱۸۸۷-۱۸۸۶ Annie Flora

اریک باگالی ۱۸۸۸-۱۸۸۸ Eric Baggaley انگلیس

گریگوریس خولتسر ۱۸۸۸-۱۸۸۷ Gregoris Holtzer آلمان

هربرت باگالی ۱۸۹۲-۱۸۹۱ Herbert baggaley انگلیس

نیکلا هولتسر ۱۸۹۲-۱۸۷۰ Nicola Hoeltzer آلمان

ادرچیلد اریکتد ۱۸۹۲ Odorechild erected

رزى ۱۸۹۳-۱۸۹۳ Rosie

هلن بلود Helen Beloved ۱۸۵۱-۱۸۹۴ آرامگاه ارامنه

هيرت لميرودن Hierruth Lmerioden... ۱۸۹۴

جسبرت ويل بو Gysber Willembloom ۱۸۶۵-۱۸۹۸

ی ه پ گلوور E. H. P Glover ۱۸۴۲-۱۸۹۸ انگلیس

کاتجديسان اونزینلی Cedachtenisaan Onzencelie ۱۸۶۵-۱۸۹۹

قرن «۲۰»

جورج پاپکو George Papkow ۱۹۰۴

جوآنس ب توافیس Joannhs B. Tfapphsis ۱۹۰۴

ژوزف الیاس Joseph Elias ۱۹۰۵ کلیسا قدیم کاتولیک

آلبرت سیملر Albert Simler ۱۸۸۴-۱۹۰۷ آرامگاه ارامنه

مارک میوچان Mark Mevchan ۱۹۰۸

ارنست هولتسر Ernest Hoeltzer ۱۸۳۵-۱۹۱۱

آلمان

مارتا هولتسر Martha Hoeltzer ۱۸۳۵-۱۹۱۱ آلمان

اگننز هولتسر Eghnenz Hoeltzer ۱۸۳۵-۱۹۱۱ آلمان

سامبار گلوور Sambar Glover ۱۸۴۲-۱۹۱۲ انگلیس

سزارین براسور Cesarine Brassevr ۱۸۶۰-۱۹۱۴ فرانسه کلیسا قدیم کاتولیک

پاسکال آراکلیان Pascal Arakelian ۱۹۱۴ لبنان

بوریس پردبراگنسکی Boris Predbragensky ۱۸۷۰ ۱۹۱۴ روس کلیسا وانک

الکساندر دکاور Alexandre Dekaver ۱۹۱۵ روس

فردریک ناکس هریس Fredrick Knox Harris ۱۸۸۹-۱۹۱۷ انگلیس

چارلی ل ارتر Charleh L. Arter ۱۸۵۷-۱۹۱۹ انگلیس آرامگاه ارامنه

مریم هیلدز Mariam Hildza ۱۸۴۳-۱۹۱۹

ویلیام فولچر William Fulcher ۱۸۶۴-۱۹۱۹

کاترین مری ایرون ساید Catrine Mary Ironsid ۱۸۷۲-۱۹۲۱ انگلیس کلیسا وانک

پتر ارابل Peter Marrable ۱۹۲۲-۱۹۲۲ آرامگاه ارامنه

پال نیومن Paul Neumann ۱۸۸۸-۱۹۲۶

ارنست چارلی Ernest Charles ۱۸۸۲-۱۹۲۷

لوسیندا جان اپکار Locinda Jane Epcar ۱۸۹۲-۱۹۲۷

ژوزفین بیدات استد (راهبه) Josephine Bidat sathet ۱۹۲۷ فرانسه کلیسا قدیم کاتولیک

توماس هلتن برنز Thomas Hilton Burns ۱۸۹۴-۱۹۲۹ آرامگاه ارامنه

امیلی کاتلین هوپ Emily Kathalecn Hope ۱۹۳۱ انگلیس

پیر توزاگک ۱۹۳۳ Pierre Taussag فرانسه

جیمز ل گارلند ۱۸۷۲-۱۹۳۴ James L. Garland انگلیس

فریدل ورم باخ (شفر) ۱۸۹۹-۱۹۳۴ Rridel Wurm Bach آلمان

فراڈل ورمداچ ۱۸۹۲-۱۹۳۴ Fridel Wurmdach

هنریک استارک ۱۸۹۶-۱۹۳۶ Henrich Starke

کارل برگن ۱۹۱۱-۱۹۳۷ Karl Bergne

لئونار دو گلاس ۱۸۹۹-۱۹۳۷ Leonard Douglas

روت زینگور ۱۹۱۲-۱۹۳۷ Ruth Zingor

فیلیکس پویا یوبرا (کشیش) ۱۹۳۸ Felix Puyaubreau فرانسه

جورج (گنورگ) همر ۱۹۰۱-۱۹۴۰ George Hemeer آلمان

ماریا الیاس ۱۹۲۰-۱۹۴۰ Maria Elias آلمان

هامبار سوم هارتونیان ۱۹۴۰ Hambarsoum Haroutunian

آر. سی اسکپورث هریس ۱۹۰۷-۱۹۴۲ R. C Skipworth Harris انگلیس

لسلی گریفیتس ۱۸۹۹-۱۹۴۲ Leslie Griffiths استرالیا

جان گریفیتس ۱۹۳۰-۱۹۴۲ Jan Griffiths استرالیا

کریستیانا بارسکا ۱۹۲۶-۱۹۴۲ Krystyna Barska لهستان

ایزابلا استفانکا ۱۹۳۱-۱۹۴۲ Izabela Stefanska لهستان

دانوتا بتله جمسکا ۱۹۳۲-۱۹۴۳ Danuta Betle Jemska

استنالیسلاو مازور ۱۹۲۷-۱۹۴۳ Stanislaw Mazur

هلنا اولچان ویز ۱۹۲۷-۱۹۴۳ Helena Olechnowicz لهستان

هیلدا نایتینگل ۱۸۹۷-۱۹۴۳ Hilda Nightingale انگلیس

میکالینا تربکا ۱۸۸۷-۱۹۴۳ Michalina Terbeka لهستان

زوفیا اسموتر ۱۹۰۵-۱۹۴۳ Zofia Wierzbicka

کرنلا کوزیروسکا ۱۹۴۴ Kornela Koszyrocska لهستان آرامگاه ارامنه

جان مازور ۱۹۳۱-۱۹۴۴ Jan Mazur لهستان

اگنیزسکا جانیکا ۱۸۷۹-۱۹۴۴ Agnieszka Janicka

پلسکی زمارل ۱۹۴۴ Polski Zmarl

جوآنا پوزانسکا ۱۸۷۵-۱۹۴۵ Joanna Pozanska لهستان

پی پل کوونیک ۱۸۸۳-۱۹۴۵ P. Pulkownik

داریدو ۱۸۷۶-۱۹۴۶ Daridow (nntv)

امیلی لاموروکس (راهبه) ۱۹۴۶ Emilie Lamauroux فرانسه

الیزابت مارگات روبین

Elizabeth Margaret Rubin ۱۹۵۰-۱۹۵۰

John Hall Paxton ۱۸۹۹-۱۹۵۲ جان هال پاکستن

Amy Florence Hemming ۱۹۰۷-۱۹۵۴ امی فلورنس همینگ

Ernest J Christoffel ۱۸۷۶-۱۹۵۵ ارنست ج کریستوفل آلمان

Helen Richards ۱۹۵۸ هلن ریچاردس

Vincent Apcarian Rose ۱۹۶۰ (کشیش) وین سنت آپکارین رز

Datl? Is Danion ۱۸۹۶-۱۹۶۱ داتل ایزدانیون

Voytiech Kuffler ۱۸۹۴-۱۹۶۵ ویتیح کوفلر آلمان

Lydia Tomator ۱۸۷۹-۱۹۶۵ لیدیاتوماتور روس آلمان

Frcnc Zingor ۱۹۰۳-۱۹۶۶ فرنس زینگور

Flora Pat Hovyvian ۱۹۰۸-۱۹۶۶ فلوراپات هوویویان

Arthur Upham Pope ۱۸۸۱-۱۹۶۹ آرتوراپهام پوپ آمریکا شرق پل خواجه

Piere Azizian ۱۹۰۳-۱۹۷۲ پیر عزیزیان آرامگاه ارامنه

Lan Thomas ۱۹۳۷-۱۹۷۲ لایان تاماس استرالیا آرامگاه کلیس اسقفی

Adrian Rpbrrt Michael Olden ۱۹۵۰-۱۹۷۴ آدریان روبرت میکائیل اولدن انگلیس

Harn Son هارن سون

David Gurney ۱۹۰۹-۱۹۷۴ دیوید گرنی استرالیا

Tommy H. Glover ۱۹۱۵-۱۹۷۵ تومی هگلوور انگلیس آرامگاه ارامنه

Ilona Bekes Edikenk ۱۸۹۰-۱۹۷۵ یلونا بکیز ادیکنک آرامگاه ارامنه

Phyllis Ackeman ۱۹۷۷ فیلیس اکرمن آمریکا شرق پل خواجه

آرمنوهی آیدین Armenouhi Aidin ۱۸۹۱-۱۹۸۱ انگلیس آرامگاه کلیسا اسقفی

گابریله منتظم Gabriele Montazem ۱۹۴۶-۱۹۸۲ آلمان آرامگاه تخت فولاد

مری آیزاک Mary Isaac ۱۹۱۰-۱۹۸۶ انگلیس و سپس ایران آرامگاه کلیسا اسقفی

الیزابت مارگات روبین Elizabeth Margaret Rubin ۱۹۵۰-۱۹۵۰

جان هال پاکستن John Hall Paxton ۱۸۹۹-۱۹۵۲

امی فلورنس همینگ Amy Florence Hemming ۱۹۰۷-۱۹۵۴

ارنست ج کریستوفل Ernest J Christoffel ۱۸۷۶-۱۹۵۵ آلمان

هلن ریچاردس Helen Richards ۱۹۵۸

وین سنت آپکارین رز (کشیش) Vincent Apcarian Rose ۱۹۶۰

ویتچ کوفلر Voytiech Kuffler ۱۸۹۴-۱۹۶۵ آلمان

لیدیاتوماتور Lydia Tomator ۱۸۷۹-۱۹۶۵ روس آلمان

فرنس زینگور Frnc Zingor ۱۹۰۳-۱۹۶۶

فلوراپات هویویان Flora Pat Hovyvian ۱۹۰۸-۱۹۶۶

آرتوراپهام پوپ Arthur Upham Pope ۱۸۸۱-۱۹۶۹ آمریکا شرق پل خواجه

پیر عزیزیان Piere Azizian ۱۹۰۳-۱۹۷۲ آرامگاه ارامنه

ایان تاماس Lan Thomas ۱۹۳۷-۱۹۷۲ استرالیا آرامگاه کلیس اسقفی

آدریان روبرت میکائیل اولدن Adrian Rpbrrt Michael Olden ۱۹۵۰-۱۹۷۴ انگلیس

هارن سون Harn Son

دیوید گرنی David Gurney ۱۹۰۹-۱۹۷۴ استرالیا

تومی هگلورر Tommy H. Glover ۱۹۱۵-۱۹۷۵ انگلیس آرامگاه ارامنه

یلونا بکیز ادیکنک ۱۸۹۰-۱۹۷۵ Ilona Bekes Edikenk آرامگاه ارامنه

فیلیس اکرمین ۱۹۷۷ Phyllis Ackeman آمریکا شرق پل خواجو

آرمنوهی آیدین ۱۸۹۱-۱۹۸۱ Armenouhi Aidin

گابریله منتظم Gabriele Montazem آلمان آرامگاه تخت فولاد ۱۹۴۶-۱۹۸۲

مری آیزاک Mary Isaac انگلیس و سپس ایران آرامگاه کلیسا اسقفی ۱۹۱۰-۱۹۸۶

وجه تسمیه

اشاره

شهر اصفهان، مرکز شهرستان استان اصفهان، با پهنه ای حدود دو بیست و پنجاه کیلومتر مربع، در دل فلات ایران قرار دارد. شهر اصفهان از روزگاران کهن تا کنون به نامهای: آپادانا، آصف هان، اسباهان، اسپهنا، اسپاتنا، اسپادنا، اسپاهان، آسپدان، اسپدانه، اسپهان، اسپینر، اسفاهان، اسفهان، اسباهان، اسبهان، اسپدانه، اسفاهان، اصفهان، اصفهانک، انزان، بسفاهان، پارتاک، پارک، پاری، پاریتاکن، پرتیکان، جی، دارالیهودی، رشورجی، سپاهان، سپانه، شهرستان، صفاهان، صفاهون، گابا، گابیان، گابیه، گبی، گی، نصف جهان و یهودیه سرشناس بوده است. بیشتر نویسندگان بر این باورند که چون این ناحیه پیش از اسلام، به ویژه در دوران ساسانیان، مرکز گردآمدن سپاه بود و سپاهیان مناطق جنوبی ایران، مانند: کرمان، فارس، خوزستان، سیستان و... در این ناحیه گرد آمده و به سوی محل نبرد حرکت می کردند، آنجا را «اسپهان» گفته، سپس عربی شده و به صورت «اصفهان» درآمده است. این شهر دارای واژگان کهنتری است که با نام کنونی آن، هیچ گونه پیوندی ندارد، مانند: انزان، گابیان، گابیه، جی، گبی، گی، گابا. یاقوت حموی، می نویسد: «اصفهان یا اسپهان از کلیه اسباه است که به معنی سپاه و سگ می باشد.» استاد پورداد، می گوید: «ارزش این وجه اشتقاق فقط در این است که می رساند در لهجه قدیم اصفهانی، اسباه به معنی سگ نیز بوده است» پورداد یادآور شده است که بطلمیوس، جغرافیا نگار سده دوم میلادی، نام این شهر را «اسپدان» نگاهشته، سپس می گوید واژه اصفهان روی اسپاهان قرار گرفته که خود شامل سپاه به معنی ارتش و هان اسم مکان، یعنی جای سپاه است. نویسنده

کتاب حدود العالم از این شهر به نام «سپاهان» یاد کرده، می گوید: «سپاهان شهری عظیم است و آن دو شهر است: یکی را جهودان خوانند و یکی را شهرستان و در هر دو منبر نهاده اند...» محمد حسین بن خلف تبریزی، درباره نام اصفهان، نوشته است: «اصباهان، معرب اسپاهان است و آن شهری است مشهور در عراق و نام اصلی او این است. و نام مقامی است از جمله دوازده مقام موسیقی و آن را اصفهانک نیز خوانند.» در کتیبه های پارسی هخامنشی، انزان شامل ناحیه اصفهان بوده و پیش از کورش، مرکز قدرت هخامنشیان در این ناحیه بوده و پس از کورش انزان به گابیان تبدیل یافته و استرابن هم آن را به همین نام خوانده است و گابیان رفته رفته به جی تغییر یافت. هرتسفلد نگاشته است: اصفهان نام بلوکی از ولایت پربت کان و نام شهر «گبی» بوده است. گبی بعدها «گی» و سپس عربی شد و به «جی» تبدیل یافت. در سده ۲ میلادی، نام گبی و اسپدانا در نقشه بطلمیوس دیده می شود. وی «اسپدانا» ی پارسی زمان هخامنشی را از کتاب ارتستنس، مدیر کتابخانه اسکندر مقدونی برداشته بود. در یک نقشه جهان نما که ۱۰۰ سال پیش از بطلمیوس ترسیم شده است، این نام به صورت ساسانی «سپانه» یعنی سپاهان نگاشته شده و معنی آن، جای لشکریان است. اسکندر مقدونی هنگام دنبال کردن داریوش هخامنشی به پارتاک یا پارک یاگی آمد و آن را گشود و اکسازر را که والی شوش بود به حکومت پارتاک گمارد. تاریخ نگاران پیشین، پارتاک را پارتاکن نامیده اند که به پارسی آن روزی پرتیکان می گفتند و امروز

فریدن می خوانند. پرتیکان به تمامی ناحیه اصفهان اطلاق می شده است. مفضل سعدبن حسین مافروخی اصفهانی، نویسنده کتاب محاسن اصفهان درباره نام اصفهان، می نویسد: «... و همچنین گفته اند که اصل لفظ نام اصفهان، اسفاهان بود، چرا که در ایام فرس، گودرزین گشواد بر آن مستولی و مالک بود و هر وقت که پای اقتدار در رکاب استظهار آوردی هشتاد پسر صلبی او با او سوار گشتند، همه سواران جنگی فرزانه و جملگی دلاوران فرهنگی مردانه زیارت بر احفاد و اشیاع و عباد و اتباع چون سوار می شدند مردم می گفتند اسفاهان، یعنی لشکر، تداول کلام، عوام اصفهان را بدان نام نهاد.» مافروخی بار دیگر سخن از سپاه و سپاهیگیری به میان آورده، می گوید: «... در روایت است که اردشیر بابکان گفت هرگز هیچ ملکی بر غلبه و استیلا هیچ ملک قدرت نداشت تا اصفهانیان مدد بنمودند و پرویز گفت کار ملک بر ما قرار نگرفت الا به معاونت مدد اهل اصفهان و انوشیروان لشکر و سپاه اصفهان را بر تمامیت لشکرهای جهان تفصیل داد و از میان ایشان اهل فریدن را اختیار کرد.» ابن اثیر در کتاب اللباب می نویسد: «اصفهان به کسر اول یا فتح آن شهر بلاد جبال است و آن را از آن جهت اصفهان گفته اند که معرف سپاهان است و سپاه به معنی لشکر و هان علامت جمع است و اینجا محل تجمع سپاه اکاسره بوده است.» حمزه اصفهانی بر این باور بود که واژه اصفهان یا اسپاهان از سپاه گرفته شده که در فارسی به معنی قشون و سگ است. لاکهارت نیز بر این باور بود که از روزگار پارتها، واژه اسپاهان به

این ناحیه اطلاق شده است. گفتار بالا می‌رساند که این نام با سپاه و سپاهیگری بستگی داشته است و شاید چنین نقشی را «جی» به عهده داشته است نه «یهودیه» که گسترش آن، اصفهان کنونی را به وجود آورده است. واژه سپاه در پارسی باستان به معنی اسب نیز آمده است، زیرا اسب جزو کار سپاه بوده است چنانکه یاقوت حموی، می‌گوید سپاه برابر اسب است و همین اصفهان را جایگاه سپاهیان دانسته است. در نزد آریاییها باارزش و محترم بوده است و بسیاری از بزرگان و نام‌آوران ایرانی به نام اسب نامگذاری می‌شده‌اند، مانند: گشتاسب، لهراسب و جاماسب، که همه این نامها واژه اسب دارند. اصفهان در زمان خلافت عمر به دست عربها افتاد و تا دو سه سده حاکمانی از سوی خلفا در آن فرمانروایی می‌کردند. در دوران آل بویه و سلجوقیان پایتخت بود. پس از سلجوقیان تا دوران صفویه نیز پایتخت ایران بود، ولی در اواخر دوران صفوی دستخوش کشتار، چپاول و خرابی شد. اصفهان در حمله مغول و تیمورلنگ خسارتهای زیادی دید. تیمورلنگ از هفتاد هزار سربریده مردم این شهر، مناره ای برپا کرد و به گفته نویسنده کتاب حبیب السیر، در اصفهان جز زنده رود، کسی زنده نماند. از دوران افشاریه و زندیه در اصفهان آثار مهمی نمانده است، ولی در زمان قاجاریه به کوشش مردان خیر چند بنای قابل توجه ایجاد شد.

جمعیت شهر اصفهان

در دوره های مختلف

جمعیت اصفهان در گذر زمان ابتدای حکومت مغول سال ۶۰۲ جمعیت ۱۰۰/۱۰۰ مأخذ: معجم البلدان یاقوت حموی صفویه (شاه عباس) سال ۹۸۸ جمعیت ۶۰۰/۶۰۰ مأخذ: سفرنامه شاردن

فتحعلی شاه قاجار سال ۱۱۹۵ جمعیت ۲۵۰/۲۵۰ مأخذ: اصفهان، محمد مهدی ارباب ناصرالدین

شاه قاجار سال ۱۲۵۰ جمعیت ۵۰/۰۰۰ مأخذ: الاصفهان، محمد مهدی ارباب

مظفر الدین شاه قاجار سال ۱۲۵۶ جمعیت ۶۴/۸۶۰ مأخذ: الاصفهان، میر سید علی جناب دوره حکومت پهلوی سال ۱۲۸۰ جمعیت ۷۰/۰۰۰ مأخذ: سفرنامه هانری رنه آلمانی

سال ۱۳۰۲ جمعیت ۸۹/۸۵۰ مأخذ: الاصفهان، میر سید علی جناب سال ۱۳۱۹ جمعیت ۲۴۰/۵۹۸ مأخذ: اداره کل آمار ایران سال ۱۳۲۲ جمعیت ۲۵۰/۰۰۰ مأخذ: تاریخ اصفهان شیخ جابر انصاری

سال ۱۳۳۵ جمعیت ۲۵۴/۸۷۶ مأخذ: مرکز آمار ایران سال ۱۳۴۵ جمعیت ۴۲۴/۰۴۵ سال ۱۳۵۵ جمعیت ۶۷۱/۵۱۰ دوره جمهوری اسلامی سال ۱۳۶۵ جمعیت ۹۸۶/۷۵۳

سال ۱۳۶۸ جمعیت ۱۱۹/۸۵۰ سال ۱۳۷۰ جمعیت ۱/۱۲۷/۰۳۰ سال ۱۳۷۵ جمعیت ۱/۲۶۶/۰۷۲ سال ۱۳۸۵ جمعیت ۱/۹۶۳/۳۱۵

کتاب شناسی اصفهان

لیست کتاب ها

- ۱- آرامگاه ارامنه اصفهان، میراث کم نظیر تاریخ مدفن... ۲ - آرامگاه خارجیان اصفهان ۳ - آرامگاه خارجیان اصفهان، سرگذشت دهها تن از خارجیان ۴ - افسانه اصفهان آبی ۵ - اقتصاد جابه جا گری و پژوهشی در راههای استان اصفهان ۶ - الاصفهان ۷ - انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات... ۸ - اولویت بندی مسائل اجتماعی و فرهنگی استان اصفهان ۹ - اصفهان موزه همیشه زنده ۱۰ - ایتالیا و اصفهان ۱۱ - ایران در یکصد و سیزده سال پیش با شرح و تصویر ۱۲ - بازار بزرگ اصفهان ۱۳ - برج های کبوتر اصفهان ۱۴ - بررسی اوضاع و ویژگی های فرهنگ عمومی استان اصفهان ۱۵ - بررسی گورستان تخت فولاد اصفهان ۱۶ - پژوهشی درباره سقاخانه ها و سنگابهای اصفهان ۱۷ - پوشش گیاهی منطقه اصفهان ۱۸ - پیش در آمد اصفهان: تصنیف نوع بشر ۱۹ - تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان ۲۰ - تاریخ ارمنیان جلفای اصفهان در یک

صد و چهل سال اخیر ۲۱ - تاریخ اصفهان ۲۲ - تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و آثار (تتبه ابنیه و آثار ۲۳ - تاریخ تشیع اصفهان (از قرن اول تا پایان قرن دهم) ۲۴ - تاریخ تئاتر در اصفهان ۲۵ - تاریخ جلفای اصفهان ۲۶ - A short history of the historical building at I ۲۷ - تاریخچه مطبوعات اصفهان ۲۸ - تجربه ای نوین در مرمت شهرها ۲۹ - تجلی فضائل یاد نامه استاد حبیب اله فضائلی ۳۰ - تذکرت القبور، به ضمیمه اشعار و مثنویات ۳۱ - تذکرت شعرا استان اصفهان از قرن پنجم تا عصر حاضر ۳۲ - تربت پاک، راهنمای تخت فولاد اصفهان ۳۳ - ترجمه محاسن اصفهان (مفصل ابن سعد ابن حسین ما فروخی ۳۴ - تکثیر و پرورش آبریان در اصفهان و تاکید بر ترویج آن ۳۵ - اصفهان، تهران، شیراز ۳۶ - جغرافیای استان اصفهان (کتابهای درسی) ۳۷ - جغرافیای اصفهان ۳۸ - جلوه های هنر در اصفهان ۳۹ - جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری (تاریخ مشروطه... ۴۰ - چکیده پایان نامه های دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه ۴۱ - چکیده پایان نامه های تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان ۴۲ - چهار مضراب بیداد، چهار مضراب اصفهان ۴۳ - چهار مضراب چهارگاه؛ چهار مضراب بیات اصفهان ۴۴ - چهره افروختگان خطه زنده رود؛ یادی از فرهیختگان ۴۵ - چهره نگاران اصفهان (گوشه ای از تاریخ عکاسی ایران ۴۶ - الحركه الفكریه العربیه فی الاصفهان فی القرون ال ۴۷ - حکایت پارسایی؛ شرح زندگانی و اندیشه های... ۴۸ - حیاط در حیاط؛ حیاط در خانه های سنتی ایران... ۴۹ - خاندان

شیخ الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال... ۵۰ - خدمات دولتی اصفهان به انضمام فهرست تغییرات اسامی ۵۱ - خریدہ القصد و جرید العصر فی ذکر فضلاء اهل اصفهان ۵۲ - خانه های اصفهان ۵۳ - خلبانان؛ خاطراتی از خلبانان هوانیروز اصفهان... ۵۴ - خوشنویسی در کتیبه های اصفهان ۵۵ - دارا و سارا در اصفهان ۵۶ - دانشمندان و بزرگان اصفهان ۵۷ - دخترک ژولیده برگزیده آثار بزرگان موسیقی ایران... ۵۸ - در جستجوی هویت شهری اصفهان ۵۹ - درگه اهل هنر (زندگی و آثار برگزیدگان هنرهای سنتی ۶۰ - دیدنی های اصفهان ۶۱ - ذکر اخبار اصفهان ۶۲ - راز هندسه پنهان در نما و معماری پل خواجه اصفهان ۶۳ - راهنمای تلفن اصفهان ۶۴ - راهنمای جامع آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۶۵ - راهنمای سفر به استان اصفهان ۶۶ - راهنمای سیاحتی شهر بزرگ اصفهان به همراه نقشه جامع ۶۷ - سفر نامه به سوی اصفهان **Vers** ۶۸ - **Isfahan** - سفر نامه شاردن: بخش اصفهان ۶۹ - سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی ۷۰ - سقوط اصفهان؛ گزارشهای گیلاننتر درباره حمله... ۷۱ - سه طرح پیشنهادی درباره افزایش اشتغال و... ۷۲ - سیمای اجتماعی استان اصفهان ۷۳ - سیمای سلامت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی... ۷۴ - شاردن و ایران ۷۵ - شرح درد فراق ۷۶ - شعرای اصفهانی شبه قاره ۷۷ - شعر گلپایگان شعر اصفهان ۷۸ - شکایت معشوق ۷۹ - شناخت استان اصفهان ۸۰ - صحنه خاطره اصفهان ۸۱ - طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان... ۸۲ - طرح وبافت تهران قدیم و... ۸۳ - عطر یاس

۸۴ - علما الاسره در نظيم في رسم تحيه و تسليم ۸۵ - عملکرد دولت اصلاحات در دولت اصفهان ۸۶ - عملکرد ۸ ساله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی است ۸۷ - غذاهای سنتی اصفهان به همراه نکاتی برجسته از بزرگان ۸۸ - غزل مردان اصفهان از دیروز تا امروز ۸۹ - فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی اصفهان از... ۹۰ - فوائد الفوائد فی احوال مدارس و المساجد ۹۱ - فرهنگ پستی آبادیهای استان اصفهان ۹۲ - فرهنگ جامع نام ها و آبادیهای کهن اصفهان ۹۳ - فرهنگ و زیست ۹۴ - فرهیختگان ۹۵ - سالنامه آماری استان اصفهان ۱۳۸۰ ۹۶ - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۶۶... ۹۷ - سرشماری عمومی صنعت و معدن... ۹۸ - سرشماری عمومی کارگاهی ۱۳۸۱... ۹۹ - سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷... ۱۰۰ - سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵ ۱۰۱ - سروقامتان جاودانه یادواره فرماندهان و مدیران... ۱۰۲ - سفر اصفهان؛ گزارش از سفر ریاست جمهوری،... ۱۰۳ - سفر اصفهان؛ گزارشی از سفر ریاست محترم جمهوری... ۱۰۴ - عنوان: سفر اصفهان؛ گزارشی از سفر ریاست محترم... ۱۰۵ - سفر نامه اصفهان ۱۰۶ - سفر نامه اصفهان و شیراز ۱۰۷ - راهنمای مشاغل گنجینه ۱۳۶۵ ۱۰۸ - راهنمای مطبوعات، فهرست نشریات موجود در... ۱۰۹ - راه های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته... ۱۱۰ - رجال اصفهان در علم و ادب و هنر ۱۱۱ - رضا عباسی اصلاح گر سرکش ۱۱۲ - رفتارهای فرهنگی ایرانیان (موج اول) یافته های... ۱۱۳ - روز شمار انقلاب اسلامی به روایت اسناد و مدارک... ۱۱۴ - روشهای تخمین تابع تقاضای برق خانگی

۱۱۵ - ریسایکلینگ اینداستریال این اصفهان ۱۱۶ Recycling indust - زمین آسمانی ۱۱۷ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان، ... ۱۱۸ - سفرنامه ابن بطوطه ۱۱۹ - از هند به ایران ۱۲۰ - سفر به شمال و مرکز ایران ۱۲۱ - نصف جهان فی تعریف الاصفهان ۱۲۲ - سفرنامه ونیزیان در ایران ۱۲۳ - یک ماه مسافرت در اصفهان ۱۲۴ - سفرنامه اوژن اوژن ۱۲۵ - ایران سرزمین ائمه ۱۲۶ - سفرنامه بارنز ۱۲۷ - یکسال در میان ایرانیان ۱۲۸ - عبور از ایران از خلیج فارس ۱۲۹ - سفر هیئت سلطنتی پروس به ایران در سال ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱ ۱۳۰ - سفرنامه موریس برونو ۱۳۱ - سفرنامه کرونیک برونو ۱۳۲ - سفر نامه کورنی برونو در شرق ۱۳۳ - در زیر آسمان ایران ۱۳۴ - دون زوان ایرانی ۱۳۵ - سفرنامه گرجستان - ایران - ارمنستان ۱۳۶ - سفرنامه پولاک ۱۳۷ - ملاحظات دهلی - دیدار اصفهان ۱۳۸ - سفرنامه حاجی پیرزاده ۱۳۹ - سفرنامه تاورنیه ۱۴۰ - اصفهان نصف جهان ۱۴۱ - سفری از هندوستان به انگلستان از طریق ایران ۱۴۲ - ایران در گذشته و حال ۱۴۳ - سفر در ایران ۱۴۴ - رساله ی سیاح فرهنگی موسوم به بصیرت نامه ۱۴۵ - یک سفر پائیزی در غرب ایران ۱۴۶ - سفرنامه پیتروودولا واله ۱۴۷ - سفرنامه مادام دیولافوا ۱۴۸ - سفر به ایران ۱۴۹ - از خراسان تا بختیاری ۱۵۰ - سفر به ایران ۱۵۱ - کشور صوفی بزرگ ۱۵۲ - دولت صفویه و سفر نویسان اروپائی ۱۵۳ - ایران در سیاحت نامه

ها ۱۵۴ - سفر نامه فرد ریچاردز ۱۵۵ - سفر به ارمنستان و ایران ۱۵۶ - سفر نامه سانسون ۱۵۷ - نظریات سیاحان و جغرافی دانان درباره اصفهان از... ۱۵۸ - سفر نامه سیف الدوله ۱۵۹ - سفر نامه شاردن ۱۶۰ - سیاحت نامه ژان شاردن ۱۶۱ - ایران صفوی از دیدگاه اروپائیان... ۱۶۲ - سیاحت در ایران و اثر آن در اندیشه فرانسه قرن هجدهم ۱۶۳ - سفر نامه شرلی ۱۶۴ - آثار و افکار حکماء و عرفای مشهور اصفهان ۱۶۵ - اطلس شهر اصفهان مقیاس ۷۰۰ و ۱:۱۲ - اصفهانی های شوخ و حاضر جواب ۱۶۷ - اصفهان و توسعه ۱۶۸ - اصفهان نهان دل من ۱۶۹ - آشنایی با بازیگران تئاتر، سینما، و تلویزیون اصفهان ۱۷۰ - اصفهان نگین سرزمین ایران ۱۷۱ - اصفهان نگین جهان ۱۷۲ - آشنایی با زندگی و شخصیت و شهادت دلباخته امام زمان ۱۷۳ - آشنایی با شهر تاریخی اصفهان ۱۷۴ - اصفهان نصف جهان ۱۷۵ - اصفهان موزه همیشه زنده ۱۷۶ - آشنایی با منابع طبیعی استان اصفهان ۱۷۷ - آشنایی با نظام آموزش هنرستان موسیقی پسران اصفهان ۱۷۸ - مشتمل بر چهار فصل. تاریخ، جغرافیا، ابنیه و آثار... ۱۷۹ - ایتالیا و اصفهان ۱۸۰ - آشیانه مهر ۱۸۱ - آمارنامه استان اصفهان ۱۸۲ - اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر ۱۸۳ - اصفهان قدیم از دیدگاه سیاحان و خاور شناسان جهان ۱۸۴ - اصفهان شهر صنعت و هنر ۱۸۵ - اصفهان شهر چهره های جهانی ۱۸۶ - اصفهان، شکوه سالها ۱۸۷ - اصفهان (زادگاه جمال و کمال) ۱۸۸ - اصفهان در انقلاب: دوره

بحران ۱۸۹ - اصفهان تصویر بهشت ۱۹۰ - اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی ۱۹۱ - اصفهان پیش از اسلام (دوره سامانی)
۱۹۲ - اصفهان بهانه بود ایرانم آرزوست ۱۹۳ - اصفهان از نگاهی دیگر ۱۹۴ - اصفهان از دید سیاحان خارجی ۱۹۵ -
۱۹۶ Isfahan GH - اسوه های شهادت در اصفهان ۱۹۷ - استان اصفهان ۱۹۸ - اشک قلم، مجموعه خط، دریچه ای به باغ
هنر اصفهان ۱۹۹ - اسامی کارشناسان رسمی داد گستری استان اصفهان و... ۲۰۰ - آشنائی با شهر تاریخی اصفهان ۲۰۱ - از
مکتب خانه تا دانشگاه: شتاب دگرگونی های مردم اص ۲۰۲ - آئین فرزاندگی ۲۰۳ - آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

مشاهیر و مفاخر اصفهان

شعرا

ابوالفرج اصفهانی

علی بن حسین بن هیشم: (۲۸۴ - ۳۵۶ ق) مورخ، محدث، ادیب، شاعر و موسیقیدان، در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و
نما یافت ابوالفرج در ادبیات، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می گفت. وی در بغداد
درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته کتاب «الآغانی» است.

راغب اصفهانی

ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد، معروف به راغب اصفهانی، از استادان لغت، حدیث و شعر و نویسندگی و
اخلاق و حکمت و کلام و از دانشمندان بزرگ قرن پنجم و ششم اسلام و ایران است در اوایل قرن ششم هجری وفات نموده
است. راغب دارای تألیفات مهمی بوده که از جمله آنها: تفسیر قرآن کریم، تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین، الذریعه الی
مکارم الشریعه، المفردات فی هزیب القرآن، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء را می توان نام برد.

جمال الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی

شاعر نام آور قرن ششم و از قصیده سرایان معروف ایران است. وی بیشتر عمر خود را در اصفهان گذرانده جمال الدین از
معاصران خاقانی و نظامی است و مراسلات نظم و نثر او با خاقانی زینت افزای اوراق است. جمال الدین غیر از سخنوری و
بصیرت در حکمت و ریاضی در صنعت زرگری و نقاشی هم ماهر بوده است.

کمال الدین اسمعیل بن جمال الدین عبدالرزاق

خلاق المعانی از شاعران و قصیده سرایان بزرگ سبک عراقی. در قرن هفتم هجری قمری بشمار می رود. وی روزگار را در
مدح اکابر اصفهان و شاهان معاصر خود گذرانید. کمال الدین دوره وحشتناک حمله مغول را به تمامی درک کرد وی به
استادی و مهارت در آوردن معانی دقیق و التزامات دشوار، شهرت وافر دارد و در قصایدش، توجه خاصی نسبت به زادگاهش
اصفهان دیده می شود. به سال ۶۵۳ ه. ق بدست مغولی به قتل رسید.

ابن مسکویه

ابوعلی / ابو عبدالله احمد بن محمد بن یعقوب (وف ۴۲۱ق) فیلسوف، ادیب، نویسنده و منشی آل بویه. ملقب به خازن. در خانواده ای زرتشتی در ری متولد شد. لیکن بعد اسلام آورد. ابن مسکویه چهره برجسته ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته های گوناگون، تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. از آثار مهم او «تجارب الالم و عواقب الهمم» در تاریخ است از دیگر آثار بزرگ وی: «تذہیب الاخلاق و تطہیر الاعراق». در فلسفه اخلاق است.

حمزه اصفهانی

ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی از مورخین و ادیبان بزرگ و برجسته، در حدود سال ۲۷۰ هجری قمری در اصفهان متولد گردیده است، از جمله آثار وی، کتاب مشهور تاریخ سنی الملوک الارض و الانبیاء می باشد که به لحاظ اشمال آن بر اطلاعات کثیر راجع به ایران، دارای اهمیت فراوان است. از دیگر کتاب های منسوب به وی، از کتاب التصحیف و کتاب کبارالبشر می توان یاد کرد. حمزه، قبل از سنه سیصد و شصت هجری قمری وفات نموده است.

سید احمد هاتف اصفهانی

از مشاهیر شعرا و عرفای دوره افشاریان و زندیان است. تحصیلات وی در ریاضی حکمت و طب بوده و غالباً بین سه شهر اصفهان، کاشان و قم سفر می کرده است. آخر عمر در قم سکنی می گزیند. او به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می سروده و دیوانش مرکب از قصاید، غزلیات، مقطعات و رباعیات می باشد. عمده شهرت هاتف به واسطه ترجیع بند عرفانی اوست.

صائب تبریزی

میرزا محمدعلی، پسر میرزا عبدالرحیم است که به امر شاه عباس اول از تبریز کوچیده و در محله عباس آباد اصفهان متوطن شد. صائب در اصفهان متولد شده در این شهر نشو و نما کرده و شهرت یافت. وی از گویندگان معتبر شعر دوره صفوی به شمار می رفته است. در سخن سرائی سبکی خاص داشته است. از طرف شاه عباس ثانی به لقب ملک الشعرائی مفتخر شد صائب دواوین متعدده دارد، مجموعه آثارش قریب به یکصد و بیست هزار بیت است که بیشتر غزل است ولی قصیده و مثنوی هم دارد.

حکیم شفایی

(ت. ۹۶۶ ه. ق / م. ۱۰۳۷ ه. ق) حکیم شرف الدین حسن بن حکیم ملا اصفهانی مشهور به شفایی، از عالمان و پزشکان مشهور زمان شاه عباس صفوی است. وی از عالمان و پزشکان مشهور زمان شاه عباس صفوی و طبیب خاص و ندیم وی بوده است. او علاوه بر مقام شامخ طبابت در حکمت و شعر و ادب نیز مقامی عالی داشته است. در انواع نظم از قصیده و غزل و مثنوی طبع آزمایی کرده است. کلیات آثار وی در حدود پانزده هزار بیت است. از مهمترین تألیفات وی: بیست باب در طب، مثنوی دیده بیدار، مثنوی مهر و محبت و نمکدان را می توان نام برد.

عاشق اصفهانی

(ت قرن دوازدهم ه. ق / م ۱۱۸۱ ه. ق) آقا محمد خیاط اصفهانی در یکی از مدارس اصفهان حجره داشته و در آنجا به شغل خیاطی می پرداخته است. از علوم رستمیه بهره ای داشته، در فن شعر به استادی مسلم بوده است دارای قناعت طبع عالی بوده و قبول صلّه و انعام از کسی نمی نموده است. بیاض و قلمدانی نزد خود داشته و هر گاه شعری وارد خاطرش می شده، چیزی را که در دست داشته کنار نهاده و به نوشتن آن می پرداخته است. دیوان غزلیات او به ده هزار بیت رسیده و در آنها از مضامین عاشقانه مدد جسته است.

وحید دستگردی

(ت ۱۲۵۸ ه. ش قریه دستگرد / م ۱۳۲۱ ه. ش، امامزاده عبدالله تهران) حسن فرزند قاسم، از محققان بزرگ و ادباء و شعرای معروف اصفهان، تحصیلاتش را در رشته ادبیات فارسی، عربی، فقه و حکمت، در نزد اساتید بزرگ اصفهان به پایان رسانید. در آغاز مشروطیت به جرگه آزادیخواهان پیوست. در سال ۱۲۹۸ ه. ش مجله ادبی ارمغان را در تهران تاسیس کرد که مدت ۲۲ سال منتشر گردید. کتابهای بسیاری را تصحیح، خشیه و چاپ کرد. از مهمترین تالیفات وی: انقلاب ادبی، ره آورد وحید، سرگذشت اردشیر، سفینه بهترین اشعار و ... است.

شیخ اوحالدین بن حسین اوحدی مراغی اصفهانی

(ت ۶۷۳ ه. ق، مراغه / م ۷۳۸ ه. ق مراغه) از عارفان مشهور عصر خویش بوده است. زندگانی اوحدی در روزگاران نخست از حیات وی در مراغه سپری شد. آن گاه چندی به سیاحت پرداخت و چند سالی در اصفهان زادگاه پدرش سکونت گزید، سپس به آذربایجان بازگشته و در آن جا سرگرم ارشاد و نیز نظم اشعار عارفانه خود شد. وی در آغاز «صانی» تخلص می کرد ولی بعدها بر اثر ارادتش به شیخ اوحالدین کرمانی، آن را به اوحدی تغییر داد. آثار وی شامل دیوان قصاید و ترجیعات و غزلیات بالغ هشت هزار بیت، مثنوی ده نامه ی منطق العشاق و مثنوی «جام جم» می باشد.

میرزا محمد علی سروش اصفهانی

(ت ۱۲۲۸ ه. ق سده اصفهان / م ۱۲۸۵ ه. ق تهران) شمس الشعراء از جوانی کسب کمال و معرفت کرد و استعداد فطری بروز داد. در شهرهای ایران به مسافرت پرداخته و مدتی در تبریز اقامت گزید. سروش قسمتی از عهد فتحعلیشاه تمام دوره محمد شاه، و حدود بیست سال از پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار درک کرد. وی در موقع جلوس ناصرالدین شاه به سلطنت از مخصوصین او بود و در اعیاد و مجالس سلطنتی، اشعار تهنیت به عهده بود. سروش گذشته از دیوان قصاید و غزلیات و قطعات ... آثار دیگری از جمله: روضه الانوار، شمس المناقب، شصت بند و ... دارد. یکی از علل معروفیت او از دست ندادن جاذبه طبیعی شاعرانه و آلوده نکردن سادگی ذاتی جذاب خود به تلقینات ساختگی کتابها بود.

میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی

(ت قرن سیزدهم ه. ق اصفهان / م ۱۲۱۹ ه. ق: نجف) مرحوم معتمد الدوله تحصیلات خود مانند طب و غیره را در اصفهان تکمیل نمود. زبان ترکی، عربی و فارسی را خوب می دانسته و به هر سه زبان نظم و نثر و مسائل منستیانیه با اسلوب آن زمان

می نوشته است. زمانی که مهارت او در فن انشاء و خوش خطی به گوش فتحعلیشاه رسید به تهران احضارش نموده و منصب رسائل خود را به او واگذار نمود. نشاط در تربیت فضلا و معرفی آنها به پادشاه وقت اهتمام تام به جا می آورد و کتابی دارد به نام «گنجینه نشاط» که لهالی منشات و اشعار خود را در آن جمع نموده است.

علمای بزرگ اصفهان

سلمان فارسی

یکی از مشاهیر صحابه پیغمبر و از شخصیت های بسیار بزرگ اسلام؛ وی دهقان زاده ای از ناحیه «جی» اصفهان بوده. وی به دلیل تمایل به دین عیسوی، علیرغم مخالفت پدر، به سمت شام می رود. در آنجا از ظهور پیامبر اسلام آگاه شده و چون گفته ها و علایم و نشانه هایی که از کشیش مراد خود شنیده بود در پیغمبر بدید، به زودی اسلام آورد. پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در خلافت عمر بن الخطاب، به حکومت مدائن منسوب شد. وفات وی به سال ۳۵ یا ۳۶ ه. ق اتفاق افتاده است.

میرداماد

(م. ۱۰۴۱ ه / ۱۶۳۱ م). میر محمد باقر بن میر شمس الدین محمد حسینی، استرآبادی، فیلسوف، حکیم، عالم در علوم معقول و منقول، فقیه، متکلم، شاعر، مادرش دختر محقق کرکی و پدرش ملقب به داماد با شیخ بهایی دوست و همتا بود و هر دو نزد شاه عباس تقرب داشتند. از آثارش: قبسات، عیون المسائل، مرآه الزمان، جبل المتین، السبع الشداد و دیوان شعرایشان می باشد.

شیخ بهایی

شیخ بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی (ت: ۹۵۳ ه. ق: بعلبک / م. ۱۰۳۰ ه. ق: مشهد) معروف به شیخ بهایی فقیه، حکیم، منجم، شاعر و مورخ در خردسالگی به همراه پدر و خانواده اش به ایران آمد. در محضر پدر و بعضی از عالمان تربیت یافت. در اصفهان ملازم درگاه شاه عباس و از مقربان او بود. از شاخص ترین اقدامات وی در اصفهان، احداث حمام معروف به شیخ بهایی، طراحی و نقشه کشی مسجد امام و نیز تنظیم طومار آب زنده رود است از جمله مهمترین تألیفات وی، جامع عباسی، مفتاح الفلاح اربعین، تشریح الافلاک، خلاصه الحساب، کشکول... را می توان نام برد. بهاءالدین به تازی و به پارسی شعر می سرود و در شعر بهایی تخلص می کرد.

میر ابوالقاسم فندرسکی

از حکما و عرفای معروف عصر شاه عباس کبیر و شاه صفی صفوی است. در کلیه علوم عقلی، یگانه زمان و در عرفان دارای مقامی رفیع بوده است. وی غالباً به مصاحبت فقراء و اهل حال می پرداخته و از معاشرت با صاحبان جاه احتراز می نموده و بیشتر لباس فرومایه و پشمینه می پوشیده است. معروفترین تألیفات میرفندرسکی عبارتند از: تاریخ الصفویه، تحقیق المزله و رساله صنایع. میرفندرسکی در سال ۱۰۵۰ ه. ق در گذشته و در تخت فولاد در تکیه میر به خاک سپرده شده است.

ملا اسماعیل خواجوی

مولی محمد اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاءالدین محمد مازندرانی، وی از آیات علم و فلسفه و از اکابر فقها و متکلمین اسلام که در حکمت و فلسفه و کلام و فقه و حدیث و رجال بسیار متبحر و مخصوصاً در حکمت استاد مسلم بوده است. وی دارای خط خوشی بوده و علاوه بر مراتب علمیه و مکارم ظاهره، دارای مقامات روحانی نیز بوده است. تألیفات او در فقه و رجال و کلام و عرفان و غیره بسیار می باشد. وفات او را در یازدهم شعبان ۱۱۷۳ / ۱۱۷۷ ضبط کرده اند و قبر او در تخت فولاد نزدیک قبر فاضل هندی است.

سید محمدباقر درجه ای اصفهانی

در سال ۱۲۶۴ قمری در قریه درجه لنجان متولد گردید. در عصر خود از مراجع بزرگ شناخته می شده بطوری که بسیاری از او تقلید می نموده اند. وی در شب جمعه ۲۸ ماه ربیع الاخر ۱۳۴۲ در حمام درجه ناگهان وفات نمود. مرحوم درجه ای دارای تألیفات بوده است که از جمله مهمترین آنها، یک حوزه فقه و اصول در شانزده جلد و نیز حاشیه بر متاجر را می توان نام برد.

سید ابوالحسین اصفهانی

فرزند سید محمد عالم، مجتهد و مرجع اعلای شیعه، اصلاً از سادات موسوی بهبهان بود. در یکی از روستاهای لنجان اصفهان به نام مدیسه به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۵ قمری مرجعیت شیعه به صورت تمام به وی محول شد و تنها مرجع مسلم شیعه گشت، در سن ۸۸ سالگی بدرود حیات گفت و در نجف در کنار استادش، آیت الله آخوند خراسانی به خاک سپرده شد. از آثارش: «وسیله النجاه» و ترجمه های فارسی آن «صراط النجاه» و «ذریعه الحیاه»؛ «ذخیره العباد لیوم المعاد»؛ «ذخیره الصالحین»؛ «حاشیه تبصره علامه»؛ «منتخب الرسائل»؛ «انیس المقلدین»؛ «مناسک»؛ «تحفه العوام»، مجموعه فتاوی به زبان اردو.

حاج آقا رحیم ارباب

حکیم و عارف فرزانه و فقیه و ادیب عالیقدر آیه الله آقای حاج آقا رحیم ارباب یکی از چهره های درخشان حکمت و فلسفه و فقه و دیگر معارف اسلامی است در سال ۱۲۹۷ قمری در یکی از توابع اصفهان متولد گردید.

سید حسن مدرس

سید حسن مدرس (ت ۱۲۸۷ ه. ق: روستای سرابه کچو / ش ۱۳۵۶ ه. ق: کاشمر) روحانی مبارز عصر مشروطیت و دوران رضاخانی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، عازم عتبات عالیات گشته، نزد اساتید بزرگ آن زمان به درجه اجتهاد نائل آمد. در دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف تمامی مراجع شیعه، به عنوان عالم طراز اول، و در دوره سوم از جانب مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. پس از چند سال حبس و تبعید، بنا بر قول مشهور، در کاشمر به دست عوامل پهلوی شهید گردید.

سیده نصرت امین

(۱۳۰۸ - ۱۴۰۵ ق) عالم و مجتهده آمنه بیگم حاجیه نصرت خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین التجار اصفهانی، از

کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام به مرتبه استنباط رسید. وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می کرد. از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»، «سیر و سلوک»؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران» «سیر و سلوک» در روش اولیاء الله، «مخزن العرفان» و «کنز العرفان» در علوم قرآن، «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»، «النفحات الرحمانیه فی الوردات القلیبیه» حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللثالی فی فضایل مولی الموالی»

آقا محمد بیدآبادی

حکیم بزرگوار و عارف فرزانه دل، آقا محمد بیدآبادی، فرزند ملا محمد رفیع گیلانی از مشاهیر حکمای قرن دوازدهم هجری است. وی در حکمت و فلسفه و عرفان از استادان مسلم و در سیر و سلوک و ریاضت و تقوی و تهذیب نفس، ضرب المثل زمان خود بوده است. آقا محمد بیدآبادی تعلیقاتی بر کتب محققین از حکماء و فقها نوشته و در علم کیمیا که نوعی از علم شیمی است نیز وارد بوده است و حتی به آزمایش نیز می پرداخته است. وی در سال ۱۱۹۷ ه. ق وفات یافته و در تخت پولاد جنب قبر پدرش پشت تکیه خوانساری ها دفن گردید.

حاجی محمد ابراهیم کلباسی

در سال ۱۱۸۰ هجری در اصفهان متولد گردید. دارای مؤلفات و حواشی و رسائل زیادی است که از جمله مهمترین آنها، اشارات الاصول، ایقاضات، شوارع الهدایه و منهاج الهدایه را می توان نام برد. در سال ۱۲۶۱ وفات یافت مدفن او در بقعه مقابل درب مسجد حکیم است.

ابونعیم اصفهانی

احمد بن عبدالله / عبیدالله (۳۳۴ / ۳۳۶ - ۴۳۰ ق)، محدث، عارف و مورخ، معروف به حافظ اصفهانی. به گفته صاحب «ریاض العلماء» ابونعیم نیای بزرگ علامه مجلسی است. وی فقه و تصوف را با حدیث توأم ساخت. در اصفهان متولد شد. بیش از چهار صد و سی عالم حدیث به او اجازه روایت دادند که برای بعضی از آنان وی تنها راوی شناخته شده است. از جمله آثارش: «منقبه المطهرین و مرتبه الطیین»؛ «ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علیه السلام»؛ «حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء»؛ «تاریخ اصفهان» یا «ذکر اخبار اصفهان» در دو مجلد؛ «فضایل الصحابه»؛ «النفاق»؛ «علوم الحدیث»؛ «طب النبی» «کتاب الطب» یا «الشفای فی الطب» «ریاضه المتعلم» «معجم الشیوخ» «حرمه المساجد».

فاضل هندی

بهاءالدین محمد ملقب به فاضل هندی، متولد ۱۰۶۲ هجری در اوایل زندگانی در هندوستان بسر می برده، از این روی به فاضل هندی معروف شده است. وی از علمای بنام و فقهای عالی مقام است بطوری که به «تاج الفقها» نیز معروف گردیده است. از جمله مهمترین تصنیفات او، کتاب معروف «کشف اللثام عن قواعد الاحکام» است. فوت او در فتنه افغان و در ۲۵ رمضان ۱۱۳۷ در اصفهان اتفاق افتاد و در تخت فولاد مدفون گردید.

حکیم جهانگیر خان قشقایی

جهانگیر خان فرزند مرحوم محمدخان قشقایی دره شوری، از اعظام حکما و اجله دانشمندان اصفهان است که در سال ۱۲۴۳ ه. ق متولد شد. در ابتدا عمر تحصیل اندکی کرد ولی در چهل سالگی ناگهان شوق به تحصیل علوم و دانش او را به سوی اصفهان کشانده به گونه ای که پس از چندی در حکمت و اصول و ریاضی و هیئت استاد مسلم گردید. در سال ۱۳۲۸ قمری در اصفهان فوت شد و در تکیه سید محمد ترک تخت فولاد مدفون گردید.

علامه محمد باقر مجلسی (ره)

ملا محمدباقر بن ملا محمد تقی مجلسی (ره) (ت. ۱۰۳۷ ه. ق: اصفهان / م. ۱۱۱۱ یا ۱۱۱۰ ه. ق: اصفهان) از بزرگترین و معروفترین علمای شیعه در عهد صفویه است. در اواخر عهد شاه سلیمان و قسمت عمده دوران شاه سلطان حسین دارای رتبه شیخ الاسلامی و امام جمعه و صاحب اختیار امور دینی کل کشور بود. مجموع تألیفات وی متجاوز از ۶۰ مجلد است که معروفتر از همه، کتاب بحارالانوار می باشد از دیگر تألیفات مهم وی: حق الیقین، حلیه المتقین، حیات القلوب و... است.

حجه الاسلام سید شفتی

سید محمدباقر بن تقی موسوی در سال ۱۱۸۰ ه. ق در قریه شفت گیلان متولد گردید. وی از اعظام علمای اواخر امامیه و در فقه و اصول و رجال و روایت و هیئت و علوم ادبیه و فنون عربیه از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیه و حید روزگار و در عبادت و مناجات و سخاوت و عطایا و اقامه حدود او، نوادر بسیاری منقول گردیده است. مصنفات حجه الاسلام، بیشتر کتب فقهی و اصول و آیات و احکام و یک عده نیز در رجال و نحو و ادب است و از تمام آنها مشهورتر کتاب «مطالع الانوار» است.

سید عطاء الله امامی

سید عطاء الله درب امامی حسینی فرزند آقا سید محمد، عالم پرهیزگار، از سادات درب امامی که نسبت ایشان به امامزاده درب امام منتهی می شود. وی نزد علمای بزرگی چون آخوند کاشی و شیخ محمد رضا نجفی کسب علم نمود.

هنرمندان

مجسمه سازی، جهانگیر آیتی، قلمزنی برجسته، محمد اسکندری، قلمزنی، محمدحسین عباس پور، قلمزنی، منصور حافظ پرست، قلمزنی، سیدمهدی علمداری الیادارانی، قلمزنی، علی حافظی قلمزن، قلمزنی، محمد علی فرشید، میناسازی، مرتضی حسینی سربازی، میناسازی، غلامرضا فیض الهی، میناسازی، غلامعلی فیض الهی

میناسازی، اصغر فولادگر، میناسازی، مرتضی اسماعیلی، نگارگری ایرانی، رضا بدر السماء، نگارگری ایرانی، محمدرضا شریفی، نگارگری ایرانی، سید جعفر فتاحی، نگارگری و تذهیب، مهرداد صدوری شهرضایی، نگارگری سنتی زهره، فیض الهی، نقاشی، طلعت صابری، نقاشی، سید رضا فتاحی

نقاشی، ضیاء الدین امامی نجفی دهکردی، نقاشی، عباسعلی پور صفا، نقاشی آبرنگ و رنگ روغن، بهمن منوچهری، نقاشی خط، غلامرضا راه پیما، نقاشی و عکاسی، امان الله طریقی، خوشنویسی و نقاشی خط، محمدعلی شادمان، خوشنویس، محمدعلی جعفری، معرق کاشی، حسین علی مصدق زاده، معرق کاری، مهدی ملک زاده

معرق سنگ و شیشه، حمید سلمان زاده، سوخت معرق و طلا- کوبی و خوشنویسی، علی خوشنویس زاده اصفهانی، کاریکاتورست، مهدی تمیزی، کاریکاتورست، امیر رضا خرد آزاد ریال، شعر کلاسیک، خورشید رخشان، کاریکاتورست، افشین شمس قهفرخی، فرش دستباف، فیض الله صفدرزاده حقیقی

طراحی فرش، اکبر مهدی ئی، سینما، اکبر خامین، عکاس، غلامحسین عرب، پژوهشگر، سید مهدی سجادی نائینی، خاتم کاری، اسداله شاه میوه اصفهانی

محورهای گردشگری اصفهان

محور حسن آباد به تخت فولاد

این محور که در اصل از قدیمی ترین بخشهای محور فرهنگی تاریخی بازار می باشد از بازارچه چهارسوق مقصود شروع و از طریق بازارچه حسن آباد به دروازه حسن آباد که به نقل از شاردن سیاح معروف فرانسوی از قدیمی ترین دروازه های اصفهان می باشد و مدخل قصرشاه حسن بوده است و از آنجا به چهارسوق نقاشی و مکینه خواجه رسیده و از طریق چهارباغ خواجه به پل خواجه و از آنجا از طریق چهارباغ

صدر به اراضی تخت فولاد منتهی می گردد. قبرستان تخت فولاد که قدمتش به دوره های قبل از اسلام می رسد که از دوره صفویه به بعد از مهمترین قبرستان شهر اصفهان محسوب می شده است.

محور جویباره

توضیحات

محله جویباره اصلی ترین هسته اولیه شهر اصفهان است که منشأ آن به اوایل حکومت هخامنشی و مهاجرت یهودیان به دستور کوروش برمی گردد. نقطه ای که یهودیان در آن رحل اقامت افکندند تا قرن پنج هجری به دار الیهوده معروف بوده است.

اما بعدها تغییر نام داد و به جهانباره یا جویباره معروف شد. جویباره در دوره های بعد از اسلام یکی از محله های شهر اصفهان شد و در دوران سلجوقی مرکزیتی برای شهر پیدا کرد که وجود آثار تاریخی کهن همچون منار ساربان و منار چهل دختران روشنگر این موضوع است. صفویان و قاجاریان با بی اعتنایی به این محله آن را به دست فرسودگی سپردند و حکومت پهلوی با کشیدن چند خیابان پیکر بافت قدیم را تکه تکه کرد و به این ترتیب محله جویباره اصفهان مورد بی مهری قرار گرفت و عملاً متروک رها ماند. اکنون این محله با طرح های بهسازی در دست اقدام مرکزیت مکانی خود را در ساختار شهر تا حدودی به دست آورده است. محدوده مزبور از میدان عتیق اصفهان (میدان قیام فعلی) و بازار غاز شروع و با عبور از محله جویباره به مجموعه کنیسه ها، مقبره کمال الدین، دو منار دارالضیافه و نهایتاً به خیابان کمال رسیده و از طریق پارک کمال به منار ساربان و بازارچه میرزا باقر و از آنجا به منار چهل دختران منتهی

می گردد. این محور یکی از محورهای دسترسی مرکز شهر سلجوقی به دروازه اصفهان قدیم بوده و از لحاظ قدمت از قدیمی ترین محورهای موجود است.

جویبار

اشاره

، بازار غاز، مناره باغ قوشخانه، مسجد مصری، مسجد جامع دشتی، بازار و حمام و خانه شاه اسداله، مناره چهل دختران، امامزاده اسماعیل، مسجد جامع کاج، حمام زعفران، دو مناره دارالضیافه، بقعه جعفریه، مسجد درب جویبار، دروازه طوقچی، مناره ساربان، مقبره خواجه سید حسن، مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان، خانه های یهودی، مقبره کمال الدین اسماعیل، مسجد شعیبا

جویبار

وجه تسمیه جویبار اینک، در کنار جوی آبی قرار داشته. محله جویبار در شمال شرقی اصفهان فعلی واقع شده است که از جنوب به خیابان ولی عصر (عج) و از غرب به خیابان هاتف و از شمال به خیابان سروش محدود است و در حقیقت به شکل مثلثی از قدیمی ترین هسته های مرکزی شهر اصفهان جلب توجه می کند. زندگی مجتمع یهودیان ایران در یک نقطه از شهر و به عبارت دیگر در یک محله ی معین ریشه های کهن دارد. زندگی دسته جمعی یهودیان در ممالک اسلامی از زمان عمر بن الخطاب شدت پیدا کرد، زیرا به دستور وی محدودیتهایی نسبت به یهودیان به عمل آمد و از آزادی آنها به شدت جلوگیری شد. یکی از محدودیتهای مهم برای قوم یهود در آن دوره، زندگی مجتمع آنان در محله ی مشخص و معینی بوده است. البته باید متذکر شد که در مورد یهودیان اصفهان چنین امری صادق نیست. زیرا یهودیان اصفهان خود ساکنین قدیمی شهر اصفهان را تشکیل می دادند و پیوسته در محله ای که از زمان قدیم ایجاد شده بود زندگی می کردند، به طوری که قدمت این محله ی کهن را باید با قدمت شهر اصفهان فعلی یکسان دانست. این محور تاریخی با توجه به اسناد و مدارک و نقشه های تاریخی یک محور شهری بوده است، که مساجد،

بازارچه ها، کسبه ها، حمام، کاروانسراها و... از عملکردها و عناصر مهم در حاشیه این محور تاریخی قرار داشته است. با توجه به اینکه جویباره یک محله یهودی نشین بوده اما امروزه نمی توان این محله را کاملاً "یهودی نشین پنداشت. قدیمی ترین قسمت آن، که در گذشته "دارالیهود" نامیده می شد و در مرکز این محله قرار داشت، هنوز یهودی نشین است. درباره ی وجه تسمیه جویباره باید گفت که به معنی جاری شدن نهر کوچک است، زیرا جو به معنی نهر کوچک و باره جاری و روان شدنش می باشد. البته لغت باره را به معنی دیوار شهر هم می دانیم که از همان بارو آمده است. وجه تسمیه این محل به علت این بوده که محله ی مزبور متصل به جوی و گذرگاه آب بوده است که از حصار شهر می گذشت و جویباره بر اثر کثرت استعمال و مرور زمان به جویباره تبدیل شده است. میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی می نویسد: "... و اصل جویباره اول شهر بوده و هست، نه محله ی بزرگ داشته است. بعد که شهر اصفهان بزرگ شده تمام جویباره یک محله ی آن حساب می شد. حال که جویباره خراب شده همین دو محله ی مزبور یعنی جویباره و دردشت از آن باقی است. محله جویباره از قدیم الایام دانشمندان و علماء و شعرای بسیاری را در خود پرورش داده از جمله: ۱- محدث بزرگ ابوبکر محمدبن علی بن الحسین اسماء الجوباری "وفات ۴۶۵ ه-ق" ۲- ابوالحسین، احمدبن ابراهیم بن صالح بن منذری جوباری، راوی حدیث و فقیه بزرگ قرن پنجم ه-ق ۳- شاعر مشهور، جمال الدین عبدالرزاق "وفات ۵۸۵ ه-ق" ۴- شاعر گرانقدر کمال الدین اسماعیل بن جمال الدین عبدالرزاق "وفات ۶۳۵ ه-ق"

مسجد جامع دشتی

در ساحل جنوبی زاینده رود از مشرق به مغرب در بلوک برآآن جنوبی، دو بنای تاریخی از قرن هشتم هجری مسجد

جامع دشتی و مسجد از یران بر جای مانده است.

مسجد جامع کاج

کاج در چند کیلومتری شرق اصفهان در شمال بستر زاینده رود واقع شده و جزء بلوک (برآ آن شمالی) می باشند.

مسجد درب جویباره

در یکی از کوچه های محله جویباره مسجد محقر و ساده ای واقع شده که آن را مسجد جویباره و یا مسجد "پیرپینه دوز" نیز می نامند. وجه تسمیه آن به جویباره به علت آنکه در محله جویباره واقع شده واضح است ولی وجه تسمیه دوم آن سابقه و جنبه تاریخی ندارد. بنای مسجد دارای هیچگونه اهمیت معماری نیست ولی سر در آن در قدیم دارای تزئینات جالبی بوده است که کلیه آنها به باغ چهلستون انتقال یافته و بر یکی از دیوارهای ضلع جنوبی باغ نصب شده است از کتیبه سر در این مسجد استنباط می شود در دوره سلطنت شاه طهماسب اول "مهر محمد علی" ساخته شده که با خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی که نام خطاط آن "شیخ محمدباقر" و به سال ۹۵۵ هجری می باشد.

مسجد سلطان ابوسعید بهادر خان

متصل به مناره باغ قوشخانه تا اواخر قرن سیزدهم هجری یکی از مساجد تاریخی اصفهان از قرن هشتم وجود داشته است. مسجد مزبور به طوریکه از سفرنامه ها و تصاویر سیاحان خارجی که در قرن سیزدهم هجری اصفهان را دیده اند و از این مسجد نیز توصیف نموده اند استنباط می شود از یک سر در کارشیکاری و یک گنبد کاشیکاری با دو مناره کوچک در طرفین ایوان آن و یک صحن متناسب تشکیل می شده و مناره فعلی باغ قوشخانه جنب سر در آن قرار داشته است. مؤلف کتاب (نصف جهان-فی تعریف الاصفهان) از این مسجد به نام مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان نام می برد و چنین می نویسد: "... و بعضی امکانه آباد قدیم نیز درج از حد مذکور حال بوده چنانچه طرف شمال مشرقی مسجد سلطان ابوسعید بهادر خان که تا این اوقات باقی بوده و در این عصر خراب نمودند

و اکنون مناره ای از آن باقی است حکایت آن را می نماید.

مسجد شعیا

وجه تسمیه مرقدی که فعلا" به نام (شعیا) آنرا زیارت می کنند بر ما معلوم نیست. ساختمان مرقد فعلی هم خیلی قدیمی نیست و بنای آجری منشوری شکلی است که روی آن را با گچ اندود نموده اند. ارتفاع مرقد در حدود ۱/۷۰ متر و عرض آن ۱ متر است. در دوره رواج مذهب اسلام در اصفهان ظاهرا" در همین محل که به نام (خوشینان) معروف بوده مسجدی بنا شده که هیچ اثری از آن باقی نمانده است. صاحب مجمل التواریخ و القصص در کتاب خود می نویسد: "جامع خوشینان نخستین مسجد بود که باصفهان کردند در اسلام و بنای آن ابوحناس مولی امیرالمؤمنین عمری خطاب کرد در خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام، بر جانب شمالی مرقد شعیا کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته از دوره شاه سلطان حسین صفوی موجود است" که اولین مسجد بزرگی را که در اصفهان ساخته شده به نام (مسجد شعیا) معرفی می کند و نیز حکایت دارد از اینکه مسجد مزبور را ابوعباس مفتی در دوره خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام بنا کرده و الب ارسال آن را تعمیر کرده است. متن کتیبه به خط علی نقی امامی و مورخ به سال هزار و صد و دوازده هجری است.

مسجد مصری

در شمال ناحیه جویباره و نزدیک قبرستان شور در کوچه مصری مسجد به نام "مسجد مصری" به طول پنجاه و عرض چهل متر واقع شده که در دوره شاه عباس دوم بنا شده است و چون بانی آن به موجب کتیبه یک لوح سنگی مرمری که در داخل مسجد نصب شده است شخصی به نام حاجی میرزا خان مشهور به تاجر مصری بوده، مسجد به نام "مسجد مصری"

معروف شده است. سر در مسجد، کاشیکاری شده ولی داخل آن با گچ پوشیده شده و فاقد تزئینات است. در داخل محراب مهتابی مسجد لوح سنگی از مرمر به طول ۱۱۸ / ۱ متر و عرض ۶۴ سانتیمتر نصب شده که نام بانی آن حاجی میرزاخان در سال بنای آن (۱۰۶۱ هجری) و نام نویسنده کتیبه آن محمدرضا امامی را به خط نستعلیق برجسته در بر دارد. کتیبه سر در مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی در دو سطر و به قلم جعفرابن عبدالله مورخ به سال هزار و صد و شانزده هجری می باشد.

امامزاده اسماعیل

در حاشیه شرقی خیابانی که به نام هاتف معروف است و در قدیمترین قسمت شهر اصفهان کشیده شده مجموعه ای نفیس از معماری و تزئینات عهد سلجوقی و صفوی دیده می شود که به نام امامزاده اسماعیل شهرت دارد. این مجموعه عالی شامل یک مسجد بسیار قدیمی به نام مسجد شلیا و مقبره امامزاده اسماعیل و رواق و سردر و صحن آن و یک گنبد بزرگ زیبای آجری از نوع گنبدهای چهارسوهای اصفهان بر فراز سردر آنست که هر یک از آنها در زمان معینی ساخته شده است.

بقعه جعفریه

بقعه جعفریه از بناهای برج مانند قرن هشتم هجری و از دوره حکمرانی ایلخانان مسلمان مغول است که در حاشیه غربی خیابان هاتف اصفهان و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل واقع شده است. این بنا سابقاً^{۱۱} در وسط صحن وسیعی قرار داشته ولی اکنون قسمتهایی از اطراف آن به صورت خانه های مسکونی درآمده است. گنبد جعفریه نمونه کاملی از مقابر دوره حکمرانان مغول محسوب می شود و نظایر آن در آذربایجان و بعضی دیگر از نقاط ایران دیده می شود شکل بقعه در قسمت پایین هشت ضلعی و سطح آن کوتاه و مسطح می باشد و چنین به نظر می رسد که گنبد هر می شکل بوده که بعدها خراب شده است. گنبد فعلی تزئینات مختصری از کاشی دارد.

مقبره خواجه سید حسن

در مقابل مسجد مصری مقبره خواجه سیدحسن واقع شده که در کتب تاریخ و تذکره نامی از او برده نشده ولی با توجه به کتیبه سنگ قبر او اینگونه حکایت می کند که وی از عرفای نامی نیمه دوم قرن هشتم هجری بوده است. کتیبه سنگ قبر، از سنگ سیاه و به صورت سکوی بزرگی است نیز حرکت محسوس و مشهود می شود.

مقبره کمال الدین اسماعیل

کمال الدین اسماعیل بن جمال الدین عبدالرزاق ملقب به "خلاق المعانی" از شاعران و قصیده سرایان بزرگ سبک عراقی در قرن هفتم هـ-ق وی روزگار را در مدح اکابر اصفهان و شاهان معاصر خود گذرانید. کمال الدین دوره ی وحشتناک حمله مغول را به تمامی درک کرد و قتل و عام مغول را "۶۳۳ هـ-ق" در اصفهان به چشم خود دید. وی به استادی و مهارت خلق کردن معانی دقیق معروف و در قصایدش توجه خاصی نسبت به زادگاهش اصفهان را دارد. کمال الدین اسماعیل در سال

۶۵۳ هـ-ق در گوشه ای بیرون از شهر به زهد و ریاضت زندگی می کرد که به دست مغولی کشته شد. مقبره این شاعر گرانقدر در محله جویباره در نزدیکی مناره ساربان می باشد.

مناره باغ قوشخانه

در منتهی الیه شمالی محله جویباره و در یک محله خارج شهر سابق که امروزه جزء شهر شده است مناره باغ قوشخانه که آن را مناره "طوقچی" و به خاطر اینکه نزدیک آرامگاه علی بن سهل است مناره (علی بن سهل) نیز می نامند که با ارتفاع ۳۸ متر است و از آثار قرن هشتم می باشد.

مناره چهل دختران

مناره چهل دختران در منتهی الیه شمالی محله جویباره واقع شده است. این مناره در حدود ۲۱ متر ارتفاع دارد و به نظر می رسد که قسمتی از نوک مناره از بین رفته باشد. پنجره بزرگی در قسمت بالای منار و در ثلث دوم بدنه آن رو به سمت جنوب قرار دارد. دهانه این پنجره به شکل مربع مستطیل است و قسمت بالای آن از چوب و در طرفینش ستونهای گرد کوچکی است که نیمی از آنها در داخل دیوار مناره قرار دارد. بر روی یکی از اضلاع قاعده مناره چهل دختران به خط کوفی آجری برجسته بر زمینه آجری ساده در شش سطر کتیبه ای موجود است که بانی ساختمان آن را "ابی الفتح بن محمد بن عبدالواحد نهوجی" و سال اتمام ساختمان ۵۰۱ هجری تعیین می کند. مناره چهل دختران به شماره ۲۳۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

دو مناره دارالضیافه

در طرفین کوچه ای که از قدیم الایام به کوچه "حاج کاظم" معروف بوده و در محله جویباره دو مناره مدور واقع شده اند که تزئینات مقرنس کاری بسیار زیبایی را دارد. سبک تزئینات این دو مناره آن را به دوره مغول مربوط می کند تحقیقات و بررسیهای محققین و پژوهشگران این نکته را روشن می کند که قدمت این دو مناره به ربع اول قرن هشتم هجری می رسد. مورخین می گویند: این دو مناره بقایای یک مجموعه ی بزرگ که در قرن چهاردهم میلادی و زمان حکومت سلطان محمد خدابنده آباد بوده که به مسافرن خدمات می داده اند. این دو مناره به شماره ۲۷۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

مناره ساربان

این مناره که یکی از زیباترین مناره های عهد سلاجقه در اصفهان است در انتهای شمالی محله (جویباره) ناحیه یهودی نشین اصفهان نزدیک مناره چهل دختران در گوشه ی یک میدان کوچک که یقیناً در زمان ساختمان آن محل مسجد کوچکی در پای مناره بوده، واقع شده است. ارتفاع این مناره در حدود ۴۸ متر است و محیط قاعده آن ۱۴ متر می باشد و از پایین به بالا داری هفت قسمت متمایز است: قسمت اول آن آجر چینی ساده و قسمت دوم و سوم آن دارای تزئینات عالی آجری و قسمت چهارم آن تاج اول مناره است که مقرنس های آجری توأم با کاشی فیروزه ای دارد و بسیار جالب و پر حالت است. قسمت

پنجم آن تزئینات آجری و قسمت ششم آن تاج دوم مناره و قسمت هفتم آن تارک مناره است. در قاعده دو تاج این مناره دو کتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزه ای کاشی دیده و خوانده می شود سال ساختمان این مناره

در کتیبه های فعلی آن موجود نیست. پروفیسور پوپ سال ساختمان این مناره را در اواخر قرن پنجم هجری می داند و آقای پایرون بمنت سمیث ساختمان آن را بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است.

خانه های یهودی

خانه یهودیان در جویباره خصوصیات خاص خود را داراست و آنها را از مسکنهای مسلمانان جدا می کند خانه های کلیمیان دارای اتاقهای زیادی است. برخی از محققین و پژوهشگران دلایلی بر این موضوع ذکر کرده اند. یکی از دلایل محدودیتی بوده که این قوم در طول تاریخ داشته اند. آنها همچون مسلمانان حق خرید خانه های جدید را نداشتند و مسلمانان نیز حتی الامکان از فروش خانه به آنها خودداری می کرده اند فقر آنها نیز دلیلی دیگر برای این مطلب بود چرا که ناگزیر بودند چند خانوار در یک خانه زندگی کنند علاوه بر آن چون گاه مورد تهدید و بی مهری واقع می شدند اجتماع چند خانوار امنیت آنها را در برابر خطرات احتمالی زیادتر می کرد. اغلب خانه های قدیمی و کهنه که تاریخ آنها حداقل به یک قرن قبل می رسد به وسیله ی دالانهای سقف کوتاهی به حیاط راه پیدا می کند و درب ورودی آنها نیز فوق العاده کوتاه ساخته شده که منظور از این کوتاهی، جنبه های دفاعی آن مورد نظر بوده است. کوتاهی درب ورودی موجب می شد تا سواران دشمن نتوانند با اسب وارد منازل شوند و حتی برای ممانعت از ورود سربازان سواره دشمن به داخل کوچه ها درهایی به ورودی هر بن بست گذاشته اند که نقش دروازه را داشته و در مواقع ناامنی بسته می شد. در طول کوچه به چندین طاق کوتاه خشتی بر می خوریم که مانع ورود سربازان دشمن به داخل واحدهای مسکونی بوده است. ارتفاع

طاق اینگونه معابر حداقل ۵ / ۱ متر و حداکثر ۵ / ۲ متر است که گاهی اطلاقک دیده بانی بر روی آن ساخته می شد. یکی دیگر از عوامل طاقها جلوگیری از گرمای تابستان و سرمای زمستانی بوده است. اصولاً "اتاقها را در اطراف حیاط می ساختند که سقف آنها اغلب دارای طاق گنبدی شکل بوده و بیشتر از مصالح گل و خشت استفاده می شده است. آب انبارهای ساکن در زیر یکی از اتاقهای مسکونی بدون در نظر گرفتن جهات جغرافیایی ایجاد می شده است ولی زیرزمینها معمولاً- " زیر اتاقهای رو به شمال بوده است. در قسمت جنوبی زیرزمینهای ویژه ای به نام... وجود دارد که در آنها مراسم مذهبی انجام می شود به این قسمت غسل خانه هم می گویند. کلیمیان در طول تاریخ با محدودیتهای زیادی روبرو بوده اند. بعد از دوره ی قاجار یهودیان آزادیهای بیشتری به دست آوردند و برخی از آنها توانستند از جویباره خارج شده و در نقاط دیگر شهر اصفهان ساکن شوند. در حال حاضر یهودیان اصفهان هیچگونه محدودیتی برای ساختمان سازی و... ندارند و همچون دیگر اقشار جامعه می توانند از حق و حقوق اجتماعی برخوردار باشند. کنیسه های یهودی: چون وضع زندگی و اجتماعی و آزادی یهودیان در طول تاریخ متغیر بوده، بخصوص در دوره ی صفوی این قوم کنیسه های جالبی نداشتند. اما در حال حاضر یهودیان اصفهان ۲۱ کنیسه و زیارتگاه دارند که در نقاط مختلف شهر پراکنده می باشند. علت اینکه تعداد این کنیسه ها بیشتر شده به خاطر آزادیهایی است که این قوم به دست آورده اند. به هر حال از میان این ۲۱ کنیسه ۱۶ کنیسه در جویباره و ۲ کنیسه در محله دردشت و ۱ کنیسه در

دیرستان اتحاد و ۱ کنیسه هم در چهارراه فلسطین قرار دارد که معروفترین آنها کنیسه ملانیون، موشی حیا، خرقیا، گلبار و... می باشند. کنیسه های اصفهان از نظر سبک معماری و ساختمانی شباهت خاصی به همدیگر ندارند، در داخل کنیسه قسمتی را مانند سکو، بلندتر ساخته اند که برای وعظ و خطابه از آن استفاده می شود. به طور کلی کنیسه های اصفهان به دلیل تعداد پیروان این دین رونق چندانی ندارد.

بازار غاز

بازار غاز از بازارهای معروفی است که در اکثر کتب مربوط به اصفهان نامی از آن به چشم می خورد. مرحوم بهشتیان بازار غاز را به همراه برخی بازارهای دیگر از بقایای بازارهای قدیمی می داند. رفیعی مهرآبادی در مورد این بازار می نویسد: این بازار از آخر میدان عتیق شروع و به محله جویباره اتصال داشت و از طرف دیگر به بازار بزرگ متصل می شد.

بازار غاز از بازارهای مهم و مطرحی بوده که به میدان کهنه منتهی و از طرف شمال به محله جویباره مرتبط می شده است این بازار در حال حاضر نیز دایره است بسیاری از محققین و شهرسازان بر این عقیده هستند که این بازار در روی بلندی قرار گرفته و نسبت به محیط اطراف ارتفاع دارد. امکان بسیار دارد که در دوره های مختلف تخریب و بازسازی شده باشد که آخرین دوره آن مربوط به صفوی است.

بازار و حمام و خانه شاه اسداله

با مراجعه به منابع هیچ نامی از این مجموعه دیده نشد. اما با بررسیهای متناوبی که در محل صورت گرفته و با در نظر گرفتن بافت قدیمی محله جویباره این حمام متعلق به عصر صفوی بوده است. مرحوم "انصاری" مسجدی را در کتابش ذکر می کند که نامش "شاه اسداله و مساحت آن قریب ۹ قفیز است. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که شاه اسداله یکی از معروفترین آن روزگار بوده که مسجد و بازارچه حمامی ساخته است که به مرور زمان از میان رفته اند.

حمام زعفران

حمام زعفران در محله جویباره واقع شده است. در منابع و مأخذ از این حمام فقط با ذکر نامی از آن اکتفا نموده اند. تنها مرحوم جناب طول آن را ۲۰ و عرض آن را ۱۵ متر نداشتند. مرحوم انصاری نیز در کتابش هنگام معرفی مسجد زعفرانی آن را جنب حمام نوشته است. اما آنچه مسلم است اصل این حمام در زمان صفویه بوده که تقریباً از وضعیت اصلی خارج شده است.

دروازه طوقچی

اصفهان از قدیم دروازه هایی در جهات مختلف شهر داشته که در موقع هجوم دشمن با بستن آنها سدی در برابر حملات به وجود می آوردند. در اکثر منابع و مأخذی که در ادوار مختلف، اصفهان را معرفی کرده اند از دروازه های متعدد این شهر مطالبی به چشم می خورد، از جمله دروازه طوقچی، به نوشته محققین این دروازه نقطه شروع یکی از محورهای شهر بوده و در

همه ادوار اهمیت خاصی داشت است. در روزگار صفویه که شهر اصفهان وسعت یافت دروازه های شمالی شهر تغییر کرد. در این زمان بود که بالا-تر از دروازه طوقچی چهار باغی ساخته شد. در یک طرف این دروازه سردر باغ معروف به قوشخانه احداث گردید، بسیاری از سیاحان از وجود یک مسجد عالی و نفیس در کنار این باغ مطالبی نوشته اند در این منطقه آرامگاه صاحب بن عباد واقع شده است که مزار این دانشمند و ادیب و شاعر قرنهای زیارتگاه مردم اصفهان می باشد. در اطراف دروازه دو شیر سنگی وجود داشته که اکنون در پل خواجه نصب است. این دو شیر در زمان صورتات "حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی" و ایام سلطنت فتحعلی شاه قاجار از دروازه طوقچی به پل خواجه منتقل

گردیده است. در مورد وجه تسمیه این محله به (طوقچی) نظرات گوناگونی ابراز شده است. برخی از محققین (طوقچی) را همان محله ای (می دانند که قبلاً" (دربه) یا (دریه) معروف بوده است. در دوره آل بویه (طوقچی) از محلات جدید الاحداثی به حساب می آمد که اکثر بزرگان شهر در آن روزگار در این محله ساکن بودند و بعد از فوت نیز در خانه های خود به خاک سپرده می شدند. در دوره سلجوقیان نیز محله طوقچی به علت نزدیکی با میدان بزرگ شهر و مساجد از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در دوره صفویه نیز محله طوقچی مهم و مطرح بود. شاردن این محله را در عصر صفویه با ۸۰ باب خانه و ۴ بازار نام برده و باغ قوشخانه یا باغ سلطنتی را نیز در صد و پنجاه قدمی این محله نوشته است. امروزه نیز محله طوقچی از محلات بزرگ و مهم شهر به شمار می رود.

محور جنوب نقش جهان

محور مزبور محدوده در بین بازارچه حسن آباد از شرق خیابان فرشادی از جنوب و خیابان استانداری از غرب می باشد که جزو قدیمی ترین محلات شهر اصفهان به شمار می رود.

وجود عناصر ارزشمندی نظیر بازارچه چهارسوق مقصود، کاروانسرای مقصود بیک و نخجوانیها، سرای رحیمه خاتون، سرای قالیبافها، تعداد بسیاری از منازل تاریخی، مساجد و مدارس علمیه تاریخی و گذر سر پوشیده قدیمی معروف به کوچه تاریکی سایت بسیار متنوعی را برای ایجاد یک فضای گردشگری فراهم می سازد.

محور جماله

محله جماله که قدمت آن به دوره قبل از صفویه می رسد زیر مجموعه ای از محله دردمشت بزرگ اصفهان به حساب می آید که خود سه بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای، بازارچه وزیر و بازارچه دو منار را به عنوان مراکز محله ای در بر دارد. این محور از بازارچه حاج محمد جعفر شروع و با عبور از معابر داخل محله به حمام شاه علی و نهایتاً به میدان عتیق (قیام) می رسد.

محور جلفا

توضیحات

هنگامی که در سال ۱۰۰۰ هجری اصفهان به پایتختی انتخاب شد بازسازی شد و توسعه اصفهان به عنوان یک الگوی شهری از طرف شاه عباس مورد توجه قرار گرفت. با توسعه اصفهان در آن زمان یکی از مهمترین وقایع دوران ۲۵۰ سال خاندان صفوی به وقوع پیوست و آن کوچ بزرگ ارامنه از شهر جلفا، کنار رود ارس و اسکان آنها در اصفهان و احداث جلفای نو بود. جمعیت جلفا همراه با ساخت و سازهای کلیساها و خانه های زیبا رو به فزونی گرفت تا اینکه جلفا به عنوان یکی از محلات تاریخی و با ارزش شهر اصفهان درآمد. در حال حاضر هم خانه های قدیمی و کلیساهای با شکوه و ساختمانهای آن یادآور عظمت این فضای زیبا و مهم تاریخی می باشد.

محور مذکور از خیابان توحید و کوچه نمازخانه مریم شروع شده و از طریق میدان جلفا و کوچه کلیسای وانک به خیابان

حکیم نظامی و خاقانی می رسد و پس از عبور از خاقانی از طریق کوچه چهارسوق مقصود و محور مادی شایج و نایج به کوچه سنگتراشها و محله تبریزیها ختم می گردد. این محور

به دلیل وجود ۲۵ خانه تاریخی و ۱۳ کلیسای ارزشمند قدیمی در طول خود که از شاخص ترین آنها می توان کلیسای مریم بیت الحم و وانک را نام برد از یک طرف و سازگاری و قرابت فرهنگی با گردشگران خارجی از سوی دیگر ویژگیهای مطلوبی را برای جذب توریست فراهم ساخته است.

جلفا

اشاره

چهارسو، کوچه نمازخانه مریم، کلیسای بیدخم، خاقانی، کوچه خواجه عابد، کلیسای مریم، دیر سیاه پوشان، مدرسه کاتارینیان مقدس، کلیسای گیورک، حمام قدیمی، مدرسه کاناتیان، موزه کلیسای وانک، باشگاه قدیم آرامنه، میدان جلفا، کلیسای ها کوپ

جلفا

جلفای اصفهان یکی از مناطق شهر اصفهان است که بنای آن از زمان شاه عباس بوده (۱۶۰۶ میلادی) و در جنوب شهر واقع شده است. از نخستین روزهای تکوین این شهرک ارمنی نشین، پنج محله به نامهای میدان بزرگ، میدان کوچک، ها کوپ جان یا یعقوب جان و یا محله ی حصیربافها، چهارسوق قارا کل تشکیل دهنده ی این شهرک نو بنیاد عصر شاه عباس بوده است و ساکنین آنها را جلفاییان آذربایجان تشکیل می دادند. در دوران سلطنت شاه عباس دوم بر وسعت آن اضافه شد و او دستور داد که آرامنه ی داخل شهر که در شمس آباد و عباس آباد هم سکونت داشتند به جلفا منتقل شوند (۱۶۵۵ میلادی) محله ی زرتشتیان که در نزدیک جلفا و بدان پیوسته بود، به آرامنه تحویل داده شد و چون شغل اغلب مهاجرین جدید حجاری بود و به همین دلیل این محله به نام سنگ تراشان نامیده شد که هنوز هم به همین نام است. به دنبال این توسعه ی شهری، دو محله ی دیگر یعنی کوی ایروانی ها (ایروان) و محله ی تبریزیها که ساکنین آنها از دو شهر فوق الذکر آمده بودند به وجود آمد. محلات جدیدالاحداث در جنوب و جنوب غربی جلفای قدیم شکل گرفت و آنجا را جلفای نو گفتند و بعدها این اسم به همه ی جلفا اطلاق گردید. گزارش سیاحان خارجی حاکی است که جلفا از نظر اجتماعی و اقتصادی به دو منطقه ی متفاوت قابل تفکیک بوده (جلفای قدیم و جدید). جلفای جدید را

سه محله ی سنگ تراشان، ایروانی ها و تبریزیها تشکیل می داد که ساکنین آن در مقایسه با جلفای قدیم کم بضاعت تر بودند و کلیساها و خانه اغلب ساده هستند. در منابع فارسی اسم جلفا به صورت "جولاه" و در زبان ارمنی آن را "جوغا" می گویند. قبل از ورود ارامنه به اصفهان، زمینهای کشاورزی از املاک سلطنتی به شمار می رفت که در سال ۱۶۱۸ میلادی ضمن فرمانی، به ارامنه واگذار گردید و چون شبکه آبرسانی آن از نهر و جویهای کوچک و بزرگ تشکیل می شد، با ایجاد شهرک جلفا، معابر عمومی را به طوری به وجود آوردند که منطبق با حریم آبها باشد لذا پیچ و خم کوچه ها خیلی زیاد بوده و حتی توسعه ی جدید جلفا در نیم قرن گذشته و ادامه ی آن در حال حاضر، از حریم آبرسانی مزارع تبعیت می کند. جلفای قدیم دارای یک خیابان شرقی-غربی (خیابان نظر) بود و آن خیابان نیز دو دروازه در شرق و غرب داشت که شبها بسته می شد. دروازه ی غربی را سرقازیان و شرقی را یمانیان می گفتند. نام این دو دروازه از دو خانواده ی معروف ارامنه ی جلفا گرفته شده بود که در احداث آن نقش داشتند. بعد از سقوط صفویان یعنی با روی کار آمدن افغانه، افشاریه، زندیه و به ویژه قاجاریه پیوسته از وسعت و جمعیت آن به شدت کاسته شد، به طوری که اغلب ساکن و کلیساهای آن رو به ویرانی نهاد و نیمی از آنها کاملاً از بین رفت، در یک قرن گذشته با روی کار آمدن سلسله ی پهلوی شهرنشینی در کشور دستخوش تغییر و تحول بزرگی گردید و شهر با خیابان کشی های جدید که منطبق با

چهارچرخه های موتور بود، ساختاری فضایی جدیدی را پیدا کرد. در جلفا ایجاد خیابان نظر با جهت شرقی و غربی در سال ۱۳۱۴ ش و خیابان حکیم نظامی با جهت شمالی و جنوبی، جلفا را تقریباً "به چهار واحد جداگانه تقسیم کرد و پلهای مارنان، فلزی و آذر ارتباط این بخش شهری را با قسمت شمالی شهر برقرار کرد. جلفای اصفهان در گذشته به صورت یک شهرک کاملاً "مستقل و جدای از شهر اصفهان بوده و حتی فاصله ای بین اصفهان و جلفا نیز وجود داشته که از فضاهای سبز و باغات و مزارع تشکیل شده بود، اما در نیم قرن اخیر با توسعه ی شهری، اغلب فضاهای سبز به مناطق مسکونی تبدیل گردیده است. در گذشته مهارت آرامنه در تجارت ابریشم و صداقت آنان باعث شد تا بازرگانان ارمنی در دادو ستد به موقعیتهای بزرگی دست یابند و در اندک قدمی بسیاری از آنان در زمره ی ثروتمندان اصفهان در آیند از این زمان ساخت خانه های مجلل با تالارهای زیبا منقوش به تابلوهای نفیس و فرشهای عالی و صندلیهای مزین به آب طلا و نقره و... هم آغاز شد. زیبایی این خانه ها آنچنان برخی از خارجیان را تحت تأثیر قرار داده که یکی از آنها می نویسد... "برخی از آنها چنان باشکوه و عالی است که می توان آنها را در ردیف قصرها و کاخهای سلطنتی به شمار آورد"... بر اساس نوشته مورخین و محققین این آزادی و رفاه در تمام دوران صفویه ادامه داشت و آرامنه در این مدت در نهایت امنیت و آزادی توانستند کلیساهای متعددی بسازند و به مراسم مذهبی خود پردازند. هنگامی که "پیترودولواله" سیاح ایتالیایی از جلفا

بازدید کرده، ۱۰ کلیسا و به روزگار سزآرام اولئاریوس ۱۲ کلیسا و در زمان مسافرت تاورینه ۱۵ تا ۱۶ کلیسا، شاردن ۳۰ کلیسا، در جلفا دایر بوده است. جمعیت جلفا نیز روز به روز افزون می شد، چنان که بر اساس ارقام ارائه شده جمعیت جلفا در آغاز قرن ۱۱ هجری بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر بوده است در اوایل سلطنت شاه صفی (جانشین شاه عباس) به ۱۵۰۰۰ نفر و در زمان شاه عباس دوم (جانشین شاه صفی) ۲۰۰۰۰ نفر و بالاخره در زمان جانشینان شاه عباس دوم به ۳۰۰۰۰ نفر رسیده است، ارنست هولستر که در دوره قاجار در اصفهان زندگی کرده است و تعداد آرامنه ساکن در جلفا را در سال (۱۸۸۰ میلادی) ۲۶۵۸ نفر ذکر می کند که در ۳۸۰ خانه زندگی می کرده اند. با همه افول و تنزلی که بعد از صفویه به جلفا حاکم شد هنوز نیز خانه های قدیمی و کلیساهای باشکوه ساختمانهای آن یادآور عظمت این محله زیبا و مهم تاریخی می باشد. در حال حاضر جلفا در حدود ۱۶۵۰۰ ارمنی را در خود جای داده که در محلات میدان بزرگ-میدان کوچک-محله چهارسوق - هاکوپیان - تارگل - محله سنگ تراشها، تبریزیها و ایروان زندگی می کنند از نظر تقسیمات شهری بخش پنجم شهر اصفهان به شمار می رود و شعب برخی ادارات دولتی در آن مستقر هستند.

کلیسای بیدخم

مهمترین کلیسای تاریخی جلفا از دوره شاه عباس اول کلیسای مشهور بیدخم یا "بیت اللحم" است. که در میدان جلفا و در مجاورت کلیسای مریم واقع شده، این کلیسا به وسیله یکی از تجار ارمنی به نام "خواجه پطرس" ساخته شده و در داخل آن تزئینات

نقاشی و و تابلوهایی از زندگانی مسیح، موجود است. معماری و تزئینات داخل این کلیسا و تمام دیوارها و اطراف و جوانب آن با تزئینات نقاشی به سبک ایرانی و تابلوهایی که نفوذ نقاشی ایتالیایی در آنها محسوس است و زندگانی مسیح را معرفی می کند، تزئین شده و از ازه های کلیسا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده است. در این کلیسا بیش از سایر کلیساهای جلفا نقاشی وجود دارد و از نظر کثرت طلاکاری کلیسای منحصر به فرد محسوب می شود. معماری کلیسا و تزئینات طلاکاری آن کار استادان ایرانی است و تابلوهای نقاشی آن چنانکه می گویند به وسیله هنرمندان ارمنی و اروپایی نقاشی شده است. کتیبه سردر ورودی کلیسای وانک در جانب غربی آن به خط ارمنی طلائی رنگ بر زمینه کاشی خشت لاجوردی به سال ۱۱۰۴ هجری در زمان سلطنت شاه عباس دوم و ۱۱۱۳ هجری به پایان رسیده نوشته شده است.

کلیسای مریم

ارامنه جلفا کلیسای اولی خود به نام "هاکوپ" را که بسیار کوچک بود وسعت دادند و کلیسای بزرگتری به نام "مریم" بنا کردند. ساختمان این کلیسا چهار ضلعی و بدون ستون است. داخل این کلیسا دارای تزئینات نقاشی و تابلوهای مذهبی است که روی دیوارهای گچی نقاشی شده و دوربین کتیبه های آن به زبان و خط ارمنی است. کتیبه های تاریخ دار مورخ به سال هزار و صد و هزار و صد و پانزده (سال ارمنی) موجود است. نقاشی های کلیسای مریم از بهترین نمونه های نقاشی کلیسایی به شمار می روند که چهار تابلو آن در دنیز نقاشی شده و "گراف آقا" آن را به کلیسا هدیه کرده است. در یکی از تصاویر این شخص با خانواده اش در حال

نیایش دیده می شوند. در قسمت غربی کلیسا مقبره "خواجه آوریک" واقع شده است. به نوشته "پترودولاوله" این شخص از افراد خیر و نیکوکار جلفا بود که ثروت عظیم خود را در راه کلیسا سازی به مصرف رسانید.

کلیسای گیورک

بعد از کلیسای هاکوپ کلیسای گیورک هم در محله میدان کوچک در ردیف کلیساهای قدیمی جلفا محسوب می شود مردم جلفا این کلیسا را کلیسای (غریب) می نامند داخل این کلیسا بسیار ساده است و فقط یک تابلوی نقاشی قدیمی در قسمت محراب آن نصب شده ولی اهمیت آن به داشتن ساختمان دیگری از بناهای ضمیمه کلیسا است که سیزده قطعه سنگهای کلیسای قدیمی ارمنستان (اوج کلیسا) که آرامنه در موقع مهاجرت به اصفهان با خود همراه آورده اند در این محل به جای گذاشته اند و یکی از اماکن مقدسه آرامنه جلفا محسوب می شود. در سردر این کلیسا در دوره سلطنت شاه سلطان حسین یک تابلوی کاشیکاری نصب شده که تصویر حضرت مریم و مسیح و چند نفر دیگر را که هدایائی آورده اند با کاشیهای خشت هفت رنگ نمایش داده اند و در زیر این تابلو در یک سطر بخط سفید ارمنی بر زمینه کاشی خشت لاجوردی که تاریخ آن را به سال هزار و هفتصد و نوزده میلادی نوشته شده است.

موزه کلیسای وانک

کلیسای وانک دارای موزه ای تاریخی است که در جنب کلیسا و در شمال آن واقع شده و دارای سالنهای متعدد و اشیاء و آثار تاریخی است. عمارت موزه در سال ۱۹۰۵ میلادی ساخته شده و تابلوهای متعدد نقاشی از طرف بازرگانان ارمنی که به اروپا مسافرت کرده بوده اند به کلیسا اهداء شده است. موزه کلیسا دارای ۷۰۰ جلد کتاب خطی به زبان ارمنی است و قدیمی ترین آنها نسخه ایست که در قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) نوشته شده اولین کتابی که به وسیله آرامنه در جلفای اصفهان به چاپ رسیده و این حروف به کار برده

شده در این موزه نگاهداری می شود مجموعه فرامینی که سلاطین ایران بعد از شاه عباس درباره آرامنه جلفا صادر کرده اند در یکی از سالنهای این موزه نگاهداری می شود و از مجموعه های جالب موزه جلفا است. چند قطعه از تزئینات نفس کاخهای هفت دست و آینه خانه از بناهای دوره شاه عباس دوم تنها آثاری از تزئینات گچبری و طلاکاری قصرهای منهدم شده صفویه است که فقط در این موزه می توان آنها را مشاهده کرد.

کلیسای هاکوپ

در بین کلیساهای جلفا از همه قدیمی تر کلیسای یعقوب مقدس (هاکوپ) است که در گوشه شمال غربی صحن فعلی کلیسای مریم قرار دارد و کتیبه سردر آن که به زبان ارمنی است تاریخ ساختمان آن را ۱۰۵۶ به سال ارمنی "در صورتیکه ۵۵۱ سال به سال ارمنی اضافه کنیم سال میلادی به دست می آید." ۱۰۱۴ هـ-ق تعیین می کند و این اولین کیسایی است که آرامنه در جلفای اصفهان بنا کرده اند.

کوچه نمازخانه مریم

در جلفا دو کوچه به این نام وجود دارد. یکی از آنها در شمال کلیسای مریم و دیگری در جنوب است. گذر شمالی مستقیماً "محلّه شرقی را به میدان جلفا مربوط می کند. گذر جنوبی از طریق همان محلّه به کوچه حمام و از آنجا به میدان جلفا و کوچه کلیسای وانک مربوط می شود.

کوچه خواجه عابد

از گذرهای شاخص و مشهور جلفا که به وسیله چهارسوی شکرچیان با گذر جلفا تلاقی می کند. گذر خواجه عابد با وجود دو مادی که از قدیم به نامهای (نهر شایج) و (نهر نایج) معروف بوده اند از کوچه های سرسبز و بسیار زیبای جلفا به شمار می رود که درختان تنومند و زیبای آن جلوه خاصی به این گذر داده است. دو نهر شایج و نایج از قدیم الایام در اصفهان شهرت داشته اند به طوریکه مرحوم "حاج میرزا حسن خان جابری انصاری" در کتاب گرانسنگ و ارزنده در تاریخ اصفهان، در بخش تقسیم آب زاینده رود به کرات از این دو نهر نام برده و مناطق مختلفی را ذکر می کند که از این دو مادی سهمی برده اند.

مدرسه کاتارینیان مقدس

این مدرسه به سال ۱۸۵۸ میلادی در محوطه صومعه کاتارینیان مقدس ساخته شده است. به پیشنهاد اسقف اعظم "تادئوس بگ نظریان" پیشوای مذهبی وقت و به هزینه "مائوک هوردانیان" که ساکن جاوه بود ساخته شد. ۱۸۹۹ میلادی در محلّه چهارسو و در نزدیکی صومعه راهبه ها مدرسه دخترانه "کاتارینیان" مقدس ساخته شد و از سال ۱۹۰۰ رسماً "در آن محل شروع به کار کرد در سال کتیبه ای که در سر مدرسه موجود است تاریخ ۱۹۰۰ میلادی را ذکر کرده و حاوی نام کسانی است که به ساخت این مکان آموزشی کمک کرده اند. از مدرسه "کاتارینیان مقدس" در حال حاضر به عنوان مدرسه راهنمایی و

مدرسه کاتانیا

این مدرسه در محله چهارسو در غرب مدرسه "کاتارینیان مقدس" واقع شده و در سال ۱۹۰۳ میلادی به هزینه "وارواره کاتانیا" ساخته شد. بانی این مدرسه، این بنا را به یاد همسرش "گئورک کاتانیا" که در مسکو مدیر مدرسه بوده ساخته است. ساختمان این مدرسه در دو طبقه بنا شده و بسیار محکم می باشد. درنمای بالای سمت جنوبی روی کاشی تاریخ شروع و پایان آن را اینگونه نوشته است: "۱۹۰۱ مدرسه ملی گئورک کاتانیا ۱۹۰۵".

میدان جلفا

میدانی که امروز به نام میدان بزرگ نامیده می شود از میدانهای قدیمی جلفاست که در کنار این میدان کاروانسرای بزرگی بود که دو طرف آن را ساختمان دو طبقه احاطه کرده بود. در یک طرف کاروانسرا نیز محلی برای نگاهداری اسبها و سایر خدمات پیش بینی شده بود. که در حال حاضر از این کاروانسرا اثری نیست. محله میدان بزرگ در سرشماری ۱۸۵۱ میلادی دارای ۵۴ خانه بوده که ۱۹۱ مرد و ۲۰۰ زن در آنجا زندگی می کرده اند ساکنان این محله عمدتاً از خانواده آبکاریان هستند.

چهارسو

یکی از محلات مشهور جلفا محله چهارسو است. این محله که به نوشته محققین و پژوهشگران از محلات بزرگ و مشهور جلفا بوده است. در دوران صفویه به سکونت صنعتگران اختصاص داشته است. کوچه چهار سوق، از گذرهای اصلی جلفا محسوب می شود که خیابان خاقانی را به محله سنگتراشها مربوط می کند نام چهارسو بیانگر این مطلب است که این کوچه مرکز ارتباطی گذرهای مختلف بوده است. محله سنگتراشها یکی از قدیمی ترین محلات جلفا به شمار می رود. این محله را "گبر آباد" هم می گویند. زیرا قبل از کوچ آرامنه زرتشتیان در آن ساکن بوده اند در اواخر سلطنت شاه عباس اول گروهی از مهاجران ارمنی که در سنگتراش مهارت داشتند به این محله آورده شده و در این جا سکنی گزیدند. در سال ۱۰۴۹ هجری برابر با ۱۶۳۰ میلادی (مقارن سلطنت شاه صفی) ۲۰۰ خانوار دیگر نیز به این محل کوچانده شدند.

خاقانی

پس از احداث شهرک جلفا معابر اصلی و فرعی چندی در آن درست شد. در چند دهه اخیر که در شهر اصفهان نیز همچون سایر شهرهای کشورمان ساخت و سازهای متعددی انجام شد و کوچه ها و خیابانهای متعددی در آن احداث شد. در جلفا هم خیابانهای جدید و زیبایی کشیده شد که یکی از آنها خیابان خاقانی است. این خیابان که با مسیر شرقی-غربی خیابان حکیم نظامی را به خیابان وحید متصل می کند در حدود پنج دهه قبل احداث گردید. آنچه مسلم است اینکه قبل از احداث این خیابان در این راستا گذری وجود داشته است. کوچه های متعددی که این خیابان را به مکانهای مختلف و قدیمی همچون

کلیساها، مدارس و خیابانهای دیگر متصل

می کند. کوچه های تلگرافخانه، میدان کوچک، یعقوب خان در شمال بین خیابان و کوچه های هوانس شیرازی و سنجدی در جنوب آن مبین وجود یک گذر بزرگ به جای خیابان خاقانی امروز است.

دیر سیاه پوشان

دیر راهبه یا سیاه پوشان که به دیر "کاتارین" هم معروف است. در محله چهارسو و در مجاورت کلیسای یوحنا (هوانس) واقع شده است. این کلیسای کوچک در سال ۱۶۲۳م برابر با ۱۰۳۲هـ-ق با هزینه یکی از افراد نیکوکار جلفا بنا شد. اکثر سیاحان اروپایی از جمله تاورنیه و شاردن به این دیر دختران بی سرپرست اختصاص داشته است. که قبلاً "دارای ۳۳ حجره بوده که در حال حاضر فقط ۲ حجره از آنها باقی است.

حمام قدیمی

در قدیم در جلفا دو حمام وجود داشت که یکی بزرگ و دیگری کوچک بود. حمام بزرگ را آرامنه "شهر یمانیان" می نامیدند. نویسنده کتاب تاریخ جلفا این حمام را شکوهمند معرفی کرده و می نویسد این حمام که سقف آن بر ستونها استوار است با خرج بسیار زیاد ساخته شده است.

باشگاه قدیم آرامنه

در نزدیکی کلیسای وانک ساختمان بزرگی است که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی "باشگاه آرامنه" نامیده می شد. پس از انقلاب چندی برای مدتی این باشگاه تعطیل و در حال حاضر قسمتی از این ساختمان زیر نظر اداره کل تربیت بدنی استان اصفهان به باشگاه بدنسازی تبدیل شده و به نام "ماسیس" نامیده می شود.

محور دردشت

توضیحات

از محلات قدیمی و مهم و مشهور اصفهان محله دردشت است این محله در منابع مختلف به نامهای گوناگون از قبیل درب دشت و باب الدشت نامیده شده است. یهودیان قدیمی درباره دردشت یا باب الدشت می گویند: زمانی که قوم یهود از بابل به اصفهان رسیدند و محل فعلی دردشت را برای زندگی خود انتخاب کردند نام بابل دشت را بر آن نهادند تا اسم وطن قبلی خویش را حفظ کنند، محله دردشت در دوره های بعد از اسلام و به خصوص در دوره دیالمه و سلجوقیان از مراکز مهم علمی شهر اصفهان بوده است. این محور از مدرس و ابن سینا شروع و با عبور از بازارچه دردشت به دو منار دردشت و مقبره سلطان بخت آغاز رسیده و از آنجا به عصارخانه و حمام شیخ بهایی و بازار بزرگ و نهایتاً به میدان عتیق (قیام) منتهی می گردد.

در دشت

اشاره

گنبد ابن سینا، آرامگاه سلطان بخت آغا، مسجد جامع اصفهان، مدرسه نوریه، بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاءالدین محمد، امامزاده و مسجد شوری، سرای خانی، حمام دردشت، مسجد چاره دردشت، هارون ولایت، حمام وزیر، کاروانسرای دردشت، مسجد علی، مجموعه درب امام، بازار دردشت، مناره مسجد علی، مسجد و بازار حاج محمد جعفر، مسجد آقانور، مسجد صفا، مدرسه بابا قاسم، مسجد پاگلدسته، مقبره بابا قاسم

دردشت

این محله از محلات قدیمی و مشهور اصفهان به شمار می آید، که بناهای تاریخی جالب توجهی را در خود جای داده است. در معجم البلدان و اللباب فی تهذیب الانسان، دردشت یکی از محلات اصفهان معرفی شده است. این محله را گاه "باب الدشت هم می گویند. یکی از محققین درباره ی دردشت می نویسد: "در قدیم جویباره دارای چند محله بوده و بعدا که شهر اصفهان توسعه یافته تمام جویباره یک محله حساب شده و حال دو محله "جویباره" و "دردشت" از آن باقیمانده است. ۱-در این محله بزرگانی چون ایورالدین عبدالرحمان دردشتی جامی (وفات ۸۹۸ ه-ق) ۲-ملاحاج محمد کریم متخلص به مجنون فرزند حسن دردشتی اصفهانی (وفات ۱۲۸۵ ه-ق) ۳-حاج میرزانصراله بهشتی فرزند محسن دردشتی اصفهانی معروف و ملقب به ملک المتکلمین که در سال ۱۳۳۶ ه-ق به دست محمدعلی میرزائی قاجار به شهادت رسید. (مرحوم ملک از رجال بزرگ و آزادیخواهان مشهور مشروطیت) را در خود پرورش داده است. یهودیان نیز درباره ی دردشت یا باب الدشت می گویند زمانی که قوم یهود از "بابل" به اصفهان رسیدند، محل فعلی دردشت را برای زندگی خود انتخاب نمودند و نام (بابل الدشت) را بر آن نهادند تا اسم وطن قبلی خویش را حفظ نمایند. آنچه مسلم است محله دردشت در دوره های گذشته به خصوص

دیالمه و سلجوقیان از مراکز مهم شهر اصفهان بوده است.

مسجد جامع اصفهان

بدون شک یکی از جالب ترین مسائلی که در تاریخ معماری اسلامی شایان مطالعه و دقت می باشد موضوع احداث مساجد نمونه ایرانی است. مساجدی که در ایران ساخته شده به دو دسته تقسیم بندی می شوند و این دو دسته از حیث اهمیت، یکسان نیستند. یک دسته شامل عده قلیل ابنیه ایست که نقشه آنها همان نقشه سبک ابتدایی عرب با مشتقات آنست و دسته دیگر، مساجد ایرانی خالص است. تاریخ مساجد دسته اول روشن اما اندکی کوتاه است، که چیزی از آنها باقی نمانده است. ایران که آیین اسلام را پذیرفت به طور الزام روش اعراب را در احداث مساجد پیروی نمود ولی در نحوه بنای مساجد از سنن مخصوص خویش و ذوق صنعتی و سبکهای ساختمانی خود پیروی نمود. بنابراین دیری نگذشت که نقشه ی مسجد عربی در معماریهای متداوله ایران به کلی منسوخ گردید و مساجد چهار ایوانی که نمونه معماری ایرانی است از قرن پنجم هجری به بعد جایگزین مساجد اولیه گردید. مسجد جمعه اصفهان در حقیقت مجموعه ای از صنایع معماری و هنرهای زیبای ایران از ادوار بعد از اسلام را در بر دارد بنابراین تحولات معماری اسلامی ایران را طی چهارده قرن اخیر به خوبی در آن می توان مطالعه نمود. چهار ایوان مسجد جمعه که (صفه صاحب) در جنوب، در شمال "صفه درویش"، در مغرب "صفه استاد" و در مشرق "صفه شاگرد" نامیده می شوند و با تزئینات مقرنس سازی و کاربندی یکی از فنون بسیار جالب معماری ایران را بیان می کنند. نمای داخلی مسجد و کاشیکاریهای آن مربوط به قرن نهم هجری است که

احتمالاً "مناره ها نیز مربوط به همین زمان می باشد. به طور کلی بنای مسجد جمعه اصفهان شامل بخش های زیر می باشد:-

شبستان مسجد یا گچبری های بسیار زیبا که مربوط به عصر دیلمیان است. - گنبد و چهلستونهای اطراف آن که در ایوان جنوبی واقع شده و در فاصله سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ ه-ق بنا شده است. این گنبد در زمان سلطنت ملکشاه و وزارت خواجه نظام الملک ساخته شده است و از قرینه گنبد خواجه نظام الملک است که در سال چهارصد و هشتاد و یک ه-ق بنا شده، احداث این گنبد زیبا را به "ابوالغنائم تاج الملک" یکی دیگر از وزرای عصر سلجوقی نسبت می دهند. - در شمال ایوان استاد، شبستان کوچکی قرار دارد که زیباترین محراب گچبری مسجد را در بردارد. این شبستان که به "مسجد اولجایتو" معروف است دارای محرابی است که به مثابه گوهری تابناک از هنر ایرانی در جهان از شهرتی عظیم برخوردار است. بر این محراب زیبا نام "سلطان محمد خدا بنده" ایلخان مسلمانی، به چشم می خورد. که قبل از تشریف به دین اسلام "اولجایتو" لقب داشت. علاوه بر آن، بر این محراب نام "محمد ساوی" وزیر دانشمند سلطان محمد و سال ساخت آن یعنی ۷۱۰ ه-ق نوشته شده است. منبری که در کنار این محراب وجود دارد از شاهکارهای هنر منبت کاری است. - در کنار مسجد اولجایتو شبستان زمستانی مسجد به چشم می خورد که به "بیت الشتاء" معروف است. این شبستان در زمان تیموریان به دستور "عماد بن مظفر ورزنه ای" ساخته شده است. به همین علت به "شبستان عماد" نیز معروف است. این شبستان باشکوه با ستونهای قطور و کوتاه و طاقهای خیمه ای شکل که در وسط هر

چشمه طاق قطعه ای از سنگ مرمر نور آن را تأمین می کند از دیدنیهای مسجد است.

-این اثر باشکوه و نفیس و معروف به علت در برداشتن نمونه های گوناگون هنر ادوار مختلف اسلامی و نیز از نظر فنی و هنری اهمیت بسیار دارد به طوری که همه ساله گروههای بیشمار از علاقمندان ایرانی و خارجی آن را مورد بازدید قرار می دهند. حاصل این بازدیدها و بررسیها دهها جلد کتاب و رساله است که اکثر آنها چاپ و منتشر شده اند. -به طور کلی همان نسبت و اندازه که میدان نقش جهان و عمارات تاریخی اطراف آن یادآور معماری و هنر دوران صفوی است. مسجد جمعه و محلات پیرامون آن افسانه زندگی در عهد سلجوقیان و روزگار پیش از آن را بیان می دارد. -مسجد جمعه اصفهان به شماره ۳۲۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

امامزاده و مسجد شوری

در محله دردشت امامزاده ای به نام شوری وجود دارد که "امامزاده عبدالله" نیز می گویند. در داخل امامزاده هیچگونه کتیبه ای به چشم نمی خورد اما بر نمای خارجی یکی از جزرهای آن لوح سنگی کوچکی بر دیوار نصب شده که کتیبه آن به خط نستعلیق برجسته حاوی اشعاری است که در آن به نام "سید عبدالله" اشاره شده است. روبروی این امامزاده مسجد کوچکی واقع شده که به همین نام می گویند. در داخل مسجد آثاری بر جای نمانده است، اما درب قدیمی آن به تاریخ ۹۱۹ هـ-ق هنوز باقی است. کتیبه ای که بر در مزبور نوشته شده به خط ثلث برجسته علاوه بر تاریخ فوق به نام "خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی" اشاره شده است. به نوشته مؤلف کتاب "آثار ملی

اصفهان" این مسجد تا کنون به ثبت نرسیده است، ولی ظواهر امر نشان می دهد که امامزاده و مسجد شوری فاقد ارزشهای هنری و معماری باشد.

مسجد چاره دردشت

در تحقیقات میدانی مردم این مسجد را به مسجد چهارراه می شناسند. رفیعی مهرآبادی حدود ۱۵۰ مسجد را با عنوان "مساجدی که از لحاظ سوابق تاریخی و تزئینات کاشی چندان مهم نیستند.." ذکر کرده و مسجد "چاره" را در ردیف آن مساجدها آورده است. دکتر لطف اله هنرفر هم در بخش ضمائیم کتاب خود با عنوان "اسامی سایر مدارس و مساجد قدیمی" از مسجد چاره نام برده است.

کاروانسرای دردشت

دکتر لطف اله هنرفر و رفیعی مهرآبادی هر دو این کاروانسرا را "دروازه دردشت" نوشته اند در حال حاضر این کاروانسرا به مشاغل مختلف مانند مصالح فروش و آسفالت کاری و... اختصاص دارد.

بازار دردشت

مرحوم سیدعباس بهشتیان این بازار را از بازارهای بزرگ و جالبی می داند که در محلات احداث می کرده اند. همچنین نویسنده کتاب آثار ملی اصفهان این بازار را بازارچه نامیده و می نویسد. در این بازارچه در محله دردشت واقع گردیده و خود در حکم بازار بزرگی است. این بازار از آثار دوران صفوی است.

مسجد آقانور

این مسجد که در محله دردشت واقع است مانند بقعه بابارکن الدین از بناهایی است که در دوره پادشاهی شاه عباس اول ساخته شده و در اولین سال سلطنت شاه صفی به اتمام رسیده است و به این مناسبت در کتیبه اصلی مسجد در سردر شرقی به نام هر دو پادشاه آمده است. این کتیبه که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده حاکی از آن است که بنای مسجد به وسیله (نورالدین محمد اصفهانی) در دوره پادشاهی شاه عباس کبیر شروع شده و در سال اول سلطنت جانشین او شاه صفی به اتمام رسیده است. کتیبه سردر به خط محمد رضای امامی و مورخ به سال هزار و سی و نه هجری می باشد.

شبستان زیبا و جالب این مسجد از نفایس و شاهکارهای آن است که نور آن به وسیله قطعاتی از سنگ مرمر شفاف تأمین می شود. بر طرفین محراب این شبستان با خط بنایی مشکی ساده بر زمینه زرد عبارات مذهبی نوشته شده است. سردر شمال مسجد کتیبه ای دارد که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است. خطاط این کتیبه محمدباقر شیرازی خوشنویس بزرگ عصر قاجار است مسجد آقانور در جنگ تحمیلی آسیب بسیار دید که به شیوه اول بازسازی شد.

یکی از باباهای معروف اصفهان که مزارش پس از چند قرن هنوز زیارتگاه مشهوری به شمار می رود باباقاسم اصفهانی است که در ابتدای قرن هشتم هجری زندگی می کرده است و از مردان عارف و سالک در راه حقیقت بوده و در زمان خود شهرت و محبوبیت داشته است. یکی از مریدان معروف او

به نام "سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی" برای استاد خود باباقاسم اصفهانی در سال ۷۲۵ هجری مدرسه ای ساخته است که باباقاسم در آن مدرسه به تدریس مشغول بوده و پس از وفات وی نیز نزدیک این مدرسه آرامگاه او را بنا کرده است. مدرسه باباقاسم که آن را در مدرسه امامیه نیز می نامند بنای زیبایی است که حیاطی در وسط و چهار ایوان و اطاقهایی که حجرات طلاب بوده است در اطراف دارد. ساختمان این مدرسه که از قدیمیترین مدارس موجود طلبه نشین اصفهان می باشد دو طبقه است و در طبقه دوم نیز حجراتی دارد. نمای خارجی صحن و ایوانهای بزرگ و کوچک مدرسه با کاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی، رنگ مخصوصی است و نظیر آن فقط در محراب صفا عمر در مسجد جمله دیده می شود تزئین شده است. ایوانهای بزرگ و کوچک دارای مقرنسهای کاشیکاری می باشد که بعضی از آنها جنبه تزئینی دارد و بعضی دیگر با خطوط بنایی و کوفی و ثلث تزئین شده است.

مقبره بابا قاسم

بابا قاسم پس از وفاتش در نزدیک مدرسه ای که در آن تدریس می کرده و شرح آن گذشت به خاک سپرده شد و همان مریدش "سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی" بر مزار او مقبره و آرامگاهی بنا کرده است. داخل و خارج مقبره بابا قاسم با تزئینات آجری و کاشیکاری مزین شده است. گنبد آن هرمی شکل و دارای هشت ترک است که بر هر دو ترک متقابل آن به خط بنایی با کاشی معرق لاجوردی بر زمینه آجری یکی از اسماء اله یا دیان، یا سبحان، یا سلطان، یا برهان منقوش است کتیبه تاریخی سردر مقبره به خط ثلث با کاشی سفید

معرق بر زمینه لاجوردی و مورخ به سال ۷۴۱ هجری می باشد.

آرامگاه سلطان بخت آغا

خان سلطان دختر امیرغیاث الدین کیخسرو اینجور به موجب کتیبه سنگ آرامگاه او "دختر خسرو شاه" در زمان حیات خود سنگ قبر نفیسی برای خود نوشته که پس از قتلش بر مزار او قرار داده شده است و نام او در کتیبه این سنگ (سلطان بخت آغا) می باشد. سنگ قبر سلطان بخت آغا یکپارچه سماق نفیسی است که در داخل بقعه آرامگاه او که متصل به مناره های دردشت است.

بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاءالدین محمد

یکی از بقاع متبرکه اصفهان بقعه شهشهان "شاه شاهان" است که در محله شهشهان و در مجاورت مسجد جمعه اصفهان جنب (مسجد صفا) واقع شده و دارای حسینیه و مدرسه می باشد. در این بقعه شاه علاء الدین محمد که از اجله سادات و اشراف و نقیاء اصفهان بوده مدفون گردیده است.

حمام دردشت

حمام دردشت که در نزدیکی کاروانسرا واقع شده و در گذشته با بازار و کاروانسرا حکم یک مجموعه را داشته است. این مسجد را آقا مؤمن برادر آقانور که بعد از اتمام مسجد ساخته شده است این حمام به نام بانی آن "آقا مؤمن" نیز نامیده می شود. حمام دردشت وقف مسجد آقانور است.

حمام وزیر

از حمام وزیر در منابع مختلف فقط نام آن به چشم می خورد. این حمام بعد از پیروزی انقلاب مورد توجه قرار گرفت و با حفظ اصالت و ویژگیهای معماری آن مرمت شد و پس از بازسازی در اختیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار گرفت.

مجموعه درب امام

در مشرق خیابان چهار باغ و در محلی که روزگاری محله معروف "سنبلان یا سنبلستان" واقع شده بود بقعه دو امامزاده قرار داد که ساختمان آن در سال ۸۵۷ هـ-ق برابر با ۱۴۵۳ میلادی در زمان حکومت "جهانشاه قراقویونلو" به پایان رسیده است. مقابر این دو امامزاده با توجه به کتیبه صفوی ابراهیم طباطبایی از بازماندگان حسن متنی و زین العابدین علی از اعقاب امام جعفر صادق علیه السلام معرفی شده است. بنای این قطعه مربوط به چند دوره است. قدیمیترین بخش تاریخ دار آن مربوط به اواسط قرن پانزدهم میلادی است این بخش عبارت از یک پیش طاق است که تاریخ ۸۵۷ هجری را بر خود دارد به همراه یک هشتی مربع شکل و یک آرامگاه است. این بنای باشکوه دارای دو گنبد بزرگ و کوچک و یک سر در کاشیکاری و سه

صحن می باشد. بسیاری از محققین از جمله آنده گذار به تغییراتی اشاره کرده اند که بعدها و به خصوص در عصر صفویه در بنا به وجود آمده است. گنبد های موجود در یک زمان به وجود نیامده اند. گنبد بزرگ در قرن نهم همزمان با ساختمان بعقه ساخته شده است اما گنبد کوچک در سال ۱۰۸۱ هجری ساخته شده است. گنبد بزرگ درب امام و ایوانهای شرقی و شمالی آن در سال ۱۳۲۸ شمسی تعمیر شده اند. کاشیکاریهای گنبد کوچک

و قسمتهای غربی بنادر سال ۱۳۳۲ مرمت شده اند. در جوار این دو امامزاده آرامگاه مادر جهانشاه قراقویونلو قرار دارد. نمای خارجی بقعه و دیوارهای مجاور آن تزئیناتی از کاشیکاری بسیار زیبا و مقرنس های گچی پر کاری دارد. به طور کلی مجموعه درب امام به دلیل دربر داشتن ارزشهای هنری و معماری و تزئینات بسیار باشکوه کاشیکاری و گچبری در اعداد یکی از شاهکارهای مسلم هنری ایران به شمار می رود. اثر نفیس و شکوهمند درب امام به لحاظ وجود ارزشهای هنری و معماری ترکمانان "قراقویونلو" مورد توجه معماران و پژوهشگران بسیاری قرار گرفته و بسیاری از آنان در مورد آن مطالعاتی کرده اند. مجموعه درب امام به شماره ۲۱۷ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

مسجد و بازار حاج محمد جعفر

حاج محمدجعفر آباده ای از روحانیون مشهور اصفهان در قرن سیزدهم هجری است که از وی مسجدی در بازار اصفهان به یادگار مانده و تکیه ای نیز در اول تخت فولاد اصفهان که در آنجا به خاک سپرده شده به نام او باقی مانده است مرحوم حاج محمدجعفر از شاگردان برجسته و مشهور حجت الاسلام شفتی است. از آثار وی "نفوذ المسائل" در فقه استدلالی و "مرایا" در اصول و شرح تجرید الکلام می باشد. این مسجد در محله دردشت واقع شده و از لحاظ ارتباطات محلی دارای موقعیت ممتاز و منحصر به فرد است. مسجد حاج محمدجعفر از لحاظ استحکام و تزئینات کاشیکاری از نوع "گره کاری" جالب است ولی چون عمر بانی مسجد برای اتمام کار، کفایت نکرده کاشیکاری قسمتهای مهمی از آن ناتمام مانده است. کتیبه سردر شرقی مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی شامل آیات قرآنی است

که تاریخ این کتیبه ۱۲۹۶ هـ-ق می باشد. در یوان شمالی نیز کتیبه ای است که تاریخ هزار و دویست و هشتاد هجری قمری و ایوان غربی هزار و سیصد و شصت و هشت هجری قمری نوشته است. محراب اصفی مسجد با کاشی هفت رنگ خشتی تزیین شده و شباهت نام با کاشیکاری مسجد سید دارد. منبر نفیس مسجد نیز با رسم گره های هندسی چوبی رنگین تزیین شده و از شاهکارهای هنری می باشد. مسجد حاج محمدجعفر آبادی در جنگ تحمیلی آسیب بسیار دید که به وسیله میراث فرهنگی و کمک سازمانهای مسئول به شیوه اولیه بازسازی شد. این بنا به شماره ۳۸۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

مسجد صفا

مسجد صفا در محله شهشهان و نزدیک بقعه تاریخی شهشهان بنا شده است. کتیبه سردر مسجد حاکی از آن است که مسجد صفا به سعی و اهتمام سیدمحمدعلی گلستانه اتمام پذیرفته است. کتیبه سردر مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ و به قلم محمدتقی بن محمدابراهیم مورخ به سال ۱۲۹۰ هـ-ق می باشد.

مسجد پاگلدسته

در محله دردشت نزدیک مدرسه شفیعیه و در مجاورت کتیبه ابوعلی سینا مسجدی است که در کنار آن پایه مناره قدیمی وجود دارد که بر بالای آن به ارتفاع سه متر از کف پشت بام "گلدسته" مسجد بنا شده است. می توان احتمال داد که ساختمان مناره مزبور با ساختمان گنبد در قدیم، مربوط بوده است. این مسجد را اهالی آنجا پاگلدسته می نامند. دکتر هنرفر بقایای این مناره را مربوط به دوران سلجوقی می نامند.

گنبد ابن سینا

این بنا به "مدرسه ابن سینا" نیز معروف است و دارای یک گنبد آجری زیبا می باشد. با توجه به منابع و مآخذ در مورد زندگی "بوعلی سینا" فیلسوف بزرگ ایرانی، مدتی در اصفهان وزارت "علاءالدوله" را بر عهده داشته و در این محل تدریس می کرده است.

مدرسه نوریه

این مدرسه در انتهای بازار عربان واقع شده و آن را به زمان سلطنت شاه سلیمان و آغاز سلطنت شاه سلطان حسین صفوی نسبت می دهند. بانی آن "میرزانورالدین محمد جابری انصاری" وزیر شاه سلیمان و "خواجه جلال الدوله معروف به جابر" هستند. این مدرسه از قدیم موقوفاتی داشته که از جمله قریه کبوترآباد واقع در بلوک برآ آن اصفهان و چند دکان در اطراف باغ قلندرهای اصفهان واقف در این مدرسه بوده است. این مدرسه از دیرباز محل سکونت شاعران و هنرمندان و خوشنویسان مشهوری چون آقا محمدعلی مذهب هنرمند بزرگ عصر قاجار و میرزا آقاخان پروت نسخ نویس معروف و شاعر نامدار اصفهانی بوده است. با آنکه این مدرسه مربوط به اواخر دوره صفویه است و موقوفات نسبتاً قابل توجهی نیز دارد اما فاقد تزیینات جالب بوده و آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

از بازارهای معروف اصفهان بازار عربان بوده که از مسجد جامع تا محل فعلی خیابان عبدالرزاق امتداد داشته است به نوشته مرحوم بهشتیان در این بازار سراها و مدرسه ها و بناهای متعددی بوده که سرای خانی نیز از آن جمله آثار می باشد.

هارون ولایت

بنای تاریخی هارون ولایت که بقعه و سردر کاشیکاری آن از آثار دوره سلطنت شاه اسماعیل اول و مورخ به سال ۹۱۸ هجری است که از اماکن مقدسه و زیارتگاههای عمده شهر اصفهان به شمار می رود که دارای بقعه و ضریح و رواق و یک گنبد کاشیکاری و دو صحن در شمال و مغرب بقعه است. صاحب کتاب میزان الانساب امامزاده مدفون در بقعه به شرح زیر معین می کند: "و آن جناب ظاهر این است که هارون بن علی از اولاد و احفاد حضرت هادی امام علی النقی علیه الصلوه و السلام می باشد چنانچه در بعضی از کتب مقبره مذکور شده و در بعضی از کتب انسان مذکور شده که او هارون بن محمد بن زید بن الحسن می باشد که او را در اصفهان شهید کردند و از اولاد و احفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوه و السلام می باشد و بعضی مذکور می نمایند که او هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد لکن هیچیک از این دو قول نزد این فقیر اعتبار آن معلوم نشده بلکه قول اخیر زیاده ضعیف می نماید. در یک لوح بالای در ورودی به خط نستعلیق سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی نام بانی ساختمان "دورمیش خان حسین" یکی از وزرای دربار شاه اسماعیل نوشته شده است. از شاهکارهای موجود در بنا سردر آن است که با تزئینات کاشیکاری و کتیبه ای به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی از شاهکارهای موجود در

بنا می باشد. در مغرب هارون ولایت مدرسه ای واقع شده که حجراتی در اطراف آن وجود دارد، این مدرسه با سردر مجللی به صحن هارونیه متصل می گردد. محراب زیبای بنا در ایوان جنوبی واقع شده که با کاشی معرق تزئین شده است و سردر شرقی بنا روبروی مسجد علی قرار گرفته که آن هم با کاشی معرق تزئین شده است.

مسجد علی

یکی از بناهای تاریخی جالب اصفهان که در مجاورت میدان قدیم و مسجد جمعه قرار دارد مسجد علی است. مسجد علی یک بنای دوره سلجوقی می باشد که در عهد صفویه رو به انهدام و ویرانی نهاده و در دوره شاه اسماعیل اول صفوی به وسیله (میرزا کمال الدین شاه حسین اصفهانی) که نام او در کتیبه اصلی سردر مسجد آمده و از رجال دولت شاه اسماعیل بوده و عنوان (وکیل السلطنه و اعتمادالدوله) داشته است. تجدید ساختمان شده و به تزئینات کاشیکاری و مقرنسهای گچی آراسته شده است. شاردن سیاح مشهور فرانسوی که در قرن یازدهم هجری در اصفهان بوده از این مسجد به نام مسجد سنجریه نام برده و می گوید که کتیبه سردر آن به نام شاه اسماعیل بزرگ با خط طلائی نوشته شده است و اینطور به نظر می رسد که سازنده آن بوده است. معماری مسجد و ساختمانهای ایوانهای متعدد اطراف آن در مساجد تاریخی اصفهان بی نظیر است. منظره عمومی مسجد در داخل آن هنوز آجری می باشد و تزئینات اختصاصی آن، قطار بندیهای گچی است. در ورودی مسجد در ضلع غربی آنست و در سه جانب شرقی و شمالی و جنوبی آن ایوانهایی وجود دارد. ایوان جنوبی وسیع تر از سایر ایوانها می باشد و شبستان گنبددار مسجد

در ضلع جنوبی این ایوان واقع شده است. نمای گنبد مسجد علی از خارج آجر ساده است ولی در داخل با مقرنسهای گچی تزئین شده و کتیبه اطراف آن به خط ثلث طلایی گبری برجسته بر زمینه ای گچی آراسته شده است.

شبستانهای زمستانی مسجد در گوشه جنوب شرقی وزیر ایوان و گنبد جنوبی آن کمی پایین تر از سطح مسجد بنا شده و سبک ساختمان آن جالب می باشد. در ابتدای شروع پلکانی که سطح مسجد را به شبستان زیر ایوان و گنبد متصل می کند. کتیبه سردر مسجد علی در دو ردیف روی کاشی لاجوردی رنگ به خط ثلث معرق که وجه ارتباط آنها فقط از لحاظ ذکر نام "اسمعیل" است که به خط شمس الدین تبریزی مورخ به سال ۹۲۹ ه. ق می باشد.

منار مسجد علی

مناره مسجد علی که در گوشه شمال غربی مسجد علی (از دوره شاه اسماعیل اول در محل یک مسجد سلجوقی) قرار دارد. که وجه تسمیه فعلی آن به مناسبت مجاورت با مسجد علی است که اصل آن از دوره سلاجقه است و در اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری ساخته شده است. ارتفاع آن امروزه در حدود ۵ / ۵۱ متر می باشد ولی در آن زمان بیشتر بوده است. این مناره از بالا- به پایین شامل پنج کتیبه است:- کتیبه اول به خط کوفی با کاشی فیروزه ای بر زمینه آجری در قسمت بالای مناره تکرار جمله "لااله الاالله" است. - کتیبه دوم به خط کوفی با کاشی فیروزه ای در زیر مقرنسهای مناره و تکرار جمله "الملک لله" است. - کتیبه سوم به خط کوفی با کاشی فیروزه ای "لااله الاالله محمد رسول الله" است. - کتیبه چهارم به

خط بنایی گچی بر زمینه شطرنجی در مربع های بزرگ "هو الله الذی لاله الاهو" می باشد. -کتیبه پنجم به خط بنایی آجری برجسته بر زمینه گچی که هم سطح با بام مسجد علی می باشد. "شهدالله انه لاله الاهو و الملئکه و اولوا العلم کائما" بالقسط"

محور اصفهان

این محور که از اصلی ترین محور شهر صفوی می باشد و محورهای فوق الذکر به نوعی از انشعابات آن به شمار می روند از میدان عتیق (قیام) شروع و از طریق بازار بزرگ به میدان نقش جهان (امام) رسیده و با عبور از ارگ حکومتی و دالحکومه صفوی باغات غرب میدان نقش جهان (امام) به چهارباغ عباسی رسیده و از آنجا به سی و سه پل و چهارباغ بالا و باغ های هزار جریب منتهی می گردد.

محور هارونیه. نظام الملک

این محور از ضلع جنوبی میدان عتیق (قیام) - هارونیه و مسجد علی شروع و با عبور از جلوخان حیدر میرزا به مقبره امامزاده جعفر و از آنجا به مقبره امامزاده اسماعیل و مسجد خان و مقبره خواجه نظام الملک رسیده و نهایتاً در امامزاده ابراهیم و مرکز محله دارالبطیخ ختم می گردد.

محور بیدآباد

توضیحات

محله بیدآباد از محلات مهم و معروف شهر اصفهان می باشد. این محله در شمال زاینده رود واقع شده و در گذشته به صورت یک ناحیه شهری در محله ای بزرگ که شامل تقسیمات و محلات کوچکتری نیز بوده عمل می نموده است، این محله در حال حاضر به علت خیابانها و معابر جدید الاحداث چند پاره شده و به محلات کوچکتری تقسیم گردیده است. محله مذکور دارای مراکز محله ای به نامهای بیدآباد، علیقلی آقا، درب کوشک، شیش بیدآباد، شاطر باشی و میرزا آقا می باشد. این محله در قرن ۴ هجری خارج از دروازه های شهر بوده اما در قرن پنجم هجری از ارزش های خاص برخوردار گشت تا آنجا که رجال روزگار مانند علیقلی آقا مبادرت به احداث بناهای عام المنفعه در آن نمودند.

در دوره قاجار نیز محله بیدآباد اهمیت بسیار زیادی پیدا نمود و با احداث مسجد سید بر موقعیت آن افزوده شد و خیابان مسجد سید از طریق بازارچه بیدآباد به بازارچه شاطرباشی و خیابان کوشک می رسد و از آنجا از طریق بازارچه رحیم خان به مادی فدن و مجموعه مسجد و مدرسه درب کوشک منتهی می گردد. وجود عناصری همچون حمام و مسجد و بازارچه علیقلی آقا در شمال محور مذکور که در

حال حاضر نیز به عنوان محله فعال عمل می کند از یک طرف و همچنین استقرار عناصر قوی همچون بازارچه بیدآباد و مسجد سید و مسجد رحیم خان و بازارچه های متعدد در این محور علاوه بر بالا بودن سطح اقتصاد محله زمینه لازم برای احیا یک محور تاریخی گردشگری را نیز فراهم می سازد.

بید آباد

اشاره

کاروانسرای علیقلی آقا، علیقلی آقا، جوی بابا حسن، مسجد علیقلی آقا، خانه بخردی، حمام علیقلی آقا، بقعه شیخ ابو مسعود رازی

، بازارچه و چهار سوق علیقلی آقا

بید آباد

محله بیدآباد از محلات بسیار مهم و معروف تاریخی است که در شمال زاینده رود واقع شده است. در قرن چهارم هجری محله بیدآباد خارج از دروازه های شهر بوده و در داخل حصار شهر قرار داشته است همین عظمت اهمیت سبب شد تا رجال آن روزگار مانند "علیقلی آقا" مبادرت به احداث بناهای عام المنفعه ای بنمایند در دروه های بعدی هم از موقعیت مهمی برخوردار بود. از این محله دانشمندان و علما و محدثان و بزرگانی چون ابو عبدالله بن اسحاق بن ماقه بیدآبادی. زاهد و محدث مشهور قرن پنجم - ابو محمد جابر بن منصور بن محمد بن صالح بیدآبادی محدث نامدار و مشهور قرن پنجم و آقا محمد بن ملامحمد رفیع بیگلدنی بیدآبادی که از حکما و افاضل سیر و سلوک بود که در سال ۱۱۹۷ ه. ق در اصفهان درگذشت. به دلیل نزدیکی محله بیدآباد با چهارباغ عباسی و محلات بزرگی چون عباس آباد، درب کوشک، دردشت بعد از صفویه هم از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است و بناها و آثار بسیاری را داراست. مجموعه علیقلی آقا که شامل مسجد، حمام، بازارچه، چهارسوق، کاروانسرا، جوی بابا حسن، بقعه شیخ ابو مسعود رازی، بازارچه بیدآباد، خانه بخردی و...

علیقلی آقا

علیقلی آقا از خواجهگان معروف و نیکوکار اواخر دوره صفویه است که در زمان سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی زندگی می کرده است. علیقلی آقا همراه برادرش خسرو آقا آثار قابل توجهی از خود به یادگار گذاشته اند.

مسجد علیقلی آقا

این مسجد دارای صحن کوچک و شبستان زیبایی است که اطراف آن با کاشیهایی از نوع گره تزئین شده است. کتیبه سر در مسجد با خط ثلث قهوه ای رنگ برجسته به سنگ مرمر حاوی عباراتی به زبان عربی است و در پایان کتیبه نام "علیقلی آقا" و خطاط کتیبه "علی نقی امامی" خوشنویس نامدار عصر صفوی و تاریخ ۱۱۲۲ ه. ق آمده است. سر در شبستان مسجد نیز کتیبه

زیبایی دارد که به خط نستعلیق سینه بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است که تاریخ ۱۲۹۷ هجری را دارد که حاکی از این است که شخصی به نام قاضی ابوالقاسم این شبستان را بنا کرده و اشعار آن را یحیی نامی سروده و خط آن را عبدالجواد نوشته و معمار آن نیز شخصی به نام "محمد اسماعیل" بوده است. مسجد علیقلی آقا به شماره دویست و بیست و پنج در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این مسجد دارای یک درب چوبی منبت شده و در ورودی آن سنگ آب زیبایی بانقوش حجاری و هماهنگ شده با نقوش دیگر می باشد. دارای یک صحن کوچک و شبستان زیبا که اطراف آن با کاشیهای...

حمام علی قلی آقا

حمام علیقلی آقا روبروی مسجد علیقلی آقا می باشد. این حمام دارای ویژگیهای خاص، که دوقلو است "حمام مردانه و زنانه" که هر کدام دارای قسمتهای مختلفی از جمله: ورودی، سربینه، گرمخانه، خزینه، چهار حوض، شاه نشین و... است که دارای تزئینات نقاشی و کاشیکاریهای زیبا می باشد و از بهترین حمامهای اصفهان بوده که اکثر محققین از آن نام برده اند. این حمام در سال ۱۱۱۲ ه. ق ساخته شده و به شماره ۲۲۶ در فهرست آثار ملی ایران به

ثبت رسیده است و هم اکنون با همت سازمان نوسازی و بهسازی مرمت شده و قسمت سربینه حمام مردانه به عنوان یک موزه مردم شناسی تجهیز شده است.

بازارچه و چهار سوق علیقلی آقا

علیقلی آقا دو بازارچه عمود بر یکدیگر ساخت که چهارسوی بسیار زیبایی را در این مجموعه شکل داد که از چهارسوهای قابل توجه در این شهر می باشد و بسیاری از پژوهشگران از آن بازدید کرده و درباره ی آن مطلب نوشته اند این بازارچه به این دلیل زده شده که درآمد حاصله از آن خرج نگاهداری مسجد باشد.

کاروانسرای علیقلی آقا

در حال حاضر این کاروانسرا مخروبه است و هیچ استفاده ای از آن نمی شود ولی مرحوم جناب در کتاب "الاصفهان" می نویسد کاروانسرای علیقلی آقا ۴۰ متر طول و ۲۲ متر عرض دارد.

جوی بابا حسن

جوی بابا حسن شاخه ای از نهر فدن است که از جلو حمام و مسجد علیقلی آقا می گذرد. مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان می نویسد: "نهر بابا حسن که شعبه ای از مادی فدن است، میان مسجد و حمام می گذرد. دکتر لطف اله هنرفر در مورد وجه تسمیه این نهر "بابا حسن" هنگام معرفی مدرسه باباقاسم در پاورقی به این نکته اشاره می کند، که در فاصله سالهای ۷۰۰ تا ۹۰۰ هجری عده ای از درویش و متصوفه در اصفهان زندگی می کرده اند که عنوان بابا داشته اند و بعد از معرفی چند عارف به بابا حسن در محله بید آباد اشاره می کند.

خانه بخردی

این خانه معروف به خانه "حاج رسولیها" است. اما پس از آن که آخرین مالک خانه نام خانوادگی خود را به بخردی تغییر داد این خانه نیز به این نام مشهور شد. به طوری که امروز به هر دو این نامها شناخته می شود. ساختمان این خانه در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شروع می شود و قسمتهایی از آن در دوران سلطنت او به پایان می رسد اما قسمتهای دیگر مثل زیرزمین شمالی نا تمام می ماند. این خانه در اصل دو حیاط داشته که تالار در وسط این دو حیاط بوده و مشرف به حیاطهای بوده است از ظاهر بنا چنین استنباط می شود که جبهه شمالی آن حیاط خلوت و قسمت جنوبی اندرون بوده است. خانه بخردی تزئینات خاص اواخر دوران قاجار را دارد و بدنه حیاط با گچبری و نقاشی تزئین شده است. خانه بخردی در مالکیت سازمان میراث فرهنگی است و در فهرست بناهای تاریخی ایران ثبت شده است و در حال حاضر در دست مرمت می

باشد.

بقعه شیخ ابو مسعود رازی

شیخ ابو مسعود احمد بن فرات رازی یکی از دانشمندان و محدثین بزرگ قرن سوم هجری است که در محلی که امروز "بقعه مسعودیه" نامیده می شود به هدایت و ارشاد مردم می پرداخته است، که در آن روزگار به محله شیخ ابو مسعود و خانقاه شیخ ابو مسعود هم مشهور بوده است و مورخینی که از قرن چهارم هجری به بعد درباره اصفهان مطالبی نوشته اند آن را شامل مجموعه ای وسیع مرکب از خانقاه و بازار و چهارسو و حمام و باغ نوشته اند. از این مجموعه مشهور امروز سردر قابل توجهی بر جای مانده است. بر بالای این سردر کتیبه زیبایی به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده است. در پایان این کتیبه تاریخ ۸۹۵ ه. ق و نام یعقوب بهادر خان (سلطان یعقوب تویونلو) و کاتب آن (کمال بن شهاب الکاتب الیزوی) آمده است. بقعه شیخ ابو مسعود به شماره ۲۱۹ به ثبت آثار تاریخی رسیده است.

درب کوشک

اشاره

بازارچه بید آباد، یخچال قدیمی، مدرسه درب کوشک، بازارچه شاطر باشی، مسجد رحیم خان، مسجد درب کوشک، خانه شفتی، مسجد سید، سردر درب کوشک، خانه پناهنده، مدرسه میرزا حسین، خیابان کوشک قدیمی

درب کوشک

درب کوشک از محلاتی بوده که در قدیم معروف و مشهور بوده است. مرحوم "جابری انصاری" این محله را از محلات بزرگ اصفهان می داند که در زمان سلاطین آقا قویونلو محل دارالاماره آنان بوده و دربار و اندرون و کاخهای حکومتی آنان در این محله قرار داشته است. این محله علاوه بر وجود برخی بناهای تاریخی به دلیل آنکه محل تولد و زندگی بزرگان علمی و دینی همچون ابوجعفر احمد بن مجاهد بن عبدالله مدینی باب کوشکی (وفات به سال ۲۹۰ ه. ق) که از مشایخ ابونعیم اصفهانی بوده است. ابومحمد قاسم بن زید مؤدب باب کوشکی (وفات ۳۵۰ ه. ق) که از محدثین معروف و مشهور بوده است. حاج ملا اسماعیل بن محمد جعفر حکیم باب کوشکی (وفات ۱۳۰۴ ه. ق) وی از دانشمندان بزرگی بوده که شاگردان برجسته ای همچون سید ابوالقاسم دهکردی را پرورش داد.

مدرسه درب کوشک (پاشیر، باقریه)

این مدرسه در محله درب کوشک واقع است. از خصوصیات این مدرسه کاشیهای معرق و تزئینات جالب توجهی بوده که به مرور زمان از بین رفته است. و چون شیری سنگی در آن محل بوده و پاشیر هم معروف بوده است. از آنجا که بانی آن شخصی به نام باقر بوده به باقریه نیز مشهور است. اما در هیچ منبعی مطلبی راجع به قدمت مسجد نوشته اند.

مسجد درب کوشک (پاشیر)

دکتر هنرفر در کتاب خود از این مسجد فقط به نام پاشیر اسم برده است. امیا مرحوم رفیعی مهرآبادی آن را به نام دیگر (پاسنگ) هم نامیده است.

سردر درب کوشک

سر در درب کوشک که اکثر محققین آن را "سر در زاویه باب القصر" نیز نوشته اند. از آثار دوره حکمرانی ابوالمظفر رستم بهادرخان آق قویونلو بوده است. کتیبه سردر درب کوشک به خط ثلث سفید معرق به زمینه کاشی لاجوردی رنگ، حاوی مطالبی به زبان عربی است تاریخ این کتیبه ۹۰۲ هجری است و علاوه بر نام این حکمران نام شخص دیگری به نام (علی بیک برنا) نیز آمده است در داخل مقرنس های سردر نیز عبارات مذهبی به خط بنایی سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است. در داخل قطارهای سردر اشعاری به خط بنایی سفید بر زمینه کاشی لاجوردی به چشم می خورد. سردر درب کوشک به شماره ۹۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

خیابان کوشک قدیمی

مرحوم رفیعی مهرآبادی کتابی تحت عنوان "خیابانهای شهر اصفهان" در اوائل قرن چهاردهم هجری از این خیابان نام می برد و به خیابان درب کوشک اشاره می کند. نویسنده در بحثی عنوان محلات اصفهان در معرفی محله دروازه دولت حد غربی این محله را خیابان درب کوشک می داند که تا پشت بارو ادامه دارد ولی در هیچ منبع قدیمی نام خیابان کوشک قدیمی مشاهده نشد.

یخچال قدیمی

به گفته افراد مسن که در محله درب کوشک ساکن هستند تا حدود سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۰ ه. ش کوچه ای به نام (کوچه یخچال) در محله درب کوشک وجود داشته است که هنوز در محاورات مردم، نامی از آن برده می شود این نام بیانگر آن است که در روزگاران گذشته یکی از چندین یخچال در این محل وجود داشته و در آن یخهای زمستانی را با ترکیب خاصی برای تابستانها ذخیره می کردند ولی در منابع قدیمی نامی از یخچال دیده نشد.

مسجد رحیم خان

در این مسجد از سال ۱۲۹۰ تا سال ۱۳۰۴ ه. ق سالهای تاریخی مختلف دیده می شود و شیوه معماری و تزئینات و خطوط آن از مسجد سید اقتباس شده است آقای محمد مهدی ارباب مؤلف تاریخ (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) که خود معاصر با ساختمان مسجد بوده در کتاب خود چنین می نویسد: "مسجد دیگر مسجدی است جدیدالبناء که آن را مرحوم میر سید حسن مجتهد اصفهانی در محله نو بنا نموده و زمان چندان مساعدت با تمام عمارت آن ننموده و عمرش به آخر رسید. بعد از او محمدرحیم خان بیلگر بیگی به عمارت آن پرداخت و عمر او نیز کوتاهی نمود و برادرانش محمد کریم خان و محمد حسین خان بعد از او به عمارت آن مشغول شدند و باز در آن اثنا محمد کریم خان وفات نمود و محمد حسین خان به کار آن مشغول است و قریب الاتمام می باشد. خداوند توفیق عطا فرماید که تعجیل اتمام در آن نموده که مسجدی نیکو شده، سمت قبله آن

گنبدی خوش وضع ساخته و دو طرف آن را نیز صفه مانند با ستونهای سنگ ساخته اند و مسجدی باشکوه شده، صحن آن را با قاعده وسعتی دارد

حوض و مهتابی در آن انداخته اند و موافق همت و دولت خود خوب ساختند، این مسجد سه دروازه دارد یکی به طرف مشرق و دیگر به جانب مغرب و درب دیگر به طرف شمال که مقبره میرسید حسن مرحوم در جنب آن است کتیبه سردر شرقی مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ مورخ به سال ۱۳۰۱ ه. ق که به نامهای ناصرالدین شاه قاجار، رحیم خان و برادرانش اشاره شده است. کاشیکاریهای داخل ایوان و گنبد مسجد رحیم خان و شبستانهای اطراف آن به علت درگذشت بانی آن ناتمام مانده است. کتیبه اطراف محراب به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه و آیه ۵۵ سوره ی مائده نوشته شده و در آخر کتیبه تاریخ ۱۳۰۴ ه. ق آمده است. سنگاب نفیس و یکپارچه مسجد رحیم خان که در زیر ایوان جنوبی قرار دارد به خط نستعلیق برجسته اشعاری نوشته شده و در آخر تاریخ ۱۲۹۹ ه. ق ذکر شده است. دکتر لطف اله هنرفر در پاورقی کتاب خود می نویسد مسجد رحیم خان تقریباً "شبه مسجد سید بنا شده و حتی کتیبه های ایوان جنوبی نیز از مسجد سید گوده برداری شده، کاشیهای خشتی زیبایی از نوع (هفت رنگ) دارد گنبد آن بزرگتر از گنبد مسجد سید و بسیار پر حالت است و در طرفین آن دو شبستان نسبتاً وسیع است ولی خیلی از کاشیکاریهای آن ناتمام مانده و تا این تاریخ اقدام به اتمام آن نشده است. این مسجد به دلیل در برداشتن خطوط بسیار زیبا و معماری جالب عصر قاجار جزء آثار باشکوه و نفیس و شاخص این عصر به شمار می رود.

مسجد سید

مسجد سید

بزرگترین و مشهورترین مساجد اصفهان از قرن سیزدهم هجری است که به وسیله حجه الاسلام حاج سیدمحمدباقر شفتی (۱۱۸۰-۱۲۶۰) از روحانیون بزرگ اصفهان و از مراجع عالیقدر شیعه در اواخر نیمه اول قرن سیزدهم هجری ساختمان آن شروع شده و کاشیکاری آن تا پایان نیمه دوم آن قرن ادامه داشته است به این معنی که چون عمر حجه الاسلام برای اتمام تزئینات آن کفایت نکرده قسمتی به وسیله فرزندش حاج سید اسداله (سیدثانی) و قسمتی به وسیله نواده اش حاج سید محمد باقر به اتمام رسیده ولی هنوز تزئینات قسمتهایی از آن همچنان ناتمام مانده است. مسجد سید برای مطالعه کاشیکاری عهد قاجاریه بهترین نمونه بناهای موجود اصفهان است همچنین این مسجد به لحاظ هنر معماری، گره کاری، خط بنایی و کاشی هفت رنگ از بهترین آثار دوره قاجار می باشد. مسجد سید با چهار درب اصلی، دو شبستان بزرگ، دو گنبد کوچک و بزرگ، دو چهلستون، دو مهتابی وسیع کف حیاط، چهار مهتابی طبقه پایین، سه ایوان و یک گلدسته معظم، ساعتی رفیع و بیش از ۴۵ حجره و چند دهلیز و جمعا^۱ ۸۰۷۵ متر مربع وسعت دارد. سردر شمالی مسجد که ورودی اصلی آن به حساب می آید دری رفیع با دو سکو است که طرفین آن را تزئیناتی از کاشی هفت رنگ و گل و بوته و کتیبه هایی به خط ثلث قرار گرفته اند که در جنوب غربی مسجد هم با کاشیهای هفت رنگ و کتیبه ها تزئین شده است. نویسنده کتیبه های این سردر مرحوم محمد باقر شیرازی خوشنویس بزرگ عصر قاجار است. در دو طرف شرق و غرب مسجد چهار مهتابی ساخته شده اند در اطراف ایوانها حجراتی برای سکونت طلاب

علوم دینی احداث شده اند. در بالای ایوان جنوبی ساعت بزرگ مسجد قرار دارد که در اصفهان مشهور است. در شمال شرقی مسجد آرامگاه حجه الاسلام شفتی واقع شده که بقعه و رواقی مقابل آن است داخل این بقعه و رواق با تزئینات کاشیکاری و گچبری آراسته شده است. در بالای سردر ورودی بقعه تاریخ فوت حجه الاسلام شفتی با خط ثلث نوشته شده است. مسجد سید علاوه بر جنبه های معماری و کاشیکاری و تزئینات به دلیل تأثیری که در آن عصر در هنر کاشیکاری داشت در بین آثار کشور ما جایگاه والایی دارد. توضیح اینکه در آن روزگاران با رکوردی که از نظر وضع اقتصادی گریبان گیر کشور ما شده بود کاشیکاری و بطور کلی مسجد سازی دچار وقفه محسوس شد. بنابراین احداث این مسجد، ساخت مساجد را بار دیگر در ایران رونقی بخشید. مسجدسید به شماره ۳۸۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

مدرسه میرزا حسین

یکی از مدارس قدیمی اصفهان از دوره ی صفویه مدرسه میرزا حسین است که در محله بیدآباد و نزدیک مسجدسید واقع شده، مدرسه میرزا حسین از مدارس طلبه نشین اصفهان است و در دوره شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۹۹ هجری بنا شده است. کتیبه سردر مدرسه به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی می باشد. اکثر محققین، این مدرسه را از مدارس بسیار خوب آن روزگار نوشته اند که در تمامی دوره ها طلبه نشین بوده است. مرحوم انصاری مساحت این مدرسه را دو جریب و نیم نوشته است.

این مدرسه سنگاب نفیسی دارد که بر آن عباراتی به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است. مفاد این عبارات حاکی از این است که شخصی به نام "حاج محمد کاظم"

این سنگاب را وقف مدرسه کرده است. تاریخ این سنگاب ۱۲۷۵ هجری یعنی زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است و سازنده آن نیز استاد محمد حسین بن استاد محمد رضای حجار می باشد.

بازارچه بیدآباد

به نوشته مرحوم رفیعی این بازارچه دارای طاقهای خبری و گنبد و چهارسو بوده است که مقداری از آن در احداث خیابان مسجدسید از بین رفته است. به نوشته این محقق در این بازارچه مسجد و مدرسه ای نیز وجود داشته است مرحوم بهشتیان در کتابی که راجع به بازارهای اصفهان نوشته است به بازار بیدآباد اشاره می کند و می گوید: بازاری نیز در محله بیدآباد بود که تا چند سال قبل به بازار ریسمان و بازار حبیب اله خان می پیوست و بسیار طولانی بود.

بازارچه شاطرباشی

علت نامگذاری آن به شاطرباشی در منابع اشاره نشده، اما بنا به اظهار چند نفر از افراد مسن محله چون بانی آن نانوا بود و در همان محلی ساکن بوده و به این اسم نامگذاری شده است. (اما به این وجه تسمیه نمی توان اعتماد کرد.) بازارچه شاطرباشی از بازارهای جالب توجه اطراف مسجدسید است که در حال حاضر حدود ۳۰ متر از آن باقیمانده و سقف آن چوبی است.

خانه شفتی

در انتهای بازارچه بیدآباد و در قسمت شمال آن خانه ای است که شامل دو حیاط شمالی و جنوبی است و هشتی خانه حدفاصل آنهاست. علت نامگذاری آن به خانه شفتی این است که گویا مرحوم حجت الاسلام شفتی در آن زندگی می کرده است. حیاط جنوبی خانه متعلق به ورثه مرحوم شفتی (یعنی خانواده جعفری) است. این حیاط شامل جبهه شمالی است که شامل یک تالار سه دری است و دو اتاق کوچکتر در طرفین آن است. زیباترین قسمت خانه اتاقی که در جبهه غربی ساخته شده و به صورت شاه نشین می باشد. این اتاق و زیرزمین آن از نظر معماری و تزئینات در نوع خود بی نظیر است. خرید خانه شفتی به دلیل دارا بودن ارزشهای معماری و هنری در دستور کار سازمانهای ذیربط است.

خانه پناهنده

در انتهای بازارچه حاج محمدعلی و در قسمت غربی آن خانه پناهنده واقع شده است. این خانه که حدود ۱۲۰۰ مترمربع زیربنا دارد شامل دو حیاط است. حیاط کوچکتر از نزدیک هشتی یا حیاط خلوت می باشد. حیاط بزرگتر که حدود ۱۰۰۰ مترمربع وسعت دارد شامل دو قسمت ساختمان شمالی و جنوبی است. قسمت شمالی دارای سه اتاق است که توسط راهروهایی به هم ارتباط دارند. تأسیسات و مطبخ و دیگر فضاهای مورد نیاز زندگی در این قسمت واقع شده است. در قسمت جنوبی، تالار بسیار زیبایی قرار دارد که در طرفین آن (شرقی و غربی) دو تالار کوچکتر واقع شده اند حوضخانه بسیار نفیس و بی نظیر خانه در جنوب واقع است که شامل یک اتاق در غرب و سه ایوان کوچک در اطراف است تالار مرکزی ساختمان داری رسمی بندی با تزئینات نقاشی و طلاکاری است

که تزئینات دوره قاجار را تداعی می کند حدفاصل تالار و حوضخانه سه دری مشبک بسیار زیبایی قرار دارد که از دوسو دارای تزئینات است. خانه پناهنده یکی از زیباترین و نفیس ترین خانه هایی است که به لحاظ ارزش معماری در تاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

جنوب میدان امام

محور مزبور محدود در بین بازارچه حسن آباد از شرق، خیابان فرشادی از جنوب و خیابان استانداری از غرب می باشد که جزو قدیمی ترین محلات شهر اصفهان بشمار می رود. وجود عناصر ارزشمندی نظیر بازارچه حسن آباد و چهارسوق مقصود، کاروانسرای مقصودییک و نخجوانیها، سرای رحیمه خاتون، سرای قالیبافها، تعداد بسیار منازل تاریخی، مساجد و مدارس علمیه تاریخی و گذر سرپوشیده قدیمی معروف به کوچه تاریکی سایت بسیار متنوعی را برای ایجاد یک فضای گردشگری فراهم می سازد.

هارونیه-نظام الملک

این محور از ضلع جنوبی میدان عتیق (قیام)، هارونیه و مسجد علی شروع و با عبور از جلوخان حیدر میرزا به مقبره امامزاده جعفر و از آنجا به مقبره امامزاده اسماعیل و مسجد خان و مقبره خواجه نظام الملک رسیده و نهایتاً در امامزاده ابراهیم و مرکز محله دارالبطیخ ختم می گردد.

جماله

محله جماله که قدمت آن به دوره قبل از صفویه می رسد زیر مجموعه ای از محله دردشت بزرگ اصفهان به حساب می آید که خود سه بازارچه حاج محمد جعفرآباد، بازارچه وزیر و بازارچه دومنار را بعنوان مراکز محله ای در بردارد. این محور از بازارچه حاج محمد جعفر شروع و با عبور از حمام وزیر و مقبره امامزاده درب امام به قصر جمیلان رسیده و با عبور از معابر داخل محله به حمام شاه علی و نهایتاً به میدان عتیق (قیام) می رسد.

حسن آباد به تخت فولاد

این محور که در اصل از قدیمی ترین بخشهای محور فرهنگی تاریخی بازار می باشد از بازارچه چهارسو مقصود شروع و از طریق بازارچه حسن آباد به دروازه حسن آباد، که از قدیمی ترین دروازه های اصفهان می باشد و مدخل قصر شاه حسن بوده است، و از آنجا به چهارسوق نقاشی و مکینه خواجه رسیده و از طریق چهارباغ خواجه به پل خواجه و از آنجا از طریق چهارباغ صدر به اراضی تخت فولاد منتهی می گردد. قبرستان تخت فولاد که قدمتش به دوره های قبل از اسلام می رسد از دوره صفویه و بعد از آن مهمترین قبرستان شهر اصفهان محسوب می شده است.

تخت فولاد و قبرستان های قدیم و جدید اصفهان

تخت فولاد

تخت پولادا، بگريم گر به هجر يار خود تاب اشك من نمي آرد پل خواجوي تو پيشينيان دانشمند و متفكر ما دنيا را به سراي دودر و يا كاروانسرايي تشبيه نموده اند كه انسان از يك در آن وارد شده، از در ديگر به ديوار باقي رهسپار مي شود و هر كس در طول زندگي، در حد خود به تلاش و فعاليت و كار و كوشش و خدمت مي پردازد. در بين كاروانياني كه به كاروانسراي جهان وارد مي شوند، شخصيت هاي علمي و هنري ممتازي پرورش مي يابند كه عمر خود را صرف خدمت به هموع و بشريت نموده، جهت رفاه و آسايش و راهنمايي انسانها خدمات ارزنده و چشمگيري انجام مي دهند و باعث سعادت و ارشاد و آسايش نوع بشر مي گردند. اين انسانها به بركت آثار علمي و هنري و ادبي خود همواره در جهان خاكي زنده و جاويد هستند، اما چه بسيار اتفاق افتاده كه آثار ارزنده انسانهاي والا دستخوش حوادث مختلف شده

و اندک اندک به فراموشی گراییده اند.

اما نظر به اینکه این بزرگان علم و ادب و هنر، افتخارات تاریخی شهر و مملکت هستند، حداقل باید آرامگاه مشخص و آبادی داشته باشند تا نسلهای آینده، قبور آنها را زیارت نموده، با هویت آنها بیشتر آشنا شوند و به تربت آنها نیز افتخار نمایند. همان طوری که بزرگانی مانند حافظ و سعدی و ابن سینا و دیگران دارای چنان قبه و بارگاهی هستند و چشم هر بیننده را خیره و انسان را به شگفتی وامی دارد. این قبه و بارگاه حداقل قبور آنها را از افراد معمولی ممتاز می سازد و گرنه عظمت و انسانیت هر فرد به آثار و خدمات و ارزش معنوی او بستگی دارد و محسنات دیگر او را هم فقط خداوند می داند.

اصفهان از ابتدای تاریخ مهد هنر و دارالعلم بوده، به همین مناسبت محل پرورش و دفن معروف ترین علما و دانشمندان و شعرا و هنرمندان کشور و جهان است که گورستان تخت فولاد آرامگاه ابدی آنها، علاوه بر بناهای تاریخی از جهت معماری و هنرهای دیگر بی نظیر می باشد.

سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی تخت فولاد

گورستان تخت فولاد در جنوب اصفهان و جنوب زاینده رود قرار دارد. تا قبل از زمان صفویه رونق چندانی نداشت و تنها یکی از چند گورستان اصفهان به شمار می آمد. اما عملاً از زمان سلسله صفویه گورستان رسمی شهر اصفهان شد. قبل از آن، این منطقه محل سکونت زرتشتیان - که به گبرها مشهور بودند - محسوب می شد. در آن زمان گبرها به محل دیگری در جنوب جلفای اصفهان - که امروز به نام حسین آباد شهرت دارد - انتقال یافتند و از حمایت پادشاهان صفوی

نیز برخوردار شدند، ولی در زمان فتنه افغان - که اصفهان مورد هجوم این قوم قرار گرفت - بر اثر تعصبات مذهبی افغانه و ظلم و جور و کشتاری که بر آنها روا می داشتند، جلای وطن گفته مملکت آباء و اجدادی خود را رها کردند و گروهی راهی هندوستان شدند. گروه دیگری نیز شهرهای یزد و کرمان را جهت اقامت انتخاب نمودند. پس از اینکه زرتشتیان، بنا به دستور سلاطین صفوی، محل سکونت خود در زمینهای کنونی تخت فولاد را تخلیه کرده و در جنوب جلفا ساکن شدند، شاهان صفوی کاخها و باغهای زیبا و معروفی در این منطقه خوش آب و هوا ساختند که از جمله، عمارت‌های معروف هفت دست، تالار آینه خانه، قصر نمکدان، باغ گلستان، عمارت دریاچه و کاخ معظم و زیبای سعادت آباد و باغهای انارستان و نگارستان در همین منطقه ساخته شدند. و گورستان تخت فولاد که محل دفن عارف کامل عبدالله الیضاوی معروف به بابا رکن الدین متوفی به سال ۷۶۹ هجری و تنی چند از مشاهیر و علما و شعرای دیگر بود، از این زمان و به مناسبت همین پیر روشن ضمیر و عارف والامقام به گورستان بابارکن و یا تخت فولاد نامیده شد و عملاً گورستان رسمی شهر اصفهان قلمداد گردید. در امتداد پل خواجه به طرف جنوب، خیابانی به موازات چهارباغ بالا - به طرف دروازه شیراز احداث گردید که در آن زمان تنها راه اصفهان به شیراز محسوب می شد. این خیابان همچنین به باغ بزرگ و قصر مجلل هزار جریب منتهی می گشت و مخصوص رفت و آمد ارکان دولت و رجال دربار شاهی بود. به مناسبت مقبره عارف مشهور، بابارکن

الدین، خیابان فیض کنونی و گورستان تخت فولاد و پل خواجه به نام او شهرت داشت. اطراف این خیابان وسیع، باغهای بسیار زیبا و سردرهای عالی و کاخهای با عظمت ساخته شده بود که شامل باغ کاج، باغ مستوفی، باغ انارستان و باغ نگارستان بوده اند.

وجه تسمیه تخت فولاد

گورستان وسیع و باستانی تخت فولاد یکی از ارزشمندترین میراث فرهنگی اصفهان به شمار می رود که محل دفن دانشمندان، علما، شعرا، هنرمندان و رجال سیاسی و استادان و دیگر بزرگان اصفهان و ایران است و به نامهای تخت فولاد، لسان الارض و بابا رکن الدین معروف است. علت این نامگذاریها از قول محققین و مورخین و دانشمندان داخلی و خارجی چنین بیان شده است: تخت فولاد: گویند وقتی حضرت امام حسن علیه السلام به اصفهان آمدند ظاهراً زمین تخت فولاد با او صحبت کرده و امام را از جادوی یهودیان مطلع ساخته است. امام هم جهت رفع جادوی یهود تختی از فولاد تهیه فرموده و در این محل نصب نموده و روی آن نشسته اند تا جادو کارگر نشود. در تاریخ اصفهان آمده است که در ری، پسر پولاد از اتباع بویهیان، یاغی شده بود به مدد منوچهر بن قابوس مسؤولین را ناچار کرد تولید اصفهان را به او دادند و تخت پولاد منصوب به پدر اوست که دلیری رشید بود و تختی از سنگ ساخته بر روی آن می نشست و کشتی گیران در اطراف آن تخت کشتی می گرفتند. در زمان قاجاریه این تخت سنگی شکسته و آن محل نیز مثل بسیاری از آبادیها و کاخهای دیگر به ویرانی کشیده شد. شاردن سیاح معروف فرانسوی در وجه تسمیه تخت فولاد نوشته است. به مناسبت

سکونت سردار بزرگی در آن سرزمین که به خاطر پیروزیهایش «پولادبازو» لقب داشت، این زمین به تخت فولاد معروف شده است.

لسان الارض

درباره وجه تسمیه لسان الارض نیز گفته اند که؛ خداوند خطاب به آسمانها و زمین فرمود: «به میل یا به کراحت بیایید»، در جواب گفتند: «آمدیم از روی فرمان برداری و میل». از جمله زمینهایی که چنین پاسخ دادند این قسمت از زمین تخت فولاد بود. به همین مناسبت به لسان الارض «زبان زمین» معروف گردید. در این باره حدیثی نیز وجود دارد. وجه تسمیه دیگر لسان الارض شباهت ظاهری آن زمین است که شکل زبان بوده و به نام لسان الارض شهرت یافته است. بابارکن: این گورستان به نام قبرستان بابارکن هم آمده که به علت دفن عارف زاهد، بابا رکن الدین در این محل بوده است و از همین رو این جایگاه محل عبادت و ریاضت عرفا و مرتاضین و عباد و زهاد بوده است. در قرن هفتم و هشتم به عرفای بزرگ، «بابا» اطلاق می شده است که هم در اصفهان و هم در سراسر ایران نمونه های فراوانی از آن هست. این عارف و صوفی بزرگ در سال ۷۶۹ هجری وفات یافت.

تکایای معروف تخت فولاد

اشاره

قبرستان معظم و قدیمی تخت فولاد از دو قسمت جداگانه تشکیل یافته است: قسمت اول شامل تکایایی است که به وسیله دیوار محصور شده و در ورودی بزرگی دارد. این تکیه ها دارای فضای آزاد و اطاقهای مجزایی در اطراف می باشند که اشخاص به تنهایی و یا به همراه خانواده خود و دسته جمعی متقبل مخارج آن می شدند و محل دفن یک خانواده و یا چند خانواده به خصوص بوده است. قسمت دوم شامل فضای سبز آزاد و بدون حصار است که محل دفن همگان بوده. ولی در هر صورت:

خاک شد آن کس که در این خاک

زیست ***خاک چه داند که در این خاک کیست/هر ورقی چهره آزاده ای ست ***هر قدمی فرق ملک زاده ای ست

تکیه بابا رکن الدین

این تکیه به مناسبت مدفن عارف نامی قرن هشتم بابا رکن الدین معروف و مشهور گردیده و تکیه و بنای آن به ثبت آثار تاریخی رسیده است. این بنا دارای گنبدی هرمی است که با کاشیکاریهای نفیس زینت یافته است. کتیبه سر در بنا، یکی از زیباترین خطوط خوشنویسان و به خط محمد صالح اصفهانی است. در این تکیه و در کنار این عارف عالیقدر از دیر زمان بسیاری از علما و فضلا و عرفا و شعرا دفن گردیده اند. جهت اطلاع کامل باید به «تذکره القبور» معلّم حبیب آبادی که به همت مصلح الدین مهدوی به چاپ رسیده، مراجعه شود. و ما در اینجا به اختصار به معرفی تنی چند از آنان می پردازیم: آرامگاه اله وردیخان که در زمان شاه عباس صفوی از شخصیت‌های نامدار و قوللر آقاسی شاه عباس ثانی بوده و در سال ۱۰۷۲ ه. ق فوت نموده، در این مکان است. در عصر حاضر نیز استاد جواد مجد زاده صهبا، استاد تاریخ و باستان شناس معروف و فرزند شیخ احمد حجت الاسلام کرمانی - که در اردیبهشت سال ۱۳۲۴ خورشیدی رحلت نموده - در این تکیه دفن شده است. همچنین حاج میرزا حسن خان جابر انصاری محقق معاصر دارای تألیفات متعددی از جمله تاریخ اصفهان و ری، تاریخ اصفهان معروف به نصف جهان و... در این تکیه مدفون است.

تکیه میرفندرسکی

این تکیه بزرگ که قریب هیجده هزار متر وسعت دارد، آرامگاه میر ابوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیک بن امیر صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی - از حکما و عرفای حقیقت جو که در حکمت الهی و طبیعی و ریاضی و علوم عقلیه و شعر و ادب

یگانه روزگار بوده و در نزد شاه عباس اول و شاه صفی مقام و منزلتی داشته - در این تکیه دفن گردیده است. از آثار ارزنده این عارف بزرگوار می توان از «تاریخ الصفویه»، «تحقیق الزلزله»، «رساله صناعیه» و «قصیده حکمیه» معروف نام برد که در طراز قصیده «عینیه» ابن سینا و نشانه بارزی از پختگی و آزادی و قدرت و توانایی او در سرودن شعر و تسلط بر علوم دیگر است. چند بیتي از قصیده معروف میرفندرسکی:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی /

صورت زیبا اگر با نردبان معرفت

بررود بالا همان با اصل خود یکتاسی /

صورت عقلی که بی پایان و جاویدان بود

با همه هم پی همه مجموع و هم یکتاستی

میرفندرسکی در سال ۱۰۵۰ هجری به سرای باقی شتافت و در این تکیه دفن گردید و مزار شریفش از آن زمان تا حال زیارتگاه اهل دل و معرفت است و علاوه بر سنگهای مرمرین آرامگاه، کتیبه زیبایی در قسمت غربی مقبره او نصب شده که معرفت شخصیت آن بزرگوار باشد. دانشمندان و علمای دیگری که در این مقبره دفن شده اند عبارت اند از: سید ابوطالب میرفندرسکی، میرزا محمد امین، ادیب و شاعر، متخلص به صافی، سید جعفر بن محمد امین، شاعر و ادیب و صاحب کتاب «زبده الانساب»، سید روح الله کشفی فاضل ارجمند، محمدحسین، فرزند رضا قلیخان همای شیرازی شاعر شهیر و ادیب و ملک الشعراء، معروف به عنقا، عباس بهشتیان، فاضل و محقق معاصر و از مردان بسیار فعال و علاقمند به بناها و میراث تاریخی اصفهان و مؤلف «تاریخ تخت فولاد»، «گنجینه آثار ملی»، «کبوترخانه ها»، «عصارخانه ها» و غیره که به

پاس رنجی که برای حفظ بناهای تاریخی اصفهان تحمل کرد در دیباچه این کتاب نیز از او یاد گردیده است. در این تکیه همچنین میرزا کمال مجلسی، دبیر فاضل و ادیب و شاعر متخلص به عاکف و میرزا محمد خوراسگانی، فرزند باقرخان شاعر و ادیب متخلص به امید و تنی چند از شعرا و دانشمندان دیگر مدفون هستند. اطاق بالای سر آرامگاه میر فندرسکی جایگاه عبادت و ریاضت خلوت نشینان بوده و غزل معروف حافظ شیراز در کتیبه بالای ایوان آن به خط میرعماد نوشته شده است، مطلع آن غزل چنین است:

روضه خلد برین خلوت درویشان است مایه محتشمی خدمت درویشان است

آرامگاه عبدالمجید

مقابل در تکیه میر، قبرستان کوچکی است که تقریباً در وسط آن آرامگاه استاد مسلم خط، بزرگترین شکسته نویس ایران، عبدالمجید درویش می باشد که سنگ کوچک مرمری روی آن نصب شده است. اگرچه او اهل طالقان می باشد اما از آغاز جوانی ساکن اصفهان بوده و در اینجا به بالاترین مقام هنری رسید. با وجودی که استاد عبدالمجید در سن جوانی درگذشت اما آثار نفیس و ارزنده فراوانی اعم از قطعه و مرقع و کتاب از خود به یادگار گذاشته است. نسخه منحصر به فرد کلیات سعدی او که اکنون در کتابخانه سلطنتی موجود است از شاهکارهای هنری ایران است. درویش علاوه بر خوشنویسی شاعر توانایی نیز بوده و در شعر «خموش» تخلص می کرده است. وفات او به سال ۱۱۸۵ هجری در ۳۵ سالگی، در اصفهان اتفاق افتاده و در این مکان دفن شده است.

تکیه آقا حسین خوانساری

این تکیه از آثار عهد شاه سلیمان صفوی است بنای قابل توجه و گنبد دوپوش و رفیعی دارد که بر اثر عدم توجه در شرف ویرانی است و بعضی کاشیهای آن ریخته است.

این تکیه به مناسبت قبور فضلا و علما «بقعه العلما» نامیده شده است که مهمترین ایشان آقا حسین خوانساری متوفی به سال ۱۰۹۹ هجری است. او از بزرگان و دانشمندان و شعرای دوران صفوی و معاصر شاه سلیمان بوده است. تألیفاتی چند در علوم ادبی و فلسفی دارد. این رباعی از اوست:

ای باد صبا طرب فزا می آیی

از طرف کدامین کف پا می آیی /

از کوی که برخاسته ای راست بگو

ای گرد به چشم آشنا می آیی /

دیگر از مدفونین این تکیه، آقا جمال خوانساری فرزند او است که وارث کمالات پدر و از مشاهیر

و پیشوایان مذهبی آن زمان بوده، ریاست حوزه علمیه بزرگی را در اصفهان به عهده داشته است. از علمای دیگر مدفون در این بقعه، میرزا نورالدین مجلسی است که ادیب و شاعر بوده و «چهره» تخلص می کرده است. تکیه میرزا رفیعا: این بنای تاریخی متروک در کنار فرودگاه تخت فولاد قرار دارد و از آن فقط گنبد بسیار زیبایی باقی مانده که همچون گوهری تابناک جلوه می کند. این بنا مربوط به زمان شاه سلیمان صفوی می باشد که به احترام شخصیت ممتاز میرزا رفیعا بر روی آرامگاه وی ساخته شده است. نام میرزا رفیعا، رفیع الدین محمد بن حیدر بن زین الدین علی از سادات طباطبایی و از علمای معروف دوران صفویه است که دارای تألیفات زیادی بوده است. او متوفی به سال ۱۰۸۰ هجری و دارای فرزندان همچون ابوالحسن بهاءالدین محمد و سید حسین «مجمر»، شاعر معروف عهد قاجاریه بوده است.

تکیه خاتون آبادی

این بنای زیبا که دارای کاشیکاری نفیسی بوده، رفته رفته در شرف ویرانی است. این بنا از آثار صفویه است و در زمان شاه سلطان حسین بر روی آرامگاه میرمحمد اسماعیل خاتون آبادی، یکی از بزرگان این خانواده و صاحب تفسیر کبیر بنا شده است. میرمحمد اسماعیل از علمای معروف اواخر دوران صفویه و جد سادات پاقلعه می باشد که به سال ۱۱۱۶ هجری وفات یافته است. در اطراف این تکیه بسیاری از بزرگان سلسله نعمت الهی دفن شده اند.

تکیه سید العراقین

آرامگاه جمع کثیری از پیشوایان مذهبی و فضلا و شعرای نام آور اصفهان و متصل به تکیه خاتون آبادی است از جمله مدفونین آن شکرالله متخلص به «منعم»، متوفی به سال ۱۲۶۰ هجری است که این غزل از اوست:

اندر این شهر دلی کو که گرفتار تو نیست

واندر این ملک یکی کو که خریدار تو نیست /

لب خندان تو را پسته نخوانیم دگر

زانکه او را نمک لعل شکر بار تو نیست /

تیری از غمزه بزن دیده نرگس بردوز

زانکه چشم همه کس لایق دیدار تو نیست /

من که بیمار شدم گل شکر دم داد طیب

بهر من گل شکری، جز گل رخسار تو نیست /

جان به پای تو نریزم که متاعی است حقیر

سر به پای تو نیازم که سزاوار تو نیست /

منعما شور لب یار، تو را تا به سر است

شکر و قند به شیرینی گفتار تو نیست /

دیگر از مدفونین معروف تکیه سید العرافین، مرحوم میرزا عباس شیدا فرزند اسحاق دهکردی و رییس انجمن های ادبی کمال و شیدا در اصفهان است که مجله ای به نام دانشکده را منتشر می کرده است. شیدا متوفی به سال ۱۳۲۸ خورشیدی است. این غزل از اوست:

گردر به رخم بندی کز کوی تو

برخیزم

کوبم سر و بر این در، چون حلقه در آویزم /

چون شمع به ناکامی می سوزم و می سازم

وز دیده سرشک غم می لرزم و می ریزم /

مهر تو در آب افکند آیین خردمندی

عشق تو بزد آتش در جامه پرهیزم /

ای غم ز میان برخیز ای نار هوس بنشین

تا من به کناری خوش بنشینم و برخیزم /

تا، تار سر زلفت یک بار به دست آرم

آشوب دو صد پیکر از شهر برانگیزم /

رفتی و من شیدا، تا چند چو گرد از پی

در وادی نو میدی با خاک ره آمیزم /

دیگر از مدفونین معروف این تکیه، شیخ اسماعیل تاج الواعظین پدر استاد فرزانه و هنرمند بی نظیر بلبل داستان سرای اصفهان، تاج اصفهانی است. تاج الواعظین در مرداد سال ۱۳۲۶ وفات یافت. او از وعظ معروف شهر اصفهان بود.

تکیه فاضل سراب

این تکیه در جانب شرق خیابان فیض قرار گرفته و از بناهای آخر دوره صفویه است که در زمان شاه سلطان حسین به احترام چند تن از علماء مشهور آن عصر، از جمله محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، متوفی به سال ۱۱۲۴ هجری، مشهور به «فاضل سراب» که از اجله علمای آن زمان بوده، بنا شده است «فاضل» دارای تألیفاتی نیز می باشد. یکی دیگر از علما و شعرای مدفون در این تکیه، میرزا حسن خان متخلص به «آتش» از شعرای مشهور و معاصر اصفهان است که در سال ۱۳۴۹ هجری وفات یافته است.

تکیه واله

در مقابل تکیه فاضل سراب، در جانب غرب خیابان فیض، باغ بزرگی به نام «والهیه» هست که قریب ده هزار متر وسعت داشته و در میان آن بقعه شاعرانه و زیبایی بنا شده که آرامگاه آقا محمد کاظم واله اصفهانی از شعرا و خوشنویسان معروف عهد

قاجاریه است. او در زمان صدارت و وزارت میرزا حسن خان صدر اعظم می زیسته و مرحوم صدر، این باغ را به او عطا کرده و برای او ساخته است.

این فضا قسمتی از باغ معروف نگارستان بوده که یادگاری از عهد صفویه است. واله چند سالی در این باغ اقامت داشته و پس از فوت در همان محل دفن شده است. محمد کاظم واله در خوشنویسی خط «رقاع» و «تعلیق» و «ناخنی» استادی مسلم بوده. سنگ مرمر نفیس آرامگاه خود را با خط نستعلیق بسیار زیبا نوشته که از آثار ارزنده و ارزشمند هنری اصفهان است. او به سال ۱۲۲۹ هجری وفات یافت. دیوان او با تصحیح استاد جلال همایی به چاپ رسیده و تجدید چاپ هم شده است.

مسجد رکن الملک

این مسجد زیبا که از نظر معماری و کاشیکاری بسیار قابل توجه می باشد، متصل به تکیه واله است. این مسجد را سلیمان خان رکن الملک که از رجال معروف زمان خود بوده، از وجوه شخصی بنا نهاده که در سال ۱۳۲۱ هجری به پایان رسیده است. مرحوم حاج آقا نورالله برادر «آقا نجفی» معروف، در تاریخ بنای این مسجد چنین سروده است:

سر برون آورد نور و بهر تاریخی سرود از سلیمان شد بنای مسجد الاقصی متین بنای این مسجد شامل دو قسمت است، یکی صحن بزرگ شامل گنبد و شبستان و

صحن و حوض و دیگری صحن کوچکتری است که در گوشه آن، در کنار آب انبار قرار گرفته و سردر آن از خیابان فیض دیده می شود. بانی مسجد در اطاقی که حد فاصل این دو صحن می باشد مدفون است. تکیه آباده ای: در سمت جنوب مسجد رکن الملک و متصل به آن تکیه ای است، معروف به تکیه حاج محمدجعفر آباده ای، که از علمای بزرگ عهد قاجاریه و از روحانیون با تقوی و مشهور و مورد احترام مردم زمان خود بوده است. حاج محمدجعفر آباده ای بانی اعمال خیر از جمله احداث مسجدی در محله جماله، بخش سه اصفهان، به نام مسجد حاج محمدجعفر است که اخیراً به ثبت ابنیه تاریخی نیز رسیده است. او به سال ۱۲۸۰ هجری فوت نموده است. از بزرگان دیگری که در این تکیه دفن شده اند، ملا عبدالله خوانساری از بزرگان اهل منبر متوفی به سال ۱۲۹۳ هجری و فرزندش میرزا محمود خوانساری مشهور به صدرالمحدثین یکی از آزادیخواهان مبارز صدر مشروطیت و پدر مرحوم میرزا عبدالحسین صدرالمحدثین از وعاظ معروف اصفهان و آقای حسن صدر، مدیر روزنامه قیام ایران و محقق و مؤلف و از سخنوران مشهور معاصر است که از تألیفات مهم او کتاب «مرد نامتناهی» و «حقوق زن در اسلام» می باشد.

تکیه تویسرکانی

در جنوب تکیه آباده ایها کوچه ای قرار دارد که سمت جنوب آن، تکیه تویسرکانی واقع شده است. در این تکیه گروه زیادی از مشاهیر و علما و شعرا و هنرمندان نامدار ایران از زمان قاجاریه مدفون اند، از آن جمله میرزا عبدالغفار تویسرکانی و دو فرزندش حاج سید محمدباقر تویسرکانی و حاج سید ابوالحسن تویسرکانی.

خانواده های تویسرکانی، در اصفهان از علما و

دانشمندان و محققین به شمار می آیند. در این تکیه، همچنین حاج میر سیدعلی مجتهد نجف آبادی و حاج سیدعلی مبارکه ای از وعیاض مشهور و صاحب تألیفات زیاد که به سال ۱۳۶۵ هجری وفات یافته است به خاک سپرده شده است. دیگر از شعرای معروف مدفون در این تکیه، شیخ محمد باقر متخلص به «واثق»، متوفی به سال ۱۳۳۶ هجری است. همچنین بزرگ خانواده معروف قدسی، میرزا عبدالحسین خوشنویس، معروف به «قدسی» فرزند خوشنویس شهیر میرزا محمدعلی نسخ نویس، از خوشنویسان مشهور اصفهان و از شاگردان زین العابدین است. مرحوم میرزا عبدالحسین از فرهنگیان مشهور و از پایه گذاران فرهنگ نوین و مؤسس مدرسه قدسیه اصفهان است که بسیاری از رجال مملکت از شاگردان این دبیرستان بوده اند. مرحوم قدسی - متوفی به سال ۱۳۶۶ هجری، شاعر توانایی نیز بوده است. شاعر دیگری که در این تکیه دفن شده میرزا حسن خان متوفی به سال ۱۳۴۴ هجری است که «ثمر» تخلص می کرده است.

تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی

این تکیه به نام محمد، فرزند حاجی محمد ابراهیم کلباسی میرزا ابوالمعالی است که از علمای پرهیزکار و مشهور زمان خود بوده است. او به سال ۱۳۱۵ هجری وفات یافته است. بیشتر خانواده کلباسی در این تکیه دفن شده اند.

همچنین میرزا موسی انصاری از شعرای اصفهان نیز در این تکیه دفن شده است. این غزل از نمونه اشعار او است:

در حریم خلوت دل جای هر بیگانه نیست

جز خیال دوست کس را راه در این خانه نیست /

بوسه از یاقوت لعل او طلب کردم به جان

گفت نقد جان بهار گوهر یکدانه نیست /

خانه بر دوشیم و اندر آستین گنج روان

تا گدایان را نگویی گنج و مال و خانه نیست /

بسکه از عشاق

دل‌های پریشان گشته جمع

بر سر زلف دل‌ویز تو راه شانه نیست /

جز به کویش نیست ره در کوی قرب انصاریا

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه نیست /

تکیه لسان الارض

در ضلع شرقی گورستان تخت فولاد قرار دارد و بنا به روایاتی، از قدیمی‌ترین گورستان‌های اصفهان به شمار می‌رود زیرا حضرت یوشع از پیغمبران بنی اسرائیل که در زمان کورش کبیر پادشاه هخامنشی از اسارت بخت النصر پادشاه بابل نجات یافته و به اصفهان آمده است، در این محل دفن گردیده و مقبره‌ای داشته که آن را خراب کرده اند ولی تا قبل از خراب شدن، زیارتگاه مردم بوده است. این تکیه دارای آب انبار بزرگ و تاریخی می‌باشد که موجود است و قبور دیگری نیز در آن تکیه دیده می‌شود.

تکیه ملک

بنای اولیه این تکیه از مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی است. او به سال ۱۳۴۱ در منزل شخصی خود واقع در پا قله وفات یافت و بنا به وصیت خود در همان جا به خاک سپرده شد. ملک این تکیه را به پاس احترام دو تن از اجله حکماء و مدرّسین اهل عرفان مرحوم ملا- محمد کاشانی و مرحوم شیخ محمد خراسانی بنا کرد و طولی نکشید که این تکیه مدفن بسیاری از علما و شعرای زمان گردید. از جمله مرحوم حسینعلی متخلص به «آشفته» و همچنین آرامگاه «طیب» اصفهانی، شاعر بزرگ و پزشک معروف دربار نادرشاه، در سکوی بلندی در این تکیه قرار دارد و سنگ مرمر نفیسی روی آن نصب شده است. این غزل شیوا از جمله غزلیات معروف طیب است:

غمّت در نهانخانه دل شیند

به نازی که لیلی به محمل نشیند /

به دنبال محمل چنان زار گریم

که از گریه ام ناقه در گل نشیند /

خلد گر به پا خاری آسان بر آرم

چه سازم به خاری که در دل نشیند /

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی

ز بامی که

برخاست مشکل نشیند/

بنازم به بزم محبت که آنجا

گدایی به شاهی مقابل نشیند/

طیب! از طلب در دو گیتی میاسا

کسی چون میان دو منزل نشیند/

در جانب شرق این تکیه، شیخ اسدالله، عارف و شاعر معروف به خاک سپرده شده که در شعر «دیوانه» تخلص می کرده و مرحوم الفت ادیب و محقق دانشمند اشعار او را در مجموعه ای چاپ و منتشر ساخته است. از جمله اشعار او است:

خوشر ز روزگار جنون روزگار نیست

نیکوتر از دیار محبت دیار نیست/

آن سر که نیست در ره پاکان عشق خداست

شایسته نشیمن دامان یار نیست/

رو دل به عشق ده که به ویرانگی کشد

شهری که در قلمرو این شهریار نیست/

عاقل اگرچه عاقبت از جوی بگذرد

اما مسلم است که دیوانه وار نیست/

دو تن از شعرای معروف دیگر که در این تکیه مدفون اند، یکی سید عبدالوهاب معروف به «مستشار» و دیگری عبدالحسین ادیب متوفی به سال ۱۳۵۳ هجری است.

تکیه فاضل هندی

در این تکیه بسیاری از علماء و شعرا و دانشمندان از جمله محمدبن تاج الدین حسن اصفهانی از شاگردان مجلسی دوم - که چون در جوانی به هند سفر نموده بود.

به نام فاضل هندی شهرت یافت - مدفون اند. همچنین شاعر معاصر شاه صفی، به نام نورالله اصفهانی متخلص به «ضیاء» و

متوفی به سال ۱۰۵۲ ه. ق که سنگ بسیار نفیس آرامگاه او در سیل سال ۱۳۳۳ شمسی و ویرانی قبرستان، مفقود گردیده است، در این تکیه مدفون است. این شعر از او است:

ای بت هرزه گرد هر جایی نی برآورده سر به شیدایی
هرزه گردی و باده پیمایی عاقبت می کشد به رسوایی /
بسکه گفتم زبان من فرسود چه کنم پند من ندارد سود
/...

مقبره فیض

در سمت غرب خیابان فیض آرامگاه میرزا عبدالحسین ملقب به فیض علیشاه اصفهانی قرار دارد که خیابان نیز به نام اوست. فیض متوفی به سال ۱۱۹۴ و یکی از اقطاب بزرگ عالم تصوف و عرفان است. وی در دارالسلطنه اصفهان متولد شده است و پدر جناب نور علیشاه و مرید سید معصوم علیشاه و مرشد مشتاق علیشاه بوده است. میر محمد صادق ملقب به فیض ثانی و همچنین محمد هاشم استاد مسلیم خط نسخ نیز در این تکیه دفن شده اند.

تکیه مادر شازده

این تکیه مربوط به مریم، دایه سیف الدوله محمد میرزا پسر فتحعلیشاه قاجار بوده است. علاوه بر اینها باید از تکیه بروجردی، تکیه شیخ مرتضی، تکیه ایزد گشتسب، تکیه گلزار و تکیه شیخ زین الدین، آرامگاه شاعر توانا مشتاق اصفهانی، تکیه فاضل اردستانی و بسیاری از تکایای معروف و زیبای دیگر که بستر و آرامگاه شخصیت های مهم علمی، ادبی و هنری استان و کشور است نام برد.

برای اطلاع بیشتر می توان به کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان» تألیف سید مصلح الدین مهدوی مراجعه کرد.

آب انبارهای تخت فولاد

نظر به این که آبهای زیرزمینی در تخت فولاد شور و غیر قابل شرب است. تا چند سال قبل، آب انبارهایی ساخته بودند که آب باران یا آب شیرین چاهها در آن ذخیره می شد و مردم از آن استفاده می کردند، برای این منظور زمینی را به شکل دایره یا مربع به عمق ده متر از سطح زمین و به قطر حدود ده متر حفر کرده کف آن را غیرقابل نفوذ می کردند و سقف آن را با مصالح محکم مثل سنگ و آجر به شکل گنبد می ساختند و از سطح زمین به وسیله پله های آجری به مخزن آب انبار که در عمق زمین ساخته شده بود، راه می یافتند. بدین ترتیب آب باران یا چاه های آب شیرین را در این مخازن جمع آوری می کردند و در تابستان و مواقع دیگر، جهت آشامیدن مورد استفاده قرار می دادند و آب شور چاههای منطقه صرف حوض و حوضخانه و شستشو و زراعت می شد. اهم این اب انبارها عبارت اند از: ۱- آب انبار تکیه کازرونی که در سال ۱۳۴۲ شمسی

ساخته شده است. ۲- آب انبار تکیه مجلسی

که بنای آن مربوط به قرن دهم هجری است. ۳- آب انبار لسان الارض که در قرن دهم و یازدهم ساخته شده است. ۴- آب انبار مسجد رکن الملک مربوط به سال ۱۳۲۵ هجری که خطیب، شاعر اصفهان قطعه شعری به این مطلع برای آن ساخته است:

از همت رکن الملک معمور صفهان شد در مسجدش آب انبار سرچشمه حیوان شد ۵- آب انبار سمائیان که یکی از تجار محترم و بازرگانان متدین اصفهان بوده و در سال ۱۳۶۰ هجری این آب انبار را ساخته است. ۶- آب انبار مسجد مصلی که از آثار عهد صفویه است و برخی آن را به قبل از صفویه مربوط دانسته اند. ۷- آب انبار قسمت غربی تکیه بابا رکن الدین که آن هم مربوط به قرن نهم و دهم هجری است. بعد از لوله کشی آب اصفهان این آب انبارهای غیر بهداشتی، متروک شد و اهالی از آب لوله کشی استفاده می نمایند.

گورستان تخت فولاد در گذر تاریخ

تخت فولاد پیش از اسلام

حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب خود به نام «ذکر اخبار اصفهان» به قدمت بخشی از تخت فولاد به عنوان «لسان الارض» اشاره می کند و معتقد است آن گاه که خداوند خطاب به آسمانها و زمین فرمود «به میل یا کراهت بیایید» زمین اصفهان به خداوند جواب گفت و از این روی زبان زمین یا «لسان الارض» نامیده شد. بنابراین قدمت و اهمیت لسان الارض در تخت فولاد با خلقت آسمان و زمین آغاز می شود. این مطلب نشانگر سابقه تاریخی این زمین مقدس بوده و حکایت از آن دارد که این مکان قبل از اسلام نیز مورد توجه و عنایت مردم شهر اصفهان بوده است. در کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» آمده

است که در لسان الارض قبری موجود است که به قبر «یوشع نبی» شهرت دارد. در واقع وجود این قبر نیز در ناحیه لسان الارض قدمت این منطقه را به پیش از اسلام باز می گرداند.

قرنها قبل از اسلام، زمانی که بخت النصر قوم یهود را از فلسطین کوچانیده و به آزار و اذیت آنها پرداخته بود، کوروش پادشاه هخامنشی ایران، یهودیان را از اسارت بابل نجات داد و آنها را به ایران کوچ داد و تعدادی از آنها را در اصفهان ساکن گردانید. این یهودیان برای خود شهری به نام «یهودیه» احداث کردند که در محل «جویباره» فعلی اصفهان واقع بوده است و هنوز تعدادی از آنها در این منطقه زندگی می کنند. چنانکه گفته می شود دو تن از پیامبران و پیشوایان مذهبی آنان به نامهای «شعیا» و «یوشع» در اصفهان وفات یافته و به خاک سپرده شدند. «شعیا» در امامزاده اسماعیل در محله گلبهار و «یوشع» در تخت فولاد در اراضی لسان الارض مدفون گردید. مردم اصفهان «یوشع» مدفون در لسان الارض را «یوشع نبی» می دانند و او را به عنوان یکی از پیامبران بنی اسرائیل می شناسند؛ اما در منابع یهودی اشاره ای نشده است که «یوشع» از پیامبران یهود در اصفهان مدفون باشد. با توجه به تحقیقاتی که اخیراً انجام شده مشخص گردیده که «یوشع نبی» مدفون در تخت فولاد از بزرگان و روحانیون و فردی قدیس در قوم بهود بوده و در طول تاریخ چه قبل از اسلام و چه بعد از آن مورد توجه یهودیان و مسلمانان بوده است. بهرحال وجود مقبره «یوشع» می تواند نشانگر سابقه طولانی سرزمین تخت فولاد باشد.

تخت فولاد در قرون نخستین اسلامی

اصفهان

تا اوایل سده چهارم هجری تخت سلطه خلفای عباسی بوده تا آنکه «مرداویج زیاری» از حکمرانان آل زیار در سال ۳۱۶ ه. ق آنرا فتح می نماید. وی در راستای زنده کردن آیین های ایران باستان، در هنگام جشن سده (دهم بهمن ماه) آتش بازی و جشن بزرگی را در زمینهای میان زاینده رود و هزار دره که اراضی تخت فولاد و لسان الارض را در میان می گیرد بر پا می نماید. بر طبق این مطلب به گمان قوی تخت فولاد در آن زمان زمین لم یزرعی بیش نبوده است. در دوران آل بویه نیز «پولاد» از دلاوران و سرداران نامی دیالمه تختی سنگی در مکانی بین پل خواجه و دروازه تخت فولاد به نام خود ساخته و بر آن می نشسته و کشتی گیران و پهلوانان در برابر او بر زمین مسطحی به کشتی می پرداختند. از قرن اول تا سوم هجری آثاری در تخت فولاد به دست نیامده است، اما از قرن چهارم به بعد شواهدی بر تاریخ تخت فولاد موجود است. در جریان تعمیراتی که در تکیه بابارکن الدین و برخی تکایای تخت فولاد صورت گرفته تعدادی آجر نوشته منقوش به طرحهای تزیینی و خطوط به دست آمده که نشانگر معماری و هنر عهد دیالمه و سلجوقیان می باشد این آجرها به خطوط کوفی و گل و بوته های تزیینی منقوش است و بررسی و مقایسه آنها با سایر نمونه های خط و طرح آجر نوشته های ابنیه تاریخی ایران نشان می دهد که این آجرها متعلق به دوره های مختلف از قرن چهارم تا ششم هجری می باشند.

همچنین سنگ قبوری نیز متعلق به قرون چهارم و پنجم هجری در این منطقه توسط سازمان

میراث فرهنگی یافت شده است. تا دو دهه پیش نیز در محل لسان الارض ساختمانی بر قبر «یوشع» وجود داشت که به گفته برخی باستان شناسان در بعضی از قسمتهای آن آثار آجری سبک دیلمی به خوبی آشکار بود.

تخت فولاد در قرون پنجم تا نهم هجری

در قرنهای پنجم تا نهم هجری مزار تخت فولاد یکی از جایگاههای عبادت و ریاضت بوده و عرفا و صوفیان و عبادو زهاد در آنجا برای خود عبادت خانه ساخته بودند و در آنها شب و روز به عبادت و راز و نیاز با خداوند متعال مشغول بودند، چنانچه «کمال الدین اسماعیل اصفهانی» شاعر معروف، در یکی از همین عبادت خانه های تخت فولاد به دست مغولان کشته شد.

در قرن هفتم و هشتم هجری عده ای از عرفای بزرگ که در آن عهد عموماً به «بابا» و «عمو» شهرت داشتند در این مکان متبرک ساکن بوده اند که مهمتر از همه آنها «بابا رکن الدین»، عارف و صوفی معروف می باشد. پس از وفات بابارکن الدین، وی را در تخت فولاد به خاک سپردند و از آن پس این ناحیه به نام «مزار بابارکن الدین» شهرت یافت و مزار وی جایگاه ریاضت و عبادت عرفا و پارسایان گردید.

تخت فولاد در دوره صفویه

تاریخچه

پس از دفن بابارکن الدین تا عهد صفویه گاهی بزرگان دیگری در تخت فولاد دفن می شدند، اما یقیناً تخت فولاد گورستان رسمی شهر اصفهان محسوب نمی شده است و هر یک از محلات شهر اصفهان برای خود گورستان محلی داشته اند.

دوره صفویه را می توان اوج شهرت و اعتبار تخت فولاد دانست. احداث مصلاهی بزرگ شهر و بنای عظیم و زیبای مقبره بابارکن الدین، این گورستان را در کانون توجه امرا و علما و مردم قرار دارد و روز به روز بر آبادانی آن افزوده شد. هر چند اصفهان در دوره صفویه به استثنای امامزاده ها و مقابر خصوصی، دارای دوازده گورستان بزرگ بود لیکن گورستان بابارکن الدین با دفن

علمای بزرگی چون میرفندرسکی و ... اهمیت ویژه ای یافت. در این دوران این محدوده گسترش زیادی یافته و چنانکه از نوشته های شاردن بر می آید در این محدوده علاوه بر تکیه و خانقاه و بقعه، کاروانسرا، باغ، مهمانسرا، مسجد، مصلی، آب انبار و یخچال نیز وجود داشته است.

اوایل دوره صفوی

در سال ۹۵۹ ه. ق مقارن سلطنت شاه طهماسب صفوی، فولاد بن استاد شجاع حلوی مشهور به «بابا فولاد» از عرفای مورد علاقه مردم اصفهان در گذشت و در این سرزمین به خاک سپرده شد. از نیمه دوم قرن دهم هجری به تدریج تخت فولاد رونق یافت و عده ای از مردم اصفهان در جوار قبر بابارکن الدین و یا در جوار مصلاهی اصفهان به خاک سپرده شدند. در زمان شاه عباس اول که اصفهان به پایتختی ایران برگزیده شد تخت فولاد به سبب وجود مزار بابارکن الدین که از عرفا و صوفیان بنام بود مورد توجه بیشتری قرار گرفت، چنانچه علمای بزرگی همچون «شیخ بهایی» به مزار بابارکن الدین احترام زیادی می گذاشتند و برخی از علما و عرفا همچون «میرفندرسکی» آن سرزمین را برای عبادت و ریاضت خود برگزیده بودند. «تکیه بابارکن الدین» در این زمان به سبب ارادت خاص شاه عباس به وی، موقعیت ممتازی داشت. در این دوره تکایایی چون «تکیه میرفندرسکی»، «تکیه درویش صادق»، «تکیه محمد علی بیگ ناظر» و محور تاریخی تخت فولاد شامل بازار، کاروانسرا، مسجد، حمام تکیه و گورستان در جهت شرقی - غربی شکل گرفت که این محور تاریخی در کنار جاده اصفهان به شیراز واقع شده بود. ساختمان «مصلاهی تخت فولاد» و «تکیه لسان الارض» نیز احتمالاً

در همین سالها ساخته شده اند. در نیمه دوم قرن یازدهم هجری تکایای بسیاری در تخت فولاد ساخته شد، که از جمله این تکایا «مقبره الله وردیخان»، «تکیه فاضل اردستانی» و «تکیه ملامحمد زکی» را می توان نام برد.

اواسط دوره صفوی

در حدود سال ۱۰۶۸ ه. ق شاه عباس دوم پل تاریخی «حسن آباد» یا «حسن بیگ» را که امروز به نام «پل خواجه» معروف است و در آن زمان سنگی و خیلی کوچکتر از پل فعلی بود، به صورت و عظمت کنونی تجدید نمود. وی به پیروی از اندیشه های شاه عباس اول، به بخش جنوبی پل خواجه توجهی خاص مبذول نمود. گروهی از زرتشتیان از قدیم الایام در اصفهان می زیسته اند که در اوایل دوره صفویه در محلی زرتشتی نشین در غرب تخت فولاد موسوم به «گیرآباد» ساکن بوده اند و قبرستانی نیز در این منطقه داشته اند. (خیابان «آبادانا» که هنوز در افواه مردم اصفهان به این نام خوانده می شود، به این مناسبت نامگذاری شده بود) شاه عباس ابتدا دستور می دهد تا در حدود جلفای اصفهان، زمین و مکانی برای سکونت به آنها داده شود و زرتشتیان به این قسمت از جلفا نقل مکان نمایند، سپس دستور احداث کاخها و باغهای متعددی مانند: «عمارت هفت دست»، «تالار آینه خانه»، «قصر نمکدان»، «باغ گلستان»، «عمارت دریاچه» و ... را می دهد و خیابانی نیز از جنوب پل خواجه به سمت راه شیراز احداث می گردد که در حال حاضر «خیابان فیض» نام دارد. وی همچنین دستور طرح اندازی چهار باغی بزرگ در جاده اصفهان به شیراز را می دهد. این چهار باغ که از جنوب پل حسن آباد آغاز شده و به

دروازه تخت فولاد ختم می‌شده به «چهار باغ گبرآباد» معروف بوده و شامل باغهای زیر بوده است: ۱- در جانب شرق و دو طرف پل، باغ و قصری مشرف بر زاینده رود به نام «باغ کاج» وجود داشت که بعدها در فتنه افغان، چون محمود غلجایی مدتی از بیم طغیان اهالی پایتخت در این باغ به سر می برد به «باغ محمود» معروف گردید. ۲- در مقابل این باغ و غرب خیابان، باغی وسیع با عمارتی به نام «باغ مستوفی» وجود داشت و به باغ گلستان که در کنار تالار آئینه خانه مشرف به زاینده رود بود متصل می شد. ۳- «باغ نگارستان» که ساختمانها و دریاچه ای بزرگ داشت، در جنوب باغ های فوق الذکر و در جانب غرب این خیابان واقع بوده است. ۴- «باغ انارستان» در جانب شرق و روبه روی باغ نگارستان قرار داشته است.

دو باغ اولی در مقابل یکدیگر بنا شده بود و حوضی بزرگ و آبشاری جلوی سر در این باغها در وسط خیابان وجود داشت در مقابل سر در دو باغ انارستان و نگارستان نیز در وسط خیابان حوض و آبشار دیگری وجود داشت. خیابان فیض نیز در آن زمان به مراتب وسیعتر از خیابان فعلی بوده و ظاهراً «بابارکن الدین» نام داشته و سردرها و قصرها و چهار باغ بزرگ در دو طرف آن ساخته شده بود. در زمان شاه سلیمان صفوی محدوده گورستان تخت فولاد به حداکثر وسعت خود رسیده، به طوری که گفته می شود در این زمان ۴۰۰ تکیه و خانقاه وجود داشته است. آنچه مسلم است گسترش شهر صفوی تا دروازه آن زمان (دروازه صفوی) ادامه یافته و

بنابراین تخت فولاد از محلات خارج شهر محسوب می شده است. از تکایایی که در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شد، «تکیه میرزا رفیعا» و «تکیه خوانساری» را می توان نام برد.

اواخر دوره صفوی

از اواخر دوره صفوی به خصوص زمان شاه سلطان حسین تخریب تکایای تخت فولاد آغاز می شود. ملا محمد باقر مجلسی که از علمای بزرگ اواخر عهد شاه سلیمان و اوایل سلطنت شاه سلطان حسین بود، حکم نمود که طایفه متصوفه را که در آن وقت زیاد شده بودند از شهر اخراج نموده و بسیاری از تکایا و خانقاهها را خراب نمودند. در این زمان تکایای «آقا سید رضی شیرازی»، «میر سید اسماعیل خاتون آبادی»، «ملا محمد فاضل سراب» و «سید ابوالقاسم خواجویی» ساخته شدند.

تخت فولاد در دوره افشاریه و زندیه

هنگامی که اصفهان به محاصره افغانها در آمد تخت فولاد متحمل تخریب فراوان شد. در حمله افغانه به اصفهان بناهای بسیاری ویران شد و سنگ قبرهای فراوانی معدوم گردید. همچنین برای ساختن حصار شهر برخی از تکایا ویران شد و پس از آن به دنبال سقوط اصفهان و فاجعه کشتار مردم و شیوع بیماریها و کاسته شدن از جمعیت شهر، تخت فولاد مورد بی توجهی قرار گرفت و به سوی ویرانی پیش رفت. در واقع سقوط دولت صفویه و بی توجهی های دولت های افشاریه و زندیه به اصفهان سبب شد ابنیه موجود در تخت فولاد در معرض انهدام قرار گیرد.

در دوره افشاریه و زندیه بنای مهمی در تخت فولاد ایجاد نشد، باغهای دیدنی آن رو به نابودی گذاشت و بر سر مزار علمای بزرگی چون «بهاالدین محمد اصفهانی (فاضل هندی)» و «ملا محمد اسماعیل خواجویی» بنایی احداث نگردید. تنها یادگار این دوره چند بقعه و چهار طاقی کوچک بود که از جمله به "بقعه فیض" می توان اشاره کرد.

تخت فولاد در دوره قاجاریه

اوایل دوره قاجار

با به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه قاجار و انتخاب «محمد حسین خان صدر اصفهانی» ابتدا به سمت حاکم اصفهان و سپس به سمت صدر اعظم فتحعلی شاه، تخت فولاد رونقی دوباره گرفت. محمد حسین خان صدر که مردی دیندار و نیکوکار بود در آبادانی شهر اصفهان بسیار کوشید و مدارس و مساجدی را بنا نمود. وی و سپس فرزندش «عبدالله خان امین الدوله» در مقام احیا و تعمیر آثار صفوی از جمله «چهار باغ گبر آباد» برآمدند و به تقلید از صفویه، چهارباغی را از دروازه حسن آباد تا پل خواجه و سپس از پل خواجه تا

کاروانسرای تخت فولاد طرح ریزی کرده و آنرا «چهارباغ امین الدوله» یا «چهارباغ امین آباد» نامیدند. در این زمان تکیه و باغی زیبا برای شاعر و عارف وارسته آن روزگار «آقا محمد کاظم و اله اصفهانی» از خوشنویسان مشهور خط شکسته و تعلیق احداث شد، همچنین «تکیه مادر شاهزاده» بر سر مزار «مریم بیگم» دایه «سیف الدوله» حاکم وقت اصفهان و فرزند فتحعلی شاه قاجار بنا گردید. در نقشه چریکف که قدیمی ترین نقشه موجود از اصفهان است و در سال ۱۸۵۱ میلادی تهیه شده از باغهای صفوی کنار محور خیابان فیض و کاخهای موجود در آن و همچنین ابنیه و تکایای تخت فولاد نیز یاد شده است. این منطقه در این زمان نیز جزو نواحی خارج از شهر محسوب می شده است. در عناوین این نقشه دو روستا به نامهای ده کوله پارچه و ده تخت فولاد مشخص شده اند که این دو روستا هسته اولیه محله های کوله پارچه و تخت فولاد اصفهان را تشکیل می دهند.

اواسط دوره قاجار

در زمان سلطنت محمد شاه و ناصر الدین شاه قاجار که در اغلب آن «ظل السلطان» فرزند ناصر الدین شاه حکمران اصفهان بود بسیاری از بناهای صفوی تخت فولاد به عمد تخریب شده و از بین رفت. در این زمان تکایای بسیاری نیز ساخته شد که اغلب آنها به خاطر مقبره علمای معروف و مجتهدین بزرگ شهر اصفهان بود. از جمله تکایای مهم و قابل ذکر «تکیه حاج محمد جعفر آواده ای»، «تکیه شهبهانی» و «تکیه آقا سید محمد ترک (جهانگیر خان قشقایی)» هستند. گورستان تخت فولاد در این زمان بار دیگر به عنوان مهمترین گورستان شهر اصفهان

مورد توجه مردم و بزرگان شهر اصفهان واقع شد.

اواخر دوره قاجار

در این زمان ثروتمندان نیکوکار همچون «میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی»، «میرزا ابراهیم ملک التجار»، «میرزا محمد تقی تاجر نقشینه» و «محمد حسین تاجری کازرونی» به ساختن و یا تعمیر مساجد و تکایا در تخت فولاد اهتمام ورزیدند. «مسجد و آب انبار رکن الملک» به دستور میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی نایب الحکومه ظل السلطان حاکم اصفهان در تخت فولاد بنا شد. وی همچنین دستور داد...

بقعه ای بر مزار «آقا محمد بید آبادی» بنا شود. ملک التجار «تکیه ملک» را برای «آخوند ملا محمد کاشانی» بنا کرد و «کاروانسرای تخت فولاد» را مرمت نمود.

محمد حسین کازرونی هم «تکیه کازرونی» را برای «ملا عبدالکریم گزی» بنا نمود و آب انباری در مقابل آن ساخت و «میرزا محمد تقی نقشینه» به تعمیر «تکیه خوانساریها» و «مصلاهی تخت فولاد» مبادرت نمود.

در کنار این فعالیت ها برای علما و عرفای بزرگ آن زمان تکایای «میرزا ابوالمعالی کلباسی»، «صاحب روضات»، «تویسرکانی»، «ریزی»، «آغاباشی»، «حاج آقا مجلس» و «امین» ساخته شد. همچنین خوانین بختیاری در جوار تکیه میر «تکیه بختیاریها» را برای خود بنیاد نهادند. همزمان با این تحولات به تدریج گورستان تخت فولاد رو به گسترش نهاد و تکایا و گورستانها از قبور آکنده گردید.

تخت فولاد در دوره پهلوی

در دوران پهلوی تکایایی در تخت فولاد و به دست خیرین آن روزگار بنا شد که اغلب بر سر مزار علما و بزرگان آن بقعه ای احداث شده بود. از جمله تکایای مهم این دوره می توان به تکایای «آقا سید محمد لطیف خواجویی»،

«زرگرها»، «سید العراقین»، «امام جمعه»، «آقا باقر قزوینی»، «ایزد گشسب»، «بروجردی»، «حجت نجفی»، «گلزار» و «مقدس» اشاره کرد.

در اواخر حکومت پهلوی

ظرفیت گورستان تخت فولاد تکمیل شده و جایی برای دفن اموات جدید و جوابگویی به نیاز شهر پرجمعیت اصفهان وجود نداشت.

در این زمان احداث فرودگاه اصفهان در اراضی جنوب تخت فولاد و احداث خیابانهای سعادت آباد و فیض موجب گسیختگی بافت تاریخی تخت فولاد شد.

از دیگر آسیبهای تخت فولاد در عهد پهلوی ساخت و ساز در محدوده تخت فولاد و نواحی پیرامون آن بود. در این دوران با گسترش شهر به ویژه به سمت جنوب، قسمتهایی از اراضی تخت فولاد به کاربری های دیگری همچون محله های مسکونی و مراکز دولتی مانند مدارس، مراکز درمانی و بهزیستی، بانک ها و ... تبدیل شد که بر روی زمینهای کشاورزی و بقایای باغها و عمارات عصر صفوی احداث شدند. در جریان توسعه مناطق مسکونی در درون بافت تاریخی تخت فولاد، تخریب و تصرف قبرستانها و تکایای تخت فولاد نیز سرعت بیشتری گرفت که عمدتاً با بی تفاوتی مقامات دولتی بویژه شهرداری وقت همراه بود. در دوره سلطنت رضاشاه دفن اموات در قبرستانهای شهر ممنوع گردید و کلیه قبرستانهای داخل شهر تسطیح و تخریب شده و تخت فولاد به عنوان تنها گورستان شهر مورد استفاده قرار گرفت. بسیاری از تکایا مملو از قبور شد و زمینهای کشاورزی و بایر نیز به گورستان و تکیه تبدیل شد. از آخرین وقایع مهم تخت فولاد در این دوران دفن شهدای انقلاب در تخت فولاد به ویژه در نزدیکی لسان الارض بود. این شهیدان کسانی بودند که علیه رژیم پهلوی دست به مبارزه زده و به دست ماموران رژیم به شهادت رسیده بودند. عطر حضور لاله های انقلاب از این پس

رنگ وبویی دو چندان به تخت فولاد بخشید و مامنی شد برای حفظ یادها و تجدید میثاق با آرمانهای ایران اسلامی

تخت فولاد در دوره معاصر

همزمان با انقلاب اسلامی و مدتی پس از آن جنوب تکیه لسان الارض به نام «گلستان شهدا» نامیده شد. با شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ ه. ش و افزایش تعداد شهداء، تکایای مجاور همچون «لسان الارض»، «کوهی» «بروجنی ها» و «ملک» تجمیع شده و توسعه یافت و به گلستان شهدا ملحق گردید. از طرف دیگر پس از احداث گورستان جدید باغ رضوان در شرق شهر اصفهان و در نزدیکی روستای «گورت» در مسیر جاده اصفهان - یزد، دفن اموات در تخت فولاد به طور کلی ممنوع شد و فقط شهدا در گلستان شهدای تخت فولاد به خاک سپرده شدند. با ممنوعیت دفن اموات در سال ۱۳۶۳ ه. ش تخت فولاد به تدریج متروکه شد و آهسته آهسته رونق خود را از دست داد. بدون سرپرست ماندن تخت فولاد سبب حضور عناصر خلافکار در محیط های بسته این محدوده گردید. از طرف دیگر با متروکه شدن تخت فولاد، به تدریج تکایا و بقاع و آثار موجود در تخت فولاد در معرض تخریب قرار گرفتند.

این مسأله سبب شد نگرانی های وسیعی در بین مردم علاقمند به تخت فولاد به ویژه علما و چهره های علمی و ادبی اصفهان ایجاد شود. شهرداری اصفهان در پاسخ به خواست مردم و علما در سال ۱۳۶۹ با تشکیل هیات امنای متشکل از علما و نویسندگان و علاقمندان تخت فولاد به برنامه ریزی و تصمیم گیری برای تخت فولاد پرداخت. این اقدامات منجر به تاسیس مرکز ساماندهی تخت

فولاد در سال ۱۳۷۲ گردید که پس از مدتی نام آن به «مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد» تغییر یافت. «مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد» که تابع شهرداری اصفهان بود با اقدامات همزمان فرهنگی و عمرانی به ساماندهی و معرفی تخت فولاد پرداخت. سازمان میراث فرهنگی با ثبت محدوده تخت فولاد در سال ۱۳۷۵ به عنوان آثار ملی ایران توجه خاصی را به این محدوده مبذول داشت.

در این سالها ضمن تاکید بر حفظ بافت تاریخی و آثار ارزنده دوره های گذشته، تکیه ها و اتاقهای فاقد ارزش معماری و تاریخی تخریب شد تا محیط امن خلاقان از میان برود. از طرف دیگر با زیباسازی محیط تخت فولاد و احداث فضای سبز و تعمیر و بازسازی تکایا و ساختمانهای تاریخی ارزشمند، این محوطه تاریخی احیا گردید. از دیگر اقدامات «مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد» در این سالها احداث بقعه بر سرمزار مشاهیر تخت فولاد از قبیل «حاج آقا رحیم ارباب»، «جهانگیرخان قشقایی»، «استاد جلال تاج اصفهانی»، «شهید آیت .. اشرفی اصفهانی»، «ملا محمد اسماعیل خواجهائی»، «فاضل هندی» و «آقا محمد بید آبادی» بوده است، همچنین بیشتر تکایای تخت فولاد و بقعه های علما مورد تعمیر و مرمت قرار گرفتند.

تکیه های گلستان شهدا

تاریخچه گلستان شهدا

اصفهان یکی از زیباترین شهرهای تاریخی جهان به شمار میرود و طی قرون متمادی کانون فرهنگ، دانش و هنر ایرانی-اسلامی بوده است. این شهر پس از اسلام به آرامی رشد و گسترش پیدا کرد و در سه دوره تاریخی آل بویه، سلجوقیان و صفویان پایتخت این دولت ها و فرهنگ اسلام و تشیع محسوب می شد. ستاره اقبال اصفهان در روزگار صفویه درخشش بیشتری پیدا کرد و مساجد،

مدارس، عمارات و ابنیه عالی، قصرها، میدان‌ها، باغ‌ها و تفرجگاه‌ها، کاروانسراها، محلات و مزارات باشکوهی در این شهر ساخته شد. آن گونه که کمپفر سیاح آلمانی که در آن عصر از اصفهان دیدار داشته است می‌نویسد: «وسعت این شهر چندان است که آن را بزرگترین شهر آسیا در این سوی گنگ می‌توان به حساب آورد.»

شهر اصفهان در این روزگار تجلی‌گاه ظهور استعداد و نبوغ جلوه‌های ارزشمند و بلند مرتبه علم و ادب و هنر بود و با جذب استعدادهای شکوفان فرهنگی و تمدنی دیگر شهرها هزاران دانشمند و ادیب و هنرمند را در خود پرورش داد و جایگاه ابدی آنان این شهر گردید. افرادی همچون صاحب بن عبّاد، ابونعیم اصفهانی، جمال الدّین عبدالرزاق و کمال الدّین اسماعیل، مافروخی اصفهانی، بابارکن الدّین بیضاوی، حکیم میرابوالقاسم فندرسکی، آقا حسین خوانساری، آقاجمال خوانساری، بهاءالدّین محمّد اصفهانی (فاضل هندی)، حکیم ملا اسماعیل خواجه‌بوی، حکیم آقا محمّد بیدآبادی، سید محمّد باقر خوانساری چهارسوقی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی به اوج شکوه علمی دست یافته و در این شهر آرمیده‌اند.

پس از اسلام اصفهان گورستان‌های بسیاری همچون آبخشان، طوقچی، سُنبلان و تخت فولاد همچون صدفی این استوانه‌های دانش و تقوا را در خود جای داده، به ویژه قبرستان تخت فولاد مدفن بسیاری از این علما و دانشمندان، شعرا، هنرمندان و ستارگان علم و ادب اصفهان روزگار صفویه می‌باشد. به همین سبب این گورستان از نظر فرهنگی، تاریخی و هنری جایگاه ویژه‌ای در میان مزارات جهان اسلام پیدا کرده و پس از گورستان وادی السلام نجف، دومین مزار مقدّس شیعه محسوب می‌گردد. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در میان تکایای شرقی

تخت فولاد، مزار نوینی شکل گرفته که به نام گلستان شهدای اصفهان نامگذاری شده است. این مزار مقدس مدفن دلیر مردان شب شکن و استوانه های سترگ و جلوه های روشن فداکاری و خودگذشتگی می باشد. دلاورمردانی که برخی از آنان پس از چند سال مجاهدت در جبهه های جنگ هشت سال های که توسط مزدوران پلیس و جنایتکار استکبار جهانی بر ملت ایران تحمیل گشته بود، در برابر دشمن متجاوز از خاک ایران اسلامی دفاع کردند. این تندیس های مقاومت و نهادهای فداکاری با ایثار خون خود همچون مجاهدان و شهدی صدر اسلام عمار بن یاسر، مالک بن اشتر، خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین و حجر بن عدی کندی نهال نو پای اسلام را سیراب کردند و با جانفشانی های خود حماسه های شگرفی را بر جای گذاشتند و میهن اسلامی را از خطر دشمن متجاوز مصون و محفوظ داشتند. شهدای انقلاب اسلامی با بهره گیری از اندیشه والای مکتب عاشورا به امام حسین و یارانش اقتدا کردند. این اسطوره های مقاومت با فداکردن کالبد و شمع وجود خود راه چندین ساله سیر و سلوک عارفان را یک شبه پیمودند و عند ربهم یرزقون متنعم گردیدند. اکنون مائیم و این خیل شهیدان در پیش روی ما که فرهنگ سرخ شهادت و راه شهیدان شاهد تاریخ را که در طول تاریخ تداوم دارد، باز شناخته آن را پاس داریم زیرا تداوم راه آنان مرهون فداکاری و از خودگذشتگی و اتصال به ریسمان محکم مکتب شهادت و شهید پروری است، آن گونه که امام خمینی فرموده است: «تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان

و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» مطالبی که در پیش رو دارید مراحل شکل گیری گلستان شهدای اصفهان را بررسی کرده است. بخش نخست به معرفی تکایای کهن و برخی از اسطوره های علم و تقوا که در آن آرمیده اند، می پردازد و در بخش دوم به ترتیب زمانی قطعه های گوناگون گلستان شهدا معرفی گردیده و شرح مختصری از زندگی و افکار برخی از این اسوه های مقاومت و سردارانی که در دفاع مقدس ملت ایران مؤثر بوده اند، پرداخته شده است. امید است کاستی ها را اهل تحقیق بر ما ببخشایند. در پایان از همراهی های برادر جانباز علیرضا شاه سنایی تشکر و قدردانی می نمایم اگر نبود یاری و همراهی وی این مهم به انجام نمی رسید.

تکایای کهن

تاریخچه تکایای کهن

گلستان شهدا از تکایای نوینی می باشد که از چندین تکیه کهن تشکیل شده و گسترش آنها از دوران پیش از انقلاب اسلامی آغاز شده است، این تکایا عبارت بودند از:

تکیه لسان الارض

در شمال گلستان شهدای امروزی می باشد، و مقبره منسوب به یوشع نبی و مسجد لسان الارض (زبان زمین) در آن قرار دارد. این تکیه از تکایای کهن قبرستان تخت فولاد است و تا سال ۱۳۶۱ شمسی عمارات و دیوارهای مخروبه قدیمی و آب انباری کهن با گنبدی بزرگ در غرب مسجد وجود داشت. (جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات (فصل تکایا و مقابر)، تهران، نشر هما، ص ۴۸۷). برخی از مدفونین در آن عبارتند از: "سید عبدالباقی موسوی"، کلانتر اصفهان و از اطبا و شعری اصفهان متولد ۱۱۱۷ ه. و متوفی ۱۱۷۱ ه. می باشد. (مصلح الدین مهدوی، سیری در تخت فولاد اصفهان، اصفهان، انجمن کتابخانه های عمومی اصفهان، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۹). "میرزا محمد نواب لاهیجانی"، فرزند میرزا محمد باقر نواب، متوفی ۱۲۶۰ هجری می باشد. (میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی، مکارم آلائار، به کوشش حاج سید محمد علی روضاتی، اصفهان، چاپ نشاط، ۱۳۶۴ ش. جلد چهارم، ص ۱۲۳۳). "استاد جلال الدین همایی"، فرزند میرزا ابوالقاسم محمد نصیر، شاعر و عارف و حکیم متخلص به «طرب». وی پس از کسب مقدمات علوم ادبی نزد پدر و استادان بزرگ حوزه اصفهان آقا شیخ علی یزدی، میرزا احمد اصفهانی، ملا عبدالکریم گزی، آیهالله سیدمهدی درچه ای، آیهالله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، حکیم ملاجواد آدینه ای، حکیم شیخ محمد خراسانی، آیهالله میرزا علی آقای شیرازی، آیهالله سید محمد باقر درچه ای، آیهالله

حاج آقا رحیم ارباب، حکیم ناصر حکمت و حاج میر سیدعلی جناب کسب علم نمود و از آیه‌الله شیخ محمد حسین فشارکی اجازه اجتهاد و روایت گرفت. مرحوم همایی پس از تدریس در حوزه اصفهان در سال ۱۳۰۷ ش. به تهران رفت و در دارالفنون به تدریس مشغول شد و در ۱۳۱۴ ش. برای تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد. از جمله آثار وی: کتاب بدیع آسمان و زمین در هیأت، میراث دوره کامل دستور زبان فارسی تاریخ ادبیات فارسی در پنج مجلد، تاریخ اصفهان که بخش هنرمندان و فصل تکایا و مقابر آن چاپ شده، یک دوره فلسفه، یک دوره معانی و بیان فارسی، غزالی نامه، تصحیح ولدنامه، تصحیح التفهیم، تصحیح مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح نصیحه الملوک، تصحیح دیوان مختاری غزنوی، مختاری نامه، شرح احوال سروش اصفهانی، کتاب قواعد نقد به فارسی، شرح مشکلات ابیات مولوی، مولوی نامه، شرح حال طرب، خیامی نامه، رساله در مقام حافظ، رساله در مبعث رسول الله، دو رساله در فلسفه اسلامی، رساله در تاریخ علوم اسلامی، اسرار و آثار واقعه عاشورا، (سید محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، امور فرهنگی شهرداری اصفهان و انتشارات گل ها، ۱۳۷۵ ش. ص ۴۶۹؛ مهدی محقق، همایی نامه، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۵ ش، ص ۳۸. دیوان اشعار. استاد همایی) سرانجام در ۶ رمضان ۱۴۰۰ ه. ق. مطابق شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۹ ش. بدرود حیات گفت و در این مکان مدفون گردید. "حاج آقا میرزا هاشمی"، فرزند سید محمد تقی از اعقاب میرلوحی سبزواری. وی امام جماعت مسجد کازرونی در خیابان عباس آباد بود. وی پس از کسب علوم و

معارف در قم و نجف به توصیه آیه‌الله حکیم به اصفهان بازگشت و سرانجام در ظهر روز بیست و یکم رمضان ۱۴۰۷ ه. بدرود حیات گفت و در کنار دو فرزند شهید خود حسن و حسین هاشمی به خاک سپرده شد. (مصلح الدین مهدوی، سیری در تخت فولاد، ص ۱۹۰) - "حجه‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمد بهشتی نژاد"، وی عالمی مهربان و متخلق و در مسجد بهشتی (سرجوی شاه - قرچقه) در خیابان آیه‌الله کاشانی و مسجد حجه بن الحسن (عج) در کوچه دنبال جوی شاه امام جماعت بود. مرحوم حاج سید محمد در امور اجتماعی شرکت فعال داشت و دعای ندبه وی در صبح‌های جمعه در هیأت مهدویه اثنی عشری مشهور بود و در کمک‌رسانی کاروان وحدت و مهدویه به جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نقش مهمی داشت. از جمله آثار وی کتاب پرسش و پاسخ‌های اعتقادی می‌باشد. این عالم ربانی در ۱۴ شعبان ۱۴۰۹ ه. مطابق با ۱۳۶۸ / ۱ / ۱ ش. بدرود حیات گفت و در این مکان دفن گردید. - "حجه‌الاسلام سید تقی هاشمی دهرخی"، فرزند سید حسین، امام جماعت مسجد لسان الارض، متوفی در ۱۸ رجب ۱۴۱۱ ه. مطابق با ۱۳۶۹ / ۱۱ / ۱۵ ش. می‌باشد.

تکیه فاضل هندی

یکی از مزارات متبرک و مقدس و بزرگ تخت فولاد بوده است که در روزگار صفویه شکل گرفته است و به سبب مقبره فاضل هندی و ملا محمد نائینی به آن فاضلان می‌گویند. این تکیه اکنون در جهت غرب گلستان شهدا تا سردر ورودی از خیابان فیض قرار دارد. برخی از مدفونین در آن عبارتند از: "میرزا نورالله کفرانی"، شاعر ادیب، متخلص به

ضیاء، معاصر با شاه عباس اول صفوی و از نویسندگان دیوانی بود. -عباس بهشتیان، بخشی از گنجینه آثار ملی، اصفهان، انجمن آثار ملی اصفهان، چاپخانه حیل المتین، ۱۳۴۱ ش، ص ۷۹. - "بهاءالدین محمد بن حسین اصفهانی"، مشهور به فاضل هندی، متولد سال ۱۰۶۲ ه. ق. حزین لاهیجانی درباره وی می نویسد: «مدت ها به افاده معالم دینیه مشغول و در شرعیات مرجع اهل زمان خود بود و اخلاقی به غایت ستوده داشت. چون در صغر سن با والد خود به هند افتاده بود به فاضل هندی مشهور بود.» - تاریخ حزین، اصفهان، کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۳۲ ش، ص ۶۴. وی از شاگردان ملا محمد باقر مجلسی بود و در سن هیجده سالگی به منصب اجتهاد رسید. - محمد بن سلیمان تنکابنی، تذکره العلماء، به اهتمام محمد رضا اظهري و غلامرضا پرنده، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۶۹. از جمله آثار وی کتاب کشف اللثام که شرح قواعد الاحکام علامه حلی در فقه است، حواشی به شرح لمعه، المناهیج السویه فی شرح الروضه البهیة، شرح قصیده سید حمیری، تلخیص کتاب شفی بوعلی سینا و کتابی در تفسیر قرآن. - محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۶۹. فوت او در ۲۵ رمضان سال ۱۱۳۷ ه. در اصفهان اتفاق افتاد. به تازگی دفتر مجموعه فرهنگی، مذهبی تخت فولاد بقعه زیبایی بر روی مقبره این حکیم و فقیه نامی احداث کرده است. - "حاج سید یوسف خراسانی"، فرزند سید محمد حسینی قائینی. وی به اتفاق پدر از زادگاه خود قائن به اصفهان مهاجرت کرده و به کسب علم پرداخت. حاج سید یوسف در مسجد جارچی و حاجی رضا در بازار گلشن

امامت جماعت می کرد. از جمله آثار وی، حاشیه بر حاشیه ملامیرزا جان، حاشیه بر مدارک و الکواکب الضیائیه می باشد. وفات وی در ۲۴ ربیع الاول سال ۱۲۶۴ ه. اتفاق افتاد. قبر وی در سمت چپ جنوب غربی ایوان بقعه فاضل هندی قرار دارد. (مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۸؛ محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۱۲۲) - "حاج سید محمد جواد خراسانی"، فرزند حاج سید محمد رضا، فرزند یوسف خراسانی. این عالم زاهد در مسجد جارچی امامت جماعت می نمود و به همین سبب به جارچی مشهور بود. از جمله آثار وی، رساله ای در تعبیر خواب، رساله ای در رؤیاهای صادق، رساله ای در شرح حال پدر و جد خود. وی متولد سال ۱۲۷۱ ه. و متوفی در ۱۳۵۲ ه. بود. قبر وی در پایین بقعه فاضل هندی در سمت غرب بقعه قرار دارد. (معلم حبیب آبادی، مکارم الآثار، جلد ششم، ص ۱۹۸۲؛ مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۲) - "آیه الله سید محمد رضا خراسانی"، فرزند سید محمد جواد، متولد ۱۳۱۱ ه. ق. وی از شاگردان آیه الله سید محمد باقر درچه ای بود. این عالم ربانی مدرّس مدرسه صدر بازار و مدرسه چهارباغ بود و کتابخانه مدرسه صدر بازار را تأسیس کرد. وی سال ها ریاست حوزه علمیه اصفهان را برعهده داشت و ظهرها در مسجد جارچی بازار و شب ها امامت جماعت مسجد الاقصی چهارراه فلسطین فعلی را برعهده داشت. وفات وی در ۲۹ رجب سال ۱۳۹۷ ه. روی داد و در سمت راست مقبره فاضل هندی به خاک سپرده شد. (محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۲۳۵؛ مصلح الدین مهدوی، سیری در

تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۳. - "ملاّ محمّد نائینی"، وی شوهر خواهر حاج ابراهیم کلباسی و یکی از ائمه جماعت مسجد حکیم بود. مرحوم نائینی از فقهای نامدار شیعه و مشهور به فاضل نائینی بود و در ۲۰ شوال سال ۱۲۶۳ ه. ق. وفات یافت. قبر وی جلو روی قبر فاضل هندی در سمت چپ قرار دارد. (محمّد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۱۶۵؛ میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان وری، ص ۳۱۸). - "سید محسن بن میر محمّد باقر بن سیدعلی حسینی"، برادر زاده علامه میر سید حسن مدرس بود. این عالم فاضل جلیل و فقیه زاهد در مسجد میر سید حسن مدرس (رحیم خان) اقامه جماعت می نمود وی دارای تألیفاتی بود از جمله: ۱- رساله در اصول دین ۲- شرح درّه سید بحر العلوم- رساله در صیغ العقود. وفات وی روز دوشنبه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۸ هجری اتفاق افتاد و در پایین قبر فاضل هندی دفن شد. (سید مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۵؛ جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر، ص ۳۲۶). - "سید زین العابدین طباطبایی ابرقویی"، عالم و عارف کامل و شاعر زاهد، از اهالی ابرقو ساکن اصفهان محله مسجد آقا علی بابا در خیابان حافظ چهار راه کرمانی، استادان وی در فقه و اصول آیه الله حاج شیخ عبدالحسین نجفی، آیه الله حاج میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، آیه الله سید محمّد نجف آبادی و آیه الله حاج آقا رحیم ارباب بودند. از وی چند کتاب و رساله باقی مانده است از جمله: ۱- ولایه المتقین ۲- تفریح الحزن ۳- حالات عرفا ۴- صلاه الجمعه ۵- رساله در عقد و تزویج مرحوم. آیه الله سید اسماعیل

هاشمی بارها از علم و زهد و تقوی وی ستایش می نمودند. سرانجام این فقیه عارف در ۸ صفر سال ۱۳۷۲ هجری از دنیا رفت و در جنوب شرقی قبر فاضل هندی مدفون گردید. (سید زین العابدین طباطبایی، ولایه المتقین، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۳.)

تکیه خواجویی

در شمال تکیه فاضلان و جنوب تکیه ابوالعمالی کلباسی قبور جمعی از علما و دانشمندان وجود دارد که به مناسبت وجود مدفن ملاّ اسماعیل خواجویی، این محوطه به تکیه خواجویی مشهور است. برخی از علما و دانشمندان مدفون در این تکیه عبارتند از: "ملاّ اسماعیل خواجویی"، فرزند محمّد حسین بن محمّد رضا بن علاءالدین محمّد مازندرانی، وی به مناسبت سکونت در محله خواجوی اصفهان، به خواجویی مشهور شده است. این حکیم گرانمایه از بزرگان فقهاء و مجتهدین و مدرسین و جامع علوم منقول و معقول و عرفان بود. وی همچون استادش فاضل هندی هم مربی و مرشد اخلاق و هم مدرّس علوم عقلی و نقلی بود. خواجویی در عهد خود بزرگترین استاد فلسفه و کلام، عرفان، فقه و حدیث بود. تألیفات او را یکصد و پنجاه کتاب و رساله به.. فارسی و عربی نگاشته اند از آن جمله است: ۱- شرح دعای صباح ۲- اربعین شامل چهل حدیث ۳- رساله وحدت وجود ۴- رساله در رد عقاید صوفیه ۵- نوروژیّه در تحقیق عید نوروز ۶- رساله فضیلت فاطمیان ۷- رساله در تحقیق غنا، این دانشمند فرهیخته در دوره فترت و سخت ترین ایام پر حادثه اصفهان از فتنه شوم افاغنه تا دوره زندیه زندگی می کرد و از همّت و کوشش و برکات وجودی وی و دست پروردگانش همچون آقا محمّد بیدآبادی متوفی ۱۱۹۸ هجری علوم عقلی و نقلی

به میراث پس از دوران فترت رسید. و حوزه علمیه اصفهان احیا گردید. وفات این عارف زاهد در یازده شعبان سال ۱۱۷۳ هجری روی داد. پیش از این مقبره وی سکویی آجری با سنگ لوح مرمری با متن عربی به خط ثلث بسیار زیبا بود ولی امروزه به همت مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد بقعه با شکوهی بر سر مزار این عالم بزرگ ساخته شده است. (جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر، ص ۳۳۳) (بشارت. همان، ص ۳۳۴). الشیعه (سید مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۶). - "ملاً عبدالله بن ابی الحسین"، از فقهاء و محدثین دوره فترت میان صفویه تا قاجاریه می باشد. فوت وی ماه ذی قعدة سال ۱۱۸۴ هجری بوده است. - "ملاً محمّد اسماعیل خواجهی"، فرزند محمّد جعفر بن ملا محمّد اسماعیل خواجهی، وی از شاگردان پدر خود و حاج ملاًعلی نوری بود و در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۲۸۲ هجری از دنیا رفت و در جوار پدر و جدش ملاً اسماعیل خواجهی به خاک سپرده است. سنگ لوحش از جنس مرمر و اشعاری به خط نستعلیق از آقا؛ م محمّد حسن کفّاش اصفهانی می باشد. (همایی، تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر، ص ۳۳۸). - "ملاً عبدالله بن ملاً علی اکبر ابن محمّد باقر اجیه ای"، متکلم، زاهد و فقیه اصولی ساکن محله جویباره اصفهان و امام جماعت مسجد علی و منسوب به قریه اجیه رودشت اصفهان بود. این عالم فاضل زاهد و مجتهد ممجّد در ۱۲ ماه صفر سال ۱۳۳۲ هجری از دنیا رفت و در این مکان به خاک سپرده شد. سنگ لوح مزار وی به خط ثلث

و از جنس مرمر و به خط عربی می باشد. (همایی، تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر، ص ۳۴۲.)

تکیه ملک

مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی پس از وفات مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی و دفن وی در اراضی تکیه لسان الارض، جهت آن مرحوم تکیه ای بنا نهاد و پس از آن عده ای از بزرگان علما و فضلا و حکما و ادبا در آن مدفون شدند. این تکیه اکنون جزو گلستان شهدا و در مرکز آن می باشد و هم اکنون به سالن برگزاری مراسم شهداء و دعا تبدیل شده است. برخی از مدفونین از دانشمندان در این تکیه عبارتند از: "آخوند ملا محمد کاشانی"، در جوانی از کاشان به اصفهان آمد و در مدرسه جدّه ساکن شد و سپس در مدرسه صدر به تدریس مشغول شد. وی در حکمت و فلسفه، فقه و اصول و ادبیات و ریاضیات استاد مسلم بود و بیش از پنجاه سال با عشق و علاقه هرچه تمام تر به تدریس و تعلیم پرداخت و جمع بسیاری از دانشمندان از خوان علمی او سود جستند. از جمله شاگردان او آیهاالله حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمد حکیم خراسانی، شهید بزرگوار سید حسن مدرس، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حکیم شیخ محمود مفید اصفهانی و آیهاالله حاج آقا حسین بروجردی بودند. سرانجام این حکیم عالی مقدار در روز شنبه ۲۰ شعبان سال ۱۳۳۳ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و پس از دفن او تکیه ملک برای وی ساخته شد. اکنون مقبره وی دارای سنگ بزرگی است و چهار ستون سنگی در چهار طرف مقبره وی نصب کرده اند. (مصلح

الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۰۴؛ محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۳۹۹- "شیخ اسداله حکیم قمشه ای"، فرزند مشهدی جعفر، از اجله حکما و علما و شعرا بود. وی ریاضی را به دو روش قدیم و جدید آموخت و به زبان فرانسه آگاهی داشت. اشعار وی بیشتر غزل های عرفانی و مضامین عمیق روحانی دارد و به دیوانه تخلص داشت. در سن سی و شش سالگی در ۱۸ ذیقعده ۱۳۳۴ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و در پایین قبر آخوند کاشی مدفون گردید. (همان، ص ۴۰۶؛ مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۰۲) «شیخ مرتضی قمشه ای»، عمده الفقها و المجتهدین متوفی ۱۳۴۱ هجری و مدفون در پشت سر آخوند کاشی می باشد (جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر، ص ۴۹۴)- "شیخ محمد حکیم خراسانی"، فرزند زین العابدین بن محمد صادق. وی از شاگردان برجسته میرزا جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی بود. حکیم خراسانی در مدرسه صدر بازار ساکن بود و شبانه روز چندین حلقه درس فلسفه صدرایی داشت و از معروف ترین حوزه های درس فلسفه بود. سرانجام این حکیم و عارف عالی مقدار در آغاز ماه ذی حجه سال ۱۳۵۵ ه. در گذشت و جنب استاد خود آخوند کاشی مدفون گشت. (همان، ص ۲۰۴؛ محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۴۵۱)

تکیه بروجنی ها

این تکیه در شمال غربی تکیه ملک و گلستان شهدای فعلی است و شهدای عملیات کربلای چهار و پنج در آن مدفون هستند. از جمله مدفونین در آن: - "آقا میرزا عباس نحوی"، متولد سال ۱۳۰۰ ه. ق.، فرزند میرزا عبد الجواد،

فرزند میرزا عبدالحسین، متوفی ۱۳۲۶ ه. ق. از اساتید هنر خوشنویسی بوده است. این ادیب گرانمایه از بنیان گذاران مدارس جدید در اصفهان بود و مدرسه دیانت را تأسیس کرد. وی مدتی مدیر دبستان و در اواخر دبیر ادبیات و علوم دینی دبیرستان های اصفهان بود. از جمله آثار وی: رساله ای در شرح احوال خاندان نحوی هرنندی، کتابی در صرف و نحو و کتاب شریعات جهت مدارس. سرانجام در ۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۱ ه. ق. از دنیا رفت و در تکیه بروجنی ها مدفون شد. (سید مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۹.)

تکیه میر محمد صادقی

این تکیه در جنوب غربی خیمه حسینی گلستان شهداء (تکیه ملک) قرار داشته است و منسوب به خاندان سادات حسینی میرمحمد صادقی می باشد. برخی از مدفونین در آن عبارتند از: "سید عبدالله ثقه الاسلام"، فرزند سید محسن، متولد ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ ه. ق. در اصفهان. وی پس از کسب مقدمات علوم در سن هیجده سالگی به نجف اشرف رفت و نزد آیات عظام میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا محمد علی رشتی، میرزا حبیب الله رشتی، آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی تحصیل کرد. وی بیشتر تحصیلات خود را نزد آخوند خراسانی گذراند و از خواص وی شمرده می شد. در سال ۱۳۳۰ ه. به اصفهان بازگشت. شمار تألیفات وی بیش از ۲۰ عدد می باشد. از جمله کتاب های چاپ شده وی لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف که نسخه خطی مؤلف نزد دانشمند گرانمایه آیها لله سید محمد علی روضاتی می باشد. دیگر کتاب انیس العارفین در احوال برزخ و بهشت و دوزخ می باشد. سرانجام این دانشمند عالی مقدار در روز ششم

ماه صفر سال ۱۳۸۲ ه. ق. در اصفهان وفات کرد و در تکیه میرمحمد صادق مدفون گردید. (میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی، مکارم الاثار، به کوشش سید محمد علی روضاتی، ص ۲۶۷۸، شماره ۱۵۹۵) (سید مصلح الدین مهدوی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۲). "آیه الله سید محمد علی میرمحمد صادق"، فرزند سید محمد صادق. وی متولد ۱۳۴۶ ه. می باشد. در حوزه علمیه اصفهان نزد آیه الله حاج آقا مصطفی بهشتی، آیه الله شمس آبادی، آیه الله سید عبدالحسین دستغیب و آیه الله شیخ محمد حسن نجف آبادی، و آیه الله سید حسین خادمی تعلیم دید. او در سال ۱۳۷۲ ه. ق. به نجف رفت و در محضر آیه الله سید محمود شاهرودی، آیه الله شیخ حسن حلی به فراگیری اصول پرداخت. وی در نجف از شاگردان خاص آیه الله میرسید علی علامه فانی بود و از نامبرده اجازه اجتهاد و روایت در سال ۱۳۸۱ ه. ق. گرفت و در سال ۱۳۹۰ ه. ق. به اصفهان بازگشت و به تدریس درس اصول و خارج فقه در حوزه علمیه اصفهان پرداخت. این دانشمند گرانمایه شیفته تحقیق و پژوهش بود. از جمله تألیفات وی تقریرات فقه و اصول علامه فانی، رساله‌ی در جبر و اختیار، رساله‌ی در عدم تحریف قرآن، تفسیر سوره جمعه، جوائز سلطان و احکام بانک‌ها، توحید ذات و صفات از دیدگاه اسلام، ترجمه رساله علم امام از علامه فانی، تفسیری بر نهج البلاغه و معاد می باشد. این عالم خدمتگزار در فعالیت‌های اجتماعی حضوری فعال داشت. از جمله در تأسیس و همکاری و کمک در ساخت حدود ۴۵ مسجد در استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد و استان کرمان شرکت داشت.

وی سال ها امامت جماعت مسجد شفیعی را بر عهده داشت. سرانجام این عالم ربانی در ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۱۷ه. ق. مطابق با ۱۳۷۵ / ۶ / ۱۵ ش. از دنیا رفت و در تکیه میرمحمد صادقی مدفون گردید. (احمد لقمانی، آئینه آفتاب (زندگانی فقیه فرزانه آیهالله صادقی)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۳۷ش.، ص ۳۶.) (همان، ص ۱۰۷.)

"آیه الله حاج آقا رحیم ارباب"، فرزند حاج علی پناه، متولد ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۹۷ه. ق. در روستای چرمهین لنجان. حاج آقا رحیم مقدمات را در زادگاهش نزد ملا محمد همای خواند و در اصفهان نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، آیهالله سید محمد باقر درچه ای، آیهالله سید ابوالقاسم دهکردی، حاج آقا منیر احمدآبادی، جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی تحصیل کرد. وی از شاگردان خاص جهانگیر خان و آخوند کاشی بود و مراحل سیر و سلوک را نزد ایشان طی کرد. این عالم بلند مرتبه با حکیم آیهالله محمد خراسانی، آیهالله حاج میرزا علی آقا شیرازی و آیهالله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی مصاحبت داشت. از جمله شاگردان وی سید محمد رضا خراسانی، سید محمد مبارکه ای، حاج آقا مصطفی بهشتی، استاد جلال الدین همایی، حاج شیخ اسدالله جوادی و حاج شیخ محمد کلباسی بودند. این عالم ربانی در مسجد گرگ یراق امامت جماعت می نمود و نماز جمعه را به ترتیب در مسجد گرگ یراق، حکیم، مسجد جامع، رهنان، درب کوشک و مسجد گورتان در ماربین اقامه می کردند.

-دکتر حمید ارباب، (یادنامه حکیم متأله آیهالله حاج آقا رحیم ارباب، اصفهان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۳.) سرانجام این

حکیم و عارف بلند مرتبه در ۱۸ ذیحجه سال ۱۳۹۶ه. ق. دار فانی را وداع گفت و در محدوده تکیه فاضل هندی و میرمحمد صادقی مدفون شد. آقای محمّد علی خادم المؤمنین تکیه بان درباره علت دفن وی در این مکان می گوید: آیهالله ارباب هر پنج شنبه به زیارت قبر آخوند کاشی می آمدند. روزی از پدرم غلامعلی خادم المؤمنین خواستند بری قبر ایشان قطعه زمینی در محدوده تکیه فاضل هندی و میر محمد صادقی در نظر بگیرد. پس از فوت، ایشان، در این محل به خاک سپرده شد. (محمّد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۴۵۰.) (مصاحبه آقای محمّد علی خادم المؤمنین به نقل از علیرضا شاه سنایی، در رساله کارشناسی، گلستان شهدای اصفهان در گستره تاریخ، به راهنمایی اصغر منتظر القائم، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸ش.، جلد اول، ص ۵۹.)

"حکیم حاج عبدالجواد فلاطوری"، وی از نوادگان حکیم آخوند ملا اسماعیل اصفهانی بود و در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۳ه. ق. مطابق ۲۹ دی ماه ۱۳۰۴ش. در اصفهان متولد شد. این دانشمند فرزانه در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد به کسب علوم و معارف اسلامی پرداخت و از محضر اساتید بزرگی همچون شیخ محمّد علی شاه آبادی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ محمّد تقی آملی، آیهالله خوانساری، شیخ محمّد رضا کلباسی و شیخ هادی کدکنی نیشابوری سود جست. در سال ۱۳۳۳ش. بری ادامه تحصیل به کشور آلمان رفت و در رشته های فلسفه، روان شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و ادیان به مطالعه و تحقیق پرداخت و از رساله دکتری خود به نام تفسیر اخلاق کانت در پرتو احترام در ۱۹۶۵ میلادی دفاع کرد. وی به چندین زبان از جمله یونانی و

لاتین و آلمانی مسلط بود. (فلاطوری نامه، بزرگداشت پروفیسور فلاطوری در دانشگاه کلن آلمان، به همت دوستان فلاطوری، ۱۳۷۷ش / ۱۹۹۸ م، ص ۲۵۹ به بعد.) این حکیم فرهیخته در شهر کلن آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم ترین منابع فقهی، اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد و موفق شد یک آکادمی بری تحقیقات اسلامی و مباحث گوناگون شیعه به وجود آورد. سرانجام با استفاده از این امکانات طرح پاکسازی اهانت به آیین مقدس اسلام را از کتاب های درسی مدارس آلمان عملی ساخت. آن محقق بلند آوازه محتوای کتاب های درسی درباره اسلام را در ابعاد زیر تقسیم کرد: ۱-خدا و الهیات ۲-حضرت محمد ۳-قرآن مجید ۴-اعمال مذهبی ۵-رابطه بین ادیان یهودی، مسیحی و اسلام ۶-تاریخ ۷-موقعیت کنونی اسلام در جهان و در کشور آلمان. (مهدی محقق، مقاله فلاطوری، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۱ و ۲، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۷۶ ش.، قم، مرکز بررسی های اسلامی، ص ۴۳۴.) با کوشش بلند فلاطوری کتاب های درسی هفده کشور اروپایی از پیش داوری های مغرضانه پاکسازی و اسلام و قرآن و رسول الله به شیوهای شایسته معرفی شدند. (سید محمد مهدی جعفری، مقاله «پروفیسور فلاطوری طبعی والا، همتی بلند و دلی دردمند»، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۱ و ۲، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۷۶ ش.، قم، مرکز بررسی های اسلامی، ص ۴۶۷.) برخی آثار این محقق پرتلاش عبارتند از: ۶۰ کتاب و مقاله به زبان آلمانی از جمله آنها کتاب دگرگونی بنیان فلسفه یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی، ۱۵ مقاله به زبان

فارسی، جبهه آزاد درباره سید جمال الدین اسدآبادی، چاپ ۱۳۳۲ ش.، ترجمه و شرح کتاب مشاعر ملاحظه‌درا چاپ ۱۳۳۲، ترجمه کتاب دو جلدی تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی اثر اشپولر، دانشجویان محکوم درباره خلفای سه گانه و تصحیح نصاب الصبیان به شیوه‌های نو. سرانجام پروفیسور فلاطوری در سن ۷۱ سالگی در تاریخ دهم دی ماه ۱۳۷۵ ش. (فلاطوری نامه، ص ۲۵۹ به بعد؛ ضرورت تبادل و کلید فرهنگ‌ها (نامه فلاطوری)، مجموعه مقالات و مصاحبه‌های فلاطوری، گردآوری: کمیته علمی کنگره بزرگداشت پروفیسور فلاطوری، دانشگاه اصفهان، تابستان ۱۳۷۷ ش.) مطابق با ۱۹ شعبان ۱۴۱۷ ه. ق. از دنیا رفت و در گلستان شهدای اصفهان نزدیک مقبره آیهاالله ارباب مدفون شد.

تکیه میرزا احمد خان محیی

این تکیه در جنوب تکیه میرمحمد صادق قرار داشت که اکنون در جنوب گلستان شهدا و در پیاده رو شرق مقبره آیهاالله ارباب می باشد. در شمال این تکیه اتاقی بود که مدفونین در آن عبارتند از: - "دکتر میرزا احمد خان محیی"، فرزند آ میرزا حسن جراح. وی بنیان گذار بیمارستان احمدیه است که هنوز در همان مکان پیشین خیابان طالقانی، کوی محله نو برقرار و پا برجا است. وی متوفی صفر ۱۳۷۱ ه. مطابق ۱۳۳۲ / ۷ / ۲۳ ش می باشد. - "دکتر حسین محیی"، فرزند میرزا احمد خان. وفات وی در محرم ۱۳۷۱ ه. مطابق با ۱۳۳۲ / ۷ / ۷ ش. روی داد. - "دکتر علی اصغر محیی"، فرزند میرزا احمد خان. فوت وی در ۱۳۵۳ / ۵ / ۱۴ ش. مطابق با ۱۳۹۴ ه. اتفاق افتاد) مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۱۴ و مشاهدات نویسنده. (

تکیه کوهی

این تکیه در نزدیک درب ورودی جنوبی گلستان شهدا قرار داشت و اکنون قطعه شهدای حنظله و قطعه حبیب بن مظاهر در غرب مقبره آیهاالله شهید اشرفی اصفهانی را تشکیل می دهد. این تکیه اتاق‌های زیادی داشت که با رضایت صاحبان آنها تخریب و شهدا در آن دفن می شدند. (مذاکره با آقای اکبر علیار مدیر داخلی سابق گلستان شهدا (نویسنده)). برخی از مدفونین در این تکیه عبارتند از: - "سید محمد رضا حسینی هرنندی"، وی از جمله وعاظ مشهور اصفهان بود که صدای دلنشین و لطایف شیرین وی مردم را مجذوب خود می کرد. از جمله اساتید وی آیهاالله سید علی نجف آبادی، آیهاالله سید ابوالحسن اصفهانی، و آیهاالله عبدالهادی شیرازی بودند. سرانجام این عارف و شیفته اهل بیت: در سن هشتاد و پنج سالگی، در

۱۲ بهمن ۱۳۶۰ ش. مطابق با ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۲ ه. ق. به دیار باقی شتافت و در غرب قطعه های حنظله و حبیب بن مظاهر به خاک سپرده شد. (علیرضا شاه سنایی، رساله کارشناسی، گلستان شهدای اصفهان در گستره تاریخ، جلد اول، ص ۵۶.) "میرزا عبدالوهاب کلانتری"، فرزند حاج میرزا محمد علی کلانتر اصفهانی، از خاندان کلانتری و از سادات موسوی بودند. از این خاندان عده ای از حکما، شعرا، و طبیبان برخاسته اند. میرزا عبدالوهاب ادیبی فاضل و دارای صفات پسندیده در حسن معاشرت بود. وی در اردیبهشت ۱۳۴۹ ش. مطابق با ماه صفر ۱۳۸۹ ه. ق. از دنیا رفت و در تکیه کوهی مدفون گردید. (مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۷۷) به جز تکایایی که نام برده شدند برخی منابع از تکایی کوچک دیگری که در اطراف تکیه ملک بوده است نام برده اند که عبارتند از تکیه حاج عبدالوهاب بدیعی، تکیه عبدالحسین حلیان، تکیه حاج محمدحسین ارباب و تکیه استکی. (جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر، ص ۵۰۰).

گورستانهای اصفهان

شاردن فرانسوی در سفرنامه خود تعداد گورستانهای اصفهان را دوازده باب ذکر کرده است. اما نویسنده کتاب «دانشمندان و بزرگان اصفهان» تعداد آنها را قریب پنجاه باب دانسته و در کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد» درباره گورستانهای اصفهان به اختصار چنین آمده است: مزار آب بخشان: که هزار سال قبل، «مروبان» نامیده می شده و امروز به «مورنان» شهرت دارد و آرامگاه حافظ ابونعیم آنجاست. گورستان چمبلان: که مربوط به قبل از اسلام بوده و در سال ۱۳۱۰ شمسی آن را خراب کرده اند. گورستان ستی

فاطمه: در محله چهار سوق شیرازیها است که دارای مقابر معتبری از دوران صفویه بوده است. گورستان شاه میر حمزه: مربوط به خاندان «آل خجند» بوده که آن هم در سال ۱۳۶۳ شمسی خراب شده است. گورستان طوقچی: محل فعلی دبیرستان هاتف که مربوط به خاندان «آل صاعد» بوده است. گورستان گلستانه: که چند سال پیش شهرداری آن را خراب کرده و بر جای آن شیرخوارگاه ساخته است. این گورستان در پایین دروازه و حوالی شاه میر حمزه قرار داشته و محل دفن عرفا و شعرا از جمله «شفیعی» شکسته نویس نیز در آن دفن بوده است. گورستان قبله دعا: که از گورستانهای قدیمی اصفهان بوده و اینک به خانه و خیابان تبدیل شده است. گورستان محله جویباره: این گورستان در حد فاصل دروازه طوقچی تا محله سودان قرار داشته و محل دفن سادات و امام زاده ها و دانشمندان و شعرای به نام مانند علی بن سهل و جمال الدین عبدالرزاق بوده است. زمانی که قبور آنجا شکافته شد، متوجه شدند که قبور این گورستان چهار طبقه بوده است و قبوری از صائین و زرتشتیان را نیز در آنجا یافته اند. گورستان سنبلستان: این گورستان قدیمی در محله دردشت واقع بوده و بیش از پنجاه هزار متر وسعت داشته است. قبوری از زرتشتیان و پیروان مذاهب دیگر از قبل از اسلام در آن کشف شده که اجساد مردگان در خُمره بوده است. گورستان زغالیها: این گورستان نزدیک قلعه طبرک بوده ولی وسعت زیادی نداشته است. گورستانهای ادیان دیگر هر کدام در محلی جداگانه بوده که مردگان خود را به طریقه معتقدان خاص خود دفن می کرده اند، مانند: قبرستان یهودیها: یهودیان از

دیرباز دو قبرستان معروف داشته اند. یکی قبرستان قدیمی «استرخاتون» در روستای وسیع پیربکران و دیگری قبرستان «گورکان» در ۵ کیلومتری مشرق اصفهان که در دهکده ای در محلات قهّاب قرار دارد. قبرستان آرامنه: این قبرستان در جنوب اصفهان و در دامنه کوه صفه واقع شده است که از زمان صفویه، آرامنه و بعضی از مسیحیان دیگر را در آن دفن می کردند. سنگهای قبور این قبرستان بسیار زیبا و دیدنی است. در شهشهان و محله گلپهار نیز دو معبد خاص نصاری وجود داشته که مربوط به زمان خسرو پرویز پادشاه مشهور ساسانی و زنیس مریم رومی بوده که آنجا را «قبه النصاری» می نامیدند. در زمانهای گذشته زرتشتیان جهت دفن مردگان خود برج مخروطی شکل بلند و محکمی ساخته و پایه آن را غیرقابل نفوذ می کردند و مردگان را از سوراخ بالای برج در درون آن، جای می دادند تا خوراک پرنندگان شوند و جسم آلوده آنها آب و خاک و آتش را نیالاید. ولیکن اکنون زرتشتیان نیز همانند پیروان دینهای دیگر، مردگان را دفن می کنند. مافروخی می نویسد: در محدوده «گنهران» در روستای «کروَن» قبرهایی پیدا شده که مردگان را در خمره ها دفن کرده اند و گمان می رود آن مردگان از صائین بوده که آفتاب و ماه و ستاره را پرستش می کردند. در سنبلستان هم نظیر این قبور که مردگان آن در خمره بوده اند دیده شده است. اینها گورستانهای معروف اصفهان بوده ولی بسیاری از قصابات اصفهان برای خود گورستان جداگانه و محلی داشته که اقوام و خویشان خود را در آنجا دفن می کرده اند. امروز تنها گورستان معظم شهر اصفهان باغ رضوان و گورستان شهداست. اولی در مشرق اصفهان و در

ناحیه جی قرار دارد و به همین منظور قطعه بندی و درختکاری شده و در قسمتهایی از آن گل و چمن کاشته اند و خیابانهای عریض و طویل دارد و گورستان عمومی اطلاق می شود و زیر نظر شهرداری اصفهان اداره می گردد. دیگری، گورستان شهداست که محل دفن جوانانی است که در جنگ ایران و عراق و یا برخوردهای سیاسی و امنیتی داخلی و خارجی شهید شده اند. این گورستان در جنوب گورستان قدیمی تخت فولاد قرار دارد.

اصفهان محل دفن برخی از نامداران

صاحب بن عباد

وزیر دانشمندان آل بویه مشوق شعرا و نویسندگان که آرامگاهش در طوقچی قرار دارد.

حضرت یوشع

از پیغمبران یهود و مربوط به دوره هخامنشیان که آرامگاهش در «لسان الارض» می باشد.

شعیای پیغمبر

آرامگاه او دارای ضریح چوبی بوده و روی قبر آن گچ بریهای وجود داشته و در احمدآباد، جنب امام زاده اسماعیل قرار داشته است.

میر عماد

سرآمد خوشنویسان نستعلیق ایران، مربوط به دوران صفویه که آرامگاهش در مسجد مقصود بیگ، در انتهای بازار و ابتدای طوقچی است.

خواجه نظام الملک

وزیر دانشمند و سیاستمدار حکومت ملکشاه سلجوقی است و آرامگاه او مقابل تکیه میر می باشد.

عبدالمجید درویش

بزرگترین استاد خوشنویسی در شکسته نستعلیق است و آرامگاه او مقابل تکیه میر می باشد.

محمد هاشم

نسخ نویس معروف که قرآنهاي نفیس او در قطع های مختلف موجود است و در تکیه فیض علیشاه مدفون است.

کمال الدین اسماعیل

بزرگترین قصیده سرای ایران در زمان مغول که به دست آنها به قتل رسید و مقبره او در محله جویباره است.

میر سیدعلی مشتاق

شاعر بزرگ اصفهان و بنیانگذار دوره بازگشت ادبی است. آرامگاه او در تکیه شیخ زین الدین است.

صائب

از شعرای مشهور و صاحب سبک هندی (یا اصفهانی) در دوران صفویه است که آرامگاه او در خیابان صائب است.

زین العابدین

معروف به «اشرف الکتاب»، استاد بزرگ خط نسخ در ایران، که در تخت فولاد، در قبرستان عمومی مدفون است.

انصاری

حاج میرزا حسن خان انصاری مورّخ و شاعر و ادیب که آرامگاه او در تکیه بابا رکن الدین است.

سید محمدباقر درچه

مرجع تقلید و روحانی دانشمند و معروف بوده است. آرامگاه او در جنوب تکیه میر می باشد.

حاجیه خانم امین

وی از زنان دانشمند و مجتهد معاصر است که آرامگاه او در تکیه امین التجار است.

استاد جلال همایی

علامه ادیب، شاعر و دانشمند معاصر که آرامگاه او در تکیه لسان الارض می باشد.

استاد جلال تاج

سرآمد خوانندگان و موسیقی دانان ایران که آرامگاه او در تکیه سید العراقین است.

حاج آقا رحیم ارباب

آیت الله ارباب، مجتهد و دانشمند معروف معاصر که آرامگاه او در تکیه کازرونی است. وقتی از ایشان پرسیدند پس از این همه عمر آیا ادعایی هم دارید یا نه. ایشان فرمودند: در مسایل علمی هیچ ادعایی ندارم.

اما در مسایل شخصی خود دو ادعا دارم: یکی آنکه به عمرم غیبت نگفتم و غیبت نشنیدم دوم آنکه در طول عمرم چشمم به

نامحرم نیفتاد.

یاور

نوازنده مشهور نی و موسیقی دان مردمی اصفهان که آرامگاه او در تکیه میرزا ابوالمعالی است.

الفت

ادیب دانشمند، شاعر و محقق معاصر که آرامگاه او در امام زاده احمد می باشد.

دکتر مرتضی حکمی

پزشک دانشمند و جراح خوشنام اصفهان که آرامگاه او تکیه خادم الشریعه مقابل تکیه بروجردی است.

دکتر نواب

ادیب، دانشمند و مشوق هنرمندان و رییس دانشکده ادبیات بود. آرامگاه او در مقبره سادات بهشتی است.

حاج مصور الملکی

استاد کم نظیر نقاشی در مینیاتور و طراح بزرگ اصفهانی که آرامگاه او در تکیه ملک می باشد.

محمد صدر هاشمی

محقق فاضل و ادیب و از فرهنگیان مشهور اصفهان است و مقبره او در تکیه شمس آبادی است.

حاج میرزا عباس

عارف روشن ضمیر و قطب فرقه دراویش نعمت الهی در تکیه معروف سید العراقین دفن شده است.

حاج زین العابدین

آرامگاه این عارف زاهد که از اقطاب مشهور فرقه نعمت الهی به شمار می آید، در تکیه سید العراقین و در بین زهّیاد و دراویش روشن ضمیر است.

حاج حسین ختایی

استاد سوخت و مینیاتور بوده و آرامگاه او در تکیه جویباره، اول تخت فولاد است.

حاج میرزا آقا امامی

استاد بزرگ مینیاتور و سوخت و معرق ایران که آرامگاه او در تکیه زرگهاست.

میرزا عبدالحسین قدسی

بزرگ خانواده قدسی، ادیب، فاضل، شاعر و خطاط بود و آرامگاه او در تکیه تویسرکانی است.

بدرالدین کتابی

محقق دانشمند و از فرهنگیان و دانشگاهیان معروف اصفهان بود و آرامگاه او در قطعه ۱۷ باغ رضوان می باشد.

حسین عریضی

محقق، معلم و مؤلف که خدمات فرهنگی او قابل ستایش است و آرامگاه او در قطعه نام آوران باغ رضوان می باشد.

واله اصفهانی

از خوشنویسان بزرگ خط تعلیق و ناخنی و شاعر بود. آرامگاه او در تکیه والهیه است.

صمصام

عارف روشن ضمیر و حامی ضعفا در زمان معاصر که معروف به بهلول بود و محل دفن او تکیه درب کوشک است.

بابا فولاد حلوانی

که تختگاه او در زمین تخت فولاد بوده و بنابر یکی از روایات این محل به نام او نامیده شده است. آرامگاه او را در حوالی تکیه سید العراقین نوشته اند.

عبدالحسین سپنتا

شاعر و هنرمند معاصر، آرامگاه او مقابل مسجد مصلی در خیابان آب ۲۵۰ است.

میرزا آقا امامی

حاج میرزا مهدی معروف حاج میرزا امامی فرزند سید محمد حسین حسینی، مینیاتورست و سوخت کار برجسته و احیاگر هنر از یاد رفته عصر صفوی یعنی ساخت جلد سوخت است.

از این هنرمند آثار ارزنده و تابلوهای نفیسی به جای مانده است. این هنرمند نامی در سال ۱۳۷۵ قمری وفات یافت و در مقبره خاندان امامی در قبرستان پشت مصلی مدفون گردید.

عبدالجواد فلاطوری

عالم فرزانه و دانشمند از نوادگان حکیم ملا اسماعیل خواجویی اصفهانی بود. او یکی از بنیانگذاران مرکز شیعه شناسی در آلمان بود. وی همواره علت موفقیت خود در تبلیغ اسلام در غرب را به بهره گیری فراوان و مدد از قرآن کریم می داند. این دانشمند گرانمایه در سال ۱۴۱۷ قمری وفات یافت و در تکیه میرمحمد صادقی (گلستان شهدا) به خاک سپرده شد.

محمد حسین امام نجفی

فرزند شیخ جما نجفی. وی در فقه و اصول و حکمت ماهر بود. کتاب «خدا هست» از آثار اوست متوفی ۱۳۲۹ هجری قمری، مدفون در تکیه مادر شاهزاده

سید محمود موسوی درب امامی

صاحب کتاب «ثمرات الحیات» در خصوص موعظه و تفسیر مواعظ منبری وی مورد توجه تمام طبقات آن زمان به ویژه علما بوده چنانکه علمایی چون آقا سید محمود باقر درچه ای مستمع مواعظ وی بودند.

زیردستی و تسلط عالی وی بر اخبار و روایات را می توان از کتابش دریافت.

سید محمد مهدی درچه ای

علاقمه و فقیه زاهد از مراجع تقلید که پیوسته مورد اعتماد تمام طبقات مردم اصفهان بود و در مسائل فقهی به او مراجعه می کردند. در اواخر عمر مجتهد اعلم و جامع شرایط اصفهان بود. وی به سال ۱۳۶۴ قمری وفات یافت و در تکیه کازرونی مدفون می باشد.

شیخ احمد بیدآبادی

فرزند میرزا محمد جواد مجتهد حسین آبادی (برادر بزرگ آیت الله شاه آبادی) از فقها و مجتهدین برجسته اصفهان که در حافظه و هوش و احاطه به مسائل فقهی اعجوبه دهر بود.

وی در سال ۱۳۵۷ قمری در گذشت و در تکیه بروجردی دفن شد.

آیت الله سید ابوالحسن طباطبائی بروجردی (درب کوشکی)

فرزند میر سید علی بروجردی، متوفی ۱۳۴۸ قمری از فقها و مجتهدین برجسته اصفهان، که بسیار مورد علاقه و توجه مردم بود. از این خاندان علماء و مراجع برجسته ای در جهان اسلام ظهور کردند.

وی در تکیه بروجردی مدفون می باشد.

حاج منیر الدین بروجردی

عالم فقیه برجسته، وی نواده دختری میرزای قمی بود و در علم رجال و درایه تخصص و تبحر داشت. متوفی ۱۳۴۲ قمری مدفون در تکیه ملک (گلستان شهداء)

میرزا مسیح چهار سوقی

فرزند «صاحب روضات» که همچون پدر در علم و زهد و اخلاق شهرت داشت. متوفی ۱۳۲۵ قمری مدفون در تکیه صاحب روضات

سید اسدالله دادخواه (بهشتی)

عالم فاضل و فقیه مجتهد. در اصفهان به رسیدگی امور مردم و یاری آنان زبانزد خاص و عام بود. در دوره مشروطه از نمایندگی مورد اطمینان مردم اصفهان بوده و به «وکیل» شهرت داشت.

متوفی به سال ۱۳۶۳ قمری مدفون در تکیه زرگرا

شیخ محمدحسن داور پناه خوانساری

عالم جلیل، جامع علوم معقول و منقول. مرحوم شهید آیت الله شمس آبادی از جامعیت در علوم و فضایل اخلاقی این عالم جلیل تجلیل می نمود. این فقیه عالم سال ها به عنوان «قاضی عسگر» در ارتش خدمت نمود.

متوفی ۱۳۸۲ قمری مدفون در تکیه سید العراقین

حاج آقا مصطفی بهشتی نژاد

عالم فاضل پرهیزگار که در زهد و تقوی بسیار برجسته بود. متوفی به سال ۱۳۹۷ قمری مدفون در تکیه سادات بهشتی

آیت الله میرزا محمد جواد بید آبادی

فقیه، محقق و عالم پرهیزگار از شاگردان صاحب جواهر که از ایشان اجازه اجتهاد گرفت. صاحب آثار ارزشمندی چون: الف) بحر البكاء ب) کنوز اللیالی ج) بساطین الریاحین است.

ایشان پدر بزرگوار آقا شیخ احمد مجتهد بید آبادی و آیت الله شیخ محمدعلی شاه آبادی می باشند. متوفی به سال ۱۳۱۲ قمری مدفون در سرداب تکیه مادر شاهزاده

ملا کاظم مروج بید آبادی

عالم جلیل و ادیب و شاعر پرهیزگار که به جهت ترویج دین به «مروج الاحکام» ملقب گردید. وی صاحب آثار ارزشمندی چون: الف) اربعین حدیث در فضایل حضرت علی علیه السلام ب) دیوان اشعار و... می باشد.

متوفی ۱۳۶۷ قمری مدفون در تکیه بروجردی

شیخ محمدرضا نجفی

فرزند شیخ محمد حسین، ملقب به ابوالمجد علامه فقیه، ادیب متکلم، ریاضی دادن و از مفاخر علمی و ادبی شیعه و به زبان عربی شعر می سرود. وی به سال ۱۳۶۲ قمری درگذشت.

و در تکیه شاهزاده (شیخ محمدتقی رازی) مدفون می باشد.

آیت الله فقیه احمد آبادی

فقیه بزرگوار، محدث مفسر و ادیب شاعر صاحب کتاب ارزشمند مکیال المکارم که به توصیه امام زمان علیه السلام نوشته شده است.

وی در سن ۴۷ سالگی در سال ۱۳۴۸ قمری دار فانی را وداع گفت و در تکیه به نام خودش به خاک سپرده شد.

محمدعلی امین التجار

پدر بانو مجتهده امین، و از تجار معتبر و خوش نام اصفهان در اواخر عصر قاجار.

متوفی به سال ۱۳۲۶ قمری

میرزا بدیع درب امامی

عالم ادیب و فقیه مجتهد و شاعر خطاط از مدرسین مشهور اصفهان در فقه و اصول. شیرین زبانیها و نکته سنجی های وی باعث می شد که هیچ کس از هم صحبتی با وی سیر نشود. ایشان از شاگردان برجسته آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود.

از جمله تألیفاتش:

الف) رساله در خراج و مقاسمه ب) حاشیه بر قوانین را می توان نام برد. متوفی به سال ۱۳۲۳ قمری مدفون در تکیه شهشانی.

شیخ احمد بیان الواعظین

عالم واعظ و ادیب مولف: الف) کتاب «خلد برین» در ده جلد درباره اسامی خطباء و واعظین ب) دیوان اشعار و چندین کتاب دیگر است.

متوفی به سال ۱۳۷۱ قمری مدفون در تکیه بروجردی

آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی

عالم فاضل فقیه واعظ مجتهد برجسته از شاگردان مرجع عالیقدر تشیع عبدالکریم حائری موسس حوزه علمیه قم و از روحانیون آگاه به علوم جدید و آشنا به چند زبان خارجی بود وی نماز عید فطر را با جمعیت زیادی از نمازگزاران در مصلی تخت فولاد برگزار می نمود. ایشان باعث و بانی خدمات اجتماعی ارزشمندی همچون تأسیس بیمارستان عسگریه در شهر اصفهان بود.

از جمله آثار او می توان به الف) رساله استدلالی در احکام آبها ب) الفیوزات الامعه ج) اماره الولاية د) رساله در تاریخچه نفت اشاره نمود.

متوفی ۱۳۸۹ قمری مدفون در تکیه زند کرمانی

میر سید عبدالحسین سید العراقین

عالم جلیل و از فقهای برجسته اصفهان، وی در اصفهان از حامیان مشروطه بود. از جانب آخوند خراسانی به درجه اجتهاد نایل آمد و از سوی وی به حمایت از نهضت مشروطه طلبی مردم اصفهان پرداخت. پس از وفات آقا نورالله نجفی نیز به عنوان عالم درجه اول اصفهان مطرح بود.

متوفی ۱۳۵۰ قمری مدفون در تکیه سید العراقین

حاج سید ابوالحسن آل رسول مشهور به شمس آبادی

فقیه ادیب و صاحب آثار ارزشمندی چون الف) شرح بر صحیفه سجادیه ب) موعظه حضرت ابراهیم و... می باشد. وی توسط باند منحرف مهدی هاشمی معدوم در سال ۱۳۵۵ شمسی به شهادت رسید.

و پیکر پاکش در گلستان شهدا به خاک سپرده شد.

شیخ محمد باقر صدیقین

فرزند ملا حسینعلی متوفی ۱۴۱۴ قمری عالم فاضل. از علمای محترم اصفهان که به خوش اخلاقی و تزکیه ی نفس در بین مردم شهرت داشت و در علم تعبیر خواب و نیز گرفتن استخاره کم نظیر بود.

وی در تکیه کازرونی مدفون می باشد.

شیخ جمال الدین نجفی

فرزند شیخ محمد باقر نجفی عالم فقیه مجاهد که به همراه برادران خویش شیخ محمد تقی نجفی معروف به «آقا نجفی» آقا نورالله و شیخ محمد علی ثقه الاسلام سالها به ترویج دین پرداختند. در احوال او نوشته اند که از مال و منال هیچ نداشت ولی بسیار بلند نظر بود و دیناری به رسم هدیه یا دست مزد از احدی نمی پذیرفت. هنگام اشغال ایران توسط قوای روس، این عالم

بزرگوار را به تهران تبعید نمودند. وی شبهای جمعه در تکیه میرزا رفیعا احیاء می گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می نمودند. متوفی ۱۳۵۴ قمری مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی

شیخ حسینعلی صدیقین

فرزند محمد اسماعیل عالم فاضل، عارفی که دارای ضمیری صاف و روشن بود. عمرش را به تزکیه و تهذیب گذرانید.

متوفی ۱۳۶۸ قمری مدفون در تکیه کازرونی

حاج سید محمدعلی صادقی

فرزند سید محمد صادق متوفی ۱۴۱۷ قمری از فقهای بزرگ و معاصر ایران که مدتی را در نجف از محضر اساتید برجسته بهره برد و بعد از دریافت اجازه اجتهاد به اصفهان بازگشت و به تدریس اصول و فقه پرداخت. وی رئیس حوزه علمیه اصفهان بود. از جمله دستورالعمل های مهم عبادی وی نماز اول وقت و تلاوت قرآن مجید بود.

مزارش در گلستان شهدا (تکیه میر محمد صادقی ها) می باشد.

سید محمد باقر درجه ای

فرزند سید مرتضی، علامه فقیه، استاد العلماء و از مراجع تقلید که صاحب یک دوره فقه و اصول در شانزده جلد می باشد. این فقیه عالیقدر زندگی بسیار ساده ای داشت. بسیاری از علمای درجه اول آن روزگار از محضر وی کسب علم نمودند.

وی در سال ۱۳۱۴ قمری وفات یافت و در تکیه کازرونی مدفون گردید.

آیت الله سید محمدرضا خراسانی

فرزند حاج سید جواد، فقیه و عالم محقق، رئیس حوزه اصفهان و بانی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان و وی آخرین رئیس حوزه علمیه اصفهان در قبل از انقلاب بود.

که به سال ۱۳۷۹ قمری وفات یافت و در تکیه فاضلان به خاک سپرده شد.

شیخ عبدالکریم گزی

فرزند ملا- مهدی، عالمی جلیل و فقیه، دانشمند علم رجال، ادیب شاعر، صاحب آثار علمی متعدد که معروفترین آنها کتاب «تذکره القبور» می باشد. وی عمری را به زهد و ساده زیستی سپری کرد.

و به سال ۱۳۳۹ قمری وفات یافت و در تکیه کازرونی به خاک سپرده شد.

آیت الله شهید اشرفی اصفهانی

نماینده امام (ره) و امام جمعه کرمانشاه که سرانجام در محراب نماز جمعه به دست منافقین کور دل به شهادت رسید از آخرین صحبت های ایشان این بود که فرمودند: «امیدوارم چهارمین شهید محراب باشم»

شهادت: ۶۱ / ۷ / ۲۳ مسجد جامع کرمانشاه مدفن: گلستان شهدای اصفهان

میرزا جمال الدین کلباسی

فرزند ابوالمعالی، فقیه و مجتهد کامل و جلیل القدر مولف آثار: الف) تلخیص الهیه ب) اصول فقه و آثار دیگر وی و برادرش در اصفهان از لحاظ زهد و تقوی به سلمان و ابوذر زمان معروف بودند. ایشان نیز مانند پدر گوشه نشین بود و در تمام مدت عمر دقیقه ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. نماز ایشان از زبده ترین جماعات اصفهان محسوب می شد.

متوفی ۱۳۵۰ قمری ایشان در تکیه کلباسی مدفون می باشند.

سید محمد لطیف خواجهوی

فرزند محمد شفیع، عالم فاضل که در زهد و تقوی زبانزد خاص و عام بود. وی کوشش بسیاری در امر به معروف و نهی از منکر داشت.

وی به سال ۱۳۷۸ قمری وفات نمود و در تخت فولاد در تکیه ای که به نام ایشان معروف است دفن شد.

سید محمد صادق مدرس خاتون آبادی

فرزند مرحوم حاج میرزا حسین نایب الصدر عالم فقیه و مجتهد بزرگوار از شاگردان برجسته آخوند خراسانی که در ۲۰ صفر ۱۳۴۸ قمری وفات یافت.

و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. (تکیه سید العراقین)

سید محمدرضا خراسانی

فرزند حاج سید جواد، فقیه و عالم محقق، رئیس حوزه اصفهان و بنانی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان و وی آخرین رئیس حوزه علمیه اصفهان در قبل از انقلاب بود.

که به سال ۱۳۷۹ قمری وفات یافت و در تکیه فاضلان به خاک سپرده شد.

سید صدرالدین گویایی

فرزند سید حسین طباطبائی متوفی ۱۳۷۲ قمری فقیه و حکیم بزرگوار، عالم ربانی، مفسر و ادیب و صاحب آثار ارزنده فراوان که هر کدام از آن موقعیت بالای علمی را نشان می دهد.

وی در نهایت قناعت و عزت نفس زیست و سرانجام به سال ۱۳۷۲ قمری وفات نمود و در تکیه بروجردی مدفون گردید.

شیخ احمد مشکات

واعظ صالح ملا احمد مشکات فرزند ملا محمد هاشم، در خانواده روحانی در اصفهان به دنیا آمد.

وی در ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۹ قمری فوت و در سکوی شرقی بیرون تکیه بروجردی به خاک سپرده شد.

سید محمدعلی مبارکه ای

عالم فرزانه، ادیب بزرگوار و واعظ شهیر. صاحب آثار متعدد از جمله کتاب تاریخ اصفهان در ۵ جلد است. در اشعارش صفایی تخلص می نمود. این عالم و ادیب گرانمایه در سال ۱۳۶۵ قمری وفات نمود و در تکیه تویسرکانی به خاک سپرده شد.

شیخ محمود مفید

عالم و فقیه کامل و حکیم بزرگوار و مدرس فلسفه و حکمت که در زهد و عبادت و تقوی کم نظیر بود. عمری را به قناعت و ساده زیستی نفس گذارنده و در عین گمنامی زندگی می کرد. وی دانشمندی خوش بیان و خوش محضر و عابدی دائم الذکر بود.

این فقیه عالیقدر به سال ۱۳۸۲ قمری وفات نمود و در تکیه بیدآبادی دفن شد.

حاج سید محمد مقدس

فرزند سید عبدالحسین حسینی عالم و فقیه عالیقدر اصفهان که پس از اخذ درجه اجتهاد در اصفهان به تدریس علوم و ترویج معارف دینی پرداخت. وی نماینده آیت الله العظمی بروجردی در شهر اصفهان بود. کتابخانه ای مهم و معتبر از کتب خطی و چاپی فراهم آورده بود که پس از درگذشت ایشان به کتابخانه اعظم قم انتقال یافت. از آثار وی کتاب الاوائل، تقریرات فقهی، کتاب الاواخر، نصایح لقمان می باشد،

این فقیه عالیقدر به سال ۱۳۷۸ قمری وفات یافت و در تخت فولاد (تکیه مقدس) مدفون شد.

سید محمد نجف آبادی

فرزند سید محمدحسین حسینی، متوفی ۱۳۵۸ قمری مشهور «مدرس»، مجتهد اصولی و از علمای طراز اول اصفهان می باشد.

وی عالمی خوش اخلاق و وارسته بود و پس از وفات در تکیه سید العراقین به خاک سپرده شد.

سید حسین نایب الصدر

عارف و فقیه و ارسته، از فقها و مجتهدین اصفهان در عصر قاجار و از شاگردان برجسته شیخ مرتضی انصاری که در سرداب تکیه خاتون آبادی مدفون می باشد.

مدفون ۱۳۲۶ هجری قمری

شیخ محمدباقر فقیه ایمانی

عالم بزرگوار، مفسر محدث و فقیه محقق، از دانشمندان معاصر اصفهان که بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف نموده و موضوع بسیاری از آنها درباره زندگی و خصال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد از جمله کتابهایش «شیوه های یاری قائم آل محمد علیهم السلام» می باشد.

وی به سال ۱۳۷۰ قمری درگذشت و در تکیه کازرونی دفن شد.

محمدحسین کازرونی

وی از بازرگانان متدین و نیکو کار اصفهان بود که آثار خیریه بی شماری در شهر اصفهان و به خصوص در تخت فولاد از وی به یادگار مانده است. در نهضت مشروطه با علمای بزرگ اصفهان همچون حاج آقا نورالله اصفهانی همکاری داشت. و به تأسیس شرکت اسلامی که به منظور تبلیغ و حمایت از کالاهای داخلی در برابر کالاهای خارجی با مراجع و علمای بزرگ آن دوره همراهی نمود. وی در سال ۱۳۵۱ قمری درگذشت و در این تکیه دفن شد.

در سال ۱۳۶۳ قمری استخوانهای او را به نجف اشرف منتقل کرده و در آن مزار مقدس دفن نمودند.

زین العابدین رضوی

عالم و فقیه بزرگوار، متوفی ۱۳۰۷ قمری مؤلف کتاب «حسام الشریعه». وی از جمله افرادی بود که شرف ملاقات با امام زمان علیه السلام را درک نمود و صاحب کرامات و مستجاب الدعوه بود که

در تکیه خانوادگی رضوی پایین تر از تکیه کلباسی مدفون است.

شیخ محمود سالک

عالم صالح، واعظ پرهیزگار. از محضر بزرگانی همچون شیخ عبدالکریم حائری کسب علم نمود. او به راستی سالک راه حق بود و الحق می توان او را مسلمان حقیقی دانست.

متوفی ۱۳۸۹ قمری مدفون در تکیه لطیف خواجهوی

سید عبدالغفار توپسرکانی

فرزند سید محمدحسین حسینی، علامه جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام جامع علوم معقول و منقول که از محضر بزرگانی همچون آقا سید محمد شهبهانی و ملا حسینعلی تویسرکانی و... کسب علم نمود. وی یکی از مشوقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش «روضات الجنات» بوده و خود نیز صاحب آثار ارزشمندی همچون: حواشی بر اسفار، حاشیه بر شرح اشارات حاشیه بر شرایع و... می باشد.

وی به سال ۱۳۱۹ قمری وفات نمود محل مزارش به نام وی به تکیه عبدالغفار تویسرکانی مشهور شد.

میرزا محمد باقر تویسرکانی

فرزند حاج میرزا عبدالغفار از علما و فقهای پرهیزگار و صاحب آثار ارزشمندی چون: حواشی بر تفسیر روح البیان روض الجنان فی حالات صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشکاه الضیاء در احوال حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

متوفی: ۱۳۷۴ قمری مدفون در تکیه تویسرکانی

سید محمد صادق صدیق الاطباء

مشهور به دکتر لقمانی، از شاگردان خاص شیخ عبدالکریم گزی به تشویق ایشان برای تحصیل علم پزشکی به مدرسه دارالفنون تهران رفت و طبیبی حاذق و سرشناس گردید. ایشان جهت مداوای فقرا حق طبابت دریافت نمی کرد و حتی به آنها کمک مالی نیز می نمود. صدیق الاطباء اعتقاد داشت طبابت عبادت است نه تجارت و خود نیز بدین سان عمل می نمود.

متوفی: ۱۳۷۴ هجری قمری مدفون در شرق تکیه کازرونی

جلال الدین همایی

دانشمند برجسته و ادیب توانا، متخلص به طرب از شعرای بزرگ روزگار خویش بود. وی کتابهای زیادی به رشته تحریر آورد که از آن جمله می توان به الف) تاریخ ادبیات فارسی در پنج جلد ب) تاریخ اصفهان در ده مجلد ه) دیوان اشعار و... اشاره نمود. از اشعار او که در روزهای آخر عمرش سرود:

«پایان شب سخن سرایی

می گفت ز سوز دل همایی /

فریاد کزین رباط کهگل

جان می کنم و نمی کنم دل /

متوفی: ۱۴۰۰ هجری قمری مدفون در گلستان شهداء

سید مصلح الدین مهدوی

فرزند شهاب الدین نحوی، متوفی ۱۳۷۴ شمسی از مورخان و بزرگان علم رجال. از معلمین دلسوز و متدین شهر اصفهان، صاحب آثار متعددی در شرح حال رجال و تاریخ و فرهنگ اصفهان و کتاب «سیری در تخت فولاد اصفهان» از آثار برجسته وی می باشد.

این محقق ارجمند در تکیه خانوادگی مهدوی مدفون می باشد.

میرزا حسن خان جابری انصاری

مورخ محقق و ادیب فرزانه، ملقب به «صدر الادباء» وی در اصفهان از محضر بزرگانی چون آقا سید محمدباقر درچه ای و آخوند کاشی کسب علم نمود. وی نویسنده آثار مهمی چون: الف) تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ب) تاریخ نصف جهان و همه جهان ج) آگهی شهان از کار جهان د) آفتاب درخشنده و آثار دیگر است. وی جزو مفسرین قرآن و همچنین مشروطه خواهان اصفهان می باشد.

متوفی: ۱۳۷۶ هجری قمری مدفون در تکیه بابا رکن الدین

رکن الملک

از بزرگان سیاسی خوشنام و نیکوکار در دوره قاجاریه، متخلص به «خلف». به همت ایشان بسیاری از کتب دینی چاپ گردید. وی نسبت به علما، عرفا و مستمندان نهایت ارادت را ابراز می نمود. علاوه بر این در قضایای سیاسی عصر مشروطیت از رجال صاحب نفوذ و تأثیرگذار بود. او در خانه خود انجمن شعرا را بر پا می کرد. از وی آثار خیریه بسیاری به ویژه در تکایای تخت فولاد به یادگار مانده است.

متوفی: ۱۳۳۱ هجری قمری مدفون در مسجد رکن الملک

میرزا علی مشفق

شاعر و ادیب برجسته که در علم ریاضی و نجوم صاحب نظر بود. وی در سال ۱۳۵۷ شمسی وفات یافت و در تکیه گلزار به خاک سپرده شد.

مرحوم ثقه المحدثین شیخ لطف الله شمس الواعظین ریزی

فرزند عبدالحسین، فاضل زاهد، واعظ متقی از منبریان معروف اصفهان در حدود سال ۱۲۸۸ قمری متولد گردیده مادرش دختر علامه عبدالوهاب ریزی، خواهر علامه فقیه آقا شیخ مرتضی ریزی رحمه الله علیه بوده... او در محضر آقا سید محمود کلیشادی علیه الرحمه و آقا سید محمدباقر درچه ای کسب فیوضات کرده. منابرش مشتمل بر مواعظ کافیه از حدیث و اخبار و نصایح و اندرز بوده و خود بدانچه می گفت معتقد و عامل بود در ۷ شوال ۱۳۵۶ وفات یافته و در بیرون بقعه تکیه ریزی تخت

فولاد مدفون گردید چندین کتاب در مواعظ و آداب نوشته که آنها را بعداً شمس طالع نامیدند.

نقل از تذکره القبور صفحه ۴۶۸

عباس خان شیدا

شاعر ادیب، متخلص به شیدا. وی سال ها در اصفهان با انجمن ادبی که تأسیس کرده بود. شعرا را دور هم جمع می کرد و به ترویج شعر و ادب می پرداخت. شیدا مدیر «مجله دانشکده» بود.

متوفی به سال ۱۳۶۹ هجری قمری مدفون در تکیه سید العراقین

میرفندرسکی

فرزند میرزا بیگ بن سید صدرالدین موسوی استرآبادی. عالم عارف، ادیب و شاعر، حکیم و فیلسوف عصر صفوی که در رونق و اعتبار بخشیدن به مکتب فلسفی اصفهان سهم بسزا داشت.

وی به سال ۱۰۵۰ قمری وفات نمود و در تخت فولاد به خاک سپرده شد که محل مزارش به تکیه میرفندرسکی معروف می باشد.

آیت الله شیخ محمد حسین فشارکی

فرزند محمدجعفر، عالم و فقیه عالیقدر و از مجتهدین صاحب فتوی، که در فقه و اصول استاد و در تقوا و زهد نزد مردم مشهور بود. وی در امر به معروف و نهی از منکر تلاش بسیار می نمود.

این فقیه عالیقدر در سال ۱۳۵۳ قمری درگذشت و در تکیه ریزی به خاک سپرده شد.

سید آقا جان نوربخش

عالم فاضل واعظ که در تدریس مغنی و مطول به گواهی عموم روحانیون اصفهان منحصر به فرد و در درجه اول بود.

عده زیادی از فضلا در درس وی حاضر می شدند علاوه بر مقام علمی و تسلط بر مطالب، دارای قدرت زیادی در فن خطابه بود و از بزرگان اهل منبر محسوب می شد.

آخوند کاشی

حکیم و عارف بزرگ اواخر عصر قاجار که در حکمت و فلسفه، فقه و اصول ادبیات و ریاضی استاد مسلم بود. جمع بسیاری از علمای ایران از وی کسب علم نمودند. ایشان در زهد و عبادت نیز بی نظیر بود. از وی حالات غریب و مکاشفاتی نقل شده که همگی دلالت بر عظمت روحی آن بزرگوار است.

این عالم عارف به سال ۱۳۳۳ قمری وفات یافت و در تکیه ملک دفن شد.

میر سیدعلی آیت نجف آبادی

عالم فاضل، فقیه برجسته و مجتهد ژرف اندیش که در اواخر عمر کمتر فقیهی به جامعیت او بود. در فقه و اصول و حکمت و خصوصاً کلام بسیار ماهر بود. در نهایت قناعت و ساده زیستی زندگی می کرد. بیشتر منابرش را به ولایت ائمه اطهار صلوات الله علیهم برگزار می نمود. با اینکه مجتهدی بزرگ و فقیهی عالی قدر بود با مردم نشست و برخاست بسیار داشت. همه ساله در ماه رمضان در مدرسه صدر جلسه ی تفسیر قرآن برگزار می نمود. و بسیاری از علما از محضر او کسب علم می نمودند. از آثارش حاشیه بر حاشیه آقا ضیاء الدین عراقی بر کفایه را می توان نام برد. از شاگردان ایشان می توان به: حاج میرزا علی آقا شیرازی، میر سید علی علامه فانی، بانو امین و شهید سید ابوالحسن شمس آبادی اشاره نمود.

متوفی ۱۳۶۲ هجری قمری مدفون در تکیه تویسرکانی مفتاح الفلاح و مصباح النجاح فی شرح دعاء الصّیّاح للعلامه المحقق محمد اسماعیل بن الحسین بن محمّد رضا المازندرانی الخواجوئی المتوفی سنه ۱۱۷۳ هجری قمری تحقیق الشّیخ مهدي الرجائي

فاتح الملک

از آزادیخواهان صدر مشروطیت و از اعضای انجمن ولایتی اصفهان در دوره دوم مجلس شورای ملی وکیل مردم اصفهان بود. او در تکیه ریزی مدفون می باشد.

میرزا ابوالهدی کلباسی

فرزند ابوالمعالی، از فقها و علمای برجسته ی اصفهان به ویژه در علم رجال و درایه استاد کم نظیری بود. مولف آثار ارزشمندی چون بدر التمام و سماء المقال در علم رجال که سی سال برای تألیف آن زحمت کشید. وی به مکاشفات و حالات روحانی نیز دست یافته بود. ابوالهدی عقیده داشت ثبت و ضبط معجزات و کرامات اهل بیت علیهم السلام ثواب دارد. از این رو آنچه را می شنید با حفظ سند جمع آوری می کرد.

متوفی ۱۳۵۶ قمری مدفون در تکیه ی کلباسی

ملا محمد همای

فرزند ملاحسن عالم فاضل و ادیب گرانمایه و از مفاخر علمی اصفهان که در صفر ۱۴۰۰ قمری به دیار باقی شتافت و در تکیه بروجردی به خاک سپرده شد.

حاج آقا رضا هرنی

سید محمد رضا حسینی هرندی، از وعاظ مشهور اصفهان که با صدای دلنشین و منابر پر شورش، افراد زیادی را به سمت خود جذب می کرد. ایشان یک بار توسط دشمنان دین (بهایان) تهدید به مرگ شده بودند که توسط امام زمان علیه السلام نجات یافتند.

متوفی ۱۳۶۰ شمسی مدفون در گلستان شهداء

شیخ مرتضی حجت نجفی

فرزند شیخ جمال الدین نجفی، و داماد شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) ملقب به «عماد الاسلام» عالم فاضل، محبوب و خوش اخلاق که مورد علاقه و احترام مردم بود. نزد علمای اصفهان از جمله حاج آقا منیرالدین بروجردی حاج میر محمد صادق خاتون آبادی حاج آقا نور الله نجفی و پدر بزرگوار خویش شیخ جمال الدین نجفی کسب علم نمود. وی در تمام طول عمر را با اخلاق فاضله و سخنان دلنشین موعظه می نمود. مردم از هر طبقه و گروهی به او و سخنانش علاقه داشتند.

متوفی ۱۳۸۶ قمری مدفون در تکیه حجت الله نجفی

شیخ محمد حسین اشنی قوچانی

مجتهد برجسته و فقیه زاهد ایشان به تهجد و نماز شب تاکید بسیار داشت و در این خصوص کرامتی از ایشان نقل شده است. وی صاحب آثار ارزشمندی می باشد.

متوفی ۱۳۷۵ قمری مدفون در تکیه کازرونی

سید عطاء الله امامی

زندگی نامه

سید عطاء الله درب امامی حسینی فرزند آقا سید محمد، عالم پرهیزگار، از سادات درب امامی که نسبت ایشان به امامزاده درب امام منتهی می شود. وی نزد علمای بزرگی چون آخوند کاشی و شیخ محمد رضا نجفی کسب علم نمود.

متوفی ۱۳۸۷ شمسی مدفون در تکیه فاضل سراب

خاندان امامی

محل سکونت

خاندان امامی از زمان های دور در محله درب امام اصفهان سکونت داشته، و اکنون نیز شماری از آنها در این محله سکونت دارند؛ مرحوم حاج سید محمّد حسین نیز یکی از چهره های برجسته خاندان علمی امامی است که در همین محله قدیمی سکونت داشته است. محله درب امام اصفهان، یکی از محله های بسیار قدیمی اصفهان است که در محله بزرگتری به نام

«سنبلستان» واقع شده است. قدمت سنبلستان به پیش از اسلام می‌رسد، چنانچه کوشک‌ها و قصرهای بزرگان ساسانی در این منطقه بوده است. این محله در قرون اولیه اسلامی رونق داشته و وقتی سعید بن جبیر در سال ۸۱ هـ ق همراه عبدالرحمن اشعثی به اصفهان آمد، مکانی را که اکنون در ضلع غربی صحن شمالی امام زاده درب امام قرار دارد و مسجد سعید بن جبیر نامیده می‌شود، محلّ عبادت خود قرار داد. لازم به ذکر است که: امام زاده درب امام مدفن سه نفر از امام زادگان عظیم الشان به نام‌های: ۱- امام زاده سید ابراهیم طباطبایی از نبیره‌های حسن مثنیٰ فرزند امام حسن علیه السلام ۲- سید حسن فرزند سید ابراهیم طباطبایی ۳- ابوالحسن علی ملقب به زین العابدین، می‌باشد (۱۱).

شهرت

مرحوم حاج سید محمد حسین امامی، یکی از واعظان شهیر و محدّثان خبیر آن زمان اصفهان بود؛ وی ویژگی‌هایی داشت که کمتر در شخصی یکجا به چشم می‌خورد. او علاوه بر معلومات بسیار و احاطه بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، در فنّ خطابه استادی بی‌نظیر بود، و چهره جذّاب و صدای زیبایی نیز داشت؛ که همه و همه مواردی بود که موجب شهرت و موفقیت او در اصفهان گردید، و این

شهرت به جایی رسید که مرجع نامدار مرحوم آقا شیخ محمد تقی مسجد شاهی معروف به «آقا نجفی»، ایشان را برای سخنرانی در مجالس مهم آن زمان دعوت می کرد (۱۲). ولی شهرت مرحوم حاج سید محمد حسین خاص به شهر اصفهان نبوده، بلکه زمانی ایشان در شهر مقدس مشهد در مسجد گوهرشاد به ایراد خطابه و سخنرانی می پردازد، که سخنان وی بسیار مورد توجه مردم و به ویژه متولّی آن وقت آستان قدس رضوی قرار می گیرد (۱۳)، و وی به ایشان در ضمن لوح تقدیرنامه ای، لقب «قوام المحدّثین» را اعطاء می کند، که از آن زمان به بعد مرحوم حاج سید محمد حسین در نزد عامّه مردم به «حاجی قوام» معروف و مشهور می شود. علاوه بر این، متولّی آستان قدس رضوی هر سال از مرحوم قوام برای سخنرانی در مسجد گوهرشاد دعوت به عمل می آورده و هدایایی نیز از طرف آستانه به ایشان اعطاء می نموده است (۱۴).

خاندان علمی

پدر: مرحوم آقا سید عبدالباقی امامی وی از علماء مورد احترام بوده، و در مقامات علمی به مرتبه ای بلند دست یافته، و مستجاب الدعوه بوده و دعایی که در مورد اولاد و نسل خود کرده به هدف اجابت رسیده است. آن بزرگوار در حرم امام حسین علیه السلام، بالای سر مطهر) در فاصله تقریباً پنج متری (دفن شده، و به شرف قرب به حریم حسینی نائل گردیده است (۱۵). جدّ اعلی: آقا سید علی امامی العریضی وی یکی از مهمترین چهره علمی خاندان امامی، و از شاگردان محقق نامدار و استاد الكلّ آقا حسین خوانساری رحمه الله، و نیز علّامه مجلسی قدس سره بوده است. او تألیفات و آثار

علمی بسیاری از خود به یادگار گذاشته، که بعضی از آن‌ها بدین قرار است: ۱- التراجیح در فقه، که چند جلد بزرگ بوده و در آن اقوال فقهاء و عبارات آنها را آورده است (۱۶). ۲- ترجمه کتاب شفاء شیخ الرئیس بوعلی سینا، به فارسی (۱۷). ۳- ترجمه کتاب اشارات شیخ الرئیس بوعلی سینا، به فارسی (۱۸). ۴- کتاب هشت بهشت، که شرح و ترجمه هشت کتاب از کتاب‌های حدیث شیعه است به فارسی؛ مؤلف در مقدمه «جَنَّهُ الفردوس» که نخستین کتاب از این هشت کتاب است، پس از ذکر نام «سلطان سلیمان پادشاه الحسینی الموسوی الصفوی بهادر خان» گوید: بنابراین داعی دوام دولت قاهره- که ابا عن جدّ مشمول عواطف سلطانی است- به شرح و ترجمه هشت کتاب حدیث به این ترتیب پرداخته، به «هشت بهشت» موسوم ساخت... جَنَّهُ الفردوس، شرح من لایحضره الفقیه؛ جَنَّهُ الخلد، شرح کافی؛ جَنَّهُ النعیم، شرح تهذیب؛ جَنَّهُ المأوی، شرح استبصار؛ جَنَّهُ المقام، شرح کمال الدین و تمام النعمه؛ جَنَّهُ الصدق، شرح أمالی (۱۹)؛ جَنَّهُ عدن، شرح علل الشرائع؛ جَنَّهُ السلام (۲۰)، شرح عیون أخبار الرضاعلیه السلام (۲۱). ۵- جامع سلیمانی؛ کتابی است ارزشمند و منحصر به فرد که در آن احادیثی برگزیده در شرح احوال انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام و اخلاق اسلامی آمده است. آغاز کتاب: داعی دوام دولت قاهره سید علی بن سید محمّد الحسینی الإمامی... بعد از شرح کتاب موسوم به «هشت بهشت»... حدیث چند که بر غرایب حکایات و دقایق روایات مشتمل است، در این رساله که موسوم است به «جامع سلیمانی» در سلك تقریر و نظم تحریر درآورد (۲۲). ۶- مجمع البحرین؛ موضوع این کتاب حدیث است که مؤلف در

مقدمه دو کتاب خود: جَنَّهُ الفردوس و جنه السلام، به نام این کتاب اشاره نموده، و می نویسد: در چهل و پنج مجلد می باشد (۲۳). ۷- تذکره امامی؛ وی در این کتاب احکام فقهی فتوایی را از کتاب طهارت تا دیات به روش تقسیم بندی کتاب شرایع الاسلام به جهت خواص و عوام به فارسی نگاشته است و گاهی به ادله نیز اشاره می نماید. آغاز کتاب: الحمد لله فتاح القلوب مناح الغیوب، والصلوه و السلام علی صفیه المحبوب و نبیه المربوب (۲۴). ۸- ثقه الامامیه؛ این کتاب به زبان عربی و در موضوع فقه نگاشته شده است. آغاز کتاب: الحمد لله العلی الاعلی و الصلوه و السلام علی محمد خیر الوری و علی و عترتهما (۲۵). ۹- السعاده الإمامیه؛ این کتاب گزیده و ترجمه ای است از خصال شیخ صدوق رحمه الله؛ مؤلف روایاتی از این کتاب انتخاب و با حذف سند به فارسی ترجمه نموده است. (۲۶)

سال وفات این عالم فاضل معلوم نیست، اما مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی در کتاب «ریاض العلماء» در ضمن شرح احوال وی می نویسد: «... و مات هذا السید فی هذه الأعصار باصفهان» (۲۷)؛ که شاید بعضی با توجه به این عبارت مرحوم افندی، در گذشت وی را حدود سال ۱۱۲۰ ه ق دانسته اند (۲۸).

مدفن این عالم ربّانی نیز متأسفانه مشخص نیست، ولی به گمان بعضی در صحن درب امام یا رواق آنجا می باشد (۲۹). جدّ مادری: مرحوم میرزا سید محمد باقر حسینی عاملی وی فرزند سید علیرضا، فرزند محمد باقر حسینی عاملی اصفهانی، معروف به «پیشماز»، از علماء بزرگوار اصفهان و امام جماعت مسجد جامع جدید عباسی بوده است. از خدمات او اینکه: کتاب های

بسیاری از اخبار و غیره را وقف طلباب علوم دینی نمود، که مقداری از آن تاکنون باقی مانده است (۳۰). صاحب عنوان از شاگردان مرحوم آقا حسین محقق خوانساری بوده، و نیز مجاز از وی به اجازه روایتی است که به تاریخ جمادای دوم یکهزار و هشتاد و هشت، نوشته شده؛ محقق خوانساری در این اجازه وی را چنین ستوده: «السید النجیب الحسیب الفاضل الکامل التقی النقی الورع المتوقد الزکی سالک مسالک الرشاد، ناسک مناسک التقوی و السداد السید محمّد باقر بن السید المرحوم السید علیرضا...» (۳۱). او از شاگردان علامه مجلسی رحمه الله نیز بوده، و پس از آنکه در نزد وی بسیاری از مسائل و احکام و اخبار ائمه اطهار علیهم السلام را می خواند، علامه برای او اجازه مبسوطی به تاریخ ششم ذی الحجه یکهزار و هشتاد و هفت می نویسد و از او چنین یاد و ستایش می کند: «... لَمَا كَانَ السَّيِّدُ الْأَيْدُ الشَّرِيفُ الْمَنِيفُ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ التَّقِيُّ الذَّكِيُّ الْوَرَعُ الْبَارِعُ الْحَسِيبُ النَّسِيبُ النَّجِيبُ، فَرَعَ الشَّجَرَةَ الطَّيِّبَةَ الْمُحَمَّدِيَّةَ وَ غَضَنَ الرُّوحَةَ الْعَلِيَّةَ الْعُلُوِّيَّةَ... مَمَّنْ وَفَّقَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَصَرْفِ عِنْفَوَانِ شَبَابِهِ فِي تَحْصِيلِ الْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ مَهْدَبًا لِلْأَخْلَاقِ النَّفْسَانِيَّةِ، مَلَاذِمًا لِلْأَعْمَالِ الْمَرْضِيَّةِ، مُلْتَزِمًا صَرْفَ بَاقِي عَمْرِهِ فِي زَيْدَادِ الْعُلُومِ وَ تَحْقِيقِ الْأَحْكَامِ وَ هِدَايَةِ الْبَرِيَّةِ وَ ارشَادِ الْأَنَامِ وَ نَشْرِ الْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ وَالْآثَارِ الْإِمَامِيَّةِ، وَقَدْ شَرَفَتْ بِرَهْمِهِ مِنَ الزَّمَانِ بِصَحْبَتِهِ...» (۳۲). همچنین مرحوم پیشنهادی، اجازه روایت مبسوطی از مرحوم شیخ حرّ عاملی دارد به تاریخ یکهزار و هشتاد و هفت، که نسخه اصل این اجازه نامه همراه دو اجازه نامه دیگر مرحوم پیشنهادی - که از آن سخن گفتیم - و نیز اجازه وی به فرزندش سید علیرضا به تاریخ

پنجم صفر یکهزار و یکصد و بیست و سه، منضم به مجلّدی از اصول کافی است که آن را خود مرحوم پیشنماز وقف کرد و در خاندانش نگهداری می شد تا آنکه به مدّت زمانی پس از درگذشت مرحوم آقا سیّد محمّد مهدی نایب الصدر) از اعقاب مرحوم پیشنماز، متوفی ۱۲۶۷ ه ق (۳۳) کتابخانه معتبر وی متفرّق گردید و در این اواخر نسخه موقوفه یاد شده به کتابخانه الزهراء انتقال یافت (۳۴). مرحوم میرزا محمّد باقر عاملی سرانجام در سال یکهزار و یکصد و بیست و سه هجری قمری وفات کرد و در قبرستان تخت فولاد در تکیه آقا رضی، به خاک سپرده شد (۳۵). بر سنگ قبر این عالم فاضل، که سنگ مرمر سفید عالی تمام قد است (۳۶)، با خطّ ثلث بسیار زیبا شبیه خطّ تلامیذ میرزا احمد نیریزی، چنین نوشته شده: هو الباقي بسم الله الرحمن الرحيم» كل من عليها فان «لقد توفّي السيّد الأيد السند المسدّد المؤيّد الفاضل العالم العامل التقى النقيّ قدوه الزهّاد و أسوه العباد و مقتدى العباد و هاديهم إلى طريق الرشاد الواصل إلى رحمه ربّه الغافر الغنى السيّد محمّد باقر الحسينيّ الإمام الجماعة في الجامع الجديد الكبير العباسي في شهر شوّال من شهور سنة ثلث و عشرين و مائه فوق الألف من الهجرة المقدّسه، و صار تاريخ وفاته تلك الفقه الشريفه «دخل سيّد بالجنّه بغير حساب في ۱۱۲۳. « (تاريخ كتابت و حجّاری سنگ لوح در سنه ۱۱۹۴ مدّتی بعد از وفات اوست).

فرزندان

مرحوم قوام المحلّثین دارای هفت پسر و دو دختر بوده که عبارتند از: ۱- خطیب توانا مرحوم حاج سیّد أبوالفضل امامی واعظ جلیل و

خطیب فاضل، معروف به «مشکوه الواعظین»، که در میان اهل منبر اصفهان از شهرت بسیاری برخوردار بوده؛ صدای زیبا و حُسن خُلق و چهره ملیح او نقش بسیاری در شهرت و موفقیت او داشته است. مرحوم قوام‌المحدثین تاریخ تولّد فرزندان خویش را در برگ پایانی قرآنی که به سال ۱۲۸۶ هـ ق چاپ سنگی شده، ثبت و ضبط نموده، و سال تولّد مرحوم مشکوه را با این عبارات زیبا چنین نوشته است: بسم الله الرحمن الرحيم، تاریخ تولّد نور چشم کرام چاکر آستان ملک پاسبان حضرت ابا عبدالله الحسین روحنا فداه آمیرزا ابوالفضل روز پنجشنبه چهاردهم شهر جمادی الأولى تقریباً نیم ساعت به ظهر مانده سنه ۱۳۱۷، خداوند قدمش را میمون و مبارک بگرداند، مع طول عمر و وسعت رزق، علم و عمل و فضل و شرف بحقّ محمد و آله الأطهار. سرانجام این خطیب شهیر و توانا، و خدمتگزار با اخلاص آستان مقدّس حسینی، پس از هفتاد و پنج سال عمر پر خیر و برکت، در روز عید قربان سال یکهزار و سیصد و نود و دو هجری قمری جان به جان آفرین تسلیم گفت و سپس در قبرستان تخت فولاد در تکیه فاضل سراب) در یک محوطه روبازی که به این تکیه ملحق گشته (به خاک سپرده شد. بر سنگ مزار ایشان که از جنس مرمر است، این عبارات نوشته شده: هو الحیّ الذی لا یموت وفات مرحوم مغفور مبلغ شهیر و خطیب توانا ثقه المحدثین و قدوه الذاکرین حاج سیّد ابوالفضل الملقّب بمشکوه الواعظین حشره الله مع مولاه اَبی عبدالله الحسین علیه السلام فی یوم عید الأضحی سنه ۱۳۹۲ هـ

ق. ۲- مرحوم حاج سید اکبر وی در اصفهان روز چهارشنبه سیزدهم محرم الحرام سال ۱۳۲۲ ه ق متولد، و در سال ۱۳۸۲ ه ش در اصفهان وفات یافت و در باغ رضوان قطعه ۳ بلوک ۴ به خاک رفت. این سید جلیل القدر از دوستان بسیار صمیمی و مورد اعتماد مرحوم آیه الله حاج سید محمد رضا شفتی) متوفی ۳ ذی الحجه ۱۳۹۶ ق (بودند، که به مدت چند سال در منزل ایشان به ثبت و ضبط امور راجع به موقوفات مسجد سید اصفهان اشتغال داشتند. ۳- مرحوم حاج سید روح الله او در روز سه شنبه سوم رجب المرجب سال ۱۳۲۵ ه ق، متولد، و سرانجام در روز جمعه ۱۹ رجب سال ۱۴۲۳ ه ق وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان قطعه ۵ بلوک ۱ به خاک سپرده شد. ۴- مرحوم حاج سید ذبیح الله وی در سیزدهم محرم الحرام سال ۱۳۲۹ ه ق متولد، و در سال ۱۳۷۶ ه ش وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان قطعه ۵ بلوک ۲ مدفون گردید. ۵- مرحوم حاج سید رضا او در روز جمعه نهم جمادی الثانیه سال ۱۳۳۳ ه ق، متولد شد، و سرانجام در سال ۱۳۷۳ ه ش در تهران دار فانی را وداع گفت و در بهشت زهراء مدفون گردید. ۶- آقای حاج سید اسد الله- سلمه الله- متولد به سال ۱۲۹۹ ه ش، این بزرگوار اکنون- بحمد الله- در قید حیات می باشند و در تهران ساکن هستند؛ ما در این شرح حال استفاده فراوان از اطلاعات ایشان در مورد مرحوم پدرشان بردیم، که بدین وسیله از ایشان تشکر می نمایم. ۷- آقای حاج سید جعفر- سلمه الله-

متولد به سال ۱۳۰۱ ه ش،

ایشان نیز اکنون-بحمد الله-در قید حیات می باشند و ساکن شهر تهران هستند؛ و اطلاعات گران بهایی راجع به مرحوم پدرشان در اختیار ما قرار دادند، که صمیمانه از ایشان تشکر می کنیم. ۸-مرحومه علویه محترمه گوهر بیگم همسر ابن عم گرامی خود مرحوم آیه الله حاج سید عطاء الله فقیه امامی، که از ایشان دو فرزند پسر یکی: مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی) متوفی ۱۰ جمادی الثانیه ۱۴۱۴ ه ق، مدفون در جوار امام زاده ابوالعباس (، و دیگری حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی-دام ظلّه العالی-و چهار دختر باز ماند. این بانوی مکرمه در پنجم صفر المظفر ۱۳۲۰ ه ق چشم به جهان گشود، و سرانجام در ۲۲ جمادی الأولى ۱۴۱۲ ه ق وفات یافت، و در جوار امام زاده عظیم الشان ابوالعباس، واقع در خوراسگان از محلات شرقی اصفهان، به خاک سپرده شد. ۹-علویه محترمه همسر مرحوم حاج میرزا حسن شکرانی.

وفات و مدفن

سرانجام حاج میر محمد حسین امامی العریضی، ملقب به «قوام المحدثین»، در روز نهم ماه شعبان المعظم سال یکهزار و سیصد و چهل و شش هجری قمری، در حالی که بیش از پنجاه سال از عمر پر برکتش گذشته بود، در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان در تکیه «فاضل سراب» به خاک سپرده شد. مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره) متوفی ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۱۴ ه ق (نواده دختری مرحوم قوام المحدثین، در یکی از سخنرانی های خود که اتفاقاً در آخرین ماه رمضان عمر شریفشان ایراد شده، از لحظه های پایانی عمر جد مادری خود چنین حکایت کرده اند: «مرحومه

مادر من می گفتند: وقتی پدرم می خواستند از دنیا بروند، بیست و چهار ساعت بیماریشان بیشتر طول نکشید، حدود ده تا دوازده ساعت بیهوش کامل بودند و هیچ سخن نمی گفتند؛ و در حالی که سر ایشان در دامن فرزندشان بود، ناگهان دیدم ایشان که کاملاً بیهوش بودند، از جای خود برخاسته و دست بر سینه گذاشته و گفتند: «السلام علیک یا ابا عبدالله روحی لک الفداء؛» همزه کلمه «فداء» را که گفتند، مانند این بود که هزار سال است از دنیا رفته اند. «ایشان همچنین در ادامه سخنرانی، این حکایت خواندنی را از جدّه خود نقل فرموده اند: «جدّه ما [یعنی همسر مرحوم قوام المحدثین] می گفتند: یک ماه قبل از فوتشان شبی دیدم ناگهان از خواب بیدار شده و گفتند: مداد و کاغذی به من بدهید. من هم از جا برخاسته و رفتم مداد و کاغذی آوردم؛ پس ایشان شروع به نوشتن شعری بر روی کاغذ کردند و بعد گفتند: این شعر را بر قبر من بنویسید. که بعد از فوت ایشان آن شعر را بر روی قبرشان نوشتند، و آن شعر زیبا چنین است:

جان به حق واصل شد و من از پی جان می روم

گر چه دشوار است ره لیکن من آسان می روم/

پادشاهها چشم امیدم به کس غیر از تو نیست

خلعتم ز الطاف ده اکنون که عریان می روم/

در وفاداری مهر مصطفی و آل او

عمر شیرین صرف کردم همچو سلمان می روم/

بر قبر مرحوم قوام المحدثین که از جنس کاشی لا-جوردی است، چنین نوشته شده است: هو الحیّ الّذی لا-یموت وفات مرحمت و غفران پناه، جنّت و رضوان آرامگاه، عمده الواعظین و أسوه الذاکرین السیّد السعید الحاج میر

فهرست منابع

۱۱- زندگینامه آیه الله چهار سوقی، حاج سید محمد علی روضاتی، اصفهان، ۱۳۳۲. ۱۲- زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، حسیته عماد زاده. ۱۳- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، انجمن کتابخانه های عمومی، تابستان ۱۳۷۰ ش. ۱۴- شجره نامه خاندان امامی، تصویر تهیه شده از اصل موجود در کتابخانه الزهراء اصفهان. ۱۵- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران، نشر زوار، ۱۳۷۸ ش. ۱۶- فرهنگ و تاریخ گز برخوار، دکتر سید سعید الدین سجّادی جزئی، اصفهان، نشر مقیم، شهریور ۱۳۸۱ ش. ۱۷- فهرست کتب خطی اصفهان، سید محمد علی روضاتی، اصفهان، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (س)، ۱۳۸۶ ش. ۱۸- فهرست نسخه های خطی سه کتابخانه اصفهان، رحیم قاسمی، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۹- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت، مشهد، نشر کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش. ۲۰- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، سید احمد اشکوری، قم، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ ش. ۲۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه تخصصی مرکز تحقیقات دارالحدیث، علی صدرایی خویی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش. ۲۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار، سید جعفر اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ ش. ۲۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، تهران، نشر مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش. ۲۴- فهرست نسخه های خطی مکتبه الزهراء (س)، آیه الله سید احمد فقیه امامی، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ ش. ۲۵- فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری یزد، محمد شیروانی، تهران، تابان، ۱۳۵۰ ش. ۲۶- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، دکتر لطف الله هنرفر، اصفهان، انتشارات ثقفی،

۱۳۵۰ ش. ۲۷-مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، مشهد، المؤتمر العالمی لإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق. ۲۸-مصاحبه با حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی-دام ظلّه العالی. ۲۹-مصاحبه با حجّه الإسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی-دام ظلّه. ۳۰-مصاحبه با حجّه الإسلام و المسلمین حاج سید محمّد حسین فقیه امامی-دام ظلّه. ۳۱-مصاحبه با حجّه الإسلام و المسلمین حاج سید مهدی شفتی-دام ظلّه. ۳۲-مصاحبه با جناب آقای سید اسدالله امامی، فرزند مرحوم قوام المحدثین. ۳۳-مصاحبه با جناب آقای سید جعفر امامی، فرزند مرحوم قوام المحدثین. ۳۴-مصاحبه با جناب آقای سید حسین امامی، فرزند مرحوم حاج سید روح الله. ۳۵-نوار سخنرانی مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره در روز پانزدهم رمضان ۱۴۱۳ هـ.ق، موضوع: شیعه تنها گروه نجات یافته است. ۳۶-یادواره آیه الله فقیه امامی قدس سره، میر سید حجّه موحد ابطحی، اصفهان، صندوق قرض الحسنه امام هادی) ع (، ۱۴۱۴ هـ ق.

باغ رضوان

تاریخچه

فصل اول

گورستان جدید اصفهان که در سمت جنوب شرقی در فاصله بیست و چند کیلومتری شهر در بالای قریه گورث از بلوک قهاب قرار دارد. گورستان قدیم اصفهان یعنی تخت فولاد به مناسبت آن که از چند طرف خانه و مغازه و مدرسه و ادارات دولتی بنا گردیده بود دیگر قابل استفاده جهت دفن اموات نبود علیهذا از حدود بیست سال قبل شهرداری به فکر تهیه محل مناسبی جهت گورستان [شهر] افتاده و پس از مطالعات زیاد و بررسی کلیه جوانب کار، محل فوق را شایسته این کار دانستند. از همان موقع، شروع در تهیه مقدمات کار برآمده و از تاریخ ۱۹ رجب ۱۴۰۴ هـ مطابق با یکم اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ ش طبق

اعلامیه ای گورستان تخت فولاد را متروکه و گورستان جدید را افتتاح کردند.

از آن تاریخ تا کنون عده ای از علماء، فضلاء، نویسندگان، شعراء و بزرگان این شهر در آن جا به خاک رفتند اکنون به نام آنها تا آن جا که آگهی داریم اشاره می شود: ۱- «مرحوم حاج آقا میرزا شیخ الاسلام» (میرزا عبدالله معروف به آقا میرزا) فرزند مرحوم میرزا علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی. خاندان شیخ الاسلام از اعقاب علامه ملا محمد باقر محقق سبزواری از خاندان های علمی و روحانی اصفهان می باشند که در طول چهار قرن از زمان محقق سبزواری تا کنون علم و ریاست و روحانیت در آنها باقی بوده و منصب شیخ الاسلامی اصفهان را به استحقاق به وراثت دارا بوده اند.

شرح حال این خاندان و آثار علمی و اجتماعی آنان را نویسنده در کتابی مستقل به نام «خاندان شیخ الاسلام» تألیف نموده که به طبع رسیده است. مرحوم حاج آقا میرزا از علماء اصفهان و سال ها متصدی امور اجتماعی، از انجام معاملات و عقد و طلاق (دفاتر ثبت و ازدواج و طلاق) بوده و مورد احترام عموم طبقات این شهر بود. سرانجام در یک شنبه ۱۱ شعبان المعظم سال ۱۴۰۴. ق به سن قریب یکصد سالگی وفات یافت و در گورستان جدید مدفون گردید. مشارالیه اولین روحانی و دانشمندی است که پس از تعطیلی گورستان تخت فولاد وفات یافته و در قبرستان جدید به خاک سپرده شد. ۲- «دکتر سید ابوالفضل غرضی موسوی خواجوی» سادات محترم غرضی از خاندان های اصیل و تجار محترم اصفهان می باشند که به درستی و امانت و دیانت معروف و در بازار اصفهان شهرت و اعتبار دارند. مرحوم دکتر سید ابوالفضل غرضی

از مؤمنین به انقلاب اسلامی و خدمتگزاران جامعه بود که در سال های اخیر مصدر خدماتی گردید و سرانجام در اثر سانحه تصادف اتومبیل در نزدیکی اصفهان در سال ۱۴۱۲هـ (دهه اول جمادی الثانی) به شهادت رسید. مرحوم دکتر غرضی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی کشور بود که جهت شرکت در مراسم ختم مادر خود عازم اصفهان بود و در راه تصادف کرده و وفات یافت. ۳- «مرحوم آقا سید ابوالقاسم عمادی» از علماء و ائمه جماعت اصفهان که در ۹ رجب سال ۱۴۱۱هـ. ق وفات یافت. ۴- «استاد احمد ارچنگک بید آبادی» استاد فن طراحی و نقاشی و نقشه فرش. متولد به سال ۱۲۹۳هـ ش و متوفی در چهارشنبه ۱۳ شوال المکرم سال ۱۴۱۰هـ. ق. ۵- «مرحوم دکتر حاج سیداحمد ابطحی سدهی» فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدباقر ابطحی علیهما الرحمه. خاندان ابطحی سدهی از خاندان های علمی و روحانی اصفهان بوده و به علم و فضل شهرت داشته و دارند. مرحوم دکتر سیداحمد در اصفهان در خاندان علم و روحانیت حدود سال ۱۳۴۰هـ. ق متولد گردید و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را به پایان رسانیده و پس از اخذ مدرک دکترای پزشکی به اصفهان منتقل گردیده و از بدو ورود تا حین وفات به معالجه بیماران و رسیدگی به حال ضعیفان و مستمندان پرداخت. وی پزشکی دیندار و خدمتگزار و مورد احترام خاص و عام بود. سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۹ رمضان المبارک سال ۱۴۰۹هـ به عارضه سکته وفات یافت. ۶- «دکتر اکبر انشائی» از پزشکان اصفهان که در ربیع الثانی سال ۱۴۱۰هـ. ق در امریکا، که جهت معالجه بیماری چشم رفته بود وفات یافته جنازه او به اصفهان منتقل و

در گورستان جدید مدفون گردید. ۷- «حاج شیخ محمدباقر امینی نطنزی اصفهانی» از علماء و دانشمندان اصفهان و ائمه جماعت و مدرسین شهر بود که در سال ۱۲۸۴ش در نطنز متولد گردیده و در اصفهان در خدمت اساتیدی همچون آیات عظام آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی و آقا سید علی مجتهد نجف آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی و دیگران تلمذ کرده (مرحوم نطنزی در نجف نزد آیات عظام نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری و سید محسن حکیم تلمذ کرده و اجازه اجتهاد خود را از آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری دریافت کرد. به نقل از زندگینامه خطی که خاندان ایشان به مصحح کتاب تحویل دادند.) تا به مقامات عالیه علم رسیده و در این اواخر در مسجد النبی اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم اقامه جماعت می فرمود و مورد احترام عموم طبقات از علماء و مقدّسین بود. سرانجام در عصر روز شنبه ۲۴ شعبان المعظم سال ۱۴۱۲ه. ق در اصفهان وفات یافت.

۸- «دکتر سید محمد باقر خادمی» فرزند فاضل ارجمند آقا سید محمد بن آیت الله حاج آقا حسین خادمی موسوی اصفهانی، دکتر داروساز در سال ۱۴۱۰ه. ق وفات یافت. ۹- «حاج سید بدرالدین کتابی فرزند مرحوم حاج آقا هلال الدین بن آقامیرزا علیرضا ابن علامه میر محمد صادق حسینی کتابفروش.

سادات کتابی از جمله سادات صحیح النسب اصفهان می باشند که عموماً به زیور علم و تقوی آراسته و مورد توجه و عنایت و احترام عموم طبقات به ویژه علماء و بزرگان بوده و می باشند. مرحوم حاج آقا بدرالدین انسانی وارسته و معلمی شایسته، نویسنده ای توانا، عارفی محقق و شاعری ادیب بود. خلاصه

کلام آن که مشارالیه از جمله افراد کمیابی بود که گاه گاه در جوامع بشری یافت می شوند. علم را با عمل و اخلاق توأم داشت بدون آن که ادعای فضل و دانش کند و کمالات خود را به دیگران بنمایاند و آن را وسیله برتری خود قرار دهد. ادبیات و فلسفه را خوب می دانست و به زبان های عربی و فرانسه تسلط کامل داشت و تا پس از مرگ او از شاعری وی کسی خبر نداشت. او فردی متواضع و خویشان دار بود و در برخورد با اشخاص به ویژه شاگردان اخلاقی انسانی داشت هر چه را که می دانست به شاگردان خود در دانشگاه و دبیرستان ادب به آنان می آموخت و از تدریس و تعلیم خسته نمی شد. (ر. ک محمدباقر کتابی، رجال اصفهان، امور فرهنگی شهرداری اصفهان، ۱۳۷۵ش، ص ۴۸۲) وی مدتی ریاست دبیرستان ادب و معاونت و کفالت اداره کل فرهنگ استان اصفهان را عهده دار بود و در تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۳۷ش سهم به سزایی داشت و امور آموزشی و برنامه ریزی انتخاب استادان با او بود. مرحوم کتابی در دانشگاه درس های فلسفه، روان شناسی و منطق را استادانه تدریس می کرد. در ۹شوال سال ۱۳۳۰ه. ق در خانواده علم و روحانیت متولد گردید، مادرش دختر مرحوم حاج شیخ محمدعلی ثقه الاسلام نجفی از علماء و مجتهدین خاندان مسجد شاهی بود. در اصفهان و مشهد و تهران تحصیل نمود. وی در دبیرستان و دانشگاه تدریس می کرد. از کتاب های عربی و فرانسه ترجمه کرد و خلاصه عمری را در راه علم و دانش گذرانید و سرانجام در ۶ذی الحجه الحرام سال ۱۴۰۷ه. ق در اصفهان وفات یافت، خدایش رحمت کند. کتاب های

زیر از آثار اوست که به چاپ رسیده است.

۱- «اخلاق» ترجمه از نویسنده فرانسوی پیرژانه. ۲- «به سوی اصفهان» ترجمه از نویسنده فرانسوی پیرلوتی. ۳- ترجمه کتاب «پیرامون سیره نبوی» نوشته دکتر طه حسین [نویسنده شهیر مصری]. ۴- «دیوان اشعار» با تخلص امید (قسمتی از آن ضمن مجموعه مقالات ایشان چاپ شده است). ۵- ترجمه «فروغ خاور» نوشته هرمان الدنبرگ از فرانسه. (در شرح حال و آئین بودا). ۶- مقالات عدیده [بیش از پنجاه مقاله] در موضوعات مختلف [فلسفی، تربیتی و عرفانی] که قسمتی از آنها ضمن مجموعه ای پس از فوت ایشان به چاپ رسیده است. ۷- «هیپنوتیزم در دسترس همه». اما کتب و رسائل چاپ نشده ایشان که امید است به همت فرزندان آن مرحوم به طبع برسد: ۱- تشریح تصوف جلال الدین مولوی، عطار، سنائی ۲- حضرت حسن بن علی علیه السلام ترجمه از عربی نوشته کامل سلیمان. ۳- درباره تصوف اسلامی ترجمه از نوشته رینولد آلین نیکلسون. (به گفته فرزندشان آقای محمود کتابی، این کتاب نیز چاپ شده است). ۴- «مبانی جامعه شناسی» تألیف پروفیسور شار لالو. ۵- جزوه های درسی به صورت پلی کپی. در خاتمه این مقال می گوئیم مرحوم کتابی معلمی شایسته و استادی ارجمند و انسانی کامل بود. از ریا و خودنمائی به دور و فروتن و بی تکبر، آرام و دوست داشتنی و مهربان و به همه احترام می گذاشت و همگان وی را دوست می داشتند و احترام می گذاشتند. ابتدا در دبیرستان سعدی و بعد مدرسه صارمیه، خلاصه در دوره تحصیل، زمان تدریس، دوره معاونت اداره آموزش و پرورش و بالاخره در زمان استادی دانشگاه و بعداً زمان بازنشستگی، اخلاق و رفتار او در تمام این زمان ها یک سان بود. ریاست های دنیا او را

نفریفت و خویشتن خویش را در هر حال نگاهداری کرد. خدایش رحمت کند که شایسته رحمت الهی بود.

در آثار و ماده تاریخ فوت او عده ای از شعرای اصفهان اشعاری سرودند که برخی از آنها در پایان مجموعه مقالات ایشان (از صفحه ۴۷۷ تا صفحه ۵۰۴) به چاپ رسیده است از آن جمله: دانشمند فرزانه و شاعر گرانمایه ادیب سخن سنج، جامع فضائل صوری و معنوی، نویسنده، خطیب، شاعر، خطاط، دبیر و استاد [مرحوم] آقای منوچهر قدسی فرزند مرحوم آقا جمال الدین قدسی فرزند مرحوم آقا میرزا عبدالحسین قدسی بن میرزا محمدعلی که علم و ادب و شعر و خط و خدمت به جامعه را به ارث از پدر و جدّ برده، قطعه ای متضمن ۳۲ بیت در مرثیه آن مرحوم و ماده تاریخ و نامش سروده است باین مطلع:

آه، ای نادره فضل و هنر

ای سپهر ادب ای کوه وقار/

عمر با فضل و ادب سر کرده

رفته از خلق و به حق پیوسته/

خوانده یک عمر وز راه تعلیم

بسته زین ملک بقا رخت سفر/

خلق تو، تازه کن فصل بهار

محفل علم منور کرده/

وز همه غیر خدا بگسسته

کرده آن جمله به یاران تقدیم/

فیض را عهد تو تا ماند دیر

نه قلم آیتی از سحر حلال/

آنچه دل در کف اندیشه ربود

قلمت کرده سخن ها تقریر/

فارسی رفته به سرحد کمال

در سخن شیوه شیدای تو بود /

پس از ۱۲ بیت گوید:

آه، بدرالدین ای فاضل راد

عمر هفتاد اگر گم کردی /

آن نه گمگشته به میزان عمل

آن نه طاعت که در او روی و ریاست /

پاکدل عارف پاکیزه نهاد

صرف آسایش مردم کردی /

عمر در راه خدا عزوجل

بندگی خدمت مخلوق خداست /

پس از ۳ بیت دیگر:

آه، بدرالدین ای گوهر پاک

رفتی و داغ غمت ماند به دل /

هر نفس ذکر تو با یاد

خامه از هجر تو بشکافته سر /

برده جان فلکی تا افلاک

از دل این داغ نگرده زایل /

قلم و نامه به فریاد آمد

نامه آورده شبه گون معجر /

سال فوتت به حساب قمری است بی کتابی قلم و نامه گریست ۱۴۰۷ ه. ق مرحوم کتابی در اشعار «امید» تخلص می کرده (ص ۴۲۲، مجموعه مقالات مرحوم کتابی) اینک دو رباعی از نمونه اشعار ایشان:

هوش باش دلا که رنج عالم هیچ است

با چشم خرد چو بنگری خواهی دید /

سیم و زر اگر بیش و اگر کم، هیچ است

با غیر بشر به کام دل چون نرسی /

دنیا گذران و شادی و غم هیچ است

هر چیز که هست جز که آدم هیچ است /

جز مهر و وفا حاصل عالم هیچ است

آدم بطلب که غیر آدم هیچ است

۱۰- «امیر بهمن بهداد» فرزند دکتر ابراهیم بهداد، فارغ التحصیل دانشکده دندانپزشکی از دانشگاه اصفهان، متولد ربیع الثانی سال ۱۳۸۶ ه (۲ / ۵ / ۴۵) و متوفی در صبح روز شنبه ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۴۱۲ ه. ق (۱ / ۲ / ۶۹) در اثر تصادف. به مناسبت فوت او در مراسم یکمین سال وفاتش یادنامه ای به طبع رسید و در آخر آن، رساله ای تحت عنوان: «خواص داروئی گیاهان در دندانپزشکی»، که رساله پایان نامه تحصیلی مشارالیه بوده است، به چاپ رسیده است. (برای اطلاعات بیشتر ر. ک سید محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، ص ۴۸۳) ۱۱- «حاج سید محمد تقی موسوی ده سرخی» از علماء، فوت ۱۹ رجب سال ۱۴۱۱ ه. ق. ۱۲- «جلال برجیس» فرزند مرحوم ابوطالب بن محسن قهفرخی اصفهانی، شاعر، در دبیرستان های اصفهان با کمال صداقت و درستی خدمت کرد و با تأسیس آموزشگاه شبانه به نام: «آموزشگاه فروغ» و تربیت صدها دانش آموز مقطع

دبیرستان به بالا بردن سطح فرهنگ عمومی خدمت شایسته ای انجام

داد. در سال ۱۳۰۰ه. ش (سال ۱۳۴۰ قمری) در قهفرخ متولد و تحصیلات خویش را در مولد خود و اصفهان به پایان رسانیده و سپس به خدمت دبیری اشتغال جسته و در انجمن های ادبی اصفهان از آن جمله انجمن ادبی کمال شرکت جسته، سرانجام در ماه رمضان المبارک سال ۱۴۰۸ه در اصفهان وفات یافت. ۱۳- «دکتر جواد پیمان» استاد دانشگاه اصفهان، فوت ماه صفر سال ۱۴۱۰ه. ق. ۱۴- «دکتر حسن دلیل التجار» استاد دانشکده علوم پزشکی اصفهان، فوت ۱۴۱۲ه. ق. ۱۵- «میرزا محمدحسن نجفی زاده» فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی بن حاج شیخ محمدعلی ثقه الاسلام نجفی مسجد شاهی، فاضل ارجمند، صاحب امتیاز روزنامه هفتگی «اسلام در شرق» که در اصفهان چند شماره آن منتشر گردیده است. در ذیقعه سال ۱۴۰۷ه در اصفهان وفات یافت.

۱۶- «دکتر حسین اوحدی» از اطبای معروف اصفهان، فوت ۱۴۱۲ه. ق. ۱۷- «مهندس حسین نیلی» فوت ذیقعه ۱۴۰۹ه. ق. ۱۸- «آقا سیدحسین فقیه ایمانی» از فضلاء اصفهان، فوت یکشنبه اول ذی الحجه الحرام سال ۱۴۱۰ه. ق. ۱۹- «حاج شیخ محمدحسین خادمی خواجویی» فرزند حاج شیخ محمد از علماء و وعاظ، فوت ربیع الثانی ۱۴۱۰ه. ق. ۲۰- «محمدحسین مستحسن» شاعر و ادیب متخلص به انسی، فوت جمادی الاولی سال ۱۴۱۲ه. ق. ۲۱- «حاج سید حسین عریضی» فرزند آقا سیدمحمدعلی بن سید محمدباقر حسینی عریضی اصفهانی، دانشمند بزرگوار، فاضل، ادیب زبانشناس از کارمندان صدیق آموزش و پرورش و استاد دانشمند دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، ادیبی ارجمند، معلمی بزرگوار، استادی گرانقدر، مرد علم و دانش و کار و کوشش، از بنیان گذاران دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، مردی که در طول عمر خود فقط به علم و ارزش آن می اندیشید. نویسنده در سال ۱۳۰۸ه. ش افتخار

شاگردی ایشان را در دبیرستان گلپه‌ار داشتم. از آن تاریخ تا هنگام فوت ایشان از نزدیک شاهد و ناظر او بودم. مدتی به عنوان کمترین شاگرد، زمانی به عنوان همکار در دبیرستان ادب، مدت‌ها به عنوان دوست و ارادتمند، الحق او را فردی شایسته و عاشق علم و تحقیق دیدم. وی به زبان فرانسه تسلط کامل داشت و عربی را نیز به خوبی می‌دانست و کتاب‌های چندی تألیف و ترجمه کرد که از آن جمله است: ۱- «تاریخ اصفهان». ۲- ترجمه «سفرنامه شاردن» فرانسوی قسمت اصفهان، به چاپ رسیده است. ۳- ترجمه مقاله‌ای از خاورشناس معروف: «هانری کربن» درباره کتاب‌های: «لطائف غیبیه» و «مضی‌قل الصفا» از تألیفات سید احمد علوی شاگرد و داماد میرداماد. (میر سید کمال الدین احمد بن زین العابدین علویم فرزند امیر سید زین العابدین علوی عاملی، پسر خاله و داماد و شاگرد میرداماد بود. وی از میرداماد و شیخ بهایی اجازه داشت. این عالم دانشمند و محقق بزرگوار و فاضل متکلم وی دارای تألیفات بسیاری بوده است که تاکنون سی و پنج کتاب و رساله و شرح از آن حکیم فرزانه به دست آمده است. از آن جمله: «لطائف غیبیه» در تفسیر آیات مربوط به عقاید، «مصقل الصفا» به زبان فارسی در رد شبهات نصارا در سال ۱۰۳۲هـ نوشته شده، «ریاض القدس» یا «مصباح القدس» که تاریخ تألیف آن ۱۰۱۱هـ و به زبان عربی می‌باشد، «روضه المتقین» به زبان عربی حاشیه بر کتاب تجرید العقاید خواجه نصیرالدین طوسی، سرانجام کمال الدین پس از عمری تحقیق و تألیف در میان سال‌های ۱۰۵۴هـ تا ۱۰۶۰هـ بدرود حیات گفت. ر. ک: لطائف غیبیه، به اهتمام رسید جمال الدین میردامادی مکتب السید الداماد، ۱۳۹۶

هجری، مقدمه، ص ۷) این مقاله را مرحوم آقای عریضی برحسب خواهش دانشمند محترم جناب حاج سید جمال الدین میردامادی به وسیله اینجناب از فرانسه ترجمه نمودند و در پایان مقاله توضیحات لازم اضافه کردند. (تاریخ ترجمه ۱۲ رجب سال ۱۳۹۸ ه. ق). ۴- «گوشه های ناشناخته تاریخی حمله مغول به ایران» در این مقاله طبق مآخذ تاریخی می نویسد: «ناصر خلیفه عباسی برای سرکوبی سلطان محمد خوارزمشاه، چنگیزخان را به فتح ایران و جنگ با خوارزمشاه دعوت کرد.» ۵- مقاله ای تحت عنوان «زبان فارسی را پاسداری و نگهداری کنیم». ۶- ترجمه کتاب «تاریخ هند» از زبان فرانسه. [نوشته پیتر میل]

مرحوم عریضی پس از یک عمر خدمت به علم و اجتماع، در بعدازظهر ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۱۱ ه. ق در اصفهان وفات یافت، جنازه وی در روز ۲۴ رمضان (چهارشنبه) با حضور عده زیادی از فرهنگیان و دانشمندان از منزل به دبیرستان ادب، که سال ها ریاست آن را داشت منتقل و پس از انجام تشریفات به گورستان جدید منتقل و در قطعه «نام آوران» مدفون گردید. در فوت مرحوم عریضی عده ای از شعرای اصفهان مرثیه و ماده تاریخ گفتند از آن جمله: جناب استاد محمد مهریار در مرثیه آن استاد بزرگوار گوید:

دیدي که جور چرخ مرا بی امان شکست

قلبم شکست چونکه تو رفتی از این جهان /

بلبل بباغ از غم هجرت خموش شد

بُغضی عجب زغم گلوی قُمریان گرفت /

لطف و صفا زباغ و گلستان کناره کرد

نوک قلم بصفحه کاغذ خمیده شد /

گلزار علم و فضل بگیتی فسرده شد

گفتم عریضی آن که بدانش یگانه بود /

آن کان لطف و مهر عریضی که عهد او

دیدي که دست قاهر و غدار روزگار /

او مکتبی زمهر و ادب بود و این زمان

دیدي دلا که مرگز

عزیزان زدست من /

دور سپهر یار عزیزم زمن ربود

او رفت و صدق رفت و صفا رفت از پیش

قلبم نهان و شیشه اشکم عیان شکست /

نی قلب من که قلب همه اصفهان شکست

وز سوز درد و آه دل بوستان شکست /

در باغ و لاله زار دل باغبان شکست

برگ سخن فسرد و دل ضیمران شکست /

رنگ ادب پرید و دل خامه دان شکست

چون برق مرگ در جگر آسمان شکست /

هرگز نبود آن که توان رایگان شکست

بود استوار و هیچ نیامد بر آن شکست /

آن معدن فضیلت و تقوی چسان شکست

پشت ادب شکست و دل دوستان شکست /

گوهر ربود و گوهرم اندر دهان شکست

چشمم زگریه شست و دلم را نهان شکست /

عشقی بماند و عشق نه آسان توان شکست

۲۲- «حاج آقا حسین عبداللهی خوروش» ادیب و نویسنده و محقق و شاعر متخلص به «همت». فرزند مرحوم غلامعلی بن حاج محمدرضا مباشر اصفهانی فرزند حبیب الله. در ماه رجب سال ۱۳۳۹ ه در اصفهان متولد گردید، تحصیلات قدیم و جدید خویش را در این شهر در مدارس جدید و قدیم در نزد اساتید به پایان رسانیده، عمری را در مطالعه و تألیف و تحقیق در موضوعات دینی و اجتماعی گذرانید. دانشمندی محقق و نویسنده ای توانا و پژوهشگری سخت کوش بود. مدتی روزنامه ای

به نام: «پیک عدالت» را منتشر می کرد و در برخی از روزنامه های اصفهان و تهران مقالاتی می نوشت. کتاب های زیادی تألیف کرده و برخی از آنها را به چاپ رسانیده، اسامی تألیفات او بدین قرار است: ۱- افکار و عقاید بزرگان ۲- انقلاب یا نهضت سیدجمال الدین، (مطبوع) ۳- برهان در نسخ ادیان ۴- بهداشت صورت ۵- پیشوای آینده جهان ۶- تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، (مطبوع) ۷- تراش ریش از نظر بهداشت و اسلام، (مطبوع)

۸- خطرات آینده ۹- دخانیات از نظر بهداشت و اسلام ۱۰- دیوان اشعار ما از غزل و قصیده و رباعی ۱۱- شطرنج ۱۲- سیدجمال الدین و سازمان فراماسونری ۱۳- سیاست خارجی ها در ایران ۱۴- شعله احساسات ۱۵- شهر تبلیغات ۱۶- عدالت اجتماعی ۱۷- علل بیماری های روحی ۱۸- فدائیان شهوت ۱۹- فرهنگ اسلام شناسان خارجی ۲۰- فرهنگ زندگی ۲۱- قرآن و فلاسفه غرب یا قرآن از نظر دانشمندان خارجی ۲۲- کمونیزم در مکتب اجتماع ۲۳- مردان نامی و دانشمندان باختر ۲۴- موسیقی و اسلام. عموم نوشته ها و کتاب های مرحوم عبداللهی تحقیقی و قابل استفاده است به خصوص کتاب ها: فرهنگ اسلامی شناسان و قرآن فلاسفه غرب که حقاً کتبی است در موضوع خود ابتکاری و کامل و مطالعه آن برای کلیه افراد تحصیل کرده مسلمان ضروری و نتیجه قریب سی سال مطالعه و تحقیق است که انسان متعهد بدون چشم داشت هیچ گونه پاداشی قبول زحمت کرده و اثری نفیس از خود به جای گذاشته است. امید است خداوند مهربان در پاداش این خدمت بهترین درجات را در بهشت عدن به او عنایت فرماید و سعادت و خوشبختی را به بازماندگانش لطف کند. مرحوم عبداللهی سرانجام در جمادی الاولی سال ۱۴۰۹ه در اصفهان وفات یافت و در گورستان باغ رضوان به خاک سپرده شد. خدایش رحمت کند. ۲۳- «دکتر رضا هادی زاده» استاد دانشکده زبان های خارجی در دانشگاه اصفهان بود (دکتر رضا هادی زاده عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عرب و مدتی نیز ریاست دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان را برعهده داشت و تصحیح و تحقیق کتاب دستور اللغه العربیه السمی بالخلاص از وی می باشد که فرزندشان آقای مجید هادی زاده مقدمه ای بر آن نگاشته اند.) که در دی ماه ۱۳۶۹ه. ش (جمادی الثانی ۱۴۱۱ه. ق)

بر اثر عارضه سکته از دنیا رفت. ۲۴- «حاج سید محمد رضا جزایری» فرزند مرحوم حاج سیدحسن موسوی جزائری از اعقاب محدث بزرگوار مرحوم سید نعمت الله جزایری عالم جلیل محقق مدقق معروف (متوفی به سال ۱۱۱۲ه) می باشد. خاندان جزائری ساکن اصفهان در طول چهار قرن به علم و زهد و جامعیت معروف هستند و در بین آنان عده ای از علماء و وعاظ و ائمه جماعات می باشند. پدر ایشان از محترمین و وعاظ اصفهان و داماد مرحوم مجدالاسلام حاج ملاحسین علی صدیقین عالم عابد زاهد عارف بود. مرحوم حاج سید رضا در اصفهان متولد و تحصیلات قدیم و جدید خود را در این شهر و قم و تهران انجام داده و پس از دریافت مدارک تحصیلی، سال ها در اداره آموزش و پرورش به عنوان دبیر ادبیات و علوم دینی در مدارس انجام وظیفه نموده و ضمناً در منبر نیز به ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت. وی دبیر دانا و واعظی توانا بود. سرانجام در ۲۰رمضان سال ۱۴۱۱ه. ق در اصفهان وفات یافت. رحمه الله علیه. ۲۵- «حاج آقا رضا مظاهری کرونی» فرزند عالم زاهد مرحوم آخوند ملا محمد حسین کرونی (فوت ۱۲ربیع الاول ۱۳۷۵) فرزند محمدبن میرزا مظاهری کرونی. خاندان مظاهری ساکن تیران مرکز دهستان کرون بوده اند و خویشان را از اعقاب جناب حبيب بن مظاهر (مظهر) اسدی از اصحاب بزرگوار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شهید در کربلا در رکاب حضرت سیدالشهداء علیه السلام می دانند. مرحوم حاج آقا رضا در اصفهان در خانواده علم و روحانیت و زهد و تقوی متولد گردید و در نزد اساتید و دانشمندان اصفهان تحصیل کرد. برخی از اساتید او

عبارتند از آیات عظام و حجج اسلام: ۱- حاج آقا جمال الدین خوانساری ۲- حاج آقا حسین خادمی ۳- حاج میر سید علی بهبهانی ۴- آقا کمال الدین خوانساری ۵- حاج سید مصطفی مهدوی هرستان رحمه الله عليهم اجمعين. مرحوم حاج آقارضا، واعظی صالح از محترمین اهل منبر اصفهان بود. در مسجد امام حسین علیه السلام در محله کیتلان (بر وزن قیطان) و مسجد خیابان جامی اقامه جماعت می نمود و در شناخت مردم اصفهان و شرح حال بزرگان و مشاهیر هر سلسله و خاندان ها الحق کم نظیر بود. منبر ایشان شامل مواعظ شافیه و بیان مسائل حلال و حرام و تفسیر و شرح آیات قرآن و احادیث حضرات معصومین علیهم السلام و نقل داستان ها و حکایات مناسب با هر مقام و ذکر مصیبت خاندان عصمت و طهارت بود و از حیث جامعیت در بین اهل منبر معاصر امتیازی کلی داشت. در بعد از ظهر روز سوم ماه صفر سال ۱۴۱۰ ه. ق به عارضه سکنه وفات یافته و جنازه وی در روز سه شنبه، چهارم صفر با تشییع شایسته و شرکت عموم طبقات از علماء و مؤمنین و هیئت های مذهبی با دسته های عزادار به گورستان باغ رضوان منتقل و در آن جا به خاک رفت. رحمه الله علیه رحمه واسعه. ۲۶- «رضا قلیخان برومند گزی» فرزند مرحوم محمد کریم خان گزی. خاندان برومند گزی از خاندان های اصیل و نجیب و متمکن اصفهان می باشند که قبلاً در دستگرد برخوار و گز. مرکز بلوک برخوار، ساکن بوده و اخیراً در اصفهان و تهران ساکن می باشند. در بین آنها افراد تحصیل کرده و ادیب و شاعر و نویسنده و دانشمند مذهبی یافت می شود که از آن جمله صاحب عنوان است. مرحوم رضا قلی

خان در سال ۱۳۲۶ قمری در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و تهران تحصیلات علوم قدیم و جدید را تا دریافت گواهی لیسانس از دانشکده حقوق تهران ادامه داد. وی سپس در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال جست، از قضات پاکدامن و با شهامت بود. سال‌ها در دانشکده ادبیات اصفهان نیز تدریس می‌کرد. مرحوم برومند علاوه بر کلیه فضائل از حسن معاشرت و نیک سیرتی و خوش محضر بودن: شعر هم می‌گفت لکن کمتر بدان می‌پرداخت. از نمونه اشعارش در مجله باختر اصفهان قطعه‌ای نقل شده که نویسنده آن را در: «تذکره شعرای معاصر اصفهان» (ص ۸۲) به‌تمامه نقل کرده‌ام. مرحوم برومند در ربیع الثانی سال ۱۴۱۰هـ در اصفهان وفات یافت. ۲۷- «دکتر روح الله سازش» رئیس بهداری آموزشگاه‌های اصفهان. در سال ۱۲۸۵هـ. ش در اردکان یزد متولد گردید. تحصیلات خویش را تا دریافت دکترای پزشکی در اردکان و تهران انجام داده و در سال ۱۳۱۱هـ. ش. فارغ‌التحصیل شده، مدت‌ها در تهران ساکن و به طبابت مشغول بود. سپس به اصفهان منتقل و به ریاست بهداری آموزشگاه‌ها که خود مؤسس و بنیان‌گذار آن بود، منصوب و تا سال ۱۳۴۹ش با کمال سعی و کوشش و صداقت در این مؤسسه انجام وظیفه نموده و در این سال بازنشسته شد. سرانجام در شب هفتم دی ماه ۱۳۷۰ شمسی مطابق یک شنبه ۲۲ جمادی الثانی سال ۱۴۱۰هـ. ق پس از یک بیماری در اصفهان وفات یافته در گورستان باغ رضوان مدفون گردید. (نقل از تجارب طلایی، شماره اول) ۲۸- «سیف الله آشوری» فرزند میرزا باقر شاعر ادیب متخلص به سیفی، پدرش نیز شاعر بوده و «خاص» تخلص داشته است. (۱۲۷۲-۱۳۳۲هـ. ش) مرحوم سیفی به علت عدم

تمکن مالی به مدرسه نرفته و تحصیلاتی مطابق ذوق و استعداد خود ننموده لکن به علت شوق و ذوق تحصیل، اندکی در خارج از محیط مدرسه درس خوانده و از اول جوانی سرودن شعر را شروع نمود. دو جزوه از دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. مشارالیه در انجمن ادبی مرحوم پروانه شرکت می نمود. در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد و در اواسط رمضان المبارک سال ۱۴۱۱ ه. ق وفات یافت. ۲۹- «عباسعلی فرزند علی حافظ پرست» شاعر ادیب متخلص به «آرام» در سال ۱۲۹۳ شمسی متولد و از اوان جوانی به مقتضای ذوق و استعداد فطری لب به سرودن شعر باز کرده و در برخی از انجمن های ادبی از آن جمله انجمن ادبی کمال شرکت نموده، سرانجام در شوال سال ۱۴۱۰ ه. ق وفات یافت. از اشعار اوست:

خواهی که سمر شو به نیکونامی

با اهل زمانه هیچ دانی چه کنی /

باید که بدل تخم محبت کاری

آن کن که بخویشتن روا می داری

۳۰- «عباس حقانی پناه»، شاعر ادیب، عارف متخلص به «پناه» و لقب طریقتی او «محبوب علی» بوده و در اثر تصادف کشته شد و در باغ رضوان مدفون گردید. ۱ / ۳۱- ادیب و شاعر معاصر آقای فضل الله اعتمادی متخلص به «برنا» جهت او مرثیه و ماده تاریخ گفته که در روزنامه هفتگی نوید اصفهان شماره (۲۱۱) در ۲۸ مهر ماه ۱۳۷۱ ش به چاپ رسیده است. ماده تاریخ آن این است:

بسوی وادی امن و مقام حقانی

پناه برد به محبوبش از جهان عباس ۲ /

۳۱- «عباسعلی دارویی» فاضل نویسنده از خدمتگزاران به شعر و ادب. پس از فوت میرزا محمد علی مکرم، مدیر روزنامه صدای اصفهان، مدتی سرپرستی آن روزنامه را به عهده گرفته و آن

را منتشر می نمود. در ربیع الاول سال ۱۴۱۱ه. ق وفات یافت. ۳۲- «عبدالرسول رسولی گزی» قاضی دادگستری، فوت دوشنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۴۱۱ه. ق ۳۳- «عبدالرسول منتصر» شاعر ادیب متخلص به «حقیقت»، کارمند بازنشسته بانک ملی ایران و کارشناس رسمی حسابداری دادگستری در اصفهان. وی در روز شنبه ۵ ذیقعده ۱۴۱۰ه. ق فوت کرد. این سه سطر شعر جزو قطعه ای از اشعار او در اعلامیه مراسم هفته او به چاپ رسیده است.

شدم سخت در مانده از کرد خویش

بکردم همی روز و شب را تبه /

حقیقت ره رادمران بگیر

پشیمان ز کردار و گشتم پریش /

سراسر بود نامه ام پرگنه

تو تا زنده ای دست افتاده گیر

۳۴- «مرحوم عبدالکریم بصیری» فرزند حاج محمدرضا فرزند محمد رحیم خوشنویس فرزند آقا غلامعلی، خطاط معروف اصفهانی (۱۲۰۰-۱۲۶۹ه. ق) فرزند محمد رحیم. در اواخر سال ۱۳۱۶ قمری متولد و تا حدود سی سالگی به کسب علوم و معارف جدید و قدیم پرداخته سپس در ادارات دولتی استخدام و در این اواخر بازنشسته شده و سرانجام این شاعر ادیب در ماه رجب سال ۱۴۰۹ه. ق وفات یافته، در گورستان باغ رضوان مدفون گردید. در شعر از اساتید به شمار می رفت و در انجمن های مرحوم شیدا، ادیب فرهمند، کمال و برخی دیگر از انجمن های شعر و ادب شرکت می نمود. دارای ذوقی سرشار و طبعی قادر بود و «بصیر» تخلص می کرد. از اشعار اوست:

به مکتب در نخستین روز استاد

که برگیرم به دست راست خامه /

ز کج رفتن نگهدارم قلم را

ز سطر راست، خامه سر نیچد /

پذیرفتم ز جان حرف ولی را

نوشتن راست از اول به دستور /

از اول راستی شد نقش خاطر

نوشتن را بمن داد این چنین یاد/

زدست (*) راست بنویسم به نامه

به خط راست بنویسم رقم را/

سر از رسم و ره مسطر نیچد

نوشتم

راست حرف اولی را/

بجز این ره نپویم تالب گور

چه نقشی بُد از این بهتر بآخر

(*) (ر. ک):

فصل دوم

تذکره شعرای معاصر اصفهان، اصفهان کتابفروشی تایید، ۱۳۳۴ش، ص ۸۹، ۳) ۳۵- «مشهدی علی نانو» فرزند استاد باقر، شاعر ادیب متخلص به «دیوانه»، در حدود سال ۱۲۷۲ شمسی متولد گردید. اندکی درس خوانده و در اثر ذوق و استعداد فطری به سرودن اشعار مذهبی و مدیحه سرایی حضرات معصومین علیه السلام و غزل و رباعی شروع کرده و دو دیوان از اشعار او به چاپ رسیده است. سرانجام در ماه رمضان المبارک سال ۱۴۰۷ه. ق وفات یافت. در برخی از انجمن های ادبی از آن جمله انجمن ادبی پروانه شرکت می نمود. ۳۶- «مرحوم حجهالاسلام حاج میر سید علی ابطحی» فرزند مرحوم حجهالاسلام و المسلمین حاج سید محمدباقر ابطحی سدهی، در عصر روز عید غدیر سال ۱۳۲۹ قمری در اصفهان متولد گردید. تحصیلات ایشان در اصفهان در خدمت: ۱- آقامیرزا احمد مدرس ۲- مرحوم مهدوی. ۳- حاج سید محمد باقر بن محمدعلی ابطحی حسینی پدر دانشمند خود ۴- آقاشیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی ۵- حاج میرسید علی مجتهد نجف آبادی ۶- حاج سید محمد سدهی خالوی معظم خود ۷- آقا سید محمد نجف آبادی ۸- آقا سید مهدی درچه ای و در قم به خدمت مرحوم حاج سیدمحمدتقی خوانساری و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده و از مرحوم آیت الله حاج سید محسن حکیم طباطبایی اجازه داشته، پس از نیل به مقامات عالیه علم و کمال در اصفهان به اقامه جماعت در مساجد حریری ها در محل دردشت، مسجد حاج علی در بازار و بالاخره پس از فوت پدر علامه اش در مسجد جامع اصفهان می پرداخت. در ایام تحصیل صبح و بعدازظهر در مدرسه

کاسه گران سطوح فقه و اصول تدریس می نمود و عده ای از طلاب از محضر او مستفیض می شدند. مرحوم ابطحی عالمی خلیق و مهربان، خوش محضر و نکته دان، دارای محفوظاتی زیاد و حاضر الذهن بود. وی در صبح روز سه شنبه ۱۱ ماه صفر سال ۱۴۱۰ ه. ق در اصفهان وفات یافت و در باغ رضوان مدفون گردید. رحمه الله علیه ۳۷- «مرحوم میرزا علی خلیلیان» فرزند عبدالمحمود، شاعر ادیب متخلص به «رجاء» در سال ۱۳۱۷ قمری متولد گردیده، پس از آنکه اندک تحصیلی نموده به کسب و کار اشتغال جسته، در اغلب انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن شیدا، انجمن شیدا، انجمن ادیب فرهمند، انجمن پروانه، انجمن کمال شرکت می نمود. دیوان اشعار او چاپ شده است. وی در ذیقعده ۱۴۱۱ ه. ق در اصفهان وفات یافته، در باغ رضوان در قطعه «نام آوران» که جهت دفن شعراء و نویسندگان اختصاص یافته، دفن گردید. ۳۸- «محمدعلی اولیاء» مدیر روزنامه اولیاء از نویسندگان و خدمتگزاران به مطبوعات، فوت او در رمضان المبارک ۱۴۱۲ ه. ق می باشد. ۳۹- «حاج میرزا محمدعلی ربانی» فوت جمعه ۲۲ شوال المکرم، ۱۴۱۰ ه. ق، وی از علماء و روحانیون بود. ۴۰- «حاج سید محمدعلی طباطبایی فانی زواره ای» فاضل ارجمند، از کارمندان صدیق اداره آموزش و پرورش اصفهان. سال ها در مدارس این شهر به تعلیم و تربیت نوآموزان اشتغال داشت سپس به اداره منتقل گردیده و چندین سال ریاست حسابداری را برعهده داشت تا سرانجام بازنشسته شد. وی به تصوف و عرفان روی آورده و به تصفیه نفس پرداخته و در این اواخر از طرف آقای حاج سلطان حسین آقا تابنده رضا علیشاه گنابادی به عنوان شیخ صوفیه اصفهان تعیین گردید و به ارشاد و هدایت

مستعدین پرداخت. سرانجام در ماه رجب ۱۴۰۹ ه. ق وفات یافت، در باغ رضوان مدفون شد. رحمه الله علیه. ۴۱- «حاج شیخ غلامحسین تسلیمی» از علماء بود و در ذیقعدہ سال ۱۴۰۹ ه. ق وفات یافت. ۴۲- «فضل الله ضیاء نور» فاضل ادیب از دبیران دانشمند اداره آموزش و پرورش اصفهان که سال‌ها در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان تدریس می‌کرد. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش همچون مرحوم شیخ محمدعلی عالم حبیب آبادی و مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی و غیره تحصیل نموده، دانشمندی پرمایه و استادی کامل بود. در اخلاق و صفات انسانی نیز فردی شایسته و دوستی مهربان و پاکدل بود. وی در ربیع الثانی سال ۱۴۰۶ ه. ق در اصفهان وفات یافت. پدرش واعظ صالح مرحوم حاج آقا رضا فرزند حاج عبدالحسین نیز از فضلاء اهل منبر اصفهان بود و در محرم سال ۱۴۰۶ ه. ق در این شهر وفات یافت. رحمه الله علیهما. ۴۳- «فضل الله امینی» ادیب و نویسنده، متوفی در ماه شعبان المعظم ۱۴۱۰ ه. ق (اسفندماه ۱۳۶۹ ه. ش) ۴۴- «سید فخر الدین امامی» فرزند مرحوم حاج آقا میرزا امامی، نقاش مینیاتورست پدرش از اساتید فن و مفاخر هنری اصفهان بلکه ایران بود و پسر نزد پدر هنرمند خود فن نقاشی و مینیاتور را آموخت و تکمیل نمود و در اصفهان سال‌ها به استادی و مهارت شهرت داشت. چندین سال در اداره آموزش و پرورش خدمت کرد لکن محیط را جهت شکوفایی هنر و قدرت نمایی مناسب ندیده، از شغل دبیری نقاشی استعفاء داده به طور آزاد مشغول کار گردید. وی در ربیع الاول سال ۱۴۱۲ ه. ق وفات یافت. ۴۵- «کریم نیک زاد حسینی

شهرکردی» فرزند سید محمدتقی ادیب نویسنده، در حدود سال ۱۳۲۴ه. ق در شهرکرد متولد گردید. سال ها در موطن خود و اصفهان پس از انجام تحصیلات، در آموزش و پرورش خدمت کرده و در سال های آخر در اداره باستان شناسی (میراث فرهنگی) خدمت می کرد. کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- تاریخ و جغرافیای اجتماعی چهارمحال ۲- جغرافیا و تاریخ چهارمحال و بختیار ۳- شناخت سرزمین بختیاری. مرحوم نیک زاد در این کتاب ها حدّ اعلاّی تحقیق و بررسی را به کار برده و کتابی ارزشمند در موضوع خود به یادگار گذاشته است. سرانجام در شعبان ۱۴۱۰ه. ق پس از یک بیماری سخت وفات یافت. مرحوم نیک زاد پس از بازنشستگی، چندین سال در روزنامه «اصفهان» به مدیریت مرحوم امیر قلی امینی کار می کرد. وی از دوستان قدیمی و صمیمی نویسنده بود، خدایش رحمت کند. ۴۶- «سید کمال الدین طالقانی» فرزند مرحوم حاج سید علی بن عبدالوهاب بن سید حسین حسینی اصفهانی، ادیب فاضل و نویسنده. از دبیران دانشمند اداره آموزش و پرورش اصفهان، سال ها در مدارس دینی اصفهان نزد اساتید بزرگوار تحصیل نموده سپس در مدارس جدید به تکمیل معلومات و تحصیلات خویش پرداخته با اخذ لیسانس به خدمت وزارت فرهنگ وارد شد. سال ها در دبیرستان های اصفهان تدریس نموده و سپس دبیرستان «ابن سینا» را تأسیس کرد و با کمال سعی و جدیت در تعلیم و تربیت دینی و اجتماعی جوانان اهتمام نمود. سرانجام در دهه اول ذی الحجه الحرام سال ۱۴۰۸ه. ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست: ۱- آئین سخن ۲- آئین نگارش ۳- اصول دستور زبان فارسی ۴- املاءهای امتحانات نهایی ۵- تست فارسی و لغات متشابه ۶- راهنمای زبان فارسی ۷- فرهنگ مشتعل ۸- مختصر دستور

زبان فارسی. عموم این کتاب‌ها برای دبیرستان‌ها تألیف شده و به چاپ رسیده و مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گرفته است. ۴۷- «سید کمال کلوشانی» فرزند سید محسن طباطبایی، در اواخر سال ۱۳۰۵ خورشیدی متولد گردیده، اندکی تحصیل نموده و مدتی در مدارس تدریس می‌نمود. سرانجام شغل آزاد خیاطی را بر استخدام دولتی ترجیح داده، تا آخر عمر به این کار اشتغال داشت. قسمتی از دیوان اشعارش با تخلص «حقیر» به چاپ رسیده است. وی در ۱۱ رجب سال ۱۴۱۱ ه. ق وفات یافت. ۴۸- «مرحوم دکتر مجتبی دهباشی» از فضلاء و دانشمندان اصفهان بود. فوت وی در اوایل جمادی الاولی سال ۱۴۱۰ ه. ق اتفاق افتاد. ۴۹- «حاج سید مجتبی کیوان» فرزند مرحوم حاج سید محمدحسینی معروف به حاج زرگر باشی. وی از محترمین تجار اصفهان و به زهد و تقوی و صداقت و پاکدامنی معروف بوده و هر سال در دهه اول محرم در منزل خود واقع در کوچه شمس آباد (این کوچه حدفاصل خیابان طالقانی و شیخ بهایی قرار دارد) اقامه مجلس سوگواری جهت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌نمود و از مجالس پرشور و با حقیقت به شمار می‌رفت و تا کنون قریب یکصدسال است که این مجلس با همان شکوه و عظمت برقرار می‌شود و مردم اصفهان عموماً و اهالی محلات شمس آباد و چهارسوق شیرازی‌ها به ویژه، اعتقادی کامل به آن داشته و دعا و زیارت و عزاداری در آن مجلس را قبول درگاه حضرت حق جل و علا می‌دانند. مرحوم حاج سید مجتبی از دانشمندان و فضلاء اصفهان و از اساتید فن شعر و ادب محسوب می‌شود و «کیوان» تخلص می‌نمود. وی دانشمندی خلیق و ادیبی شفیق و شاعری

استاد و در کلیه انواع شهر از قصیده و غزل و قطعه و رباعی ماهر بود. او دوستدار و ستایشگر خاندان عصمت و طهارت بود. آثار او در روزنامه ها و مجلات و کتاب های تذکره الشعراء به چاپ رسیده است. مرحوم کیوان پس از اتمام تحصیلات قدیم و جدید وارد خدمت آموزش و پرورش گردیده و مدتی ناظم دانش سرای مقدماتی اصفهان بود. سپس به خدمت بانک ملی ایران درآمد و آخرین پست او در بانک، معاونت آن مؤسسه بود. در برخی از انجمن های ادبی اصفهان شرکت نموده و جزو اساتید انجمن ها محسوب می شد. مرحوم کیوان در سال ۱۲۹۱ شمسی (۱۳۳۰ ه. ق) در اصفهان متولد شد و در عصر جمعه ۱۰ شعبان سال ۱۴۱۲ ه. ق در اصفهان به عارضه سکتة وفات یافته و با تشییع شایسته در باغ رضوان مدفون گردید. رحمه الله علیه، کتب زیر از آثار مرحوم کیوان می باشد: ۱- «چهلچراغ» مجموعه چهل قصیده از چهل نفر شاعر، (مطبوع). ۲- «دیوان غزلیات». ۳- «دیوان کیوان». ۴- «سری بر خاک» سفرنامه مکه معظمه و مدینه طیبه، (منظوم). ۵- «قند مکرر». ۶- «گاهنامه». ۷- «گل و خار» مجموعه اشعار مذهبی. ۸- «نغز و پر مغز» ۵۰- «حاج شیخ محمد وثیق» از فضلاء، فوت دوشنبه ۲۶ ذیقعدة الحرام سال ۱۴۱۱ ه. ق. ۵۱- «حاج آقا محمد شفیع زاده خوئی» فرزند میرزا محمد شفیع از فضلاء و کارمندان شایسته و صدیق دولت. سال ها پس از تحصیل در مدارس قدیم و جدید، در دوائر مختلف دولتی و شهرهای چندی خدمت کرده و آخرین محل کار او، معاونت بانک ملی ایران بود. خاطرات زندگانی خود را مرقوم داشته که اگر به چاپ برسد جهت اطلاع از وضع عمومی کشور در اواخر عهد قاجاریه

و زمان حکومت رضاخان و پسرش محمدرضا بسیار مفید خواهد بود. در ماه صفر سال ۱۴۰۷ قمری پس از ۹۳ سال عمر با عزت و احترام و خدمت صادقانه وفات یافت. رحمه الله علیه ۵۲- «مرحوم محمد سپاهانی» فرزند مرحوم آقا شیخ عزیزالله بن شیخ محمدحسین بن عزیزالله بن حسن بن علامه فقیه حکیم عارف فیلسوف آقا محمد بید آبادی، شاعر و ادیب متخلص به «شیوا»، در سال ۱۲۸۷ شمسی (سال ۱۳۲۵ قمری) در اصفهان متولد گردید. پس از طی دوران دبیرستان، مدتی مدیریت چاپخانه امامی اصفهان را برعهده گرفته، در دوره دوم مجله دانشکده اصفهان به مدیریت مرحوم میرزا عباس خان شیدا سردبیری مجله را چندین شماره به عهده گرفته، سال ها در مشاغل مختلف خدمت کرد. سرانجام مؤسسه کتابفروشی کتابسرا را تأسیس نمود. مرحوم سپاهانی از جمله افراد فعال و کوشا و خدمتگزار بود که پس از عمری خدمت در سال ۱۴۰۹. ق در اصفهان وفات یافت. از اشعار اوست:

از علم بی عمل چه توان داشت انتظار

خواهی ز علم بهره بری در زمان خویش /

گندم ز آب و دانه نروید به شوره زار

بگذار در طریق عمل گام استوار /

۵۳- «دکتر سیدمحمد ابن الشهدی» فرزند مرحوم آقا سید مؤمن حسینی، از پزشکان متدین و در فن خود استاد و ماهر، در اصفهان متولد گردیده و تحصیلات خود را در اصفهان و تهران به پایان رسانیده پس از دریافت دکترا در پزشکی به اصفهان مراجعه نموده و تا آخر عمر با کمال شفقت و مهربانی و دلسوزی از بیماران عیادت و مداوا نموده و سال ها در دانشکده پزشکی اصفهان استاد بوده و دانشجویان پزشکی را علاوه بر تدریس دروس لازم، به دیانت و

امانت و خدمت به جامعه مسلمین تشویق می نمود. وی فردی دیندار و در امر دین متعصب و فداکار و در نزد عموم طبقات اجتماع محبوب و مورد احترام بود. سرانجام در دوم رجب سال ۱۴۱۲ه. ق وفات یافت. ۵۴- «سرهنگ محمود زاهدی» رئیس اسبق اوقاف اصفهان. (وی آخرین رئیس اداره اوقاف اصفهان در رژیم پهلوی بود) در موقع تصدی او در این مقام، خدماتی به موقوفات اصفهان انجام داد. ضمناً چندین باب مسجد نیز در اصفهان بنا کرد از آن جمله: ۱- خیابان مطهری (این مسجد اکنون در خیابان مطهری روبروی پل ابوذر و به نام «مسجد انقلاب» مشهور است.) ۲- دروازه تهران (این مسجد اکنون به نام «مسجد الرضا» در ابتدای کوچه ای به همین نام در خیابان خرم واقع است.) ۳- در کوچه شله رنگ کن ها زمینی بود که سال ها خرابه و متروک بود و در دیوار آن سنگ لوحی بود که فردی آن جا را جهت مسجد وقف نموده بود. به همت مرحوم سرهنگ زاهدی آن جا نیز ساخته شد. محل آن مقابل منزل مرحوم آیت الله ارباب قرار داشت، گنبد مسجد لبنان نیز از آثار او می باشد. دو جلد کتاب به نام «تاریخ اوقاف اصفهان» و «سپاسگزاری از مردم متدین اصفهان» نیز که مرحوم عبدالحسین سپینتا نوشته است را از محل اوقاف به چاپ رسانید. در موقعی که در ارتش خدمت می کرد نیز مجموعه ای به چاپ رسانید. در اوائل محرم الحرام سال ۱۴۱۲ه. ق وفات یافت. ۵۵- «حاج شیخ مرتضی مظاهری» فرزند مرحوم محمدحسن بن محمد ابراهیم عالم، عامل کامل، فقیه نبیه، مجتهد زاهد بارع. از علماء و مجتهدین اصفهان در شب دوم جمادی الاولی سال ۱۳۱۶ قمری

متولد و در اصفهان و نجف در خدمت اساتید بزرگوار و مجتهدین و مدرسین آن حوزه ها چون: ۱- آقا سید ابوتراب خوانساری ۲- آیت الله آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی ۳- آقا سید ابوالقاسم دهکردی ۴- شیخ جواد بلاغی ۵- آخوند ملا محمدحسین فشارکی ۶- آقا میرزا محمدحسین نائینی ۷- حاج میرمحمد صادق خاتون آبادی ۸- آقا ضیاءالدین عراقی ۹- ملا عبدالکریم گزی تلمذ کرد. مرحوم آقای مظاهری پس از وصول به مقامات عالیه و اجتهاد و اخذ اجازات روایتی و اجتهاد از اساتید بزرگوار خود و مرحوم علامه محقق متبع حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی، به اصفهان مراجعه نموده و به درس و بحث و اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر و تألیف و تصنیف کتب پرداخت کتب زیر از تألیفات اوست: ۱- «آداب الدعاء و منتخب الادعیه» ۲- «احسن اللغه» ۳- «تقویم شرعی» ۴- «الحجه علی ذوی النهی فی حرمه حلق اللحی» ۵- «الفوائد الغریبه» در متفرقات ۶- «قلع الغیبه» ۷- «مخزن المعانی» ۸- «المعارف الرجالیه» در مقدمات علم رجال ۹- «مقیس الیقوت» در فضل سکوت ۱۰- «نصیحت نامه» ۱۱- «نهایه المأمول» در شرح کفایه الاصول، دو جلد. این کتاب ها همگان به چاپ رسیده است و قریب پانزده رساله استدلالی در مباحث فقه و اصول و تقریرات اساتید خود غیر مطبع دارد. مرحوم حجه الاسلام مظاهری پس از یک عمر خدمت به اسلام و قرآن، در شش ذی الحجه الحرام سال ۱۴۰۹ ه. ق وفات یافت. رحمه الله علیه ۵۶- «سید مرتضی قائمی» فرزند مرحوم سید علی خیام. از کارمندان صدیق و مؤمن و فعال اداره آموزش و پرورش اصفهان. در سال ۱۲۹۷ ه. ش (مطابق سال ۱۳۳۶ قمری) در اصفهان متولد گردید. پس از تحصیل در مدارس اصفهان و انجام خدمت نظام وارد اداره آموزش و پرورش

شده و از آموزگاری شروع کرده و سپس به اداره منتقل شده و به ترتیب ریاست دایره اطلاعات و انتشارات فرهنگ اصفهان، روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش را به عهده داشت. ضمناً مدتی در روزنامه «اصفهان» به عنوان مدیر داخلی خدمت کرد و امتیاز روزنامه ای داشت. ضمناً مدتی در روزنامه «اصفهان» به عنوان مدیر داخلی خدمت کرد و امتیاز روزنامه ای به نام: «سرباز» را در سال ۱۳۲۹ه. ش گرفته و چندین شماره از آن را نیز منتشر ساخت. وی علاوه بر خدمات فرهنگی و نویسندگی، خط نستعلیق و شکسته را نیز خوب می نوشت. از آثارش «چندین شماره نشریه فرهنگ استان اصفهان» و مقالاتی با امضاء مستعار: «پیوند» در روزنامه های اصفهان به چاپ رسیده است. علاوه بر این خاطرات خود را در مدت خدمت در فرهنگ طی چندین مجلد نوشته که اگر روزگاری به چاپ برسد کتابی ارزنده و مفید خواهد بود. وی جنگی از کلمات قصار و مطالب شنیدنی و خواندنی به نام: «برای دل خویش» نوشته است. مرحوم قائمی در اوائل محرم الحرام سال ۱۴۱۲ه. ق در اصفهان وفات یافت. مرحوم حاج سید مجتبی کیوان در مرثیه و ماده تاریخ فوت او گوید:

غره ماه محرم رفت و آمد هم زمان

سال فوت قائمی تا ثبت در دفتر شود /

یکهزار و سیصد و هفتاد شمسی ماه تیر

سوگ سالار شهیدان با عزای قائمی /

گفت با من دوستی از اصدقای قائمی

جان به جانان داد سید مرتضای قائمی

۵۷- «مهندس سید مصطفی شاه علائی» فرزند مرحوم آقا سید محمد صدر الواعظین حسینی اصفهانی از اعقاب شاه علاءالدین محمد شهبهانی، در سال ۱۳۲۷ قمری (۱۲۸۸ شمسی) در اصفهان متولد گردید. وی در اصفهان

و تهران تحصیل نموده پس از گرفتن دیپلم به دانشکده حقوق وارد گردیده و پس از دو سال آن جا را ترک و در دانشکده کشاورزی کرج وارد گردید و از آن جا فارغ التحصیل گردیده و مهندس کشاورزی شد. در انجمن ایران و امریکا در رشته زبان فارغ التحصیل گردیده مشاغل عدیده به عهده داشته. سرانجام در اول جمادی الاولی سال ۱۴۱۰ قمری در تهران وفات یافت. جنازه او به اصفهان منتقل شد و در باغ رضوان مدفون گردید. کتب و رسائل زیر از آثار او به چاپ رسیده است:

۱- «آفات درخت گیلاس» ۲- «پسته و بادام و گردو و اهمیت آنها» ۳- «حشرات مفید به حال کشاورزی» ۴- «خواص بیماری ها و آفات گلابی» ۵- «داستان های شرقی»، ترجمه از فرانسه ۶- «درخت چای و تاریخچه کشت آن» ۷- «درخت خرما و فوائد آن» ۸- «درخت سیب» ۹- «دستور زراعت زعفران» ۱۰- «رازک و سودهای آن» ۱۱- «گیاه های بافتنی» (شاهدانه و موارد استفاده آن در پزشکی و غیره) ۱۲- ملخ و غیره، برادر ایشان فاضل ارجمند گرامی مرحوم آقا مرتضی شهشهانی متولد ۱۳۱۶ه. ق فوت ۱۴۱۰ه. ق مدفون در باغ رضوان است. افراد یاد شده از فضلاء و ادباء و نویسندگان و شعراء و علماء و مجتهدین اصفهان بودند که در سال های اخیر وفات یافته و در باغ رضوان مدفون شدند (مدفونین نامبرده شده، در قطعه های مختلف باغ رضوان دفن شده اند) و شمار زیادی نیز علاوه بر ۴۵ قطعه، قطعه ای در غرب باغ رضوان به نام «گلشن نام آوران» به مساحت ۱۲ هزار متر مربع برای دفن معاریف و بزرگان دین و دانش و هنر تأسیس گردیده است که تا تاریخ ۳۰ / ۵ / ۷۹ سی و پنج نفر از

مشاهیر علم و دانش و هنر به شرح ذیل در آن دفن شده اند: ۱- «مرحوم سیدحسین عریضی» متوفی ۲۱ / ۱ / ۷۰ ش. ۲- علی خلیلیان متوفی ۱۴ / ۲ / ۷۰ از شعرای معاصر متخلص به «ارجاع». ۳- «عباسعلی پناه» متوفی ۱۱ / ۶ / ۷۰ ش از شعرای معاصر. ۴- «سید حسین مستحسن» متوفی ۱ / ۸ / ۷۰ از شعرای معاصر. ۵- «خانم زهره قاسمی فرد» شاعره، متوفی ۷ / ۱۰ / ۶۷. ۶- «حسین فتوحی» متوفی ۳۰ / ۴ / ۷۲ محقق و مدرس دانشگاه. ۷- «جواد چاهی چی» متوفی ۲۴ / ۶ / ۷۲. ۸- «علی اصغر صیفی» متوفی ۹ / ۷ / ۷۲ از شعرای معاصر. ۹- «حبیب اله یزدخواستی» متوفی ۲۴ / ۱۰ / ۷۲، نقال. ۱۰- «محمد مصدق زاده» متوفی ۱۵ / ۲ / ۷۳ از هنرمندان کاشیکار. ۱۱- «حسین خوش نویس» متوفی ۱۰ / ۸ / ۷۳، هنرمند. ۱۲- «بتول ابوعطا» متوفی ۶ / ۱ / ۷۴ همسر مرحوم امیر قلی امینی. ۱۳- «مرتضی محمدی نژاد» متوفی ۱۱ / ۱ / ۷۴ از شعرای معاصر متخلص به «کهرتر اصفهانی». ۱۴- «عباس بابا علی خواجهویی» متوفی ۲۲ / ۵ / ۷۴ از شعرای معاصر متخلص به «عشقی»، عضو انجمن ادبی پروانه. ۱۵- «حسین خمسه» متوفی ۸ / ۶ / ۷۴، هنرپیشه. ۱۶- «احمد میرعلایی» متوفی ۲ / ۸ / ۷۴، نویسنده. ۱۷- «حسین ساغرزاده» متوفی ۸ / ۱۱ / ۷۴، هنرمند. ۱۸- «غلامرضا آقا ابراهیمیان» متوفی ۶ / ۷ / ۷۵، هنرمند گره ساز. ۱۹- «حسن بهنیا» متوفی ۲۳ / ۹ / ۷۵، شاعر و ادیب. ۲۰- استاد فرزانه «منوچهر قدسی» متوفی ۱ / ۹ / ۷۵، ادیب، هنرمند و استاد دانشگاه. ۲۱- «حسن پورصناعی» متوفی ۵ / ۱۰ / ۷۵،

هنرمند و ریاضیدان. ۲۲- «عزیزالله عطریان» متوفی ۱۶ / ۱۰ / ۷۵، هنرمند قلمکار. ۲۳- «جلال قدسی» متوفی ۱۳ / ۱ / ۷۶، نویسنده. ۲۴- «حاج سید محمد مرندی» متوفی ۱۳ / ۲ / ۷۶، هنرمند. ۲۵- «جلیل گل ریز خاتمی» متوفی ۲ / ۴ / ۷۶، استاد خاتم ساز. ۲۶- «سید رسول جاور» متوفی ۲۵ / ۴ / ۷۶، شاعر معاصر متخلص به «جابر». ۲۷- «آقا جواد عریضی» متوفی ۵ / ۸ / ۷۶، مؤلف. ۲۸- «حجهالاسلام و المسلمین استاد حاج حبیب الله فضائلی» متوفی ۱۳ / ۸ / ۷۶، وی تحصیلات حوزوی و دانشگاهی داشت و در فقه، ادبیات و عرفان و تفسیر دست توانایی داشت. در سفر حج در سال ۶۳ ش او را اهل ذکر و متخلق و شیفته خاندان رسالت یافتیم. وی سرآمد خوشنویسان اصفهان در عصر حاضر بود و همه خطوط را با مهارت می نوشت و از تاریخچه و مبانی نظری خط و خطاطان مشهور آگاهی کامل داشت. از جمله آثار وی الف = «اطلس خط» تحقیق در خطوط اسلامی و استادان خط ب = «تعلیم خط» ج = «مرد آفرین روزگار» د = «بوستان خط» ه = «گنجینه "الاسرار عمان سامانی» و «اصحاب رس» ظ = «نگارش "قرآن مجید» ح = کتبه های ایشان در آثار ایران و برخی از کشورهای جهان. رحمه الله علیه ۲۹- «استاد مسیح جلوه» متوفی ۱۴ / ۸ / ۷۶، پزشک و استاد دانشگاه. ۳۰- «غلامحسین فیض اللهی» متوفی ۸ / ۹ / ۷۶، هنرمند میناساز. ۳۱- «ابوالحسن سنمار» متوفی ۲۰ / ۱۰ / ۷۶، معمار آثار باستانی. ۳۲- «آرمان بهرامیان» متوفی ۲۸ / ۱۲ / ۷۶، متخصص ریاضی و نجوم. ۳۳- «رضا ابوعطا» متوفی ۲۵ / ۳ / ۷۷، هنرمند مینیاتور. ۳۴- «محمد اعتزازی» متوفی ۱۷ /

۳۵- مرحوم «حاج حسن شفیعی» فرزند قدمعلی، در سال ۱۳۰۴ ش دیده به جهان گشود. وی تحصیلات عادی را نزد حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا صدرالدین کوهپایی و آقامیرزا محمددرچه ای گذراند. آن عارف صمدانی پانزده سال از همراهان و یاران حاج میرزا علی آقا بود و سال های بسیار در منزل مسکونی خود به تدریس مشغول بود و مدتی را نیز در دانشگاه، اخلاق و نهج البلاغه تدریس می کرد. تألیفات ایشان عبارتند از: ۱- «تجلیل فضیلت»، ترجمه و شرح نوشته های ابن ابی الحدید درباره امیرمؤمنان علیه السلام ۲- «نور الیقین»، شرح طبه متقین ۳- «بهجه الطالبین» منظومه منطلق ۴- کتاب کنز الرموز اثر میرحسین هروی در تربیت و اخلاق و سلوک و عرفان که همراه با پنج غزل از مرحوم شفیعی در سال ۱۳۶۰ ش چاپ شده است. ۵- «دیوان اشعار فارسی». سرانجام این عارف بلند مرتبه در تاریخ ۳ / ۱۱ / ۷۸ از دنیا رفت. (ر. ک زندگی نامه دست نویس آقای علی کرباسی زاده از شاگردان مرحوم شفیعی). از همین طبقات که در طول این سال ها وفات یافته اند در قم و یا امامزادگان اصفهان مدفون گردیدند. البته عده دیگری را نیز باید متذکر می شدیم که به علت عدم آگاهی از فوت آنان و محل دفنشان ذکر نشده اند. از برای خود و جمیع مؤمنین طلب آمرزش می کنم. اللهم اغفرلی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات. ۳۶- «دکتر احمد مجتهدی» فرزند علی، متولد ۱۳۱۴ ش. وی از خاندان مجتهدی تبریز بود که به خدمت در اداره آموزش و پرورش اصفهان اشتغال داشت. نامبرده استاد گروه جغرافیای دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان بود و مدت پنج سال ریاست این دانشکده

را برعهده داشت. از تألیفات وی «کلیات جغرافیای انسانی» چاپ مشعل و کتاب «شهرها و مسائل مربوط به آنها» چاپ مشعل و بیش از ۲۰ مقاله علمی در باب جغرافیای انسانی در مجلات و همایش های علمی داخلی و خارجی می باشد. این دانشمند، فرهیخته و دلسوز و خیر و نیکوکار و خوش اخلاق سرانجام پس از سال ها خدمت روز پنج شنبه ۱۰ شهریور ماه ۱۳۷۹ش مطابق با دوم جمادی الاولی سال ۱۴۲۱ه بدرود حیات گفت.

شایان توجه است باغ رضوان در زمینی به مساحت حدود ۴۰۰ هکتار ایجاد شده است و شروع بهره برداری از آن در اردیبهشت ۱۳۶۳ش می باشد و امکانات آن هم اکنون دارای ۴۵ قطعه برای دفن مردگان، فضای سبز بسیار عالی با انواع درختان و گل کاری زیبا، غسلخانه بهداشتی شیشه ای، سالن های متعدد ترحیم، مسجد، سقاخانه های متعدد، سرویس های بهداشتی متعدد، جاده های اصلی و فرعی مناسب، محوطه های اسباب بازی کودکان و توقف گاه های متعدد جهت خودروها می باشد. این گورستان را سازمان باغ رضوان با واحدهای مختلف فضای سبز، امور مالی، دفتر فنی، متوفیات و خدمات، انتظامات و روابط عمومی اداره می کند. از هنگام افتتاح گورستان باغ رضوان حدود ۵۰ هزار نفر در آن دفن شده اند.

مرمت و بازسازی اصفهان

پروژه احیاء بدنه شرقی چهار باغ عباسی

چهار باغ عباسی جایگاه رفیع خود در مقام یکی از دو محور سازمان دهنده توسعه اصفهان در تاریخ را از دست داده است و به یک خیابان اصلی، یک بلوار و یا یک امتداد تجاری گران قیمت در اصفهان امروز تغییر ماهیت داده است. در جریان این تغییر، ترکیب فضایی چهارباغ نیز نظام منحصر به فرد تاریخی خود را از دست ساخت و سازهای هدایت نشده و ناهمانگ شهری، چهره بی هویتی به خود گرفته

است. چهار باغ عباسی اگر با اتکاء به تداوم اصولی که برای نخستین بار در تاریخ شهرسازی در اصفهان عصر صفوی تبلور یافت، هویت اصلی خود را بازیابد قابلیت این را دارد که کماکان در مقام یک محور منحصر به فرد در سازمان فضایی اصفهان امروز ایفای نقش کند از این رو مجموعه مداخلات بهسازی و ترمیم از هم گسیختگی های کالبدی چهار باغ این سازمان را بر آن داشته تا با عزم جدی از بدنه سازی یک خیابان فراتر و با اتکاء به اهداف سه گانه:

۱-وفاداری به تاریخ ۲-تجهیز امروزی ۳-بازدهی اقتصادی نسبت به مطالعه و تهیه طرح های اجرایی اقدام نماید که در این راستا مطالعات فاز یک آماده شده است. چهار باغ مهمترین گردشگاه شهر اصفهان است که در دوره شاه عباس اول احداث شده و در اطراف آن باغهای سلطنتی قرار داشته که امروز تبدیل به مغازه و منزل شده است ابتدای این خیابان عمارت جهان نما در محل دروازه دولت و انتهای آن دامنه کوه صفا در جنوب شهر اصفهان بوده است. امتداد این خیابان به سمت شمال در نیم قرن اخیر صورت گرفته و در نقشه از چهار باغ عباسی پیروی شده است. خیابان چهار باغ عباسی در سال ۱۰۲۵ هجری زیباترین خیابانهای جهان بوده است به طوری که شارع سیاح فرانسوی راجع به خیابان چهار باغ نوشته است این خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده یا شنیده ایم. سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان اقدام به تهیه معماری فاز ۱ و ۲ سازه و تاسیسات بدنه شرقی چهار باغ عباسی حد فاصل بازار هنر تا میدان هنر

تا میدان امام حسین علیه السلام به طول ۵۳۸ متر و عرض ۲۱ متر در زمینی به مساحت ۱۱۲۹۸ متر مربع در سه طبقه نموده است و طرح مذکور به تصویب شورای عالی فنی میراث کشور رسیده است و مجری اجرای پروژه مذکور که شامل فضاهای تجاری و خدماتی است می باشد.

مرمت و احیای عصارخانه شاهی

در میدان امام اصفهان اثری گمنام داریم که در شکوه و عظمت آثاری مانند مسجد امام مسجد شیخ لطف الله و عالی قاپو گم شده است.

بنائی که اگر چه خود تاریک و بی فروغ است روزگاری مایه روشنایی چراغ های خانه های ایرانیان و حتی محافل شاهانه بوده است. منظور از عصارخانه، کارخانه روغن کشی دوره صفوی است که به دستور شاه عباس اول بنا شده است.

همانگونه که امروز قلب صنعت ایران در دستهای اصفهان می تپد در زمانهای گذشته نیز از لحاظ صنعتی مقام نخست را دارا بوده است. عصارخانه ها در گذشته در صنعت تهیه روغن چراغ، کود جهت زمین های زراعی، غذای دامها و تهیه مواد جهت رنگ آمیزی و صابون نقش مهمی را در زندگی مردمی ایفا کرده است.

پروژه احیاء میدان عتیق

در زمان سلجوقیان میدان عتیق به عنوان اصلی ترین محل مبادلات مردم عمل کرده و عناصری همچون مسجد جامع و مقر حکومتی سلجوقیان در شکل گیری و قدرت بخشیدن به آن نقش ویژه داشته است و این نقش تا اواسط دوران صفویه همراه با محور بازار و میدان نقش جهان ادامه داشته است. در دوران قاجار به دلیل انتقال پایتخت به تهران از اهمیت میداین شهر اصفهان کاسته شده و در دوره پهلوی به دلیل احداث خیابان عبدالرزاق از شکل اصلی خود خارج و امروز دچار عقب ماندگی کالبدی فضایی و اجتماعی گذشته است. وجود عناصر با ارزش تاریخی در اطراف این میدان همچون مسجد جامع عتیق، بازار، مدرسه و کاروانسرای قدیمی ارزشی بی نظیر به این مجموعه باستانی داده است. سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان به منظور

رفع محرومیت از این منطقه و شکوفایی دوباره این محور تاریخی تصمیم به احیاء میدان عتیق و مجموعه پیرامون آن گرفته است.

پارکینگ= ۷۰۰ / ۴۱ مترمربع، محوطه جلوخان مسجد جامع= ۳۳۰ / ۱۰ مترمربع مساحت کل محدوده طرح= ۶۴۳ / ۲۲۲ مترمربع، میدان میوه و تره بار (ساختمانها و محوطه سازی)= ۴۰۰ / ۲۷ مترمربع مساحت میدان= ۰۰۶ / ۳۴ مترمربع، بدنه میدان شامل تجاری ها رواق ها و فضاهای شهری= ۰۰۰ / ۲۲ متر مربع

مرمت و احیای بازارچه علیقلی آقا

بازارچه علیقلی آقا به همراه مسجد و حمام زیبایی در ۱۱۲۲ هجری قمری در دوران شاه سلطان حسین صفوی توسط علیقلی آقا از غلامان خاصه دربار ساخته شده است تا قسمتی از درآمد حاصله از آن به خرج نگهداری مسجد برسد. بازارچه مذکور در مرکزیت و در امتداد محور تاریخی علیقلی آقا واقع شده و دارای دو راسته اصلی و بزرگ و یک راسته فرعی و کوچک و نیز یک چهارسوق با دهنه ای به قطر ۱۰ / ۱۱ متر و ارتفاع ۲۷ / ۱۱ متر در مرکز می باشد.

بازارچه مسقف بوده و پوشش سقف آن طاق و چشمه و آجری می باشد. چهارسوق بازارچه در مرکزیت آن آجری و به شکل هشت ضلعی می باشد که نقش اتصال دهنده راسته های بازارچه و به عنوان مرکز ثقل بازارچه عمل می نماید.

بازارچه ها

۱. بازارچه علیقلی آقا، ۱۰. بازارچه میرزا باقر
۲. بازارچه رحیم خان، ۱۱. بازارچه حاج علی خان
۳. بازارچه چهارسوق شیرازی، ۱۲. بازارچه شاه اسدالله
۴. بازارچه بیدآباد، ۱۳. بازارچه تفنگ سازها
۵. بازارچه شاطر باشی، ۱۴. بازارچه چهارسو مقصود
۶. بازارچه دومنار دردشت، ۱۵. بازارچه حسن آباد
۷. بازارچه سید العراقین، ۱۶. بازارچه فرهنگی سنتی تخت فولاد (طوبی)
۸. بازار زرگرها، ۱۷. بازارچه جلفا
۹. بازار نجارها، ۱۸. بازارچه رهنان

مرمت برج کبوتر

از برجسته ترین و شگفت انگیزترین عناصر اطراف و گوشه و کنار شهر زیبا و تاریخی اصفهان برجهای مدور و مرتفعی است که بعضی به اشتباه تصور می کنند دژهای قدیمی و مستحکم شهر بوده اند در حالی که این برجها متعلق به کبوتران است و کبوتر خانه یا برج کبوتر نام دارد.

هدف از ساخت اینگونه بناها حمایت از کبوتران به منظور تحصیل کود حیوانی بوده است. یکی از این برجها که سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان اقدام به بازسازی آن نموده است در کمربندی شرق اصفهان واقع شده است.

این بنا از خشت ساخته شده است و ارتفاع آن در حدود ۱۴ متر و محیط آن ۶۰ متر می باشد. از پایین به بالا در داخل چندین هزار حجره برای کبوتران از گل رُس ایجاد شده است. درب شمالی برج فقط سالی یکبار جهت خارج کردن کود باز می شده و جهت حفظ جان کبوتران در نیمه بالایی بدنه خارجی نوار صیقلی گچی دورتادور را فرا می گیرد و این ترفندی بوده است که مار به برج راه نیابد.

۱-برج کبوتر خانه ۲-برج کبوتر آذر بهرام ۳-برج کبوتر رهنان

بقعه ها و امام زاده ها

۱. شیخ ابومسعود ۲. شاهزادگان مقتول ۳. امامزاده زید ۴. امامزاده ستی فاطمه

ساماندهی گلستان ها

۱. گلستان شهدای اصفهان ۲. گلستان شهدای رهنان

گذرهای تاریخی

۱. گذر بیدآباد تا شاطرباشی ۲. گذر محور جویباره ۳. گذر سعدی ۴. گذر جلغا ۵. معابر تخت فولاد

حمام های تاریخی

اشاره

۱. حمام تاریخی علیقلی آقا ۲. حمام دردشت ۳. حمام شاهزاده ها ۴. حمام رهنان ۵. حمام شیخ بهایی

مرمت و احیای حمام علیقلی آقا

حمام های بزرگ و کوچک علیقلی آقا در محله بیدآباد اصفهان توسط شخص علیقلی آقا اثر درباریان دو پادشاه عصر صفوی شاه سلیمان و شاه سلطان حسین در مجموعه ای که خود بانی آن بوده است به سال ۱۱۲۵ هجری قمری بر پا شده و وقف مسجد و مدرسه گردیده است. این بنای زیبای عصر صفوی که به ثبت آثار ملی ایران رسیده است علاوه بر آنکه کلیه ویژگی های حمام های ایرانی را داراست از ارزشهای خاص تاریخی هنری برخوردار است.

این بنا شامل حمام بزرگ و کوچک دارای تزئینات کاشی هفت رنگ و معرق و آهک بری زمان صفویه و نقاشی های دوران قاجار است که در دوره های بعدی هنگام تعمیرات افزوده شده است. از سال ۱۳۷۹ مرمت حمام توسط سازمان نوسازی و بهسازی آغاز و تقریباً پس از چهار سال به منظور موزه مردم شناسی مورد بهره برداری قرار گرفت.

مرمت و احیای حمام شاهزاده ها

حمام شاهزاده ها در بازار رنگرزان و مجاور مدرسه شاهزادگان واقع شده است و ظاهراً توسط یکی از شاهزادگان صفوی بنا گردیده است.

این حمام نیز همانند سایر حمام های ایرانی متشکل از ورودی و بخشهای مربوط به آن سرینه گرمخانه و قسمت های جانبی می باشد. کاشیکاریهای مربوط به عصر صفوی تزئینات آهک بری و نقاشیهای مربوط به دوره قاجار زینت بخش این حمام تاریخی است. حمام شاهزاده ها در حال حاضر توسط سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان در حال تعمیر می باشد.

حمام شیخ بهایی اصفهان

حمام شیخ بهایی در محله قدیمی نظامیه کوچه شیخ بهایی منشعب از بازار قدیم اصفهان به بازار عربها شهرت دارد واقع است. با توجه به اینکه حمام منسوب به شیخ بهایی است ولی از رجال زمان صفویه بوده و بین سالهای ۹۵۳ تا ۱۰۳۰ هجری قدیمی می زیسته است می توان اظهار کرد اصل و بنیان بنا متعلق به دوره صفویه است.

فضای شکل گرفته حمام شامل: حمام بزرگ حمام کوچک و چهار حوض است. همترین عناصر تشکیل دهنده حمام بزرگ شامل: ورودی، سرینه، گرمخانه و سرویس های بهداشتی می باشد. در مورد گرمایش آب حمام به وسیله شعله یک شمع نقل قولهایی شده است و حدسیاتی در مورد استفاده از سیستم گرمایش بیوگاز زده شده ولی تاکنون هیچگونه دلیل مستندی در این مورد به دست نیامده است.

تزئینات بکار رفته در این حمام طی دوره های مختلف تغییر کرده و در حال حاضر در بخشهایی از راه گرمخانه تزئینی از کاشیکاری به صورت هشت و صابونک دیده می شود. حمام شیخ بهایی از نظر تاریخی و موقعیت قرار گرفتن در

محور تاریخی شهر اصفهان و ارزش و اهمیتی که مردم نسبت به احیای حمام می دهند نیازمند طرح جامعه مرمتی است.

پروژه های پیشنهادی برنامه پنج ساله سوم شهرداری اصفهان

مقدمه

سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان علاوه بر پروژه های فعال خود مواردی را نیز در دست مطالعه دارد که به عنوان برنامه پنج ساله سوم از طرف مدیریت برنامه ریزی تنظیم و ارائه شده که عناوین آنها بدین قرار است:

احیای میدان عتیق، دردشت، پروژه صدف بتن، جماله، تکمیل محورهای تاریخی فرهنگی و گردشگری، پشت مسجد امام، باز زنده سازی محور چهارباغ عباسی، جویبار، احیاء محور بازار اصفهان، خواجه نظام الملک، ساماندهی و احیاء خیابان سپه، جلفا، نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده، بیدآباد، پروژه های مطالعاتی و پژوهشی، پروژه های تخت فولاد، الگوسازی محله گردشگری

که هر کدام از موارد فوق شامل دهها پروژه مطالعاتی و اجرایی می باشد.

پروژه احداث هتل در زمین کاروانسرای نخجوانیها

بازسازی کاروانسرای نخجوانیها، احیاء و توسعه آن در قالب هتل و خدمات توریستی سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان در نظر هتل سنتی در ضلع جنوب شرقی میدان امام در زمینی به مساحت تقریباً ۲۵۰۰ مترمربع معروف به کاروانسرای نخجوانیها با تاریخچه ذیل نماید. کاروانسرا بایستی بر اساس نقشه های بنای تاریخی عیناً بازسازی شود و این امر تغییرپذیر نیست. امکان این وجود دارد که درون فضاهای کاروانسرا با الحاقات لازم و همچنین با تملک و الحاق بناهای جانبی به اصل بنا نیازهای فضایی برای کاربری های جدید تأمین گردد. توسعه بنای کاروانسرا برای قبول فعالیت های جدید صرفاً از طریق اتصال مالکیت های همجوار با ترکیب پر و خالی خود ادامه داده و با تحولات اقتصادی بازار و به علت عدم دسترسی سواره کافی از حیض انتفاء افتاده اند در حال حاضر نیز ترجیح بر آن است که این عناصر مجدداً با حفظ ماهیت کالبدی

احیاء و به فعالیت های مناسب اختصاص یابند. بدنه میدان در هر صورت و به لحاظ گذشته تاریخی متشکل از عناصر ریز تجاری (حجره ها) بوده است. با تبدیل کاروانسرا به هتل و یا توسعه آن در ترکیب با مالکیت های شمالی در هر صورت حفظ ماهیت عملکردی این بدنه به صورت واحدهای تجاری شایستی مخدوش گردد. همانگونه که به لحاظ کالبدی یک نظم سلسله مراتبی بین اندازه و حجم عناصر ترکیب یافته در ریزدانه های تجاری هستند و یا کاروانسراهای با ابعاد متوسط و کوتاه مرتبه که در بین آنها خانه های کوچک قرار گرفته اند. همین نظم سلسله مراتبی قاعدتاً بایستی در عملکردهای جاری در فضاهای مذکور جریان یابد. بزرگ شدن یک قطب فعالیت که بالطبع حجم رفت و آمد و ترافیک سواره، پیاده و تبعات بعدی آن ها نظم موجود میدان را بر هم زند و به عنوان رقیبی در مقابل جاذبه های عناصر تاریخی شاخص میدان مطرح گردد صحیح نیست.

مرمت دیوار کلیسای وانک

کلیسای وانک زیباترین کلیسای جلفا است و در محل کلیسای قدیمی تری که رو به ویرانی بوده است ساخته شده. قدمت ساخت کلیسا به دوره صفوی برمی گردد معماری کلیسا، نقاشی و آب طلاکاریها به شیوه ایرانی است. پروژه دیوار کلیسای وانک بدنه سازی بیرونی را شامل می شود که سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان اقدام به استحکام بخشی بنیادی و نماسازی مطابق با طرح اولیه نموده است.

خانه های تاریخی

اشاره

۱-خانه کدخدایی ۲-خانه هارونیه ۳-خانه رشیدی ۴-خانه استپانیان ۵-مدرسه فرانسوی ها ۶-ساختمان اداری صنایع پشم ۷-خانه مشروطه

مرمت و احیای خانه تاریخی کدخدایی

خانه تاریخی منسوب به کدخدایی بنای ارزشمندی متعلق به دوره قاجار است که در محور تاریخی فرهنگی گردشگری دردشت واقع شده است.

ساختمان به سبک معماری ایرانی و بر اساس دیوار دربار بر بنا نهاده شده است طاقها و سقفها با قوسهای پنج و هفت پوشیده شده و شاه نشین با مقرنس ها و رنگ آمیزی طلائی و فیروزه ای زیبایی خاصی را نمایان ساخته است. مابقی فضاها نیز هر کدام دارای گچبری ها و مقرنس های مختص به خود می باشند.

سه جبهه از حیاط این بنا دارای تزئینات و فقط جبهه جنوبی فاقد تزئینات می باشد. در بخش شمالی در نماسه ارسی بزرگ و دو درب ورودی مشاهده می شود که ارسی میانی از بقیه دارای عرض بیشتری می باشد.

قسمت شرقی و غربی از لحاظ ترکیب بندی و تزئینات مشابه بوده و فضای اصلی میانی با پنجره ای بزرگ در وسط و دو درب

کوچک در طرفین مشاهده می شود. عملیات اجرایی مرمت این بنای با ارزش اردیبهشت سال ۱۳۸۲ آغاز و آذر سال ۱۳۸۳ به پایان رسید که در حال حاضر محل استقرار سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان می باشد.

مرمت خانه تاریخی مشروطیت

بر اساس شواهد موجود و شیوه های معماری بنا در دوره قاجار احداث شده است وجه تسمیه خانه به علت تشکیل جلسات مشروطه خواهان اصفهانی در این خانه است. این خانه دارای دو بخش اندرونی بیرونی می باشد و در حدود ۱۵۰۰ متر مربع زیر بنا دارد. بیرونی شامل یک جبهه است که شامل یک اتاق هفت دری زیبا و باشکوه است. بخش اندرونی شامل چهار جبهه زیبا

و تقریباً پابرجاست که قوسها قاجاری و پنجره های زیبای رنگی این چهار جبهه کاملاً مشهود است. تزئینات بکار رفته در این بنا شامل نقاشی به شیوه شیر و شکر گچ بری شده و پنجره های ارسی با شیشه های رنگی می باشد. مرمت این خانه زیبای تاریخی یکی دیگر از پروژه های سازمان نوسازی و بهسازی می باشد که در سال جاری (۱۳۸۴) آغاز گردیده است.

مرمت منار تاریخی ساربان

منار ساربان در انتهای شمالی محله قدیمی جویباره اصفهان واقع شده است. قدمت ساخت منار به دوره سلجوقی (۹۰۰ سال پیش) برمی گردد.

به جز انحنای مختصری که در قسمت فوقانی به سمت غرب پیدا کرده است سالم و پا برجاست. منار منفرد مدور و در سه طبقه بدون پایه و ارتفاع آن در حدود ۴۸ متر است. درون منار فضا به حداقل می رسد و برای صعود آن پلکان حلزونی استفاده شده است.

آجرچینی نماها و مقرنس ها مزین به کاشی معرق زینت بخش این بنا می باشد. عملیات استحکام بخشی و مرمت مقرنس ها بالای منار و بازسازی انتهای آن که در اثر گذشت زمان بخشی از آن فرو ریخته بوده و همچنین تعمیرات موضعی بدنه منار و پلکان داخلی آن توسط سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان انجام گرفته است.

تکایا

اشاره

۱- تکیه فاضل سراب، ۲- تکیه مادر شازده ۳- تکیه میر، ۴- تکیه ریزی ۵- تکیه جعفر آباده ای، ۶- تکیه بروجردی ۷- تکیه سید العراقیین، ۸- تکیه بیدآبادی ۹- تکیه آغاباشی، ۱۰- تکیه درویش عبدالمجید

مرمت و بازسازی تکیه فاضل سراب

تکیه فاضل سراب در شرق خیابان فیض اصفهان واقع گردیده است. این تکیه در اواخر دوره صفوی و در زمان سلطنت شاه سلطان حسین به احترام عالم آن عصر محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب بنا شده است.

این تکیه که در وسط آن بقعه بزرگی است دارای چهار ایوان شاه نشین با طاق و گنبد آجری می باشد. شاعر و عالم عالیقدر میرزا حسن خان متخلص به آتش نیز در این تکیه مدفون است. سازمان نوسازی و بهسازی طی چند مرحله عملیات بازسازی کامل هشتی ورودی و پیاده روسازی مجاور تکیه همراه با بازسازی اتاق های قدیمی مجاور سر درب را در دستور کار خود قرار داده است.

نوروزنامه ایرانیان

پیدایش جشن نوروز

در ادبیات فارسی جشن نوروز را، مانند بسیاری دیگر از آیین ها، رسم ها، فرهنگ ها و تمدن ها به نخستین پادشاهان نسبت می دهند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری، چون فردوسی، منوچهری، عنصری، بیرونی، طبری، مسعودی، مسکویه، گردیزی و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره ای آنان بی گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز و برگزاری جشن نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند،

روزها یا ماه جشن نوروز

مدت برگزاری جشن هایی چون مهرگان، یلدا، سده و بسیاری دیگر، معمولاً یک روز (یا یک شب) بیشتر نیست. ولی جشن نوروز، که درباره اش اصطلاح "جشن ها و آیین های نوروزی" گویاتر است، دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را، پس از جمشید یک ماه می نویسد: چون جم در گذشت، پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، ۵ روز دوم را به اشراف، ۵ روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، ۵ روز چهارم را به ندیمان و درباریان، ۵ روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم را به برزیگران. ، در زمان شاه سلیمان صفوی، مهمانی ها، تفریح و جشن های نوروز در میدان های عمومی تا سه هفته طول می کشید.. ولی برگزاری مراسم نوروزی امروز، دست کم از پنجه و "چهارشنبه آخر سال" آغاز و در "سیزده بدر" پایان می پذیرد

چهارشنبه سوری

مراسم شب چهارشنبه آخر سال که با روشن کردن آتش از غروب آفتاب و پریدن از روی آن و گفتن سرخی تو از من و زردی من از تو آغاز و سپس با صرف آجیل.. قاشق زنی و فالگوش ایستادن به نیت شنیدن صحبتی که به فال نیک گرفته شود تا پاسی از شب ادامه می یابد

میر نوروزی

از جمله آیین های این جشن پنج روزه، که در شمار روزهای سال و ماه و کار نبود، برای شوخی و سرگرمی، حاکم و امیری انتخاب می کردند که رفتار و دستورهایش خنده آور بود، و در پایان جشن از ترس آزار مردمان فرار می کرد. بی گمان کسانی را که در روزهای نخست فروردین، با لباس های قرمز رنگ و صورت سیاه شده در کوچه و گذر و خیابان با دایره زدن و خواندن، مردم را سرگرم می کردند و پولی می گرفتند، بازمانده شوخی ها و سرگرمی های انتخاب "میر نوروزی" و "حاکم پنج روزه" است که تنها در روزهای جشن نوروزی دیده می شدند، نه در وقت و جشنی دیگر؛ و آنان خود در شعرهایی که می خواندند، می گفتند: حاجی فیروزه، عید نوروزه، سالی به روزه

قصه عمو نوروز

یکی بود، یکی نبود. پیر مردی بود به نام عمو نوروز که هر سال روز اول بهار با کلاه نمدی، زلف و ریش حنا بسته، کمرچین قدک آبی، شال خلیل خانی، شلوار قصب و گیوه تخت نازک از کوه راه می افتاد و عصا به دست می آمد به سمت دروازه

شهر. در بیرون از دروازه شهر پیرزنی زندگی می کرد که دلباخته عمو نوروز بود و روز اول هر بهار، صبح زود پا می شد، جایش را جمع می کرد و بعد از خانه تکانی و آب و جاروی حیاط، خودش را حسابی تر و تمیز می کرد. به سر و دست و پایش حنای مفصلی می گذاشت و هفت قلم، از خط و خال گرفته تا سرمه و سرخاب و زرک آرایش می

کرد. یل ترمه و تنبان قرمز و شلیته پرچین می پوشید و مشک و عنبر به سر و صورت و گیسش می زد و فرشش را می آورد می انداخت رو ایوان، جلو حوضچه فواره دار رو به روی باغچه اش که پر بود از همه جور درخت میوه پر شکوفه و گل رنگارنگ بهاری و در یک سینی قشنگ و پاکیزه سیر، سرکه، سماق، سنجد، سیب، سبزی، و سمنو می چید و در یک سینی دیگر هفت جور میوه خشک و نقل و نبات می ریخت. بعد منقل را آتش می کرد و می رفت قلیان می آورد می گذاشت دم دستش. اما، سر قلیان آتش نمی گذاشت و همانجا چشم به راه عمو نوروز می نشست. چندان طول نمی کشید که پلک های پیرزن سنگین می شد و یواش یواش خواب به سراغش می آمد و کم کم خرناسش می رفت به هوا. در این بین عمو نوروز از راه می رسید و دلش نمی آمد پیرزن را بیدار کند. یک شاخه گل همیشه بهار از باغچه می چید رو سینه او می گذاشت و می نشست کنارش. از منقل یک گله آتش برمی داشت می گذاشت سر قلیان و چند پک به آن می زد و یک نارنج از وسط نصف می کرد؛ یک پاره اش را با قند آب می خورد. آتش منقل را برای اینکه زود سرد نشود می کرد زیر خاکستر و پا می شد راه می افتاد. آفتاب یواش یواش تو ایوان پهن می شد و پیرزن بیدار می شد. اول چیزی دستگیرش نمی شد. اما یک خرده که

چشمش را باز می کرد می دید ای داد بی داد همه چیز دست خورده. آتش رفته سرقلیان. نارنج از وسط نصف شده. آتش ها رفته اند زیر خاکستر، آن وقت می فهمید که عمو نوروز آمده و رفته و نخواسته او را بیدار کند. پیر زن خیلی غصه می خورد که چرا بعد از آن همه زحمتی که برای دیدن عمو نوروز کشیده، درست همان موقعی که باید بیدار می ماند خوابش برده و نتوانسته عمو نوروز را ببیند و هر روز پیش این و آن درد دل می کرد که چه کند و چه نکند تا بتواند عمو نوروز را ببیند؛ تا یک روزی کسی به او گفت چاره ای ندارد جز یک دفعه دیگر باد بهار بوزد و روز اول بهار برسد و عمو نوروز باز از سر کوه راه بیفتد به سمت شهر و او بتواند چشم به دیدارش روشن کند. پیر زن هم قبول کرد. اما هیچ کس نمی داند که سال دیگر پیرزن توانست عمو نوروز را ببیند یا نه. چون بعضی ها می گویند اگر این ها همدیگر را ببینند دنیا به آخر می رسد و از آنجا که دنیا هنوز به آخر نرسیده پیرزن و عمو نوروز همدیگر را ندیده اند.

روزهای مردگان و پنجشنبه آخر سال

یکی از آیین های کهن پیش از نوروز یاد کردن از مردگان است که به این مناسبت به گورستان می روند و خوراک می برند و به دیگران می دهند. زرتشتیان معتقدند که: " روان و فروهر مردگان، هیچ گاه کسی را که به وی تعلق داشت فراموش نمی کند و هر سال هنگام

جشن فروردین به خانه و کاشانه خود برمی گردند ". یکی از صورت های برجای مانده این رسم، در شهر و روستا، به گورستان رفتن " پنجشنبه آخر سال " است، به ویژه خانواده هایی که در طول سال عضوی را از دست داده اند. رفتن به زیارتگاه ها و " زیارت اهل قبور "، در پنجشنبه- و نیز، روز پیش از نوروز و بامداد نخستین روز سال- رسمی عام است. در این روز، خانواده ها سبزه، نان، حلوا و خرما بر مزار نزدیکان می گذارند و بر مزار تازه گذشتگان شمع، یا چراغ روشن می کنند.

خانه تکانی

اصطلاح " خانه تکانی " را بیشتر در مورد شستن، تمیز کردن، نو خریدن، تعمیر کردن ابزارها، فرش ها، لباس ها، به مناسبت فرا رسیدن نوروز، به کار می برند. در این خانه تکانی، که سه تا چهار هفته طول می کشد، بایستی تمامی ابزارها و وسیله هایی که در خانه است، جا به جا، تمیز، تعمیر و بررسی شده و دوباره به جای خود قرار گیرد. برخی از ابزارهای سنگین وزن، یا فرش ها، تابلو ها، پرده ها و وسیله های دیگر، فقط سالی یک بار، آن هم در خانه تکانی نوروزی، جا به جا و تمیز می شود

کاشتن سبزه

اسفند ماه، ماه پایانی زمستان، هنگام کاشتن دانه و غله است. کاشتن " سبزه عید " به صورت نمادین و شگون، از روزگاران کهن، در همه خانه ها و در بین همه خانواده ها مرسوم است. در ایران کهن، " بیست و پنج روز پیش از نوروز، در میدان شهر، دوازده ستون از خشت خام بر پا می شد، بر ستونی گندم، برستونی جو و به ترتیب، برنج، باقلا، کاجیله (گیاهی است از تیره مرکبان، که ساقه آن به ۵۰ سانتی متر است)، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد، عدس و ماش میکاشتند؛ و در ششمین روز فروردین، با سرود و ترنم و شادی، این سبزه ها را می کردند و برای فرخندگی به هر سو می پراکندند ". و ابوریحان نقل می کند که: " این رسم در ایرانیان پایدار ماند که روز نوروز در کنار خانه هفت صنف از غلات در هفت استوانه بکارند و از رویدن این غلات، به خوبی و بدی زراعت

و حاصل سالیانه حدس بزنند. "امروز، در همه خانه ها رسم است که ده روز یا دو هفته پیش از نوروز، در ظرف های کوچک و بزرگ، کاسه، بشقاب، پشت کوزه و... دانه هایی چون گندم، عدس، ماش و... می کارند. موقع سال تحویل و روی سفره "هفت سین" بایستی سبزه بگذارند. این سبزه ها را در خانواده ها تا روز سبزه نگه داشته، و در این روز زمانی که برای "سبزه بدر" از خانه بیرون می روند، در آب روان می اندازند.

سفره هفت سین

رسم و باوری کهن است که همه اعضای خانواده در موقع سال تحویل (لحظه ورود خورشید به برج حمل) در خانه و کاشانه خود در کنار سفره هفت سین گرد آیند. در سفره سفید رنگ هفت سین، از جمله، هفت رویدنی خوراکی است که با حرف "س" آغاز می شود، و نماد و شگونی بر فراوانی رویدنی ها و فراورده های کشاورزی است-چون سیب، سبزه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو و مانند این ها-می گذارند. افزون بر آن آینه، شمع، ظرفی شیر، ظرفی آب که نارنج در آن است، تخم مرغ رنگ کرده، تخم مرغی روی آینه، ماهی قرمز، نان، سبزی، گلاب، گل، سنبل، سکه و کتاب دینی (مسلمانان قرآن و زرتشتیان اوستا و...) نیز زینت بخش سفره هفت سین است. این سفره در بیشتر خانه ها تا روز سبزه گسترده است.

پوشیدن لباس نو

پوشیدن لباس نو در آیین های نوروزی، رسمی همگانی است. تهیه لباس، برای سال تحویل، فقیر و غنی را به خود مشغول می دارد. در جامعه سنتی توجه به تهیدستان و زیردستان برای تهیه لباس نوروزی-به ویژه برای کودکان-رسمی در حد الزام بود. خلعت دادن پادشاهان و امیران در جشن نوروز، برای نو پوشاندن کارگزاران و زیردستان بود. ابوریحان بیرونی می نویسد: "رسم ملوک خراسان این است که در این موسم به سپاهیان خود لباس بهاری و تابستانی می دهند". مورخان و شاعران از خلعت بخشیدن های نوروزی فراوان یاد کرده اند. و برای این باور است که در وقف نامه حاجی شفیع ابریشمی زنجانی آمده است: هر سال شب های عید نوروز پنجاه دست لباس دخترانه

و پنجاه دست لباس پسرانه، همراه کفش و جوراب از عواید موقوفه تهیه و به اطفال یتیم تحویل شود.

خوراک های نوروزی

امروز در تهران و برخی شهرهای مرکزی ایران، سبزی پلو ماهی خوردن در شب نوروز و رشته پلو در روز نوروز رسم است، و شاید بتوان گفت که غذای خاص نوروز در این منطقه است. "پلو" در شهرهای مرکزی و کویری ایران (می توان گفت غیر از گیلان و مازندران در همه شهرهای ایران) تا چندی پیش غذای جشن ها، غذای مهمانی و نشانه رفاه و ثروتمندی بود. و این "بهترین" غذا، خوراک خاص همه مردم-فقیر و غنی-در شب نوروز بود. اگر نیک مردی در صد و پنج سال پیش در استرک کاشان، ملکی را وقف می کند که از درآمد آن همه ساله برنج اکتیاع نموده از آخر خمرسه مسترکه به تمام اهالی استرک، وضع و شریف، ذکور و اناث، صغیر و کبیر، بالسویه برسانند"، بی گمان به این نیت بوده، که در شب نوروز سفره هیچ کس بی "پلو" نباشد.

دید و بازدید نوروزی، یا عید دیدنی

از جمله آیین های نوروزی، دید و بازدید، یا "عید دیدنی" است. رسم است که روز نوروز، نخست به دیدن بزرگان فامیل، طایفه و شخصیت های علمی و اجتماعی و منزلی می روند. در بسیاری از این عید دیدنی ها، همه کسان خانواده شرکت دارند "دیدن" های نوروزی که ناگزیر "بازدید" ها را دنبال دارد، و همراه با دست بوسی و روبوسی است، در روزهای نخست فروردین، که تعطیل رسمی است، و گاه تا سیزده فروردین (و می گویند تا آخر فروردین) بین خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور و نزدیک، ادامه دارد. رفت و آمد گروهی خانواده ها، در کوی و محله-به-ویژه در شهرهای کوچک-هنوز

از میان نرفته است. این دید و بازدیدها، تا پاسی از شب گذشته، به ویژه برای کسانی که نمی توانند کار روزانه را تعطیل کنند، ادامه دارد. تا زمانی که "مسافرت های نوروزی" رسم نشده بود، در شهرها و محله هایی که آشنایی های شغلی و همسایگی و "روابط چهره به چهره" جایی داشت، دید و بازدید های نوروزی، وظیفه ای بیش و کم الزامی به شمار می رفت. و چه بسا آشنایانی بودند-و هستند-که فقط سالی یک بار، آن هم در دید و بازدید های نوروزی، به خانه یکدیگر می روند.

نوروز اول

در دید و بازدیدهای نوروزی رسم است که نخست به خانه کسانی بروند که "نوروز اول" در گذشت عضوی از آن خانواده است. خانواده های سوگوار افزون بر سومین، هفتمین و چهلمین روز، که بیشتر در مسجد برگزار می شود، نخستین نوروز که ممکن است بیش از یازده ماه از مرگ متوفا بگذرد، در خانه می نشینند. و در این روز است که خانواده های خویشاوند لباس سیاه را از تن سوگواران در می آورند. جلسه های "نوروز اول" که جنبه نمادین دارد، در عین حال از فضای دید و بازدیدهای نوروزی برخوردار است. و دیدار کنندگان، در نوروز اول، به خانواده سوگوار تسلیت نمی گویند، بلکه برای آنان "آرزوی شادمانی" می کنند، تا در آغاز سال نوفال بد نزنند. رسم نوروز اول بیشتر در شهرهایی برگزار میشود که آخرین روز اسفند را به عنوان یاد بود در گذشتگان سال سوگواری نکنند.

هدیه نوروزی، یا عیدی

هدیه و عیدی دادن به مناسبت نوروز رسمی کهن است، کتابهای تاریخی از پیشکش ها و بخشش های نوروزی-پیش از اسلام و بعد از اسلام-خبر می دهند، از رعیت به پادشاهان حکمرانان، از پادشاهان و حکمرانان به وزیران، دبیران، کارگزاران و شاعران، از بزرگتران خاندان به کوچکتران، به ویژه کودکان. رسم هدیه دادن نوروزی را، ابوریحان بیرونی از گفته آذرباد، موبد بغداد چنین آورده: نیشکر در ایران، روز نوروز یافت شد، پیش از آن کسی آن را نمی شناخت. جمشید روزی نی ای دید که از آن کمی به بیرون تراوش کرده، چون دید شیرین است، امر کرد این نی را بیرون آورند و

از آن شکر ساختند. و مردم از راه تبریک به یکدیگر شکر هدیه کردند، و در مهرگان نیز تکرار کردند، و هدیه دادن رسم شد.

سیزده بدر

در واقع آخرین روز از تعطیلات و مراسم نوروزی روز سیزده بدر است که در اولین سیزده سال مردم دست از کار کشیده و به دشت و صحرا میروند.

باورهای عامیانه

رفتارها و گفتارهای هنگام سال تحویل و روز نوروز، به باور عامیانه، می تواند اثری خوب یا بد برای تمام روزهای سال داشته باشد. برخی از این باورها را در کتابهای تاریخی نیز می یابیم، و بسیاری دیگر باورهای شفاهی است، و در شمار فولکلور جامعه است که در خانواده ها به ارث رسیده است: -کسی که در هنگام سال تحویل و روز نوروز لباس نو بپوشد، تمام سال از کارش خرسند خواهد بود.

-موقع سال تحویل از اندوه و غم فرار کنید، تا تمام سال غم و اندوه از شما دور باشد. -روز نوروز دوا نخورید بد یمن است. -هر کس در بامداد نوروز، پیش از آنکه سخن گوید، شکر بچشد و با روغن زیتون تن خود را چرب کند، در همه سال از بلاها سالم خواهد ماند. -هر کس بامداد نوروز، پیش از آنکه سخن گوید، سه مرتبه عسل بچشد و سه پاره موم دود کند از هر دردی شفا یابد.

-کسانی که مرده اند، سالی یکبار، هنگام نوروز، "فروهر" آنها به خانه بر می گردد. پس باید خانه را تمیز، چراغ را روشن و (با سوزاندن کندر و عود) بوی خوش کرد. -کسی که روز نوروز گریه کند، تا پایان سال اندوه او را رها نمی کند. روز نوروز باید یک نفر "خوش قدم" اول وارد خانه شود. اگر قصد مسافرت دارید پیش از سیزده سفر نکنید. روز چهاردهم سفر کردن خیر است.

آثار تاریخی اصفهان

مجموعه میدان امام

درباره میدان

(درخشنده ترین نگین انگشتری معماری و شهرسازی عصر صفوی) موقعیت: میدان امام حسین علیه السلام خیابان سپاه سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول) طول تقریبی: ۵۰۷ متر و عرض ۱۵۸ متر سه بنای مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله و سر در بازار قیصریه با طاقهای متحدالشکل به هم مربوط شده اند این میدان محل انجام مسابقات و بازی های معمول آن عصر (چوگان، قاپوق اندازی) و سان و رژه سربازان بوده است. غرفه های دو اشکوبه محل داد و ستد و تجارت بوده دور تا دور این میدان را احاطه کرده است. چهار طرف میدان چهار بازار قرار گرفته که به وسیله مغازه های داخل میدان به میدان مربوط می شوند.

قسمتهای دیدنی میدان

عبارت است از: چهار بنای معروف مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله، عمارت عالی قاپو، سر در بازار قیصریه، دو دروازه سنگی چوگان در شمال و جنوب میدان

با انتخاب اصفهان به پایتختی و گسترش شهر به طرف جنوب، میدان عظیم امام با طول تقریبی ۵۰۷ و عرض ۱۵۸ متر در شرق گردشگاه چهارباغ به عنوان یکی از ویژگی های عصر صفوی مطرح گردید. در طراحی شهری این میدان به عنوان عضو اصلی گسترش شهر مورد توجه قرار می گیرد و تا مدتها بعد از بزرگترین و زیباترین میدان های جهان نامیده می شود. میدان امام به جای میدان کوچکی که از دوران تیموریان باقی مانده بود احداث گردید. به هنگامی که دو مسجد امام و شیخ لطف الله و سر در بازار قیصریه ساخته شد این ۳ بنا با طاقهای متحدالشکل به هم مربوط شدند و با پایان یافتن میدان و خاتمه تزئینات،

کف آن شن ریزی و مسطح شد. از این زمان بود که میدان برای انجام مسابقات و بازی های معمول آن عصر مانند چوگان و قاپوق اندازی مورد استفاده قرار می گرفت و سان و رژه سربازان و سپاهیان نیز در همین محل انجام می شد. دو ستون سنگی که در جلو مسجد امام واقع شده و قرینه آنها نیز روبروی بازار قیصریه هستند بیانگر انجام بازی چوگان و سایر ورزش ها در میدان می باشند. «در گرداگرد کناره میدان نهری به عرض ۳ متر و عمق ۲ متر جریان داشت. در طول نهر ردیفی از درختان چنار بر رهگذران سایه می افکند. میدان روزها اغلب پوشیده از چادر دستفروشان بود و در طول روز افرادی از ملیت های مختلف نظیر انگلیسی، هلندی، پرتغالی، عرب، ترک، یهودی، ارمنی، روسی و هندی به این محل می آمدند». شبها نیز میدان به محل تردد بازیگران، شعبده بازان، خیمه شب بازان، بند بازان و قصه گویان تبدیل می شد.

به غیر از بناهای تاریخی چهارگانه که در چهار سمت میدان قرار گرفته اند و به جز خیابان هائی که از میدان می گذرند دور تا دور میدان را غرفه های دو اشکوبه احاطه کرده اند. این غرفه ها در آن روزگار به داد و ستد و تجارت اختصاص داشتند.

همچنان که امروز همین کاربری حفظ شده و انواع صنایع دستی و منسوجات کار اصفهان در آنها به مسافران و گردشگران عرضه می شود. چهار طرف میدان، چهار بازار قرار گرفته که به وسیله مغازه های داخل میدان به میدان مربوط می شوند. این بازارها در روزگار صفویه هر

یک به شغلی اختصاص داشت. بیشتر سیاحان و جهانگردانی که از اصفهان مطلب نوشته اند بر شکوه و عظمت میدان نقش جهان تأکید کرده و از حضور سفرا و نمایندگان خارجی و سایر اتباع کشورهای دیگر در این میدان خاطراتی را ذکر کرده اند. به نوشته برخی از این سفر نامه ها، بسیاری از مذاکرات تاریخی که بین دولتمردان ایران و فرستادگان خارجی انجام می شد در همین میدان صورت می گرفت. مقدمات احداث موزه بزرگ اسلامی در طبقه فوقانی میدان انجام شده و به زودی میدان بزرگ و با عظمت امام محلی برای نمایش و ارائه آثار اسلامی خواهد بود.

آنچه درباره میدان امام می توان گفت اینکه این اثر نفیس و با شکوه که در دنیا از شهرتی چشمگیر و بی نظیر برخوردار است با مجموعه عناصر و عملکردهایی که در نقش های سیاسی، مذهبی، اقتصادی، توریستی، و تفریحی داشته پیوسته در آسمان هنر و زیبایی ایران و جهان می درخشد. بطوری که با جرأت می توان ادعا کرد که این میدان همراه با فضاهای تکمیلی و عناصر مربوط به آن یعنی عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله، مسجد امام، توحید خانه، سردر قیصریه و راسته بازارها به تنهایی با تمام زیبایی ها و جاذبه های جهانگردی ایران برابری می کند.

مسجد امام

گستره ای از معماری اصیل اسلامی در پوششی از لعاب فیروزه ای فام

معروف به: مسجد مهدیه، مسجد المهدی، مسجد جامع عباسی، مسجد سلطانی جدید، مسجد شاه، موقعیت: ضلع جنوبی میدان امام، سال تاسیس: ۱۰۲۰ هجری (دوره شاه عباس اول)، معمار: استاد علی اکبر اصفهانی و ناظر ساختمان محب علی بیگ الله، خطاط: علیرضا عباسی، عبدالباقی تبریزی، محمد رضا امامی،

ویژگیهای مسجد

عبارت است از: در بیست و چهارمین سال سلطنت شاه عباس اول بنا شده است. کتیبه سر در مسجد به خط ثلث علی رضا عباسی حاکی از آن است که شاه عباس این مسجد را از مال خالص خود بنا کرده و ثواب آن را به روح جد اعظم خود شاه طهماسب اهدا نموده است. در کتیبه دیگر سردر، از مقام معماری و مهندسی معمار مسجد جامع جدید اصفهان تجلیل شده است.

از نکات جالب این مسجد انعکاس صوت در مرکز گنبد بزرگ جنوبی آن است گنبد عظیم مسجد ۵۲ متر، ارتفاع مناره های داخل آن ۴۸ متر و ارتفاع مناره های سر در آن در میدان امام ۴۲ متر است قطعه سنگ ساده ای به شکل شاخص که ظهر حقیقی را در چهار فصل نشان می دهد قطعات بزرگ سنگ های مرمر یک پارچه، سنگ های نفیس

در منتهی الیه جنوبی میدان امام مسجدی برپاست که نمونه ارزنده ای از معماری قرن ۱۱ هجری به شمار می رود. ساختمان مسجد در سال ۱۰۱۹ هجری برابر با ۱۶۱۱ میلادی شروع شد و در سال ۱۰۳۸ هجری برابر با ۱۶۲۹ میلادی به پایان رسید. این مسجد به عنوان یک بنای عمومی برای استفاده مردم ساخته شد. سردر زیبا و با شکوه مسجد با کاشی معرق است اما بقیه قسمت ها با کاشی خشت تزئین گردیده است. بسیاری از محققین و مطلعین تاریخ صفویه علت اینکه کاشی های سردر با داخل مسجد تفاوت دارند را در عجله ای می دانند که شاه عباس اول برای اتمام مسجد داشت. معمار مسجد استاد علی اکبر اصفهانی معمار برجسته

عصر صفوی است که نام او در کتیبه بالای سردر آمده است. مسجد در عصر صفویه به نام های مسجد مهدیه، مسجد المهدی و در کتب و منابع و سفرنامه ها به نام های دیگر همچون مسجد جامع عباسی و مسجد سلطانی نامیده می شد مسجد شاه نیز یکی دیگر از اسامی مسجد بود.

سردر ورودی

سردر ورودی رفیع و باشکوه مسجد با مناره های طرفین بر زیبایی بنا می افزاید. این سردر با کاشی های تزئینی چند رنگ همراه با نقوش گل و گیاه و پرند و مقرنس های پوشیده از کاشی های معرق با نقش های متنوع و زیبا تزئین شده است. در بالای کتیبه سردر غرفه ای است که کاشی کاری آن بسیار جالب توجه است. شکل دو طاووس که در طرفین یک گلدان قرار گرفته و با کاشی های معرق تزئین شده اند از دیدنی های مسجد به شمار می روند. در اصلی مسجد در زمان سلطنت شاه صفی جانشین شاه عباس اول نصب شده است. قطعه ای که با مصراع «شد در کعبه در سپاهان باز» با خط نستعلیق بسیار زیبا بر در نوشته شده ماده تاریخ نصب این در یعنی سال ۱۰۴۷ هجری را بیان می دارد. در قسمت های مختلف لوحه هایی به چشم می خورند که بیانگر بخشودگی برخی از مالیات ها در دوران های مختلف است.

کتیبه های موجود در مسجد امام که به خط اساتید بزرگ و برجسته آن عصر همچون عبدالباقی تبریزی، محمدرضا امامی، محمد صالح اصفهانی و سایر خوشنویسان برجسته عصر صفوی هستند بر عظمت و شهرت مسجد می افزایند. در دو گوشه

جنوب شرقی و جنوب غربی مسجد دو مدرسه قرار دارند که اولی را به دلیل تعمیرات عصر ناصرالدین شاه قاجار مدرسه ناصری و دیگری را که زمان شاه سلیمان صفوی مرمت شده مدرسه سلیمانیه می نامند. سنگ مشهور به سنگ شاخص که در چهار فصل ظهر شرعی را نشان می دهد در مدرسه سلیمانیه قرار دارد. محاسبه و تعیین و نصب این سنگ از ابتکارات و ابداعات شیخ بهائی دانشمند بی نظیر عصر شاه عباس اول است. این سنگ شاخص ظهر شرعی را در طول چهار فصل سال نشان میدهد. (دو کتیبه ای که در مدخل این مدرسه قرار دارند و به خط نستعلیق بسیار زیبا می باشند مربوط به زمان قاجار هستند).

ویژگی های گنبد مسجد

ایوان سرپوشیده شمالی مسجد فضای وسیع و بلندی است که سر تا سر آن را کاشیکاری بسیار زیبایی فرا گرفته است. گنبد با عظمت و رفیع مسجد که به صورت دوپوش ساخته شده بر روی این صحن قرار دارد. این گنبد را بزرگترین و پرکارترین و استادانه ترین آثار معماری قرن ۱۱ هجری می دانند. از خصوصیات این گنبد که حدود ۵۴ متر ارتفاع دارد انعکاس صدا است. و این به خاطر دو پوش بودن گنبد و فضای ۱۶ متری بین دو گنبد است. در همین صحن منبر سنگی مرمری یکپارچه نفیسی واقع شده که از شاهکارهای سنگتراشی آن روزگار است. این صحن بوسیله دو دهانه عریض به شبستان های مجاور راه دارد. سطح نمای داخلی این دو شبستان نیز پوشیده از کاشیکاری و کتیبه های نفیس و زیباست. در دو سوی ایوان جنوبی مسجد دو شبستان وسیع ساخته شده که

مجموعه ای از ویژگی های معماری پیشرفته قرون ۱۰ و ۱۱ هجری را به نمایش می گذارند.

طبقه فوقانی که در قسمت شمالی مسجد واقع شده دارای غرفه هائی است که در دوران صفویه به محل زندگی طلاب علوم دینی اختصاص داشت. مسأله ای که در مسجد امام جلب توجه می کند و اکثر سیاحان و جهانگردان نیز به آن اشاره کرده اند و معماران و مهندسين نیز آن را یکی از استادانه ترین شگردهای معماری به حساب آورده اند مسأله رعایت جهت قبله در مسجد است. سازندگان مسجد طوری سردر را درست کرده اند که با عبور از میان ایوان ورودی بدون آنکه احساس شود، نیم چرخشی به سمت راست زده می شود.

در حقیقت معمار برجسته این اثر با یک زاویه ۴۵ درجه مسجد را در جهت قبله قرار داده است. همانطور که گفته شد کتیبه های موجود در مسجد علاوه بر آنکه شاهکارهای هنر خوشنویسی و بخصوص خط ثلث را به نمایش می گذارند برخی وقایع تاریخی را نیز بیان می دارند. بطور کلی مسجد امام اصفهان با مناره های رفیع و ایوان های سر به فلک کشیده و شبستان های عالی و محرابهای نفیس و همچنین با طرح یکپارچه و متوازن خود از شاهکارهای بی نظیر و مسلم معماری زمان صفویه است. مسجدی که در عصر خود از عجایب زمان بوده و در حقیقت نیز به دلیل زیبایی طرح، عظمت، ابعاد و شکوه و جلال کاشیکاری هایش چنین است و... ستاره درخشان هنر عصر صفوی است.

مسجد شیخ لطف اله

گوهری صدر نشین در گنجینه شاهکارهای معماری اصفهان

معروف به:مسجد صدر، مسجد فتح الله موقعیت: ضلع شرقی میدان امام سال تاسیس: ۱۱

هجری قمری (دوره شاه عباس اول) معمار: استاد محمد رضا اصفهانی خطاط: علی رضا عباسی ساخت این مسجد ۱۸ سال به طول انجامید.

از ویژگی های این مسجد

نداشتن صحن و مناره که در تمامی مساجد اسلامی جزء لاینفک بنا است، چرخش ۴۵ درجه ای که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد، گنبد کم ارتفاع مسجد، محراب بی بدیل مسجد کتیبه های نفیس و طره های سر در که درون گلدان مرمرین جای گرفته اند.

در ضلع شرقی میدان نقش جهان و روبروی کاخ عالی قاپو، مسجدی واقع شده که در دوران صفویه آن را مسجد صدر و فتح الله نیز می نامیدند. طرح این مسجد در زمانی که نقشه چهار باغ و باغ هزار جریب به مرحله اجراء درآمد ریخته شد و در دورانی که معماری صفویه به شکوفایی رسیده بود مورد بهره برداری قرار گرفت.

آنچه مسجد شیخ لطف الله را در عداد نمونه های بازار هنر ایرانی-اسلامی قرار می دهد اندازه کوچک و هماهنگی آن با بناهای اطراف میدان است. سردر زیبا و پرکار مسجد در سال ۱۰۱۲ به پایان رسید اما بقیه مسجد و تزئینات کاشیکاری آن تا سال ۱۰۲۸ هجری بطول انجامید. کتیبه سردر که به خط ثلث بسیار زیبا با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده سال ۱۰۱۲ و امضاء علیرضا عباسی خوشنویس برجسته عصر صفوی را نشان می دهد.

نکته ای که محققین و پژوهشگران و سیاحان بر آن متفق القولند اختصاصی بودن مسجد شیخ لطف الله است. این نکته را استثنائی بودن مسجد یعنی عدم صحن و مناره که در تمامی مساجد اسلامی جزء لاینفک بنا

است تأیید می کند. عدم وجود صحن و مناره در مسجد شیخ لطف الله باعث شده تا رواقی پوشیده از کاشیکاری زیبا و استادانه و پرکار فضای مسجد را به گنبد مربوط کند.

مسجد را شاه عباس اول به احترام و افتخار شیخ لطف الله جبل عاملی روحانی شیعه آن روزگار که از لبنان به ایران آمده بود ساخته است. تا به عبادت اهل حرم و خود وی اختصاص داشته باشد. مدرسه ای نیز در کنار مسجد برای تدریس این دانشمند برجسته ساخته شد که امروز اثری از آن نیست.

شاید به همین دلیل است که جهانگردان اروپایی عصر صفوی که هر بنائی را با کنجکاوی و موشکافی بازدید کرده اند کمتر از این مسجد مطلب نوشته اند و فقط پیتر و دولواله به توصیف آن پرداخته است. اوژن فلاندرن فرانسوی نیز در زمان قاجار درباره آن مطلب نوشته است. (یکی از سیاحان خارجی معتقد است به دلیل اختصاصی بودن مسجد کسی را به داخل راه نمیداده اند).

از ویژگیهای مسجد چرخش ۴۵ درجه ای است که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد. این گردش که در اصلاح معماران سنتی ایران «پاشنه» نامیده می شود چنان ماهرانه صورت گرفته که به هیچ روی توجه بیننده را جلب نمی کند. این چرخش باعث شده تا بازدید کننده پس از گذشتن از مدخل تاریک و بعد از عبور از راهرو طویل متصل به آن به فضای اصلی و محوطه زیر گنبد وارد شود.

گنبد کم ارتفاع مسجد حاوی خطوط اسلیمی است که به طرز باشکوهی بر زمینه خاکی رنگ گنبد گسترده شد، هماهنگی

بی

نظیری را در نقش و طرح و رنگ به نمایش می گذارد. محراب بی بدیل مسجد شیخ لطف الله که تاریخ ۱۰۲۸ و امضاء محمد رضا بن استاد حسین بنا اصفهانی را بر خود دارد از شاهکارهای معماری و هنر اسلامی ایرانی است که هر بیننده را به اعجاب و تحسین وامی دارد.

کتیبه خارجی گنبد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی حاوی سوره های قرآن کریم است. خطوط کتیبه های داخل گنبد مسجد را علیرضا عباسی و خطاط دیگری که شهرت چندانی ندارد و نام او استاد باقر بنا است نوشته اند. مضمون این کتیبه ها آیات قرآنی و عبارت مذهبی است. علاوه بر آن خطوط بنائی با کاشی مشکی بر زمینه سفید آیات قرآنی کتابت شده است. در چهار گوشه داخل مسجد نیز بار دیگر آیاتی با خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی با کاشی سفید معرق نوشته شده است. در ضلع شرقی و غربی مسجد شیخ لطف الله اشعاری به زبان عربی که آن هم به خط ثلث است نوشته شده که بنا به اظهار کارشناسان سراینده آنها شیخ بهائی است.

خطاط این کتیبه ها نیز باقر بنا است. در جلو مسجد حوض ۸ گوش بسیار زیبایی وجود داشته که پیوسته لبریز از آب بوده است. این حوض را در اواخر دوره قاجار خراب کرده اند. اگر چه اختصاصی بودن مسجد باعث شده که سیاحان کمتری درباره آن مطلب بنویسند اما می توان ادعا کرد مسجد شیخ لطف الله در عداد آثار شاخص و مشهور عصر صفویه است. وجود کتیبه های نفیس و طره های سردر که در

درون گلدان مرمرین جای می گیرند آنچنان زیبایی جاودانه در ذهن بیننده بیدار می کنند که این یقین برای او حاصل می شود که معماری این اثر الهامی بوده است. زیرا دارای حالت ویژه و منحصر بفرد نماز انسان با خداوند است.

کاخ عالی قاپو

رفیع ترین بنای عهد صفوی

قلب تپنده حکومتی در قلب پایتخت معروف به: دولتخانه مبارکه نقش جهان، قصر دولتخانه، موقعیت: ضلع غربی میدان امام، سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول)

میناتوریت و نقاش: رضا عباسی

ویژگی های ساختمان

در زمان جانشینان شاه عباس اول عمارت حوضخانه و تالار مروارید به این عمارت افزوده شده است. بنا دارای ۵ طبقه است در طبقه سوم ایوان بزرگی است که بر ۱۸ ستون بلند و رفیع استوار است در وسط این ایوان حوض زیبایی از مرمر و مس وجود دارد که قرینه آن در تزئینات زیر سقف انعکاس یافته است. گچبری های آخرین طبقه، که تالار آن به اتاق موسیقی یا اتاق صوت معروف است باعث می شود انعکاس حاصله از نغمه های نوازندگان گرفته شده و صداها طبیعی و بدون انعکاس صوت به گوش برسد.

کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی

مدخل کلیه قصرهای محدوده میدان امام در غرب میدان امام و روبروی مسجد شیخ لطف الله عمارتی سر بر افراشته که به عنوان یکی از مهمترین شاهکارهای معماری اوائل قرن یازدهم هجری از شهرتی عالمگیر برخوردار است. با توجه به منابع و مأخذ موجود درباره سلسله صفوی و همچنین با در نظر گرفتن بررسی های انجام شده در مورد این ساختمان زیبا و رفیع چنین استنباط می گردد که کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی و مدخل کلیه قصرهایی است که در دوران صفویه در محدوده میدان امام احداث شده اند. در حقیقت این بنا به مثابه یک ورودی بزرگ و با شکوه میدان امام را به مجموعه دولتخانه و عماراتی مانند رکیب خانه، جبه خانه، تالار تیموری، تالار طویل، تالار سرپوشیده و کاخ چهلستون و دیگر عمارات مربوط می کرده است.

ساختمان کاخ

اصل بنا در دوره شاه عباس اول احداث شده و در دوره جانشینان او الحاقات و تعمیراتی در آن انجام شده است. ساختمان دارای ۵ طبقه است که هر طبقه تزئینات مخصوصی دارد. اگر چه این قصر در دوره های بعد از صفویه لطمات فراوان دیده است، هنوز نیز شاهکارهایی از تزئینات و نقاشی های عصر صفویه در آن، بینندگان را به تحسین وامی دارد. عالی قاپو مرکب از دو کلمه «عالی» و «قاپو» است که با هم به معنای «سردر بلند» یا «درگاه بلند» هستند. از این سر در بلند که تماماً با سنگ

سماق ساخته شده به قصر وارد می شویم و به وسیله پلکانی که در دو طرف تعبیه شده اند به طبقات فوقانی می رسیم. در طبقه همکف دو

تالار وجود دارد که در آن روزگار به امور اداری و دیوانی اختصاص داشت و صدرخانه یا کشیک خانه نامیده می شدند. در طبقه سوم، ایوان بزرگی است که بر ۱۸ ستون بلند و رفیع و استوار است. این ستون ها در آن زمان پوشیده از آئینه بوده و سقفی با صفحات بزرگ که با نقاشی ها و آلت های چوبی تزئین شده بودند بر فراز آن قرار گرفته است. در وسط این ایوان حوض زیبایی از مرمر و مس وجود دارد که قرینه آن در تزئینات زیر سقف انعکاس یافته است.

این تالار از الحاقات کاخ است که در دوران جانشینان شاه عباس اول بنا شده است. در پشت این ایوان تالار بزرگی است با اتاقها و طاقهای بسیار که نقاشی های زیبایی بر دیوارهای آن مشاهده می شود. از ایوان کوچکی که پشت این تالار است گنبد زیبا و ساده توحید خانه نمایان است. در دوران صفویه در شبهای جمعه گنبد محل تجمع صوفیان و دراویش بود. سالنی که این گنبد بر فراز آن استوار است و اتاقهای اطراف آن در حال حاضر به کلاسهای درس دانشگاه پردیس اصفهان اختصاص دارد. اکثر جهانگردان و سیاحان خارجی و همچنین نمایندگان کشورهای مختلف این تالار را به منزله جایگاهی دانسته اند که از آن مسابقات مختلف و بازیهای معمول آن عصر مثل چوگان بازی و غیره را تماشا می کرده اند. طبقات بعدی هر کدام شامل یک سالن بزرگ در وسط و چندین اتاق کوچک در اطراف هستند.

ویژگی خاص کاخ

آنچه عالی قاپو را در عداد آثار باشکوه و بسیار نفیس قرار داده است علاوه بر

مینیا تورهای کار هنرمند معروف عصر صفوی رضا عباسی، گچبری های آخرین طبقه است که تالار آن به «اتاق موسیقی» یا «اتاق صوت» نیز معروف است. در این قسمت از کاخ شکل انواع جام و صراحی در دیوار تعبیه شده است ساختن و پرداختن این اشکال به غیر از نمایش زیبایی و خلاقیت و ابتکار هنرمندان گچکار برای این بوده است که انعکاسات حاصله از نغمه های نوازندگان و اساتید موسیقی به وسیله این اشکال مجوف گرفته شود و صداها طبیعی و بدون انعکاس به گوش برسند. «فرد ریچاردز» که خود نقاش معروفی بوده و در اواخر عصر قاجاریه به ایران آمده درباره تزئینات گچبری این اتاق می نویسد: «... این تورفتگی ها مانند قطعات مختلف بازی معما با تناسب خاصی پهلوی یکدیگر قرار گرفته اند...» گذشته از گذشت زمان که متأسفانه به عالی قاپو لطمات فراوان زده است عوامل مخرب دیگر مانند حمله و استیلای افغانها و جنگ های مختلف و انتقال پایتخت از اصفهان و بی توجهی حکام بعد از صفویه خسارات جبران ناپذیری به بنا وارد آورده است.

در دوران قاجاریه عالی قاپو چند سال محل سکونت و کار ظل السلطان بود و او تغییراتی در کتیبه های آن داد. کتیبه های جبهه شرقی بنا و الواح خط نگاشته سردر ورودی که طی اشعاری به تعمیرات سال ۱۲۷۴ اشاره می کند مبین همین مطلب است.

در چهل ساله اخیر به دلیل آن که خطر ویرانی کاخ عالی قاپو را تهدید می کرد و همچنین به علت توجه مردم و ارگانهای دولتی به میراث های فرهنگی، مرمت هائی توسط هیأت های متخصص داخلی و

خارجی در آن انجام گرفته است.

بطور کلی بنای عالی قاپو به عنوان یک بنای تشریفاتی خوش ساخت و زیبا دستاورد دیگری است از هنر معماری دوران صفویه که از فراز آن منظره شهر باستانی اصفهان و تغییر و تحول ۱۰۰۰ ساله آن به خوبی نمایان است.

سر در قیصریه

موقعیت

شمال میدان امام سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول)

این سر در را قیصریه می نامند از آن جهت که از روی نمونه یکی از بناهای شهر قیصریه در آسیای صغیر ترکیه امروز ساخته اند.

از ویژگی های این بازار

سر در عالی با تزئینات آجری چینی، نقاشی های موجود در سر درب شامل تصویر شاه عباس در جنگ با ازبکان، تصاویری از زنان و مردان اروپایی، دو لچکی کاشیکاری که صحیح و سالم است و تصویر تیراندازی را با سر انسان و تنه ببر یا شیر و دم ازدها نشان می دهد و می تواند همواره نشانه مخصوص شناسایی این شهر افسانه ایی دنیا باشد.

در شمال میدان امام و روبروی مسجد امام، سردر بازار قیصریه قرار دارد. ساختمان آن در زمان شاه عباس اول به اتمام رسیده است و معمار آن استاد علی اکبر اصفهانی بوده است. سردر بنای عظیم قیصریه مهمترین و با عظمت ترین دروازه های ورودی شهر صفوی اصفهان بوده که از طریق بازار بزرگ قیصریه قسمت اصفهان جدید را به شهر سلجوقی (میدان کهنه آن روزگار) متصل می کرده است. بر این سردر چند تابلو نقاشی مشاهده می شود که برخی از آنها اروپائی های مقیم دربار اصفهان در آن روزگار را نشان می دهد. تابلو دیگر نیز شکارگاه سلطنتی است. متأسفانه این نقاشی ها که اثر رضا عباسی است به علت مجاورت با هوای آزاد و برودت و گرمای هوا آسیب فراوان دیده اند. در بالاترین قسمت این سردر صورت دو نیم تنه تیرانداز مرد با لباسهای معمول آن عصر دیده می شوند که تنه آنها شیر یا ببر و دم

آنها اژدهاست. این دو تصویر که بر کاشی معرق است بیانگر صورت فلکی اصفهان یا برج قوس است. توضیح اینکه در روزگاران کهن در میان ملل متمدن دنیا معمول بوده که برای شهرهای معروف و مشهور خود طالع و زایچه ای قائل بشوند و پس از انتخاب اصفهان به پایتختی، برج قوس را برای طالع آن انتخاب کردند. بیشتر جهانگردان بازار قیصریه و سایر بازارهای اصفهان را توصیف کردند. شاردن که سالها در اصفهان زندگی کرده به تفصیل از بازار قیصریه تعریف کرده و نامگذاری آن به قیصریه را به این علت می داند که سردر این بازار را مثل یکی از بناهای قیصریه یا قیساریا در آسیای صغیر (ترکیه امروز) ساخته اند. در دو طرف این سردر دو سکوی وسیع وجود دارد که با سنگ یشم و سماق پوشانده شده و در آن روزگار زرگران و جواهر فروشان بساط خود را بر روی آنها گسترده و انواع زیور آلات و سکه های کمیاب را به خریداران عرضه می کرده اند. بر بالای سردر ساعت بزرگی نصب بود که در جنگ با پرتغالی ها نصیب ایران شده بود. عمارت نقاره خانه نیز بر بالای سردر قیصریه ساخته شده بود. نقاره زنی و نقاره کوبی از قدیم در ایران متداول بود که طلوع و غروب آفتاب را با نقاره اعلام می کردند. البته نقاره زنی و نقاره کوبی فقط به منظور اعلام طلوع و غروب آفتاب نبود چرا که نواختن نقاره در میدان های جنگ برای آماده باش سربازان و تشجیع آنان به نبرد و به هنگام صلح و آرامش نیز در آئین های گوناگون و

به مناسبت های مختلف متداول بود. در سمت راست عمارت قیصریه محل ضرابخانه و در طرف دیگر کاروانسرای شاهی واقع شده بود. از سردر بازار قیصریه وارد مجلل ترین و بزرگترین بازارهای اصفهان می شویم این بازار که به بازار قیصریه و شاهی نیز معروف بوده در روزگار صفویه مرکز فروش پارچه های گرانبه‌ا بوده و نمایندگان کمپانی های خارجی در آنها حجره هائی داشته اند. در جلو سردر، حوض آب بسیار بزرگی وجود داشت که امروزه اثری از آن نیست. در زمان حکومت قاجار و در روزگاری که مسعود میرزای ظل السلطان حاکم اصفهان بود در جبهه های سردر قیصریه تغییراتی صورت گرفت و یک حاشیه کاشیکاری در امتداد سه جانب سردر اضافه شده است. بطور کلی مجموعه قیصریه که شامل سردر و عمارت نقاره خانه و ضرابخانه و کاروانسرای شاهی است یکی از جاذبه های مشهور شهر اصفهان است که اکثر قریب به اتفاق سیاحان و جهانگردان و مأمورین خارجی در خاطرات و سفرنامه های خود به تفصیل از آن سخن گفته اند. و اگر چه امروز از نقاشی های زیبای آن اثری در دست نیست اما سردر رفیع قیصریه و تالار فوقانی آن یادآور شکوه و عظمتی است که اصفهان عصر صفوی دارا بوده و خاطره شکوفائی اقتصاد و هنر کشور ما را در اذهان زنده می کند.

چاه حاج میرزای اصفهان

آشنائی اجمالی با این اثر تاریخی:

عادت دیرین و همیشگی ما ایرانیان، ریشخند و ناسپاسی و به مسخره گرفتن خدمات دانشمندان خودمان بوده است. "چاه حاج میرزا" در اصفهان (گوشه میدان نقش جهان)، که یک خدمت علمی و مهندسی (ریاضی فیزیکی) بوده، نیز به تمسخر و ریشخند مردم عوام،

تبدیل به یک جوک و لطیفه شده است و کمتر کسی از حقیقت آن آگاهی دارد!! و اکنون در سایه بی تدبیری مسئولین و ریشخند و تمسخر خود ما ایرانیان، تبدیل به خرابه ای شده است!!

عاقبت اندوهبار حاج میرزا آقاسی، طراح سیستم آبرسانی این جاه:

هرسال با آمدن ماه مبارک رمضان، یاد وزیر دانشمند و دلسوزی می افیم که در مقابل خدماتش جز ریشخند و تمسخر از جامعه ایرانی، چیزی نصیبش نشد!

و اینست حکایت مرگ غریبانه وی در غربت:

۱۲ رمضان: وفات مرحوم حاج میرزا آقاسی (۱۲۶۵ق - کربلا) صدراعظم محمدشاه قاجار است، که مهدعلیا (زن شاه) قتل مرحوم قائم مقام فراهانی را که کار خود و اطرافیانش بود، با دسیسه بگردن او انداخت و رقیبان و دشمنان وی خدماتش در توپ سازی و قنات کشی و آبرسانی به همه جای ایران را همواره مسخره میکردند! آقاسی پس از فوت شاه، از ترس دشمنان و برای حفظ جان، به حجره ای در حضرت عبدالعظیم (ع) در شهر ری تهران، پناه بُرد و در آنجا بست نشست؛ تا مرحوم امیرکبیر، به همراهی شاه جوان، ناصرالدینشاه، برای تاجگذاری، از تبریز به تهران آمده و این وزیر پیر و ناتوان را به احترام فراوان، برای حفاظت از صدمات دشمنانش، به عتبات عالیات فرستادند. چون حاجی آقاسی به کربلا رسید، طبق خواهش خودش، او را در حجره ای در نزدیکی صحن مطهر حسینی (ع) اسکان دادند که در ایام نوجوانی در همان حجره تحصیل میکرد... همینکه وارد حجره شد، ناگاه همان حصیر کهنه را که مربوط به حدود پنجاه سال قبل بود، دید و دستی روی آن کوبید که گرد و غبارش بلند شد و گفت:

«حاجی! عجب خواب خوش و طول و درازی دیدی! این

بود عاقبت خدمت به مردم ایران! بخواب که الهی دیگر برنخیزی و روی مردم نبینی تا صبح قیامت!»

و سپس بر همان حصیر کهنه و پر خاطره خوابید...

و اینگونه حاج میرزا آقاسی، در کربلا غریبانه در گذشت...

(دایره‌المعارف علم و مذهب، دکتر مهدوی اصفهانی، بخش "وزرای شیعه" - حاج میرزا آقاسی؛ با استناد به خاطرات و یادداشتهای محرمانه بانو عزت‌الدوله، همسر امیر کبیر).

طرز کار چاههای حاج میرزا، در نقاط مختلف ایران:

سرای حاج میرزای اصفهان، مربوط به دو دوره صفوی و قاجار است و در میدان نقش جهان، بازار لواف ها (= زیلوبافها، جوال بافها)، کوچه چاه حاج میرزا واقع شده است.

احداث این چاه در اصفهان - بسان چاه‌های دیگر، در شهرها و نقاط دیگر ایران که آنها هم به "چاه حاج میرزا" شهرت یافته اند - اگرچه به دوره صفویه باز میگردد؛ ولی در عهد قاجار، و در زمان صدارت مرحوم حاج میرزا آقاسی (صدر اعظم محمدشاه، پدر ناصرالدینشاه قاجار) طبق دانش ریاضی و مهندسی این وزیر دانشمند و خدمتکار، سیستم استخراج آب از این چاهها بگونه‌ای جالب طراحی شده بود که آب کشیدن از چاه را بسیار سریعتر امکان پذیر میساخت.

حاج محمد باقر خاتونی از هنرمندان پیشکسوت قلمزنی و از شاعران اصفهان، گوید:

«چاه حاج میرزا، چاه آبی بود که با گاو از آب آن می کشیدند و دو دلو (سطل) داشت. وقتی یکی از دلوها در ته چاه پر از آب میشد دیگری بالای چاه تخلیه میشد؛ هر کدام از دلوها پنج یا شش لیتر گنجایش داشت.»

(رک: خبرگزاری ایمننا؛ اطلاع رسانی زنده رود، ش ۲۴، گفتگو با یک اصفهان شناس: حکایتی از چاه حاج میرزا و میدانی کهن).

سبب مشهور شدن چاه حاج میرزا در اصفهان:

به گزارش سایت نصف جهان و نیز اطلاعات بدست آمده از کسبه و اهالی محل و بیش از همه، متولی کنونی این چاه متروکه (که اصل آن، قبل از بکارگیری سیستم آبکشی حاج میرزا آقاسی در عهد قاجار، مربوط به دوره صفویه بوده و متولی حاضر نیز گویا از نسل ایشان باشد): کمی پایین تر از این چاه، کاروانسرای زیبایی وجود داشته که محلی برای اتراق

مسافرانی بود که از راه دور به اصفهان میرسیدند و اولین جایی که برای استراحت انتخاب میکردند، همین کاروانسرا بود؛ چرا که در کنار این بنا، چاه حاج میرزا قرار داشت؛ چاه آبی که با گاو از آن آب میکشیدند. این چاه، دو دلو داشت که وقتی یکی از این دلوها، در ته چاه پر از آب میشد، دیگری بالای چاه تخلیه میشد. این چاه فواید بسیاری برای آن کاروانسرا داشت چرا که آب مورد نیاز کاروانسرا از طریق این چاه، بسرعت برآورده میشد.

بعد از وفات حاجی آقاسی و محمدشاه قاجار، برای روشنائی فضای داخلی چاه حاج میرزا، از چراغ های پیه سوز، لامپا، گردسوز و فانوس زنبوری یا توری استفاده میکردند؛ اما پس از احداث کارخانه برق در زمان مرحوم مظفرالدین شاه، برای روشن نگه داشتن فضای داخلی چاه از چراغ استفاده میشد.

در سال ۱۳۲۰ش (در عهد رضاشاه پهلوی) که بخشهایی از میدان نقش جهان اصفهان، محلّ تجمّع و توقّف درشکه چیان بود؛ قسمتهایی از چاه حاج میرزا را نیز برای آبرسانی به این مکان اتراق آنها در نظر گرفتند؛ و این محل همچنان کاربری خود را حفظ کرده بود؛ بطوری که سطل های آب از طریق دو گاو به بیرون کشیده میشد و از همین رو، نیاز بسیاری از مسافران تشنه و درشکه چی ها را برطرف میکرد.

این بود خلاصه تاریخچه چاهی که روزگاری از آب آن برای استفاده عموم بازاریان، درشکه چیان و مسافرانی که از راه های دور میرسیدند، استفاده میشد؛ اما اکنون دیگر با پرکردن این چاه از سیمان و آهک و گذاشتن درب چوبی بر روی آن، و تبدیل آن به یک خرابه،

کمتر کسی را میتوان یافت که از وجود چنین چاهی در اصفهان، در کنار این بنای تاریخی، مطلع باشد!!

ریشه یابی شایعات توهین آمیز علیه مرحوم حاج میرزا آقاسی:

این بود منشأ شایعه و طنز مردم بیسواد و نویسندگان مزدور و حق ناشناس، که برای ریشخند و تمسخر، دو ضرب المثل «گاو میش حاج میرزا آقاسی» و «دلو حاج میرزا آقاسی» را شایع کرده اند... و ما نیز، هنوز به غفلت یا خیانت، این دو مثال را در حق آن وزیر خدمتگزار و مظلوم بکار میبریم... و جای بسی تأسف است که استاد علی اکبر دهخدا - که خود از سردمداران فرهنگ و ادب ایران است - از عوامل شیوع و انتشار این شایعات زشت و غیرمنصفانه بوده و در چندجا از کتاب "امثال و حکم" خود (چاپ امیرکبیر: ج ۱/ص ۴؛ مقدمه ج ۲/ص ۸۲۳؛ ج ۳/ص ۱۲۶۳ و ۱۴۳۶ و ۱۴۷۶) جهت خوشامد خوانندگان عوام صفت، چنین مُهمَلاتی را گزارش نموده؛ بی آنکه به نادرستی آنها اشاره ای بکند! افسوس، که آب از سرچشمه گل آلود است؛ و وقتی کسانی چون دهخدا - که مروج فرهنگ در ایران بوده اند - به چنین شایعات بی اساسی دامن بزنند، دیگر چه انتظاری از نویسندگان مزدور و یا بی تخصص و ژورنالیست (روزنامه نگار و هوچی) و مردم عوام و بی اطلاع، میتوان داشت؟! (سید احمد سجّادی)

مناره ها

منار جنبان

موقعیت: خیابان آتشگاه سال تاسیس: قرن ۸ هجری یک بقعه و دو مناره بر روی قبر عمو عبدالله از زهاد و صلحای قرن هشتم هجری بنا شده است. ویژگی خاص: ایوان از نمونه بناهای سبک مغول ایران است اما مناره ها در اواخر دوره صفویه به ایوان افزوده شده و با حرکت دادن یکی از آنها هم مناره دیگر و هم تمام ساختمان به حرکت در می آید.

در سر راه اصفهان به نجف آباد قریه ای است که آن را کارلادان

می گویند. امروز این روستا جزئی از شهر اصفهان به شمار می رود. در این قریه بنائی وجود دارد که مزار یکی از صلحا و زهاد مشهور قرن هشتم هجری به نام عمو عبدالله کارلادانی است. تاریخی که بر فراز سنگ عمو عبدالله نوشته شده و سال ۷۱۶ هجری را نشان می دهد مبین این نکته است که این عارف بزرگ در زمان سلطان (محمد خدا بنده) ایلخان مسلمان می زیسته است ایوان منار جنبان یکی از آثار تک ایوانی دوران ایلخانی است اما برخی از محققین عقیده دارند که مناره ها بعداً به ایوان مزبور افزوده شده است.

نکته ای که باعث شهرت منار جنبان شده و هر مسافری را برای بازدید از آن ترغیب می کند این است که حرکت دادن یک مناره نه تنها مناره دیگر را به حرکت در می آورد بلکه تمامی ساختمان مرتعش می شود.

بسیاری از معماران و مهندسان درباره جنبش مناره ها به اظهار نظر فنی و مهندسی پرداخته اند اما برخی نیز می گویند هیچ دلیل منطقی برای تحرك مناره ها ارائه نشده است. جهانگردانی که به نقاط مختلف دنیا سفر کرده اند در مشاهدات خود مناره هائی را معرفی کرده اند که در نقاط دیگر جهان همین خصوصیت را داشته اند. اما قدر مسلم اینکه منار جنبان اصفهان وجه تمایزی با سایر مناره های متحرك دارد و آن این است که گذشته از حرکت مناره ها سایر قسمت های بنا نیز حرکت می کند. ارتفاع ایوان مقبره عمو عبدالله از سطح زمین بقعه ۱۰ متر و ارتفاع هر یک از دو مناره ۵ / ۷ متر است. در

این ایوان مزار عمو عبدالله قرار دارد و راه صعود به بام و مناره ها نیز به وسیله درگاه کوچکی است که با پلکانی مارپیچ به بام مربوط می شود.

منار مسجد امام

در مسجد امام اصفهان واقع در میدان امام چهار منار بسیار زیبا دیده می شود که شاهکار معماری عصر صفوی است و از نظر کاشیکاری و تزئینات دیگر از شاهکارهای هنری محسوب می شود.

دو منار آن که در طرفین گنبد قرار دارد، هر کدام به ارتفاع ۴۸ متر است. ارتفاع هر یک از دو منار دیگر که در سر در مسجد قرار گرفته ۴۲ متر است. نقوش اسلامی این دو منار به صورت ختایی شطرنجی بر روی زمینه فیروزه ای می باشد. هنر معماری این منارها طوری است که از قیصریه آنها را رو به روی هم می بینیم.

منار ساربان

زیباترین و بلند قامت ترین مناره اصفهان موقعیت: خیابان سروش سال تاسیس: قرن ۶ هجری از زیباترین مناره های عهد سلجوقی است. تزئینات آجری و کاشی کاری معرق به خط کوفی است ارتفاع این منار ۵۴ متر است در سه طبقه و بدون پایه ساخته شده است یکی از مناره های مشهور اصفهان که شباهت کلی با مناره مسجد علی دارد مناره ساربان است. مناره ساربان در سه طبقه و بدون پایه ساخته شده است. ارتفاع مناره ۵۴ متر است که از قسمت بخش پائینی، بخش میانی و بخش فوقانی تشکیل شده است. مناره ساربان با آجر چینی برجسته و همچنین آجرهای تراشیده و کاشیکاری معرق به سبک خط کوفی ریحان تزئین شده است.

کتیبه های موجود در مناره ساربان سه عدد هستند که با خط کوفی نوشته شده اند. این کتیبه ها در زمانی که مورد بررسی یکی از محققین قرار گرفته سالم نبوده و عوامل جوی مانند سرما و گرما و تابش آفتاب اثر بسیار بر روی آن گذاشته

بودند. به هر حال مفاد کتیبه اول که با کاشی های آبی رنگ ساخته شده شامل عبارات مذهبی است. در دومین کتیبه که آن نیز به کاشی آبی مزین است، آیه ۳۳ از سوره فصلت آمده است. (این آیه در مناره سین نیز نوشته شده است). سومین کتیبه به خط کوفی مربع با آجر تراشیده بر زمینه ای از کاشی های آبی ساخته شده و در آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین یاد شده است. این مناره تاریخ ندارد اما به دلیل شباهت بی اندازه آن با مناره مسجد سین از نظر تزئینات و همچنین از لحاظ معماری و نحوه نگارش کتیبه ها سال ساخت آن بین سالهای ۵۲۵ تا ۵۵۰ هجری قمری است.

منار مسجد علی (ع)

خوش ترکیب ترین و سالم ترین مناره مرتفع شهر اصفهان موقعیت: میدان قیام محله هارونیه سال تاسیس: قرن ۶ هجری این مناره متشکل از سه بخش است که از پائین به بالا نازکتر و کوتاهتر می شود ارتفاع مناره حدود ۴۰ متر است دارای ۴ کتیبه به خط کوفی است که سه کتیبه با کاشی و یکی با آجر تراشیده شده است جالبترین مناره موجود در اصفهان مناره مسجد علی است سیاحان و جهانگردان و محققین بسیاری در باره آن مطلب نوشته اند. مشهورترین آنها پیتر و دولواله، ژان شاردن، اوژن فلاندن، پاسکال گُست، مادام دیولافوآ، پرفسور هرتسفلد و دیگران می باشند.

به هر حال برخی از محققین این مناره رفیع و زیبا را متعلق به هارون ولایت می دانند، در حال حاضر این مناره جزء مسجد علی است. اما آنچه محقق است اینکه این مناره در

زمان سلجوقیان ساخته شده است. مناره مسجد علی متشکل از سه بخش است. که از پایین به بالا نازکتر و کوتاهتر می شود ارتفاع مناره در حدود ۴۰ متر است. مناره مسجد علی دارای ۴ کتیبه به خط کوفی مربع است. سه عدد از این کتیبه ها با کاشی آبی رنگ و چهارمی که پایین تر از سه کتیبه دیگر است با آجر تراشیده ساخته شده است. در سه کتیبه اول عبارات مذهبی به صورت تکرار نوشته شده اما در چهارمین کتیبه آیه ۱۶ از سوره آل عمران آمده است. سال ساخت مناره مسجد علی دقیقاً معلوم نیست. اما کارشناسان سال ساخت آن را بین سالهای ۵۱۵ تا ۵۲۵ هجری قمری می دانند.

منار چهل دختران

با هویت ترین مناره شهر اصفهان موقعیت: خیابان سروش سال تاسیس: ۵۰۱ هجری (دوره پادشاهی سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی) از نظر قدمت دومین مناره تاریخ داری است که در ایران شناخته شده است ارتفاع ۲۴ متر که با پایه جمعاً ۲۹ متر است تزئینات آجری است و به سه کتیبه مزین است که دو تای آن به خط کوفی و یکی به خط نسخ است مناره چهل دختران در محله جویباره قرار گرفته و از نظر قدمت دومین مناره تاریخ داری است که در ایران شناخته شده است. این مناره رفیع که از آجر ساخته شده میله ای مدور به ارتفاع ۲۴ متر است که با پایه جمعاً ۲۹ متر ارتفاع دارد. مناره چهل دختران به سه کتیبه مزین است که دو تای آنها به خط کوفی و یکی به خط نسخ است. اولین کتیبه که به خط کوفی است شامل آیات ۲،

۳ و ۴ از سوره طه است. کتیبه دیگر که به خط نسخ است، شامل عبارات مذهبی است که قسمت هائی از آن محو شده است. سومین قسمت که به خط کوفی است تاریخ ۵۰۱ هجری را بر خود دارد. اکثر پژوهشگران ارزش اصلی کتیبه های این مناره را در خط نسخ آن میدانند چرا که این ویژگی منار چهل دختران را منحصر بفرد کرده است.

دو مناره دارالضیافه

خوش نقش ترین دو مناره مظفری موقعیت: خیابان کمال سال تاسیس: قرن ۸ هجری سبک تزئینات بنا آن را به دوره مغول مربوط می کند این دو مناره تزئینات کاشی کاری نیز دارند و سر در مهمانسرای مشهوری بوده اند که به امیر یا پادشاهی در قرن هشتم تعلق داشته است در محله جویباره در طرفین کوچه ای که از قدیم به نام "حاج کاظم" معروف بوده دو مناره مدور قرار دارد که دارای تزئینات مقرنس کاری هستند. سبک تزئینات بنا آن را به دوره مغول مربوط می کند. کتیبه های این دو مناره به خط نسخ است. تحقیقات و بررسی های پژوهشگران در باره این دو مناره بیانگر این نکته است که قدمت آنها به ربع اول قرن هشتم هجری می رسد و بقایای یک مجموعه بزرگ می باشند که در قرن چهاردهم میلادی زمان حکومت سلطان محمد خدابنده معمور، برقرار و آباد بوده است.

منار باغ قوشخانه

یکی از ظریف ترین و پر تزئین ترین مناره های اواخر عهد ایلخانی موقعیت: میدان قدس خیابان زینبیه سال تاسیس: قرن ۸ هجری وجه تسمیه آن به باغ قوشخانه به مناسبت مجاورت آن با یکی از باغ های سلطنتی دوره شاه عباس اول صفوی است که گویا بازهای شکاری پادشاهان صفوی در این باغ نگهداری می شده اند این مناره روزگاری در بیرون از دروازه طوقچی قرار داشت. این مناره در قدیم یکی از دو مناره ای بوده که در طرفین مسجدی به نام مسجد بابا سوخته یا مصلی قرار داشته و یکی از آنها از بین رفته است. علت آن که این مناره به نام باغ قوشخانه معروف

شده این است که در دوره قبل از صفویان و هنگامی که اصفهان مرکزیت داشته و پایتخت بوده است در این محل باغی بوده که قوشهای سلطنتی را در آن نگهداری می کرده اند. ارتفاع مناره در حدود ۴۰ متر است و پلکان آن معمولی است. کتیبه مناره به شکل گردنبند است که قسمتی از آن خراب شده و با خط نسخ و کاشی های معرق سفید و لاجوردی و فیروزه ای تزئین شده است. با توجه به تزئینات و نحوه معماری زمان ساخت آن را مربوط به دوران مغول می داند.

منار خواجه نظام الملک

این منار بلند در محله دردشت قرار دارد و در نهایت انسجام و زیبایی ساخته شده است. این منار به قدری رفیع است که آن را ستون قبه آسمان می نامند. این منار یادگار دوران سلجوقی است.

منار مسجد شعیبا

در شمال غربی امامزاده اسماعیل و در حاشیه شمال شرقی خیابان هاتف مسجد شعیبا قرار دارد. در یکی از دیوارهای این مسجد پایه بلند و هشت ضلعی این مناره قرار گرفته است. ساختمان مناره متعلق به عهد سلجوقیان است و به احتمال زیاد در قرن ششم هجری ساخته شده است. به این مناره مدور در ارتفاع ۳ / ۵ متری بعد از پایه بعداً گلدسته ای اضافه شده است. مناره مسجد شعیبا از آجر است و فاقد کتیبه یا تزئینات دیگر است. مناره مسجد شعیبا به لحاظ در برداشتن آجرکاری دوران سلجوقی از اهمیت برخوردار است.

منار گلبار

این منار که به نام منار خواجه عالم نیز شهرت دارد در محله سید احمدیان واقع شده و از نظر معماری بسیار جالب توجه است. می گویند این منار را شاگرد معمار اصفهانی، پنهان از استاد خود که در هارون ولایت مشغول ساختن منار دیگری بوده، ساخته است. شاگرد دو راه پله در منار ساخته و یکی از راهها را از نظرها مخفی نموده است، پس از پایان کار، استاد جهت نظارت آن می آید و به اتفاق شاگرد، بالای منار می رود. در بازگشت شاگرد بعد از پله چهارم از راهرو مخفی پایین می آید و به کار مشغول می شود. هنگامی که استاد او را پایین منار می بیند، تعجب می کند و پس از اطلاع از جریان کار، شاگرد را مورد تشویق قرار می دهد. میان مردم در مورد بناهای تاریخی یا برخی پدیده هایی که غیرقابل درک باشند افسانه های زیادی رایج است. مثلاً مردم اصفهان معتقدند گنج خسروانی زیر این منار دفن است و ماری به بزرگی یک گوسفند که طلسم شده، از

آن محافظت می کند.

منار ته برنجی

در محله سید احمد روضاتی مسجد قدیمی معروفی وجود دارد به نام مسجد محله. این منار حدود هشتصد سال قبل در این مسجد ساخته شده و چون پوششی از برنج، کف و قسمت تحتانی آن را پوشانیده به منار ته برنجی شهرت یافته است. از خصوصیات دیگر این منار آنکه، برخی معتقدند چنانچه زندهای عقیم به بالای این منار بروند و مراسم مخصوصی انجام دهند، پس از چندی باردار و صاحب فرزند می شوند.

منار مسجد جمعه

در مسجد جمعه اصفهان دو منار بلند و زیبا وجود دارد. هر دو کاشیکاری هستند و در قسمت در ورودی قرار دارند. این منارها در زمان سلاجقه ساخته شده اند.

منار هارون ولایت

همان طوری که خود هارون ولایت از نظر معجزه داستانهای شنیدنی دارد، این منار زیبا و رفیع را نیز صاحب کرامت می دانند! این منار به دستور سوگلی شاه اسماعیل ساخته شده است. بالای این منار دو سنگ آسیای بزرگ به جدار آن چسبیده است که بندبازها آن را بالا برده و در کنگره های منار نصب کرده اند.

منار شاخ

این منار در محله دردشت واقع است. منار در وسط میدانی قرار دارد که اطراف آن دکانهایی ساخته شده است. محیط این منار بیست پا و ارتفاع آن شصت پاست. این منار از آجر و آهک ساخته شده است. قسمت بالای منار تا پایین آن پوشیده از کله شکار می باشد. این منار عجیب یادگار یکی از شکارهای شاه اسماعیل یا شاه طهماسب صفوی است.

منار دشتی

این منار در جنوب شرقی اصفهان بنا شده و مربوط به عهد مغول بوده است. در سال ۱۲۹۴ هجری این منار را خراب کردند و آجرهایش را صرف ساختن کاروانسرای در همان محل نمودند.

منار شیخ مسعود

در محله دردشت، قبرستانی وجود داشت به نام شیخ مسعود که بقعه و آرامگاه او در آن گورستان بوده است. آن قبرستان دو منار بلند داشته که از بین رفته، محل این قبرستان در نزدیکیهای طوقچی کنونی است.

منار مسجد سین

قریه سین از روستاهای بخش برخوار است که در ۶ کیلومتری شمال گز واقع شده است در این قریه مسجدی است که با مناره اش مربوط به زمان سلجوقی است. این بنا قدیم ترین بنای اسلامی دارای تاریخ با نمای کاشیکاری است که تا کنون در ایران شناخته شده است. مناره سین از نظر فنون به کار رفته در ساختمان شباهت بسیاری با مناره غار دارد. برای مناره دو کتیبه به خط کوفی نقش شده است. یکی بر بالای منار با کاشی آبی و دیگری در پایین با آجر تراشیده. مفاد کتیبه اول آیه ۳۳ از سوره فصّلت می باشد. اما در کتیبه دوم نام بانی مناره به نام ابو اسماعیل محمد بن الحسین بن علی بن زکریا و تاریخ ۵۲۶ هجری قمری آمده است. یکی از محققین و پژوهشگرانی که در باره مناره های ایران تحقیقات جامعی کرده در باره تاریخ این مناره می نویسد: "این تاریخ قدیمی ترین تاریخی است که تا کنون بر بنائی ایرانی با تزئینات مینائی رنگ کشف شده است."

منار زیار

با پنج مقطع متمایز ساختاری از عصر سلجوقی دهکده زیار در ۳۳ کیلومتری مشرق اصفهان و در ساحل جنوبی زاینده رود واقع شده است. مناره زیار بر روی تکه پایه آجری و هشت گوشه در سه طبقه بنا شده است. دو طبقه فوقانی مناره با استفاده از شیوه قطار بندی تزئین شده است، در پایه مناره مسجدی وجود داشته که اثری از آن در دست نیست.

مناره زیار تنها نمونه مناره های سه طبقه اصفهان است که تغییرات کمتری در آن راه یافته است ارتفاع مناره بیش از ۵۰

متر است. منار زیار فقط یک کتیبه دارد که در آن آیه ۳۳ از سوره فصلت به خط کوفی نوشته شده است. از نظر قدمت با توجه به شباهت آن با مناره ساریان و همچنین با در نظر گرفتن نوع تزئینات آن مربوط به سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری است. اما این تاریخ نمی تواند دقیق باشد.

منار گار با دو دستگاه پله

دهکده گار که مردم محل آن را جار تلفظ می کنند در ۲۲ کیلومتری مشرق اصفهان در ساحل جنوبی زاینده رود واقع شده است. این مناره میله ای است مدور و منفرد که مصالح آن آجر است و بر پایه ای ۸ ضلعی بنا شده است. منار گار فاقد تزئینات بوده و ملات به کار گرفته شده مخلوطی از گچ و ماسه است. در قسمت فوقانی ۴ ضلع پایه کتیبه ای به خط بسیار ساده است که شیوه نگارش آن همان سبکی است که در اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری در اصفهان معمول بوده است. مضمون این کتیبه که به زبان عربی است این است که مناره به دستور سید الرؤساء القاسم بن احمد بن ابالقاسم در تاریخ ۵۱۵ ساخته شده است. خطوط بدنه مناره بر زمینه شطرنجی آجری جمله الملك لله تکرار شده است.

منار برسیان

این مناره یکی از قدیم ترین مناره های ایران است که در میان مناره های اصفهان که دارای تاریخ هستند سومین اثر به حساب می آید. روستای برسیان بر ساحل شمالی زاینده رود و در شرق اصفهان قرار گرفته است. این مناره به شکل ستونی مدور است که با آجر و ملات گچ ساخته شده است. مناره سکو پایه ندارد. قطر منار در سطح زمین ۷۵ / ۵ متر و ارتفاع آن ۵۵ / ۳۴ متر است. پلکان مارپیچ مناره از داخل مسجدی شروع می شود که بعدها ساخته شده است. مناره برسیان فاقد کاشیکاری است. تزئینات این اثر به "هزار باف" معروف است که با آجر نقوشی به شکل لوزی هایی می سازند که

به مربع نزدیک است. کتیبه این مناره به خط کوفی است که آیه ۷۶ از سوره حج با تاریخ ۴۹۱ هجری قمری در آن آمده است. اکثر کارشناسان و محققین شیوه آجر چینی این مناره را یکی از بهترین نمونه های صنعت آجر چینی دوران سلجوقی در قرن پنجم می دانند.

منار رهروان

نزدیک ترین مناره منفرد خارج از شهر اصفهان در ۶ کیلومتری شمال شرقی اصفهان روستای رهروان یا راهروان واقع شده است. مناره ای که به همین نام نامیده می شود در میان مزارع این روستا قرار دارد. این منار بر روی تک پایه ای کوتاه، مربع و آجری در دو طبقه برپا شده است. این مناره در حدود ۳۰ متر ارتفاع دارد. از نظر قدمت سال ساخت آن دقیقاً معلوم نیست. اما بررسیهای محققین و کارشناسان، تاریخ بنای آن را به بعد از مناره های مسجد علی و ساریان و زیار مربوط میکند. کتیبه ای به خط نسخ به کاشیهای آبی قسمت فوقانی مناره رهروان را تزئین کرده است. مفاد این کتیبه جمله (لااله الا الله، محمدرسول الله مخلصاً) می باشد.

منار گز

این منار در منطقه برخوار اصفهان قرار دارد و یادگاری از دوران سلاجقه است که در قرن ششم ساخته شده است.

مساجد

لیست مساجد

۱-مسجد آقامیرزا محمدباقر چهار سوقی -قرن ۱۳ هجری

۲-مسجد آقانور -۱۰۳۹-۱۰۳۴ هجری

۳-مسجد ازیران -قرن ۸ هجری

۴-مسجد امام -۱۰۳۰-۱۰۲۰ هجری

۵-مسجد امامزاده شوری-۹۱۹ هجری

۶-مسجد ایلچی -۱۰۹۳ هجری

۷-مسجد باغ حاجی -۱۰۳۳ هجری

۸-مسجد بزرگ ساروتقی-صفویه

۹-مسجد بیگ -۱۰۸۲ هجری

- ۱۰-مسجد بوزان -قرن ۶ هجری
- ۱۱-مسجد جارچی -۱۰۱۹ هجری
- ۱۲-مسجد جامع برسیان -قرن ۵ هجری
- ۱۳-مسجد جامع عتیق -قرن ۲ هجری به بعد
- ۱۴-مسجد جامع خوزان -قرن ۸ هجری
- ۱۵-مسجد جامع دشتی -قرن ۷ هجری
- ۱۶-مسجد جامع کاج -قرن ۸ هجری
- ۱۷-مسجد جامع گار (غار)-۵۲۵ هجری
- ۱۸-مسجد جامع گلون آباد-۱۱۰۹ هجری
- ۱۹-مسجد جامع میمه -صفویه
- ۲۰-مسجد جورجیر (جامع صغیر)-آل بویه
- ۲۱-مسجد حاجی محمد امید -۱۱۲۹ هجری
- ۲۲-مسجد حاجی محمد جعفرآباده ای -قرن ۱۳ هجری
- ۲۳-مسجد حاجی محمد مهدی -اواخر صفویه
- ۲۴-مسجد حاجی منوچهر -صفویه
- ۲۵-مسجد حاجی میرزا محمد صادق -اوائل قاجاریه
- ۲۶-مسجد حاجی یونس -صفویه حکیم-۱۰۶۷ هجری
- ۲۷-مسجد خان-۱۰۹۰ هجری
- ۲۸-مسجد خلوت نشین (شیشه)-قرن ۱۰ هجری
- ۲۹-مسجد دروازه حسن آباد-۱۲۶۴ هجری

۳۰- مسجد ذوالفقار-صفويه

۳۱- مسجد رحيم خان-قرن ۱۳ هجرى

۳۲- مسجد ركن الملك-قرن ۱۳ هجرى

۳۳- مسجد سرخى (سفره چى)-۱۰۱۴ هجرى

۳۴- مسجد سعيد بن جبير-قرن ۱ هجرى

۳۵- مسجد سلطان بن ابو سعيد بهادر خان-قرن ۸ هجرى

۳۶- مسجد سليمان بيگ-صفويه

۳۷- مسجد سيد-قرن ۱۳ هجرى

۳۸- مسجد سين-قرن ۶ هجرى

۳۹- مسجد شاه كرم-قرن ۸ هجرى

۴۰- مسجد شعيا-قرن ۱ هجرى، سلجوقى-صفويه

۴۱- مسجد شهرستان-۱۰۴۲ هجرى

۴۲- مسجد شيخ لطف الله-صفويه

۴۳- مسجد صفا (مسجد حاجى سيدجواد)-قرن ۱۳ هجرى

۴۴- مسجد ظلمات (مقصود بيگ)-قرن ۱۱ هجرى

۴۵- مسجد على-قرن ۶ هجرى

۴۶- مسجد عليقلی آفا-۱۱۲۲ هجرى

۴۷- مسجد فتح-صفويه

۴۸- مسجد قطيه-۹۵۰ هجرى

۴۹- مسجد كوچك ساروتقى-صفويه

۵۰-مسجد گز-قرن ۶ هجری

۵۱-مسجد لبنان-قرن ۸-صفویه

۵۲-مسجد محله نو-صفویه تا ۱۲۷۶ هجری

۵۳-مسجد مصری (جوباره)-۱۰۱۰ هجری

۵۴-مسجد نمکی-سلجوقی

۵۵-مسجد نو-۱۳۰۵ هجری

۵۶-مسجد ورزنه-قرن ۶ تا ۸ هجری

۵۷-مسجد هفتشویه-سلجوقی (معماری ایران، محمد یوسف کیانی، جلد دوم)

مسجد جامع

موقعیت

میدان قیام، خیابان علامه مجلسی سال تاسیس:قرن دوم هجری ابعاد مسجد: ۱۴۰*۱۷۰ این بنا ترکیبی از سکه های معماری و تزئین کاری ایران در گذر زمان است از قدیمی ترین مساجد ایران است که بر روی

ویرانه های مسجد قدیمی تری ساخته شده که اعراب ساکن حومه اصفهان در قرن دوم هجری ساخته بودند.

بناهای مسجد

این مسجد دارای بناهای متعددی است از جمله صحن چهار ایوانی، شبستانها، مدرسه مظفری، صفا های کوچک دوره دیلمی، گنبد نظام الملک، گنبد تاج الملک، محراب اولجایتو، چهار ایوان معروف صاحب، استاد، شاگرد، درویش قدیمیترین بنای تاریخی اصفهان را باید مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان تلقی کرد. سیمای فعلی مسجد عمدتاً مربوط به اقدامات دوره سلجوقی است اما تعمیرات و الحاقات آن به دورانهای بعد به خصوص عصر صفویان مربوط می شود. اما در کاوش های باستان شناسی مراحل قبل از سلجوقی هم به دست آمده که به دوران آل بویه و قرن سوم هجری باز می گردد. در همین کاوش ها آثار قبل از اسلام نیز کشف شده است. مسجد دارای ورودی های متعدد است که هر یک فضای مسجد را به بخشهایی از بافت پیرامون آن مربوط می کند این ورودی ها همه در یک زمان ساخته نشده اند و هر یک در مقطعی از تاریخ و در ارتباط با ساختمان درون و بیرون بنا به وجود آمده اند. گذرها و معابری که در گرداگرد مسجد وجود دارند بیانگر ارتباط گسترده ای است که مسجد با بافت قدیم شهر دارد. مسجد جامع اصفهان با نقشه چهار ایوانی بنا شده و از آنجا که ابداعات هنری و معماری ۱۵ قرن دوران اسلامی را در خود گرد آورده است یکی از بهترین آثاری به شمار می رود که در دنیای امروز شهرت دارد. با توجه به منابع و مآخذ مختلف این نکته مشخص می شود

که مسجد جامع در طول زمان به سبب آتش سوزی و جنگ های متعدد و نا آرامی های دوران های مختلف آسیب فراوان دیده و دوباره بازسازی و مرمت شده است. چهار ایوان اطراف میدان مشخص کننده شیوه مسجد سازی ایرانیان است که پس از احداث آن در سایر مساجد نیز رواج یافته است. این ایوان ها که به نامهای صفة صاحب در جنوب صفة درویش در شمال صفة استاد در مغرب صفة شاگرد در مشرق نامیده می شوند با تزئینات مقرنس سازی و کاربرندی یکی از فنون بسیار جالب معماری ایران را بیان می دارد.

نمای داخلی صحن مسجد و کاشیکاری های آن مربوط به قرن نهم هجری است که احتمالاً مناره ها نیز مربوط به همین زمان می باشند به طور کلی بنای کنونی مسجد جامع اصفهان شامل بخشهای زیر می باشد.

شبستان مسجد: این شبستان که بر ستون های مدور استوار است که با گچبری های بسیار زیبا تزئین شده است. این قسمت مربوط به عصر دیلمیان است. گنبد و چهل ستونهای اطراف آن که در ایوان جنوبی مسجد واقع شده و در فاصله سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ هجری قمری بنا شده است.

این گنبد در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک ساخته شده از نمونه های نادر ساختمان های عصر سلجوقی است. ایوانی که در جلوی این گنبد آجری واقع شده در اوائل قرن ششم هجری بنا گردیده و سقف آن از مقرنس های درشت ترکیب شده است.

این گنبد دارای زیباترین طرحهای تزئینی ساخته شده از آجر و گچ میباشد. گنبدی که در بخش شمالی حیاط مسجد واقع

شده و قرینه گنبد خواجه نظام الملک است در سال ۴۸۱ بنا گردیده است.

احداث این گنبد را به ابوالغنائم تاج الملک یکی دیگر از وزرای عصر سلجوقی نسبت می دهند. ایوان معروف به صفا صاحب که در دوران سلجوقی ساخته شده و تزئینات آن مربوط به عصر قراقویونلو و صفوی است. در این قسمت کتیبه هائی از دورانهای مختلف از جمله صفویان به چشم می خورد. ایوان غربی معروف به صفا استاد که در عصر سلجوقی بنا شده و در دوره صفویان با کاشیکاری تزئین شده است. در این صفا علاوه بر خطوط ثلث و نستعلیق که به تاریخ ۱۱۱۲ هجری قمری و در زمان سلطنت شاه سلطان حسین کتابت شده عباراتی به خط بنائی بسیار زیبا و با امضاء محمد امین اصفهانی نوشته شده است. با مطالعه این عبارات و دقت در خطوط بنائی این ابیات بسیار زیبا مشخص می گردد.

چون نامه جرم ما به هم پیچیدند بردند و به میزان عمل سنجیدند**بیش از همه کس گناه ما بود ولی ما را به محبت علی بخشیدند / رو به روی این ایوان، صفا شاگرد قرار دارد که در عصر سلجوقی بنا شده و در قرن هشتم و یازدهم هجری قمری در دوران حکومت ایلخانان و صفویه تزئیناتی به آن اضافه شده است. این ایوان فاقد تزئینات کاشیکاری است و با مقرنس های آجری تزئین شده است. در این ایوان سنگ مرمر یکپارچه نفیسی است که در اطراف و بالای آن لوحه ها و کتیبه هایی نوشته شده است. در منتهی الیه ضلع شرقی مسجد جمعه صفا عمر واقع شده که کتیبه تاریخی هلال

ایوان آن به سلطنت سلطان محمود آل مظفر اشاره می کند. تاریخ این کتیبه ۷۶۸ هجری قمری است و خطاط آن عزیز التقی الحافظ می باشد. در سقف این صدفه خطوط تزئینی و تاریخی به چشم می خورد که با خط بنائنی عبارات مذهبی و سازنده بنا به نام مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی نوشته شده است. علاوه بر آن در این صدفه نام استاد کاران دیگر همچون حسن کاروان کاشیکار و کوهیار البرقوهی خطاط کتیبه محراب صدفه به چشم می خورد. در شمال ایوان استاد شبستان کوچکی قرار دارد که زیباترین محراب گچبری مسجد را در بر دارد. این شبستان که به مسجد الجایتو نیز معروف است دارای محرابی است که به مثابه گوهری تابناک از هنر ایرانی در جهان از شهرتی عظیم برخوردار است. بر این محراب زیبا نام سلطان محمد خدا بنده ایلخان مشهوری که قبل از تشراف به دین اسلام لقب الجایتو را داشت و بعد از مسلمان شدن خود را خدا بنده نامید و وزیر دانشمند او محمد ساوی و سال ساختمان آن یعنی ۷۱۰ هجری قمری به چشم می خورد. زیباترین منبر منبت کاری موجود در مسجد جمعه اصفهان نیز در این مسجد قرار دارد که سال ساخت آن ذکر نشده است. از مسجد اولجایتو به شبستان زمستانی بیت الشتاء می رسیم که به موجب کتیبه سر در آن در زمان تیموریان به دستور عماد بن المظفر ورزنه ای ساخته شده است. به همین علت به شبستان عماد نیز معروف است این شبستان با شکوه دارای ستون های قطور کوتاه و اتاقهای خیمه ای شکل است. در وسط هر چشمه طاق

یک قطعه سنگ مرمر شفاف نصب شده که نور شبستان را تأمین میکند.

شبستان جنوب شرقی مسجد که احتمالاً کتابخانه عظیم و مشهور خواجه نظام الملک را در بر داشته در بمباران شهر اصفهان تخریب گردیده که مجدداً به شیوه اول بازسازی شده است. این اثر نفیس و با شکوه به علت در بر داشتن نمونه های گوناگون ادوار مختلف اسلامی از نظر فنی و هنری اهمیت بسیاری داشته و از شهرت جهانی برخوردار است. این شهرت و نفاست همه ساله گروه های بی شماری از علاقمندان و پژوهشگران را به خود جلب می کند حاصل این مطالعات، مقالات و رسالات و کتب متعددی است که به وسیله معماران و مهندسين و باستان شناسان مشهور جهان و ایران به رشته تحریر در آمد که اغلب آنها به زبان فارسی ترجمه شده اند. به طور کلی به همان اندازه که میدان نقش جهان و عمارات تاریخی اطراف آن یاد آورد معماری و هنر دوران صفوی است مسجد جمعه و محلات پیرامون آن افسانه زندگی در عهد سلجوقیان و روزگار پیش از آن را بیان می دارد.

مسجد امام

گستره ای از معماری اصیل اسلامی

در پوششی از لعاب فیروزه ای فام معروف به: مسجد مهدیه، مسجد المهدی، مسجد جامع عباسی، مسجد سلطانی جدید، مسجد شاه موقعیت: ضلع جنوبی میدان امام سال تاسیس: ۱۰۲۰ هجری (دوره شاه عباس اول)

معمار: استاد علی اکبر اصفهانی و ناظر ساختمان محب علی بیگ الله خطاط: علیرضا عباسی، عبدالباقی تبریزی، محمد رضا امامی، محمد صالح امامی

ویژگیهای مسجد

عبارت است از در بیست و چهارمین سال سلطنت شاه عباس اول بنا شده است کتیبه سر در مسجد به خط ثلث علی رضا عباسی حاکی از آن است که شاه عباس این مسجد را از مال خالص خود بنا کرده و ثواب آن را به روح جد اعظم خود شاه طهماسب اهدا نموده است.

در کتیبه دیگر سردر، از مقام معماری و مهندسی معمار مسجد جامع جدید اصفهان تجلیل شده است از نکات جالب این مسجد انعکاس صوت در مرکز گنبد بزرگ جنوبی آن است گنبد عظیم مسجد ۵۲ متر، ارتفاع مناره های داخل آن ۴۸ متر و ارتفاع مناره های سر در آن در میدان امام ۴۲ متر است.

قطعه سنگ ساده ای به شکل شاخص که ظهر حقیقی را در چهار فصل نشان می دهد قطعات بزرگ سنگ های مرمر یک پارچه، سنگ های نفیس

در منتهی الیه جنوبی میدان امام مسجدی برپاست که نمونه ارزنده ای از معماری قرن ۱۱ هجری به شمار می رود. ساختمان

مسجد در سال ۱۰۱۹ هجری برابر با ۱۶۱۱ میلادی شروع شد و در سال ۱۰۳۸ هجری برابر با ۱۶۲۹ میلادی به پایان رسید. این مسجد به عنوان یک بنای عمومی برای استفاده مردم ساخته شد. سردر زیبا و با شکوه مسجد با کاشی

معرق است اما بقیه قسمت ها با کاشی خشت تزئین گردیده است. بسیاری از محققین و مطلعین تاریخ صفویه علت اینکه کاشی های سردر با داخل مسجد تفاوت دارند را در عجله ای می دانند که شاه عباس اول برای اتمام مسجد داشت.

معمار مسجد استاد علی اکبر اصفهانی معمار برجسته عصر صفوی است که نام او در کتیبه بالای سردر آمده است. مسجد در عصر صفویه به نام های مسجد مهدیه، مسجد المهدی و در کتب و منابع و سفرنامه ها به نام های دیگر همچون مسجد جامع عباسی و مسجد سلطانی نامیده می شد مسجد شاه نیز یکی دیگر از اسامی مجلس بود.

سردر ورودی

سردر ورودی رفیع و با شکوه مسجد با مناره های طرفین بر زیبایی بنا می افزاید. این سردر با کاشی های تزئینی چند رنگ همراه با نقوش گل و گیاه و پرنده و مقرنس های پوشیده از کاشی های معرق با نقش های متنوع و زیبا تزئین شده است. در بالای کتیبه سردر غرفه ای است که کاشی کاری آن بسیار جالب توجه است. شکل دو طاووس که در طرفین یک گلدان قرار گرفته و با کاشی های معرق تزئین شده اند از دیدنی های مسجد به شمار می روند. در اصلی مسجد در زمان سلطنت شاه صفی جانشین شاه عباس اول نصیب شده است. قطعه ای که با مصراع «شد در کعبه در سپاهان باز» با خط نستعلیق بسیار زیبا بر در نوشته شده ماده تاریخ نصب این در یعنی سال ۱۰۴۷ هجری را بیان می دارد. در قسمت های مختلف لوحه هایی به چشم می خورند که

بیانگر بخشودگی برخی از مالیات ها در دوران های مختلف است.

کتیبه های موجود در مسجد امام که به خط اساتید بزرگ و برجسته آن عصر همچون عبدالباقی تبریزی، محمدرضا امامی، محمد صالح اصفهانی و سایر خوشنویسان برجسته عصر صفوی هستند بر عظمت و شهرت مسجد می افزایند. در دو گوشه جنوب شرقی و جنوب غربی مسجد دو مدرسه قرار دارند که اولی را به دلیل تعمیرات عصر ناصرالدین شاه قاجار مدرسه ناصری و دیگری را که زمان شاه سلیمان صفوی مرمت شده مدرسه سلیمانیه می نامند. سنگ مشهور به سنگ شاخص که در چهار فصل ظهر شرعی را نشان می دهد در مدرسه سلیمانیه قرار دارد. محاسبه و تعبیه و نصب این سنگ از ابتکارات و ابداعات شیخ بهائی دانشمند بی نظیر عصر شاه عباس اول است. این سنگ شاخص ظهر شرعی را در طول چهار فصل سال نشان میدهد. (دو کتیبه ای که در مدخل این مدرسه قرار دارند و به خط نستعلیق بسیار زیبا می باشند مربوط به زمان قاجار هستند).

ویژگی های گنبد مسجد

ایوان سرپوشیده شمالی مسجد فضای وسیع و بلندی است که سر تا سر آن را کاشیکاری بسیار زیبایی فرا گرفته است. گنبد با عظمت و رفیع مسجد که به صورت دوپوش ساخته شده بر روی این صحن قرار دارد. این گنبد را بزرگترین و پرکارترین و استادانه ترین آثار معماری قرن ۱۱ هجری می دانند.

از خصوصیات این گنبد که حدود ۵۴ متر ارتفاع دارد انعکاس صدا است. و این به خاطر دو پوش بودن گنبد و فضای ۱۶ متری بین دو گنبد است.

در همین صحن منبر سنگی مرمی

یکپارچه نفیسی واقع شده که از شاهکارهای سنگتراشی آن روزگار است. این صحن بوسیله دو دهانه عریض به شبستان های مجاور راه دارد. سطح نمای داخلی این دو شبستان نیز پوشیده از کاشیکاری و کتیبه های نفیس و زیباست.

در دو سوی ایوان جنوبی مسجد دو شبستان وسیع ساخته شده که مجموعه ای از ویژگی های معماری پیشرفته قرون ۱۰ و ۱۱ هجری را به نمایش می گذارند.

طبقه فوقانی که در قسمت شمالی مسجد واقع شده دارای غرفه هائی است که در دوران صفویه به محل زندگی طلاب علوم دینی اختصاص داشت. مسأله ای که در مسجد امام جلب توجه می کند و اکثر سیاحان و جهانگردان نیز به آن اشاره کرده اند و معماران و مهندسين نیز آن را یکی از استادانه ترین شگردهای معماری به حساب آورده اند مسأله رعایت جهت قبله در مسجد است. سازندگان مسجد طوری سردر را درست کرده اند که با عبور از میان ایوان ورودی بدون آنکه احساس شود، نیم چرخشی به سمت راست زده می شود. در حقیقت معمار برجسته این اثر با یک زاویه ۴۵ درجه مسجد را در جهت قبله قرار داده است. همانطور که گفته شد کتیبه های موجود در مسجد علاوه بر آنکه شاهکارهای هنر خوشنویسی و بخصوص خط ثلث را به نمایش می گذارند برخی وقایع تاریخی را نیز بیان می دارند. بطور کلی مسجد امام اصفهان با مناره های رفیع و ایوان های سر به فلک کشیده و شبستان های عالی و محرابهای نفیس و همچنین با طرح یکپارچه و متوازن خود از شاهکارهای بی نظیر و مسلم معماری زمان

صفویه است. مسجدی که در عصر خود از عجایب زمان بوده و در حقیقت نیز به دلیل زیبایی طرح، عظمت، ابعاد و شکوه و جلال کاشیکاری هایش چنین است و... ستاره درخشان هنر عصر صفوی است.

مسجد شیخ لطف اله

گوهری صدر نشین در گنجینه شاهکارهای معماری اصفهان

معروف به: مسجد صدر، مسجد فتح الله موقعیت: ضلع شرقی میدان امام سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول)
معمار: استاد محمد رضا اصفهانی

خطاط: علی رضا عباسی ساخت این مسجد ۱۸ سال به طول انجامید

از ویژگی های این مسجد

نداشتن صحن و مناره که در تمامی مساجد اسلامی جزء لاینفک بنا است چرخش ۴۵ درجه ای که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد گنبد کم ارتفاع مسجد محراب بی بدیل مسجد کتیبه های نفیس و طره های سر در که درون گلدان مرمرین جای گرفته اند

در ضلع شرقی میدان نقش جهان و روبروی کاخ عالی قاپو، مسجدی واقع شده که در دوران صفویه آن را مسجد صدر و فتح الله نیز می نامیدند. طرح این مسجد در زمانی که نقشه چهار باغ و باغ هزار جریب به مرحله اجراء درآمد ریخته شد و در دورانی که معماری صفویه به شکوفایی رسیده بود مورد بهره برداری قرار گرفت. آنچه مسجد شیخ لطف الله را در عداد نمونه های بازار هنر ایرانی-اسلامی قرار می دهد اندازه کوچک و هماهنگی آن با بناهای اطراف میدان است. سردر زیبا و پرکار مسجد در سال ۱۰۱۲ به پایان رسید اما بقیه مسجد و تزئینات کاشیکاری آن تا سال ۱۰۲۸ هجری بطول انجامید. کتیبه سردر که به خط ثلث بسیار زیبا با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده سال ۱۰۱۲ و امضاء علیرضا عباسی خوشنویس برجسته عصر صفوی را نشان می دهد.

نکته ای که محققین و پژوهشگران و سیاحان بر آن متفق القولند اختصاصی بودن مسجد شیخ لطف الله است. این نکته را استثنائی بودن مسجد یعنی عدم

صحن و مناره که در تمامی مساجد اسلامی جزء لاینفک بنا است تأیید می کند. عدم وجود صحن و مناره در مسجد شیخ لطف الله باعث شده تا رواقی پوشیده از کاشیکاری زیبا و استادانه و پرکار فضای مسجد را به گنبد مربوط کند. مسجد را شاه عباس اول به احترام و افتخار شیخ لطف الله جبل عاملی روحانی شیعه آن روزگار که از لبنان به ایران آمده بود ساخته است. تا به عبادت اهل حرم و خود وی اختصاص داشته باشد. مدرسه ای نیز در کنار مسجد برای تدریس این دانشمند برجسته ساخته شد که امروز اثری از آن نیست. شاید به همین دلیل است که جهانگردان اروپائی عصر صفوی که هر بنائی را با کنجکاوی و موشکافی بازدید کرده اند کمتر از این مسجد مطلب نوشته اند و فقط پیترو و دولابواله به توصیف آن پرداخته است. اوژن فلاندن فرانسوی نیز در زمان قاجار درباره آن مطلب نوشته است. (یکی از سیاحان خارجی معتقد است به دلیل اختصاصی بودن مسجد کسی را به داخل راه نمیداده اند). از ویژگیهای مسجد چرخش ۴۵ درجه ای است که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد. این گردش که در اصلاح معماران سنتی ایران «پاشنه» نامیده می شود چنان ماهرانه صورت گرفته که به هیچ روی توجه بیننده را جلب نمی کند. این چرخش باعث شده تا بازدید کننده پس از گذشتن از مدخل تاریک و بعد از عبور از راهرو طویل متصل به آن به فضای اصلی و محوطه زیر گنبد وارد شود. گنبد کم ارتفاع مسجد حاوی خطوط اسلیمی است که به

طرز باشکوهی بر زمینه خاکی رنگ گنبد گسترده شد، هماهنگی بی نظیری را در نقش و طرح و رنگ به نمایش می گذارد. محراب بی بدیل مسجد شیخ لطف الله که تاریخ ۱۰۲۸ و امضاء محمد رضا بن استاد حسین بنا اصفهانی را بر خود دارد از شاهکارهای معماری و هنر اسلامی ایرانی است که هر بیننده را به اعجاب و تحسین وامی دارد.

کتیبه خارجی گنبد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی حاوی سوره های قرآن کریم است. خطوط کتیبه های داخل گنبد مسجد را علیرضا عباسی و خطاط دیگری که شهرت چندانی ندارد و نام او استاد باقر بنا است نوشته اند. مضمون این کتیبه ها آیات قرآنی و عبارت مذهبی است. علاوه بر آن خطوط بنائی با کاشی مشکی بر زمینه سفید آیات قرآنی کتابت شده است. در چهار گوشه داخل مسجد نیز بار دیگر آیاتی با خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی با کاشی سفید معرق نوشته شده است. در ضلع شرقی و غربی مسجد شیخ لطف الله اشعاری به زبان عربی که آن هم به خط ثلث است نوشته شده که بنا به اظهار کارشناسان سراینده آنها شیخ بهائی است. خطاط این کتیبه ها نیز باقر بنا است. در جلو مسجد حوض ۸ گوش بسیار زیبایی وجود داشته که پیوسته لبریز از آب بوده است. این حوض را در اواخر دوره قاجار خراب کرده اند. اگر چه اختصاصی بودن مسجد باعث شده که سیاحان کمتری درباره آن مطلب بنویسند اما می توان ادعا کرد مسجد شیخ لطف الله در عداد آثار شاخص و مشهور عصر صفویه

است. وجود کتیبه های نفیس و طره های سردر که در درون گلدان مرمرین جای می گیرند آنچنان زیبایی جاودانه در ذهن بیننده بیدار می کنند که این یقین برای او حاصل می شود که معماری این اثر الهامی بوده است. زیرا دارای حالت ویژه و منحصر بفرد نماز انسان با خداوند است.

مسجد حکیم

برانگیزاننده خالصترین احساسات عارفانه

معروف به: مسجد جامع رنگرزان موقعیت: خیابان حکیم سال تاسیس: قرن ۴ هجری به وسیله طبیب شاه عباس دوم در محل ویرانه های مسجد جامع جوجیر یا مسجد صاحب اسماعیل بن عباد ساخته شد.

خطاط: محمد رضا امامی سر در قدیمی مسجد با قدمت ۱۰۰۰ ساله یکی از آثار طراز اول صدر اسلام به شمار می رود از دلایل شهرت این مسجد علاوه بر فرم و ساختار گلی مسجد وجود خطوط بنایی در گوشه های این اثر نفیس و کم نظیر است از جمله مساجد بسیار جالب و مشهور عصر صفوی، مسجد حکیم اصفهان است که کاشیکاریهای زیبا و خطوط متنوع، کار اساتید نامدار عصر صفویه، آن را در عداد یکی از شاهکارهای معماری اسلامی قرار داده است. این مسجد با شکوه در محل مسجدی واقع شده که در دوران حکومت دیالمه آن را جورجیر می نامیده اند. و چون در انتهای بازار رنگرزان واقع بوده به جامع رنگرزان نیز معروف بوده است. امروز جز سردر این مسجد اثری بر جای نمانده است. در نمای این سردر اختلاف سطح ها را با نوعی اندود پر کرده بودند که پس از زدودن اندودها طرحهای بسیار جالب توجهی نمودار گشته است. این سردر نفیس و با شکوه با ۱۰۰۰ سال قدمت یکی از آثار طراز

اول صدر اسلام به شمار می رود. مسجد حکیم در زمان سلطنت شاه عباس دوم صفوی ساخته شده است. علت نامگذاری این مسجد به «حکیم» این بوده که بانی مسجد «محمد داوود» نامی بوده که به طبابت اشتغال داشته و حکیم داوود نامیده می شده است. مورخین و محققینی که در تاریخ تتبع و مطالعه کرده اند درباره این شخص می نویسند: وی طیب شاه عباس دوم بوده که به دلائلی مورد خشم قرار می گیرد. و از بیم جان به هندوستان می گریزد. و چون در آن دیار ترقی می کند و برخی معالجاتش در مورد بزرگان و امرا مؤثر واقع می شود به لقب تقریب خان ملقب شده و ثروت زیادی می اندوزد. حکیم داوود مقداری از این ثروت را برای کسانش به اصفهان می فرستد و از آنان می خواهد مسجدی عالی در شهر اصفهان بنا کنند.

بدین ترتیب مسجد حکیم ساخته می شود. کتیبه سردر شمالی مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است بیانگر این مطلب است، که خطاط این کتیبه محمد رضا امامی خوشنویس نامدار عصر صفوی است و تاریخ نامدار عصر صفوی است و تاریخ آن ۱۰۷۳ هجری قمری یعنی سال اتمام مسجد است. در طرفین این سردر در دولوحه کوچک با خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی رنگ سازنده این سردر زیبا و نفیس به نام محمد علی بن استاد علی بیگ بناء اصفهانی معرفی شده است. بر سر در شرقی مسجد حکیم با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی سال شروع ساختمان مسجد یعنی ۱۰۶۷ هجری قمری نوشته شده است. در داخل ایوان

بعد از آیات و عبارات قرآنی نام محمد رضا امامی و تاریخ ۱۰۷۱ هجری گنبد به تاریخ ۱۰۶۹ هجری کتابت شده است و نویسنده آن محمد رضا امامی است. نویسنده کتیبه اطراف محراب نیز محمد رضا امامی و تاریخ کتابت ۱۰۷۱ هجری است. دو شبستان در شرق و غرب گنبد قرار گرفته که کتیبه شبستان شرقی به تاریخ ۱۰۶۹ هجری به وسیله محمدرضا امامی نوشته شده است.

اما خطاط کتیبه شبستان غربی محمد باقر شیرازی است و تاریخ آن ۱۲۵۴ هجری قمری است. ایوان شمالی مسجد نیز حاوی کتیبه های بسیار زیبا است در اطراف این ایوان آیات قرآن کریم به خط محمد رضا امامی و تاریخ ۱۰۷۱ هجری نوشته شده است. در طرفین این ایوان دو حجره کوچک خود نمائی می کنند که بر آنها اشعاری با خط بنائی ساده سه رگی نوشته شده است. در ایوان غربی نیز آیات قرآنی با نام محمد رضا امامی و تاریخ ۱۰۷۳ هجری به چشم می خورد. مسجد حکیم شبستان مسقف و زیبایی دارد که در سمت مغرب واقع شده و دارای محراب بسیار نفیس و جالبی می باشد که کتیبه آن به خط ثلث سفید بسیار عالی نوشته شده است. یکی از دلایل شهرت مسجد حکیم علاوه بر فرم و ساختار کلی مسجد که آن را در عداد یکی از بهترین بناهای مذهبی ایران در آورده است وجود خطوط بنایی در گوشه های این دو اثر نفیس و کم نظیر است. توضیح اینکه ضرورت دارد که آغاز استفاده از خط بنایی که الهامی از خط کوفی است به عصر تیموریان باز می گردد اما در

عصر

صفویه این خط در اصفهان به کمال و اعتلاء رسید و مراحل تکامل را پیمود و به مرتبه ای رسید که خطاطان و استادان از آن در اماکن متبرکه و مساجد استفاده کردند. از مجموع مطالعات انجام شده بر روی مسجد حکیم این نکته مشخص می گردد که قسمت گنبد و مقصوره و شبستانهای طرفین مسجد حکیم در دو محله ساخته شده است. مرحله اول همزمان با ساخت مسجد در عهد صفویه و مرحله دیگر در زمان گسترش مسجد در دوره های بعد از صفویه بود. با احداث خیابان حکیم و نمایان شدن جبهه غربی مسجد بر تعداد گردشگرانی که این ساختمان بی بدیل را مورد بازدید قرار می دهند افزوده شده و علاقمندان بسیاری برای بازدید از آن اظهار اشتیاق می کنند.

مسجد سید

موقعیت

خیابان مسجد سید سال تاسیس: قرن ۱۳ هجری (محمد شاه قاجار) مساحت: ۸۰۷۵ متر مربع این بنا زیر نظر حجت الاسلام سید محمد باقر شفتی ساخته شده است.

خطاط: محمد باقر شریف شیرازی در کاشیکاری های این مسجد مخصوصاً در تزئینات گلدانها و منظره هایی که نمایش داده شده رنگ قرمز نقش عمده ای دارد.

بناهای این مسجد

عبارتند از چهار در اصلی، دو شبستان بزرگ، دو گنبد کوچک و بزرگ، دو چهلستون، دو مهتابی وسیع کف حیاط، چهار مهتابی طبقه فوقانی، سه ایوان و یک گلدسته معظم، ساعتی رفیع و بیش از ۴۵ حجره و چند دهلیز یکی از بناهای با شکوه و نفیس شهر اصفهان مسجد سید است. این اثر ارزنده و مشهور که در ضلع جنوبی خیابان مسجد سید واقع شده از حیث مطالعه معماری و هنر کاشیکاری مخصوصاً گره کشی، خط بنائی و کاشی ۷ رنگ در شمار بهترین آثار قرن ۱۳ هجری قرار دارد. ساختمان مسجد سید زیر نظر مرحوم حجت الاسلام سید محمد باقر شفتی معروف به سید شروع شد. اما عمر آن مرحوم برای پایان آن وفا نکرد. بنابراین بقیه کارهای آن زیر نظر فرزند و نوه او ادامه یافت. مسجد سید با چهار در اصلی، دو شبستان بزرگ، دو گنبد کوچک و بزرگ، دو چهلستون، دو مهتابی وسیع کف حیاط، چهار مهتابی طبقه فوقانی، سه ایوان و یک گلدسته معظم، ساعتی رفیع و بیش از ۴۵ حجره و چند دهلیز جمعاً ۸۰۷۵ متر مربع مساحت دارد. پس از انقراض صفویه با رکودی که گریبانگیر وضع اقتصادی کشورمان شده بود کاشیکاری و بطور کلی مسجد سازی دچار وقفه محسوسی شد. بنابراین

اگر بگوئیم مرحوم سید با آغاز ساختمان مسجد سید بار دیگر احداث مسجد در ایران را رونقی تازه بخشید سخنی به گزاف نگفته ایم. سردر شمالی مسجد که ورودی اصلی به حساب می آید دری رفیع با دو سکو از سنگ پارسی است که طرفین آن تزئیناتی از کاشی ۷ رنگ و گل و بوته و کتیبه هائی به خط ثلث جای گرفته اند. این کتیبه ها شامل آیاتی از قرآن کریم است.

سردر جنوب غربی که آن نیز یک ورودی رفیع است با کاشیهای ۷ رنگ و کتیبه ها و اسپرهای مکتوب تزئین شده است. کتیبه های این سردر به خط محمد باقر شیرازی خوشنویس بزرگ عصر قاجار کتابت شده است. سردر جنوب شرقی با جلوخانی وسیع همچون نگینی در کوچه می درخشد. در اسپرهای طرفین این سردر اشعاری به خط نستعلیق بسیار زیبا در مدح مرحوم سید به چشم می خورد مسجد سید از نوع مساجد چهار ایوانی است که ایوان شمالی با کاشیهای ۷ رنگ و گل و بوته اسلیمی تزئین شده است.

ایوان جنوبی جلوی شبستان زیر گنبد قرار دارد. ایوان های شرق و غرب در جلو شبستان زمستانی مسجد واقع شده اند. در دو طرف شرق و غرب چهار مهتابی ساخته شده اند. در اطراف ایوان ها حجراتی برای سکونت طلاب علوم دینی ساخته شده اند. در اسپرهای اطراف مهتابی ها با خط بنائی عبارات و اشعاری نوشته اند ساعت بزرگ مسجد که در اصفهان شهرت دارد در بالای ایوان جنوبی قرار گرفته است. در شمال شرقی مسجد آرامگاه حجت الاسلام واقع شده که بقعه و رواقی مقابل آن است.

داخل این بقعه و رواق با تزئینات کاشیکاری و گچبری آراسته شده است. در بالای سردر ورودی بقعه تاریخ فوت مرحوم حجت الاسلام با خط ثلث نوشته شده است. مسجد سید اصفهان به دلیل وجود تزئینات بسیار جالب گل و بوته و اسلیمی و وجود خط بنائی و دیگر خطوط از استادان نامدار عصر قاجار در عداد یکی از شاهکارهای معماری عصر قاجار قرار دارد که در گوشه گوشه آن شگردهای جالب معماری و تزئینات بسیار عالی خود نمایی می کند.

مسجد آقا نور

در محله دردشت اصفهان مسجدی قرار دارد که طبق سنتهای معماری ایران به صورت ۴ ایوانه طراحی شده است. ورودیهای مسجد آقا نور در ضلع شمالی و شرقی مسجد قرار گرفته که توسط کوچه های اطراف به بازار دردشت و محله ای به همین نام مربوط می شود. بانی مسجد «نور الدین محمد اصفهانی» از افراد خیر و نیکوکار است که ساختمان مسجد را در زمان سلطنت شاه عباس اول شروع کرده است اما در اولین سال سلطنت شاه صفی به اتمام رسیده است. کتیبه سردر مسجد که به خط محمد رضا امامی و تاریخ ۱۰۳۹ هجری قمری است بیانگر همین مطلب است.

کتیبه ای که در ایوان جنوبی مسجد وجود دارد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی مورخ به سال ۱۲۵۸ هجری زمان محمد شاه قاجار است. خطاط این کتیبه محمد باقر شیرازی است در اشکال مربع شکلی که در داخل این ایوان وجود دارد با خطوط بنایی ساده لاجوردی بر زمینه آجری و خط بنائی حنائی بر زمینه فیروزه ای، آیات قرآنی نوشته شده است. در ایوان شرقی مسجد

نیز با خط نستعلیق به رنگ زرد بر زمینه کاشی خشت لاجوردی اشعاری نوشته شده است. مصراع آخر اشعار ماده تاریخی است که سال ۱۰۳۴ را نشان می دهد. یکی از نفایس مسجد آقا نور شبستان زیبا و جالب آن است. نور این شبستان بوسیله قطعاتی از سنگ مرمر شفاف تأمین می شود ستونهای شبستان مسجد نیز بسیار جالب توجه هستند. بر طرفین محراب این شبستان با خط بنائی مشکی ساده بر زمینه زرد عبارات مذهبی نوشته شده است سردر خارجی این شبستان نیز با کاشی گره و خطوط بنائی تزئین شده است.

این شبستان در قرن سیزدهم به مسجد الحاق شده است. سردر شمالی مسجد آقا نور کتیبه ای دارد که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی به وسیله محمد باقر شیرازی کتابت شده است. مضمون این کتیبه آیات قرآن مجید است. مسجد آقا نور در جنگ تحمیلی آسیب های بسیاری دید که به شیوه اول بازسازی شد.

مسجد رکن الملک

یکی از بناهای مشهور اصفهان که در اوائل قرن چهاردهم هجری ساخته شده مجموعه مسجد رکن الملک است. این اثر نفیس و جالب که در ابتدای تخت فولاد واقع شده است از بناهای حاج میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی است. با توجه به منابع و مآخذ موجود در مورد این مجموعه و همچنین ماده تاریخ هایی که در کتیبه های مسجد و مدرسه آمده این نکته مشخص می گردد که این بنا در سال ۱۳۲۱ هجری قمری بنا گردیده است. کتیبه سردر مسجد و مدرسه که به وسیله محمد تقی فرزند محمد ابراهیم اصفهانی نوشته شده با خط ثلث بر زمینه

کاشی خشت لاجوردی آیات قرآنی را کتابت کرده است. بر هلال سردر اشعاری با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است. در این اشعار علاوه بر آن که به نام سلیمان خان اشاره شد در مصراع آخر ماده تاریخ اتمام بنا را که سال ۱۳۲۱ هجری قمری است ذکر شده است. این سردر به حیاط کوچکی متصل می شود که آب انبار معروف مسجد در این قسمت قرار دارد. لوح سنگی که بر دیوار آب انبار نصب شده با خط نستعلیق برجسته بر سنگ مرمر، طی اشعاری ماده تاریخ ساخت آب انبار را که سال ۱۳۲۵ هجری قمری است بیان می دارد. کتیبه ای که در داخل سردر مسجد و مدرسه است به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ تاریخ ۱۳۲۰ و نام سید هاشم طوبی را بر خود دارد. در طرفین در ورودی مسجد در کنار اتاقی که آرامگاه او در آن قرار دارد دو تصویر رکن الملک بر کاشی نقش شده است. اشعاری به خط نستعلیق لاجوردی بر زمینه کاشی خشت سفید در اطراف تصویر نوشته شده است. تاریخ این نوشته ۱۳۲۴ هجری قمری است و نویسنده آن میرزا عبد الجواد می باشد. اشعار فارسی سردر مسجد که آن نیز به خط نستعلیق بر زمینه کاشی لاجوردی است از سرودهای طرب شاعر مشهور عصر قاجار است. در قسمت نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد با خط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی آیات قرآن کریم به خط محمد باقر شیرازی است و تاریخ آن نیز ۱۲۵۷ هجری قمری است. در طرفین ایوان اشعاری از رکن الملک

به خط نستعلیق سفید بر زمین کاشی خشت زرد رنگ نوشته شده است. کاشی کاری ایوان در سالهای بعد انجام شده و تاریخ آن ۱۳۷۹ هجری قمری است. در اطراف صحن مسجد نیز اشعاری از رکن الملک با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است. نویسنده این اشعار طرب بن همای شیرازی و تاریخ آن ۱۳۲۴ هجری قمری است. در اطراف ایوان جنوبی مسجد اشعاری به خط سفید بر زمینه کاشی لاجوردی به تاریخ ۱۳۱۹ هجری قمری نوشته شده است سراینده این اشعار شاعری به نام ادیب است در اطراف گنبد زیبای مسجد رکن الملک نیز کتیبه زیبایی وجود دارد که آیات قرآن مجید نوشته شده است. تاریخ این کتیبه ۱۳۲۳ هجری قمری است خطوط داخلی محراب نیز نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است و خط ثلث مشکی بر زمینه کاشی خشت زرد و ثلث زرد است. در اطراف نمای خارجی گنبد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ آیاتی از قرآن به همراه اشعاری به زبان عربی نوشته شده است. تاریخ این کتیبه ۱۳۲۲ هجری قمری است. مسجد رکن الملک شبستان مسقف زیبایی دارد بر کتیبه این شبستان علاوه بر آیات قرآن که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده اشعاری نیز با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی به چشم می خورد که تاریخ آن ۱۳۱۸ و سراینده آن اشعار ادیب است. در داخل آرامگاه رکن الملک که کاشی کاری آن در حدود ۵۰ سال پیش انجام شده است اشعاری به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ

نوشته شده است که اثر طبع رکن الملک است. تاریخ این کتیبه ۱۳۲۸ هجری شمسی است. مسجد رکن الملک اصفهان به لحاظ در بر داشتن نمونه های بدیع و جالب معماری دوران قاجار و همچنین وجود خط ثلث و نستعلیق متعلق به استادان آن روزگار از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مسجد حاج محمد جعفر آباده ای

یکی از آثار بسیار نفیس و مهم دوران قاجار در اصفهان، مسجد حاج محمد جعفر آباده ای است. این مسجد که یادگار حاج محمد جعفر آباده ای روحانی برجسته عصر قاجار است از لحاظ استحکام و تزئینات کاشیکاری از نوع گره کاری در عداد آثار شاخص اصفهان یه شمار می رود. این مسجد در محله دردشت اصفهان واقع است که از لحاظ ارتباطات محلی دارای موقعیت ممتاز و بی نظیری است زیرا علاوه بر بازار مجاور به وسیله کوچه های موجود و با اغلب واحدهای اطراف مرتبط می گردد. این بنای بی نظیر به وسیله دو درب در جبهه های شمال و شرق با کوچه شمالی و بازار شرقی ارتباط دارد. کتیبه سردر شرقی مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی شامل آیات قرآنی است. تاریخ کتابت این کتیبه ۱۲۹۶ هجری قمری است.

در هلال ایوان شمالی و اطراف آن نیز کتیبه ای به خط ثلث و تاریخ ۱۲۸۰ هجری قمری به چشم می خورد. در ایوان غربی کتیبه ای است که در سالهای اخیر کاشیکاری شده و آیات قرآن با تاریخ ۱۳۶۸ هجری قمری کتابت شده است. در ایوان های طرفین ایوان غربی و در طاق راهروهای ایوان شمالی مسجد خطوط بنائی بسیار زیبایی نوشته شده که مضمون آنها

عبارات مذهبی است. منبر نفیس این مسجد با رسم های هندسی توپر و آلت و لغت های چوبی رنگین تزئین شده و هر بیننده ای را به اعجاب و تحسین وامی دارد. شبستان زمستانی مسجد که در ضلع غربی ساختمان واقع شده است با کاشی و آجر معقلی و طرحهای هندسی بر نفاست و عظمت مسجد می افزاید. محراب اصلی مسجد حاج محمد جعفر که با کاشیهای ۷ رنگ خشتی تزئین یافته شباهتی تام با کاشی های مسجد سید دارد. به طوریکه بسیاری از محققین و کارشناسان عقیده دارند استاد کار هر دو مسجد یکی بوده است. مسجد حاج محمد جعفر آباده ای در جنگ تحمیلی مورد اصابت موشک قرار گرفت و آسیب بسیار دید که به شیوه اول بازسازی شد.

مسجد ذوالفقار

در بازار اصفهان مسجد کوچکی واقع شده که به نام ذوالفقار خوانده می شود این مسجد در محله نیماورد قرار دارد که در زمان صفویه یکی از محلات آباد و پرجمعیت اصفهان بود. این مسجد در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی دومین حکمران این سلسله شناخته شده است. کتیبه ای که به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی بر سر در مسجد نوشته شده به نام شاه طهماسب و ذوالفقار که اسم مسجد است اشاره کرده و تاریخ آن نیز ۹۵۰ هجری قمری است. خطاط این کتیبه محمد سیاوش است. در این کتیبه نام شیخ محمد صفی که بانی مسجد بوده است نیز آمده است. بر در قدیمی مسجد ذوالفقار به خط ثلث برجسته اشعاری در مدح و ستایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی

ابن ابیطالب علیه السلام منقور است. بر بالای کتیبه سردر مسجد لوح سنگی سیاه رنگی نصب شده که با خط ثلث برجسته عباراتی بر روی آن نوشته شده است. مفاد این عبارت حاکی از این مطالب است که در سال ۱۱۰۹ هجری قمری موقوفاتی برای این مسجد تعیین کرده اند کاتب این لوح محمد نصر بوده است. لوح بزرگتری که آن نیز به رنگ سیاه است در ایوان جنوبی نصب شده است. تاریخ این لوح ۱۰۳۷ هجری قمری آخرین سال سلطنت شاه عباس اول است و مفاد آن بخشودگی مالیات برخی اصناف می باشد. با توجه به منابع و مآخذ موجود مجموعه بناهایی که به نام ذوالفقار نامیده می شوند علاوه بر این مسجد حمام و مدرسه نیز بوده است. شاردن فرانسوی علت نامگذاری این مجموعه را ارادت بانی آن به حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام نوشته شده است. مسجد و مدرسه و حمام ذوالفقار هنگامی که در اصفهان ساخته شد که هنوز این شهر پایتخت نشده بود. این نکته بیانگر این مطلب است که شهر اصفهان حتی در زمانی که مرکز حکومت نیز نبود مهم و آباد بود و حکام و امراء و بزرگان کشور به آن توجه مخصوص داشتند.

مسجد علی

در جوار مقبره هارون ولایت، مسجدی قرار گرفته که در زمان شاه اسماعیل اول صفوی به سال ۹۲۹ هجری قمری ساخته شده است. این بنای باشکوه و زیبا از نظر هماهنگی در ابعاد و اندازه ها و نیز از لحاظ آراستگی نمای سر در در عداد یکی از شاهکارهای عصر صفوی است. مسجد علی در محل مسجدی ساخته شده که متعلق به

عصر سلجوقی بوده و در عصر صفوی تخریب شده است. اما مناره قدیمی آن که حدود ۴۰ متر ارتفاع دارد و با کتیبه ای کوفی و کاشی تزئین شده باقی مانده است.

مسجد علی به شکل ۴ ایوانی ساخته شده و ایوان جنوبی آن از ایوان های دیگر بزرگتر است در پشت این ایوان شبستان گنبد دار قرار دارد. گنبد مسجد علی از داخل با مقرنس های گچی تزئین شده و کتیبه ای به خط ثلث شامل آیاتی از قرآن کریم و تاریخ ۹۲۹ هجری قمری بر گردن گنبد نوشته شده است. خارج گنبد نیز با کاشیکاری تزئین شده است. کتیبه سردر به خط ثلث و با کاشیهای معرق سفید بر زمینه آبی با خط شمس الدین تبریزی شامل آیاتی از قرآن کریم و نام شاه اسماعیل صفوی و بانی مسجد میرزا شاه حسین اصفهانی می باشد.

مسجد علی از نظر معماری و تزئینات و مقرنس های گچی داخل گنبد و کاشیکاری آن در ردیف مساجد بسیار مهم دوران صفوی به شمار می رود.

مسجد صفا

در محله شهشهان در مجاورت بقعه شهشهان مسجد زیبایی وجود دارد که به مسجد صفا معروف است این مسجد در زمان قاجار ساخته شده و بانی آن سید محمد گلستانه است. این مطلب را کتیبه ای مشخص می کند که بر سر در مسجد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است. این کتیبه تاریخ ۱۲۹۰ و نام محمد علی بن محمد باقر گلستانه را بر خود دارد. کاتب این کتیبه محمد تقی بن ابراهیم است در بالای در ورودی مسجد صفا علاوه بر عباراتی که به

خط ثلث نوشته شده، اشعار و عباراتی نیز به زبان فارسی و با خط نستعلیق مشکی بر زمینه کاشی خشت زرد رنگ با تاریخ ۱۲۸۹ نوشته شده است. در ایوان جنوبی مسجد، سوره اخلاص با خط بنائی مشکی بر زمینه آجری و تاریخ ۱۲۹۱ نوشته شده است. بر سنگاب زیبای مسجد نیز اشعاری به زبان فارسی و تاریخ ۱۲۹۰ هجری حجّاری شده است. بر دو لنگه در شبستان مسجد عباراتی با تاریخ ۱۲۸۹ هجری آمده است. در محراب نیز نام محمد علی گلستانه و تاریخ ۱۲۹۰ به خط ثلث سفید معرّق بر زمینه کاشی لاجوردی همراه با آیات قرآن مجید به چشم می خورد.

در اطراف این محراب عبارات مذهبی و آیات قرآنی با خط بنائی سه رنگی و نام عبدالرحیم بن علی اصغر نوشته شده است.

مسجد خان

یکی دیگر از آثار جالب دوران صفوی مسجد خان است که در زمان شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۰ هجری قمری ساخته شده است. علت اینکه به نام خان نامیده می شود این است که بانی و سازنده آن شیخ علیخان زنگنه از صاحب منصبان آن روزگار بود. این مسجد نسبت به سایر آثار صفویه کاشیکاری کمتری دارد اما به لحاظ تزئینات آجری از آثار مهم و جالب آن عصر به شمار می رود. کتیبه ایوان شمالی مسجد خان به خط ثلث سفید بر زمینه کاشیکاری لاجوردی به تاریخ ۱۰۹۰ است که خطاط آن عباس مولوی است. در این کتیبه نام شاه سلیمان و شیخ علیخان آمده است. در ایوان جنوبی نیز کتیبه ای است که تاریخ آن ۱۰۹۰ هجری و خطاط آن محسن امامی است. در

این کتیبه طولانی که سراسر آن عبارات و اصطلاحات منشیانه آن عصر است به نام شاه سلیمان و شیخ علی خان اشاره شده است.

مسجد رحیم خان

یکی از بناهای جالب و نفیس اصفهان مسجد رحیم خان است. ساختمان این اثر جالب که در محله نو خواجه واقع شده است در سال ۱۲۹۰ هجری قمری شروع شد و در سال ۱۳۰۴ هجری قمری به پایان رسید شیوه معماری و خطوط و تزئینات مسجد رحیم خان شباهت بسیاری با مسجد سید دارد. بطوریکه که بسیاری از کارشناسان و محققین نوشته اند برخی از کتیبه های این مسجد از کتیبه های مسجد سید گرفته برداری شده است. به هر حال علت نامگذاری این مسجد به رحیم خان این است که این بنا به وسیله محمد رحیم خان که در آن روزگار بیگلر بیگی اصفهان بود به پایان رسید. بانی اولیه مسجد رحیم خان، میر سید حسن مجتهد اصفهانی است که چون قبل از اتمام بنا درگذشت، بقیه امور را محمد رحیم خان و پس از مرگ وی نیز برادرانش انجام دادند. کتیبه سردر شرقی مسجد رحیم خان به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی است که در سال ۱۳۰۱ کتابت شده و در آن به نام ناصرالدین شاه و ظل السلطان و محمد رحیم خان و برادران او محمد کریم خان و محمد حسین خان اشاره شده است. در ایوان جنوبی مسجد قسمت نمای خارجی کتیبه ای است که با خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی آیات قرآن کریم نوشته شده است. خطاط این کتیبه محمد باقر شیرازی و تاریخ آن ۱۳۰۴ هجری قمری است

بر طرفین همین ایوان اشعاری با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده که در طی آن معمار مسجد به نام استاد آقا جوئی و نویسنده آن به نام حسن خان معرفی شده است تاریخ این کتیبه نیز ۱۳۰۴ هجری قمری است. محراب زیبای مسجد رحیم خان با کاشی تزئین شده و کتیبه هائی نیز دارد. اطراف محراب با خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی آیات قرآن کریم نوشته شده است. تاریخ این کتیبه ۱۳۰۴ هجری قمری است. مسجد رحیم خان سنگاب نفیس و یکپارچه ای دارد که با خط نستعلیق برجسته اشعاری با تاریخ ۱۲۹۹ هجری قمری بر آن نوشته شده است. در ضلع شمالی مسجد شبستان بزرگ و با شکوه آن قرار دارد که کاشیکاری آن در سال ۱۳۷۸ هجری قمری انجام شده است زیرا شبستان مسجد و گنبد و داخل آن به علت درگذشت بانی آن کاشیکاری نشده بود. در سردر شمالی مسجد نیز به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ آیات قرآن کریم کتابت شده است. مقبره مرحوم میر سید حسن مدرس که بانی اولیه مسجد بوده است نیز در این مسجد قرار دارد.

مسجد ایلچی

یکی از آثار بسیار زیبا و نفیس که در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است، مسجد ایلچی است. این مسجد که در محله احمد آباد واقع شده است به لحاظ وجود خطوط بنائی بسیار زیبا و تزئینات پرکار از بناهای مشهور دوران صفویه است. علت نامگذاری این مسجد به ایلچی این است که دختر نیکوکار یکی از صاحب منصبان شاه سلیمان به نام حکیم نظام الدین محمد

که به ایلچی ملقب بوده است این مسجد را ساخته است. کتیبه ای که در سردر مسجد است و با خط ثلث محسن امامی است مؤید این مطلب است. تاریخ این کتیبه ۱۰۹۷ هجری قمری است. در بالای سکوه‌های مسجد و همچنین در داخل مقرنس‌های سردر مسجد ایلچی خطوط بنائی به چشم می‌خورد که در آنها استاد سازنده مسجد به نام محمد علی بن استاد علی بیگ معرفی شده است. در ایوان بزرگ جنوبی مسجد و در اطراف محراب هم خطوط بنائی زیبایی وجود دارد که تاریخ آن ۱۰۹۳ هجری است اما بر کتیبه داخل محراب با خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی آیات قرآن با تاریخ ۱۰۹۴ هجری و به امضاء محمد حسن امامی نوشته شده است. در ایوان کوچک مسجد محراب بسیار زیبایی است که با خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ آیه ۴۵ سوره عنکبوت بر آن نوشته شده است. در حال حاضر این مسجد با یک صحن کوچک و یک ساختمان و محراب زیبا در عداد یکی از آثار بسیار جالب عصر صفوی است که در آن زمان به وسیله افراد خیر و نیکوکار ساخته شده است. آنچه این مسجد کوچک را مورد توجه پژوهشگران و محققین قرار داده وجود خطوط بنائی زیبایی است که به وسیله استادان این هنر در گوشه گوشه این عمارت به چشم می‌خورد.

مسجد مقصود بیگ

یکی از مساجد بسیار زیبا و جالب اصفهان مسجد مقصود بیگ است. این مسجد که در شمال شرقی میدان نقش جهان قرار دارد در بین مردم به مسجد ظلمات نیز معروف است. علت اینکه آن را

به این نام نیز می خوانند این است که در محله ای که در آن روزگار تکیه ظلمات نامیده می شد واقع شده است. مقصود بیک که در زمان شاه عباس اول ناظر کل بوده است این مسجد را به پیروی از دیگر بزرگانی همچون الله وردی خان که آثاری در اصفهان به وجود آورده اند ساخته است. آندره گذار این مسجد را متعلق به «... بهترین دوره ساختمانهای شاه عباس که تزئینات و خط و کتیبه های عالی و شیوا هستند...» میداند. کتیبه سردر این مسجد که مورخ به سال ۱۰۱۰ هجری قمری است به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی به قلم جعفر علی امامی است. در این کتیبه به نام شاه عباس اول و مقصود بیک ناظر اشاره شده است. شبستان جنوبی مسجد مقصود بیک دارای تزئینات کاشیکاری معرق است. محراب بسیار زیبا و نفیس آن کتیبه ای دارد که با خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی مورخ ۱۰۱۱ هجری است. در این کتیبه که به خط محمد رضا امامی است به نام شاه عباس اول و مقصود بیک اشاره شده است. در مشرق حیاط مسجد آرامگاه خوشنویس بزرگ روزگار صفویان مرحوم میر عماد حسنی قزوینی واقع شده که مردم اصفهان برای او احترامی خاص قائل هستند میر عماد از خوشنویسان بی نظیری است که بسیاری از محققین او را آبروی دولت صفویه لقب داده اند. قبر این هنرمند مشهور فاقد کتیبه است اما در آرامگاه او قطعه سنگ مرمری به طور عمودی بر دیوار نصب شده است. که با خط ثلث و نستعلیق برجسته اشعاری به

زبان فارسی و صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده است. مسجد مقصود بیک به لحاظ کاشیکاری بسیار زیبا و مجلل از بناهای مشهور عصر صفوی است.

مسجد علیقلی آقا

در محله بید آباد نزدیک چهار سوی قدیمی مجموعه بناهایی وجود دارد که به نام علیقلی آقا مشهور است. علیقلی آقا یکی از خواجه سرایان نیکوکار زمان شاه سلطان حسین صفوی بود که در زمان حیات، مسجد و بازار و سرا و چهار سوی زیبایی به نام خود ساخت. در جلو مسجد علیقلی آقا مادی فدن یا فدا عبور می کند و سردر مسجد به طرف مغرب است. مسجد صحن نسبتاً کوچک و زیبایی دارد و شبستان آن با کاشیهایی از نوع گره کاری تزئین شده است. کتیبه سردر به خط ثلث قهوه ای رنگ به خط علی نقی امامی و تاریخ ۱۱۲۲ هجری قمری است. در این کتیبه به نام شاه سلطان حسین و علیقلی آقا اشاره شده است. شبستان زیبا و نفیس مسجد در شرق حیاط قرار دارد و بر کتیبه آن با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی اشعاری نوشته شده است. مفاد این اشعار حاکی از این است که شبستان در سال ۱۲۹۷ هجری قمری زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به مسجد الحاق شده است. خطاط این کتیبه عبدالجواد و استاد کاشیکار آن محمد اسماعیل است. در جنوب ایوان محراب زیبایی است که ازاره آن سنگ مرمر و دیوارهای بالا با کاشیکاری معرق تزئین شده است. مسجد علیقلی آقا یکی دیگر از آثار نفیس اواخر عصر صفوی است که به همت و پایمردی افراد نیکوکار ساخته شده است. این مسجد به لحاظ وجود

خطوط زیبای ثلث و نستعلیق مربوط به عصر صفویه و قاجار و کاشیکاری نفیس یکی از بناهای ارزشمند اصفهان به شمار می رود. در مقابل مسجد حمام علیقلی آقا واقع شده که قسمت اعظم آن ویران گردیده و مقداری از کاشیهای نفیس آن به کاخ چهلستون انتقال یافته است.

مسجد مصری

در محله جوباره مسجد کوچکی قرار دارد که در سال ۱۰۶۱ هجری قمری در زمان سلطنت شاه عباس دوم ساخته شده است. علت نامگذاری مسجد به مصری این است که بانی مسجد شخصی به نام حاجی میرزا خان بوده که به تاجر مصری معروف بوده است. کتیبه ای که بر یک لوح سنگ مرمر در داخل مسجد است بیانگر این مطلب است. بر این لوحه که نویسنده آن محمد رضا امامی است که با خط نستعلیق برجسته اشعاری نوشته شده که مصراع آخر آن تاریخ ۱۰۶۱ هجری قمری را نشان می دهد. سردر ورودی که جدیدتر است دارای تاریخ ۱۱۱۶ هجری قمری است. کتیبه این سردر با خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی به قلم جعفر بن عبدالله است. مسجد مصری دارای ۲ سنگاب نفیس و زیبا است. یکی از آنها در خارج از مسجد و روبروی سردر آن واقع شده است. بر این سنگاب با خط ثلث برجسته بر سنگ سیاه نام واقف آن و تاریخ ۱۲۰۰ هجری قمری نوشته شده است. در داخل مسجد نیز سنگابی است که بر کتیبه آن به خط نستعلیق برجسته عباراتی در مورد نگهداری سنگاب و تاریخ ۱۲۴۳ هجری نوشته شده است.

قطبیه

در خیابان طالقانی امروز مسجدی قرار دارد که با توجه به کتیبه سردر آن در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی ساخته شده است. این کتیبه در حال حاضر در کاخ چهلستون نگهداری می شود و به همراه سردر در مجاورت یکی از دیوارهای این کاخ نصب شده است. توضیح اینکه در حدود ۵۰ سال پیش که خیابان طالقانی امروز که در آن زمان

خیابان خوش و بعد از آن شاه نامیده می شد تعریض می شد این سردر در معرض نابودی قرار گرفت بنابراین سردر عیناً به کاخ چهلستون منتقل شد و امروز بازدید کنندگان از کاخ چهلستون این سردر زیبا و کتیبه آن را نیز مشاهده می کنند. به هر حال کتیبه سردر که به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی با خط ابوسعید امامی نوشته شد تاریخ ۹۰۵ هجری قمری را بر خود دارد. به موجب مفاد این کتیبه و تحقیقات پژوهشگران بانی و سازنده این مسجد قطب الدین علی باب الدشتی بوده است. مسجد قطیبه صحن کوچکی دارد و به دلیل تعریض خیابان از در ورودی مسجد مستقیماً به شبستان گنبد دار وارد می شویم. این شبستان دارای ۴ صفا است که قبری در صفا شمالی قرار دارد. اگر چه کتیبه ای که بر سنگ سیاه قبر نوشته شده صاحب قبر را شخص دیگری می داند اما مردم اصفهان آن را متعلق به قطب الدین باب الدشتی می دانند و زیارت می کنند. در صحن مسجد سنگابی قرار دارد که اشعاری به خط نستعلیق برجسته بر آن نوشته شده است. مفاد این اشعار حاکی از این است که این سنگاب در سال ۱۳۰۷ هجری قمری به هنگام سلطنت ناصر الدین شاه قاجار نصب شده است. با آنکه این مسجد تغییرات بسیاری کرده و کاشیهای آن لطامات فراوان دیده اند اما هنوز هم بسیار زیبا هستند چرا که به قول یکی از پژوهشگران خارجی «... این کاشی ها دارای ویژگیهای عصری هستند که زیباترین کتابهای دارای تذهیب و حواشی ایران به وجود آمده

مسجد لبنان

مسجد لبنان از مساجد زیبای اصفهان است که در محله قدیمی لبنان واقع شده است. این مسجد در زمان شاه سلیمان صفوی بر خرابه های مسجدی بنا شده که در قرن هشتم احداث شده بود. خطوط باقیمانده بر دو لوح کاشی به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی رنگ و قلم محمد رضا امامی نوشته شده است. تاریخ این کتیبه سال ۱۰۸۰ هجری قمری است. مردم اصفهان برای مسجد لبنان احترام خاصی قائل هستند و عقیده دارند حضرت امام حسن علیه السلام در این مسجد نماز گزارده اند. بر بالای در ورودی مسجد به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی اشعاری نوشته شده که نویسنده محمد رضا امامی و تاریخ آن ۱۰۸۰ هجری قمری است. مفاد این کتیبه از تعمیرات مسجد در زمان شاه سلیمان صفوی حکایت می کند.

کتیبه سردر مسجد لبنان در قرن سیزدهم هجری به مسجد اضافه شد و تاریخ آن ۱۲۵۶ هجری قمری است نویسنده این کتیبه محمد باقر شیرازی است که به خط ثلث بر زمینه کاشی لاجوردی آیات قرآنی را کتابت کرده است.

مسجد آقا میرزا محمدباقر سوقی

این بنا در محله چهارسو واقع گردیده و در اواخر قرن ۱۳ هجری ظاهراً توسط آقامیرزا محمدباقر چهار سوقی -از اعظم فقها- ساخته شده است.

مسجد آقامیرزا محمد هاشم

این بنا در محله چهار سوی شیرازیهای اصفهان واقع گردیده و از بناهای دوره قاجار است.

مسجد بابا سوخته

این بنا در اواخر قرن ۱۳ در منتهی الیه شمالی محله جویباره و کنار باغ قوشخانه واقع بوده که اکنون تنها تک مناری زیبا و باشکوه باقی مانده است. از این مسجد در منابع تاریخی با عنوان مسجد باباسوخته، مسجد عمر و مسجد سلطان ابو سعید بهادرخان یاد کرده اند.

مسجد باغ حاجی

این بنا در نزدیکی باغ حاجی (باغ همایون) در کوچه باغ حاجی واقع گردیده و مسجد کوچکی از آثار دوره صفویه است که وجه تسمیه آن نزدیکی به باغ حاجی است.

مسجد بزرگ ساروتقی

این بنا در فاصله بین بازار مقصود بیک و بازارچه حسن آباد در مجاورت امامزاده احمد واقع گردیده و در سال ۱۰۵۳ هجری توسط محمد تقی معروف به ساروتقی، صدر اعظم شاه صفی و شاه عباس دوم به همراه بناهای دیگری ساخته شده است.

مسجد جارچی

این بنا در بازار بزرگ واقع گردیده و در سال ۱۰۱۹ ه. ق. بوسیله ملک السلطان، جارچی باشی شاه عباس اول بنا گردیده است.

مسجد جامع اذیران

این بنا در دهکده اذیران در ۳۰ کیلومتری شرق اصفهان و جنوب بستر زاینده رود واقع گردیده و از آثار دوره ایلخانی است.

مسجد جامع برسیان

این بنا در روستای برسیان در ۴۲ کیلومتری شرق اصفهان و شمال بستر زاینده رود واقع گردیده و از آثار ارزشمند دوره سلجوقی است که در دوره های بعد الحاقاتی بدان صورت گرفته است.

مسجد جامع جورجیر

این بنا که از ساخته های دوره آل بویه بوده روزگاری در محله باب الدشت اصفهان - در مکان فعلی مسجد حکیم - قرار داشته که امروزه تنها بخشی از سردر آن باقی مانده است.

مسجد جامع خوزان (سده)

این بنا در محله خوزان سده - از توابع زرین شهر اصفهان - واقع گردیده و بنای اصلی آن مربوط به دوره ایلخانی و حتی قبل از آن است که در دوره های بعد بازسازی و تزیین شده است.

مسجد جامع کاج

این بنا در ۲۴ کیلومتری اصفهان و شمال بستر زاینده رود واقع شده است و از آثار قرن ۸ ه. ق. محسوب میشود.

مسجد جویباره

در یکی از کوچه های محله جویباره (یهودیه) مسجد محقر و ساده ای فاقد جنبه های هنری و تاریخی واقع شده که تنها سردر آن قدیمی و دارای کتیبه و تزیینات جالبی بوده که در دوره اخیر به باغ چهلستون انتقال یافته و بر یکی از دیوارهای ضلع جنوبی آن نصب شده است.

مسجد حاج سیدجواد

این بنا در محله چهار سوی اصفهان واقع گردیده و در سال ۱۳۲۵ ه. ق. توسط میرزا عطا... فرزند آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی - بنا شده است.

مسجد حاج محمد امید

این بنا در محله قصر منشی در مجاورت حمام قدیمی آن محله واقع گردیده و بر اساس کتیبه های موجود در سال ۱۱۲۹ ه. ق. توسط شخصی بنام حاجی محمد امید ساخته شده و در سال ۱۳۰۸ ه. ق. تعمیراتی توسط رکن الملک شیرازی در آن صورت گرفته است.

مسجد حاج محمد مهدی

این بنا در محله خواجه کوچه درویشها واقع و بنای کوچکی است که بر اساس نوشته سر در آن در سال ۱۱۰۷ ه. ق. شخصی بنام حاجی محمد مهدی آن را بنا و املاکی بدان وقف کرده است.

مسجد حاج منوچهر

این بنا در محله خواجهی اصفهان واقع و مسجد کوچکی است که لوحی سنگی وقف نامه ای مورخ ۱۰۷۲ ه. ق. دارد. بر طبق این کتیبه شخصی بنام حاجی منوچهر در زمان شاه عباس اول این مسجد را احیا و املاکی را وقف آن کرده است.

مسجد حاج میرزا محمد صادق

این بنا در محله خواجه نزدیک چهار سوی آجری واقع گردیده و بر اساس کتیبه کاشیکاری سردر آن بین سالهای ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۲ ه. ق. - زمان فتحعلی شاه قاجار - توسط حاج میرزا محمد صادق بنا گردیده است.

مسجد حاج یونس

این بنا در محله دردشت در بازارچه حمام قاضی و نزدیک فلکه شهبهان واقع گردیده و در سال ۱۰۷۳ ه. ق. توسط حاجی یونس - از خواجهگان دربار شاه عباس دوم - ساخته شده است.

مسجد خلوت نشین (شیشه)

این بنا در کوچه مشهور به باغ قلندرها که مسجد حکیم را به بازار بزرگ اصفهان متصل میکند واقع گردیده و مسجد کوچکی است که صحن کوچک آنرا در دوره اخیر با طاق شیشه ای پوشانده اند. این مسجد در زمان شاه سلیمان صفوی توسط محمد قاسم زاهد - مشهور به خلوت نشین - بنا گردیده است.

مسجد دروازه حسن آباد

این بنا در ابتدای دروازه حسن آباد واقع گردیده و در زمان محمد شاه قاجار بوسیله مشهدی حسن سلمانی ساخته شده است.

مسجد دشتی

این بنا در ساحل جنوبی زاینده رود و ۱۸ کیلومتری شرق اصفهان واقع گردیده و متعلق به قرن ۸ هجری است که امروزه

بصورت نیمه ویران درآمده است.

مسجد سرخی (سفره چی)

این بنا در کوچه سرخی واقع گردیده و از بناهای دوره شاه عباس اول است که در سال ۱۰۱۴ ه. ق. توسط شخصی بنام خلف که سفره چی شاه عباس بود ساخته شده است.

مسجد سعید بن جبیر

این بنا در ضلع غربی صحن شمالی امامزاده درب امام اصفهان واقع گردیده و بنای اولیه آن به قرون اولیه هجری منسوب است.

مسجد سلیمان بیک

این بنا در محله دروازه نو و کوچه بازارچه خان واقع گردیده و مسجد کوچکی است که توسط سلیمان بیک-از کارگزاران دربار شاه عباس دوم-بنا شده است.

مسجد سین

این بنا در روستای سین ۶ کیلومتری شمال گز و ۲۴ کیلومتری شمال اصفهان واقع شده و از آثار دوره سلجوقی است که به موجب کتیبه تاریخی، در سال ۵۲۶ ساختمان منار و در سال ۵۲۹ هجری ساختمان مسجد به پایان رسیده است.

مسجد شعیا

این بنا در جوار مجموعه بناهای امامزاده اسماعیل، مشتمل بر بقعه امامزاده، گنبد خانه بزرگ، مرقد و مسجد شعیا و تأسیسات دیگر واقع گردیده و بر طبق منابع مکتوب اصل بنای آن مربوط به قرن اول هجری و بر طبق مدارک موجود معماری مربوط به دوره سلجوقی است.

مسجد ظلمات (مسجد مقصود بیک)

این بنا در کوچه تکیه ظلمات، منشعب از گوشه شمال شرقی میدان نقش جهان واقع گردیده و در دوره شاه عباس اول - ۱۰۱۰ ه. ق. - توسط مقصود بیک -ناظر شاه-ساخته شده است.

مسجد فتح

این بنا در محله قدیمی باب الدشت واقع گردیده و بنای کوچکی است که بر طبق کتیبه سردر آن بوسیله عالم ربانی ابوالفتوح محمد در سال ۹۸۷ ه. ق. بنا گردیده است.

مسجد کوچک ساروتقی

این بنا در چهار سوی بازار ساروتقی واقع گردیده و از ساخته های محمدتقی فرزند هدایت ا... تبریزی، صدر اعظم شاه صفی و شاه عباس دوم-مقتول ۱۰۵۵ ه. ق. - است.

مسجد گار

این بنا در روستای گار در ۲۲ کیلومتری شرق اصفهان و ساحل جنوبی زاینده رود واقع گردیده و امروز تنها مناره و بقایای بخشی از دیوارهای گنبد خانه مسجد بر جای مانده است. با توجه به مناره و کتیبه سلجوقی آن و همچنین بقایای کتیبه و تزئیناتی از دروه ایلخانی میتوان گفت که اصل مسجد مربوط به دوره سلجوقی است که در دوره ایلخانی بازسازی شده و محراب و تزئیناتی بدان الحاق گردیده است.

مسجد گز

این بنا در روستای گز در ۱۸ کیلومتری شمال اصفهان واقع و مناره و بنای اولیه آن از آثار دوره سلجوقی است که در دوره های بعد بطور گسترده مورد بازسازی قرار گرفته و بخشهایی بدان افزوده شده است.

مسجد محله نو

این بنا در خیابان طالقانی واقع گردیده از آثار جالب عهد صفویه است که در دوره های بعد تعمیرات و الحاقاتی بدان صورت گرفته است.

مسجد نمکی

این بنا در حدود میدان میر و کوچه نمکی واقع و بر طبق کتیبه تاریخی موجود در زمان شاه عباس دوم توسط حاجیه خانم، بنت میرزا احمد بیک نمکی بنا گردیده است.

مسجد نو

این بنا در بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده و در سال ۱۳۰۵ هجری بوسیله حاج شیخ محمد باقر بن محمدتقی مسجد شاهی در هفت جریب ساخته شده است.

مسجد هفشویه

این بنا در روستای هفشویه از بلوک قهاب در شمالشرقی اصفهان بصورت ویرانه ای بر جا مانده است. بنای اولیه مسجد مربوط به دوره سلجوقی است که در دوره مغول بازسازی شده و تزئیناتی در آن صورت گرفته است. اساس بنا با خشت ساخته شده و از آجر بصورت ساده و تزئینی در نمای خارجی استفاده شده است.

مدارس قدیمی

لیست اسامی مدارس قدیمی اصفهان

- ۱-مدرسه صدر، قاجاریه
- ۲-مدرسه بابا قاسم، قرن ۸ هجری
- ۳-مدرسه پا قلعه، قاجاریه
- ۴-مدرسه ترکها، آق قویونلو -صفویه
- ۵-مدرسه جده بزرگ، صفویه
- ۶-مدرسه جده کوچک، صفویه
- ۷-مدرسه چهار باغ (امام صادق)، صفویه
- ۸-مدرسه حاجی حسن، سلجوقی -صفویه
- ۹-مدرسه ثقه الاسلام، قاجاریه
- ۱۰-مدرسه دربکوشک
- ۱۱-مدرسه سلیمانیه، صفویه
- ۱۲-مدرسه شفیعیه، صفویه
- ۱۳-مدرسه شمس آباد، صفویه
- ۱۴-مدرسه صدر بازار، قاجاریه
- ۱۵-مدرسه کاسه گران، صفویه
- ۱۶-مدرسه ملا عبدا... ، صفویه
- ۱۷-مدرسه میرزا حسین، صفویه
- ۱۸-مدرسه میرزا مهدی، افشاریه
- ۱۹-مدرسه ناصری، صفویه-قاجاریه

۲۰- مدرسه نوریه، صفویه

۲۱- مدرسه نیم آورد، صفویه

۲۲- مدرسه هارونیه، قرن ۱۰ هجری (معماری ایران، محمد یوسف کیانی، جلد دوم)

مدرسه چهارباغ

مدرسه چهارباغ

معروف به: مدرسه سلطانی، مدرسه مادر شاه، مدرسه امام جعفر صادق علیه السلام موقعیت: خیابان چهارباغ عباسی سال تاسیس: ۱۱۱۶ هجری (دوره شاه سلطان حسین صفوی)

آخرین بنای باشکوه عهد صفویه است که برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی ساخته شده است. درختهای چنار کهنسال و نهر آبی که در آن جریان دارد بر زیبایی تزئینات نفیس کاشیکاری این بنا افزوده است.

قسمتهای دیدنی مدرسه

عبارت است از: معماری و طرح زیبای کاشیکاری گنبد مدرسه، درب مجلل تزئین شده با طلا و نقره، محراب باشکوه منبر یک پارچه مرمری، حجره مخصوص شاه سلطان حسین، کاشیکاری بی نظیر مدخل مدرسه، خطوط نستعلیق کتیبه ها و پنجره های آلت بری شده در ضلع شرقی خیابان چهار باغ بنای باشکوه و نفیسی است که می توان آن را آخرین بنای مهم و با عظمتی دانست که در عصر صفویان در اصفهان ساخته شد.

این مدرسه که «مدرسه سلطانی» و «مدرسه مادر شاه» نیز نامیده می شده در زمان سلطنت شاه سلطان حسین آخرین حکمران سلسله صفوی احداث گردید. تاریخ شروع عمارت ۱۱۱۶ هجری قمری و سال اتمام آن ۱۱۲۶ هجری قمری است. هیچ یک از آثار موجود در اصفهان به اندازه مدرسه چهار باغ، (کلکسیون کاشیکاری ایران) جهانگردان و سیاحان و بازدید کنندگان خارجی را تحت تأثیر جاذبه های خود قرار نداده است. این مطلب را نوشته ها و خاطرات آنان تأیید می کند. بطوریکه برخی از آنها مدرسه را با عبارتی همچون سحر آمیز، جذاب و دلپذیر توصیف کرده اند.

از جمله این سیاحان: اوژن فلاندن، دیولافوا، کنت دو گوینو هستند که مدرسه چهار باغ را شاهکار مسلم معماری دوران صفوی

به حساب آورده اند. وجه تسمیه مدرسه به سلطانی به این علت است که در زمان شاه سلطان حسین ساخته شده و بدین جهت مدرسه چهار باغ نامیده می شود که در خیابان چهار باغ واقع شده است. و دلیل آنکه مدرسه مادر شاه گفته می شود این است که مادر شاه سلطان حسین چند کاروانسرا و بازار و سایر نهادهای اقتصادی را وقف بر آن کرده است. مدرسه چهار باغ به صورت چهار ایوانی است.

نمای خارجی عمارت شامل سردری رفیع و با شکوه و زیبا است هفده طاق نمای دو طبقه آجری در اطراف در ورودی خودنمایی می کنند. سردر ساختمان مزین به کاشیهای ریز و ظریف همراه با مقرنس های پر نقش و نگار و خطوط مختلف است که بخش ورودی بنا را تشکیل می دهد.

کتیبه سردر به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است که تاریخ ۱۱۱۲ را بر خود دارد و به وسیله عبدالرحیم جزایری کتابت شده است. دو دهانه سردر با کاشی های فیروزه ای تزئین شده و بر روی دو پایه سنگ مرمری، گلدانی به شکل بسیار زیبا قرار گرفته است در طرفین سردر دو سکوی مرمر بسیار نفیس و عالی وجود دارد. در اصلی مدرسه که با طلا و نقره تزئین شده نمونه بارز هنر زرگری و قلمزنی است که در دوران صفویه به نهایت تعالی و تکامل رسیده است. بر دو لنگه چپ و راست این در به خط نستعلیق بسیار زیبا و به صورت برجسته، اشعاری نوشته شده است. خطاط این اشعار محمد صالح اصفهانی خوشنویس برجسته آن عصر است. قسمت داخلی

مدرسه شامل هشتی، ورودی، حیات داخلی، گنبد، مناره و اطاقهاست. زیباترین قسمت مدرسه از نظر کاشیکاری هشتی ورودی آن است. در وسط دالان مدرسه سنگاب نفیسی قرار دارد که صلوات بر چهارده معصوم با تاریخ ۱۱۱۰ هجری بر روی آن حجاری شده است. این سنگاب شاهکار هنر سنگتراشی و خوشنویسی است. ایوان‌ها و حجره‌های صحن چهار ایوانه مدرسه رو به باغی پر درخت قرار دارد که جویباری از میان آن می‌گذرد. این نهر به نام فرشادی است (در اصفهان این گونه نهرها را مادی می‌گویند). مادی فرشادی شعبه‌ای از زاینده رود است. صحن مدرسه چهار باغ نمونه کامل یک معماری درون‌گرا و بومی به شمار می‌رود. حجره‌هایی که در دو طبقه و در فواصل ایوان‌های مدرسه ساخته شده که اختصاص به سکونت طلاب علوم دینی داشته است. اکثر این حجره‌ها دارای نقشه یکسانی است که از یک اتاق نشیمن در جلو و قسمتی به صورت صندوقخانه در عقب و قسمتی به نام بالا-خانه تشکیل می‌شود. در جلوی این حجره‌ها ایوان زیبا و خوش‌طرحی قرار دارد. در جبهه شمالی مدرسه، ایوان شمالی با دهانه نسبتاً عریض و ارتفاع زیاد قرار دارد. که در جبهه مقابل آن گنبد و مناره‌های ایوان جنوبی دیده می‌شود. کتیبه فوقانی داخل گنبد به خط عبدالرحیم جزایری خوش‌نویس عصر صفویه می‌باشد. تمامی سطوح داخلی بنا به قطعات کوچکی تقسیم می‌شود که با کاشی تزئین شده است. منبر دوازده پله مدرسه که یکپارچه از سنگ مرمر ساخته شده از بهترین نمونه‌های هنر حجاری

و سنگتراشی آن روزگار است. در کنار این منبر، محراب نفیس و بسیار زیبای مدرسه قرار دارد که کتیبه بالای محراب و منبر نیز به خط عبدالرحیم جزایری است. اشعاری که در اطراف سرسرای مدرسه به خط نستعلیق بسیار زیبا به رنگ سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده به خط محمد صالح اصفهانی و مورخ به سال ۱۱۱۹ هجری است. کتیبه افقی داخل گنبد نیز به خط عبدالرحیم جزایری و تاریخ ۱۱۲۱ هجری است. شبستان مسقف مدرسه چهار باغ که در ضلع شرقی مدرسه واقع شده با درب منبت کاری بسیار نفیسی به محوطه زیر گنبد مربوط می شود در این شبستان سه محراب وجود دارد که کتیبه های اطراف آنها را محمد مؤمن الحسینی به سال ۱۱۱۸ هجری کتابت کرده است. در شمال مدرسه چهار باغ بازارچه ای زیبا و مرتفع وجود دارد که در عصر صفویه بازارچه بلند و بازارچه شاهی نیز نامیده می شد. این بازارچه نمونه ارزنده ای از بازارهای عصر صفوی است. در شرق مدرسه چهار باغ کاروانسرای مادر شاه واقع شده که مهمانسرای عباسی امروز است. مدرسه چهار باغ دارای کتابخانه کم نظیر و با ارزشی بوده که در حمله افغانها نابود شده است این کتابخانه با کتب بسیار نفیس و کمیاب در اختیار طلاب علوم دینی و سایر پژوهشگران و محققین آن روزگار بوده است. مدرسه چهار باغ موقوفاتی بسیار نیز داشته است که شامل باغها، مزارع، روستاها، املاک، دکانها، کاروانسراها و سایر مستغلات بوده است که چگونگی آنها با حمله افغانها نامعلوم مانده است به طور کلی مدرسه چهار باغ که به قول بسیاری از

محققین هم مدرسه و هم مسجد بوده است، با ۸۵۰۰ متر مربع مساحت از آثار مهم و با ارزش عصر صفوی است که در اواخر حکومت این خاندان در اصفهان ساخته شده است.

مدرسه چهار باغ اصفهان که پس از پیروزی انقلاب اسلامی «مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام» نامگذاری شد در حال حاضر به آموزش طلاب علوم دینی و حجره های آن نیز همانند عصر صفویه به اقامت طلاب اختصاص دارد.

مدرسه آقا کافور

مدرسه آقا کافور یکی دیگر از آثار دوران شاه عباس دوم می باشد که بوسیله آقا کافور یکی از خواجه های حرم شاه عباس در مجاورت بازار توپچی باشی و محمد امین ساخته شد. به نوشته مؤلف کتاب "گنجینه آثار تاریخی" از این مدرسه جز کتیبه سر در آن که بر یک لوح سنگ مرمری نوشته شده و در یکی از غرفه های مسجد خان نگاهداری می شود اثری بر جای نمانده است. در این کتیبه نفیس که به خط بسیار زیبای نستعلیق برجسته بر سنگ مرمر حجاری شده به نام شاه عباس دوم صفوی اشاره شده، اما آقا کافور، را حاجی کافور نوشته شده است. نویسنده این کتیبه محمدرضا امامی و تاریخ آن ۱۰۶۹ هجری قمری است.

مدرسه امامی

مدرسه امامی از مدارس بسیار قدیمی و زیبا و معروف اصفهان است که در مجاورت مقبره بابا قاسم واقع شده است. ساختمان بنا دو طبقه است که با نقشه چهار ایوانی برای سکونت و درس طلاب علوم دینی ساخته شده است. مدرسه امامی دارای تزئینات کاشیکاری بسیار زیبا است و قسمت هائی از ایوان و طاقهای آن با کاشی های معرق و ۷ رنگ پوشانده شده است. این مدرسه با نقشه ۴ ایوانی ساخته شده که این ایوان های ۴ گانه با کتیبه هائی به خط بنائی تزئین شده است. این کتیبه ها شامل سوره هائی از قرآن مجید، مطالبی درباره اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و احادیث مذهبی است. مهمترین بخش این مدرسه از نظر کاشیکاری، ایوان و گنبد جنوبی آن است. نام کاشیکار این قسمت، شیخ محمد عمر نوشته شده است.

محراب مدرسه زیباترین بخش این بنا را تشکیل می داده که با کاشی های رنگی تزئین شده بود. که در حال حاضر در مدرسه نیست. این مدرسه به نام مدرسه بابا قاسم و امامیه نیز نامیده می شود. بابا قاسم یکی از عرفای اصفهان بود که یکی از مریدان او این مدرسه را برای تدریس او ساخت.

مدرسه جده بزرگ

در بازار بزرگ اصفهان و در نزدیکی بازار زرگرها دو مدرسه از زمان شاه عباس دوم باقی مانده که از مدارس بزرگ و باشکوه دوران صفوی است. این دو مدرسه در طول دهها سال حیات خود، دانشمندان و روحانیون برجسته ای را در خود پرورش داده اند. این دو مدرسه به جده بزرگ و جده کوچک معروف هستند. مدرسه جده بزرگ که در دو طبقه ساخته شده در بازار اصلی اصفهان واقع است و نهر آبی از میان آن می گذرد. وجه تسمیه آن به این علت است که جده بزرگ شاه عباس آن را ساخته است. کتیبه ای که در سر در مدرسه است با خط ثلث با کاشی معرق بر زمینه کاشی لاجوردی است. تاریخ آن ۱۰۵۸ هجری قمری و خطاط آن محمدرضا امامی است. در این کتیبه به نام شاه عباس دوم و جده او اشاره شده است. تزئینات داخل مدرسه جده بزرگ کاشیکاری است. در ضلع شرقی صحن مدرسه لوحه کوچکی است که با خط نستعلیق مشکی تاریخ تعمیر مدرسه را به سال ۱۳۳۴ ذکر کرده است.

مدرسه جده کوچک

مدرسه جده کوچک در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. این محل به نام (بازار قهوه کاشی ها) معروف است. همانگونه که از نام این مدرسه مشخص می شود جده کوچک شاه عباس دوم بانی آن بوده است. کتیبه بزرگی که بر یک لوح سنگ مرمر بر دیوار یکی از غرفه های شمالی مدرسه نصب شده است و با خط ثلث برجسته تاریخ ۱۰۵۷ هجری قمری را نشان می دهد بیانگر این مطلب است که جده شاه عباس دوم به نام (دلارام خانم)

بانی ساختمان این مدرسه بوده است. عمارت مدرسه جده کوچک دو طبقه است و حجره ها مخصوص اقامت طلاب علوم دینی است. پشت بغل های نماي اطراف سر در این ساختمان تزئینات کاشیکاری دارد. کتیبه ای که به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشیکاری لاجوردی رنگ به تاریخ ۱۰۵۶ هجری قمری نوشته شده به نام شاه عباس دوم و پدر او شاه صفی اشاره کرده است. این کتیبه را محمدرضا امامی خوشنویس مشهور عصر صفوی نوشته است. مدرسه جده کوچک از مدارس بسیار نفیس اصفهان است که از مدرسه جده بزرگ مساحت بیشتری دارد.

مدرسه جلالیه

مدرسه جلالیه در اواخر عصر صفوی در زمان شاه سلطان حسین به سال ۱۱۱۴ هجری قمری بنا گردیده است. این مدرسه که به وسیله جلال الدین محمد حکیم (طیب شاه سلطان حسین) ساخته شده در محله احمد آباد واقع شده است. کتیبه سردر مدرسه جلالیه سال ۱۱۱۴ هجری قمری را بیان می دارد اما برخی از محققین سال اتمام بنا را ۱۱۱۵ هجری قمری ذکر می کنند. مدرسه جلالیه با دو ایوان در شمال و جنوب و حجره هائی که در جناح های ساختمان انسجام یافته اند با کتیبه هائی که با خط ثلث و کوفی نوشته شده اند و تزئینات کاشیکاری و معقلی و مقرنس کاری و گچبری در عداد بناهای جالب توجه اواخر دوره صفویه به حساب می آید. در ایوان شمالی مدرسه جلالیه بانی مدرسه (جلال الدین محمد حکیم) دفن شده است.

مدرسه سلیمانیه

در گوشه جنوب غربی مسجد امام مدرسه سلیمانیه واقع شده است. این مدرسه قرینه مدرسه (ناصری) و برخلاف آن فاقد حجره برای طلاب است. این مدرسه با یک در ورودی به خارج از مدرسه و مسجد راه دارد. این در ورودی که به کوچه پشت مسجد باز می شود دارای کتیبه ای است که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است. خطاط این کتیبه محمدرضا امامی و تاریخ آن ۱۰۷۸ هجری قمری است. در این کتیبه به سلطنت شاه سلیمان اشاره شده است. در یکی از دو مدخلی که مدرسه را به صحن مسجد وصل می کند دو لوح سنگی از زمان فتحعلیشاه قاجار به سال ۱۲۱۲ و ناصرالدین شاه قاجار به سال ۱۲۶۸ هجری

قمری است. سنگ شاخص معروف مسجد که محاسبه و نصب آن بوسیله شیخ بهائی دانشمند بزرگ عصر صفویه صورت گرفته است در قسمت پایین یکی از جرزهای صحن این مدرسه تعبیه شده است. مدرسه سلیمانیه به شیوه دو ایوانه ساخته شده که یکی در جنوب غربی و دیگری در شمال شرقی مدرسه واقع شده است. تزئینات مدرسه عبارتند از کاشیکاری، مقرنس کاری، حجاری و کتیبه که به بهترین شیوه در این مدرسه انجام شده اند.

مدرسه شفیعیه

مدرسه صدر بازار

یکی از آثار بسیار نفیس و مشهور دوران قاجار در اصفهان مدرسه صدر است که در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. این مدرسه که از زمان احداث تا کنون پیوسته دایر بوده و در هر زمان محل تدریس علماء و دانشمندان طراز اول اسلام بوده است. از آثار مرحوم حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی است.

صدر اصفهانی از رجال بزرگ و نیکنام اوائل عصر قاجار است که در زمان حکومت اصفهان و در دورانی که صدر اعظم ایران بود به دلیل علاقه بسیار به شهر اصفهان و میراث های فرهنگی علاوه بر تعمیر و مرمت بناهای زمان صفویه و نجات بسیاری از آنها از انهدام و نابودی قطعی؛ در اصفهان آثاری ساخت که یکی از آنها به مدرسه صدر بازار معروف است. ساختمان مدرسه و تزئینات نمای خارجی مدرسه به علت فوت مرحوم صدر ناتمام مانده است اما پس از اتمام به دلیل وجود درختان سر به فلک کشیده و ساختمان جالب، پیوسته در بین طلاب طرفداران فراوان داشته است. در قسمت فوقانی سر در مدرسه صدر با خط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق جمله "بسم

الله الرحمن الرحيم" و عبارات دیگر مذهبی نوشته شده است. خطاط این کتیبه عبدالجواد خطیب است. در سر در مدرسه نیز اشعاری به خط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق نوشته شده که تاریخ آن ۱۳۴۲ هجری قمری است. سراینده این اشعار مرحوم جلال همائی است. بر سنگاب نفیس و زیبای مدرسه نیز کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته با تاریخ ۱۲۷۵ هجری قمری وجود دارد که بر آن نام واقف سنگاب نوشته شده است. در سر در کتابخانه نیز با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نام بانی کتابخانه، آیت اله خراسانی و تاریخ ۱۳۶۴ هجری قمری نوشته شده است.

علاوه بر آن، اشعاری اثر طبع مرحوم جلال همائی و نام استاد کاشی ساز آن نوشته شده است. آنچه مدرسه صدر را در عداد مدارس معروف اصفهان معرفی می کند علاوه بر معماری زیبای دوران قاجار وجود دانشمندان بزرگی همچون مرحوم جهانگیرخان قشقایی و آیت اله دهکردی و آیت اله شمس آبادی و دیگر روحانیون برجسته ای است که در این نهاد عظیم دینی و فرهنگی به تدریس اشتغال داشته اند.

ذکر این نکته مناسب است که مدرسه صدر در زمانی در اصفهان ساخته شد که شهر اصفهان پس از حملات افغانها و تغییر پایتخت از عظمت دوران صفوی عاری گردیده بود به طوری که ساخت مساجدی همچون مسجد سید و مسجد حاج محمد جعفر آباده ای و مدارسی مانند مدرسه صدر شروع مجدد عظمت اصفهان به شمار می رود.

مدرسه کاسه گران

مدرسه کاسه گران از بناهایی است که در آخرین سال سلطنت شاه سلیمان و آغاز حکومت شاه سلطان حسین صفوی در نزدیکی مسجد

جامع اصفهان در بازار ساخته شد، بانی مدرسه امیر محمد مهدی حکیم اردستانی است. مدرسه کاسه گران در دو طبقه و بصورت دو ایوان در جناح های شمال شرقی و جنوب غربی ساخته شده است. حجره ها در یک حیاط مرکزی به شکل ۸ گوش نامنظم ساخته شده اند. کتیبه سر در مدرسه به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی به تاریخ ۱۱۰۵ هجری قمری به قلم "عبدالله رجال" است. در این کتیبه به نام شاه سلیمان صفوی و حکیم الملک اردستانی اشاره شده است. بر سکوه های طرفین سر در مدرسه نیز با خط بنائی آیات قرآن به تاریخ ۱۱۰۳ هجری قمری نوشته شده است. در اشکال مربع طرفین سر در مدرسه هم، با خط نستعلیق و خط بنائی و خط ثلث ضمن اشعاری نام "محمد مومن بنا اصفهانی" و "محمد ابراهیم اصفهانی" با تاریخ ۱۱۰۳ نوشته شده است. در اطراف ایوان شمالی مدرسه کاسه گران کتیبه ای به خط ثلث سفید بر روی زمینه قهوه ای گچبری شده است. این کتیبه طولانی که روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله است به خط جعفر بن عبدالله نوشته شده است. تاریخ این کتیبه نیز ۱۱۰۳ هجری قمری است. در اطراف سردر داخلی مدرسه کاسه گران کتیبه ای به صورت قرینه کتیبه ایوان شمالی وجود دارد که آن نیز ثلث ... بر زمینه سفید نوشته شده است. به نوشته منابع و مآخذ مختلف، حکیم الملک اردستانی که از اطباء حاذق بوده است به هندوستان رفته و پس از مدتی به ایران مراجعت می نماید و بنای مدرسه را آغاز می کند.

بنابراین این مدرسه در ابتدا شمسیه و سپس به حکیمیه معروف می شود. به هر حال مدرسه کاسه گران به دلیل در برداشتن تزئینات گچبری و خطوط بنائی در عداد آثار بسیار زیبای دوره صفویه به شمار می آید.

مدرسه ملا عبدالله

در ابتدای بازار قیصریه و در زیر چهارسوی زیبایی که در دوران صفویه چهارسوی شاه نامیده می شد مدرسه ملا عبدالله قرار دارد. این مدرسه به دستور شاه عباس اول صفوی ساخته شد و به تدریس حاج ملا عبدالله شوشتری که یکی از روحانیون برجسته آن عهد بود اختصاص یافت. مدرسه ملا عبدالله در دو طبقه ساخته شده که در هر دو طبقه حجره های طلاب واقع شده اند.

پشت بغل های بالا و پایین مدرسه با تزئینات کاشیکاری معرق آراسته شده اند. مدرسه ملا عبدالله تاریخ ساخت مشخص ندارد، اما با توجه به نحوه کاشیکاری معرق و منابع و مآخذ موجود قطعاً در زمان شاه عباس اول ساخته شده است. در ایوان جنوبی مدرسه لوحی از سنگ پارسی نصب شده که به خط نستعلیق برجسته به تاریخ ۱۰۸۸ هجری قمری نوشته شده است.

مفاد این کتیبه حاکی از این است که شخص نیکوکاری موقوفاتی برای مدرسه تعیین کرده است. کتیبه سر در مدرسه ملا عبدالله نیز به خط ثلث سفید بر کاشی خشت لاجوردی مورخ به سال ۱۲۱۸ هجری قمری است. در این کتیبه به تعمیراتی اشاره شده است که در زمان حکمرانی محمدحسین خان صدر اصفهانی بر اصفهان در این مدرسه انجام گرفته است. مدرسه ملا عبدالله در زمان حیات ملا عبدالله از مدارس پر رونق و باشکوه اصفهان بوده که بسیاری از دانشمندان

و روحانیون برجسته اصفهان از آن فارغ التحصیل شده اند.

مدرسه میرزا حسین

یکی از مدارس قدیمی اصفهان مدرسه میرزا حسین است. این مدرسه که در نزدیکی مسجد سید و در محله بید آباد واقع شده از آثاری است که در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است. سال ساخت مدرسه به موجب کتیبه سردر، سال ۱۰۹۹ هجری قمری است. این کتیبه که به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی است حاوی اشعاری است که مصراع آخر آن سال ۱۰۹۹ هجری را بیان می دارد. در این اشعار به نام بانی مدرسه و شاه سلیمان صفوی اشاره شده است. سنگاب نفیس مدرسه نیز به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی تاریخ ۱۲۷۵ هجری قمری (زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار) را با نام نویسنده برخورد دارد. مدرسه میرزا حسین ۴ ایوانه است و حجرات طلاب در یک طبقه ساخته شده اند.

مدرسه ناصری یا مدرسه عباسی

در گوشه جنوب شرقی مسجد امام (مسجد شاه) مدرسه ای است که بنای آن را به اواخر دوره شاه عباس اول یا اوائل دوره شاه صفی نسبت می دهند. اما با توجه به کتیبه هائی که به دست آمده است تزئینات کاشیکاری و کتیبه های مدرسه مربوط به زمان شاه عباس دوم است. در ایوان جنوبی مدرسه ناصری کتیبه هائی است که یکی از آنها به خط ثلث مشکی بر زمینه زرد به قلم محمدرضا امامی، صلوات بر ۱۴ معصوم را با امضاء محمدرضا امامی و تاریخ ۱۰۷۷ هجری برخورد دارد. در اطراف محراب این ایوان نیز آیات قرآن با همان تاریخ و امضاء همان خطاط آمده است. کتیبه داخل محراب در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به خط ثلث سفید بر روی زمینه کاشی

لاجوردی نوشته شده است. این کتیبه شامل روایاتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله با تاریخ ۱۰۹۵ و امضاء محمد حسن امامی است. علت اینکه این مدرسه را ناصری هم می نامند این است که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تعمیر و مرمت شده است. این مدرسه دارای حجره هائی است که در ضلع جنوب شرقی مدرسه قرار دارند. مدرسه دارای دو ایوان در شمال شرقی و جنوب غربی است. تزئینات به کار رفته در مدرسه کاشیکاری، مقرنس کاری، حجاری و خط نوشته است.

مدرسه نیم آورد

یکی از مدارس قدیمی اصفهان مدرسه نیم آورد است که در بازار اصفهان و در یکی از محلات شهر که به همین نام معروف است قرار دارد. وجه تسمیه مدرسه دقیقاً معلوم نیست اما آنچه مسلم است اینکه این مدرسه را یکی از زنان نیکوکار زمان شاه سلطان حسین صفوی به نام زینب بیگم در سال ۱۱۱۷ بنا کرده است. این زن همسر حکیم الملک اردستانی بانی مدرسه کاسه گران بوده است. مدرسه نیم آورد به صورت ۴ ایوانه بنا شده و از نظر تزئینات کاشیکاری و گچبری بی نظیر است. کتیبه سردر مدرسه نیم آورد به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی شامل آیات قرآنی است. تاریخ این کتیبه ۱۳۴۹ هجری قمری است و به نظر محققین از بنای دیگر به این مدرسه منتقل شده است. خطوط بنائی موجود در سردر مدرسه نیز شامل آیاتی از قرآن و احادیث است. در داخل مدرسه نیم آورد نیز قطارهای گچبری به خط نستعلیق مشکی اشعاری نوشته شده که کاتب آنها ابوالفتوح گلستانه است. مدرسه نیم آورد علاوه

بر شهرتی که از نظر تزئیناتی دارد به لحاظ وجود بزرگان و علماء و فضلائی نام آور است که در طول دهها سال در آن به کسب علم و یا تدریس مشغول بوده اند. بطوری که مدرسه نیم آورد یا نم آورد اصفهان با نام بزرگانی همچون مرحومین ملاحسن نائینی و آقا سید محمدباقر درچه ای و آقا عبدالکریم جزی و... همراه است. در زمان معاصر نیز اسوه های علم و دانش همچون آیت الله بروجردی و مرحوم جلال همائی در این مدرسه حجره داشته اند و سالها در این مکان به کسب علم و دانش مشغول بوده اند.

مدرسه بابا قاسم (امامیه)

این بنا در خیابان هاتف کوچه بابا قاسم در مجاورت مقبره باباقاسم واقع شده و از ساخته های قرن ۸ هجری و از قدیمی ترین مدارس طلبه نشین اصفهان است. بابا قاسم از عرفای بزرگ نیمه اول قرن ۸ هجری بود که بر اساس محتوای کتیبه تاریخی مقبره اش بنظر میرسد مدرسه را یکی از مریدانش بنام سلیمان بن ابی الحسن طالوت دامغانی در حدود سال ۷۲۵ ه. ق. برای تدریس او ساخته است.

مدرسه دربکوشک (باقریه)

این بنا در محله درب کوشک واقع شده و فاقد تاریخ و مدارک زمان ساخت میباشد ولی شیوه معماری آن به دوره قبل از صفویه برمیگردد.

مدرسه ترکها

این بنا در محله درب کوشک و کوچه بهادر خان واقع شده و از ساخته های ترکان آق قویونلو قرن ۹ هجری- می باشد که وجه تسمیه آن نیز تاریخ گذاری آنرا تأیید می کند.

مدرسه ثقه الاسلام

این بنا در بازارچه حسن آباد و ضلع جنوبی مسجد ساروتقی واقع شده و در حدود سال ۱۳۱۷ ه. ق. توسط شیخ محمد علی ملقب به ثقه الاسلام بجای مدرسه دوره صفویه ساروتقی ساخته شده است. این مدرسه دارای یک حلقه چاه عمیق است که در اصفهان به آن "چاه گاو" میگویند. این چاه در محوطه سر پوشیده ای قرار گرفته که پوشش این بخش با آجر و به شیوه زیبا و کم نظیری اجرا شده است. این مدرسه ها دایر می باشد.

مدرسه حاجی حسن

این مدرسه در نزدیکی مسجد علی و روبروی هارون ولایت قرار دارد. بنای اولیه آن بنظر میرسد در دوره سلجوقی ساخته شده و در دوره صفویه تجدید شده است.

مدرسه شمس آباد

این بنا در حاشیه خیابان شیخ بهایی و محله شمس آباد واقع شده و در دوره شاه سلطان حسین صفوی و سال ۱۱۲۵ ه. ق. توسط میرزا محمد تقی تاجر عباس آبادی ساخته شده است.

مدرسه نوریه

این بنا در میدان کهنه و بازار مسجد جامع واقع شده و در اواخر حکومت شاه عباس دوم صفوی به سفارش نورالدین محمد جابری انصاری ساخته شده است.

مدرسه هارونیه

این مدرسه در غرب مجموعه زیارتگاهی هارون ولایت قرار دارد و ظاهراً در دوره شاه اسماعیل صفوی توسط درویش خان- از وزرای شاه اسماعیل و بانی بقعه هارونیه - ساخته شده است.

پل ها

سی و سه پل

پل الله وردیخان (عنصری محوری در ارتباطی کالبدی-فرهنگی)

معروف به: پل الله وردیخان، سی و سه چشمه، چهارباغ، جلفا، زاینده رود موقعیت: میدان انقلاب اسلامی

سال تاسیس: ۱۰۰۵ هجری (دوره شاه عباس اول) با نظارت سردار معروف او الله وردیخان بنا شده است. قبلاً ۴۰ چشمه داشت اما امروزه بیش از سی و سه چشمه آن باقی نمانده است و بقیه مسدود شده است. با ۳۰۰ متر طول و ۱۴ متر عرض طولانی ترین پل زاینده رود است. طرفین پل معبر باریک مسقفی است که در سراسر طول پل دیده می شود. برای گردش یک پیاده رو در بالا و یک پیاده روی مسقف در پائین است.

یکی از پلهای زیبا و جالبی که در دوران صفویه بر روی زاینده رود احداث شد سی و سه پل است این پل در گذشته «پل جلفا» نامیده می شد (زیرا از این طریق به جلفا که تازه احداث شده بود می رسیدند). به «الله وردی خان» نیز معروف است زیرا سردار مشهور شاه عباس اول که به ساختن این پل مأمور گردید به این نام نامیده می شود. این پل که چهارباغ عباسی را به چهارباغ بالا متصل می کند قبلاً ۴۰ چشمه داشته اما امروز بیش از سی و سه چشمه آن باقی نمانده است و بقیه آنها مسدود شده اند. پل ۲۹۵ متر طول و ۱۳ / ۷۵ متر عرض دارد و در زمره اولین آثاری است که

شاه عباس اول دستور ساختن آن را داده است.

در طرفین پل معبر باریک مسقفی است که در سراسر طول پل دیده می شود. سی و سه پل دارای یک پیاده رو برای گردش در بالا- و یک پیاده رو در پایین است. پیاده رو پائین گذرگاه مسقفی است که میان پایه های مرکزی پل و به فاصله کمی از بستر رودخانه ایجاد شده است. از گفتنیها درباره سی و سه پل اینکه در دوران صفویه جشن «آبریزان» یا «آبریزکان» در کنار زاینده رود و در نزدیکی این پل برگزار می شده است. در این جشن که در سیزده تیرماه هر سال برگزار میشد مردم با پاشیدن آب و گلاب به روی یکدیگر در این مراسم شرکت می کرده اند. مصالحی که در ساخت سی و سه پل به کار رفته: آجر در قسمت فوقانی و سنگ در طبقه تحتانی پل است. پل الله وردیخان که در سال ۱۰۱۱ هجری بنا شده است از آثار مشهور اصفهان است که اکثر سیاحان و جهانگردان به توصیف آن پرداخته اند. یکی از خارجیانی که سی و سه پل را در اواخر حکومت قاجارها دیده است درباره آن می نویسد: این بنای زیبا که با وجود مرور زمان با بزرگی و مشخصات آن سالم مانده است ارزش آن را دارد که برای دیدنش به اصفهان رفت، هر چند احتمالاً از کسی هم انتظار نمی رود که برای دیدن شاید باشکوه ترین پل جهان چنین کاری بکند.

خواجو

سازه آبی چند منظوره معروف به: پل شاهی، بابا رکن الدین، شیراز و حسن آباد موقعیت: میدان خواجو

سال تاسیس: ۱۰۶۰ هجری

(دوره شاه عباس دوم) ۱۳۳ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد. غرفه های آن با تزئینات کاشی کاری و نقاشی پوشیده شده است. یکی از زیباترین پلهای جهان در عصر صفوی به شمار می رفت. به دلیل معماری و تزئینات کاشیکاری بر سایر پلهای زاینده رود برتری دارد. در وسط هر یک از ضلع شرقی و غربی پل ساختمانی بنا شده که شامل چند اتاق مزین به نقاشی است و به بیگلربیگی معروف است.

این پل را پل شاهی و بابا رکن الدین و شیراز و حسن آباد هم نامیده اند از بناهای شاه عباس دوم صفوی است که در سال ۱۰۶۰ هجری بنا شده است. طول پل ۱۳۳ متر و عرض آن ۱۲ متر است همان طور که گفته شد این پل را به اسامی دیگری نیز نامیده اند. وجه تسمیه آن به بابارکن الدین این است که بر سر راه تکیه بابارکن الدین عارف مشهور واقع شده بود، حسن آباد می نامیدند، به این علت که شالوده آن در عصر (حسن بیگ ترکمان) ریخته شد، شیراز گفته اند به خاطر آنکه مسافران شیراز در آن زمان از روی این پل عبور می کرده اند و بالاخره به این سبب به پل خواجه نامبردار شده بود که در محله خواجه قرار داشت. پل خواجه به دلیل معماری و تزئینات کاشیکاری بر سایر پلهای زاینده رود برتری دارد. پل خواجه که در عصر صفویه یکی از زیباترین پلهای جهان به شمار می رفت در اصل به منزله سد و بند بود. به این معنا که با بستن دهانه های پل در ضلع غربی دریاچه ای به

وجود می آمد. در وسط هریک از دو ضلع شرقی و غربی پل ساختمانی بنا شده که شامل چند اتاق مزین به نقاشی است. این ساختمان که (بیگلریگی) نامیده می شود در آن عصر اختصاص به بزرگان و امرائی داشت که به هنگام ایجاد دریاچه مصنوعی مسابقات شنا و قایقرانی را تماشا می کرده اند. شعرای اصفهان درباره پل خواجه اشعار زیبایی سروده و در طی این سروده ها زیبایی های آن را توصیف کرده اند. از جمله این شعرا صائب تبریزی است که با قصیده ای بلند بالا- یکی از روزهای جشن و چراغانی را ذکر می کند که در کنار پل خواجه برگزار شده است. به نوشته محققین و مورخین که درباره سلسله صفویه بررسی کرده اند: هدف شاه عباس دوم از احداث پل خواجه ارتباط دو قسمت محله خواجه و دروازه حسن آباد با تخت فولاد و راه شیراز بود

بطور کلی وجود "تزئینات کاشیکاری فراوان و پشت بغل های چشمه های پایین و غرفه های بالا و نمای غرفه های طرفین با کاشیهای الوان" پل خواجه را در شمار آثار بسیار ممتاز اصفهان قرار می دهد بطوری که کلیه سیاحان و جهانگردانی که در دوره های مختلف به اصفهان آمده اند زیباییهای پل خواجه را وصف کرده و آن را در زمره شاهکارهای مسلم معماری ایرانی، اسلامی به شمار آورده اند.

شهرستان

قدیمی ترین سازه آبی زاینده رود معروف به: جسر حسین، جی قدیمی ترین پل اصفهان که پیشینه آن به قبل از اسلام بر می گردد از نظر معماری فوق العاده جالب توجه است اساس و بنیاد آن به دوره ساسانیان مربوط است

ولی ساختمانهای روی پل از نحوه معماری دوره اسلامی متأثر گردیده اند. قدیمی ترین پل زاینده رود، پل شهرستان است که در ۴ کیلومتری شرق اصفهان قرار گرفته و در حال حاضر در محدوده شهر است. این پل در قدیم جسر حسین و پل جی نیز نامیده می شد. مافروخی اصفهانی در کتاب محاسن اصفهان که به زبان عربی است از این پل به نام جسر حسین یاد کرده است و عماراتی را که نزدیک آن هستند به نام قصر مغیره و قصر یحیی نام می برد. به نظر متخصصین و نویسندگان این پل در زمان ساسانیان ایجاد گردید و در زمان دیلمیان و سلجوقیان تعمیر و مرمت شده است. البته کتیبه یا نشانه ای که مؤید این مطلب باشد در پل موجود نیست اما سبک معماری و مشابهت آن با پل های دوره ساسانی که در بعضی نقاط پابرجاست موجب ابراز این عقیده شده است.

علت آن که این پل شهرستان نامیده می شود این است که در روستائی به همین نام در شرق اصفهان واقع شده است. در نزدیکی پل بقعه الراشد بالله خلیفه عباسی قرار دارد که در سال ۵۳۲ هجری قمری در اصفهان به دست یکی از فدائیان اسماعیلی کشته شد. اکثر سیاحان و جهانگردان در باره پل شهرستان به تفصیل مطلب نوشته و آن را توصیف کرده اند. فردریچاردز از این پل به عنوان یک پل جنگی و نظامی یاد کرده و آن را تنها نمونه ای از پل های جنگی قدیم می نویسد. در سالهای اخیر پل شهرستان نیز مانند سایر پلهائی که بر روی زاینده رود احداث شده

مورد مرمت قرار گرفته است. پل شهرستان از این نظر که قدیم ترین پل موجود در اصفهان است و از آثاری است که بنای آن به قبل از اسلام می رسد. حائز اهمیت بوده و به همین دلیل نیز مشهور است.

مارنان

پل تاریخی رابط منتهی الیه غرب اصفهان موقعیت: خیابان مطهری بین پل فلزی و پل وحید. واسطه اتصال دو ساحل شمالی و جنوبی رودخانه در غربی ترین قسمت شهر اصفهان بوده شکل امروزی این پل با نمای ساختمانی عصر صفوی تغییر اساسی نکرده است ولی تعمیرات مکرری را سر گذارنده است این پل در اصل ماربین نام داشته که اسم تصحیف «مهریین» از فرهنگ اوستایی است و در طی ۱۵ قرن تاریخ اسلامی ایران پیوسته به همین نام شناخته شده و در غربی ترین قسمت شهر اصفهان بوده است. این پل در عصر صفوی تغییری نکرده ولی تعمیرات مکرر داشته است. چهار فرسنگ به شهر اصفهان مانده رودخانه زاینده رود به شکل مارپیچی راست خم گشته وارد شهر می گردد و گفته اند که به همین جهت قریه مارنان را مارنان یا ماریانان گفته اند و در همین محل پل مارنان را ساخته و جلفا را به قریه مارنان اتصال می دهد پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از هفده دهانه داشته است که حالا بسته شده است. این پل را پل سرفراز هم نامیده اند و وجه تسمیه اش را چنین بیان کرده اند که در زمان شاه سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه آن را ساخت و به لقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم به همان

نام سرفراز مشهور بود. در هر حال متمول مزبور تعمیری کرده است چه این پل قبل از آن وجود داشته است منتهی هر چه عبور و مرور به نسبت جمعیت زیادتر می شده پل فرسوده می گردیده است و احتیاج به تعمیر و تجدید بناء حاصل می گردیده است ثبت تاریخی این پل در گردش اداری است.

جویی

تنها پل تاریخی اختصاصی معروف به: سعادت آباد، پل هفت دست و پل دریاچه موقعیت: خیابان کمال اسماعیل سال تاسیس: ۱۰۶۵ هجری (دوره شاه عباس دوم) عرض آن ۶ متر و طول آن ۱۴۷ متر ارتباط باغ های سلطنتی دو ساحل شمالی و جنوبی رودخانه با باغ های وسیع سعادت آباد، و بناهای با شکوه هفت دست، آئینه خانه، کشکول و نمکدان برقرار می ساخت و محل عبور خانواده شاه صفوی، امرا، اشراف، مهمان ها و سفیرانی بود که اجازه ملاقات با شاه عباس دوم را می یافتند.

وجه تسمیه آن به جویی به مناسبت جوی کوچک ظریفی از سنگ پارسی بود که بر پل تعبیه شده بود چند صد قدم بالاتر از پل الله وردیخان پل جوئی نمایان می گردد. این پل در محاورات مردم اصفهان (جویی) گفته می شود. عرض پل ۴ ذرع و طول آن بیش از ۱۰۰ ذرع است. وجه تسمیه آن به پل جوئی این است که چون در دو طرف پل عمارات سلطنتی واقع شده بود، در آن عصر این پل را برای ارتباط این دو قسمت ساخته یودند و آب را نیز بوسیله جوی سنگی که در روی پل کنده بودند به این عمارت می رساندند. در وسط پل برج ۶ گوشه

ای وجود داشت که از هر گوشه آن سه چشمه جاری می شد. یکی از خارجیانی که پل را بازدید کرده و درباره آن می نویسد " ... پل با چهارده طاق یک ریخت و معبری برای بردن آب به قصر هفت دست واقع در ساحل زاینده رود ساخته شده بود... " عمارات زیبا و باشکوه سعادت آباد، هفت دست، آینه خانه، کلاه فرنگی، نمکدان در اطراف این پل بوده است که بوسیله مسعود میرزای ظل السلطان حاکم اصفهان در زمان ناصرالدین شاه قاجار خراب و با خاک یکسان گردید.

کاخ ها تالار ها عمارتها

لیست کاخهای اصفهان

به شرح زیر می باشد: ۱- کاخ عالی قاپو، صفوی ۲- کاخ چهلستون، صفوی ۳- کاخ هشت بهشت، صفوی ۴- تالار تیموری، خیابان استانداری، صفوی ۵- تالار اشرف، خیابان استانداری، صفوی ۶- کاخ رشک جنان (استانداری)، خیابان استانداری، صفوی ۷- عمارت اداره آمار، صفوی ۸- عمارت انگورستان ملک، محله پاقلعه، قاجار (معماری ایران، محمد یوسف کیانی، جلد دوم)

کاخ چهل ستون

با ماده تاریخ "مبارک ترین بناهای دنیا" چهل چراغی بر سراسر معماری عصر صفوی

موقعیت: خیابان استانداری سال تاسیس: ۱۰۵۷ هجری (دوره شاه عباس اول) مساحت: ۶۷۰۰۰ متر مربع

در زمان شاه عباس دوم تغییرات کلی شامل احداث تالار آئینه، تالار ۱۸ ستون، دو اتاق بزرگ شمالی و جنوبی تالار آئینه، ایوانهای طرفین سالن پادشاهی و حوض بزرگ مقابل تالار با تمام تزئینات نقاشی و آئینه کاری و کاشیکاری دیوارها و سقفها به این کاخ افزوده شد. قسمتهای دیدنی این کاخ عبارت است از تالار ۱۸ ستون، تالار آئینه، شیرهای سنگی چهار گوشه حوض مرکزی، تزئینات عالی طلاکاری و نقاشی های سالن پادشاهی، تصویری از شاه عباس اول با تاج مخصوص آثاری مانند سر در مسجد قطبیه و سر درهای زاویه درب کوشک و آثاری از مسجد درب جویباره و مسجد آقاسی که بر دیوارهای ضلع غربی و جنوبی باغ

نصب شده است. با انتخاب اصفهان به پایتختی و گسترش شهر به طرف جنوب و احداث میدان امام طرح استقرار کاخ های شاهی به وسیله شیخ بهائی ریخته شد. انتخاب فضائی وسیع در مجموعه ای که در آن روزگار (دولتخانه) نامیده می شد و بررسی هائی که برای آینده صورت می گرفت تماماً حکایت از ذوق و استعداد و خلاقیت شیخ بهائی دانشمند بلند آوازه صفویه دارد. مجموعه کاخ هائی که شروع آنها (عالی قاپو) بود تا میدان اصلی و

مرکزی چهارباغ عباسی ادامه داشت در این محوطه بزرگ که چند کاخ سلطنتی نیز مستقر بود عماراتی مانند تالار اشرف-جبه خانه-رکیب خانه، کشیک خانه، تالار طویله-کاخ هشت بهشت-توحید خانه-و برخی عمارات دیگر ساخته شد.

وجه تسمیه کاخ

از جمله این بناها ساختمان کوچکی بود که شاه عباس اول در باغ جهان نما به صورت کوشک یا کلاه فرنگی احداث کرد و در زمان شاه عباس دوم توسعه یافت و چهلستون نامیده شد. ایوان اصلی بر بیست ستون استوار است که در دوران صفویه از آئینه کاریهای بسیار زیبا پوشیده شده بود. بسیاری از محققین وجه تسمیه کاخ را انعکاس بیست ستون بر استخر زیبا و بزرگ عمارت می دانند. البته نقشی که عدد ۴۰ در ادب فارسی دارد نیز شاید دلیل دیگری بر نامیده شدن عمارت به چهلستون باشد (این عدد نشان تعدد و کثرت است). مؤلف کتاب (معماری اسلامی) نامگذاری این عمارت به چهلستون را «... نوعی بازی بصری قلمداد می کند زیرا نمائی با تعداد زیادی ستون در آب انعکاس یافته است...».

با توجه به ماده تاریخی که بعضی از شعرای عصر صفویه در اشعارشان آورده اند و با مراجعه به کتب و متون مربوط به آن روزگار، سال اتمام کاخ چهلستون ۱۰۵۷ هجری در زمان سلطنت شاه عباس دوم بوده است. از جمله این شعرا (صائب تبریزی) ملک الشعراء آن روزگار است که طی قصیده بلند بالائی چهلستون را توصیف کرده و در آخر قصیده با مصراع قبله گاه تاجداران باد دائم این مکان، سال ۱۰۵۷ هجری را بیان کرده است.

ساختمان کاخ

ایوان چهلستون مرکب از دو بخش است یک بخش که بر ۱۸ ستون چوبی و رفیع استوار است چهار ستون وسط که بر روی ۴ شیر سنگی قرار گرفته و حجاری آنها به گونه ای است که دو شیر به یک سر انسان نشان داده می

شود. از دهان این چهار شیر آب فوران می‌کرد و به حوض مرمری تالار می‌ریخت. قسمت دیگر که کمی مرتفع‌تر است سردر ورودی تالار را تشکیل می‌دهد. و در بعضی منابع آن را تالار آئینه نامیده‌اند. این قسمت بر دو ستون قرار گرفته و سراسر آن مزین به آئینه کاری وسیع و پرکاری است که در آن آئینه‌های ریز و خوش نقش به صورت معرق در کنار آئینه‌های قدی و خشتی به کار رفته‌اند سقف تالار از قابهای چوبی و به اشکال مختلف هندسی ساخته شده‌اند. تصویر قرینه حوض مرمرین وسط ایوان در تزئینات سقف مشاهده می‌شود. این قرینه سازی شباهت بسیاری با ایوان عالی قاپو دارد.

تالار مرکزی کاخ که اختصاص به میهمانان خارجی و شخصیت‌های کشورهای دیگر داشت حاوی نقاشیهائی است که وقایع تاریخی دوران‌های مختلف را بیان می‌دارند. این سالن با شکوه که بر گنبدی منقوش استوار است با لچکی‌های رنگارنگ و طرح‌های طلایی و شفاف از شاهکارهای هنری آن عصر محسوب می‌شوند.

نقاشی‌های موجود در تالار مرکزی کاخ که برخی از آنها در عصر قاجار نقاشی شده‌اند شرح پذیرائی شاه عباس اول و دوم و شاه طهماسب از امرای ترکستان و همایون هندی و نیز جنگ شاه اسماعیل اول با ازبکان است. دو تصویر دیگر که یکی روبروی در ورودی تالار و دیگری مقابل آن است جنگ چالدران در دوران شاه اسماعیل اول و جنگ کرنال در زمان نادر شاه افشار را به نمایش می‌گذارد. این دو تصویر در اوائل عصر قاجاریه نقاشی

شده اند. در دو طرف تالار ستون دار اتاقهایی است که در حال حاضر برای نمایشگاههای فصلی مورد استفاده قرار می گیرند. این اتاقها نیز شامل نقاشی هائی است که برخی از آنها شاهکار مسلم نقاشی به حساب می آیند. بیشتر این نقاشی ها در زمان حکومت ظل السلطان زیر لایه ای از گچ پنهان شده بود که با کمک کارشناسان و متخصصان از زیر گچ بیرون آمده و مرمت شده اند. استخر کاخ علاوه بر زیبایی باعث لطافت هوا می گردد در چهار طرف این استخر مجسمه هائی قرار دارند که مربوط به عمارت چهلستون نیستند و به هنگام تخریب قصر سرپوشیده به این محل منتقل شده اند. به نوشته برخی از مورخین این عمارت در اواخر دوران صفوی دچار آتش سوزی مهیبی شد و قسمتهایی از آن در آتش سوخت. در دو طرف سالن مرکزی عمارت چهلستون تصاویری از سفرا و اروپائینی که در آن روزگار در اصفهان بوده اند نقاشی شده است. این تصاویر را دو نفر نقاش هلندی که (آنژل Anjel) و (لوکار Lokar) نامیده می شدند را نقاشی کرده اند. به طور کلی در عمارت تاریخی چهلستون نقوش ترکیبی دیوارها و سقف تالار که در قالب های زیبای لچک و ترنج قرار گرفته اند و خطوط اصلی تقسیمات بنا که ترکیب زیبایی از نقاشی و کاشیکاری و سایر تزئینات متعدد و متنوع هستند این اثر با شکوه را به صورت یکی از بارزترین نمونه های معماری دوران صفویه درآورده است. در حال حاضر عمارت چهلستون بصورت باغ موزه ای که سالن مرکزی آن محل نمایش برخی از آثار هنری دوران

های مختلف ایران است. مورد بازدید جهانگردان خارجی و مهمانان داخلی قرار می گیرد.

کاخ عالی قاپو

رفیع ترین بنای عهد صفوی

قلب تپنده حکومتی در قلب پایتخت معروف به: دولتخانه مبارکه نقش جهان، قصر دولتخانه موقعیت: ضلع غربی میدان امام سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول) مینیاتوریست و نقاش: رضا عباسی

ویژگی های ساختمان

در زمان جانشینان شاه عباس اول عمارت حوضخانه و تالار مروارید به این عمارت افزوده شده است بنا دارای ۵ طبقه است در طبقه سوم ایوان بزرگی است که بر ۱۸ ستون بلند و رفیع استوار است در وسط این ایوان حوض زیبایی از مرمر و مس وجود دارد که قرینه آن در تزئینات زیر سقف انعکاس یافته است گچبری های آخرین طبقه، که تالار آن به اتاق موسیقی یا اتاق صوت معروف است باعث می شود انعکاس حاصله از نغمه های نوازندگان گرفته شده و صداها طبیعی و بدون انعکاس صوت به گوش برسد.

کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی و مدخل کلیه قصرهای محدوده میدان امام

در غرب میدان امام و روبروی مسجد شیخ لطف الله عمارتی سر بر افراشته که به عنوان یکی از مهمترین شاهکارهای معماری اوائل قرن یازدهم هجری از شهرتی عالمگیر برخوردار است. با توجه به منابع و مأخذ موجود درباره سلسله صفوی و همچنین با در نظر گرفتن بررسی های انجام شده در مورد این ساختمان زیبا و رفیع چنین استنباط می گردد که کاخ عالی قاپو دروازه مرکزی و مدخل کلیه قصرهایی است که در دوران صفویه در محدوده میدان امام احداث شده اند. در حقیقت این بنا به مثابه یک ورودی بزرگ و با شکوه میدان امام را به مجموعه دولتخانه و عماراتی مانند رکیب خانه، جبه خانه، تالار تیموری، تالار طویله، تالار سرپوشیده و کاخ چهلستون و دیگر عمارات مربوط می کرده است.

ساختمان کاخ

اصل بنا در دوره شاه عباس اول احداث شده و در دوره جانشینان او الحاقات و تعمیراتی در آن انجام شده است. ساختمان دارای ۵ طبقه است که هر طبقه تزئینات مخصوصی دارد. اگر چه این قصر در دوره های بعد از صفویه لطمات فراوان دیده است، هنوز نیز شاهکارهایی از تزئینات و نقاشی های عصر صفویه در آن، بینندگان را به تحسین وامی دارد. عالی قاپو مرکب از دو کلمه «عالی» و «قاپو» است که با هم به معنای «سردر بلند» یا «درگاه بلند» هستند. از این سر در بلند که تماماً با سنگ سماق ساخته شده به قصر وارد می شویم و به وسیله پلکانی که در دو طرف تعبیه شده اند به طبقات فوقانی می رسیم. در طبقه همکف دو تالار وجود دارد که در آن

روزگار به امور اداری و دیوانی اختصاص داشت و صدرخانه یا کشیک خانه نامیده می شدند. در طبقه سوم، ایوان بزرگی است که بر ۱۸ ستون بلند و رفیع و استوار است. این ستون ها در آن زمان پوشیده از آئینه بوده و سقفی با صفحات بزرگ که با نقاشی ها و آلت های چوبی تزئین شده بودند بر فراز آن قرار گرفته است. در وسط این ایوان حوض زیبایی از مرمر و مس وجود دارد که قرینه آن در تزئینات زیر سقف انعکاس یافته است.

این تالار از الحاقات کاخ است که در دوران جانشینان شاه عباس اول بنا شده است. در پشت این ایوان تالار بزرگی است با اتاقها و طاقهای بسیار که نقاشی های زیبایی بر دیوارهای آن مشاهده می شود. از ایوان کوچکی که پشت این تالار است گنبد زیبا و ساده توحید خانه نمایان است. در دوران صفویه در شبهای جمعه گنبد محل تجمع صوفیان و دراویش بود. سالنی که این گنبد بر فراز آن استوار است و اتاقهای اطراف آن در حال حاضر به کلاسهای درس دانشگاه پردیس اصفهان اختصاص دارد. اکثر جهانگردان و سیاحان خارجی و همچنین نمایندگان کشورهای مختلف این تالار را به منزله جایگاهی دانسته اند که از آن مسابقات مختلف و بازیهای معمول آن عصر مثل چوگان بازی و غیره را تماشا می کرده اند. طبقات بعدی هر کدام شامل یک سالن بزرگ در وسط و چندین اتاق کوچک در اطراف هستند.

ویژگی خاص کاخ

آنچه عالی قاپو را در عداد آثار باشکوه و بسیار نفیس قرار داده است علاوه بر مینیاتورهای کار هنرمند معروف عصر صفوی

رضا عباسی، گچبری های آخرین طبقه است که تالار آن به «اتاق موسیقی» یا «اتاق صوت» نیز معروف است. در این قسمت از کاخ شکل انواع جام و صراحی در دیوار تعبیه شده است ساختن و پرداختن این اشکال به غیر از نمایش زیبایی و خلاقیت و ابتکار هنرمندان گچکار برای این بوده است که انعکاسات حاصله از نغمه های نوازندگان و اساتید موسیقی به وسیله این اشکال مجوف گرفته شود و صداها طبیعی و بدون انعکاس به گوش برسند. «فرد ریچاردز» که خود نقاش معروفی بوده و در اواخر عصر قاجاریه به ایران آمده درباره تزئینات گچبری این اتاق می نویسد: «... این تورفتگی ها مانند قطعات مختلف بازی معما با تناسب خاصی پهلوی یکدیگر قرار گرفته اند...» گذشته از گذشت زمان که متأسفانه به عالی قاپو لطامات فراوان زده است عوامل مخرب دیگر مانند حمله و استیلای افغانها و جنگ های مختلف و انتقال پایتخت از اصفهان و بی توجهی حکام بعد از صفویه خسارات جبران ناپذیری به بنا وارد آورده است.

در دوران قاجاریه عالی قاپو چند سال محل سکونت و کار ظل السلطان بود و او تغییراتی در کتیبه های آن داد. کتیبه های جبهه شرقی بنا و الواح خط نگاشته سردر ورودی که طی اشعاری به تعمیرات سال ۱۲۷۴ اشاره می کند مبین همین مطلب است. در چهل ساله اخیر به دلیل آن که خطر ویرانی کاخ عالی قاپو را تهدید می کرد و همچنین به علت توجه مردم و ارگانهای دولتی به میراث های فرهنگی، مرمت هائی توسط هیأت های متخصص داخلی و خارجی در آن انجام گرفته است.

بطور کلی بنای عالی قاپو به عنوان یک بنای تشریفاتی خوش ساخت و زیبا دستاورد دیگری است از هنر معماری دوران صفویه که از فراز آن منظره شهر باستانی اصفهان و تغییر و تحول ۱۰۰۰ ساله آن به خوبی نمایان است.

کاخ هشت بهشت

هزارتویی خیال انگیز

بر آستان طبقه هشتم بهشت موقعیت: خیابان باغ گلدسته پارک شهید رجائی سال تاسیس: ۱۰۸۰ هجری (دوره شاه سلیمان)

از آثار قابل توجه این کاخ

عبارت است از: کاشیکاری انواع پرندگان و حیوانات درنده و خزننده در نمای بیرونی کاخ

زیباترین کاخ عالم

از کلیه کاخهای با صفا و کلاه فرهنگی هائی که در کنار چهار باغ احداث شده بود فقط کاخ هشت بهشت باقی مانده است. این عمارت باشکوه که روزگاری زیباترین کاخ عالم هم نامیده می شد در سال ۱۰۸۰ هجری و به روزگار شاه سلیمان صفوی در نزدیکی باغ بلبیل ساخته شد. این بنای دو طبقه با طاقهای زیبا و تزئینات فراوان و هماهنگ دست به دست هم داده تا یکی از نمونه های درخشان معماری عصر صفویه را به نمایش بگذارند. کلیه سیاحان و جهانگردانی که از اصفهان بازدید کرده و موفق شده اند به درون کاخ هشت بهشت راه یابند آن را بهترین بناهای دنیا نامیده اند. یکی از آنها کاخ هشت بهشت را با عبارت «... فرح انگیز تر از مجلل ترین کاخهای ممالک اروپایی» توصیف کرده است. باغ وسیعی که عمارت در آن واقع شده جزئی از باغ بزرگ نقش جهان بوده است که شاه اسماعیل اول احداث کرد و در زمان جانشینان او بخصوص شاه عباس اول به قطعات متعددی تقسیم شد. این قصر با شکوه از همان ابتدای احداث «عمارت هشت بهشت» «هشت به هشت» و «هشت در بهشت» نامیده می شده است.

ساختمان کاخ

بخش مرکزی کاخ به صورت ۴ صفا ساخته شده و ایوان آن رو به شمال است. سقفی که بر فراز این بنای ۴ صفا استوار است پوشیده از مقرنس های گچی خوش رنگ و خوش طرح است. اتاقهای طبقه اول در ۴ گوشه عمارت تزئیناتی از گچبری و نقاشی دارند. در طبقه دوم عمارت نیز مجموعه ای از رواق ها و اتاقها و طاقها و

پنجره‌ها بر نفاست و زیبایی آن می‌افزاید. این طبقه به راهروها و اتاقهای متعددی تقسیم شده که هر یک تزئینات خاصی دارند. در برخی حوض آب و در بعضی بخاری‌های دیواری تعبیه شده‌اند دیوارها را نیز آینه‌های فراوان می‌پوشانیدند تمام سقف‌های کاخ را نیز موزائیک‌های بسیار عالی پوشانیده و دالانها و غلام‌گردش‌های بسیار زیبا و هماهنگ آنها را احاطه کرده‌اند. تزئینات عمارت در دوران صفویه به حدی باشکوه و هنرمندانه بوده که هیچ سیاحی از اعجاب و تحسین آنها خودداری نکرده است. آنچه در این عمارت حائز اهمیت است ارتباطی است که میان فضاها و قسمت‌های مختلف آن پدید آمده است. این ارتباط باعث شده تا عمارت هشت بهشت اصفهان در عین تنوع و گوناگونی و تعدد فضا از وحدت و یکپارچگی و تزئینات قابل توجه برخوردار شود. متأسفانه امروز از نرده‌های چوب‌زرنگار و قابها و جام‌های بلور و آلت‌های شیشه‌ای رنگارنگ ظریف اثری بر جای نمانده است چرا که در دوره‌های بعد از صفویه و بخصوص در عصر قاجاریان تغییرات بسیاری در آن داده شد. این تغییرات به حدی است که برخی از سیاحان آن را از دوران قاجار به حساب آورده‌اند.

در اواخر دوران قاجار عمارت هشت بهشت به مالکیت خصوصی اشخاص درآمد و از زیورهای نفیس و گرانبهای دوره صفویه عاری گردید بطوری که امروز از آن همه شکوه و فریبندگی داخل کاخ و درختان چنار و تناور و گل‌های یاس سفید و سرخ که در حاشیه خیابان‌های آن روئیده بودند

و همچنین از آب نماها و جوی های آب روان اثری بر جای نمانده است. با همه دخل و تصرفات به گفته «آندره گدار» که سالها باستانشناسی ایران را اداره کرده است: «... کاخ هشت بهشت با تالاری که از هر سو باز است و با چهار عمارت کلاه فرنگی در طبقه هشت بهشت در چهار گوشه خود هنوز هم ترکیب اصلی و مختصری از لطف و ملاحظت روزگاران گذشته را حفظ کرده است.»

ذکر این نکته مناسب است که تزئینات این کاخ هشت گوشه که نشانه روحیه معماری و تزئینات اواخر دوره صفوی است به همراه ساختمان آن که میان باغ واقع شده است بعدها به فراوانی مورد تقلید قرار گرفته است.

عمارت رکیب خانه

عمارت تاریخی «رکیب خانه» که در مرکز شهر اصفهان و نزدیک بناهای مشهوری همچون «تالار اشرف»، «کاخ چهلستون»، «عالی قاپو» و «توحید خانه» قرار دارد از جمله بناهای بافت قدیم اصفهان به شمار می رود که در اوائل قرن یازدهم هجری مقارن با سلطنت شاه عباس اول به عنوان یکی از بناهای مجموعه دولتخانه صفوی احداث شد. با مراجعه به منابع و مأخذ مختلف دوران صفوی و با توجه به کلمه «رکیب خانه» مشخص می شود که این عمارت محل نگهداری لوازم سوارکاری و یراق آلات اصطبل دولتی بوده است. با اضمحلال حکومت صفویه عمارت «رکیب خانه» متروک گردید و بعدها در عصر قاجار به دستور حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی صدر اعظم نیک اندیش فتحعلیشاه احیاء شد. در دوره حکومت «مسعود میرزا ظل السلطان» بعد از انجام تعمیرات و الحاقاتی که با آن دوره سازگار بود به عنوان محل زندگی

این حاکم تعیین گردید.

در دوران پهلوی اداره آمار و ثبت احوال اصفهان در این محل مستقر شد و تغییراتی در ساختمان و مخصوصاً در جبهه غربی آن صورت گرفت.

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی «رکیب خانه» مورد مرمت اساسی قرار گرفت و بعد از بازسازی مقرر شد اشیاء موجود در موزه های هنرهای تزئینی تهران و بقیه اشیاء قدیمی به اصفهان منتقل و در این ساختمان به معرض تماشای عموم گذاشته شود.

در اجرای این هدف در تابستان ۱۳۷۵ گنجینه های تزئینی رسماً افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت.

تالار اشرف

موقعیت: خیابان استانداری سال تاسیس: در اواخر سلطنت شاه سلیمان یا در عهد شاه سلطان حسین این بنا به طور کامل با چوب بست ساخته شده بام آن مسطح بر پایه های بلند ضخیم پوشیده از طلا نهاده شده است. در اوایل جنگ جهانی اول به عنوان انبار مورد استفاده واحدهای نظامی و سپس به جایگاه دسته موزیک نظامی تبدیل می شود. حدود ۸۰ سال قبل پس از تخریب ساختمان های چپ و راست تالار اداره باستان شناسی با مرمت بنا از ویرانی آن جلوگیری کرده و سپس ساختمان برای استقرار اداره معارف عمومی در نظر گرفته می شود. عمارتی که به نام تالار اشرف نامیده می شود باقیمانده کاخ های عصر صفوی است که در منطقه دولت خانه در کنار قصرهای دیگری همچون تالار سرپوشیده، کاخ هشت بهشت، کاخ پشت مطبخ، رکیب خانه و تالار تیموری مجموعه ای از کاخ های باشکوه آن روزگار را تشکیل می داده است.

کلمه «اشرف» باعث شده تا برخی ساختمان این عمارت را به «اشرف افغان»

نسبت دهند. اما مطالعات محققین و پژوهشگران بیانگر این نکته است که «تالار اشرف» در زمان شاه عباس دوم ساخته شده و در عصر جانشین او شاه سلیمان کامل شده است.

این اثر زرننگار از لحاظ هنر تزئین و نقاشی و مقرنس های زیبا و گچبری و طاقهای متناسب ضربی جلوه و شکوهی خاص دارد. بسیاری از خارجیانی که در روزگار صفویه و بعد از آن دوران به شهر اصفهان آمده اند تالار اشرف را بنائی نفیس، شکوهمند و زیبا توصیف کرده اند.

برخی از محققین نوشته اند در اوائل جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی) تالار اشرف انبار علوفه بوده و بعد از آن یکی از واحدهای نظامی در آن مستقر شده است و در این زمان بوده است که گچبریها و نقوش زیبای کاخ را در زیر اندودی از گچ پنهان کرده اند. در اواخر دوره قاجار، مرمت هائی در آن صورت گرفت و از ویرانی نجات یافت. پس از این تعمیرات بود که به اداره معارف وقت اختصاص یافت. بعد از دوران قاجار تعمیرات بیشتری در عمارت به عمل آمد و نقاشی هائی که از زیر گچ خارج شده بودند به وسیله استادکاران و نقاشان برجسته و هنرمند اصفهان ترمیم شدند.

در حال حاضر عمارت تالار اشرف یکی از بناهای بسیار معروف اصفهان است. این شهرت بیشتر به خاطر نقاشی های زرننگار و گچبریهای پرکار آن است.

تالار تیموری

در جنوب خیابان استانداری و در مجموعه دولتخانه عمارت زیبا و جالب تالار تیموری واقع شده است. این بنا که طی سالیان متمادی شکل و کاربرد اصلی خود را از دست داده است.

هنوز هم به نام تالار تیموری نامیده می شود. اکثر محققین و پژوهشگران این اثر را از بناهای دوران تیموری می دانند.

آنها عقیده دارند تیمور در هنگام یورش های خود به اصفهان و همچنین نوادگانش در موقع اقامت به دلیل آب و هوای خوش اصفهان عمارات و کاخ هایی ساخته اند که تالار تیموری یکی از آنهاست. آنچه محقق است اینکه در دوران صفویان و بعد از این خاندان تغییراتی در بنا به وجود آمده و الحاقاتی به آن اضافه شده و یا قسمتهایی از آن کاسته شده است.

مؤلف کتاب «آثار ملی اصفهان» این بنا را از آثار تیمور گورکانی می داند که بعد از قتل عام مردم اصفهان دستور احداث آن را در مجاورت باغ نقش جهان صادر کرده است. از آن زمان برخی از مورخین دوران صفوی از این بنا به نام «چهار حوض» اسم برده اند زیرا در جلوی تالار آن حوض آبی وجود داشته که به چهار حوض معروف بوده است.

در دوره قاجار تالار تیموری تعمیر شد و در عداد ساختمان های دیوانی در آمد و مورد استفاده قرار گرفت. در اوائل حکومت پهلوی تالار تیموری و میدان چهار حوض محل لشکر و سربازان بود و در سال ۱۳۲۷ تعمیر و به محل باشگاه افسران اختصاص یافت.

این عمارت با تزئینات بسیار جالب آن که از نوع قطار بندیهایی گچی است، سنگاب بسیار نفیسی دارد که با خط نستعلیق برجسته و زیبا اشعاری با تاریخ ۱۰۵۶ هجری قمری بر بدنه آن نوشته شده است.

در حال حاضر این عمارت دارای سالن وسیعی است که جلوی آن ایوان بزرگ

و مرتفعی قرار دارد چند اتاق نیز متصل به یکدیگرند که تزئینات آنها هم بسیار دیدنی و جالب هستند.

هم اینک ساختمان تالار تیموری که در بردارنده چند دوره از معماری اسلامی است در اختیار موزه تاریخ طبیعی اصفهان است.

کلیساها و کنیسه ها

کلیساها

اشاره

یکی از وقایع مهم دوران صفویه انتقال آرامنه از آذربایجان و اسکان آنها در اصفهان است. توضیح اینکه پس از اعلام پایتختی اصفهان و انجام مقدمات امر، شاه عباس اول جمعی از آرامنه را از جلفای ارمنستان واقع در کنار رود ارس به اصفهان کوچ داد و موقتاً در یکی از محلات شهر سکونت داد. انگیزه دولت صفوی در آن روزگار علاوه بر نجات آرامنه از آزار و اذیتی که ترکان عثمانی نسبت به آنان روا می داشتند. استفاده از مهارت این طبقه در تجارت مخصوصاً در داد و ستد ابریشم بود. برخی از مورخین نیز این نقل و انتقال را به این علت می دانند که شاه عباس می خواست عثمانیان یعنی دشمن دیرین خود را از یک مستمره ارمنی نشین محروم کند. نویسنده کتاب ایران و قضیه ایران دو دلیل فوق را برای این جابجائی تأیید می کند اما مرحوم علی جواهر کلام عقیده دارد منظور شاه عباس از این کوچ عظیم این بود که آرامنه را «... واسطه ارتباط و آشنایی ایران و فرنگستان قرار دهد و فرنگیان را متقاعد کند که مسلمان ایرانی با سایر ملل و مذاهب دنیا هیچ گونه دشمنی و عداوت ندارد...» به هر حال، آرامنه پس از مهاجرت به اصفهان در ساحل جنوبی زاینده رود ساکن شدند و این محل را (جلفای نو) نامیدند تا خاطره

وطن زنده بماند. پس از استقرار ارمینان فرامینی نیز صادر شد و برای راحتی و آسایش آنها دستورات اکید به مسئولان و دولتمردان داده شد. از جمله این فرمانها، دستورالعملی بود که کلیه ارامنه را در انجام مراسم مذهبی شان آزادی می داد. به مرور زمان ارامنه سایر شهرها که آوازه خوشرفتاری مردم اصفهان و حکومت آن روزگار را شنیدند و از حمایت دولت صفوی از همکیشان آگاه شدند به شهر اصفهان سرازیر گشتند حتی شهرها و نقاط دیگر نیز مورد توجه آنها قرار گرفت و زارعین و کشاورزان ارمنی هم به روستاهای فریدن و چهار محال کوچ کردند. به زودی جلفا به شهرکی آباد و پرجمعیت تبدیل شده و «... خیابانهای متعدد با درختان زیبای چنار...» بر زیبایی شهر افزودند. بسیاری از نویسندگان خانه های زیبای تجار ارمنی مقیم جلفای اصفهان را توصیف کرده و آنها را با فرش های زیبا و صندلی های مزین به آب طلا- و نقره و تالارهای منقوش به تابلوهای زیبا ذکر کرده اند. امتیازاتی که در دوره شاه عباس اول به ارامنه داده شد در زمان شاه صفی نهادینه گردید و طی فرمانی که در سال ۱۰۴۲ هجری صادر شد به ارامنه این حق داده شد که در هر نقطه که مایل باشند می توانند کلیسا بسازند و آنها را تزئین کرده و بر بالای ساختمان صلیب و ناقوس بگذارند. مستوفیان و ممیزانی هم که برای دریافت وجوه دیوانی به کشیشان مراجعه می کنند مادام که آنها در حال عبادت هستند حق مزاحمت برای آنها را ندارند. این فرمان و فرامین دیگر به ارامنه اجازه داد همچون

ایرانیان زندگی کنند و حتی برای خود حاکم و قاضی و کلانتر انتخاب کرده و در انجام مراسم و تشریفات مذهبی خود آزادی کامل داشته باشند. بسیاری از خارجیانی که در آن عصر، از اصفهان بازدید کرده اند از بازرگانان معتبری نام می برند که در جلفا کلیساهای و کاروانسراهای بزرگ و زیبا ساخته اند. پس از مرگ شاه عباس اول سیاست حمایت از آرامنه ادامه یافت و جلفا بزرگتر و آباد تر شد. تجار و بازرگانان ارمنی در سایه امنیت و آرامشی که بوجود آمده بود برای داد و ستد و سوداگری به کشورهای مختلف سفر کردند و تجار مشهوری مانند خواجه آلتون و خواجه ماناس در کشورهای مختلف نمایندگی مستقر کردند و به عنوان بازرگان ایرانی به تجارت ابریشم پرداختند و کالاهای دیگر به ایران آوردند. در دوره شاه عباس دوم جلفا وسعت زیادی یافت و محلات چندی به این شهرک اضافه شد بطوری که سیاحان و جهانگردان مختلف در ادوار گوناگون به زیبایی جلفا اشاره کردند و از بخش ها و محلات آن نام بردند. یکی از آنها در سفر نامه اش تعداد خانه های جلفا را سه هزار و پانصد نوشته و درباره آنها می گوید: «... بیشتر خانه های خوب و مجلل در امتداد رودخانه ساخته شده است. برخی از آنها زرنگار و چنان باشکوه و عالی است که می توان آنها را در ردیف قصرها و کاخ های سلطنتی به شمار آورد...» با حمله افغانها به اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری قمری و سقوط این شهر جلفا نیز گرفتار غارت افغانها شد و بسیاری از ساختمانهای آن ویران گردید

و این شهرک آباد و پر جمعیت به سرعت رو به زوال نهاد با انتقال پایتخت، جلفا در کشمکش ها و جنگ های که بین مدعیان سلطنت بوقوع پیوست آسیب های جدی دید و بسیاری آرامنه شروع به مهاجرت کردند. بطوری که شهر جلفا، که روزگاری شاردن به توصیف خانه های آن پرداخته بود و تعداد آنها را ذکر کرده بود (چنانچه دیدیم) در دوره های بعد به بخشی کوچک و کم جمعیت تبدیل شد. ارنست هولستر که در دوره قاجار در اصفهان زندگی کرده تعداد آرامنه ساکن در جلفا را در سال ۱۸۸۰ میلادی (حدود ۱۳۰۵ هجری قمری) ۲۶۵۸ نفر ذکر می کند که در ۳۸۰ خانه زندگی می کرده اند. با همه افول و تنزلی که جلفا بعد از صفویه گرفتار آن شد هنوز نیز خانه ها و میدان های قدیمی و کلیساهای باشکوه و ساختمانهای قدیمی آن یکی از جاذبه های خوب اصفهان را تشکیل می دهند. در حال حاضر جلفا در حدود ۶۵۰۰ ارمنی را در خود جای داده که در محلات میدان بزرگ، میدان کوچک، محله چهارسوق، محله ها کویچان، محله قراگل، محله سنگتراشها، محله تبریزی ها و محله ایروان زندگی می کنند. از نظر تقسیمات شهری جلفا منطقه پنجم شهر اصفهان به شمار می رود و شعب برخی از ادارات دولتی در آن مستقر هستند. موسسات آموزشی جلفا که قدیمی ترین آن به نام آموزشگاه مرکزی نامیده می شود از قدیم دائر بوده و پرورشگاه و انجمن های فرهنگی و خیریه چندی به خدمات فرهنگی و مردمی اشتغال دارند. موقعیت ممتاز جلفا و استقرار آن در یکی از نقاط مهم

شهر باعث شده تا مسلمانان نیز در آنجا ساکن شده و به کسب و کار و زندگی بپردازند. از نظر جاذبه های گردشگری نیز جلفا با خانه های قدیمی و کلیساهائی که اکثر آنها در نیمه اول قرن هفدهم میلادی ساخته شده اند مورد توجه گردشگران ایرانی و خارجی بوده و روزانه تعداد بسیاری از قسمت های مختلف آن بازدید می کنند. ذکر این نکته بی مناسبت نیست که در اطراف اصفهان نیز آرامنه زندگی می کنند. توضیح اینکه آن دسته از آرامنه که به کار کشاورزی اشتغال داشتند در فریدن و چهار محال ساکن شدند. در حال حاضر در نواحی کوهستانی مغرب اصفهان روستاهائی هستند که محل سکونت آرامنه می باشند. برخی از این روستاها عبارتند از: نماگرد، قرقن، سینگرد، میلاگرد، چیگون، سرشگون، سنگباران، درختک که از نظر تقسیمات کشوی جزء شهرستان فریدن به حساب می آیند. مردم این روستاها در انجام مراسم و تشریفات دینی خود آزاد بوده و همچون مسلمانان از کلیه حقوق شهروندی برخوردار هستند.

کلیساهای جلفا

پس از شکل گیری و توسعه جلفا و صدور فرمان برای آزادی آنان در اجرای مراسم مذهبی ساخت کلیساها در این شهرک آغاز شد. با توجه به منابع و مآخذ موجود آرامنه ای که به اصفهان کوچانیده شدند در همه جا شروع به ساختن کلیسا کردند و آنها را با شکوه خاصی تزئین نمودند. بطوری که به هنگام بازدید پیترو و دولاوله از جلفا ۱۰ کلیسا و به موجب نوشته شاردن ۳۰ کلیسا و با توجه به سفرنامه کرنیلوس دوبروین ۲۷ تا ۳۰ کلیسا در جلفا وجود داشته است. از میان کلیساهائی که در حال

حاضر در جلفا وجود دارند فقط کلیسای (وانک) مورد بازدید گردشگران قرار می گیرد و در بقیه فقط مراسم مذهبی اجراء می گردد. آنچه در زیر خواهد آمد معرفی اجمالی کلیساهای جلفا است.

کلیسای وانک

مشخصات

معروف به: سن سو و دوآمنایر کیچ موقعیت: چهارراه حکیم نظامی خیابان نظر شرقی سال تاسیس: ۱۰۶۵ هجری مطابق با ۱۶۵۴ میلادی

از ویژگیهای ساختمان

بزرگترین و زیباترین کلیسای جلفای اصفهان است از نظر طلاکاری سقف و سطح داخل گنبد و نقاشی های تاریخی از زیباترین کلیساهای جلفای اصفهان است داخل کلیسا و تمام دیوارهای اطراف و جوانب آن از تزئینات نقاشی رنگ و روغن و آب طلا به سبک ایرانی و تصاویری از زندگی حضرت مسیح علیه السلام متأثر از نقاشی ایتالیایی تزئین شده است برج ناقوس روبروی در اصلی کلیسا به سبک ایرانی است و در زمان شاه سلطان حسین ساخته شده است.

بزرگترین کلیسای جلفا

این کلیسا به نامهای سن سور و آمنایر کیچ نیز نامیده می شود بزرگترین کلیسای جلفا است. این کلیسای با شکوه در سال ۱۰۱۵ هجری قمری برابر ۱۶۰۵ میلادی در اراضی باغ زرشک احداث شد و پس از ۵۰ سال در سال ۱۰۶۵ هجری قمری برابر ۱۶۵۵ میلادی توسعه یافت و به صورت امروز در آمد. این کلیسا دارای گنبدی عظیم و دیوارهای رفیع و طاقهای بلند و زیباست که در حال حاضر محل اقامت خلیفه ارمنه ایران و هندوستان می باشد.

ساختمان نماز خانه کلیسا

نماز خانه اصلی کلیسا که به شکل متوازی الاضلاع است شامل دو قسمت چهارگوش است که قسمت اول شبستان بنا و قسمت دوم که زیر گنبد خانه است محل اجرای مراسم و سرودهای مذهبی است. ازاره های دیوارهای نماز خانه را کاشی های خشتی چند رنگ فرا گرفته است. در قسمتهای بالای ازاره تصاویر بسیار زیبایی نقاشی شده اند که از کتب مقدس الهام گرفته شده و تمامی سطح فضای گنبد را تزئین کرده است. دور تا دور گنبد داستان خلقت آدم و حوا است که بوسیله نقاشان ارمنی ترسیم شده اند. بر محراب بسیار زیبای کلیسا نیز تصاویری از جمله تصویر حضرت مسیح علیه السلام نقاشی شده است. نمای خارجی گنبد کلیسا بدون تزئینات کاشیکاری است و با آجر ساده پوشانده شده است.

در گوشه حیات کلیسا برج ناقوس زیبا و بزرگی ساخته شده که بر چهار ستون سنگی استوار است. در گوشه دیگری از این حیاط و روبروی برج ناقوس ستون بلندی از سنگ یادبود ۱ / ۵ میلیون نفر ارمنی ساخته شده که در سال ۱۹۱۵ میلادی قتل عام شده اند. در صحن حیاط کلیسا چند نفر از آرامنه مشهور از جمله چند اسقف اعظم و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی که در اصفهان در گذشته اند به خاک سپرده شده اند.

قسمتهای مختلف کلیسا

کلیسای وانک دارای تأسیسات مختلفی مانند موزه و کتابخانه است. موزه کلیسا در سال ۱۳۲۲ هجری قمری برابر با ۱۹۰۵ میلادی ساخته شد. اشیائی که در سالن های آن به معرض تماشای بازدید کنندگان گذاشته شده اند شامل تابلوهای نقاشی کار نقاشان اروپائی است که به کلیسا اهداء کرده اند. تعدادی کتب خطی نفیس نیز در این موزه نگهداری می شوند.

از جمله مجموعه های نفیس این موزه فرامینی است که در طول تاریخ صفویه به بعد سلاطین و حکام ایران درباره آرامنه صادر کرده اند. این فرامین از نظر بررسی تاریخ آرامنه بسیار مهم و قابل ملاحظه بوده و در عداد منابع قابل اعتماد به شمار می روند. از دیگر تأسیسات کلیسا چاپخانه است. این چاپخانه که به سعی و کوشش و ابتکار پیشوای آرامنه آن روزگار به نام خاچاطور کساراتسی GZARATSSY در جلفا تأسیس شده بود در سال ۱۶۳۶ میلادی به عنوان اولین چاپخانه شروع به کار کرد و نخستین کتابی که به وسیله آن به چاپ رسید زبور داوود بود که از این کتاب فقط یک نسخه در دنیا موجود است

و آن نیز در شهر آکسفورد انگلستان نگهداری می شود. تصویر این کتاب در موزه کلیسا در معرض بازدید عموم است. کتابخانه کلیسای وانک نیز با ۰۰۰ / ۲۵ جلد کتاب به عنوان یکی از بهترین منابع مورد استفاده محققین و پژوهشگران ارمنی و سایر ادیان قرار میگیرد.

کلیسای مریم

کتیبه سردر این کلیسا حاوی تاریخ ۱۶۲۷ میلادی برابر با ۱۰۳۶ هجری قمری است سازنده این کلیسا خواجه آودیک است که در کلیسا مدفون می باشد.

کلیسای بیت اللحم

از مهمترین کلیساهای تاریخی جلفا در دوره شاه عباس می باشد. این کلیسا در میدان جلفا و خیابان نظر واقع شده و آن را یکی از تخرار ارمنی به نام «خواجه پطرس» با سرمایه خود ساخته است. در داخل آن تزئینات زیبایی اعم از تابلو نقاشی زندگانی حضرت مسیح و نقاشیهای دیگر وجود دارد. سقف آن مذهب و گنبد جالب آن تماشایی است. سردر کلیسا کتیبه ای دارد که سال ۱۶۲۷ میلادی برابر با ۱۰۳۶ هجری را نشان می دهد. تزئینات طلاکاری کلیسای بیت اللحم بسیار زیبا و جالب توجه است.

کلیسای هاکوب مقدس

قدیمترین کلیسا در جلفا کلیسای یعقوب مقدس (هاکوب) است که در گوشه شمال غربی صحن فعلی کلیسای مریم ساخته شده، تاریخ ساختمان آن را سال ۱۰۵۶ ارمنی مشخص نموده اند (جهت تبدیل سال ارمنی به میلادی باید ۵۵۱ سال به آن اضافه کرد. یعنی در واقع تاریخ ارمنی ۵۵۱ سال، کمتر از تاریخ میلادی است.) بعد از کلیسای «هاکوب» قدیمی ترین کلیسای جلفا کلیسای «گیورک» است که در خیابان حکیم نظامی قرار دارد، داخل این کلیسا بسیار ساده است و فقط یک تابلو نقاشی نفیس در قسمت محراب آن نصب شده. اهمیت این کلیسا از آن جهت است که پانزده قطعه از سنگهای کلیسای قدیمی «اجمیاژین» ارمنستان را ارمنیان با خود حمل کرده و بعضی از آنها را در این کلیسا نصب کرده اند، این کلیسا یکی از اماکن مقدسه به شمار می رود. کلیسای مریم: ارمنیان جلفا کلیسای اولیه خود به نام هاکوب را که بسیار کوچک بود وسعت داده و کلیسای بزرگتری به نام مریم در آنجا بنا کردند. داخل این کلیسا دارای تزئینات نقاشی و تابلوهای

مذهبی است که روی دیوارهای گچی نقاشی شده و دارای کتیبه تاریخی معروفی است. بانی آن را یک بازرگان ارمنی به نام «خواجه آودیک» معرفی کرده اند. او این کلیسا را با چراغها و قندیل‌های زرین و سیمین و تابلوهای نقاشی گرانبها و تزئینات دیگر، تماماً با هزینه شخصی ساخته است. خواجه آودیک از تجار معروف ابریشم در زمان شاه عباس اول بوده است.

کلیسای گیورک

مردم جلفا این کلیسا را (غریب) می نامند سال ساخت این کلیسا ۱۱۳۱ هجری قمری است. واقع در میدان کوچک در خیابان حکیم نظامی. زمان ساخت: سال ۱۶۱۱ میلادی.

کلیسای سن استپانوس

که در کوچه ها کوپجان واقع شده و سال ساخت آن ۱۷۱۴ میلادی است. واقع در کوچه یعقوب جان. زمان ساخت: سال ۱۷۱۴ میلادی.

کلیسای یوحنا

واقع در محله چهارسوق که سال ساخت آن ۱۶۲۱ میلادی است.

کلیسای گریگور

واقع در میدان کوچک که سال ساخت آن ۱۶۵۹ میلادی است.

کلیسای سرکیس

واقع در محله ایروان به سال ۱۶۵۹ ساخته شده است.

کلیسای نرسی

واقع در محله ایروان به سال ۱۶۵۹ ساخته شده است.

کلیسای نیکوگایوس

واقع در محله قاراگل. زمان ساخت: سال ۱۶۳۰ میلادی.

کلیسای بیدخم

واقع در میدان بزرگ در خیابان نظر. زمان ساخت: سال ۱۶۲۸ میلادی.

قدیمیترین کنیسه ای که در اصفهان وجود دارد (کنیسه عمو شعیا) در محله جویباره است که از لحاظ هنری، هیچگونه تزئیناتی ندارد و فاقد جنبه های معماری جالب توجه است. به نوشته دکتر هنرفر یهودیان اصفهان (در سال ۱۳۵۰ شمسی) ۲۰ کنیسه داشته اند که دو کنیسه در محله دردشت یک کنیسه در محله گلپهار، شانزده کنیسه در محله جویباره و یک کنیسه نیز در فلکه شاه عباس (فلسطین امروز). یکی از محققین کلیمی تعداد کنیسه های اصفهان را ۱۲ عدد ذکر کرده اند. به گفته این پژوهشگر معماری این کنیسه ها کاملاً مشابه با کلیسای آرامنه است. با این تفاوت که کنیسه ها هیچگونه تزئینات داخلی ندارند. علت نیز این است که یهودیان تصاویر انسان را بر دیوار رسم نمی کنند. از نقطه نظر نوع شناسی، ساختمان های کنیسه ها، غربی-شرقی بوده و بیشتر آنها مربوط به دوران قاجار هستند. کنیسه ها از نظر تزئینات دارای کاربرندی تصویر سازی هستند. این کنیسه ها فاقد سکوهائی هستند که مراسم مذهبی روی آنها انجام می شده است. در حال حاضر، کنیسه های یهودیان اصفهان عبارتند از: کنیسه ملا یعقوب - کنیسه ملانیسان - کنیسه ملاریع - کنیسه بزرگ - کنیسه کوچک - کنیسه کلی - کنیسه گلپهار - کنیسه اتحاد - کنیسه دکتر داوود و...

نزدیکترین کنیسه یهودیان به محله مسلمان نشین در کوچه ای به نام کوچه (پیریالاندوز) واقع شده است. این کنیسه که بنائی ساده است دارای گنبدی است که بالای گنبد نورگیری تعبیه شده است این ساختمان از خارج کاملاً ساده و بی پیرایه است. ذکر این نکته مناسب است

که در حال حاضر یهودیان اصفهان در محلات دیگر نیز ساکن هستند و از نظر زندگی با مسلمانان هیچگونه تفاوتی ندارند. به تازگی هفت کنیسه در اصفهان در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

خانه های قدیمی

انگورستان ملک

آدرس: خیابان شریف واقفی-خیابان ملک محله شیخ یوسف در زمان سلطنت نادرشاه افشار باغ انگوری که متعلق به مردم اصفهان بود به عنوان مالیات از آنها گرفته شد و به تصرف دولت درآمد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به تصرف مسئول امور مالی حکومت اصفهان درآمد و بعدها فرزند این شخص به نام حاج محمد ابراهیم خان که لقب ملک التجار داشت بنای انگورستان را احداث کرد و به برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه اختصاص داد. معمار سازنده این بنام استاد حسین چی است و تاریخ وقف نامه آن سال ۱۳۴۱ هجری قمری است. در طول زمان قسمت های مختلفی از این انگورستان تخریب شد و بخش هایی از آن در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در تعریض خیابان ملک از بین رفت.

آنچه از این بنا باقی مانده است یک حیاط وسیع است که در شمال واقع شد و یک سفره خانه که مساحت تقریبی آن با حیاط یکی است. این سفره خانه تمامی جبهه حیاط را در بر می گیرد. فضای سفره خانه بوسیله یک ارسی هفت دهنه به حیاط جنوبی باز می شود. بعدها حیاط خانه نیز مسقف شده بطوری که از ارسی های سفره خانه و حیاط سرپوشیده و پشت بام و فضاهای سه جبهه ساختمان برای تعزیه استفاده می شده است. در سقف حیاط یک نورگیر زیبای ۸ ضلعی به همراه پنجره های سراسری بالای دیوار

حیاط روشنائی فضای تعزیه را تامین می کند. تالار پنج دری زیبایی که در جبهه شمالی حیاط سرپوشیده قرار دارد محل دفن مرحوم ملک التجار و همسر اوست که بنا به وصیت وی در این محل به خاک سپرده شده اند.

مجموعه فضاهای حیاط سرپوشیده، سفره خانه، اتاق مقبره و دیگر اتاقهای اطراف حیاط دارای تزئینات فراوان گچبری، آینه کاری و کاشیکاری هستند. ستون هائی که در وسط فضای سفره خانه و حیاط هستند دارای روکش های چوبی می باشند اما پایه و سرستونها دارای تزئینات می باشند. در زیر فضای سفره خانه زیرزمینی وجود دارد که نورگیرهای مشبک نور آن را از حیاط جنوبی تامین می کنند. در گوشه جنوب شرقی بنا حمامی واقع شده است که سقف گنبدی بسیار زیبایی دارد و سکوهائی در اطراف آن تعبیه شده اند. ازاره جبهه شمالی و شرقی این خانه دارای نقوش حجاری هستند. انگورستان ملک از بناهای بسیار زیبای دوران قاجاریه است که در حال حاضر در اختیار سازمان اوقاف می باشد و به برگزاری مسابقات قرائت قرآن و تعزیه و عزاداری اختصاص دارد. تزئینات این بنا بیانگر هنر گچبری و آینه کاری و کاشیکاری هنرمندان خلاق و مبتکر اصفهانی می باشد.

سرتیپی

آدرس: خیابان ملک بن بست عبدالهی کوچه پاقلعه مجموعه فضاهای این خانه در سه جبهه قرار گرفته اند که در دو جبهه شمالی و جنوبی از جبهه سوم مرتفع تر هستند، مهمترین قسمت خانه تالار جبهه شمالی است. که با شکل نیم صلیبی خود با دو اتاق سه دری طرفین ارتباط دارد. دیوارهای این تالار دارای تزئینات فراوان نقاشی روی گچ هستند. علاوه بر

آن دو ردیف قطاربندی نیز در این در و دیوارها وجود دارد. سقف تالار حاوی نقاشی های پرکاری است که از نقاشی های اروپائی تاثیر گرفته اند. جبهه جنوبی شامل سه اتاق سه دری و دو فضای کفش کن در بین آنهاست. در جبهه غربی دو اتاق وجود دارد که با دری کوچک به حیاط باز می شود. دالانی که از طریق آن به حیاط خانه وارد می شوند در میانه این جبهه قرار گرفته است. در گوشه جنوب شرقی نیز ورودی دیگری به چشم می خورد. نماهای خانه سرتیپی پوشیده از اندود ساده گچ است و فقط در نمای سه دری های جبهه شمالی تزئینات گچبری به چشم می خورد. ازاره جبهه شمالی و شرقی این خانه دارای نقوش حجاری هستند. خانه سرتیپی اصفهان نمونه دیگری از خانه های قدیمی اصفهان است که به دلیل وجود ویژگی های هنری و معماری مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است.

اعلم

آدرس: خیابان عبدالرزاق - محله پشت بارو - بن بست زرگرها در خیابان عبدالرزاق و در کوچه ای روبروی تل عاشقان و در قلب بافت قدیم اصفهان خانه ای قرار گرفته که به لحاظ زیبایی و تزئینات پرکار و ویژگیهای هنری و نقاشی روی گچ و روی آینه و صنایع چوبی و حجاری در عداد بناهای شاخص اصفهان به شمار می رود. این خانه که سالها از طرف مالکان بلا استفاده رها شده بود، پس از خریداری مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت. متأسفانه قسمت هایی از این بنای جالب به وسیله افراد سودجو که وجود این اثر نفیس را مزاحمتی برای اهداف سودجویانه خود می دانستند تخریب

شده است. از جمله آتش سوزی سردر بسیار زیبای خانه و تخریب طاقی که بر روی گذر شمالی ساخته شده بود و به صورت پشت بندی محکم و استوار خانه را حفظ می کرد.

آنچه در خانه اعلم جلب توجه می کند، تنوع تزئینات و نقاشی ها و گچبری های آن است. اتاق پنج دری خانه اعلم همچون آلبوم نفیسی از آینه کاری، نقاشی، گچبری و منبت کاری هنرهای تزئینی دوران قاجار را رو در روی بیننده قرار می دهد. طرحهای متعددی که از کاخ های زیبای اصفهان و مناظر ایرانی و اروپائی تهیه شده به همراه گل و بوته و شیشه های رنگی میتواند الگوی بسیار مناسبی برای هنرهای تزئینی دوران قاجار شد. علاوه بر آن، تزئینات این خانه بیانگر توجه مجدد هنرمندان دوران قاجار به هنرهای دوران صفویه است.

شیخ الاسلام

آدرس: چهارراه تختی کوچه هتل پرشیا خانه شیخ الاسلام که عنوان تکیه شیخ الاسلام برای آن مناسب تر است در خیابان چهارباغ پایین، چهارراه تختی واقع شده است.

این اثر بسیار زیبا که با معماری خاص دوره قاجار از آثار نفیس اصفهان به شمار می رود، جزئی از مجموعه خانه های شیخ الاسلام است که از نظر معماری دارای دو جبهه ساختمان در شمال و جنوب است. قسمت جنوبی که مهمترین بخش خانه می باشد دارای یک ایوان با سقف مقرنس کاری و تزئینات نقاشی گل و بوته و دو ستون و یک حوض سنگی در وسط ایوان می باشد.

در این ایوان ۲ عدد پنجره مشبک چوبی بسیار زیبا با شیشه های رنگی و دیوارهایی که با نقاشی و گچبری تزئین شده اند به زیبایی

خانه می افزایند.

اتاق کوچکی که در عقب این ایوان وجود دارد با مجموعه ای از هنر گچبری و مقرنس کاری یکی دیگر از قسمت های بسیار جالب خانه می باشد.

این خانه زیبا از قدیم الایام برای برگزاری مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تعزیه مورد استفاده قرار می گرفت. در سالهای قبل از انقلاب به علت عدم توانائی مالکین در حفظ و نگهداری آن و همچنین به دلیل زوال تدریجی تزئینات قابل توجه و ارزش های معماری و به لحاظ جلوگیری از تخریب و انهدام بنا، ساختمان خانه شیخ الاسلام در اختیار وزارت فرهنگ و هنر وقت قرار گرفت.

از همان زمان اقدامات مرمتی بخصوص در قسمت تزئینات و ساخت درهای مشبک بوسیله استادکاران متخصص آغاز شد و همه ساله مراسم تعزیه و عزاداری توسط هیات های محلی و زیر نظر ارشاد اسلامی در آن برگزار می شد. متأسفانه در سال ۱۳۶۵ این خانه مورد بمباران قرار گرفت و قسمت جنوب شرقی بنا آسیب های جدیدی دید که عملیات بازسازی و مرمت آن به سرعت انجام گرفت. در حال حاضر خانه شیخ الاسلام با مساحت ۱۴۵۵ متر مربع از خانه های زیبای اصفهان به شمار می رود که واحدهای صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی در آن مستقر هستند.

قدسی

آدرس: خیابان عبدالرزاق بازارچه حاج محمد جعفر کوچه قدسیه در نزدیکی درب امام اصفهان خانه ای زیبا و جالب قرار گرفته که اساس آن مربوط به زمان صفویه است و در دوره های مختلف تغییرات بنیادی و کالبدی در آن داده شده است. این خانه دارای دو ورودی در سمت شمال است و اتاقها در چهار جبهه

اطراف حیاط به صورت دو طبقه ساخته شده اند. ازاره ها و پلکان ساختمان از سنگ است و تزئینات آن مربوط به دوران صفویه تا قاجار است جبهه شمالی بنا دارای تزئینات حکاکی و نقوش لچک و ترنج گچی است که از ظرافت خاصی برخوردار است.

این ساختمان در سال ۱۲۷۸ هجری شمسی به محل مدرسه قدسیه اختصاص یافت و سالها این نهاد آموزشی در آن مستقر بود. در سال ۱۳۵۷ مرحوم استاد منوچهر قدسی شاعر و خطاط و هنرمند معروف اصفهان این خانه را جهت تبدیل به مرکز اصفهان شناسی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر وقت قرارداد. از سال ۱۳۷۲ نیز از طرف سازمان مسکن و شهرسازی و میراث فرهنگی عملیات مرمت آن آغاز گشت.

خانه قدسی به دلیل وجود تزئینات بسیار زیبای لچک و ترنج و حکاکی و نقوش و همچنین به لحاظ در برداشتن ویژگی های معماری دوران صفوی تا قاجار از اهمیت بسیاری برخوردار است.

نعلبندها

آدرس: کوی جماله، مقابل مسجد حاج محمد جعفر این خانه را نعلبند باشی زمان صفویه ساخته است. سعید نفیسی محقق معاصر از این خانه دیدن کرده و در کتاب احوال شیخ بهایی درباره آن چنین آورده: در بخش سه اصفهان، روبروی در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای، خانه قدیمی و زیبایی وجود دارد که جزء آثار میراث فرهنگی به شمار می رود و به خانه نعلبندان شهرت دارد. در این خانه سالی ساخته شده که دارای طاقچه های بلند متعددی است. در هر طاقچه تصویر یکی از معارف ایران به نحو بسیار زیبایی نقاشی شده مثل تصاویر: ابوالقاسم میرفندرسکی، شیخ عطار، بایزید بسطامی، ابراهیم ادهم، شیخ احمد

احسائی، جلال الدین محمد رومی، شمس الدین تبریزی، شاه نعمت الله ولی، شیخ بهایی، شیخ صفی الدین اردبیلی و تصاویری از عرفای دیگر. هر یک از این تصاویر یک متر و نیم طول و یک متر عرض دارد و نقاش آن رجعلی اصفهانی بوده که زیر هر عکس رقم زده است.

حاج رسولیها

آدرس: خیابان چهارباغ پایین، کوچه درب کوشک، کوچه حاجیان تاریخ بنای این خانه به احتمال زیاد اواخر دوران زندیه می باشد. بانی این ساختمان شخصی به نام حاج رسولیها از تجار معتبر و خوشنام اصفهان بوده است. در چهار جبهه حیاط مستطیل شکل خانه فضاهای آن واقع شده اند. در میانه این ۴ جبهه، ۴ تالار زیبا قرار گرفته اند که پوشیده از تزئینات مقرنس، قطاربندی، گچبری، طلاکاری و نقاشی روی گچ هستند، متأسفانه قسمت های مختلف خانه و تزئینات آن آسیب زیادی دیده اند. تالاری که در جبهه شمالی بنا واقع شده است از بقیه تالارها وسیعتر است. بخش اندرونی خانه از ساختمان جدا شده و به صورت خانه مستقلی درآمدن است. جبهه جنوبی خانه شامل تالار و دو اتاق سه دری در طرفین آن است که فضاهای آن توسط دو کفش کن از یکدیگر جدا می شوند. طبقه دوم شامل اتاقهای سه دری و دو اتاق دیگر است. تالارهایی که در دو جبهه شرقی و غربی بنا واقع شده اند با ارتفاعی معادل ۲ طبقه دارای ارسی های مرتفع و وسیعی هستند که به سوی حیاط باز می شوند. ارسی غربی کاملاً تخریب شده است. در گوشه جنوب غربی، ورودی خانه واقع شده و شامل سر در و هشتی است. در طبقه بالای هشتی اتاق زیبایی

قرار دارد که با اتاق گوشواره جبهه جنوبی خانه مرتبط است. تزئینات فراوان گچبری رنگی نماهای حیاط به مرور زمان به صورت قطعاتی از دیوار جدا شده اند. این قطعات در عملیات مرمتی سال ۱۳۵۷ و ۱۳۶۴ شمسی تثبیت شده اند و از ریزش آنها جلوگیری بعمل آمده است. نماهای خانه پنجره های متعدد مشبک به شیشه های رنگی و گره چینی چوبی دارند که بیشتر آنها آسیب دیده اند و حوض مستطیلی که در وسط حیاط واقع شده زیبایی مخصوص به عمارت می داده است. با آن که گذشت زمان و بی توجهی مالکین آسیب های فراوانی به بنا آورده است هنوز هم این خانه قدیمی یکی از نمونه های زیبای معماری اواخر زندیه به شمار می رود.

حقیقی

آدرس: چهار باغ پائین کوچه ۱۱ پیچ یکی از محلات قدیمی اصفهان محله پشت بارو است. این محله که تا قبل از تغییر پایتخت در زمان صفویان از محلات آباد بود، در آن روزگار دارای خانه های باشکوه و مجلل بسیار بود که متأسفانه بسیاری از آنها از بین رفته اند. یکی از این خانه ها خانه اخوان حقیقی است که از بناهای بسیار جالب دوران زندیه است. تعمیرات و مرمت این خانه در سالهای قبل از پیروزی انقلاب انجام شده و قسمتی از آن نیز در سالهای اخیر مرمت و بازسازی شده است. معماری خانه حقیقی تماماً دارای نشانه های صفوی است و کمتر عنصر قاجار در آن دیده می شود. ارتباط این خانه با گذر مجاور با هشتی نسبتاً وسیعی صورت می گرفته است ورود به خانه نیز به یک چرخش ۹۰ درجه

صورت می گیرد. پس از ورود به حیاط، فضای نسبتاً بزرگی شامل حوض-کف حیاط که آجر فرش شده و باغچه نمایان می شود. در قسمت شمال اتاق شاه نشین با پنجره ارسی بسیار زیبایی قرار دارد که دیوارهای آن با تزئینات مقرنس کاری و نقاشی رسمی بندی تزئین شده اند. اتاقهای طرفین قرینه یکدیگرند و فقط اتاق شمال شرقی تزئینات طلاکاری و گل و بوته ای بسیار نفیس دارد. همین تزئینات ارتباط خانه به دوران زندیه را تایید می کند. در جبهه شرقی ساختمان سالن دیگری واقع شده که در آن روزگار به ساکنان خانه اختصاص داشته و ارتباطی با میهمانان نداشته است. در جبهه غربی، اتاقها و راهروهای طرفین آن قرار گرفته است. خانه حقیقی همچون سایر خانه های ایرانی دارای خلوت یا بیرونی بوده که در سمت شرق ساختمان واقع شده است. خانه اخوان حقیقی تا قبل از انقلاب در مالکیت خصوصی افراد بود که در ابتدای دهه ۱۳۵۰ توسط دولت وقت خریداری و در اختیار وزارت فرهنگ و هنر وقت قرار گرفت. در جنگ تحمیلی نیز آسیب هایی به خانه وارد شد که توسط استادکاران و معماران سنتی به همان شیوه اصلی بازسازی گردید. بطوریکه پنجره های ارسی این خانه از نفایس هنر مشبک به شمار می رود. خانه اخوان حقیقی با تزئینات بسیار زیبا و مقرنس کاریهای نفیس سبک صفوی و قطاربندی و پرده سازی های رنگی در قسمت ازاره های دیوارها در عداد آثار بسیار جالب و دیدنی شهر اصفهان است که در حال حاضر در اختیار دانشگاه هنر می باشد. آنچه این خانه زیبا و جالب را در شمار

جاذبه های نفیس اصفهان قرار می دهد، شباهت تزئینات طلاکاری و گل و بوته ای آن با تزئینات ارگ کریم خانی در شیراز است. این شباهت به حدی است که با قاطعیت می توان این اثر را مربوط به دوران زندیه دانست.

یداللهی

آدرس: میدان شهداء ابتدای چهارباغ پائین این خانه قدیمی به نام مالکین قبلی آن به خانه یداللهی معروف است. این خانه که از آثار زمان قاجار می باشد شامل قسمت های زیر است: الف-ورودی خانه که در جبهه غربی قرار گرفته و بوسیله دو لنگه در چوبی به حیاط ارتباط دارد. در این جبهه یک اتاق کوچک با سقف طاق چشمه ای به چشم می خورد و هیچگونه تزئیناتی ندارد این اتاق به وسیله راهروئی به اتاق دیگر مربوط می شود که کاملاً با اتاق اولی قرینه است. در منتهی الیه این جبهه دالان طولی است که با درب ورودی به هشتی و کوچه اصلی راه دارد. ب-در جبهه جنوبی خانه یک اتاق و ۲ ایوان قرینه وجود دارند. این دو ایوان دارای قطاربندی زیبا و بدون تزئینات رنگ آمیزی است. اتاق جبهه جنوبی با شیشه هائی رنگی و آلت و لغت تزئین یافته است. داخل این اتاق که دارای سقف طاق و تویزه است طاقچه هایی به چشم می خورند که حدفاصل این طاقچه ها و طاقچه بلندها با دو ردیف مقرنس کاری بسیار زیبا تزئین شده اند. تزئینات موجود در این اتاق بصورت گچی است که با رنگ آمیزی لعابی زینت داده شده است.

ج-جبهه شرقی خانه به صورت جرز و دهنه است که قسمتی از سرویس ساختمان در آن قرار دارد.

د- در جبهه شمالی حیاط درب ارسی مستطیلی زیبایی به چشم می خورد که به ۵ بالا- رو با آلت کاری و شیشه های رنگی تزئین یافته است. در اطراف ورودی این اتاق گوشواره هائی است که از سطح حیاط بالاتر هستند. علاوه بر آن ایوانک هائی با پنجره های مستطیل شکل و آلت کاری و شیشه رنگی و شفاف تزئین شده اند قطار بندی زیر این ایوانکها بسیار زیبا و جالب هستند دور تا دور حیاط بوسیله سنگ های دست تراش پوشانده شده که از کف حیاط بالاتر هستند. ه- اتاق تالار که ذکر آن گذشت با آئینه کاری و گچبری و نقاشی های گل و بوته ای و آئینه کاری تزئین شده اند. این تزئینات نمونه بسیار جالبی از هنر دوران قاجاریه می باشند. یک شاه نشین و دو کفش کن و دو بادگیر که برای تهویه تعبیه شده اند کاملاً با تزئینات تالار هماهنگی دارند. در سطح یک متری از کف تالار سطوح دیوارها بصورت قاب با آئینه کاری تزئین شده و داخل این قابها نقاشی شده اند. کلیه تزئینات این تالار از نوع شیر شکری هستند که در اکثر خانه های قاجار به چشم می خوردند. از ورودی خانه و در جهت غرب راه پله ای وجود دارد که به زیرزمین منتهی می شود. سقف های این زیرزمین از نوع قوسی و بصورت ۴ صغه هستند که در قسمت هائی بصورت معقلی کار شده اند. در حال حاضر خانه زیبا و کوچک یداللهی در مالکیت دولت بوده و عملیات مرمت و بازسازی در آن انجام میگیرد.

فزونی ها

محل فعلی میراث فرهنگی آدرس: محله شهشهان از

بناهای دوران ناصرالدین شاه قاجار است. این خانه که تا اوائل دهه ۱۳۵۰ در مالکیت افراد بوده و بصورت خانه مسکونی مورد استفاده قرار می گرفت به نام (خانه قزوینی ها) معروف بود. ورودی فعلی خانه در انتهای بن بستی به شکل دالان قرار گرفته که ابتدا و انتهای آن سرپوشیده است. در طول این دالان طویل دیوار خانه کهکشانی قرار دارد که به صورت مشبک آجری بازسازی شده است. اگر چه قدمت خانه کهکشانی با خانه قزوینی ها یکی است، اما معماری این خانه و تزئینات آن به ظرافت خانه قزوینی ها نمی رسد. خانه کهکشانی دارای دو ورودی است که یکی در میدان شهشهان و دیگری در انتهای راهرو ورودی خانه قزوینی ها قرار گرفته است. از مقابل همین ورودی به خانه قزوینی ها وارد و از طریق راهروی دهلیز مانند به زیرزمین و حیاط خانه مرتبط می شویم. زیرزمین این خانه در سه جانب شمالی، شرقی و غربی حیاط اندرونی قرار گرفته است. این زیرزمین وسعت بسیاری دارد، مخصوصاً در جبهه شمالی که محوطه وسیعی به صورت یک فضا با سقف تخت وجود دارد. خانه قزوینی ها دارای یک ورودی اصلی است که در کوچه امام جمعه قرار دارد و دالانی طویل با فضاهای مختلف خانه ارتباط برقرار می شود. پس از عبور از این دالان طویل در سمت راست به حیاط خلوت می رسیم. این حیاط خلوت با راهروئی که دارای ۲ خم است، حیاط خلوت را به حیاط خانه مربوط می کند. در انتهای این راهرو هشتی بسیار زیبا و ساده ای خودنمایی می کند که از سمت راست به

حیاط اندرونی مربوط می شود. قسمت اصلی این خانه اندرونی است که با حیاط بزرگ و ساختمان هائی که در چهار طرف آن قرار دارند بیشترین فضای این مجموعه را اشغال کرده اند. سالن اصلی خانه یا شاه نشین دارای پنجره ارسی و سه در بسیار نفیس است که شیشه های رنگی و مشبک ریز نقش از عناصر اصلی و زیبای آن محسوب می شوند. طاق این سالن با مقرنس های گچبری شده پوشش داده شده است. در طرفین سالن درهائی است که به اتاق های بزرگ مجاور راه دارند. این درها نیز دارای شیشه های رنگی هستند. اتاق های سالن به صورت طاق و تویزه ساده و فاقد تزئینات هستند. در غرب خانه یک سالن پنج دری ارسی است که دارای تزئینات آئینه کاری و گچبری است و طرفین آن با دو ایوان کوچک و دو اتاق سه دری فضای جبهه غربی را کامل می کنند. در مقابل جبهه غرب و در سمت شرق فضاهای قرینه با جبهه غرب ساخته شده است. تنها تفاوت این جبهه در تزئینات اتاق است که فاقد آئینه کاری و نقاشی است. اما درب ارسی آن کامل و زیباست. در جنوب حیاط سه ایوان کوچک براساس اصل قرینه سازی ساخته شده است. این خانه در سال ۱۳۵۳ از طرف دولت وقت خریداری شده و در اختیار وزارت فرهنگ و هنر آن روز قرار گرفت. که از همان زمان تعمیر و بازسازی و مرمت آن شروع شد و به عنوان محل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی مورد استفاده قرار گرفت در حال حاضر این خانه زیبا و خانه کهکشانی محل

حاج مصور الملکی

آدرس: خیابان آیت اله کاشانی، کوچه شهید اصفهانی، کوی محله نو، بن بست پشت بیمارستان کاشانی این خانه محل سکونت و زندگی مرحوم حاج محمد حسین مصور الملکی مشهور به مصور طراح، نقاش، شاعر و مینیاتورست بلند آوازه اصفهانی بوده است.

این خانه شامل فضاهای متنوع و زیبایی است که در چهار سوی به حیاط مستطیل شکل قرار گرفته است. در ابتدای ورود به خانه جبهه جنوب شرقی بنا پایدار می گردد. این جبهه شامل تالاری است که شاه نشین آن به ارتفاع دو طبقه در میانه دو اتاق گوشوار قرار گرفته است.

این تالار با تزئینات گچبری رنگی، آینه کاری و مقرنس، زیباترین فضای خانه است. در گوشه جنوبی خانه حوضخانه ای به شکل صلیب به ارتفاع دو طبقه قرار دارد. در میانه این حوضخانه حوضی ۸ گوشه قرار دارد و بر فراز آن نورگیر زیبایی تعبیه شده است. این حوضخانه با تزئینات متنوع گچبری و مقرنس، به زیبایی بنا می افزاید.

در شمال غربی خانه مجموعه دیگری است که شامل تالاری کم ارتفاع و شاه نشینی زیبا و مهتابی وسیعی در طبقه دوم با ایوانی کم عمق و ستون دار در انتهای این مهتابی می باشد. جبهه های شمال شرقی و جنوب غربی خانه نیز دارای یک تالار در وسط و دو اتاق سه دری در طرفین می باشند. نماهای پیرامون حیاط شامل تزئینات آجرکاری در بالا- و ازاره سنگی حجاری شده در پائین دیوارها هستند. ورودی اصلی خانه دارای سردر و هشتی مشترک با خانه های مجاور است که پس از عبور از دو دالان به

حیاط مرتبط می شود در مقابل تالار جبهه جنوب شرقی حوض بزرگی وجود دارد که از سنگ ساخته شده است. خانه مصور الملکی علاوه بر آنکه با اتاقهایی که "... موزه ای از صنایع دستی است و آینه کاریها و پنجره های آلت بری و شیشه های رنگین دم طاووسی و نقاشی های دیواری و درهای مزین... " از شاهکارهای هنری دوران قاجار به شمار می رود. خاطره هنرمندی را در اذهان زنده می کنند که به اعتقاد اغلب هنرمندان و کارشناسان مسائل هنری به خصوص نقاشی از عصر صفویه تاکنون در میدان هنرهای گوناگون یکه تاز بود.

خانه بخردی

خانه ای از عهد قاجار با گچبریهای متفاوت آن هم در فضای سر باز این خانه در ضلع غربی خیابان چهار باغ پایین، بعد از چهار راه تختی داخل کوچه حاج رسولیها پلاک ۱۷ قرار گرفته که در حال حاضر (بهمن هشتاد و یک) تحت مرمت می باشد و عنوان کارگاه مرمت را به خود اختصاص داده. این خانه علیرغم آن که در حدود ۴۰ سال قبل تحت مرمت کامل قرار گرفته بود، متأسفانه به دلیل عدم حفاظت مجدداً، به وضعیت نابسامانی در آمده که فعلاً عملیات بازسازی در آن به کندی پیش می رود.

از ویژگیهای منحصر به فرد این خانه میتوان، از تزیینات گچبری کل نمای بیرونی حیاط آن نام برد که از گچ اصفهان و روغن (طبیعی) "منداب" که به عنوان پوششی بر روی گچ نیم زنده قرار می گیرد و باعث می گردیده، تا گچ در هوای آزاد و تحت اثر بارندگی و رطوبت محافظت گردد سامان یافته.

فعلاً به جای آن از روغنی موسوم به

"پری مال پرالوئید" استفاده می گردد. از دیگر موارد متمایز در این خانه می توان به دربهای ارسی شاه نشین آن اشاره نمود که از نظر ظرافت و طرح بوته ترمه بسیار بزرگ آن خانه های موجود، در اصفهان از این حیث بی نظیر می باشد.

در زیرزمین این شاه نشین نیز در سقف وقسمتهای کناری آن، از سیستم سازه هایی استفاده شده که منحصر به فرد بوده و در آن قوس هایی به صورت ترک بندی آن هم با ضخامتی فوق العاده (مثلاً ۵ سانتی متر) و با عمقی قابل توجه استفاده شده، تا وزن کف شاه نشین که دارای پوششی چوبی بوده را تحمل کند. بی شک استفاده از این روش سازه های بدیع نشانگر نوآوری و تسلط بسیار عالی طراحان آن بر استفاده کمینه از مواد و مصالح موجود و مبین توان بالای مهندسی آنها بوده. این خانه از عهد قاجار باقی مانده که تاریخی در آن یافت نشد و مساحت آن بالغ بر ۱۲۰۰ متر مربع می باشد.

آدرس: خیابان چهار باغ پایین، بعد از چهار راه تختی داخل کوچه حاج رسولیها، پلاک ۴۴

خانه ارسطویی

انجمنی برای خوشنویسان اصفهان این خانه یکی دیگر از خانه های عهد قاجار می باشد که دارای ۴۰۰۰ متر مربع عرصه و ۳۵۰ متر ساختمان می باشد. فعلاً در مالکیت سازمان میراث فرهنگی بوده که به طور کامل مورد مرمت قرار گرفته است. نمای بیرونی آن از گل اخری اندود شده و از نظر تزئینی خانه ای متوسط ارزیابی می گردد. شاه نشین آن در ضلع غربی قرار گرفته که در آن از گچ بری، تذهیب، نقاشی و... استفاده

شده است. در حیاط آن بر روی گچ بری های برجسته روی جرزها به صورت قائم و افقی اشعاری از محتشم کاشانی آمده که خود نوع متمایزی از تزئین را در فضای خارجی حیاط ایجاد نموده و نشان می دهد صاحب اولیه آن در این محل به عنوان مکانی مذهبی، برای برگزاری مراسم "روضه خوانی" استفاده می کرده و هنگام برگزاری مراسم زنان بر پشت بام جنوبی مجاور به این صحن استقرار می یافتند و دیگر لازم نبوده پرده های حامل اشعار مذهبی بر دیوارهای آن نصب کنند.

این خانه در ضلع شرقی خیابان نشاط اصفهان، بعد از خیابان هشت بهشت و در کوی قصر منشی در عمق ۵۰ متری از خیابان قرار گرفته که هر روز از ساعت ۸.۳۰ الی ۱۱ صبح و ۳ الی ۷ بعد از ظهر می توان پس از هماهنگی با مسئولین انجمن از آن بازدید نمود.

آدرس: خیابان نشاط، بعد از خیابان هشت بهشت، کوی قصر منشی

توحید خانه

در مجاورت عمارت عالی قاپو بنائی دیگر موجود است که به نام توحید خانه معروف بوده و به نظر می رسد از الحاقات عالی قاپو بشمار می رفته و محل استقرار دراویش و صوفیان عصر صفوی بوده است. نمای گنبد بیرونی این بنا از آجر می باشد.

آدرس: میدان امام حسین، خیابان سپاه، خیابان باغ گلداسته

خانه حاج حسن غفوری

شالوده اصلی این بنا متعلق به عصر صفوی بوده ولیکن بخش عمده ای از آثار به جای مانده از خانه حاج حسن متعلق به عصر قاجار است.

بنای این بنا حاج حسن غفوری از تجار معروف اصفهان است که دارای مبادلات تجاری فراوانی با قزوین بوده و از این رو در گویش عمومی این مکان به خانه قزوینی ها مشهور است.

این خانه تاریخی دارای دو حیاط اندرونی و بیرونی بوده و بخش اندرونی این خانه از معماری و تزئینات فراوانی برخوردار است.

از جمله بخشهای جالب توجه این بنا، تالار شاه نشین آن است که دارای ارسی ها و سقف بسیار زیبایی است که با مقرنس های بسیار جالبی تزئین شده است. بخش بیرونی این خانه از الحاقات دوران قاجار بوده ولیکن به دلیل مرمت های متعددی که تا کنون بر روی آن صورت پذیرفته، ساختار اصلی آن تغییر یافته است. این بخش نیز دارای تالار شاه نشین زیبایی است. در حال حاضر، بخشی از فعالیت های اداری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان در این خانه متمرکز است.

بطروس

یکی از خانه های زیبای جلفا خانه پطروس است. این خانه که در چهارراه حکیم نظامی قرار گرفته متعلق به پطروس ولی جانیان بوده است. وی یکی از تجار ثروتمند و مشهور جلفا بود که به دلیل صداقت مورد توجه اولیای دولت صفوی بود و در بین ارامنه از احترامی خاص برخوردار بود. طبق کتیبه ای که در محل خانه موجود است این بنا در سال ۱۶۶۸ میلادی برابر ۱۰۴۶ هجری قمری در زمان سلطنت شاه صفی ساخته شده است. خانه

پطروس از دو جبهه تشکیل شده که در آن روزگار بوسیله باغی از هم جدا می شده اند. یک قسمت برای فصل تابستان و قسمت دیگر برای ایام زمستان ساخته شده بود. ساختمان دارای دو طبقه است. طبقه همکف از یک اتاق مرکزی و دو اتاق کوچک تشکیل شده است. در قسمت جنوبی دیوار این اتاق تزئیناتی به شکل گچبری دیده می شود. این تزئینات شامل حجم هائی مانند کاسه، صراحی، و ظروف دیگر است. این شیوه تزئینات در اتاقهای کاخ عالی قاپو و برخی بناهای دیگر به چشم می خورند.

در وسط این اتاق حوض آبی وجود دارد که از سنگ مرمر ساخته شده است. در دیوار جنوبی این اتاق فرورفتگی دیده می شود که به جای بخاری اختصاص داشته است. در بالای این بخاری دیواری بقایای خطی که به زبان ارمنی نوشته شده به چشم می خورد. در این نوشته نام سازنده بنا ماتوس و سال تولد پطرس که با لقب خواجه نامیده شده است آمده است. سال تولد او ۱۶۵۹ می باشد. اتاقهای طرفین تالار قرینه یکدیگر هستند و در تزئینات آنها بخاری دیواری نیز وجود داشته است. طبقه فوقانی بیشتر از طبقه همکف آسیب دیده، بنابراین درباره آن اطلاعات کمتری می توان به دست آورد. اما آنچه در این طبقه کاملاً مشهود است قرینه سازی است. به طوری که در همه قسمتها پله ها، راهروها، و طاقچه ها قرینه سازی به وضوح به چشم می خورد. نقاشی های خانه خواجه پطروس که به صورت نقاشی دیواری است شامل برگها و گلهای زینت یافته بوسیله قطعاتی از طلا است. این نقاشی ها

با نقاشی های اتاقهای داخلی کاخ چهلستون و نقاشی های چلیپای موجود در کاخ عالی قاپو شباهت تام دارند. دیگر نقاشی ها، منظره هائی از شکار هستند که به مینیاتور شبیه می باشند و بالاخره تصاویر کوچکی از انسانها و مناظر طبیعت این خانه نیز به دلیل در برداشتن ویژگی های معماری دوران صفویه مخصوصاً تزئینات در اختیار دولت قرار گرفته و عملیات مرمت و بازسازی در آن در حال انجام میباشد.

داوید

در مجاورت خانه سوکیاس، خانه داوید قرار گرفته که از آثار دوران صفوی است که در زمان قاجار در قسمت جنوبی این خانه تغییراتی داده شد و دو اتاق و یک ایوان سرپوشیده به آن الحاق شده است. ورودی این خانه یک سردر آجری دارد که در بالای آن مشبک های هندسی آجری دیده می شود. هشتی عمارت که در پشت در ورودی قرار گرفته چهارگوش است. این هشتی به وسیله راهرو طویل و سرپوشیده ای به حیاط مربوط می شود. پس از ورود به حیاط در سمت شمال ساختمان اصلی دوره صفویه دیده می شود. این ساختمان دارای سالن مرکزی به صورت طاق و چشمه با مقرنس های چند پایه در وسط می باشد. در شرق و غرب سالن اتاق هائی به صورت دو طبقه به چشم می خورند. نمای جبهه شمالی با نقوش هندسی آجری بسیار زیبا تزئین شده است. در قسمت جنوب غربی حیاط خلوت قرار گرفته که دو اتاق در شمال و جنوب آن دیده می شود. اتاق جنوبی دارای سه دری ارسی بسیار زیباست. داخل این اتاق دارای تزئینات نقاشی بوده است که در حال حاضر اثری

از آنها دیده نمی شود. خانه داوید نیز به دلیل وجود ویژگی های معماری دوران صفویه پس از خرید در اختیار دانشگاه فارابی قرار گرفت و در حال حاضر به محل کلاس های مرمت اختصاص دارد. خانه داوید هم می تواند به صورت یکی از جاذبه های زیبای اصفهان، گردشگران ایرانی و خارجی و پژوهشگران و علاقمندان به فرهنگ و هنر ایران اسلامی را به خود جلب کند.

سوکیاس

در محله تبریزی ها خانه ای است که در حدود ۲۰۰۰ متر مربع مساحت دارد. این خانه در اصل کوشک بین دو باغچه بوده است که در قدیم ساخت آنها معمول و متداول بود. ورودی اصلی خانه در جبهه شمالی و بر کوچه تبریزی ها واقع شده و دارای سر در مقرنس ساده و زیبایی است که در مجاورت آن اتاقهایی ساخته شده است. اما ساختمان اصلی تزئینات نقاشی و طلاکاری و معماری بسیار جالبی دارد. در وسط ساختمان اصلی تالاری وجود دارد که به صورت دو طبقه ساخته شده است. در وسط این تالار حوض سنگی ۸ گوش کوچکی قرار گرفته که اطراف آن رواق هایی در دو طبقه ساخته شده است. در رواق های پائین و در داخل طاقچه ها نقاشی های مینیاتور از دوران صفوی دیده می شوند. این نقاشی ها به شیوه رضا عباسی هستند و بسیار هنرمندانه ترسیم شده اند. ایوان شمالی به وسیله سه پنجره ارسی از تالار وسط جدا می شود. در دو جهت شرق و غرب این ایوان تصاویری وجود دارند که متعلق به مسیحیان خارجی و همسرانشان می باشند. حاشیه های این نقاشی ها با تزئینات اسلیمی

و ختائی تزئین شده اند. تزئینات سقف ایوان قاب بندی چوبی و تخته کوبی به صورت شطرنجی است. سقف ایوان بر دو ستون چوبی رفیع استوار است. دو اتاق تو در توی طرفین تالار و ایوان با سقف طاق و چشمه ای فاقد تزئینات است. سقف تالار با یک ترنج زیبا تزئین شده که در پایین با رسم بندی و تقسیمات هندسی فرم بسیار زیبایی گرفته است. در کتیبه اطراف طبقه اول تالار، نقوش تشعیری شامل حیوانات و درختان و پرندگان با زمینه طلائی نقاشی شده است. خانه سوکیاس به دلیل وجود جاذبه های هنری و ویژگی های معماری و همچنین تزئینات پرکار دوران صفویه از مالکین خریداری شد و پس از مرمت و بازسازی در اختیار دانشگاه فارابی قرار گرفت و در حال حاضر، به کارگاهها و آزمایشگاه این دانشگاه اختصاص دارد. این خانه زیبا می تواند یکی از جاذبه های بسیار جالب اصفهان باشد و مورد بازدید گردشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته و یکی از آثار مطلوب برای آشنائی با هنر معماری دوران صفویه خواهد بود.

مارتا پیترز

خانه قدیمی مارتا پیترز معروف به خانه جائی از بناهای تاریخی و با ارزش دوره صفویه می باشد که با توجه به مدارک موجود و بررسی های انجام شده در آن روزگار وسعت زمین و ساختمان های آن بیش از مساحت فعلی بوده است.

این خانه که در تقاطع خیابان حکیم نظامی و کوچه کلیسای وانک قرار دارد متشکل از بخش های مختلفی است که شامل چند ساختمان جدا از یکدیگر در جبهه های مختلف می باشند. ساختمان اصلی خانه را بخش تابستانی جنوبی آن

تشکیل می دهد.

ساختمان زمستانی شمالی آن که بخش بسیاری از آن در تعریض کوچه کلیسا منهدم گشته از بقایای اصلی خانه به شمار می رفته است. به هر حال این ساختمان در حال حاضر شامل بخشهای زیر است.

الف-ساختمان شمالی یک اتاق بزرگ در وسط و دو راهرو در شرق و یک راهرو در غرب این اتاق می باشد. این قسمت فاقد تزئینات است. ب-ساختمان شرقی که این قسمت نیز بدون تزئینات بوده و آشپزخانه و حمام و سایر سرویس های خدماتی را در بر می گیرد. ج-ساختمان قدیمی که در حقیقت بخش اصلی این خانه است.

این ساختمان شامل یک سالن بزرگ با نقاشی و گچبری و تعدادی پنجره مشبک چوبی قدیمی می باشد. در این قسمت اتاقها دارای پنجره های مشبک و زیبا هستند که بیانگر معماری و تزئینات دوره صفویه می باشند.

ایوان شمالی و اتاقهای جنوبی تالار هر کدام با تزئینات خاص خود از ارزش بسیاری برخوردارند.

نمای رو به شمال با نقوش هندسی و آجری تزئین شده که نمونه بارز خانه ها و بناهای تاریخی دوران صفویه هستند و نمونه هایی از آنها را در شمال زاینده رود و بافت قدیمی شهر اصفهان می توان مشاهده کرد.

خانه مارتا پیترز که در زمان صفویه به محل سکونت و زندگی جانی کشیش یکی از روحانیون کلیساهای اصفهان بوده است در حال حاضر، در اختیار دانشگاه فارابی می باشد و به دلیل استقرار بر سر راه کلیسای وانک و قرار گرفتن در مرکز شهر مورد بازدید گردشگران خارجی قرار می گیرد.

آتشگاه

آتشگاه

موقعیت: خیابان آتشگاه در ۸ کیلومتری غرب اصفهان در بالای کوه ویرانه

آتشکده وجود دارد که مربوط به دوره ساسانیان است قدیمی ترین اثر: قدیمی ترین اثری که هم اینک از گذشته های دور اصفهان در این شهر وجود دارد بنائی موسوم به آتشگاه است که در جاده اصفهان به نجف آباد در نزدیکی منار جنبان برفراز یک تپه سنگی قرار گرفته است. اکثر مورخین اسلامی از جمله ابن خرداد به و حمداله مستوفی و ابن حوقل از این بنا نام برده و آن را آتشکده معرفی کرده اند و دانشمندان خارجی نیز درباره آتشگاه پژوهش و بررسی کرده اند که از جمله آنها ماکسیم سیرو و آندره گدار فرانسوی هستند.

ویژگی بنا

آنچه مهم است خشتهای تشکیل دهنده ویرانه های فعلی آتشگاه است که از نظر اندازه کمتر اثری دارای اینچنین خشت هائی است که به گفته کارشناسان این خشت ها از ملات همراه گل با ریگ ریزه هائی است که نی های حاشیه زاینده رود را نیز به آن اضافه می کرده اند تا استحکام بیشتری داشته باشد. بررسی دانشمندان نشان می دهد وجود کوه آتشگاه در جلگه مسطح ماریین و ساختمانی که برفراز آن ساخته شده و همچنین همجواری یکی از روستاهای بسیار قدیمی اصفهان با آن (یعنی سده قدیم و خمینی شهر امروز) قدیمی ترین مراکز اجتماع انسانها را در حول و حوش این تپه قدیمی تأیید می کند.

در مورد ساختمان آتشگاه

زمان ساخت بنا را قدیم تر از عصر ساسانیان می دانند. مطالعات مؤسسه (ایزمنو IZMEO) قدمت بنای آتشگاه را به دوران تمدن عیلام و حکومتی می رساند که انزان نامیده می شده است. این نظر را مطالعات و پژوهش های انجام شده بر روی آتشکده های بر جای مانده از دوران ساسانی در نطنز و کاشان و یزد و آذربایجان و نائین تأیید میکنند چرا که در آن روزگاران آتشکده ها را بر روی کوه یا برفراز تپه نمی ساختند بلکه آتشکده ها در مکانهایی احداث می شدند که دسترسی به آنها آسان باشد بنابراین می توان با قاطعیت آتشگاه اصفهان را نشانه ای از حضور تمدن های قدیم تر از ساسانی و سلسله های قبل از آن به شمار آورد. از آنجا که سازه بنای آتشگاه از خشت و گل است طبعاً در برابر عوارض طبیعی آسیب پذیر بوده و دچار ضایعات

فراوانی شده است که عملیات استحکام بخشی و مرمتی بر روی آن انجام شده است.

آرامگاه ها و بقاع

لیست اسامی

لیست اسامی به شرح زیر می باشد:

- ۱- امامزاده ابراهیم، محله مستهلک، صفویه
- ۲- امامزاده اسحاق، محله آسنجان، صفویه
- ۳- امامزاده احمد، محله حسن آباد، ۵۶۳ ه. ق.
- ۴- امامزاده اسماعیل، خیابان هاتف، ۱۱۱۲ ه. ق.
- ۵- امامزاده جعفر، خیابان هاتف، ۷۲۵ ه. ق.
- ۶- امامزاده باقر، خیابان چهارباغ خواجه، ۱۲۷۰ هجری
- ۷- امامزاده درب امام، مجاورت محله در دشت، ۸۵۷ هجری
- ۸- امامزاده سنی فاطمه، محله چهارسوق، ۱۲۴۲ هجری
- ۹- امامزاده زید، محله ترواسکان، ۹۹۴ هجری
- ۱۰- بقعه شاه سید علی، خیابان شریف واقفی
- ۱۱- امامزاده شوری، محله در دشت، ۱۰۹۱ هجری
- ۱۲- هارون ولایت، محله میدان کهنه، ۹۱۸ هجری
- ۱۳- بقعه بابا قاسم، خیابان هاتف، ۷۴۱ هجری
- ۱۴- بقعه سید حجت الاسلام رشتی، جنب مسجد سید، قاجاریه
- ۱۵- بقعه شهشهان، محله شهشهان، دوره تیموری
- ۱۶- بقعه شیخ ابومسعود رازی، محله در شیخ، ۸۹۵ هجری

۱۷- مقبره پیر بکران، پیر بکران، قرن ۸ هجری

۱۸- بقعه دارالبطیخ، سلجوقی - قرن ۱۳ هجری

۱۹- مقبره بابا رکن الدین، تخت فولاد-قاجاریه

۲۰- بقعه امیرعبدا... (منارجنبان)، مغول

۲۱- امامزاده حسین و ابراهیم، قاجاریه

۲۲- بقعه شاهزاده ابوالقاسم، قاجاریه

۲۳- بقعه الراشد با...، جی، سلجوقی

۲۴- بقعه ستی فاطمه و شاهزادگان، ۱۰۴۱ هجری (معماری ایران، محمد یوسف کیانی، جلد دوم)

هارون ولایت

هارون ولایت یکی از قدیمی ترین بناهای مذهبی دوره صفوی است که به موجب کتیبه سر در آن در سال ۹۱۸ هجری قمری در زمان شاه اسماعیل اول صفوی ساخته شده و در دوران جانشینان وی توسعه یافته و تکمیل شده است. با توجه به مدارک تاریخی مقبره هارون ولایت متعلق به هارون بن علی یکی از اولادان حضرت امام حسن علیه السلام است.

بنای هارون ولایت شامل سردر، دو صحن در شمال و مغرب و یک گنبد کاشیکاری است. سردر باشکوه و مجلل این بنا با تزئینات کاشیکاری و کتیبه ای به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی

سال ساخت آن را که ۹۱۸ هجری است بیان می دارد.

این سردر به دو محوطه مربع شکل که در مغرب و شمال سردر واقع شده اند باز می شود و ساختمانی که در مغرب است شامل مدرسه کوچکی است که در اطراف آن حجره هائی ساخته شده است.

در ایوان جنوبی محراب زیبایی است که با کاشی معرق تزئین شده است سردر شرقی هارون ولایت روبروی مسجد علی واقع شده که تزئینات آن کاشی معرق است. کتیبه های مختلفی که در قسمت های بنای هارون ولایت وجود دارند بیانگر تعمیرات و تغییراتی است که در ادوار مختلف در هارون ولایت انجام شده است. از جمله کتیبه هائی به خط نستعلیق برجسته به رنگ سفید و بر زمینه آبی است و طی اشعاری به تعمیرات سالهای ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ هجری قمری در زمان سلطنت شاه عباس دوم اشاره می کند. در محراب نیز سه لوح کوچک وجود دارد که در آنها نوشته هائی با تاریخ ۱۲۹۸ هجری قمری و کتیبه دیگری به رنگ سفید بر زمینه آبی حاشیه ای تاریخ ۱۳۲۹ هجری را بر خود دارد. آنچه بنای هارون ولایت را جدا از جنبه مذهبی آن به شهرت رسانیده است کاشیهای شفاف زنده و سرشار از هیجان آن هستند که از شاهکارهای هنرمندان مسلمان اصفهانی است.

درب امام

در شرق خیابان چهار باغ پائین و در قبرستان قدیمی جمیلان (سنبلستان) و در نزدیکی محله قدیمی دردشت اصفهان بقعه دو امامزاده واقع شده که ساختمان آن در سالهای ۸۵۷ هجری قمری برابر با ۱۴۵۳ میلادی در زمان حکومت جهانشاه قراقویونلو به پایان رسیده است.

این دو امامزاده ابراهیم و

زین العابدین علیه السلام از احفاد و نوادگان حسن مثنی و علی بن جعفر علیه السلام هستند که در این محل به خاک سپرده شده اند. بنای تاریخی درب امام از دو گنبد بزرگ و کوچک و یک سر در کاشیکاری و سه صحن در سه جهت شمال و شرق و غرب تشکیل شده است. سر در اصلی در محوطه شمالی واقع شده و با کاشیهای معرق موزون و بسیار زیبا ساخته شده است. بسیاری از محققین از جمله آندره گدار به تغییرات بعدی بنا در دوره های مختلف و به خصوص صفویه اشاره کرده اند کتیبه سردر به خط ثلث سفید با کاشی معرق بر زمینه آبی لاجوردی به زبان فارسی نوشته شده است.

در این کتیبه به نام جهانشاه قراقویونلو و تاریخ ۸۵۷ اشاره شده است. در سمت شرق این سردر، سردر دیگری است که کتیبه های آن به تعمیرات بنا در دوره شاه سلطان حسین صفوی اشاره می کند نویسنده این کتیبه ها محمدرضا امامی و خطاط دیگری به نام عبدالرحیم می باشند.

گنبدهای موجود در بنای تاریخی درب امام در یک زمان ساخته نشده اند. گنبد بزرگ همزمان با ساختمان بقعه در قرن نهم ساخته شده است. کتیبه های آن شامل آیات قرآن مجید می باشند. اما گنبد کوچک در سال ۱۰۸۱ هجری ساخته شده است. کتیبه این گنبد به خط محمدرضا امامی است. در غرب محوطه درب امام مسجد کوچکی است که منسوب به سعید بن جبیر از بزرگانی است که در اوایل اسلام در اصفهان امامت داشته است. داخل بقعه با کاشی های بسیار خوشرنگ تزئین شده است.

در

داخل ایوانهای غربی گچ بری ها و قطار بندی های بسیار زیبایی است که بیانگر ذوق و ابتکار و خلاقیت هنرمندان اصفهان در آن روزگار است. گنبد بزرگ درب امام و ایوان های شرقی و شمالی در سال ۱۳۲۸ شمسی تعمیر شده اند. کاشیکاریهای گنبد کوچک و قسمت های غربی بنا در سال ۱۳۳۲ مرمت گردیده اند. نمای خارجی بقعه و دیوارهای مجاور آن نیز تزئیناتی از کاشیکاری بسیار زیبا و مقرنس های گچی پرکار است. به طور کلی مجموعه درب امام اصفهان به دلیل ویژگیهای هنری و معماری و تزئینات بسیار باشکوه کاشیکاری و گچبری در عداد یکی از شاهکارهای مسلم هنری ایران به شمار می رود که بیانگر سیر هنر معماری ایران در دورانهای مختلف است. این اثر نفیس از نظر ویژگیهای معماری دوران حکومت ترکمانان (قراقویونلو) مورد توجه معماران و پژوهشگران و باستان شناسان قرار گرفته و بسیاری از آنان در مورد آن بررسی کرده و حاصل مطالعات خود را انتشار داده اند.

امام زاده شاه زید

در محله قدیمی تل و اسکان اصفهان امامزاده ای است که از نظر معماری و تزئینات کاشیکاری مخصوصاً گنبد آن در عداد بناهای نفیس و جالب اصفهان به شمار می رود. شاردن پس از توصیف قسمت های شرقی اصفهان می نویسد " ... از آنجا به شازید (شاه زید) می رسیم که وجه تسمیه آن وجود خانقاهی است که به افتخار یکی از پسران امام حسن در این محله برپا شده است... " ساختمان این بقعه در اواخر قرن دهم هجری و دوران صفویه و به سال ۹۹۴ هجری قمری ساخته شده اما در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی

در سال ۱۰۹۷ هجری قمری مرمت هایی در آن انجام گرفت. با توجه به این دو تاریخ برخی محققین و پژوهشگران می گویند این بنا در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده (پدر شاه عباس) ساخته شده اما تزئینات کاشیکاری گنبد در دوران حکومت شاه سلیمان انجام شده است. آنچه ارزش این بنا را مضاعف می کند وجود نقاشیهای دیواری جالبی است که دیوارهای شبستان گنبددار آن را پوشانیده است. موضوع این نقاشی ها وقایع مذهبی است که در قرن ۱۴ هجری نقاشی شده اند. در نمای خارجی این گنبد به خط بنائی سه رنگی مشکی و فیروزه ای در زمینه آجری آیات قرآن نوشته شده و تاریخ ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ شمسی را بر خود دارد. بر لنگه چپ در مقبره با خط ثلث برجسته نام صحیفه جوهری و تاریخ ۹۹۴ هجری قمری به چشم می خورد. در قسمت بالای سکوی سمت راست بر روی بقعه بر لوح مثلث شکل به تعمیرات زمان شاه سلیمان در سال ۹۷، اشاره می کند، خطاط این کتیبه محسن امامی است. در ایوان سمت راست بقعه شاه زید اشعاری به خط نستعلیق برجسته بر لوح سنگی سیاه رنگی نوشته شده است. این اشعار به اقدامات و خدمات شخصی به نام محمدرضا اشاره می کند که خادم آستانه شاه زید بوده است. در مصراع آخر این اشعار ماده تاریخی به دست می آید که ۱۰۸۳ می باشد.

امامزاده احمد

در نزدیکی چهار سو مقصود بنای قدیمی امامزاده احمد قرار دارد که بنا به نوشته مورخین و محققین مقبره یکی از احفاد امام محمد باقر علیه السلام است. این مزار در بنائی قرار گرفته که

سقفی گنبدی دارد و خود آرامگاه نیز به شکل مربع است و از سطح زمین بلندتر است. تزئینات بنا عبارت از کاشیکاری هائی است که قسمت اعظم آن مربوط به زمان شاه سلطان حسین صفوی است و بقیه کاشی ها را در زمان ناصرالدین شاه قاجار با گچبری های رنگی پوشانده اند. تاریخ سال مزار ۱۱۱۵ هجری قمری برابر با ۱۷۰۳ میلادی بوده، ضریح چوبی آن در زمان قاجار ساخته شده است. کتیبه سر در صحن امامزاده احمد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی است که خطاط آن علی نقی امامی است. تاریخ این کتیبه ۱۱۱۵ هجری قمری است و در آن به نام شاه سلطان حسین صفوی اشاره شده است. خطوط بنائی این سر در نیز سوره های قرآن مجید است. کتیبه ای که در ایوان ورودی امامزاده احمد وجود دارد به خط ثلث طلایی در زمینه لاجوردی رنگ گچبری شده و نویسنده آن احمد حسینی است. تاریخ این کتیبه نیز ۱۱۱۵ هجری قمری است و در آن علاوه بر نام شاه سلطان حسین به نام محمد شرف شریف المنجم اشاره شده که سازنده بنا میباشد. در داخل بقعه امام زاده کتیبه ای به خط ثلث طلایی بر زمینه لاجوردی وجود دارد که سوره دهر به خط محمد محسن علی نقی امامی و تاریخ ۱۱۱۵ هجری قمری نوشته شده است. در اطراف ضریح چوبی امامزاده اشعاری نوشته شده که تاریخ آن ۱۲۹۰ هجری قمری است. در ایوان غربی امامزاده احمد کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته به تاریخ ۱۲۴۷ هجری قمری نوشته شده که زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار است.

در ضلع شمالی صحن امامزاده احمد قبوری وجود دارد که سنگهای مرمر یکپارچه نفیس بر روی آن قرار دارد. بر این سنگها نیز اشعاری نوشته شده که در دوران قاجار کتابت شده اند. در پشت دیوار به طرف کوچه قطعه سنگ سیاه شفاف به طول ۳ متر در دیوار خارجی و در مجاورت در ورودی امامزاده نصب شده که معروف به سنگ سومنات است و مردم عقیده دارند سلطان محمود غزنوی آن را از هند آورده است. بر این سنگ کتیبه ای به خط نسخ نوشته شده که تاریخ آن ۵۶۳ هجری قمری است.

امامزاده اسماعیل

در شرق خیابان هاتف و روبروی امامزاده جعفر مجموعه ای مرکب از مسجد شعیبا و امامزاده اسماعیل واقع شده است. که ساختمان امامزاده و مسجد و مرقد شعیبا را به دوران قبل از اسلام نسبت می دهند، اما مناره و قسمتی از ساختمان کنونی متعلق به دوران سلجوقی است. آثاری از دوران صفوی مانند ساختمان بقعه و رواق و صحن بعداً به بنای سلجوقی اضافه شده است.

کتیبه سر در رواق بقعه به خط ثلث سفید با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی به خط محمدرضا امامی است. تاریخ این کتیبه ۱۰۴۱ هجری قمری است که در زمان شاه صفی جانشین شاه عباس اول نوشته شده و در آن به نام این شاه اشاره شده است.

در بالای در چوبی بقعه کتیبه دیگری وجود دارد که به خط ثلث است و تعمیرات بنا در زمان شاه سلطان حسین را ذکر کرده است. در اطراف بقعه نیز اشعاری به خط نستعلیق بر زمینه لاجوردی به قلم محمد صالح اصفهانی گچبری شده و طی

اشعاری تاریخ ۱۱۱۱ هجری را بیان می‌دارد. در صحن امامزاده دو سنگاب نفیس وجود دارد که تاریخ یکی از آنها ۱۰۴۹ هجری قمری است. کتیبه‌های این دو سنگاب شامل صلوات بر چهارده معصوم است. در سردر جنوبی امامزاده کتیبه‌ای است که تاریخ آن ۱۰۴۳ هجری و نویسنده آن محمدرضا امامی است. در زیر این کتیبه، کتیبه دیگری است که در سال ۱۱۱۴ هجری قمری در زمان شاه سلطان حسین نوشته شده است.

از مجموعه مطالعاتی که در باره این مجموعه به عمل آمده چنین استنباط می‌گردد که در کنار این مجموعه مرکز محله به صورت چهار سوق و بازارچه وجود داشت است. در کاوشهایی که در سالهای اخیر انجام شده در زیر اتاقهای طلبه‌خانه دور صحن آثاری نمایان گردیده که به دوران صفویه تعلق دارد. قسمتهای مختلف امامزاده اسماعیل با سبک‌های مختلف نقاشی به صورت لایه‌چینی و قاب‌بندی و کتیبه‌های خطی و ستاره‌ای برجسته و خطوط ثلث و نستعلیق تزئین شده است. مجموعه امامزاده اسماعیل به دلیل در برداشتن ویژگی‌های معماری دوران سلجوقی و تزئینات و الواح دوران صفوی از بناهای بسیار جالب شهر اصفهان است که پژوهشگران بسیاری در باره آن مطالعات و بررسی‌هایی انجام داده‌اند.

امامزاده حسین - امامزاده ابراهیم - بقعه الراشد خلی

روبروی پل شهرستان آنجا که روزگاری قریه شهرستان بوده و امروز جزء شهر اصفهان است مجموعه‌ای از ساختمانهای قدیمی باقیمانده است که گنبد آجری آن به سبک دوره سلجوقی به نظر می‌رسد. در داخل گنبد آجری این مجموعه دو قبر موجود است که سالها اهالی قریه شهرستان آنها را به نام شاهزاده

ابراهیم و حسین بن حسن بن علی زیارت می کرده اند در حالیکه عموم مورخین و محققین و پژوهشگران این مقبره را متعلق به الراشد بالله خلیفه عباسی می دانند که در رمضان ۵۳۲ هجری قمری در محله جی قدیم به دست فدائیان اسماعیلی کشته شد و در همین محل دفن شد. از مورخین قدیم که صراحتاً این محل را آرامگاه الراشد ذکر کرده، یاقوت حموی مولف کتاب گرانسنگ و ارزنده معجم البلدان است. صاحب کتاب مجمل التواریخ و القصص نیز آرامگاه الراشد بالله را در اصفهان نوشته است. به هر حال نمای خارجی بقعه مانند سایر کتیبه های عصر سلجوقی آجری است و هیچگونه تزئیناتی ندارد با توجه به اعتقاد مردم که این محل را امامزاده می دانسته اند بعدها اقدام به کاشیکاری گنبد کرده اند که بیشتر آنها بر اثر مرور زمان و عوامل جوی فرو ریخته اند. در داخل بقعه کتیبه ای به خط کوفی برجسته بر زمینه گچ وجود دارد که شامل آیات قرآن کریم است. این بقعه در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در زمان مظفرالدین شاه قاجار تعمیر شده است.

امامزاده جعفر (بقعه جعفریه)

در حاشیه غربی خیابان هاتف و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل بنای امامزاده جعفر واقع شده که به صورت برجی ۸ ضلعی بنا شده است. این عمارت کوچک بسیار زیبا که یکی از محققین آن را با صفت دلفریب توصیف می کند نمونه ای کامل از مقابر و آرامگاه هائی است که در دوره حکمرانان مغول در ایران ساخته می شد. این بنا در سابق گنبدی هرمی شکل داشته که اکنون از میان رفته است. در قسمت نمای خارجی گنبد یک

جفت کتیبه وجود دارد. اولین کتیبه به خط ثلث سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده و شامل آیه الکرسی است که در آخر آن تاریخ ۷۲۵ هجری قمری آمده است. در بالای این کتیبه، کتیبه دیگری به خط ساده کوفی بر زمینه فیروزه ای شامل آیاتی از قرآن مجید است. بر لوحه بالای در ورودی امامزاده جعفر با خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده است. بر اساس سنگ قبر امامزاده، صاحب مرقد جعفر بن سید مرتضی است و نسبت او به حسن بن حسین بن محمد بن حسین علیه السلام می رسد.

بقعه سنی فاطمه و مقبره شاهزادگان

یکی از اماکن مقدسه اصفهان سنی فاطمه است که مردم اصفهان به آن اعتقاد دارند و می گویند فاطمه صغری دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در این محل مدفون است اما در کتب و منابعی که امامزادگان را معرفی می کنند نامی از آن دیده نمی شود. به هر حال، ساختمان صحن و بقعه سنی فاطمه به زمان صفویه مربوط می شود. در داخل بقعه سنی فاطمه و در اطراف گنبد اشعاری با خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی به چشم می خورد که تاریخ آن ۱۲۴۲ هجری و زمان فتحعلیشاه قاجار است. اشعار مزبور حاکی از آن است که شخصی به نام محمد علی خان قبه این آرامگاه را ساخته است. بقعه شاهزادگان، در ضلع جنوبی صحن سنی فاطمه قرار دارد که بنای آن در زمان شاه عباس دوم صفوی ساخته شد و داخل آن با گچبری و سطح بیرون آن با کاشیکاری تزئین شده است. در داخل بقعه کتیبه ای برجای مانده که

قسمت هائی از آن از بین رفته است. در این محل نوه های شاه اسماعیل اول مدفون هستند که در سال ۱۰۴۱ هجری قمری به دست شاه صفی یکی از سلاطین بیرحم صفویه کشته شده اند. علاوه بر این شاهزادگان که در کودکی کشته شده اند، فرزندان یکی از سرداران شاه عباس اول نیز در این محل به خاک سپرده شده اند. بر روی قبور شاهزادگان سنگ های یکپارچه مرمری نفیس قرار دارند که منقش به نقوش مختلف می باشند. هر کدام از این سنگ ها دارای یک کتیبه در قسمت بالا- و اشعاری در اطراف به خط نستعلیق هستند. در ضلع جنوبی داخل بقعه شاهزادگان نیز بر یک قطعه سنگ مرمر بسیار شفاف که به حالت عمودی در قسمت پائین دیوار نصب شده اشعاری نوشته شده است. یکی از سنگ قبرها تاریخ ۱۰۴۱ هجری قمری را بر خود دارد و خوشنویس مشهور عصر صفویه محمدرضا امامی آن را نوشته است.

آرامگاه خواجه نظام الملک (دار البطیخ)

در محله دار البطیخ که امروز محله احمد آباد است، آرامگاه خواجه نظام الملک طوسی، مرد بزرگ علم و ادب و سیاست ایران در سالهای ۴۶۵ و ۴۸۵ هجری قمری واقع شده است. آرامگاه خواجه در کنار قبور چند تن از شاهان سلجوقی قرار گرفته و به نظر بسیاری از محققین و کارشناسان در گذشته بنای مناسبی نیز بر این قبور وجود داشته است.

در این محل ۸ قبر به چشم می خورد که اغلب دارای سنگ مرمر نفیس هستند. بر مدفن خواجه سنگ مرمرین بسیار زیبایی نصب است که در اطراف آن کتیبه ای شامل آیه الکرسی و کلمات دیگر نوشته شده است.

مزار

ملکشاه سلجوقی نیز در همین محل قرار دارد. ترکان خاتون همسر ملکشاه سلجوقی و فرزندان او مانند برکیارق و سلطان محمد و سلطان محمود نیز در این محل مدفون هستند. بر سنگ های موجود در این محل علاوه بر تاریخ های مربوط به زمان سلجوقی، برخی تواریخ از جمله ۸۵۹ هجری قمری و ۹۳۷ و ۹۵۳ هجری قمری نوشته شده است.

تا چند سال پیش چنار کهنسالی بر در ساختمان این مجموعه آرامگاهی وجود داشت که مردم اصفهان آن را پاچنار دار البطیخ می گفتند. امروز از این چنار اثری موجود نیست.

بقعه شهشهان

در مجاورت مسجد جامع اصفهان و در محله شهشهان بقعه ای قرار دارد که اساس ساختمان آن مربوط به زمان تیموریان است. ساختمان این بقعه در زمان سلطان محمد بن بایسنقر نواده امیر تیمور انجام گرفته است. این بقعه آرامگاه شاه علاء الدین محمد از سادات و بزرگان اصفهان است که در سال ۸۵۰ هجری قمری به دستور شاهرخ تیموری به شهادت رسیده است. مورخین علت شهادت این سید جلیل القدر را ناشی از علاقه ای می دانند که سلطان محمد بن بایسنقر به او داشته و نزاع دو شاهزاده تیموری و تسلط شاهرخ به اصفهان موجب خشم وی و کشته شدن این مرد بزرگ می شود. پس از مرگ شاهرخ و تسلط مجدد سلطان محمد به اصفهان به دستور وی در مدرسه و حسینیه شاه علاء الدین محمد بقعه ای بنا می کنند و موقوفاتی نیز برای مزار او تعیین می نمایند. به هرحال بقعه از داخل و خارج با گچبری و کاشیکاری تزئین شده و گنبد آن در اوائل حکومت

پهلوی مرمت شده است. خطاط کتیبه اصلی بقعه محمود نقاش خوشنویس مشهور قرن نهم هجری است که به خط ثلث گچبری شده، اشعار و عباراتی را نوشته و به شهادت شاه علاءالدین محمد اشاره کرده است. بر دیوار شرقی داخل بقعه شهشهان اشعاری به خط نستعلیق سفید نوشته شده است. بر دیوار شمالی داخل بقعه نیز کتیبه ای است که با گچبری به خط ثلث سفید بر زمینه قهوه ای و سبز و قرمز به تاریخ ۱۰۱۳ هجری قمری به وسیله صحیفی فارسی کتابت شده است. مفاد این کتیبه به اقدامات بانوی نیکوکاری اشاره می کند که نام او خانم سلطان بوده است. همچنین عبارات این کتیبه بیانگر تعمیراتی است که در زمان سلطنت شاه عباس اول صفوی در بقعه انجام گرفته است.

بقعه شیخ ابومسعود رازی

از عماراتی که به نام خانقاه شیخ ابومسعود رازی یا بقعه مسعودیه معروف بوده است امروز جز سردری قابل توجه و بسیار زیبا چیزی برجای نمانده است. این محل در گذشته های دور قبرستان عمومی اصفهان بوده و حافظ ابونعیم مورخ و محدث و دانشمند بزرگ نیز در همین محل به خاک سپرده شده است. (متوفی به سال ۴۳۰ هجری قمری برابر با ۱۰۳۸ میلادی). شیخ ابومسعود رازی از محدثین و دانشمندان نامدار قرن نهم هجری است که پس از مرگ یک مجموعه شامل چهارسو و حمام و باغ بسیار بزرگی در کنار مزار او ساخته شد و به درب شیخ شهرت یافت. سردری که اکنون باقیمانده و بیانگر معماری و خطاطی دوران آق قویونلوها است کتیبه ای است که با کاشی مینائی تزئین شده و آنرا با شکوه و بسیار زیبا

توصیف کرده است. این کتیبه در دو سطر یکی به خط ثلث جلی به رنگ سفید و دیگری به خط ثلث با حروف ریز طلائی برزمینه آبی نوشته شده است. این کتیبه در زمان یعقوب فرزند اوزون حسن آق قویونلو نوشته شده و کاتب آن کمال الدین بن شهاب یزدی و تاریخ آن ۸۹۵ هجری قمری است. به نظر بسیاری از محققین و پژوهشگرانی که در باره معماری و کاشیکاری دوران ایلخانی بررسی کرده اند کاشیکاری این سردر بعدها الهام بخش بسیاری از کاشی کاران اصفهان بوده است.

مقبره بابا رکن الدین

یکی از مشایخ و علماء قرن هشتم هجری مسعود بن عبدالله بیضاوی معروف به بابارکن الدین است که در زمان سلطنت ابوسعید پادشاه مغول در اصفهان می زیسته است این مرد بزرگ در سال ۷۶۹ هجری قمری وفات یافت و در ساحل جنوبی زاینده رود مدفون گردید. مقام علمی و زهد و ورع این مرد بزرگ باعث شد تا در طول زندگی با نهایت احترام زندگی کند. این احترام و عزت پس از درگذشت وی نیز برقرار بود بطوریکه عده بسیاری از مشاهیر علماء و فقها و شعرا و خوشنویسانی که در اصفهان و سایر شهرهای ایران درگذشتند در مجاورت او به خاک سپرده شدند. از آن زمان این محل به تدریج به گورستانی بزرگ تبدیل شد و به نام قبرستان بابارکن الدین معروف شد. به طوریکه بسیاری از سیاحان و محققین اولین سنگ قبر موجود در مزارستان تخت فولاد را متعلق به او میدانند. مقام علمی و عرفانی بابارکن الدین سبب شد تا در اواخر حکومت شاه عباس اول صفوی ساختمان و گنبد ممتاز بقعه

او شروع شود و در سال ۱۰۳۹ هجری قمری یک سال بعد از فوت شاه عباس به پایان برسد. این بقعه که شبیه به گنبد باباقاسم می باشد گفته می شود به شکل کلاه درویشان است. نمای خارجی بقعه بابارکن الدین و سر در آن کاشیکاری شده است. قاعده این گنبد پنج ضلعی متساوی الاضلاعی است که پنج ایوان مشابه بر گرداگرد محوطه زیر گنبد ساخته شده است. به یکی از اضلاع این پنج ضلعی پیشخوانی اضافه کرده اند. در این پنج ضلعی گردنی نهاده اند که آن نیز چند وجهی است. بر این گردن سقفی برپا شده که گنبد داخلی را می پوشاند این سقف مخروطی شکل، با کاشیهای زیبا که نقوشی به رنگ های آبی دریایی، سیاه و سفید بر زمینه آبی فیروزه ای داشته مزین بوده است. در داخل یکی از ایوان های آرامگاه بابا رکن الدین واقع شده و بر روی آن سنگ مرمری به طول بیش از ۲ متر و عرض ۱ / ۱۶ متر قرار دارد. قطعه سنگ مرمر نفیسی نیز به طور عمودی بر آن نصب شده است. کتیبه این سنگ از نظر حجاری و زیبایی خط در عداد شاهکارهای موجود در اصفهان می باشد. کتیبه سر در نیز به خط ثلث بسیار زیبا به رنگ سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ به خط محمد صالح اصفهانی و تاریخ ۱۳۰۹ نوشته شده است در زیر این کتیبه نیز لوحی از سنگ پارسی مربع شکل نصب شده است. بر این سنگ تاریخ ۱۲۰۰ هجری قمری کتابت شده و نام میرزا محمد نصیر بایزید بسطامی آمده است این شخص در

این تاریخ بقیه را تعمیر و مرمت کرده است. در مجاورت مقبره بابارکن الدین چند اتاق کوچک مربوط به یکدیگر وجود داشته که یکی از آن‌ها به چله خانه معروف بوده و سابقاً در اویش در این قسمت چله نشینی می کرده اند. در شرق ایوان ورودی بقیه بابارکن الدین اتاق کوچکی است که مرحوم محمدجواد مجدزاده صهبا به خاک سپرده شده است. این مرد از دوستان واقعی بناهای تاریخی و میراث های فرهنگی بود که در مدت ریاست وی بر اداره باستان شناسی اصفهان بسیاری از آثار اصفهان و سایر شهرهای استان از خطر انهدام نجات یافت. سنگ مزار مرحوم صهبا که آن نیز شاهکاری از خوشنویسی است تاریخ فوت صهبا را در سال ۱۳۲۴ شمسی نشان می دهد خطاط این سنگ که با خط نستعلیق برجسته کتابت شده مرحوم جعفر آل ابراهیم است. به طور کلی بقیه بابارکن الدین با گنبد بسیار زیبای آن علاوه بر آن که آرامگاه ابدی یکی از عرفا و زهاد و دانشمندان قرن هشتم هجری است بیانگر هنر هنرمندان و استادکاران و معماران و کاشیکاران برجسته عصر صفوی است که علاوه بر نمایش هنر معماری نمایانگر هنر خوشنویسی خطاطان بزرگ ایران در زمان صفویان و قاجار می باشد.

مقبره بابا قاسم

یکی از عرفا و زهاد مشهور که در اوائل قرن هشتم هجری در اصفهان زندگی می کرده است بابا قاسم اصفهانی است که پس از چند قرن مزار او همچنان زیارتگاه مردم اصفهان است. در مورد کلمه بابا توضیح این نکته ضرورت دارد که از قرن هشتم تا دهم هجری عده ای از عرفا صوفیه در اصفهان زندگی می

کرده اند که عنوان بابا داشته اند از بررسی متون تاریخی و شرح حال این بزرگان چنین استنباط می گردد که این کلمه را برای احترام و بزرگداشت به نام آنها اضافه می کرده اند. به هر حال بابا قاسم در مدت حیات در شهر اصفهان با عزت و احترام زندگی می کرد و در مدرسه ای که در محله طوقچی به نام او ساخته بودند تدریس می کرد. پس از درگذشت او مریدان و شاگردانش وی را نزدیکی مدرسه اش به خاک سپردند و یکی از شاگردان به نام سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی بر مزار او مقبره و آرامگاهی بنا کرد. گنبد بقعه هر می شکل ۸ ترک است که هر دو ترک آن با خط بنائی و کاشی معرق لاجوردی بر زمینه آجری اسماء الهی منقوش است. بر گردنه گنبد هم جملات و عبارات مذهبی تکرار می شود. بر کتیبه تاریخی سردر مقبره به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی و تاریخ ۷۴۱ نام باباقاسم و بانی مقبره آمده است. در نمای مقابل سر در به خط بنایی آجری بر زمینه کاشی فیروزه ای جملاتی نقش شده است. کتیبه ای که در قسمت فوقانی نمای خارجی سر در مقبره نصب شده بیانگر تعمیراتی است که در سال ۱۰۴۴ هجری مقارن سلطنت شاه صفی به وسیله شخص نیکوکاری به نام آقا زمان در گنبد انجام گرفته است. بر در چوبی مقبره نیز با خط ثلث برجسته عبارات مذهبی منقوش است. داخل بنا شبستان نفیس و بی نظیری است که طاق آن با آجر چینی بی نظیر مقرنس کاری شده است. در

این گنبد دو کتیبه که با کاشی معرق ساخته شده اند دیده می شوند. که یکی از آنها بر اطراف شبستان و زیر گردن گنبد نوشته شده و حاوی عباراتی از قرآن مجید است. کتیبه دیگر که زیر کتیبه اول نقش شده به نام بانی بنا اشاره می کند. در داخل بقعه بابا قاسم یک سنگ قبر قدیمی موجود است که اسامی چهارده معصوم بر آن نوشته شده است. این سنگ قبر مربوط به مزار شخصی به نام پهلوان میرزا علی است که تاریخ ۹۸۵ به زبان عربی بر آن نوشته شده است.

حسینیه، تکایا و مصلی ها

لیست اسامی

لیست اسامی به شرح زیر می باشد:

- ۱- مصلی اصفهان، تخت فولاد، صفویه
- ۲- تکیه بابا رکن الدین، تخت فولاد، ۱۰۳۹ هجری
- ۳- تکیه میرفندرسکی، تخت فولاد، صفویه
- ۴- تکیه آقا حسین خوانساری، تخت فولاد، صفویه
- ۵- تکیه میرزا رفیعا، تخت فولاد، صفویه
- ۶- تکیه خاتون آبادی، تخت فولاد، صفویه
- ۷- تکیه فاضل سراب، خیابان فیض،
- ۸- تکیه واله، خیابان فیض، صفویه
- ۹- تکیه آواده ای، خیابان فیض، قاجاریه
- ۱۰- تکیه فاضل هندی، تخت فولاد، صفویه
- ۱۱- تکیه میرزا ابوالمعالی، تخت فولاد، قاجاریه
- ۱۲- تکیه ملک، تخت فولاد، قاجاریه
- ۱۳- تکیه مادر شاهزاده، تخت فولاد، قاجاریه
- ۱۴- تکیه میرزا محمدباقر چهارسویی، تخت فولاد، صفویه

۱۵- تکیه بروجردی، تخت فولاد، قاجاریه

۱۶- تکیه شیخ مرتضی، تخت فولاد

۱۷- تکیه ایزدگشسب، تخت فولاد

۱۸- تکیه گلزار، تخت فولاد

۱۹- تکیه شیخ زین الدین، تخت فولاد (معماری ایران، محمدیوسف کیانی، جلد دوم)

۲۰- حسینیه شیخ الاسلام

حسینیه شیخ الاسلام

این بنا در بافت تاریخی اصفهان قرار دارد و از آثار دوره قاجاریه و ساخته های شیخ الاسلام میباشد. از آثار جالب توجه این حسینیه حوض مرمرین یکپارچه است.

تاریخچه زورخانه و ورزش باستانی

اسامی زورخانه های اصفهان

۱- زورخانه علی قلی آقا ۲- زورخانه پوریای ولی و غیره...

ساختمان زورخانه

زورخانه جایی است که مردان در آن ورزش می کنند و بیشتر در کوچه پس کوچه های شهر ساخته شد است. بام آن به شکل گنبد و کف آن گودتر از کف کوچه است. در آن کوتاه و یک لختی است و هر که به خواهد از آن بگذرد و داخل زورخانه بشود باید خم شود. می گویند در زورخانه را از این رو کوتاه می گیرند که ورزشکاران و کسانی که برای تماشا به آنجا می روند به احترام ورزش و ورزشکاران و آن مکان خم شوند. این در به یک راهروی باریک با سقف کوتاه باز می شود و آن راهرو به «سردم زورخانه» می رود. در میان زورخانه گودالی هشت پهلو و گاهی شش پهلو به درازی ۵ یا ۴ متر و پهنای ۴ متر و ژرفای ۳ چارک تا یک متر کنده شده که «گود» نامیده می شود. در کف گود چند لایه بوته و خاشاک گذاشته و روی آن بوته و خاشاک خاک رس ریخته و هموار کرده اند. بوته و خاشاک را برای نرمی کف گود می ریزند و هر روز روی این کف را پیش از آن که ورزش آغاز شود با آب «گل نم» می زنند تا از آن گرد برنخیزد. سراسر دیواره گود ساروج اندود شده است و لبه آن به جای هزاره آجری با چوب پوشانده شده است تا اگر ورزشکاران هنگام ورزش به لب گود بخورند نشان زخمی نشود. در بالا و دور گود غرفه هایی ساخته شده که جای نشستن تماشاچیان و

گذاشتن جامه ورزشکاران و لنگ بستن تنکه پوشیدن آنان است. یکی دو غرفه از این غرفه ها نیز جایگاه افزارهای ورزشی است.

سَر دم

سر دم زورخانه در یکی از غرفه های چسبیده به راهروی زورخانه درست شده است و آن صفه ای است نیم گرد که کف اش از کف زورخانه یک متر تا یک و نیم متر بلندتر است. در جلوی «سر دم» چوب بستنی است که به آن زنگک و پوست پلنگک و زره و سپر و پر قو آویخته است. بر روی سکو زیر چوب بست اجاقی کنده شده که در آن آتش میریزند و هرگاه اجاق نداشته باشند منقلی زیر چوب بست می گذارند و مرشد تنبک خود را با آتش اجاق یا منقل گرم می کند تا صدای آن رساتر درآید. بال لب زمزمه آرا چه خفی و چه جلی جرگه را گرم بکن از دم پوریای ولی می گویند نخستین کسی که طرح ساختمان زورخانه را ریخت «پوریای ولی» بود. نام پوریای ولی (محمود قتالی خوارزمی) است و او در نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخستین سده هشتم هجری می زیسته است. او پهلوان و شاعر و عارف بوده و دمی گرم و گیرا داشته است.

افزارهای ورزش باستانی

تخته شنا: چوبی است هموار به درازای ۷۰ سانتی متر و پهنای ۷ و ستبری ۲ سانتیمتر و گاهی کوچکتر و بزرگتر از این اندازه هم ساخته می شود. به زیر تخته نزدیک دو سر آن دو پایه زنجی (ذوزنقه ای) به بلندی چهار سانتیمتر میخکوب شده است. میل ورزش: افزاری است چوبی و کله قندی و توپر، ته آن گرد و هموار و سر آن تخت یا گرد است و در میان آن دسته ای به درازای پانزده سانتیمتر فرو برده اند. وزن هر میل از

پنج کیلو تا چهل کیلو گرم است. میل بازی: مانند میل ورزش است ولی دسته آن بلندتر از میل ورزش و وزنش کمتر از آن است تا در هنگام بازی و پرتاب کردنش آسان باشد. وزن هر میل بازی از چهار تا شش کیلو گرم بیشتر نمی شود. سنگ: دو پاره و راست گوشه است که از درازا با بست های فلزی به یکدیگر چسبانیده شده و یک بر آن هلالی است، درازای سنگ یک متر و پهنای آن هفتاد سانتیمتر است. در میان سنگ سوراخی است که در آن دستگیره ای گذاشته اند و روی آن را با نمد یا کهنه پوشانده اند تا دست ورزشکار را هنگام سنگ گرفتن زخم نکند. وزن هر دو سنگ از بیست کیلو تا صد و بیست کیلو است. سنگ را در قدیم (سنگ زور) و (سنگ نعل) هم می نامیدند زیرا به شکل نعل است. کباده: افزاری است آهنی، مانند کمان و سراسر تنه آن از آهن است و در میانش «جا دستی» دارد. درازای آن نزدیک به صد و بیست تا صد و سی سانتیمتر است. چله کباده زنجیری است شانزده حلقه ای و گاهی کمتر یا بیشتر و در هر حلقه شش پولک آهنی دارد و میان آن جا دستی گذاشته شده است. وزن کباده از ده کیلو تا چهل کیلو است. گاهی نیز کباده های سنگین تر و سبکتر هم می سازند و بکار می برند.

جامه های ورزش باستان

تنکه یا تنبان نطعی: شلوار کوتاهی است که ران را تا زیر زانو می پوشاند و آن را هنگام ورزش کردن و کشتی گرفتن می پوشند. این تنبان از یک رویه

چرمی یا پارچه ماهوتی ستبر و چند لایه آستر کرباسی دوخته شده است. رویه آن بیشتر به رنگ آبی مایل به سبز است. کمر و نشیمنگاه و سر دو زانوی تنکه از چرم است. روی رانهای تنکه گل و بوته های بزرگی بیشتر بوته جقه سرکج قلاب دوزی شده است. بالای تنکه را «برج»، پیش روی تنکه را که زیر شکم می افتد «پیش قبض»، روی زانو را (پیش کاسه) یا (سر کاسه) و پشت زانو را (پس کاسه) می نامند. لنگ: همان لنگی است که مردان در گرمابه میبندند. در روزگار ما به جای پوشیدن تنکه، ورزشکاران لنگی روی «زیر شلوار» خود می بندند و در گود میروند و بستن آن چنین است: دو سر از پهنای لنگ را در کمر گاه بر روی ناف گره می زنند و پایین لنگ را که آویزان است از پشت پا می گیرند و از میان دو پا بالا می برند و در «پیش قبض» که همان «گره» است فرو می کنند.

گردانندگان زورخانه

مرشد: امروز در زورخانه مرشد به کسی می گویند که آوازی خوش دارد و هنگام ورزش روی «سر دم» می نشیند و با آهنگ های گوناگون که هر کدام ویژه یکی از حرکات ورزشی است ضرب میگیرد و شعرهای رزمی که بیشتر از شاهنامه فردوسی برگزیده می شود می خواند و صدای ضرب و آواز خود را با حرکات ورزشکاران، هماهنگ می کند. و آنان را به ورزش بر می انگیزد. در قدیم «مرشد» یا «کهنه سوار» کسی بود که کار آموزش ورزشکاران و پهلوانان با او بود. کهنه سوار در هنگام ورزش لنگی به دوش

می انداخت و چوبی هم که به آن «تعلیمی» می گفتند. در دست می گرفت و در کنار گود می نشست و باستانی کاران یا کشتی گیران را در کارهای ورزشی و کشتی گیری راهنمایی می کرد. کهنه سواران یا مرشدان از چابک ترین و آزموده ترین پهلوانان و ورزشکاران بودند. (گویا مرشد امروزی را «ضرب گیر» می خواندند). مُشتُ مالچی: کسی است که پیش از ورزش به ورزشکاران و پهلوانان لنگ و تنکه میدهد و پس از ورزش آنها را مشت و مال میکند، تا کوفتگی و خستگی از نشان بدر رود و پادویی زورخانه نیز با مشت مالچی است.

مقام ورزشکاران در زورخانه

پیش کِسوت: پیش کسوت در زورخانه به کسی می گویند که سالمندتر و آزموده تر از ورزشکاران دیگر باشد. پیش کسوت از همه گونه ورزشهای باستانی و ریزه کاریهای یکایک آنان آگاه است و می تواند بهتر و سنگین تر از دیگران ورزشهای باستانی را انجام دهد. میاندار: ورزشکاری است که در گود روبروی مرشد و میان ورزشکاران دیگر می ایستد و گرداندن ورزش و پیش و پس انداختن کارهای ورزشی را به عهده می گیرد. ورزشکاران هنگام ورزش به او نگاه و از حرکات ورزشی او پیروی می کنند. میاندار باید مانند پیش کسوت آزموده و آگاه از همه گونه ورزش و ریزه کاریهای یکایک آنها باشد. معمولاً پیش کسوت هر زورخانه میاندار آنجا می شود. پهلوان: به کسی گفته می شود که بسیار آزموده و چابک و کار کرده باشد و هم‌آوردی نداشته باشد. نوحاسته: جوان نوحه ای است که آزمودگی یافته و پهنه کارهای ورزشی خود را گسترش داده و برای کشتی گرفتن و ورزشهای

«تو گودی» به زورخانه های دیگر می رود. نوچه: به جوان ورزشکاری گفته می شود که زیر نظر پهلوانی، فن های کشتی را می آموزد و شاگرد او به شمار می رود. او از نظر تردستی و چابکی برگزیده ترین شاگردان آن پهلوان است.

شیوه ورزش باستانی

سنگ گرفتن: سنگ گیرنده در بالای گود در جایی از زمین که لنگ انداخته اند به پشت می خوابد و سه بالش، یکی را زیر سر و دوتای دیگر را زیر بازوی راست و چپ می گذارد و دو سنگ با دو دست خود چنان می گیرد که سرهای هلالی آن دو به سوی سرش باشد و پی در پی به پهلوی چپ و راست می غلطد. هنگامی که بر پهلوی چپ است سنگی را که در دست دارد. مستقیم چنان بالا می برد که بازوی خمیده اش راست شود و به همان شیوه هنگامی بر پهلوی راست است سنگی را که در دست چپ دارد مستقیم به بالا می برد. این گونه سنگ گرفتن را «غلطان» می گویند. گونه دیگر سنگ گرفتن آن است که ورزشکار به پشت می خوابد و پاهایش را دراز می کند. و دو سنگ را باهم پی در پی روی سینه بالا و پایین می برد، این سنگ گرفتن را (جفتی) می نامند. مرشد، سنگ گرفتن ورزشکاران را تا (۱۱۷) یا (۱۱۴) بار می شمارد و اگر سرگرم ضرب گرفتن برای ورزشکاران درون گود باشد، یکی از دوستان سنگ گیرنده سنگهای او را می شمارد. شماره (۱۱۷) و (۱۱۴) باستانی کاران مقدس است و مرشد یا دیگران از این دو شماره بیشتر نمی شمارند. (۱۱۷) اشاره به صد و هفده تن

کمر بسته مولا است و (۱۱۴) اشاره به یکصد و چهارده سوره قرآن است. سنگ شمار یا مرشد پیش از سنگ گرفتن برای شور بخشیدن به سنگ گیرنده (سرنوازی) می خواند: هر کار که می کنی بگو بسم الله تا جمله گناهان تو بخشد الله دستت که رسد به حلقه سنگ بگو لا حول ولا قوة الا بالله و سپس شمارش را چنین آغاز می کند: لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اول خدا دو نیست خدا سبب ساز کل سبب یا (سید کائنات) چاره ساز بیچارگان الله پنجه خیر گشای علی شش گوشه قبر حسین امام هفتم باب الحواجیح قبله هشتم یا امام رضا یا اما محمد تقی روحی فداه و جسمی دهنده بی منت الله یا امام حسن عسگری دخیل جمال امام زمان صلوات. یا (جمال هشت و چهار صلوات) زیاده باد دین خاتم انبیاء ای چهارده معصوم پاک نیمه کلام الله مجید شانزده گلدسته طلا صد و هفده کمر بسته مولا خدای هجده هزار عالم و آدم بر بی صفتان روزگار لعنت یا (بر نمک نشناس لعنت) بیس (بیست) لعنت خدا بر ابلیس یک بیس (بیست و یک) آقای قنبر علیس (علی است) دوبیس مرد دو عالم علیس چاربیس بیمار دشت کرب و بلا (کربلا) یا (ناز چهار ستون بدنت) پنج تن زیر کسا شش ساق عرش مجید یا (باقر العلوم بعد از نبی) علی است سه بیس یا علی مثلت کیس (کیست) هفت بیس یا علی موسی بن جعفر هش بیس یا علی بن موسی الرضا نه بیس نوح نبی الله سی ختم کلام الله یک سی گرفتی

ماشاءالله دوسی برایش ذوالفقار نیستی جان کفار چاره بیچارگان خود الله دادرس درماندگان خود مولا یا ابوالفضل العباس دخیل یا موسی بن جعفر یا علی بن موسی الرضا بطلب نه سی طوفان بلا چهل ختم اولیاء و انبیاء یک چل بزرگ است. خدا دو چل محمّد است مُصطفیٰ سه چل علیس شیر خدا چار چل یا فاطمه زهرا پنج چل خدیجه کبریا ام المؤمنین شش چل ابراهیم خلیل الله هفت چل موسی کلیم الله هش چل عیسی روح الله نه چل آدم صفی الله پنجاه، هزار بار بر جمال خاتم انبیاء صلوات ز آدم و خوا دگر نبی الله شعیب و یوسف و یعقوب پس خلیل الله ملائکان مُقرب دگر ز جبرائیل ز حُسن یوسف جمال شصت بند دیو، علی را صلوات. در این هنگام مرشد برای دنبال کردن شماره و رساندن آن به (۱۱۴) یا (۱۱۷) از پنجاه به پایین می شمارد بدینگونه: نه چل آدم صفی الله هش چل عیسی روح الله هفت چل موسی کلیم الله... تا به شماره یک برگردد. (۱۷) شماره یا (۱۴) شماره بازمانده از (۱۱۷) یا (۱۱۴) را دوباره از یک به بالا می شمارد. ولی اگر مرشد از شماره شصت به پائین شمرده باشد سه شماره یا شش شماره به یک مانده که روی هم (۱۱۷) یا (۱۱۴) شماره می شود شماره را به پایین می رساند.

البته این اندازه شمارش در صورتی پیش می آید که سنگ گیرنده بتواند (۱۱۷) یا (۱۱۴) بار سنگ بگیرد.

جای ایستادن ورزشکاران در گود

در گود هر یک از ورزشکاران به فراخور مقام خود در جایی می ایستند. کار کُشته ترین و کار آزموده ترین و سالمندترین

آنها که پیش کسوت دیگران خواهد بود «میاندار» می شود و میان گود روبروی مرشد می ایستد. ورزشکاری که پس از او از ورزشکاران دیگر سالمندتر و آزموده تر است پای (سر دم) می ایستد. اگر در میان ورزشکاران «سید» ی باشد و در ورزش باستانی پختگی چندان هم نداشته باشد پای (سر دم) می ایستد و اگر شایستگی میانداری داشت در میان گود می رود و میانداری می کند. در این صورت پیشینه ترین ورزشکار روبروی او (پای سر دم) یا پشت او می ایستد. ورزشکاری که از دیگران ناآزموده تر و ناپخته تر است و به او (تازه کار) می گویند، جایش در گود پشت سر میاندار است. دیگر ورزشکاران از بزرگ تا کوچک (از نظر آزمودگی) به ترتیب کنار گود دورادور میاندار می ایستند. شنا رفتن: پیش از شنا رفتن، میاندار یکی از تخته شناها را که در غرفه ای روی هم ریخته شده است برمی دارد و به دنبال او ورزشکاران یکی پس از دیگری، تخته ای را برمی دارند و درو گود می ایستند. سپس میاندار دور گود می گردد و به هر یک از ورزشکاران میانداری کردن را تعارف می کند. آنگاه از همه رخصت می طلبد و تخته اش را در میان گود می گذارد و زانوان و پنجه پا در کف گود قرار می دهد و دو لبه تخته شنا را با دست می گیرد. گاهی مرشد یا میاندار از ورزشکاری که آوزای خوش و گیرا دارد درخواست می کند که چند بیتی به مناسبت حال و مقام بخواند و پیش از اینکه او خواندن را آغاز کند «میاندار» یا «مرشد» می گوید:

(مزد دهندش به محمد صلوات) و همه صلوات می فرستند و با صلوات فرستادن ورزشکاران، آوازه خوان کمی خستگی در می کند و سرانجام آواز خود را چنین به پایان می رساند:

یا رب به حق ناد علیاً سینجلی یا رب به حق شاه نجف مرتضی علی ***افتادگان وادی غم را بگیر دست یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی /و آنگاه همه صلوات می فرستند سپس میاندار دو پایش را پس می برد و از یکدیگر باز می گذارد و به مرشد نگاه می کند. ورزشکاران هم به پیروی از میاندار چنان می کنند مرشد زنگ را به صدا در می آورد و به ضرب می زند و با هر تک ضربه محکمی که می کوبد ورزشکاران سینه خود را به سوی تخته شنا خم و نزدیک می کنند. گاهی در کشاکش شنا رفتن میاندار با صدایی که از خستگی بریده به گوش می رسد فریاد می زند (علی بابا) و با دست به مرشد اشاره می کند که آهنگ ضرب را تندتر کند تا آنها شیوه شنا رفتن را عوض کنند. ورزشکاران چهار گونه شنا می روند: شنای کرسی شنای دست و پا مقابل شنای دو شلاقه شنای پیچ. شنای کرسی: در این شنا ورزشکاران پس از این که تخته شنا را بر کف گود گذاشتند دو سر آن را می گیرند و دو پا را در برابر آن تا آنجا که بتوانند چنان از هم باز می کنند که کف پاهایشان از کف گود بلند نشود و سپس شنا می روند. شنای دست و پا مقابل: در این شنا، دو دست ورزشکار بر

روی تخته به فاصله بیست سانتی متر از هم قرار دارد و پاهای او در امتداد تن کشیده و جفت است. شنای دو شلاقه: شنای دو شلاقه همان شنای (دست و پا مقابل) است با این فرق که در آن دو بار پیایی شنا می روند و پس از آن کمی درنگ و خستگی در می کنند و سپس دوباره دیگر پیایی شنا می روند. این روش را تا پایان ورزش نگاه می دارند. شنای پیچ: در این شنا مانند شناهای دیگر دست های ورزشکار بر روی تخته از یکدیگر باز است و او نخست در حرکت اول سر خود را زیر بغل چپ می برد و تنه خود را به سوی راست می چرخاند و در حرکت دوم، سر خود را زیر بغل راست می برد و تنه را به سوی چپ می چرخاند و شنا را به همین روش ادامه می دهد. نرمش: ورزشکاران پس از شنا رفتن بر می خیزند و بی آنکه تخته شنا را از کف گود بردارند برای در کردن خستگی نرم و آرام بدن خود را تکان میدهند و این حرکت را نرمش می نامند. مرشد هنگام نرمش کردن ورزشکاران آهنگی ملایم می گیرد و اشعار را با آهنگ مخصوص نرمش می خواند. روش نرمش هر میاندار با میاندار دیگر اندکی اختلاف دارد. میل گرفتن: ورزشکاران هر کدام یک جفت میل از جایگاه ویژه میل ها که در بالای گود و نزدیک آن است بر می دارند و نخست میاندار به هر یک از ورزشکاران تعارف می کند که میانداری پذیرند و اگر کسی نپذیرفت، همان میاندار میل ها بر

شانه خود می گذارد و دیگران از او پیروی می کنند و با ضرب مرشد میل گرفتن را آغاز می کنند. میل گرفتن سه گونه است: میل سنگین میل چکشی یا (سرنوازی) میل جفتی. میل سنگین: ورزشکاران با آهنک ضرب و آواز مرشد آرام و سنگین یک بار میل دست راست را روی شانه و پشت و پهلو و سینه راست می چرخانند و میل دیگر را پیش سینه چپ رو به بالا نگاه می دارند، و بار دیگر میل دست چپ را روی شانه و پشت و پهلو و سینه چپ می چرخانند و میل دیگر را پیش سینه راست رو به بالا نگاه می دارند. این کار به این روش ادامه می یابد. میل چکشی یا سرنوازی: ورزشکاران با آهنک ضرب مرشد که تند و با شتاب است میل را بروی شانه ها و پشت و پهلو و سینه به تندی می چرخانند. میل جفتی: نخست دو میل را در برابر هم روی سینه نگاه می دارند سپس پی در پی باهم به پس می برند و بازمی گردانند. ورزشکاران پس از میل گرفتن برای در کردن خستگی دسته میل ها را در دست می گیرند و ته آن را بر کف گود می گذارند و میل ها را تک تک پیش و پس می برند و می نشینند و بلند می شوند. این گونه نرمش و میل گرفتن را (خم گیری) می گویند.

پا زدن: میاندار در میان گود می ایستد و ورزشکاران پیرامون او گرد می آیند. نخست پای آرامی می زنند که به آن پای (نرم) می گویند و آن چنین است که ورزشکار

پنجه یک پا را اندکی از زمین بلند می کند و بر روی پنجه پای دیگر، خود را تکان می دهد و به آرامی پیش و پس می رود. ورزشکاران در زورخانه چهار جور پا می زنند: ۱ پای اول (پای چپ و راست) ۲ پای جنگلی ۳ پای تبریزی اول و دوم و پای سوم ۴ پای آخر. ۱ پای اول: ورزشکاری روی پنجه پا می ایستد و پای ها را پی در پی به چپ و راست می گذارد. بدین گونه که یک بار پای راست را در کنار بیرونی پای چپ می گذارد و در پی آن پای چپ را در کنار بیرونی پای راست می گذارد و این کار را تند و پی در پی ادامه می دهد و در همین حال تن خود را نرم و آرام می جنباند. ۲ پای جنگلی: ورزشکار روی پنجه های پا می ایستد و با آواز و صدای ضرب مرشد یک بار سنگینی بدن خود را روی پنجه پای چپ می اندازد و پای راست را به پیش پرتاب می کند و بار دیگر روی پنجه پای راست می ایستد و پای چپ را به پیش پرتاب می کند. این کار تند و پی در پی انجام می گیرد گاهی ورزشکار، میان پای جنگلی زدن (رخصت) می طلبد و میان گود می آید و می چرخد. در این هنگام ورزشکاران دیگر در کنار گود می ایستد و او را نگاه می کنند. ۳ پای تبریزی. الف پای اول: ورزشکار هماهنگ با ضرب مرشد، هر بار بر یکی از دو پای خود تکیه و پای دیگر را

به پیش پرتاب می کند. در این حرکات دست ها نیز می جنبند. ب پای دوم: پس از پای اول، میاندار از میان گود با دست به مرشد اشاره می کند و مرشد بی درنگ آهنگ ضرب را تند می کند و میاندار به شرح زیر (دو پا) می زند، یکبار پای راست و بار دیگر پای چپ را به پیش پرتاب می کند و آنگاه پای ها را یکی یکی کمی از زمین برمی دارد و می گذارد و در این حال تمام بدن خود را نیز به نرمی تکان می دهد.

ج پای سوم: پس از پای دوم میاندار باز با دست به مرشد اشاره می کند و مرشد آهنگ ضرب را عوض می کند. در این هنگام میاندار «سه پا» مانند «دو پا زدن» است با این فرق که ورزشکار سه پا را پشت سر هم یکی پس از دیگری پرتاب می کند و آنگاه کمی درنگ می کند و دوباره همین روش پا می زند. ۴ پای آخر: ورزشکار روی پنجه های دو پا می ایستد و با آواز مرشد تند و پشت سر هم پاها را بلند می کند و یکی پس از دیگری به عقب می برد و باز می گرداند گویی دونه ای است که در جای خود ایستاده است و پیش نمی رود. چرخ زدن: چرخ زدن پنج گونه است: ۱ چرخ جنگلی ۲ چرخ تیز ۳ چرخ سبک و چمنی ۴ چرخ تک پر ۵ چرخ سه تک پر. چرخ جنگلی: ورزشکار در میان گود می آید و دست ها را در امتداد شانه نگاه می دارد و به نرمی خود را تکان

می دهد و آرام و هماهنگ با صدای ضرب مرشد، دور گود می چرخد.

چرخ تیز: ورزشکار در میان گود یا دور گود بسیار تند به دور خود می چرخد. گاهی سرعت چرخ آنقدر زیاد می شود که هیکل چرخنده را نمی توان تشخیص داد. چرخ سبک چمنی: ورزشکار در چرخ سبک و چمنی نه تند و نه آرام بلکه سنگین و زیبا به درو خود می چرخد و با چرخ دور گود را هم می پیماید. چرخ تک پر: ورزشکار پس از یک بار بدور خود چرخیدن، یک بار هم به هوا می جهد و در هوا چرخ می زند. گاهی هم چرخنده دو دست راست را روی هم بر سینه می گذارد و چرخ می زند. معمولاً ورزشکار «تک پرها» را در هوا در گوشه های گود انجام می دهد. سه تک پر: ورزشکار سه بار به دور خود می چرخد آنگاه یک تک پر در هوا می زند. مرشد برای هر یک از چرخ ها آهنگی ویژه بر ضرب می گیرد.

کباده کشیدن

کباده کشیدن: کباده را همه ورزشکاران نمی کشند و کسانی که بخواهند بکشند پس از چرخ زدن دوتا دو تا یا تک تک از مرشد یا پیش کسوت «رخصت» می گیرند و هر کدام کباده ای برمی دارند و با دو دست در بالای سر نگه می دارند. کباده کشیدن به این گونه است که ورزشکار کمان کباده را با دست راست و زنجیر آن را با دست چپ می گیرد (و برخی هم از ورزشکاران برعکس) و بالای سر در این حالت دو بازوی او کمی تا شده است نگه می دارد.

و با ضرب و آواز مرشد، یک بار دست راست را در امتداد شانه نگاه می دارد و دست چپ را بر روی سر خم می کند و می خواباند و بار دیگر دست چپ را در امتداد شانه نگاه می دارد، و دست چپ را بر روی سر خم می کند و می خواباند و بدین گونه ورزشکار کباده کشیدن را ادامه می دهد. او باید به روی پنجه های دو پا به ایستد و با آهسته و نرم حرکت دادن کباده پا به پا بشود و پیش و پس برود.

کُشتی در گذشته پس از پایان یافتن ورزش، کشتی گیران و پهلوانان میان گود می رفتند و دو به دو با هم کشتی می گرفتند. دو کشتی گیر نخست (فرو می کوبیدند) آنگاه مرشد لنگی به میان هر دو کشتی گیر پرتاب می کرد تا دست نگه دارند که شعر (گل کُشتی) خوانده شود. کشتی گیران در کنار هم به پهلو، رو به قبله خم می شدند و یک دست را بر گردن یکدیگر و دست دیگر را روی زانو می گذاشتند و مرشد شعر (گل کُشتی) را می خواند یا یکی از ورزشکاران که آواز خوشی داشت در لبه دیوار گود می نشست و از حاضران (رُخصت) می طلبید و گل کشتی را می خواند:

در معرکه ها درنگ می باید کرد خون برجگر نهنگ می باید کرد *** پوشند یلان زره به پیکار اینجاست جایی که برهنه جنگ می باید کرد/دو کشتی گیر پس از اینکه مرشد یا خواننده می گوید: خدا را سجود، پیران را عزّت، جوانان را قدرت،
رب المشرقین و رب المغربین

فبای آلاء ربکما تکذبان، کف گود را دست می بوسیدند و کشتی را آغاز می کردند.

دعا کردن

پس از پایان ورزش، مرشد می گوید (اول و آخر مردان عالم بخیر) و به زنگ می زند و تنبک را کنار می گذارد و می نشیند. در این هنگام میاندار و ورزشکاران دیگر که هر یک لنگی بر دوش انداخته اند به کنار گود می آیند و به لبه آن تکیه می دهند و میاندار دیگران را احترام می گذارد و تعارف می کند. اگر کسی نپذیرفت خود او به دعا کردن می پردازد و ورزشکاران و تماشاچیان هم باهم پس از هر یک از دعاهای او (آمین) می گویند. دعا چنین است: دست و پنجه مرشد درد نکند. خداوند نسل سادات را زیاد کند و دشمن و بدخواه سادات را از صفحه زمین براندازد. پروردگارا به حق عزت و جلالت قسمت می دهیم که تیغ شاه اسلام پناه ما را «برا» (بران) بگردان، سایه بلند پایه اش را از سر آب و خاک ایران و فرد فرد ایرانیان کم و کوتاه نفرما. پروردگارا شر شیطان و بلاهای ناگهانی، نفس اماره آخر الزمان را از بلاد اسلام دور بگردان. خداوندا بانیان ورزش را که مرده اند و رفته اند رحمت بفرما. در دنیا و آخرت زبان مار را به ذکر لا اله الا الله گویا بفرما. پروردگارا تو را قسم می دهم به حق مقربان در گاهت در دنیا ما را از زیارت ائمه اطهار و در آخرت از شفاعت ابا عبدالله بی بهره منما. سپس میاندار می گوید: بر آن کسانی رحمت باد که خداوند رحمتشان کرده. در دنیا

و آخرت ما را رو سفید و نام نیک بگردان. یک صلوات ختم کنید. حاضران صلوات می فرستند و دعا پایان می پذیرد.

گل ریزان

یکی از دیدنی ترین جشن ها که در زورخانه بر پا می شود (گل ریزان) است. جشن بیشتر در شبهای ماه رمضان برای بزرگداشت پهلوانان بنام و کهن بر پا می شود و در آن پهلوانان و ورزشکاران قدیمی و با سابقه و بزرگان و سرشناسان محل دعوت می شود و هر یک از آنان دسته گلی با خود می آورند و در دیوار زورخانه نیز با گل پوشیده می شود. در جاهای خاص و روی میز شیرینی و میوه چیده می شود. پس از یک دور ورزش و بازیهای ورزشی و چند کشتی میان پهلوانان بنام، یکی از پیش کسوت ترین ورزشکاران درباره مقام پهلوانی که (گل ریزان) برای او برپا شده است سخن می راند. اکنون «گل ریزان» بیشتر برای بزرگداشت، و پاس پهلوان یا ورزشکار آزموده و قدیمی برپا می شود و هم چنین برای کمک به خانواده ورزشکارانی که درآمد کافی برای گذراندن زندگی خود ندارند یا گرفتاری هایی زندگی آنان را آشفته کرده است. برای «گل ریزان» دعوت نامه هایی با عنوان «همت عالی» و به ارزشهای گوناگون چاپ می کنند و پولی را که از این راه گرد می آید به ورزشکار یا خانواده او می دهند.

پهلوانان به بنام

در زیر لوحه ای که نام سرشناس ترین پهلوانان ایران از سده هفتم هجری تاکنون بر آن کنده و بر دیوار خاوری زورخانه بانک ملی ایران کار گذاشته شده است آورده می شود:

۱ پهلوان فیله همدانی سده هفتم هجری. ۲ پهلوان محمود بن ولی الدین خوارزمی (پوریای ولی) سده هشتم. ۳ پهلوان محمد ابو سعید سده نهم. ۴ پهلوان نداقی عراقی اصفهانی سده دهم. ۵ پهلوان بیک قمری

سده دهم. ۶ پهلوان میزاییک کاشی سده یازدهم. ۷ پهلوان کبیر اصفهانی سده دوازدهم. ۸ پهلوان لندره دوز سده سیزدهم. ۹ پهلوان عسگر یزدی سده سیزدهم به بعد. ۱۰ پهلوان محمد مازار سده سیزدهم به بعد. ۱۱ پهلوان ابراهیم یزدی (یزدی بزرگ) سده سیزدهم به بعد. ۱۲ پهلوان شعبان سیاه سده سیزدهم به بعد. ۱۳ پهلوان حاج حسن بد آفت سده سیزدهم به بعد. ۱۴ پهلوان حاج نایب رضا قلی سده سیزدهم به بعد. ۱۵ پهلوان حسین گلزار کرمانشاهی سده سیزدهم به بعد. ۱۶ پهلوان اکبر خراسانی سده سیزدهم به بعد. ۱۷ پهلوان یزدی کوچک (عئیدل) سده سیزدهم به بعد. ۱۸ پهلوان سید هاشم خاتم زاده سده سیزدهم به بعد.

۱۹ پهلوان اصغر نجار سده سیزدهم به بعد. ۲۰ پهلوان میرزا باقر دراندرونی سده سیزدهم به بعد. ۲۱ پهلوان علی میرزای همدانی سده سیزدهم به بعد. ۲۲ پهلوان مهدی خان سیف الممالک سده سیزدهم به بعد. ۲۳ پهلوان صادق قمی سده سیزدهم به بعد. ۲۴ پهلوان سید حسن شجاعت (رزاز) سده سیزدهم به بعد. ۲۵ پهلوان حاج محمد صادق بلور فروش سده سیزدهم به بعد. ۲۶ پهلوان سید تقی کامل قمی سده سیزدهم به بعد.

بازارها

بازارها

از دیرباز در ایران محل داد و ستد عمومی را بازار می گفتند. این عنصر اصلی که در معماری اسلامی جایی خاص برای خود باز کرده است شامل دو راسته از مغازه های انبوه روبروی هم هستند که معمولاً سقفی زیبا آنها را به هم ارتباط می دهد. بازار در ساخت و سازهای شهری به حدی اهمیت داشت که پس از مسجد هسته اولیه یک محله را تشکیل می داد. به طوری

که در شهرهای بزرگ هر محله دارای یک یا چند بازارچه بود و یک بازار بزرگ و اصلی نیز حوائج و نیازهای مردم را تامین می کرد.

توصیف بازارها

شهر اصفهان نیز به دلیل قدمت و عظمتی که در طول تاریخ و مخصوصاً پس از ظهور اسلام داشته، از نظر تعداد بازارهای باشکوه و جالب در میان شهرهای کشور ما از مقام والایی برخوردار است بطوریکه مورخین در دوران های مختلف به هنگام توصیف شهر از بازارهای آن مطالبی نوشته و آنها را وصف کرده اند. ناصر خسرو، سیاحی که در سال ۴۴۴ هجری قمری به اصفهان سفر کرده است ضمن توصیف بازارهای متعدد شهر اصفهان از بازاری داد سخن می دهد که دویست صراف در آن به داد و ستد مشغول بوده اند بازارهای فعلی اصفهان که یادگار عصر دیلمیان و سلجوقیان مخصوصاً صفویه هستند در طول تاریخ همچون سایر بناها و آثار این شهر تاریخی فراز و نشیبهای مختلفی را به خود دیده است.

یکی از سیاحانی که در حدود ۸۰ سال پیش به ایران سفر کرده است به تفصیل از بازارهای اصفهان سخن گفته و بر تعدد و تنوع مشاغل بازار تاکید کرده است. در طول بازارهای اصفهان حمام ها و مدارس و چهارسوهای بسیار زیبایی وجود داشته اند که برخی از آنها هنوز نیز پابرجا بوده و بعضاً با همان کاربردهای قدیم به کار مشغول هستند. یکی دیگر از این سیاحان که او نیز در اواخر قاجار اصفهان را دیده بازار این شهر را بسیار ممتاز نامیده و بعد از بازار کریم خان زند در شیراز آن را بزرگترین و باشکوهترین بازارهای

ایران به شمار می‌آورد. مهمترین بازار اصفهان بازار قیصریه است که میدان امام را به میدان عتیق (کهنه) و اصفهان عصر سلجوقی مربوط می‌کند. این بازار که بازار سلطانی نیز نامیده می‌شود در زمان صفویه یکی از باشکوهترین بازارهای ایران و بزرگترین مرکز داد و ستد بود که انواع پارچه‌های گرانبه‌ای و اجناس مختلف در آن به فروش می‌رسید. بازار قیصریه در سال ۱۰۲۹ هجری قمری احداث گردید و دروازه باشکوه و نفیس آن نیز قیصریه نامیده می‌شد. یکی از سیاحان خارجی آن را "بزرگترین و مجلل‌ترین بازارهای اصفهان..." نامیده که سقف آن گنبدی شکل است. در وسط بازار که فضای مدور و وسیعی است. قبه‌ای ساخته شده که آندره گدار آن را شبیه به گنبد هائی می‌داند که اعراب اسپانیا می‌ساخته‌اند.

عناصر موجود در بازار

راسته بازار قیصریه در دو طبقه مرتفع ساخته شده که طبقه بالا- به امور دفتری و بازرگانی اختصاص داشت و در طبقه پایین مغازه‌های اصناف گوناگون در کنار هم مستقر شده بودند. از این بازار بزرگ و مجلل بازارهای دیگری منشعب می‌شدند که برخی از آنها هنوز هم فعال بوده و به مشاغل مختلف اختصاص دارند. برخی از این بازارها عبارتند از: بازار عربان، هارونیه، نیم‌آورد گلشن، مخلص، سماور سازها، و مقصودی‌کک، در طول این شاهراه سرپوشیده و مسقف که برخی از خارجی‌ان آن را "گالری سرپوشیده" نامیده‌اند عناصر مذهبی همچون مسجد خیاط‌ها، مسجد نو، مسجد ذوالفقار، مسجد شیشه، مسجد جارچی و دهها مسجد دیگر به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداختند و بازرگانان و اصناف گوناگون

در آنها عبادت می کردند. مراکز فرهنگی هم به اعتبار و رونق بازار می افزودند. مدارسی همچون مدرسه کاسه گران، هارونیه، نیم آورد، جده بزرگ، جده کوچک، ملاعبدالله و... این مدارس با معماری خاص ایرانی اسلامی دهها سال است موضوع کتاب ها و رسالات و تحقیقات مهندسين و معماران و سياحان گوناگون هستند، نهادهای اقتصادی نیز از دیگر جاذبه های هستند که در بازارها وجود داشته اند. برخی از این نهادها که "تیمچه" و "سرا" نامیده می شوند هنوز نیز فعال هستند. مشهورترین این سراها عبارتند از: سرای اردستانیها، سرای خانی، سرای آقا، سرای پادروخت سوخته، سرای میراسماعیل، سرای تالار، سرای خوانساری ها، سرای گلشن، سرای جارچی و سرای فخر، این سراها به همراه کاروانسراهای متعدد و پررونق بازار اصفهان را به عنصری فعال تبدیل می کرده که سیاحان با اشتیاق از آن بازدید می کردند و با دقت در سفرنامه هایشان معرفی می نمودند.

دیگر بازارها

در اطراف میدان امام نیز بازارهای مشهوری وجود داشته اند که تاکنون نام خود را حفظ کرده اند و به همان اسامی نامیده می شوند. علاوه بر بازار قیصریه و بازارهای منشعب از آن بازارهای دیگری هم در اصفهان وجود داشته اند که معروف ترین آنها بازار شاهی یا بازارچه بلند است که در سال ۱۱۱۸ هجری برابر با ۱۷۰۶ میلادی به همراه مدرسه و سرای فتحیه در زمان شاه سلطان حسین آخرین حکمران صفویه ساخته شد. چهارسوی مشهوری مانند چهارسوی نقاشی و علیقلی آقا و شیرازیها و چهارسوی آجری از آثاری هستند که همزمان با شکل گیری بازارهای اصفهان برای انشعاب مسیرها و زیبایی بازارها احداث می شده

اند. محلات اصفهان هم دارای بازارهایی بودند که برخی از آن ها هنوز باقی هستند.

بازار بزرگ اصفهان

این بازار از میدان امام شروع و به بازار طوقچی ختم می شود و در این بازار عمده سرای ها و نیمچه ها و مساجد و مدارس اصفهان واقع گردیده است.

بازار قیصریه یا شاهی

این بازار در پشت سردر قیصریه واقع گردیده و کار ساختمان آن در سال ۱۰۲۹ ه. ق. توسط شاه عباس اول صفوی به پایان رسیده است.

بازار سماورسازها یا مثقالی فروشها

این بازار نیز از آثار دوره شاه عباس اول صفوی است که دارای چهارسوی بی نظیری بنام چهارسوی کرباس فروشها با حوضی به سبک صفوی در میانه آن است. از اینجا به وسیله بازار کوچکی به چهارسوی چیت سازها میتوان رسید. وجه تسمیه مثقالی فروشها به جهت فروش پارچه های گرانبهای زربفت به مثقال بوده است.

بازار گلشن یا جارچی باشی

این بازار از چهارسوی باغ قلندرها تا بازار چهارسو امتداد یافته و از آثار دوره صفویه است.

بازار درخت سوخته

این بازار مقابل بازار عربان و در دنباله آن قرار گرفته و از قدیمیترین بازارهای اصفهان است.

بازار لواف ها و آهنگران

این دو بازار در دو طرف خیابان حافظ که از میدان امام منشعب می شود قرار دارند. در شرق بازار آهنگرها کوچه ایست بنام بیگدلیها و سرائی بزرگ و حمامی و محل دیگری هم به همین نام معروف است. خاندان بیگدلیها مربوط بسلسله شاملو از طوایف قزلباش بوده اند و آن بیگدلی صاحب تذکره معروف این خاندان است. مدرسه خواجه ملک در شمال شیخ لطف الله و مشرق بازار لوافان و آهنگران واقع بوده است.

بازار غاز

این بازار از آخر گلبهار شروع و به محله جویباره اتصال داشت و از طرف دیگر بواسطه بازار خروجی یزازها بیازار بزرگ متصل می شد و اکنون در بین خیابان های ولیعصر (عج) و کمال قرار دارد.

بازار کلاهدوزها

این بازار به در قیصریه منتهی می شود و مقابل بازار قنادها واقع گردیده است.

بازار قنادها

در عهد صفویه این بازار مخصوص قلمزن ها و قندیل سازان بوده و در دوران قاجاریه تبدیل به بازار قنادی ها شده است.

بازار مجلسی

بازاری است که از نزدیکی مقبره مجلسی امتداد دارد و مسجد جامع و مقبره مجلسی در نزدیکی این بازار قرار گرفته است.

بازار جماله کله

این بازار از حدود نیم آورد به طرف مسجد جامع محمد جعفر آباده ای امتداد دارد و مسجد مزبور در این بازار است.

بازار هارونیه

این بازار از بازاری که در مقابل بازار عربان از جنب هارونیه می گذرد منشعب می گردد و تا مسجد علی ادامه دارد.

بازار بوریافا

این بازار همان بازار هارونیه است که به مناسبت بودن کاروانسرائی به نام بوریافا در آن محل که آنجا را بازار بوریافا گفته اند و هنوز هم آن سرا وجود دارد وجه تسمیه آن به این نام، اشتغال عده ای در آن کاروانسرا به بوریافا بوده است.

بازارچه چهارسوق شیرازیه

این بازار در محله چهارسوق شیرازیه قرار دارد و بازار بزرگی است.

بازار میدان میر

این بازار در محله میدان میر واقع و منشعب از بازار عربان است.

بازار خیار

این بازار با بازاری که به نام بازار ریسمان معروف است منطبق می گردد، چه سرائی که در بازار ریسمان بنام سرای بازار خیار نامیده می شود در همان بازاری است که ریسمان نامیده می شود و مدرسه کاسه گران در همین بازار که نام های مختلفی دارد قرار گرفته است.

بازار سار و تقی

این بازار که بقیه بازار ساروتقی اعتمادالدوله شاه عباس ثانی است میان بازار مقصود بیک و بازارچه حسن آباد و در نزدیکی امزاده احمد قرار داد قسمتی از طاق بازار خراب و قسمتی برفراز سر در مسجد ساروتقی و منزلش باقی مانده که جالب است. مسجد ساروتقی و منزل او در این بازار واقع بوده است.

بازار مرغ

این بازار روبروی مسجد جامع در خیابان هاتف واقع و شاید به اعتبار اینکه در آنجا روزی مرغ می فروخته اند باین نام خوانده شده است.

بازار منشی

این بازار از بناهای میرزا رضی منشی الممالک است که آثار زیادی چون قصر منشی و حمام منشی و مسجد منشی او بجامانده است.

بازار نجارها

این بازار ظاهراً جزء بازارهای متصل به بازار قیصریه است.

بازار گندم فروشان

این بازار از انشعابات میدان کهنه اصفهان است.

بازار علیقلی آقا

این بازار در محله بید آباد واقع و دارای چهارسوئی زیبا می باشد که در دوران شاه سلطان حسین بوسیله علیقلی آقا یکی از درباریان احداث گردیده است و در این بازار مسجد و حمامی نیز قرار دارد.

بازار گلشن یا جارچی

این بازار از چهارسوی قلندرها تا محل دروازه اشرف امتداد دارد و از ساختمان های عصر صفوی است.

اماکن قدیمه ای که در این بازار واقع شده مسجد ملک علی بیک جارچی باشی از عهد شاه عباس کبیر (۱۰۱۹ ه. ق) و مدرسه ملا عبدالله (۱۰۲۲ ه. ق) می باشد. سراهای: جارچی باشی، بزرگ، گلشن، فخر، دو تیمچه که همه تجارتهی هستند در این بازار واقع شده اند.

بازار دروازه اشرف

این بازار از دروازه اشرف شروع تا چهارسو شاه و مدرسه ملا عبدالله امتداد دارد و از احداثات عصر صفویه است. مدرسه جده بزرگ (۱۰۵۸ ه. ق) و مدرسه ملا عبدالله از بناهای شاه عباس در این بازار واقع است، چهارسوی شاه از بناهای شاه عباس

است. سراهانی، محمد صادق خان، مخلص، تیمچه در قهوه کاشیها، تیمچه ملک و عصارخانه و حمام شاه در این بازار قرار دارند بازار منجم باشی که به چهارسوی ساروتقی منتهی می شود از انشعابات این بازار است و قسمتی از کاشی کاری آن باقی می باشد.

مدرسه جده کوچک (۱۰۵۶ ه. ق) از احداثات زمان شاه عباس ثانی نیز در این بازار (منجم باشی) واقع است. دنباله این بازار در زمان صفویه به بازار بسیار طولانی و بزرگ مشعلدار باشی متصل می شده که امروز اثری از آن نیست.

بازار کفشدوزها

این بازار در مسجد شیخ لطف الله بدر مسجد شاه امتداد دارد از جانب جنوب و غرب میدان امام و طرفین کاخ عالی قابو دنباله چهار بازار اطراف میدان امام پیوسته بوده است.

بازار رنگرزا

این بازار که از بناهای شاه عباس است از بازار کفاشها به بازار دارالشفاء منتهی می شود و اکنون هم دایر است.

بازار چهارسو نقاشی

بازار بزرگی بوده که قسمتی از آن باقی مانده و اکنون در جنوب خیابان فلسطین واقع است مدرسه مریم بیگم و چهارسو نقاشی در این بازار واقع بوده اند.

بازار مقصود بیک

این بازار از جنوب شرقی میدان امام تا بازار حسن آباد امتداد دارد. امامزاده احمد، مسجد ساروتقی، در این بازار در نزدیکی حسن آباد واقع شده اند، تکیه گلبنده ها نیز در نزدیک امامزاده احمد قرار دارد.

بازار ریسمان

این بازار از انشعابات بازار عربان و به میدان قیام متصل و مدرسه کاسه گران در آن بازار (ریسمان) واقع است.

بازار نجف آبادی ها

این بازار از منشعبات بازار عربان قدیم بوده است و سراهائی که در این بازار قرار دارند: خانی واردستانی می باشد. از این بازار کوچه ای منشعب می شود که به دو مناره گنبد سلطان بخت آغاملکه آل مظفر می رسد در وسط راه حمام کوچکی است از آثار شیخ بهائی.

بازار مقابل بازار عربان

این بازار بازاری است مقابل بازار عربان از جنب هارونیه تا محل معروف به پادریخت سوخته یا درخت سوخته، این قسمت نیز

از بازارهای قدیمی اصفهان و از منشعبات آن بازار هارونیه است. که تامسجد علی ادامه دارد و در قدیم این بازار ، بازار بوریابافها می نامیدند و سرائی هم هنوز بنام سرای بوریاباف ها باقی است. انشعاب دیگر بازار عربان بازارچه آقا می باشد. سراهای واقع در این بازار سرای آقا و سرای پادرخت سوخته است. یکی از درهای هارونیه از بناهای دورمیش خان شاملو (۹۱۸ ه. ق) در این بازارچه می باشد قسمتی از کاشیکاری سر در آن مورد دستبرد و خرابی قرار گرفته است باغچه عباسی که در حدود سال (۱۰۰۰ ه. ق) محل اقامت شاه عباس بوده در جانب غرب این بازار واقع و در مقابل هارونیه می باشد. از سراهای معروف این بازار: سرای سفید، میراسماعیل، مردادرکشها، مروارید فروش ها میرزا کوچک، سرای تالار، سرای حاج کریم سه سرای اخیر تجارتنی است سرای خوانساری ها تیمچه قزوینی ها.

بازار نیم آورد

از بازار تالار بازاری منشعب می شود به نام بازار نیم آورد و به خیابان جدید متصل می گردد مدرسه تاریخی نیم آورد که از بناهای عهد شاه سلطان صفوی است در این بازار واقع و نیز مساجد: خیاط ها، مسجد نو، مسجد ذوالفقار، مسجد شیشه واقع در جنب باغ قلندرها که کتیبه آن به خط محمد رضا امامی و تاریخ آن (۱۱۰۰ ه. ق) قمری است در این بازار قرار دارند.

بازار زرگرها

بازاری است که از چهارسوی کرباس فروش ها ببازار قهوه کاشی ها منتهی می شود در وسط آن چهارسوئی است و به دارالشفاء منشعب می شود. چنانکه گفته شده مسجد کوچک دارالشفاء در این بازار انشعابی قرار دارد.

بازار حبیب الله خان

مطلبی در دست نیست.

بازار دومنار

مطلبی در دست نیست.

بازارچه ها

بازارچه ها

در اصفهان بازارچه از قدیم الایام وجود داشته است و یک یک از بازارچه های ویران شده نیز در جای خود بیان گردید. بازارچه هائی که بیشتر آن از ساختمان سلاطین و بخصوص صفویه است و وجود دارد بقراری است که در پائین مینگارد:

بازارچه در دشت

این بازارچه در محله در دشت واقع گردیده و خود در حکم بازار بزرگی است.

بازارچه بید آباد

این بازارچه در حدود مسجد سید واقع و دارای طاقهای ضربی و گنبد و چهارسو نیز می باشد و مقداری از آن در اثر وقوع در خیابان خراب شده است. در این بازارچه مسجد و مدرسه هم قرار دارد.

بازارچه حمام قاضی

این بازارچه در محله در دشت نزدیک فلکه شهشهان قرار دارد و مسجد کوچک حاجی یونس از خواجگان شاه عباس ثانی که در (۱۰۷۳ ه. ق) بنا شده در این بازارچه می باشد.

بازارچه رحیم خان

این بازارچه در محله دروازه نو واقع در مسجد کوچک سلیمان بیک از کارگزاران شاه عباس ثانی که در (۱۰۷۲ ه. ق) احداث گردیده در آن قرار دارد.

بازارچه آقا

همانطور که گفته شده از انشعابات بازار عربان و یکی از درهای هارون ولایت در این بازارچه باز می شود.

بازارچه حاج محمد جعفرآبادی

این بازارچه در دنباله بازار نیم آورد و در محله جماله کله واقع است. مسجد حاج محمد جعفرآبادی و تیمچه حواییگم در این بازارچه قرار گرفته است.

بازارچه چهارسوق شیرازیها

این بازار در محله چهارسوق شیرازیها قرار دارد و بازار بزرگی است.

بازارچه اسماعیل کوسه

این بازارچه در محله باغات، واقع، و مناره کله، که در زمان امیر تیمور از کله مردم اصفهان ساخته شده بود در این بازارچه قرار داشته است.

بازارچه حسن آباد

به دلیل گسترش شهرها در مراحل مختلف در زمان حکومت سلسله های گوناگون، دروازه ها به تدریج جزء بافت مرکزی شهر محسوب شده و عملکرد آنها از مقیاس شهری به مقیاس محله ای تقلیل می یافته است به عنوان مثال دروازه ی حسن آباد در اصفهان که سابقه بنای آن با استناد به بعضی نقشه ها و اسناد تاریخی به دوره دیالمه می رسد، در حاشیه مزارع و باغات شهر قرار داشته است، ولی در دوره صفوی به دلیل گسترش شهر، محدوده های مسکونی و بازار در مجاورت این دروازه قرار

گرفته محور تاریخی حسن آباد که از جنوب میدان امام شروع و به چهارباغ صدر ختم می شود، تا قبل از صفویه در دوران دیالمه و سلجوقیه مهمترین گذر شهری اصفهان به شمار می رفته و دروازه شمالی اصفهان-طوقچی را به دروازه جنوبی شهر یعنی دروازه حسن آباد متصل می نموده. با ایجاد میدان امام، مجموعه بازار مقصود بیگ و بازارچه حسن آباد، این مسیر بعنوان بخشی از دومین محور شهری اصفهان سازماندهی گردیده و شکل داده شده است. توجه به سیاست احیاء و قوام بخشیدن در جهت ارتقاء جایگاه شهری این محور، ما را بر آن داشت که مرمت، احیاء و ارتقاء جایگاه شهری این محور را به عنوان یک موضوع مطالعاتی و طرح ریزی در نظر بگیریم. ضرورت مرمت: فعالیتی حیاتی است که ضرورت آن در کل زندگی انسان احساس می شود، به بیان دیگر، مرمت ضرورتی زیستی، و نه ضرورتی عملکردی است. مرمت، یکی از فعالیتهای حیاتی انسان به

شمار می آید که بازتاب گرایش وی به نظم و استمرار و گریز از تغییرات نامنظم و ناسامان مند است. مرمت هم حفاظت میراث پیشینیان است و هم اندیشیدن به آینده را تضمین می کند.

بازارچه شاه اسد الله، بازارچه حاجیه خانم، بازارچه حاج علی خان، بازارچه جلفا، بازارچه میرزا باقر، بازارچه نجارها، بازارچه شاطر باشی، بازارچه طوبی

چهار سوق ها

تاریخچه

چهارسو: اصل این کلمه چهار سوق است که از دو جزء «چهار» (عدد ترتیبی) فارسی و «سوق» عربی، به مفهوم بازار ترکیب شده است و در تلفظ محلی کلمه چهار سایش یافته و حرف «ق» از کلمه سوق نیز ساقط گشته و «چارسو» گفته می شود و آن، میدانی است که چهار بازار، یعنی محل کسب و کار و خرید و فروش، به آن میدان متصل می شود. این میدان معمولاً سقفی گنبدی دارد. اما چهار بازار متصل به آن، خیلی طولانی نیست و وسعت چندانی ندارد. شهر اصفهان که همیشه از نظر تجارت مرکز مهمی بوده، هم بازارهای زیبا و طولانی و پر کالایی داشته است و هم چهارسوهای متعدد و زیبا.

مهمترین چهارسوها عبارت اند از چهارسو شاه: واقع در نزدیک میدان امام حد فاصل بین بازار قنادها و مدرسه ملاعبده الله. چهارسو مخلص: در نزدیکی چهارسو شاه به طرف شمال قرار گرفته است. چهارسو نقاشی: واقع در حد فاصل محله خواجه و محله حسن آباد که از چهارسوهای معروف و زیبای اصفهان به شمار می آید. تصاویر زیبایی بر روی کاشیهای مرغوب آن نقاشی شده و عکس سلاطین و پهلوانان معروف به تصویر کشیده شده است. این چهارسو چندین بار مرمت شده است و از آنجا که رکن الملک نایب الحکومه اصفهان آن را مرمت نموده، به نام

چهارسوی رکن الملک نیز شهرت دارد. چهارسوی فریدن و چهارسو آجری: هر دو در محله خواجه قرار داشته و طاق و رواق قابل توجهی ندارند. چهارسوی شیرازیها: در محدوده خیابان طالقانی است که محله بزرگی نیز به همین نام مشهور است.

گنبد و زینت آلات این بنا بر اثر بی توجهی از بین رفته ولی بازار آن هنوز فعال و در جای خود باقی است. چهارسو کوچک: که در پایین چهارسو شیرازیها و در سمت مشرق آن قرار دارد، از چهارسوهای قدیمی به شمار می آید. در محله بیدآباد سه چهارسو به نام های علیقلی آقا، بیدآباد و درب شیخ وجود دارد که چهارسوی بیدآباد در وسط و چهارسوهای علی قلی آقا و درب شیخ در طرفین آن قرار گرفته اند. چهارسو مقصود: واقع در نزدیکی میدان امام است و در اصفهان شهرت زیادی دارد. چهارسوی دروازه نو: این چهارسو مجاور چهارباغ پایین و حد فاصل باغ تختی و سنبلستان قرار دارند. در نزدیک آن محله ای به همین نام هست.

چهارسوی نمکی: این چهارسو نیز در محله گلپهار اصفهان قرار دارد. علاوه بر چهارسوهای فوق در اکثر محلات اصفهان چهارسوهایی وجود دارد که شهرت آنها بیش از شهرت چهارسوهای ذکر شده نمی باشد. در بازارهای اصفهان هم سر هر چهارراه، چهارسو نامیده می شود که دارای حوض سنگی هندسی شکل پر آب و زیبایی است. از جمله: چهارسوی باغ قلندرها واقع در بازار نیم آورد، چهارسو شاه، چهارسوی ساروتقی، چهارسوی ضرابخانه، چهارسوی چیت سازها، چهارسوی کرباس فروشها، چهارسوی زرگرا و چهارسو نقاشی. علاوه بر اینها امتداد پل فلزی به طرف شمال یعنی خیابان آیت الله کاشانی به طرف میدان جمهوری اسلامی حد فاصل بین خیابان شیخ بهایی و

خیابان طالقانی، که هر دو سمت راست خیابان آیت الله کاشانی قرار دارند، محله و منطقه چهارسو نامیده می شود و شهرت فراوان دارد.

کاروانسراها

کاروانسراها

قبل از پیدایش وسایط نقلیه موتوری مثل اتومبیل های مختلف، قطار، کشتی و هواپیما که مسافر و بار را به سهولت حمل می نمایند، تجار، مال التجاره های خود را به وسیله چهارپایان مثل الاغ و قاطر و شتر و امثال آن حمل می نمودند. همچنین مسافرتها و زیارتهای به وسیله همین چهارپایان انجام می گرفت که مدت مدیدی طول می کشید تا مال التجاره ها یا مسافری پس از مشقات و زحمات زیاد به مقصد خود برسند. بنابراین احتیاج فراوانی به استراحتگاه بین راه داشتند تا خود و مرکبشان در آن محل کمی توقف نموده، رفع خستگی نمایند و برای ادامه راه آماده شوند. به همین مناسبت سلاطین قدیم ایران به فکر ساختن کاروانسراهای مجهز میان شهرهای مهم تجاری یا اماکن مقدسه زیارتی افتادند. این کاروانسراها بهترین محل آسایش مسافران و حفظ امنیت کالاهای آنها و همچنین محل ارتباط و اطلاع با شهرهای دیگر بوده اند. کاروانسراها حُجرات متعددی جهت مسافر و طویله های مجهزی برای مرکب های آنها داشته است. بنای این نوع کاروانسراهای امن و مجهز در زمان صفویه به خصوص در عهد شاه عباس به اوج خود رسید. چنانکه در کتب تاریخ ضبط شده، شاه عباس تعداد ۹۹۹ باب کاروانسرا در سراسر کشور احداث نموده است. بسیاری از سیاحانی که در آن زمان به ایران آمده اند این کاروانسراها را نام برده و مدتها در آنجا زندگی کرده اند. تاورنیه نوشته است: «بعضی از کاروانسراهای ایران گنجایش یکصد مسافر را با اسبها و کالاهایشان داشته، تا مسافران بتوانند مدتها با آسایش

و امنیت در آنجا به استراحت پردازند». ژان شاردن تعداد حجرات و اتاقهای یکی از این کاروانسراها را ۲۵۰ باب دانسته و نوشته است: «کاروانسرا دارای حوض بزرگی در وسط و درختان تنومندی در اطراف است.» تعداد کاروانسراهای اصفهان را در عهد صفویه ۱۸۲ باب ذکر کرده اند.

کاروانسرای مادرشاه (مهمانسرای عباسی)

در مشرق مدرسه چهارباغ و در سمت چپ خیابان چهارباغ یکی از بزرگترین کاروانسراهای اصفهان واقع شده است این کاروانسرا همزمان با بنای مدرسه چهارباغ احداث شده تا درآمد و عواید آن به مصرف مخارج طلاب و نگهداری مدرسه برسد. کاروانسرا در زمان سلطنت شاه حسین صفوی ساخته شد و در عداد آخرین آثاری است که در اواخر حکومت صفویان در اصفهان ساخته شده است.

یکی از محققان و پژوهشگران معماری اسلامی، این کاروانسرای چهار ایوانی مستطیل شکل را دارای ۱۲۸ متر طول و ۹۳ متر عرض نوشته است که در دو طبقه آن ۱۴۰ اتاق دارد.

در پشت این اتاقها دو اصطبل سراسری نیز وجود داشته است. این کاروانسرا در دوره قاجاریه مانند سایر آثار اصفهان مورد بی مهری ظل السلطان حاکم اصفهان قرار گرفت و بالاخره نیز بوسیله این شاهزاده حاکم به فروش رسید. در حدود سال ۱۳۴۳ شمسی مقرر گردید کاروانسرای مادرشاه با حفظ جنبه های هنری و ارزش های معماری دوران صفویه به یک مهمانسرای بین المللی تبدیل گردد.

طرح های اولیه کار به وسیله ماکسیم سیرو متخصص مشهور که تالیفات بسیاری در معماری ایران و بخصوص کاروانسراها دارد آماده گردید و با استفاده از شیوه های معماری سنتی و تقلید از نقاشی های موجود در بناهای تاریخی بویژه نقاشی ها و گچبری

های کاخ عالی قاپو سالن های مهمانسرای مزبور پس از مدت ۸ سال آماده گردید. این مهمانسرا که امروز به نام مهمانسرای عباسی نامیده می شود با نقاشی ها و تزیینات نقاشی و گچبریهای بسیار زیبا و آثار چوبی نفیس و آلت و لفظ های باشکوه یکی از جاذبه های بسیار زیبای اصفهان بشمار می رود. علاوه بر آن این مهمانسرا پذیرای اجلاس ها و سمینارها و نشست های داخلی و بین المللی است که در سالن های جدید الاحداث آن برگزار می گردد.

کاروانسرای مقصود عطار

این کاروانسرا در حوالی میدان امام قرار داشته و بنا به توصیه شاه عباس به دست عطاری معروف، با تجهیزات کامل ساخته شده است کاروانسرای مذکور به شکل مربع مستطیل و به طول ۱۳۶ متر و عرض ۶۰ متر بوده. در اطراف آن اتاقهای دو طبقه به ارتفاع ۵ / ۷ متر ساخته شده بود. در مدخل کاروانسرا دکانهایی در طرفین دالان ورودی قرار داشته است، اتاقهای پایینی کاروانسرا دارای ایوان و مهتابی و اتاقهای فوقانی دارای صندوقخانه بوده اند کف کاروانسرا سنگ فرش و در وسط آن حوض بزرگی ساخته بوده اند در گوشه و کنار ساختمان نیز چند چاه آب وجود داشته است. پشت ساختمان طویله یا باربند، برای استراحت و خوراک حیوانات در نظر گرفته شده بود. مغازه عطاری که این کاروانسرا را ساخته، در مقابل کاروانسرا بوده است. در اطراف کاروانسرا کتیبه های زیبایی وجود داشته که در آن نصایحی با خط نستعلیق نوشته شده بود که برای کاروانیان سودمند و راهنما بوده است، از جمله این جملات: «برای هر مسافر دو چیز لازم است اول پول برای رفع نیاز و

دوم شمشیر برای حفظ آن». «اگر خواهی به مقصد برسی، شبانگاه حرکت کن و بدان شب رازداری با وفاست و روز فاش کننده اسرار». «روزها همچون برادران و شبها خواهران آنها هستند.»

کاروانسراهای اصفهان

محمد یوشنی عباباف _ میرزا حسین مشهدی ابراهیم _ حاج محمدعلی _ حاج محمدرضا عرب _ حاج محمد کاظم سیورسات خانه _ مرتضی خان _ خسرو آقا _ دخانیات مغزی _ حاجی محمدحسین بار اندازه _ بخشیمچه _ بروجنی _ قیچی _ نو بانک استقراضی _ حاجی حیدر _ طوقی _ فیل سازها عربها _ حاجی یوسف علی حاجی باقر _ دروازه دردشت پاسنگ _ عزیزالله _ قهرودیه _ شاه علی _ زفره یه _ اردستانیها _ مرغ _ شکریک _ اناریها _ حاجی غلامعلی عصار _ سفید _ شله _ میر اسماعیل _ شماعی ها _ آقا میرحاج خانی _ جارچی _ خوانساریه _ حاج کریم _ تالار _ میرزا کوچک _ مردارکشاها _ اسکرو _ هندوها _ کریم پوستی _ فخر _ باربند گلشن _ ... بعضی از این کاروانسراها هم اکنون نیز موجود هستند که به عنوان مراکز تجاری و انبار تجار و محل کسب بازاریان اصفهان مورد استفاده قرار می گیرند. بعضی از آنها نیز به طور کلی ویران شده و به مراکز دیگری مبدل گردیده اند.

عصارخانه ها

تاریخچه

اصفهان از جمله شهرهایی است که مردم آن در زمینه های مختلف تلاش و فعالیت چشمگیری داشته اند. از میان این فعالیتها می توان به دو رشته کشاورزی و صنعت اشاره نمود که طی قرون همواره در این شهر، پیشتاز و مورد توجه بوده اند. کشت دانه های روغنی از زمانی دور در این شهر رواج داشته و صنعت روغن کشی سنتی نیز همپای کشت دانه های روغنی معمول بوده است که به تدریج کارگاهها و کارخانه های معظم سنتی برای این کار ساخته شد. کارخانه های روغن کشی، به نام عصارخانه شهرت داشته و به طریق سنتی، کار می کرده اند: کارخانه ساختمان وسیع و مرتفعی بود که از

چند اتاق تو در تو و کوچک و بزرگ با سقفهای گنبدی تشکیل می یافت مصالح ساختمانها عموماً از گچ و آجر بود. روی سقفهای گنبدی پنجره و روزانه ای تعبیه می شد. برای قسمت اصلی کارخانه عصاره سازی سالن بزرگی در نظر گرفته می شد که از اتاقهای دیگر وسیع تر بود. درست در وسط این اتاق، در شعاعی کمتر از محیط اتاق، پایه محکمی به ارتفاع یک متر و به شکل دایره ساخته می شد. در وسط پایه سوراخی قرار داشت که با اتصالاتی، به حوضچه ای در اتاق دیگر متصل می شد. بر روی این پایه مدور، سنگ آسیای دایره شکل بزرگی تعبیه می شد که وسط آن سوراخ بود. سوراخ این سنگ، با سوراخ ساختمان پایه، روبه روی هم قرار داشت. آنگاه سنگ آسیای دیگری که آن مدور بود به طور عمودی روی سنگ زیرین قرار داده می شد. در مرکز این سنگ عمودی سوراخی وجود داشت که یک چوب کلفت و با دوام تیر یا میله آهنی به آن متصل بود. سر دیگر چوب یا میله، به وسیله تسمه یا طناب به شتر و یا اسب بسته می شد. آنگاه دانه های روغنی اعم از شاهدانه، بزَرک، کنجد و دانه های روغن دار دیگر بر روی سنگ زیرین که از لبه خارجی به طرف مرکز، شیب مختصری داشت، می ریختند و شتر یا اسب و یا چرخنده دیگر را به حرکت در می آوردند. حیوان در حرکتی پیوسته و دایره وار حول پایه مدور می چرخید. از چرخش سنگ عمودی بر روی دانه هایی که بر سنگ زیرین قرار داشت، روغن دانه ها گرفته می شد و ذره ذره از سوراخ سنگ زیرین به وسیله لوله به حوضچه اتاق مجاور می ریخت. سطح این

اتاق کاملاً پوشانده شده بود و فقط راهرو و دریچه کوچکی، چند پله پایین تر از کف اتاق به آن وصل می شد که از این طریق روغنی که به مخزن وارد شده بود به وسیله ظرف دسته داری، تخلیه و در حلبهای مخصوصی ریخته و به محل‌های مصرف خود منتقل می گردید. از اتاقهای دیگر این ساختمان اتاق انبار مواد اولیه، اتاق انبار روغنهای آماده شده، اتاق استراحت کارکنان کارخانه، همچنین اسطبل برای نگهداری حیوان، را می توان نام برد. همه این اتاقها سقفی مرتفع و گنبدی داشتند که در قسمت فوقانی آنها سوراخهایی تعبیه شده بود تا هوا را تهویه کنند. با پیشرفت زمان و اختراع برق و زندگی ماشینی وضع و کار این عصارخانه ها نیز تغییر کرد. ابتدا به جای نیروی حیوان جهت چرخش سنگ عمودی، از نیروی برق استفاده نمودند. سپس همه چیز آن به صورت مدرن و ماشینی درآمد. در اصفهان و حومه، تعداد زیادی عصارخانه سنتی وجود داشت که هنوز هم آثار بعضی از آنها به چشم می خورد، چه آنهایی که متروکه و غیرقابل استفاده هستند و چه آنهایی که در حومه شهر هنوز با جانشین کردن قوه محرکه برق به جای نیروی حیوان، مشغول به کار هستند. در اینجا به بعضی عصارخانه های شهر و حومه اشاره می کنیم: پس از ویران شدن، سنگهای روغن کشی و مصالح آن به سده انتقال یافت. این عصارخانه نیز بر اثر مرور زمان و بی توجهی رو به ویرانی رفت و خراب شد. این عصارخانه در ناحیه شمال مدرسه چهارباغ اصفهان قرار داشت. پس از خراب کردن آن، سنگهای روغن کشی و دیگر مصالح مورد نیاز آن را به قهدریجان انتقال دادند.

در خیابان هاتف بود که به دنبال توسعه خیابان، عصارخانه را خراب کرده و سنگهای آن را به شهر کرد بردند. این عصارخانه وسعت و عظمت بسزایی داشت، پس از تعطیلی و تخریب، سنگهای روغن کشی آن را حناسابه‌های اصفهان جهت کارخانه حناسابی خود خریداری نمودند. از دیگر عصارخانه‌های اصفهان و حومه، عصارخانه‌های زیر را که یکی دو تای آنها هنوز دایر می‌باشد می‌توان نام برد: بیشتر مصالح آن را از عصارخانه بازار عربها خریداری نمودند. واقع در بازار مجلی، این عصارخانه به همان سبک سنتی کار می‌کرد. این عصارخانه قدیمی در کوچه ای نزدیک درشت قرار دارد. در محله بن اصفهان دو عصارخانه بزرگ و تاریخی واقع در نجف آباد اصفهان و در بازار اصفهان نیز دو عصارخانه دیگر وجود داشت که تا این اواخر به همان سبک قدیم دایر و فعال بودند.

عصارخانه شاهی

بازار اصفهان امروزه دارای بزرگترین و مهمترین عصارخانه‌های ایران است و این در حالی است که عصارهای اصفهان از نظر معماری و تزئیناتی که در آن بکاررفته از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشند.

یکی از معروف ترین عصارخانه‌های اصفهان، عصارخانه شاهی است که مربوط به دوران صفویه بوده و در قرن ۱۱ هجری قمری همزمان با سلطنت شاه عباس اول بنا شده است. احتمال می‌رود که بنای آن همزمان با بنای مدرسه ملا عبدالله باشد.

این عصارخانه در جوار بازار تفنگ سازها قرار دارد. تمامی ابزار آلات این کارخانه روغن کشی در حال حاضر سالم و دست نخورده باقی مانده است در عصر صفوی و پس از آن دکان‌های مجاور آن به فروش روغن تولیدی همین عصارخانه مبادرت می‌نمودند..

برج های کبوتر

تاریخچه

در گوشه و کنار شهر تاریخی اصفهان برج های مدور و مرتفعی به چشم می خوردند که بسیاری اشتباهاً آنها را دژهای قدیمی شهر به حساب آورده اند. این برج ها به کبوتران تعلق داشته و کبوتر خان یا کبوترخانه نامیده می شده اند بسیاری از جهانگردان و خارجیانی که در روزگار صفویه به ایران آمده اند و اصفهان را مورد بازدید قرار داده اند تصاویر زیبایی از این برجها در سفر نامه هایشان آورده اند و در باره آنها مطلب نوشته اند. با مطالعه این سفرنامه ها می توانیم به زوال تدریجی این برج ها واقف شویم. در قدیم پرورش و نگهداری کبوتر در ایران معمول بوده و کبوتر خانه ها برای بدست آوردن فضله این کبوتران ساخته می شد. این فضولات پس از مخلوط شدن با خاک، کود بسیار عالی می شد تا خربزه و هندوانه و سایر میوه های جالیزی بهتر پرورش یابند. یکی از خارجیانی که در عصر قاجاریه اصفهان را دیده از اهمال و سهل انگاری دولتمردان و حکام در نگهداری این برجها اظهار تاسف کرده و اهمیتی که فضولات این کبوتران برای مزارع داشته اند اشاره می کند. به هر صورت این برجهای گرد و بلند که قسمت فوقانی آنها دارای طرحهای زیبا و دل انگیز هستند دارای حجره های کوچکی در داخل می باشند. این حجره ها برای این ساخته شده اند تا کبوتران آشیانه های خود را در آن بسازند.

در سالهای اخیر سازمانهای مسئول برای حفاظت و مرمت برجهای کبوتر اقدامات جدی را آغاز کرده اند. زیرا علاوه بر مطالعه

پژوهش در معماری اسلامی با بررسی بیشتر این نکته مشخص می گردد که معماران ایرانی در آن روزگاران علاوه بر صرفه جویی در زمین برای بهبود محصولات کشاورزی چه شگردهایی به کار می برده اند. البته این برجهای کبوتر مخصوص اصفهان نبودند. در شهرستانها و روستاهای تابع نیز برجهای زیبایی می بینیم که برای همین منظور ساخته شده اند.

سقاخانه ها

سقاخانه عزیز الله

این سقاخانه تا پایان نیمه اول قرن چهارده هجری در میان چهار سوی بازار رو به روی در بزرگ ورودی مسجد جامع وجود داشته که پس از ویرانی بازار سنگاب سقاخانه در گوشه ای از مسجد علی نگهداری شده و اکنون از خود سقاخانه اثری به جا نمانده است. کتیبه این سنگاب حاکی از آن است که در دوره شاه سلیمان صفوی سنگاب مزبور در این محل به وسیله شخصی به نام (عزیزالله) نصب شده است.

کتیبه سنگاب به خط نستعلیق برجسته از این قرار است: نظام داد عزیز این بنای عالی را به عهد خسرو اقلیم دین سلیمان شاه (سقی الله ثراه و جعل الجنة مأویه) ز بهر خیر تراشید سنگ آب زلال که بر یزید توان کرد لعن خاطرخواه رقم زد از پی تاریخ خامه مسعود سیل باد سقاخانه عزیز الله

سقاخانه سر در مجلسی

این سقاخانه که در میان عوام به سقاخانه مجلسی شهرت دارد در دالان مسجد جامع، کنار سر در آرامگاه مجلسی جا گرفته و کوچک است با سقفی مقرنس کاری و بسیار دودزده، پنجره ای آهنین با نقشی امروز درون آن را از برونش جدا میسازد. دودزدگی و بقایای شمع ها در دیواره و کف سنگاب آن نشانگر اعتبار دینی و تقدس آن است که بعلت همجواری با آرامگاه نامبرده و آمد و شد زائرین اعتباری ویژه و برتر را در میان دیگر سقاخانه ها دارا است. این سقاخانه نمونه بارزی از دوگانگی نام و فرهنگ مذهبی سقاخانه برای عوام است که با گذشت زمان نکات اعتقادی شان درباره آن بیشتر شده و از گونه نخستین خود (محل خوردن آب) جدا گشته و همچون توتمی مورد ستایش

قرار می گیرد. به همین خاطر در شبهای جمعه طالبین بیشتری دارد و آنها را چنین اعتقاد است که اگر سنگ یا ریگی کوچک به دیواره چسبناکش که دود و چربی ناشی از شمع ها بر آن نشسته بچسبد، حاجتشان برآورده خواهد شد. بر سنگابی که در کف دارد به خط نستعلیق این عبارات حجاری شده است (قربه الی الله وقف نمود این برنج را آقا ذوالفقار ولد آقا نصیر هرکس از این مکان تغییر دهد به لعنت خدا گرفتار شود تحریراً جمادی الثانی سنه ۱۰۹۳).

سقاخانه طوقچی

این سقاخانه در سمت جنوب شرقی کوی صاحب ابن عباد در محله طوقچی قرار دارد و در ذهن عوام دارای اعتبار است بدین سان که حاجاتشان را برآورده می کند. یکی از کسبه محل که کلیددار و متصدی صندوق نذور سقاخانه است می گفت: سالیانی پیش که کمبود آب در اصفهان به چشم می خورد، مردم برای این سقاخانه صف می بستند و این از معجزات سقاخانه بود تا اینکه صاحبخانه دیوار به دیوار سقاخانه برای پیشگیری از نم آب به خانه اش امر به خرابی سقاخانه دارد و زمانی گذشت که صاحبخانه درگذشت و پس از دو هفته زنش جان سپرد؛ این نفرین سقاخانه بوده است. بعد هم که ما خواستیم تعمیر و لوله کشی کنیم بچه هایش نگذاشتند. بخشی از این سقاخانه انبار خرت و پرتهای همین کلیددار است. این سقاخانه دو سقف دارد. یکی دوپوش و دیگری اصلی و آجری. چاه آبی دارد با موتوری آبکش و بی مصرف. دیوارهای دورش را با موضوعهای مذهبی عامیانه نقاشی کرده اند و از رنگهای معمولی کار شده

و بخشهایی از آنها ریخته است. داستان نقاشیها از ماجرای عاشورا در کربلا گرفته شده، نقاشی دیوار جنوبی، محاصره حضرت ابوالفضل و جنگ او با دشمن را نشان می دهد. دیوار شرقی یا رو به رو حرکت امام حسین علیه السلام به سوی دشمن است و اینکه سربازان دشمن به او تیراندازی می کنند. دیوار شمالی دارای نقاشی چهره علی اکبر و حضرت ابوالفضل علیه السلام است که هر دو سوار بر اسب از پی هم روانند و حضرت ابوالفضل علیه السلام مشک آب را به کودکان می دهد. نکته قابل توجه این است که نقاش، کوشیده اصلی ترین رویداد کربلا، یعنی آب رساندن حضرت ابوالفضل علیه السلام به اهل بیت، در پیوند با مکان سقاخانه را در سه نما (فرم) بسیار ساده بیان کند و همچنین شخصیت اصلی این رویداد (امام حسین) را در نمای میانی جا داده و نام کسان را در کنارشان نوشته تا شناخته شوند. در گوشه سمت چپ دیوار شمالی چنین نوشته شده: تعمیر ۱۳۴۰ شمسی. روی در و دیوار، تعدادی از نشانه های اعتقادی به همراه تصویری قاب شده از امام حسین علیه السلام کوبیده شده است.

سقاخانه آقا میرزا اسداله روضاتی

این سقاخانه در طرف غربی خیابان طالقانی واقع و یکی از زیباترین سقاخانه های اصفهان است. نمایش بیرونی آن بدین گونه است: بر پیشانی آن لوحه هایی از شعر محتشم کاشانی به خط نستعلیق به رنگ سفید بر زمینه کاشی آبی نوشته شده و سر در آن را با نقش معقلی زیبای خورشید پوشانده و بر دو ستون از سنگ پارسی قرار داده اند. بر میله های پنجره اش قفلها و تکه پارچه های گوناگون رنگینی را

بسته اند و بر پشتش بشکه آبی و کاسه ای جا دارد و گاهی نیازمندی سکه پولی کف آن می اندازد. سقاخانه را متبرک می دانند. کلید داری سقاخانه و رسیدگی به پاره ای از امور آن به عهده مسگری نزدیک سقاخانه است. اشعار سر در به شرح زیر است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است /

باز این چه رستخیز عظیم است

کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است /

این صبح تیره باز دمید از کجا

کزو کار جهان و خلق جهان جمله درهم است /

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب

کآشوب در تمامی ذرات عالم است /

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست

...

مصراع دوم از بیت آخر را به خاطر کمی جا ننوخته اند.

سقاخانه دردشت

در بازار دردشت سقاخانه جالب توجهی است که تزئینات کاشیکاری بیرون آن مانع از نفوذ نگاه به درون آن می شود. در طرفین، دو در دارد که به داخل باز می شود. نوار کاشیکاری دور سر در مزین به اشعاری درباره حضرت ابوالفضل علیه السلام است که در لوحه هایی به خط نستعلیق چنین آمده:

بود چو در شیعیان ولای ابوالفضل یا ابا عبدالله

پیا گشت این بنا برای ابوالفضل الحسین علیه السلام /

بانی آن را به سر ز همت عالی است یا ماه بنی هاشم

روز جزا سایه لوای ابوالفضل یا ابوالفضل /

کشور هستی بود به زیر نگینش یا باب الحوائج

پادشهی که شد گدای ابوالفضل یا حضرت عباس /

کوثر و تسلیم و سلسیل به فردوس یا کریم

هست سبیل از کف عطای ابوالفضل یا حضرت عباس /

بعد شه کربلا به تخت شفاعت یا باب الحوائج

نیست سزاوار کس سوای ابوالفضل یا ابوالفضل /

تشنه

فرو شد به شط و تشنه برآمد یا ماه بنی هاشم

عقل فرو ماند از حیای ابوالفضل الحسین علیه السلام/

خدمت در گاه اوست بر سر جنت یا ابا عبدالله

تا که بخشد به او خدای ابوالفضل/

در پایین دو سوی کاشیها چنین نوشته شده است: به لعنت خدا گرفتار شود کسی که به کاشیها خیانت کند. در پیشانی سقاخانه در میان لوحه بزرگتری نیز این شعار به خط نسخ نوشته شده: (یا ابا عبدالله الحسین الشهید). زمینه اطراف این لوح را کاشی هفت رنگ با گلهای اسلیمی قشنگی فرا گرفته و دو ستون میانی که گویا بازسازی شده، از کاشی معرق با پیچ اسلیمی است. در زمینه میانی، تصویری از حضرت عباس علیه السلام سوار بر اسب دیده می شود که دارد مشک آب را از زنی آبی پوش می گیرد و این بیت شعر به خط نستعلیق در پایین زمینه خوانده می شود.

به دریا پا نهاد و خشک لب بیرون شد از دریا مروت بین جوانمردی نگر غیرت تماشا کن

دو سنگپایه در طرفین پایین سقاخانه دارای نقش پیچکی برجسته است. آب لوله کشی شهری از داخل سقاخانه به بیرون کشیده شده است.

سقاخانه حاج آقا شجاع

در بازار قلعه تبرک روی دیوار جنوبی آن تزییناتی از خط و نقش روی کاشی به چشم میخورد که تحسین آدمی را بر می انگیزد. نمایی به شباهت سقاخانه دردشت است. لوحه های دور آن دارای اشعاری به خط نستعلیق به قرار زیر است.

کشتی شکست خورده طوفان کربلا یا ابا عبدالله

در خاک و خون تپیده به میدان کربلا یا ابوالفضل العباس/

از آب هم مضایقه کردند کوفیان یا ابا عبدالله

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا یا ابا عبدالله/

زان

تشنگان هنوز به عیوق می رسد یا ابوالفضل العباس

فریاد العطش ز بیابان کربلا یا ابا عبدالله/

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکد یا ابوالفضل العباس

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا یا ابا عبدالله/

گر چشم روزگار بر او فاش می گریست یا ابا عبدالله

خون می گذشت از سر ایوان کربلا یا ابوالفضل العباس/

آه از دمی که لشکر اعدا نکرده شرم یا ابا عبدالله

کردند رو به خیمه سلطان کربلا/

جمله (بسم الله الرحمن الرحيم) بر بالای کاشیکاری در میان لوحه ها قرار گرفته و در زمینه آن عدد ۱۳۲۴ نوشته شده که احتمالاً تاریخ قمری ساختمان سقاخانه است. زیر جمله بسم الله، ستونی از نقوش گل و بوته که از گلدانی در پایین به بیرون سر برآورده پیداست و دوسوی ستون را در بالا- و دو پنجره بسته است که راه به درون دارند و در زیرشان دو چشم انداز فرنگی زیبایی را روی کاشی نقاشی کرده اند و دو شیر آب از میان نقاشی سمت چپ بیرون زده اند و کاسه و لیوانی را با زنجیر به شیرها بسته اند. رنگ حاکم در پهنه دیوار، رنگ آبی و سبز است. بر پیشانی سقاخانه روی تابلو نئون به رنگ سبز نوشته: یا ابوالفضل العباس.

سقاخانه پنجشنبه دین

در محله جویباره (منطقه یهودی نشین) اصفهان سقاخانه پنجشنبه دین قرار دارد و مسجد آن به همین نام، آن سو تر است. شکل این سقاخانه متفاوت از دیگر سقاخانه ها و بسیار ساده است. نشان چندانی از سقاخانه ندارد جز رنگ سبز آن. پنجره اش از نقوش پیچیده و قشنگی زینت یافته که در گذشته از میله آهنی میساخته اند و نیز حفاظ ایمنی به شمار

می آید. بر میله های پنجره چند قفل دیده می شود و قفل بزرگی هم دو لنگه پنجره را به هم بسته است. کف درون سقاخانه یک پارچه جارو شده و برای جلوگیری از زحمت بسیار رفت و روب سقاخانه، کلیددار آن چاره ای اندیشیده و همه ابزار و خرت و پرت سقاخانه را در گوشه ای گنجانده و بخش دیگر را در سنگاب آن تلبار کرده و دیوارهایش بی هیچ عکس و نشانی است. آنچه در این سقاخانه دیده شد از این قرار است: دو دانه جاشمعی چهار گوش آهنی که گردیهای کوچکی را در کف دارد. چند دانه چراغ لامپای کوچک و بزرگ، یک دانه چراغ لاله با آویز و یک دانه لوستر با سه چراغ، دو نشان پنجه دست، نشان ستاره شش پر با واژه (یا حسین) در میان، قابهای خطی کوچک (الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) و شمایل پنج تن از جنس فلز، شمایلهای بزرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی و حسین علیه السلام، شمایل ائمه در اندازه های کوچک، برگهایی از قرآن مجید به همراه دعاها و ورودی های طوماری لوله شده که در گوشه و کنار آنها از نم دیوار، خورده شده اند. چند تقویم چاپی به همراه شمایل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، متن نامه زائری از مشهد با تصویری از آرامگاه امام رضا علیه السلام، یک تسیح دانه سیاه و چندین متر پارچه به رنگ سبز سیدی و آبی با کف پوشهای سرخ پلاستیکی نقش جقه دار. این توده اشیاء نمودار چیزی به نام (فرهنگ سقاخانه) هستند

که پیشتر سخنش رفت.

سقاخانه مسجد جورجیر

سقاخانه قدیمی روبروی سر در مسجد جورجیر در شمال غربی مسجد حکیم، سر در جورجیر قرار دارد. رو به روی این سردر، سقاخانه ای واقع شده که چهره گذشته خود را از دست داده و به گونه ای بنای ساده در آمده است. بر تخته ایستاده آن مشرف به جاده و رو به روی سر در به خط نستعلیق برجسته اشعاری حجاری شده و حاکی از آن است که (قرچغای بیک از مردان نامی دوره شاه صفی مدرسه ای بنا کرده بوده است و در دوره سلطنت شاه عباس دوم یکی از خواجگان حرم او به نام (حاجی نصرت) این سنگاب را هم وقف نموده است. اشعار سنگاب مزبور که مورخ ۱۰۷۵ هجری می باشد به شرح زیر است. (قسمتهای نقطه دار در کتیبه به کلی محو شده است).

شاه جنب مقام شاه صفی

که روانش غریق رحمت باد/

داشت بنده ز خاصانش...

پاک گوهر.../

قرچغای بیک آنکه حضرت حق

از عنایت قبول حجش داد/

کرد عالی بنای مدرسه

که ز فیضش ملک خبر می داد/

خواجه او که حاجی نصرت بود

به عطای شه کریم نژاد/

سنگ آبی نمود وقف که هست

کوثر سلسیل.../

این سعادت به خیر جاری یافت

در زمان شه به عدل و به داد/

شاه عباس ثانی آنکو هست

صد چو فیض.../

بهر تاریخ آن رسید ندا

رحمت ایزدی بر آنکس باد/

سنه ۱۰۷۵ بر سنگاب دیگری متصل به این سنگاب نوشته شده: (وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود آقا رحیم ولد نظام به تاریخ سنه ۱۱۱۴). این سقاخانه دارای آب لوله کشی شهری است.

سقاخانه درب امام

موقعیت

در محله درب امام سه باب سقاخانه دیده می شود که در زیر، هریک جداگانه بررسی می شود

سقاخانه دالان درب امام

در دالان ضلع شرقی محوطه درب امام سقاخانه بزرگی با سردری از پنج و هفت کند هندسی به رنگ سبز وجود دارد که حفاظ و درهای چوبی آن دارای شبکه های ستاره ای هشت پره گره جعفری است. داخلش را یک حلقه چاه آب با چرخ آبکشی و تکیه گاه آبکش و سنگابش تشکیل داده و نیز پنجره ای خانه زنبوری رو به محوطه دارد. بخشی از گره چین پنجره ارسی میانی که خراب شده به تازگی بازسازی شده است. این سقاخانه با اینکه دارای آب لوله کشی شهری شده، ولی سرلوله های آب را بسته اند.

سقاخانه صحن شمالی درب امام

در نبش چپ کوچه شمالی صحن آرامگاه، سقاخانه پهن و نسبتاً کوتاهی است که با قابی آجرچین از بالا و طرفین محدود گشته و سردرش دارای نقش پی در پی خورشید روی کاشی است. حفاظ و در چوبی اش دارای ده بخش چهار گوش است و هر بخش از شبکه های ستاره ای گره آلت جعفری پدید آمده و در چند سال پیش بازسازی شده اند. این سقاخانه دارای آب لوله کشی شهری است و زیر شیر آب، سنگاب کوچکی برای آب خروجی، روی زمین دیده می شود. روی سنگاب مشرف بر زمین، کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته به سنگ پارسی به شرح زیر نوشته شده و برخی واژه ها ناقص و از میان رفته اند که همان گونه در اینجا آورده می شوند:

یک بارگاه گشت این سنگ وقف شاه مظلومان حسین: آنکه باشد قاتلش در هر دو عالم رو سیاه***از دل سنگ آه بر می خیزد از قتل حسین.../ ت ز آب او عمر ابد زان رو

که هست آب*** حیوان پیش او بی قدرتر از خاک راه

سقاخانه مجاور درب امام

در انتهای کوچه ای که صحن شمالی آرامگاه را به کوچه مجاور آن مربوط می نماید بر دیوار رو به روی کوچه، سقاخانه ای کوچک است که دارای سردر کاشیکاری با نقش ستاره چهار پر آبی رنگ است و حفاظی از آهن به رنگ آبی دارد. کتیبه سنگاب آن به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی بدین شرح است: (وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمودند. این سنگ آب را ورثه مرحوم حاجی حیدر به این مشروط که در امامزاده زین العابدین در جنب خانه کمترینان باشد به تاریخ غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۷).

سقاخانه مسجد حکیم

رو به روی در شرقی مسجد حکیم، سقاخانه ای با دو لنگه در ارسی مشبک چهار گوش جعفری وجود دارد و دارای آب لوله کشی شهری است. درونش دارای یک حلقه چاه آب در عقب و منبعی در میان است که آب از این منبع به دو سنگاب چهار گوش می ریخته است. بر هر دو سنگاب نوشته هایی دیده می شود. ولی نوشته های سنگاب سمت چپ ساییده شده و آنچه را که می توان خواند چنین است: بنوش آبی و لعنت حق بر یزید کن (وقف حضرت امام حسین). همچنین نقش متقارن دو شیر رو در رو در پایین دیده می شود. کتیبه سنگاب سمت راست به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی به این شرح است: (وقف حضرت عباس ابن علی نمود حاجی محمد اسماعیل ولدان علاف ولد مرحوم مغفور آقا محمد مهدی علاف به تاریخ یوم جمعه ۲۶ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴۳).

سقاخانه هارونیه

نرسیده به مسجد علی، در خیابان هارون ولایت سقاخانه ای است که نمای در و پنجره گره چین شده و زیبایی آن نگاه بیننده را به خود میخواند. در میان هر سه در ارسی و پنجره بزرگ بالای آن خورشید (شمسه) از گره های چوبی به چشم می خورد. بر بالای پنجره یک رشته کاشی گل و بوته دار با شعار (یا ابوالفضل العباس) در میان آن دیده می شود و بر پیشانی طاق نمای سقاخانه لوحه هایی از اشعار به خط نستعلیق روی کاشی به شرح زیر است و بخشهایی از آن فرو ریخته است:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان یا ابا عبدالله

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا یا ابا

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید یا اباعبدالله

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا یا اباعبدالله

زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد یا اباعبدالله

فریاد العطش ز بیابان کربلا یا ابا عبدالله

این سقاخانه از آب لوله کشی شهری برخوردار است و دور داخلش را با کاشی سفید، بهداشتی ساخته اند و جای دود زده چند شمع، روی دیوار پیداست و سنگاب آن در کف قرار دارد. در و پنجره این سقاخانه نمونه بسیار زیبایی از هنر گره چینی (آلت گره دوازده) است که تاکنون سالم مانده است.

سقاخانه درب کوشک

در جوار مدرسه علمیه درب کوشک، در سمت چپ آن، سقاخانه کوچکی قرار گرفته که چهره گذشته اش را حدوداً از دست داده است. بدین گونه که جلو آن را تا نیمه دیواری کشیده و با کاشیهای سفید، بهداشتی و امروزیش ساخته اند. چرکی زیادی روی کاشیهاست و نیمی از آنها ریخته اند. شیر آبی از دل کاشیها سر بیرون کرده و لیوانی با طناب به در آن بسته اند. از گذشته این سقاخانه، کاشیکاری شطرنجی با رنگهای آبی و سیاه و سفید و دولچکی طرفین سردرش به اضافه در و پنجره ارسی پنج و هفت کند مشبک گره دوازده است که در میان پنجره، خورشید (شمسه) زیبایش به چشم می خورد.

سقاخانه بید آباد

در نبش سه راهی بازار بیدآباد که همجوار مسجد سید است سقاخانه بزرگی وجود دارد که بیش از هر چیز نمای بیرونی اش قابل توجه است. حفاظ پهن گره چین دوازده و سبز رنگ چوبین آن با سه لنگه در ارسی در فضای بازار خود را نمایان ساخته و خورشیدهای بزرگ و کوچکش با رنگ سفید از زمینه جدا گشته اند. بخشی از گره چین ارسی سمت راستی خراب شده که با تکه ای حلبی آن را پوشانده اند. بر بالای سر در سقاخانه یک چراغ مهتابی جا دارد. این سقاخانه دارای آب لوله کشی شهری است.

سقاخانه حاج محمد جعفر

این سقاخانه در بازارچه حاج محمد جعفر، نزدیک مسجدی به همین نام و در خیابان عبدالرزاق واقع است. در سالهای اخیر ستونهای طرفین آن به سنگ نما زینت یافته و پیشخوان آبریزش دارای کاشی بهداشتی گردیده و به شیر آب لوله کشی شهری مجهز شده است. بر پیشانی این بنا، طره های چوبی نزدیک تیزی نهاده شده و پایین تر از آن نقش پی در پی (ریتمیک) از مقرنسهای چوبین جا گرفته است. زیر مقرنسها، پنجره مشبک بزرگی از هنر گره چینی دوازده یا چهار خورشید (شمسه) هست

و در پایین آن پنج در ارسی کوچک جا دارد که هر کدام دارای دو خورشید است.

سقاخانه قصر در دشت

این سقاخانه در نزدیک قصر قدیمی در دشت از سوی خیابان عبدالرزاق قرار دارد و تنها سقاخانه آینه کاری در اصفهان است. دولچکی سر در سقاخانه مزبور از نقوش اسلیمی و گل و بوته روی کاشی با دو لوح (یا قمر بنی هاشم) است و در محل پیوند دولچکی، لوحه (الله) جا گرفته. حفاظ چوبی سقاخانه از گونه گره چینی چهار گوش جعفری است و بر بالای آن، نشان پنجه خودنمایی می کنند. درون سقاخانه، دیوار رو به رو را از نیمه به بالا، با هنر آینه کاری زیبا ساخته اند و دو چراغ مهتابی که بر سقف نورافشانی می کند موجب درخشش بیشتر فضای سقاخانه گشته، همچنین چند چراغ لوستر نیز از سقف آویزان است و چند گل پلاستیکی در گلدانی کنار دیوار است. علی رغم آنچه که سقاخانه را قدیمی و سنتی می نمایاند با این حال دارای زرق و برق ویژه ای است. این سقاخانه دارای آب لوله کش

شهری است.

سقاخانه گرگ یراق

این سقاخانه در محل بازارچه در تکیه واقع است و با سقاخانه حاج محمدجعفر، تفاوت چندانی ندارد. جز اینکه ویران تر شده و از درونش همچون انباری برای حفظ خرت و پرت کاسبان محل استفاده می شود. این سقاخانه دارای شیر آب لوله کشی شهری است و در و پنجره اش از هنر گره چینی دوازده، برخوردار است.

سقاخانه گذر هارونیه

در گذرگاه چهارسویی که در گذشته یک راهش به صحن امامزاده هارون ولایت گشوده می شده و اکنون در آن بسته است. سقاخانه کوچک و رو به ویرانی وجود دارد که بیشتر از هر چیز انبار کوچکی برای کاسبان محل به حساب می آید، چرا که گونی خرت و پرتهای خود را در آن نگاهداری می کنند. بر سر در آن طره هایی از آجر و کاشی نصب شده و حفاظ چوبی اش از سوراخهای چهارگوش جعفری هنر گره چینی تشکیل یافته و بر دیوار رو به رو عکسی از حضرت علی علیه السلام قرار دارد. همچنین بشکه ای بی آب در آن دیده می شود. گفته می شود که امامزاده هارون ولایت در گذشته دارای سقاخانه اصلی بزرگی، در پشت آرامگاه مشرف بر خیابان هارون ولایت بوده که با گذشت زمان کم کم از میان رفته و تنها اثر مانده از آن، سنگ نوشته دود زده و شکسته ای است که در پای دیوار پیداست و به خط نستعلیق برجسته دو مصراع ناخوانا از دوبیت شعر روی آن دیده می شود.

سقاخانه حاج علی

سقاخانه مزبور در بازار غاز، واقع در ضلع شمال شرقی سبزه میدان است. مسجدی کوچک با سقاخانه ای کوچک در کنارش که اکنون دیگر کاربردی ندارد و در سالیان پیش در و دیوار آن را سنگ کاری و بازسازی نموده اند. حفاظ چوبی اش دارای شبکه های چهارگوش جعفری هنر گره چینی به رنگ آبی فیروزه ای است و در ارسی ساده ای دارد. درونش پر از گرد و خاک است و بر دیوارش دو قاب عکس نصب شده یکی شمایل حضرت محمد صلی الله

علیه و آله در قابی شکسته و گردآلود و دیگری قابی دارای تصویر پنجه دستی با چشم و ابرویی در کف و شعار (یا حافظ) در زیر آن است. اطراف پنجه را دو نام (الله) و (محمد) با آیاتی از قرآن فرا گرفته که هر دو نمونه ای از هنر گرافیک سنتی در کار پوسترسازی کشور ماست.

سقاخانه آقا نور

این سقاخانه در دالان مسجد آقانور قرار گرفته است و در سالهای اخیر به شکل سنتی بازسازی شده و مصالحی که در نمای بیرونی اش به کار رفته عبارت از کاشی و آجر است. این بنا دارای در ورودی در میان و دو پنجره در طرفین است. در بالای خود نورگیری به گونه پنج و هفت کند دارد. پنجره ها و نورگیر، مشبک هستند و در لچکی های در و پنجره ها نقوش هندسی خورشید (شمسه) قرار دارد. این سقاخانه آب لوله کشی شهری دارد، ولی جریان آبش را بسته اند.

سقاخانه ترکها

در محله دربکوشک نزدیک مسجد ترکها سقاخانه ای است که چهره قدیمی و سنتی ندارد ولی نگاه و اندیشه بیننده رهگذر را به خود میکشاند. پیش از هر موضوعی، درخت آن است که از کف سقاخانه به بیرون و بالا خزیده و از میان پنجره آهنینش گذشته است. آنچه را که از درون این سقاخانه باید نام برد بدین قرار است: نقاشی دیواری عام شامل مردی سوار بر اسب است با چهره ای پوشیده و شمشیری به دست و نقش دیگری از اسب پرنده با سر آدمی که بیشتر از رنگهای ماشی، سبز و آبی فیروزه ای به کار رفته و بوته هایی بر زمین رویده اند. قاب شیشه ای شمایلهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام با امام حسن و حسین علیه السلام و درویشی در پشت آنان و شیری لمیده در پیش و چشم اندازی از درختان نخل در کنار آب و حضرت رضا علیه السلام در کنار بارگاه خود، قاب دیگری از شمایل حضرت علی علیه

السلام با پرتوی گرد سر، به رنگ سیاه بر کاغذ سفید، قابی پر از تصاویر کوچک از ائمه و در گوشه ای نقش برجسته ای (رولیف) از گنبد و دو منار به رنگ طلایی قرار دارد. این سقاخانه آب لوله کشی شهری دارد.

سقاخانه مسجد سید

بر نمای دیوار سمت راست درب اصلی مسجد سید دریچه چوبینی نهاده اند و شیر آبی زیر آن است و بیشتر نمایی از یک سقاخانه است، نه خود سقاخانه. این دریچه در پایین اسپر کاشیکاری شده ای قرار گرفته و پیش از همه نقوش و رنگهای اسپر، گيرایی دارد که در واقع دنباله همه تزیینات نمای مسجد است. زمینه اسپر کاشیکاری به رنگ سبز فیروزه ای است و از طرفین دریچه سقاخانه دو پیچ اسلیمی به بالا رفته و در میان اسپر، نقش گل ماندی به رنگ زرد قرار گرفته و در بالای آن لوحه ای به شعار (یا ابوالفضل العباس) خوانده می شود. ادامه حاشیه اسپر همچون قاب زیبایی به سه پهلوی دریچه سقاخانه کشیده شده است. این سقاخانه از آب لوله کشی شهری سود می برد.

سقاخانه تاج الدین

این سقاخانه کوچک و از کار افتاده در کنار مسجدی به همین نام در خیابان ولیعصر نرسیده به سبزه میدان واقع شده و در و پنجره اش از هنر گره چینی چهار گوش جعفری زینت یافته است. این سقاخانه نمونه ای از سقاخانه های همانندی است که در پهنه شهر اصفهان دیده می شود و نکته قابل توجه و تازه ای برای گفتن ندارد. تنها برای آگاهی بیشتر خوانندگان گرامی به آن اشاره شده است.

سقاخانه مسجد لبنان

در ضلع شرقی مسجد لبنان سقاخانه ای قرار دارد که چهار گوشه آنرا چهار ستون گرد از سنگ پارسی جا گرفته و سقفش روی آنهاست. این سقاخانه دارای چهار سنگاب است. دو تا گرد و دو تای دیگر بزرگ و چهار گوش است. بر سنگابی که بر جاده مشرف است اشعاری که به خط نستعلیق برجسته حجاری شده و به شرح زیر خوانده می شود:

تشنه فیض حق محمد خان که به کامش شراب جنت باد

کرد این سنگاب را خیرات که بر او صد هزار رحمت باد /

از دم حضرت امام حسین روی او سرخ در قیامت باد

دارم امید ازهری که به حشر کوثر او را نصیب و قسمت باد /

بهر تاریخ چون بنوشی آب گو به ریش یزید لعنت باد

یک فرد شعر نیز جدا از اشعار بالا حجاری شده که در زیر می آید:

یک جرعه هر که نوشد زین حوض آب رحمت

گفت از برای تاریخ بادا به شمر لعنت /

سقاخانه مسجد ذکراالله

این سقاخانه که اکنون اثری از آن نمانده در سمت راست، متصل به مسجد قرار داشت و در تابستان ۱۳۶۵ خورشیدی برای دگرگون کردن و بازسازی بنای مسجد دستخوش ویرانی شد و گویا جای آن سقاخانه کوچک و غیر سنتی دیگری خواهند ساخت. آنچه در عکس آمده خود گویای احوال آن است و دیگر اینکه در و پنجره آن از هنر گره چینی آلت گره چهارقل بوده و از آب لوله کشی شهری بهره مند بوده است.

سنگابها

تاریخچه

در ایران بعد از اسلام سقاخانه و سنگاب و هر وسیله دیگری که مردم تشنه را سیراب نماید، تقدّس داشته است. مردم خیراندیش ابتدا ظروف پر آب را روی زمین و در هوای آزاد و سایه درختان کهن و طاق نماها قرار می دادند تا تشنگان آبی بنوشند و سیراب شوند. تشنگان نیز، بعد از سیراب شدن سلامی بر حسین ابن علی علیه السلام و اهل بیت او - که در کربلا آب را به روی آنها بسته و آنها را با لب تشنه شهید کرده بودند - می فرستادند. اما کم کم محلی به نام سقاخانه ساخته شد، که عبارت بود از اتاقی کوچک که در وسط آن مخزنی از آب قرار داشت. اطراف آن برای جلب توجه یا نذورات مردم، شمع روشن می کردند. در قسمت دیگر سقاخانه، چاه آب، با چرخه چپ (چرخ چاه یا دولاب) و دلو و طنابی جهت پرکردن مخزن آب بود. روی دیوار بعضی از سقاخانه ها تمثال ائمه به خصوص حضرت ابوالفضل علیه السلام، در حال آوردن آب از فرات و جنگ با اشقیا به تصویر کشیده می شد. در بعضی سقاخانه های بزرگ و معروف، مرد سقا که حکم

متولی سقاخانه را داشت، با عبایی بر دوش و قبایی به تن و شال سبزی بر کمر و عرقچین سبز بر سر و تسییحی در دست، در کنار سقاخانه می ایستاد و برای مردم که به منظور نوشیدن آب به سقاخانه می آمدند شمع روشن می کرد. معتقدین نیز تکه پارچه ای به پنجره های مشبک سقاخانه گره می زدند تا دعایشان مستجاب و مشکل شان حل شود. مرد سقا، گاهی روضه هم می خواند و عده ای هم گریه می کردند و مرد سقا در ازاء این کار مبالغی دریافت می داشت. ظرفی که در سقاخانه ها به عنوان آب خوری برای نوشیدن آب استفاده می شد، یک کاسه نسبتاً پهن لبه دار برنجی بود که در وسط آن یک دست کوچک نصب شد بود. روی انگشتهای دست و در کنار کاسه برنجی ادعیه ای حک شده بود. دست وسط کاسه، یادآور دست حضرت ابوالفضل علیه السلام بود که در کربلا و هنگام آب آوردن برای اطفال امام حسین علیه السلام و یارانش قطع گردیده و سمبل تقدس و فداکاری است. فروشندگان دوره گردی هم در کوچه و بازار با مشک پرآبی زیر بغل و کاسه سقایی به دست، آب می فروختند. بسیاری از مغازه دارها یا صاحبان منازل در روزهای گرم تابستان ظرف آبی را که از قالبهای یخ پر شده بود، جلو منزل یا مغازه خود می گذاشتند تا رهگذران تشنه، از آن بنوشند و واقف را با دعا، به ثوابی برسانند. ظروف این سقاخانه ها با زنجیری به مخزن متصل شده بود. در شبهای جمعه تعداد این سقاخانه ها بیشتر می شد زیرا معتقد بودند شب جمعه هر کار خیری ثواب بیشتری دارد. در بعضی شهرستانهای کویری و یا شهرهایی که منابع زیرزمینی آب

آن بسیار عمیق است و نمی توانند از چاه استفاده نمایند. آب انبارهایی می ساختند که آن را در فصل زمستان از آب باران و در مواقع دیگر از آب مادیها و جویها و قنوات و چاه هایی که با تلمبه یا موتور پمپ کار می کرده، پر می کردند و مردم از آن استفاده می نمودند. تا چندین سال قبل در تهران هر خانه برای خود آب انباری داشته که با وضع نامطلوب و غیر بهداشتی، هر چند گاه یک بار پر می شد و به مصرف روزانه می رسید. این آب انبارها عموماً آلوده و مرکز میکرب و کرم بود. پس از آنکه لوله کشی آب تهران به پایان رسید مردم از این مصیبت عظیم آسوده شدند. از زمان صفویه در بناها و مساجد معظم و مهم و متعددی که ساخته می شد سنگابه های زیبایی به شکل کاسه کعب دار بزرگی تعبیه می شد که هم ارتفاع و هم قطر بعضی از آنها بیش از یک متر بوده است. سنگابه از سنگهای حجاری شده ای ساخته می شد که نقوش و اشعار با مسما و زیبایی روی آن نقش بسته بود. این سنگابه های هنری و زیبا پر از آب زلال و خنک بود. و هر نمازگزار و تازه واردی را سیراب می نمود. کاسه فلزی کوچکی که نقوش و خطوط زیبایی بر آن نقش بسته بود، روی سنگاب قرار داشت. روی اکثر سنگاب ها با خط خوش این مصرع به چشم می خورد: «آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن.» اگرچه به علت بهداشتی نبودن سنگابه ها و لوله کشی آب، بیشتر سنگابه ها از بین رفته ولی هنوز تعدادی از آنها باقی است. از جمله: سنگاب مسجد سید: این سنگاب زیبا مربوط به دوران

فتحعلی شاه قاجار است و بر روی آن کتیبه ای جامع و مفصل نوشته شده است. سنگاب مسجد رحیم خان: این سنگاب که از سنگ یکپارچه ساخته شده در ایوان جنوبی مسجد مذکور قرار دارد و کتیبه ای با خط خوش نستعلیق روی آن نقش بسته است. سنگاب مسجد آقا میرزا هاشم: این مسجد در چهارسوق شیرازی ها واقع است. سنگاب آن دارای کتیبه ای با خط خوش نستعلیق است و این شعر بر روی آن نوشته شده است: «آب در کرب و بلا- ای قوم بد اختر نبود؟ یا حسین تشنه لب فرزند پیغمبر نبود؟» سنگاب سردر مقبره مجلسی: سنگاب زیبایی است و کتیبه ای دارد که نام واقف آن- آقا ذوالفقار ولد آقا نصیر- روی آن حکاکی شده و مربوط به سنه ۱۰۹۳ ه. ق است. سنگاب مسجد جامع: سنگاب دیگری مجاور بقعه مجلسی وجود داشته که بر اثر مرور زمان و بی توجهی نیمی از آن شکسته است. قطر دهانه این سنگاب بزرگ و منقوش ۱۵ / ۱ متر می باشد و این سه مصراع شعر در بدنه سنگاب با خط ثلث به چشم می خورد: کرد وقف شاه مظلومان حسین ابن علی هر که نوشد آب گوید لعن بر ابن زیاد شد تمام این جام در عهد شه ایران صفی سنگاب بقعه درب امام: این سنگاب زیبا دارای کتیبه ای است به خط نستعلیق که واقف آن را ورثه حاج حیدر ذکر کرده است او این سنگاب را وقف امام حسین علیه السلام نموده و تاریخ آن سال ۱۱۱۷ ه. ق معین شده است. سنگاب تالار تیموری: تالار تیموری که پیش از انقلاب باشگاه افسران و فعلاً موزه آثار طبیعی است، در

جنوب خیابان سپه قرار دارد. سنگاب نفیسی زینت بخش یکی از باغچه های آن است که این اشعار با خط نستعلیق روی آن حکاکی شده است:

یافت توفیق ز رب متعال باغبان شه دارین کمال

کرد آراسته جامی ز رخام که شود بهره ور از کوثر و جام /

تا خورد آب از آن تشنه لبی گردد آمرزش آن را سببی

«باغبان» گشت سنه جام کمال چون شد از آب بقا مالمال /

سنگاب مسجد محلّه نو: این سنگاب در سال ۱۲۷۶ ه. ق وقف مسجد گردیده و در کتیبه آن نوشته شده است: «عمل حسین فرزند رضا». سنگاب مسجد قطیبه: این سنگاب زیبا در مسجد قطیبه، در خیابان طالقانی واقع است و این شعر با خط نستعلیق روی بدنه آن نوشته شده است: از ره احسان نمود وقف به دوران دختر باقر ز ساکنین صفاهان وقف ابوالفضل کرد سنگابی تا که شود سر فراز حضرت سبحان هر که خورد آب خوشگوار، نماید لعن فراوان به قاتلان شهیدان سنگابهای امام زاده اسماعیل: در این امام زاده دو سنگاب نفیس وجود دارد که اطراف آن با کاشی های هفت رنگ ساخته و تزئین شده و در کتیبه آن نام «شاهپری» بنت حاج میرزا علی گزی و سنه ۱۰۴۹ هجری به چشم می خورد. این کتیبه، برجسته و به خط ثلث است. سنگاب ها هر دو از ریک ساخته شده و یکپارچه هستند. اما بر اثر حوادث طبیعی و یورش بیگانگان ترک خورده اند که بعدها تعمیر شده اند. سنگاب مسجد حکیم: مسجد حکیم از مساجد معظم اصفهان و گنجینه ای از آثار خطوط اسلامی است، این مسجد دارای سنگاب های زیبا و قابل توجهی است که یکی از آنها را حاجی نصرت

- از خواجه های حرم شاه عباس صفوی - وقف نموده که اشعاری هم بر روی آن نقش بسته است. سنگاب دیگر را شخصی به نام آقا رحیم وقف حضرت امام حسین علیه السلام نموده است. سنگابهای مدرسه میرزا حسین: این مدرسه در بیدآباد واقع شده و سنگاب آن را شخصی به نام حاج محمدکاظم وقف نموده. در کتیبه آن مشخص شده که ساخت آن عمل استاد محمدحسین، فرزند استاد محمد حجار بوده و در سنه ۱۲۷۵ شمسی ساخته شده است. سنگابهای مدرسه چهارباغ: در مدرسه چهارباغ دو سنگاب نفیس و بسیار زیبا وجود دارد. یکی در مقابل ایوان جنوبی قرار گرفته که بسیار زیبا و قدیمی است و از کتیبه آن چنین بر می آید که از جای دیگر به این محل انتقال داده شده است. سنگاب دیگر که از نفاست و زیبایی هنرمندانه ای برخوردار است، در وسط سرسرا و پشت در ورودی قرار دارد. این سنگاب کتیبه ای به خط خوش نستعلیق دارد که شامل صلوات بر چهارده معصوم می باشد. تاریخ آن ۱۱۱۰ ه. ق و سازنده آن محمدطاهر مشخص شده است. سنگاب مسجد خوزان: قصبه خوزان در سده اصفهان قرار دارد که یکی از سه دهی است که سده را تشکیل می دهند. این قصبه دارای مسجد معظمی است که سنگاب زیبایی در آن ساخته شده و تنها کتیبه مسجد نیز روی سنگاب آن نقش بسته که نام واقف را حاجی حیدر و تاریخ آن را ۱۱۰۸ ه. ق قید کرده است. سنگاب مدرسه صدر: این سنگاب نفیس را حاجی محمد ابراهیم در سنه ۱۲۷۵ وقف اباعبدالله حسین علیه السلام نموده و با خط خوش نستعلیق

این بیت را بر روی آن نقش کرده اند: می نوش آب و لعنت حق بر یزید کن جان را فدای مرقد شاه شهید کنسنگابهای مسجد امام: در این مسجد بی نظیر چندین سنگاب نفیس از سنگ مرمر و سنگهای یکپارچه دیگر به چشم می خورد. در بین سنگابهای آنجا سنگاب سرسرای مدخل و سنگاب چهلستون مسجد واقع در مغرب گنبد بزرگ و سنگابهای مرمر واقع در وسط گنبدهای شرقی و غربی و سنگاب واقع در چهلستون غربی گنبد از همه سنگابها نفیس تر و بزرگتر است. یکی از آن سنگابها دارای کتیبه ای بسیار زیبا با خط نستعلیق است که اشعار زیر بر روی آن نقش بسته است و مصراع دوم آخرین بیت ماده تاریخ سنگاب است.

چون به فرمان سلیمان زمان شاه جهان

آنکه باشد فلکش از مه نو حلقه به گوش /

شاه جم جم کز آوازه آب تیغش شد

به کانون جهان آتش بیداد خموش /

گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام

که ز هم چشمی او جام جم آمد به خروش /

چون به یاد شهدا آب خوری می گوید لب باز

قدح او که به جان بادت نوش /

فکر سامی پی تاریخ به هر سو می گشت

گفتمش زمزمی از کعبه ثانی زده جوش /

علاوه بر سنگابهای فوق بسیاری از سنگابهای نفیس دیگر نیز در اصفهان بوده که بر اثر بی توجهی و یا هجوم بیگانگان از بین رفته است.

شیر سنگها

تاریخچه

آداب و سنن هر ملتی فلسفه خاصی دارد، اگر آن ملت علاوه بر قدمت از فرهنگ متعالی نیز برخوردار باشد آداب و سنن آن بس ارزنده و آموزنده است. یکی از سنن باستانی مردم اصفهان که گویا از عشایر و به خصوص عشایر بختیاری سرچشمه گرفته است، نصب شیر سنگی

روی قبور بعضی از اشخاص بوده است که امروز دیگر متداول نیست. این رسم کهن از این قرار بوده که اگر پهلوانی یا مرد صاحب نامی یا انسان فداکار و خیری که در جنگاوری یا تیراندازی و سوارکاری شهرت و مقامی داشته، می‌مُرد، پس از مرگ، روی قبر او نسبت به اهمیت و ارزش متوفی، سنگ زیبایی به شکل شیر که سمبل شجاعت و مردانگی است، تراشیده و نصب می‌کردند. تا چندی پیش در قبرستانهای عشایر ایران به خصوص در منطقه بختیاری، شیرهای سنگی کوچک و بزرگ بسیاری دیده می‌شد که ابهت و جلوه خاصی به گورستان می‌داد. علاوه بر عشایر، در بعضی از شهرها نیز این رسم معمول بود، از جمله در اصفهان نیز شیرهای سنگی بسیار زیبایی در گورستان تخت فولاد، بر روی قبور بعضی از پهلوانان نامی نصب بوده، ولی در اواخر قاجار که بسیاری از سنگهای بزرگ و زیبای قبور تخت فولاد را جهت مرمت پل خواجه به آنجا آوردند، بعضی از این شیرهای سنگی را نیز از مکان اصلی خارج کردند. یکی از آنها، همان مجسمه شیر سنگی است که هم اکنون در جنوب پل خواجه مستقر است. از مهمترین شیرهای سنگی اصفهان که به غنیمت نرفته است، شیرهای سنگی زیر را می‌توان نام برد: ۱- شیر سنگی محله درب کوشک: طول این شیر یک متر و هشتاد سانتیمتر و ارتفاع آن یک متر و بیست سانتیمتر بوده و از سنگ یکپارچه تراشیده شده بود. این شاهکار هنری در سال ۱۰۸۶ هجری ساخته شده بود اما هنگامی که می‌خواستند این شاهکار حجاری را جهت نمایش به سقف بازار قیصریه آویزان نمایند زمین

خورد و شکست. ۲- شیر سنگی امام زاده اسماعیل که بسیار دیدنی و قابل توجه است. ۳- شیر سنگی امام زاده احمد که در دروازه حسن آباد قرار دارد. ۴- شیر سنگی آب بخشان هم سوابق تاریخی دارد. ۵- شیر سنگی سنی فاطمه بسیار قابل توجه بوده است. ۶- دو شیر سنگی کوچک و بزرگ در شاه امیر حمزه هنوز خودنمایی می کنند. ۷- شیر سنگی طوقچی از نظر عظمت و زیبایی قابل توجه بوده است. در خاتمه به مناسبت اینکه اساساً شیر سنگی نماد پهلوانی است، نام بعضی از پهلوانان افتخار آفرین را یاد آور می شویم:

۱- پهلوان حسین مارنانی ۲- ملاباقر، مشهور به دیو سفید اصفهانی ۳- محمد غلاف گر لبنانی اصفهانی ۴- علی عسگر بیک طوقچی باشی ۵- حاجی عشور لرشیرانی ۶- دایی کثیر هفت ۷- آقای بختیاری ۸- جعفر بیک قمشه ای ۹- محسن بیک سمیرمی ۱۰- براتعلی بیک ۱۱- عطارباشی لبنانی ۱۲- شیرمحمد بیک لنجانی ۱۳- شاهوردی بیک جرقویه ای ۱۴- داراب بیک قهابی ۱۵- سمندر بیک چهارمحالی ۱۶- طهماسب خوزانی ۱۷- رستم بیک فروشانی ۱۸- جعفر علی بیک ورنوسفادرانی ۱۹- زبردست بیک فریدنی ۲۰- گودرز بیک جئی ۲۱- رحمان بیک گزی ۲۲- میرابراهیم بیک برخواری

فیلمی هم به نام شیرهای سنگی به کارگردانی آقای مسعود جوزانی ساخته شده که بسیار قابل توجه است.

گرما به ها

تاریخچه

در ایران قبل از اسلام نظافت و استحمام اهمیت خاصی داشته و عموم ایرانیان، خود و فرزندان خویش را پیوسته با شست و شو و استفاده از مواد معطر تمیز و خوشبو نگه می داشتند. اسلام نیز نظافت را از ایمان می داند و به تشویق و تمجید مردم و تعریف نظافت می پردازد. به همین مناسبت در ایران همیشه حمّام از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نه تنها جهت نظافت و تطهیر از آن استفاده می شد، بلکه طبق آداب و سنن رایج، در بسیاری از موارد دیگر نیز

مورد استفاده قرار می گرفته که به اختصار برخی از این مراسم را شرح می دهیم: مراسم حمّام زایمان: عوام آن را «حمام زالون» می گویند و عبارت از آن است که در دهمین روز زایمان، زائو به اتفاق چند نفر از بستگان نزدیک، طی تشریفات به حمّام می رفت، در این روز قبلاً حمّام را تزئین نموده گل و گلدان، چراغ و آئینه می بستند و شیرینی و شربت می دادند، اسفند و کُندر دود می کردند. اگر زائو از خانواده های متمول بود، حمّام را قرق می نمودند تا غریبه در جمع نیاید. آنگاه با آداب خاصی زائو را شسته و با داروهای مقوی و معطر بدن او را مالش داده، سپس با صابون معطر شست و شو می دادند. آنگاه با شعر و آواز و موسیقی و هلله و شادی زائو را به سر بینه آورده به رقص و آواز و خوردن و نوشیدن می پرداختند. اسفند دود می کردند و پس از آن، زائو و همراهان با نشاط و شادی در حالی که چادرهای سفید گلدار بر سر داشتند، روانه منزل می شدند. در منزل دوباره رقص و پایکوبی می کردند و همه به صرف ناهار می پرداختند. خانبدان: این مراسم قبل از شب زفاف انجام می گرفت، بدینگونه که بعضی از بستگان و دوستان داماد، او را به حمّام برده با مواد معطر شست و شو می دادند و دست و پای داماد را حنا می بستند یک ساعتی را به هلله و شادی سپری می کردند تا حنا رنگین شود. آنگاه مجدداً داماد را با صابونهای معطر شست و شو داده، لباس نو می پوشاندند و با رقص و آواز و آهنگهای دلنواز او را به خانه و در جمع مدعوین

که به همین مناسبت در منزل جمع شده بودند، می آوردند. نظیر همین کار، قدری مفصل تر برای عروس نیز انجام می شد. حمام عافیت: در قدیم بنا به تجویز پزشک، چهل روز بعد از بعضی بیماریها، مریض را جهت رفع کسالت ناشی از مرض، با دقت و احتیاط به حمام برده و با ملایمت خاصی شست و شو می دادند و طوری که مواظب بودند، بیمار در معرض باد قرار نگیرد، به خانه بر می گردانند. حمام شب عید: حدود یک هفته قبل از تحویل سال نو و مراسم نوروز حمامهای عمومی به صورت شبانه روزی اداره می شد. در این هنگام از سال جمعیت زیادی از مردم خرد و کلان به صورت دسته جمعی وارد حمام می شدند و به استحمام و نظافت می پرداختند و دست و پایشان را حنا می بستند و به استقبال نوروز باستانی می رفتند. تطهیر در روزهای سوگواری: در این روزها گروه زیادی جهت تطهیر به حمام رفته، پس از انجام شست و شو در مراسم تاسوعا و عاشورا، تعزیه و عزاداری و مراسم مذهبی دیگر شرکت می کردند. علاوه بر حمامهای عمومی، حمامهای خصوصی نیز وجود داشته که جهت اطلاع بیشتر به شرح هر یک و همچنین توصیف ساختمان حمامها می پردازیم: حمامهای خصوصی اصفهان: بعضی از متمولین و روحانیون ثروتمند مانند سلاطین و شاهزاده ها و درباریان و امام جمعه ها در منازل خود حمام اختصاصی داشتند که نظر به سلیقه و امکانات مالی از نفاست و معماری خاصی برخوردار بود. این حمامها دارای سنگهای مرمر رنگی، حوض های هندسی از سنگ یشم و مرمر و ساختمانی محکم و سنتی بوده است. اطراف حمام با نقاشیهای زیبایی تزئین می شد. کف حمام با

سنگهای زیبا و گرانبه پوشیده شده بود و از هر جهت زیبا و نفیس و بهداشتی بود. آب این حمامها از چاه تأمین می گردید و بسیار تمیز و زلال بود. برای گرم کردن آب، در «کوره» یا «تون» یا «گلخن» این حمامها چوب و هیزم می سوزاندند. حمامهای عمومی: این نوع حمامها که مورد استفاده عامه مردم بوده، نظر به امکانات مالک یا واقف و معمار آن از نظر وسعت و سبک معماری و مصالح ساختمانی به سه نوع عالی، متوسط و معمولی تقسیم می شده ولی از نظر ساختمانی و اسلوب دارای قسمتهای مشخص و معینی بود. ساختمان حمام: به طور کلی از چهار قسمت تشکیل می شود: راهرو یا پله های ورودی- محوطه سرینه- راهرو حد فاصل بین سرینه - گرمخانه، فضای گرمخانه حمامها عموماً جهت گرم بودن در زمستان و خنک بودن در تابستان و همچنین سوار شدن آب جاری در مخازن آن، چند متر پایین تر از سطح زمین ساخته می شده است. بعضی از آنها به قدری داخل زمین فرو می رفته که سقف آن مساوی سطح زمین بوده است. اما این نوع حمامها بهداشتی نبود و تنفس را مشکل می نمود و به قول عوام، «دم» داشته است. فضای سرینه: این فضا در دو سطح ساخته می شده است. سطح اول پایین تر و همسطح و متصل به در راهروی ورودی بود وسط این فضا حوض و فواره و پاشویه، می ساختند و اطراف حوض کوزه های گل و قلیانها و بطرهای لیموناد یا شیشه های نوشابه دیگر می چیدند و زیر درگاهی هایی که داشته مردم کفشهای خود را در آنجا قرار می دادند. در نزدیک در خروجی میزی قرار گرفته بود. پشت آن یک تخت چوبی بود و تشکچه ای

روی آن قرار داشت که استاد حَمّامی «صاحب یا مالک» روی آن می نشستند و به حساب مشتریها رسیدگی کرده پس از دریافت پول، کف دست مشتریها گلاب می ریخت تا به صورت زده، صلوات گویان خارج شوند. در این محل یکی دو قفسه کوچک و بزرگ نیز قرار داشت که در قفسه کوچک بعضی لوازم استحمام، اعم از انواع صابونهای عطری و معمولی، کیسه، سنگ پا، شانه و غیره (و در این اواخر نیز شامپو و وسایل بهداشتی دیگر) جای داشت. در قفسه های بزرگتر، انواع حوله های نو و نیمدار و لُنگهای تازه و رنگ رو رفته و مستعمل، روی هم چیده شده بود. در سطح دوم یا بالاتر سر بینه، یک سکوی باریک و طولانی بود که به دیوارهای آن قفسه های متعدّد چوبی کوچکی تعبیه شده بود و عنوان رخت کن داشت قفسه ها هر کدام شماره و کلید مخصوص داشت. هر قفسه از سه قسمت تشکیل شده بود. قسمت فوقانی محل قرار گرفتن کلاه، قسمت وسطی محل قراردادن لباس و قسمت تحتانی جای کفش بود. در بدنه های دیگر دیوار سر بینه، نقاشیهای اسطوره ای و پهلوانی و مذهبی که به «نقاشی قهوه خانه ای» معروف است، ترسیم شده بود و عموماً اشعاری به مناسبت، با خط خوش بر دیوار حمام نوشته شده بود، از جمله آنها در بیشتر حَمّامها این شعر به چشم می خورد: هر که دارد امانتی موجود بسپارد به بنده وقت ورود که اگر شد در این مکان مفقود بنده مسؤل آن نخواهم بود در این قسمت از حَمّام چیز دیگری که به چشم می خورد، در زمستانهای برفی و بارانی تعداد زیادی لُنگ و حوله بود که روی طناب آویزان می شد تا

نم آن برداشته شود و برای استفاده گروه بعد، که وارد حمام می شوند، خشک باشند. خشک کردن لنگ ها در روزهای آفتابی، خارج حمام، کنار دیوار انجام می گرفت. گرمخانه: این قسمت که فضای اصلی حمام را تشکیل می داد، دارای قسمتهای زیر بود: در سطح هم کف، در مدخل ورودی به گرمخانه که کف حمام بود، با تخته سنگهای یکنواخت و زیبایی سنگفرش شده بود که عموماً دارای چند ستون سنگی و سقف گنبدی طاق و چشمه بود. در سقف هر طاق تعداد زیادی شیشه بود. در کنار سنگفرشهای کف حمام جویهای کوچک شیب داری فضای گرمخانه را از سنگ می ساخته که فضولات و آبهای اضافی را به خارج و فاضلاب حمل می کرد. نزدیک درب ورودی گرمخانه، حوض کوچکی پر از آب ولرم وجود داشت که تازه واردان پاهای خود را در آن شست و شو می دادند در بعضی از حمامهای بزرگ و مجلل قدیم استخرهای کوچکی وجود داشت. بعضی جوانها یا پیرمردان در آن آب بازی و شنا می کردند و پشتک و وارو می زدند که آن را چاله حوض می نامیدند. طول این چاله حوضها ۱۰ و عرض آنها ۴ متر بود و حدود دو متر نیز عمق داشتند. یک قسمت از کف حمام در قسمت فوقانی به شاه نشین شهرت داشته که اغلب سنگفرش آن صاف تر و مرغوب تر بوده و کسانی که رنگ یا حنا، بر ریش و دست و صورت خود می بستند چند ساعتی در این محل دراز کشیده یا خواب می رفتند تا سر و صورت، دست و پا، یا ریش حنا بسته و خضاب شده شان، رنگ بگیرد. مشتری وقتی وارد گرمخانه می شد پاهای خود را در

حوض دم در می شست، از دو سه پله بالا رفته، وارد «خزینه» می شد. خزینه ها مقابل درب ورودی گرمخانه ساخته می شد و برای بچه ها آب ولرم و برای بزرگترها آب گرم داشت. خزینه به صورت دایره یا بیضی و یا چند ضلعی ساخته می شد. قطر هر خزینه بین چهار الی هشت متر بود و عمقی کمتر از دو متر داشت. در گوشه خزینه محل قیفی شکلی وجود داشت که آن را «سلفدون» می نامیدند و آب دهان و بینی را در آن می انداختند تا به فاضلاب رود. پس از شستشوی تن و بدن و سر و صورت خود در این آب، از خزینه خارج می شدند و کف حمام می نشستند. پس از آن روی سکوهایی که کنار گرمخانه وجود داشت می نشستند تا کارگران آنها را صابون بزنند. شاعر معشوق خود را در این حالت چنین توصیف کرده است:

دوشینه به گرمابه دمی کردم

رو دیدم که نشسته صنمی غالیه مو /

مالیده به سیمین بدن خود صابون

مانند گلی که برف باریده بر او /

قبل از مراسم کیسه و صابون چنانچه مشتری نیاز به اصلاح ریش داشت روی سکوهای دور تا دور گرمخانه به تراشیدن ریش مشغول می شد. اما موهای زاید بدن را در اطاقکهای مخصوصی که در گوشه راهرو گرمخانه ساخته شده بود، با مواد مخصوصی ازاله می کردند. پس از صابون زدن با آبی که کارگران به روی آنها می ریختند، سر و تن را شسته و برای مرتبه دوم وارد خزینه می شدند و به شست و شو و تطهیر پرداخته، از خزینه خارج می شدند. کارگر حمامی با فریاد مخصوصی آمادگی مشتری را جهت خروج اعلان می داشت، آن گاه از سرینه، خشک کن های شخصی و

یا عمومی، که عبارت از دو عدد لنگ و حوله بود، متناسب با شخصیت مشتری و پولی که معمولاً می پرداخت، به او می پوشاندند و او از همان راهی که وارد شده بود، خارج می شد و به سرینه می رسید. در سرینه، ابتدا پای خود را در حوض می شست و در مقابل قفسه لباسهای خود روی حوله و یا لنگی که برای نشستن او انداخته بودند، می نشست، آن گاه اگر مشتری دست و دلبازی بود، کارگری جهت مِش و مال و رفع خستگی حَمّام، او را مِش و مال می داد. حَمّامهای عمومی بعضی مردانه و بعضی زنانه بود. برخی از آنها نیز سه روز در هفته مردانه و بقیه روزها زنانه بود. بعضی هم صبحها تا قبل از طلوع آفتاب مردانه و پس از آن زنانه می شدند اما سراسر روزهای جمعه مردانه بودند. بیشتر خانم ها لوازم حَمّام خود را که نسبت به تمکن مالی آنها، متفاوت بود، با خود می آوردند. حتی غذا و ترشی و میوه و تنقلات دیگر هم می آوردند. لوازم حَمّام خانمها عبارت بود از بقچه سفید و تمیزی که بقچه حمام گفته می شد و یک کارگر زن (کلفت) به نام بقچه کش، آن را به حَمّام می برد. در بقچه حمام علاوه بر حوله های متعدد، پارچه ای به شکل قالیچه برای نشستن در سرینه، بود. گاهی هم یک سینی مسی جهت نشستن روی آن، توی گرمخانه با خود می آوردند. لوازم دیگری هم مثل طاس و دولچه و پیه دان، آینه، شانه، سفیداب، سنگ پا، عطر و گلاب، صابون گل و کیسه و لیف و داروهای تقویت کننده مو و داروهای معطر و تلطیف کننده پوست که بر بدن می مالیده اند

و چندین قلم لوازم آرایشی دیگر داخل بقیچه بود، استحمام خانمها اغلب بین شش تا ده ساعت طول می کشید. کارگران حمام هر کدام در کاری تخصیص داشتند، از جمله: کیسه کش، صابون زن، مشت و مالچی، سر تراش، خشک بیار، پادو و کوره چی. همه آنها زیر نظر استاد حمام که صاحب حمام بود انجام وظیفه می کردند. روستاها هر کدام نسبت به جمعیت، دارای یک یا چند حمام زنانه و مردانه بودند که خانواده های روستایی در آن استحمام می نمودند و پس از یک سال هر خانواده به طور سرانه، مبلغی بابت پول حمام می پرداختند. معمولاً پول حمام به جای نقدینه، محصولات کشاورزی بود. پیروان ادیان مختلف هم هر کدام طبق آداب و سنن خود حمامهای جداگانه ای داشتند که ورود افراد متفرقه به آن ممنوع بود. حال که به طرز ساختمان و سنتها و طریقه استحمام آشنا شدیم، به شرح بعضی از حمامهای معروف و قدیم اصفهان می پردازیم:

لیست حمامهای معروف اصفهان

۱- حمام خان، قرن ۱۱ هجری ۲- حمام بیگدلی، صفویه ۳- حمام شاه، صفویه ۴- حمام شاه علی، قرن ۶ هجری ۵- حمام شاهزاده ها، صفویه ۶- حمام شیخ بهایی، صفویه ۷- حمام ساروتقی، صفویه ۸- حمام علیقلی آقا، صفویه (معماری ایران، محمدیوسف کیانی، جلد دوم) ۹- حمام خسرو آقا ۱۰- حمام خواجه ۱۱- حمام سنگ حمام چیت سازها، ۱۲- حمام ذوالفقار، ۱۳- حمام رستم خان ۱۴- حمام سیف الدین ۱۵- حمام میرزا روح الله ۱۶- حمام الله بیک، ۱۷- حمام شیخ لطف الله، ۱۸- حمام تراشها، ۱۹- حمام مشیرالملک ۲۰- حمام شیرعلی ۲۱- حمام کربلایی ۲۲- حمام ملاشمس ۲۳- حمام جوجی ۲۴- حمام وزیر ۲۵- حمام شورا ۲۶- حمام شیخ ۲۷- حمام آفاشیر ۲۸- حمام تیموریبیک ۲۹- حمام میر قاسم بیک ۳۰- حمام میرزا صدر جهان مستوفی الممالک ۳۱- حمام چلیپی ۳۲- حمام کمزرین ۳۳- حمام تخت ۳۴- حمام میرزا کوچک ۳۵- حمام میر آخور باشی ۳۶- حمام فراشباشی ۳۷- حمام

نقشیان ۳۸-حمام میرزافصیح ۳۹-حمام رخت شویان ۴۰-حمام میرزا صدر ۴۱-حمام خاصه تراش ۴۲-حمام میرزا باقر

۴۳-حمام میرزا اسماعیل

حمام خسرو آقا

این حمام در شمال شرقی خیابان سپه فعلی و در شمال میدان چهار حوض قدیم اصفهان قرار داشت. این حمام را یکی از خواجه سرایان سلاطین صفویه به نام خسرو آقا با اسلوب و استحکام خاصی ساخته بود. حمام خسرو آقا از نظر معماری و مصالح ساختمانی و وسعت، جزء بناها و آثار تاریخی محسوب می‌شد. آب مصرفی آن از چاه تأمین می‌گردید و هم سطح زمین ساخته شده بود و از نظر اکسیژن و بهداشت کمبود نداشت. از این حمام بسیار زیبا داستانهای جالبی به یادگار مانده است. چند سال قبل افرادی ناشناس (!) این حمام را شبانه با عنوان و بهانه تعریض خیابان خراب کردند، که هم از طرف مردم و هنرمندان و علاقمندان تاریخ و فرهنگ و آثار معماری ایران و هم از سوی سازمان یونسکو بسیار اعتراض و سر و صدا ایجاد کرد.

حمام شاه

این حمام در بازار اصفهان قرار دارد. اگرچه بانی و سازنده آن معلوم نیست اما از مجلل‌ترین و زیباترین حمامهای اصفهان بوده است. حمام شاه با سنگهای مرمر و کاشیکاریهای زیبا و نقاشیهای ارزشمند تزئین یافته است. در این حمام چاله حوضهایی جهت آب بازی و شنا وجود داشته که در حال حاضر هم وجود دارد، ولی چند سالی است که از آن استفاده نمی‌شود.

حمام علی قلی آقا

این حمام در محله بیدآباد، در کنار نهر «فدین» یا «فدن» قرار دارد و با اسلوبی خاص و مصالح عالی ساخته شده، به طوری که نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. در کنار حمام، مسجد و مدرسه‌ای به همین نام بنا شده و حمام وقف آنها گردیده است. در کنار آن حمام کوچکتری ساخته شده تا زن و مرد بتوانند هر دو از حمام استفاده نمایند.

حمام خواجه‌ها

این حمام در پشت مطبخ و جنب عمارت دولتی ساخته شده که یادگاری از دوران صفویه است. گویند زمانی که سیف الدوله، سلطان محمد میرزا، شالوده بنای عمارتی را در این محل می‌ریخته، در حین کند و کاوی که به عمل آمده، این حمام از زیر خاک بیرون آمده و عجب اینکه سالم و بدون عیب باقی مانده بود. این حمام که یکی از بهترین و زیباترین حمامهای زمان خود بود، از سنگهای مرمر عالی و کاشیهای مرغوب و دیگر مصالح خوب ساخته شده بود. چند سال قبل آزمندان، به طمع مصالح گرانبهای آن، حمام را خراب کرده و مصالح آن را تاراج کرده و به فروش رسانیدند. از جمله حمامهای معروف دیگر اصفهان حمامهای زیر را می‌توان نام برد:

حمام شاهزاده ها

در بازار صباغان اصفهان

حمام بیگدلی

در شمال شرقی میدان امام

حمام خواجه

در مغرب چهارباغ صدر اصفهان

حمام شیخ بهایی

در حوالی مسجد جامع عتیق، از این حمام داستانهای شگفت انگیزی نقل می شود، از جمله اینکه با یک شمع آب آن گرم می شده است.

حمام سنگ حمام چیت سازها

موقعیت: در محله نو

حمام ذوالفقار

در بازار بزرگ نزدیک مسجد و مدرسه ای به همین نام

حمام رستم خان

در قلعه بزرگ

حمام سیف الدین

در قلعه بزرگ

حمام میرزا روح الله

در قلعه بزرگ

حمام الله بیک

در بازار بزرگ

حمام ساروتقی

در بازار ساروتقی

حمام شیخ لطف الله

در ضلع شرقی میدان امام

حمام تراشها

در نزدیکی مسجد جامع عتیق

حمام مشیرالملک

که از شهرت خاصی برخوردار بوده است.

حمام شیرعلی

که از شهرت خاصی برخوردار بوده است.

حمام کربلایی

از دلکتهای معروف شاه عباس که شهرت خاصی داشته و در دردشت واقع بوده است. از حمامهای دیگر دردشت حمام ملاشمس، حمام جوجی، حمام وزیر، حمام شورا، حمام شیخ و حمام آقاشیر را می توان نام برد.

در محله خواجه حدود بیست حمام وجود داشته است. از جمله حمام تیمور بیک و حمام میر قاسم بیک. حمام عباسی نیز از حمامهای مشهوری بوده که در دروازه عباسی قرار داشت. در میدان کهنه اصفهان نیز حمامهای متعددی بوده که حمام میرزا صدر جهان مستوفی الممالک از همه مهمتر بوده است. عباس آباد اصفهان نیز که محل سکونت تبریزیهای مقیم اصفهان بوده، حمام داشته و مهمترین آنها، حمام چلبی بوده. این حمام را چلبی استانبول که از تجار معروف زمان صفویه می باشد نزدیک منزل خود در عباس آباد ساخته است. حمام اسفندیار بیک نزدیک پل بابارکن به دست اسفندیار بیک سردار شاه عباس ساخته شده است. حمام سعادت آباد واقع در کاخ سعادت آباد به دست یکی از سلاطین صفویه ساخته شده و حمام سلطنتی بوده است. در جلفای اصفهان هفت باب حمام اختصاصی وجود داشته که هر کدام در یکی از محلات جلفا به همان نام شهرت داشته است. در میدان کهنه که محله قدیمی و پرجمعیت اصفهان می باشد، حمامهای دیگری بوده از جمله حمام کمر زرین، حمام تخت، حمام میرزا کوچک، حمام میر آخورباشی، حمام فراشباشی، حمام نقشیان، حمام میرزا فصیح، حمام رخت شویان و حمام میرزا صدر. از حمامهای دیگر حمام پایدار در هارون ولایت، حمام خاصه تراش، سلمانی مخصوص شاه عباس در نیم آورد - حمام میرزا باقر در مسجد سید

و حمام میرزا اسماعیل در دار البطحاء را می توان نام برد. به طور کلی در زمان صفویه ۲۷۳ باب حمام در اصفهان دایر بوده، بعضی از این حمامها هنوز دایر است و بسیاری از آن خراب و متروک گردیده است. در قرن اخیر بسیاری از حمامهای اصفهان بهداشتی گردید و خزینه که عامل انتقال میکروب بود به دوش تبدیل شده است. داستان مکرم و امام جمعه اصفهان در حمام عمومی که باعث بستن خزینه ها شد، بسیار آموزنده و از ابتکارات مکرم اصفهانی بوده است. حمامهای عمومی به نمره اختصاصی و عمومی تقسیم گردیده و همه آنها دارای دوش آب سرد و گرم می باشد.

باغ ها

تاریخچه

ایرانیان باستان به درختکاری و پرورش گل علاقه فراوانی داشتند و از نظر دینی معتقد بودند: «هر کس گندم می کارد نیکی می افشاند». اهالی اصفهان نیز این اعتقاد و علاقه را حفظ کرده کاشتن درخت و ایجاد سبزی، خزّمی و آبادانی را از وظایف مهم خود می دانستند. آب و هوای اصفهان، رودخانه پر آب زاینده رود و خاک حاصلخیز آن نیز به این اعتقاد و علاقه کمک قابل توجهی کرده است. بیشتر پادشاهان دوران مختلف و شخصیت‌های متنفذ و مرفّه اصفهان به ساختن باغهای بسیار زیبا مبادرت نموده اند که برخی از آنها از نظر وسعت و زیبایی مشهور شده اند. این باغها پوشیده از درختان چنار، نارون، بید مجنون، سرو، کاج و انواع درختان میوه بوده است که هر کدام از این درختان در محل مناسب خود کاشته می شده است. معمولاً در وسط باغ، کاخ یا عمارت هایی مطابق هنر معماری اصیل ایرانی ساخته می شد. در جلو عمارتها حوض هایی بزرگ. به شکل‌های هندسی که دارای

چند فواره بوده، می ساختند. اطراف حوض، گلکاری و چمنکاری می شده و خیابانهایی در وسط و کنار باغ احداث می گردیده است. این باغها محل گردش و تفریح خانواده و خویشان و بستگان مالک بوده که گاهی چند ماه از سال را به طور دایم در آن زندگی می کردند. بعضی از کاخهای سلطنتی نیز در باغهای زیبا و با طرح و نقشه های مهندسی ساخته می شده است. در این باغها انواع درختان زینتی و گلهای رنگارنگ و مجسمه های خوش تراش، چشم را نوازش می داده است.

باغهای اصفهان

باغ نقش جهان

این باغ در مشرق و شمال کاخ چهلستون قرار داشته که از باغهای سلطنتی محسوب می شده و به دستور شاه اسماعیل صفوی ساخته شده است.

باغ بادامستان

این باغ که عمارت هشت بهشت در آن قرار داشته، به مساحت ۲۵ هزار متر مربع بوده است. این باغ سلطنتی بسیار زیبا، با کاخ مجلل آن ابتدا به بختیاری ها و سپس به جلال السلطنه واگذار گردیده بود.

باغ بهشت آیین

از باغهای زمان صفویه است که در جوار هشت بهشت قرار داشته و خیابان فتحیه کنونی و دبیرستان دخترانه معروف و قدیمی «بهشت آیین» جزئی از آن باغ به شمار می آید.

باغ انگورستان

این باغ سلطنتی متصل به کاخ چهلستون بوده و قسمت اندرونی کاخهای سلطنتی را تشکیل می داده است. افغانها به طمع استخراج دفینه این باغ را خراب کردند.

باغ کجاوه خانه

این باغ نزدیک بازار صباغان بوده و ۴۵ هزار زرع وسعت داشته است.

باغ احمد سیاه

این باغ در قرن سوم هجری ساخته شده که در زمان ملکشاه سلجوقی اقامتگاه ترکان خاتون بوده و در عمارت زیبای آن آثار هنری بی نظیری وجود داشته است. این باغ در کنار زاینده رود بوده است.

باغ کاران

این باغ بسیار زیبا که بعضی از شعرا آن را توصیف نموده اند، از بناهای ملکشاه سلجوقی بوده و در محله خواجه و کنار زاینده رود قرار داشته است و خواجه حافظ شیرازی چندی در این باغ مهمان بوده و در غزلی آن را چنین توصیف می کند:

روز وصل دوستداران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد *** گرچه صد رود است در چشمم مدام زنده رود باغ کاران یاد باد

باغ تاج آباد

این باغ به فرمان شاه عباس در محل کنونی خیابان نظر واقع در جلفا ساخته شده بود. شاه هنگام شکار در این باغ اقامت می نموده است.

باغ تخت

این باغ بزرگ از بناهای دوران صفویه و در مغرب چهارباغ قرار داشته. مساحت آن چهل هزار زرع بوده است. در این باغ دو قصر سلطنتی بوده که درب یکی رو به چهارباغ و درب دیگری رو به خیابان شیخ بهایی باز می شده.

باغ طاووس خانه

این باغ سلطنتی از بناهای شاه عباس دوم بوده و در مشرق چهارباغ قرار دارد. مساحت آن چهل هزار زرع بوده و مادی نیاصرم از وسط آن عبور می کرده است.

باغ نسترن

این باغ در زمان صفویه ساخته شده و در کنار مادی نیاصرم و متصل به رودخانه زاینده رود بوده است. این باغ زیبا به امین الشریعه اصفهانی تعلق داشته است.

باغ میرزا مهدیخان

این باغ از آثار صفویه بوده و در تلواسکان (تل واژگون) قرار داشته است. مساحت آن ۲۷ هزار زرع و از آثار میرزا مهدیخان بوده است.

باغ بابا امیر

این باغ در دوران صفویه در چهارباغ احداث شده. مساحت آن سی هزار زرع بوده و عمارت زیبایی در وسط آن قرار داشته است. این باغ در زمان ناصرالدین شاه به مالکیت صارم الدوله درآمده است.

باغ نظر

این باغ مربوط به دوران صفویه بوده. چهل و پنج هزار متر مربع مساحت داشته است و مادی نیاصرم از وسط آن می گذشته، این باغ متعلق به شیخ العراقین بوده است.

باغ گل عنایت

این باغ مربوط به زمان صفویه و متعلق به گل عنایت، دلچک معروف شاه عباس بوده است ه در محل خیابان ابن سینای کنونی بوده و اکنون کوچه باغ عنایت در آنجا مشهور است.

باغ قوشخانه

این باغ که محل نگاهداری قوشهای سلطنتی بوده، در محل طوقچی و در مسیر زینبیه قرار داشته است.

باغ شاه

این باغ متصل به دربار شاهی و در حوالی میدان نقش جهان بوده و شاه پس از تماشای بازی چوگان را این باغ استراحت می کرده است.

باغ زرشک

این باغ معروف در جنوب زاینده رود و محل فعلی کارخانه صنایع پشم - واقع در چهارباغ بالا - قرار داشته است. دارای عمارت و دریاچه و آبشار بوده و هشتاد هزار متر مربع وسعت داشته و به جلفا و زاینده رود مسلط بوده است.

باغ منوچهر خان معتمد الدوله

این باغ در دوران صفویه احداث شده و در محل پشت مطبخ قرار داشته است. باغی وسیع و زیبا و در آن عمارتی دو طبقه، به شکل کلاه فرنگی بوده است.

باغ داروغه

این باغ به مساحت پانزده هزار زرع بوده است.

باغ چینی خانه

این باغ مقابل کاخ چهلستون قرار داشته و در زمان صفویه ساخته شده است ۲۸ هزار زرع و باغ دیوان بیگی به مساحت ۲۵

هزار زرع و باغ تفنگچی آغاسی به مساحت سی هزار زرع، در کنار یکدیگر قرار داشته و متعلق به آقا کمال الدین شریعتمدار اصفهانی بوده است.

باغ فرح آباد

این باغ بسیار مصفا و بزرگ که در جنوب اصفهان قرار داشته، مورد توجه و علاقه شاه سلطان حسین صفوی بوده که به دستور او در دامنه کوه صفا ساخته شده بود. طول آن یک فرسنگ و عرض آن نیم فرسنگ بوده و شاه سلطان حسین ماهها در آن به عیش و عشرت می پرداخته است. در این باغ، واقعه ننگین تاریخ ایران اتفاق افتاد و شاه سلطان حسین، باغ و مملکت را یکجا به محمود افغان تسلیم نمود.

باغ هزار جریب

این باغ که در انتهای چهارباغ بالا قرار داشته، از بناهای صفویه بوده که در آن عمارتی زیبا و آبشاری با صفا ساخته بودند. متأسفانه همه آنها به دست ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه، همراه بسیاری از آثار دیگر اصفهان به ویرانی کشیده شد.

باغ کومه

از باغهای بیرون شهر اصفهان است که در بلوک لنجان واقع شده و متعلق به زمان صفوی است. این باغ شکارگاه شاه عباس بوده و در کنار آن نهر آب بزرگی وجود داشته که در حوالی آن پرندگان زیادی در پرواز بوده اند. در این باغ بزرگ دریاچه ای ساخته شده بود. و جزیره ای در وسط آن قرار داشته که به وسیله پل متحرکی به آن جزیره می رفتند و چون پل را بر می داشتند رابطه باغ با جزیره قطع می شده است. در این باغ انواع گلها و درختان زینتی و عمارات زیبا وجود داشته و به نام باغ کام و یا باغ کومه «سگ علی» - کلب علی لقبی که شاه عباس به خود داده بود - شهرت داشته است.

باغ حاجی

این باغ در چهارباغ پایین و جهت اقامت «همایون شاه» پادشاه هندوستان ساخته شده بود که به نام باغ همایون نامیده می شد. زمانی که آغا محمدخان از طرف کریم خان مأمور تعمیر آن گردید، به نام باغ حاجی شهرت یافت. این باغ متعلق به دوران صفوی است. امروز قسمتی از آن، جزو ورزشگاه معروف تختی است که به پاس بزرگداشت زنده یاد غلامرضا تختی، پهلوان نامی ایران و قهرمان کشتی جهان به این اسم نامیده می شود.

باغ خلف

این باغ در جنوب غربی میدان امام قرار داشته و دارای وسعت زیاد و عمارت سلطنتی بوده است.

باغ عدن

این باغ که کاخهای آن از بناهای مهم و زیبای اصفهان به شمار می آمده، مربوط به دوران سلجوقیان بوده و به دالان هشت بهشت هم شهرت داشته و به شش باغ کوچک مضافاً تقسیم می شده است ملکشاه سلجوقی این باغ را جهت حرمسرا انتخاب نموده بود و شش سوگلی شاه با ندیمه ها و خدمه آنها در این باغها زندگی می کردند.

باغ کاج

در جنوب شرقی پل خواجو قرار داشته و قصری زیبا مشرف به رودخانه زاینده رود در آن ساخته شده بود. این باغ در فتنه افغان محل سکونت و زندگی محمود غلجایی بود که از بیم اهالی پایتخت در آن مخفی شده بود. به همین مناسبت به باغ محمود نیز شهرت داشت.

باغ مستوفی

مقابل باغ کاج و در قسمت غرب خیابان فیض کنونی قرار داشت و دارای عمارت زیبایی بود. این باغ مشجر و پرگل به باغ گلستان - در کنار تالار آیینه خانه و مشرف به زاینده رود - متصل می شد.

باغ انارستان

در مشرق خیابان فیض کنونی قرار داشته که هم اکنون نیز کوچه ای به همین نام در این منطقه وجود دارد.

باغ نگارستان

این باغ زیبا و بزرگ دارای ساختمان و قصر زیبایی بود و دریاچه ای بزرگ وسط آن ساخته شده بود. باغ نگارستان در جانب غرب خیابان فیض قرار داشت و مانند بسیاری از قصرها و کاخهای دیگر در حمله افغان از سکنه، خالی و به ویرانی کشیده شد، ولی هنوز در اسناد تاریخی و در نزد سالمندان به همان نام باقی است.

باغ غدیر

این باغ در مشرق اصفهان قرار دارد و دارای فضایی وسیع و سالنهای متعددی است. این باغ مشجر دارای گل و چمن و حوض و فواره و تأسیسات ورزشی و سالن کتابخانه بوده و برای برگزاری نمایشگاههای هنری و صنعتی و جلسات سخنرانی از سالنهای آن استفاده می شود. این باغ در سالهای اخیر به شکل آبرومندی درآمده و محل گردش و تفریحات سالم ورزشی و مطالعه علاقمندان است. علاوه بر باغهای ذکر شده حدود یکصد و ده باغ مصفاً دیگر در گوشه و کنار اصفهان وجود داشته که با توسعه یافتن شهر و احداث خیابانها و ساختمانهای متعدد اکثر آنها معدوم شده، فقط آثار و نام برخی از آنها باقی مانده است.

درختان کهن اصفهان

درخت چنار

این درخت عمری طولانی دارد و در اصفهان به خوبی عمل آمده و رشد می کند. عمر این درخت گاهی به چندین قرن می رسد. ارتفاع آن گاهی به بیش از ۲۰ متر می رسد و شاخه های انبوهی پیدا می کند. برگهای درخت چنار مانند کف دست پهن می باشد، سایه آن بسیار لذت بخش است و هوای اطراف خود را لطیف می نماید. چوب آن در نجاری مصارف زیادی دارد. قطر تنه این درخت گاهی به بیش از دو متر می رسد و به مناسبت رشد سریع، در باغها نزدیک دیوارها، به صورت منظم در فواصل زیاد کاشته می شود که هر چند سال یکبار آن را کف بر نموده، به فروش می رسانند. ولی دیری نمی پاید که مجدداً رشد کرده و بلند می شود. در این قسمت چند نمونه از درختان چنار قدیمی اصفهان را که شهرت قابل توجهی دارند و قرنها دوام داشته اند، معرفی می کنیم:

چنار امام زاده اسماعیل

این چنار در شرق خیابان هاتف قرار داشته است که مربوط به زمان صفویه و در زمان شاه صفی کاشته شده ولی با کمال تأسف چندین سال قبل بریده شد.

چنار گلدون

این چنار مربوط به زمان صفویه است. مردم بومی و اهالی روستاهای نزدیک این چنار کهن، به این درخت اعتقاد قلبی داشته و جهت اجابت دعای خود به آن پارچه می بستند این چنار کهن و مقدس نیز بریده شده و در حال حاضر وجود ندارد.

چنار دستگرد

این چنار در دستگرد خیار، واقع در جنوب غربی اصفهان کاشته شده که مربوط به دوران صفویه و زمان شاه عباس است. درون تنه این درخت قطور که در طول قرون پوک شده، قهوه خانه ساخته بودند و مردم در ایوانی که در اطراف آن ساخته شده بود می نشستند و به نوشیدن چای و کشیدن قلیان می پرداختند.

چنار زهران

این چنار قطور و کهن که شاخه های انبوهی دارد در روستای زهران واقع در بلوک ماربین - از مناطق بسیار حاصلخیز غرب اصفهان - قرار دارد. برای حفاظت از آن اطراف این چنار را بسته اند و اتومبیلها از دو طرف آن تردد می نمایند. اهالی این چنار را به نام خواجه خضر می نامند و معتقدند که «صاحب کرامت» است. هنوز این درخت کهن پابرجاست و مردم نسبت به آن احترام فراوان قائل هستند. این چنار هم مربوط به دوران صفویه است.

چنار باغ زرشگ

این چنار مشهور در جنوب سی و سه پل و ابتدای خیابان چهار باغ بالا بوده و تا چند سال پیش هم وجود داشت. این درخت مربوط به دوران صفویه بوده و به نام چنار شاه عباسی شهرت داشته است. در تنه این درخت چنار کارگران غذا و چای طبخ

می کرده اند.

چنار آپادانا

این چنار کهن در خیابان آپادانا در مدخل کوچه ای در ضلع شمالی خیابان قرار دارد. قطر تنه درخت و شکافهای عمیق تنه آن حکایت از عمری طولانی و سوابقی ممتد دارد.

چنار دارالبطیخ

این چنار کهن مربوط به دوران صفویه و در محله بیدآباد - در منطقه شمال شهر - قرار داشته است این درخت تاریخی به نام چنار لرها نیز شهرت داشته است.

چنار پاچنار

بعضی از قصبه های اصفهان که در آن چنار شاه عباسی وجود داشته به مناسبت عظمت آن درخت، قصبه به نام پاچنار تغییر نام یافته است. از جمله این قصبه ها سیچان را می توان نام برد که به علت وجود چند چنار قطور و کهن و شاخص از سیچان به پاچنار و یا پاچنار سیچان تغییر نام پیدا کرده است. این قصبه قدیمی و معروف در مشرق محله جلفا، کنار خیابان حکیم نظامی قرار دارد و بخش زیادی از سبزیجات اصفهان در زمینهای زراعی و حاصلخیز این محل تولید می شود. علاوه بر چنارهای ذکر شده چنارهای متعدد دیگری در اطراف و اکناف اصفهان وجود داشته که از قدمت بسیار برخوردارند، از جمله در طول مسیر چهارباغ از دروازه دولت به سمت جنوب تا دامنه کوه صفه چنارهای قطور و بزرگی بوده که متأسفانه تعداد زیادی از آنها در زمان حکومت ظل السلطان به طمع فروش چوب آن بریده شده و تعداد دیگری نیز به مناسبت احداث خیابانها و بنای خانه های مسکونی قطع گردیده اند. پس از درخت چنار، در بسیاری از باغهای بزرگ، درخت نارون - که در لهجه اصفهانی به درخت «وسک» هم شهرت دارد - کاشته می شود. این درخت ارتفاع چندانی ندارد ولی به علت وجود شاخه های زیاد، دارای سایه بسیار مطلوبی است. شاخه های درخت مانند چتری بزرگ است که احتیاج به فضای زیادی دارد. این درخت معروف در اوایل بهار گلهای زرد رنگی

می دهد که به آن پولک یا اشرفی می گویند و با نسیم ملایمی از درخت جدا شده، در اطراف پراکنده می شود. به همین مناسبت در معابر و منازل از این درخت کمتر استفاده می شود. از درختان دیگر اصفهان کبوده را می توان نام برد. این درخت کم قطر و بسیار بلند را بیشتر جهت کاربرد چوب آن برای مصارف نجاری در بیشه ها و باغها می کارند و گاهی چند هکتار زمین را به کاشتن این درخت اختصاص می دهند. گاهی ارتفاع این نوع درخت به حدود ۲۰ متر می رسد. از درختان دیگر اصفهان می توان: زبان گنجشک، تبریزی، سمرقند، بید، صنوبر و کاج را نام برد.

محله ها

خیابانهای اصفهان

شهرهای بزرگ و قدیمی، از محله های کوچک و بزرگی پدید آمده اند که اکثر آنها نام های با مسّایی داشته اند. بعضی از این محله ها وجه تسمیه قابل توجهی دارند که از دیر زمان به همان نام در کتب تاریخی و قبالة ها و اسناد رسمی قید شده است. اهالی محله ها، گاه برای شهرت محله خود به کارهای عمرانی و آبادانی می پرداخته و اکثراً در اموری که به همه مردم مربوط بوده رقابت شدیدی داشته اند. مثلاً در اجرای مراسم سوگواری و روضه خوانی با هم به رقابت بر می خاسته اند. همچنین در دامداری، زراعت، درختکاری و سایر فعالیت های عمرانی رقیب یکدیگر بوده اند، به طوری که اغلب بین دو محله، سالها اختلافات شدیدی وجود داشته که به خونریزی نیز کشیده می شده است و حتی از وصلت با یکدیگر امتناع می کردند.

کثرت جمعیت و تقسیمات کشوری و احداث میادین و خیابانها با نام های جدید، بسیاری از نام های قدیم را کهنه و برای نسل جدید ناآشنا ساخته است. اما گاهی به

علت تعصّب اهالی و ساکنین بعضی محله‌ها، در طول قرون و اعصار هیچ تغییری نتوانسته خللی در نام آن محله و آداب و رسوم آنها ایجاد نماید، و به همان نام باستانی خود باقی مانده‌اند. تعداد محلات هر شهر نسبت به جمعیت و وسعت و آبادی آن بیشتر می‌شده است.

محله‌های قدیم اصفهان

۱- لنبان، واقع در شمال غربی ۲- باغ کاران، واقع در جنوب شرقی که امروزه به نام خواجه شهرت دارد. ۳- چنبلان که به سنبلستان مشهور است. ۴- کزان ۵- جویباره ۶- دردشت، که برخی از این محله‌ها به هم متصل بوده است. پس از وسعت یافتن اصفهان، بر تعداد محله‌های آن افزوده شده تا آنجا که حدود چهل محله کوچک و بزرگ، شهر اصفهان را تشکیل می‌داد. نام بعضی از محله‌های قدیم اصفهان عبارت بوده‌اند از: -محله دولت -باغ جنت -عباس آباد -لنبان -چهارسو شیرازیها -شمس آباد -چرخاب -حسن آباد -خواجه -تل واسکان (تل واژگون) -ظله -پاقلعه -قصر منشی (قبرستان موشی) -کزان -احمدآباد -یزدآباد -گلبهار -جویباره -حسین آباد طوقچی -دردشت -شاه شاهان (شهشهان) -آسنجان -فلفل چی -چمبلان -جماله کله -نیم‌آورد -مسجد حکیم -دروازه نو -بیدآباد -شیش -درکوشک -محله نو -مستهلک -مورنان -خاوجان -باغات -شیخ یوسف -پاقلعه -احمدآباد -میدان قدیم -لتور -گود مقصود بیک -چنار سوخته -حیدرخانه -باغ همایون -قبله دعا -سینه پایینی -طوقچی -گل بار -پایین دروازه -باقالا فروشان -تخت گنبد -پشت مطبخ -جلفا -سیچان -مارنان -حسین آباد -قینان -خلجا و بعضی محلات کوچک و بزرگ دیگر. بعضی از این محله‌های بزرگ خود شامل چند محله کوچکتر هستند. مانند محله جویباره که مشتمل است بر میدان میر، دار البطیخ، سید احمدیان، درب دریچه، سلطان سنجر، باشاخ و یازده پیچ (امروزه کوچه یازده پیچ در چهارباغ پایین و نزدیک پشت

بارو قرار دارد.) بیشتر محله های فوق هنوز پابرجا و به همان نام اصلی شهرت داشته و نامیده می شوند.

اصفهان قدیم از دو محله کهن و معروف تشکیل یافته بود: یکی جویباره که آن را نعمت الهی یا «نعمتی» می خواندند، و دیگری محله دردشت که آن را «حیدری» می گفتند. اهالی محله جویباره شیعه مذهب بودند در حالیکه اهالی دردشت اهل تسنن بودند به همین مناسبت در طول قرون متمادی، دو محله حیدری و نعمتی دشمن دیرینه یکدیگر و به خون هم تشنه بوده اند و در همه تواریخ و اسناد به اختلاف ها و برخوردهای خصمانه این دو گروه اشاره شده است. این اختلافات اثر نامطلوبی در روحیه اهالی اصفهان گذاشته بود، به طوری که خلاّق المعانی، کمال اسماعیل، شاعر اصفهانی درباره آنها چنین آرزو کرده است:

تا که دردشت هست و جویباره

نیست از کوشش و کشش چاره/

ای که خداوند هفت سیاره

پادشاهی فرست خونخواره/

تا که دردشت را چو دشت

کند جوی خون آورد ز جویباره/

عدد خلق را بیفزاید

هر یکی را کند دو صد پاره/

عاقبت دعای شاعر مستجاب شد. قوم وحشی مغول به اصفهان تاختند و شافعیان به آنها کمک کرده دروازه های مستحکم اصفهان را به روی آنها گشودند، به امید آنکه طایفه حنفی را معدوم کنند. مغولهای وحشی نیز وقتی شهر را به تصرف خود درآوردند هر دو طایفه را از دم تیغ های آبدار خود گذراندند و میان دو فرقه حنفی و شافعی فرقی نگذاشتند. پس از بنای مسجد جامع اصفهان در محله یهودیه، این پانزده محله در آن منطقه بوجود آمد: باطرقان، فرسان، جروان، پوان، خرجان، فلفلان، سنبلان، فراء آن، کما آن، لبنان اشکهان، خشینان، بروسکان، خابجان و جوزدان.

خیابانهای اصفهان

شهر اصفهان

نظر به قدمت و سوابق طولانی تاریخی و عظمت و وسعت آن، دارای خیابانهای متعددی است که نام قدیمی و با مسمای بعضی از این خیابانها در خلال اسناد تاریخی ضبط شده و به ثبت رسیده است، ولی در طول قرون و اعصار، بر اثر تغییر حکومتها بعضی از این نامها عوض شده و پویندگان تاریخی را دچار مشکل ساخته است. بیشتر این خیابانها از زیباترین و عریض ترین خیابانهای عصر خود بوده اند اما با افزایش جمعیت و وسائط نقلیه امروزی هماهنگ نبوده و برای این وسایل کفش ندارند. خاصه اینکه بعضی خیابانها به خاطر موقعیت مکانی و اهمیت تاریخی قابل تعریض نبوده اند. بعضی نیز با گذشت قرنها هنوز آثار عظمت آنها آشکار است، با این تفاوت که قبلاً مال رو و درشکه رو بوده و امروز اتوبوس رو شده اند. بسیاری از خیابانها به نحو مطلوبی تعریض شده و خیابانهای عریض و طویل جدیدی در آنها پدید آمده که بتوانند بار سنگین آمد و رفت یک شهر پر جمعیت و صنعتی را تحمل نمایند اما با وجود همه اینها باز کمبودهایی مشاهده می شود. خوشبختانه بیشتر آنها به نام های شخصیتهای بزرگ و مشهور مذهبی، شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و شاعران معروف اصفهان و ایران و... مزین شده اند.

اصفهان پایتخت ایران

اصفهان بنا بر ملاحظات سیاسی، موقعیت جغرافیایی، اوضاع طبیعی و وسعت خاک آن، از هزاران سال پیش تاکنون چندین بار به پایتختی کشور انتخاب شده است و در چند نوبت دیگر هم مقدمات این کار فراهم گردیده، اما مشکلاتی مانع شده است. مهمترین دورانی که اصفهان رسماً پایتخت ایران بوده است: الف - در عهد اشکانیان: اصفهان پایتخت ایران بوده

و یکی از «ساتراپ‌های» مهم آن زمان محسوب می شده است.

ب - در عهد ساسانیان: اصفهان از شهرهای مهم کشور بوده و حتی خانواده‌هایی از هفت خانواده بزرگ ایرانی که در آن زمان مقامات عالی کشوری و لشگری را داشتند، اصفهانی بوده‌اند و اصفهان به منزله پایتخت بوده است. ج - دوره دیالمه: زمانی که حسن رکن الدوله دیلمی، سپاه و شمشیر را منهدم ساخت، اصفهان را به تصرف خود درآورد. از آن زمان اصفهان قلمرو آل بویه گردید و رکن الدوله در بسط و توسعه آن کوشید و روزی که قمر در برج قوس بود دستور داد تا کار ساختن بارویی را به دور شهر آغاز کنند، محیط این بارو ۲۱ هزار گام بوده و تا چندین سال قبل، آثار آن در دروازه طوقچی و جویباره و پایین دروازه وجود داشته است. در سال ۳۶۵ هجری، رکن الدوله - که سنش به هفتاد سال رسیده بود - مریض شد. در این زمان ضیافت بزرگی در اصفهان ترتیب داد. خسرو، عضدالدوله را به ولیعهدی خود برگزید. همدان و قزوین را به فخرالدوله واگذاشت و اصفهان را به مؤیدالدوله داد و در سال ۳۶۶ بدرود حیات گفت. اسماعیل بن عبّاد معروف به صاحب بن عبّاد در زمان وزارت مؤیدالدوله و فخرالدوله، در آبادی و عظمت و پیشرفت فرهنگ این شهر کوشش فراوان نمود. صاحب بن عبّاد علاوه بر وزارت، مردی فاضل و دانشمند و اهل ادب و بحث و شعر بوده و از منشیان و بلغای زبان عرب محسوب می شده است. همچنین کریم و بخشنده بوده، کتابخانه او از نظر تعداد کتاب نظیر نداشت با اینهمه به کتاب‌آغانی ابوالفرج اصفهانی

عشق می ورزیده است. صاحب بن عبّاد در ماه صفر سال ۳۸۵ هجری در ری درگذشت و گروه کثیری از دیالمه و ترکها در حالی که شیون می کردند و گریبان می دریدند و فخرالدوله دیلمی نیز جلو آنان حرکت می کرد، جنازه اش را به اصفهان آورده و در دهلیز خانه اش در طوقچی به خاک سپردند. اکنون آرامگاه او زیارتگاه عالمان اصفهان است. از آثار مهم دیالمه در اصفهان قلعه مهم تبرک، مسجد جامع جورجیر و صفه صاحب بن عبّاد را می توان نام برد. - دوره سلاجقه: در سال ۴۳۸ هجری طغرل مؤسس دولت سلجوقی به عزم تسخیر اصفهان شهر را در محاصره گرفت، اما قادر به گشودن آن نشد. او بار دیگر در محرم سال ۴۴۲ هجری، اصفهان را در محاصره گرفت و یکسال شهر را محصور کرد و مردم را در زحمت زیاد انداخت، تا در محرم سال ۴۴۳، به تسخیر اصفهان نایل آمد و دولت دیالمه را برانداخت. با اینکه اهالی اصفهان با او صفایی نداشتند و بارها آثار خلاف و طغیان از آنها مشاهده کرده بود، به قدری به اصفهان علاقه داشت که مدت ۱۲ سال این شهر را اقامتگاه خود قرار داد و حدود پانصد هزار دینار خرج عمارتها و مستحذات حوالی و حدود شهر، بقاع خیر، خانه ها و خانقاهها نموده است. طغرل پس از ۲۶ سال سلطنت در سال ۴۵۵ هجری در سن ۷۰ سالگی در ری وفات یافت. اصفهان در دوره سلطنت آلب ارسلان و وزارت خواجه نظام الملک مورد توجه آن پادشاه و وزیر دانشمند و سیاستمدار او بود. و چون به موقعیت این شهر و دیانت مردم آن اتکاء داشت، این شهر

را برای اقامت ولیعهد خود انتخاب کرد. ملکشاه یکی از بزرگترین سلاطین سلجوقی است که در عهد او دولت سلجوقی به منتهای وسعت و عظمت خود رسید و اصفهان به همت او و خواجه نظام الملک، از مهمترین و آبادترین بلاد جهان گردید. از کارهای مهم ملکشاه در اصفهان، اقدام به اصلاح تقویم و بستن زیج، به سال ۴۶۷ هجری است که حکیم عمر خیّام، شاعر و ریاضیدان معروف و بزرگ نیز در آن شرکت داشته و این همان تقویم معروف جلالی است. ملکشاه که در ایام ولیعهدی در اصفهان به سر می برد و در آنجا اقامت داشت، بعد از قتل پدر خود، آلب ارسلان رسماً اصفهان را به پایتختی برگزید. عمارات بسیاری به دستور او در گوشه و کنار این شهر ساخته شد و باغها و اماکن زیبایی احداث گردید، از جمله، باغ کاران، باغ فلاسان، باغ احمد سیاه، باغ بکر، قلعه شهر و دز کوه، که خزانه سلطنتی بود. همچنین گنبد نظام الملک و گنبد تاج الملک و مدرسه خواجه نظام الملک از آثار ارزشمند دوران ملکشاه سلجوقی است. مسجد جامع اصفهان که از شاهکارهای معماری تاریخی جهان به شمار می آید از آثار مهم این دوره است. در این زمان ثروت ممالک سلجوقی به اصفهان سرازیر شد، به طوری که وقتی ملکشاه خواست از ثروت مردم مطلع شود و خواجه نظام الملک از مردم جهت رفع حوائج مملکت مبلغی گزاف مطالبه نمود؛ پیرزنی به دربار نامه نوشت و پرداخت آن وجه را به تنهایی تقبل کرد. گویند ثروت مردم در این زمان به قدری بود که صبحگاهان با آفتابه طلا درب منازل خود را آب پاشی می کردند. پس از

فوت ملک‌شاه و قتل خواجه نظام الملک، هجوم اسماعیلیه به اصفهان، قتل و غارت فرونی یافت و اصفهان یکی از عرصه های مبارزات اسماعیلیان گشت. بنابراین مهمترین واقعه زمان سلجوقیان، قیام خونین اسماعیلیه است. در این زمان فداییان حسن صباح همه را به وحشت انداخته بودند و زمانی که ابوالعلا، فرمانده سواره نظام. به دستور ملک‌شاه، مأمور قلع و قمع اسماعیلیان گردید، شبانه در منزل خود، به ضرب خنجر مرد گردآلودی که خود را بنده خدا معرفی کرده بود از پا درآمد. اگرچه قاتل به دست داروغه گرفتار شد اما رعب و هراس در دل ساکنین پدید آمد. این ابوالعلا مرد رشیدی بود و در محله زرگران اصفهان ساکن بود. باغ عدن نیز یکی از آثار زیبای سلجوقیان است که در دالان بهشت اصفهان قرار داشته، و شش عمارت زیبا جهت سوگلی های حرم شاهی در آن ساخته شده بود. ه - دوره صفویه: اصفهان در ادوار مختلف، پایتخت ایران و مورد علاقه سلاطینی بوده که در آن حکومت می کردند. ولی اصفهان در هیچ یک از این ادوار، همانند دوره صفویه و سلطنت شاه عباس اول و دوم، اهمیت و شهرت نداشته است. در این دوران اصفهان از هر جهت به کمال ترقی و شهرت رسیده بوده و ملل دنیا را به سوی خود کشانیده و هزاران باستان شناس و مستشرق و تاریخ دان و هنرمند و دانشمند، از سراسر جهان عاشقانه وارد اصفهان شدند. و بیشتر آنها پس از توقف طولانی، مشاهدات اعجاب انگیز خویش را در کتابهای ارزشمندی، به رشته تحریر درآورده و در دنیا انتشار داده اند که هر کدام از آنها سند غیرقابل انکاری از قدمت و

عظمت فرهنگ ایران زمین است. در سال ۱۰۰۰ هجری، شاه عباس اول پایتخت کشور را از قزوین به اصفهان منتقل کرد که از نظر سوق الجیشی موقعیت بسیار ممتازی داشت. پس از آن، دیری نپایید که این شهر از نظر ثروت و شهرسازی و قصرهای عالی و بناهای تاریخی مثل مساجد و مدارس بزرگ و مجلل و بازارهای زیبا و وسیع و پلهای مستحکم و فنی و بی نظیر، یکی از زیباترین شهرها و پایتخت های جهان گردید. والتر مینچ آلمانی می نویسد: «شاه عباس به سال ۱۵۹۸ میلادی پایتخت را به اصفهان منتقل نمود. این حسن انتخاب مبنی بر اندیشه ای درست بود. زیرا اصفهان نه فقط در قلب ایران قرار دارد، بلکه دارای کلیه شرایطی است که برای یک پایتخت بزرگ لازم است.» مادام دیولافوا می نویسد: «دیری نپایید که اصفهان ۶۰۰ / ۰۰۰ نفر جمعیت پیدا کرد. یعنی معادل جمعیت پاریس در زمان لویی چهاردهم.» پیترو دلاواله سیاح ایتالیایی، اصفهان آن زمان را از کلیه نقاط مشرق زمین حتی از قسطنطنیه زیباتر و مهم تر دانسته است. اصفهان در زمان شاه عباس اول پایتخت شد و تا زمان سلطنت نکبت بار شاه سلطان حسین، مدت یکصد و پنجاه سال پایتخت دولت صفویه بود. اهم کارنامه سلسله صفوی در اصفهان از این قرار است: ۱- ایجاد روابط خارجی با بسیاری از ملل جهان و ورود مستشرقین و مورخین و باستان شناسان و مبلغین مذهبی خارجی به اصفهان. ۲- وسعت تجارت و داد و ستدهای خارجی.

۳- احداث راهها، کاروانسراها، بناهای تاریخی، کاخهای سلطنتی، گردشگاهها، میادین و مساجد و مدارس و پلهای بی نظیر.

۴- تشکیل حوزه های علمیه، مراکز هنری و نشر و ترویج مذهب تشیع و کتابهای شیعه.

۵- کوچاندن ارمنیان و گرجیان از ارمنستان و گرجستان به اصفهان و سکنی دادن آنها در جلفا و فریدونشهر. ۶- تأسیس حرمسرا، شرابخانه، قهوه‌خانه، کوکنارخانه و غیره. ۷- پرورش شکنجه‌گران، میر غضب‌ها، آدم‌خوارها و آدم‌سوزها. و بسیاری از امور چشمگیر و ضد و نقیض دیگر که هر کدام در نوع خود قابل توجه و بی‌نظیر بوده است. در سالهای اخیر بسیاری از آثار ارزنده معماری صفویه مرمت شده و پس از قرن‌ها همچنان زیبایی خود را حفظ کرده است. تعدادی از بناها و آثار تاریخی و قصرهای سلطنتی صفویه را، سلاطین و حکام قاجار، بخصوص ظل‌السلطان، به طمع فروش مصالح آن خراب کرده و حتی درختهای چنار را به همین منظور بریدند. ح - دوره‌های متأخر و معاصر: در زمان آخرین پادشاه قاجار، احمدشاه، مدتی اصفهان نامزد پایتختی ایران بود و احمدشاه به جد قصد داشت پایتخت را به اصفهان منتقل کند اما پاره‌ای تحولات سیاسی و مخالفت برخی درباریان، این کار عملی نشد. همچنین در سالهای اخیر، زمزمه‌هایی بالا گرفت که به منظور تمرکز زدایی از تهران، پایتخت را به جای دیگری انتقال دهند که اصفهان، یکی از شهرهای پیشنهادی و نامزد پایتختی بود. ولی این طرح نیز سرانجام منتفی شد و زمزمه‌ها خوابید. با اینهمه، اصفهان بنابر مصوبه رسمی هیأت وزیران به عنوان پایتخت هنری ایران شناخته و اعلام شده است.

آسیاب‌ها

مقدمه

آسیاب که نام دیگر آن طاحونه می‌باشد، در نقاط مختلف جهان به صورتهای متفاوتی وجود دارد و برای آرد کردن گندم و غلات دیگر جهت نان پختن و مصارف مختلف از آن استفاده می‌شود.

ریشه این کلمه «آس» می‌باشد که اگر با آب بچرخد

آن را آسیاب (آس + آب) می گویند و بدین قیاس چنانچه با باد بچرخد باید به آن «آس باد» گفته شود. نوع دستی آن در منازل، با قطع کوچکتتر وجود دارد دو سنگ مسطح است که بر روی هم قرار می گیرند. دسته ای به سنگ رویین متصل است که با دست چرخانده می شوند و نام این نوع آسیاب، دستاس (دست + آس) است که بدان «آردچی» و «آرچی» نیز می گویند. با اینهمه، جز در مورد اخیر، این وسیله با هر چه بچرخد، آن را آسیاب می گویند.

اسامی آسیاب های اصفهان

به شرح زیر می باشد:

- ۱- آسیاب چهار سنگ شیخ یوسف.
- ۲- آسیاب چهار سنگ تپه اشرف واقع در نزدیک پل شهرستان.
- ۳- آسیاب علیخانیاں.
- ۴- آسیاب حسن حاج علیشاه واقع در خیابان مشتاق.
- ۵- آسیاب حسین زاده که کمی بالاتر از آسیاب حاج علیشاه قرار داشته است.
- ۶- آسیاب معروف حسین واقع در بالای خیابان مشتاق.
- ۷- آسیاب کلانتر که شهرت داشته و با دو سنگ کار می کرده است.
- ۸- آسیاب نازستان.
- ۹- آسیاب دروازه شیراز که تا چندین سال پیش وجود داشت.
- ۱۰- آسیاب خان، که در اصفهان معروف بوده است.
- ۱۱- آسیاب حاج رسول روغنی، این آسیاب در منطقه نازوان قرار داشته و دارای چهار سنگ بوده است.
- ۱۲- آسیاب نعمت الله عظیمی (معروف به آسیاب نازوان) که آن هم در ناحیه نازوان قرار داشته و دارای دو سنگ بوده.
- ۱۳- آسیاب خان که دارای سه سنگ بوده و در نزدیکی پارک پل وحید کنونی قرار داشته است.
- ۱۴- آسیاب باغ پلاسون که دنباله بیشه خلیفه گری ارامنه جلفا در حد فاصل بین خیابان نظر و پارک بوده است.
- ۱۵- آسیاب ارامنه جلفا واقع در نزدیکی شکرچیان جلفا

۱۶- آسیاب هزار جریب که متعلق به محمد آقا ضرابی بوده

و در دروازه شیراز، نزدیک کارخانه پیسی کولای کنونی قرار داشته است.

۱۷- آسیاب حاج مصطفی که در انتهای خیابان حکیم نظامی و ابتدای محله حسین آباد قرار داشته و متعلق به حاج مصطفی حسین آبادی بوده است.

۱۸- آسیاب محمود یخی که در دستگرد خیار بوده و آخرین مالک آن محمود یخی بوده است.

۱۹- آسیاب آقا که آنهم در حومه اصفهان و در فلاورجان قرار داشته و دارای دو سنگ بوده است.

۲۰- آسیاب علی آردی که در پیربکران قرار داشته و دارای دو سنگ بوده است.

۲۱- و آسیاب فهامی واقع در مارنان.

ساختمان آسیاب

آسیاب از دو قسمت مجزا تشکیل شده: ۱- قسمت خارجی: که شامل آبگیر و چرخ و پره های آسیاب است. این قسمت آسیاب در فضای آزاد و کنار نهر آب قرار دارد. بدین صورت که از نهر، شاخه ای جدا کرده آب را در یک کانال شیب دار جاری می سازند و محور و چرخهای آسیاب را طوری در مسیر جریان آب قرار می دهند که آب، بر چرخها مسلط بوده و مانند آبشاری کم ارتفاع بر روی پره های چوبی آسیاب بریزد و آن را به چرخش درآورد. این پره ها نیز محور را به چرخش در می آورند.

محور هم به سنگ روین آسیاب، متصل است که روی سنگ زیرین می چرخد. و دانه های گندم که به وسیله یک ناودان، میان دو سنگ مذکور می ریزند، بر اثر همین سایش و اصطکاک دو سنگ، خرد و نرم شده، به آرد تبدیل می شوند. شاعر به همین امر نظر دارد که می گوید: مرد باید که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد اطراف این کانال آبشار مانند و چرخهای چوبی آسیاب، فضای تماشایی و زیبایی پدید می آمد که صاحبان آسیاب

با کاشتن درختان بید و چنار، گردشگاه کوچک و خنکی جهت استراحت مردم تهیه می کردند و فوران آب بر اثر چرخش پره های آسیاب به خنکی و زیبایی این امکان می افزود. ۲- ساختمان داخلی یا کارخانه آسیاب: در این محل چند اتاق ساخته شده، یکی جهت استراحت آسیابان که مسؤول آسیاب است و دیگری جهت انبار گندمهایی که باید آرد شود، اتاق سوم جهت انبار کردن آرد و بالاخره مخزنی که از سطح زمین بالاتر قرار گرفته و گندم ها را در آن می ریزند تا به وسیله ناودانی که در پایین آن مخزن قرار دارد، در سوراخی که روی سنگ متحرک و مدور بزرگ بالایی ایجاد شده، بریزد و از آنجا بر روی سنگ زیرین آسیا ریخته شود که ثابت است و به همان اندازه سنگ بالایی است. گندمها میان این دو سنگ نرم شده و به صورت آرد در می آیند. در قسمت پایین تر از سطح کارخانه، مخزن دیگری به نام «کته» ساخته شده که آردهای آماده، از لابلای دو سنگ آسیاب به وسیله ناودان دوم درون آن مخزن ریخته و انبار می شوند. در قدیم هر کس وارد این کارخانه ها یا به قولی آسیابها می شد، آردهای معلق در فضا به سر و رویش می نشست و گردآلود می شد که به خصوص موهای سیاه او سپید می گشت و مثل معروف «ما این موها را در آسیاب سفید نکرده ایم» از آنجا ناشی شده است. همچنین مردم کیسه های گندم را برای آرد کردن به آسیاب می بردند، که معمولاً گندمهای مردم به خصوص گندمهای نامرغوب و مرغوب، با هم مخلوط می شد و گاهی آردهای خوب نصیب کسی می شد که گندم نامرغوب تحویل داده

بود و به عکس. در اینجا صاحبان گندم اعتراض می کردند و آسیابان همیشه جوابی آماده داشت و می گفت: «اشتباه شده است.» که مثل معروف «اشتباه را آسیابان می کند» نیز از همین جا پدید آمده است. ۱- آسیاب چهار سنگ شیخ یوسف ۲- آسیاب چهار سنگ تپه اشرف واقع در نزدیک پل شهرستان ۳- آسیاب علی خانیان ۴- آسیاب حسن حاج علیشاه واقع در خیابان مشتاق ۵- آسیاب حسین زاده که کمی بالاتر از آسیاب حاج علیشاه قرار داشته است. ۶- آسیاب معروف حسین واقع در بالای خیابان مشتاق ۷- آسیاب کلانتر که شهرت داشته و با دو سنگ کار می کرده است. ۸- آسیاب نازستان ۹- آسیاب دروازه شیراز که تا چندین سال پیش وجود داشت ۱۰- آسیاب خان، که در اصفهان معروف بوده است. ۱۱- آسیاب حاج رسول روغنی، این آسیاب در منطقه نازوان قرار داشته و دارای چهار سنگ بوده است. ۱۲- آسیاب نعمت الله عظیمی (معروف به آسیاب نازوان) که آن هم در ناحیه نازوان قرار داشته و دارای دو سنگ بوده ۱۳- آسیاب خان که دارای سه سنگ بوده و در نزدیکی پارک پل وحید کنونی قرار داشته است. ۱۴- آسیاب باغ پلاسون که دنباله بیشه خلیفه گری آرامنه جلفا در حد فاصل بین خیابان نظر و پارک بوده است. ۱۵- آسیاب آرامنه جلفا واقع در نزدیکی شکرچیان جلفا ۱۶- آسیاب هزار جریب که متعلق به محمد آقا ضرابی بوده و در دروازه شیراز، نزدیک کارخانه پیسی کولای کنونی قرار داشته است. ۱۷- آسیاب حاج مصطفی که در انتهای خیابان حکیم نظامی و ابتدای محله حسین آباد قرار داشته و متعلق به حاج مصطفی حسین آبادی بوده است. ۱۸- آسیاب محمود یخی که در دستگرد خیار بوده و آخرین مالک آن محمود یخی بوده است. ۱۹- آسیاب آقا که

آنها در حومه اصفهان و در فلاورجان قرار داشته و دارای دو سنگ بوده است. ۲۰- آسیاب علی آردی که در پیر بکران قرار داشته و دارای دو سنگ بوده است. ۲۱- و آسیاب فهامی واقع در مارنان که ابتدا آبی و در حال حاضر ماشینی شده است. ضمناً در بسیاری از خیابانهای اصفهان کوچه هایی به نام کوچه آسیاب وجود دارد که هر کدام از آنها محل یک آسیاب بوده است و فقط نامی از آن مانده است. اینها نمونه ای از آسیابهای متعدد اصفهان بوده که حتی یک باب از آنها باقی نمانده است. همه آنها خراب شده و به خیابان و خانه و پارک تبدیل شده اند و به جای آن از کارخانه های معظم برقی که کارآیی قابل توجهی دارند استفاده می شود.

یخچال ها

تاریخچه

اصفهان دارای آب و هوای چهار فصل است. اما از جهتی این شهر در منطقه مرکزی ایران و نزدیک به کویر واقع شده و در مواقع خاص، از گزند بادهای گرم کویری در امان نیست، بخصوص در فصل تابستان. به همین مناسبت در این مواقع وجود یخ اهمیت بیشتری پیدا می کند. از آن گذشته رستورانها، مهمانخانه ها، قهوه خانه ها و بستنی فروشیها در بیشتر فصول سال به یخ نیازمندند. یخ در اصفهان در طول سالهای متمادی به طریقه سنتی تهیه می شده که اطلاع از طرز تهیه آن جالب توجه است.

طرز تهیه یخ به طریق سنتی

ابتدا زمین بزرگی به مساحت چند هکتار برای این کار در نظر می گرفتند. در زمین، ابگیرهایی به صورت کرت‌های بزرگ ب طول ۵۰ و عرض ۲۰ متر و عمق بیش از نیم متر آماده آبیگری می کردند. در اواخر پاییز یا اوایل فصل زمستان هنگامی که هوا به سردی می گرایید، شب هنگام، در قدیم آب رودخانه یا مادی را در آبیگرها انبار می کردند، تا منجمد شود. کارگرانی هم دایم در چند نوبت بر روی یخها آب می پاشیدند تا یخ ها منسجم تر و قطورتر گردد. در سراسر طول سمت جنوبی زمینها دیواری قطور به ارتفاع بیش از ده متر از گل رس یا ملات دیگر، بنا می کردند. آنگاه در قسمت شمال دیوار به فاصله دو سه متری، فضایی را به طول بیش از سی متر و عرض ۶ متر و عمق ۲ متر حفاری کرده، گودالی عمیق می ساختند و مدخلی شیب دار یا با پله، تا سطح زمین می ساختند و کف آن را با حصیر یا پوشال می پوشانیدند. کارگران یخ کش، با وسایلی که در اختیار داشتند یخهای منجمد شده کرتها

را می شکستند و قطعات سنگین و بزرگ را با وسایل مخصوص حمل کرده و در گودال ذکر شده چال می کردند. این کار آنقدر تکرار می شد تا یخِ کرتها به اتمام برسد. سپس در شبهای بعد که هوا سرد می شد باز عمل آبیگری تکرار می گردید و دوباره پس از منجمد شدن، یخها به مخزن حمل می شد تا گودال، پر از یخ شود. آنگاه با حصیر و پوشال سطح یخها را می پوشاندند تا اشعه آفتاب و گرمای هوا بر روی یخها اثر نکند و یخها آب نشود و چند ماهی در مخزن باقی بماند. از اواسط بهار صاحبان یخچالها، به فروش یخها می پرداختند. به همین مناسبت ابزار کار که عبارت از گاری یا الاغ یخ کش بوده، آماده می کردند و کارگران از مدخل شیب دار یا پله دار کنار گودال پایین رفته، انبوه پوشالها را کنار زده، یخها را به گاریها منتقل می نمودند و از محل یخچال به خیابانهای اطراف و کافه ها و بستنی فروشیها و رستورانها و مراکز دیگر حمل می نمودند و به فروش می رساندند. در این مواقع هر چقدر هوا گرمتر می شد صاحبان منازل و مغازه ها بیشتر برای خریدن یخ هجوم می آوردند. حتی گاهی مستقیماً به محل یخچال مراجعه می کردند و یخ خود را از محل کارخانه تهیه می نمودند تا ارزانتر تمام شود. تعداد این یخچالها به درستی معلوم نیست زیرا هر محله نسبت به جمعیت خود یکی دو یخچال داشت که یخ آنها را تأمین می کرد. بیشتر این یخچالها نیز یا به نام محله خود، یا به نام مالک و تهیه کننده یخ شهرت می یافتند. در کتاب «نصف جهان فی تعریف اصفهان» تألیف محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی

تعداد یخچالهای اصفهان چهل باب ذکر شده و نوشته است که تعداد یخچالهای اصفهان بیش از این تعداد بوده است. البته تهیه یخ به طریقه سنتی فوق جهت مصرف مستقیم، بهداشتی نبوده، زیرا ممکن بود هم آب ورودی به مخازن و یا کرتها آلوده باشد و هم زمین یخچال و پوشالها و حصیرها آلودگی داشته باشند. اما از نظر اقتصادی بسیار مقرون به صرفه بوده و اگر از این یخها به طریقه غیرمستقیم استفاده می گردید، مسئله آلودگی مرتفع می شد. پس از پیدایش یخ ماشینی یا به قولی، یخ مصنوعی، که در کارخانه های مخصوص تهیه می گردد مشکل آلودگی آن از بین رفت.

صنایع دستی اصفهان

تاریخچه صنایع دستی در اصفهان

صنایع دستی اصفهان در طول قرن های متمادی به عنوان نماینده هنر اصیل قوم ایرانی در جهان معرفی شده است. از این رو اگر اصفهان را مهد صنایع دستی ایران بنامیم سخنی به گزاف نگفته ایم. چرا که ویژگی های فکری و روانی صنعتگر اصفهانی مانند ذوق، هنر، پشتکار و قناعت موجب شده است تا فرآورده های دست ساز اصفهان نه تنها در کشورمان خریداران فراوان داشته باشد بلکه مسافران و گردشگران و علاقمندان خارجی نیز طالب دست ساخته های اصفهان با ویژگی های خاص آن باشند. فرآورده های دست ساز اصفهان عبارتند از: خاتم - مینا - مینیاتور - نقاشی روی صدف - نمدمالی - خراطی - قالی بافی - گلیم بافی - زری و مخمل بافی - مليله و نقره سازی - چشمه دوزی - قلمکار - قلمزنی روی مس و برنج - ورشو سازی - کاشی سازی و...

خاتم

یکی از گونه های زیبا و هنرمندانه صنایع دستی در اصفهان خاتم سازی است. این هنر بی بدیل و کم نظیر در واقع هنر آرایش سطح اشیاء چوبی به صورتی شبیه به موزائیک با مثلث های کوچک است. این مثلث ها هرچه ظریف تر و طرح ها و اشکال هرچه منظم تر باشند، خاتم مرغوب تر خواهد بود. یکی دیگر از دلایل مرغوبیت و ارزشمند بودن خاتم بالا بودن کیفیت مواد اولیه است. موادی که خاتم سازان برای تهیه محصولات خود از آنها استفاده می کنند بسیار متنوع هستند.

این مواد عبارتند از: چوب های گوناگون مانند چوب فوفل، آبنوس، نارنج و عناب، استخوانهای مختلف مانند استخوان شتر، گاو، اسب و همچنین عاج، صدف و مفتول های مسی و برنجی و در برخی موارد طلا و نقره

برای ساختن خاتم، مواد اولیه را به صورت منشورهائی به ابعاد حدود ۱ تا ۲ میلیمتر رنگ آمیزی کرده و با پهلوی هم چیدن آنها طرح های مختلف خاتم را بوجود می آورند.

علاوه بر اصفهان خاتم سازان شیراز نیز در این هنر شهره هستند و خاتم هائی که به وسیله هنرمندان اصفهان و شیراز تهیه می شود، خریداران بسیاری دارد. این فرآورده ها شامل ظروف متنوع و مختلف می باشند. در سال های اخیر هنرمندان خاتم ساز با تشکیل شرکت تعاونی خاتم سازان که زیر نظر سازمان صنایع دستی ایران فعالیت می کند انسجام بهتری یافته و تولیدات مرغوبتری را به گردشگران مخصوصاً خارجیان عرضه می کنند.

مینا

از هنرهای دستی ایرانیان در ادوار گذشته و روزگاران دور تزئین و کنده کاری روی فلزات است. از جمله موارد فلز کاری می توان از ترصیع نام برد که به معنای نشانیدن و جا دادن قطعات کوچک فلزهای مختلف روی سطح فلزی از جنس دیگر و ایجاد تناسب میان قطعات است. بررسی هائی که در مورد میناکاری به عمل آمده بیانگر این مطلب است که میناکاری نیز مانند بسیاری از هنرهای دیگر برای اولین بار در ایران بوجود آمده و سپس به سایر کشورها راه یافته است.

در زمان صفویه میناکاری نیز همچون سایر هنرها ترقی بسیار کرد و شهر اصفهان به یکی از مراکز عمده این هنر تبدیل شد. هنوز نیز این شهر تنها مرکز این هنر محسوب می شود.

هنر میناکاری شامل فعل و انفعالات پیچیده ای است که به هم مربوط می شوند. در عصر صفویان از نقش های اسلیمی و گل استفاده بسیار

شد و رنگ قرمز در میناکاری مصرف بیشتری پیدا کرد.

ر قدیم رنگ هائی که در صنعت مینا سازی مورد استفاده قرار می گرفتند مانند رنگهای قلمکار گیاهی یا معدنی بودند اما در حال حاضر برای نقاشی ظروف و سایر اشیاء مینائی از رنگ های شیمیائی استفاده می شود. مینا کاران برای تهیه رنگ قرمز از طلا، رنگ سبز از مس و رنگ زرد از گل ماشی استفاده می کنند.

بیشتر اشیائی که هم اکنون مینا سازان به خریداران و علاقمندان این هنر عرضه می کنند عبارتند از: گوشواره، گردنبند، انگشتر، سینه ریز، جعبه های کوچک و بزرگ آرایش، قوطی سیگار، سرویس چایخوری و شربت خوری، جامهای میناکاری، بشقاب، گلدان، قابهای عکس، پیپ، گلاب پاش، جاروچهل چراغ، درها و پنجره هائی که برای مقابر ائمه در کربلا و نجف و سامره و مشهد و قم و سایر اماکن متبرکه ساخته شده اند.

در حال حاضر میناکاری کار هنرمندان اصفهانی طرفداران و خریداران بسیاری دارد و این رشته هنری از طرف سازمانهای ذیربط همچون سازمان صنایع دستی مورد حمایت قرار می گیرند.

گچبری

ایرانیان از دیرباز با عنصری به نام "گچ" آشنائی داشته اند. این نکته را کشف آثار گچی در هفت تپه خوزستان که مربوط به تمدن ایلامی است تائید می کند. به یقین اشکانیان و هخامنشیان نیز با این عنصر و تکنولوژی ساخت تزئینات گچی آشنا بوده اند. گچبری های کوه خواجه در جنوب شرقی ایران مربوط به تمدن اشکانی است. در عصر ساسانی تکنیک و روشهای خاص به همراه نقوش مختلف حیوانی، انسانی، گیاهی و هندسی مورد توجه قرار گرفت و با تلفیق

روشهای مختلف مناظر جالب توجهی به دست آمد که باعث شد تحولاتی در هنرهای دیگر آن عهد و آغاز اسلام بوجود آید. با گسترش اسلام در ایران طرحهای مختلف همچون "اسلیمی" و "ختائی" در تزئین مساجد و مدارس به کار گرفته شد و در گچبری های بدست آمده تا زمان مغول از بهترین طرحها و نقشه ها استفاده می شد. بطوری که تا پیش از رواج کاشیکاری، گچ تنها عامل زیبایی و تزئین بناها و فضاهاى مذهبی شد محراب مسجد جامع اصفهان بیانگر رشد و شکوفائی این هنر می باشد. با روی کار آمدن صفویان از گچبری تنها در داخل منازل اعیان و اشراف وقت استفاده می شد و تا دوران قاجار نیز استفاده از گچ ادامه داشت. در دوران پهلوی به دلیل رواج گچبری های پیش ساخته این هنر در سراسیمبی سقوط قرار گرفت بطوری که امروز استادان گچبر قدیمی تنها به مرمت آثار باقی مانده از قدیم مشغول هستند و کمتر استادکاری در پی خلق آثار بدیع و جالب است. امروز برخی از آثار گچبری در ایران از شهرتی عالمگیر برخوردار هستند. از دیگر هنرهائی که در گچبری مورد استفاده قرار می گیرند خطوط اسلامی و به خصوص خط نسخ می باشند. از محرابهای معروفی که با گچبری تزئین شده اند. محراب مسجد ملک کرمان (مربوط به سال ۴۷۷ هجری قمری)، محراب مسجد زواره (در نزدیکی اردستان با تاریخ ۵۳۰ هجری قمری)، محراب مسجد اولجایتو در مسجد جامع اصفهان (مربوط به سال ۷۱۰ هجری زمان حکومت سلطان محمد خدا بنده، معروف به اولجایتو و محراب مسجد آقا نور (که در سال ۱۰۳۹ هجری قمری ساخته

شده است) می باشد. از اساتید معروف این هنر در حال حاضر استاد رضا اعظمی و استاد حسن ریاحی هستند. از آثار معروفی که استاد اعظمی ساخته است محراب گچبریهای هارونیه است.

از آثار استاد حسن ریاحی نیز می توان به گچبری هائی که در خانه های قدیمی به جا مانده از دوران صفویه و قاجار همچنین بازسازی گچبریهای خانه معروف امام جمعه و مرمت و قطاربندی ها و آینه کاریهای شهشهان اشاره کرد. در سالهای پس از پیروزی انقلاب سازمانهای ذیربط و مسئول همچون سازمان میراث فرهنگی و سایر نهادها با استفاده از استادکاران و شاگردان مستعد آنان به مرمت بسیاری از شاهکارهای گچبری بناهای قدیمی پرداخته و در راه احیاء این هنر اصیل ایرانی گامهای موثری برداشته اند.

گره چینی

از زمانهای گذشته تا به امروز چوب یکی از عناصر دائمی مورد استفاده در معماری ایران بوده است. موقعیت ویژه ای که چوب به عنوان یکی از مصالح ساختمانی دارد تنوع انواع آن باعث شد تا از این عنصر استفاده های بسیاری بشود و از پوشش پشت بامها گرفته تا قاب های تزئینی پنجره ها و ساخت اشیاء فلزی، چوب مورد استفاده قرار گیرد. هنرمندان با ذوق و خلاق ایرانی در جهت زیباتر شدن بناها و ساختمانها توانسته اند آثاری خلق کنند که هر کدام به عنوان هنری مجزا مورد توجه قرار گیرند. که مثبت، خاتم، معزق، گره چینی و مشبک و... از آن جمله هستند. از سابقه "گره چینی و مشبک" در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست. برخی پژوهشگران احتمال داده اند استفاده از این هنر چه در حالت مشبک و چه

در حالت آلت و لغت از دوران خلفاء عباسی شروع شده و در قرن ۶ تا ۸ هجری قمری در مصر و سوریه متداول شده است و از همان زمان به ایران رسیده است. از این سبک کار معمولاً در ساخت درهای اماکن مقدسه، مقابر، منابر، و از مشبک در پنجره های منازل و کاخها، نرده ها استفاده می شده است. از دوران صفوی به بعد تعبیه شیشه های رنگی در چوب های مشبک رایج شده و اصطلاحاً به "ارسی" مشهور گردید. از استادان بی بدیل این هنر مرحوم استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان است که آثار باارزشی از او در مقرنس کاری، قطار بندی، رسمی بندی، مشبک و گره چینی در عتبات عالیات و بناهای تاریخی اصفهان موجود است. کلیه درها و پنجره های هتل عباسی نیز از آثار این هنرمند است. در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی علاوه بر تأسیس کارگاههای مرمت گره چینی و مشبک اقدام به برگزاری دوره های کوتاه آموزش این هنر برای علاقمندان کرده است. از دیگر استادان این هنر اصیل و قدیمی می توان به مرحوم استاد مهدی عشاقی، استاد علی عباس عشاقی، استاد مهدی اولیائی و استاد علی مظاهری اشاره کرد.

قلمدان سازی

پژوهشهای محققین برای اینکه به پدیده ای به نام قلمدان در ایران باستان پی ببرند. راه به جایی نبرده است. و از وجود این هنر در ادوار قبل از اسلام اطلاعی در دست نیست. با ظهور اسلام، استفاده از قلمدان برای کارهای تحریری معمول گشت و در مدرسه ها، مکتب خانه ها و مراجع دیوانی مورد استفاده قرار گرفت. در دوره سلجوقیان بر اثر حمایتی که از شعراء

و نویسندگان و دبیران به عمل آمد، هنر قلمدان سازی پیشرفت بسیار کرد. این پیشرفت و ترقی تا عصر تیموریان ادامه داشت. بررسی های انجام شده بیانگر این مطلب است. در عصر صفویه که خوشنویسی به نهایت ترقی و تعالی رسید هنر قلمدان سازی نیز به اوج رسید و قلمدان های ساخته شده در این عصر از گرانبهاترین و نفیس ترین میراث های فرهنگی ایران به شمار می رفت. قلمدانهای برجای مانده از آن روزگار که برخی گوهرنشان و طلاکوب و مرصع هستند و بر بعضی نیز آیات قرآنی نوشته شده است. زینت بخش موزه های ایران و سایر کشورهای جهان می باشند. در دوره قاجاریه و زندیه نیز هنر قلمدان سازی مثل روزگار صفویان در اوج بود و قلمدانهای ساخته شده در این دوره نمایانگر هنر هنرمندان اصفهانی هستند. از مشهورترین قلمدان سازان دوران صفویه و زندیه و قاجاریه می توان محمد زمان نگارگر، حسن خداداد، محمد خداداد، سمیرمی، محمدصادق امامی اصفهانی، کاظم بن نجفقلی، عبدالرحیم اصفهانی و آقا نجف قلمدان را نام برد.

اگر چه در حال حاضر قلمدان مانند گذشته مورد استفاده قرار نمی گیرد اما علاقمندان به هنرهای اسلامی ایرانی کماکان از این فرآورده هنری استقبال کرده و خواهان و طالب آن هستند.

مسگری

مسگری یکی از صنایع دستی قدیم و زیبای ایران است. از شمش مسی برای تهیه ورق مسی بوسیله چکش کاری استفاده می کنند. برای ساخت ظرفهای کوچک از یک تکه مس استفاده و آنقدر آن را چکش کاری می کنند تا شکل مورد نظر به دست آید ظروف بزرگتر از دو یا چند ورق مسی ساخته می

شود. محصولات عمده مس گری عبارتند از سینی های مختلف، دیگ، تنگ، گلدان و ظروف دیگر.

منبت کاری

فرهنگ ها و کتب لغت معنای منبت را نقش برجسته و کنده کاری روی چوب تعریف می کنند. نقاشان و معماران نیز نقشی را که اندکی از زمینه خود بلندتر باشد منبت می گویند. با توجه به شواهد تاریخی و پژوهش های محققین، سابقه منبت کاری در ایران به قبل از دوران هخامنشیان می رسد. پس از آن در عصر هخامنشیان و ساسانیان نیز این هنر جایگاه مهمی داشته است. با ظهور اسلام و گسترش این دین در ایران هنرمندان منبت کار همچون سایر هنروران سعی و کوشش خود را به تزئین و زیباسازی اماکن مقدس و مذهبی معطوف کردند. از این زمان نیز منبت کاران از نقوش موجودات زنده در آثار خود استفاده کردند. با فرا رسیدن روزگار صفویه منبت نیز مانند سایر هنرهای دستی روی به شکوفائی نهاد. اگر چه منبت کاری در روزگار صفویه در اصفهان رونق گرفت اما در عصر قاجار پیشرفت بیشتری کرد زیرا در این دوره است که مبل و صندلی به خانه ها راه می یابد. به نوشته مولف کتاب "گنج پنهان" از دوران قاجار مبل هائی برجای مانده که به شیوه ایرانی کنده کاری شده اند و آنها را مبل سبک قاجار می نامند. در حال حاضر با ساخته شدن خانه های جدید و نفوذ تمدن غرب منبت با چاقو انجام نمی شود بلکه ابزارهائی که مورد استفاده منبت کاران قرار می گیرد بیشتر خارجی هستند. با آنکه امروز منبت اصفهان به صورت اصیل و اولیه ساخته نمی شود اما

هنرمندان اصفهانی کماکان با طرحهای بسیار زیبایشان آثار بسیار جالبی بر روی چوب بوجود می آورند. از اساتید معروف این رشته می توان استاد عبدالله باقری، استاد یعقوب جابری، استاد ابراهیم دالوند و استاد کمال مسائلی را نام برد. مهمترین استادانی که برای اولین بار در اصفهان با مٲت جدید یا فرنگی اقدام به ساخت مبل های استیل و سایر اشیاء کردند: استاد احد صنیعی، موسی آقایان، اکبریان، قلمزن و... می باشند.

نقاشی

نقاشی باستانی

ایرانیان باستان که از فرهنگ و تمدنی پر بار و غنی برخوردار بوده اند، دست آوردهای فرهنگی و هنری خود را در طول قرن و اعصار به صورت های مختلف در دامنه وسیع قلمرو خود که وسعتی چندین برابر ایران کنونی داشت، گسترانیده اند. از جمله آن هنرهای ارزنده، هنر گویا و ارزشمند نقاشی است. نقاشی از دیر زمان بیانگر زبان و تمنیات بشر اولیه بوده است و بشر پس از صوت، جهت بیان مقاصد خود از نقاشی استفاده می کرده است. مثلاً خط تصویری و هر گولیف که وسیله ای برای بیان مقاصد بوده اند که نشان دهنده اهمیت و ارزش والای هنر نقاشی هستند. کاوشهای علمی و باستانشناسی در ایران نشان می دهد که نقاشی در این سرزمین چه بر روی اشیاء و ظروف و چه در بدنه کوهها و در زمانهای بعد بر دیوارهای عمارتها و اطاقهای سربسته، از چه زمانی و با چه کیفیت مطلوبی معمول بوده و از ایران به کدام کشورها راه یافته است. علاوه بر نقوشی که در زمان هخامنشیان و قبل از آن بر روی ظروف و اشیاء عتیقه و بر بدنه کوهها بجا مانده، کاوشگران و باستان شناسان مقدار زیادی اشیاء زینتی و قیمتی از

قعر خاک در آورده اند که همه آنها مانند نقوش اصیل تخت جمشید یا مراکز دیگر، حاکی از تمدن درخشان ایران زمین بوده و هر کدام از آن اشیاء، زینت بخش یکی از موزه های معروف جهان است. آنچه به صورت مدون و روی کاغذ و اشیاء دیگر به تصویر کشیده شده و در دنیای امروز موجود و در موزه ها حفظ شده آثار نقاشی بزرگ مرد هنرمند ایرانی، «مانی» و اوراق گرانبها و زیبای کتاب معروف «ارژنگ» است که از آن به عنوان تبلیغات نظری مذهبی استفاده می شده است. این کتاب در حال حاضر در خزائن غزنین موجود است. استاد ابوالقاسم فردوسی نیز در شاهنامه درباره آن فرموده:

بیامد یکی مرد گویا ز چین که چون او مصور نبیند زمین

مانی فرزند «فاتحک» از نجبای ایران و مادرش به روایتی از خاندان پادشاهان ساسانی بود. مانی در سال ۲۱۵ میلادی متولد شد و فرقه مذهبی مانویه را به وجود آورد. او نقاشی را از معجزات خود و وسیله نشر و دعوت قرار داده بود. مانی در سال ۲۷۵ میلادی به وسیله روحانیون زرتشتی محاکمه و محکوم و سپس زندانی گردید و در زندان درگذشت. بعضی روایات حاکی از آن است که سرش را بریدند و گاه در پوستش ریختند و به یکی از دروازه های جندی شاپور آویزانش کردند. در حفاریهای «تورفان» و «خوچو» آثاری از نقاشیهای مانویان به دست آمده است. یکی از آنها صورت مرد بزرگی را نشان می دهد که شبیه به خود مانی است. هاله ای از نور به شکل قرص خورشید پشت سر او است و به هیئت مغولی تصویر شده است. بنابراین قول «کومون» نقاشی و مینیاتور را

مانویان از کشور ساسانیان به ترکستان منتقل نمودند. مورخین، کتاب نقاشی بزرگی را در استخر فارس مشاهده کرده اند که دارای تصاویری از شاهان ساسانی بوده و با نوعی از رنگهای طلاایی و نقره ای و محلول گرد مس بر روی برگهای بسیار نازک نقاشی شده است. دین مانی به نقاط مختلفی از جهان نفوذ کرد تا آنجایی که مؤسس مذهب کاتولیک و پدر کلیسای روم، مدت ۹ سال پیرو آیین مانی بود. به همین مناسبت هنر نقاشی و موسیقی، به همراه دین مانی به مغولستان و ترکستان و چین راه یافت و پس از مدتی با تغییراتی دوباره به ایران بازگشت. دو تن از باستان شناسان فرانسوی به نامهای «گدار» و «هاکن» طی کاوشهای خود در نواحی شرقی ایران، یک نقاشی روی دیوار کشف کردند که ۱۲ متر طول و ۴ متر عرض داشته و یک شاهزاده ساسانی را بر روی تخت، در میان درباریان خود نشان می داده است. «آمیانس» مورخ قرن چهارم رومی می نویسد: «ما آثار نقاشی از جشنها و باده نوشیها و شکارگاه های ایرانی زیاد دیده ایم.» تصویر نور ایزدی به صورت هاله، که علامت مشخص پیامبران و امامان است، ابتکار ایرانیان باستان می باشد. یکی از نقاشیهای مینیاتور ایران، تصویر مرد مارگزیده ای است که پزشک نامدار، جالینوس به معالجه او پرداخته است. همچنین در «التفهیم» ابوریحان بیرونی، تصویری از آدم و حوا یا به قول ایرانیان قدیم، «مشی» و «مشیان» وجود داشته که جنبه مذهبی دارد و تصویری نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در کنار ابوبکر پس از ترک مکه و مهاجرت به مدینه وجود دارد. یکی از خلفای اموی نیز کاخ

کوچکی در بیابان شام ساخت که سقف آن را با نقوش زیبا مزین ساخته بود و خلفای عباسی نیز کاخهای خود را در سامره با نقش و نگارهای رنگارنگ زینت می دادند.

نقاشی در اسلام

مجسمه سازی و پیکر تراشی و نقاشی چهره و صورت در اسلام مکروه و یا حرام بوده، به همین مناسبت هنر مجسمه سازی و پیکر تراشی که از مهمترین هنرهای ایران قبل از اسلام بود و آثار ارزنده و بی نظیر هنرمندان پیکر تراش را می توان در کاخهای تخت جمشید و نقش رستم و بدنه بسیاری از کوههای اطراف و اکناف ایران زمین مشاهده نمود و یادگارهای دوران هخامنشیان و ساسانیان است. - بعد از اسلام تقریباً از بین رفت. همچنین از نظر اسلام وجود نقاشی و چهره انسان در محل برگزاری نماز و مساجد حرام بوده است ولی برخی از فقها فتوی داده بودند که اگر مورد نقاشی مثله شده باشد، حرام نیست و جالب آنکه نقاشان نیز مخصوصاً چشم سوژه های خود را در نقاشی کور می کردند تا از نظر دینی قابل رؤیت باشد. بنابر نوشته سیاحت نامه شاردن به همین مناسبت میرزا رضی اصفهانی به نقاش باشی زمان خود دستور داده بود نقاشی هایی که برای منزل او می سازد چشم چپ نداشته باشند تا اگر آن نقاشی در خانه نصب شد نماز در آن مقدور باشد. اما به طور کلی نقاشی به خصوص نقاشی صور جاندار، در اسلام تحریم شده بود. زیرا آن عمل را یادآور و احیای بت پرستی و همچنین دخالت در کار خدا می دانستند. حکیم ناصر خسرو می نویسد: «در بازگشت از مکه در بادیه ای به «فلیج» رسیدم و در نهایت فقر و

مسکنت بودم و جز چند کتاب چیز دیگری نداشتم. خواستم کتابها را بفروشم، خریداری پیدا نشد. روزی در کمال ناامیدی با مقداری شنجرف و لاجورد که همراه داشتم، وصف الحال، بر دیوار مسجدی بیتی نوشتم و آن را با شاخ و برگ تذهیب کردم. اهل حصار جمع شدند و به تماشای آن آمدند و به من گفتند اگر محراب مسجد را نقاشی کنی صد من خرما به تو اجرت می دهیم و من آن محراب نقاشی کردم و صد من خرما دریافت نمودم و بسیاری از مشکلات مالی خود را رفع نمودم. این واقعه به سال ۴۴۲ هجری اتفاق افتاد.» مطلب فوق چنین می نماید که نقاشی در دیار عرب ناشناخته بوده و در زمان تسلط آنها بر دیگر ممالک نیز، وضع بهتر از آن نبوده. تا زمان غزنویان که نقاشان معروفی پیدا شدند، از جمله آنها «ابونصر» نقاش را می توان نام برد که نقاش چیره دستی بوده است. گویند زمانی که سلطان محمود خواست دانشمند ایرانی را به غزنین فرا خواند و آنها امتناع نمودند، به دستور سلطان محمود، ابونصر نقاش، چهره ابوعلی سینا را نقاشی نمود و سلطان محمود نقاشی را برای شناسایی و دستگیری ابوعلی سینا به سراسر مملکت فرستاد. در این دوره و قبل از آن نقاشان چینی نیز در ایران بوده اند. زیرا در کلیله و دمنه ای که رودکی به نظم کشیده، تصاویری از نقاشان چینی دیده می شود. در مجموعه هنری شادروان مهندس فروغی، یک جام مفرغی قدیمی وجود دارد که نقاشی آن را ابونصر نقاش در عهد سلطان محمود کشیده است. گویند سلطان محمود غزنوی در نزدیکی قصر خود منزلی زیبا برای استاد

حکیم ابوالقاسم فردوسی بنا نهاد که در اطاقهای آن به دستور استاد نقاشیهای اساطیری و صورت پادشاهان ایران و توران و آلات حرب پهلوانان و حیوانات درنده قوی نقاشی شده بود. ابوالفضل بیهی هم در تاریخ مسعودی راجع به قصری که امیر مسعود در جوانی در هرات ساخته و محل عیش و عشرت او بوده صحبت می کند و می گوید در آن اطاقها نقاشیهای «الفیه» و «شلفیه» کشیده شده بود. قصری نیز در «قراکلاه» آمل وجود داشته که بر دیوارهای آن تصویرهای متعدد و مختلفی بوده است. همه اینها حکایت از آن دارد که هنر نقاشی در قرن چهارم تا قرن ششم در ایران وجود داشته است. نقاشی در ایران و هندوستان و چین در پاره ای جزئیات با هم شباهت هایی داشته اند اما از نظر کلی، نقاشی ایرانی با نقاشی هندی که مکتب نقاشی مغولی است، تفاوتهای زیادی دارد. همچنین نقاشی ایرانی با نقاشی چینی متفاوت است. این تفاوتها گاهی به نحوه تفکر و جهان بینی و مواد مصرفی و کاربرد آن در ایران و چین مربوط می شود. خط خوش بیش از نقاشی خوب ارزش داشته است و در ایران این دو هنر از هم متمایز هستند ولی در چین با هم عجین شده اند و از یک قلم مو برای هر دو هنر استفاده می شده است. رنگ آبی آسمانی و بسیاری از رنگهای تند دیگر که در طبیعت یافت می شوند اختصاص به نقاشان ایرانی داشته و نقاشان چینی و هندی چنین قدرت و جسارتی در انتخاب رنگهای تند نداشته اند. همچنین در نقاشی ایرانی، صحنه نقاشی شده با تصویر واقعی همیشه یک گام فاصله دارد. نقاشیهای مذهبی در

ایران وسعت آنچنانی نداشته زیرا نقاشی در دین اسلام پسندیده و مورد تأیید نبوده است. به همین مناسبت نقاشیهای مذهبی ایران فقط به تصاویری از معراج حضرت پیغمبر و غدیر خم و در این اواخر تصویر مولا- علی علیه السلام و تصویر حسنین علیهما السلام خلاصه می شود و از تزئینات محراب و اطراف آن خیری نبوده است. برعکس نقاشیهای ایرانی بیشتر از اشعار شاعران مشهور و عرفان الهام گرفته و وسعت یافته است. از جمله خصوصیات بارز نقاشی در این دوره را می توان در شاهنامه «دموت» مشاهده کرد که در آن حرکت قوی، رنگ پر قدرت و ترکیب بندی موزون و پرتوان است. شکوه و عظمت نقاشی ایرانی با ظهور بهزاد و مکتب معروف او پدید می آید. بنابراین به شرح زندگی و مکتب او می پردازیم: بهزاد: نامش کمال الدین از مردم هرات و شاگرد پیر احمد تبریزی بوده و بین سالهای ۸۴۴ تا ۸۵۵ هجری متولد شده است. نخست، در اواخر دوره تیموری در خدمت امیر علی شیر نوایی بوده و سپس شاه اسماعیل صفوی او را از هرات به تبریز برد او تا اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی حیات داشته و شاه طهماسب از او نقاشی می آموخته است. بهزاد تا سال ۹۸۴ هجری حیات داشته است. او در نقاشی دارای مکتب خاص و معروفی است که در جهان شهرت دارد. در مکتب او عناصر آمیخته سنتی به طور کامل با هم ترکیب می شوند، طراحی استادانه و طرح بندی، هیجان انگیز است. از ویژگیهای این مکتب درخشش رنگهای مینایی است که در مکتب هرات خفیف است ولی در مکتب بهزاد به اوج می رسد. در زمان تیمور و پس از

آن در دوره شاهرخ و فرزندانش، بر اثر علاقه و تشویق آنان و اهمیتی که به هنر و هنرمند می دادند هنر نقاشی به اوج شکوفایی خود رسید. آثار ارزنده و ذی قیمتی در دوره بایسنغر پدید آمد که مهمترین آن، تصاویر شاهنامه است. دیگر از ویژگیهای بهزاد اینکه او اسلوب نقاشی را به طبیعت و زندگانی مردم زمان نزدیک ساخت و تصاویر اشخاص را چنان نقش کرد که گویی زنده و جاندار می نمایند. در این دوره دیگر چشم و ابرو به شیوه چینی ساخته نمی شد. از علل شکوفایی نقاشی در این دوره یکی علاقه سلاطین صفویه بود که بر اثر آن پایتخت ایران در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان مرکز هنر و هنرمندان کشور گردید و شاه اسماعیل، بهزاد را به ریاست کتابخانه سلطنتی منسوب نمود و در مکتب او شاگردان زیادی تربیت یافتند. از مهمترین آنها می توان «میرک اصفهانی» را نام برد. تابلو او به نام «مجنون» در میان وحوش، شهرت به سزایی دارد. شاه طهماسب صفوی نیز خود نقاش چیره دستی بود که از استادانی چون بهزاد و سلطان محمد نقاش تعلیم دیده بود. از ویژگیهای نقاشی صوفیه پوشش لباس، به خصوص پوشش سر با کلاههایی همانند عمامه بوده است. از آثار بسیار نفیس و معروف این دوره، خمسه نظامی است که بین سالهای ۹۴۶ تا ۹۵۰ هجری به خط نستعلیق بسیار خوش با قلم استاد محمود نیشابوری، برای شاه طهماسب صفوی نوشته شده و در آن، چهارده مجلس نقاشی نفیس وجود دارد. این نقاشیهای زیبا اثر بزرگترین نقاشان زمان مانند میرک اصفهانی، نقاش معروف زمان شاه طهماسب - و سلطان محمد، نقاش معروفی که

مدیریت هنرستان نقاشی تبریز را به عهده داشته و چند استاد معروف دیگر می باشد. این کتاب نفیس و بی نظیر مثل بسیاری از آثار هنری ایران از ارزشمندترین اشیاء موزه بریتانیا در انگلستان است. از آثار بزرگ دیگر در این دوره، «شاهنامه طهماسبی» است. این شاهنامه بنا به خواست و علاقه شاه طهماسب صفوی نوشته شده و حاوی بیش از دویست و پنجاه تابلو نقاشی نفیس است که می توان آن را نگارخانه ای متحرک نامید. این کتاب، مجموعه ای از مینیاتورهای استادان معروف و هنرمندان افتخاربرانگیز ایرانی است. طراحی و اسلوب اصلی این تابلوها را نقاشان نامدار آن زمان ترسیم نموده و بقیه کارهای آن را شاگردان مورد اطمینان به اتمام می رسانیدند و در پایان نیز، استاد بر کار آنها نظارت می کرد و اگر نقصی مشاهده می نمود مرتفع می ساخت. از جمله ویژگیهای نقاشی مینیاتور ایرانی در این تصاویر کاربرد رنگهای موزون، ترسیم پرندگان و حیوانات و درختان، آسمان طلایی رنگ، آبهای نقره ای فام، سروهایی به رنگ سبز تیره، درختان با شکوفه های سفید، اسبهای ابلق در صحاری زردرنگ و گروههای مردم در لباسهای سرخ و قرمز و نیلی است که با هم، هماهنگی چشم نوازی دارند. شاه عباس ابتدا به نقاشی توجهی نداشت و معماری و شهرسازی را در اولویت کار خود قرار داده بود ولی پس از چندی که نبوغ و پنجه های سحرانگیز نقاشانی چون رضا عباسی و همکارانش را مشاهده نمود بر دستهای سحرآفرین آنها بوسه زد. از نقاشان مشهور این عهد صادق بیک افشار و مظفر علی هستند. مظفر علی بیشتر از رنگ طلایی استفاده می کرد. شاهکارهای او را در قصرهای سلطنتی اصفهان از جمله کاخ

عالی قاپو و کاخ چهلستون می توان مشاهده کرد. در عهد صفویه آمیزه ای از اسلوبهای اروپایی و ایرانی در نقاشیها مشاهده می شود زیرا در این دوره برای اولین بار نقاشان اروپایی به ایران اعزام شدند. مخصوصاً در زمان شاه عباس نقاش معروفی به نام یوحنا از هلند به اصفهان آمد و در خدمت شاه عباس به کار گمارده شد، و نقاشان ایرانی را تحت تأثیر قرار داد چنانکه در تصاویر دو کاخ معروف شاه عباس در اصفهان یعنی عالی قاپو و چهلستون طرح و اسلوب اروپاییان دیده می شود که با نقاشی و مینیاتور ایرانی آمیخته است. پس از بهزاد و شاگردانش در اواخر دوران تیموری به ستاره درخشان دیگری در آسمان هنر ایران بر می خوریم که سبک مهم و معروفی ارائه داده و شهرت بسزایی دارد. این هنرمند بزرگ رضا عباسی استاد معروف مینیاتور است. رضا عباسی: از نقاشان معروف مینیاتور زمان شاه عباس اول است که تا سال ۱۰۴۴ هجری در خدمت او به خلق آثار خود پرداخته است. آثار ارزنده و معروف او در اکثر موزه های جهان و کاخهای سلطنتی اصفهان زینت بخش است. رضا عباسی در مینیاتور صاحب سبک بوده و شاگردان زیادی تربیت کرده که معروفترین آنها «معین مصور» معروف می باشد. رضا عباسی گاه با آقا رضا کاشانی که او نیز از استادان معروف این عهد بوده اشتباه گرفته می شود. این دو استاد در ترکیب رنگها و استفاده از آنها، تفاوت فاحشی داشته اند. فن نقاشی اروپایی در قرن یازدهم و دوازدهم روی کارهای رضا عباسی تأثیر داشته است. در همین دوره شاه عباس، «محمد زمان»، نقاش معروف را به اروپا فرستاد تا هنر خود را

تکمیل نماید. اجتماع هنرمندان در عهد صفویه در اصفهان باعث پیدایش مکتب جدید و معروفی گردید که به نام سبک اصفهانی شناخته می شود.

سبک اصفهانی

تا هنگامی که قزوین پایتخت سلاطین صفوی بود بنا به مقتضای زمان و سلیقه خاص نقاشان تبریز که به قزوین کوچانده شده بودند، مینیاتور ایران در کیفیتی سیر می کرد که با مکتب تبریز متفاوت بود و شیوه جدیدی پدید آمد که به نام شیوه قزوین نام گذاری شد. بعد از انتقال پایتخت به اصفهان در زمان شاه عباس اول گروهی از نقاشان ساکن قزوین و نقاشان هندی به اصفهان آمده و با نقاشان اصفهانی، سبکی بوجود آوردند که دارای کیفیات خاص و سوای مکتبهای تبریز و قزوین بود. در این مکتب جدید شیوه رنگ آمیزی و مجلس آرایبی نسبت به سابق تغییرات چشمگیری حاصل کرد، از جمله تک صورت سازی که قبلاً رواجی نداشت به نحو استادانه ای معمول گشت و استادانی چون آقا رضا کاشانی و رضا عباسی در این فن پایه هنر خود را به درجات عالی رسانیدند و مهمترین الگوی تک چهره سازی را برای نقاشان بعدی ارائه نمودند. در مجلس آرایبی نیز استادانی نظیر افضل الدین حسینی و شفیع عباسی و معین مصور این مکتب را که به نام مکتب اصفهان نامیده شد، رونق و شکوه خاصی دادند و به کمال رسانیدند. شاه عباس هم نظر به علاقه مفرطی که به نقاشی داشت، مشوق هنرمندان شد تا آنجا که اصفهان را «دار الصنایع» و تجلی گاه آثار درخشان نقش آفرینان قرار داد. از ویژگیهای مکتب اصفهان لطافت، رنگ آمیزی، سادگی و بی پیرایگی در مجلس آرایبی و پرهیز از تکلف و ریزه کاریهای مکتب هرات بود. از ویژگیهای

دیگر مکتب اصفهان ارائه صحنه های دو نفره و چند نفره در فضاهاى وسیع و یا محدود بوده که در کمال سادگی و زیبایی به تصویر کشیده شده است. مکتب اصفهان از مکاتب معروف و مرقی در میناتور ایران است. مجالسی که به این شیوه ساخته شده است زیبایی و دل انگیزی خاصی دارند که نتیجه ممارست و تجربه ممتد استادان پیشین است. تذهیب کاری در کتب و مرقعات و زیورنگاری در سقف و ستون و دیوار عمارتها با شیوه مستقل خود، در اوج پیشرفت و ترقی قرار گرفت. متأسفانه از زمان شاه عباس دوم به بعد این هنر رو به انحطاط نهاد و تا بندگی و درخشندگی خود را از دست داد و همینکه آخرین استادان این مکتب همچون محمد یوسف و محمد قاسم از گردونه خارج شدند، مکتب اصفهان نیز به افول گرایید. پس از سلسله صفویه که مشوق هنرمند و علاقمند به هنر بودند، هنر مخصوصاً نقاشی رو به زوال رفت و هنرمندان بزرگی همچون محمد زمان و علیقلی بیگ اصفهانی فراموش و منزوی شدند، مخصوصاً پس از تسلط افغانیان بر اصفهان و ایران، این زوال به اوج رسید. ولی در دوران افشاریه و زندیه این جسد رمقی حاصل کرد و هنرمندان جدیدی روی کار آمدند همچون آقا صادق و آقاجف و آقازمان که هر سه طلیعه دار مکتب قاجاریه بوده اند. در دوران قاجاریه نخستین کسی که به هنر نقاشی علاقه نشان داد فتحعلیشاه قاجار بود. به همین مناسبت در جامعه تشنه هنر ایران، مصوران ماهر و چهره پردازان قوی پنجه ای پا به عرصه وجود گذاشتند و شیوه خاص قاجاریه را ابداع نمودند. معروفترین آنها از آقازمان

و آقاصادق و آقابابا شروع و به استاد کمال الملک ختم می شود. در این دوره بنا به علاقه و پشتیبانی بعضی از سلاطین، تابلوهای نقاشی و کتابهای نفیس و قلمدانهای ارزشمندی خلق شد که همه در نوع خود بی نظیر و ممتاز بودند. شغل نقاش باشی جزو مشاغل درباری محسوب گردید. وجود میرزا ابوالحسن غفّاری معروف به صنّیع الملک که مؤسس اولین مدرسه نقاشی در ایران است و به رافائل ایران مشهور شده، به همراه فرزندان او و به خصوص برادرزاده هنرمندش استاد کمال الملک نقطه عطفی در هنر نقاشی این دوره ایران به حساب می آید. نقاشی در ایران انواع مختلفی داشته که مهمترین آنها عبارت اند از: مینیاتور، رنگ روغن، آبرنگ، سوخت و معرق، سیاه قلم و انواع شیوه های دیگر که هر کدام دارای مکتبهای خاصی است و شرح آن در این مقوله نمی گنجد. یکی از انواع نقاشیهای ایران، نقاشی «قهوه خانه» است که قهرمانان اسطوره ای و پیشوایان مذهبی و داستانهای حماسی و قهرمانان ملی در تابلوهای بلند، به تصویر کشیده می شده است. از انواع معروف ترین نقاشیهای شناخته شده ایران، نقاشی «قلمدان» است که آثار قلمدان سازها و نقاشان اصفهانی در این رشته شهرت جهانی دارد.

قلمدان

یکی از انواع هنر نقاشی در اصفهان، هنر قلمدان سازی است. این هنر ظریف و ارزشمند شهرت بین المللی دارد و برخی از قلمدانهای ساخته و پرداخته هنرمندان اصفهانی زینت بخش بزرگترین موزه های جهان می باشد. قلمدانها دارای سوژه های ظریف و زیبای مختلفی است از جمله، نقاشی مینیاتور، گل و مرغ، گل و بته، چهره سازی، شکارگاه، مجالس بزم و رزم، پرندگان و حیوانات و اشعار زیبای فارسی به خط خوشنویسان؛ و گاهی هم سبکها و شیوه های اروپایی

بر روی بعضی از قلمدانها دیده شده است. اکثر قلمدانهای نفیس، طلااندازی و تذهیب شده اند. محمد زمان: فرزند حاج یوسف از نقاشان معروف دوره صفویه که به فرمان شاه عباس دوم برای فراگرفتن قواعد نگارگری به ایتالیا فرستاده شد و از استادان آن دیار تعلیم گرفت و تحت تأثیر کشیشان ایتالیایی در آنجا مسیحی شد. در بازگشت به ایران از بیم پادشاه صفوی به هندوستان رفت ولی پس از چندی به ایران بازگشت و گویا مسلمان شد زیرا آثار خود را (یا صاحب الزمان) رقم می زد. سوژه های انتخابی محمد زمان بر روی قلمدانهای خود بیشتر شامل قصه شیخ صنعان و دختر ترسا، تصویر عیسی و مریم و بعضی از سوژه های هندی و تصاویر متعددی از سلاطین و شاهزادگان صفوی بود. محمدعلی مذهب اصفهانی: فرزند ابوطالب از زرینه کاران معروف عصر محمد شاه قاجار و از طنزنویسان و فکاهی سرایان بنام که در شعر، «بهار» تخلص می کرده و کتاب «یخچالیه» را برای محمد شاه به نگارش درآورده است. رجبعلی اصفهانی: رجبعلی از استادان معروف این رشته در زمان فتحعلیشاه قاجار است. دارای مشرب عرفانی بوده و علاوه بر قلمدان آثاری هم در نقاشی رنگ و روغن دارد و به جای امضا، عبارت «حُسنِ کلکِ رجبعلی، زعلی است» را زیر آثارش رقم می زده است. مهدی امامی: مهدی، جد اعلای خانواده هنرمند امامیه‌های اصفهان است. این هنرمند در ساختن گل و بته استاد مسلم بوده. علاوه بر آن در تذهیب و جلدسازی روغنی زرافشان تبحر داشته است. ابوالحسن اصفهانی: ابوالحسن از هنرمندان دوره فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار بوده و در رشته شبیه سازی و آبرنگ نیز استاد بوده است. ابوالحسن

بیشتر اوقات خود را به کار ساختن و نقاشی قاب آینه می پرداخته است. نجف علی اصفهانی: نجف علی از نام آورترین استادان اواسط قاجار، ملقب به مانی زمان و معروف به «آقا نجف» بوده است او در آفریدن آثار جذاب از صحنه ها بزمی و رزمی و شکارگاه و چهره پردازی و تصویر پرندگان و درندگان بهترین سلیقه را به کار برده است. بیشتر آثار او روی قلمدانهای زیبا و ظریف است. او دارای شاگردان و فرزندان هنرمندی بوده است. وفات نجف علی را بین سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۲ هجری دانسته اند. محمداسماعیل: محمداسماعیل از نوایغ نقاشی و برادر آقا نجف بوده. در صحنه پردازی و چهره سازی در دو مکتب ایرانی و فرنگی ورزیده و توانا بوده و آمیزشی بین این دو شیوه پدید آورده است. محمد اسماعیل پیشگام در ایجاد «سبک قاجاریه» است و سوژه های خود را از خلال دیوان اشعار عرفا و شعرا پیدا می کرده است. همچنین مجالس رهبانیت و آیین مسیح و داستانهای هفت گنبد و خسرو و شیرین نظامی گنجوی، از جمله آثار ارزنده و یادگارهای گرانقدر اوست. آقا کاظم: آقا کاظم یکی از فرزندان آقا نجف اصفهانی است. او علاوه بر پیروی از سبک پدر خود، سبک جدیدی پدید آورد. و در ساختن قلمدانهای کیانی و هفت گنبد و خسرو شیرین قدرت نمایی کرده است. همچنین از نقاشیهای معروف کاخ چهلستون تقلید کرده و موفق بوده است او در ساختن گل و بته و گل مرغ نیز سمت استادی دارد. احمد بن نجف علی: احمد از برجسته ترین نقاشان عصر ناصری قلمداد می شود که از برادران خود در این فن سبقت گرفته است. او در

ساختن گل و مرغ، منظره در کشتزار و پرداختن چهره های زیبایی عاشق و معشوق هنر آفرین بوده و به قدری زیبا کار می کرده که به «احمد آقا خوشگل ساز» معروف شده است. او شیوه ایرانی سازی را به فرنگی ترجیح می داده است. احمد آقا علاوه بر نقاشی، در میناکاری که یکی از هنرهای پرارزش اصفهان و ایران است سمت استادی داشته است. جعفر بن نجف علی: جعفر سومین پسر آقا نجف است. او استاد توانایی بوده که از سبک فرنگی پیروی می کرد و در ساختن گل و مرغ نیز دستی پر قدرت و قوی داشت. لطافت و ظرافت از ویژگیهای کار این استاد بوده است. حیدرعلی: او از استادان ممتاز و مبرز قلمدان است. از مشخصات این استاد توانا، چهره سازی و کشیدن صورتهای ریز در کادرهای بیضی و دایره شکل است که با قلم زر دورگیری شده است. حیدرعلی چهره سازی را با گل مرغ در کنار هم و توأم می ساخته است. سید محمد امامی: سید محمد در چهره سازی و گل و بته از معاریف دوره ناصری بوده است. او کارگاه معتبری در تهران دایر کرد که استادان بزرگی مانند محمد اسماعیل نقاش باشی و هنرمندان ارزنده دیگری در آن کارگاه سرگرم هنرنمایی و نقاشی بودند. قلمدانهای سید محمد عموماً پرکار و از داستانهای حماسی شاهنامه و بزمی نظامی نشأت گرفته است. آقا محمدحسین امامی: محمدحسین، پدر میرزا آقا امامی هنرمند معروف مینیاتور ایران می باشد. آقا محمد بیشتر گل و بته می ساخته و به آقا محمد گل و بته ساز معروف شده بود. او آثارش را با «یا ابا عبدالله الحسین» رقم می زده است. از خانواده های امامی محمدباقر امامی و محمدحسین امامی

و آقا جواد امامی و محمد صادق امامی و همچنین هاشم الحسینی همه از استادان به نام بوده اند. از هنرمندان دیگر این خانواده نصرالله امامی، محمدرضا امامی، غلامرضا امامی، و محمدتقی امامی را می توان نام برد. نصرالله سمت نقاش باشی داشته است. محمد ابراهیم نعمت الهی: محمد ابراهیم از استادان بزرگ و کم نظیر در فنون مختلف نقاشی و سرسلسله خانواده هنرمند نعمت الهی در اصفهان می باشد. او در قلمدان سازی مهارت بسزایی داشت و صاحب مکتب مشخص و متمیزی بود. محمد ابراهیم در اواخر دوره ناصری به روسیه رفت و به تحصیل هنر نقاشی پرداخت و در مراجعت آثار ارزنده ای به سبک قفقاز از خود باقی گذاشت. در سبک محمد ابراهیم چراگاههای گاو و گوسفند و اسب با ویژگیهای مخصوص او به چشم می خورد. او در سایه روشن و قلم گیری و چهره پردازی دستی توانا و قدرتی تمام داشته است. عبدالحسین صنیع همایون: صنیع همایون از استادان بزرگ و گرانمایه نقاشی دوره قاجاریه بوده، او کارگاه نقاشی معظمی داشته. قلمدانهایی که از آن کارگاه بیرون می آمده اگر کار خودش بوده و امضاء شده باشد، در هنرنمایی و نفاست کم نظیر است. او در کشیدن چهره متعدد زنان زیبا بسیار توانا و متبحر بوده است. در تابلوهای او زنانی زیبا دیده می شوند که پرنده ای در دست دارند یا سرگرم نوازش کردن پرنده ای مثل طوطی هستند. محمدباقر سمیرمی: محمدباقر از چهره های درخشان هنر ایران است. او یکی از پسران باغبان ظل السلطان است که بر اثر استعداد ذاتی، مورد توجه و تشویق شاهزاده قاجار قرار گرفت. سبک محمد باقر در قلمدان با آثار هیچ نقاش دیگری شباهت ندارد. سبک کار او

طوری است که علاقمندان و طرفداران بی شماری داشته است. چهره سازی در کارهای او بسیار زنده و جاندار است. قلمدانهای او بیشتر زرنشان، دلپذیر و روح پرور است. سمیرمی علاوه بر قلمدان چندین چهره رنگ و روغن از ناصرالدین شاه و مسعود میرزا و سران بختیاری ساخته که هر کدام در نوع خود بی نظیر است. محمد طاهر حکاک: یکی از هنرهای ارزنده و زیبای اصفهان هنر حکاکی بر روی فلزات و اشیاء دیگر است که معروفترین آن، حکاکی روی عقیق می باشد. محمد طاهر از هنرمندان نامی دوره قاجار در این رشته بوده و سمت استادی داشته است. او تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار زندگی می کرده و در سن ۹۰ سالگی در زادگاه خود، اصفهان بدرود حیات گفته است. اصفهان گنجینه گرانبهایی از هنر نام نمای جهان به شمار می رود و در هر دوره و در هر رشته نام آورانی به جامعه تحویل داده که سرآمد همه هنرمندان بوده اند. در اینجا به شرح حال و زندگی و آثار یکی از استادان مینیاتور می پردازیم: استاد مصورالملکی: نام این هنرمند معاصر، محمدحسین مصورالملکی بود. او در سال ۱۲۶۹ شمسی در اصفهان متولد شد. خانواده او اهل هنر نقاشی بودند. ریشه این هنر موروثی در خانواده وی تا دوره صفویه دنبال می شود. استاد از قول پدرش تعریف می کند که گفته است: «در رگهای ما به جای خون، رنگ جریان دارد»، این پدر هنرمند که در نقاشی روی قلمدان متبحر و متعصب بوده، گفته است: «اگر می خواهی نقاش بشوی باید به باطن اشیاء راه پیدا کنی. تا وقتی اسیر صورت هستی یک مقلدی، نقاش نیستی.» پدرش به او آموخته بود:

«نقاشی نوعی موسیقی است که از هماهنگی رنگها ایجاد می شود و فقط چشم صدای آن موسیقی را می شنود و تو اگر بخواهی نقاش باشی باید این موسیقی را بیاموزی.» محمدحسین پانزده ساله بود که جنگ بین مشروطه خواهان و طرفداران استبداد رخ داد و اصفهان دچار هرج و مرج و ناامنی شد. او در همین زمان پدر خود را از دست داد و ناگزیر مسئولیت خانواده را برعهده گرفت و کار پدر را در ساختن قلمدان دنبال کرد تا مخارج زندگی خانواده را تأمین کند. سپس به تذهیب و نقاشی رنگ و روغن پرداخت. در ابتدای سلطنت رضاه شاه پهلوی به اتفاق یکی از یهودیان، از طریق روسیه، لهستان و بلژیک، وارد پاریس شد و مدت شش ماه در فرانسه اقامت نمود. در آنجا با پرفسور پوپ و همسرش که در این زمان مشغول نگارش کتاب معروفش درباره هنر ایران بود آشنا شد. پرفسور پوپ از استاد تقاضا نمود در تصویرسازی کتابش او را یاری دهد. استاد هم پذیرفت و هر روز ساعتها به این کار اشتغال داشت. بنابراین در بازگشت به ایران حس می کرد راه خود را یافته است. در نخستین نمایشگاه جهانی که در لندن برگزار شده بود، تابلویی از مصور المکی به نمایش گذاشته شد. این تابلو مینیاتور، مورد توجه ملکه انگلستان قرار گرفت و پرفسور پوپ را مأمور کرد تا به اصفهان بیاید و آن را خریداری نماید. مصور المکی نیز تابلو را برای ملکه فرستاد و از طرف خانواده سلطنتی ملکه انگلستان به دریافت مدال ویژه مراسم تاجگذاری مفتخر گردید. مصور المکی طراحی زبردست، نقاشی توانا و انسانی وارسته و شاعری

درویش مسلک بود. در هر نقاشی و مینیاتور به اوج کمال رسید. این استاد، خود از میان همه آثار ارزنده اش، به تابلو تخت جمشید عشق می ورزید. او برای ترسیم این تابلو نفیس و بی نظیر، سالها به تماشا و کاوش پرداخت و از دانستنی های دو باستانشناس و حفار معروف در تخت جمشید به نامهای «مستر ریچاردز» و «هرتسفلد» آلمانی استفاده نمود. استاد علاوه بر ساختمان معظم تخت جمشید، چهار هزار چهره در این تابلو به تصویر کشیده است. او خود معتقد است فرق میان کاخ تخت جمشید و تابلو او در این است که «آن ویران شده ولی این سالم است». همان زمان خواستند تابلو را به مبلغ ده میلیون تومان خریداری نمایند ولی استاد با وجود بی بضاعتی، از فروش آن امتناع نمود و به اولادان خویش نیز وصیت نموده این اثر هنری را که دارای ارزش ملی است عزیز بدارند و به فروش نرسانند. او می گوید «جهت به تصویر کشیدن این تابلو به مرحله ای رسیدم که تمام ذهنم انباشته از تخت جمشید بود. حتی قدمهای سنگین سربازان جاویدان را روی سنگفرشها می شنیدم. ارابه ها را با چرخهای زمخت و کوچکشان که در حرکت بودند و طنین سم اسبها را که در هیاهوی ارابه ها محو می شد. می شنیدم، در چشم انداز آپادانا، باغهایی را که در متن کم رنگ و غبارآلود، به چشم می خورد، همه را حس می کردم.» مصور الملکی، مرحوم حاج میرزا آقا امامی را پیش کسوت و هنرمند واقعی دانسته و رستم شیرازی و فرشچیان را در رشته مینیاتور ستوده است. از تابلوهای معروف دیگر استاد، صحنه جنگ بین الملل دوم است که جنبه جهانی داشت و همراه

آن چهار تصویر از چهار ابرقدرت جهان آن روز یعنی روزولت، چرچیل، استالین و چیانگ کای چک بر روی عاج ساخت و برای آنها فرستاد که غیر از استالین سه نفر دیگر با نامه از استاد تشکر و قدردانی نمودند. از آثار معروف و ارزنده دیگر استاد، تابلوهای نفیس زیر را می توان نام برد. تابلوی سعدی با مضمون «در حال که من این سخن بگفتم دامن گل بریخت و در دامنم آویخت»، تابلوی چوگان بازی در میدان نقش جهان، تابلوی شیخ صنعان و دختر ترسا، تابلوی بنای کاخ چهلستون و مجلس پذیرایی شاه عباس از ولی محمدخان فرمانروای ترکستان، تابلوی صلح حیوانات که از کارهای آخر استاد می باشد، و بسیاری تابلوهای دیگر. حاج مصورالملکی به شیوه های مختلف نقاشی آشنایی کامل داشت. علاوه بر مینیاتور و طراحی و قلم گیری و تشعیر و تذهیب، تابلوهای رنگ روغن و نقشه های بسیار زیبای فرش هم می ساخت. استاد هنگامی که مشغول تهیه و پختن «روغن کمان» بود دچار سوختگی شد و بر اثر آن به لرزش دست دچار گردید که تا آخر عمرش او را آزار می داد. بعد از مدتی استاد دچار سکتة شد و دست راست او فلج گردید. ده سال بعد در تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۴۶ شمسی بدرود حیات گفت و در تخت فولاد دفن شد. استاد، طبع شعر هم داشت و این قطعه را بر وزن اشعار حماسی حکیم ابوالقاسم فردوسی جهت تابلو جنگ نادر و محمدشاه هندی سروده است:

چو کافور گون شد شبه موی من

ز غم تاخت پیری سپه سوی من /

سپاهی ز اندیشه کردم روان

سوی نادر و جنگ هندوستان /

چو پشت من از بار پیری شکست

قلم بر

گرفتم به پیری به دست /

بر این جنگ نادر به پرداختم

به پیری همه جنگ را ساختم /

به پیری سر من سر جنگ داشت

جوان بود و بر جنگ آهنگ داشت /

بسی رنج بردم بر این کار من

که نامم بماند بر این انجمن /

شود پاک چون نقشم از روزگار

همین نقش ماند ز من یادگار /

پس از من نظر هر که کردی بر این

کند بر روانم هزار آفرین /

هنرستان نقاشی در اصفهان

از مراکز مهم هنری ایران، هنرستان هنرهای زیبای اصفهان است. این هنرستان در سال ۱۳۱۵ به دستور رضاشاه، جهت احیاء هنر ایران زمین در اصفهان تأسیس گردید که در ابتدا دو شعبه فلزکاری و درودگری بیشتر نداشت و ریاست آن به عهده یک نفر آلمانی به نام «ویلهم مایر» بود. پس از چندی هنرستان وسعت یافت و به محل فعلی در کنار رودخانه زاینده رود منتقل شد و بسیاری از هنرهای اصیل از جمله مینیاتور، کاشیکاری، منبت کاری، بافندگی فرش را زنده کرد و از همه مهمتر هنر زری بافی که رو به نابودی می رفت در این هنرستان و با دستهای توانای هنرمندان اصفهانی زنده شد و رونق گرفت. زنده یاد استاد عیسی بهادری که خود از هنرمندان بنام کشور بود، در اعتلا و عظمت این هنرستان از هیچ کوششی دریغ نکرد. استاد عیسی بهادری ریاست هنرستان را به عهده گرفته بود و استاد ابوعطا که از استادان مشهور و صاحب ذوق اصفهان به شمار می آیند، علاوه بر تعلیم مینیاتور، در سمت معاونت هنرستان، همکاری صمیمانه داشت. استادانی که در این هنرستان به تعلیم نقاشی می پرداختند عبارت بودند از: استاد مصور الملکی، استاد جواد رستم شیرازی، استاد عباسعلی پورصفا. بعضی از هنرجویان این هنرستان نیز آقایان محمود فرشچیان،

امان الله طریقی، محمد تاجمیر ریاحی، مرحوم یسائی شاهجانیان، اکبر مصری پور، احمد رشتیان، مرتضی رزاقی، امیر هوشنگ جزی زاده و بسیاری از هنرجویان دیگر بودند که همه از استادان عصر حاضر می باشند. هفت هنرجوی رشته نقاشی که در ابتدای تأسیس هنرستان بدان وارد شدند آقایان رضا ابوعطا، جواد رستم شیرازی، جواد افتکاری، حسن شفاعی، غلامرضا مصفا و احمد اربابیان بودند که هر کدام در حد خود استادان بزرگی شده اند. علاوه بر هنرستان، کاروانسرای حاج علینقی در بازار اصفهان حجرات متعددی داشت که بسیاری از نقاشان حرفه ای اصفهان در آنجا فعالیت هنری داشته و آثار خود را به جهان هنر عرضه می داشتند. استاد جواد رستم شیرازی: یکی از هنرمندان وارسته و استادان بنام اصفهان و ایران، استاد جواد رستم شیرازی است. او در سال ۱۲۹۸ شمسی در محله نو چهار سوی اصفهان دیده به جهان گشود و از همان کودکی علاقه خود را به نقاشی نشان داد. به طوری که در سن پنج سالگی مناظری از صحنه های قمه زنی و زنجیرزنی و روضه خوانی را به تصویر کشید، و پدر بزرگش قلمدانی با کلیه مخلفات آن به او جایزه داد و به فرزندش که پدر استاد باشد استعداد او را خاطرنشان ساخت. ولی پدر به علت اشتغال به کار اتومبیل به سفارش پدر توجه زیادی ننمود. استاد دوره ابتدایی را در دبستان علیّه، طی کرد. در سال چهارم، صورت شاعر بزرگ ملی، استاد ابوالقاسم فردوسی را به تصویر کشید که مورد توجه اولیاء مدرسه قرار گرفت. این نقاشی از روی عکس کتاب به تصویر کشیده شده بود. استاد، دوران دبیرستان را از دبیرستان سعدی شروع کرد و پس از تأسیس هنرستان

هنرهای زیبا وارد هنرستان شده، ابتدا به طبیعت سازی و سپس به مینیاتور پرداخت. پس از اتمام هنرستان به هنرکده دانشگاه تهران راه یافت و آنجا زیر نظر استادانی مانند آقایان حیدریان و مهندس محسن فروغی و آفتاندالیان، کار نقاشی را ادامه داد. پس از آن جهت بازدید هنر اروپا و سبک نقاشیهای آنان به مدت چهار ماه در انگلستان و ایتالیا و هلند به مطالعه پرداخت و در انگلستان نقشه های بسیار زیبایی از فرشهای اصیل اصفهان و ایران را طراحی و نقاشی نموده، به یادگار گذاشت. در مراجعت به اصفهان از سوی استاد بهادری که سمت ریاست هنرستان هنرهای زیبای اصفهان را به عهده داشت، دعوت به کار شد و مدت سی سال در سمت استادی، شاگردان زیادی در رشته مینیاتور تربیت نموده و به جامعه هنر تحویل داد. استاد ساعات بیکاری را به ترمیم آثار نقاشی دوران صفویه در کاخهای سلطنتی اصفهان می پرداخت. همچنین طراحی و ترسیم نقشه های اصیل فرش را به عهده داشت از آن جمله فرش نفیس و بی نظیر مجلس شورای ملی به ابعاد ۱۱×۱۱ متر که شاهکاری بی نظیر می باشد، از کارهای ارزشمند استاد است. استاد جواد رستم شیرازی در طراحی، نقشه فرش، تذهیب و مینیاتور به حد کمال رسید. او در چهل نمایشگاه جهانی شرکت نموده است. در سال ۱۹۵۸ در یک نمایشگاه نقاشی در بلژیک برنده جایزه طلا گردید. از شاگردان معروف استاد، جزی زاده، مصری پور، مرحوم شاه جانیان، مهندس بهمن زاده و مهندس کاوش را می توان نام برد. ابراهیمیان موفقیت هنری خود را مرهون راهنمایی و تشویق استاد می داند. از بین فرزندان استاد، بهزاد رستم شیرازی که در هنرستان هنرهای زیبا

به تحصیل اشتغال داشته راه پدر را دنبال می کند و الحق استعداد زیادی از خود نشان داده است. استاد با وجود کسالت چندین ساعت از اوقات شبانه روزی خویش را صرف خلق آثار ارزشمند و اصیل می نمود.

وقتی مؤلف از استاد جواد رستم شیرازی تقاضای خاطره کرد، او در جواب گفت: تا دیده نهادیم به هم صبح رسید *** تا دیده گشودیم ز هم روز گذشت عباسعلی پور صفا: استاد پور صفا در سال ۱۳۰۰ شمسی در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان هنرهای زیبای اصفهان - که در همان سالها تأسیس شده بود - گردید. پدر استاد، محمدباقر پور صفا از تجار بازار و مردی هنردوست و از مجموعه داران عتیقه های شکستنی بود که مجموعه عتیق و تمبر ایشان قابل توجه بوده است. استاد پس از فارغ التحصیل شدن با درجه ممتاز، به اخذ نشان شورای عالی فرهنگ مفتخر گردید و بنا به پیشنهاد استاد عیسی بهادری ریاست هنرستان، به استخدام هنرستان درآمده و به تدریس و تعلیم نقاشی پرداخت. آقای پور صفا در رشته های طراحی، سیاه قلم، طبیعت، آبرنگ، صورت سازی و پرداز شاگردان بسیار تربیت کردند که هر کدام استادی هنرمند و صاحب نام هستند. او از استاد عیسی بهادری به نیکی یاد می کند و می گوید استاد عیسی بهادری قلم به دست من داد. وی مرد خود ساخته و با استعداد و در انواع نقاشی کم نظیر می باشد. مؤلف از بهترین آثار او سؤال کرد و استاد با تواضع جواب داد، «هنوز به تکامل نرسیده ام». استاد پور صفا از موزه های نقاشی لندن و پاریس و هلند دیدن کرده و در نمایشگاههای

بین المللی رم و بروکسل شرکت داشته است. اگرچه در ساختن بناهای و آثار تاریخی اصفهان مبدع و مبتکر بوده ولی در چهره پردازی شاید نظیر نداشته باشد. با وجودی که رشته ایشان طبیعت و رنگ و روغن است، ولی در کار آبرنگ نیز دستی توانا و پنجه ای قوی دارد. تابلوهای ارزنده و مختلف این استاد خود ساخته، زینت بخش بیشتر موزه ها و مجموعه دارهای صاحب ذوق ایران و اصفهان است. او با وجود کبر سن، چشمی تیزبین و دستی پر قدرت و دیدی قوی و وسیع دارد و با کمال مهارت و استادی به خلق آثار بدیع می پردازد. اصفهان و محله خواجه، نزدیک بیمارستان احمدیه که زادگاه این هنرمند است، به وجود او افتخار می کند. نگارنده یک تابلوی هفت سین به قلم او دارد، که در همین اواخر نقاشی شده و به مراتب از اصل آن که متعلق به استاد شیخ، شاگرد استاد کمال الملک می باشد، گویاتر است. محمود فرشچیان: او استاد پژوهنده ای است که بر گنجینه دیر پای هنر نقاشی سنتی ایران یعنی مینیاتور احاطه کامل دارد و در مسافرتهای متعدد به اکثر نقاط و مطالعه سبکهای مختلف نقاشی جهان به عصر بین المللی هنر خو گرفته است.

فرشچیان در سال ۱۳۰۸ شمسی در اصفهان متولد شد. پدرش در کار تولید و تجارت فرش بود و چون نبوغ فرزند را در هنر نقاشی دریافت، به تشویق او پرداخت و او را به کارگاه دوست هنرمند خود حاج میرزا آقا امامی هدایت نمود که با طرحهای استادان دوره تیموری و صفوی قریحه خود را بیازماید. فرشچیان در سال ۱۳۳۴ شمسی به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان راه یافت و در

آنجا زیر نظر استاد عیسی بهادری قرار گرفت. ابتدا به طرحهای بناهای تاریخی اصفهان پرداخت و به رموز رنگها و ابزار نقاشی و زیر رنگ آشنا شد. با قراردادن موهای سفید گربه در انتهای پر کبوتر قلم موهای ظریف و انعطاف پذیر ساخت.

در طراحی قالی و سرامیک به درجه ای رسید که در سال ۱۳۲۸ شمسی استاد عیسی بهادری یکی از گلدانهای سرامیک او را به پرفسور پوپ این باستان شناس معروف بین المللی که ایران شناس علاقمندی بود، اهدا نمود. فرشچیان در نقاشی بدانجا رسید که او را نقاش ملکوتی نامیدند. او سوژه های خود را در خلال کتابهای وزین و عمیق پیدا می کند. غم و شادی، پیری و جوانی و تنازع بقاء در آثار او به چشم می خورد. در آثار او جای پای طریقت و شریعت آشکارا دیده می شود. آثار او همه ارزنده و گرانبه است. هر یک از آثار سرشار از اشاره ها و رمزهای عرفانی و مذهبی است. تابلوی «گل آدم بسرشتند» را در جوانی و تحت تأثیر دیوان ملکوتی حافظ ساخته است. تابلوی نفیس «بهار می آید» سماع صوفیان و اصول و اهداف عرفان را می نمایاند. تابلوی «واقعۀ کربلا» از حماسه تشیع نشأت گرفته است. تابلوی فلسفی و بسیار عمیق «چنان بخوان که تو دانی»، بی نظیر است.

تابلوهای «ضامن آهو» و «ظهر عاشورا» یک از شاهکارهای هنری او است. استاد فرشچیان هنگام خلق آثار خود به موسیقی اصیل که روح او را به ملکوت می کشاند گوش می دهد که این واقعیت در همه آثار او قابل لمس است..

نقاشی آبرنگ

آبرنگ یکی از انواع نقاشی هاست که سوابق طولانی دارد. این نوع نقاشی در مصر و چین باستان

تا اروپای عصر میانه معمول بوده و بزرگانی چون رامبراند را نیز به سوی خود کشانیده است. در عصر جدید با رواج نقاشی کلاسیک اروپایی در ایران، آبرنگ نگاری نیز که در کشور ما سابقه کهن داشت با تکنیک جدید دوباره رونق گرفت. در سده بیستم آبرنگ کاران چیره دستی در ایران پدید آمدند که معروفترین آنها هنرمندانی اصفهانی بودند و چند تن از آنها در رشته خود در جهان مشهور و صاحب نام هستند: یرواند نهاپطیان: یرواند در سال ۱۲۹۶ شمسی در جلفای اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رسانید و زیر نظر سرکیس خاچاطوریان (که به دعوت پروفیسور پوپ به اصفهان آمده بود) و الکساندر نرسیسیان هنرمند ایتالیایی (که در جنگ جهانی دوم راهی ایران شده بود) به تعلیم پرداخت. مدت سه سال نیز نزد استاد مصورالملکی شیوه های مینیاتور را آموخت. یرواند آثاری هم در رنگ و روغن دارد اما تخصص او در نقاشی آبرنگ می باشد و در این رشته از هنرمندان بنام و مشهور است. یرواند در طراحی و نقاشی و آگاهی از بناهای تاریخی اصفهان بسیار تواناست. کمتر اثری از آثار تاریخی اصفهان یافت می شود که یرواند آن را به تصویر نکشیده باشد. او در داخل و خارج کشور بین هنردوستان و علاقمندان به هنر نقاشی شهرت دارد. آثار او زینت بخش بسیاری از موزه ها است. یرواند نهاپطیان علاوه بر نقاشی در خوشنویسی، مخصوصاً خط نستعلیق، تواناست و شیرین می نویسد. او در شناختن آثار عتیقه، مخصوصاً سکه های قدیمی مهارت دارد. یرواند از نوجوانی به نقاشی پرداخته و در این کار به تکامل رسیده است. او معتقد است

یک نقاش چنانچه استعداد داشته باشد، باید بیش از هشتاد سال قلم از دستش نیفتد تا به رموز کار آشنا شود. نهاپطیان در نقاشی از سوژه های متعددی استفاده کرده ولی تابلوهای کلیسا، شبستان، عصارى، کوچ و گلیم و نرگس او شهرت بیشتری دارد. سمبات دركى وُرقیان: سمبات در سال ۱۲۹۱ شمسی در جلفای اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رسانید و نزد بعضی از استادان ارمنی مانند «هاکوپ وارطانیان» و «یقیا ولیجانیان» به تعلیم نقاشی پرداخت و از سرکیس خاچاطوریان بهره کافی برد. سپس در سال ۱۹۴۹م به انگلستان رفت و به مطالعه پرداخت و با آبرنگ کار معروف انگلیسی، «سرویلیام راسل فلینت» آشنا شد و مورد توجه او قرار گرفت. سمبات علاوه بر نقاشی آبرنگ که در آن چیره دستی و شهرت خاصی دارد، آثاری نیز به صورت رنگ و روغن و گواش و پاستل و سیاه قلم دارد. درک سمبات نسبت به طبیعت منحصر به فرد است. او از نام آورترین آبرنگ کارهای ایران است و آثار او در بسیاری از موزه ها به چشم می خورد. تابلوهای قطار شتر، استراحت ساربانان کنار برج کیوتر و مجلس عروسی ارمنیان او مشهور است. نقاشی «کاور» کتاب حاضر از شاهکارهای او است. یسائی شاجانیان: شاجانیان در سال ۱۳۱۸ شمسی در جلفای اصفهان در یک خانواده ارمنی متولد شد. استعداد ذاتی او در زمینه نقاشی از عنفوان جوانی چشمگیر بود به طوری که یکی از استادان مینیاتور ارمنی به نام «آبراهام گورگونیان» پدر و مادر شاجانیان را جهت تحصیلات او تشویق نمود. شاجانیان پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در جلفا، وارد هنرستان هنرهای زیبای اصفهان شد

و از محضر استادانی همچون رستم شیرازی و مصورالملکی بهره‌ها گرفت و در رشته‌های مینیاتور، گل مرغ، تذهیب و تشعیر شهرت یافت. سپس بنا بر علاقه‌ای که به کارهای یرواند نه‌پطیان داشت، با او طرح دوستی ریخت که این دوستی به درازا کشید و رموز کار آبرنگ را نیز از او آموخت. شاجانیان سپس به لبنان عزیمت کرد و دو سال در آنجا به تعلیم نقاشی پرداخت. در مراجعت به اصفهان به حفظ میراث فرهنگی و بازسازی آثار ارزنده دوران صفویه که در کاخهای عالی قاپو و چهلستون بود، همت گمارد. همچنین در ترمیم آثار کلیسای وانک و موزه‌های دیگر ایران، با پروفیسور پوپ آشنا شد. یسائی هنرمند وارسته، محبوب و نجیب بود، خدمات ارزشمندی نمود و آثار گرانبهایی در زمینه‌های مختلف به یادگار گذاشت. آبرنگ را با مینیاتور تلفیق نمود و تابلوهای جالب توجهی پدید آورد. علاوه بر تذهیب و تشعیر و چهره‌پردازی و مینیاتور و گل مرغ، در نقاشی آبرنگ هم دست‌توانایی داشت. نگارنده در مجموعه خود تابلو سوخت و معرقی از او دارد که در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد. با کمال تأسف او در سال ۱۳۶۶ شمسی در سن ۴۸ سالگی بر اثر سرطان کبد چشم از جهان فرو بست. تابلوهای مینیاتور سبک صفویه و قاجاریه او از شاهکارهای جاویدان هستند. البته معرفی استادان و هنرمندان نقاش اصفهان همچون جزی زاده، عباس رستمیان، محبوبی، مصری‌پور، رزاقی و استادان دیگر را که همه از شهرت بسیاری برخوردارند، در این مقاله کوچک نمی‌گنجد. ادیب برومند، شاعر ملی و هنرشناس معاصر با چاپ و انتشار کتابهای مختلف به خصوص کتاب «هنر قلمدان»، نقاشان قلمدان اصفهانی را

به طور کامل معرفی نموده اند که بسیار غنیمت است. سرهنگ صرّام: در بین آبرنگ کاران اصفهان سرهنگ صرام نیز سوابق طولانی دارد. این مرد وطن پرست که نقاط دور و نزدیک ایران را می شناسد از معدود کسانی است که موفق شده به قلب کویر ایران راه یابد و آن را تسخیر کند. سوژه های انتخابی او متنوع و مختلف است. تابلوی حمام وی بسیار جالب و دیدنی است.

سوخت و معرق

در این قسمت به شرح مختصری از یک نوع نقاشی بسیار مشکل و زیبا و ارزشمند به نام سوخت و معرق می پردازیم. این نوع نقاشی که بیشتر در انحصار استادان اصفهانی بوده است، ویژگیهای خاصی دارد که با نقاشیهای دیگر متفاوت است. در این نقاشی بیشتر از پوست دباغی شده گوسفند و ورقه نازکی که مانند صفحه کاغذ است و در حد فاصل پوست و گوشت قرار دارد و آن را «رُخ» می نامند، استفاده می شود. برای نقاشی، قطعات مورد نظر مثل گل و مرغ یا چهره و غیره را از تکه های چرم ساخته و پرداخته، آن را داخل زمینه چرم دیگری که به همان اندازه و طول و عرض بریده شده جای می دهند و می چسبانند و رفو می کنند. پس از آن که قسمت اعظم زمینه بزرگ چرم را از قطعات کوچک، به تناسب، پر کرده و چسبانیدند، به ترمیم و تذهیب و تشعیر آن می پردازند به طوری که هیچ کس متوجه جزییات نشده و آن را یکپارچه تصور می نماید. با توجه به شرح مختصر و ناقص این رشته، زندگی چند استاد ممتاز این فن می پردازیم: حاج میرزا آقا امامی مجتهد

و نقاش است که در چهره سازی و گل و مرغ استادی بزرگ بوده و نقاشی چهره نور علیشاه از اوست. حاج میرزا آقا در سال ۱۲۶۰ شمسی در یک خانواده هنرمند و نقاش متولد شد. ابتدا نقاشی را نزد پدر و سپس از سید نصرالله عمومی که در ساختن گل و بته استادی بی بدیل بوده است، آموخت. سپس راهی تهران شد. در آنجا شیوه رضا عباسی را دنبال کرد و در این رشته به مقام استادی رسید و با خود هنر چینی سازی را که یک نوع نقاشی مینیاتور می باشد، به اصفهان آورد. علت تبخّر او در این رشته آن بود که آلبومی از نقاشیهای رضا عباسی در مجموعه ای یافت شده بود که بعضی از آن نیاز به تعمیر داشت و بعضی دیگر نیمه تمام مانده بود و میرزا آقا در کمال استادی آن را تکمیل نمود. او در چهره سازی، گل و مرغ، نقشه قالی و سوخت و معرق به حد کمال رسید. میرزا آقا دارای یکصد و سی دستگاه قالی بافی بود که نقشه های زیبای آن را خود طرح و نقاشی می نمود و حاج مهدی خان حقیقی که از تهیه کنندگان معروف فرش می باشد با او همکاری داشت و رمز رنگها را از او آموخت. در زمانی که صور اسرافیل حکومت اصفهان را به عهده داشت، استاد مأموریت یافت تا نقوش بناهای سلطنتی اصفهان مانند کاخ چهلستون و عالی قاپو را که دستخوش حوادث قرار گرفته بود، مرمت نماید و به خوبی از عهده این کار برآمد. از هندوستان و انگلستان برای استاد دعوت نامه آمده بود که او هر دو را رد کرد و به تهران

و عتبات و مکه معظمه مسافرت نمود. سردار اسعد بختیاری که علاقه زیادی به هنر نقاشی داشت، استاد را به مدت یک سال در خانواده خود در بختیاری دعوت نمود حاصل این میهمانی شش تابلو نفیس بود که از شاهکارهای استاد به شمار می آید. حاج میرزا آقا امامی شاگردان زیادی تربیت کرده. معروفترین آنها دختر وی، هنرمند توانای معاصر، خانم زینت السادات امامی است که شرح او خواهد آمد. از شاگردان معروف دیگر ایشان، استاد ختایی، استاد فرشچیان، استاد حسین اسلامیان، آقای هادی تجویدی و آقای میرزا رضا اسلامی می باشند. استاد حسین بهزاد نیز مدتی با وی همکاری داشتند. از بین آثار متعدد و کم نظیر حاج میرزا آقا امامی، تابلو بی نظیر سوخت و معرق «مادر وطن» است. طرز تهیه ورقه طلا: یکی از کارهای مشکل هنرمندان مینیاتور و سوخت، استفاده از طلای ناب است که باید ابتدا سکه خالص را به صورت ورقه های نازک بسازند، آنگاه آن را کوبیده و در طول ماهها به صورت پودر درآورند سپس پودر را در آب حل نمایند تا قابل مصرف شود. انجام این کارها بسیار مشکل و نیاز به مهارتهای استادانه دارد. این هنر در خانواده استاد میرزا آقا امامی از طرف مادر خانمشان موروثی بوده است. حاج میرزا آقا روز ۱۶ آذر ۱۳۳۴ چشم از دنیا فرو بست و در تکیه زرگرها در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد. خانم زینت السادات امامی: اگر زینت خانم امامی را بزرگترین زن هنرمند نقاش ایران بنامیم، گزافه گویی نشده است. این هنرمند سخت کوش فرزند حاج میرزا آقا امامی استاد مسلم مینیاتور و سوخت و معرق می باشد. از بین فرزندان دختر

و پسر حاج میرزا آقا تنها او راه پدر را دنبال کرد. خانم امامی در روز هیجدهم بهمن ماه سال ۱۳۱۳ شمسی در یک خانواده هنرمند و روحانی چشم به جهان گشود و پس از تحصیلات ابتدایی در سن سیزده سالگی بنا به توصیه پدر ازدواج کرد که ازدواج ناموفقی بود و به طلاق انجامید. حاصل آن دختر خانمی است که هم اکنون از فرهنگیان اصفهان است. خانم امامی ابتدا نزد پدر به تعلیم نقاشی پرداخت و سپس در محضر استاد ختایی، استاد بهزاد و استاد مصور الملکی تعلیمات را ادامه داد تا در رشته مینیاتور، مخصوصاً گل و مرغ و سوخت و معرق به کمال رسید. او علاوه بر این دو رشته در قسمت مشبک، لای چینی، تذهیب و شعیر سمت استادی دارد. خانم امامی کمتر هنرجو می پذیرد، چون حوصله و دقت را در کمتر کسی مشاهده نموده است. از بین آثار او تابلو سلیمان و تابلوهای گل و مرغ ارزش خاصی دارد، اما تابلو معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله که مدت ۱۷ سال روی آن کار کرده و سوخت و معرق می باشد، از شاهکارهای ارزنده او است. او از معدود کسانی است که طلایی ناب را جهت استفاده هنری به صورت پودر و مذاب قابل استفاده، در می آورد. حسین ختایی: از استادان معروف و به نام سوخت و معرق اصفهان بوده. مدتی با میرزا آقا امامی همکاری داشته و همچنین از دوستان و همکاران استاد حسین خوشنویس زاده، معرق کار اصفهان می باشد. او مردی وارسته، درویش مسلک و گوشه گیر بود، اما از نظر شخصیت هنری، مقام والایی داشت و آثار ارزنده و زیبایی از

خود به یادگار گذاشته است، از جمله آثار سوخت و معرق او تابلوهای نفیس شکارگاه، مجلس بزم و پذیرایی، سوژه های مذهبی و جلدهای کتاب و آلبومهای بسیار زیبا و نفیسی را که هر کدام زینت بخش موزه هاست می توان نام برد. خوشنویس زاده: نام او حسین، فرزند استاد حاج میرزا محمد معلم بوده است. در سال ۱۲۸۸ شمسی در اصفهان متولد شده و پس از اتمام تحصیلات در اصفهان و تهران و فارغ التحصیل شدن از هنرستان هنرهای زیبای تهران، به کار تدریس و تعلیم پرداخت. ابتدا نزد پدر به تعلیم هنر سوخت و معرق مشغول گردید. سپس از میرزا عباس خان ذوالفنون کسب فیض نمود. نقاشی مینیاتور را از باقرخان سلیمی و استاد میرزا هادی ان مختار تجویدی تعلیم گرفت. از شاگردان ممتازی که تربیت نموده ابتدا، علی خوشنویس زاده، فرزند هنرمند او است که در رشته سوخت و معرق و مینیاتور و تذهیب و تشعیر و خوشنویسی کار پدر را دنبال می نماید. همچنین علی اصغر صانعی شاگرد ممتاز دیگر اوست. آثار این استاد که عبارت از سوخت و معرق، مینیاتور، طلا-کوبی، تذهیب، خوشنویسی و جلدسازی است در موزه ها و مرکز هنری ایشان واقع در بازار هنر جلوه گری می نماید. استاد از طرف بسیاری از شخصیت‌های معروف مورد تقدیر و تشویق قرار گرفته است از جمله، کندی و ترومن رؤسای جمهور امریکا و ملکه الیزابت پادشاه انگلستان و استالین رهبر شوروی ایشان را مورد تقدیر قرار داده اند. با کمال تأسف، استاد روز سه شنبه ۱۰ / ۸ / ۷۳، چشم از جهان فرو بست. روانش شاد.

صحافی

یکی از هنرهائی که در عصر صفویه به اوج رسید و هنرمندان اصفهانی در

تکامل آن ابتکار و خلاقیت بی مانندی از خود نشان دادند صحافی و جلدسازی بود. این هنر در دوره تیموریان و بخصوص در مکتب هرات پایه گذاری شده بود. انتخاب اصفهان به پایتختی و حمایت همه جانبه ای که از هنرمندان به عمل آمد باعث شد قرآنها دست نوشته مجلل و فاخر به بهترین وضع و شیوه صحافی شده و علاوه بر کتاب آسمانی نسخه های بی شماری از شاهنامه، اشعار نظامی، جامی و آثار سایر سرایندگان نامدار و مشهور به دست جلدسازان و صحافان به شاهکارهایی از هنر تبدیل بشوند. در این زمان بود که آثار خطاطان بزرگ نستعلیق مانند سلطان علی مشهدی، میرعلی کاتب و دیگران جمع آوری شد و جلدسازان با استفاده از روش های ابداعی خویش آثاری بوجود آوردند که بسیاری از آنها امروز زینت بخش موزه های بزرگ جهان است. هنرمندان بزرگ این فن در فنون صحافی و اقسام جلدسازی سوخت و روغنی و ساه و حاشیه سازی کتب این هنر را به جایی رساندند که بسیاری از آثار این دوران بر مکتب هرات برتری یافتند.

در مورد صنعت صحافی توضیح این نکته ضرورت دارد که در دوره صفویان هنرمندان این رشته از صنعت دستی در بیشتر صنایع ظریفه آن روزگار مهارت داشتند بطوری که در شرح حال اکثر قریب به اتفاق این هنرمندان می بینیم در خطاطی و نقاشی و تذهیب و مرکب سازی و میناکاری و کاغذسازی نیز سرآمد بودند. از استادان مشهور صحافی و جلدسازی دوران صفویه (ملک محمد صحاف اصفهانی) است که در روزگار شاه صفی و شاه عباس دوم زندگی می کرد. با انتقال پایتخت

از اصفهان و جنگ های متعددی که در این شهر میان خاندانهای مختلف به وقوع پیوست هنر صحافی نیز مانند دیگر هنرها در بوته فراموشی و محاق بی مهری گرفتار شد. اما در دوران قاجار بار دیگر صحافان و جلدسازان به احیاء این هنر پرداختند. از بزرگان این هنر در دوران قاجاریه آقا محمدتقی صحاف اصفهانی است که علاوه بر صحافی و جلدسازی در طراحی و رسمای و طرح نقشه های قالی و کاشی کاری و معرق سازی با پوست و بسیاری از فنون دیگر در زمان خود بی نظیر بود. اگر چه با پیشرفت صنعت چاپ و ماشینی شدن صحافی و تجلید کتب، این هنر همچون گذشته رونقی ندارد، اما آثار این هنرمندان همانند روزگار خودشان مورد استقبال قرار می گیرد و خریداران فراوانی دارد.

سفالگری

سفالگری یکی از مهمترین و قدیمی تری هنرهای دستی بشری است که از دیر باز در ایران رونق داشته است. چرخ کوزه گر ایرانی صفحه گردی است که با پا حرکت می کند و مانند چرخ کوزه گر انگلیسی نیست که به وسیله میله بارمو حرکت کند، کوزه گر در جهت مخالف حرکت عقربه ساعت با پای خود چرخ را می گرداند و با دست به مواد خام کوزه گری که گل رس یا خاک رس است شکلهای خاص که متبلور ذوق و سلیقه نقشی از هنر های ایرانی را در خود دارد، می دهد و آثار هنری ارزشمندی ایجاد می گردد سپس برای ماندگار کردن این آثار آنها را در کوره های پخت مخصوص حرارت داده و در صورت دلخواه با لعاب ویژه ای می پوشانند.

مینیاتور

مینیاتور، هنر ظریف نقاشی است که به جز ایران مشابه آن را در ژاپن و خاور دور و چین نیز می توان مشاهده کرد. در مورد تاریخچه این هنر برخی از پژوهشگران عقیده دارند: شخصی به نام غیاث الدین هنر مینیاتور را از چین به ایران آورد و مینیاتور چینی در ایران تکامل یافت و با گذراندن مراحل پیشرفت به تدریج از مینیاتور چینی متمایز شد.

از بررسی های تاریخی چین استنباط می گردد که هنرمندان مینیاتور ساز ایرانی طراحی رنگ آمیزی و مجسمه سازی چینی را با ادراک و ذوق خاص خود تغییر داده و دگرگونی هائی در آن بوجود آورده اند. به هر حال، اگر چه واژه مینیاتور در نگاه اول بیگانه می نماید اما شک نیست مینیاتور با ابعاد کنونی هنری ایرانی است که مکتب

های مختلف همانند مکتب عباسی (بغداد) مکتب مغول، مکتب هرات را گذرانده و با ظهور صفویه و انتقال مرکز هنری ایران از هرات به تبریز در شیوه آن نیز تحول بوجود آمده است. با انتخاب اصفهان به پایتختی و حمایت همه جانبه ای که از هنرمندان و نقاشان و نگارگران به عمل آمد نقاشان چیره دستی ظهور کردند که شاهکارهای آنان امروز زینت بخش موزه های جهان است در این عصر به دلیل گسترش ارتباط ایران با کشورهای اروپائی و آسیائی هنر ایران به کشورهای بیگانه معرفی شد و دوران صفویه آغاز فصل تازه ای در تاریخ مینیاتور ایران به حساب آمد در زمان صفویه هنرمندانی همچون رضا عباسی، محمد زمان نگارگر، محمد قاسم مشهور به سراجای نقاش و محمد یوسف مصور که با خلق آثار بی بدیل و منحصر بفرد این هنر را به نهایت اعتلاء رساندند. در دوران معاصر مینیاتور ایرانی جلوه درخشانی داشته و در طی صد سال اخیر آثار ممتازی بوجود آمده که بحث در باره جزئیات آن سخن را به درازا خواهد کشاند.

ساخت و ساز مینیاتور: ابزار و وسائلی که مورد لزوم یک هنرمند مینیاتور ساز است در مقایسه با سایر هنرهای ایرانی مانند خاتم سازی و قلمزنی و منبت کاری و... بسیار محدود است. ابزار یک مینیاتوریست عبارتند از: قلم مو: در قدیم هنرمندان برای ساخت قلم مو از دم نرم سنجاب استفاده می کردند. بوم مینیاتور: که عبارت است از تخته، کاغذ، مقوا، فیبر، عاج، استخوان و... روغن: که برای محافظت اثر از آن استفاده می کنند. رنگ: که بیشتر مینیاتور سازان از رنگهای دست ساز خود

استفاده می کرده اند.

شیوه هائی که در ساخت مینیاتور وجود دارند عبارتند از: مینیاتور آبرنگ روحی- مینیاتور سیاه قلم رنگی- مینیاتور سفید قلم - مینیاتورهای زیر روغنی. علاوه بر آنکه در بناهای تاریخی از این هنر استفاده می شد و هنرمندان بزرگ عصر صفویه کاخ های عالی قاپو و چهلستون و هشت بهشت و... را با این هنر تزئین کردند صدها اثر که شامل: جلد های آلبوم، تصاویر کتابها، قاب آینه ها و امثال آنها می باشند در موزه های ایران و خارج از کشور در معرض تماشای هنردوستان و علاقمندان می باشند.

قالی و قالیچه

تاریخچه قالی و قالیچه در اصفهان

یکی دیگر از هنرهای دستی اصفهان قالیبافی است. در زمان صفویه این هنر که تا قبل از آن در اصفهان نشیب و فرازهایی را دیده بود به اوج ترقی رسید. در زمانی که شهر اصفهان به عنوان مرکز کشور انتخاب شد هنرمندان و معماران و کاشیکاران و خوشنویسان و صنعتگران بیشماری از اقصی نقاط به این شهر آمدند. در کارگاههای شاهی که قلمزنان و قلمکارسازان و خاتم سازان و... در آنها به خلق شاهکارهای بی نظیر مشغول بودند. قالی های نفیس ابریشمین و ظریف نیز بافته می شد و بزودی شهر اصفهان مرکز داد و ستد قالی های گرانبها گردید. در برخی گزارش های جهانگردی و سیاحان به قالی های نفیس و بی نظیری اشاره شده که ایوان های کاخ هائی مانند عالی قاپو و هشت بهشت و چهلستون و... بوسیله آنها مفروش شده بود. در زمان صفویه اصفهان یکی از مراکز مهم قالیبافی ایران گردید. کارگاههای بزرگی ساخته شد و هنرمندان به طرح نقشه و تهیه رنگ و بافت هنرمندانه پرداختند. این کارگاهها

در جوار قصرهای سلطنتی پادشاهان صفوی یعنی بین چهلستون و میدان شاه قرار داشت. شاه عباس بر کارگاهها نظارت عالیه داشته است. به همین مناسبت از نظر طرح و نقش و رنگ و بافت و مصالح، از کیفیت مرغوب و عالی برخوردار بود. چنانکه سیاحانی چون تاورنیه، شاردن و رابرت شرلی، اهمیت و عظمت این فرشها را در کتابهای خود ستوده اند و بسیاری از این فرآورده ها به موزه های جهان وارد شده و چون نگینی بر تارک موزه های معروف می درخشند. با حمله افغانها در سال ۱۱۳۵ هجری برابر با ۱۷۲۲ میلادی و سقوط صفویان هنر قالیبافی نیز گرفتار رکود گردید و طراحان و بافندگان یا در جنگ کشته شدند و یا شهر اصفهان را ترک کردند. پس از جنگ جهانی دوم بار دیگر قالی اصفهان مورد توجه قرار گرفت و طراحان اصفهان شروع به طراحی قالیچه های کردند که در دنیای آن روز و بخصوص اروپا مشتریانی داشتند. بزودی فرش اصفهان بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و طرح های زیبای اسلیمی و لچک و ترنج همراه با بافت بسیار مرغوب قالیبافی را در عداد صنایع مهم اصفهان قرار داد. در حال حاضر با آموزش طراحی نقشه فرش در هنرستان هنرهای زیبا و برخی دانشگاههای هنر و استفاده از تجربیات اساتیدی مانند مرحوم عیسی بهادری، مرحوم ابوعطاء و مرحوم ارچنگ که از بهترین و مشهورترین طراحان فرش بودند. فرش اصفهان همچنان مشتاقان خود را حفظ کرده است. در نمایشگاههایی که برای عرضه فرش های ایران تشکیل می گردد فرش اصفهان از نظر رنگ و طرح و بافت و کیفیت رنگها و سایر موارد در بین شهرهای

ایران جایگاه والائی دارد. آنچه از نوشته های مورخین و باستان شناسان استنباط می شود این که هنر قالیبافی سالها بلکه قرنها پیش در این خطه وجود داشته و به تکامل رسیده است.

طرح نقشه های قالی و قالیچه در ایران و اصفهان

در میان طرحهای مختلف فرش جهان، طرحهای ایرانی جایگاهی مشخص و مقامی برجسته دارد. متأسفانه در سالهای اخیر بسیاری از کشورهای صادر کننده فرش، طرحها و نقشه های ایران را تقلید کرده و وارد بازار می نمایند و بازار فرش را تصاحب کرده اند. کشورهای هندوستان، پاکستان، افغانستان، چین، مصر، رومانی، آلبانی و بعضی از کشورهای دیگر اکنون میدان دار این بازارند که همگی نیز طرحهای مسروقه ایران را به کار می برند. مثلاً هندوستان که در این زمان بزرگترین کشور صادر کننده فرش است، بیش از پنجاه طرح ایرانی را مورد استفاده قرار می دهد. ۶۵٪ تولید این کشور را فرشهایی تشکیل می دهد که از فرش ایرانی نسخه برداری شده اند. بیشتر طرحهای ایرانی در جهان، به نام محل بافت آن شهرت دارد. از مشهورترین نقشه های فرش ایران نقشه های معروف اصفهان، قم، نائین، تبریز، کاشان، مشهد، ساروق و اردبیل را می توان نام برد. بر اساس تقسیم بندی شرکت فرش ایران، نقشه های فرش به نوزده گروه اصلی تقسیم می شوند: طرحهای آثار تاریخی: از قبیل مسجد شیخ لطف الله، مسجد شاه، تخت جمشید و آثار تاریخی دیگر. طرحهای اسلیمی: اساس آن را شاخه های دورانی در میان برگها تشکیل می دهد. اسلیمی «دهن اژدر» معروفترین آن است. طرح افشان: طرحی است از گل و برگها و شاخه ها به صورت پراکنده و بدون پیوستگی. افشان ختایی و افشان شاه عباسی از این طرح اقتباس می شود. طرح اقتباسی: طرحهای مناطق و نواحی مرزی کشور و یا طرحهای ممالکی

است که سابقاً جزو ایران بوده اند مثل طرح افغانی و قفقازی و غیره. طرح بندی: طرحی است که در آن قطعه کوچکی از یک طرح در سرتاسر فرش (چه در طول و چه در عرض) تکرار می شود و بعد به هم می پیوندد. طرح بته ای: که بسیار اصیل و قدیمی است مثل بُته سرکج و بُته جقه که به نام بُته قلمکار اصفهان شهرت دارد و در هند هم متداول است. طرحهای شاه عباس: اساس این طرح را گلهای خاصی تشکیل می دهد که به نام شاه عباس معروف است. «لچک» و «ترنج» و شکارگاه از فرعیات این طرح است. طرح درختی: اساس این طرح را شاخه و برگهای درختان تشکیل می دهد. از فرعیات آن درختی ترنج دار، درختی سروی و درختی گلدانی است. طرح ترکمن: این نوع فرش از نظر شکل هندسی و شکستگی خطوط، خاص کوچ نشینهاست و نقشه ندارد. در طرح ترکمن غزال از فرعیات آن است. طرح شکارگاه: نوعی از فرش درختی است که انواع حیوانات وحشی در آن دیده می شود. از فرعیات آن شکارگاه ترنج دار است. طرح قابی: این طرح از مجموع قابهای چند ضلعی تشکیل شده. و از فرعیات آن قاب اسلیمی و قاب قرآنی است. طرح گلفرنگ: این طرح ترکیبی است از طرحهای اصیل ایرانی با گلهای طبیعی تند و روشن مثل گل سرخ و گلفرنگ، دسته گل، و گل و بلبل که شهرت بیشتری دارد. طرح گلدانی: در این طرح، گلدان در اندازه های مختلف به چشم می خورد. گاهی یک گلدان سراسر فرش را فرا می گیرد. طرح «حاج خانمی» آن شهرت دارد. طرح ماهی درهم: این طرح از طرحهای بومی است و

در عشایر و ایلات بدون نقشه بافته می شود. نوع بیرجندی آن شهرت دارد. طرح محرابی: این طرح از محراب مسجد الهام گرفته است و تزئیناتی از قبیل قندیل، ستون و گل و برگ در آن به چشم می خورد. طرح محرمات: در این طرح، انواع قطعاتی از یک نقشه، در فرش تکرار شده، عرض فرش به چند ردیف تقسیم می شود. این طرح را «قلمدانی» هم می گویند. طرح هندسی: در این طرح از اشکال مختلف هندسی، زاویه دار یا قوسی استفاده می شود. شکل ختایی این طرح معروف است. طرحهای ایلی: از اصیل ترین و قدیمی ترین فرشهاست که از طبیعت و محل زندگی هنرمندان بافنده نشأت گرفته است. نوع «خاتونی» و «بختیاری» آن شهرت دارد. طرح تلفیقی: این طرح از ترکیب و تلفیق دو یا چند طرح مختلف تشکیل شده که تلفیق لچک ترنج و کف ساده آن معروف است. در اصفهان همه این طرحهای نوزده گانه بافته می شود اما در دنیای هنر و بازار جهانی فرش طرحها و نقشه های لچک و ترنج، طرح افشان شاه عباسی، قالیچه درختی، ماهی درهم، نقشه میر، سروی و شکارگاه، شهرت بیشتری کسب کرده است. همان طوری که اشاره کردیم. کارگاههای فرش در اصفهان از زمان صفویه رونق گرفت و بسیاری از نقاشان معروف در طرح و نقشه فرش هم فعالیت داشته و پرفسور پوپ ضمن اشاره به هنر قالی بافی در اصفهان در زمان صفویه، سه تن از بزرگترین هنرمندانی را که طرح و نقشه قالی را به عهده داشته اند، استاد بهزاد (متوفی به سال ۹۴۲ هجری) و سلطان محمد (متوفی به سال ۹۴۹ هجری) و سید علی معرفی نموده است. شاه طهماسب نیز که

خود به نقاشی و طراحی علاقه داشته، دستور بافت چند فرش بسیار نفیس را صادر نموده و آنها را به مسجد سلیمانیه، واقع در استانبول هدیه نموده است. علاوه بر قالیچه ای که در موزه ویکتوریای لندن است، فرش میلان نیز که شکارگاه می باشد، از شاهکارهای هنر دوره صفویه است و نقشه آن را به غیاث الدین جامی نسبت می دهند. از آن زمان تاکنون هنوز اصفهان مهد هنر و مرکز طرح و بافت نفیس ترین و عالی ترین نوع فرش جهان است. هنرمندان نقاش اصفهانی که شهرت جهانی داشته و دارند همانند حاج میرزا آقای امامی و حاج مصور الملکی و استاد حسین ختایی، نقشه های بسیار زیبایی طرح می نموده اند و برخی هم چندین کارگاه بزرگ قالیبافی را اداره می کردند. زمانی که هنرستان هنرهای زیبای اصفهان تأسیس گردید، طرح و نقشه فرش اصیل اصفهان به صورت فنی تری درآمد. زیرا علاوه بر ریاست هنرستان، استاد عیسی بهادری که خود از طراحان معروف و بزرگ فرش بوده، بسیاری از هنرمندان ارزنده دیگر به همراه او مبادرت به طرح و نقشه فرشهای اصیل اصفهانی نمودند که استادانی مانند فرشچیان، صیرفیان پور، حکمت نژاد، جواد رستم شیرازی، عباسعلی پور صفا، رضا ابوعطا، غلامعلی صفدرزاده حقیقی، فیض الله صفدرزاده حقیقی، استاد ارژنگ و بسیاری از هنرمندان دیگر از آن جمله اند. از بانوان خانم ایران حدادگر نقاش مینیاتور، از طراحان نقشه فرش سنتی اصفهان هستند. بافندگان معروفی که هنر نقاشان را روی فرش منعکس می نمودند و با الیاف نخ و پشم، کرک و ابریشم افتخار می آفریدند، در هر دوره از شهرت و آوازه بسیار برخوردار بودند و معرفی آنها بسیار مشکل است.

طرز ساختن رنگهای طبیعی فرش

۱-رنگ سرمه ای

با امتزاج نیل با آب تهیه می شده است. ۲-رنگ مشکی از جوشاندن پوست انار و مخلوط کردن با زاج سیاه و نیل به دست می آمده است. ۳-رنگ سبز پسته ای از جوشاندن برگ درختان بید و سیب و زاج سفید فراهم می شده است. ۴-سبز سیر از جوشاندن برگ درخت جاز و اسفرک با مقداری زاج تهیه می شده است. ۵-رنگ بخور را با امتزاج خاکستر یک نوع گیاه با پیشاب گاو نر می ساخته اند. ۶-زرد نخودی از پشم شتر به صورت طبیعی استفاده می شده است. ۷-زرد لیمویی از جوشاندن برگ گندل با مخلوط زاج تهیه می شده است. ۸-رنگ نارنجی یا زرد طلایی را با جوشاندن برگ گندل و رناس و افزودن زردچوبه و پوست انار، با مقداری زاج و پیشاب گاو نر تهیه می کرده اند. ۹-رنگ سرخ را از جوشاندن خاکستر چوب رناس با زاج سفید به اضافه آب غوره، پیشاب گاو نر تهیه می کردند. ۱۰-رنگ نارنجی که بیشتر مورد علاقه بختیاری هاست از خاکستر یک نوع گیاه در کوهستانهای بختیاری و امتزاج با پیشاب گاو نر تهیه می شده است. علاوه بر این در هر شهرستان متخصصین برای تهیه رنگهای سنتی و طبیعی فرمول خاصی دارند که از اختلاط و جوشاندن گل و گیاه مختلف تهیه می شود. رنگهای آبی و سرخ سیر و بنفش را از بازارهای اصفهان تهیه می کردند.

زری و مخمل بافی

زری یک صفت نسبی منسوب به زر است. یعنی ساخته شده از زر زرین و طلائی، بنابراین زری عبارت است از پارچه های زربفت، پارچه ای که پودهای آن طلاست. در این هنر پارچه هائی با نقش و نگارهای سنتی و تار و پودهای از ابریشم و گلابتون

با دستگاہهای کاملاً سنتی دستی بافته می شود. مواد اولیه این صنعت ابریشم طبیعی است. مراحل بافت زری بافی شامل نقشه بندی، چله کشی، گذراندن ابریشم از وردها و شانه ها می باشد. دستگاہ زری بافی نیز معمولاً ابزار و آلات چوبی است که به سبک قدیمی و ساده ساخته می شود. هنر زری بافی سابقه تاریخی و طولانی دارد. مورخین و پژوهشگران می نویسند هخامنشیان در استفاده از پارچه های لطیف و لباس های فاخر پیشقدم بوده و پرده های الوان ایرانی که با نخهای گلابتون بافته شده بودند در دنیا مشهور و معروف بوده اند بطوری که رومیان همه ساله مبالغی برای زری های ایران خرج می کرده اند. از دوران ساسانیان پارچه های زربفت بسیار زیبا در موزه ها و کلیساهای اروپا موجود است. پس از اسلام و بخصوص در عصر سلاجقه نقوش اسلامی با ساسانی تلفیق و استفاده خط کوفی در حاشیه پارچه ها باب گشت. در دوران مغول این هنر دچار زوال گردید، اما با روی کار آمدن تیموریان مجدداً مورد توجه قرار گرفت. در دوران صفویه و بخصوص بعد از پایتختی اصفهان زری بافی نیز مانند سایر هنرها مورد حمایت جدی قرار گرفت و بهترین استادان به اصفهان دعوت شدند. این استادکاران در کارگاہهای مجهزی که کارگاہ شاهی نامیده می شدند به تربیت شاگردان و تولید پارچه های زری بسیار زیبا مشغول شدند. بزودی این کارگاہها گسترش یافتند و در شهرهای یزد و کاشان و بقیه نقاط نیز کارگاہ های شاهی افتتاح شدند. در این دوره زری بافی با طرحهای گوناگون و رنگهای متنوع به بالاترین سطح رسید و نقوش

بسیار زیبایی از تصاویر حیوانات، پرندگان، گل و گیاه، درختان مخصوصاً درخت سرو، گل و مرغ اسلیمی و ختائی بر پارچه های زربفت بافته شدند و بافته ها نیز با خطوط نسخ و نستعلیق تزئین شدند و با آنها مقابر و اماکن مقدسه پوشانده شدند. در دوران صفویه پارچه های زربفت و زری های ایران بصورت صادرات، هدیه به سلاطین و رهبران و سفرا و بصورت های دیگر به کشورهای اروپائی راه یافتند و این هنر ایرانی طرفداران و خریداران بسیاری بدست آورد. پس از صفویه به دلیل تقلید از غرب هنر زری بافی مورد بی مهری واقع شد اما در سال ۱۳۰۹ شمسی کارگاهی توسط دولت وقت و به اهتمام استاد حسین طاهرزاده بهزاد و به ریاست استاد حبیب الله طریقی تأسیس شد. در حال حاضر کارگاههای زری بافی میراث فرهنگی و کارگاه زری بافی و گلابتون سازی هنرستان هنرهای زیبای اصفهان به حیات خود ادامه می دهند. امروز از استادکاران این هنر نیز مانند هنر قلمکار برای تدریس در دانشگاه استفاده می شود و استادان این صنعت تجربیات گرانبار خود را به دانشجویان منتقل می کنند. از استادان این هنر می توان از مرحوم پورعطار و مرحوم پورنقش بند نام برد. از استادانی که در قید حیات هستند نیز استاد مهدی شمس علی است که با خلق آثار زیبا و نفیس از زوال این هنر جلوگیری می کنند.

قلمکار

پس از آنکه شهر اصفهان به پایتختی صفویان انتخاب شد هنرمندان و صنعتگران از اقصی نقاط ایران به این شهر روی آوردند و به تولید و عرضه محصولات مختلف پرداختند. یکی از این هنرها

قلمکار است. در این هنر با استفاده از قالبهای ویژه که هر یک نقش و نگار زیبا و دلنشینی دارند نقش اندازی بر روی پارچه صورت می گیرد. این هنر در عصر صفویه به اوج خود رسید. بدانگونه که در این دوره بیشتر لباسهای زنانه و مردانه از پارچه های قلمکار تهیه می شد. این پارچه ها در آن عهد شهرت فراوان داشتند. نقشهای قلمکار در ابتدا شامل نقوش سنتی ایران همانند اسلیمی و گلهای چند پر مجلسی می شد که از مینیاتور برگرفته می شد. اما در اواخر دوران قاجار با تحولی که در نقاشی آن زمان به وجود آمد عده ای بر آن شدند تا نقاشی های عامیانه و مردمی رایج آن روزگار را نیز وارد قلمکار کنند و به جای استفاده از نقش های سنتی از نقوش مذهبی یا حماسی آن زمان در قلمکار استفاده کنند. بدین ترتیب پارچه های قلمکار قهوه خانه ای ابداع شد. در کنار این پارچه ها پرده های مذهبی نیز بوسیله هنرمندان قلمکار ساز بوجود آمد. پرده هایی از شرح جنگها و حماسه های ائمه اطهار بخصوص حماسه سالار شهیدان زینت بخش تکایا و حسینیه ها و مساجد شدند و قلمکارهای اصفهان در شهرهای دیگر نیز طالبان فراوان یافت شهرهای بزرگ و مهمی مانند شهر ری و یزد و کاشان و سیرجان و کرمان علاوه بر پرده های مذهبی و تصاویر قهوه خانه ای خریدار جانماز و سفره و رومیزی و دستمال و انواع لباس های شدند که در اصفهان تهیه می شدند. با پیروزی انقلاب و تاسیس رشته های هنر در دانشکده های مانند دانشگاه فارابی،

استادان سنتی این هنر مورد توجه قرار گرفتند و از تجربیات آنان بهره برداری گردید. از اساتید معروف و مشهور قلمکار ساز اصفهان مرحومین پورصناعی، گیاهی و عطریان هستند که آثار آنان طی نمایشگاههای متعدد در معرض بازدید عموم قرار گرفته است.

قلمزنی روی مس و برنج

هنر قلمزنی سوابق ممتد و طولانی دارد. این هنر گرانمایه و زیبا که بیانگر فرهنگ و تمدن قوم ایرانی است ابتدا به صورت حجاری در بدنه کوهها و روی سنگهای ساختمانی کاخهای پادشاهان و بناهای تاریخی و حتی در دوران غارنشینی دیده شده است. بعدها هنر حجاری، تبدیل به حکاکی و سپس قلمزنی گردیده و نقوش و تصاویر از روی سنگهای ساختمانی و بدنه کوهها به روی سنگهای قیمتی مخصوصاً عقیق منتقل گردید و «حکاکی» نامیده شد. عاقبت فلزات از جمله طلا و نقره و مس و برنج و فولاد زمینه اصلی این نقوش و خطوط زیبا و دلپسند قرار گرفته و هنر «قلمزنی» نام گرفت.

لفظ «قلمزنی» معنای متعددی دارد. این لغت در فرهنگ معین چنین معنا شده است: «نویسندگی، نقاشی و یکی از هنرهای زیبا است و آن ایجاد نقوش جانوران و گیاهان و طرحهای مختلف است بر روی نقره یا فلزات دیگر. در هنگام عمل، استاد به وسیله قلمی فلزی و یا منقاش نوک تیز فولادی که دارای دسته ای چوبی است کار می کند. دکتر معین پس از این تعریف، این بیت را از «زلالی» آورده است:

به طرح خویش حیرت زند دست

که از هیچش قلمزن نقش چون بست /

پرویز بهنام باستان شناس ایرانی، قدمت برنزهایی را که نقوش زیبا بر روی آن نقش بسته و در حفاریهای باستانشناسی به دست آمده

مربوط به اقوامی دانسته که قبل از هخامنشیان در ایران زندگی می کرده اند. او نوشته است که این اشیاء بیشتر در نواحی لرستان و کردستان یافت شده و محل کشف آنها را که اغلب از جنس سفال یا فلز منقش بوده، علاوه بر ناحیه لرستان، مربوط به دامنه های کوههای زاگرس دانسته و اضافه کرده است که در زمان فرمانروایی ایلامیها، اطراف کوههای زاگرس به نام ناحیه «آنزان» شناخته می شده که به چهار قسمت تقسیم شده بود. حال با توجه به این سخن پرویز بهنام و همچنین اعتقاد هرتسفلد مستشرق آلمانی که گفته است ابتدا، نام اصفهان «آنزان» بوده و سپس به «گابیان» تبدیل یافته و از زمان هخامنشیان به بعد ابتدا به «گی» و سپس به «جی» تبدیل شده است؛ اگر این دو آنزان یکی باشد، سندی معتبر از قدمت هنر حکاکی و قلمزنی در اصفهان محسوب می شود که از دوران قبل از هخامنشیان، بدان می پرداخته اند و این سخن با یادآوری اینکه زردکوه بختیاری نیز جزو ارتفاعات شرقی جبال زاگرس یعنی همان «آنزان» (به گفته پرویز بهنام) به حساب می آید؛ بیش از پیش به واقعیت نزدیک می شود. از دوران ساسانیان نیز اشیاء فلزی نفیس زیادی در موزه های مهم جهان موجود است که نقوش بسیار زیبایی از حیوانات و پرندگان و گیاهانی و مجالس بزم و رزم و رقاصه ها و نوازشگران متعددی با آلات موسیقی سنتی آن عصر بر روی طلا و نقره نقش بسته است که مایه اعجاب و تحسین هنرشناسان جهان است. محمدتقی مصطفوی، رئیس موزه ایران باستان در مجله «نقش نگار» نوشته است که از ظروف نقره فراوان عهد ساسانی که نقوش شاهنشاهان و

صحنه های رزم و شکار و بزم و موضوعهای مختلف دیگر را در بردارد، مجموعه ای افسانه ای مشتمل بر بیش از هزار پارچه، در موزه «ارمیتاژ» لنینگراد نگهداری می شود و نمونه های مختلف دیگری هم در موزه های اروپا و آمریکا و تعداد نوزده قطعه نیز در بیست ساله اخیر، یعنی تا سال ۱۳۳۶ در موزه ایران باستان جمع آوری شده است که از مهمترین نفایس تاریخی موجود در داخل کشور باستانی ایران به شمار می رود. در بین این ظروف چهار ظرف بسیار نفیس وجود دارد که لباس و آلات موسیقی و حرکات رامشگران عهد باستان را نشان می دهد. یکی از این چهار ظرف تنگ نقره بسیار زیبایی به ارتفاع ۵ / ۲۶ سانتیمتر است که قطر دایره قسمت بزرگتر تنگ ۲۵ / ۱۴ سانتیمتر است. و در چهار سمت تنگ، چهار حالت مختلف از بانوی هنر پیشه ای را در هنگام رقص می نمایاند: ۱- در یک حالت شاخه گلی در دست راست و ظرفی محتوی دانه های میوه بر دست چپ گرفته و در دو طرف وی روباه و قرقاولی دیده می شود. ۲- در تصویر دیگر حلقه ای به دست راست و گلی در دست چپ بانو قرار دارد و با توجه به اینکه در این تصویر، حالت رقص با نوک پا مجسم گردیده به خوبی می توان پنداشت که حلقه های دست راست چون قاشقکی به کار می رفته که با آهنگهای مقطع متناسب با چنین رقصی می نواخته اند. ۳- تصویر دیگر شاخه بلند درختی دارای گل و برگ، در دست راست و عودسوزی به دست چپ گرفته است در دو طرف وی نیز کبک و تدروی ترسیم شده اند. ۴- تصویر چهارم پرنده ای را در دست راست، به سمت

بالا نگاه داشته و با دست چپ روباهی را از دُم گرفته و آن را حرکت می دهد. در این حالت باز هم تصویر کبک و تدر و در دو جانب وی دیده می شود. حاشیه هایی از برگهای مو دور و بر هر چهار تصویر نقش بسته است و این توهّم را ایجاد می نماید که در موسم انگور چینی مجلس بزمی در تاکستان ترتیب داده شده و روباه را که آفت انگور است، به دام انداخته و ضمن حرکات مختلف رقص، تنبیه می کند. حرکت رقص هنرپیشه نوعی عملیات بندبازی توأم با بازی با حیوانات را نمایش می دهد که طی آن حیوان را در هوا پرتاب کرده و دوباره می گیرد. از ویژگیهای هنر قلمزنی در دوره ساسانی که بیشتر به صورت برجسته بر روی طلا- و نقره بوده، نقش حیوانات بالدار یا سر شیر و اژدها و انواع گل و مرغهای مختلف و صورت رقاصه ها در حال رقص با آلات موسیقی و نوازشگران و مجالس رزم و بزم و شکارگاه هاست.

قلمزنی در دوران بعد، یعنی در دوران اسلامی تغییرات قابل توجهی نکرده و از نظر جنس و طرز کار و نقوش و بلکه فرم، با قرنهای گذشته و حتی دوره ساسانی تفاوت فوق العاده ای نداشته است تحول جزئی آن نیز به طور آرام و ملایمی صورت گرفته که هر بیننده صاحب ذوقی به آسانی می تواند تداوم روشها را در سراسر دوران اسلامی و قبل از آن در اشیاء دریابد. در دوران دیلمیان در نقوش قلمزنی، نوع پیچیدگی به صورت حلقه های مجزا یا متداخل پیدا شد که در داخل آنها نقوش حیوان و گیاه القا گردیده است. در دوران بعد

نیز حیواناتی به صورت روبه رو یا پشت به پشت، در طرفین درخت دیده می شوند. موضوع حمله شیر به گاو یا حیوانات دیگر نیز از دوره ساسانی باقی مانده است. در دوران صفویه و قاجاریه نیز جز نقوشی از شاهنامه و نظامی گنجوی و آثار و بناهای تاریخی و اشعار کوتاه اعم از غزل و رباعی تغییر قابل توجهی نداشته و اصل نقوش، به همان صورت اسلیمی، در طرحهای مختلف و گل و مرغ و حیوان و انسان خلاصه شده است. اما به جای خط میخی یا اوستایی و پهلوی از خط زیبای نستعلیق و به مناسباتی هم از نسخ استفاده شده است که خط نسخ بیشتر در نوشتن ادعیه یا جملاتی از قرآن کریم و نقوش دینی و اسلامی دیگر کاربرد داشته است. هنر قلمزنی از دیرباز در اصفهان رواج کامل داشته و اشیاء قلمزده قدیمی از دوران های مختلف زینت بخش موزه ها و مجموعه های خصوصی است. این هنر در حقیقت نوعی حکاکی بر روی فلزات است. در این صنعت دیرپای دستی نقوش یا طرح هایی بر سطح اشیاء فلزی کنده می شود. ابزار کار هنرمند قلمزن تعدادی قلم های مخصوص و چکش است. قلمزنی در ایران از سابقه ای طولانی برخوردار است. با توجه به بررسی های پژوهشگران سابقه تاریخی این هنر به (سکاها) می رسد که در حدود پنج هزار یا هفت هزار سال پیش در قفقاز زندگی می کرده اند. از این قوم آثار بسیاری بدست آمده که اکثر از طلا- و نقره و برنز می باشند. از اساتید برجسته این هنر حاج محمد تقی ذوفن، حاج سید محمد عریضی،

ابراهیم دائی زاده را می توان نام برد. استاد رجبعلی راعی نیز از هنرمندان خلاق و مبتکر این هنر است که تابلوهای بسیار مشهور و نفیسی در زمینه داستانهای قرآنی، تاریخی و آثار حماسی و برجسته کردن برخی کارهای کمال الملک بوجود آورده است. در حال حاضر، اشیاء قلمزده هنرمندان اصفهانی مانند سینی و گلدان و مجموعه های بزرگ مسی و برنجی و قوطی سیگار و جای نمک و قاب عکس و انواع ظروف بشقاب که با طرحهای بسیار زیبا بصورت جُندکاری قلمزنی شده موزه ها و مجموعه های خصوصی را زینت می بخشند.

جاذبه های گردشگری اصفهان

باغ پرندگان

مقدمه

باغ پرندگان فعالیت خود را در مرداد ماه ۱۳۷۵ آغاز کرده است. این باغ با مساحتی بالغ بر ۵۵۰۰۰ مترمربع یکی از جاذبه های تفریحی شهر اصفهان است. این مجموعه که بخشی از پارک جنگلی ناژوان و رودخانه زاینده رود است از معدود باغهای پرندگان در خاورمیانه می باشد. مساحت داخلی زیر توری باغ ۱۷۰۰۰ مترمربع و مساحت توری که بر روی ۱۶ ستون متحرک به ارتفاع حداکثر ۳۲ متر قرار گرفته است ۴۰۰۰۰ مترمربع است.

باغ پرندگان توسط شهرداری اصفهان احداث شده است و اکنون تحت مدیریت طرح ساماندهی ناژوان و صفا اداره می شود. این مجموعه از قسمتهای مختلفی تشکیل شده است که به اختصار به معرفی آنها می پردازیم.

جزیره باغ پرندگان

این جزیره بزرگترین جزیره رودخانه زاینده رود است که فضای سبز آن زیبایی خیره کننده ای به باغ پرندگان داده است. این جزیره با یک پل چوبی به باغ پرندگان متصل می شود.

ماکت

نمونه کوچکی از باغ پرندگان، همراه با برخی گونه های پرندگان آزاد در باغ است. این ماکت ساختار و سازه باغ را برای بازدید کنندگان در بدو ورود به نمایش می گذارد.

ساختمان اداری

بخش اداری باغ پرندگان در این قسمت قرار دارد. هماهنگی کلیه امور مربوط به باغ اعم از امور بازدید کنندگان و پرندگان توسط کارشناسان و پرسنل این بخش صورت می گیرد.

ساختمان برج

این ساختمان که به شکل برج کبوتر تعبیه گردیده دارای دستگاہهای جوجه کشی جهت تکثیر و زاد آوری پرندگان و شامل

اطاقهایی برای نگهداری از جوجه های تازه متولد شده و والدین در حال جفت یابی می باشد.

ورودی های باغ

این مجموعه با داشتن ورودی؛ یکی جهت خریداری بلیط (ورودی اول) و دیگری برای تحویل آن (ورودی دوم)، مسیر ورود بازدید کنندگان را مشخص می سازد. باغ پرندگان مکانی است که امکانات ویژه ای جهت زندگی هر پرنده تقریباً مطابق با محیط زیست طبیعی آن پرنده اختصاص داده شده است. از جمله این امکانات موارد زیر را می توان نام برد: ۱) برکه ها: ۴ برکه کوچک و بزرگ در باغ پرندگان وجود دارد که محل زندگی پرندگان آبچر مانند انواع اردک ها، قوها، غازها و ... می باشد. برکه بزرگی در قسمت مرکزی باغ قرار گرفته است بطوریکه تعداد زیادی از این پرندگان آبچر را در بر می گیرد. ۲) صخره: صخره باغ که در ضلع شرقی قرار گرفته محیط زیستی مناسب جهت پرندگان کوهستانی و بیابانی است. پرندگانی چون کبکها بیشتر در این محیط دیده می شوند. ۳) قفسهای شیشه ای: از آنجا که اصفهان دارای شرایط اقلیمی خاص خود می باشد، این قفسها با دارا بودن امکانات ویژه ای چون دستگاه تهویه، شوفاز و کولر محیط مناسبی را برای پرندگانی که در محیط زیست طبیعی آنها شرایط خاص آب و هوایی حاکم است، فراهم می نماید. ۴- قفسهای آهنی: این قفسها به دلیل نوع تغذیه پرندگان شکاری ساخته شده است. زیرا اینها در صورت آزاد بودن در محیط از سایر پرندگان و جوجه آنها

استفاده می کنند. همچنین سعی شده است محیط زیست طبیعی آنها که مناطق صخره ای کوهستانی است در قفسهای مربوط مهیا گردد. (۵) فضای سبز جنگلی: این فضا که از جمله مناطق زیست پرندگان جنگلی است در سرتاسر محیط باغ ایجاد شده و پرندگان به صورت آزاد در این فضا پرواز می کنند. از مهمترین اهداف احداث این باغ موارد زیر را می توان نام برد: ۱- پر کردن اوقات فراغت و تفریح و تفریح بازدید کنندگان. ۲- بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی مردم در ارتباط با پرندگان. ۳- فراهم کردن شرایط مناسب جهت جذب توریست. ۴- حفاظت ژنتیکی از گونه های در حال انقراض. ۵- تولید و تکثیر پرندگان نادر و فروش پرندگان مازاد. ۶- تاکسیدرمی گونه های تلف شده به عنوان یک صنعت و هنر. ۷- مطالعه و تحقیق بر روی گونه های جدید. این باغ در ۴ کیلومتری غرب پل وحید در حاشیه زاینده رود و در پارک طبیعی ناژوان واقع شده است.

پوشش

باغ پرندگان از اراضی آبرفتی سواحل زاینده رود با مواد ریز دانه رسوبی است. این اراضی عموماً نسبت به اراضی پست و سیلابی مرتفع تر است. آب زیرزمینی نقش عمده ای در حاصلخیزی این خاکها داشته است. خاک مساعد، رطوبت کافی و اقلیم نسبتاً مناسب و مساعد، شرایط فراهم شدن پوشش گیاهی از نوع درخت و درختچه را فراهم آورده است.

انواع درختان

شامل: ۱- گردو ۲- سرونقره ای ۳- سپیدار ۴- نارون ۵- توت سفید ۶- کاج تهران ۷- کبوده ها ۸- چنار ۹- زالزالک ۱۰- سرو خزنده ۱۱- بیدمجنون ۱۲- اقاچیا ۱۳- زبان گنجشک و ...

انواع درختچه ها

نیز شامل: ۱- برگ بو ۲- زرشک ۳- ختمی درختی ۴- رزماری ۵- سیب گل ۶- پیچ امین الدوله ۷- ماگنولیا

انواع درخت ها و درختچه های فوق بر زیبایی و طراوت محیط افزوده است.

آب مورد نیاز باغ پرندگان از دو حلقه چاه نیمه عمیق تأمین می شود که با سیستم پمپاژ و استفاده از منابع آب، به سمت فضای سبز، برکه، و جویبارها... هدایت می شود.

بیش از ۱۲۰ گونه پرنده از مناطق مختلف جهان در باغ پرندگان گردآوری شده و روز به روز به تعداد این گونه ها افزوده می گردد. تعداد این پرندگان در حدود ۲۰۰۰ قطعه بوده و با توجه به شرایط زیست طبیعی آنها، در محیطهای مختلف به سر می برند. برای معرفی این ۱۲۰ گونه پرنده به ذکر انواع خانواده های آنها می پردازیم: ۱- مرغابی ۲- طوطیها ۳- شاهین ۴- فلایمنگو ۵- بلبل خرما ۶- پلیکان ۷- دم جنبانک ۸- کبوتر ۹- مرغ شاخدار ۱۰- توکا ۱۱- باز، عقاب، لاشخور ۱۲- یلوه ۱۳- فنچ یا سهره ۱۴- کوکر ۱۵- آبچلیک ۱۶- چکاوک ۱۷- زرده پره ۱۸- قرقاول ۱۹- تراکو ۲۰- توکان ۲۱- جغد ۲۲- گنجشک ۲۳- کلاغ ۲۴- بوقلمون ۲۵- حواصیل ۲۶- سار ۲۷- لک لک ۲۸- شترمرغ ۱- تفریح و سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت بازدید کنندگان. ۲- استفاده از آب و هوای سالم و فضای سبز. ۳- مشاهده پرندگان از نزدیک. ۴- ارائه اطلاعات در مورد پرندگان اعم از آشنایی با نام و خصوصیات آنها، نحوه تخمگذاری، تغذیه، زیستگاه و... به بازدید کنندگان علاقه مند. ۵- ارائه برشور، کارت پستال و

تقویم به بازدید کنندگان. ۶- مشاور دامپزشکی و راهنمایی بازدید کنندگان جهت نگهداری پرندگان در خانه، بطور رایگان.
۷- معاوضه پرندگان مازاد با گونه های جدید

مورد نیاز برای باغ. ۸- نگهداری پرندگان اهدا شده توسط بازدید کنندگان به باغ و ارائه مجوز بازدید رایگان جهت تشویق عموم مردم به این امر. ۹- امکان تهیه فیلم و عکس از پرندگان توسط بازدید کنندگان با دوربینهای عکاسی و فیلمبرداری شخصی. ۱۰- نمایش کلکسیون های پر و تخم پرندگان جهت بازدید علاقمندان. با توجه به تعداد زیاد گونه های پرنده و فعالیتهای مربوط به آنها واحدهایی در این مجموعه دایر گردیده است که توسط کارشناسان مربوط سرپرستی می شوند.

واحد های اجرائی در باغ پرندگان

تغذیه

اشاره

واحد تغذیه باغ پرندگان از بدو تأسیس باغ آغاز به کار نمود. در ابتدا جیره های غذایی با بهره گیری از دانش اساتید صاحب نظر در امر تغذیه و استفاده از تجارب افراد موفق در زمینه نگهداری پرندگان تنظیم و جهت استفاده در تغذیه طیور آماده شد. سپس با تحقیقات و پیگیریهای مداوم کارشناسان مربوط در باغ در زمینه تنظیم جیره های غذایی و بهره گیری از جداول علمی تغذیه ای N. R. C اقدامات لازم جهت جیره نویسی آغاز و جیره مناسب پرندگان تهیه شد. پرندگان موجود در باغ از لحاظ عادات تغذیه ای به چند دسته طبقه بندی می شوند که عبارتند از: ۱- دانه خوار ۲- ماهیخوار ۳- گوشتخوار ۴- میوه خوار ۵- همه چیز خوار در واحد تغذیه برحسب گونه پرنده و نوع تغذیه آن مواد غذایی مختلفی در اختیار پرندگان قرار می گیرد که به شرح مختصری از آن می پردازیم:

پرندگان دانه خوار

شامل انواع: فنچ ها = قناری ها = مرغ عشق ها = طوطی ها = میناها = سارها = بلبل ها

در تغذیه این پرندگان با توجه به نوع پرنده از دانه های مختلفی نظیر ارزن، کتان، شاهدانه، سیاه دانه، تخم گل آفتابگردان، نخود، ذرت و ... استفاده می شود. جهت تأمین ویتامین های مورد نیاز این پرندگان از میوه ها و سبزیجات تازه نظیر سیب، هویج، جعفری و ... نیز استفاده می شود.

پرندگان ماهیخوار

شامل انواع: پلیکانها = اگریتها = باکلانها = اکراسها = کاکائی ها

انواع مختلف ماهیها در اختیار پرندگان ذکر شده قرار می گیرد که از متداولترین آنها می توان ماهی سرخو، بیاح، (جهت مصرف پلیکانها) و کیلکا (جهت مصرف سایر پرندگان ماهیخوار) را نام برد.

پرندگان گوشتخوار

شامل انواع: عقابها = جغدها = کرکسها = شاهینها

جهت تغذیه این گروه پرندگان از گوشت انواع حیوانات (نظیر کبوتر، موش، بلدرچین، خرگوش و ...) و همچنین امعاء و احشاء (شش، سرخ روده) حیواناتی نظیر گوسفند و گاو به صورت متناوب استفاده می شود.

پرندگان میوه خوار

شامل انواع: تراکوها = توکانها = میوه خوارها = طوطی ها

این پرندگان علاقه فراوانی به میوه هایی از قبیل سیب، هویج و موز ... دارند و سعی می شود متناسب با فصل در جیره غذایی آنها میوه جات تازه گنجانده شود البته باید دانست که این پرندگان با وجود تمایل به میوه ها به دانه هایی از قبیل دانه های فراهم شده ماکیان (نظیر پلت ها) نیز بسیار علاقه مند می باشند.

پرندگان همه چیز خوار

این پرندگان علاوه بر دانه خواری، علاقه فراوانی به خوردن حشرات، کرمها و لارو آنها دارند و از خوردن میوه ها و سبزیجات نیز لذت می برند. در باغ پرندگان سعی گردیده که مواد مورد نیاز این پرندگان در جیره غذایی آنها گنجانیده شود گرچه با توجه به شرایط فیزیکی باغ و آزاد بودن پرندگان در محوطه دستیابی به لارو حشرات در محیط باغ برای این پرندگان میسر می باشد. در پایان لازم به ذکر است واحد تغذیه باغ پرندگان علیرغم وجود برخی مشکلات نظیر تنوع پرندگان موجود در باغ و به تبع آن متفاوت بودن نیازهای هر گروه توانسته است تا حدی احتیاجات غذایی همه گروههای پرندگان موجود در باغ را فراهم سازد و در این راستا تحقیقات همچنان ادامه دارد.

کلینیک

فعالیت این واحد از سال ۱۳۷۵ به صورت واکسیناسیون پرندگان توسط دام پزشکی باغ علیه بیماریهایی مثل نیوکاسل به صورت تزریقی و خوراکی آغاز شد. از آنجا که برخی از پرندگان در محوطه باغ آزاد هستند و توانایی پرواز بلند دارند استفاده از واکسن تزریقی که مستلزم دسترسی به پرنده و تزریق واکسن به آن است، به تنهایی برای همه آنها میسر نیست لذا واکسیناسیون پرندگان به صورت خوراکی و تزریقی توأمان انجام می پذیرد. وجود گونه های مختلف پرندگان در باغ و بیماریهای گوناگون که در مورد هر گونه از پرنده امکان بروز دارد سبب شد تحقیقات و بررسیهایی از کتب و مقالات معتبر علمی صورت پذیرد و با شناخت بیشتر بیماریها و با کمک دام پزشکی باغ که بصورت آنکال در باغ حضور می یافت کار درمان پرندگان بیمار توسط

کارشناس مربوط به این واحد آغاز گردید و نتایج ارزشمندی به دست آمد که به دلیل اطلاعات کافی در مورد پرندگان زینتی در کشور ما بسیار حائز اهمیت می باشد. یکی از بیماریهای شناخته شده در رابطه با پرندگان نوعی بیماری انگلی شایع در مرغ عشقها، طوطیها و قناری ها است که اهمیت شناخت و نوع درمان آن سبب شد تا تحقیقات انجام شده در این واحد در کنفرانس زیست شناسی که در سال ۱۳۷۷ در اصفهان برگزار گردید، ارائه شود. هم اکنون نیز با احداث کلینیک، کار درمان و واکسیناسیون پرندگان در باغ ادامه دارد و تحت نظارت این واحد گونه های مختلف پرندگان و جوجه های آنها بر علیه بیماریهای مثل نیوکاسل، برونشیت عفونی، آبله، مارک و ... طبق جدول زمانبندی واکسینه می شوند و پس از آن به مدت چند روز (حداقل سه روز) جهت پیشگیری از بروز بیماریهای ثانویه به آنها آنتی بیوتیک و مولتی ویتامین و مکمل های مورد نیاز دیگر داده می شود. در طول این مدت کلیه برکه های موجود در باغ تخلیه می گردد تا درصد بازدهی واکسیناسیون خوراکی حتی الامکان افزایش یابد و سپس جهت اطمینان بیشتر به پرندگان که امکان دسترسی به آنها در باغ وجود دارد واکسن به صورت تزریقی نیز داده می شود. این واحد از ابتدا زیر نظر دام پزشک کار خود را آغاز کرده و هم اکنون نیز این همکاری وجود دارد و دام پزشک باغ به صورت آنکال در مواقع ضروری در باغ حضور می یابد و داروهای لازم را تجویز می کند. همچنین پرندگان تلف شده برای مشخص شدن

علت مرگ توسط دام پزشکی کالبدشکافی می شوند و علت مرگ آنها صورتجلسه می گردد و با مشخص شدن علت مرگ پیشگیری های لازم برای بقیه پرندگان انجام می پذیرد. در مواردی که تشخیص علت مرگ پرنده به بررسیهای بیشتری نیاز داشته باشد لاشه آن برای انجام آزمایشات به آزمایشگاه دامپزشکی منتقل می گردد و نتیجه آزمایش جهت درمان و پیشگیری در سایر پرندگان مورد استفاده قرار می گیرد. تا کنون گونه های مختلفی از پرندگان از جمله قرقاولها، طاووسها، طوطی ها، مرغ عشقها، انواع پرندگان شکاری و آبچر بیمار با استفاده از داروها و آنتی بیوتیکهای مختلفی مانند انروفلوکساسین، سولفونامیدها، سولتریم، تایلوزین، تتراسایکلین ها لینکومایسین و ... بسته به نوع بیمار تحت درمان قرار گرفته اند و اثر آنتی بیوتیکها بر گونه های مختلف نیز بررسی گردیده است. همچنین داروهایی مانند: لوامیزول، ... برای انگلهای داخلی و گرد کوبکس برای انگلهای خارجی از جمله داروهای مؤثر و مورد استفاده در این واحد می باشند. شایان ذکر است این واحد همواره آماده پاسخگویی به سؤالات مردم و بازدید کنندگان در مورد نگهداری پرندگان و مشاوره جهت درمان پرندگان بیمار بصورت حضوری یا تلفنی و بصورت رایگان آماده پاسخگویی می باشد.

قرنطینه

بیشتر بیماریهای پرندگان که غیر قابل درمان و مسری می باشد دارای دوره کمون بوده و علائم آنی قابل تشخیص ندارند، لذا قرنطینه کردن پرندگان جدید الورود و خریداری شده برای اطمینان از سلامتی آنها و جلوگیری از انتقال بیماریها به پرندگان دیگر حائز اهمیت فراوان می باشد. در طول مدت قرنطینه رفتارهای پرنده مورد بررسی قرار می گیرد و علائم و رفتارهای مشکوک

نمایان می شود. همچنین در این مدت به پرنده امکان داده می شود خود را با محیط جدید سازش دهد و از استرسهای ایجاد شده ناشی از جابجایی و تغییر محل پرنده کاسته شود و پس از آن علیه برخی بیماریها واکسینه گردد. در باغ پرندگان کلیه پرندگان جدید ورود که اهدا می شوند یا خریداری می گردند حداقل به مدت ۲ هفته در قرنطینه نگهداری می شوند و کلیه موارد فوق مرحله به مرحله انجام می شود و پس از تأیید سلامتی در محوطه باغ در محلهای مربوط رها می شوند.

بهداشت

از آنجا که در مورد بسیاری از بیماریهای پرندگان پیشگیری مهمتر از درمان می باشد رعایت اصول بهداشتی در همه قسمتها و واکسیناسیون پرندگان دو امر کاملاً ضروری بنظر می رسد. در باغ پرندگان این امر از سال ۱۳۷۵ به طور مقطعی و پس از آن از سال ۱۳۷۷ بصورت جدی و تحت واحد جداگانه بهداشت پرندگان مورد توجه قرار گرفت. چرا که بهترین راه پیشگیری از بیماریها رعایت بهداشت محیطی و تغذیه ای می باشد. در باغ پرندگان کلیه قفسها و محیطهای نگهداری پرندگان در محوطه باغ به صورت دوره ای (حداکثر دو هفته یکبار) با شعله آتش ضد عفونی شده و بستر و محل نشیمن آنها بطور کامل تعویض می گردد. همچنین محل نگهداری پرندگان زیتتی موجود در اتاقهای شیشه ای روزانه شستشو و نظافت شده و ظروف دانخوری و آبخوری آنها ضد عفونی می گردد به دلیل حساسیت و ارزشمندی این پرندگان هر ۶ ماه این اتاقها بطور کامل تخلیه می گردد و با مواد ضد عفونی مختلف باکتری کش،

ویروس کش و قارچ کش شستشو می شود و در خاتمه با شعله آتش ضدعفونی می گردد و سپس پرندگان به محل‌های خود بازگردانده می شوند. در مدخل‌های ورودی باغ نیز حوضچه های ضدعفونی وجود دارد و بازدید کنندگان هنگام ورود بایستی از داخل این قسمت عبور کنند. مواد ضدعفونی که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از پویدون آیداین، ژرموکیلر، به آسای یددار و ستریمیدین C و ... مهمترین راه پیشگیری از بروز بیماری در پرندگان و بخصوص جوجه های آنها رعایت بهداشت کامل در محیط نگهداری و تغذیه سالم آنها می باشد.

آمار

ابتدا آمار پرندگان باغ و سایر قسمت‌ها به صورت دستی نوشته می شد و روزانه توسط کارشناسان مربوط در باغ مورد بررسی قرار می گرفت از سال ۱۳۸۲ آمار کلیه قسمت‌ها کامپیوتری گردید و کلیه واحدها آمار روزانه خود را به صورت گزارش روزانه به این واحد منتقل می کند این آمار توسط کارشناس مربوط وارد کامپیوتر می شود به طوری که آمار قسمت‌های مختلف اعم از سالن تکثیر، کلینیک، قرنطینه، محوطه باغ و قفس ها، تخم پرندگان، تلفات و ... به روز در دسترس می باشد.

تحقیقات

در این قسمت با استفاده از کتب و مجلات علمی معتبر و سایت اینترنت اطلاعات در مورد پرندگان جدید الورد و همچنین مطالب در مورد نگهداری، تولید مثل و پرورش، نوع لانه و هر گونه اطلاعاتی که در مورد پرندگان مورد نیاز باشد تهیه و ترجمه می گردد و در اختیار قسمت‌های مختلف قرار می گیرد. شایان ذکر است که از شروع سال ۱۳۸۳ کلیه واحدها نیز در این زمینه کوشش بیشتری می کنند و در رابطه با واحد مربوط اطلاعات مورد نیاز را جستجو می نمایند. در این قسمت اطلاعات در مورد پرندگان مختلف توسط کارشناسان مربوطه تهیه می گردد و جهت ساخت تابلوی معرفی پرندگان، تهیه کتاب، بروشور، راهنمایی مردم و ... مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین عکسها و فیلم پرندگان در این قسمت نگهداری می شود و در مواقع لزوم برای کارهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد از سایر فعالیتهای روابط عمومی می توان: تهیه تابلوهای هشدار دهنده، بروشور، کارت پستال، تقویم، فلکس از پرندگان، فیلم و ... را نام برد.

واحد تکثیر

اشاره

واحد تکثیر باغ پرندگان فعالیت خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز نمود کار تکثیر را در ابتدا با جفت کردن قناریها و ایجاد شرایط مناسب، شروع کرد. پس از آن تحقیقاتی در زمینه تکثیر یک نوع طوطی زیبا به نام کوکاتیل آغاز شد و با تلاشهای فراوان این گونه کمیاب نیز تولید و تکثیر شد. این موفقیتها سبب گشت تا دامنه فعالیت این واحد افزایش یابد و در حال حاضر تقریباً بیشتر گونه های موجود قابلیت تکثیر در این واحد را دارا می باشند. اولین دستگاه جوجه کشی در

سال ۱۳۷۹ خریداری گردید و به این طریق تکثیر مصنوعی پرندگان آغاز شد. لازم به ذکر است که پرندگان براساس نوع جوجه هایشان به ۲ دسته تقسیم می شوند: ۱- پرندگان با جوجه های دیررس (Altricial) مانند انواع طوطی ها؛ جوجه های این پرندگان هنگام خروج از تخم قادر به دوری از والدین نیستند و عموماً بدن آنها بدون پر می باشد و حداقل تا مدت محدودی باید توسط والدین تغذیه و نگهداری شوند. ۲- پرندگان با جوجه های زودرس (Cortical) مانند انواع ماکیان؛ جوجه های این پرندگان هنگام خروج از تخم قادر به جدایی از والدین هستند و بدن آنها کاملاً پوشیده است و خود مستقلاً قادر به تغذیه و حرکت هستند. در این واحد، نر و ماده جفت شده پرندگانی را که جوجه های دیررس دارند از بقیه پرندگان جدا و در قفس منحصری قرار داده و در محلی ساکت و آرام شرایط لازم را برای این پرندگان در فصل تولید مثل جهت تخم گذاری و جوجه در آوری و پرورش آنها فراهم می کنند. پرندگانی که جوجه های زودرس دارند در این مجموعه به دو صورت تکثیر می یابند. ۱- طبیعی ۲- مصنوعی ۱- روش طبیعی: هنگامی است که جنس ماده کرچ شده و بر روی تخمهایش می خوابد و یا اینکه جهت جوجه آوری از بوقلمون یا مرغ کرچ شده استفاده می گردد. مهمترین مسئله در تولید مثل پرندگانی که به روش طبیعی تکثیر یافته و جوجه های دیر رس دارند تعیین جنس نر و ماده است، چون اکثر این پرندگان تک زوجی بوده و تنها با یک پرنده دیگر غیر همجنس جفت می شوند.

مصنوعی زمانی انجام می گیرد که جنس ماده در محیط مصنوعی باغ کرچ نمی شود و باید تخمها جهت جوجه درآوری به دستگاه جوجه کشی منتقل شوند و جوجه های خارج شده از تخم نیز با امکانات خاص از قبیل مادر مصنوعی و ... پرورش داده شوند. لازم به ذکر است که موفقیت های بدست آمده در این واحد به مرور افزایش یافته است از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- احداث یک ساختمان برج مانند جهت تکثیر پرندگان. ۲- خرید دومین دستگاه جوجه کشی جهت تکثیر. ۳- ساخت قفس ها و تأمین احتیاجات جوجه ها در مراحل مختلف تکثیر و پرورش آنها. تا کنون واحد تکثیر و پرورش باغ پرندگان موفق به تکثیر بیش از ۳۰ گونه از پرندگان باغ شده که عبارتند از:

انواع طوطی ها

الف-انواع طوطی ها: -الکساندرین -کوکاتیل -مرغ عشق -پشت قرمز -مرغ عشق سرهلویی -طوق صورتی -رزلاب

انواع ماکیان

-کبک معمولی -کبک کالیفرنیا-طاووس-انواع قرقاول شامل قرقاول معمولی، سیلور، طلایی و لیدی ام هرست (Lady)-انواع مرغ و خروس شامل مویی، کاکلی، مینیاتوری، ابریشمی، شاخدار و فری -بوقلمون -تیهورج -انواع کبوتران زینتید -شترمرغ
ه-انواع قمری شامل الماسی، خانگی و معمولی -کوکرم -مینان -اکراسو -گاو چرانک و اگرت

انواع فنچ ها

ل-انواع فنچ ها شامل: -فنچ گوراسبی -فنچ سرسیاه -فنچ معمولی

انواع پرندگان

آبچر شامل: -غاز -انواع اردکها -طاووسک

واحد پرورش

این واحد با شروع فعالیت تکثیر در باغ پرندگان آغاز به کار نمود و با پرورش جوجه های یک ماهه و یا جوجه های زودرس (cortial) تولید شده در واحد تکثیر و تحویل آنها در هنگام بلوغ جنسی به محوطه باغ به افزایش تعداد گونه های پرندگان در این مجموعه کمک می نماید. جوجه ها پس از بلوغ در صورت نیاز، داخل محوطه یا قفسهای موجود در باغ رها می شوند و در صورت عدم نیاز، با پرندگان مورد نیاز معاوضه می گردند. تقریباً اکثر گونه هایی که در سالن تکثیر تولید و در واحد پرورش بالغ می گردند، در محوطه رها می شوند. شایان ذکر است؛ کلیه پرندگان که از واحد تکثیر به واحد پرورش تحویل

داده می شوند شامل انواع جوجه های زودرس یا (cortial) می باشند. تاکسیدرمی از یک کلمه یونانی به معنای تهیه پوست، مشتق شده که در زبان فارسی به معنای پوست آرای می باشد. با بررسی های به عمل آمده در زمینه تاکسیدرمی مشخص گردیده که پایه گذاران اولیه این فن بنحوی در زمینه نگهداری حیوانات فعالیت داشته اند. پدر موزه و ابداع کننده فن تاکسیدرمی و بوجود آورنده اولین باغ وحش، "سوتر" می باشد. سوتر اولین بار در اواخر قرن هیجدهم تصمیم گرفت تعدادی حیوان زنده را در محلی گردآوری کند و جهت انجام این کار زحمات و هزینه های زیادی متحمل شد. با توجه به اینکه بسیاری از گونه های حیوانات نادر یا گران قیمت بودند، پس از تلف شدن، جمع آوری مجدد آنها مشکلات زیادی را به همراه داشت. سوتر

به فکر افتاد که یک نمونه از پوست دباغی شده حیوانات تلف شده را بر روی یک چارچوب به نمایش بگذارد و به این ترتیب اولین کار تاکسیدرمی در دنیا به نمایش درآمد و پس از آن توسعه و تکامل یافت. امروزه با گذشت زمان و پیدایش ابزارها و متدهای علمی جدید تاکسیدرمی نه تنها واجد جنبه های هنری بلکه از نظر علمی نیز بسیار قابل توجه است. فعالیتهای واحد تاکسیدرمی باغ پرندگان بر مبنای اطلاعات علمی بدست آمده در خصوص تاکسیدرمی پرندگان بوده و در این زمینه ابتکاراتی نیز انجام شده است.

تاکسیدرمی

اشاره

این واحد فعالیت خود را از سال ۱۳۷۶ شروع نموده است و تا کنون از تعداد زیادی پرنده از جمله بزرگترین آنها که شتر مرغ می باشد در باغ پرندگان اصفهان تاکسیدرمی شده است. در بین این گونه های تاکسیدرمی شده، گونه های کمیابی مانند هوبره که در مناطق خشک و کویری زندگی می کند و چندین پرنده کمیاب دیگر مانند شاهین، طرلان، عقاب طلایی و دال را می توان نام برد. این واحد جهت حفظ موقعیت علمی همواره کوشیده است با مراکز و مؤسسات تاکسیدرمی داخل کشور در ارتباط باشد و از تجارب و تکنولوژی روز علم تاکسیدرمی استفاده نماید. همچنین این واحد در زمینه توسعه و ایجاد رشته های مختلف وابسته به تاکسیدرمی مانند تهیه کلکسیون های پا، نوک و پر نیز فعالیت دارد و در چندین نمایشگاه داخلی شرکت کرده و لوح تقدیر دریافت کرده است. در اینجا لازم است از آقایان دکتر تاجبخش بنیان گذار هنر و فن تاکسیدرمی در ایران و دکتر محمد علی جعفریان استاد دانشگاه

اصفهان و مؤسس موزه تاریخ طبیعی استان اصفهان قدردانی و تشکر شود. مراحلی که لاشه یک پرنده برای تبدیل شدن به یک نمونه تاکسیدرمی باید طی نماید به شرح زیر می باشد:

۱- پوست کنی:

لاشه پرنده را با یک شکاف سراسری از ناحیه سینه تا دم پرنده از پوست جدا می کند.

۲- چربی گیری:

با توجه به اینکه گوشت و چربیهای باقی مانده روی پوست باعث فساد و تخریب آن می شود پس از چربی گیری پوست و با عملیات دباغی ضدعفونی و شستشو این مرحله به پایان می رسد بنابراین چربیهای موجود در پوست جدا و پوست ضدعفونی و شستشو می شود.

۳- خشک کردن پرها و پرآرایی:

پوست شسته شده به وسیله خاک اره و برآکس رطوبت گیری می شود و پرها به کمک جریان هوای فشرده دستگاه کمپرسور باد خشکاننده و به کمک پنس در ردیف خود منظم می شوند.

۴- قالب سازی:

با توجه به اندازه بدن پرنده قالبی در نظر گرفته می شود. به صورتی که برای لاشه های کوچک قالب هایی کوچک از پوشال و نخ و برای لاشه های بزرگ قالب هایی از فایبرگلاس ساخته می شود.

۵- اسکلت بندی:

جهت ایجاد اسکلت ثانویه، مفتولها از داخل مجسمه و استخوانهای بال و پا عبور داده شده و در قالبی که از پیش ساخته شده محکم می شود.

۶- حالت دادن:

پس از اسکلت بندی، پوست بر روی قالب آماده شده کشیده و محل برش به کمک نخ و سوزن با دقت دوخته می شود. پس از پایان کار با مشاهده دقیق پرنده زنده سعی می شود که طبیعی ترین حالت ممکن به نمونه تاکسیدرمی داده شود. در واحد تاکسیدرمی باغ

پرنندگان جهت حفظ نمونه از آسیب های ناشی از تأثیر گردوغبار، رطوبت و حشرات و همچنین به منظور معرفی محیط زیست طبیعی پرنده با استفاده از مواد فایبرگلاس و گیاهان خشک و رنگ آمیزی شده صحنه آرایبی یا دیوراما سازی شده و نمونه مورد نظر در فضای ایجاد شده نصب می گردد. این هنر ارزشمند با تبدیل یک لاشه غیرقابل مصرف به یک مدل زیبا امکان مشاهده و بررسی دقیق را برای بازدید کنندگان ایجاد می کند و زیبایی های طبیعت به این شکل نیز به تصویر کشیده می شود.

۱۱- واحد فضای سبز و خدمات:

فعالیت های واحد فضای سبز و خدمات باغ پرنندگان به اختصار بشرح زیر می باشد:

۱- چمن کاری قسمتهای مختلف و حفاظت از محیط سبز باغ ۲- مبارزه با علفهای هرز ۳- کاشت گل های فصل ۴- کاشت، گیاهان و درختچه های متناسب با شرایط زیست پرنندگان ۵- هرس درختان باغ ۶- کود دهی قسمتهای مختلف فضای سبز ۷- شستشوی برکه ها و پیاده روهای باغ به صورت مداوم ۸- کاشت علوفه مناسب جهت تغذیه پرنندگان ۹- حفاظت و حراست از پرنندگان و محوطه داخلی و خارجی باغ به صورت شبانه روزی توسط انتظامات باغ پرنندگان. ۱۰- ساخت قفسهای مناسب مطابق با شرایط زیست پرنندگان

مشخصات پرنندگان خریداری شده در سال ۱۳۸۲

طوطی های آرا

یکی از زیباترین، بزرگترین و اصیل ترین انواع طوطی ها، طوطی های آرا هستند این طوطی ها به دلیل رنگهای متنوع پر و بال، بسیار جذاب و دیدنی می باشند و همچنین بسیار زیبرک و با هوش هستند و به راحتی دست آموز می شوند. خانواده این طوطی ها از ارزش بسیار بالایی برخوردار هستند. در باغ پرنندگان در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار مقدمات خریداری این نوع طوطی

از کشورهای عربی برای مجموعه فراهم شد ولی به دلیل تغییر مدیریت باغ این امر امکان پذیر نگردید و سرانجام در سال ۱۳۸۲ با همکاری مدیرعامل محترم طرح ساماندهی ناژوان و صدفه این امر میسر گردید و دو جفت از این طوطی های زیبا و گران قیمت خریداری شد. یک جفت طوطی آرای آبی و یک جفت طوطی آرای قرمز تیره یا آرای بال سبز، با اضافه شدن این پرندگان به گونه های موجود، جاذبه باغ برای بازدید کنندگان صدچندان شده است و این موضوع با قدری تأمل در کنار محل نگهداری این طوطی ها و کنترل رفتار بازدید کنندگان و اظهار نظر آنها کاملاً مشهود می باشد.

رده بندی و مشخصات طوطی های آرا:

رده پرندگان (Aves)

راسته طوطی شکلان Psittaciformes

خانواده Aratingidae

زیر خانواده Aratinginae

نام علمی: (جنس و گونه) (Ara ararauna) نام فارسی: آرای آبی، طلایی

نام انگلیسی Blue and Gold Macaw

مشخصات آرای آبی:

طول: ۹۰ سانتیمتر

رنگ پر و بال در قسمت پشتی آبی رنگ و در قسمت سینه زرد درخشان است. قسمت پیشانی سبز رنگ می باشد نوک آنها سیاه رنگ و پاها خاکستری تیره می باشد. آرای قرمز تیره نیز دارای همان رده بندی است ولی نام علمی (جنس و گونه) آن Ara Chloroptera می باشد. محیط زیست طبیعی این پرنده: نواحی عمده ای از شمال آمریکای جنوبی است رنگ اصلی این پرنده قرمز تیره است پرهای پوششی کوچک، بال قرمز تیره و پرچلا، پرهای پوششی متوسط بال، سبز و شاهپرها، آبی رنگ می باشند. پرهای وسطی دم، قرمز و سر آنها آبی رنگ می باشد. پرهای خارجی دم، آبی و قسمت خارجی آنها قرمز است. قسمت فوقانی نوک، استخوانی رنگ و

قسمت زیرین آن سیاه می باشد.

توکان

یک گونه پرنده اعجاب انگیز و بی نظیر دیگر چه از نظر شکل ظاهری (نوک بسیار بزرگ و زرد رنگ) و چه از نظر رفتاری توکانها می باشند. این پرندگان به قدری زیبا و دیدنی هستند که از نظر بسیاری از بازدیدکنندگان طبیعی بودنشان مورد سؤال قرار می گیرد و تصور می کنند که آنها اسباب بازی هستند. این پرندگان به راحتی دست آموز می شوند و قادرند توپ بازی و کارهای موزون دیگر را انجام دهند. بسیار باهوش و کنجکاو هستند. این پرندگان بومی آمریکای استوایی هستند و از مکزیک جنوبی تا آمریکای جنوبی و جزائر اطراف آن یافت می شوند. در نیمه دوم سال ۱۳۸۲ یک جفت از این پرنده بسیار زیبا و گران قیمت به دستور مدیرعامل محترم طرح و اهتمام مشاور محترم ایشان خریداری گردید و بر جاذبه باغ بسیار افزوده بطوری که سبب حیرت بازدید کنندگان هنگام عبور از این قسمت می گردد. مشخصات: نوک توکانها گاهی به اندازه طول بدن آنها می رسد ولی با وجود اندازه بزرگش وزن کمی دارد. اندازه طول بدن آنها ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر است. این گونه به دلیل اندازه بزرگ نوک قادر به پرواز کردن نمی باشد و معمولاً برای رفتن از شاخه ای به شاخه ای دیگر می جهد.

رده بندی: رده پرندگان (Aves) راسته Piciformes خانواده Ramphastidae نام علمی (جنس و گونه)
Ramphastos toco نام انگلیسی Toco Toucan نام فارسی توکان

کوکاتوی تاج زرد

(طوطی بارتا)، *Cacatua sulphurea* گونه دیگر پرنده خریداری شده طوطی کوکاتوی تاج زرد یا طوطی بارتا می باشد. طول این پرنده حدود ۳۳ سانتیمتر می باشد. رنگ اصلی اش سفید، رنگ پرهای روی گوش و

قسمت فوقانی سرش زرد است. دارای حرکات بسیار زیبا می باشد. همچنین در نیمه دوم سال ۱۳۸۲ به دستور مدیر عامل محترم طرح طی مأموریتی که توسط مشاور مدیر عامل باغ و یکی از کارشناسان به شمال کشور انجام شد گونه های دیگری از پرندگان آبچر مانند آبچلیک، خروس کولی، اردک وحشی، چنگر، فلامینگو و همچنین چند نوع قرقاول زیبا و دیدنی دیگر که در باغ موجود نبود خریداری گردید. هم اکنون کار بر روی شرایط نگهداری، تولید مثل و ... پرندگان جدید ادامه دارد. اضافه شدن بیش از ۱۰ گونه پرنده بسیار نادر و ارزشمند در عرض چند ماه در طول تأسیس باغ پرندگان بی سابقه می باشد.

جوجه شتر مرغ

شتر مرغ یکی از جذاب ترین پرندگان است که برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ برای باغ پرندگان خریداری گردید و با توجه به اینکه بالغ شدن این پرنده مدت زمانی (حدوداً ۲ سال) بطول می انجامد، لذا برای اولین بار تخم گذاری این پرنده در سال ۱۳۸۱ آغاز گردید ولی به دلیل کمبود امکانات جهت تکثیر آنها از قبیل دستگاه مخصوص جوجه کشی، متأسفانه تولید جوجه از آنها مقدور نشد تا اینکه در دی ماه سال ۸۲ این عمل با همکاری یک مرکز تکثیر شتر مرغ امکان پذیر گردیده و با استفاده از دستگاه جوجه کشی سه قطعه جوجه شتر مرغ تکثیر و به باغ پرندگان انتقال یافت و تا خریداری دستگاه جوجه کشی مناسب شتر مرغ، این همکاری با مرکز فوق ادامه دارد.

مرغ و خروس لهستانی

این مرغ و خروس ها یکی از زیباترین و جذاب ترین انواع مرغ های زینتی هستند که به وسیله پرهای کاملاً سفید یکدست به صورت کاکل بر روی سرشان و بدن کاملاً سیاهشان جلوه ای خاص دارند. این پرندگان به آسانی قدرت تکثیر دارند و افزایش آنها بر جاذبه باغ افزوده و می تواند منبع مناسبی جهت فروش در بازار نیز باشند چرا که به دلیل زیبایی آنها علاقمندان زیادی دارند.

باغ غدیر

تاریخچه باغ غدیر

از سال ۱۳۶۲ لغایت ۱۳۶۹ فکر احداث مجموعه فرهنگی باغ غدیر از طرف شهرداری بین مسئولین مطرح شد و در اواخر سال ۱۳۶۴ بنا بر پیشنهاد شهرداری اصفهان، طرح بنای یادبود علامه امینی در باغ غدیر به مسابقه گذاشته شد. طرح های اولیه در تاریخ ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴ برای شهرداری اصفهان ارسال گردید. پس از چند ماه کار احداث مجموعه فرهنگی باغ غدیر شروع شد و در سال ۱۳۷۲ مجموعه افتتاح گردید.

بنای یادبود علامه امینی

این بنا به یادبود علامه امینی تأسیس شده و از ارکان این مجموعه محسوب می گردد که شامل موزه یادبود علامه امینی میباشد.

کتابخانه عمومی علامه امینی

با مساحتی به وسعت ۷۵۰ مترمربع و دارای دو سالن مجزا جهت مطالعه خواهران و برادران و در اختیار داشتن بالغ بر ۱۲۰۰۰ جلد کتاب زمینه مساعدی را جهت طالبان علم و دانش فراهم نموده است و به سیستم مکانیزه مجهز می باشد و در این قسمت کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین و کتابخانه کامپیوتری امام علی علیه السلام نیز موجود می باشد.

مجموعه ورزشی باغ غدیر

(سالن ورزش - استخر و دو زمین تنیس) این مجموعه با مساحتی به وسعت ۳۶۸۰ مترمربع دارای یک باب استخر و حمام سونای خشک و بخار، دو زمین تنیس و سالن بدنسازی مجهز آماده ارائه خدمات به خواهران و برادران می باشد.

خانه کودک و نوجوان

این مرکز که وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می باشد علاوه بر ارائه کتاب با تشکیل کلاسهای مختلف هنری و برپایی جشنها، محیطی آموزنده جهت نوجوان مهیا نموده است.

مجموعه سر درب

دارای دو سالن ویژه اجرای نمایش های هنری و امور نمایشگاه و تعدادی کلاس های آموزشی می باشد.

آمار مراجعین مجموعه سالانه تا ۰۰۰/۱۲۰ نفر می رسد که این تعداد شامل استقبال مراجعین اداری، آموزشی مجموعه، شرکت در برنامه های مناسبی، فعالان کانون های مستقر در مجموعه و حضور خانواده جهت تفریح در محوطه آزاد باغ غدیر می باشد.

این مجموعه شامل گالری الغدیر-سالنهای اجتماعات سر در با ظرفیت ۳۰۰ نفر و حوضخانه ساختمان الغدیر با ظرفیت ۲۰۰ نفر نیز می باشد. مراسم های مجموعه نیز شامل: همایش ها، سمینارها، محافل ادبی، گردهمایی ها، مجامع عمومی کانون ها، جشن ها، سوگواره ها و... می باشد.

وسعت فیزیکی مجموعه ۵۷ هکتار می باشد.

باغ گلها

اصفهان، این شهر لاجوردی که چونان نگارستانی دلپذیر، و مرواریدی گرانبها و بی بدیل در مرکز فلات ایران زمین خوش می درخشد، اینک در طلوع راستین دیگری از رونق آبادانی زیباتر و با شکوهتر از دیروز و روزگاران پیشین با پرنیان رنگ در رنگ گلها و فضاهاى سبز و دلاویزی که در هر کوه و برزنش چشم نوازی می کنند، در هم می آمیزد تا زیبایی و شادابی را در فضاهاى شهری مفهومی تازه بخشد. در عصری که «ماشینیسیم» و رشد قارچ گونه صنایع آلاینده، محیط زیست انسان و موجودات زنده را به مخاطره افکنده و آلودگی هوا سر منشأ بسیاری از بیماریهای تنفسی و مرگ و میرهای ناگهانی شده است، و در فصلی از تاریخ که خطرات ناشی از آلودگی هوا و کاهش موحش نازک شدن لایه اوزن نگرانی عموم ملل جهان را برانگیخته است و آینده ای تاریک را برای ابناء بشر به تصویر

می کشاند، نمی توان در چاره اندیشی و یافتن راه برون رفت از مشکلات تعلل ورزید. باید باور کنیم که یک نهضت بزرگ ملی در ایجاد یک محیط سالم شهری می تواند التیام بخش و ضامن سلامتی روح و جسم شهروندان باشد. پس باید دریچه ای به باغ امید گشود و رویش و سخاوت را به نظاره نشست. خوشبختانه از چند سال پیش به این سو، فضاهای سبز شهر اصفهان در پرتو برنامه ریزیها و تلاشهای شهرداری و سازمان پارکها و فضاهای سبز گسترش یافته است، به گونه ای سرانه فضای سبز این شهر به ازای هر شهروند به مرز حدود ۱۳/۵ متر مربع رسیده که در یک مقایسه اجمالی به حداقل استاندارد جهانی یعنی ۱۵ متر مربع نزدیک شده است. این فضاهای سبز که مشتمل بر فضاهای دل انگیز حاشیه زاینده رود و پارکهای محلی و کوهستانی و جنگلی است زیبایی، شادابی و پالایش نسبی هوای شهر اصفهان را باعث گردیده است. باغ بزرگ گلها واسطه عقد پارکهای شهر به شمار می رود. ویژگی و امتیاز منحصر به فرد این باغ را باید در وجوه چندگانه تفریحی، فرهنگی، آموزشی و تحقیقی آن جستجو کرد که امید می رود با جذابیت های چشمگیر خود، استعدادهای توریستی شهر اصفهان را بیش از پیش افزایش دهد و تقویت کند. این طرح به عنوان یکی از طرحهای مهم و بزرگ اصفهان+۲۲ به بهره برداری رسید تا بدینوسیله بر زیبایی ها و مناظر دیدنی این شهر بیفزاید و دانشجویان و دانش پژوهان بتوانند از این مکان استفاده نمایند و اوقات فراغت خود را با گل و گیاه سپری کنند. در طراحی این باغ اقلیم خشک منطقه اصفهان مورد توجه

قرار گرفته و آب به صورت فواره هایی کوتاه جریان می یابد و سرانجام به برکه برخورد می کند، همچنین عناصر و مختصات فرهنگ معماری سنتی اصفهان در بناهای این باغ تبلور عینی یافته است.

معرفی قسمتهای مختلف مجموعه باغ گلها

پاویون ورودی

ساختمانی به ابعاد ۹×۶ و ارتفاع ۶ متر در دو اشکوب است که طبقه همکف آن مشتمل بر دو قسمت شمالی و جنوبی (در سمت شمالی پلکان ساختمان و سمت جنوبی دفتری جهت ارائه بروشور و اطلاعات باغ و نمایش بذر گلها) می باشد. طبقه اول به صورت صافه است، که از این صافه می توان محوطه کلی پارک را نظاره نمود و طبقه دوم که شامل یک سالن است برای ارائه فیلم و اسلاید انواع گیاهان منظور گردیده است.

باغ صخره ای

وسعت این باغ ۲۵۰۰ متر و ارتفاع ۳ متر است و ۲۵۰ گونه گیاهان صخره ای که نمایی از طبیعت را ارائه می نمایند، در این باغ کاشته شده است.

آبشار باغ

این آبشار در سمت شرقی باغ صخره ای قرار دارد و از ارتفاع چهار متری حجم قابل توجهی از آب به داخل برکه ریزش می کند و جریان می یابد. در ساختمان آبشار از انواع سنگهای رودخانه ای استفاده گردیده است تا آبشار کاملاً طبیعی جلوه نماید.

برکه

به منظور تلطیف هوا و پرورش انواع گیاهان آبی، در طرح باغ برکه ای به مساحت حدود ۳۵۰۰ متر مربع در ضلع جنوب شرقی باغ پیش بینی گردیده است.

محوطه مخصوص کودکان

در این محوطه با استفاده از انواع پرچینها طرحی پیش بینی گردیده است که بچه ها بتوانند با گریز و اختفاء ساعتی از وقت خود را در باغ بگذرانند.

محوطه باغ

سطح کلی قطعات باغ چمن کاری و با پیش بینی انواع باغچه ها در طرحهای متنوع استفاده از گلهای فصلی یکساله، دو ساله،

دائمی و درخچه های زینتی ممکن می گردد. در مرکز باغ طرح فرش که یکی از نقشهای اصیل و دیرینه اصفهان است و گل و بوته و ترنج فرش از انواع نشاء گلها استفاده می گردد، معابر باغ که حدود ۵۰۰۰ متر مربع است با نوعی کفپوش (سنگهای گرانی) با طرحهای خاص مفروش گردیده است.

باغ رز

در قسمتی از باغ، باغچه هایی به منظور کشت انواع گل رز در ایران در نظر گرفته شده است.

آمفی تئاتر روباز

در ضلع شرقی باغ گلها، در انتهای محور اصلی به منظور برگزاری نمایشگاههای مختلف و مراسم جشن و سخنرانی، با استفاده از تنه درختان فضایی به شکل آمفی تئاتر پیش بینی شده است که ظرفیت آن حدود ۲۵۰ نفر می باشد.

گلخانه

به منظور پویا بودن باغ گلها، با توجه به شرایط اقلیمی اصفهان و کمبود گل در فصل زمستان، مجموعه گلخانه به مساحت ۷۰۰ متر مربع در ضلع شمال شرق باغ پیش بینی شده است که با فراهم نمودن انواع اقلیم در طول فصل زمستان بازدید کنندگان می توانند نظاره گر انواع گلها باشند.

نرده های اطراف باغ

با توجه به تنوع گلها و گیاهانی که نیاز به مراقبت ویژه دارند، اطراف باغ با نرده های ساده و دیوار سبز انواع پرچین محصور، به گونه ای که ضمن جلوگیری از تردد افراد به صورت دیواره ای سبز محدوده باغ را مشخص سازد.

باغ گیاهانی دارویی و خوراکی

این مجموعه با مساحتی در حدود ۱۱۷۰ متر مربع دارای ۱۳۲ گونه از انواع گیاهان دارویی و خوراکی موجود در مناطق مختلف ایران می باشد که بر اساس یک سری مطالعات، انتخاب و نسبت به کشت آن اقدام شده است. موقعیت این مجموعه در شمال باغ می باشد.

باغ سوزنی برگها

این قسمت دارای انواع درختان سوزنی برگ می باشد که مساحتی بیش از ۲۱۶۶ متر مربع از باغ را به خود اختصاص داده و در منتهی الیه دریاچه واقع گردیده است. تنوع گونه ها در این مجموعه بالغ بر ۸۶ گونه می باشد.

باغ گیاهان پیازی

این مجموعه نیز با انواع گیاهان پیازی شکل گرفته، همچنین سعی شده با استفاده از تعداد قابل توجهی از گونه‌هایی که با شرایط آب و هوایی اصفهان سازگاری دارند، منظره زیبایی به نمایش گذاشته شود. تعداد گونه‌های این مجموعه ۳۸ گونه و مساحت آن بالغ بر ۷۴۰ متر مربع است.

مجموعه گونه‌های زنبق

این مجموعه نیز با مساحتی در حدود ۹۰۰ متر مربع در ضلع شرقی باغ و در کنار آمفی تئاتر با تعداد ۴۶ گونه گیاهی پیش بینی شده است که دارای گونه‌های متعدد زنبق می باشد.

مجموعه پرچینه منظور جداسازی و تفکیک قطعات مختلف از پرچینه‌های متفاوت با گونه مورت، انواع شمشاد، و زرشک استفاده گردیده که طول عملیات اجرایی در این بخش به ۱۵۴۰ متر بالغ می گردد.

مجموعه گونه‌های داوودی

این مجموعه نیز با مساحتی در حدود ۹۰۰ متر مربع در ضلع شرقی باغ با تعداد ۲۶ گونه گیاهی پیش بینی شده است که دارای گونه‌های متعدد از گل‌های داوودی می باشد.

آب نما

معابر اصلی و فرعی با استفاده از آب نماهایی به قطع ۴۰×۸۰ سانتیمتر همراه با فواره‌های متعدد اجرا گردیده که طراوت و زیبایی خاصی به مجموعه بخشیده است. آب مورد استفاده از مرکز باغ به منتهی الیه آب نماها متصل شده و پس از برگشت مجدد به صورت چرخشی جریان می یابد.

به منظور کاهش هزینه کارگری و حداکثر استفاده از آب و همچنین ایجاد محیطی مرطوب، از آبیاری تحت فشار استفاده شده و کلیه سطوحی که امکان آبیاری بارانی در آن وجود دارد، تحت پوشش طرح فوق قرار گرفته است. جهت تأمین نور مناسب و روشنایی باغ در شب از پایه‌های بلند به همراه پروژکتور جهت نورپردازی به روش متمرکز استفاده شده است. همچنین پایه‌های کوتاه با نور ملایم در مسیرهای حرکت پیش بینی گردیده است که فضای زیبایی را در شب ایجاد می نماید. با عنایت به فلسفه وجودی باغ مبنی بر ارائه انواع گلها سازگار با شرایط آب و هوایی اصفهان مجموعاً در قسمت‌های مختلف باغ تعداد ۳۹۵ گونه گیاهی کاشته شده.

مشخصات فنی باغ کله

سنگ گرانیته: ۴۰۰۰ متر مربع، جدول گذاری محوطه باغ: ۴۲۰۰ متر طول (از نوع تیشه ای)، مساحت ساختمان سر درب ورودی: ۱۸۰ متر مربع، محوطه سازی پارکینگ: ۴۳۴۵ متر مربع، جدول گذاری پارکینگ: ۶۰۰ متر طول، کانال سازی با سنگ تیشه ای: ۳۰۰ متر طول، احداث حوضها با سنگ تیشه ای: ۸۰ متر مربع، احداث برکه: ۳۱۷۷ متر مربع (کف برکه از

سنگ ضایعات و بدنه ها از سنگ لاشه ساخته شده است)، کف فرش: ۲۵۰۰ متر مربع، زیر سازی در کل معابر باغ: ۷۴۵۳ متر مربع، محوطه سازی ورودی با سنگ مالون: ۱۵۰۰ متر مربع، بدنه سازی با

سنگ مالون: ۲۵۰ متر مربع، هزینه آزاد سازی: ۱. ۲۰۰. ۰۰۰. ۰۰۰ ریال.

باغ فدک

تاریخچه

این باغ در سال ۱۳۷۵ در قطعه زمینی به وسعت ۸۵ هکتار (۸۵۰۰۰۰ متر مربع) در بخش شمال شرقی اصفهان در بلوار فرزادگان توسط سازمان پارکها و فضای سبز احداث شد. در ابتدا پارک به صورت جنگلی با سیستم آبیاری هیدرانت طراحی شد ولی اخیراً با تغییرات ایجاد شده به صورت یک پارک شهری با سیستم آبیاری قطره ای اداره می شود. تعداد درخت و درختچه موجود حدود ۴۷ هزار اصله شامل کاج تهران، کاج شهری، توت، زبان گنجشک، سرو نقره ای، سرو شیرازی، سرو نوش، افاقیا، ارغوان، نارون، وسک، دادی، به ژاپنی می باشد. سطح چمن کاری شده پارک شامل تپه، تپه چینی و اطراف ساختمان اداری حدود ۱۲۵۰۰ متر مربع است. دریاچه تعبیه شده به وسعت ۵۰۰۰۰۰۰۰ متر مربع در بخش شرقی پارک می باشد. زمین اسباب بازی در دو قسمت پارک (مرکز و غرب پارک) سرویس بهداشتی در دو قسمت مرکز و غرب پارک زمین ورزشی در جنوب غربی پارک ۶۰ عدد آلاچیق ساختمان سالن مطالعه در دست احداث و ساختمان اداری فعالیتهای عمرانی خدماتی رفاهی: احداث خیابان ضلع جنوبی به طول ۱۰۰۰ متر جاده به طول ۱۰۰۰ متر-عرض ۱۰ متر ساخت و ایجاد مجموعه ورزشی باغ فدک در ضلع جنوبی-شامل ۵ قطعه زمین ورزشی دارای سرویس بهداشتی و رختکن-زمین هندبال یا فوتبال گل کوچک، زمین بسکتبال، زمین والیبال، زمین بدمینتون، احداث یک باب ساختمان مطالعه (سالن پارک) در دو طبقه با زیربنای ۷۰۰ متر مربع جهت خواهران و برادران-احداث زمین اسکیت استاندارد با وسعت ۱۲۰۰ متر مربع-احداث

و تکمیل پارکینگ اصلی ضلع شمالی با چهار باند آسفالته به طول هر یک ۴۰۰ مترمربع و پارکینگ مجزا برای اتوبوس و کامیون ها.

زاینده رود و مادیهای آن

خلاصه

پل های زاینده رود، وجه تسمیه زاینده رود، چشمه های اصفهان، انشعابات زاینده رود، تالاب گاوخونی، سهم بندی آب زاینده رود، پارکها و فضاهای سبز اصفهان، زاینده رود در شعر شاعران

زاینده رود

زاینده رود یکی از بزرگترین رودخانه های ایران است که در مرکز کشور، یعنی استان اصفهان، از مغرب به مشرق جریان دارد. این رودخانه مَصفا، رگ حیاتی و عامل اصلی سرسبزی و حاصلخیزی اصفهان محسوب می شود. سرچشمه این رودخانه، دامنه های زرد کوه بختیاری است که در حد فاصل بین اصفهان و لرستان قرار دارد. سرچشمه زاینده رود به شکل حوضی مدور با مساحتی در حدود سیصد زرع می باشد که به «چشمه جانان» معروف است. چشمه مذکور در این ناحیه می جوشد و به طرف مشرق سرازیر می شود. پس از طی سه فرسنگ، به چشمه دیگری به نام «چهل چشمه» می رسد. همچنین از سمت شمال این منطقه، یعنی ناحیه فریدن، دو چشمه بزرگ دیگر به نام «خُرسنگ» و «کودنگ» به جانانه رود ملحق می شود. انشعاب دیگری نیز به نام زرین رود از طرف جنوب یعنی چهارمحال به این رودخانه اضافه می شود. منبع اصلی انشعاب اخیر زیر کوهی قرار دارد که زردکوه نامیده می شود. مافروخی در کتاب محاسن اصفهان نوشته است: ایل چهار لنگ در کنار رودخانه خُرسنگ و کودنگ و ایل هفت لنگ در کنار رودخانه زرین رود زندگی می کرده اند. در کنار و اطراف جانانه رود هم، آبادیها و جمعیت هایی وجود داشته که بر اثر کش مکش های قومی، به ویرانی کشانده و تبدیل به محل کشت و زرع شده اند. اکثر کوههای این منطقه برف گیر است. دو چشمه دیگر نیز در این حوالی وجود دارد، که یکی از آنها نمکین و شور است و حتی از آن نمک سفید و لطیفی

استخراج می کنند. اما چشمه دیگر دارای آب شیرین است و با آن زراعت می نمایند. عظمت رودخانه زاینده رود پس از الحاق آب کوه‌رنگ به آن، مشخص می شود. در حقیقت سرچشمه اصلی زاینده رود، کوه‌رنگ است که باعث می شود در فصول مختلف رودخانه زاینده رود پر آب و با برکت باشد. اتصال آب کوه‌رنگ را به زاینده رود، به زمان صفوی و شاه طهماسب نسبت می دهند. اسکندریک در عالم آرای عباسی می نویسد: شاه طهماسب به میر فضل الله شهرستانی حاکم آن نواحی دستور داد تا چشمه محمودی (چشمه کوه‌رنگ) را که آب آن به طرف خوزستان هدر می رفته، به زاینده رود متصل نماید. اما به رغم انجام مقدمات کار و تلاش فراوان، وجود کوهی عظیم در حد فاصل بین این دو رود، همچنین وجود معادن گوگرد در آن کوه که باعث خفگی می شد و عده ای از کارگران را به هلاکت رساند، این کار پس از صرف هزینه های سنگین متوقف گردید. در سال ۱۰۲۷ شاه عباس، مجبلی بیگ را جهت انجام این کار به کوه‌رنگ فرستاد، اما او هم کاری از پیش نبرد. سپس شاه عباس، امام قلیخان بیگلریگی فارس و حسین خان حاکم لرستان را مأموریت داد، آنها نیز ناموفق بودند. سرانجام شاه عباس شخصاً اقدام نمود، و به طرف سرچشمه زاینده رود حرکت کرد ولی اجل او را مهلت نداد. در زمان شاه عباس دوم نیز اقداماتی اساسی و جدی انجام گردید. حتی از مهندسیین فرانسوی دعوت به عمل آمد، اما آنها نیز توفیقی نیافتند، زیرا کار سنگین و مخارج آن زیاد و بیشتر سال، هوای آنجا سرد و یخ بندان بود. عاقبت در هفتم مهرماه سال ۱۳۲۷ شمسی مقدمات حفر تونل کوه‌رنگ

آغاز و در ۲۴ مهرماه سال ۱۳۳۲ شمسی تونل مزبور افتتاح و آب کوهرننگ به زاینده رود هدایت گردید. تونل کوهرننگ در ارتفاع ۲۷۰۰ متری کوه تعبیه گردیده. طول آن ۲۸۳۵ متر و قطر آن ۱۱ متر مربع می باشد. این تونل به وسیله دریچه هایی باز و بسته می شود. عرض تونل ۷۵ / ۲ متر و ارتفاع آن ۵ / ۲ متر است. آب رودخانه زاینده رود پس از عبور از تونل مذکور هزاران هکتار زمین را مشروب کرده، پس از پیمودن ۳۶۰ کیلومتر از راههای پریپچ و خم و سرسبز و حاصلخیز، در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان به باتلاق گاوخونی می ریزد. یکی دیگر از سرچشمه های معروف زاینده رود، «چشمه دیمه» است که از نظر شرب و املاح، دارای سالم ترین و عالیترین نوع آب در جهان است. این چشمه در روستای دیمه نزدیک فارسان و پایین کوه، در سطح زمین قرار گرفته است که آب آن در طول سال به طور یکنواخت از زمین می جوشد. در سالهای اخیر املاح معدنی آب این چشمه در آزمایشگاههای معتبری مورد آزمایش قرار گرفته و به دنبال تأیید کیفیت عالی آن، کارخانه ای بزرگ احداث شده است تا آب این چشمه با بسته بندی بهداشتی. به کشورهای جهان صادر شود. این رودخانه در کتب تاریخ و جغرافیا به نام های زاینده رود، زنده رود، زندرود، زرین رود، زرینه رود، زن رود و زندک رود آمده است، زیرا آب آن در طول مسیر زایش کرده، تزاید می یابد. و به همین مناسبت زاینده رود نامیده شده است. بعضی نیز آن را عامل سلامتی و زنده بودن می دانستند و نام زنده رود بر آن نهاده اند ماه فروخی در کتاب محاسن اصفهان می نویسد:

موقعی که عضدالدوله

برای دیدار پدر و برادرانش به اصفهان آمد، از آب رودخانه فرات برای نوشیدن با خود آورده بود، وقتی آب گوارای زاینده رود را چشید، دستور داد آبهای فرات را ریختند و گفت: «با وجود زنده رود، فرات، شرب را نشاید.» از این رودخانه، جهت مشروب ساختن باغها و عمارتها و کشتزارهای داخلی اصفهان، پنج شاخه بزرگ، جدا شده که در گویش اصفهان به آنها «مادی» می گویند. این مادیها به ترتیب زیر وارد اصفهان می شوند: ۱-جوی شاه: که آب آن مخصوص عمارتهای سلطنتی بوده و نصف مادی فرشادی آب داشته است. ۲-مادی نیاصرم: این مادی که از بزرگترین مادیهای اصفهان است از کنار پل مارنان از رود جدا شده، از جنب محله لنبان می گذرد به طرف شرق اصفهان جریان می یابد. این مادی، به هنگام پرآبی، دویست سنگ آب دارد. ۳-مادی فرشادی: این مادی بالاتر از مادی نیاصرم از رودخانه جدا شده، محله های چهارسو و شمس آباد را مشروب می سازد و سپس از محله خواجه می گذرد و آب آن به یک چهارم آب مادی نیاصرم می باشد. ۴-مادی فدن: آب این مادی را سلاطین صفویه وقف سلامتی خود کرده بودند. این مادی بالاتر از سه مادی دیگر قرار داشت و به دروازه دولت می رفت. سپس در آنجا به شعبات کوچکی تقسیم می شد. ۵-مادی تیران یا طهران: این مادی از مغرب شهر گذشته، به محله بیدآباد و چهارسوق شیرازی ها می رسید. سایر مادیهای بزرگ شهر اصفهان عبارت اند از ناجوان، نایج، شایج، قمش، و عبدالله خان. بطور کلی از سرچشمه زاینده رود تا گاوخونی ۱۵۴ مادی و نهر از این رودخانه جدا می شود. شاید کلمه مادی مربوط به زمان مادها باشد به علت آنکه آب را

از چاهها به صورت قنات به روی زمین آورده و جاری می ساختند. استفاده و برداشت از آب زاینده رود در زمانی که استفاده زراعی ندارد، آزاد است ولی در زمان نیاز و کم آبی، به صورت سهم بندی تقسیم می شود که اشتراک آن برای بلوک های ششگانه به روش طومار شیخ بهایی شامل ۳۳ سهم به شرح زیر است: ۱- بلوک لنجان: شش سهم ۲- بلوک لنجان: چهار سهم ۳- بلوک ماریین: چهار سهم ۴- بلوک جی: شش سهم ۵- بلوک کراج: سه سهم ۶- بلوک رودشین / براآن: ده سهم. در طومار دیگری که به شیخ بهایی نسبت داده می شود، تقسیمات جزئی دیگری نیز وجود دارد. اما انتساب این طومار به شیخ بهایی صحیح به نظر نمی رسد، چون تقسیم نامه آب زاینده رود به فرمان شاه طهماسب صفوی است که سواد آن در مالیه اصفهان موجود و مربوط به سال ۹۲۳ هجری است، بنابراین طومار اخیر را به میر فضل الله شهرستانی نسبت می دهند که گویا فقط به تأیید شیخ بهایی رسید و تغییراتی جزئی در آن انجام داده است. این رودخانه زیبا و مصفا همواره الهام بخش شاعران خوش ذوق ایران بوده است. شاعران تحت تأثیر زیبایی ها و سواحل فرحبخش زاینده رود، آن را بهشت ثانی دانسته و اشعار نغز و دلکشی در توصیف این رودخانه و لطافت و گواریی آب آن سروده اند که از آن جمله اند: حافظ شیرازی شاعر زیبا پرست و ستایشگر آب رکن آباد، در وصف زاینده رود و محله باغ کاران چنین سروده است:

روز وصل دوستداران یاد باد

یاد باد آن روزگاران یاد باد /

کامم از تلخی غم چون زهر گشت

بانگ نوش شاد خواران یاد باد /

مبتلا گشتم در این بند و بلا

کوشش آن حق گزاران

یاد باد/

گرچه صد رود است از چشم روان

زنده رود و باغ کاران یاد باد/

در جای دیگر نیز می گوید: «اگر چه زنده رود آب حیات است» و در مصراع دوم تحت تأثیر شهر و دیار به وصف شیراز پرداخته و می گوید: «ولی شیراز ما از اصفهان به!»

و باز در جای دیگر چنین گفته است:

خرد، در زنده رود انداز و می نوش

به گلبانگ جوانان عراقی/

حسین ابن محمد ابن ابی الرضا آوی مترجم کتاب «محاسن اصفهان» چنین سروده است:

مرا هوای تماشای باغ کاران است

که پیش اهل خرد بهترین کار آن است/

برای جرعه آب حیاتش اسکندر

چه سالهاست که سرگشته و پریشان است/

و در جای دیگر:

لب زنده رود و نسیم بهار رخ دلستان و می خوشگوار

چنان بیخ انده ز دل بر کند که بیخ ستم، خنجر شهریار/

خاقانی شروانی، قصیده سرای توانا چنین سروده است:

رودی ست که کوثرش عدیل است آبش سلسال و سلسبیل است

که سیمگری نماید آبش گه شیشه گری کند حبابش/

آبش بدَلِ گلاب دانند زود دردسر سران نشانند

از شربت او کنند حاصل مستسقی را شفای عاجل /

* استاد سعدالدین سعید هروی، زاینده رود و سواحل آن را چنین وصف نموده است: آب حیوان است گویی پیش بستان ارم
زنده رود است آن که دارد باغ کاران در کنار

* صدرالدین عبدالطیف خجندی، زاینده رود را با نامی دیگر چنین ستوده است: ای چو سیم مذاب زرین رود اصفهان پر نوا
شده ز تو رود*** در لقای تو داشت خضر برات آب گشته ز شرم تو است فرات

* شاعر دیگری نیز اینگونه سروده:

چو می خوشگوار است زاینده رودت

از این روست آب رزان دوست دارم /

اگر بخواهیم شعر شاعرانی را که در وصف زاینده رود سروده شده جمع آوری کنیم،

کتابی جداگانه خواهد شد. خوشبختانه در دهه اخیر به دنبال زیباسازی اصفهان و بنابر طرحهای نوین شهرسازی، رودخانه لای روبی و سواحل آن مرمت شده اند و با احداث فواره ها، ایستگاههای قایقرانی و خیابان کشی ها و جدول بندی و پله های سنگی، پارکهای ساحلی پر گل و چمن و زمینهای بازی و ورزش برای کودکان و بزرگسالان، سواحل زاینده رود به زیباترین گردشگاه های جهان تبدیل شده است و به هنگام جشن نوروز باستانی، میهمانان نوروزی از سواحل زیبای زاینده رود دیدن می کنند که معمولاً به همین مناسبت، قسمتی از دریچه های سد کوهرنگ باز می شود تا رودخانه زیبای زاینده رود پر آب تر و دلنشین تر جلوه نماید.

پ: زاینده رود پس از پیمودن مسیر ۳۶۰ کیلومتری خود، از میان کوهها، دره ها، دشتهای، باغها، بیشه ها و کشتزاران می گذرد و سرانجام با پیچ و خمهای زیبا، اصفهان را به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم می نماید. زاینده رود زمانی خروشان و غرّان، گاهی آرام و خرامان در بستر خود می لغزد، کشتزارها و درختهای مسیر خود را سیراب می کند تا به آرامگاه خود - تالاب گاوخونی - برسد. در این مسافت طولانی، از دیرزمان جهت ارتباط شمال با جنوب رودخانه، پل هایی زده شده که قدمت بعضی از آنها، به اندازه قدمت اصفهان است. از جمله، پل شهرستان یکی از کهن ترین پل های زاینده رود است. اکنون به طور اختصار به شرح بعضی از پل هایی می پردازیم که در طول مسیر غربی - شرقی زاینده رود بر روی آن احداث شده اند و از دیرباز تا زمان حاضر پابرجا هستند.

پلهای احداث شده بر روی زاینده رود

۱- پل ده کرم سفلی: این پل از پل های قدیمی زاینده رود است که در نزدیکی سد کوهرنگ قرار دارد. ۲- پل وَرگان: این پل نیز در

نزدیکی دو روستای بُن شور و نار سفلی قرار دارد و غیر از پل فلاورجان می باشد. ۳- پل هوره یا سوادجان: نظر به اینکه این پل مجاور دهکده هوره قرار گرفته پل هوره نامیده می شود. ۴- پل ایسی سو: این پل که نسبتاً جدید می باشد، در مجاورت سد شاه عباس ساخته شده و طول آن ۸۰ متر است. ۵- پل زمان خان: این پل قدیمی، دارای دو دهانه و ۳۰ متر طول است که به پل سامان نیز شهرت دارد. ۶- پل باغ بهادران: در شهر کوچک اما بسیار زیبا و حاصلخیز و پر برکت باغ بهادران قرار دارد و طول آن ۶۰ متر می باشد. ۷- پل کله: این پل قدیمی و معروف چندین بار بازسازی شده است. مردم اصفهان و نقاط دیگر برای گردش و تفریح کنار آن می روند. این پل بین روستای مدیسه و نوگوران واقع شده، ۹۸ متر طول دارد که قبلاً راه عبور اصفهان به شهرکرد بوده است. ۸- پل سر: این پل در سالهای اخیر در کنار پل کله ساخته شده که جاده اصفهان به چهارمحال و بختیاری و خوزستان از آن می گذرد. پل سر نزدیک سیصد متر طول و یکصد متر ارتفاع دارد و یکی از بزرگترین پل های استان محسوب می شود. ۹- پل ریز لنجان: یکی از پل های معمولی روی زاینده رود است که در روستای ریز زرین شهر قرار دارد. ۱۰- پل دیزیچه: از پل های نسبتاً جدید که در محل دیزیچه جهت کارخانه سیمان سپاهان ساخته شده است. ۱۱- پل بابا محمود: این پل قدیمی است و قدمت آن به زمان مغول می رسد. محل آن را فیروزان می گفتند. طول این پل ۱۵۲ متر می باشد. ۱۲- پل راه آهن: از پل های نسبتاً

جدید است که به سال ۱۳۴۸ شمسی در مجاور کوه قلعه بزی ساخته شد. ۱۳-پل باغشاه: این پل در محل مزرعه باغشاه صفی آباد احداث گردیده است و ۱۴۰ متر طول دارد. ۱۴-پل فلاورجان: از پل های قدیمی زاینده رود است که در روستای ورگان قرار دارد. ۱۵-پل درچه: این پل ابتدا مال رو بوده ولی اخیراً پل دیگری در کنار آن به صورت بتون مسلح ساخته شده که ماشین رو می باشد. طول این پل ۹۵ متر است. ۱۶-پل وحید: نخستین پلی که زاینده رود پس از وارد شدن به اصفهان از زیر آن می گذرد پل وحید است. این پل معظم سابقه چندانی ندارد اما از پلهای مستحکم و پر رفت و آمد غرب اصفهان است که به عنوان پل کمربندی عمل می کند و محل عبور خودروهای سنگین و کامیون هایی است که از شمال ایران به جنوب حرکت می کنند. این پل حدود ۱۳۰ متر طول و ۲۲ متر عرض دارد. ۱۷-پل مارنان: این پل در کنار شهر، در مغرب اصفهان و پس از پل وحید قرار دارد که چون به قریه مارنان وصل می شود به این نام شهرت یافته است. مارنان متصل به جلفا - محله ارمنی های اصفهان - می باشد. نام این پل در قدیم پل سرافراز بوده که به دست یکی از ثروتمندان ارامنه جلفا در زمان صفویه ساخته شده و دارای هفده چشمه است. پس از انقلاب چند چشمه آن بر اثر سیل و طغیان رود خراب شد که به دنبال دستور مخصوص نخست وزیر وقت و به وسیله شهرداری به نحو مطلوبی مرمت گردید. طول این پل ۱۶۰ متر است و گردشگاه های زیبایی در

کنار آن قرار دارد. ۱۸-پل فلزی: این پل بسیار محکم است و از خروارها آهن ساخته شده است. پل فلزی تقریباً در وسط اصفهان کنونی است و خیابان دکتر بهشتی را به خیابان حکیم نظامی متصل می نماید و راه عبور اکثر کامیونها و اتوبوسهای بین شهری می باشد. این پل در سال ۱۳۳۸ شمسی ساخته شده و در اطراف آن پارکهای بسیار زیبایی احداث گردیده است. طول این پل ۱۳۶ متر است. ۱۹-پل ابوذر: این پل بزرگ چند سال بعد از پل فلزی ساخته شده که از نظر استحکام نیز قابل توجه است. اما ارتفاع آن از سطح آب نسبت به پل های مشابه بسیار کم است. این پل خیابان آذر را به خیابان نظر و جلفا متصل می سازد. ۲۰-پل سی و سه پل: این پل از بناهای تاریخی و معروف اصفهان و درست در مرکز شهر قرار گرفته است که خیابان چهار باغ عباسی را به چهارباغ بالا متصل می کند. این پل به نامهای پل چهار باغ، سی و سه پل و پل اله وردیخان نیز شهرت دارد سی و سه پل طولانی ترین پل زاینده رود است و دارای ۳۰۰ متر طول و سی و سه چشمه است. این پل در قدیم، چهل چشمه داشته است. جشن سنتی آب ریزان ایرانیان در کنار این پل باستانی انجام می گرفت که طی جشن پل را آذین بندی و چراغانی می نمودند و اهالی اصفهان، شاه و شخصیتهای لشکری و کشوری در آن حضور می یافتند. یکی از شاعران این جشن را چنین توصیف نموده است:

چو هر سال روز نخستین مهر برافروزد ***از برج خرچنگ مهر/بود آب پاشان به رسم عجم ***که کسری

شگون کرده بوده است و جم/در آن روز در چارباغ ازدحام نمودند***بیش از شمر خاص و عام/ز بس ریختند آب بر یکدگر*** جهان گشت تا ماهی و ماه تر

این پل به دستور شاه عباس اول و به دست اله وردیخان، سپهسالار ارتش در سال ۱۰۱۱ هجری ساخته شده است. ۲۱-پل فردوسی: این پل در بلوار آینه خانه و بین پل چهارباغ و پل جویی (پل سعادت آباد) واقع شده است. این پل مستحکم، شمال و جنوب اصفهان را در یک منطقه زیبا به هم متصل می نماید. نظر به اینکه عبور و سایط نقلیه از پلهای چهارباغ و جویی و خواجو ممنوع است، این پل مهمترین وسیله ارتباط دو جانب رود و شلوغترین محل آمد و رفت خودروهاست. این پل عریض و طویل چندان قدیمی نیست و با اصول فنی ساخته شده است. ۲۲-پل جویی: این پل محاذی عمارت هفت دست و در حد غربی باغ سعادت آباد قرار داشته است که چون جوی آبی بر روی آن ساخته بودند به این نام معروف شده است. این پل، اختصاصی بوده و عمارت هفت دست را به باغ سعادت آباد وصل می نموده است. پل جویی به رغم عرض کم و طول زیاد، بسیار محکم ساخته شده و با وجود قدمت چند صد ساله، از حوادث مصون مانده است. تاریخ دقیق بنا و نام سازنده این پل مشخص نیست، شاید مربوط به زمان شاه عباس دوم باشد. نام پل جویی در تلفظ اهالی به پل چوبی تبدیل شده است. ۳۳-پل خواجو: این پل یکی از زیباترین بناهای تاریخی و ارزشمندترین آثار هنری و معماری عهد صفویه در اصفهان و ایران

است. پل خواجه در انتهای شرقی خیابان، محل تلاقی خیابانهای کمال اسماعیل، مشتاق و چهارباغ خواجه قرار دارد و به نام های پل خواجه، پل حسن بیگ، پل بابارکن و پل گبرها معروف بوده است. تاورنیه سیاح معروف در مورد آن نوشته است: «رودخانه زاینده رود در هیچ کجا، بستری به این زیبایی ندارد». این پل شامل چهار طبقه و از حیث معماری و استحکام بی نظیر است. نقاشیها و طلاکاری های زیبای این پل از زمان صفویه تاکنون هنوز چشمگیر است. پل خواجه در سال ۱۰۶۰ هجری به دستور شاه عباس دوم بنا شده و در سال ۱۰۶۸، سدی برای آن پل ساخته شد تا با تجمع آب روی رودخانه قایقرانی کنند. برای این منظور تخته هایی جلو چشمه های پل قرار می دادند تا آب پشت پل بالا بیاید، و قایق های تفریحی روی آن حرکت نموده و مردم به تفریح و تماشا پردازند. شاه عباس که به چراغانی و جشن و پایکوبی علاقه خاصی داشت، این محل را برای جشنها و چراغانی انتخاب می کرده و پل را آذین بندی نموده، هر غرفه آن را جهت زینت و چراغانی بین علاقمندان صاحب سلیقه تقسیم می کرد. آنها نیز با رقابت و چشم و هم چشمی در تزئین و چراغانی از هم سبقت می گرفتند. یکی از شاعران در وصف زیبایی این پل چنین سروده است: گشت در عهد پادشاه زمان جنتی بر پل صراط عیان صائب تبریزی شاعر بزرگ و توانای اصفهان که در این جشنها شرکت داشته چراغانی را چنین توصیف کرده:

اصفهان، یک دل، روشن ز چراغان شده است

پل ز آراستگی تخت سلیمان شده است /

می دهد یاد سر پل ز خیابان بهشت

شمع

و گل چهره حور است که تابان شده است /

زنده رود از کف مستانه که بر لب دارد

جوی شیری است که در خلد، خرامان شده است /

خون خود می خورد و خاک به لب می مالد

زاهد از توبه خود بسکه پشیمان شده است /

چشم بد دور از این عهد که هر چشمه پل

زندگی بخش، چو سرچشمه حیوان شده است /

گفتنی است که قبل از احداث این پل، در محل آن پل کوچکی وجود داشته است. ۲۴- پل بزرگمهر: این پل عریض و طویل و پر رفت و آمد در شرق اصفهان قرار دارد و از پل های مهم زاینده رود به شمار می رود. طول پل حدود ۱۳۰ متر و عرض آن ۱۶ متر است. این پل مانند پل های وحید، فلزی، ابوذر و فردوسی قبل از انقلاب ساخته شده است. ۲۵- پل شهرستان: این پل که جزء بناهای تاریخی و مشهور اصفهان است در سه کیلومتری شرق اصفهان و در ناحیه جی، از نواحی اصفهان قدیم، قرار دارد. بعضی از مورخین و باستان شناسان اساس و بنیاد این پل را به زمان ساسانیان نسبت داده اند. پل شهرستان در دوران دیلمیان و سلجوقیان تنها پل مهم زاینده رود در داخل اصفهان بوده است. در دو دوره مذکور و دوران های بعد تعمیراتی در آن به عمل آمده است. این پل در کمال استحکام ساخته شده است و نظر به نزدیکی به قریه شهرستان به این نام شهرت دارد. پل های مشابه و همزمان آن، پل دزفول و پل شوشتر می باشد که از عهد ساسانی بر جای مانده اند. ۲۶- پل چوم: این پل در فاصله شش کیلومتری شرق پل خواجو و مقابل قریه چوم قرار دارد. طول آن ۱۱۶ متر است. ۲۷- پل سروش

فادران: این پل نیز بعد از پل چوم و در شرق اصفهان در جوار قصبه ای به همین نام قرار گرفته است. ۲۸-پل ورزنه: در منتهی الیه شرقی رودخانه و در جوار ورزنه، از بلوک رودشت اصفهان، قرار دارد. از پل های دیگر زاینده رود: پل اژی، پل فارغان، پل پلان، پل ورغان و پل دشتی را میتوان نام برد. بعضی از پلهایی که نام برده شده، به علت تغییر مسیر رودخانه و یا احداث پل جدیدی در حوالی آن، ویران شده یا از اعتبار افتاده است. اصفهان به علت موقعیت جغرافیایی و وجود رودخانه زاینده رود و کوههای اطراف و همچنین نقاط برف گیر. دارای چشمه های متعدّد و مختلفی است، ولی وجود چاههای آب و قنوات، بسیاری از آن چشمه ها را خشکانیده است. بیشتر چشمه های اصفهان در اطراف کوههای برف گیر بختیاری است که آب بعضی از آنها از نظر املاح معدنی از گواراترین نوع آب جهان به شمار می رود، مانند: آب چشمه دیمه که در نزدیکی روستای فارسان بختیاری قرار دارد و شرح آن گذشت و همچنین بسیاری از چشمه های پر آب دیگر از این جمله اند. بعد از چشمه های بختیاری و اطراف مسیر زاینده رود چشمه های دامنه کوههای اطراف اصفهان مانند صفه، کلاه غازی، شاه کوه و سید محمد قابل توجه است. علاوه بر اینها در مرکز اصفهان هم چشمه هایی وجود دارد که به اختصار به شرح آنها می پردازیم:

چشمه های اصفهان

چشمه هفتون: این چشمه در خیابان مدرّس و در نزدیک ایستگاه سرچشمه قرار دارد. عرض بستر این چشمه به ۱۵ تا ۱۸ متر می رسد و پس از گذشتن از پل طوقچی و خیابان سروش، پس از چند کیلومتر به هفتون

می رسد. چشمه خوراسگان: که از دو منبع سرچشمه می گیرد، یکی در محل باغ مراد که چشمه ای است قدیمی و در زمان دیالمه به صورت خندق، قلعه تبرک را احاطه کرده بود، چشمه دوم، در پا قلعه، در محوطه ای بیضی شکل به عرض ۷ متر می باشد که پس از طی مسافتی حدود نیم کیلومتر به مسیر چشمه اول می رسد و هر دو چشمه، مجموعاً چشمه باقرخان را تشکیل می دهند. این چشمه پس از پیمودن مسافتی، به خیابان بزرگمهر می رسد. این چشمه از بزرگترین چشمه های اصفهان به شمار می آید. چشمه راهروان: این چشمه در ضلع جنوبی خیابان احمدآباد و در محله قدیمی باغ مراد واقع است. عرض این چشمه ۹ متر است و در ۳۰ متری سرچشمه خوراسگان قرار دارد. آب آن پس از گذشتن از خیابان سروش به ((راهروان)) می رسد. چشمه های کوه صفا ۱- چشمه نی واقع در کوه گیرها ۲- چشمه نی مقابل حسن آباد ۳- چشمه قطار واقع در زرده پران ۴- چشمه خاجیک واقع در قلب کوه ۵- چشمه گل زر نزدیک فرح آباد ۶- چشمه علی واقع در گردنه باد ۷- چشمه لنگ واقع در تخت رستم ۸- چشمه درویش واقع در دامنه کوه. چشمه های شاه کوه ۱- چشمه تونی ۲- چشمه لاتاریک ۳- چشمه بابا عبدالله ۴- چشمه سنجد ۵- چشمه روچهار. چشمه های کوه کلاه قاضی ۱- چشمه بخش علی ۲- چشمه لاگرا ۳- چشمه آب بید ۴- چشمه قدبریده ۵- چشمه تونی ۶- چشمه صادق یا چشمه آب گل. علاوه بر آنچه گفته شد در حوالی سده و نجف آباد و اردستان نیز چشمه های زیادی وجود دارد. همچنین در روستای بزرگ چرمهین، چشمه و آبشار «شاه لرها» یا به لفظ محلی «شالورا» شهرت بسیار داشته و گردشگاه بسیار زیبا و

مصفايي به شمار مي آيد. در فاصله ۱۴۰ كيلومتری شرق اصفهان باتلاق بزرگ و مشهوری به نام تالاب گاوخونی وجود دارد. رودخانه زاینده رود پس از پیمودن فرسنگها راه و مشروب کردن وارد تالاب شده و فرو می رود. تالاب گاوخونی در ۲۳ كيلومتری پل ورزنه و در شمال شرقی جرقویه و جنوب غربی شهرستان نائین و غرب منطقه ندوشن از استان یزد و شمال اراضی متعدد غربی کویر ابرقو و شرق دهستان رودشین واقع شده است. تالاب شبیه گلابی است که به سمت جنوب کشیده شده است. در وسیع ترین نقطه، عرض آن حدود ۴۵ كيلومتر و طول آن ۲۵ كيلومتر است. اطراف تالاب گاوخونی خشک و تا دهها كيلومتر عاری از سکنه است. این تالاب نمکزار، در وسط، گودالی دارد که تاکنون خشک نشده و هنگام وزش باد و طوفان امواجی به ارتفاع بیش از یک متر از آن بر می خیزد و در پهنه وسیعی از نمکزار پخش می شود. اطراف این تالاب شزار است و در آن گیاهانی مناسب آن اراضی، مانند: کز شور، طاق، غان، چوبک و غیره می روید. این باتلاق به علت شوری زمین و استخراج نمک شکار دریایی ندارد ولی در اطراف آن گورخر، آهو، گرگ و شغال و بعضی از پرندگان یافت می شود. تالاب گاوخونی در کتابهای قدیم به نام های: گاوخونی، گاوخانی و گاوخانه نیز آمده که از دو جزء «گاو» به معنای بزرگ و «خانی» به معنای چاه و چشمه، تشکیل شده است. مقدار آبی که در زمستان به این تالاب می رسد چند برابر تابستان است. بعضی اعتقاد دارند که آبهای فرو رفته در این باتلاق، در حوالی رفسنجان و کرمان

از زمین بالا آمده و جاری می گردد. ولی دانشمندان علم جغرافیا از نظر پستی و بلندی زمین، منکر آن بوده و معتقدند آبی که در تالاب فرو رفته یا در نقاط بسیار دور از زمین بالا می آید و یا در کویر ابرقو ظاهر می شود. زیرا با حفر چاههای عمیق در اطراف آن، از آبهای تحت الارضی خبری نبوده است. بعضی معتقدند بهرام گور که علاقه خاصی به شکار، بخصوص شکار گورخر داشته در این مکان گرفتار گور شده است. چنانکه حکیم عمر خیام نیشابوری سروده است: بهرام که گور می گرفتنی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت اصفهان که در منطقه مرکزی ایران و نزدیک کویر قرار گرفته از برکت رودخانه زاینده رود، یکی از سرسبزترین شهرهای ایران است. بلوکات و قصبات حاشیه زاینده رود، پیوسته از درختان سر به فلک کشیده چنار و کبوده و تبریزی و غیره مستور بوده و بیشه ها و محیطهای زیبایی جهت گردش و تفریح در کنار آبهای خروشان زاینده رود وجود داشته و جمع کثیری از اهالی این شهر و مسافران و سیاحان در آنجا به تفریح و استراحت و شنا می پرداختند. اما بر اثر مرور زمان و احداث خیابانها و ساختمانها و وسعت شهر، بسیاری از این درختان کهن به وسیله طماعان کج اندیش، به دست ارّه و تیشه و تبر سپرده شد. این بیشه های سرسبز که پوشیده از درختان کهن و سر به فلک کشیده بود عبارتند از: بیشه جعفرآباد، بیشه سمرقند، بیشه نازوان، بیشه صاحبان، بیشه حبیب، بیشه خلیفه، بیشه صالح آباد و بیشه تاریکی. خوشبختانه در دو سه دهه اخیر دولت و شهرداری، دوراندیشی نموده و جهت جلوگیری از سموم

ناشی از تمدن ماشینی با احداث پارکها و فضای سبز و ممانعت از ریختن فاضلاب کارخانه ها به زاینده رود، جلوگیری از آلودگی آب و هوا را گرفته اند، همچنین میدانهای ورزشی و چمن کاری و گل کاریهای وسیعی در نقاط مختلف شهر، از جمله در ساحل زاینده رود احداث گردیده و گردشگاه های سالمی برای خانواده ها و جوانان به وجود آمده است. از طرف دیگر سازمان بین المللی یونسکو که حافظ بناها و آثار تاریخی مهم دنیاست، اصفهان را در زمره یکی از ده شهر زیبای جهان دانسته است، و پیوسته سعی در حفظ آثار کهن و مرمت و زیباتر ساختن آن دارد.

کوه صفه

تاریخچه

مجموعه ارتفاعات کوه صفه با بلندترین نقطه ارتفاع ۲۲۵۷ متر در جنوب غربی اصفهان واقع است. این کوه از شمال به جاده کمربندی از غرب به کوههای تخت رستم و دره خان از شرق به شهرک ها و مجتمع های مسکونی و از جنوب به سپاهان شهر و راه آهن منتهی می شود. در دامنه کوه صفه، چشمه ای به نام «چشمه درویش» و دویست متر بالاتر از آن «چشمه گل زرد» قرار دارد. چشمه دوم در نقطه ای صعب العبور قرار گرفته و رسیدن به آن دشوار است. کوه صفه از محل چشمه درویش که سنگ کوه از خاک جدا گشته و دامنه کوه محسوب می شود در سمت غرب، به فضای سنگی مسطحی (صفه) منتهی می گردد که کوه به همین جهت «صفه» نامیده شده است. قبلاً در این محل چهار طاقی هایی ساخته بودند که چشمه های آب و درختهای چنار چشم انداز مصفایی به آن می داده است. در آن حوالی سنگاب بزرگی نیز بود که آب سرد آن از برفاب های

قله تأمین می شد. بالاتر از این محل، با عبور از چند پیچ و خم، قله کوه نمودار می شود. در سمت چپ کوه یک سلسله تپه های کوچک و بزرگ به نام هزار دره قرار گرفته که جاده شیراز از وسط آن می گذرد. این تپه ها دارای خاک سرخ است که جهت زینت و رنگ آمیزی ساختمانها به کار می رود. بعد از این تپه ها به طرف شرق، کوههای کلاه قاضی قرار دارد. در سمت غرب کوه صفه نیز شاه کوه قرار گرفته و پس از آن بلوک لنگان آغاز می گردد. در دامنه های مرتفع کوه صفه، قلعه هایی وجود داشته که دیواره آنها عموماً از سنگ و بسیار مستحکم بوده، و از آنها برای دفاع استفاده می شده است. مهمترین آنها به نام قلعه دیو معروف بوده که ویرانه های آن هنوز باقی است. در مغرب دامنه کوه صفه، عمارت قلعه مانند دیگری وجود داشته که با خشتهای بزرگ به اضلاع نیم متر ساخته شده و به نام تخت رستم معروف بوده است. زیرا بنابر باورهای مردم، جنگ اسکندر و دارا در آنجا اتفاق افتاده است. اما برخی صاحب نظران آن را آتشگاه می دانند. عده ای هم می گویند محله گیرها از دوران بسیار قدیم در آن حوالی قرار داشته و تا زمان صفویه نیز فعال بوده ولی به وسیله آخوند ملا محمد باقر مجلسی رونق خود را از دست داده است. قله کوه صفه از سطح زمین ۵۹۰ متر ارتفاع دارد. کوهستان صفه که تا چند دهه پیش به صورت عنصری مجزا و با فاصله از شهر قرار داشت اینک با توسعه شهر به طرف جنوب کاملاً به شهر متصل شده و بخشی از آن

به عنوان پارک کوهستانی کارکرد شهری یافته است. کوه صفه به عنوان یکی از عناصر نشانه ای بارز در شهر اصفهان همراه سایر عناصر عمده نظیر جاده کمربندی، بزرگراهها و خیابان های اصلی، رودخانه زاینده رود، باغهای ناژوان و میدان امام ساختار اصلی شهر را تشکیل می دهد. فضای سبز کوه صفه که در حال حاضر عرصه ای به مساحت ۱۰۰ هکتار را تبدیل به منظره ای سبز کرده است در قسمتهای دامنه کوه قرار دارد و به عنوان پارک کوهستانی و بخشهایی از آن شکل پارک جنگلی دارد روزانه پذیرای جمع کثیری از طبیعت دوستان و گردشگران است. پارک کوهستانی صفه که مطابق طرح راهبردی توسط مهندسین مشاور بافت شهر در سال ۱۳۸۰ ارائه شده است نتیجه مطالعات و راهبردها به عنوان هدف کلان مطابق شرح خدمات مورد قرارداد در محدوده تقریبی ۱۲۰۰ هکتار تهیه و ارائه گردیده است جمعا حدود ۷۲ طرح در طرح راهبردی پیشنهاد گردیده است. از جمله نقاط مشهور در کوه صفه قلعه شاهدژ یا شاه دز می باشد که به قلعه دیو نیز معروف است و به عنوان هسته مرکزی پارک کوهستانی صفه است و چشمه های موجود از جمله چشمه پاچنار و حاجیک به عنوان قلب تپنده این مجموعه اند که با وجود درختان کهنسال همچون نگینی زیبا می درخشد ورودی اصلی صفه در ابتدای خیابان حکیم نظامی تا چشمه پاچنار بصورت محور اصلی و به مثابه ستون فقرات است و همه دست به دست هم داده اند تا محیطی امن و چشم اندازی زیبا و دلپذیر را فراهم آورند تا با کمترین زمان از زندگی شهری جدا

شده و به محیطی آرام و دلپذیر و به دور از آلودگی شهری دست یافت. لذا با این وصف و با توجه به مشکلات موجود اولین سیاست مدیران، حفظ و جلوگیری از تخریب سیمای طبیعی پارک بوده که به موازات آن طرح‌های امکان‌پذیر در قالب راهبردی طرح پارک کوهستانی صفه در دست اقدام است. طرح ساماندهی نازوان و صفه وابسته به شهرداری اصفهان با هدف ایجاد فضای مناسب جهت گذراندن اوقات فراغت بر اساس استفاده بهینه از منابع طبیعی، فرهنگی و اجتماعی کشور در جهت تامین نیازهای مادی و معنوی نسل‌های کنونی و آتی به نحوی که ضمن حفظ یکپارچگی و هویت فرهنگی سلامت محیط زیست و تعادل اقتصادی بتوان رفاه و آسایش اقشار مختلف را در مقیاس محلی، بین‌المللی تامین کرد اقدام به ساماندهی منطقه کوهستانی صفه نموده است.

تحولات تاریخی کوهستان صفه

تحولات تاریخی کوهستان صفه

کوهستان به دلیل داشتن ساختار طبیعی شگفت، بقایای آثار ناشناخته و کهن و وجود قصه‌ها و افسانه‌های گوناگون درباره آن سرگذشتی رازآلود و اسطوره‌ای در ذهن و باور مردم منطقه پیدا کرده است تا جایی که دژ قدیمی آن را «قلعه دیو» نام داده‌اند، غار آن را به مدفن زردشت پیامبر نسبت داده‌اند، آب اندک چشمه‌های آن را متبرک دانسته‌اند.

دامنه‌های آن را به محل نبرد دارا و اسکندر نسبت داده‌اند و برخی از زوایای آن را مکان گوشه‌گیری دراویش صوفی پنداشته‌اند.

کوهستان صفه در دوران باستان

اصفهان همان‌طور که از ریشه نام آن «سپاهان» بر می‌آید در دوران ساسانیان مقر سپاهیان «ولیعهد نشین» بوده است و وجود برخی آثار به جا مانده مثل آتشگاه و گورهای زردشتیان بر این امر گواهی می‌دهد. با توجه به این زمینه تاریخی و برخی شواهد عینی احتمال قوی این است که کوه صفه از زمان‌های خیلی دور به عنوان پایگاه و پناهگاه مورد استفاده مردم بوده است. شیوه ساخت و معماری قلعه کوه صفه به سایر قلعه‌های دوران ساسانی شباهت دارد. وجود حفره‌های سنگی در اطراف کوه صفه یادآور «استودان‌ها» (استخوان‌دانه‌های) زردشتی است که در بسیاری از نواحی باستانی ایران مشاهده می‌شود. همچنین بعید نیست که برخی از بقایای ویران شده موجود در کوه صفه متعلق به بنای آتشکده باشد.

کوهستان صفه در قرون میانه اسلامی

در کتاب‌های معتبر تاریخی مربوط به قرون میانه اسلامی مثل «تاریخ ابن اثیر» «تاریخ راوند» و «تاریخ جهان‌گشای جوینی» شرح‌های مبسوطی راجع به مبارزات دولت سلجوقی، که سنی‌مذهب و طرفدار خلفای بغداد بودند با پیروان فرقه شیعه اسماعیلیه در اصفهان آمده است که به کوهستان صفه و قلعه آن مربوط می‌شود. با تاسیس دولت سلجوقی در ایران، شهر اصفهان به عنوان پایگاه اصلی آن روز رو به توسعه نهاد و در عین حال در کانون کشاکش سیاسی و نظامی قرار گرفت از

جمله حوادث مهم دوران سلجوقی که به طور مستقیم با سرگذشت کوهستان صفه ارتباط پیدا می کند، بالا گرفتن جنبش اسماعیلیه در منطقه اصفهان و بازسازی قلعه «شاهدز» در کوه صفه و جنگ طولانی اسماعیلیان با دولت سلجوقی است ماجرای تسلط اسماعیلیه بر کوه صفه و سرانجام بد

فرجام آنان یکی از حوادث شگرف و شگفت تاریخ ایران، به طور عام، و داستانی پرمخاطره برای منطقه اصفهان و کوه صفه، به طور خاص به شمار می رود.

وقتی ملکشاه سلجوقی در سال ۴۸۵ هجری قمری در گذشت میان فرزندان او (برکیارق، محمود و محمد) بر سر سلطنت اختلاف و نزاع در گرفت که باعث تضعیف دولت سلجوقی گردید. در این شرایط، یکی از معتقدان و فعالان اسماعیلی در اصفهان به نام «احمد ابن عطاش» به شیوه زیرکانه با فرمانده قلعه شاهدز طرح دوستی ریخت و آنجا را به تصرف خود و مریدانش در آورد. آنان با تقویت استحکامات نظامی کوه صفه در سراسر اراضی اطراف مسلط شدند و باج و خراج آنها را در اختیار خود گرفتند. از این رهگذر سالهای طولانی جنگ و هراس و خونریزی در منطقه حاکم شد و قلعه شاهدز و فدائیان اسماعیلی شهرت وسیع پیدا کردند. اما مدتی بعد که سلطان محمد سلجوقی سلطنت و قدرت خود را تثبیت کرد، تصمیم به قلع و قمع اسماعیلیان گرفت او در سال ۵۰۰ هجری تمام کوهستان صفه را به محاصره در آورد و پس از ماه ها مناقشه دینی و سیاسی و زد و خورد سرانجام قلعه را فتح کرد و باقیمانده ساکنان و جنگجویان قلعه را کشت و رهبران آنان را به اسارت در آورد. چنان که مورخان نوشته اند ابن عطاش و همسر و پسرش سرنوشتی دلخراش و اندوهبار پیدا کردند مدت یک هفته ابن عطاش را در شهر اصفهان همراه با آزار و تحقیر و شکنجه گرداندند، سرانجام پوستش را کردند و از گاه انباشتند و سر او و پسرش را به بغداد فرستادند،

اما همسر او برای آن که به دست سربازان سلجوقی اسیر نشود، با شهامتی کم نظیر از فراز قلعه شاهدز خود را به زیر انداخت و به حیات خود خاتمه داد. طول این دوره، شورش و خشونت به روایتی هفت سال و به روایتی دیگر دوازده سال طول کشید.

کوهستان صفه در دوره صفویه

در دوره صفویه با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت کشور و تبدیل آن به یک شهر مهم سیاسی و اقتصادی و پرشکوه، اهمیت نظامی و دفاعی آن کاهش پیدا کرد و برعکس بر نقش معماری، هنری و فرهنگی آن افزوده شد. در این دوره برخی از نقاط خوش منظره کوه صفه مورد بازسازی قرار گرفت و مسیرهای ارتفاعی و دسترسی جدید میان آنها و شهر احداث گردید. در زمان شاه سلیمان صفوی یا شاه صفی دوم (۱۱۰۶ - ۱۰۷۷) در محل یکی از چشمه های دامنه کوه صفه که امروزه به چشمه پاچنار معروف است بنایی برای تفریح و گردش درباریان ساخته شد که به نام (تخت سلیمان) خوانده شده است برخی از جهانگردان و سفرنامه نویسان دوره صفوی از این بنا یاد کرده و به معرفی آن پرداخته که حکایت از شهرت و اهمیت این بنا در آن روزگار می کند. انگلبرت کمپفر (۱۶۵۱ - ۱۷۱۶) (Engelbert Kampher) م) سیاح، طبیعی دان و پزشک آلمانی که به عنوان منشی و پزشک همراه با سفیر سوئد بارها به ایران سفر کرد و سفرنامه ای مفصل درباره مشاهدات خود همراه با نقشه ها و تصاویر متعدد انتشار داد. از جمله شرح و تصویری از بنای تخت سلیمان (پاچنار) در زمان خود شاه سلیمان تهیه کرده است که با توجه به ویران

شدن اصل بنا امروزه بسیار ارزشمند است. کورنلیس دوبروین (۱۶۵۲-۱۷۲۷) (Cornelis deBrruyn) سیاح و نقاش هلندی که در سالهای (۱۷۰۱ تا ۱۷۰۳) به ایران و اصفهان سفر کرد و سفرنامه ای مشروح و مصور از سرزمین، مردم و آثار ایران به چاپ رسانید. او حدود شانزده سال بعد از کمپفر تصویر دیگری از بنای تخت سلیمان ارائه داده است. وارطانیس یوزوکچیان (Vardanes usukjian) خلیفه و پیشوای روحانی ارمنی که در سال ۱۸۴۴ (دوره قاجار) به ایران و اصفهان سفر کرد و سفرنامه‌های با عنوان وصف بناهای مشهور اصفهان در سال ۱۸۵۴ در شهر قسطنطنیه به چاپ رسانید. او ضمن ارائه تصویری از بنای تخت سلیمان وضع آن را تشریح کرده است.

کوهستان صفه در دوره حاضر

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و پی آمدهای آن تغییراتی در کوهستان صفه و اراضی پیرامون آن پدید آمده است که در مجموع موجودیت آن را از حالت انزوا و فراموشی به در آورده و به عنوان یک عنصر شهری در معرض توسعه و عمران قرار داده است. تاسیس پارک جدید صفه در اوایل دهه ۱۳۶۰ یکی از مهمترین اقدامات عمرانی است که تا حدود زیادی باعث بهبود سیمای کوه و عملکرد آن شده است. افزایش فضای سبز در دامنه خشک و کم آب کوهستان صفه و افزایش ایمنی اجتماعی آن، باعث استقبال وسیع مردم و برقراری پیوند نزدیک تر میان شهر و کوه و توسعه پیک نیک و گردش در کوه شده است. محدوده کنونی پارک کوهستانی صفه نزدیک به ۱۰۰ هکتار است که حدود ۷۵٪ آن به پوشش سبز اختصاص یافته است. دلایل استقبال و گرایش مردم از پارک صفه

دوری از شهر و

ازدحام (حتی ازدحام پارک های داخل شهر) و آلودگیهای شهری نزدیکی به جاذبه های طبیعی و تاریخی کوه صدفه داشتن دسترسی نسبتا مناسب و آسان امکانات تماشای شهر و طبیعت اطراف وجود عملکردهای تنوع تفریحی، ورزشی و غیره با توجه به این شرایط پارک کوهستانی صدفه به عنوان یک پارک چند منظوره شهری عمل میکند.

منابع و جاذبه های گردشگری

منابع و جاذبه های گردشگری

به طور کلی می توان منابع و جاذبه های مختلف گردشگری کوهستان صدفه را به پنج گروه تقسیم کرد که به طور خلاصه در زیر معرفی می شوند.

منابع و جاذبه های طبیعی

کوه صدفه با دارا بودن ارتفاع ۲۲۴۱ متر و موقعیت استقرار چسبیده به شهر و اشراف کامل آن به رودخانه و جلگه سرسبز زاینده رود و پیکره شهر اصفهان دارای شرایط استثنایی و منحصر به فردی است که از نظر چشم انداز شهری، طراحی محیطی و توسعه گردشگری امکانات متعدد و فراوانی برای اصفهان به وجود آورده است. در درجه اول کوه صدفه به عنوان یک نشانه بزرگ شهری عمل می کند که از یک طرف، از تمام نقاط شهر قابل مشاهده است و از طرف دیگر بهترین امکان را برای تماشای چشم انداز زیبا و رنگارنگ کل شهر اصفهان در اختیار می گذارد. جدا از این جاذبه کلان و عملکرد عمومی، کوهستان صدفه در درون خود دارای ارزشها و جاذبه هایی است که با نیازهای عمیق شهروندان و شهرنشینان مثل نیاز نزدیکی به طبیعت و تماشای آسمان، گشت و تماشای خلوت و آرامش، تحرک و فعالیت و مانند اینها بستگی دارد. برخی از عناصر پر جاذبه کوهستان صدفه عبارت است از: وجود اشکال بدیع و خیال انگیز در پیکره و اندام کوه، گردنه ها، دره ها و قله متعدد و متنوع غارها، حفره های طبیعی و نیمه طبیعی وجود ساختار زمین شناختی نادر، جالب و آموزنده چشمه ها و نقاط کوچک سرسبز در متن کوهستان خشک، دیواره ها و پرتگاه های سهمگین و شگفت آور.

پوشش گیاهی ویژه

یکی از ویژگیهای جالب کوه صدفه از نظر جذب گردشگری، وجود فواصل و اندازه های

مبادی و مقاصد مختلف است که کاملاً با مقیاسهای انسانی حرکت پیاده انطباق دارد. از یک طرف فاصله شهر تا دامنه کوه و از آن جا تا قله کوه، هم از نظر زمانی و هم از نظر مسافت مناسب است و از طرف دیگر فواصل میان عناصر برجسته کوه صاف به اندازه ای است که با مقیاسهای پیاده روی و نیازهای جسمی و روانی آن بسیار همخوانی و هماهنگی دارد.

منابع و جاذبه های تاریخی فرهنگی

همانطور که قبلاً بیان شد، کوهستان صافه از دوران باستان تا امروز مورد استفاده حکومتها، مردم و گروه های خاص بوده است به همین دلیل آثار و بقایای نسبتاً زیادی از زمانهای قدیم در گوشه و کنار آن به جای مانده که مهمترین و ارزشمندترین عناصر موجود در محدوده طرح به طور خلاصه عبارتند از:

بقایای قلعه اصلی شاهدز (قلعه دیو) استحکامات دفاعی و نظامی قلعه تاسیسات حفظ آب و آبرسانی جهت محافظان و ساکنان قلعه

منابع و جاذبه های ورزشی تفریحی

کوهستان صافه به دلیل نزدیکی به شهر اصفهان و برخورداری از ارتفاع مناسب و تنوع پستی و بلندیهای آن امکانات بسیار خوبی برای فعالیتهای ورزشی تفریحی مثل پیاده روی، تپه نوردی، کوهنوردی و سنگ نوردی فراهم آورده است. به ویژه به دلیل توسعه شهرنشینی جدید و رشد نیازهای ورزشی و تفریحی، عملکرد ورزشی کوهستان صافه به نحو وسیعی افزایش پیدا کرده است. یکی از ویژگیهای مهم کوهستان صافه وجود صخره های عظیم و بلند و وجود نشیب های منفی در نقاط مختلف آن است که از نظر کوهنوردی تخصصی و آموزش سنگ نوردی، امکان بسیار خوبی برای گسترش ورزش کوهنوردی در منطقه اصفهان به وجود آورده است. در حال حاضر گروههای کوهنوردی که در اصفهان فعال هستند معمولاً برای تمرین و آموزش به کوهستان صافه روی می آورند. در سالهای اخیر با تبدیل کافه خاچیک به پناهگاه و پایگاه کوهنوردی و اصلاح مسیرهای دشوار، خدمات مربوط به فعالیتهای کوهنوردی بهبود نسبی پیدا کرده است. امکانات مجموعه موجود تقریباً تمام گروه های مختلف سنی، جنسی و شغلی را به خود جذب می کند.

منابع و جاذبه های علمی و آموزشی

اشاره

کوهستان صافه دارای منابع و امکانات بالقوه ای است که می تواند برای فعالیتهای تفریحی توام با آموزش آزاد مورد استفاده وسیع قرار گیرد. در حال حاضر، با ایجاد باغ وحش در دامنه کوه، تا حدی به این امکانات توجه شده است.

منابع و جاذبه های تفریح جمعی و پیک نیک

یکی از فعالیتهای غالب در کوهستان صافه به صورت پیک نیک خانوادگی و جمعی است که از پشتوانه غنی فرهنگی بومی و

شهری مردم اصفهان برخوردار است. وجود امکانات فضای سبز پراکنده، برکه های آب و آب نماها، وجود فضاهای باز برای اتراق و آشپزی، وجود امکانات مختلف برای بازیهای جمعی و پیاده روی، گشت و تماشا اشاره نمود.

آشنایی با نقاط دیدنی کوه صفه

آشنایی با نقاط دیدنی کوه صفه

نقاط دیدنی موجود در کوه صفه دارای ویژگیهای خاصی می باشند که وجود این ویژگیها پیوندی عمیق و حسی عاطفی میان مردم اصفهان و کوه صفه را پدید آورده است. لذا هر یک از عناصر و اجزای کوه صفه برای خود نامی ویژه دارند که بیانگر هویت مستقلی است که مردم برای آنها قائلند. که ذیلاً به برخی از مهمترین این عناصر پرداخته می شود.

قلعه شاهدز (قلعه دیو)

قلعه اصلی شاهدز در بلندترین نقطه کوه و در شمال غربی آن قرار دارد. اگرچه داستان سرگذشت قلعه شاهدز در طول قرنها و به طور مکرر در کتابهای تاریخی نقل شده است ولی تا همین اواخر کسی به درستی نمی دانسته است که شاهدز در کجا و در بالای کدام کوه از کوه های متعدد اطراف اصفهان قرار داشته است. در حدود نیم قرن پیش دو تن از پژوهشگران اصفهان (کارو میناسیان، محمد مهریار) به طور مجزا و با فاصله ای اندک از یکدیگر این نظریه را مطرح ساختند که شاهدز معروف تاریخی همین «قلعه دیو» افسانه ای کوه صفه است.

۱- دلایل انتخاب مکان شاهدز کوه صفه اصولاً از نظر ساختار زمین شناسی کوهی است سرسخت، خشن و صعب العبور، همین ویژگی یکی از دلایل انتخاب کوه صفه برای مقاصد نظامی و دفاعی در دوران قدیم بوده است. بنیانگذاران و سازندگان اولیه قلعه شاهدز، بناها، راه ها، و استحکامات قلعه را چنان طراحی کرده بودند که کسی نتواند به درون آن راه پیدا کند. آنان با استفاده از پرتگاه ها، و دیواره های کوه و تراشیدن برخی نقاط و ساختن دیوارهای متعدد در نقاط مختلف، عمده راه های دسترسی و نفوذ به قلعه را مسدود کرده بودند. اما در

سالهای اخیر با احداث راه های جدید و اصلاح مسیرهای دشوار، راه های صعود به ارتفاعات کوه و دسترسی به آثار طبیعی و تاریخی کوهستان صفه آسان تر و شناخته تر شده است.

۲- استحکامات دفاعی و نظامی در تمام دامنه های اطراف کوه صفه با استفاده از دیواره ها و صخره های طبیعی و نیز با ایجاد تأسیسات دست ساخت و تراشیده، مجموعهای از دیوارهای دفاعی، دروازه های ورودی، برج های دیده بانی، انبارهای آذوقه و وسایل جنگی و مانند اینها به وجود آمده که بقایای آنها در نواحی مختلف کوه باقی مانده است. از مهمترین آثار به جا مانده و قابل تشخیص این استحکامات میتوان به ۶ دروازه، حدود ۲۰ برج نگهبانی، دیوار بزرگ، دیوارهای کوچک حفاظتی، قلعه کوچک سنگی اشاره کرد.

۳- تأسیسات حفظ آب و آبرسانی قلعه با توجه به شرایط نسبتاً خشک کوهستان صفه و موقعیت نظامی و دفاعی قلعه شاهدز، موضوع تأمین و حفظ آب در تمام طول سال، یکی از نیازهای حیاتی ساکنان و محافظان قلعه به شمار میرفته است، به همین منظور برای استفاده از آب باران و چشمه های کوچک موجود در گوشه و کنار کوه تمهیدات و تأسیساتی برای گردآوری و نگهداری آب ایجاد کرده بودند. برخی از بقایای این تأسیسات به صورت بندهای آبخیز، حوض ها، حوضچه ها و مسیرهای هدایت (تنبوشه) بجا مانده است. محل سد آبخیز اصلی قلعه در دره غربی کوه صفه بازسازی شده است.

۴- موقعیت عناصر و ارکان تشکیل دهنده قلعه شاهدز در اصل به عنوان یک شهرک نظامی و دفاعی عمل میکرده است و دارای استحکامات و تأسیسات متعدد بوده است که مهمترین ارکان آن را

عناصر زیر تشکیل می داده است: ستاد مرکزی قلعه (ارک) واقع در شمال شرقی قله صدفه در سمت جنوب و شرق، بقایای چندین سربازخانه در سمت غرب آثار انبارها و تاسیسات دیگر در نواحی دورتر آثار برجهای نگهبانی، دروازهها، دیواره های دفاعی، بندهای آبگیر در پیرامون قلعه مهمترین بخش قلعه شاهدز همان قلعه مرکزی (ارک) است که مشهور به قلعه دیو است و در قله شمال شرقی کوه صدفه قرار دارد و از دور دست نشانههای آن دیده میشود. به نظر میرسد که برای ساختن این قلعه محوطه بالای قله را مسطح کرده و به صورت صدفه درآورده اند. محوطه قلعه ارک حدود ۵۰ متر در ۲۰۰ متر وسعت دارد که از طرف شمال و شرق مشرف به پرتگاه است و از طرف جنوب و غرب با دیوارهای متعدد دفاعی محصور شده است. دسترسی به این قلعه از جبهه شمالی به علت وجود صخره های کاملاً عمودی غیرممکن بوده است. و در مسیرهای دیگر هم با ایجاد موانع و دیوارهای سد کننده و قلعه های نگهبانی راه وصول به قلعه را مسدود کرده بودند. برای رسیدن به قلعه شاهدز بهترین مسیر در حال حاضر از راهی است که به صورت مارپیچ در جبهه شرقی کوه تا محل چشمه گل زرد ایجاد کرده اند و از آن جا با دور زدن کوه و صعود از جبهه غربی میتوان به محل شاهدز رسید. به موجب مطالعات و مشاهدات میدانی «کارومیناسیان» که به تفصیل در کتاب (شاهدز) بیان شده است بقایای اصلی قلعه شاهدز شامل این عناصر است ارک، اقامتگاه فرماندهان، سربازخانه شرقی، سربازخانه غربی، قلعه های دیده بانی،

دیوار بزرگ دفاعی، انبارها، دروازه‌ها (۶ باب) برج‌های نگهبانی (حدود ۲۰ برج) آب بند اصلی، آب بندهای فرعی، چاه، حوضها و سایر تاسیسات ناشناخته دیگر برای تامین مصالح قلعه به طور عمده از سنگ، خاک، آهک و گچ استفاده شده است.

چشمه پاچنار و تخت سلیمان

چشمه پاچنار یکی از پر جاذبه ترین نقاط دیدنی کوه صفه است که در ارتفاع ۱۸۵۰ متری قرار دارد و در بیشترین فصول سال آب گوارایی دارد. این مکان علاوه بر جاذبه طبیعی یعنی صفهای فراهم آمده در پناه کوه، درختهای کهنسال، چشمه آب، باغچه و تراسبندی که برای بیتوته و استراحت بسیار مناسب است، بهترین چشم انداز را به طرف شهر تاریخی اصفهان دارد، شاید به همین دلیل از دیرباز مورد توجه بوده است. نام پاچنار اشاره‌ای به سرسبزی و درختان آن دارد. در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۶-۱۰۷۷ه ق) این امکان جهت احداث تفرجگاه مشرف به شهر انتخاب شد. این تفرجگاه به نام بانی آن «تخت سلیمان» نام میگیرد و پیش از آن «تخت صفه» نام داشته است. با توجه به خشکی و سختی راههای اطراف، فضایی بسیار مناسب برای تماشای شهر، خلوت با طبیعت، احساس آسایش و رفع خستگی پدید آورده است. صفه و چشمه پاچنار از یک سابقه تاریخی و اجتماعی نیرومند برخوردار است. در زمان صفویه چشمه پاچنار به عنوان یکی از مکانهای مناسب برای ایجاد گردشگاه جدید مورد توجه قرار گرفت و شاه سلیمان صفوی در بازگشت از شکار، زیبایی شهر اصفهان را در محل پاچنار دید و دستور داد که بنایی برای او و خانوادهاش بسازند و این بنا به نام او به «تخت سلیمان»

معروف گردید. انگلبرت کمپفر (۱۷۱۶ - ۱۶۵۱) در سفرنامه مفصل خود درباره تخت سلیمان مینویسد: (در آن سوی باغ هزار جریب و تقریباً با دویست متر فاصله از آن در دامنه کوه صدفه یک تفرجگاه کوچک تابستانی است که آن را با به تبعیت از نام سازنده آن، تخت سلیمان نامیده اند و...) ژان شاردن که دوران طولانی و از جمله در زمان تاجگذاری شاه سلیمان در اصفهان بوده است در گزارشات خود مینویسد: (در نیمه ارتفاع کوه صدفه پس از پیمودن هزار پا به سمت بالا صومعه ای است که در آن کلاه فرنگی های کوچک ساخته شده است و به آن نام تخت سلیمان داده اند، زیرا میگویند به امر شاه سلیمان آن را ساخته اند و سابقاً غاری بوده که آب و درخت فراوان داشته است. شاه این محل را مناسب دید و موضوع را با ناظر در میان نهاد اگر عمارتی در این جا ساخته شود برای معمار آن شاهکاری محسوب خواهد شد و شاه خواهد توانست از آنجا شهر را به مادر خود نشان دهد. ناظر، مطلب را به خاطر سپرد و برای ساخت آن سه یا چهار هزار عمله و سنگتراش و بنا و غیره را خبر کرد.) وی را ماریچی نیز برای رسیدن به آن ساخت و در فواصل معین جایگاه هایی برای استراحت و نفس تازه کرده تعبیه کرد. کرنلیوس دو بروین (جهانگرد هلندی) که در اواخر دوره صفویه به اصفهان آمده تصویر زیبایی از تخت سلیمان به جا گذاشته است. اساس بنای تخت سلیمان گویا تا اواخر دوره قاجار پابرجا بوده است. «مادام دیولافوا» که به عنوان

باستان شناس در دوره ناصرالدین شاه به ایران سفر کرده است در نوشته های خود چنین آورده است. (کاخ سلیمان چون با آجر ساخته شده خرابی آن کمتر از کاخ فرح آباد است. خوشبختانه این قصر که دورنمای زیبا و باشکوه اصفهان از آن جا نمایان است از آسیب افغانها مصون مانده است.) وارطانیس یوزوکچیان خلیفه و پیشوای روحانی ارمنی (۱۸۴۴) ضمن ارائه تصویری از بنای تخت سلیمان وضع آن را به صورت نیمه ویرانه تشریح میکند. به طور کلی از گزارش «کارومیناسیان» بر میآید در حدود پنجاه سال پیش جز آثاری اندک از بنای تخت سلیمان باقی نمانده بوده است و در آن زمان از مکان پاچنار همانند چشمه درویش به عنوان (رستوران) استفاده میشده است. در این نقطه کتیبه بزرگی در اندازه ۳ * ۲ متر در زمان صفویه آماده شده بود که از آن استفاده نشده است. از میان یادگاری های به جا مانده سه مورد تاریخ دارد که یکی به اندازه تقریبی ۵۰*۴۰ سانتیمتر میباشد و بیشتر کلمات آن به این شرح خواناست. (یادگار گروهان اول فوج مختلط اصفهان (۱۳۲۹ تا ۱۳۱۹) و در زیر آن کتیبه ای به خط خوش ارمنی نوشته شده که تاریخ ۱۹۳۴ را دارد و در فاصله تقریباً دو متری سمت چپ این دو کتیبه، یادگار دیگری از شخصی به نام (محمود شاه علی) بجا مانده که تاریخ ۱۳۲۴ را دارد.

چشمه درویش (خاچیک)

در فاصله صد متری شرق چشمه پاچنار، چشمهای در ارتفاع تقریبی ۱۹۰۰ متر وجود دارد که چشمه درویش نام دارد که از نقاط جاذب کوه صفا و از تفرجگاه های قدیمی محسوب میشود. این

چشمه به دلیل شرایط طبیعی (داشتن آب و سبزه در شکم یک حفره سنگی بزرگ) و هم به دلیل موقعیت استقرار در فاصله و مکان مناسب (بین پارک صفه و قله کوه) مکانی پر جاذبه و استراحت گاهی آرام بخش برای عموم استفاده کنندگان از کوهستان صفه محسوب میشود. کهنترین ماخذی که به این چشمه اشاره دارد سفرنامه تاورینه جهانگرد فرانسوی که در زمان شاه عباس دوم در فاصله (۱۶۶۸ - ۱۶۳۲) شش سفر در اصفهان داشته وی در توصیفی که از کوه صفه دارد اشاره میکند. (در طرف شرق، یک غاری در سنگ دیده میشود که دست طبیعت و صنعت هر دو در ایجاد آن شرکت داشتهاند. یک چشمه آب بسیار خوب از آن بیرون می آید و درویشی هم در آنجا منزل دارد.) که نام چشمه درویش برگرفته از حضور درویشی در این منطقه میباشد و نام خاچیک بر گفته از نام یک ارمنی است که حدود شصت سال پیش در این مکان کافهای دایر و سالها اداره میکرد است.

چشمه چاه درویش

چشمه چاه درویش در ارتفاع ۱۸۰۰ متری در فاصله تقریباً ۷۰۰ متری چشمه درویش قرار دارد. از آنجا که سطح این چشمه از اطراف آن پائینتر است و هیچوقت آب آن جاری نمی شده و نیز به دلیل این که حتی در اوقاتی که آب چشمه پاچنار و چشمه درویش خشک میشده این چشمه آب اندکی داشته است که بتوان ظرفی را آب کرد. به چشمه چاه درویش مشهور شده است به این چشمه به واسطه این که در زمینی آهکی قرار دارد، بعضی از کوهنوردان چشمه گچی هم میگویند.

چشمه گل زرد و دیوار آینه

در بالای چشمه درویش و در مسیر صعود به قله کوه، گذرگاهی باریک بر لبه پرتگاهی بلند در ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متری وجود دارد که با پیش آمدگی و پس رفتگی های کم عمق فضای جاذب و در عین حال هراس انگیز ایجاد کرده است. در یکی از صفه های این پرتگاه آثاری از یک چشمه قدیمی با نشانهایی مثل حوضچه باغچه و لوله کشی آب (تنبوشه) دیده میشود. نام گل زرد احتمالاً برگرفته از خصلت گلهای وحشی کوهستانی است که در زمانهای پرآبی چشمه در پیرامون آن می روئیده است. در کنار چشمه دیواره های بلند و نیمه طبیعی وجود دارد که به نام دیواره گل زرد یا دیواره آینه معروف است و مکانی بسیار مناسب و جذاب برای تماشای چشم انداز اصفهان و نواحی پیرامون آن پدید آورده است. دیواره و مسیر چشمه گل زرد علاوه بر جاذبه طبیعی از نظر تاریخی نیز جالب توجه و مطالعه است. طبق برخی پژوهش ها و بررسیها احتمالاً یکی از دروازه های اصلی ورود به قلعه شاهدز

در این مکان قرار داشته است. در سالهای اخیر با ایجاد پله‌های سنگی و اصلاح معبر امکان دسترسی به آن آسانتر شده است.

گردنه باد

در امتداد هزار دره و درست در جنوب کوه صغه، دره ای واقع شده که به خط الراس آن که در حدود ۲۰۰۰ متر ارتفاع دارد «گردنه باد» میگویند. موقعیت این گردنه به صورتی است که در شمال و جنوب آن ارتفاعات کوه صغه و کوه مشرف به سپاهان شهر قرار دارد با توجه به این که بادهای اصفهان عموماً غربی شرقی است، جریان باد در این نقطه متمرکز شده و شدت بیشتری پیدا میکند و در تمام فصول سال به ویژه پائیز و بهار باد با شدت زیادی در این منطقه میوزد، به همین دلیل این نقطه به گردنه باد مشهور شده است.

آبشار مصنوعی و دیواره سنگی آبگیر

منبع آب، آبنا و آبشار مصنوعی در پارک کوهستانی صغه از چاههای واقع در پارک ملت حاشیه پل فلزی تامین میشود و طی چند مرحله پمپاژ در نهایت از مخزن شماره سه آب توسط یک دستگاه پمپ شناور از طریق دو خط لوله فولادی به قطر ۸ اینچ به محل آبشار در نقاط مرتفع کوه صغه در قسمت شمالی ارتفاعات کوه صغه انتقال می یابد و پس از ریزش بر روی کوه وارد دو آبگیر در ارتفاعات پائینتر و در طرفین جاده احداث شده میگردد. و پس از سرریز از روی دیواره آبگیر دوم وارد حوضچه دیگری در پائین ترین نقطه حرکت خود میگردد و سیکل حرکت آب به طرف آبشار تکرار میشود.

پوشش گیاهی و فضای سبز

گونه های گیاهی صغه در دو دسته زیر قابل بررسی است: گونه های گیاهی بومی صغه/ گونه های گیاهی وارداتی و دست کاشت ۱-۶- گونه های گیاهی بومی صغه/ گونه های گیاهی بومی صغه با وجود فقر پوشش آن به دلیل شرایط خاص منطقه تنوع نسبتاً بالایی دارند (۱۵۴ گونه) برخی از آنها نظیر استپی، پنیرک و علف مار از ارزش منظر سازی بالایی برخوردار هستند و در صورت توسعه و تکثیر، جذابیت فراوانی به محیط طبیعی کوه صغه خواهند بخشید. برخی دیگر نظیر گون و درمنه و اسکنبیل ارزش دارویی دارند. به هر حال شرایط خاص حاکم بر کوه صغه تمامی گونههای بومی را در وضعیتی بسیار ناپایدار قرار داده است.

۶- گونه های گیاهی وارداتی و دست کاشت/ این گیاهان اکثراً غیر بومی هستند و اخیراً در منطقه صغه کاشته شدهاند. غالب این نوع پوشش را درختان و درختچه های زینتی تشکیل میدهند. نکته جالب

توجه این که با وجود تنوع در گونه‌های پهن برگ، کاشت غالب پارک را تعداد محدودی از درختان و درختچه های سوزنی برگ، از قبیل سروها و کاجها تشکیل میدهند. اهمیت این نکته زمانی معلوم میشود که ما در محیط خشک و کم آب و علف کوهستان صفت پوشش همیشه سبز را در اراضی پای کوهی صفت میبینیم.

ناژوان

تاریخچه

تقدیرات ساختاری کره مسکونی ما چنین رقم خورد که جبال همیشه افراشته البرز و زاگرس ایران مرکزی را حصار نموده و اقلیم و نزولات جوی خاصی را به آن هدیه نماید و از برکات آن رودخانه مهم زاینده رود که به نامهای دیگری مانند زنده رود، زندک رود، زرین رود، زرن رود و رودخانه اصفهان نیز خوانده می شود جاری و با طی مسافتی در حدود ۳۰۰ کیلومتر و عبور از کوهها و دره ها و پیچ و خمهای متعدد در نهایت پایه گذار اصفهان بزرگ و مرکز فرهنگ و تمدن ایران زمین گردد. بی شک نصیب چنین موهبتی باعث گردید که بتدریج آبادی های متعددی بصورت زنجیره ای در حواشی رودخانه شکل گرفته و جمعیت کثیری از برکات این آب ارتزاق و به حیات خود ادامه دهند.

سرچشمه اصلی رودخانه زاینده رود را دو رودخانه مهم پلاسجان و شاخه های زاینده رود تشکیل می دهد که رودخانه اول از ارتفاعات گلپایگان سرچشمه گرفته و در محلی بنام کمیتک وارد دریاچه زاینده رود می شود و رودخانه دوم موسوم به زاینده رود از ارتفاعات زردکوه بختیاری و تونل کوهرننگ سرچشمه می گیرد. تعداد زیادی از شاخه های فرعی منتهی به زاینده رود نیز در تشکیل سرچشمه های

زاینده رود نقش دارد که مهمترین آنها عبارتند از کوهرننگ، چم دره، چشمه دیمه، دره خوربه، دره قاضی کوچک، دره خرسانک و چشمه های متعدد آهکی از نوع کارستیک که بصورت زایشی موجب افزایش آب رودخانه می گردد. ماریین یکی از بلوکات اصفهان است که تاکنون آثاری از باغات و بیشه زارهای این شهر تاریخی را در خود بیادگار نگهداشته و ۱۲۰۰ هکتار محدوده فضای سبز غرب اصفهان در این بلوک واقع می باشد. در ارتباط وجه تسمیه ماریین روایات متفاوت و گوناگونی بیان شده در کتاب «الاصفهان» آمده است «ماریین اسم آتشگاه بوده که رودخانه زاینده رود از آنجا مانند مار نقره فامی دیده می شده است و بعد دهات اطراف کوه را ماریین گفته اند. همچنین گفته شده است که چون بتخانه سر این کوه را مارس می گفته اند و از این دهات اطراف کوه بتخانه دیده می شده است مارس بین باشد» در کتاب زاینده رود از سرچشمه تا مرداب آمده است «این بلوک نام خود را از قلعه و آتشکده ای که بر فراز کوه آتشگاه قرار دارد و نام آن را حمزه اصفهانی «مهرین» آورده است گرفته شده باشد و در حقیقت کلمه ماریین تحریف همان «مهرین» اوستایی باشد که تدریجاً «مهرین» تبدیل شده است. ناژوان ترکیب یافته است از دو کلمه ناژ و وان که ناژ یا ناژو گیاهی است از خانواده صنوبر که آن جمله اند تبریزی کبوده صنوبر و (وان) پسوند است برای جا و مکان و ناژ نان یا ناژوان به معنی جایگاه درختان ناژ و صنوبر پس ناژوان به معنی محلی بوده است در غرب

اصفهان با بیشه های انبوه از درختان ناژ و کبوده زبان گنجشک و بومی اصفهان است.

اسلاف و پیشینیان ما علیرغم امکانات محدودشان چگونه با فکر و اندیشه و دوستی با طبیعت و صفای باطن از مواهب طبیعی و خدادادی بهره مند شده و جای جای خطه زرخیز زاینده رود را سرسبز و شاداب برای ابناء و آیندگان خود محافظت نمودند. اما در عصر حاضر همه روزه شاهد بروز مسائلی مانند از بین رفتن لایه اوزن، گرم شدن تدریجی هوای کره زمین، افزایش گاز کربنیک و از بین رفتن پوشش گیاهی، مهاجرت افراد و گسترش بیرویه شهرها و بالاخره بر هم خوردن تعادل اکولوژیکی و زیست محیطی و عدم امنیت غذایی و غیره می باشیم. شهر تاریخی اصفهان با تمام عظمت و سیطره جهانی خود در هیچ زمانی باندازه عصر کنونی در معرض آسیب های زیست محیطی و گسترش بی قاعده صنعت و تکنولوژی و تبدیل باغات و اراضی کشاورزی به ساخت و سازهای شهری قرار نداشته است و این در شرایطی است که پیشروی کویرهای مرکزی ایران و قرار گرفتن آن در عرض جغرافیایی تحت سلطه اقالیم خشک جهان و تقلیل بارشهای نواحی خشک به میزان کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال و بالا بودن تبخیر و تعرق تا ۱۰۰ برابر آن همچنان سایه شوم و همیشگی خود را بر سر این شهر و ساکنین آن گسترده و آماده هجوم و باریدن طوفانهای شن و گرد و غبار بر جای جای آن می باشد. اگر نسل متفکر و اندیشمند کنونی که خود را در شناخت علوم از اسلاف خود برتر می داند در سوگ بهشتهای گم

شده شهر و دیار خود ننشینند قطعاً ابناء این نسل در این سوگ خواهند نشست و بر یاد بهشت‌های گم شده و بیشه زارهای بزرگی نظیر بیشه تاریکی، بیشه عبدالله خان، بیشه ناژوان، بیشه آبشار، بیشه وینی، بیشه سه رارود، بیشه سیارم، بیشه بیسکون، بیشه نصرآباد و صدها باغ و بیشه دیگر که فقط اسامی آنها در کتب و آثار تاریخی شنیده و دیده می‌شود، اشک ماتم خواهند ریخت. قطعاً دست اندرکاران تدوین قانون اساسی کشور با چنین دوراندیشی و نگرشی اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی را که می‌گوید «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد، از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است» به تصویب رسانده اند و الحق اگر فقط همین اصل در ارتباط با حفظ و احیاء طبیعت و پوشش گیاهی جاری گردد می‌تواند بخش عمده ای از مشکلات نسل کنونی و نسل های آینده را مرتفع نماید. در ارتباط با توسعه باغداری و غرس اشجار در نواحی مختلف و بویژه ناحیه غرب اصفهان، گذشته نسبتاً دور اصفهان نشان می‌دهد که کاشت و داشت و بهره برداری از درختان صنعتی یکی از راههای سودآور و اقتصادی باغداران و کشاورزان بوده که ضمن تامین معیشت آحادی از جامعه (اعم از باغداران، چوب فروشان و سازندگان ابنیه و ...) عامل مهم و اساسی جهت حفظ و توسعه فضای سبز بدون دخالت عوامل خارجی بوده

اند، هر باغدار با کشت درختان صنعتی (اعم از مشمر و چوبیده نظیر گردو، توت و غیر مشمر نظیر چنار، کبوده، زبان گنجشک و ...) و تکثیر آنها از طریق قلمه بویژه در احداث بیشه زارها و زراعت چوب قادر بودند طی دوره مشخصی درختان را به بهره دهی و تولید چوبهای صنعتی رسانیده و روانه بازار فروش نمایند و از درآمد قابل ملاحظه ای نیز برخوردار گردند و در مدت نسبتاً کوتاهی با نهالکاری مجدد و یا استفاده از پاجوش بیشه زار یا باغستان جدید و جوانی به فضای سبز شهر تحویل دهند و بدون تحمل هزینه های اضافی به نوعی تولید چوب که امروزه در کشورهای اروپائی و کشور روسیه موسوم است مبادرت می نمودند و این اقدام اساسی نه تنها فاقد مشکلات سمپاشی و دفع آفات و حمل و نقل میوه جات و رهائی از خطرات بلایای طبیعی نظیر تگرگ، سرمای بهاره و غیره می باشد، بلکه در حفظ محیط زیست و تلطیف هوای شهر و اقتصاد کشاورز و باغدار نیز تاثیر بسزائی دارد و متاسفانه نبود مدیریت های مناسب و عدم هماهنگی در اجرای طرحها و پروژه های آموزشی ترویجی و نگرش های تک بعدی و غیره فنی موجب گردیده که فنون تجربی و رسوم چندین و چند ساله باغداران به مسیرهایی هدایت شود که پس از مدتی نه اثری از تاک ماند نه تاک نشان و تخریب و تبدیل و تک بری درختان و ظهور و پیدایش آپارتمان های چند طبقه آغاز گردد. در صورتیکه با وجود یک سازمان هدفمند و جامع نگر می توانیم با صرف هزینه های نه چندان زیاد

و ابداع شیوه های مناسب از رخداد فجایع و وقایع اسف انگیز و غیرقابل جبران جلوگیری به عمل آوریم.

مادیها و انهار نازوان

تاریخچه مادی های اصفهان

اگرچه تنها از قرن دهم هجری یا بعد از آن در تقسیم آب اصفهان طوماری با خط سیاتی و منسوب به شیخ بهایی وجود دارد. ولی قدمت سابقه آبیاری دشت اصفهان از طریق رودخانه زاینده رود سابقه ای ۳ هزار ساله دارد. زیرا انسان از زمانی که فن کشاورزی را آموخت و استقرار در کنار آبها و رودخانه ها را به شبانی و گله چرانی در کوهها و مراتع ترجیح داد مناطق متعددی که امکان زراعت و کشاورزی در آن وجود داشت برای ادامه زندگی و ارتزاق انتخاب و به کشت و کار مشغول گردید که قطعاً نمی توانسته است دارای سوابق تاریخی مکتوب باشد، نوشته های قرن سوم و ابن حوقل نشان دهنده وجود سابقه تاریخی نسبتاً طولانی در امر استفاده از آب رودخانه زاینده رود می باشد ذیلاً به برخی از متون مربوط به زاینده رود اشاره می گردد. آبش بهترین آبهای زمینی است چنانکه انهار آن به ما رسیده و در صحت آنها اختلافی نیست و این آب در رودخانه ای که بدان زرین رود گفته می شود می باشد این نام را اردشیر بابک نهاده است سرچشمه این آب از چشمه ای است که از یکی از سرزمینهای حاصلخیزی که از شهر مرکزی سی فرسخی دوراست می باشد و در روستاهایی که بدین آب نیاز است بی حساب نهرهایی از آن منشعب می سازد تا اینکه این آب به روستاهای جی و ماربین و لنجان طسوج الروز و رویدشت بنا به

تقسیمی که کسری اردشیرین بابک نموده بوده تقسیم می کنند و برای هر قریه ای از این روستا سهمی مشخص و معلوم قرار داده بود که بر حسب اندازه های معینی آب را به هر قریه جاری می ساخت. ابن حوقل در قرن سوم هجری می گوید: ذره ای از آب زاینده رود به هدر نمی رود و آب طی حساب و کتاب از رخنه ها و شکافهای که نصب کرده اند به روستا می رود آب رودخانه هر ۹ روز تماماً بر بر آن و رودشت می رود و در موقع بذرکاری ۴۰ روز به آن سمت می رود.

موقعیت جغرافیایی مادی های اصفهان

دشت اصفهان با وسعتی معادل ۳۵۰۰۰ هکتار از شمال محدود است به ارتفاعات حدفاصل منطقه مورچه خورت از جنوب به ارتفاعات کوه دنبه و صفه از سمت غرب به اراضی خمینی شهر و از سمت شرق به اراضی دشت سجزی منتهی می شود. کلان شهر اصفهان با وسعتی معادل ۲۰۰۰۰ هکتار در ضلع جنوبی - این دشت قرار گرفته و به وسیله رودخانه زاینده رود به دو ناحیه شمالی و جنوبی تقسیم می گردد. رودخانه زاینده رود با جهت غربی و شرقی و شیب نسبتاً ملایم پس از عبور از شهر به سمت تالاب گاوخونی طی طریق مینماید انشعابات برگرفته شده از رودخانه زاینده رود که تحت عنوان مادی از آنها نام برده می شود بسیار زیاد بوده و تعداد آنها در طومار منتخب به شیخ بهایی تا ۱۲۳ رشته ذکر شده که از پل کله شروع و تا بند مردان و بند آسیاب ادامه داشته است. تعداد مادیهایی که پس از انشعاب از رودخانه

زاینده رود در دشت اصفهان جاری میشده و اینکه در نواحی مختلف شهر با انشعابات متعدد و نامهای متفاوت و موانع مشکلات گوناگون قابل رویت است. این مادیها عبارتند از نیاصرم، فرشادی، فدن، تیران، ناجوان، جوی شاه، کارلادان، قمیش، صرم، شائیح، نائیح و عبدالله خان.

مشخصات مادیهای سطح شهر اصفهان

آنچه مسلم است مادیهای سطح شهر اصفهان تحت تأثیر تحولات اجتماعی توسعه شهری شبکه های آبیاری و غیره و کارایی سابق خود را که مهمترین آن انتقال آب در امر کشاورزی بوده از دست داده اند و با تبدیل شدن بخش اعظم باغات و مزارع و بیشه زارها به اماکن مسکونی و حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق این آبراهه ها و معابر سبز تا حدود زیادی مورد بی مهری و تجاوز و تصرف قرار گرفته اند تصرفات غیر قانونی در حریم مادی ها، مسدود کردن مقاطعی از طول مسیر مادی توسط مردم مسدود کردن برخی از سر دهنه های مادی توسط ادارات و ارگانها ریختن زباله و خاشاک در داخل مادی ها قطع اشجار و سوزاندن درختان توسط متجاوزین طولانی کردن فواصل آبیاری و تأخیر طولانی مدت در زمان آبیاری نفوذ طرحها و پروژه ها شهرسازی در طول مسیر مادی ها و غیره از جمله بی مهرهای است که توسط ابناء بشر صورت پذیرفته و همچنان در حال تداوم است. ولی به نظر نمی رسد روا داشتن چنین رفتارهای ویرانگرانه ای سزاوار این شبکه حیات بخش باشد و این یکی از ضربه های زیست محیطی است که انسان عصر حاضر بر محیط زندگی خود وارد نموده غافل از اینکه این انهار و معابر زمردین علاوه بر ایجاد مکانهای

مفرح و آرام بخش می تواند در افزایش رطوبت نسبی هوای منطقه و تلطیف و پاکسازی هوای آلوده هدایت و نفوذ آبهای هرز ناشی از بارندگی غنی سازی منابع آبهای زیرزمینی دشت اصفهان و غیره نقش بسزایی داشته باشد.

مسائل و مشکلات انهار و مادی های سطح شهر اصفهان

اقتضای از جامعه برای شرایط زیست محیطی و تخریب اکوسیستم ها ارزش و اهمیت قائل نبوده لذا گرایش به قانون و قانونمندی به منظور منع کردن افراد مختلف از گامهای ضروری می باشد و اجرای قوانین و اصلاح قوانین ضروری ترین کاری است که بایستی مورد توجه قرار گیرد.

روشهای احیاء و بازسازی های مادی ها

روشهای احیاء و بازسازی های مادی ها

مادی ها شبکه ای هستند از یک اکوسیستم پویا و حیات بخش که سالیان متمادی است در ستیز با ناهنجاریهای اقلیم خشک و کویری مبارزه می کند اگر چه نفوذ خانه سازی و شهرسازی در درون این شبکه تا حدودی از اقتدار آن کاسته ولی نتوانسته است موجب نابودی آنها را فراهم آورد و فریاد غریبانه آنها همچنان از فراسوی تاج درختان و کوچه باغهای پر پیچ و خم و آشیانه پرندگان بگوش ابناء بشر و فرزندان این آب و خاک میرسد و هنوز هم هستند دستهایی که به حمایت از این فریادهای غریبانه در تلاش و تکاپو باشند. به منظور احیاء سازی این شبکه سبز نیاز به انجام یکسری عملیات و اقدامات اساسی و زیربنائی می باشد که ذیلاً به اهم این موارد اشاره میگردد. ۱- مشخص کردن حق آبه و تنظیم تقویم آبیاری آنچه مسلم است عنصر اصلی و حیات بخش این انهار سنتی آب است و به نظر نمی رسد در ضرورت مصرف آب در این مادی ها هیچ کارشناسی بتواند شک و تردیدی داشته باشد زیرا مصرف آب در این مادی ها چند منظوره بوده و تقریباً تمامی اهداف انسان را در مصرف آب تحقق می بخشد که از آن جمله می توان به موارد ذیل

اشاره نمود: الف: تغذیه سفره آبهای زیرزمینی و به تبع آن افزایش تولیدات زراعی و باغی ب: احیاء و توسعه فضای سبز شهری ج: تلطیف هوا و افزایش رطوبت نسبی در شهر د: بهبود میکرو اقلیمای شهری برای جمعیت ساکن در شهر ه: حفظ معابر سبز به منظور تفریح و تفرج مردم

۲- حفظ حریم قانونی انهار و مادی ها ۳- مراقبت و نگهداری مستمر از اشجار و درختان حاشیه مادی ها امروزه اشخاص متفاوت با دیدگاهها و منظورهای متفاوت در ارتباط با درختان رفتارهای متفاوتی نشان می دهند که دیدگاههای منفی گاهی خساراتی سنگین را بیار می آورد که از آن جمله می توان به قطع شبانه درختان، سوزاندن درختان اشاره نمود در این رابطه طرح ساماندهی ناژوان و صفه در ترویج فرهنگ حفاظت از درخت و تشکیل یگانه های حفاظتی و برخورد قانونی با متخلفین و انجام هرس شاخه های خشکیده و فرم دادن به درختان و همچنین دفع آفات و مبارزه شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی نقش مهمی را ایفا می کند. طول شبکه انهار مادی های ۱۲ گانه سطح شهر اصفهان حدود ۱۸۶۷۶۲ متر بوده که چنانچه عرض متوسط نهر یا مادی را با حریم و تاج پوشش درختان ۲۰ متر در نظر بگیریم سطح فضای سبز ارائه شده به شهر اصفهان از طریق مادی ها حدود ۳۷۰ هکتار برآورد می گردد.

بازسازی و عمران انهار و مادی ها

بی توجهی به مادی ها از جنبه های عمرانی و آبادانی قابل بررسی می باشد زیرا زمانیکه اراضی آبخور مادی ها تبدیل به ساخت و ساز گردید و زارعین و کشاورزان حق آبه سبز تبدیل به بساز و فروش های شهری شدند

بی توجهی گریبانگیر مادی ها گردید و از آن پس بازسازی و لایروبی و اصلاح آنها به فراموشی سپرده شد. در حال حاضر به جز شهرداریها که عمدتاً با هدف توسعه فضای سبز و حمایت از اشجار و درختان که گاه به عمران مادی ها می پردازند سازمان یا ارگان دیگری انجام چنین اموری را به دست نگرفته است. در بیشتر مسیرها لازم است که اقدامات زیر انجام پذیرد.

الف: بازسازی سر دهنه مادی ها ب: اصلاح یا احداث آب بندهای مناسب ج: لایروبی و برداشتن موانع و انسدادها در طول مسیر د: بازسازی پل های آبگذر ه: دیواره سازی و اصلاح شیب های جانبی و: واکاری نهال و درخت در مسیرهای فاقد درخت ز: رها سازی حریم قانونی مادی ها ح: مرمت و اصلاح معابر سبز و پیاده رو و سواره رو در مسیر مادی ها ط: حذف علفهای هرز به منظور تسهیل در عملیات آبیاری ک: بازسازی شترگلوها در مقاطع عرض خیابانها و اتوبانها ل: نصب کنترل دریچه و تقسیم آب م: برقراری امکانات امنیتی و رفاهی و تفریحی در مسیر مادی ها

اهداف و راهبردها و اهمیت حفظ و بازسازی مادی ها در اصفهان

از آنجائیکه دشت اصفهان از شرایط همواری برخوردار بوده رسوبات دانه ریز و آبرفتی سیلیسی و رسی اراضی حاصلخیز را تشکیل داده اند بر این اساس تقدیر چنین بوده که این دو عنصر پاک و مفید یعنی آب و خاک در این خطه قرین یکدیگر شده و پایه گذار تمدنی کهن برای فرزندان این مرز و بوم گردند. بهر حال با مأنوس شدن آب و خاک در این دشت عناصر دیگری نظیر گیاه و موجودات زنده به این جمع پیوسته و

زندگی آغاز گردید انشعابات متعدد انهار که گاهی تحت عنوان مادی شناخته می شود ساده ترین و ارزانترین راه انتقال آب از رودخانه بر روی دشت بوده که با عمل خاکبرداری و استفاده از نیروی انسانی صورت گرفته و چنانچه اندیشه را به ادوار گذشته، زمانی که شهر اصفهان بسیار محدود و کوچک و در حد یک روستا بوده است سوق دهیم ملاحظه خواهیم کرد که هدایت یک نهر درون دشت های رسوبی و به زیر کشت بردن آن اراضی کار چندان مشکلی نبوده است. بهرحال عملی شدن این کار و تداوم آن منافع و محسنات ذیل را برای دشت اصفهان در برداشته است. ۱- این شبکه به عنوان یک سیستم پخش آب عمل کرده و نه تنها از هدر رفتن آب جلوگیری کرده بلکه باعث تقویت سفره های آب زیرزمینی دشت شده بطوریکه هم اکنون با وجود حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق زیاد درون دشت این سفره هنوز از غناء خوبی برخوردار است. ۲- پخش آب در فصول پر آب رودخانه موجب جلوگیری از تمرکز آب و تخریب های احتمالی توسط سیلاب می گردد. ۳- با توجه به ناکافی بودن بارندگی در نواحی خشک و نیمه خشک و بالا بودن میزان تبخیر سالیانه از میزان بارندگی که باعث شور شدن خاکها و بالا آمدن املاح می گردد عمل پخش آب توسط مادی ها در دشت موجبات شستشوی مداوم اراضی و جلوگیری از شوری بیش از حد خاکهای منطقه می گردد. ۴- با توجه به اینکه اکنون قسمتی از مادی های منشعب از رودخانه در داخل ساخت و سازهای شهری قرار گرفته حفظ اشجار موجود و غرس نهال

های جدید می تواند به عنوان راهروهای ریوی شهری محسوب شود و تأمین کننده بخشی از فضای سبز مورد نیاز شهروندان گردد. ۵- از آنجائیکه شهر اصفهان در قلمرو اقالیم خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد جریان آب در این مادی ها باعث افزایش رطوبت در محیط های مسکونی شده و ضمن تلفیق با فضای سبز شرایط بهتری را برای محیط زیست شهری فراهم می آورد. ۶- انتقال آب از طریق مادی ها بر روی اراضی زراعی نوعی آبیاری محسوب شده که نیاز به هیچگونه انرژی و نیروی برق یا سوخت فسیلی و غیره نخواهد داشت و درآمد بیشتری برای کشاورزی عاید می نماید. ۷- در صورت رعایت مهار هیدرولوژی شهری مادی ها می توانند از تجمع آب باران جلوگیری کرده و این آبها را به سفره آبهای زیرزمینی هدایت کرده و از تبخیر آنها جلوگیری به عمل آورند. با اوصاف یاد شده و با توجه به مندرجات و اهداف طرح جامع اراضی ناژوان که به حفظ و نگهداری و احیاء و توسعه منابع موجود در گستره پارک ناژوان توجه نموده و اولویت عملیات عمرانی را به مناطقی که از لحاظ اجتماعی دارای مشکلات و تهدیدهای کمتر می باشد داده است لذا واحد طراحی و عمران طرح ساماندهی ناژوان محدوده و حریم مادی عبدا... خان را که در رینگ شفاف طرح قرار گرفته تحت عنوان طرح تفصیلی اجرائی بازسازی و اصلاح مادی عبدا... خان انتخاب و اهداف راهبردی را پیاده می نماید.

واحد فضای سبز ناژوان

فضای سبز درختان ناژوان

درختان از جمله عناصر اساسی حیات انسان به شمار می روند که از زمان پیدایش بشر تاکنون با او همراه بوده و نیازهای مختلف

آدمی را تأمین کرده اند در برخی از فرهنگها درخت از تقدیس خاصی برخوردار بوده است در ایران قدیم درختان چنار، خرما، انار، انجیر به عنوان درختان مقدس به شمار می آمدند درخت سرو نیز از جمله درختانی است که جایگاه خاصی در نزد ایرانیان داشته و شاعران ایرانی همواره آزادگی، رعنائی و زیبایی آنرا ستوده اند درختان همواره به عنوان یک منبع اقتصادی مهم مورد توجه بوده اند. در دنیای امروز ارزش های غیرقابل جایگزین زیست محیطی درختان از اهمیت بیشتری برخوردار است هر درخت بالغ سالانه ۶ کیلوگرم دی اکسید کربن مصرف می کند. طرح اراضی ناژوان عمدتاً به دلیل منابع طبیعی خود مورد توجه قرار گرفته است اما مثل کلیه مواردی از این دست در دنیای امروز بحث مهمی که بر تمامی جنبه های برنامه ریزی تأثیر می گذارد آن است که تقدم به توسعه داده شود یا حفظ محیط زیست. در این راستا طرح توسعه در اراضی ناژوان اساساً به معنای استفاده و بهره وری از منابع طبیعی این محدوده در جهت گذراندن اوقات فراغت است. حفظ فضای سبز حاشیه رودخانه یک سنت تاریخی است حفظ ناژوان در شکل و مضمون کنونی خود مسئولیتی است عظیم و تجربه ای بی نظیر در تاریخ شهرسازی (ایران)، زیرا تلاش می شود که با اتخاذ سیاستی جامع و با یک برنامه ریزی گام به گام هدفمند مانع از پیشروی توسعه بی در و پیکر بر روی اراضی کشاورزی و باغها گردد. نگهداری از پارک ایجاد شده حتی از ایجاد آن مهم تر می باشد پارکی که در اثر بی توجهی عدم شناخت از عوامل

آسیب رسان رو به انحطاط می‌رود نه تنها ضربه ای خواهد بود بر پیکر محیط زیست منطقه بلکه از نظر اقتصادی - اجتماعی سرمایه ای بی نظیر را به باد خواهد داد که جبران آن به این زودیها میسر نخواهد بود. تبدیل و اشغال اراضی مرغوب زراعی - توسعه فضای سبز شهری در اراضی سنگلاخی - کوهستانی - کویری و افزایش روزافزون فضای سبز در اراضی پست و با محدودیت های زراعی متعدد - کاهش منابع آب - افزایش هزینه های احداث و نگهداری فضای سبز در مکان شهرها، این ضرورت را ایجاب نموده است که ایجاد فضای سبز و جنگل کاری پایدار یا به عبارتی (فضای سبز صنعتی) با استفاده از گونه های جنگلی آندومیک سازگار و بادوام و کم هزینه - کم توقع و کم آب در اراضی و مراتع مخروبه و فرسایش یافته و یا اراضی کویری امکان پذیرد. فضای سبز در اراضی محدوده ناژوان شامل کلیه سطوحی می شود که با پوشش گیاهی مفروش شده اند. بر این اساس باغها، بیشه ها، اراضی زراعی، پارکها، سبزه راهها و حاشیه مادی ها و ... جزو فضاهای سبز می باشند. وسعت این سطوح حدود ۱۲۰۰ هکتار می باشد به غیر از سطوح پارکی که عمدتاً در طرفین محور رودخانه شکل گرفته اند. بقیه مرزهای سبزینگی فوق در اراضی ناژوان پراکنده شده اند و در گوشه و کنار محدوده مورد نظر به چشم می خورند. بر این اساس به دلیل ویژگیهای خاص منطقه ناژوان که هر یک دارای توان های اکولوژیک و نیز محدودیت های خاص خود می باشد. ضرورت اختصاصی محلی برای جمع آوری - تولید و

تکثیر گونه های مزبور بررسی و قطعه زمینی محصور واقع در خیابان باغ فردوس (لوله) ناژوان مناسب تشخیص داده شد و از دیماه سال ۱۳۸۲ اقدام به کشت و تولید جمعاً ۴۰ گونه گیاه شد که به تفکیک به دسته های زیر تقسیم می گردد. (تا ۸۰ گونه در دست افزایش است). ۱-درخت و درختچه های جنگلی پایدار و خودرو مربوط به رویشگاههای زاگرس غربی و جنوبی، سازگار با شرایط آب و هوایی و کليمایی منطقه ناژوان. ۲-انتخاب گیاهان مرتعی و دارویی خودرو موجود در کوههای اطراف که مناسب جهت تثبیت خاک و جلوگیری از فرسایش و نیز مصارف دارویی و همچنین جهت غنی سازی پوشش گیاهی و کشت در اراضی ناژوان. از جمله مهمترین نقش این گیاهان تأثیرات مطلوبی است که بر آب و هوای منطقه پیرامونی خود می گذارد و همچنین کاهش گرد و غبار که این امر در آب و هوای خنک و پر گرد و غبار شهر اصفهان بسیار حائز اهمیت است.

اهداف مدیریت طرح ساماندهی ناژوان و صفه

۱)حفاظت گسترش بهبود و ارتقاء فضای سبز و باز محدوده اراضی ناژوان (۲) ایجاد عملکردی از تفریحات که در عین حفظ طبیعت و منابع، با بهره گیری از آن قصد بازیابی قوای جسمانی و روانی شهروندان منطقه اصفهان را در برمی گیرد. (۳) هدایت توسعه شهری که در مرحله اول جلوگیری از رشد کنونی و در مرحله دوم هدایت، سامان دهی و توسعه در محدوده مورد نظر را دارد. (۴) ایجاد حسی از باز بودن طبیعی فضا به عنوان جزئی جدا نشدنی از پیرامون شهر (۵) حفاظت و نگهداری ویژگی های طبیعی منابع و ثروتهای فرهنگی منطقه ناژوان

مجموع اراضی ۱۲۰۰ هکتاری پارک طبیعی ناژوان براساس طرح جامع تصویبی شهر اصفهان خارج از شهر و در محدوده حریم استحفاظی کاربری اراضی باغات و زمینهای کشاورزی است. شهرداری اصفهان از دهه ۶۰ با انگیزه ایجاد یک محور تفریحی وارد پارک ناژوان شده و شروع به تملک اراضی حاشیه رودخانه زاینده رود کرده است. با توجه به تغییر و تحول اجتماعی و سیاسی انجام شده طی ۲ دهه اخیر از اوایل دهه ۷۰ نگاه شهرداری اصفهان به پارک ناژوان نگاهی جدید و با اهمیت تلقی گردید. از اوایل دهه ۷۰ کمیته فنی ناژوان با توجه به اهمیت موضوع تحت عنوان هیئت مدیره پارک ناژوان تشکیل و مقرر گردید کلیه فرایندها و اتفاقات این محدوده زیر نظر این کمیته انجام شود. از اوایل سال ۱۳۷۶ با هدف یکپارچه نمودن اقدامات شهرداری اصفهان در شمال و جنوب رودخانه پارک طبیعی ناژوان، مشاور شهر و خانه به عنوان مشاور پارک طبیعی ناژوان انتخاب و کار مقدماتی آغاز گردید. که حاصل این مطالعات ۵ جلد کتاب طرح جامع اراضی ناژوان می باشد. حاصل مطالعات مشاور و آنچه که پس از مطالعات مشاور برای شهرداری اصفهان و مدیریت کلان شهرداری اصفهان به صورت بارز نمودار شد اینکه با توجه به وضعیت قرار گرفتن این پارک در مسیر بادهای غربی - جنوب غرب به شمال شرق و وضعیت قرار گرفتن اکثر صنایع آلاینده در غرب اصفهان این پارک به عنوان فیلتر طبیعی برای شهر اصفهان عمل می نماید و هرگونه دخل و تصرف و تغییر در ساختار طبیعی این پارک موجب تشدید وضعیت بحرانی آلودگی شهر اصفهان و وضعیت خطرناکی برای

کلان شهر اصفهان به وجود خواهد آورد. پس بنابراین این محدوده ۱۲۰۰ هکتاری باید با حفظ کاربری و توسعه باغات خارج از محدوده ساخت و ساز و توسعه شهری قرار گرفته و روز به روز در جهت احیاء باغات و بیشه زارها و فضای سبز آن تلاش شود. محور گردشگری پارک طبیعی ناژوان محور داغ آب قدیم رودخانه زاینده رود است عرض این محور در نقاط مختلف متناوب و از خط تالوگ بین حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ متر در دو سوی رودخانه متغیر است. حذف ترافیک از حاشیه رودخانه زاینده به فاصله متناسب از رودخانه از اقدامات طرح ساماندهی ناژوان و صفا است. بر اساس مطالعات مرحله به مرحله می بایستی عبور و مرور وسایل نقلیه شخصی از رودخانه زاینده رود فاصله گرفته و به جای آن وسایل نقلیه عمومی جایگزین شود و ترجیحاً مسیرهای عبور پیاده احداث شود در این راستا در اولین اقدام در سال ۱۳۷۹ شهرداری اصفهان با هدف جذب جاذبه های حاشیه رودخانه و یکپارچه کردن اراضی تملکی اقدام به آزاد سازی و پارک سازی از پل میرزا کوچک خان تا پل نصر به مساحت ۴۵۰ هزار مترمربع نمود و خیابان الفت احداث گردید. با احداث خیابان الفت و یکپارچه کردن اراضی شمالی این خیابان پارک بامداد احداث گردید. قرینه این جاده در شمال رودخانه حدفاصل پل مارنان تا پل وحید است. این طرح جهت آزاد سازی و حذف ترافیک از حاشیه شمال رودخانه بوده و در اقدام بعدی مقرر شد حد فاصل پل نصر تا پارک لوله در حاشیه نهر جلالان جاده ای احداث و مسیر عبور و مرور

سواره از حاشیه رودخانه قطع و به فاصله مناسب تری انتقال داده شود. با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف مدیریت پارک طبیعی ناژوان جلوگیری از تبدیل اراضی کشاورزی به اراضی مسکونی و خدماتی در پارک ناژوان است مقرر گردید طی یک برنامه ۳ ساله مجموعه ۶۰ واحد ساختمان موجود در محدوده پارک ناژوان به خارج پارک انتقال داده شود و این اراضی به وضعیت اولیه برگردد. احداث مانع توسعه شهری یکی دیگر از اهداف اصلی پروژه طرح ساماندهی ناژوان و صفا است که کار توافق و تملک اراضی حاشیه این طرح به صورت جدی پیگیری و در حال انجام است. بر این اساس تمام اقدامات عمرانی در ناژوان با هدف جلوگیری از تخریب وضعیت طبیعی آن و با ایجاد کمترین تغییرات و در جهت آشتی با طبیعت می باشد. در احداث دسترسی ها استفاده از محورهای ارگانیک موجود در ناژوان در ساخت ورزشگاه های در واقع احداث باغ ورزشی و اماکن خدماتی به صورت باغهای متراکم ایده نهایی احیا بیشه زارهای قدیم اصفهان و به وجود آوردن یک سیستم اکولوژیکی که بتواند در دراز مدت بصورت پایدار باقی بماند.

عنوان پروژه های پارک طبیعی ناژوان در سال ۱۳۸۳

تأمین معوض و آزادسازی اراضی کمر بند حفاظتی پارک ، تأمین معوض و آزادسازی اراضی حفاظتی حاشیه نصرآباد ، اجرا و احداث پارکینگ ها ، محوطه سازی پارک بامداد، احداث پل های عابر پیاده روی رودخانه زاینده رود، تعمیرات و نگهداری تأسیسات و اماکن عمومی، تعمیرات و نگهداری باغ پرندگان، احداث محور شمالی (مشابه الفت)، احداث زمینهای ورزشی مخصوص بانوان و آقایان، تأمین معوض و احداث واحدهای مسکونی (جوی جلالان)، نگهداری و توسعه فضای

سبز، آزادسازی محل چایخانه های موجود، احداث باغ بانوان، بازسازی و احیاء مادی ها و انهار، تکمیل روشنایی ناژوان، بازنگری طرح تدقیق و تفصیلی ناژوان، احداث مسیرهای مانع توسعه شهری، تجهیز و تعمیرات فضای سبز آموزشی

در سال ۱۳۸۳ با توجه به استقبال مردم از پارک طبیعی ناژوان موضوع تأمین خدمات اولیه مورد نیاز مردم در ناژوان بر اساس اهداف طرح جامع در دستور کار این مدیریت قرار گرفت که شرح پروژه های در دست اقدام به شرح ذیل می باشد. ۱- تصویب طرح ناژوان و صفه در کمیسیون ماده ۵ بعد از گذشت بیست سال ۲- تملک و آزادسازی اراضی رینگ شفاف ۳- رینگ آمیزی پل ناژوان ۴- جدول گذاری پارکینگ باغ پرندگان به طول ۳۰۰ متر و هزینه ای بالغ بر ۱۲ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ۵- محوطه سازی سرویسهای بهداشتی به مساحت ۶۰۰ متر و هزینه ای بالغ بر ۵۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ۶- دیوار کشی باغ لوله به طول ۳۵۰ متر مربع و هزینه ای بالغ بر ۱۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ۷- برق رسانی به جنوب رودخانه جهت ورزشگاه قائمیه، زمین فوتبال باغ فردوس، روشنایی خیابان باغ فردوس حد فاصل پارک لوله تا پل تسمه ای ۸- تأمین آب شرب ناژوان حد فاصل پل نصر تا پل وحید شمال و جنوب رودخانه ۹- لوله کشی مسیر شمال و جنوب ناژوان با مساحتی بالغ بر ۶ کیلومتر ۱۰- احداث سالن تاکسی درمی و سالن نمایش پروانه های تاکسی درمی شده با مساحتی بالغ ۲۲۰ متر مربع و هزینه ای بالغ بر ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ۱۱- احداث برج تکثیر حدود ۱۳۵ مترمربع و هزینه ای بالغ بر

۱۲- احداث کلینیک و قرنطینه باغ پرندگان حدود ۸۰ مترمربع و هزینه ای بالغ بر ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و استفاده از امکانات موجود ۱۳- احداث دو ورزشگاه در باغ فردوس و قائمیه به مساحت ۱۵۰۰۰ مترمربع شامل فنس کشی

۱۴- احداث دو دستگاه سرویس بهداشتی به مساحت ۳۵ مترمربع و چهار چشمه با هزینه ای بالغ بر ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۲ ماه ۱۵- احداث پارکینگ ناژوان شامل زیرسازی، جدول گذاری، آسفالت و روشنایی به مساحت ۳۵۰۰ متر مربع و هزینه ای بالغ بر ۱۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۶- آبرسانی به مسیر جنوبی پارک ناژوان به مساحت حدود ۱۵ هکتار ۱۷- بازسازی کامل ۶ دستگاه سرویس بهداشتی شامل کف سازی، نصب درب و پنجره، روشنایی، استرلاب به مساحت حدود ۶۰۰ مترمربع، تعداد حدود ۷۰ چشمه ۱۸- احداث دو مرکز خدماتی نیمه کاره (باغ خانواده) در جنوب رودخانه

۱۹- اجرای روشنایی جزیره جنب پل وحید

سوغات اصفهان

گز اصفهان

یکی از معروفترین سوغات اصفهان گز می باشد مواد اولیه این شیرینی مطبوع و مشهور که گز انگبین باشد، در اطراف این شهر به عمل می آید. گز انگبین ریشه گیاهی به نام بته یا درخت گز است. ارتفاع این درخت کوهستانی حداکثر به دو متر می رسد و بیشتر در مناطق خوش آب و هوای بختیاری و خوانسار در دامنه کوهها به عمل می آید. در اواخر تابستان محصول این درخت آماده برداشت می شود و دانه های براق و زرد رنگی مثل دانه ارزن از ساقه های این درخت بیرون می زند. در این هنگام صاحبان درختان گز باید محصول را، قبل از اینکه ریزش بارانهای پاییزی شروع شود، برداشت کنند. جهت برداشت محصول، پوست دباغی شده گوسفند را

- که تمیز و سفید می باشد و به آن دباله می گویند - زیر درختچه پهن می کنند سپس با چوب سر کجی که به همین منظور تهیه شده و آن را دگنک می نامند، به تنه درخت ضربه می زنند تا دانه های ارزن مانند، از بدنه درخت جدا شده و داخل دباله بریزد. این گزها ناخالص و با برگ و مواد دیگر مخلوط است که برای تمیز کردن آن از غربال آهنی که به همین منظور ساخته شده استفاده می شود و آن مواد ناخالص را غربال می کنند تا دانه های گز از سوراخهای غربال عبور کرده و مواد اضافی در غربال باقی بماند. در طول سال بالغ بر ده مرتبه این کار تکرار می شود که هر چه بیشتر تکرار شود، نوع محصول بعدی نامرغوب می گردد و محصول بار اول به صورت گل و از همه مرغوب تر است. مواد اضافی که در غربال باقی می ماند هم، مصارف مختلف دارد. از جمله آن مواد، گز علفی است که در پزشکی استفاده می شود. اما دانه های گز اصلی که در کیسه ها جمع آوری می شود بسیار گرانبها و ماده اصلی به شمار می آید. چنانچه قبل از برداشت محصول بارندگی بشود، از مرغوبیت گز خواهد کاست و اگر تعداد بارش بارانها زیاد باشد در آن سال، محصول قابل استفاده نمی باشد. برای تهیه گز مرغوب نیمی از مواد مصرفی، دانه های گز گیاهی و نیمی دیگر شکر و مغز پسته و یا بادام و مواد دیگر استفاده می شود. گاهی هم بنا به سفارش متنفذین ماده ای به نام شیر خشت به گز اضافه می:ردند و حتی به جای آب خالص در آن آب هندوانه می رختند. این نوع گز سفارشی و

مخصوص بوده که برای پادشاهان و رؤسای ممالک دیگر به عنوان سوغات فرستاده می شده و در بازار یافت نمی شد. اما گز بسیار مرغوب به علت کمبود و گرانی ماده اولیه، کمتر تهیه می شود. این روزها گز فروشیها برای پایین نگه داشتن قیمت، از ماده دیگری به نام بادکا که از سیب زمینی تهیه می شود، به جای گز گیاهی استفاده می کنند. اما این گز به هیچ وجه طعم و لطافت گز اصلی را ندارد. نوع دیگر گز که در جعبه های کوچک فلزی به فروش می رسد، گز انگشت پیچ است که در آن از مغز پسته و بادام استفاده نمی کنند تا سالخوردگان به راحتی آن را تناول نمایند.

مراکز خدماتی رفاهی

شهرداری ها

تاریخچه شهرداری

شهرداری از نظر لغوی از دو کلمه «شهر» و «داری» تشکیل گردیده که «داری» به معنی اداره و مدیریت و «شهر» پس از ۱۳۶۲ به جایی که دارای شهرداری باشد اطلاق می گردید. بنابراین از نظر لغوی شهرداری را می توان سازمان اداره شهر دانست و در اصطلاح، شهرداری به واحدی گفته می شود که به منظور اداره امور محلی و ارائه خدمات عمومی مورد نیاز شهروندان در یک مرکز جمعیتی با خصایص شهری تشکیل می شود. در اواخر قرن سوم (ه. ق) به منظور انجام و اداره امور شهری دایره احتسابیه با دو شعبه احتساب و نظیف تشکیل شد، اما سازمان شهرداری با مفهوم امروزی از زمان تشکیل حکومت مشروطه (دوران قاجار) با تصویب قانون بلدیة مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه. ق (۱۲۸۶ ش) پا به عرصه وجود نهاد. این قانون در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده تنظیم و تصویب شده بود که در فصل چهارم، چگونگی

سازمان بلدیّه، تقسیم کار، وظایف و حدود اختیارات اعضای انجمن و واحدهای سازمانی تابعه، نحوه اعمال نظارت و مداخله حاکم را در امور بلدیّه تعیین نموده بود و در ماده ۹۳ آن بر لزوم وجود شخصی به عنوان کلانتر (شهردار)، که اداره امور بلدیّه را به عهده بگیرد اشاره شده است. با نسخ قانون مذکور در سال ۱۳۰۹ ه. ش قانون دیگری با ضوابط جدید و متناسب با افزایش اعتبارات و امکانات مالی شهرداری ها تصویب شد و وزارت کشور، سرپرستی ادارات بلدیّه را بر عهده گرفت. و در سال ۱۳۱۲ ه. ش وزارت کشور برای اینکه اصلاحات شهری به خوبی انجام شود و کلیه امور فنی و شهرسازی شهرها زیر نظر مهندسین مجرب و با برنامه صحیح انجام گیرد با تقدیم لایحه ای به مجلس شورای ملی موجبات تشکیل اداره کل فنی را در وزارتخانه فراهم نمود و بعد از سال ۱۳۲۰ ه. ش اداره مزبور به اداره کل امور شهرداری ها تبدیل گردید. سپس بر اساس قانون ۱۳۲۸ (ه. ش) با اعطای اختیاراتی به انجمن شهر، از نظر سیاسی و اجتماعی تحولاتی در وضع شهرها بوجود آمد. به دنبال گسترش شهرها و افزایش جمعیت و به تبع آن تنوع نیازها و احتیاجات شهروندان، وظایف و فعالیت شهرداری ها نیز تنوع و گسترش بیشتری یافت، به گونه ای که امروزه از شهرداری ها به عنوان بزرگترین و متنوع ترین سازمان خدماتی شهری نام می برند. شایان ذکر است نخستین شهرداری در ایران در سال ۱۲۸۶ (ه. ش) در تهران تأسیس گردیده و در مجموع تا پیش از انقلاب اسلامی تعداد ۴۵۳ شهرداری در کشور

تأسیس گردید که بیشترین تعداد شهرداری، در استانهای اصفهان و مازندران (هر کدام ۴۶ شهرداری) و کمترین تعداد شهرداری در استان کهگیلویه و بویر احمد (۴ شهرداری) وجود داشت و در حال حاضر ۷۰۰ شهرداری در کشور فعال هستند.

شهرداری مرکزی

اصفهان – دروازه دولت تلفن تماس: ۱۳۷

شهرداری های مناطق

شهردار منطقه یک

نشانی: پل مارنان، اول خیابان صائب، شهرداری منطقه یک

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۲۳۴۵۶۷۸

سایت اینترنتی: <http://mun۱.isfahan.ir>

شهردار منطقه دو

نشانی: خیابان شهید خرازی، خیابان شهیدان غربی، شهرداری منطقه دو

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۳۳۵۹۰۷۰

سایت اینترنتی: <http://mun۲.isfahan.ir>

شهردار منطقه سه

نشانی: خیابان کمال – شهرداری منطقه سه

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۲۲۹۰۴۹۳

سایت اینترنتی: <http://mun۳.isfahan.ir>

شهردار منطقه چهار

نشانی: خیابان بزرگمهر، خیابان ۲۲ بهمن، شهرداری منطقه چهار

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۲۶۷۰۰۰۷

سایت اینترنتی: <http://mun۴.isfahan.ir>

شهردار منطقه پنج

نشانی: خیابان دانشگاه، نرسیده به سه راه حکیم نظامی، جنب آتش نشانی، شهرداری منطقه پنج

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۶۲۶۶۹-۶۲۴۰۰۶۳-۶۲۴۰۰۶۴

سایت اینترنتی: <http://mun۵.isfahan.ir>

شهردار منطقه شش

نشانی: میدان آزادی، خیابان ملاصدرا، شهرداری منطقه شش اصفهان

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۶۶۸۶۵۳۳

سایت اینترنتی: <http://mun۶.isfahan.ir>

شهردار منطقه هفت

نشانی: پل شهید چمران، شهرداری منطقه هفت

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۴۵۹۳۵۵۷

سایت اینترنتی: <http://mun۷.isfahan.ir>

شهردار منطقه هشت

نشانی: خیابان جابر انصاری، شهرداری منطقه هشت

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۴۴۱۸۱۶۸

سایت اینترنتی: <http://mun۸.isfahan.ir>

شهردار منطقه نه

نشانی: خیابان خیام، سه پله، آخر میرزا طاهر، شهرداری منطقه نه

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۷۷۱۷۰۵۴

سایت اینترنتی: <http://mun۹.isfahan.ir>

شهردار منطقه ده

نشانی: خیابان پروین نبش خیابان شیخ طوسی شهرداری منطقه ده

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۵۵۵۳۰۳۳-۵۵۵۳۰۸۰

سایت اینترنتی: <http://mun۱۰.isfahan.ir>

شهردار منطقه یازده

نشانی: رهنان، خیابان مطهری، شهرداری منطقه ۱۱

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۷۳۸۳۸۴۰

سایت اینترنتی: <http://mun۱۱.isfahan.ir>

شهردار منطقه دوازده

نشانی: بزرگراه شهید خرازی انتهای خیابان شهیدان-شهرداری منطقه دوازده

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۳۸۷۰۸۰۰

سایت اینترنتی: <http://mun۱۲.isfahan.ir>

شهردار منطقه سیزده

نشانی: بلوار کشاورز، چهارراه

امام رضا علیه السلام، آخر خیابان کشاورزی، اول کوچه بلال، شهرداری منطقه سیزده

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۷۷۳۰۰۱

سایت اینترنتی: <http://mun۱۳.isfahan.ir>

شهردار منطقه چهارده

نشانی: بزار گراه شهید چمران، شهرداری منطقه چهارده

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۵۵۱۶۴۶۴

سایت اینترنتی: <http://mun۱۴.isfahan.ir>

آژانس های مسافرتی

جای شما در نرم افزار ما خالیست پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

بانک ها

جای شما در نرم افزار ما خالیست پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

پمپ بنزین

جای شما در نرم افزار ما خالیست پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

سینماها

جای شما در نرم افزار ما خالیست پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

مراکز فرهنگی

در دست تولید...

مراکز مذهبی

در دست تولید...

مراکز آموزشی

در دست تولید...

بیمارستان ها

امین

عمومی

خ ابن سینا

۰۳۱۱۴۴۵۵۰۵۱-۸

حجتیه

عمومی

خ سجاد-خ سپهسالار

۰۳۱۱۶۳۰۶۰۰۱-۴

دکتر غرضی

عمومی

اتوبان کاوه-بالاتراز سه راه ملک شهر

۰۳۱۱۴۴۲۵۹۰۱

مهرگان

عمومی

خ شیخ بهائی ۵۰۹

۰۳۱۱۲۳۳۰۰۴۳-۵

احمدیه

عمومی

خ طالقانی-خ میرداماد

۰۳۱۱۲۳۵۲۰۵۲

اصفهان کلینیک

عمومی

خ شیخ بهائی چهارراه اردیبهشت

۰۳۱۱۲۳۳۰۰۱۵-۱۸

الزهرا

عمومی

بلوار صفه

۰۳۱۱۶۶۸۰۰۵۴

امام خمینی جرقویه

عمومی

نیک آباد جرقویه

۰۳۱۱۷۲۲۴۴۰۱-۳

امام موسی کاظم

سوانح و سوختگی

خ کاوه-بخش ۵

۰۳۱۱۳۳۵۷۶۷۰-۳

امیرالمومنین (ع)

عمومی

خ احمد آباد

۰۳۱۱۲۲۹۱۰۷۱-۸

بهارستان

عمومی

خ صفه- روبرو بیمارستان الزهرا

۰۳۱۱۶۲۷۵۷۵۱

جرجانی

عمومی

فلکه قدس ابتدای خیابان زینبیه

۰۳۱۱۴۴۵۱۹۹۶-۷

حضرت زهرا (س)

عمومی

زینبیه خ آیت اله غفاری روبروی شهرک امام

۰۳۱۱۵۵۴۱۱۹۷

حضرت سیدالشهدا علیه السلام

خون و انکولوژی

خ خیام- کوی نهر فرشادی

۰۳۱۱۲۳۶۸۰۰۵-۷

دکتر علی شریعتی

عمومی

خ چهارباغ بالا

۰۳۱۱۶۲۷۲۰۰۱-۹

دکتر چمران

قلب و عروق

خ بزرگمهر-خ سلمان فارسی

۰۳۱۱۲۶۰۰۹۶۱-۵

سپاهان

عمومی

خ میر

۰۳۱۱۶۶۱۳۰۸۲-۶

سعدی

عمومی

بوستان سعدی کوی خداوردی

۰۳۱۱۶۲۷۳۰۳۱-۴۶

سینا

عمومی

خ شمس آبادی چهارراه قصر

۰۳۱۱۲۳۶۸۰۱۱-۵

شهید بهشتی

زنان و زایمان

پل فلزی-خ استاد مطهری

۰۳۱۱۲۳۶۷۰۰۱-۶

عسگریه

زنان و زایمان

خ سروش-خ عسگریه

۰۳۱۱۲۵۰۰۴۱-۹

عیسی بن مریم

عمومی

خ شمس آبادی-کد ۸۱۴۶۵

۰۳۱۱۲۳۳۲۰۶۵

فارابی

روانپزشکی

ارغوانیه

۰۳۱۱۵۲۲۱۴۶۱-۵

فیض

چشم پزشکی و ent

میدان قدس-ابتدای خ مدرس

۰۳۱۱۴۴۵۲۰۳۱-۸

کاشانی

عمومی

خ کاشانی

۰۳۱۱۲۳۳۰۰۹۱-۹

نور و علی اصغر

عمومی

خ استانداری-جنب بلوار شهید دستغیب

۰۳۱۱۲۲۲۱۲۷-۳۴

داروخانه ها

داروخانه های نیم وقت

داروخانه هاتلفن و کد ۰۳۱۱

داروخانه سجاده، ۲۲۲۴۱۹۷

داروخانه حکیم شفا، ۳۳۶۵۵۱۵

داروخانه منوچهری، ۶۲۷۴۳۴۷

داروخانه شهید منتظری، ۲۳۶۶۰۰۵

مرکز درمانی علی اصغر، ۲۲۲۲۱۲۷-۸

داروخانه فردوسی، ۲۲۲۱۸۳۲

داروخانه دکتر سمسام زاده، ۲۲۵۰۵۷۱

داروخانه دکتر مختاری، ۲۲۵۴۸۳۴

داروخانه پاستور، ۲۲۵۵۷۴۶

داروخانه دانش، ۶۶۸۳۵۸۷

داروخانه دکتر رازی، ۲۳۶۳۱۲۶

داروخانه تخت طاووس، ۶۲۷۳۶۷۳

داروخانه دکتر دهقان، ۲۶۴۰۵۷۷

داروخانه دکتر قدسی، ۶۲۷۴۷۲۱

داروخانه بیمارستان اصفهان، ۲۳۳۰۰۱۵

داروخانه بیمارستان شریعی، ۹-۶۲۷۲۰۰۱

داروخانه بیمارستان نور و علی اصغر، ۲۲۲۲۱۲۰

داروخانه دکتر حریری، ۲۲۲۸۶۷۳

داروخانه حکمت، ۲۲۲۲۴۸۰

داروخانه امین، ۲۳۳۶۷۴۷

داروخانه بیمارستان جرجانی، ۷-۴۴۵۱۹۹۶

داروخانه تخت جمشید، ۲۲۵۵۲۴۲

داروخانه بیمارستان بهشتی، ۵-۲۳۶۷۰۰۱

داروخانه بزرگمهر، ۲۲۵۵۴۴۸

داروخانه بیمارستان امیرالمومنین علیه السلام، ۲۲۹۱۰۷۶

داروخانه امداد، ۳۳۶۵۶۰۰

داروخانه بهار، ۳۳۵۴۶۶۰

داروخانه آلمانی، ۲۳۳۳۲۷۲

داروخانه اسلامی، ۲۶۷۳۱۵۶

داروخانه ایمان، ۶۶۸۵۱۲۰

داروخانه بهار، ۳۳۵۴۶۶۰

داروخانه نیرو، ۳۳۶۷۷۷۰

داروخانه ولی عصر (عج)، ۲۲۹۹۱۹۷

داروخانه میخک، ۲۳۳۴۶۳۴

داروخانه نقش جهان، ۶۲۴۹۰۲۵

داروخانه وحید، ۶۲۴۴۳۳۱

داروخانه آتش، ۲۳۳۴۳۴۱

داروخانه باختر، ۶۶۴۳۳۴۵

داروخانه بعثت، ۲۳۶۲۰۲۲

داروخانه پیروزی، ۲۳۳۶۱۹۱

داروخانه خادم المهدی، ۷۷۵۸۴۰۳

داروخانه خوارزمی، ۴۴۱۰۹۷۲

داروخانه درمان، ۶۲۷۳۳۳۷

داروخانه دکتر اصغری، ۲۲۱۵۶۸۸

داروخانه دکتر زارعی، ۲۳۶۸۰۷۴

داروخانه دکتر شهیدیان، ۷۷۶۰۷۶۲

داروخانه دکتر عبدالهی، ۶۲۷۸۰۴۲

داروخانه دکتر قضاوی، ۷۷۵۸۴۰۳

داروخانه دکتر کوچکی، ۶۲۴۹۳۷۲

داروخانه سپه، ۲۲۲۵۷۱۲

داروخانه شفا، ۶۲۴۳۲۸۷

داروخانه صائب، ۲۳۳۱۱۳۹

داروخانه قصر، ۲۳۳۳۸۲۲

داروخانه کوشش، ۲۳۳۴۴۹۴

داروخانه مرکزی، ۳۳۶۰۰۳۶

داروخانه لادن، ۲۳۳۵۸۷۲

داروخانه های شبانه روزی

داروخانه اصفهان، ۲۲۲۳۵۱۱

داروخانه جالینوس، ۴۴۵۳۶۰۰

داروخانه حکیم شفا، ۳۳۶۵۵۱۵

داروخانه دکتر اخوان، ۵۵۴۴۷۶۷

داروخانه دکتر بزرگزاد، ۳۳۶۶۵۰۴

داروخانه دکتر بهرامی، ۲۲۹۴۳۰۰

داروخانه دکتر تاجی، ۲۲۲۰۵۹۷

داروخانه دکتر منصوری، ۷۷۵۶۳۹۵

داروخانه دکتر منوچهری، ۶۲۷۴۳۴۸

داروخانه زکریا، ۲۶۷۱۴۸۱

داروخانه سجاد، ۲۲۲۴۱۹۷

دارالشفاءها و درمانگاه ها

حضرت زهراى مرضيه (س)

خ هاتف بين چهار راه ابن سينا و ميدان قدس

شهدای مسجد الرسول

خ هزار جريب کوی مسجد الرسول صلی الله عليه و آله

خيريه حضرت موسى بن جعفر عليه السلام

خ مدرس سرچشمه کوچه باغ عنایت

فرهنگيان

خ آمادگاه خ باغ گلدسته

آتيه دستگرد

بلوار کشاورز دستگرد

سیدالشهداء

خیابان جی

بعثت (صنایع دفاع)

خ شمس آبادی چهار راه قصر ساختمان رازی

فاطمیه (س)

خ زینیه روبروی پارک لاله

انجمن مددکاری امام زمان عليه السلام

چهار راه تختی به طرف شهداء سمت راست

نیروی انتظامی

خ شمس آبادی کوی سرلت

امام جعفر صادق عليه السلام

خ مسجد سید کوچه علی قلی آقا

خيريه رضوى نيا سپاهان

خ پروين پل سرهنگ

حضرت ابوالفضل عليه السلام

خ آل محمد ميدان برازنده

اميد

خ زينبيه شمالى پل سودان

خيريه سالار شهدا بسيجيان

كهندژ ايستگاه لادان

ثامن الائمه عليه السلام

خ پروين نرسیده به پل سرهنگ

جوادالائمه عليه السلام

چهار راه شکرشکن اول خيابان نشاط

پرديس

سپاهان شهر بلوار غدیر

دانشگاه صنعتی

دانشگاه صنعتی

فولاد مبارکه

خ آمادگاه کوچه نجفی

آریا

خ امام خمینی روبروی گز سکه

جی - شرکت نسیم سلامت سپاهان

خ جی تقاطع ترمینال ابتدای کوی مطهری

درمانگران پاسارگاد

ملک شهر خ ۱۷ شهریور

ورزشگاه ها

ورزشگاه تختی - تلفنخانه، خیابان تختی، ۲۲۰۴۰۹۸

سرای ورزشکاران، چهار باغ پایین، ۲۲۰۴۰۷۰

مجموعه قصر موج، خانه اصفهان، ۴۴۱۳۴۶۱

هیات فوتبال، جابر انصاری، ۴۴۱۰۰۲۱

هیات پزشکی ورزش، چهار باغ پایین، ۲۲۰۴۰۹۸

ورزشگاه المپیک، خیابان کاوه، ۴۴۱۲۶۵۲

ورزشگاه انقلاب، میدان آزادی، ۶۲۴۳۰۳۶

ورزشگاه تختی، چهار راه تختی، ۲۲۸۸۴۷۸

ورزشگاه خرازی، خیابان پیروزی، ۲۲۸۶۹۷۰

ورزشگاه سجادی، خیابان مدنی، ۲۲۱۴۴۰۳

ورزشگاه شاهین، خیابان جی، ۲۶۷۷۷۷۰

ورزشگاه فجر، زینیه، ۵۵۴۰۵۳۶

ورزشگاه قدس، کمال اسماعیل، ۲۲۲۸۲۴۹

ورزشگاه قزلباش، حکیم نظامی، ۶۲۷۸۷۹۶

ورزشگاه نصر، بزرگمهر، ۲۲۵۳۶۱۹

ورزشگاه پیروزی، جی، ۲۲۸۱۳۰۰

ورزشگاه ۲۲ بهمن، خیابان پاسداران، ۵۵۴۰۸۰۰

کلوپ ورزشی اندیشه، ۶۲۴۴۹۶۴

کلوپ ورزشی مهر، نظر غربی، ۶۲۴۷۷۳۳

استخرها

استخر ابوذر، خیابان ابوذر، ۲۳۶۹۰۲۴

استخر انقلاب، میدان آزادی، ۶۲۴۲۰۷۰

استخر باغ غدیر، خیابان ۲۲ بهمن، ۲۶۷۴۴۴۹

استخر جی، خیابان جی، ۲۲۸۴۴۴۲

استخر فجر، خیابان کاوه، ۴۴۱۶۰۱۲

استخر فرهنگیان، میدان قدس، ۴۴۵۱۰۶۲

ترمینال های مسافری

ترمینال زاینده رود

تلفن: ۷۷۵۹۱۸۲

ترمینال صفا

تلفن: ۶۶۸۸۳۴۱

ترمینال کاوه

تلفن: ۴۴۱۵۰۵۵

فرودگاه

نمایندگی های خودرو

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمائید.

آتش نشانی

تلفن تماس: ۱۲۵

ادارات دولتی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب بنمایید.

ادارات خصوصی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب بنمایید.

هتل ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب بنمایید.

مهمانپذیر ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب بنمایید.

مسافر خانه ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب بنمایید.

کتابخانه ها

کتابخانه ها آدرس و تلفن ها: امیر قلی امینی، خیابان کاشانی-تلفن: ۲۲۵۲۵۴۶

جوان ، خیابان زینبیه-جنب پاک باغ قوشخانه-تلفن: ۴۴۵۱۱۳۱

راغب اصفهانی، خیابان عسگریه-خ دشتستان-کوچه خوشاب -تلفن: ۲۲۵۸۱۱۶

شهید محمد منتظری ، خیابان شهید مفتح-بعد از تالار پیروزی-تلفن: ۲۲۹۹۰۵۵

طغرایی ، خیابان کاوه-کوچه ۲۲ بهمن-پارک میخک-تلفن: ۲۲۸۶۰۷۴

علامه امینی ، خیابان ۲۲ بهمن-خ علامه امینی-تلفن: ۲۶۷۲۰۱۳

قدس ، خیابان امام خمینی شهرک قدس-تلفن: ۳۸۶۳۴۵۵

مسجد اعظم حسین آباد ، خیابان حسین آباد-جنب مسجد حسین آباد

میرداماد ، خیابان نیکبخت-تلفن: ۶۲۲۱۱۰۰-۶۲۲۱۲۰۰

کمال ، خیابان کمال-تلفن: ۲۲۹۱۰۰۱

ابن مسکویه، چهارباغ خواجه نبش کوی شهید امیر حلی-تلفن: ۲۲۲۰۰۷۰

ارشاد شماره ۶، میدان قدس، پارک باغ قوشخانه-تلفن: ۲۲۸۱۰۱۵

امام جعفر صادق، اول آمادگاه-تلفن: ۲۲۲۳۷۸۸

توحید شماره ۹، بوستان ملت، خیابان باغ به-تلفن: ۲۲۷۰۷۶۳

صنایع دستی

گلدوزی پرچمهای مذهبی

یکی از رایج ترین شغل‌های مذهبی اصفهان هنر گلدوزی بر روی پرچمها و بیرقهای مجالس ائمه اطهار می باشد که یکی از معروفترین و با سابقه ترین گلدوزی ها در شهر تاریخی اصفهان را می توان گلدوزی حاج غلامرضا غزالی و حاج مهدی غزالی نام برد این دو برادر از سال ۱۳۴۲ فعالیت خود را در این زمینه شروع کردند و به دستاورد های چشمگیری در این هنر واقعا زیبا رسیدند و توانستند مجالس اهل بیت علیهم السلام را در سراسر جهان با این پرچمها و بیرقها تزئین بنمایند.

آدرس: خیابان ابن سینا - خیابان دردشت - جنب مسجد الرضا رستی / گلدوزی حاج مهدی غزالی

تلفن های تماس: ۰۳۱۱۴۴۸۱۱۸۷ / ۰۳۱۱۴۴۸۱۱۹۴

موزه ها

موزه چهلستون

ارتباط با موزه

تلفن: ۰۱۸۱ ۲۲۲۰

آدرس: میدان امام حسین علیه السلام، خیابان استانداری

ساعات بازدید

همه روزه به جز ایام سوگواری

بهار: یکسره از ۸:۳۰ الی ۱۹

تابستان: ۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰ و ۱۵:۳۰ الی ۲۰

مهر، آبان، آذر، دی: یکسره از ۸:۳۰ الی ۱۷:۳۰

بهمن و اسفند: یکسره از ۸:۳۰ الی ۱۸:۳۰

تاریخچه

موزه جایگاه تاریخ، فرهنگ و تمدن و سیر تکامل و پیشرفت ملتها است. موزه مکان تجلی آداب و رسوم و سنن ملی و مذهبی انسانهای گذشته و فرهنگستان تاریخ و اعصار و عبرت برای دنیای امروز است که چه بودیم، چه هستیم و سرنوشت بشری به کجا خواهد رفت و به طور کلی موزه جایگاه فرهنگهاست. در راستای این اهداف و حفظ و نگهداری مجموعه کاخ و آثار به جا مانده از گذشته و معرفی به نسل آینده کاخ چهلستون به موزه تبدیل گردید.

نمای ساختمان مربوط به دوران صفویه بوده و ساخت و ساز کاخ در سال ۱۰۵۷ هجری به اتمام رسیده است. در مهر ماه ۱۳۲۷ هجری شمسی با حضور عالیترین مقامات مملکتی و اساتید و هنرمندان و علاقمندان این مرز و بوم به موزه تبدیل گردید که اسامی آنها در دفتر یادبود به جا مانده و ثبت و ضبط گردیده است. در سال ۱۳۴۳ ه. ش به منظور تعمیرات اساسی کاخ چهلستون اشیاء و اموال فرهنگی موقتاً به تالار اشرف (واقع در ضلع جنوب شرقی کاخ چهلستون) منتقل گشت و حدوداً پنج سال از این تالار به عنوان (موزه تالار اشرف) استفاده شد. کلیه اموال فرهنگی کاخ موزه چهلستون جمع آوری و در انبارهای مختلف نگهداری و محافظت گردید تا زمان انقلاب اسلامی با ادغام دو اداره جهانگردی و فرهنگ و هنر سابق

و تشکیل اداره ارشاد اسلامی مجدداً اموال موزه چهلستون به همین مکان منتقل و موزه چهلستون بازگشایی شد با تشکیل سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۶۷ه. ش کاخ چهلستون دوباره تبدیل به موزه گردید. در این موزه نسخ خطی، نگارگری و ظروف کاربردی و تزئینی متعلق به دوران اسلامی خصوصاً "صفویه به نمایش گذارده شده و نمایشگاههای ادواری به مناسبتهای مختلف برگزار می گردد. این موزه از لحاظ قدمت بعد از کاخ گلستان دومین موزه ایران می باشد.

معرفی مجموعه ها

مجموعه سفال اولین نمونه کاشی ساخت اصفهان

مجموعه های آبگینه-فرش-نسخ خطی کوفی قرآن

قدیمی ترین آثار سکه ماقبل تاریخ

آثار دوران تاریخی و آثار دوران اسلامی

آثار دوران صفویه: انواع قباله های ازدواج قرن نهم به بعد تا آخر قاجار انواع سنگ نوشته ها: قدمت فرش ها که به ۴۰۰ الی ۵۰۰ سال پیش بر می گردد که دو نوع از این فرشها در دنیا بی نظیر می باشد که مزین به آیات الهی می باشد.

برنامه های جانبی

راهنمایی گردشگران و بازدیدکنندگان و معرفی تاریخ زنده ایرانی در گذشته و حال همکاری با دانشگاه ها و موسسات پژوهشی و فرهنگی در امر تحقیق و پژوهش و پایان نامه های تاریخی و هنری برگزاری نمایشگاه های ادواری با همکاری سایر موزه ها، ارگانها، هنرمندان و علاقمندان به موزه چاپ راهنمای موزه، چاپ کتاب سال بنای تاریخی توسط نیک زاد حسینی.

برخی از فعالیتهای انجام شده

برگزاری نمایشگاه مینیاتور اساتید مهم مرحوم اسلامی، بهزاد، استاد فرشچیان، استاد شیرازی، حاج مصور الملک که سعی شده در طول سالهایتمادی به طور متوسط هر سال ۱۰ نمایشگاه برگزار می گردد روزجهانی کودک، موزه، هفته کتاب، هفته میراث فرهنگی، روز گردشگری و اعیاد مذهبی مثل مبعث، نیمه شعبان، تولد حضرت علی علیه السلام شرکت در نمایشگاههای استان ها و همکاری در برنامه های جنبی نمایشگاههای بین المللی قرآن ارتباط نزدیک با هنرمندان شهر و دانشگاهها تحقیق و پژوهش کارشناسی در رشته های هنری و باستان شناسی ارتباط با موزه های دنیا شرکت در نمایشگاه مالزی برگزاری نمایشگاهی از آثار چینی ها

موزه آموزش و پرورش

ارتباط با موزه

تلفن: ۲۳۳۴۸۱۶

آدرس: خیابان شمس آبادی چهارراه قصر کوی دهش

وب سایت: آموزش و پرورش

ساعات بازدید

از شنبه تا چهارشنبه ۸ الی ۱۷

پنجشنبه ۸ الی ۱۲

قیمت بلیط: رایگان

تورهای بازدید: با هماهنگی قبلی پذیرفته می شوند.

تاریخچه

اصفهان شهر هنر و اندیشه و جایگاه تمدن و فرهنگ ایران است دانشمندان و هنرمندان این دیار در بلندای تاریخ با آفرینش آثاری بی نظیر خدمات ارزنده ای را به فرهنگ و تمدن بشری عرضه داشته اند جایگاهی چنین رفیع می طلبد تا وارثان آن دوره پر افتخار ضمن حراست از مفاخر گذشته راه تکامل و مسیر پویایی فرهنگ درخشان این سرزمین را ادامه دهند. در این راستا ایجاد موزه ای برای حفظ میراث آموزش و پرورش به عنوان کانون فرهنگ و هنر جامعه در سرلوحه ای اهداف این سازمان قرار گرفت. محل این موزه منزل مسکونی شادروان عطاء الملک دهش از شخصیت های اجتماعی اواخر دوره قاجار می باشد که دارای مجموعه ای از هنر ایرانی و اروپایی است این ساختمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدرسه تبدیل شد که پس از بازسازی در سال ۱۳۷۸ به عنوان جایگاه موزه آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گرفت.

هدف از تاسیس

موزه با ایجاد زمینه های مناسب برای استفاده از تجارب گذشتگان فراهم آوردن شرایطی برای مقایسه وضعیت آموزشی گذشته و حال، تجلیل از پیش کسوتان و طلایه داران نظام تعلیم و تربیت، حفظ یاد و نام شان همت گماشته است.

معرفی زیر مجموعه ها

بخش نمایش تاریخ و فرهنگ اصفهان

در این بخش با ارائه ی تصاویری از مدارس قدیمی، دانش آموزان، وسایل کمک آموزشی و کتابهای درسی و قدیمی، سیر تحول آموزش و پرورش استان اصفهان به نمایش گذاشته شده است. تصویر و زندگی نامه ی دبیران و مدیران کل آموزش و پرورش استان اصفهان، بخشی از تاریخچه ی آموزش و پرورش را در معرض دید بازدید کنندگان قرار می دهد. همچنین تصاویر و آثار مشاهیر و فرهنگیان پیشگامی چون حاج سید سعید طباطبائی، سید ضیاء الدین جناب، میرزا عبدالحسین خوشنویس (قدسی) و ... زینت بخش این قسمت است.

واحد آرشیو

مجموعه ای نفیس از اسناد وزارت معارف و آموزش و پرورش و نیز مدارک تحصیلی دوره های مختلف آموزشی و آلبوم هایی از تصاویر دانش آموزان، مدیران و مدارس قدیمی در این واحد نگهداری می شود. همچنین آمار نامه ها و اسناد مربوط به تشکیلات اداری و آموزشی موجود، مرجع ارزشمندی برای تحقیقات مختلف به شمار می روند که با توجه به ضوابط موزه در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار می گیرد.

کتابخانه

در این قسمت علاوه بر تعدادی کتابهای خطی با چاپ سنگی، مجموعه ای از کتابهای درسی قدیمی نگهداری می گردد. کتابهای تخصصی مربوط به مشاهیر و تاریخ اصفهان، سالنامه های مدارس، مجلات و روزنامه های قدیمی و نشریات مربوط به آموزش و پرورش استان اصفهان نیز بخشی

از کتابخانه موزه را تشکیل می دهند. از جمله نفایس این کتابخانه مجموعه ی کاملی از روزنامه ی «فرهنگ»، اولین روزنامه ی منتشر شده می باشد.

واحد سمعی و بصری

در این واحد فیلم های ویدیویی با موضوعاتی نظیر سخنرانی های مقامات رسمی آموزش و پرورش، مراسم بزرگداشت مقام معلم، همایش ها و گردهم آیی های مختلف، جشن ها و مراسم مدارس گوناگون، فیلم های مستند موزه داری و لوح های فشرده رایانه ای (CD) در زمینه های تاریخی و معرفی اماکن دیدنی اصفهان و معرفی موزه های بزرگ جهان، مجموعه ی جالبی گرد آمده است که اطلاعات سودمندی را به بازدید کنندگان عرضه می کند. همچنین در این قسمت شرایط مناسبی فراهم گردیده است تا بازدید کنندگان در بدو ورود با ارابه ی توضیحاتی برای استفاده ی بیشتر از موزه راهنمایی شوند.

نمایشگاه آثار معاصر

از تاسیس موزه تا به حال ۲۰ نمایشگاه که از آثار هنری همکاران فرهنگی و دانش آموزان برگزار گردیده است. در موزه مکان دائمی با امکانات مناسب برای فرهنگیان و دانش آموزان رشته های مختلف هنری و علمی در نظر گرفته شده است در آن جا بتوانند آثار و آفرینش های ارزنده ی خویش را در زمینه های عکاسی، نقاشی، پیکر تراشی، خطاطی و ... به نمایش بگذارند.

نمایشگاه افتخارات علمی و ورزشی

تصویر اولین معلم ورزش استان اصفهان به همراه جام ها و مدال های ورزشی در کنار تصاویری از اولین فارغ التحصیلان دانش سرای عالی اصفهان و نیز نمایش افتخارات و رتبه های به دست آمده توسط فرهنگیان و دانش آموزان در عرصه های کشوری و جهانی زینت بخش این قسمت است.

فعالیت‌های گوناگون فرهنگیان و دانش آموزان رزمنده و بسیجی در طول سال‌های دفاع مقدس و آثار برجای مانده از شهیدان عزیز فرهنگی این واحد را آراسته است.

واحد رایانه

به منظور حفظ سلامت اسناد و مدارکی که در موزه نگهداری می‌شود. این اسناد به صورت لوح‌های فشرده (CD) در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد و علاوه بر این، واحد رایانه با تهیه نرم‌افزارهای ویژه امکان دسترسی به اطلاعاتی در مورد موزه‌های آموزش و پرورش، موسسات آموزشی و ... را برای علاقه‌مندان فراهم آورده است. طراحی و آماده‌سازی بروشورها، پوسترها، طرح جلد نشریات مختلف موزه و ... از دیگر فعالیت‌های این واحد می‌باشد.

واحد پژوهش

واحد پژوهش با انجام تحقیقاتی در زمینه‌ی سیر تحول آموزش و پرورش، بازخوانی و نقد اسناد و مدارک آموزشی، فراهم آوردن مطالب تخصصی مورد نیاز نشریات موزه، فعالیت‌های ارزشمندی را تاکنون داشته است. همکاری با موسسات و پژوهشگرانی که برای تحقیق به موزه مراجعه می‌نمایند و برنامه‌ریزی برای برگزاری همایش‌های علمی و فراخوان مقالات از دیگر فعالیت‌های این واحد به شمار می‌آیند.

انتشارات موزه

چاپ مجموعه مقالات «سیر آموزش و پرورش با نگاهی ویژه به استان اصفهان»، انتشار گزارشی از تاسیس و فعالیت‌های موزه به همراه مقالات تخصصی و معرفی منابعی که در موزه نگهداری می‌شود، تهیه و چاپ بروشورهای تبلیغاتی، کارت پستال و کارتهای دعوت و تبریک و همکاری برای انتشار زندگی‌نامه‌ی شهیدان فرهنگی استان اصفهان از فعالیت‌هایی می‌باشد که تاکنون در این بخش صورت

گرفته است. انتشار گاهنامه ی یادمان فرهنگی نیز از اهداف این بخش می باشد. موزه آموزش و پرورش اکنون میعادگاه فرهنگیان، دانش آموزان، دانشجویان، پژوهشگران و شیفتگان فرهنگ می باشد و همه روزه علاقه مندان بسیاری از آن بازدید به عمل می آورند.

موزه هنرهای معاصر

ارتباط با موزه

تلفن: ۲۲۲۹۱۲۱

آدرس: میدان امام حسین خیابان استانداری

تاریخچه

بنایی است زیبا مربوط به دوره صفویه که در نزدیکی چهلستون و مرکز شهر اصفهان قرار دارد. این ساختمان در زمان حکومت قاجار تجدید بنا گردیده و مسعود میرزا حاکم وقت اصفهان آنجا را محل سکونت خود قرار داد. در زمان رژیم گذشته نیز به عنوان ساختمان استانداری مورد استفاده قرار می گرفت.

با انتقال استانداری اصفهان به محل جدید این عمارت که تقریباً مخروبه شده بود به همت شهرداری اصفهان مرمت و در بعضی موارد بازسازی کامل گردید و به موزه هنرهای معاصر اصفهان تبدیل شد. و در اسفند ماه ۱۳۷۳ رسماً مورد بهره برداری قرار گرفت. این عمارت زیبا در دو طبقه بنا شده و دارای ۶ سالن نمایشگاهی، کتابخانه، امور اداری و سالن اجتماعات می باشد.

اهداف موزه

۱. گردآوری، حفظ و نمایش آثار هنری معاصر و گسترش سطح شناخت جامعه ۲. شناساندن هنرهای معاصر اصفهان، سایر استانهای ایران و هنر معاصر بین الملل ۳. عرضه و نمایش دائمی هنرهای معاصر و سایر کشورها ۴. آشنا نمودن مردم و خصوصاً هنرمندان با هنرهای معاصر ۵. برقراری ارتباط با موزه ها و مراکز حفظ، آموزش و اشاعه هنر معاصر در ایران و سایر کشورها ۶. برنامه ریزی و ارائه طرح های لازم برای تشویق، تحقیق و پژوهش در زمینه هنرهای معاصر ۷. ایجاد برنامه های آموزشی جهت آشنا سازی جامعه و خصوصاً هنرمندان با هنر معاصر از طریق برگزاری جلسات سخنرانی، برنامه بازدید، گردهمایی، انتشار کتاب و مجله، امور سمعی و بصری، مرمت آثار و انجام خدمات فنی ۸. ایجاد بانک اطلاعات هنرمندان معاصر ایران با عنایت خاصه به شهر تاریخی اصفهان

عمده فعالیتهای موزه

برپایی نمایشگاههای هنری در سطوح استانی، ملی و بین المللی

برگزاری جلسات سخنرانی و سمینارهای تخصصی در ارتباط با رشته های مختلف هنری

گردآوری، حفظ، مرمت و نمایش آثار هنری نفیس

آشنا نمودن مردم و هنرمندان با هنرهای معاصر

برقراری ارتباط با موزه های و مراکز فرهنگی، هنری داخلی و خارجی

تحقیق و پژوهش در زمینه های هنری

فراهم نمودن محلی مناسب برای تجمع هنرمندان

موزه هنرهای تزئینی

ارتباط با موزه

تلفن: ۲۲۱۸۶۰۶

آدرس: خیابان استانداری روبروی دانشگاه پردیس

ساعات بازدید

شنبه تا چهارشنبه ۸ الی ۱۳ بعد از ظهر - پنج شنبه ۸ الی ۱۲ ظهر

ارائه تسهیلات به گروهها

بازنشستگان، گروههای دانش آموزی، دانشجویان، با ارائه معرفی نامه رایگان

مدارس و مراکزی فرهنگی هنری با ارائه معرفی نامه بصورت نیم بهاء

مراحل و شرایط لازم جهت برگزاری نمایشگاه برای هنرمندانی که در سطح کشور چندان شناخته شده نمی باشند: ارائه تعدادی از آثار هنرمند جهت ارزیابی توسط کارشناسان هنری موزه. در صورت تائید آثار جهت به نمایش در آمدن در گالریها، طبق فرمهای ویژه موزه با صاحب یا صاحبان آثار در خصوص پرداخت هزینه کرایه گالری، چاپ پوستر، بروشور، کاتالوگ، هزینه پذیرائی و نیز زمان برگزاری نمایشگاه و مکان تخصیص داده شده مذاکراتی انجام می گردد. پس از تائید این طرح توسط معاونت محترم فرهنگی اجتماعی برنامه طبق مذاکرات قبلی در جدول ماه مربوط قید و سپس نمایشگاه برپا می گردد.

عمارت رکیب خانه: (مکان فعلی موزه) در اوایل قرن یازدهم ه. ق حدود ۴۰۰ سال پیش مقارن با سلطنت شاه عباس اول، احداث و جهت نگهداری لوازم سوار کاری و یراق آلات و مرکب های سلطنتی مورد استفاده قرار می گرفت. عمارت رکیب خانه با انقراض حکومت صفویه متروک شد و بعدها در دوران قاجار به دستور میرزا ظل السلطان (فرزند ناصرالدین شاه قاجار) پس از انجام الحاقات و تعمیراتی به سبک و سیاق روز، به عنوان اندرونی اختصاصی «ظل السلطان» مورد استفاده قرار گرفت. در دوران پهلوی این ساختمان به اداره آمار و ثبت احوال اختصاص یافت و بار دیگر تغییراتی خصوصا در جبهه غربی آن صورت گرفت. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیرو مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور در صدد برآمد تا عمارت تاریخی «رکیب خانه»

را مرمت و بازسازی نماید و از آن به عنوان یک مجموعه فرهنگی استفاده کند، لذا با صرف بیش از دو سال وقت و هزینه قریب به یک میلیارد ریال و با انتقال حدود چهار هزار اثر فرهنگی-هنری از موزه هنرهای تزئینی سابق تهران و سایر موزه های سازمان با تاییدات خداوند «موزه هنرهای تزئینی ایران» در ۲۹ مردادماه ۱۳۷۵ شمسی گشایش یافت و رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. موزه هنرهای تزئینی ایران با فضایی به مساحت ۲۶۰۰ متر مربع و حدود ۱۲۰۰ متر فضای مفید نمایشگاه با در بر گرفتن هفت بخش دائمی و با نگارخانه جانبی، هم اکنون صدها اثر نفیس هنری را جهت بازدید عموم علاقمندان عرضه نموده است.

بخشهای هفت گانه موزه

۱-خط و کتابت ۲-آثار لاکه و روغنی ۳-دستبافته ها و رودوزی های سنتی ۴-نگارگری ۵-آبگینه فلزی ۶-آثار جنوبی

۱-بخش خط و کتابت:

اولین بخش موزه هنرهای تزئینی، متبرک و مزین به مجموعه ای از قطعات، اوراق و مجلدات قرآن کریم، محمد مومن ابهری، احادیث، کتب ادعیه و اشعار و... است که در طراز یزدی، شفیع تبریزی، میرعماد و دخترش گوهرشاد و... به نمایش گذاشته شده است. انواع جلد های چرمی به شیوه های مختلف از قبیل سوخت، معرق، ضربی، لاک و روغن مرصع و مذهب از آثار زمان دوم و محمدرضا امامی و... از جمله آثار این بخش است. سده های اخیر توسط هنرمندانی چون محمد صادق خوانساری، وصال شیرازی، میرعلی هروی، محمد علی اصفهانی و... مکتوب شده اند.

کتابهای خطی «زادالمعاد» به قلم محمد هاشم لولوی اصفهانی، دیوان مصور امیر علی شیرنوایی و کلیات سعدی مصور و مذهب و مرصع در زمره این آثارند.

دیگر آثار نفیس خطی موجود در این بخش، قطعات خوشنویسی مختلف از سده هشتم هجری به بعد است. آثاری از استادان بزرگ خوشنویسی از جمله یاقوت مستعصمی، محمدرضا مجلسی، سلطان علی مشهدی، میرعلی و محیی هروی، منشی گنابادی، عبدالجبار اصفهانی، ابوتراب، هاشم اصفهانی، شاهزاده بهرام صفوی، عبدالرشید دیلمی، درویش عبدالمجید طالقانی، میرزا کوچک.

۲- بخش آثار لاکی و روغنی:

مجموعه زیبایی از انواع اشیاء لاکی و مذهب، قلمدان، جای طومار، جعبه، قاب آینه، ترازو، سرچسبدان، جلد آلبوم و... آثار این بخش را تشکیل می دهند. این آثار از یادگارهای ارزشمند استادانی چون: آقا صادق، میرزا بابای شیرازی سمیرمی، فتح الله شیرازی، آقا نجف علی اصفهانی و... به شمار می روند که با نقشهای مختلف گل و مرغ تک چهره، صورت سازی، ترنج سر ترنج، شکارگاه و فرهنگ عامه زینت یافته اند.

۳- بخش دست بافته ها و رودوزی های سنتی:

در این بخش منسوجات متنوع و کم نظیر از نمونه های دوره قاجار به نمایش گذاشته شده است. این آثار اغلب در مرکزی های مهم بافندگی ایران یعنی اصفهان، یزد، کرمان و کاشان بافته شده است و انواع زری، ترمه، شال، مخمل، اطلس، تافته و... که به صورت تابلو، لباس، کیسه پول، سفره قند، جای شانه، قلمدان، جای تربت، چارقند، سوزنی، سجاده، پرده، رومیزی و... مورد استفاده قرار می گرفته اند و به شیوه مختلف گلابتون دوزی، قلاب دوزی، پولک دوزی، زغره دوزی، مشبک دوزی، گل خامه دوزی، نقده دوزی... زینت یافته اند. از جمله آثار دیگر این بخش نمونه های نفیسی از قلمکاری ساخت اصفهان است که به شیوه نقاشی قالب زنی روی پارچه تهیه شده اند. همچنین قالیچه

معروف «بشریت» و «شکار چرخ» که بر اساس طرح زیبا و هنرمندانه مرحوم استاد عیسی بهادری بافته شده، از آثار چشم نواز بخش بافته ها و رودوزی ها به شمار می روند.

۴-بخش نگاری گری:

مجموعه متنوعی از آثار نگارگری ایرانی در سبک و شیوه های مختلف زینت بخش این سالن است. آثار شیوایی از مینیاتورهای مکتب هرات، اصفهان، تبریز و نگاره های تک چهره قاچار در کنار تصاویر آبرنگ و رنگ روغن و موضوع های مختلف تصویرگری کتاب، مجالس حماسی و ادبی، بزمی، فرهنگ عامه در این مجموعه به نمایش گذاشته شده است. تابلوی ارزشمند و نفیس «چوگان» اثر استاد حاج میرزا آقا امامی اصفهانی که به شیوه سوخت و معرق و مینیاتور روی چرم خلق شده است نیز از جمله آثار این بخش به شمار می رود.

تابلوی مذهب تشعیری منحصر به فردی که توسط زین العابدین مذهب تبریزی در سال ۱۰۰۸ ه. ق ترسیم و به شاه عباس اول اهدا شده است نیز از دیگر آثار ارزشمند و نفیس این بخش است. سایر آثار به نمایش در آمده در این بخش متعلق به هنرمندان صاحب سبک و صاحب نامی چون: آقا رضا عباسی، محمد حسین طوطی، معین مصور بهزاد، مصور الملک، ملک الشعرا، صنیع الملک، حبیب الله ساروی، نادر الزمان، محمد مسیح و ابراهیم اصفهانی است.

۵-بخش آثار فلزی

مجموعه آثار فلزی این بخش مشتمل بر زیورهای طلا- و نقره، کمربند و قلاب کمر، قاب دعا، انواع قوطی، قفل و قلمدان، سرقلیان، قاب آینه، باروت دان، انفیه دان، آفتابه و لگن، عودسوز، جام های چهل کلید، خنجر، قیچی و چاقو... است که به شیوه

مختلف مشبک کاری، ریخته گری، چکش کاری، ملیله و قلمزنی و ترصیع ساخته شده و با سنگهای گران قیمتی تزئین یافته اند.

از جمله آثار می توان سینی ملیله نقره و طلا کار استاد عباس زنجانی در سده ۱۲ه. قلمدان ملیله مطلای مرصع به سفارش کلنل سرتیپ خان در سده ۱۳ه. ق و نیز آفتابه لگن مرصع مربوط به دوره صفوی که از آثار زیبای این بخش به شمار می روند.

۶-بخش آثار چوبی

در این بخش از موزه هنرهای تزئینی ایران، بیننده شاهد آثار نفیسی از صنایع هنری بر چوب مانند خاتم سازی، منبت کاری، مشبک و معرق است که نمونه های از آن عبارتند از: انواع قاب آینه، گلچه کفش عروس، رحل و جعبه قرآن، زیر عمامه، قلمدان، جعبه آرایش، قاشق و ملاقه های دوغ خوری، شربت خوری و... از آثار ارزشمند این بخش جعبه تمام منبت و قاب آینه ایی است که با نقوش بسیار زیبای اسلیمی و گرفت و گیر توسط زین العابدین خوانساری در ۱۳ه. ق ساخته شده است.

۷-بخش آبگینه

در این بخش آثار زیبایی از کریستال های تراش دار با نقش افروده و انواع شیشه (عطردان، پیاله) مربوط به سده های ۳ تا ۶ه. ق ساخت گرگان به معرض نمایش گذاشته شده است در این شمار می توان لیوانهای شربت خوری مینای مرصعی را نام برد که زینت بخش این قسمت از موزه است.

موزه هنرهای تزئینی ایران علاوه بر انجام وظیفه خود در راستای جمع آوری اشیاء فرهنگی و هنری و بررسی و پژوهش، حفظ و نگهداری و نمایش این آثار به منظور استفاده هرچه بیشتر از امکانات

جمعی و پویایی بیشتر و نیز زنده و بالنده نگاه داشتن حرکت‌های فرهنگی اقدام به نمایش آثار موجود در خزانه موزه به صورت فصلی و دوره ای می نماید.

ویژگی خاص

مجموعه های منسوجات دست بافته، رو دوزی، انواع بافت زری، مخمل، ترمه، ملیله دوزی، آثار خطی، یاقوت مستعصمی واضح، خط ثلث و آثار میرعماد و دختر میرعماد، آثار مروی سلطان علی مشه‌ری و میرزا رضا کلهر، مجموعه های شیشه که از قرن سوم، پنجم، هشتم، نهم هجری، همچنین اشیایی از جنس بنا و لوازم زندگی سنخیت اشیا با دوران مذکور ویژگیهای خاص موزه می باشد.

کتابخانه تخصصی موزه

موزه دارای کتابخانه تخصصی می باشد و بطور متوسط حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب هنر دارد. شرایط عضویت در موزه داشتن سابقه هنری - نمایشگاهی و تحصیلات هنری است.

برنامه های جانبی

این برنامه ها شامل برگزاری نمایشگاههای مختلف هنری - برگزاری نشست ها - همایشها - سخنرانیها و میزگردهای تخصصی - برپائی مراسم ویژه و یادبودها و... می باشد. بطور کلی عمده فعالیت‌های موزه برپائی نمایشگاههای مختلف هنری می باشد. برپائی هر نمایشگاه دارای شرایط و ویژگیهای خاصی می باشد. اساتید معروف در سطح شهر یا استان یا کشور براساس دعوت موزه و اعلام همکاری موزه اقدام به برگزاری نمایشگاه می نمایند. در این راستا گاهی نمایشگاه هائی خارج از کشور بر اساس ارتباطات هنری مسئولین براساس طرحهای پیش بینی شده، برپا می گردد. لازم به ذکر است برخی از نمایشگاهها براساس هزینه پیش بینی شده آماده ارائه برای هنرمندان می باشد.

برخی از نمایشگاه های برگزار شده

نمایشگاه حاج مصور الملک (تابلوی نقاشی)، نمایشگاه آثار مدال جهانی با ویژگی هنری

، نمایشگاه آثار فلزی، نمایشگاه پرده های قاجاری، نمایشگاه تک نگار دولت مردان مشروطه و تصاویر، بزرگداشت کمال الدین بهزاد (آثار نقاشی)، نمایشگاه فرمان حکومتی از صفویه تا قاجار، نمایشگاه پنج قرن خورشیدی در ایران، نمایشگاه پوشاک ارامنه - رودوزی و پوشاک مجارستان با همکاری سفارت مجارستان

کارنامه موزه از آغاز فعالیت تا اردیبهشت ۱۳۷۸ به شرح زیر است:

، نمایشگاه گل و مرغ سازی از صفویه تا قاجار، فرمانهای حکومتی دوران صفویه و قاجار، پنج قرن هنر خوشنویسی در ایران

از سده هشتم تا سیزدهم ه. ق، عاشورا به روایت نقاشیهای قهوه خانه ای و پرده های قلمکار نقاشی، مجموعه تابلوهای نقاشی تک چهره های رجال قاجار و جنبش مشروطیت، نسخه و قطعات خطی کلام الله مجید، احادیث و ادعیه، برگزیده آثار خوشنویسان از قرن هشتم تا سیزدهم ه. ق، نگارگری ایرانی از قرن نهم تا ۱۳ ه. ق،

زری بافی از دوره صفویه تا کنون، آثار شکسته نویسی خوشنویسان (متقدمین)، آثار شکسته نویسی خوشنویسان معاصر (اصفهان)، پرده های رودوزی سنتی از دوران صفویه و قاجار، سفالینه های دوران اسلامی

موزه شهدا

ارتباط با موزه

تلفن: ۲۳۴۸۸۷۸

آدرس: خیابان شمس آبادی

ساعات بازدید: در بهار و تابستان ۳۰ / ۸-۱۲ صبح و ۱۶-۲۰ بعدازظهر، پائیز و زمستان ۳۰ / ۸-۱۲ صبح و ۱۵-۱۹ بعدازظهر
بجز روزهای تعطیل

تاریخچه

موزه شهدا به مناسبت هفته دفاع مقدس در مهر ماه ۱۳۸۱ با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهیدان انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس و شناساندن و انتقال مفاهیم ارزشی شهید و شهادت به نسل جوان تاسیس شد.

هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهدا

معرفی مجموعه ها

تالار اول: شهدای نهضت ساله اخیر تا قبل از انقلاب که مهمترین آنها انقلاب حضرت امام در سال ۴۲ میباشند. تالار دوم: شهدای شاخص ویژه استان پدر، پسر، سه برادر شهید، شهدای شاخص شهید مظلوم دکتر بهشتی، اشرف اصفهانی، فرماندهان و سرداران شهید تالار سوم: اختصاص به شهدای صنف های مختلف که متوجه اقشار مختلف در جنگ همانند پزشکان، هنرمندان، ورزشکاران و قشرهای مختلف میباشند. تالار سمعی بصری: در سالن نمایش برای بازدیدکنندگان فیلمی از حال هوای جنگ و موزه به نمایش گذاشته می شود.

وظایف موزه

جمع آوری آثار و اسناد شهدا و شناساندن سیره و روش شهدا از طریق آثار قابل نمایش و برپائی نمایشگاههای هنری به مناسبتهای مختلف و ایام الله از جمله وظایف می باشد.

موزه تاریخی طبیعی

نشانی: اصفهان خیابان استانداری تالار تیموری کد پستی ۸۱۴۷۷ تلفن: ۲۲۲۲۰۲۶

تاریخچه

موزه های تاریخ طبیعی بازگو کننده تاریخ طبیعت و جهان آفرینش می باشند، لذا در این قبیل موزه ها نمونه های جالب و ارزنده کلیه آثار خلقت اعم از بی جان و جان دار به روشهای معمول علمی نگهداری و تنظیم به صورت کانون علمی فرهنگی در اختیار عمومی قرار می گیرد.

موزه تاریخ طبیعی اصفهان در ۱۵ اسفند ۱۳۶۷ در تالار تیموری (یکی از بناهای باستانی عصر تیموریان) که از طرف شهرداری اصفهان در اختیار قرار داده شده تاسیس و راه اندازی گردیده است. تمامی آثار طبیعی و مجموعه های ارزنده این موزه در زمینه های علوم گیاهی جانوری زمین شناسی و جغرافیایی به همت و سرمایه شخصی دکتر جعفریان استاد دانشگاه اصفهان در مدت ۳۷ سال تلاش مستمر از نقاط مختلف ایران و خارج از کشور گردآوری، خریداری، مبادله یا تهیه گردیده و پس از تنظیم و رده بندی و بررسیهای علمی به وضع کنونی درآمده و ر اختیار عموم قرار داده شده است. هدف اساسی از تاسیس موزه تاریخ طبیعی اصفهان ضمن بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی جامعه درباره عالم حیات و عظمت جهان آفرینش و قدرتمندی خالق یکتا، حفظ میراث ارزنده طبیعی کشور از غارت و تخریب، جبران کمبود وسایل کمک آموزشی، حفظ سلامت جامعه از طریق ایجاد محیطی سالم و تفریحی، فراهم آوردن زمینه های تحقیق در علوم طبیعی و کمک به افزایش جاذبه های توریستی کشور و شهر اصفهان می باشد. از آنجائی که در به ثمر رساندن این مجموعه تا حد یک موزه جامع تاریخ

طبیعی از هیچ کوششی در حد توانائی کوتاهی نگردیده و به جرات می توان گفت این موزه از نظر جامعیت و تنوع نمونه ها در زمینه های علوم طبیعی، توجه خاص به جنبه های آموزشی و علمی آن در سطوح گوناگون آموزشی و دارا بودن مجموعه کم نظیر در پاره ای از بخشهای علوم زیستی بخصوص مجموعه اسفنج های نواحی استرالیا صدف های اقیانوس کبیر و اطلس و سنگواره های ادوار گذشته در ایران منحصر و ویژگی خاصی را دارا می باشد.

اهداف و برنامه های آتی

ایجاد واحد انتشارات، نشر مجله و نیز هر گونه کتب مربوط به علوم طبیعی و گسترش کتابخانه ها. ایجاد انستیتو فسیل شناسی. ارائه دوره های موزه شناسی به ویژه قالب گیری، بازسازی و تاکسی درمی. ایجاد واحد تحقیقات به منظور کمک به تحقیقات زمین شناسی و زیست شناسی و ارائه خدمات به دانش پژوهان و دانش جویان در مقاطع مختلف تحصیلی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا و بهره گیری از نتایج حاصله به عنوان بخشی از گنجینه علمی موزه تاریخ طبیعی که به نوبه خود سبب توسعه بیشتر واحد کتابخانه و انتشارات این مجموعه می گردد.

معرفی مجموعه ها

سالن راهنمای موزه: این سالن به منظور آشنایی و راهنمایی بازدیدکنندگان به ویژه گروههای آموزشی در بدو ورود به موزه تنظیم گردیده تا با ارائه نقشه ها و نمونه های هر سالن به وضعیت کلی موزه اطلاع حاصل نمایند.

سالن جانوران بدون مهره: شامل انواع تک سلولی ها اسفنج ها مرجان ها خارپوستان نرم تنان و بندپایان می باشند که به صورت علمی رده بندی و به نمایش گذارده شده اند. در این سالن رده بندی و آشنائی با جهان حشرات بازسازی آموزشی نرم تنان، صدفهای کمیاب اقیانوس کبیر و اطلس پروانگان سحرآمیز شاید دیدنی و جالب تر برای بازدیدکنندگان باشد.

سالن گیاه شناسی: شامل انواع گیاهان گلدار بی گل داروئی صنعتی ایران و هر بار یوم و مقایسه آنها با نمونه های خارج از کشور مواد داروئی سنتی ایران اثر برگ و ساقه درختان فسیل شده مربوط به دورانهای گذشته اروپا و ایران، بخصوص تنه های درختان معدنی شده (سیلیسی یا سیدریتی) جنگلهای ۱۸۰ میلیون سال قبل ایران.

سالن

زمین شناسی: شامل کلیه مواد تشکیل دهنده پوسته جامد زمین کانی ها کریستال ها سنگ های معدنی رسوبی آذرین دگرگونی ساخت های رسوبی دریائی و قاره ای سنگواره ها یا فسیلهای دریائی دورانهای گذشته از ۵۸۰ میلیون سال قبل تاکنون.

در این سالن مجموعه سنگواره های کمیاب و ارزنده ایران مولاژهای بازسازی شده فسیلهای خارج از کشور از ویژگی خاصی برخوردار بوده و از نظر آشنایی یا پراکندگی جغرافیائی و ارزیابی اقتصادی معادن مختلف کشور و استان اصفهان کاملاً منحصر و استثنائی می باشد.

سالن جغرافیای طبیعی و نقشه ها: در این سالن نمونه هایی از نقشه های توپوگرافی (جغرافیائی نقشه های برجسته شهری و طبیعی و زمین شناسی) نقشه های زمین شناسی و زمین ساختی ایران (نقشه نقاط هم ساختمانی و زلزله خیزی ماکت های آموزش جغرافیائی) نقشه های پژوهشی و گسترش معادن مختلف کشور و استان اصفهان و کارهای پژوهشی واحد تحقیقاتی موزه ارائه گردیده است.

سالن جانوران مهره دار: این سالن که از بزرگترین سالنهای موزه است و خود از نظر معماری دیدنی است شامل انواع ماهیان دوزیستان خزندگان پرندگان پستانداران به صورت رده بندی و بازشناسی محیط زندگی و از نظر آموزشی نمونه های مشابه و اختلاف آنها نشان داده شده، گاهی نمونه های زنده و تاکسی درمی شده (بخصوص در مورد خزندگان) و یا تجمع مهره داران مفید مضر اهلی وحشی دریائی کویری حمایت شده و یا در حال انقراض آنها توجه شده است.

سالن کمک آموزشی و دیدنی های جهان خلقت: در این سالن بازدیدکنندگان بخصوص دانش آموزان و دانشجویان با انواع وسایل کمک آموزشی در عالم طبیعی (زیست شناسی زمین شناسی جغرافیای

طبیعی) کار واحد تحقیقات و تکنولوژی آموزشی موزه تاریخ طبیعی که در سطوح مختلف آموزشی از راهنمایی تا دانشگاه ها (کارشناسی ارشد) تهیه گردیده آشنا می شوند. اهم نمونه های این سالن عبارتند از:

وسایل آموزشی زیست شناسی، زمین شناسی تابلوهای آموزشی علوم طبیعی مولاژهای مربوط به انسان شناسی و جانور شناسی به صورت متنوع و تشریحی مولاژ فسیل های کمیاب بین المللی به صورت جداگانه و ارائه آن ها در تابلوهای رده بندی طرز تهیه نقشه های برجسته و قالب گیری مراحل مختلف جنین انسان به صورت مولاژ طبیعی جنین های عجیب الخلقه مراحل تشکیل فسیل از بی مهرگان و مهره داران نمونه هایی از انسان شناسی

موزه علوم و فنون آموزش و پرورش

ارتباط با موزه

تلفن: ۶۶۱۴۶۳۳ آدرس: خیابان سعادت آباد خیابان مصلی کوچه شهید مهری شاطر گلی

ساعات بازدید: صبح ها ۸ تا ۱۲ و بعد از ظهرها ۱۷ تا ۲۰ پنجشنبه روزهای تعطیل موزه تعطیل است.

مقدمه

در برنامه هائی که به منظور بهبود مستمر ساختار نظام آموزشی در کشورهای مختلف اجرا شده به موارد متعددی بر می خوریم اما فصل مشترک همه آنها توجه به ویژگیهای انسان و پتانسیل های خدادادی اوست. نظریه پردازان تعلیم و تربیت پیوسته متوجه این ظرفیت و ذخائر بالقوه انسان به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی اجتماعی هستند، لیکن عمده مشغله ذهنی آنها اینست که چگونه می توان این ظرفیت ها را به بهترین شکل توسعه داد و به کار گرفت: یا به عبارتی چگونه می شود این استعداد و توان ذاتی را بارور و شکوفا کرد. توجه به این مهم و برای حرکت در این راستا است که سازمان آموزش و پرورش را بر آن داشت تا زمینه ایجاد موزه علوم و فنون را فراهم کند، زیرا موزه یک فضای آموزشی است و علاوه بر بررسی روند تحول تاریخی علوم و فنون آخرین دستاوردهای انسان و آثار بدیع را برای به چالش کشیدن ذهن و فکر بازدید کننده به کار می گیرد، تا او را به تفکر وادارد و به کشف رابطه بین پدیده ها هدایت کند موزه ضمن فراهم کردن اعتماد به نفس به بازدید کننده القاء می کند. همان گونه که اکنون در مورد گذشتگان و نقش آنها در تکامل علوم و فنون قضاوت می کنی، آیندگان نیز در مورد دستاوردهای تو برای بشریت قضاوت خواهند کرد. لذا این احساس به بازدید

کننده دست خواهد داد که به عنوان یک انسان در مقابل بشریت و تاریخ مسئول است و باید نقشی را در فرآیند تولید علم و تکامل فنی به عهده گیرد. معرفی روند تحول تاریخی علوم و فنون می تواند افق آینده را برای بازدید کننده ترسیم کند و با به دست آوردن قدرت پیش بینی و انگیزه او را به خلق آثار بدیع و اختراعات جدید هدایت کند. افتتاح موزه از تاریخ ۱۲/۲۶ / ۸۲ با حضور وزیر محترم آموزش و پرورش انجام شد.

اهداف موزه علوم و فنون

فراهم کردن زمینه تعامل بین بازدید کننده و محتوای علمی موزه به عنوان روش آموزش فعال، عادت دادن بازدید کننده به مشاهده دقیق، خارج کردن فراگیر از محیط خشک کلاس و فراهم کردن زمینه یادگیری عمیق، موثر و پایدار

تقویت روحیه پژوهش و تحقیق، فراهم کردن زمینه رشد اندیشه خلاق، فراهم کردن زمینه تمرین ذهنی در راستای عادت دادن به تفکر منطقی، مواجهه دانش آموزان با پدیده هائی که منجر به طرح سوال و کنجکاوی می شود

عادت دادن بیننده به تفکری بر پایه منطق و عدل، ایجاد انگیزه و کنجکاوی علمی در بازدید کننده، انتقال مفاهیم علمی پایه به کمک وسایل ساده، تقویت روحیه احساس لذت از کار عملی به منظور تلفیق علم و عمل

آشنایی با اکو سیستمهای غالب ایران با تاکید بر حفظ محیط زیست، آشنایی با انرژی پاک و استفاده از آن به جای استفاده از انرژی فسیلی، تقویت روحیه احساس لذت از طبیعت پاک در راستای حفظ محیط زیست

تقویت روحیه احساس خودباوری و اعتماد به نفس

بخش ها و محتوای علمی موزه»

محتوای علمی موزه با توجه به طیف گسترده مخاطبین «شهروندان» به ویژه نیاز دانش آموزان طراحی و اجرا شده است، همانند یک فیلم خانوادگی که قابل استفاده کلیه اعضای خانواده است همه آن را می بینند ولی هر یک متناسب با اطلاعات و زمینه های قبلی که دارد می تواند از آن بهره گیرد. این مجموعه در سالن های متعدد بالغ به دو هزار متر مربع به نحوی طراحی شده که ضمن فرح بخش بودن اطلاعات علمی را به بیننده انتقال می دهد و زمینه تفکر و چالش ذهنی را در بیننده فراهم می کند، بخش ها عبارتند از:

۱- زمین شناسی شامل انواع سنگ ها، فسیل ها، و کانی ها، و ماکتی به صورت یک برش از شمال تا جنوب ایران ۲- زیست شناسی الف: دوازده اکوسیستم غالب ایران با نمونه های شاخص گیاهی و جانوری ب: آکواریم های ماهی از رودخانه آمازون تا خلیج فارس و شرق آسیا «ماهی های آب های شیرین، شور، مردابی و گرمابی» ج: معرفی، درخت، گیاه و گل غالب استان در محوطه موزه و گل های آپارتمانی در بخش داخلی ۳- فیزیک الف: سیر تحول تاریخی وسایل اندازه گیری کمیت ها ب: در این محور بازدید کننده با بخش های مختلف دانش فیزیک «شامل مکانیک، صوت، موج و نوسان، الکتریسیته و مغناطیس، ساختمان ماده، گرما و دما، نور و نجوم» آشنا می شود. ۴- بخش شیمی همانند بخش فیزیک برد و محور فوق الذکر با ویژگیهای بخش شیمی تاکید دارد. ۵- بخش فنی و حرفه ای و کار دانش با توجه به گستردگی رشته های مختلف به صورت ادواری رشته های مختلف و روند تحول تاریخی آنها در موزه معرفی می شود. ۶- بخشی به عنوان نمایشگاه ادواری موزه هر چند ماه در اختیار یک ارگان یا سازمان قرار می گیرد، که فعلا در اختیار مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی است و نمونه هایی از بذره های اصلاح شده، آفات گیاهی، بذره های اصلاح شده ژنتیکی، و ... عرضه می شود.

موزه کلیسای وانک

ارتباط با موزه

آدرس: چهارراه حکیم نظامی خیابان نظر شرقی کوچه آلفرد کلیسای وانک

تلفن: ۲۶۲۴۳۴۷۱

نمابر: ۶۲۷۰۹۹۹

Email: sapvyicn@pevsnia.net

ارائه تسهیلات به گروهها

چنانچه در بازدید گروهی نامه از طرف ارگانهای دولتی یا از آژانس های هواپیمایی داشته به صورت رایگان میباشد.

تاریخچه

کتابهای مقدس و اشیای نقاشی موزه در ابتدا در کتابخانه نگهداری می شده و در سال ۱۹۰۵ میلادی همزمان با ورود یکی از نقاشان ارامنه برای افتتاح ساختمان های دولتی آن وقت ایران به فکر تاسیس موزه وانک در سال ۱۹۰۵ میلادی همزمان با ورود دعوت یکی از نقاشان ارامنه جناب آقای سوکیس افتاده با همیاری شورای خلیفه گری موزه وانک در سال ۱۹۷۱ میلادی تاسیس شد و دارای ۷۳ سال سابقه موزه می باشد (۴۰ سال کتابخانه موزه و ۳۰ سال موزه).

تقویت موزه از دیدگاه مدیر موزه وانک

موزه فرهنگ یک ملت می باشد از بعد مقدس یک موزه ملی دانسته در هر جایی آرامنه باید یک موزه تاسیس شود وجود نسخ خطی کتابها به عبارتی از لحاظ طبقه بندی موضوع باستانی مردم شناسی مذهبی در قالب هند در نظر گرفته از لحاظ کاشیکاری بحث مردم شناسی نحوه پوشیدن لباس ها یا استفاده اشیا و به کاربران آنها در زندگی ندارد مردم شناسی می باشد و اشیاء که مربوط به ما قبل از میلاد مسیح که اهداء گردید. این موزه در ابتدا میهمان های خاصی به کلیسا مراجعه می کردند که اغلب در کتابخانه بازدید می کردند بعد از بازگشایی فعالیت گسترده در جمع آوری آثار شد و از آرامنه جاهای مختلف در خواست شد اشیاء را اهدا کنند که با استقبال خوبی روبرو شد.

نمایشگاه اداری

نمایشگاه عکس قدیمی به مناسبت ۴۰۰ سالگی آرامنه کتاب های قدیمی دست نویس اشیاء مذهبی لباسهای محلی.

اطلاعات آماری

حدود ۷۰۰ شی موجود میباشد از کتاب های نسخ لباس های روحانیون تابلو های نقاشی کاشی اشیاء مذهبی که ۲۵۰ مورد نسخ خطی یا لباس روحانیون وسایل که در کلیسا استفاده می شود معرض نمایش گذاشته است. از لحاظ قدمت کتابهای نسخ خطی چهارمین رده در فرهنگ آرامنه را دارا می باشد ۱-ارمنستان ۲-شیلی ۳-ایتالیا ۴-اصفهان

ویژگی خاص

کتابهای مقدس:یکی از ویژگی ها وجود چند نسخه خطی سیلسی (نسخ خطی در این مراکز که الهام از سیلسی گرفته نسخه های خطی است که از ارمنستان غربی آورده و هنگام کوچ آرامنه از ارمنستان به ایران صورت گرفت)، کتابهای خطی و اشیاء که بازدید کنندگان اروپایی را تحت تاثیر قرار میدهد و برای بازدید کنندگان ایرانی مورد توجه قرار گرفته و چاپ اولین کتاب توسط خاجاطور کلیسا رایتی که در سال ۱۶۳۸ انجام گرفتند.

نمایشگاه نصف جهان

معرفی

قرن هاست اصفهان با گنجینه ای از هنر و فرهنگ بر تارک تمدن بشر می درخشد و تلالو مناره ها و درخشش کاشی هایش جهان را به تحسین و شگفتی وا می دارد. اصفهان از نگاه تاریخ، آفرینشگاه هنر، صنعت و معنویت است. این اقلیم، زادگاه خلاقیتها، اندیشه ها و تفکرات بلندی است که سالیانی دراز نقشی عظیم در عرصه تمدن ایران و ایرانی آفریده است. شهرداری اصفهان با هدف شناسایی، بازسازی و احیا نمونه های برجسته از میراث گرانقدر و ارزشمند تاریخ کهن خود همواره بر حفظ ارزش، فرهنگ و تمدن این شهر اندیشیده است. این شهر بی نظیر با توجه به ظرافت ها، ویژگی ها و آثار تاریخی مشهور و فراوان در اسلوبی خاص و قدیمی از هر لحاظ برای مشتاقانی که از دور و نزدیک به دیدارش می شتابند مزین شده است، تا شکوه و عظمت تمدن اسلامی در قلب ایران به نمایش گذاشته شود. با توجه به اهمیت این موضوع اداره اطلاع رسانی روابط

عمومی شهرداری اصفهان به تجهیز، اجرا و باز آفرینی سبک قدیم آثار تاریخی اصفهان در نمایشگاه نصف جهان در مساحت
بالغ

بر ۱۶۰۰ مترمربع اقدام نموده است. این نمایشگاه در سه بخش به اصفهان گذشته، حال و تاریخچه صد ساله شهرداری اصفهان پرداخته است. معرفی اجمالی و بازسازی نمونه های برگزیده، اصیل و پرجاذبه شهر اصفهان است که ضمن معرفی صنایع دستی و بناهای شاخص با ایجاد فضای مذهبی و معنوی حاکم بر ادوار کهن به بازبینی آثار اعتقادی تاریخی این شهر خواهد پرداخت. در این ارتباط سعی گردیده است تاریخچه بنا، صنایع دستی، بناهای قدیم از جمله بازار، سقاخانه، چایخانه سنتی، چاه آب و... با کاربری خاص قدیم آن حفظ و اجرا گردد. طرح اولیه نمایشگاه نصف جهان در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۸۵ آماده و پس از موافقت شهردار محترم، از نیمه دوم بهمن ماه عملیات اجرایی آن با جدیت و با فعالیت شبانه روزی آغاز شد. این نمایشگاه در طی دو ماه با بیش از ۱۰ هزار نفر ساعت مصرف و اعتباری بالغ بر ۳۰۰ میلیون ریال هزینه در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۶ در سال اتحاد ملی، انسجام اسلامی با حضور شهردار محترم اصفهان و معاونین و همچنین معاون محترم سیاسی امنیتی استانداری افتتاح گردید و هم اکنون برای بازدید عموم آزاد می باشد. اصفهان قدیم شامل سه بخش: بازارچه هنر در ابتدای آن چاه آب و سقاخانه ای به نیت تبرک که در قدیم اول هر بازاری قرار داشته است و بعد از آن اختصاص به صنایع دستی و هنرمندان اصفهان دارد. در فضایی بالغ بر ۲۵۰ مترمربع با ۱۵ غرفه هنرهایی از قبیل: هنر سوخت معرق، گلیم، فرش، تابلوهای خطی مربوط به رضا عباسی و آینه کاری، معرق فلزی، قلمکاری، قلمزنی،

میناتور، خاتم کاری، مینا کاری، کاشیکاری، تذهیب و تشعیر تشکیل شده است. میدان امام (ره) در این بخش دومین کلید اصلی معماری شهر میدان عظیم نقش جهان که نمادی از شب آن می باشد و این میدان در آن زمان زمین چوگان هم بوده است و دروازه های مرمرینی که شاه عباس اول برپا ساخته بود را در کنار عکس های قدیمی شهر، گوشه ای دیگر از شاهکارهای هنر اسلامی-ایرانی را به نمایش می گذارد. چهارباغ عباسی چهارباغ عباسی با بهره گیری از فضای قدیمی این خیابان که نام آن از چهارباغ تاکستانی گرفته شده است که شاه برای تحقق مسیر می بایست بخرد، خیابانی بزرگ بود در طرف شرق باغ بلبل، باغ توت و باغ درویشان قرار داشت. در سمت غرب تاکستان، باغ تخت و باغ هشت بهشت گوشه قرار داشته است که در این فضا باغ تاکستان آن و حوضچه های آب فیروزه ای رنگ در جنب مدرسه چهارباغ در کنار عکس های قدیم و چایخانه سنتی که در آن زمان پشت مدرسه چهارباغ قرار داشته است و قسمتی از فرهنگ کهن این شهر را به نمایش گذاشته است. اصفهان حال شامل عملکرد چهارساله شورای اسلامی شهر و شهرداری اصفهان میباشد که این بخش با بیش از ۱۸ غرفه که در اختیار معاونت ها و سازمانها ی تابعه شهرداری قرار گرفته است و همچنین هدایای مربوط به یازده کشور که عقد خواهر خواندگی دارند با اصفهان به نمایش گذاشته شده است. تاریخچه یکصد ساله شهرداری در پایان تاریخچه که حاوی اسناد و مدارک مربوط به شهر-شورای اسلامی و شهرداری در صد ساله اخیر می باشد این اسناد چگونگی

تشکیل بلديه، انجمن بلديه و شهرداری پرداخته است. در کنار آن نیز سعی داشته است با نمایش عکس ها و نقشه های اصفهان قدیم و سایر اسناد به بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین سیر تحول و تکامل معماری شهر اصفهان بپردازد.

مشاغل

رستوران ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

کافی شاپ ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

کارخانجات

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

کلینک های خصوصی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

استخر ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

ورزشگاه ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

طلافروشی ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

عقب نمانید.

شیرآلات

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

ماشین آلات

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

رایانه

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

مبلمان

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

صنایع چوبی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

موبایل

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

املاک

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما راهم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

صنایع سنگ

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

لوازم خانگی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

صنایع چاپ

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

صنایع ساختمان

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

پارکینگ ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

تاکسی ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

صنایع فلزی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

فروش

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

پست بانک ها

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

دفاتر خدمات ارتباطی

جای شما در نرم افزار ما خالی است پس با ما تماس بگیرید تا شما را هم مانند اصفهان به دنیا معرفی نماییم و از رقبای خود عقب نمانید.

خواهر خوانده های اصفهان

لیست اسامی

۱-بارسلون-اسپانیا

۲-فلورانس-ایتالیا

۳-سن پترزبورگ، روسیه

۴-یاش، رومانی

۵-کوالالمپور، مالزی

۶-فرایبورگ، آلمان

۷-ایروان، ارمنستان

۸-هاوانا، کوبا

۹-کویت، کویت

۱۰-شیان، چین

۱۱-لاهور، پاکستان

شهرهای تاریخی جهان بعضاً به واسطه زمینه های تاریخی فرهنگی مشترکی که دارند، سعی در حفظ و حراست از آنها داشته و در این راستا نسبت به ایجاد یک رابطه غیر متمرکز از طریق انعقاد قراردادی موسوم به خواهر خواندگی اقدام نموده و سعی می کنند با اعزام گروه های کارشناسی از تجربیات یکدیگر استفاده نمایند. شهر اصفهان نیز به عنوان اولین قدم در این زمینه با شهر تاریخی شیان از جمهوری خلق چین رابطه خواهر خواندگی برقرار و پس از آن یادداشت تفاهم دیگری با شهر

کوالالامپور در کشور مالزی منعقد کرد. براساس قرارداد خواهر خواندگی این شهرها در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، عمرانی و... با یکدیگر همکاری می کنند. شهر اصفهان نیز تاکنون پذیرای هیات های زیادی از شهرهای خواهر خوانده اش بوده است که حاصل این دیدارها تحولات به وجود آمده در این شهر تاریخی است. هم اکنون اصفهان با ۷ شهر دیگر قرارداد خواهر خواندگی دارد که عبارتند از: ۱-بارسلون، اسپانیا ۲-فلورانس-ایتالیا ۳-سن پترزبورگ، روسیه ۴-یاش، رومانی ۵-کوالالامپور، مالزی ۶-فرایبورگ، آلمان ۷-ایروان، ارمنستان ۸-هاوانا، کوبا ۹-کویت، کویت ۱۰-شیان، چین ۱۱-لاهور، پاکستان، بر اساس قرارداد خواهر خواندگی که در زمینه های مختلف فرهنگی-اجتماعی-عمرانی و... منعقد میشود. شهرهای مذکور پذیرای هیئتهای زیادی بوده اند. حاصل این دیدارها، تحولات بوجود آمده در این شهر تاریخی است.

شیان - چین

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۸. شیان خواهر خوانده ای با قدیمی کهن. ((شیان)) پایتخت ایالت شان شی در بخش مرکزی فلات ۸۰۰ در منطقه میان چین قرار دارد. شیان شهر جهانگردی بین المللی مهم صنعت، علم

و تکنولوژی، آموزش و فرهنگ، تجارت و بازرگانی و مالی در منطقه غرب مرکزی چین شمالی قرار دارد. دارای ۸ بخش و ۵ منطقه در قلمرو خود بوده که دربرگیرنده مساحت ۹۹۸۳ کیلومتر مربع می باشد و از این مساحت ۱۶۲ کیلو متر مربع منطقه شهری توسعه یافته است. این شهر که در زمان باستان در ((چانگان)) نامیده می شده است. یکی از زادگاه های تمدن انسانی است. به عنوان یک پایتخت باستانی معروف در این تاریخ و فرهنگ در جهان به این شهر دارای قدمت تاریخی بیش از ۳۱۰۰ سال است. از قرن ۱۱ قبل از میلاد تا قرن دهم میلادی، این شهر به مدت ۱۱۵۲ سال پایتخت ۱۲ سلسله از جمله ژو، کین، هان و تانگ بوده است. با افتخار می توان ادعا کرد که یکی از چهار پایتخت باستانی جهان است. تاریخ طولانی باعث شده است که این شهر دارای تعداد زیادی بقایای باستانی باشد. در حال حاضر این شهر مرکز نگهداری ۳۱۴ واحد حفظ بقایای باستانی کلیدی می باشد که از بین آنها ۸۴ واحد بیش از سطح استانی می باشد. تعداد ۴۰۰۰ بقایا و مقبره بوده و ۱۲۰۰۰۰ بقایای فرهنگی کشف شده اند. موزه ارتش ((تراکوتای کین)) توانایی ((هشتمین عجایب جهان)) را دارد. دیوار شهر مینگ شیان)) که به بهترین شکل حفظ شده است، بقایای فنک و هائو از سلسه ژو، قصر افنگ سلسله کین شهر چانگان، سلسله هان و قصر دامینگ سلسله تانگ میراث تاریخی و فرهنگی نادر می باشد. این شهر همچنین قدیمی ترین شهری است که با جهان خارج ارتباط داشته است. جاده ابریشم که شرق و

غرب را به یکدیگر ارتباط می داد و از شیان شروع می شد، اولین مسیر تجارت بین المللی بوده است. بعد از تاریخ چین نو، شیان به عنوان یکی از مراکز کلیدی و سرمایه گذاری کشور به سرعت توسعه یافت. از بین ۱۵۶ پروژه ساختمانی کلیدی طی ((اولین برنامه پنج ساله)) هفده پروژه در شیان ایجاد شد که اساس توسعه صنعتی شیان را بنا نهادند. شیان ۴۲ انیستیتو و مرکز آموزش عالی، ۳۹۵۰ موسسه تحقیقاتی در رشته های متاوت علمی در سطوح مختلف و ۳۵۰۰۰۰ متخصص و تکنسین دارد. مرکز کنترل ماهواره شیان که کمک های مهمی به صنعت فضایی چین می کند به عنوان سلسه اعصاب مرکزی برای شبکه فضایی چین قلمداد می شود. در سه سال اخیر شیان بیش از ۵ میلیارد یوان در ساخت و ساز و بازسازی تعدادی از امکانات شهری، خصوصاً تقویت عملکرد خدمات جامع شهر و دادن وجهه ای جدید به این شهر باستانی سرمایه گذاری کرده است. فرودگاه بین المللی شیانیانگ این شهر یکی از چهار فرودگاه بزرگ در کشور است، که در سال ۱۹۹۱ تکمیل و راه اندازی شده و در برگیرنده بیش از ۵۰ پرواز داخلی و ۳ پرواز بین المللی به هنگ کنگ، ناگویا، سنگاپور می باشد. در حال حاضر شیان ۱۱ شهر خواهر خوانده دارد.

کوآلالامپور - مالزی

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۲ تیر ۱۳۷۶. آشنایی با شهر کوآلالامپور. برج کوآلالامپور. این برج ۴۲۱ متری، بلندترین برج در آسیای جنوب شرقی و شامل رستوران گردان و یک تراس، برای مشاهده تمام شهر است. همچنین از آن به عنوان یک ایستگاه رادیو - تلویزیونی و ارتباط از

راه دور نیز استفاده می شود. ساختمان سلطان عبدالصمد: این ساختمان در سال ۱۸۶۹ ساخته و به نام سلطان ایالت "سلانگور" نامیده شده و اکنون محل دادگاههای عالی و فدرال است. در وسط این ساختمان برج ساعت با ارتفاع ۱۳۵ پا قرار دارد. مسجد: این مسجد با معماری مدرن و بی نظیر خود، بیان کننده خوشنویسی، تزئین و هنر سنتی است. برج دوقلو: برج دو قلوی ۸۸ طبقه "پتروناس" بلندترین ساختمان در جهان و بخشی از برنامه توسعه درون شهری است که شامل فضای تجاری، اداری، هتل و امکانات تفریحی می باشد. ساختمان شهرداری: این ساختمان ۳۰ طبقه، اداره مرکزی شهرداری کوآلالمپور محسوب می شود. دفتر شهردار در طبقه ۲۹ این ساختمان واقع شده است. اثر ملی - تاریخی: این اثر برنزی با ارتفاع ۵۴/۱۵ متر، قهرمانانی را نشان می دهد که برای صلح و آزادی ملت جنگیده اند. ایستگاه راه آهن کوآلالمپور: در اوایل قرن بیستم ساخته شده و شکل اصلی آن معماری اسلامی با قوسها و مناره ها است.

فرایبورگ - آلمان

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۶ آبان ۱۳۷۶. آشنایی با شهر فرایبورگ Freiburg. شهر فرایبورگ در غرب آلمان و نزدیک به رودخانه راین و در کنار جنگل سیاه قرار دارد. این شهر کارخانه های نساجی و مواد شیمیایی و تجارت الوار دارد. ولی به طور عمده شهرت آن به عنوان یک مرکز فرهنگی است. دارای کلیسای جامع باشکوهی از قرن ۱۲ میلادی است که اسقف اعظم نشین است، چند بنای تاریخی دیگر نیز دارد. فرایبورگ با کشورهای فرانسه و سوئیس هم مرز است. از جمله ویژگی های منحصر به فرد فرایبورگ این است که این شهر هم جلوه هایی از یک شهر بزرگ جهانی

را در خود دارد و هم نمادهایی از شهرهای کوچک قدیمی را ارئه می کند. فرایبورگ تلفیقی از زندگی مدرن و زندگی نوین است. جذابیت های خاص فرایبورگ باعث شده است که هر سال میلیون ها توریست از نقاط مختلف آلمان و جهان برای بازدید از این شهر زیبا به فرایبورگ سفر کنند. شهر فرایبورگ یکی از معروفترین شهرهای آلمان است که جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ را داراست. این شهر مرکز توریسم و صنعت آلمان است. دکتر ژلف بوم **Dr. Rolf Bohme** شهردار فرایبورگ شهر تحت اداره خویش را چنین توصیف مینماید: «مردم فرایبورگ در میهمان نوازی مشهورند، آنان آمادگی پذیرائی از مردم تمامی نقاط جهان را دارند. شاید همین امر سبب شده باشد که اغلب توریست ها در این شهر احساس می نمایند که در خانه خویش هستند و آشنا و خودمانی شدن با مردم فرایبورگ بسیار آسان می یابند. ساختمانهای زیبا، کلیساها، زندگی های دانشجویی، و از همه مهمتر فرهنگ غنی آن بسیاری را متحیر ساخته است.» اولین ساختمان مدرنی که در این شهر ساخته شد، اداره اطلاعات جهانگردی فرایبورگ بود که در سالهای ۳۶ - ۱۹۳۵ ساخته شده است. در مرکز شهر، کلیسای بزرگ واقع شده که متجاوز از ۷۰۰ سال قدمت داشته و با ارتفاعی بالغ بر ۱۱۶ متر از سطح زمین، بلندترین ساختمان شهر می باشد. با وجود آن که چند برج کلیسای دیگر از همان نوع در قرون وسطی ساخته شده اند، ولی از برج این کلیسا به عنوان زیباترین برج دوران مسیحیت یاد کرده می شود. بزرگترین موزه های فرایبورگ بین سالهای ۲۳ - ۱۹۲۰ ساخته شده اند، ارزش

این موزه ها فقط به طلا یا نقره نیست بلکه نقاشیهای استادان بزرگی چون هانس بلدونگک به آنها ارزش بخشیده است. موزه هنرهای معاصر در سال ۱۹۸۵ در این شهر افتتاح گردید که مجموعه ای از هنر قرون بیستم بود و متعلق به شهرداری می باشد. اینک تئاتر فرایبورگ پنجاهمین سال خود را جشن می گیرد. اگرچه برای اولین مرتبه در ۱۸ اکتبر ۱۹۱۰ گشایش یافت، ولی دوران جنگ در فعالیت آن وقفه ای انداخت. آنچه که تئاتر فرایبورگ را برای خارجیان جذاب ساخته است، خلاقیت و ابتکار و نوآوری در کار تئاتر آن شهر می باشد. گروههای نمایشی این شهر آثار انتقاد اجتماعی جدیدی برگرفته از بریتانیای کبیر را خلق نموده اند. موسیقی و فرایبورگ دو عنصر جدانشدنی هستند. در این شهر، موسیقی در خیابان ها و تالارهای موسیقی شنیده می شود. در تابستان سال ۱۹۹۶ تالار کنسرت این شهر گشایش یافت که تالار جدیدی در دوره های جدید از موسیقی بود. زیبا بودن و نیز نزدیک بودن آن به ایستگاههای قطار شهری و اتوبوس باعث گردید تا این تالار به سرعت به صورت یکی از مراکز مهم فرهنگی این شهر درآمد. با احداث این تالار، شهر فرایبورگ آمادگی برگزاری اولین ارکستر بین المللی را در خود یافته است. بدون شک، فرایبورگ را می توان همانند یک چشمه آب معدنی نامید. این مهم نه فقط به خاطر کوههای سر به فلک کشیده آن، دریاچه ها، جنگل ها، دره ها، باغ ها و پارک هائی است که در سراسر این منطقه وجود دارد بلکه بخاطر وجود داشتن بهداشت و تسهیلات طبی در این منطقه است.

بیمارستانهای زیادی از جمله بیمارستان لورتو **Loretto** که شامل بخشهای دولتی و خصوصی می باشد، خدمات پزشکی را برای شهر فرایبورگ و اطراف آن ارائه می دهند. هم اکنون متجاوز از ۵۰۰ دکتر دارای مطب و در حدود ۱۷۰ دندانپزشک در این شهر وجود دارد. هر شخصی که مایل به گردش و بخصوص پیاده روی باشد، می تواند از دهها معبر مخصوص چه سطحی و چه در دامنه کوه استفاده نماید که معمولاً از مرکز شهر فاصله ناچیزی دارند. پارک های متعدد، جنگل ها، دشت ها، کوه ها، باغ ها و تپه ها پاکیزگی و تهویه هوا را در تمامی اوقات سال تامین می نمایند. این شهر، شهری ورزشی است، هر شخصی که به دنبال تمرینات فیزیکی و بدنی (جسمانی) باشد ورزش مورد علاقه خویش را در آنجا خواهد یافت. ورزشهای آبی روی دریاچه مصنوعی فرایبورگ، مکانهای پیاده روی و در زمستان اسکی و غیره، هر شخصی می تواند برنامه ورزشی خویش را انجام دهد. متجاوز از ۱۳۲ باشگاه ورزشی در این شهر فعالیت دارند که علاوه بر ورزشهای سنتی نظیر تنیس، دوچرخه سواری و فوتبال، ورزشهای جدید همانند فوتبال آمریکائی و غیره را نیز دارا می باشند. دانشگاه فرایبورگ، دارای رشته علوم ورزشی و بخصوص دانشکده ورزشهای عمومی، ۳۶ رشته از ورزش را دارا می باشد. ارتفاعات فرایبورگ با داشتن ۱۲۸۴ متر ارتفاع، توسط جاده یا توسط تله کابین در دسترس می باشد. تله کابین این شهر در سال ۱۹۸۸ م کامل و مجهز گردید، به طوری که در هر یک از واگن های آن به راحتی برای ۷ نفر جا تعبیه شده است.

مردم فرایبورگ قادر خواهند بود که در تابستان هوای سبک و تازه را در نقاط مرتفع و برفراز ابر و مه بیابند. در روزهای مه گرفته پائیز، قله **Schaxinsland** همانند یک جزیره در داخل دریایی از ابر است. این شهر دارای شهرت زیادی برای شرایط خوب زندگی می باشد. جوی های باریک آب که در خیابانهای این شهر روان هستند و آب و هوای خوب و مناظر زیبا از ویژگیهای این شهر می باشد. همچنین آن مرکزی برای بچه ها و دوچرخه سواران می باشد. شهرت فرایبورگ، مرکزیت آن برای برگزاری سمینارها و کنفرانس های متعدد و متفاوت می باشد که همه ساله در این شهر برگزار می شود. در مرکز شهر و بخصوص قسمت قدیمی آن، خرید کردن لذتی واقعی دارد. در مرکز شهر دانشگاهی وجود دارد که دانشجویان، اساتید و پرسنل آن همچون دیگر شهروندان، از امکانات زندگی روزمره برخوردارند. این یکی از شیوه های جذب دانشجو به این دانشگاه است که آن را برای تحصیل در دنیا مشهور ساخته است. این دانشگاه در سال ۱۴۵۷ میلادی تاسیس شده و ۱۵ دانشکده و ۵۴۳ سال قدمت دارد. اصفهان نخستین خواهر خوانده مسلمان فرایبورگ: پس از پایان جنگ جهانی دوم برقراری روابط نزدیک تر میان شهرهای مختلف به عنوان راهی برای تثبیت و تحکیم دوستی و صلح در سراسر اروپا مورد توجه جدی مدیران شهری قرار گرفت. در این میان برقراری رابطه خواهر خواندگی میان شهرهای مختلف از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است، چرا که از این طریق می توان شهروندان شهرهای مختلف را با هم در ارتباطی مستقیم قرار داده و به درک متقابل

میان آنها کمک کرد. به هر حال در سالهای پس از جنگ و در چارچوب اهداف یاد شده شهر فرایبورگ آلمان اقدام به برقراری رابطه خواهر خواندگی با چندین شهر در اروپا کرده بود. این شهرها شامل: بزانسون در فرانسه، اینسبروک در اتریش، پاد در ایتالیا و گیلدفورد در انگلستان بوده است. اما بعدها یعنی پس از دهه هشتاد مقامات شهری در فرایبورگ تصمیم گرفتند که با شهرهایی از دیگر کشورهای جهان نیز رابطه دوستی و خواهر خواندگی برقرار کنند. در دوران جنگ سرد فرایبورگ به دنبال آن بود که نقشی سازنده در راستای تثبیت صلح و جلوگیری از بالا گرفتن تنش میان دو بلوک شرق و غرب بر عهده بگیرد. از این رو مقامات شهری در فرایبورگ دو خواهر خوانده دیگر برای این شهر برگزیدند. این شهرها شامل: مدیسون در ایالات متحده آمریکا و لویولمبرگ در اوکراین بود. البته در آن زمان اوکراین بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. مقامات شهری فرایبورگ تصمیم گرفتند با شهرهای ماتسویاما در ژاپن و اصفهان در ایران نیز رابطه خواهر خواندگی برقرار کنند. بدون شک چنین اقداماتی تاثیر انکار ناپذیری در تحکیم روابط دوستانه میان جهانیان بر جای خواهد گذارد. نکته جالب توجه این است که اصفهان اولین خواهر خوانده فرایبورگ در جهان اسلام است. هدف اصلی مقامات فرایبورگی از برقراری رابطه خواهر خواندگی با اصفهان همراهی با روند اصلاحات و استقرار دموکراسی در ایران و حمایت از این فرایند بوده است. در نظر الف بومه شهردار فرایبورگ هم اکنون ایران گام به گام در چارچوب اصلاحات دموکراتیک به پیش می رود و در این میان اصفهان

از جایگاه ویژه ای برخوردار است. علاوه بر این اصفهان به دلیل برخوردار بودن از یک سابقه درخشان تاریخی یکی از مهم ترین مراکز فرهنگی و توریستی ایران به شمار می آید، از این رو حضور جهانگردان خارجی در اصفهان چشمگیرتر از سایر نقاط ایران است. قرارداد خواهر خواندگی اصفهان و فرایبورگ در ۶ آبان ۱۳۷۹ منعقد شد. اصفهان نهمین خواهر خوانده فرایبورگ محسوب می شود. در نگاه فرایبورگی ها اصفهان با داشتن جمعیتی بالغ بر ۵/۱ میلیون نفر بزرگترین خواهر خوانده فرایبورگ به شمار می آید و برقراری رابطه خواهر خواندگی میان فرایبورگ و اصفهان اولین خواهر خواندگی میان یک شهر آلمانی و یک شهر ایرانی محسوب می شود. در ساختمان شهرداری و سایر اماکن عمومی شهر فرایبورگ نمادهایی از خواهر خوانده های این شهر به چشم می خورد. در حال حاضر مرکزی تحت عنوان مرکز خواهر خوانده های فرایبورگ در این شهر وجود دارد که وظیفه آن دادن اطلاعاتی درباره هر کدام از خواهر خوانده های فرایبورگ به علاقمندان است. از دیگر فعالیت های این مرکز می توان به برگزاری تورهای مسافرتی به شهرهای خواهر خوانده، اعطای بورس های تحصیلی و فراهم آوردن امکانات اقامتی برای میهمانانی است که از شهرهای خواهر خوانده می آیند. از دیگر فعالیت هایی که در چهارچوب رابطه خواهر خواندگی میان فرایبورگ و سایر شهرهای جهان انجام می گیرد می توان به مبادلات فرهنگی اشاره کرد. چندی پیش گروه های تئاتر و موسیقی از شهرهای: گرانا، اینسبورگ، پادوآ و فرایبورگ به مدت هشت روز در فرایبورگ برنامه های جذابی را اجرا کردند که بازتاب بسیاری داشت. از ثمرات

برقراری رابطه خواهر خواندگی میان شهرهای مختلف تحکیم مناسبات اقتصادی میان این شهرها است. فرایبورگ طی سالهای اخیر روابط اقتصادی خود را با خواهر خوانده های خود به طور چشمگیری گسترش داده است. به عنوان مثال فرایبورگ در راستای همکاری های اقتصادی با خواهر خوانده ایرانی خود یعنی اصفهان انجام دو پروژه را در این شهر بر عهده گرفته است. بر اساس توافق فرایبورگ و اصفهان قرار است فرایبورگ ها از نوسازی و تجهیز سیستم حمل و نقل عمومی در اصفهان حمایت کرده و پروژه هایی را در خصوص استفاده از انرژی خورشیدی در اصفهان به مورد اجرا در آورند.

فلورانس - ایتالیا

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۲۲ شهریور ۱۳۷۷. آشنایی با فلورانس: فلورانس زادگاه هنرمندان بزرگی چون لئوناردو دواینچی و دانته آلیگری و یکی از شهرهای تاریخی و زیبای اروپا است و بنا به گفته آندره مالرو، ادیب فرانسوی از جمله محدود شهرهای جهان است که از نظر زیبایی و غنای هنری و فرهنگی با اصفهان قابل مقایسه است. فلورانس زادگاه میکل آنژ و دانته و جایی است که بوکاجیو اثر مشهور خود دکامرون را در آن نوشت. براساس آمار منتشره از سوی یونسکو بیش از ۶۰ درصد آثار هنری جهان در ایتالیا نگهداری می شوند که شهر فلورانس بیش از نیمی از این آثار را در خود جای داده است. شهر فلورانس مرکز ناحیه توسکانی ایتالیا است و در حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. این شهر که تقریباً در مرکز خاک ایتالیا قرار گرفته است از زمان تاسیس توسط رومی ها در قرن اول پیش از میلادی شهری پر رونق و غنی از نظر

صنعت، تجارت، فرهنگ و هنر بوده است. در قرن سیزدهم جمعیت فلورانس به؟؟؟ هزار نفر رسید و به این ترتیب فلورانس به یکی از بزرگترین شهرهای اروپا تبدیل شد. فلورانس در صنعت پارچه بافی بسیار پیشرفت کرد و با سود حاصل از آن صنعت بانکداری مقتدری به راه انداخت که باعث شد بر پول رایج قرن چهاردهم نام فلورین را بگذارند. بر خلاف شهرهای ونیز و بروژ نجیب زادگان شهر که در واقع اخلاف فتودال های شهر بودند در میانه قرن سیزدهم قدرت خود را از دست دادند و جای خود را به طبقه بورژوازی بانکداران، تجار پارچه و افسران عالی رتبه دادند. اما اوج رونق و شکوفایی فلورانس به قرن پانزدهم میلادی و هنگامی بر می گردد که خاندان مدیچی حکمرانی بر این شهر را بر عهده داشت. در این زمان فلورانس مهد فرهنگ و هنر اروپا بود و بزرگانی چون لئوناردو داوینچی در آن می بالیدند. فلورانس همچنین یکی از مهمترین موزه های اروپا به نام اوفیتزی را در خود جای داده است. این موزه که عمده آثار استادان نقاشی ایتالیا و نیز تعداد زیادی از آثار مهم دیگر نقاشان اروپایی قرن سیزدهم تا قرن هجدهم میلادی را خود جای داده است که از جمله آنها می توان به داوینچی، بوتیچلی، کاراواجو، رافائل، رامبراند، روبن، گوبا، دورر و... اشاره کرد. فلورانس خواهر خوانده ای در خور برای اصفهان: شهرهای تاریخی جهان مانند اصفهان و فلورانس به واسطه زمینه های تاریخی - فرهنگی مشترکی که دارند از طریق انعقاد قراردادی موسوم به خواهرخواندگی نسبت به ایجاد یک رابطه غیرمتمرکز با یکدیگر اقدام می کنند

و با اعزام گروه های کارشناسی از تجربیات یکدیگر استفاده می کنند. قرارداد خواهرخواندگی اصفهان و فلورانس در جریان سفر لامبرتو دینی، وزیر امور خارجه وقت ایتالیا به تهران و هیات همراه در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۷۷ به امضای دو طرف رسید. شهرداران دو شهر اصفهان و فلورانس این قرارداد را طی مراسمی در شهر اصفهان امضا کردند. ماریو پرمیچچه ریو، شهردار فلورانس پس از امضای این قرارداد آن را سنگ بنای همکاری های فرهنگی آینده میان دو شهر اصفهان و فلورانس نامید. تبادل هیات های فرهنگی همکاری های کارشناسی فرهنگی، تبادل توریسم و همکاری های اقتصادی از جمله مهم ترین محورهای قرارداد خواهرخواندگی اصفهان و فلورانس است. یکی از مهمترین ثمرات این قرارداد تا امروز مرمت کلیسای جلفای اصفهان از سوی کارشناسان ایتالیایی بوده است.

یاش - رومانی

تاریخ عقد خواهرخواندگی: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۸

بارسلون - اسپانیا

تاریخ عقد خواهرخواندگی: ۲۴ دی ۱۳۷۸. آشنائی با شهر "بارسلون": خواهرخوانده اسپانیایی اصفهان در شمال شرقی این کشور در نزدیکی فرانسه و در ساحل مدیترانه قرار گرفته و دارای ۱۳ کیلومتر ساحل زیبا است. این شهر که دومین شهر بزرگ اسپانیا پس از مادرید و بزرگترین بندر این کشور است با چهار میلیون و ششصد و شصت و هفت هزار نفر جمعیت (با احتساب جمعیت حومه) از جمله شهرهای بزرگ قاره اروپا محسوب می شود. قدمت شهر بارسلون که توسط اقوام کارتاز پایه گذاری شد به قرن اول میلادی باز می گردد. بارسلون تا قرن هشتم میلادی تحت کنترل رومی ها و سپس ویزگوت ها بود و سپس توسط شارلمانی امپراتور فرانسه تصرف شد. اما بارسلون خیلی زود استقلال خود را بازیافت و دولت خود مختار این ناحیه که زیر نظر کنت بارسلون اداره می شد خیلی زود قلمرو خود را به کل ناحیه کاتالونیا گسترش داد. از آنجایی که بارسلون یکی از مراکز فعال تجاری بوده است آثار معماری در آن به وفور دیده می شود. از قرن چهاردهم به بعد معماری نوین در این شهر پایه گذاری شد. بعد از انقلاب صنعتی قرن ۱۹ و ۲۰ بارسلون به عنوان مهمترین مرکز اقتصادی اسپانیا مطرح و از دهه ۵۰ معماری مدرن به بافت شهرسازی آن اضافه شد و بناهای موجود ترکیبی از معماری سنتی و نوین است. بارسلون همچنین سکونت گاه آنتونی گاودی معمار بزرگ اسپانیایی بوده است و بسیاری از شاهکارهای معماری گاودی را می توان در این شهر دید. بارسلون شهری میزبان سه محوطه میراث جهانی:

شهر بارسلون از نظر فرهنگی یکی از غنی ترین شهرهای اسپانیا است به طوری که به تنهایی ۳ محوطه میراث جهانی این کشور را در خود جای داده است: ۷ بنا از آثار معمار مشهور آنتونیو گاودی، بیمارستان دو سنت پو که به خاطر معماری منحصر به فردش در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است و صخره نگاره های ماقبل تاریخ حاشیه مدیترانه. مشهورترین موزه شهر بارسلون موزه پیکاسو است که نزدیک به ۳۵۰۰ اثر این نقاش بزرگ قرن بیستم را در خود جای داده است. این آثار که بیشتر به دوران اولیه کاری پیکاسو تعلق دارند از نبوغ سال های جوانی پیکاسو خبر می دهند. بازدید از موزه پیکاسو و دیگر موزه های شهر بارسلون در اولین یکشنبه هر ماه رایگان است. موزه خوان میرو و موزه دریایی بارسلون از دیگر موزه های مشهور این شهر هستند. بارسلون یکی از قدیمی ترین دانشگاه های اروپا را در خود جای داده است که قدمت آن به سال ۱۴۵۰ میلادی باز می گردد. بارسلون از زمان بازیهای المپیک ۱۹۹۲ از نظر فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژی، تغییرات چشمگیری داشته و پارک ها، موزه ها، دانشگاه ها و مراکز مختلف تجاری در آن بنا شده است. فرودگاه بین المللی بارسلون از اعتبار خاص جهانی برخوردار است. همچنین این شهر مجهز به قطار سریع السیر و شبکه گسترده قطار زیرزمینی است. قرارداد خواهر خواندگی اصفهان و بارسلون در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۷۸ میان ژوان کلو س ای مانتو شهردار و محمد علی جوادی شهردار اصفهان امضاء شد. براساس این قرارداد دو شهر اصفهان و بارسلون در زمینه های مختلف فرهنگی، ورزشی و تجاری

با یکدیگر همکاری می کنند.

ایروان - ارمنستان

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۸ اردیبهشت ۱۳۷۹

کویت - کویت

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۳۰ خرداد ۱۳۷۹. آشنایی با شهر کویت Kuwait: کشور کویت دارای مساحتی حدود ۸۲۰/۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت ۲/۲۷۴/۲۰۰ نفر می باشد که از این تعداد تنها ۲۰۰/۷۹۸ نفر ملیت کویتی دارند و بقیه از کشورهای خارجی و با رواید کار در این کشور فعالیت دارند. آب و هوای کشور عمدتاً گرم و خشک بوده، حداکثر دما در تابستان بین ۳۵ تا ۵۰ درجه و حداقل آن در زمستان ۱۰ درجه سانتیگراد است. صادرات کشور حدود ۵/۱۰ میلیارد دلار در سال و واردات آن بالغ بر ۲/۶ میلیارد دلار است که شامل مواد خوراکی، ساختمانی، وسایط نقلیه و لباس و عمده صادرات کشور به فرانسه، ایتالیا، ژاپن، کانادا و انگلستان است. در حال حاضر کویت هیچگونه بدهی ندارد. کشور کویت در ۱۹ ژوئن سال ۱۹۶۱ میلادی به استقلال دست یافت و دو سال بعد به عضویت سازمان ملل درآمد و قبل از آن مستعمره انگلستان محسوب می شد. شهر کویت دارای آثار تاریخی زیادی نیست. از میان دیدنی های این شهر می توان به میدان صفات اشاره کرد که با مساحت ۱۲/۰۰۰ مترمربع و ۳/۵۰۰ مترمربع فضای سبز، ۱۲۲ سال پیش افتتاح شده است.

هاوانا - کوبا

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۱۸ اسفند ۱۳۷۹. آشنایی با کوبا ۱: Cuba - جغرافیای طبیعی: موقعیت جغرافیایی نیمکره غربی، نیمکره شمالی (جزء ممالک دریای کارائیب است) مساحت ۵۲۴/۱۱۴ کیلومتر مربع (در حدود ۴۵/۰۰۰ مایل مربع) حدود کوبا، جزیره ای است در مغرب دریای کارائیب که با فاصله کمی در شمال آن، شبه جزیره فلوریدا (ایالات متحده آمریکا) واقع شده است. در مغرب کوبا خلیج مکزیکو و در جنوب آن به فاصله

نسبتاً زیادی ممالک آمریکای مرکزی قرار دارند و در مشرق آن نیز با فاصله کمی، جزیره هسپانیولا (جمهوری هائی تی) واقع شده است و در جنوب شرقی آن نیز جمهوری «جامایکا» قرار دارد. کوههای مهم - سکوتورکوینو «Secuturcoyno» سیراماسترا «Sierr Maestra». قله های مهم سکوتورکوینو (با ۲۶۰۰ متر ارتفاع) تورکینا «۲۰۳۰» «Turquina» متر ارتفاع، گراندپیدار «Grandpiedra» با ۱۰۵۰ متر ارتفاع. مهمترین رودها سان پدرو و مایوری در نواحی شرقی، ریوساگوآلا «Rios guala» در نواحی شمالی، ریوهانابانا «Riohanabana» در نواحی جنوبی (همه رودهای کوبا به دریای کارائیب می ریزند) طول و عرض جغرافیایی کوبا، میان ۲۰ و ۲۴ درجه عرض شمالی و ۲۴ درجه و ۹۴ درجه طول غربی واقع شده است. آب و هوا جمهوری کوبا دارای آب و هوایی گرم و در عین حال مرطوب است و به همین سبب است که در کوبا هم جنگلهای فراوان مناطق حاره وجود دارد و هم دارای محصولات مخصوص نواحی گرمسیری است. سایر خصوصیات جغرافیایی حد فاصل میان کوبا و هائی تی (جزیره هسپانیولا) تنگه ای است که ویندوارد «Windward» نام دارد و حد فاصل میان کوبا و شبه جزیره فلوریدا (ایالات متحده آمریکا) نیز تنگه «فلوریدا» نامیده می شود. در شمال کوبا، تعداد بسیاری جزایر بزرگ و کوچک وجود دارد که جزایر کوچک، مجمع الجزایر «سابانا» را تشکیل داده اند ولی جزایر بزرگتر عبارتند از (فراگوسو، سانتاماریا، کوکو «Coco» رومانو «Romano» گویابا، ساینال) در جنوب شرقی و جنوب غربی کوبا نیز تعدادی جزایر وجود دارد که جزایر جنوب شرقی تشکیل مجمع الجزایر (باغهای ملکه) یا ژاردین دولارینا «Jardindelareina» را داده اند. مهمترین این جزایر عبارتند از (آنکه

لتیا، لوگوآس «Leguas» سینکوبالاس و مهمترین جزایر متعلق به کوبا که خود یکی از ایالات این کشور را تشکیل داده است، ایسلادوپینوس «Isladepinos» یا «لاهابانا» نام دارد. در کوبا، شبه جزایر و خلیج های فراوان نیز وجود دارد، مهمترین خلیج های کوبا عبارتند از نیپ «Nipe» (در شمال شرقی) نوویتا «Nuevita» گلوریا، ژیگوی «Jiguay» پروس «Peros» بوئنوس دیستا، سانتاکلارا، کاردناس «Cardenas» ماتانزاس (در شمال) گواناها کابی بس «Guanahacabibes» در مغرب، انسناداکورنتیس «Ensenadacorentes» کورتس «Cortes» (در جنوب غربی) باتابانو، بروآ «Broa» کازونس «Cazones» کوچینوس «Cochinos» سین فوئه گوس «Sinfuegos» آناماریا (در جنوب) گواکانایابو «Guacanayabo» گوانتانامو «Guantanamo» در جنوب شرقی و اما مهمترین شبه جزایر کوبا عبارتند از: اوری ین ته «Oriente» در مشرق که خود ایالتی است) پیناردل ریو «Pinardelrio» در مغرب (که خود ایالتی محسوب می شود) زاپاتا (در جنوب غربی). کوبا را مروارید آنتیل می گویند و بزرگترین جزیره دریای آنتیل محسوب می شود. به سبب رطوبت و گرمای زیاد، در کوبا جنگلهای انبوهی به وجود آمده است. دماغه کروز «Cruz» در مغرب شبه جزیره «اوری ین ته» دماغه مایسی «maisi» در مشرق آن شبه جزیره، دماغه «پونتاگوردا» در مغرب شبه جزیره «زاپاتا» و دماغه های «کورین ته» و «سانتاکروز» در مغرب شبه جزیره «پیناردل ریو» از مهمترین دماغه های این کشور محسوب می شوند. ۲ - جغرافیای سیاسی: پایتخت هاوانا (که نام اصلی آن لاهابانا) و در شمال غربی کوبا در ساحل خلیج مکزیکو واقع شده است و در حدود ۲/۲ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت ۰۰۰/۲۵۰/۱۱ نفر (بر اساس برآورد سال ۱۹۶۹ میلادی که توسط سازمان ملل متحد به عمل آمده است) جمعیت نسبی ۷/۹۸ نفر

در هر کیلومتر مربع (جمعیت در نواحی غربی، شمال غربی و جنوب غربی بیشتر است) نوع حکومت جمهوری سوسیالیستی (رئیس جمهوری را هر ۴ سال یکبار آراء مستقیم مردم انتخاب می کند) قوه مقننه مجلس نمایندگان ملی نژاد سفید پوست، سیاه پوست (اقلیت دورگه، سرخپوست) زبان اسپانیائی دین و مذهب مسیحی (پیرو مذهب کاتولیک) خط لاتین پرچم دارای سه قسمت آبی و دو قسمت سفید رنگ که به طور افقی یک در میان قرار گرفته اند. در سمت چپ پرچم مثلث قرمز رنگی است که یک ستاره سفید پنج پر درون آنست. شهرهای مهم کاماگوی «camaguey» هولگوئین «Holguin» سان لوئیس، ساریا، سیگوداویلا «Ciegodeavila» سانتا کلارا، کابالگوآن «Cabalguan» کولون، گوئی نس «Guines» بژوکال «Bejucal» پیناردل ریو «Pinardelrio» جووولانوس «Jovollanos» سان ژوزه، پلا-که تاس، مورون، ویکتوریادولاس توناس، پدروبتانکورت بنادر مهم نیگوئه رو «Niguero» مانزائیلو، ترینیداد، سی یین توئه گوس «Cientuegos» باتابانو، سانتال نیاگارا، باوتا «Bauta» ماریانا، گواناباکوآ «Guanabacoa» ماتانزاس، کاردناس، کائی بارین «caibarien» گیبارا، باراکوآ، سانتیاگودوکوبا. ایالات مهم جمهوری سوسیالیستی کوبا مرکب از ۷ ایالت است که عبارتند از: ۱- اوری یین ته (در مشرق کوبا) که پایتخت آن «سانتیاگودوکوبا» است. ۲- کاماگوی (در مغرب اوری یین ته) که پایتخت آن «کاماگوی» است. ۳- لاس ویلاس (در مرکز کوبا) که پایتخت آن «سانتا کلارا» است. ۴- ماتانزاس (در شمال لاس ویلاس) که پایتخت آن «ماتانزاس» است. ۵- لاهابانا (در مغرب ماتانزاس) که پایتخت آن «هاوانا» است. ۶- پیناردل ریو (در مغرب کوبا) که پایتخت آن «پیناردل ریو» است. ۷- جزیره پینوس (در جنوب پیناردل ریو) که پایتخت آن «سانتآبارارا» است. عضویت سازمان ملل متحد روز

۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ میلادی عضویت یافت. نامهای دیگر دژ آمریکایی کمونیسم مروارید آنتیل، کشور سیگار برگ، جوانا گوشواره کارائیب. نام لاتین «Cuba» - جغرافیای اقتصادی: مهمترین محصولات کشاورزی نیشکر، توتون، چوب، آناناس، قهوه، چغندر قند، موز، مرکبات، نارگیل. مهمترین منابع معدنی آهن، مس، نیکل، کرومیت، منگنز. مهمترین صنایع صنایع استخراجی، سیگار سازی، شکر و قند سازی، شراب سازی، منسوجات، مواد شیمیایی، لوازم الکتریکی. دامپروری به سبب وجود مراتع طبیعی زیاد، پرورش انواع جانوران دامی در کوبا رواج کامل دارد. در نواحی شرقی گوسفند و بز، در نواحی مرکزی خوک و در نواحی غربی گاو و گوسفند پرورش داده می شود و ماهیگیری نیز همه جا رواج دارد. واحد پول پزو (برابر با تقریباً ۷۲ ریال به پول ایرانی). واردات مهم مواد غذایی، دارو، وسایط نقلیه، اسلحه، ماشینهای مختلفه صنعتی. صادرات مهم چوب، شکر، سیگار، میوه های جنگلی، سنگهای فلزات. راههای ارتباطی کوبا تا قبل از انقلاب، از هر حیث عقب مانده بود و به این جهت دارای راههای ارتباطی نیز نبود. بعد از روی کار آمدن رژیم جدید، با استفاده از کار مجانی دهها هزار کارگر و کارمند و دانشجو و ارتشی، راههای بسیاری ساخته شد به طوری که سراسر کوبا با راه آهن بهم متصل است و به نسبت وسعت در شمار ممالک پر راه آهن جهان محسوب می شود. و علاوه بر راه آهن، همه شهرهای مهم و بنادر مهم کوبا نیز به وسیله راههای شوسه به هم متصل است. کوبا راه آبی داخلی ندارد ولی دریای کارائیب و خلیج مکزیکو و اقیانوس اطلس، عامل عمده ارتباط کوبا با سایر ممالک جهان محسوب می شود.

فرودگاه «هاوانا» جزء فرودگاه های درجه اول بین المللی است. اماکن دیدنی مزارع توتون، کارخانه های شکرسازی محلی، جزیره پینوس» سواحل خلیج های جنوب غربی، شهر تاریخی «هاوانا» با کلیساها و موزه ها و گذرگاه های قدیمی آن و قصرهای زیبای شهر کاماگوی. کوبا یکی از زیباترین و دیدنی ترین مناطق دریای کارائیب محسوب می شود.

سن پترزبورگ - روسیه

تاریخ عقد خواهر خواندگی: ۲۰ آبان ۱۳۸۳. آشنایی با شهر سن پترزبورگ: سن پترزبورگ در سال ۱۷۰۳ میلادی در شمال غربی فدراسیون روسیه در محل ورود رودخانه نوا به خلیج فنلاند توسط پتر کبیر بنا شد. مساحت شهر ۶۰۷ کیلومتر مربع و با احتساب حومه اطراف ۱۴۳۹ کیلومتر مربع است. سن پترزبورگ از ۴۲ جزیره تشکیل شده که توسط ۵۶۰ پل به هم ارتباط دارند. تعدادی از این پل ها در شب برای کشتیرانی بر روی رودخانه نوا باز می شوند. از نظر آب و هوایی سردسیر و مناسب ترین زمان از نظر دما در آن خرداد و تیرماه است. این شهر در اوایل انقلاب بلشویکی پتروگراد (شهر پتر) بعد از مرگ لنین، لنینگراد و در سال ۱۹۹۱ جمعیتی بالغ بر پنج میلیون نفر از سطح بالای بهداشتی برخوردار است. اسکلت ساختمانی شهر سنگ و دارای مناطق دیدنی بسیار زیادی از جمله قلعه پتروپاول است که در ادوار مختلف کاربری متفاوتی داشته به عنوان مثال این قلعه در دوره ای زندان نامدارانی چون ماکسیم گورکی و داستایوفسکی بوده است. مقبره پوشکین شاعر معروف روسیه نیز در این شهر قرار دارد. دیدنی های دیگر سن پترزبورگ کلیساهای بزرگ، کاخ های تزار و موزه های باشکوه، از جمله موزه بزرگ آرمیتاژ است که

در جوار رودخانه نوا به زیبایی و عظمت شهر می افزاید. سن پترزبورگ همچنین بزرگترین مرکز تاریخی خاورشناسی روسیه به شمار می رود. تدریس زبان های شرقی در روسیه از سال ۱۸۰۴ آغاز شد و شعبه مربوط به تدریس زبان های عربی و فارسی در دانشگاه سن پترزبورگ اولین بار در سال ۱۸۱۸ افتتاح شد. با تاسیس دانشکده خاورشناسی در سال ۱۸۵۵ کلاس های جدید تحت عنوان پشتو، ادبیات فارسی، زبان اوستا و فارسی باستان گشایش یافتند. بخش ادبیات ایران در سال ۱۹۱۶ تاسیس گردید. طی ۴۰ سال (از سال ۱۸۷۶ تا سال ۱۹۱۶) آکادمیسین زالیمان، ایران شناس معروف زبان پهلوی، اوستا و «مبانی زبان های ایرانی» را در این دانشکده تدریس می کرد. سن پترزبورگ چهارمین خواهر خوانده اصفهان: قرارداد خواهر خواندگی اصفهان و سن پترزبورگ روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ در اصفهان امضاء شد و به این ترتیب سن پترزبورگ پس از شیان چین، کوالامپور مالزی و فلورانس ایتالیا به چهارمین خواهر خوانده اصفهان تبدیل شد. قرارداد اولیه خواهر خواندگی را کریشانوف، معاون اول استانداری سن پترزبورگ و محمدعلی جوادی شهردار وقت اصفهان به نمایندگی از طرف دو شهر در اردیبهشت ۱۳۷۸ امضاء کردند. پس از آن در آبان ماه ۱۳۸۳ قرارداد تفصیلی خواهر خواندگی در هشت ماده به امضای دو طرف رسید. این قرارداد را والتینا ماتویی نکو استاندار سن پترزبورگ روسیه و دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد شهردار اصفهان امضاء کردند. بنابر این قرارداد شهرداری اصفهان و دولت سن پترزبورگ فدراسیون روسیه در جهت استفاده بهینه از پتانسیل اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی برای توسعه روابط دوستانه بین مردم دو کشور ایران و

روسیه به توافق رسیدند در هشت ماده قرارداد خواهر خواندگی به همکاری از طریق قرارداد حاضر براساس اصول اعتماد متقابل، توسعه همکاری های اقتصادی و تجاری و اجرای طرح های مختلف صنعتی مورد علاقه طرفین، همکاری بین اتاقهای بازرگانی و مؤسسات و شرکت های دو طرف قرارداد، توسعه همکاری بین آژانس های جهانگردی و نمایشگاه های تجاری اصفهان و سن پترزبورگ و سازمانها، انجمن ها، تیم های مختلف ورزشی و مؤسسات علمی و فنی اشاره شده است. والتینا ماتوینکو استاندار سن پترزبورگ پیش از مراسم عقد قرارداد خواهر خواندگی در تالار شورای شهر اصفهان گفت: شهر سن پترزبورگ و اصفهان به لحاظ فرهنگی و تاریخی تشابهات فراوانی دارند. وی افزود: به دلیل همکاری های موفقی که پیش از این شهرهای اصفهان و سن پترزبورگ با یکدیگر داشتند تصمیم به عقد قرارداد خواهر خواندگی گرفته شد. به گفته ماتوینکو، سن پترزبورگ نه تنها شهری صنعتی و فرهنگی بلکه شهری سیاسی است. وی اظهار داشت: شهر سن پترزبورگ دارای پتانسیل های برجسته و امکانات وسیع اقتصادی است و شرکت های خارجی زیادی را جهت سرمایه گذاری به خود جلب نموده است. وی با اشاره به مشکلات این شهر در خصوص احداث مترو گفت: با توجه به اینکه این شهر تجارب طولانی در خصوص احداث مترو دارد پیشنهاداتی را برای عبور مترو اصفهان از بافت تاریخی به شهردار اصفهان ارائه می دهد. دکتر مرتضی سقائیان نژاد شهردار اصفهان در این مراسم با اشاره به تشابهات فراوان این دو شهر در خصوص مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گفت: امضای این قرارداد سر فصل جدیدی برای همکاری های متقابل است وی

تصریح کرد: با توجه به اینکه کشور روسیه و ایران دارای منافع مشترک فراوانی هستند، توسعه روابط دوستانه به نفع دو کشور است.

متروی اصفهان در آینده

اهداف

اصفهان با وجود افزایش جمعیت بر آن شد که برای پیشبینی جابجائی مردم به سرعت به مناطق مختلف شهر پروژه متروی اصفهان تصویب شد و در حال اجرا می باشد.

شهرستانهای استان اصفهان

شهر تاریخی کاشان

تاریخچه

نام شهر کاشان در مآخذ اسلامی، "قاشان" یا "قاسان" ضبط شده و از شهرهای بسیار قدیمی ایران است. به استناد تحقیقات باستان شناسان در تپه های سیلک واقع در ۴ کیلومتری غرب کاشان، این ناحیه یکی از نخستین مراکز تمدن و محل سکونت بشر ماقبل تاریخ شناخته شده است. کاشان در زمان ساسانیان منطقه ای آباد بوده است. این شهر در دوره اسلامی نیز یکی از شهرهای مهم و معروف عراق و عجم بود. به استناد جغرافی دانان اسلامی، نام قدیم کاشان "چهل حصاران" نیز بوده است. در سال ۴۴۲ ه. ق طغرل اول سلجوقی بر شهرهای بزرگ جبال عجم استیلا یافت. در سال ۵۳۲ ه. ق ملک سلجوق بن محمد بن ملکشاه با سپاهیان خود به کاشان حمله برد و خرابی های زیادی به بار آورد. در سال ۵۹۴ ه. ق یکی دیگر از سرداران سلطان تکش خوارزمشاه به نام میاجق که حاکم ری بود اینتاج را کشت و برای دست اندازی به فرمانروایی او به کاشان حمله برد و شهر را محاصره کرد، بعد از مدتی که نتیجه ای حاصل نشد با مردم کاشان صلح کرد ولی سپاهیان به روستاهای اطراف کاشان خسارت زیاد وارد کردند.

بعد از درگذشت تکش، به فرمان سلطان محمد خوارزمشاه (۵۹۶ - ۶۱۸ ه. ق) فرزندش رکن الدین به حکومت ری، قم، و کاشان منصوب گردید. در سال ۶۲۱ ه. ق در هنگام تاخت و تاز سپاهیان هلاکوخان در حدود کاشان،

خواجه نصیرالدین طوسی که از ملتزمین رکاب خان مغول بود، به احترام وجود بابا افضل الدین مرقی کاشانی سپاهیان را از کشت و کشتار مردم کاشان بازداشت و در سال (۶۶۳-۶۸۰ ه. ق) خواجه بهاء الدین محمد به حکومت اصفهان و کاشان منصوب شد. در سال ۶۷۴ ه. ق هندوشاه نخجوانی حاکم کاشان بود و در سال ۷۵۷ و ۷۶۸ این شهر جزو قلمرو آل مظفر بوده است. کاشان به کرات بر اثر زلزله ویران شده است. از جمله در سال ۱۱۹۲ ه. ق در دوره سلطنت کریم خان زند بر اثر زلزله خسارت بسیار دید. آخرین بار در سال ۱۲۶۰ ه. ق زلزله سختی کاشان را لرزاند و باعث ویرانی روستاها و قصبات اطراف آن شد. شهر کاشان معماری ویژه بومی جالب توجهی دارد و آثار و بناهای تاریخی و مذهبی فراوانی در آن به جا مانده است.

مراکز تاریخی و باستانی

خانه بروجردی ها

این خانه در ضلع غربی کوچه امیر احمد خیابان علوی شهر کاشان و در نزدیکی حمامی به همین نام، قرار دارد. ساختمان خانه بروجردی ها بر اساس اطلاعات کتیبه های آن، در سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۰ هجری قمری ساخته شده است. عرصه این خانه در سال ۱۳۵۳ شمسی به تملک سازمان میراث فرهنگی درآمد، ولی اعیانی آن که در شرق و شمال شرقی خانه واقع شده، هنوز در مالکیت خصوصی باقی مانده است. این خانه را حاج سید جعفر نطنزی که از بروجرد مال التجاره وارد کاشان می کرد، برای فرار از پرداخت خمس و زکات ساخته است.

آرامگاه سهراب سپهری

سهراب سپهری شاعر، عارف مشرب و طبیعت گرای معاصر است که در سال ۱۳۰۷ ه. ش در کاشان متولد شد و در سال ۱۳۵۹ ه. ش دار فانی را وداع گفت؛ و در روستای مشهد اردهال کاشان به خاک سپرده شد. سپهری شاعری است دارای شیوه ای خاص، و این خود امتیازی در خور توجه است. در شعر سپهری نوعی رمانتیسیم زلال و شفاف انعکاس دارد. دل آزردهای او از محیط را نیز می توان در اشعارش دید.

آرامگاه بابا افضل کاشانی

آرامگاه افضل الدین محمد بن حسن کاشانی، فیلسوف و شاعر معروف متوفای ۷۰۷ ه. ق در قریه مرق، در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی کاشان واقع شده است. آرامگاه بابا افضل به شماره ۳۷۳، در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

آرامگاه محتشم کاشانی

کمال الدین سید علی بن خواجه میر احمد کاشانی، ملقب به شمس الشعرا کاشانی و متخلص به محتشم، از شاعران اوایل عهد صفوی است. وفات وی در سال ۹۹۶ ه. ق روی داده است. وی بیشتر به سرودن مدایح، مرثیاتی اهل بیت می پرداخت و ترکیب بند معروف شهدای کربلا از اوست. آرامگاه وی در یکی از محلات مرکزی شهر کاشان موسوم به کوی محتشم واقع شده است.

آرامگاه فیض کاشانی

آرامگاه ملا محمد حسن فیض کاشانی در سمت غربی شهر کاشان و حوالی دروازه فین، مجاور قبرستان بزرگ و عمومی شهر واقع شده است. قبر فیض تا اواخر قرن گذشته بر حسب وصیت او فاقد هرگونه بنایی بود. بنای فعلی آرامگاه، از آثار فرهاد میرزا معتمد الدوله، فرزند عباس میرزا نایب السلطنه است. تاریخ وفات فیض کاشانی در سال ۱۰۹۱ ه. ق و در سن ۸۴ سالگی وی بوده است.

مدرسه آقا بزرگ کاشان

مدرسه آقا بزرگ کاشان مانند دیگر بناهای اقلیم گرم و خشک ایران، چهار ایوانی است. صرف نظر از ساختمانهای نوساز کاشان، گنبد عظیم و دومناره کاشی کاری شده مدرسه آقا بزرگ، در حال حاضر نیز از بلندترین بناهای تاریخی شهر است.

باغ و کاخ تاریخی فین

یکی از بناهای مجلل و با ارزش تاریخی استان اصفهان، باغ فین کاشان است که در ۶ کیلومتری جنوب کاشان و در مجاورت روستای فین قرار دارد. بنای باقی مانده کنونی باغ در دوران صفوی بر روی بناهایی که از عهد آل بویه ساخته شده است که از لحاظ باغ آرای و آب رسانی اهمیت ویژه ای دارد. این باغ به علت قتل امیر کبیر در حمام کوچک آن که در سال ۱۲۶۸ ه. ق اتفاق افتاد، معروف شده است. این باغ نمونه ای از کاخ های دوران صفویه است که در دوره های زندیه و قاجاریه، الحاقاتی بدان افزوده شده است.

بناهای تاریخی این باغ عبارتند از: سردر ورودی، برج و بارو، شتر گلوی صفوی، وسط باغ شتر گلوی فتحعلی شاه، اتاق شاه نشین جنوب شرقی باغ، موزه غرب باغ، حمام های کوچک و بزرگ و کتابخانه شرق باغ. در این باغ به ترتیب شاه صفی، شاه سلیمان، شاه طهماسب، شاه عباس، کریم خان زند و فتحعلی شاه بناهایی را مرمت یا اضافه نموده اند.

باغ فین در دوران صفوی و قاجار از رونق زیادی برخوردار بود؛ ولی با آغاز انقلاب مشروطیت و همزمان با کاهش امنیت این منطقه، تمامی در و پیکر و اشیاء داخل آن به غارت رفت و روبه ویرانی نهاد.

تپه های سیلک

در سه کیلومتری جنوب غربی کاشان (تپه های سیلک) در حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد اقوامی با تمدن جالب توجهی می زیسته اند؛ که وسایل کار آنها را بیشتر سنگ و استخوان تشکیل می داده است. ظاهراً در ۵۵۰۰ سال پیش، این اقوام بر اثر ارتباط با مدنیت شوش، نگارش خط

را فرا گرفته اند و لوحه های گلی فراوانی با قدیمی ترین نوع این خط، در سیلک به یادگار گذاشته اند.

تمدن اقوام تپه های سیلک در ۲۵۰۰ سال پیش، مغلوب تمدن آریایی گردید که آثار آنها در طبقات مختلف حفاری از قبیل ظروف لوله دار بلند با نقش اسب، خورشید، اسلحه آهنی، شمشیر و نیزه های بلند کشف شده است.

حمام عبدالرزاق خان

یکی از حمام های تاریخی کاشان حمام مشهور خان است. این حمام که در مجموعه بازار کاشان قرار دارد و صحن های وسیع و خزینه های متعدد گرم و سرد و استخر بزرگ دارد، با سنگ مرمر سفید و کاشی الوان تزئین شده است. بعضی از عناصر داخلی آن به مرور زمان و کم توجهی در حال تخریب است. این گرمابه با سردر کاشی کاری و جلوخان زیبای خود از اهمیت و ارزش تاریخی خاصی برخوردار است.

حمام مجموعه اردهال

یکی از قسمتهای مجموعه بناهای اردهال، واقع در ۴۲ کیلومتری غرب کاشان، حمام آن است که ساخت آن به دوران صفوی مربوط است. این حمام که به درب زیارت معروف است، علاوه بر سرینه و خزینه، از نظر تزئینات کاشی کاری ازاره ها و همچنین نحوه آب رسانی جالب توجه است.

کاروان سرای سن سن کاشان

این کاروان سرا در قریه سن سن در ۴۰ کیلومتری جاده کاروانروی قم کاشان بین دو روستای آب شیرین و مشکلان واقع شده است. دالان و ورودی که مشتمل بر سه دهانه تاق و چشمه است، از طرفین به اصطبل ها راه دارد. فضای داخلی در هر چهار طرف، اتاقهایی دارد که تعداد آنها در هر جبهه ۶ اتاق است.

کاروان سرای مرنجاب

یکی از کاروان سراهای معتبر دوران صفوی (شاه عباسی)، کاروان سرای مرنجاب در ۷۰ کیلومتری شرق کاشان است که به منظور استفاده کاروان های راه سیاه کوه و جاده کویر نمک شاه عباسی احداث گردیده است. این کاروان سرا در میان کویر با گچ و آجر و در کمال استحکام ساخته شده و دارای اتاق ها و اصطبل های متعدد و ۶ برج است.

جاذبه های طبیعی

آب سرخ فریز هند

چشمه فریز هند به فاصله ۷۸ کیلومتری جنوب کاشان قرار دارد. اطراف چشمه را رسوبات حاصله از جریان آب فرا گرفته است. آب این چشمه از دسته آب های بی کربناته مخلوط همراه با گاز است و درمان بیماری های دستگاه گوارش، کبد و مجاری

صفاوی، معده و روده ای بیماریهای تغذیه مؤثر است. به سبب وجود املاح آهن در ترکیبات آن، در ازدیاد تعداد گلبولهای قرمز و مقدار هموگلوبین خون و در نتیجه، در درمان انواع کم خونی مؤثر است.

غار نیاسر کاشان

این غار از عجایب و نوادر آثار باستانی است. در حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل در دل کوه کرکس و برفراز تپه های آهکی مشرف بر نیاسر کاشان و احتمالاً با مقاصد آیینی و مذهبی به صورت تونل سنگی پرپیچ و خم با ابزارهای ابتدایی کنده شده است. غار نیاسر کاشان شامل مجموعه زیرزمینی و پیچیده ای است که از راهروهای تنگ و طولانی و اتاق ها و چاه های متعددی تشکیل شده و دسترسی به اعماق آنها بدون بهره گیری از وسایل پیشرفته امروزی ممکن نیست. این غار که به "سوراخ رئیس" یا "غار ویس" شهرت دارد قرن ها نامکشوف ماند و در هیچ یک از متون تاریخی و آثار تحقیقی قرون اخیر برغم ذکر سایر بناهای تاریخی منطقه نظیر آتشکده نیاسر (بنا شده توسط اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانیان) مورد اشاره قرار نگرفته است. از شگفتی های این غار انسان ساخت بودن آن است. کمبود هوا در هیچ نقطه ای از آن احساس نمی شود و حتی در عمیق ترین نقاط آن عمل تهویه به طور طبیعی انجام می گیرد. یکی او فرضیات درمورد

منشاء تاریخی این غار بیانگر این است که در ساخت آتشکده نیاسر از سنگ های تراشیده شده حاصل از کندن غار استفاده شده است. احتمالاً زمان حفر غار پیش از احداث آتشکده بوده است.

اماکن زیارتی و مذهبی

مسجد میر عماد

این مسجد قدیمی از بناهای مهم تاریخ کاشان است که در جنوب بازار مس فروشان و در مقابل میدان بازار واقع شده است و به همین جهت، به مسجد میدان نیز معروف است. بنای این اثر تاریخی در زمان سلطنت سلطان جهان شاه قراقویونلو (۸۴۱-۸۷۴ ه. ق) احداث شده است. بر طبق نوشته کتیبه سر در مسجد، بانی آن خواجه امیر عمادالدین شیروانی در سال ۸۶۸ ه. ق بوده است.

امام زاده حبیب بن موسی

این بقعه در کوی پشت مشهد اردهال کاشان واقع شده است و از زیارتگاه های معتبر و قدیمی است، که در زمان شاه عباس اول به علت انتساب این امامزاده به دودمان صفویه، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. گفته می شود که نسب این امامزاده به یکی از اولاد حضرت امام محمد باقر علیه السلام و یا به یکی از اولاد حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می رسد. این بقعه در نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری ساخته شده و اتاق مقبره آن حاوی تابوت و قبر امامزاده است.

امامزاده شاهزاده عیسی و یحیی

این بنا در نزدیکی مسجد ایبانه واقع شده و براساس زیارت نامه آن، مدفن دو امام زاده شاهزاده عیسی و شاهزاده یحیی است. بنای این امامزاده که احتمالاً متعلق به قرن ششم هجری قمری است، در اواخر دوران صفویه به وسیله بانویی خیرخواه تعمیر شده و سنگ نوشته ای نیز در این باره بر دیوار ایوان آن کار گذاشته شده است.

بقعه ابولؤلؤ (بابا شجاع الدین)

از بقاع مشهور دیگری که بسیار مورد توجه مردم قرار دارد، مقبره ابولؤلؤ معروف به بابا شجاع الدین، در شرق جاده فین است. این بقعه، صحن و سرا، رواق و گنبدی مخروطی دارد که با کاشی های فیروزه ای و الوان پوشیده شده است. به گفته برخی از مؤلفین اسلامی ابولؤلؤ فیروز، جوان صنعتگر از مردم فین کاشان بود که اعراب او را به بردگی به مدینه بردند و چون بر اثر تحمل شکنجه های فراوان به جان آمده بود، از راه کینه جویی، عمر خلیفه دوم مسلمین را به قتل رساند. تاریخ بنای اولیه گنبد و بارگاه او معلوم نیست؛ ولی بر کاشی های قبر تاریخ ۷۷۷ ه. ق دیده می شود که ضریح ساده چوبی آن را دربر گرفته است.

شهر تاریخی نیاسر

تاریخچه

کتاب تاریخ قم (تالیف سال ۳۷۸ هجری قمری) درباره وجه تسمیه نیاسر و بنیانگذار آبادی و آتشکده حاوی اطلاعات سودمندی می باشد که در اینجا به اختصار به آنها می پردازیم. «نیاسر، اردشیر بابک آن را بنا کرد و آنچنان بود که چون او از اصفهان باز گردید و ملک اصفهان و اشراف اهل بیت او و سرهنگان او را کشته بود و فرمود تا سرهای ایشان در جوالها نهاده و همراه وی می آوردند چون به چشمه نیاسر رسید آن چشمه را دید که آب از سر آن کوه می جوشید و به دامن آن فرو می ریخت پس چون بسیاری از آن آب پدید آمد و آن موضع را به غایت خوش یافت بفرمود تا بدان موضع نزول کردند و از آنکه کسی از پس او آید ایمن شد بعد از

آن سر و تن بشست و مجلس شراب ساخت و بفرمود تا اسباب آن مهیا کردند و مشتهیات از انواع لهو و لعب و اصناف اسباب طرب و فرح به مجلس خود دعوت کرد و حاضر گردانید و بدین چشمه بنشست و با اصحاب شراب خورد و مجلس او را به انواع ریاحین پر کردند افریدون گفت: که این ریاحین، ریاحین اصحاب حرب نیست و مناسب حال ایشان نیست پس فرمود تا آن سرها که از اصفهان آورده بودند برابر او بنهادند و گفت به زبان عجم «هرایند خرن آفرینان سر» یعنی مجلس خود را به سرهای شجاعان و دلیران و ابطال بیارایید و ساخته گردانید پس چند روز آنجا مقام کرد و بفرمود تا بر آن شهری بنا کردند با آتشکده و آن شهر را نیان سر نام نهادند به سبب قول اردشیر که گفت هرایند خرن آفرینان سر پس تخفیف کردند و گفتند نیاسر». لایه سنگی - خاکی ماقبل تاریخ: در پی انجام عملیات باستان شناسی در غار نیاسر، باستانشناسان به یک لایه سنگی - خاکی برخورد نمودند که در پی مطالعات قدمت ماقبل تاریخ زندگی در این مکان مشخص شده است. تعدادی ادوات سنگی نیز از این مکان بدست آمده است که مطالعات در این مورد تکمیل نشده است.

چشمه اسکندریه و آبشار نیاسر

در مورد چشمه نیاسر تاریخ دقیقی در دست نیست ولی مطالبی از آن در کتاب تاریخ کاشان ذکر شده و تاریخ بوجود آمدن چشمه را به دوران اسکندر بن فیلقوس نسبت داده است. شرح مطالب در این کتاب بدین صورت می باشد: «اما چشمه مزبوره نیاسر را چشمه اسکندریه می نامند. گویند اسکندر بن

فیلقوس به علم کشف الاسرار که از دانیال پیغمبر به او رسیده بود چون عبورش به آن قریه رسید دانست که در دل سنگ آبی بزرگ مستور و پنهان است. حجاران را طلید و در یک شبانه روز این چشمه را احداث و احیا نمود». با توجه به مطالبی که در تاریخ کاشان ذکر شده و با استناد به کتاب تاریخ ایران باستان تالیف حسن پیرنیا مشخص می شود منظور از اسکندر بن فیلقوس همان اسکندر اول می باشد البته این احتمال نیز وجود دارد که تاریخ وجود چشمه و آبشار به قبل از دوران اسکندر اول بر می گردد و او فقط آن را گشاده و فراخ گردانیده است. فلذا چشمه جزو آثار متعلق به دوره تاریخی است.

مجموعه آبشار نیز در حال طی مراحل اداری جهت ثبت در آثار ملی می باشد.

چارتاقی

بنا بر اطلاعات استخراج شده از کتاب تاریخ قم، ذکر شده در تاریخچه شهر تاریخی نیاسر و همچنین نوع معماری بنا این اثر متعلق به اواخر اشکانی و اوایل ساسانی است.

قبرستان پای چارتاقی

اطلاعات تاریخی کاملی از این قبرستان در دست نیست اما با بررسی سنگ قبرهای موجود در این محل قدیمی ترین سنگ قبر، مربوط به سال ۱۰۲۱ هجری قمری است. بنابراین حداقل قدمتی که برای این محل می توان در نظر گرفت حدود ۴۰۰ سال می باشد البته قابل ذکر است چون این مزار در یک محوطه تاریخی و در کنار چارتاقی واقع شده است، احتمال می رود قدمتی بیش از این داشته باشد که تحقیق و بررسی گسترده در این زمینه را می طلبد. یکی از سنگهای این مزار جهت ثبت آثار ملی در حال طی مراحل اداری است.

مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

مسجدی که هم اکنون در این محل دیده می شود بر روی مسجدی قدیمی که احتمالاً مربوط به دوره قاجار بوده ساخته شده است البته قبل از آن، این مسجد، معبدی تاریخی بوده که تخریب گشته است. از بنای مسجد قاجاری فقط یک عکس باقی مانده و اطلاعاتی از آن در دست نمی باشد. این مسجد در مجاورت چشمه مردانه قرار گرفته است.

چنار تالار

به گفته اهالی محل قدمت این چنار به چیزی در حدود ۱۱۰۰ سال می رسد. لازم به ذکر است به علت نبود امکانات کافی قدمت دقیق این اثر در تحقیقات آتی مشخص خواهد شد. چنار تالار در حال طی مراحل اداری جهت ثبت آثار ملی است.

مقسم تالار

بنا بر تحقیقات و گفته های مطلعین شهر نیاسر، ساخت این مقسم توسط خواجه افضل الدین محمد بن حسن بن حسین مرقی کاشانی معروف به بابا افضل صورت پذیرفته که بر این اساس تاریخ احداث این مقسم به اوایل قرن هفتم قمری مصادف با اواخر قرن ششم هجری شمسی صورت پذیرفته است.

البته با توجه به نوشته های کتاب تاریخ کاشان و با استناد بر این مطلب که «آن موضع که بالفعل باغ تالار است آن روز مضرب خیام و محل قیام اردوی کیوان پوی بود»... «مع القصة آن چشمه و آن تالار از بناهای مستحدثه اسکندر مزبور است». هسته اولیه باغ در زمان اسکندر اول بوجود آمده است.

بعد ها این باغ در تملک مرحوم عبدالرزاق خان کاشی که به حکومت کاشان از دیوان اعلی مستقل گردید درآمد و سپس مرحوم محمد حسین خان ملک الشعراي کاشانی آن را مالک شد و بعد از فوت او عالی جاه میرزا ابوالقاسم خان که عموزاده ملک الشعراي بهار است آن باغ را آباد کرد. و بدین ترتیب با بخشیده شدن باغ توسط فتحعلی شاه به صبای کاشانی، باغ تالار به دست خاندان صبای کاشانی می افتد و از زمان رضا شاه تا اوایل انقلاب اسلامی آخرین مالکین خصوصی باغ تالار و کوشک آن، خاندان ضرابیها بوده اند. در سنوات اخیر باغ تالار از ورثه خاندان ضرابی خریداری شد و به صورت یک مکان عمومی درآمد که زیر نظر شهرداری نیاسر اداره و سازماندهی می شود. در ضمن کوشک واقع شده در آن با توجه به شیوه ساخت و نحوه پوشش دورها دارای قدمت قاجاری

است ولی بر روی ویرانه های بنای دیگری بنا شده است

عمارت کوشک باغ تالار به شماره ۵۸۹۳ و در تاریخ ۲۵ / ۳ / ۸۱ ثبت آثار ملی شده است.

غار ریس

این غار نیایشگاه مهر بوده و اولین تراشیدگی ها مربوط به زمان پارتها بوده است. زیرا بیشترین اشیا مانند سفالها و ظروف گلی داخل غار به زمان ساسانی و بعضی به زمان پارتها برمی گردد. همچنین برخی از سفالهای دوره اسلامی در محوطه های اطراف دهانه غار دیده می شود.

زیارت حاج کمال و مزار همجوار آن

بر روی قبر وی سنگ مرمری با این نوشته نصب شده است. «هو یا شفیع المذنبین لقد توفی الحضرت النجیب الرفیع الفریق الی بحار رحمه الله الملك المنیع ابن محمد علی بیگتاشی محمد شفیع فی العشرین شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۱۶۳» (به استناد کتاب فهرست نسخه های خطی کتابخانه شهید محمد حسین شریعتی قم). و بنا بر تاریخ ذکر شده ۲۶۱ سال از تاریخ آن می گذرد. این زیارت جهت ثبت آثار ملی در حال طی مراحل اداری است.

آسیاب آبی، حمام صفوی و زیارت پنج امامزاده

با توجه به شیوه معماری و نیز نوع قوس ها و پوشش ها قدمت بناهای آسیاب و حمام مربوط به اواخر صفویه و اوایل قاجار می باشد و در مورد زیارت نیز با توجه به تخریب چشمگیر امکان تعیین قدمت امکان پذیر نیست. حمام، زیارت و آسیاب در تاریخ ۱۰ / ۳ / ۸۲ و به شماره ۹۰۳۸ در فهرست ملی ثبت شده است. در ضمن سنگ قبر مرمرینی داخل زیارت قرار گرفته که با توجه به نوشته روی سنگ آن، مربوط به زنی به نام حمیده خانم و متعلق به تاریخ ۱۱۱۵ هجری قمری می باشد. ولیکن قدمت دقیق و اصلی بناهای مربوطه پس از تحقیق و بررسی های گسترده و نیز انجام عمل سونداژ به دست خواهد آمد. علاوه بر این در تاریخ قم بوصفی دیگر در مورد تعداد آسیاب ها در آن زمان و در مسیر آب چنین می نویسد:

«من جمله ده باب آسیاب معظم که یکی از آنها بواسطه وفور آب و عمق تنوره و خوبی آلات و ادوات که در اوایل ابداع و احداث داشت شبانه روزی یکهزار من

به وزن شاه گندم خرد می نمود». این مطلب نشان دهنده احتمالی پیشینه تاریخی آسیاب بوده و می تواند تأکیدی باشد برای بررسی های بیشتر در مورد این بنا. به طور کلی بدون شک این محدوده از حیث تاریخی دارای پیشینه دور و دراز می باشد که جای تحقیق و بررسی بیشتری دارد. ۵- در مورد سوابق پژوهشی اثر، شناسایی، بررسی، گمانه زنی و حفاری می توان به موارد زیر اشاره کرد:

چارتاقی

از این بنا نخستین بار توسط هوتوم شیندلر گزارشی مختصر منتشر شد و سپس آندره پ هاردی بررسی کوتاه مدتی پیرامون آن انجام داد که در مجموعه «آثار ایران» توسط آندره گدار منتشر شد. و سپس در تاریخ ۱۹ دی ماه سال ۱۳۱۷ تحت شماره ۳۱۶ در فهرست آثار باستانی ایران به ثبت رسید و سال ۳۳۴ هجری شمسی به وسیله اداره کل باستانشناسی وقت مورد بررسی و مرمت واقع شده و در سال ۱۳۸۲ نیز کتابی با عنوان بناهای نجومی و تقویمی ایران در مورد چارتاقی نیاسر به چاپ رسیده است.

کف سازی، ترمیم چاله وسط و تخریب محوطه در سال ۷۸ توسط شهرداری و سنگ فرش بام آن توسط میراث کاشان و قبل از سال ۷۸ انجام شده است. بازسازی طاق، سکوهای خارجی و اندود دور پایه ها نیز در سال ۱۳۳۶ به وسیله یک پیمانکار انجام شده است.

غار ریس

طی سالهای ۷۵ و ۷۶ توسط شرکت ملی فولاد ایران عملیات شناسایی حفره های زیرزمینی مربوط به غار و نقشه برداری زیرزمینی و سطحی صورت گرفته است که حاصل آن یک مجلد و نقشه است. پس از آن به مدیریت آقای دکتر شاهرخ رزمجو مطالعاتی در مورد غار صورت گرفته است ولی تاکنون ارائه نگردیده است. ۶- نوع و توضیحات مالکیت اثر: در این محدوده تعدادی از بناها و آثار بلاصاحب است و یا مالکیت عمومی دارد و تعداد زیادی مالکیت خصوصی، دولتی یا وقفی دارد. ۷- مشخصات اثر - تپه: به مساحت ۱۲۵۹۲۳ متر مربع دارای اختلاف ارتفاعی به اندازه ۲۰۰ متر است. ۸- مشخصات اثر- بنا: به طور کلی مصالح مورد استفاده در این محدوده به

گونه ای است که در بیشتر موارد پی بنا از سنگ و باقی آن آجر می باشد. مصالح بکار رفته در بنای چارتاچی به عنوان نمونه عالی از معماری عصر ساسانی از نوع مصالح بوم آورد بوده و سنگ بکار رفته در آن از نوع تراورتن است و نظراتی مبنی بر استفاده از گل به عنوان ملات در بنا وجود دارد که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. ۹-ویژگی اثر:

به لحاظ گستردگی مطالب، در این مجلد به صورت اختصار در چند مقوله ویژگی های این مجموعه مطرح می گردد. جایگاه آیینی محل: غار نیاسر با درهای ورودی آن که در باغ تالار در شمال نیاسر واقع شده احتمالاً معبدی بوده متعلق به پیروان آیین میترا. جشن های عید = آل - آدها در شهر نیاسر برگزار می شده است و این مدرکی است بر اینکه مردم ساکن این ناحیه در زمان های قدیم به آیین میترا و تشریفات قربانی کردن که در معبد برپا می شد معتقد بودند. لازم به ذکر است که مردم محلی در یکی از جشن ها طبق سنت قدیمی شان گاوی را تزئین کرده، در کنار چشمه قربانی می کنند و خون آن را که موجب برکت و باروری می دانند به آب می ریزند. بنابراین می توان این احتمال را داد که این مراسم به گونه ای با مراسم ذبح گاو در آیین مهر شبیه است و یا اینکه می تواند ته رنگی از آیین میترا در آن مشاهده کرد.

همچنین با استناد به مطالب کتاب آیین مهر نوشته و پژوهش هاشم رضی که اشاره به زایش مهر در

کنار درختی و نیز انداختن تیر بر فراز تخته سنگی که باعث می شود تا آب از سنگ زاده شود و اشاره به رودی در کنار آن می توان گفت چشمه نیاسر، درخت چنار سالخورده، مسیر آب، آبشار نیاسر و غار دلایلی است برای این احتمال که سرزمین نیاسر متعلق به پیروان آیین میترا بوده است. همچنین امروزه مسجد امام حسن عسگری علیه السلام که به احتمال فراوان بر آوار معبدی تاریخی ساخته شده، محل ذبح گاو در عید قربان و کرسی نمودن (توقف) نخل در ۲۱ رمضان است. لازم به ذکر است در قسمت انتهایی باغ تالار استخری وجود دارد که در قدیم به آن چاله شیر می گفتند و به گفته اهالی محل (آقای حسن اکبرزاده) این محل کمی گودتر از قسمت‌های دیگر بوده و محل نگهداری شیر در زمانهای بسیار دور بوده است. احتمال می رود که این شیرها با عنصر چهارم (شیر) از عناصر هفتگانه آیین میترا مرتبط باشد. جایگاه طبیعی: زندگی مردمان پیشین با طبیعت آمیخته و عجین شده بود به گونه ای که با الهام از طبیعت و استفاده بجا از عناصر چهارگانه نور، آب، خاک و باد نیازمندی های خود را تأمین می کردند. آنها برای انجام مراسمات آیینی نیازمند مکانی خاص بودند که بهترین محل برای این امر غارها بوده است. لذا با الهام از غارهای طبیعی کوچک، غارهای طولانی و دست کند پدید آورده و با ساختن بنای چارتاقی و استفاده از پدیده نور و سایه، تقویم نجومی بر پا می کردند. در بالاترین بخش نیاسر چشمه ای همیشه جوشان از آب گوارا، مسجدی که احتمالاً

نیایشگاهی باستانی بوده، گورستانی دیرین با سنگهای چند صد ساله زیبا تراش، درخت چنار سالخورده و همچنان سر بر آسمان کشیده قرار گرفته است. این محدوده بلندترین نقطه شهر است و ارتفاع این محل ۱۷۵۰ متر می باشد. وجود اختلاف ارتفاعی به میزان ۲۰۰ متر باعث ایجاد چشم اندازهای بی نظیر و بسیار زیبایی از نقاط مختلف شهر و پیرامون آن شده است. آب چشمه از میان کوهی بیرون می آید که چارتاقی بر آن بر پا شده است. مردمان نیاسر ماهی های نرم و نازک و ریز و درشت را برکت آب چشمه خود می دانند. آب به آرامی از کنار چنار کهنسال و از زیر نیایشگاه عبور کرده و از طریق جوی آبی که درختان بید سر به فلک کشیده کنار آن زیبایی بصری خاصی به آن داده است به سمت مقسم راهی شده و بعد از تقسیم شدن، بخشی از آب به سمت باغ تالار سرازیر می شود و پس از سیری کوتاه در باغ و گذراز بنای قدیمی کوشک از بالای کوه پایین می ریزد و آبشار زیبا و دلنواز نیاسر را تشکیل می دهد. این آب در اوایل فصل پاییز کمترین مقدار و در فصل زمستان بیشترین مقدار را داراست.

از بقایای خزه های قدیمی و آبراهه های موجود و همچنین گفته های اهالی محل (آقای محمد ذاکری) مشخص می شود مسیر آب در قدیم عوض شده است. به دلیل پدیده های انحلال سنگ آهک توسط جریانهای زیرزمینی و گذشت سالیان دراز بافت زیبا و چشم نوازی مانند استلاکتیت ها و استالاکمیت ها در بدنه سنگهای صخره ها بوجود آمده که می

توان از آنها برای جذب گردشگر استفاده کرد. سنگی که آبراهه آبشار در آن ایجاد شده و سنگهایی که کوه مزبور را تشکیل می دهند از نوع سنگهای آهکی و رسوبی می باشد. در این محدوده درختانی از قبیل بید شیرین، بید تلخ، نارون یا پشه، ارار، ون یا زبان گنجشک، توت بی دونه، توت شمرونی، انجیر، مو، گردو، بادام، سرو، عناب، زردآلو، آلوچه، کاج و چنارهای چند صد ساله رشد کرده اند و طبیعتی بسیار زیبا، دل انگیز و متفاوت در هر فصل بوجود آورده اند. از گیاهان دارویی این محل نیز می توان موارد زیر را نام برد: ۱. پر سیاوش

۲. علف شوره ۳. خیار بوته مار، لازم به ذکر است زلزله ای که در سال ۱۳۳۵ اتفاق افتاد باعث ریزش سنگهای بدنه کوه در قسمت زیر کوشک و بالای زیارت حاج کمال شد که هم اکنون نیز خطر احتمالی ریزش سنگهای درشت و ایجاد خسارات مالی و جانی بسیار زیاد است. جایگاه معماری محل: بنای چارتاقی نیاسر: از لحاظ معماری و جنبه فضایی در دسته بناهای برون گرا قرار می گیرد. طاق های سنگی در چهار ضلع به صورت دو گانه بر روی هم قرار گرفته اند. طاق بالایی به عنوان طاق دزد وظیفه مستهلک نمودن بار اصلی را داشته لذا به صورت رومی و با دور کم اجرا شده است و طاق زیرین که به طریقه ضربی بنا نهاده شده است به عنوان انتقال دهنده جزئی از نیروی وزن بالا بکار می رود و وظیفه دیگر آن نیز تعریف ورودی می باشد. بعد از اجرای طاق ها نوبت به اجرای پوشش

سنگی می رسد که در این موقعیت یکی از افتخارات معماری ایرانی در چهار گوشه آن خودنمایی می کند و آن هم چهار فیلهوش سنگی است که وظیفه انتقال نیروی گنبد سنگی بنا را بر عهده دارند و برای تبدیل فضای مربع به فضای مدور برای زدن گنبد می باشد. گنبد نیز به صورت ترکیب و با توپزه های گچین ساخته شده است. زیبایی بنا در نحوه چیدمان سنگهای تراورتن، هم رنگ بودن بنا با محیط اطراف و نیز متعادل بودن بنا می باشد. حد فاصل پلان فضای مربع و گنبد، قسمت مکعب شکلی است که در بر گیرنده ساقه گنبد می باشد و در چهار طرف دارای دریچه های بازی است که کاربری آن هنوز مشخص نمی باشد. قابل ذکر است در سال ۱۳۸۰ کاربرد این بنا و نیز دیگر چارتاکی های ایران به عنوان یک تقویم آفتابی یا شاخص اندازه گیری زمان با استفاده از تغییرات میل خورشید، توسط رضا مرادی غیاث آبادی شناسایی شد.

مسجد امام حسن عسگری علیه السلام

مسجد فعلی نوساز می باشد ولی با استناد به تنها عکس موجود مشخص می شود این مسجد بر روی ویرانه های یک مسجد قدیمی که احتمالاً مربوط به دوره قاجاریه بوده است ساخته شده است. در جلوی این مسجد حوض آبی معروف به چشمه مردانه وجود دارد که میان آن چند سنگ سیاه کوچک قرار گرفته که به اعتقاد مردم اگر این سنگها از جای خود بیرون آیند از زیر آنها خون بیرون می جهد. مقسم تالار:

این اثر از سنگ یکپارچه که بین آنها سه شیار مساوی و به صورت موازی با هم برای تقسیم آب بوجود آورده

اند. نکته حایز اهمیت این است که قسمت وسط این برآمدگی ها گود می باشد و این گودی در راستای طول این مقسم ادامه دارد که دلایل کاربری آن هنوز مشخص نیست. کوشک تالار:

این کوشک در باغ تالار و بر روی تپه ای مشرف به کل اراضی مسکونی و باغات پایین دشت شهر نیاسر احداث شده است و دارای چشم انداز بسیار زیبایی به کل بافت مسکونی شهر و باغات و دشتهای پایین دست است. بنا بصورت برون گرا و شامل حوضخانه ای با سقف بلند در وسط و چهار اتاق در چهار گوشه بنا است. این بنا دو اشکوبه است که راه دسترسی به اشکوب بالایی از طریق پله های چرخان می باشد. در چهار ضلع تالار چهار ایوان احداث شده است که ایوان شرقی بزرگتر از همه و مشرف به شهر نیاسر می باشد. پوشش سقفها از نوع آسمانه و تیر پوش می باشد. البته طاق تاوه ای نیز در این بنا به چشم می خورد. آمودهای بکار رفته در بنا با کاربرندی های زیبا نشان از درایت معماری ایرانی است.

زیارت حاج کمال: زیارت حاج کمال در دو بخش ایوان و گنبد خانه ساخته شده است. پوشش ایوان به صورت آسمانه و تیرپوش و گنبد خانه دارای گوشه سازی و چفد آمودی و پوشش گنبدی است. ضمناً برای جلوگیری از پرت پایه ها توسط رانش گنبد، از مهارهای چوبی به صورت عمود بر هم در قسمت آوارگاه (۵ / ۲۲ درجه) گنبد استفاده شده است. نعل درگاه، تخت و از تیر چوبی ساخته شده است و دو صنفه شمالی و جنوبی به صورت

چفد، پوشش داده شده اند. در داخل گنبد خانه سنگ قبر مرمرین و ضریح چوبی واقع شده است. از ویژگی های بارز اثر وجود سرداب و همچنین تغییر جهت سنگ قبر داخل گنبد خانه نسبت به سایر قبور است که مستلزم تحقیق و تفحص بیشتر است. لازم به ذکر است که هیچ گونه دریچه و درب ورودی جهت دستیابی به سرداب مشاهده نمی شود. حمام صفوی: حمام دارای دو ورودی مجزا در ضلع شمالی می باشد که یکی از آنها زنانه و دیگری مردانه می باشد. ورودی اصلی به هشتی باز شده و ورودی دیگر مستقیماً وارد گرم خانه می شود که هردو دالان ورودی موازی هم ساخته شده اند. ورودی که به هشتی می رسد بالاتر از ورودی دیگر بوده و خود حمام در زیر زمین قرار گرفته است. پس از وارد شدن از ورودی اصلی و گذر از چندین پله به هشتی کوچکی برمی خوریم که هشت ضلعی بوده و طاق نماهای آن قاجاری می نماید. در ضلع غربی هشتی دالان پیچیده ای قرار گرفته که به سمت سرینه هدایت می شود. پوشش دالان با طاق آهنگ و به صورت ضربی می باشد. هشتی نیز دارای طاق تاوه ای با دور بسیار کم می باشد. بعد از هشتی وارد فضای سرینه می شویم که فضای نسبتاً روشنتری به دلیل نورگیر وسط طاق دارد. در کف سرینه و در قسمت وسط آن حوض سنگی زیبایی به چشم می خورد، اطراف حوض را جوی آب باریکی پوشانده است. سرینه به صورت هشت ضلعی غیر منتظم ساخته شده و در چهار ضلع اصلی آن صغه ها

قرار می گیرند که ارتفاعی بالاتر از کف اصلی سرپینه دارند. از این اختلاف ارتفاع برای ایجاد کفش کن های دور سرپینه به زیبایی استفاده شده است. صغه ها با طاق و تویزه پوشیده شده و طاق اصلی سرپینه روی لنگه های گچی باربر و نیز بر روی تویزه های صغه ها که در مجموع کاربندی زیبایی را تشکیل می دهند کار شده است. در ضمن شیوه پوشش به صورت پا تو پا اجرا شده است. بعد از سرپینه با گذر از دالانی پیچ دار به گرمخانه می رسیم البته در بین این ورودی، ورودی دیگری به سمت اتاق نظافت باز می شود. گرمخانه کاملاً قرینه نیست و به صورت پد جفت کار شده است که از خصوصیات معماری قاجاری است. طاق آن به صورت طاق چشمه بوده که بیشتر آنها به صورت پا تو پا و بر روی تویزه های تیزه دار استوار است. در فضای میانی گرمخانه چهار ستون هشت ضلعی آجری قرار گرفته که تویزه های اصلی بر روی این چهار ستون اجرا شده است. در وسط طاق میانی گرمخانه، نورگیر بزرگتر و در طاق های اطراف آن نورگیرهای کوچکتر قرار گرفته اند. این نورگیرها به طور کلی کار تهویه و روشنایی را انجام می دهند. در قسمت وسط دیوار جنوبی گرمخانه دودکش واقع شده که قاعدتاً متصل به گربه رویی می باشد که از خزینه شروع شده و به آنجا می رسد. گربه روها معمولاً کار گرم کردن کف گرمخانه و فضای حمام و نیز انتقال دود به بیرون را داشته اند. در کنار دیوار غربی گرمخانه حوضی وجود دارد که به

صورت هشت ضلعی غیر منتظم قرار گرفته است. در ضلع شمالی گرمخانه خزینه قرار گرفته که احتمالاً یک دیوار الحاقی در وسط خزینه ساخته شده است و فضای دیگری در پشت آن بوجود آمده است. آسیاب: ویژگی بارز آسیاب این است که تنها آسیاب باقیمانده در نیاسر می باشد که ویژگی های یک آسیاب کامل را حفظ کرده است و به راحتی می توان آن را احیا نمود. آنچه مشخص می باشد این است که آسیاب بزرگتر از وضع کنونی بوده ولیکن هم اکنون طرفین بنا از آن جدا شده است و چیزی که از آن باقیمانده در پلان مانند یک صلیب می نماید. سنگ آسیاب در غربی ترین قسمت آسیاب واقع شده و تنوره آن نیز در پای آبشار واقع می باشد. نحوه پوشش سقف ها نیز به صورت طاق و تویزه می باشد. زیارت پنج امامزاده: زیارت قدیمی در کنار دو بنای آسیاب و حمام قرار دارد. زیارت با توجه به قدمت و فرسودگی آن به شکل غیر اصولی بازسازی شده است و دخل و تصرفات زیادی در آن دیده می شود هم اکنون بخشی از زیارت یعنی گنبد، مناره که احتمالاً الحاقی بوده و کاشی های آن به صورت غیر اصولی بازسازی شده است و عنصری که احتمالاً مناره اصلی بنا بوده و آجری می باشد باقی مانده است. سنگ قبری در داخل گنبد خانه موجود می باشد که تاریخ حک شده بر روی آن ۱۱۱۵ بوده و مربوط به زنی به نام حمیده خانم می باشد. * محور فرهنگی - تاریخی نیاسر، ۱۰-نوع بهره برداری اثر: این محل خاستگاه مناسبی است

برای اینکه بتوان از آن به عنوان پژوهشکده فرهنگی - تاریخی استفاده کرد. با توجه به اینکه محل دارای قدمت فراوان بوده و ارزش فرهنگی و تاریخی منطقه نشان دهنده اهمیت محدوده می باشد هم اکنون از این محل تاریخی برای گردشگری استفاده می شود. ۱۱- اقدامات انجام شده در مورد حریم اثر (حریم پیشنهادی): در این محدوده فقط حریم چارتاکی و دیوار اطراف آن مشخص شده است. و در حال جهت طی مراحل اداری ثبت است. ۱۲- توضیح دخل و تصرفات انجام شده و مشهود در اثر: به جرأت می توان گفت این مجموعه ها از جمله مهمترین آثار طبیعی-تاریخی شهر نیاسر می باشد. با این همه تفاسیر لازم است در امر حفاظت و ارزش گذاری بر این اثر طبیعی-تاریخی کوشا باشیم ولیکن متأسفانه دنیای جدید و امروز ما با مصالح مدرن که هیچ گونه سنخیتی با بافت قدیم و مصالح قدیمی ندارد چهره بافت های قدیمی کشورمان را مخدوش کرده است، شهر تاریخی نیاسر نیز از این آسیب بزرگ مستثنی نیست. مسجدی که پایین آبشار در حال ساخت می باشد کاملاً منظره شهر را از این نقطه مخدوش کرده است و مسلماً هنگامی که از پای آبشار به سمت شهر نگاه می کنیم جز حجه تنومندی از مصالح ناهمخوان با محیط اطراف چیز دیگری نمی بینیم که به نظر می رسد اساساً تناسبی با بافت قدیمی شهر نداشته و قرار گرفتن بنای امروزی با مصالح مدرن در میان بافت قدیمی شهر نمی تواند توجیهی مناسب داشته باشد و از دیدگاه آسیب شناسی وجود این بنا در این محل آسیب بزرگی به منظره آبشار و نیز مجموعه

بافت تاریخی شهر نیاسر خواهد بود. علاوه بر این متأسفانه این مسجد در محل مسجدی قدیمی و با تخریب بیش از ۸۰ درصد آن شروع به ساخت شده است. در مورد چارتاکی تخریب محوطه اطراف و نوشتن یادگاری بر روی بدنه اندود شده آن و به هم زدن سکوهای اطراف چارتاکی علاوه بر نصب تابلوهای زیاد و نیز تیرهای چراغ برق بدون برنامه ریزی و ساختن بنای جدید رصدخانه از آسیبهای منظر محسوب می شود. در ضمن معدن سنگ کنار چارتاکی نیز خطر بزرگی برای آن است. غار: به علت کاشتن درخت در سطح افق این غار، دیواره های داخلی فوق العاده مرطوب و سست می باشد. زیارت حاج کمال: پوشانده شدن تزئینات بر اثر گچ کاری غیر اصولی، حفاری های سارقین جهت نفوذ به قبر، ساختن انبار زباله و سرویس بهداشتی در فاصله نزدیک بنا. آسیاب: تقسیم بندی و جدا کردن فضاهای اصلی آسیاب از یکدیگر جزو دخل و تصرفات بوده و رطوبت شدید در بدنه و سقف بنا از آسیب های بزرگ این اثر محسوب می شود. حمام صفوی: وجود قسمت های الحاقی در سمت دیوار شمالی بنا، اندود غیر اصولی، طاق زنی های غیر اصولی و بدون برنامه، فرش کف حمام به وسیله موزاییک، پر کردن حوض سرینه از جمله دخل و تصرفات موجود در بنا می باشد. ۱۳- توضیح تعمیرات گذشته در اثر: تعمیرات صورت پذیرفته در آثار موجود در این محدوده عموماً به دخل و تصرفات انجامیده است. ۱۴- توضیحات ضروری و اختصاصی اثر: اهمیت این محدوده از لحاظ پیشینه تاریخی، فرهنگی، آیینی، معماری و... برای مردم محل تبیین نشده و حفاظت خاصی

از آن صورت نمی‌گیرد. بنابراین لازم است تا طی برنامه ریزی های موقت و همچنین دراز مدت در جهت ساماندهی محدوده مزبور قدم برداشته شود. ۱۵- شرح وضعیت موجود خطرپذیری و دلایل آسیب های وارده: احتمال ریزش قسمت هایی از بدنه ها و ورودی های غار و نیز بدنه صخره ها بر اثر زلزله و ایجاد خطرات جانی و مالی. وجود معدن سنگ در کنار چارتاقي و پیشروی آن به سمت چارتاقي خطری جدی برای این بناست. وجود رطوبت در بناهای حمام و آسیاب از وضعیت های خطر پذیری این محل بوده و باید جلوگیری شود. پله های احداث شده از پای آبشار تا نزدیک عمارت کوشک نیز در بعضی از نقاط نیاز به تعمیرات اساسی دارد و همچنین به این مورد نیز باید توجه شود که سطح پله ها از اصطکاک کافی برخوردار نیست و عابر را با خطر جدی مواجه می‌سازد.

شهر تاریخی ایبانه

تاریخچه

در ۴۰ شمال غربی شهرستان نطنز، در دامنه کوه کرکس، روستایی بسیار کهن واقع شده است به نام ایبانه. این روستا را به اعتبار آثار و بناهای تاریخی متنوعش باید در زمره دیدنی ترین و استثنایی ترین روستاهای ایران به شمار آورد. ایبانه نقطه ای خوش منظره و خوش آب و هوا و دارای موقعیت طبیعی مساعدی است. شمار خانه های ایبانه در سرشماری سال ۱۳۶۱ برابر با ۵۰۰ واحد برآورد شده؛ این خانه ها تماما بر روی دامنه پرشیبی در شمال رودخانه برز رود بنا شده است، به صورتی که پشت بام مسطح خانه های پایین دست، حیاط خانه های بالادست را به وجود آورده و هیچ دیواری هم آنها

را محصور نمی سازد. در نتیجه، ایبانه در وهله اول روستایی چند طبقه به نظر می آید که در بعضی موارد تا چهار طبقه آن را می توان مشاهده کرد. اتاقهای ایبانه دارای پنجره های چوبی ارس مانداند و اغلب دارای ایوانها و طارمیهای چوبی پیش آمده، مشرف بر کوچه هایی باریک هستند که به صورت مناظر جالبی درآمده اند. نمای خارجی دیوارها در خانه های ایبانه با خاک سرخ رنگی که معدن آن در مجاورت روستا قرار دارد، پوشیده شده است. از آنجا که در دامنه های شیبدار ایبانه فضای کافی برای ساختن خانه های موردنیاز وجود ندارد در این روستا چنین رسم شده که هر خانواده، انبار غارمانندی در تپه های یک کیلومتری روستا، در کنار جاده و نرسیده به ایبانه ایجاد نماید. این غارها که در دل تپه ها حفر شده اند و از بیرون تنها درهای کوتاه و محقر آن نمودار است برای نگهداری دامها و نیز آذوقه زمستانی و اشیای غیرضروری مورد استفاده قرار می گیرد. مردم ایبانه به کشاورزی و باغداری و دامداری مشغول هستند که با روشهای سنتی اداره می شود. بیشتر زنان در امور اقتصادی با مردان همکاری دارند.

ایبانه دارای هفت رشته قنات است که برای آبیاری مزارع و باغات مورد استفاده قرار می گیرد. گندم، جو، سیب زمینی و انواع میوه به خصوص سیب، آلو، گلابی، زردآلو، بادام و گردو در ایبانه به دست می آید. در سالهای اخیر قالی بافی در ایبانه رواج پیدا کرده و نزدیک به ۳۰ کارگاه قالی بافی در آنجا دایر شده است. در گذشته؛ گیوه بافی از جمله مشاغل پر درآمد زندهای ایبانه بوده که امروزه تا حدی متروک شده

است. مردم ایبانه به سبب کوهستانی بودن منطقه و دور بودن محل آنها از مراکز پر جمعیت و راه های ارتباطی، قرن‌ها در انزوا زیسته و در نتیجه بسیاری از آداب و رسوم قومی و سنتی و از جمله زبان و لهجه قدیم خود را حفظ کرده اند. زبان مردم ایبانه؛ فارسی با لهجه خاص ایبانه ای است که با لهجه های متداول در مناطق دیگر تفاوت اساسی دارد. لباس سنتی آنها، هنوز هم میان آنها رواج دارد و در حفظ آن تاکید و تعصب از خود نشان می دهند. مردان شلوار گشاد و درازی از پارچه سیاه و زن‌ها از پیراهن بلندی از پارچه های گلدار و رنگارنگ استفاده می نمایند. علاوه بر این، زن‌های ایبانه معمولا چارقد‌های سفید رنگی بر سر دارند. قدیمی ترین اثر تاریخی ایبانه؛ آتشکده ای است که مانند دیگر بناهای ده در سرایشی قرار گرفته است. آتشکده ایبانه را نمونه ای از معابد زرتشتی دانسته اند که در جوامع کوهستانی ساخته می شد. مهم ترین بنا و اثر تاریخی این روستا یک باب مسجد جامع و قدیمی ترین اثر تاریخی این مسجد نیز منبر چوبی منبت کاری آن است که در سال ۴۶۶ ه. ق. ساخته شده است. مسجد قدیمی دیگر ایبانه مسجد برزله است که دارای فضای دل‌بازی است و روی لنگه در شرقی آن؛ سال ۷۰۱ ه. ق. نوشته شده که مربوط به دوره ایلخانان می باشد. مسجد تاریخی دیگر ایبانه مسجد حاجتگاه است که کنار صخره ای در کوهستان بنا شده و بر در ورودی شبستان آن تاریخ ۹۵۲ ه. ق. مشاهده می شود.

آدرس: ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان نطنز- در دامنه کوه کرکس

شهر تاریخی نائین

تاریخچه

نائین

از شهرهای بسیار قدیمی استان اصفهان است. در مورد نام نائین و وجه تسمیه آن می گویند که کلمه نائین از نی که یک گیاه باتلاقی است، گرفته شده است و هم چنین عده ای وجه تسمیه آن را در ارتباط با نام یکی از پسران نوح می دانند که گویا بانی شهر بوده است. نائین شهری جالب و دیدنی است و آثار تاریخی متعدد و زیبایی دارد.

مراکز تاریخی و باستانی

نارنج یا نارین قلعه

این قلعه که در شهر نائین در نزدیکی مسجد علویان در محله باب المسجد واقع شده است، بسیار قدیمی است و از خشت خام ساخته شده است. عمارت زیرین برج قلعه به تل خاکی تبدیل شده، ولی خود برج تا حدودی باقی مانده است. در این قلعه چیزی که دلالت بر سال احداث بنا کند وجود ندارد، و فقط سبک ساختمان و متلاشی شدن آن نشان می دهد که این قلعه به احتمال زیاد، پیش از اسلام، آتشگاه بوده است. به نظر باستان شناسان، زمان احداث این قلعه به پیش از اسلام و به دوره های اشکانیان تا ساسانیان مربوط می شود. ارتفاع قلعه که اکنون به تل خاکی تبدیل شده است، از سطح کوچه ها ۵ متر و از کف خندق ۴۰ متر است و به نظر می رسد که در روزگار پیشین مرتفع تر از این بوده است.

قلعه رستم بافران

این قلعه در شرق نائین و درقریه بافران واقع شده است و چاهی دارد که نام آن با افسانه ها در آمیخته است. این قلعه در حال تخریب و دیدنی است.

قلعه مخروبه نیستانک

این قلعه که از لحاظ قدمت و طرز ساختمان به قلعه های پیش از اسلام شبیه است در روستای نیستانک از توابع شهرستان نائین واقع شده است.

شهر تاریخی اردستان

تاریخچه

اردستان یکی از شهرهای کهن ایران زمین می باشد و قدمت این شهر به بیش از ۵۰۰۰ سال قبل باز می گردد که در طول تاریخ دستخوش حوادث گوناگونی بوده است و در دوره های مختلف تختگاه بعضی از شاهان ایرانی از جمله اردوان چهارم بوده و نیز در افسانه های ایران باستان، ارگ رستم دستان. شهر زواره نیز منسوب به زال پدر رستم می باشد و اردستان نیز زادگاه اردشیر بابکان می باشد، همچنین از شهرهای مذهبی آئین مهر و زرتشت قبل از ظهور اسلام می باشد. پس از فتح ایران توسط مسلمانان، مردم این شهر جزء اولین شهرهایی بودند که به آئین اسلام گرویدند و دلیل آن آگاهی و باسواد بودن مردم بود اکثر شهروندان اردستان را موبدان و کاهنان تشکیل می دادند و اغلب مساجد این شهر بر روی آتشکده های قبل از اسلام

بنا گردیده است که بارزترین آن مسجد امام حسن علیه السلام در محله کیودان که به دست شخص امام حسن مجتبی علیه السلام بنا گردیده است.

وجه تسمیه اردستان

از بارزترین شاخصه مردم اردستان در بین اقوام ایرانی، زبان بومی آنها می باشد که باگذشت سالیان سال مردمان این منطقه هنوز به زبان پهلوی قدیم (زبان بومی، گبری) تکلم می کنند. در لغت و کتب تاریخی، شهر اردستان به گویشهای مختلف به شرح ذیل بیان گردیده است: اردستان، اردستان، اردستان، آردستان، آرجستان، آرگستان، آرسون، آرسان، آردسون، آسون، آرزستان. می توان گفت که آرد به معنای فرشته موکل بر آتش در آئین زرتشت، یا مخفف اردشیر (اشاره به زادگاه اردشیر) و نیز آرد به معنای سفید (منطقه کویری و سفید مانند) و همینطور ارگ که نیز درافسانه های ایران باستان ارگ رستم

دستان و یا آرد مخفف اردوان، که این شهر پایتخت اردوان چهارم نیز بوده است که در طول زمانهای گذشته به صورتهای مختلف گویش شده است.

معلات اردستان

هسته قدیمی و مرکزی شهر اردستان از ۹ محله ذیل تشکیل گردیده است: رامیان، فهره، مون، باب الریح، محال، لب جیکوشک، بازار، کبودان و اسپیریز.

اماکن شهر

اماکن شهر به دو دسته قبل و بعد از اسلام تقسیم می شوند و آنچه بیشتر معرف حضور شهروندان است اماکن و بقاع متبرکه بعد از اسلام است و از اماکن قبل از اسلام خرابه هایی بیش باقی نمانده است. اماکن قبل از اسلام: ۱. مخروبه های قلعه رامیان ۲. خرابه های ساسانی ۳. فنوات شهر اماکن بعد از اسلام: ۱. مسجد جامع ۲. مسجد امام حسن (منسوب به امام حسن مجتبی علیه السلام) ۳. بقاع و امامزادگان شهر ۴. محل تقسیم آب قنات آرونه (منسوب به شیخ بهائی)

شخصیت های برجسته

از گذشته های دور چهره های برجسته و شاهان مختلفی بر این شهر حکمفرما بوده اند که قبلاً ذکر گردید اما از چهره های شاخص و برجسته معاصر شهر می توان به ۱. شهید آیت الله سید حسن مدرس که معرف تمام ایرانیان می باشد. ۲. استاد محیط طباطبائی ادیب و دانشمند معاصر. ۳. شهید حاج سید نورالله طباطبائی نژاد (نماینده مجلس دوره اول و از شهدای هفتم تیر). ۴. حضرت آیت الله حاج سید یوسف طباطبائی نژاد که هم اکنون نماینده ولی فقیه و امامت جمعه شهر اصفهان می باشند. ۵. همچنین صدها شهید، جانباز و آزاده که تقدیم انقلاب گردیده است. اردستان، شهری به کهنسالی تاریخ

(نویسنده: پروانه بنی یعقوب) در تاریخ آمده است که قباد ساسانی، وقتی با خیزش مزدکیان مواجه شد و از پایتخت خود گریخت تا برای کمک خواستن نزد هیاطله برود، وقتی به حاشیه کویر رسید و وارد شهری شد که سکنه اش می گفتند قدمت آن به قبل از دولت مادها و به زمان کیانیان و پیشدادیان می رسد و به احتمال قوی توسط بهمن بن گشتاسب یا اردشیر درازدست هخامنشی ساخته شده است، تصمیم گرفت مدتی در آن جا بماند

و... همان مورخانی که این را نوشته اند، افزوده اند: «قباد در منزل یکی از بزرگان شهر که دختری دوشیزه داشت، اقامت گزید و پس از چندی آن دختر را به همسری گرفت و وقتی انوشیروان از بطن آن دختر به دنیا آمد، شهر مورد اشاره را به عنوان اقامتگاه و محل نشو و نماى فرزند خود تعیین کرد و دستور داد اقداماتی جهت عمران و آبادی آن انجام شود. با این حال، مدتی بعد، در سال ۴۹۶ میلادی، در حالی که اشراف ایران، وی را از سلطنت خلع و جاماسب یا زاماسب را به عنوان جانشین اش تعیین کرده بودند، به یاری سپاهیانی از هیاطله توانست جاماسب را از میان بردارد و با همسر جدید و فرزند خردسال خود به پایتخت برگردد.» شهر مورد اشاره، که ساکنانش در گویش محلی خود از آن با عناوین ارسون، اردستون، اروسون و اسون نیز یاد می کنند، همان شهر اردستان است که با مساحتی معادل ۱۱ هزار و ۵۹۱ کیلومتر مربع، در فاصله ۱۱۸ کیلومتری شمال شرق شهر اصفهان واقع شده و مشتمل بر دو بخش، سه شهر، هفت دهستان و ۳۰۶ روستای دارای سکنه است.

سابقه تاریخی اردستان: اطلاعاتی که درباره سابقه تاریخی این شهر در گوشه و کنار منابع تاریخی به چشم می خورد، بسیار متنوع است و حتی بعضی مورخان آن را زادگاه کاوه آهنگر دانسته اند و اهالی منطقه، خانه و باغی را که در محله کبودان واقع و به باغ کاوه موسوم است و همچنین قنات دو طبقه مون را که یکی از عجایب سیستم آبرسانی در ایران قدیم به شمار می آید و

احداث آن به کاوه آهنگر نسبت داده می شود، دلیلی برای اثبات نوشته مورخان می دانند. به اضافه این که در این شهرستان قنات دیگری هم با عنوان ارونه جریان دارد که با فورزه بندی دیدنی و جالبش، آب کشاورزی پنج محله شهر را تامین می کند و مردم عقیده دارند «ارونشاه» نخستین پادشاه پیشدادی آن را حفر کرده است. به هر حال، نوشته های منابع تاریخی و اظهارات مردم، اعم از این که حقیقت داشته یا نداشته باشد، وجود مسجد جامع اردستان دلیل خوبی بر سابقه دیرینه این شهرستان است. مسجد جامع اردستان که یکی از نمونه های منحصر به فرد مساجد چهار ایوانی ایران به شمار می آید، در قرن سوم قمری به دستور «عمر بن عبدالعزیز اجلی» بر روی بنای آتشکده ای که هنوز آثار آن در گوشه ای از مسجد دیده می شود، به سبک مسجدهای عربی ساخته شده و مجموعه کم نظیری شامل مدرسه حاج حسین نورالدین، آب انبار حاج حسن، راسته بازار، میدان تعزیه، حمام و قلعه میان شهر در کنار آن قرار دارد.» مسجد جامع اردستان که طی دوره های آل بویه، سلجوقی و... مورد بازسازی قرار گرفته، ویژگی خاص مساجد قبل از ایلخانیان (قرن هشتم به بعد) و عدم استفاده از کاشی های لاجوردی را دارد و تمام آن از خشت و گل ساخته شده است. دیگر بناهایی که قدمت اردستان را تایید می کند، مسجد امام حسن و آب انبار مجاور آن و همچنین مسجد خسرو است که متأسفانه در طول سال ها و سده ها، دستخوش تخریب شده و هم اکنون، فقط سر در ورودی آن برجای

مانده است. همچنین بنای مسجد جامع زواره در بخش مرکزی زواره، در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی اردستان، با توجه به مدارک موجود، اولین مسجد چهار ایوانی ایران است که در دوره سلجوقی ساخته شده و اصالت خود را تاکنون به نحو شایسته ای محفوظ کرده و این مساجد، به اضافه آرامگاه های تاریخی مهم ترین مکان های تاریخی شهرستان اردستان را تشکیل می دهند و مجموعاً در این شهرستان ۸۰ اثر تاریخی وجود دارد که از بین آن ها ۳۰ اثر در فهرست آثار ملی ثبت شده و بخشی از آن ها عبارت است از کاروانسرای جوگند واقع در جاده اردستان به ناین، مجموعه آسیاب های آبی در مناطق رامیان و زواره، مجموعه کاخ سرهنگ آباد در شرق زواره و... اردستان، به شهادت منابع تاریخی، در دوران اشکانی، پایتخت اردوان چهارم بوده و اردشیر اول، بنیان گذار پادشاهی ساسانی، آتشکده ای در آن بنا کرده است. این شهر، در دوران صفویه از شهرهای آباد و مهم کشور به شمار می آمد و نقل شده مردم آن هنگام حمله اشرف افغان به اصفهان، چنان پایداری و استقامتی در برابر مهاجمان نشان دادند که موجب حیرت اشرف افغان شد. در دوران قاجاریه، به ویژه هنگام حکومت ناصرالدین شاه اردستان جایگاه بهتری یافت، اما پس از کشته شدن ناصرالدین شاه ناامن شد. مختصات جغرافیایی شهرستان اردستان، در شمال استان اصفهان، در جنوب کویر نمک، در ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه پهنای شمالی و ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد. از شمال به استان سمنان، از غرب به شهرستان های کاشان، نطنز و

برخوار و میمه، از شرق به شهرستان نایین و از جنوب به شهرستان های اصفهان و نایین محدود است. آب و هوای این شهرستان گرم و خشک بوده و بیش ترین درجه حرارت در تیر و مرداد و کم ترین آن در دی و بهمن است. پوشش گیاهی این ناحیه از گونه استپ بیابانی است. کوه های غیر منظمی از شعبه های کوه کرکس، از جنوب شهرستان می گذرد، از سطح دریا یک هزار و ۲۰۷ متر ارتفاع دارد و مناطق معروف آن عبارتند از: «موغار، زواره، مهاباد، سهامیه، مزارع، مزد آباد، مه آباد، امیران، کچو، هندوآباد، مهرآباد و... که از آن ها مشاهیری چون علی بن حسن زواره ای، مجمر زواره ای و محیط طباطبایی، سید حسن مدرس، میرزا حسن جلوه و... برخاسته اند که هر یک جزو مفاخر کشور به شمار می آیند. بعضی جغرافی دانان معتقدند واژه اردستان از دو بخش اریه به معنی مقدس و فرشته موکل بر آن و پسوند ستان به معنای مکان تشکیل شده. زیرا قبل از ظهور اسلام آتشکده های متعددی در این شهر دایر بوده که از جمله آن ها آتشکده معروف مهر اردشیر قابل اشاره است و جغرافیا نویسان قرن چهارم قمری از آن به عنوان شهری مستحکم یاد کرده اند که یک مایل مربع مساحت داشته و بارویی با پنج دروازه آن را احاطه کرده بود و جمعی دیگر، نام اردستان را متشکل از دو پاره «ارد» به معنی مرد خشمگین و «ستان» به معنای مکان دانسته و از آن به عنوان سرزمین مردان غیور و خشمگین یاد کرده اند و البته این روایت هم

وجود دارد که اردستان چون از بناهای اردشیر دراز دست است، نام خود را از اسم او وام گرفته است. نام اردستان، در افسانه های فولکلوریک نیز آمده و از جمله بر پایه یکی از افسانه ها، اردستان مسکن رستم دستان، جهان پهلوان باستانی بوده و ابتدا ارگ دستان نام داشته و سپس به ارگستان و سرانجام به اردستان تغییر نام داده است. بر پایه این افسانه، طایفه لیلان، که از طایفه های پرجمعیت اردستان به شمار می آیند، از اعقاب لیلان، برادر رستم هستند. بر پایه نوشته های جغرافیا نگاران ایرانی و عرب، این شهر در دوران آل بویه با نطنز، بلوکی را تشکیل می داد که مرکز آن اردستان و جایگاه فرمانروایی حاکم دیلمیان بوده است.

شهر تاریخی زواره

تاریخچه

زواره شهری کوچک در حاشیه جنوبی دشت کویر ایران است. این شهر در مختصات جغرافیایی ۳۳، ۲۷ شمالی و ۵۲، ۲۷ شرقی و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری اصفهان واقع شده است. زواره از آبادیهای کهن ایران است و نام آن از نام برادر رستم گرفته شده است. در آن بناهای تاریخی همچون منار زواره در مسجد امام حسن مجتبی (که گفته می شود قبل از اسلام آتشکده بوده است) قلعه ی مغول مسجد جامع چهار ایوانی زواره (قدیمی ترین مسجد چهار ایوانی ایران) که در آن کتیبه هایی نیز وجود دارد. در زواره اغلب ساکنین سید طباطبایی هستند. زواره ساختاری گلی و دارای معماری ایرانی اصیل بوده که امروزه در حال تخریب این آثار هستند. زواره در شمال شرقی استان اصفهان و در مجاورت کویر مرکزی قرار دارد.

در مرکز شهر زواره دورنمای گنبد کاشیکاری شده بارگاه امامزاده یحیی علیه السلام فرزند امام

موسی بن جعفر علیه السلام نظرها را به خود جلب می کند. در جوار مرقد مطهر این امامزاده جلوه های هنر معماری چون بازار، حسینیه های سرپوشیده و سرباز بزرگ، مدرسه علمیه، آب انبار، مسجد کرسی، حمام و بانداک قدمی فراتر از آن بازارچه، مسجد جامع، حسینیه های سرباز و سرپوشیده کوچک، بنای تاریخی هشت بهشت و بقعه پیر عارف سید بهاءالدین حیدر، خانه های چهار صغه ای، و مسجد نیکویه و مناره تاریخ قلعه ها، یخچال، برج و باروهای به یادگار مانده از دوران گذشته به چشم می خورد.

مسجد زواره اولین مسجد چهار ایوانی در معماری اسلامی جهان است که در زمان سلجوقیان ساخته شده است.

شهرستان سمیرم

تاریخچه

شهرستان سمیرم دارای پیشینه ای دیر سال است. در مناطق مختلف این شهرستان نشانه هایی از مدنیتی بسیار کهن دیده شده که سابقه تاریخی این ناحیه را به هفتصد سال قبل از میلاد مسیح باز می گرداند. در منطقه کمه آثار سکونت پارس ((پارس وادر)) و در شهر سمیرم شواهدی از وضعیت مدنی این شهر در دوره هخامنشیان بدست آمده است که همگی بر پیشینه باستانی این شهرستان گواهی می دهند. همچنین در قلعه مختار در نزدیک دریاچه حنا ((در شرق سمیرم)) قلعه سنگی از آثار دوره ساسانیان است. در این قلعه یک آتشدان متعلق به این دوران بدست آمده است. در اطراف شهر سمیرم پنج عدد میل سنگی وجود دارد که مربوط به آتشکده های ساسانیان بوده اند و نشان می دهند که سمیرم در زمان ساسانیان نیز در حد یک شهر وسعت و جمعیت داشته است. پس از دوره ساسانیان تا چندین قرن از وضعیت و

تاریخ سمیرم آثار و اسنادی در دست نیست اما چنانچه از گزارشهای تاریخی بر می آید در دوره دیلمیان ((آل بویه)) سمیرم دارای دژی محکم بوده است. در دوره سلجوقیان سمیرم شهری نسبتاً بزرگ بوده و قلعه ای استوار داشته است. سمیرم در این زمان مهریه گوهر خاتون ((همسر محمد بن ملک شاه)) سلجوقی بوده است. از طرفی وزیر سلطان محمود سلجوقی نیز فردی از اهالی سمیرم به نام کمال الدین علی سمیرم بوده است. به همین خاطر این شهر در دوره سلجوقیان مورد توجه قرار گرفت و بسیار رشد یافت و آباد گشت. سمیرم در دوره سلجوقیان نقش مهمی در ارکان مدیریتی این سلسله ایفا کرده است. چنانچه غیر از کمال الدین علی، وزیران دیگری نیز در این دوره از سمیرم برخاسته اند مانند عبدالرحمان سمیرمی وزیر سلطان برکیارق و ابواسماعیل موالدین مشهور به ((طغرای)) وزیر سلطان مسعود. این شهر در حمله مغول به ایران از گزند مغولان در امان نماند و سخت آسیب دید در دوره صفویان و پس از آنکه پایتخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت، سمیرم دوره دیگری را تجربه کرد زیرا هم به شهر اصفهان نزدیک بود و هم آب و هوای معتدلش مورد پسند پادشاهان صفوی بود.

در این دوره آسیاب های برزک روغن گیری در سمیرم تاسیس شد که در آنها روغن برزک جهت سوخت چراغهای دربار به پایتخت فرستاده می شد.

روستای آب ملخ

تاریخچه

روستای آب ملخ در ۵۰ کیلومتری مرکز شهرستان سمیرم و در دامنه ارتفاعات سر به فلک کشیده دنا واقع گردیده که اگر آب ملخش نمی گفتند نیمروز نام مناسب برای این ده ته دره

افتاده بود. آفتاب بیش از سه ساعت در ره گذر این ده نمی ماند، طلوع و غروبش ۳ ساعت فاصله دارد.

شهرستان گلپایگان

تاریخچه

گلپایگان از طرف شمال به محلات و کمره (خمین) و از طرف مغرب به کوه های بختیاری و الیگودرز و از طرف جنوب به خوانسار و کوه های بختیاری و از طرف مشرق به کوه شیخ احمد و کوه صالح محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۱۸ متر است. (مبنای ارتفاع سطح متوسط آب خلیج فارس در منطقه فاو که مبنای مسطحات اروپائی می باشد.) گلپایگان از مناطق نیمه صحرائی است و به علت نزدیکی به کویر مرکزی بارندگی آن کم و دارای زمستان های گرم می باشد و هوایش متغیر است. دشت گلپایگان، وسیع و آب آن از رودخانه و قنات و چشمه و منابع آب های زیرزمینی تامین می گردد. بنای مناره آجری سلجوقی در زمره بلندترین مناره های قرن پنجم هجری قمری که دارای دو در است و در درون آن پلکانی تعبیه شده است. قسمت های پایین و بالای مناره مرمت گردیده و دارای کتیبه آجری است که این کتیبه به خط کوفی نوشته شده و فاقد تاریخ می باشد و متن کتیبه آن از آیات کلام الله مجید است. این مناره با قدمتی حدود ۹۰۰ سال در برابر عوامل طبیعی (زلزله، باد، باران، سرما و گرما) سرفراز برجای مانده است و از جمله بلندترین مناره های ایران می باشد.

دو راه پله دارد که بصورت دورانی با ۶۴ پله به بالای مناره می توان صعود کرد. این مناره از زمان سلجوقیان می باشد که ساختمان آن را

احتمالاً با ساختمان مسجد جامع و بازار چهارسوق همزمان می دانند. تا حدود چهل سال قبل، اطراف آن خرابه و چاله چوله بود که مردم گاهی از آنجا خاک می بردند و قطعه های ظروف سفالین شکسته نیز دیده می شد و آن محل را چاله های پامناره می گفتند. جای خندقی هم بود که یک قسمت آن را برای زمین ورزش صاف کرده بودند ولی اکنون فقط چند متری اطراف مناره را حصار نموده اند. گفته می شود این مناره برای راهنمایی کاروانیان بوده و بالای آن چراغ نصب می کرده اند و در جنوبی چهارسوق از جلوی مناره شروع می شده است. فعلاً خیابان، گودتر از سطح پای مناره و بازار چهارسوق است. دوشیر قبلا در محل پاشیرا نزدیک مقبره بابا عبدالله در کنار جاده قافله و ابتدای کوچه حکومتی بودند. میدان پاشیرا نسبتاً وسیع و دکه بازی و ورزش بچه های محل بود و براین شیرها که وسیله سرگرمی بچه ها بود سوار می شدند و بازی می کردند. بعد از خیابان کشی چون خیابان چند متری از جاده قافله فاصله پیدا کرد و زمین های اطراف پاشیرا را با قسمتی از جاده قدیم به مالکین آن حدود دادند و میدان پاشیرا را هم گود برداری نمودند که رختشوی خانه بسازند. شیرهای سنگی رابا تخته و گرده چوب و غلطک که بوسیله دو گاو نر کشیده میشد، تک تک به پای مناره منتقل کردند. شیرهای سنگی امروز در زیر سایه مناره سلجوقی محبوس اند. بنای سیداسادات که مربوط به دوران قرن هشتم هجری است، دارای ایوان و غرفه های دو طبقه و

گلدسته و گنبدی به بلندی ۹ متر است. تزئینات سمت شمال شرقی و جنوب شرقی این بقعه از نظر ظرافت کار شایان توجه می باشد. در سال ۱۳۵۴ شمسی یک خیابان جدید کنار این امامزاده و ساختمان مسجد جامع احداث گردیده است. بنا به نوشته اشعاری که بر روی سنگ حک شده است و سنگ مزبور در طرف راست در ورودی بقعه می باشد، سه تن از فرزندان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام به نام های: امامزاده اسحاق، امامزاده منصور و امامزاده رضا در آنجا مدفون اند. قبر دیگری به نام امامزاده یحیی فرزند حضرت امام علی النقی علیه السلام می باشد. این بقعه مبارکه در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار توسط مردی محتشم به نام حاج میرزا مهدی خان تعمیر و مرمت گردیده است. بنای جامع گلپایگان از مساجد مهم تاریخی دوران سلجوقی است. این مسجد دارای صحن و شبستان وسیع و گنبد بزرگ آجری می باشد و متعلق به زمان محمد بن ملکشاه سلجوقی و از حیث نکات فنی و ساختمانی دارای امتیازات فراوانی می باشد. از خصوصیات مسجد و گنبد آن دارا بودن کتیبه های آجری متعدد و تزئینات فراوان دوره سلجوقی است. در متن کوفی گنبد، نام محمد بن ملکشاه خوانده می شود و اطراف محراب بزرگ زیر گنبد در متن کتیبه ای نام بانی آن بنای عظیم را، ابونصر بن محمد بن ابراهیم آورده اند. همچنین بر بدنه های مختلف شبستان نام بزرگان دین و جملات مذهبی را به خط کوفی آجری نوشته اند. در زمان فتحعلی شاه قاجار شبستان های ساده طرفین گنبد و بناهای شرقی و غربی مسجد را احداث

نموده و بر ساختمان های گنبد عهد سلجوقی افزوده اند. ساختمان گنبد عهد سلجوقی متعلق به اوایل قرن ششم هجری قمری است. بنای بقعه هفده تن از اینیه قرن ۱۱ هجری قمری است. در زمان شاه عباس اول صفوی که بر طبق کتیبه سر در آن در سال ۱۰۳۲ هجری قمری ساخته شده است. بر روی بنای هشت گوش بقعه گنبد، کاشی کاری باشکوهی قرار گرفته است که از لحاظ ساختمانی و تزئین کاشیکاری بسیار جالب و زیباست. کتیبه منظوم ارسی مفصلی در توصیف شاه عباس اول صفوی در این بنا به یادگار مانده و حاکی از احداث این بقعه بوسیله امام قلی خان سردار معروف آن زمان است. طبق شجره نامه موجود در اداره اوقاف و هفده تن افرادی که در این محل مدفون اند عبارتند از: امام زاده ابو الحسن فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام، سلطان اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام، صالح و قاسم فرزندان جعفر بن علی علیه السلام، عباس و حسین فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، شهربانو و حلیمه و صفورا دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، علی اکبر بن علی بن حسین علیه السلام، محمد بن محسن بن علی بن حسین علیه السلام، محمود و محسن و عبدالله بن یحیی بن امام موسی الکاظم علیه السلام، موسی و مظفر فرزندان جعفر طیار، اسحق فرزند ابراهیم که مشخص نیست ابراهیم مزبور به کدام امام منتسب است. بقعه ناصر بن علی بن ایطال علیه السلام در قسمت شرقی هفده تن و در فاصله چند متری آن است. در مورد شهادت این بزرگوار شایعاتی وجود دارد که از

سنگدلی قاتلین او دارد و می گویند کسانی که او را شهید کرده اند، از ایادی خلیفه عباسی بوده اند و در نهایت بی رحمی او را زنده لای جرز دیوار گذاشته و شهید کرده اند. این بقعه نیز توسط امام قلی خان سردار لایق دربار صفویه ساخته شده که بعدا تعمیر گردیده است. از جمله کارهای دستی هنر منبت کاری می باشد که از زمان های گذشته در این شهر اساتید معروفی داشته است. منبت کاران، انواع نقش های جالب را بانیش قلم منبت بر روی چوب گلابی و گردو و امثال آن در می آورند و با تلفیق برش سطحی جوش ها و گره های چوب سنجد و برخی چوب های جنگلی که بر سطح کار می چسبانند، وسایل تزئینی جالبی می سازند. انواع قاب عکس و ظروف و جعبه های منبت که هنرمندان می سازند وسایل تزئینی و دکوراسیون و فروشگاه های هنری را تشکیل می دهد. در گلپایگان و حومه مخصوصا حوزه جلگه بیش از پنج شش هزار کارگاه برای قالی بافی دستی به نام دیواری و دار زمینی وجود دارد. انواع قالی نخ فرنگ و فرش های معمولی در ابعاد مختلف تو دری و نیم و دو ذرعی و شش ذرعی و نه ذرعی و دوازده ذرعی و سرانداز و پنج چارکی می بافند. نوعی از فرش گلپایگان به نام ویس و یاوری با پشم گوسفند و رنگ دندان و نخ مرغوب و بافت خاص دارای استقامت فوق العاده می باشد.

مسابقه

سوالات

۱. تشیع از چه زمانی پدید آمده است و بنیان شیعه در اصفهان از چه وقت پا گرفت؟

الف) رحلت

رسول اکرم (ص) - صفویه

ب) امیرالمومنین (ع) - صفویه

ج) رسول اکرم (ص) - صفویه

د) حضرت زهرا (س) - صفویه

۲. وجه تسمیه لسان الارض چیست و در کجای اصفهان قرار دارد؟

الف) سخن گفتن زمین - تخت فولاد

ب) به زبان آمدن زمین - گلستان شهدا

ج) حرف زدن زمین - تخت فولاد

د) حرف زدن زمین - گلستان شهدا

۳. صاحب بن عباد کیست؟ یکی از خدمات او را نام ببرید.

الف) عالم شیعی - بنیان گذار نهضت شیعه در اصفهان

ب) عالم شیعی - بنیان گذار نهضت علوی در اصفهان

ج) عالم اندیشمند شیعه - سرودن اشعار پیرامون امام علی (ع)

د) عالم بزرگوار شیعه - ساخت مساجد در اصفهان

۴. نمایشگاه نصف جهان در کجا قرار دارد و موضوع این نمایشگاه چیست؟

الف) میدان امام حسین - صنایع دستی

ب) میدان امام - صنایع دستی

ج) باغ چهلستون - آثار هنری

د) باغ گلدسته - آثار هنری

۵. چند شاهکار هنری معماری در اصفهان را نام ببرید.

الف) میدان امام - مسجد جامع - منار جنبان

ب) مسجد جامع - میدان امام - باغ گلداسته

ج) هتل عباسی - چهار باغ - میدان امام

د) میدان انقلاب - چهار باغ - هتل عباسی

۶. نقش علامه شیخ بهایی در معماری های کهن اسلامی اصفهان چیست؟

الف) طراحی و مهندسی آثار معماری در اصفهان

ب) نظارت و راهبردی کردن آثار هنری اصفهان

ج) طراحی و نظارت آثار معماری در اصفهان

د) نظارت و مهندسی آثار معماری اصفهان

۷. سنگابها به چه اهداف و منظوری ساخته می شد؟

الف) بیاد تشنگی امام حسین و یارانش

ب) رفع عطش مردم و یاد سید الشهداء (ع)

ج) رفع عطش و زیبایی بیشتر مساجد و اماکن

د) زیبایی اماکن و آثار هنری

۸. اولین مسجد اصفهان چه نام دارد و در زمان چه کسی ساخته شد؟

الف) مسجد امام - صفویه

ب) مسجد مقبره امام زاده اسماعیل و زمان امیر المومنین (ع)

ج) مسجد جامع - در زمان علامه مجلسی

د) مسجد بابا

علی سقا - در زمان علامه مجلسی

۹. قوانینی که علامه مجلسی (ره) درباره یهودیان وضع کرد، چه بود؟ به دو مورد اشاره کنید.

الف) یهودیان خانه های خود را پایین تر از مسلمانان بسازند.

ب) یهودیان سقف درب خانه های خود را پایین تر از مسلمانان بسازند.

ج) یهودیان جریه به مسلمانان پرداخت نمایند.

د) یهودیان با اجازه مسلمانان فعالیت اقتصادی داشته باشند.

۱۰. سوغات اصفهان چیست؟

الف) گز و صنایع دستی

ب) سوهان و گز

ج) سوهان و صنایع دستی

د) گز و آثار هنری

طریقه ارسال

شما می توانید با ارسال پاسخ درست به صورت پیامک با شماره ۱۰۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۰ در مسابقه ما شرکت کنید.

تاریخ قرعه کشی

در هر ماه با ۲۰ جایزه برگزیده

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹